



انست سلامت و آموزش های پزشکی
سازمان های
وزارت آموزش و تعالی دولت

نهمین کنگره ملی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



مشهد مقدس
۲۷ الی ۲۹ آبان ۱۳۹۷

محورهای همایش

رویکردهای نوین در توسعه سواد سلامت
مشارکت اجتماعی و جامعه سالم
ارتقای سلامت، شادکامی و کیفیت زندگی
کنترل بیماری های غیرواکیر و سبک زندگی سالم
مسئولیت پذیری و پاسخگویی در ارتقای سلامت
سلامت، سرمایه اجتماعی
سلامت در همه سیاست ها
اجتماعی شدن سلامت

تاریخ های مهم

شروع ارسال چکیده مقالات: ۱۵ اسفند ۱۳۹۶
آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات: ۱ مهر ۱۳۹۷
آخرین مهلت ثبت نام در همایش: ۱۰ آبان ۱۳۹۷

سایت همایش
http://www.nma97.ir
مکان برگزاری

شهرستان مشهد مقدس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی



انرس دبیر خانه همایش

گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
پنل ۱۳۹۷
فصل ۱۵، آذر ۱۳۹۷
شماره ۱۳۹۷



فهرست عناوین

- ۳..... پیام جناب آقای دکتر محمد صفریان، رئیس همایش
- ۴..... پیام خانم دکتر نوشین پیمان، دبیر علمی همایش
- ۵..... اعضای شورای سیاستگذاری
- ۶..... اعضای کمیته علمی
- ۷..... اعضای کمیته اجرایی
- ۸..... اعضای کمیته ارزشیابی فورومها
- ۱۳..... مقالات پذیرفته در همایش

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیامر جناب آقای دکتر محمد صفریان، رئیس همایش



به نام خدا

ارتقای سلامت جامعه نذرخه نیرین و همیشگی نوع بشر است که در آموزه های دینی نیز از جایگاه خاص برخوردار بوده و از ضروریات اجتناب ناپذیر توسعه پایدار اجتماعی میباشد. ایده یونانی، ساماندهی و توسعه آموزش در بخش بهداشت و پیشگیری از بیماری ها و افزایش سواد سلامت از وظایف اصلی دانشگاه ها و مراکز آموزشی بعنوان موتور محرک فکری جامعه و حتی سیستم اجرایی و تصمیم سازان این بخش می باشد. در همین راستا و بدنبال همایش های قبلی و به همت همکاران عزیزم در گزوه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و با همکاری صمیمانه دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی و انجمن آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت و سایر همکاران فعال در حوزه سلامت و آموزش بهداشت، فرصتی مجدد فراهم آمده تا اینها های نو، یافته ها و اندیشه های راهگشا و تجربیات همکاران و اساتید محترم و برجسته این حوزه مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به اشتراک گذاشته شوند. میزبانی جمعی از فرهیختگان و اندیشه ورزان این حوزه افتخاری است که نصیب اینجانب و همکاران من در دانشگاه علوم پزشکی مشهد شده است و امیدوارم فرصت طلائی تلمذ در محضر اساتید معظم، توفیق ارتقای توان و دانش حقیر و همه مشتاقان علم و اندیشه را به ارمغان آورد. حظ معنوی تشریف به حرم مطهر رضوی و زیارت و پابوسی آن امام همام توفیقی افزون برای میهمانان محرز است. تمنای دقای خیر در تشریف به آن استان منور خواست و پشتوانه معنوی خادمان کشور و مجاوران آن مضجع شریف است.

در افتخار میزبانی شما، جان فروش راهتان می کنیم و با همه وجود تلاش می نمایم تا از آن افتخاری بزرگ بسازیم و پیشاپیش امید داریم بر قصور خدمت ما به دین عفو بنگرید و بزرگواری خویش را بهانه این بخشش قرار دهید.

در پایان تشکر از همه عوامل اجرایی و علمی این کنگره و مسئولین محترم وزارت متبوع؛ آقای دکتر سید محمد هادی ایازی معاون امور اجتماعی وزارت، آقای دکتر محمد مهدی گلستانی مشاور و سرپرست دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد و در راس همه ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر نادری و سایر عواملی که در این برنامه ما را حمایت کردند و یا در اجرای آن کمک نمودند بر خود لازم می بینم، بی شک، بدون تلاش صادقانه این عزیزان خلق این فرصت میسر نمیشد.

خدا یا چنان کن سزاجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

دکتر محمد صفریان

رئیس کنگره

رئیس همایش:

آقای دکتر محمد صفریان

دبیر کمیته علمی کنگره:

خانم دکتر نوشین پیمان

همکار دبیر علمی کنگره:

آقای دکتر محمد رضا میری

دبیر کمیته اجرایی کنگره:

آقای دکتر مهدی قلیان اول

همکار دبیر اجرایی کنگره:

آقای دکتر حمیدرضا محدث حکاک

دبیرخانه:

آقای سیر مجید محمدی

ویراستار علمی و ادبی: دکتر هادی طهرانی

طراح و صفحه آرایی: ابوالفضل آمرزش

نشانی: مشهد، خیابان دانشگاه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دبیرخانه همایش

تلفن: ۰۵۱۳۱۸۹۲۹۹۰



پیام خانم دکتر نوشین پیمان، دبیر علمی همایش

بسم الله الرحمن الرحيم

سلامت مفهومی مثبت است که به منابع و ریشه های فردی و اجتماعی و نیز توانایی های افراد وابسته است. سازمان جهانی بهداشت در منشور اتاوا ارتقاء سلامت را «فرایند قادر سازی افراد برای کنترل عوامل مؤثر بر سلامت خود» تعریف کرده است. بنابراین، نوع برخورد هر فرد با سلامت فردی و جمعی، به میزان زیادی به سطح سواد سلامت وی بستگی دارد. لذا، توانمندسازی افراد و جوامع برای شناخت نیازها، تصمیم گیری و اجرای آگاهانه و مسوولانه رفتارهای فردی و جمعی سالم، نیازمند توسعه منطقی و مؤثر ظرفیت های سازمانی و اجرایی آموزش سلامت در بخش سلامت است.

در رویکردهای نوین علمی، آموزش سلامت به عنوان بخشی از استراتژی های توسعه اجتماعی مطرح می باشد، که می تواند سبب ارتقاء توانایی ها و مهارت های زندگی و ارتقای سطح آگاهی مردم در مورد تأثیر فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی و فردی بر سلامت و همچنین ایجاد تغییرات مثبت در محیط های اجتماعی از طریق تأثیر گذاری بر سیاست های اجتماعی در راستای سلامت گردد. بنابراین بدون وجود ساختاری مناسب برای آموزش سلامت در بخش سلامت کشور نمی توان به اهداف ارتقای سلامت دست یافت.

لذا برپایه همین نیاز و توسعه اجتماعی در این زمینه، نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و دومین همایش سواد سلامت در تاریخ ۹۷/۸/۲۷ لغایت ۹۷/۸/۲۹ توسط دانشگاه علوم پزشکی مشهد با همکاری دانشگاه خراسان جنوبی، شمالی و انجمن آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، در شهر مشهد مقدس پایتخت معنوی جهان اسلام برگزار می شوند. امید است این رویداد بزرگ علمی با همکاری صاحب نظران و اندیشمندان در این حوزه، امکان تبادلات علمی و پژوهش های میان اساتید و متخصصین و جلب حمایت اندیشمندان کشور را در حیطه ارتقاء سلامت فراهم نموده و گامی کوچک در پیشبرد اهداف عالی ایران اسلامی برداشته شود.

این کنگره به گونه ای طراحی شده است که علاوه بر توجه به تبادل تازه های علمی و پژوهشی، امکان فرهنگ سازی و تولید بستر مناسب برای تأثیر گذاری بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فردی را در راستای ارتقاء سلامت فراهم می نماید. امکان مشارکت حداکثری اساتید و صاحب نظران در قالب فروم های هدفمند برای معرفی هر چه بیشتر ظرفیت های مربوط به آموزش سلامت در کشور از دیگر ویژگی های مهم این کنگره است.

برگزارکنندگان این کنگره انتظار دارند با الطاف خداوند متعال، این کنگره علمی بتواند در توسعه علمی و منطقی آموزش سلامت در کشور نقش مهمی را ایفا نماید و موجبات آشنایی سیاستگذاران نظام سلامت کشور با پتانسیل های نهان آموزش بهداشت و ارتقای سلامت را فراهم کرده و کمکی هرچند اندک در توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد.

بهره مندی از فضای معنوی و زیارت هشتمین خورشید آسمان امامت و ولایت، از توفیقات ارزشمند این کنگره است، و خداوند را شاکریم که افتخار خدمت رسانی به زائرانش را نصیب ما نموده است.

دبیر خانه کنگره با افتخار از همه متخصصان، دانشگاهیان و پژوهشگران مراکز علمی و تحقیقاتی دعوت می نماید تا در این رویداد مهم ملی شرکت نموده و با آخرین دستاوردهای علمی و اجرایی خود بستر دستیابی به اهداف فوق را فراهم نمایند. پیشاپیش از اعضای کمیته علمی و اجرایی کنگره و پژوهشگران برجسته ای که دعوت ما را جهت شرکت در این کنگره پذیرفته اند و همچنین کلیه دانشجویان توانمند و پویا که در این زمینه تلاش می کنند، قدرانی و تشکر می نمایم. مشتاقانه منتظر دیدار شما در این رویداد علمی هستیم.

دکتر نوشین پیمان

دبیر علمی کنگره

اعضای شورای سیاست‌گذاری

آقای دکتر محمد رضا دارابی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد	آقای دکتر سید محمد هادی ایازی، معاون امور اجتماعی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی
آقای دکتر دهقان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند	آقای حجت الاسلام دکتر مهدی ابراهیمی، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر شهرام رفیعی فر، مشاور معاونت اجتماعی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	آقای دکتر محمد اعتضادرضوی، معاون آموزشی رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد صفریان، رئیس دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد	آقای دکتر سید حامد برکاتی، مدیر کل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت
آقای دکتر فرشید عابدی، معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند	آقای دکتر حمیدرضا بهرامی، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای حجت الاسلام دکتر سید محمود طباطبائی، رئیس نمایندگی نهاد مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی مشهد	آقای دکتر محمدحسین بحرینی، معاون پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر سید کاظم فرهنگند، معاون فنی مرکز بهداشت استان خراسان رضوی	آقای دکتر هادی بختیاری، معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد
آقای دکتر محمد مهدی گل‌مکانی، مشاور و سرپرست دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	آقای دکتر شاپور بدیعی اول، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای نوروزیان، رئیس کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان خراسان رضوی	خانم دکتر نوشین پیمان، مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمود محمدزاده شبستری، رئیس بنیاد سلامت آستان قدس رضوی	آقای دکتر محسن تفقدی، معاون پژوهش و فناوری دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای احمد علی موهبتی، فرماندار شهرستان مشهد	آقای دکتر محمد حسین تقدیسی، رئیس انجمن علمی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
آقای دکتر محمد رضا میری، رئیس دانشکده بهداشت و مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی-بیرجند	آقای مهندس قاسم تقی زاده خامسی، شهردار مشهد
آقای دکتر حمید رضا محدث حکاک، رئیس دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	آقای دکتر حمید توکلی قوچان، مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
خانم دکتر میترا مودی، رئیس مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند	آقای دکتر علی حق بین، رئیس دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
	آقای دکتر غلامحسین خدایی، معاون اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

اعضای کمیته علمی کنگره

خانم دکتر مهناز صلحی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
خانم دکتر رویا صادقی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
آقای دکتر ایرج ضاربان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
خانم دکتر صدیقه طوافیان، دانشگاه تربیت مدرس
آقای دکتر هادی طهرانی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر علی عمادزاده، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم دکتر مرزیه عربان، دانشگاه علوم پزشکی اهواز
آقای دکتر فضل الله غفرانی پور، دانشگاه علوم پزشکی تربیت مدرس
آقای دکتر محتشم غفاری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
آقای دکتر مهدی قلیان اول، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد حسین کاوه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
آقای دکتر کامبیز کریم زاده، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
خانم دکتر پریسا کسمائی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان
خانم دکتر رباب لطیف نژاد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد علی مروتی شریف آباد، دانشگاه علوم پزشکی یزد
آقای دکتر سید سعید مظلومی، دانشگاه علوم پزشکی یزد
آقای دکتر مسعود مطلبی قاین، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
آقای دکتر غلامرضا مسعودی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
خانم دکتر مهرالسادات مهدی زاده، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر حمید رضا محدث حکاک دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
آقای دکتر بابک معینی، دانشگاه علوم پزشکی همدان
آقای دکتر مهدی مشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
آقای دکتر عیسی محمدی زیدی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین
آقای دکتر سیامک محبی، دانشگاه علوم پزشکی قم
خانم دکتر خدیجه میرزایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم دکتر میترا مودی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی-بیرجند
خانم دکتر انسبه نوروزی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی-بیرجند
خانم دکتر آریتا نوروزی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
آقای دکتر محمد واحدیان شاهرودی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر مسعود وکیلی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان
آقای دکتر سید محمد مهدی هزاوه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی همدان
خانم دکتر عفت هاتف نیا، دانشگاه علوم پزشکی البرز
دکتر معصومه هاشمیان، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
خانم مینا السادات هاشمی، دانشگاه علوم پزشکی مراغه

خانم دکتر نوشین پیمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد رضا میری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی-بیرجند
آقای دکتر حمید اله وردی پور، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
خانم دکتر فرخنده امین شکروی، دانشگاه تربیت مدرس
آقای دکتر محمد اسدپور، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
آقای دکتر احمد علی اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
آقای دکتر عابدین ایرانپور، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
آقای دکتر تیمور آقا ملایی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان
آقای دکتر حسین اشتریان، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
آقای دکتر محمد حسن اعلمی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر شاپور بدیعی اول، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم محبوبه پاکدل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد حسین تقدیسی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
آقای دکتر رضا توکلی، دانشگاه آزاد اسلامی
آقای دکتر علی تقی پور دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد تاجفر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر حمید توکلی قوچانی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
خانم دکتر سیده بلین توکلی ثانی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم دکتر طاهره پاشایی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان
خانم دکتر زهرا جلیلی، دانشگاه آزاد اسلامی
آقای دکتر سید حمید حسینی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
آقای دکتر کاوه حجت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
آقای دکتر مهدی خان کلابی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
آقای دکتر محبوبه خرسندی، دانشگاه علوم پزشکی اراک
آقای دکتر علیرضا حیدرنیا، دانشگاه تربیت مدرس
آقای مهندس غلامرضا شریف زاده، دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی-بیرجند
آقای دکتر علی رمضانخانی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
خانم دکتر فاطمه رخشانی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
آقای دکتر هرمز سنایی نسب، دانشگاه علوم پزشکی بقیه اله
آقای دکتر داوود شجاعی زاده، دانشگاه علوم پزشکی تهران
آقای دکتر غلامرضا شریفی راد، دانشگاه علوم پزشکی قم
آقای دکتر عبد الرضا شقاقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
آقای دکتر محسن شمس، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
خانم دکتر اکرم کریمی شاهتجرینی، دانشگاه علوم پزشکی همدان

اعضای کمیته اجرایی کنگره

- آقای دکتر مهدی قلیان اول
آقای دکتر حمیدرضا محدث حکاک، دانشگاه علوم پزشکی خراسان
شمالی-بجنورد
خانم دکتر نوشین پیمان، مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر رضا پروانه، معاون اجرایی مرکز مطالعات و توسعه آموزش
پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد تاجفرد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم دکتر سیده بلین توکلی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم زینب توحیدی فر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر سید جواد حسینی، قائم مقام معاون درمان دانشگاه علوم
پزشکی مشهد
آقای دکتر علی اکبر حریمی، مدیر امور داخلی معاونت پژوهشی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر علی خوش گفتار، رئیس اداره امور اداری معاونت بهداشتی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر حسین خوبان، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی
مشهد
- آقای دکتر علی میری دیسفانی، رئیس دبیرخانه کارگروه تخصصی
سلامت و امنیت غذایی استان
آقای مهندس مهدی دادخواه، گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و
اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد
آقای مهندس سید احسان سیدنوزادی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر سعید شاهین فر، مدیر اجرایی حوزه معاونت آموزشی
دانشگاه
آقای دکتر هادی طهرانی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمدحسین قورچی محب سراج، مدیر مشارکت های
مردمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم حشمت قدسی نژاد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خانم دکتر مهرالسادات مهدی زاده، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر حسن منفرد، مدیر امور پشتیبانی و رفاهی دانشگاه علوم
پزشکی مشهد
آقای سید مجید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای دکتر محمد واحدیان شاهرودی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
آقای مهرداد یوسفی فرد، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی
مشهد

اعضای کمیته ارزشیابی فورم ها

آقای دکتر سید وحید احمدی طباطبایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
خانم دکتر ابراهیمی توانی، وزارت بهداشت
آقای دکتر اکبر بابائی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز
خانم دکتر پیراسته، دانشگاه علوم پزشکی شاهد
آقای دکتر شهاب جهانلو، دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس
آقای دکتر حمید جوینی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
آقای دکتر بهروز حمزه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
آقای دکتر علیرضا دیدارلو، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
خانم دکتر طاهره دهداری، دانشگاه علوم پزشکی ایران
خانم دکتر فاطمه رحمتی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله
خانم دکتر فاطمه رجعتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
خانم دکتر فروزان رضاپور، دانشگاه علوم پزشکی همدان
خانم دکتر نسرين روزبهانی، دانشگاه علوم پزشکی اراک
آقای دکتر مجید رضایی راد، دانشگاه علوم پزشکی نیروی انتظامی
خانم دکتر فرشته زمانی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
خانم دکتر فاطمه زارعی، دانشگاه علوم پزشکی تربیت مدرس
آقای دکتر محسن شمسی، دانشگاه علوم پزشکی اراک
آقای دکتر رضا شهرآبادی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
آقای دکتر حسین شهنازی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
خانم محبوبه شیرزاد، مسئول دفتر انجمن آموزش بهداشت
خانم دکتر لیلی صالحی، دانشگاه علوم پزشکی البرز
خانم دکتر زهره فتحیان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
خانم دکتر لیلا قهرمانی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
آقای دکتر ذبیح اله قارلی پور، دانشگاه علوم پزشکی قم
آقای دکتر مسعود لطفی زاده، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد
خانم دکتر فیروزه مصطفوی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
خانم دکتر مهین نظری، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
آقای دکتر ابوالحسن نقیبی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

برنامه نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت و دومین همایش ملی سوان سلامت

روز اول کنگره یکشنبه ۹۷/۸/۲۷	
سالن همایش	
عنوان	ساعت
تلاوت قرآن کریم	۸:۰۰-۸:۱۰
سرود ملی	
بیان خیرمقدم از سوی رئیس محترم کنگره	۸:۱۰-۸:۲۰
بیان اهداف توسط دبیر محترم علمی کنگره	۸:۲۰-۸:۳۰
سخنرانی قائم مقام محترم رئیس دانشگاه درو امور مشارکتهای اجتماعی دانشگاه	۸:۳۰-۸:۴۰
سخنرانی سرپرست محترم دفتر آموزش بهداشت و ارتقای سلامت وزارت بهداشت	۸:۴۰-۹:۰۰
سخنرانی رئیس محترم دانشگاه	۹:۰۰-۹:۱۰
سخنرانی شهردار محترم مشهد	۹:۱۰-۹:۲۰
سخنرانی معاون محترم سیاسی اجتماعی و رئیس کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان خراسان رضوی	۹:۲۰-۹:۳۰
پذیرایی از میهمانان	۹:۳۰-۹:۴۵
بازدید از پوسترها	۹:۴۵-۱۰:۱۵
سخنرانی: Prof. Anthony Jorm از دانشگاه ملیبورن استرالیا	۱۰:۱۵-۱۱:۰۰
سالن شماره ۱	
فوروم با عنوان «شادکامی جامعه: یک رویکرد ارتقای سلامت»	۱۱:۰۰-۱۳:۰۰
هماهنگ کننده فوروم: دکتر بابک معینی	
سالن شماره ۲	
فوروم با عنوان «مسئولیت پذیری در ارتقای سلامت»	۱۱:۰۰-۱۳:۰۰
هماهنگ کننده فوروم: دکتر محمدحسین کاوه	
نماز و صرف نهار	۱۳:۰۰-۱۴:۰۰

برنامه نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت و سومین همایش ملی سوان سلامت

روز دوم کنگره دو شنبه ۹۷/۸/۲۸	
سالن شماره ۱	
عنوان	ساعت
تلاوت قرآن کریم	۸:۰۰-۸:۱۰
فوروم با عنوان «کارکردها و تجربیات موفق در برنامه های ارتقای سلامت»	۸:۱۰-۹:۳۰
هماهنگ کننده فوروم: دکتر محمد حسین تقدیسی	
سالن شماره ۲	
فوروم با عنوان «فرصتها و موانع مشارکت در برنامه های ارتقای سلامت»	۸:۱۰-۹:۳۰
هماهنگ کننده فوروم: دکتر میترا مودی	
پذیرایی از میهمانان	۹:۳۰-۱۰:۰۰
بازدید از پوسترها	۱۰:۰۰-۱۰:۳۰
سالن شماره ۱	
فوروم با عنوان « فرصت ها و موانع اجتماعی شدن سلامت»	۱۰:۳۰-۱۳:۰۰
هماهنگ کننده فوروم: دکتر عبدالرضا شقاقی	
نماز و صرف نهار	۱۳:۰۰-۱۴:۰۰

برنامه نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت و دومین همایش ملی سواد سلامت

روز سوم کنگره سه شنبه ۹۷/۸/۲۹	
سالن شماره ۱	
عنوان	ساعت
تلاوت قرآن کریم	۸:۰۰-۸:۱۰
فوروم با عنوان «سواد سلامت و مراکز ارتقای دهنده سلامت»	۸:۱۰-۹:۳۰
همهانگ کننده فوروم: دکتر حمیدرضا محدث حکاک	
سالن شماره ۲	
فوروم با عنوان «ارتقای سبک زندگی سالم»	۸:۱۰-۹:۳۰
همهانگ کننده فوروم: دکتر صدیقه سادات طوافیان	
پذیرایی از میهمانان	۹:۳۰-۱۰:۰۰
بازدید از پوسترها	۱۰:۰۰-۱۰:۳۰
سالن همایش	
برنامه اختتامیه کنگره (گزارش قطعنامه کنگره، دکتر محمد حسین تقدیسی، رئیس انجمن آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت)	۱۰:۳۰-۱۳:۰۰
نماز و صرف نهار	۱۳:۰۰-۱۴:۰۰

برنامه کارگاه های آموزشی در نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت و سومین همایش ملی سواد سلامت

عنوان کارگاه	تاریخ برگزاری	زمان برگزاری	مدرس
کارگاه آموزشی تحلیل داده های کمی با روشهای پیشرفته آماری (تحلیل عاملی، تحلیل مسیر و معادلات ساختاری)	۲۷ و ۲۸/۸/۱۳۹۷	۱۸:۰۰ - ۱۴:۳۰	دکتر جمشید جمالی
تجاری سازی محصولات و خدمات در بازار آموزش و ترویج سلامت	۲۷/۸/۱۳۹۷	۱۸:۰۰ - ۱۴:۳۰	دکتر محسن شمس
کارگاه آموزشی تحلیل داده های کیفی با استفاده از نرم افزار MAXQDA	۲۸/۸/۱۳۹۷	۱۸:۰۰ - ۱۴:۳۰	دکتر مهراسادات مهدیزاده
کارگاه آموزشی نحوه تدوین برنامه آموزشی ارتقاء تکامل دوران کودکی	۲۸/۸/۱۳۹۷	۱۸:۰۰ - ۱۴:۳۰	دکتر الهام حبیبی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر آموزش مادران با آموزش زوجین بر قصد انتخاب روش زایمان طبیعی

طاهره حقیقی کناری

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه مامایی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل،
ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۳۸۱۸۸۲۰۱۲
Email: taherehaghighi200@gmail.com

دکتر طیبه مرعشی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه
بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه شهید
بهشتی، تهران، ایران

دکتر مولود آقاجانی دلاور

دکتر مولود آقاجانی دلاور، مرکز تحقیقات بهداشت
باروری و ناباروری، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل،
ایران

چکیده

مقدمه: انتخاب روش زایمان تحت تاثیر عوامل متعدد فردی و محیطی است که به غیر از مادر باردار افرادی مانند همسر، سایر اعضای خانواده و سیاست‌های اجرایی مراقبت‌های بهداشتی بر آن اثر می‌گذارد. بنابراین مطالعه حاضر به منظور تعیین مقایسه تاثیر آموزش مادران با آموزش زوجین بر قصد انتخاب روش زایمان طبیعی در مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بابل انجام شده است.

روش بررسی: یک مطالعه مداخله ای (نیمه تجربی) بر روی ۱۶۸ زنان باردار شکم اول مراجعه کننده به مراکز پره ناتال شهر بابل انجام شد. افراد مورد مطالعه در دو گروه مداخله (۱ و ۲) و گروه کنترل تقسیم شدند. در هر دو گروه مداخله (گروه آموزش مادران و گروه آموزش مادران و پدران) در طی چهار جلسه آموزشی، کلاس‌های آموزشی برای مادران، برگزار شد. در حالیکه در گروه مداخله ۲ کلاس‌های آموزشی برای پدران: در جلسه ی اول بصورت آموزش فردی و یکماه بعد به صورت آموزش گروهی و سپس در پایان هفته ششم مجددا آموزش به صورت فردی به آنان ارائه شد. در گروه کنترل، آموزش و مراقبت‌های روتین بعمل آمد. بلافاصله بعد از پایان مداخله و یک ماه بعد از آن پرسشنامه قصد انتخاب روش زایمان (۱۲ سوال تصمیم‌گیری) توسط هر سه گروه مورد مطالعه تکمیل گردید.

یافته‌ها: قصد انتخاب زایمان طبیعی در گروه مادران و پدران از ۴۵٪ در زمان قبل از آموزش به ۷۷٪ در زمان بلافاصله بعد از آموزش و ۸۴٪ در زمان یک ماه بعد از آموزش افزایش یافته است، که در گروه مادران این افزایش کمتر دیده می‌شود. همچنین در گروه کنترل افزایش مختصری در میزان قصد انتخاب زایمان طبیعی در دو مرحله دیده شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های مطالعه بنظر می‌رسد اجرای برنامه آموزشی می‌تواند در بهبود کیفیت قصد انتخاب زایمان مادران مؤثر باشد. توصیه می‌شود برنامه‌های آموزشی تداوم داشته و به صورت دوره ای همراه با آموزش پدران تکرار شود.

کلید واژه: تصمیم‌گیری، زایمان طبیعی، آموزش

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش مراقبت خانواده محور بر ارتقای سواد سلامت و خودکارآمدی بیماران تحت همودیالیز جنوب استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: نارسایی مزمن کلیوی نوعی اختلال پیشرونده و غیرقابل برگشت در کار کلیه هاست که به همراه آن توانایی بدن برای حفظ تعادل مایعات و الکترولیت‌ها مختل و در نهایت به اورمی منجر می‌شود که نیازمند اتخاذ تدابیر درمانی و مراقبتی می‌باشد. اعضای خانواده نیز به عنوان یکی از اجزای اساسی سیستم مراقبتی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیوی می‌توانند در امر مراقبت جهت ارتقای خودکارآمدی بیماران خویش مشارکت داشته باشند که در این میان نقش آموزشی پرستار دارای اهمیت فراوان است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش مراقبت خانواده محور بر ارتقای سواد سلامت و خودکارآمدی بیماران تحت همودیالیز جنوب استان آذربایجان غربی انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه تجربی می‌باشد که در آن تعداد ۶۰ نفر از مراقبین بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیوی تحت همودیالیز، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بیمارستان‌های امام خمینی مهاباد و امام خمینی پیرانشهر انتخاب و در دو گروه مداخله و کنترل طبقه بندی شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش نامه پژوهشگر ساخته گردآوری شد. ابتدا میزان خودکارآمدی بیماران با استفاده از پرسشنامه خودکارآمدی بیماران همودیالیزی اندازه‌گیری و سپس برنامه آموزشی مراقبت خانواده محور از بیماران همودیالیزی، به مراقبین بیماران، آموزش داده شد و پس از سه ماه مجدداً میزان خودکارآمدی بیماران با استفاده از همان پرسشنامه ارزیابی گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آمار توصیفی و آمار تحلیلی و نرم افزار SPSS ۷۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه بیشتر افراد، متأهل و دارای شرایط اقتصادی هزینه بیشتر از درآمد (در گروه شاهد) بودند. نتایج نشان داد که اعمال آموزش مراقبت خانواده محور تأثیر معناداری بر ارتقای سواد سلامت و خودکارآمدی بیماران دارد و متغیرهای سن و سطح سواد بیماران در این زمینه اثرات معناداری می‌گذارند ($p < 0.01$). میانگین ورزش منظم، اطلاعات در زمینه بیماری، کمک از اجتماع، خانواده و دوستان، اداره کردن بیماری، انجام فعالیت‌های معمول، فعالیت‌های اجتماعی / تفریحی، اداره کردن علائم، کنترل و اداره افسردگی، کنترل و اداره کردن فیستول در گروه مداخله به شکل معناداری بالاتر از گروه شاهد بود ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مراقبت خانواده محور در ارتقاء خودکارآمدی بیماران تحت همودیالیز مؤثر واقع می‌گردد.

کلید واژه: آموزش، مراقبت خانواده محور، سواد سلامت، خودکارآمدی، همودیالیز

دکتر نادر آقاخانی

کیوان امینی

دکتر حسین حبیب زاده

دکتر پیام امینی

نرگس رهبر

خدیدجه لک

مرکز تحقیقات ایمنی بیمار، دانشگاه علوم پزشکی

ارومیه، ارومیه، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت بیماران مراجعه کننده به بیمارستان شهدای شهر تکاب و شناسایی عوامل مؤثر بر آن

یادگار فتاحی

نیلوفر اولاد رستم

دکتر محمد رضا نجارزادگان

دکتر علی سعیدی

بیمارستان شهدای تکاب، شبکه بهداشت و درمان تکاب،

دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه

چکیده

مقدمه: سواد سلامت در واقع توانایی بالفعل افراد برای کسب ویژه در هنگام بستری و پس از ترخیص موثر باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی بررسی سطح سواد سلامت بیماران مراجعه کننده به بیمارستان شهدای شهر تکاب و شناسایی عوامل مؤثر بر آن انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی و مقطعی بر روی ۱۵۰ بیمار مراجعه کننده به مراجعه کننده به بیمارستان شهدای شهر تکاب در سال ۱۳۹۷ انجام گردید. روش انتخاب نمونه‌ها به صورت آسان بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات دو پرسش‌نامه مشخصات فردی و سواد سلامت (TOFHSA) بودند. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ و با کمک آزمون‌هایی آمار توصیفی، جدول توزیع فراوانی و آزمون‌های آماری (ANOVA، t، و ضریب همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲/۱۱±۲۳ / ۴۸ سال بود. سطوح سواد سلامت با توجه به پرسشنامه ۱۰/۰ درصد در سطح متوسط، ۸۱/۳ درصد ناکافی و فقط ۸/۷ درصد مطلوب بود که علت آن می‌تواند مراجعه افراد فقیر و نیازمند به این مرکز دولتی باشد. در نمونه‌های مورد بررسی، سطح سواد سلامت با وضعیت اقتصادی، محل زندگی، سن، دفعات بستری، جنس و میزان تحصیلات رابطه معنی‌داری داشت ($p \leq 0.05$).

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی انواع بیماری‌های منجر به بستری مشکلات بالینی، اجتماعی و روانی زیادی به دنبال دارند که خود باعث محدودیت فعالیت‌های جسمانی و روانی افراد می‌شود. این مطالعه نشان داد که سواد سلامت ناکافی مشکل شایعی در مناطق محروم است و بیماران مراجعه کننده نیاز به آموزش‌های متعددی جهت بهبود سطح سواد سلامت دارند. تهیه منابع آموزشی ساده و مشارکت کادر درمانی در ارائه آموزش‌های لازم برای بیماران قابل توصیه است.

کلید واژه: سطح سواد سلامت، بیماران، بیمارستان، عوامل

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی و ارزیابی یک کمپین جهت افزایش زایمان طبیعی در زنان با بارداری اول

چکیده

مقدمه: بالا بودن میزان سزارین بدون اندیکاسیون پزشکی یکی از مشکلات سیستم سلامت در ایران است. افزایش زایمان طبیعی منجر به کاهش سزارین می شود. هدف این مطالعه ارزیابی تأثیر یک کمپین مبتنی بر بازاریابی اجتماعی بر افزایش زایمان به روش طبیعی بود.

روش بررسی: این مطالعه به صورت مداخله ای انجام شد. برنامه کمپین مبتنی بر بازاریابی اجتماعی از مارس سال ۲۰۱۶ تا ژانویه سال ۲۰۱۷ میلادی در شهر بندرعباس اجرا شد. پرسشنامه مشخصات دموگرافیک، پرسشنامه تاریخچه بارداری، پرسشنامه ارزیابی آگاهی مادران و پرسشنامه ارزیابی باورهای سلامت مادران ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق بودند. فقط زنان با بارداری اول که بدون هیچگونه اندیکاسیون پزشکی قصد زایمان به روش سزارین را داشتند وارد مطالعه شدند و به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند.

یافته‌ها: از مجموع ۳۵۰ زن با بارداری اول شرکت کننده در مطالعه، ۱۹۴ نفر در گروه مداخله و ۱۵۶ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. قبل از اجرای کمپین از نظر آگاهی و باورهای سلامت بین دو گروه مداخله و کنترل اختلاف آماری معنی داری وجود نداشت. اما بعد از اجرای کمپین آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، خودکارآمدی و راهنما برای عمل در دو گروه اختلاف آماری معناداری داشت ($p < 0.05$). پیگیری مادران باردار در هر دو گروه نشان داد که ۳۵/۶٪ (۶۹ نفر) از شرکت کنندگان در گروه مداخله علی رغم قصد قبلی به انجام زایمان به روش سزارین، از تصمیم خود منصرف و به روش طبیعی زایمان کردند. در حالی که فقط ۱۳/۵٪ (۲۱ نفر) از زنان گروه کنترل به روش طبیعی زایمان کردند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که برنامه کمپین مبتنی بر بازاریابی اجتماعی اجرا شده در افزایش زایمان طبیعی در زنانی که بدون اندیکاسیون پزشکی قصد زایمان به روش سزارین را داشتند، مؤثر است.

کلید واژه: کمپین، بازاریابی اجتماعی، روش زایمان، زایمان طبیعی، الگوی اعتقاد بهداشتی

فاطمه درساره

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

دکتر تیمور آقاملایی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی حمایت اجتماعی با روند درمان و بهبود سرطان پستان: مطالعه مروری

دینا ابادی باویل

* کارشناس ارشد مامایی، گروه پرستاری مامایی، واحد
مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: شماره تماس ۰۹۳۷۶۷۲۹۱۷۰
Email: donya.abadi1@yahoo.com

ماهرخ دولتیان

دکترای تخصصی تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت،
استادیار، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،
تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین سرطان در بین زنان است. حمایت اجتماعی نقش عمده‌ای در تطابق و کنار آمدن با بیماری‌های مزمن و جدی چون سرطان دارد، همچنین یکی از عوامل عمده تاثیر گذار در وضعیت سلامت روانی و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان می باشد. مقاله مروری حاضر با هدف بررسی حمایت اجتماعی در سرطان پستان انجام پذیرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است. اطلاعات در پایگاه‌های علمی، SID، SCOPUS، MSRT، IRANDOC، MAGIRAN، GOOGLE SCHOLAR و PUBMED جستجو شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شد.

یافته‌ها: در این مطالعه تعداد ۱۰ مقاله از ۲۰۸ مطالعه که دارای معیار ورود به مطالعه بودند مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین میزان دریافت حمایت اجتماعی خانواده و سبک مقابله با سیر بیماری است. در بین ابعاد حمایت اجتماعی، حمایت خانواده توانسته است واریانس بهزیستی روان شناختی را در سطح معناداری پیش بینی کند که در سیر بهبودی و درمانی سرطان پستان باید مد نظر قرار داد.

نتیجه گیری: یافته‌ها حاکی از این بود که حمایت اجتماعی بر پیشرفت، روند درمان و بهبود سرطان پستان تاثیر بسزایی دارد.

کلید واژه: سرطان پستان، نئوپلاسم، حمایت اجتماعی، حمایت خانواده و حمایت روحی روانی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی عناوین و حیطه های نیاز آموزشی زنان سنین باروری مبتلا به واژینیت برای طراحی و اجرای برنامه آموزشی خودمراقبتی در بیماری

چکیده

مقدمه: آموزش مبتنی بر نیاز رفتارهای خودمراقبتی در افراد مبتلا به بیماری های مختلف اهمیت زیادی دارد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی عناوین و حیطه های نیاز آموزشی زنان سنین باروری مبتلا به واژینیت برای طراحی یک برنامه آموزشی خودمراقبتی در بیماری در درمانگاه های بیماری های زنان سه مرکز منتخب در شهر تهران در سالهای ۹۳-۱۳۹۲ انجام شد.

روش بررسی: در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده، نیازهای آموزشی ۲۲۴ زن در سنین باروری مبتلا به واژینیت مراجعه کننده به مراکز منتخب بررسی شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته پس از طی مراحل روایی و پایایی ($\alpha=0.97$ و $\alpha=0.79$ = Pearson Correlation) شامل سه بخش مشخصات جمعیت شناختی و زمینه ای، وضعیت بیماری و بخش نیازسنجی (شامل ۱۳ عنوان نیاز آموزشی در مقیاس پنج درجه ای لیکرت از ۱ بسیار کم تا ۵ بسیار زیاد و دو حیطه اطلاعات کلی و خودمراقبتی در بیماری)، پس از توضیحات محقق و اخذ رضایت آگاهانه جمع آوری شد. داده ها در نرم افزار SPSS ویرایش ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد میانگین سنی افراد مورد پژوهش $32/04 \pm 6/86$ و بر اساس خوداظهاری، ۱۸۸ نفر (۸۳/۹٪) از بیماران متأهل و بقیه شامل ۳۶ نفر (۱۶/۱٪) مجرد، مطلقه، بیوه و سایر افرادی بودند که دارای شریک جنسی و فعالیت جنسی بوده اند.

یافته ها حاکی از آن است که بیشترین عنوان نیاز آموزشی در زمینه رفتارهای خود مراقبتی حیطه سلامت روابط جنسی برای بهبودی واژینیت با میانگین $0/005 \pm 4/14$ و پس از آن در مورد رفتارهای خود مراقبتی حیطه سلامت دستگاه تناسلی با $0/981 \pm 4/10$ بوده است. کمترین میزان نیاز در مورد انواع بیماری، علائم، شکایات و نشانه های عفونت های شایع دستگاه تناسلی (واژینیت) با میانگین $1/041 \pm 3/92$ بوده است.

همچنین مقایسه نیاز آموزشی در حیطه های خودمراقبتی در بیماری (۶ عنوان) و حیطه اطلاعات کلی بیماری (۷ عنوان) تفاوت آماری معناداری نشان می دهد ($P\text{-value} = 0/000$). سطح بندی نیاز آموزشی بر اساس جمع نمره کسب شده از ۱۳ عنوان نیاز آموزشی نشان می دهد نیاز بسیار کم وجود ندارد و ۶۷ نفر (۳۰٪) نیاز زیاد و ۱۱۵ نفر (۵۱٪) نیاز بسیار زیاد را اعلام کرده اند. همچنین میانگین کلی نیاز آموزشی افراد در حد زیاد بوده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که بیماران نیاز به آموزش زیادی در زمینه بیماری واژینیت و حیطه های خودمراقبتی بویژه آموزش در مورد رفتارهای خودمراقبتی حیطه سلامت روابط جنسی برای بهبودی واژینیت دارند. طراحی و اجرای برنامه آموزشی خودمراقبتی و خودمراقبتی برای کمک به بهبودی بیماران و پیشگیری از عود بیماری لازم به نظر می رسد و باید مد نظر برنامه ریزان آموزش سلامت قرار گیرد.

کلید واژه: نیاز آموزشی، زنان، سنین باروری، واژینیت، خودمراقبتی

معصومه ابراهیمی توانی

* دانش آموخته دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عضو هیات علمی پژوهشی ستادی، مرکز مدیریت شبکه، معاونت بهداشت، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

تلفن: ۰۲۱-۸۱۴۵۴۲۱۲

Email: ebrahimi.mas@gmail.com, ebrahimi-m@health.gov.ir

فضل اله غفرانی پور

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ابراهیم حاجی زاده

استاد، گروه آمار حیاتی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مهراندخت عابدینی

متخصص زنان، زایمان و نازایی، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، معاونت بهداشت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



به کارگیری روش های نوین ترکیبی آموزشی در یک برنامه الگو محور خودمراقبتی در عفونتهای شایع دستگاه تناسلی زنان

معصومه ابراهیمی توانی

* دانش آموخته دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عضو هیات علمی پژوهشی ستادی، مرکز مدیریت شبکه، معاونت بهداشت، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

تلفن: ۰۲۱-۸۱۴۵۴۲۱۲

Email: ebrahimi.mas@gmail.com , ebrahimi-m@health.gov.ir

فضل اله غفرانی پور ۳

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مهراندخت عابدینی

متخصص زنان، زایمان و نازایی، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، معاونت بهداشت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

شرح تجربه

بیان مسئله: عفونت دستگاه تناسلی یک مشکل بهداشتی جهانی با تاثیر بر زنان و مردان، خانواده‌ها و جوامع ایشان است. این عفونت‌ها شایع ترین تشخیص در درمانگاه های زنان است. آموزش زنان مبتلا به این بیماری‌ها و روش های خودمراقبتی به عنوان مکمل درمان تخصصی به منظور بهبود بیماری و کاهش عود ضروری است. در این راستا، چارچوب تغییر رفتار جامع و ساده ای برای طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی مراقبت از خود در بیماران مورد نیاز است. بدین منظور، برنامه آموزشی برای یک برنامه خودمراقبتی در عفونتهای شایع دستگاه تناسلی زنان با به کارگیری روش های نوین ترکیبی آموزشی مبتنی بر مدل چندوجهی اطلاعات- انگیزش و مهارت های رفتاری طراحی، اجرا و ارزشیابی شد.

اهداف تجربه: طراحی و اجرای برنامه آموزشی با به کارگیری روش های نوین ترکیبی آموزشی در یک برنامه خودمراقبتی در عفونت های شایع دستگاه تناسلی زنان و تعیین اثر بخشی آن

روش و مراحل کار: مطالعه مداخله ای از نوع کارآزمایی تصادفی شاهد دار (مورد- شاهدی) بود. شرکت کنندگان افراد ۴۹-۱۵ ساله، غیر باردار، غیر یائسه دارای فعالیت جنسی، مراجعه کننده با شکایات واژینیت به سه درمانگاه سربایی زنان (دولتی- خصوصی و مطب شخصی متخصص زنان) در شهر تهران، کشور ایران طی سال ۹۳ بودند که به طور تصادفی در دو گروه مداخله / آموزش (۵۰ نفر) و شاهد (۵۰ نفر) قرار گرفتند. همه شرکت کنندگان دربار اول و ۱/۵- ماه بعد از تکمیل پرسشنامه و بررسی اولیه، معاینه و ارزیابی شدند. سازه های مدل، پیروی رفتارهای خودمراقبتی و علائم و شکایات و وضعیت بهبودی بیماری واژینیت در این مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت.

از مهم ترین ویژگی های این مطالعه ضمن جدید بودن مدل استفاده شده (IMB) این بود که گروه مداخله یک بسته آموزشی ترکیبی شامل یک کتابچه، فایل های صوتی قابل انتقال از طریق موبایل و پیامک های اطلاعاتی- انگیزشی را برای ارتقای رفتار خودمراقبتی دریافت کردند.

نتایج: ارزشیابی برنامه مداخله، دال بر اثرات مثبت مداخله آموزشی بر سازه های مورد بررسی و نیز پیامدهای مورد انتظار مانند پیروی از رفتارهای خودمراقبتی و بهبودی بیماری بودند ($P < 0.05$). مقایسه زوجی (قبل و بعد از مداخله آموزشی) میانگین امتیازات سازه های مدل (IMB) به تفکیک و کلی در گروه تجربی تفاوت آماری معناداری را نشان داد ($P < 0.05$). در کل حدود ۲۱٪ میانگین اولیه سه سازه افزایش داشت.

همچنین اکثر بیماران (۸۰٪) پیروی از رفتارهای خودمراقبتی را در احساس بهبودی خود مؤثر می دانسته اند و ۹۳٪ افراد گروه مداخله از شرکت در برنامه آموزشی رضایت داشته اند.

یافته های این مطالعه نشان داد برنامه آموزشی مبتنی بر مدل اطلاعات، انگیزش، مهارت های رفتاری با بهره گیری از روش های نوین و ترکیبی بر رفتارهای خود مراقبتی ارتقا دهنده سلامت در زنان سنین باروری مبتلا به عفونتهای شایع دستگاه تناسلی زنان مؤثر است و رضایت بیشتر شرکت کنندگان را به همراه دارد.

ذینفعان / مخاطبان: تمامی زنان در سنین باروری و شرکای جنسی آن ها، نظام سلامت کشور، پزشکان، ماماها و کارکنان بهداشتی،

چالش های طرح: مسائل فرهنگی جامعه مرتبط با افراد مجرد و مطلقه و بیهو دارای فعالیت جنسی، مشکلات مربوط به نوع موبایلها و انتقال فرمت های مختلف فایل های صوتی، مشکلات مربوط به ارسال دوره ای پیامکها برای مخاطبین

کلید واژه: روش های نوین آموزش، روش های ترکیبی آموزش، خود مراقبتی، زنان، مدل (IMB)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



قصد مشاوره داوطلبانه و تست اچ آی وی در میان گروههای پرخطر در ایران

چکیده

مقدمه: مشاوره داوطلبانه و آزمایش اچ آی وی (VCT) در میان مصرف کنندگان مواد مخدر و افرادی که تماس جنسی محافظت نشده داشته اند، اهمیت رویکرد پیشگیرانه برای بررسی و توصیف اچ آی وی - ایدز در میان گروههای پرخطر را افزایش می دهد. هدف از این مطالعه تعیین عوامل شناختی جوانان دارای سابقه رفتارهای پرخطر در مورد انجام VCT، بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) در غرب ایران بود.

روش بررسی: ۳۰۰ از جوانان با سابقه رفتارهای پرخطر (سوءمصرف مواد یا رابطه جنسی محافظت نشده) در یک مطالعه همبستگی شرکت کردند تا عوامل شناختی پیش بینی کننده انجام VCT بر اساس چارچوب نظری مشخص گردد. شرکت کنندگان یک پرسشنامه خود گزارش دهی که شامل اطلاعات زمینه ای و ساختار TPB بود را پر کردند. دادهها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ با استفاده از آزمونهای آماری همبستگی دوگانه و رگرسیون لجستیک در سطح معنی داری ۹۵٪ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافتهها: سه متغیر پیش بینی کننده شامل (۱) نگرش، (۲) هنجارهای ذهنی و (۳) خودکارآمدی، ۲۳ درصد از واریانس قصد انجام رفتار VCT را پیشبینی کردند. در میان ساختارهای شناختی: هنجارهای ذهنی ($\beta = ۰.۴۸۷$ و $P < ۰.۰۰۱$) پیش بینی کننده قوی تری در قصد انجام VCT بود.

نتیجه گیری: یافتههای ما سودمندی بهره گیری از TPB برای طراحی و اجرای مداخلات ب اصلاح و یا بهبود باورهای جوانان برای افزایش انجام VCT را نشان داد.

کلید واژه: مشاوره داوطلبانه و تست HIV، هنجارهای ذهنی؛ قصد بزرگسال

محمد ابراهیمی

کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

دکتر فرزاد جلیلیان

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

دکتر حسین اشتریان

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران

دکتر فاطمه رجعتی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران
دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل محیطی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران.

۰۹۱۸۳۵۶۸۰۷۶

f_rajati_12@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش بهداشت دهان و دندان به مادران بر ارتقاء سلامت دهان و دندان کودکان

هاجر ابراهیمی

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه،
دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت
جامعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۰۱
Hajar. ebrahimi@khuisf. ac. ir

بهناز ترکان

عضو هیأت علمی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و
مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جامعه، دانشگاه آزاد
اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

چکیده

مقدمه: سلامت دهان و دندان نقش مهمی در زندگی کودکان دارد. آموزش بهداشت دهان و دندان به مادران در ارتقاء سطح سلامت دهان و دندان کودکان نقش دارد. هدف از این پژوهش مروری، بررسی تاثیر آموزش بهداشت دهان و دندان به مادران بر ارتقاء سلامت دهان و دندان کودکان می باشد.

روش بررسی: برای دسترسی به مقالات از بانک‌های الکترونیکی معتبر شامل: pubmed, scopus, google scholar و مقالات معتبر چاپ شده در ژورنال‌های علمی-پژوهشی ایرانی و منتشر شده در پایگاه‌های SID, Magiran, Irandoc استفاده شد. برای جستجو در این منابع از کلید واژه‌هایی نظیر دهان و دندان، آموزش بهداشت، مادران، کودکان، ارتقاء سلامت استفاده شده است.

یافته‌ها: مراقبت از دهان و دندان باید از کودکی شروع شود و بهداشت ضعیف دهان و دندان می تواند اثر نا مطلوبی بر عملکرد کودکان در سراسر زندگی داشته باشد. عادات مراقبت از دندان در کودکان تاثیر پذیر از عادات والدین است. میزان آگاهی مادران در زمینه بهداشت دهان و دندان مهم می باشد زیرا آگاهی بر نوع نگرش اثر داشته و پایه و اساس رفتار بهداشتی مناسب است. بین آگاهی و رفتار مادران با بهداشت دهان و دندان کودکان ارتباط معنی داری وجود دارد. سطح آگاهی مادرانی که سابقه دریافت آموزش داشته اند با مادرانی که سابقه دریافت آموزش نداشته اند اختلاف معنی داری بین رفتارهای بهداشتی وجود نداشته که به نظر می رسد دلیل آن عدم تبدیل آگاهی به نگرش و عملکرد مناسب می باشد. بنابراین لازم است ضمن دادن آگاهی به مادران، زمان کافی برای تغییر نگرش و عملکرد نیز به آنان داده شود. زمان بارداری مناسب ترین زمان جهت تغییر آگاهی، نگرش و عملکرد مادران نسبت به بهداشت دهان و دندان کودکان در آینده می باشد.

نتیجه گیری: برای ارتقاء سطح سلامت دهان و دندان، باید این آموزش‌ها به مادران در دوران بارداری و قبل از تولد کودک آغاز شود تا پس از زایمان و در دوران دندان درآوردن کودک به عملکرد مناسب تبدیل شده باشد و نتایج بهتری حاصل شود.

کلید واژه: دهان و دندان، آموزش بهداشت، مادران، ارتقاء سلامت، کودکان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش پس از ترخیص بر رفتار خودمراقبتی مددجویان مبتلا به ایسکمیک قلبی

فاطمه ابراهیمی

حسین دهقان مقیم

دانشگاه علوم پزشکی مشهد - بیمارستان امام رضا (ع)

چکیده

مقدمه: عدم اطلاع کافی در مورد بیماری ونحوه مراقبت از خود در بیماران منجر به خود مراقبتی ضعیف و ناکافی، بستری مکرر و کیفیت پایین زندگی در بیماران می گردد کسب و دریافت اطلاعات و آموزش های کافی و مناسب نقش مهمی در زمینه مراقبت از خود در بیماران و ارتقاء کیفیت زندگی آنان خواهد شد. لذا مطالعه ای با هدف تعیین تاثیر آموزش و پیگیری پس از ترخیص بر رفتار خود مراقبتی مبتلایان اختلالات ایسکمیک قلبی طی سال ۹۵ در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه که از نوع کارآزمایی بالینی بوده بصورت تصادفی بیمار مبتلا به ایسکمیک قلبی که در بخش قلب و CCU بیمارستان نهم دی بستری بودند بصورت تصادفی انتخاب و بصورت تصادفی به دو گروه مداخله و یک گروه کنترل تقسیم شدند، گروه کنترل در هنگام هنگام ترخیص آموزش های لازمه را قرار گرفته (دریافت نمودند) و در گروه کنترل علاوه بر آموزش های هنگام ترخیص پیگیری های تلفنی و گروه سوم علاوه بر آموزش حین ترخیص و پیگیری تلفنی کتابچه آموزشی نیز دریافت نمودند به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه رفتارهای خود مراقبتی استفاده شده که در سه مقطه شروع مطالعه - دوهفته بعد و چهار هفته بعد از ترخیص نیز مجدداً به کمک پرسشنامه داده های جمع آوری گردیده و به کمک آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

یافته ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد نمره خود مراقبتی در گروه کنترل روز ترخیص $18 + 63/4$ ، ۱۵ روز بعد $3 + 87/5$ و ۳۰ روز بعد $8 + 9/8$ کاهش یافته بود، در گروهی که کتابچه آموزشی دریافت نموده بودند . نمره اخذ شده در روز ترخیص $6 + 12/6$ و $2 + 60/2$ پانزده روز بعد $4 + 6/87$ و ۳۰ روز بعد $3 + 86/7$ بود، و در گروهی که آموزش همراه با پیگیری تلفنی دریافت نموده بودند در روز ترخیص نمره کسب شده $18 + 63/7$ ، پانزده روز بعد $2 + 82/8$ و سی روز بعد $5 + 80/6$ بود.

نتیجه گیری: یافته های حاکی از آن است که با گذشت دوهفته نمره خودمراقبتی در هر سه گروه افزایش داشته و پس از ۳۰ روز کاهش داشته که این کاهش در گروه دریافت کننده کتابچه آموزشی همراه با پیگیری تقریباً نامحسوس بوده و نشان دهنده تاثیر این برنامه آموزشی بر تداوم مراقبت از خود بیماران بود . لذا پیشنهاد میشود مراقبین بهداشتی تداوم پیگیریها را در روند مراقبت و بازدید از منزل برای این مددجویان داشته باشند.

کلید واژه: بیماریهای ایسکمیک قلبی، مراقبت از خود، پیگیری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه دو روش آموزشی مبتنی بر سخنرانی و نقشه مفهومی بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری در درس پرستاری بیماریهای قلب و عروق

فاطمه ابراهیمی

حسین دهقان مقیم

کاظم شعبانی

کارشناس پرستاری ددانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: از آنجایی که هدف نهایی از پرستاری حرفه ای، ارائه مراقبتهای با بالاترین کیفیت به بیماران در تمام حیطه ها (زیستی، روانی، اجتماعی) می باشد. بنابراین مدرسان پرستاری باید روشهای تدریس را به کار ببرند که از یادگیری سطحی دانشجویان جلوگیری کرده و باعث ارتقای یادگیری معنی دار و سطوح بالای یادگیری در آنها شود. این مطالعه با هدف مقایسه دو روش آموزشی مبتنی بر سخنرانی و نقشه مفهومی بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری در درس پرستاری بیماریهای قلب و عروق انجام شد.

روش بررسی: در یک مطالعه نیمه تجربی با طرح دو گروهی وبا روش پیش آزمون - پس آزمون، ۳۳ دانشجوی ترم ۵ پرستاری با روش سرشماری و به روش تصادفی ساده به دو گروه ۲۱ تقسیم شدند. پس از اجرای پیش آزمون، دانشجویان گروههای ۲۱ به مدت ۸ جلسه و در طول ۲ ماه به ترتیب تحت آموزش با روش سخنرانی و نقشه مفهومی قرار گرفتند. سپس پس آزمون اجرا شد و ۴ هفته بعد از اجرای پس آزمون، آزمون یادآوری گرفته شد. برای جمع دادهها از یک آزمون پیشرفت تحصیلی محقق ساخته متشکل از دو قسمت استفاده گردید که سطوح دانش و یادگیری معنا دار (درک و کاربرد) دانشجویان را در زمینه درس پرستاری بیماریهای قلب و عروق مورد ارزشیابی قرارداد. برای تجزیه و تحلیل دادهها از آزمون آماری آنالیز واریانس با اندازه گیری مکرر و نرم افزار SPSS ۱۵ استفاده شد.

یافتهها: روند تغییرات نمره کل (سطح دانش و یادگیری معنی دار) در هر دو روش از نظر آماری معنادار بوده است ($p < 0.001$). روند تغییرات نمره سطح دانش بین دو گروه معنادار نبود ($p = 0.052$). ولی روند تغییرات نمره سطح یادگیری معنادار در گروه نقشه مفهومی از نظر آماری معنادار بود ($p < 0.005$). **نتیجه گیری:** روش نقشه مفهومی برای دستیابی به سطوح بالای یادگیری و یادگیری معنادار نسبت به روش آموزش مبتنی بر سخنرانی موثرتر بود.

کلید واژه: آموزش، نقشه مفهومی، دانشجوی پرستاری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مقایسه ای تاثیر آموزش بهداشت بلوغ بر رفتارهای بهداشتی دختران مقطع راهنمایی مدارس

چکیده

مقدمه: نوجوانی یکی از مهم ترین ارزشمند ترین دوره های زندگی هر فرد است. مهم ترین تغییر و تحول نوجوانی که از اهمیت خاصی نیز برخوردار است و به عنوان نقطه عطف زندگی نوجوان از آن یاد می گردد، بلوغ نامیده میشود. آموزش بهداشت می تواند مهم ترین و اساسی ترین نقش را در پیشگیری و رفع مشکلات دوران بلوغ ایفا نماید.

روش بررسی: این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی و از نوع کارآزمایی میدانی می باشد. در این تحقیق، پژوهش به بررسی و مقایسه میزان تاثیر متغیر مستقل آموزش بهداشت دوران بلوغ از طریق سه منبع اطلاعاتی - آموزشی مادران، مربیان مدارس و پرستار بهداشت جامعه، بر متغیر وابسته رفتار بهداشتی مرتبط با بهداشت بلوغ در دانش آموزان دختر پرداخت. ابزار گرد آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که در انجام آزمون اولیه و آزمون ثانویه مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهند که بین میانگین نمره کل رفتارهای بهداشتی، در مرحله قبل از آموزش با استفاده از آزمون آماری آنالیز واریانس یک طرفه، در سه گروه مورد تفاوتی وجود نداشته است ولی در مرحله ی بعد از p آموزش، در سه گروه تفاوت معنی دار بود. $P=0/020$ همچنین در مقایسه ی میانگین نمرات قبل و بعد در هر گروه مورد، با گروه معلمین، $p=0/02$ گروه مادران، $p=0/001$ گروه پرستاران $p=0/001$ استفاده از آزمون آماری تی زوجی، در هر سه گروه تفاوت معنی دار بود. $p=0/005$.

نتیجه گیری: در کل آموزش ارائه شده از طریق هر سه منبع آموزشی مادران، معلمین، و پرستار بهداشت موثر بوده و منجر به بهبود و ارتقاء رفتارهای بهداشتی دختران نوجوان در زمان بعد از مداخله نسبت به زمان قبل از آن شده است. (گروه پرستاران بهداشت $p=0/005$ گروه معلمین، $p=0/001$ مادران، $p=0/001$). در این پژوهش مشخص شد که آموزش ارائه شده از طریق پرستار بهداشت از آموزش ارائه شده از طریق دو گروه آموزشی دیگر موثر تر بوده است (پرستار بهداشت مادران) به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که ارائه آموزش های بهداشتی دوران بلوغ از طریق منابع آموزشی موثق ذکر شده، می تواند در بهبود و ارتقاء رفتارهای بهداشتی نوجوانان دختر موثر واقع شود و به این منظور می توان از هر سه منبع آموزشی (خصوصاً پرستاران بهداشت) کمک گرفت.

کلید واژه: آموزش، بهداشت، بلوغ

فاطمه ابراهیمی*

حسین دهقان مقیم

کاظم شعبانی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مداخلات آموزشی در کودکان معلول: مقاله مرور سیستماتیک

زهرا رحیمی خلیفه کندی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم
پزشکی ایران، تهران، ایران

سمانه ابوالخیریان

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم
پزشکی تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره
تماس: ۰۹۱۲۸۱۰۷۹۱۲،

samanehbolkerian@yahoo.com

چکیده

مقدمه: صرف نظر از ماهیت معلولیت با توجه به آسیب پذیری بیشتر کودکان در مورد تبعات جسمی، روانی و اجتماعی معلولیت برنامه ریزی جهت آموزش‌های موثرتر بسیار مهم و حیاتی است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی مداخلات آموزشی کودکان معلول در ایران انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مرور سیستماتیک می باشد. بر این اساس کلید واژه‌های کودکان معلول، مداخله، آموزش در پایگاه‌های اطلاعا، SID, ELM net, Magiran, Iranmedex, irandoc, google scholar در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ جستجو گردید. نتیجه جستجو دستیابی به ۹۸ منبع مرتبط با موضوع بود که از این میان ۱۳ مورد مطابق با هدف مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه نشان داد که مداخلات صورت گرفته بیشتر در کودکان کم توان ذهنی، ناتوانی جسمی حرکتی و اتیسم و آموزشها در سه حیطه بازی درمانی، آموزش فردی و گروهی، استفاده از نظریه بوده است. همچنین نتایج حاصل از مطالعه نشان داد مداخلات صورت گرفته منجر به ارتقای رفتار و عملکرد افراد گردیده است.

نتیجه گیری: براساس از مفاهیم بدست آمده از مطالعه حاضر، مداخلات آموزشی در زمینه مهارت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اعتماد به نفس و مشکلات رفتاری کودکان معلول موثر می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود از متدهای نوین مانند بازی درمانی در برنامه‌های آموزشی کودکان دارای معلولیت استفاده گردد.

کلید واژه: مداخلات، آموزش، کودکان معلول

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تأثیر شیوه های سنتی و نوین (چند رسانه ای) آموزش بر آگاهی از اصول ارگونومیکی دانشجویان دندانپزشکی

چکیده

مقدمه: حرفه دندانپزشکی یکی از آسیب رسان ترین حرفه هاست که به دلیل عدم آگاهی دندان پزشکان از وضعیت ارگونومیکی صحیح در حین کار و عدم آشنایی آنان با تجهیزات استاندارد قبل از تجهیز مطب، بیشترین آسیب و درد را برای آنان به همراه دارد. آموزش اصول ارگونومی در دانشگاه ها و همزمان با شروع به تحصیل به دانشجویان به دلیل افزایش دریافت مطالب در آن مقطع و هم چنین نهادینه شدن رعایت اصول ارگونومی تأثیر بهتری نسبت به زمانی که به صورت حرفه ای مشغول به کار می شوند؛ خواهد داشت. هدف از انجام این مطالعه مقایسه تأثیر شیوه های سنتی و نوین (چند رسانه ای) آموزش بر آگاهی از اصول ارگونومیکی دانشجویان دندانپزشکی و سنجش نگرش آنها نسبت به آموزش چند رسانه ای می باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه ی نیمه تجربی، دو گروهی پیش آزمون و پس آزمون می باشد که در سال ۹۵-۹۴ انجام گرفت. جمعیت مورد مطالعه تعداد ۷۰ نفر (هر گروه ۳۵ نفر) از دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود. دسترسی و توانایی کار با رایانه و اینترنت از معیارهای ورود به پژوهش بود. ابزار پژوهش پرسشنامه ی اطلاعات دموگرافیکی و دو پرسشنامه ی محقق ساخته ی میزان آگاهی از وضعیت ارگونومی صحیح حین کار و نگرش نسبت به آموزش چندرسانه ای بود (روایی محتوایی، پایایی درونی و بیرونی پرسشنامه ها تعیین و تأیید شد). محتوای آموزشی ارائه شده به هر دو گروه یکسان بود با این تفاوت که گروه آزمون با استفاده از رسانه الکترونیکی و نرم افزارهای چند رسانه ای مطالب آموزشی را دریافت می کردند. یک ماه پس از مداخله ی آموزشی پرسشنامه ها مجدداً در اختیار هر دو گروه شرکت کننده قرار گرفت. سپس داده ها وارد نرم افزار آماری SPSS ۲۲ شد و با آزمون های توصیفی تحلیلی آنالیز شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد $23/7 \pm 0/14$ سال بود. نتایج تی زوجی نشان داد میانگین نمره ی آگاهی هر یک از گروه های آموزشی در طول مطالعه به طور معناداری افزایش پیدا کرده است که بیانگر افزایش سطح آگاهی مشارکت کنندگان در زمینه ی وضعیت صحیح ارگونومیکی می باشد (گروه آزمون $p < 0/001$) و کنترل $(p = 0/30)$. هم چنین تی مستقل نشان داد اختلاف میانگین نمرات آگاهی بین دو گروه بعد آموزش معنادار بوده است $(p < 0/001)$. این درحالیست که قبل آموزش اختلاف آماری معناداری یافت نشد $(p < 0/05)$. به علاوه نتایج تی زوجی نشان داد بین میانگین نمره ی نگرش قبل و بعد مداخله ی آموزشی در گروه آزمون اختلاف آماری معناداری وجود دارد. $(p = 0/001)$.

نتیجه گیری: یافته های پژوهش حاضر حاکی از تأثیر مثبت هر دو روش سنتی و چند رسانه ای در خصوص آگاهی از وضعیت ارگونومی صحیح دانشجویان دندانپزشکی می باشد. اما آموزش چند رسانه ای به طور معنادار و فزاینده تری آگاهی را افزایش داد. به همین منظور توصیه می گردد از آموزش به کمک رسانه های نوین غفلت نشود.

کلید واژه: آموزش نوین، آگاهی، ارگونومی، نگرش

آیدا ابوصالحی

* مربی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران. نویسنده مسئول:

Email: abosalehia1@nums.ac.ir

فرین تاتاری

استادیار، دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

مستوره سادات قریشی

کارشناس ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تحلیل اجرای دوره آموزشی آمادگی زایمان زنان باردار و ارائه یک الگو جهت ارتقای آن با استفاده از نقشه برداری مداخله

مرضیه اتوگرا

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان،
ایران

اکرم کریمی شاهنجرینی

دکتری آموزش بهداشت، دانشیار، مرکز تحقیقات
عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

سید محمد مهدی هزاوه ای

دکتری آموزش بهداشت، استاده، مرکز تحقیقات علوم
بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
همدان، همدان، ایران

جلال پورالعجل

دکتری اپیدمیولوژی، دانشیار، گروه اپیدمیولوژی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان،
ایران

ناهد رادنی

متخصص زنان و زایمان، استادیار، گروه زنان و زایمان،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان،
ایران

فروزان اکرمی

دانشجوی دکتری پژوهشی، مرکز تحقیقات حقوق و
اخلاق، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فهیمة باقری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان،
ایران

چکیده

مقدمه: میزان سزارین در دهه‌های اخیر به شکل نگرانکننده‌ای در کشور افزایش یافته است. لذا در طرح تحول نظام سلامت به ترویج زایمان طبیعی توجه ویژه‌ای شده است. در این راستا برگزاری دوره آموزشی آمادگی زایمان از اقدامات ده‌گانه بیمارستانهای دوستدار مادر در جهت افزایش زایمان طبیعی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش تحلیل اجرای دوره آموزشی آمادگی زایمان زنان باردار و ارائه یک الگو جهت ارتقای آن با استفاده از چارچوب نقشه‌برداری مداخله بود. **روش بررسی:** این پژوهش بر اساس شش مرحله رویکرد نقشه‌برداری مداخله طراحی و از آذر ۱۳۹۴ تا خرداد ۱۳۹۶ با مشارکت زنان باردار استان همدان اجرا گردید. ابتدا مرحله نیازسنجی بر اساس مدل CIPP انجام شد که شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی ورودی، ارزیابی فرایند برنامه و ارزیابی پیامد برنامه موجود بود. به این ترتیب پس از بررسی شواهد موجود، بررسی عملکرد دانشگاه علوم پزشکی همدان در رابطه با فعالیتهای برنامه ترویج زایمان طبیعی، بررسی میزان اطلاع زنان باردار در مورد کلاسهای آمادگی زایمان، بررسی دیدگاه مدرسین و سیاستگذاران برنامه طی دو مطالعه کیفی و یک مطالعه کوهورت به منظور شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر قصد و رفتار زنان باردار در مورد روش زایمان بر اساس تئوری توسعه‌یافته رفتار برنامه‌ریزی شده انجام شد. در مرحله بعد ماتریسی از اهداف تغییر برای هر پیامد تدوین شد و روشهای تئوریک و کاربردهای عملی برای آنها شناسایی شد. مداخلات در چهار سطح فردی، بین فردی، سازمانی و اجتماع طراحی و اجرا شد. تصمیمگیری در مورد مواد آموزشی مناسب مداخله بر اساس بازخورد از مطالعه آزمایشی انجام گردید و برنامه ارزشیابی که شامل ارزشیابی فرایند، اثر و پیامد بود، تدوین گردید. بررسی اثربخشی دو گروه مداخله و مقایسه آن با گروه کنترل با استفاده از یک مطالعه نیمه تجربی در سه بازو انجام شد. مداخله اول شامل اجرای صحیح پروتکل مصوب وزارت بهداشت و درمان و مداخله دو شامل اجرای پروتکل مصوب به علاوه بخش‌های پیشنهادی بود. شرکت کنندگان در گروه‌های مداخله و گروه کنترل به ترتیب از کلاس آمادگی زایمان بیمارستان فاطمیه شهر همدان و شهرستان‌های همدان انتخاب شدند (تعداد شرکت کنندگان در هر گروه= ۱۰۶ نفر).

تحلیل مطالعه کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ انجام شد. داده‌های به دست آمده از مطالعه کوهورت به روش مدلسازی معادلات ساختاری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار AMOSE نسخه ۲۰ تحلیل شد. تحلیل داده‌های مربوط به مطالعه میزان اطلاع زنان باردار در مورد کلاس‌های آمادگی زایمان با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و تحلیل داده‌های مربوط به مطالعه مداخله‌ای با استفاده از نرم‌افزار STATA نسخه ۱۲ بر اساس آزمون آنالیز واریانس، آزمون آنالیز کوواریانس و تی زوجی انجام شد.

یافته‌ها: در مرحله نیازسنجی در قسمت ارزیابی زمینه تجارب مدرسین و سیاست‌گذاران در مطالعه کیفی مبین سه درونمایه شامل اشکالات مربوط به مدرسین کلاس، اشکالات مربوط به سیستم ارائه خدمات و مشکلات مربوط به زنان باردار بود. همچنین نتایج ارزیابی زمینه نشان داد که سطح اطلاع زنان از کلاس‌های آمادگی زایمان پایین بود (۳۴ درصد). بر پایه نتایج ارزیابی ورودی برنامه، محیط کلاس برای آموزش مناسب نبود. همچنین نتایج حاصله از ارزشیابی فرایند نشان داد که تمام اجزای پروتکل مصوب وزارتخانه اجرا نمی‌شد نتایج مطالعه کوهورت در قسمت ارزشیابی پیامد برنامه در حال اجرا نشان داد که نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و حمایت اجتماعی اطلاعاتی از عوامل مؤثر بر قصد انجام زایمان طبیعی بودند. پیگیری مطالعه مداخله‌ای در پنج ماه بعد از مداخله نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین میانگین نمره نگرش، کنترل رفتاری درک‌شده، حمایت اجتماعی اطلاعاتی و قصد بین گروه‌های مداخله و کنترل مطالعه وجود داشت، اما تفاوت آماری معنی‌داری در میانگین نمره هنجارهای ذهنی بین سه گروه مشاهده نشد. همچنین تفاوت معنی‌داری در انجام زایمان طبیعی در گروه‌های مداخله و کنترل وجود داشت و این تفاوت بین گروه مداخله دو با گروه کنترل و مداخله یک نیز معنی‌دار بود؛ اما بین گروه کنترل و مداخله یک تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** به طور کلی نتایج این مطالعه نشان داد که مداخلات تدوین‌شده در سطوح مختلف فردی و محیطی و بر اساس رویکرد نقشه‌برداری مداخله در اجرای موفق دوره آموزشی آمادگی زایمان مؤثر بود. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در تهیه مداخلات مؤثر به منظور افزایش انتخاب و انجام زایمان طبیعی کمک کند.

کلید واژه: زایمان طبیعی، مدل CIPP، نقشه‌برداری مداخله



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر دلزدگی زناشویی زوجین

چکیده

مقدمه: دلزدگی زناشویی تأثیر بسزایی در کیفیت روابط زناشویی زوجین دارد. فقدان مهارت‌های ارتباطی در بین زوجین از مهم‌ترین عوامل فردی مؤثر بر بروز دلزدگی زناشویی به حساب می‌آید. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر دلزدگی زناشویی زوجین انجام گرفت.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله‌ای، جامعه هدف کلیه زوجین ساکن در مناطق حاشیه شهر بیرجند در سال ۱۳۹۵ بود که از میان آنها تعداد ۶۰ زوج (۱۲۰ نفر) به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و در دو گروه مداخله (۳۰ زوج) و گروه کنترل (۳۰ زوج) قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات شخصی و پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز (CBM) بود. مداخله آموزشی در ۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای جهت گروه مداخله انجام و پرسشنامه برای هر دو گروه قبل و سه ماه بعد از مداخله آموزشی تکمیل گردید. داده‌ها با نرم افزار SPSS ۱۸ و آزمون‌های آماری کای اسکوتر، t test مستقل و t test زوجی در سطح معنی داری $p < 0/05$ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد میانگین نمرات دلزدگی زناشویی و ابعاد آن (از پا افتادگی جسمانی، عاطفی و روانی) در گروه مداخله در قبل و بعد از مداخله تفاوت آماری معنی داری داشت ($p < 0/001$) اما در گروه کنترل معنی دار نبود. ($p < 0/05$)

نتیجه‌گیری: آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش میزان دلزدگی زناشویی و ابعاد آن شامل از پا افتادگی جسمانی، عاطفی و روانی در میان زوجین ساکن مناطق حاشیه شهر داشته باشد.

کلید واژه: دلزدگی زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، زوجین شهر بیرجند

امین احراری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

محمد رضا میری

* استاد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۶۱۵۴۶۸

Email: miri_moh2516@yahoo.com

عباسعلی رمضانی

مربی اپیدمیولوژی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

رضا دستجردی

استادیار روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

طیبه حسینی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بیرجند، بیرجند، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سواد سلامت و برخی عوامل مرتبط با آن در جمعیت ۶۵-۱۸ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر دزفول در سال ۹۷

کیومرث عیسی پره ۱

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شیراز

عزیز کسانی ۲

استادیار گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی دزفول

رضا پورآئین ۳

مدیرگروه سلامت روان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی دزفول

شادی نجفی فرد ۴

کارشناس مامایی مرکز بهداشت شهرستان دزفول

هادی احسان بخش

* مسئول واحد آموزش سلامت مرکز بهداشت شهرستان دزفول. نویسنده مسئول؛ شماره تماس: ۴۲۲۵۳۸۸۳-۶۱

Email: hadi. ehsanbakhsh361@gmail. com.

چکیده

مقدمه: امروزه سواد سلامت به عنوان یک مسئله و بحث جهانی در قرن ۲۱ معرفی شده است. سواد سلامت از سوی سازمان جهانی بهداشت به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده‌های امر سلامت معرفی شده است. سواد سلامت عبارت است از میزان ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامت است که برای تصمیم‌گیری متناسب سلامت لازم است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی با حجم نمونه ۱۶۰۰ نفر در سال ۱۳۹۷ بر روی افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر دزفول انجام شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه ای سپس از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه استاندارد سواد سلامت منتظری و همکاران بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS ۲۱ و روش‌های آماری ضریب همبستگی، تی تست، تی مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد پژوهش ۳۲/۱۶ و میانگین نمره سواد سلامت ۷۰/۱۹ بود. میانگین نمره سواد سلامتی به تفکیک ابعاد پنجگانه به ترتیب (مهارت دسترسی به اطلاعات) ۶۷/۲۶، (فهم و درک) ۸۱/۷۸، (خواندن اطلاعات) ۷۱/۷۹، (ارزیابی اطلاعات) ۶۹/۳۳، (تصمیم‌گیری و رفتار) ۶۶/۴۱ بوده است. در سطح بندی سواد سلامت، ۱۳/۱ درصد افراد دارای سواد سلامت ناکافی، ۲۱/۵ درصد نه چندان ناکافی، ۳۸/۵ درصد کافی، ۲۶/۹ درصد عالی بودند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که ۶۵/۴ درصد افراد مورد پژوهش دارای سواد سلامت مطلوب و ۳۴/۶ درصد دارای سواد سلامت ناکافی بودند که لازم است برنامه ریزی مناسب در جهت ارتقاء سطح سواد سلامتی در جامعه آماری این مطالعه صورت پذیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، عوامل مرتبط با سواد سلامت، پرسشنامه استاندارد سواد سلامت.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثربخشی مداخله آموزشی در بهبود مدیریت استرس بیماران دیابتی نوع ۲ شهر دزفول

چکیده

مقدمه: مدیریت استرس نقش مهمی را در بهبود کنترل متابولیک بیماران دیابتی ایفا می نماید. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر بهبود مدیریت استرس بیماران دیابتی نوع ۲ شهر دزفول انجام گرفت.

روش بررسی: در یک مطالعه تجربی، تعداد ۹۲ بیمار دیابتی نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان گنجویان شهر دزفول با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه استاندارد استرس درک شده کوهن را تکمیل نمودند. سپس با انجام تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله (۴۶ نفر) و کنترل (۴۶ نفر) تقسیم شدند. برای گروه مداخله، برنامه آموزشی مدیریت استرس به مدت یک ماه و در قالب ۸ جلسه اجرا شد. اما گروه کنترل آموزشی را دریافت نکرد. پس از ۳ ماه پیگیری، داده‌های پس آزمون جمع آوری گردید. کلیه داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS. ۲۱ و با انجام آزمون‌های آماری تی مستقل، تی زوجی و کای اسکوئر در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان، $52/70 \pm 10/91$ بود. داده‌های پیش آزمون نشان دهنده عدم تفاوت معنی دار استرس بیماران دو گروه وجود بود ($P > 0/05$) اما یافته‌های آزمون آماری تی مستقل، ۳ ماه پس از مداخله آموزشی، نشان دهنده کاهش معنی دار استرس در بیماران گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل بود ($P < 0/05$)

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه نشان داد که طراحی و اجرای مداخلات آموزشی بهداشت می تواند در بهبود مدیریت استرس بیماران دیابتی سودمند باشد.

کلید واژه: دیابت نوع دو، مدیریت استرس، مداخله آموزشی

هادی احسان بخش

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایران

امین میرزایی

استادیار گروه آموزش بهداشت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایران

بهزاد محکی

استادیار گروه آمار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

محسن جلیلیان

* استادیار گروه آموزش بهداشت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایران. نویسنده مسئول:
شماره تماس: ۰۸۴-۳۲۲۲۳۰۷۹

Email:: jalilian91@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی کیفیت زندگی فردی بیماران نارسایی مزمن کلیه با SEIQoL-Adapted ابزار

شراره احمدزاده اقدم

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،

دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران. نویسنده

مسئول: ۰۹۱۴۴۰۵۰۹۵۱

Ahmadzadehsharareh@gmail.com

حسین مطلبی

عضو هیات علمی و دانشیار، گروه آموزش بهداشت و

ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه کیفیت زندگی به یک موضوع مهم برای بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه که بشکل مداوم تحت همودیالیز قرار می‌گیرند تبدیل شده است. در این پژوهش یک برنامه تعدیل شده SEIQoL- (adapted) برای ارزیابی کیفیت زندگی فردی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیوی بکار گرفته شد و دیدگاه‌های آنان در مورد مهم‌ترین جنبه‌های کیفیت زندگی خودشان بررسی گردید.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی بصورت مقطعی در بخش همودیالیز بیمارستان امیرالمومنین شهرستان مراغه اجرا شد. تعداد ۵۳ نفر بیمار تحت همودیالیز با نمونه‌گیری غیر احتمالی و مبتنی بر هدف انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد و سپس با استفاده از تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نمره کل کیفیت زندگی مشارکت‌کنندگان با استفاده از راهنمای ابزار محاسبه گردید.

یافته‌ها: مهم‌ترین جنبه‌های زندگی بر اساس دیدگاهها و نظرات بیماران نارسایی مزمن کلیه عبارت بودند از: سلامت، خانواده، وضعیت مالی، شرایط زندگی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط و اجتماع، مسائل مذهبی و معنوی، دانش پزشکی و درمان. سلامتی بعنوان مهم‌ترین جنبه زندگی بیماران تحت همودیالیز شناسایی شد. میانگین کیفیت زندگی بیماران در حد ۶۶/۲ محاسبه گردید که نشان‌دهنده رفاه نسبی و رضایت نسبتاً بالای آنها از زندگی همراه با بیماری نارسایی کلیه است. مردان نسبت به زنان در هر دو گروه مجرد و متأهل از نمره کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. علاوه بر این، ارتباط نمرات کیفیت زندگی با تحصیلات، شغل و وضعیت تاهل از لحاظ آماری معنادار نبود.

نتیجه‌گیری: دیدگاهها و نقطه نظرات بیماران در مورد جنبه‌های مهم زندگی راهنمای قابل اعتماد و خوبی برای پزشکان مراقبین بهداشتی - درمانی و سیاست‌گذاران بهداشتی است تا برای مهم‌ترین اولویت‌های درمان و مداخله مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: کیفیت زندگی، SEIQoL، بیماران تحت همودیالیز



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخلات آموزش بهداشت برای افزایش سواد بهداشتی دانشجویان در زمینه ایدز با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: بدون شک بزرگترین بلای جامعه بشری پس از جنگ جهانی دوم، پاند می ایدز می باشد. از سال ۲۰۰۰ موارد جدید عفونت اچ آی وی در جهان ۳۵٪ کاهش یافته است. علیرقم این کاهش جهانی حد فاصل سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ در منطقه مدیترانه شرقی و شمال آفریقا که ایران نیز در این منطقه واقع است ۲۶٪ افزایش یافته است. آنچه با مشاهده آمار و در صدهای تفکیک شده مبتلایان ایدز، مهم به نظر میرسد، آمار زنان مبتلا به بیماری ایدز بود. که متأسفانه به تدریج رو به افزایش است و به گفته برخی مسئولان و کارشناسان آمار ایدز در زنان و دختران دنیا رو به افزایش است، چرا که این افراد به دلایل مختلف به میزان بیشتری در معرض ابتلا هستند. این مطالعه با هدف تاثیر مداخله آموزش بهداشت در ارتقاء سواد سلامت دانش آموزان دختر دبیرستانهای شهرستان فلاورجان در زمینه بیماری ایدز با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی میباشد.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله ای، ۴۹ نفر از دانش آموزان سال اول، دوم دبیرستان در گروه مداخله و ۴۹ نفر در گروه شاهد از دو دبیرستان فلاورجان در سال ۱۳۹۴ مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ای شامل اطلاعات جمعیت شناسی و سوالات مربوط به الگوی اعتقاد بهداشتی بود. پس از انجام پیش آزمون در هر دو گروه، تنها گروه مداخله بر اساس سازه هایمدل در خصوص رفتارهای پیشگیرانه بیماری ایدز در ۴ جلسه آموزش دیدند. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری تی زوجی و وتی مستقل تجزیه و تحلیل شدند

یافته‌ها: در ابتدای مطالعه میانگین آگاهی، شدت درک شده، منافع و موانع درک شده بین دو گروه اختلاف آماری معنی داری نداشت. $P < 0.05$ در انتهای مطالعه میانگین آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع و موانع درک شده در گروه مداخله افزایش آماری معنی داری نشان داد. **نتیجه‌گیری:** این مطالعه نشان داد که آموزش براساس مدل اعتقاد بهداشتی سبب بالارفتن شدت درک شده و حساسیت درک شده و منافع درک شده و نیز کاهش موانع درک شده در دانش آموزان دختر گردید.

کلید واژه: ایدز، دانش آموزان، مدل اعتقاد بهداشتی

ندااحمدزاده توری

دانشجوی دکتری (آموزش بهداشت و ارتقا سلامت گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران)

احمد مهری

دانشجوی کارشناسی ارشد (اپیدمیولوژی، آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران)

سید جلیل سیدی اندی

وابستگی سازمانی (دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات عوامل موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران)

داود شجاهی زاده

استاد گروه بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. نویسنده مسئول:

shojae5@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و ارتباط آن با مشخصات دموگرافیک در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی فاطمه الزهرا(س) رامسر

ندا احمدزاده توری

دانشجوی دکتری (آموزش بهداشت و ارتقا سلامت گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران)

آرش رهبر

دانشجوی پزشکی (پزشکی، گروه پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران)

بیژن احمدزاده توری

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی (پزشکی، گروه مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران)

همت اله قلی نیا آهنگر

کارشناس ارشد (آمار، آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران)

سید جلیل سیدی اندی

* وابستگی سازمانی (دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات عوامل موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران). نویسنده مسئول:

dr.seyedi1390@gmail.com

چکیده

مقدمه: یکی از دوره‌های حساس از نظر انجام رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، دوره جوانی می‌باشد. با توجه به اهمیت بررسی کیفیت زندگی به عنوان یکی از شاخصهای مهم سنجش سلامت و اهمیت بررسی ابعاد آن و به ویژه با توجه به اهمیت بررسی تاثیر سبک زندگی، تحقیق حاضر با هدف بررسی مولفه‌های سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت در دانشجویان انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر به روش مقطعی و از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه مورد بررسی شامل ۲۰۰ دانشجوی دانشکده پرستاری فاطمه زهرا (س) در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که به روش سرشماری وارد مطالعه شده‌اند. روش جمع آوری داده‌ها عبارتست از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته با تایید روایی و پایایی قبلی که توسط واحدهای مورد مطالعه در قالب مصاحبه با انعطاف پذیری متوسط تکمیل شده است. داده‌ها با استفاده از SPSS۲۰ مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین نمره کل سبک زندگی سالم در دانشجویان $20.1 \pm 2.9/96$ بود. در این مطالعه دانشجویان بالاترین امتیاز را در بعد مسئولیت‌پذیری درباره سلامت کسب نمودند که می‌تواند به دلیل رشته تحصیلی و سطح بالای آگاهی آنان درباره مسائل بهداشتی باشد. بین فعالیت جسمانی و جنسیت ($p=0.028$) و همچنین بین فعالیت جسمانی و محل سکونت ارتباط معنی‌داری برقرار بود؛ به این صورت که دانشجویان خوابگاهی بطور معنی‌داری کمتر از دانشجویانی که با خانواده ($p=0.040$) و با دوستان ($p=0.009$) زندگی می‌کردند، فعالیت جسمانی داشتند.

نتیجه‌گیری: میانگین نمره سبک زندگی در دانشجویان ساکن خوابگاه در محدوده پایینی قرار داشت. بنابراین طراحی و اجرای مداخلات آموزشی استاندارد و نیز برقراری سیستم‌های حمایتی مختلف در ابعاد تغذیه ای، تفریحی، فرهنگی و رفاهی ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: سبک زندگی، ارتقاء سلامت، دانشجو

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سلامت و عدالت اجتماعی در یک مطالعه مروری از مقالات فارسی

چکیده

مقدمه: امروزه سلامت اجتماعی در کنار سلامت جسمی و روانی و معنوی، به عنوان یکی از ابعاد سلامت نقش و اهمیت گسترده یافته است. بی توجهی به جنبه اجتماعی سلامت در عصر ارتباطات، موجب افزایش آسیب پذیری افراد در ابعاد روانی و آسیبهای اجتماعی می شود. سلامت اجتماعی عبارت است از توانایی انجام مؤثر و کارآمد نقشهای اجتماعی، ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه های اجتماعی.

امروزه شواهد علمی محکمی وجود دارد که تعیین کننده های اجتماعی سلامت شامل طبقه اجتماعی، محرومیت اجتماعی، حاشیه نشینی، استرس، تکامل دوران ابتدای کودکی، بیکاری، شرایط محیط کار، حمایت اجتماعی، اعتیاد، غذا، حمل و نقل، شهرنشینی، مهاجرت و جهانی شدن تأثیر بسیاری بر سلامت دارند.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری می باشد براساس مقالات که در مجلات و پایگاههای اینترنتی نمایه شده بود با کلید واژه "سلامت اجتماعی" مورد جستجو قرار گرفت که در نهایت ۱۱ مقاله با هدف مطالعه منطبق بود که مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: در نتایج حاصل از مقالات نشان می دهد که مولفه های اجتماعی، اقتصادی مردم فقیر تر در کشورهای کم درآمد از میزان بالاتری از بیماری ها در رنج هستند. حتی بیماری های غیر واگیر در طبقات اجتماعی پایین و متوسط در کشورهای با درآمد بالا و متوسط سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است.

کمبود غذا، آب ناسالم، بهداشت محیط نامطلوب، سرپناه نامناسب، همگی عوامل مواجهه با بیماری را افزایش میدهند.

اختلال در وزن گیری متعارف (چاقی و لاغری مفرط)، مصرف سیگار و الکل، فشار خون بالا، رفتارهای نامناسب جنسی از علل مواتلیتی و موربیدیتی در این کشور هاست.

سلامت در دوران بزرگسالی از بی عدالتی های اجتماعی که در دوران کودکی نشأت گرفته شده ناشی میشود. و در حال حاضر بیش از ۲۰۰ میلیون کودک در سراسر دنیا به دلیل فقر از رسیدن به ظرفیت بالقوه تکامل خود باز مانده اند.

با مهار عوامل اجتماعی در جهت مثبت میتوان سیاست های مرتبط با سلامتی و رفاه را بهبود بخشید و مسائل اجتماعی که ریشه در فرایندهای اجتماعی دارند را اصلاح کرد.

نتیجه گیری: بی عدالتی در سلامت سبب میشود وضعیت سلامت گروه های اجتماعی محروم از آنچه هست بدتر و بدتر شود. حل مشکلات موجود در عرصه عدالت در سلامت فقط با اقدامات یک وزارتخانه و یا یک بخش امکان پذیر نیست. ارائه شواهد به سیاستگذاران و مشاوران بین المللی و جلب مشارکت ایشان و استفاده و توزیع منابع اقتصادی به شکل عادلانه و منصفانه میتواند تنها راهکار احیاء سلامت اجتماعی باشد.

کلیدواژه: سلامت، عوامل اجتماعی، بیماری، عدالت

احمدی الهام

* کارشناس مامایی گروه مادران دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد. نویسنده مسئول: ۳۷۶۱۶۶۷۰

E-mail: ahmadie1@mums.ac.ir

اکبری افسر

کارشناس مامایی کارشناس مسئول سلامت خانواده دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

محمدیان سکینه

کارشناس ارشد مامایی گروه مادران دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

ضابطیان سکینه

کارشناس مامایی گروه سلامت باروری دانشگاه علوم پزشکی مشهد دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

شایسته طبخ نجمه

کارشناس مامایی گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

اسحاقی حصار فریبا

کارشناس مامایی گروه سالمندان دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

اکبری سنبله

کارشناس بهداشت خانواده گروه میانسالان دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز بهداشت شماره سه مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش بر ارتقای آگاهی مادران دارای دختر زیر ۲ سال در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری

زهرا احمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر محسن شمسی

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۸۶۳۳۶۸۶۴۴۳

dr.shamsi@arakmu.ac.ir

دکتر نسرين روزبهانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر رحمت اله مراد زاده

استادیار اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

چکیده

مقدمه: عفونت ادراری یکی از شایع ترین بیماری های عفونی اطفال می باشد که عوارض شدیدی از جمله فشار خون بالا، اسکار کلیه، کاهش عملکرد کلیه و بیماری مزمن کلیه را به همراه خواهد داشت. در این خصوص آموزش مادران به عنوان اولین مراقبین کودک از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش بر ارتقای آگاهی مادران دارای دختر زیر ۲ سال در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مداخله ای بر روی ۱۱۰ نفر از مادران دارای دختر زیر ۲ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک که به طور تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل (هر گروه ۵۵ نفر) تقسیم شدند انجام پذیرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پایا و روا شامل مشخصات دموگرافیک و آگاهی مادران بوده است. ابتدا در هر دو گروه پیش آزمون و سپس مداخله آموزشی جهت ارتقای آگاهی مادران در گروه مداخله در قالب گروههای ۱۵-۱۰ نفره در مراکز بهداشتی انجام و سپس ۳ ماه پس از مداخله، پس آزمون انجام و داده ها با نرم افزار spss ۲۳ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمره آگاهی از ۰/۶۲±۰/۱۶ قبل از مداخله به ۰/۹۷±۰/۰۷ در ۳ ماه بعد از مداخله در گروه مورد ارتقای معنی داری یافت. ($p < 0/01$). در گروه شاهد نیز میانگین آگاهی در قبل از مداخله ۰/۵۸±۰/۱۵ در ۳ ماه بعد از مداخله به ۰/۵۲±۰/۱۵ تغییر یافت ($p = 0/2$). **نتیجه گیری:** آموزش بهداشت بر مبنای نیازسنجی اولیه همراه با پیگیریهای فعال در ارتقا آگاهی مادران در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری مؤثر بوده است.

کلید واژه: آموزش، آگاهی، دختر زیر ۲سال، عفونت ادراری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مؤثر در پیشگیری از تب و تشنج در کودکان بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی در مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی در استان قم در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: تب و تشنج ساده به تشنج ناشی از تب که ژنرالیزه بوده و کمتر از ۱۵ دقیقه طول می کشد و در طی ۲۴ ساعت تکرار نشود گفته می شود. با توجه به نقش مهم مادران در کنترل این بیماری و ماهیت نگران کننده آن، این مطالعه به منظور بررسی عوامل مؤثر در پیشگیری از تب و تشنج در کودکان بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی در مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی در استان قم در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و به شکل مقطعی بوده که در آن ۱۴۰ نفر از مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی استان قم شرکت داشتند. ابزار گرد آوری داده‌ها شامل پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه ۴۷ سوالی محقق ساخته مبتنی بر سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی بوده است. و در نهایت اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ و آمار توصیفی و آزمونهای آماری مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سن مادران ۳۰/۵۴ (۱۸-۴۵) سال بود و ۷۸ درصد آن‌ها خانه دار بودند. میانگین نمره آگاهی مادران ۵۶/۶۹، میانگین نمره حساسیت درک شده برابر با ۶۱/۹۶ درصد، میانگین نمره شدت درک شده ۷۶/۷۰ درصد، میانگین نمره منافع درک شده ۸۵/۱۵ درصد و میانگین نمره موانع درک شده ۴۰/۶۲ درصد بود. از نظر راهنماهای عمل، منبع برای به دست آوردن اطلاعات در زمینه پیشگیری از تشنج ۷۴/۸ درصد از پزشک، ۱۰/۸ درصد از خانواده و آشنایان، ۵/۸ درصد از کتاب و کتابچه و ۳/۶ درصد از پرسنل بهداشتی و مابقی از مجلات، پرستار و سایر مادران کمک می گرفتند. ترس از ابتلا به عوارض با ۵۷/۸ درصد بیشترین نقش را در جهت اقدام در پیشگیری از تب در مادران داشته است. نمره عملکرد مادران برای کنترل تب برابر با ۶۳/۳۷ بود. از نظر آماری ارتباط معنی داری بین تحصیلات مادر و شغل مادر و میانگین نمره آگاهی و عملکرد مشاهده نشد. بین سابقه بیماری کودک و سطح در آمد خانوار با نمره آگاهی مادر ارتباط معنی داری از نظر آماری مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین نمره آگاهی مادران، حساسیت درک شده، و موانع درک شده نمره پایین تری را نسبت به سایر سازه‌ها به دست آوردند که بیانگر اهمیت کار در این زمینه‌ها است. همچنین درصد کسب اطلاعات از خانواده و آشنایان نسبت به سایر موارد به غیر از پزشک، نسبتا بالا می باشد که نیازمند کار بیشتر بر این موضوع می باشد که مادران از منبع مطمئن و علمی اطلاعات لازم را دریافت کنند.

کلید واژه: تب، تشنج، کودکان

زهره احمدی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ۰۹۱۰۴۶۶۳۵۱۹
z-ahmadi@muq.ac.ir

سیامک محبی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

فاطمه سادات ایزدخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

لیلا قزوینیان

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی پیامدهای نا مطلوب ایمن سازی در شهر قم از سال ۹۵-۱۳۹۳

زهره احمدی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ۰۹۱۰۴۶۶۳۵۱۹
z-ahmadi@muq.ac.ir

ذبیح اله قارلی پور

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

فاطمه سادات ایزدخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

احمد راهبر

مریی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

محمد علی انصاری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

چکیده

مقدمه: هدف از نظام مراقبت عوارض ناخواسته ایمنسازی، تعیین میزان بروز هریک از عوارض بدنبال واکسینا و شناسایی عوارض برای پیشگیری از بروز آنها و به حداقل رساندن عواقب آنها میباشد. با توجه به عواملی نظیر بروز نسبتا بالای عوارض ایجاد شده از واکسن و اختلافات موجود در عوارض گزارش شده از واکسینا و همچنین اهمیت واکسیناسیون، هدف از این مطالعه بررسی پیامدهای نامطلوب ایمنسازی در شهر قم از سال ۱۳۹۵-۱۳۹۳ می باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیف مقطعی بود. تعداد ۴۱۲ مورد از عوارض ایمنسازی که در طی سالهای ۹۵-۱۳۹۳ اتفاق افتاده بود وارد مطالعه شدند. دادهها با استفاده از فرم بررسی پیامد نامطلوب ایمنسازی مربوط به مرکز مدیریت بیماریهای واگیر مربوط به معاونت بهداشت وزارت بهداشت در مراکز بهداشتی درمانی شهر قم گردآوری شدند و در نهایت توسط نرمافزار SPSS نسخه ۱۹ توسط شاخصهای توصیفی بیان گردید.

یافته‌ها: با توجه به نتایج مطالعه، ۵۳/۴ درصد از عوارض مرتبط با نوزادان پسر و ۴۵/۶ درصد مرتبط با نوزادان دختر بود. هم چنین بر اساس نوع عارضه، به ترتیب عارضه بثورات ۴۳/۲ درصد (۱۷۸ نفر) عارضه تب ۲۸/۲ درصد (۱۱۶ نفر)، عارضه تورم ۲۷/۹ درصد (۱۱۵ نفر)، عارضه سفتی ۲۲/۸ درصد (۹۴ نفر)، عارضه درد ۹/۲ درصد (۳۸ نفر)، از عوارض را شامل می شدند.

نتیجه گیری: بثورات و تب شایع ترین علامت گزارش شده بعد از تزریق واکسن می باشد لذا مراقبت از کودکان از نظر این دو عارضه بعد از تزریق واکسن توصیه موکد می باشد.

کلید واژه: عوارض، ایمن سازی، واکسیناسیون

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سقوط و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهرستان اصفهان در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: با توجه به افزایش جمعیت سالمندان و روند رو به رشد پیری ایجاد حوادث در سالمندان یکی از چالش‌های عرصه سلامت می باشد که سهم مؤثری در ناتوانی و مرگ‌ها دارد. پیش بینی می شود در سال ۲۰۳۰، ۲۵ درصد از مرگ و میرها در گروه سنی سالمندان به دلیل حوادث و سوانح باشد. در این میان سقوط یا زمین خوردن یکی از حوادث شایع دوران سالمندی است که نتیجه تداخل عوامل خطر فراوانی می باشد. بنابراین آگاهی از پیامدها و پیشگیری از سقوط سالمندان جهت تدابیر به موقع برای پیشگیری، درمان و مدیریت صحیح آن احساس می گردد. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت سقوط و عوامل مرتبط با آن در سالمندان مراجعه کننده به مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان اصفهان در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی بود. شرکت کنندگان کلیه سالمندان با سن ۶۰ سال و بالاتر بودند که در طی سال ۱۳۹۶ به مراکز بهداشتی درمانی شماره دو شهر اصفهان مراجعه می کردند. این افراد به روش تصادفی طبقه ای انتخاب و وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه فعالیت‌های روزانه زندگی (ADL) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss نسخه ۲۰، آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

یافته‌ها: بیشترین میزان سقوط و زمین خوردگی در گروه سنی ۷۰ سال به بالا بود (۲۱٪). از تعداد ۱۸۲۸۵ نفر از سالمندان که مراقبت سقوط برای آنها انجام شده بود، ۱۱٪ سابقه سقوط (زمین خوردن) در یک سال گذشته را داشتند. ۱۰٪ ناپایداری هنگام راه رفتن یا ایستادن و ۱۱٪ ترس از سقوط را در یک سال گذشته را تجربه کرده بودند.

نتیجه گیری: سالمندان به علت شرایط فیزیولوژیکی در معرض ایجاد حوادث و عوارض جبران ناپذیر آن هستند. بنابراین لزوم آموزش‌های مؤثر، منظم و برنامه ریزی شده در جهت پیشگیری از آسیب‌ها و ایمن کردن محیط زندگی و جامعه برای سالمندان و توجه به کاهش آسیب‌ها در این گروه سنی ضروری می باشد.

کلید واژه: سالمند، سقوط، شهر اصفهان

لیلا احمدی

* کارشناس آموزش بهداشت (دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران). نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۳۳۸۶۷۹۶۷

Email: Ahmadigh@yahoo.com

نفسه آهنی

کارشناس سلامت سالمندان (کارشناس مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران)

عاطفه افشاری

پرستار (دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت افسردگی و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهرستان اصفهان در سال ۱۳۹۶

لیلا احمدی

* کارشناس آموزش بهداشت (دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران). نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۳۳۸۶۷۹۶۷

Email: Ahmadigh@yahoo.com

عاطفه افشاری

پرستار (دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران)

چکیده

مقدمه: پیر شدن فرایندی است که همه افراد آن را تجربه می کنند. بررسی‌ها جهانی نشان می دهد که جمعیت سالمندی به دلیل ارتقاء سطح جهانی بهداشت در حال افزایش است. این در حالی است که این دوران چالش‌های بسیاری دارد و اختلالات روانی با فشارهای جدی افسردگی و استرس از جمله مشکلات شایعی می باشد که تعداد زیادی از سالمندان در این دوران آن را تجربه می کنند. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت افسردگی و عوامل مرتبط با آن در سالمندان مراجعه کننده به مرکز بهداشت شماره ۲ اصفهان در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی بود. شرکت کنندگان کلیه سالمندان با سن ۶۰ سال و بالاتر بودند که در طی سال ۱۳۹۶ به مراکز بهداشتی درمانی شماره دو شهر اصفهان مراجعه می کردند. این افراد به روش تصادفی طبقه ای انتخاب و وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه مقیاس افسردگی سالمندان (GDS) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss نسخه ۲۰، آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین سنی در این مطالعه 65 ± 4 سال بود. میانگین نمره افسردگی 4 ± 2 بود. ۸٪ از افراد افسردگی شدید، ۳۶٪ افسردگی خفیف و ۵۵٪ از شرکت کنندگان افسردگی متوسط داشتند. احساس غمگینی و غصه (خلق افسرده) از مهم ترین نشانه‌هایی بود که اکثر سالمندان در ۲ هفته اخیر آن را تجربه کرده بودند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که سالمندان به دلیل مواجهه با عوامل روانشناختی گوناگون در این دوران در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به افسردگی قرار دارند. بنابراین لزوم برنامه ریزی و آموزش منظم سالمندان به منظور پیشگیری از مواجهه با آسیب‌ها و حمایت اجتماعی آنها در کاهش مشکلات روحی-روانی سالمندان ضروری می باشد.

کلید واژه: سالمندان، افسردگی، شهر اصفهان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه خودکارآمدی عمومی با جنس

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی به قضاوت فرد در مورد توانایی هایش برای انجام دادن عمل بطور موفقیت آمیز، اشاره می کند. خودکارآمدی با سلامت بیشتر و موفقیت بالاتر رابطه دارد. جنس افراد به عنوان یک متغیر مهم در بررسی توانمندی‌های افراد به نظر می رسد و عموماً بصورت غیر علمی مورد بحث و اظهار نظر قرار می گیرد. از آنجا که تعیین ارتباط متغیر جنس با خودکارآمدی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد این پژوهش به بررسی ارتباط جنس با خودکارآمدی افراد می پردازد.

روش بررسی: جهت این مطالعه توصیفی تحلیلی ۳۲۰ داوطلب ۲۰ تا ۴۰ ساله دعوت به همکاری شدند. داوطلبان پرسشنامه سلامت عمومی را تکمیل کردند و در صورت داشتن شرایط ورود به مطالعه، پرسشنامه خودکارآمدی شرر را تکمیل کردند. در نهایت بر اساس آنالیز پرسشنامه‌های تکمیل شده، میانگین خودکارآمدی در گروه مورد مطالعه و ارتباط میانگین خودکارآمدی با جنس شرکت کنندگان در مطالعه تعیین شد.

یافته‌ها: از مجموع ۲۴۱ شرکت کننده در این مطالعه تعداد (۶۵٪ ۱۵) نفر زن و تعداد (۳۴٪ ۸۵) نفر مرد بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان نیز ۰.۲۶ ± ۰.۲۵ سال بود میانگین نمره خودکارآمدی در زنان ۰.۶ ± ۰.۳۸ و در مردان ۰.۷ ± ۰.۳۸ بدست آمد. گرچه میانگین نمره خودکارآمدی مردان بیشتر از زنان بود ولی این تفاوت معنی داری نبود ($p=۰.۰۰۶۵۵$).

نتیجه گیری: در این مطالعه میانگین خودکارآمدی در مردان بیشتر از زنان بود گرچه این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبود ولی از آنجایی که در راستای مبانی طب ایرانی است حائز اهمیت میباشد زیرا بر مبنای آموزه‌های طب ایرانی، جنس مرد نسبت به جنس زن از نظر مزاجی گرمتر است که خود توجیهی بر دارا بودن خودکارآمدی بالاتر است. با توجه به تاکید مکتب طب سنتی ایرانی بر تاثیر ویژگی‌های فردی بر توانمندی‌های افراد تیم پژوهشگر استفاده از فاکتور مزاج را برای قضاوت دقیق تر در مورد میزان خودکارآمدی افراد توصیه نمودند.

کلید واژه: خودکارآمدی، سن، مزاج، طب سنتی ایرانی

دکتر محمد احمدیان (MD, MPH),

دانشکده طب ایرانی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

دکتر نوشین پیمان (PhD)

مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

دکتر مونا نجف نجفی (MD)

مرکز توسعه تحقیقات بالینی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

دکتر زهره فیض آبادی (MD, PhD)

گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد الگوی اعتقاد بهداشتی برای رفتار ماموگرافی با استفاده از مدل معادله ساختار در زنان شهر گنبد

مهین ادیب

* بهداشت خانواده، بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
گلستان، گنبد، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس
۰۹۱۱۳۷۶۳۳۹۷

Email: adibmahin@gmail.com

عابد نوری

آموزش پزشکی، آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی
گلستان، گنبد، ایران

رشید آتا

دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کلاله،
ایران

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع ترین سرطان زنان در دنیاست. سن ابتلا به این بیماری در زنان ایرانی حداقل ده سال پائین تر از کشورهای توسعه یافته است. تشخیص زودرس سرطان پستان عامل اصلی برای درمان این معضل است. اطلاعات بدست آمده از شناخت اثرات تحلیل مدل معادله ساختار، برنامه ریزان سلامت را برای ارتقای سلامت جهت طراحی و اجرای مداخلات اثربخش و موثر به منظور افزایش رفتار غربالگری کمک می کند. هدف این مطالعه بررسی ارتباط رفتار ماموگرافی با عوامل دموگرافیک و سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی با هدف انجام رفتار ماموگرافی در زنان شهر گنبد در سال ۹۶ بوده است. **روش بررسی:** این مطالعه به صورت مقطعی و در ۲۵ مرکز خدمات جامع سلامت گنبد به تعداد ۳۸۰ نمونه از زنان صورت گرفت. نمونه گیری به صورت خوشه ای و تصادفی انجام شد. گردآوری داده ها با استفاده از یک پرسشنامه ۴۴ سوالی که روایی و پایایی آن تایید شده، بصورت خوداظهاری صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss و لیزرل و با آمارهای توصیفی و استنباطی انجام شد. **یافته ها:** نتایج مطالعه نشان داد که ۶.۵ درصد از زنان بر انجام ماموگرافی مرتب اعتقاد عملی داشته و انجام می دادند. حساسیت درک شده و خودکارآمدی بالاترین ضریب همبستگی را از بین تمامی متغیرها داشتند. عوامل دموگرافیک بر انجام ماموگرافی، متغیرهایی همانند وضعیت تاهل، سابقه فامیلی سرطان پستان و مشکلات پستانی، دارای اثرات معناداری بودند.

نتیجه گیری: اثربخش بودن کاربرد الگوی اعتقاد بهداشتی با توجه به قدرت بالای واریانس، برای بررسی رفتار ماموگرافی محرز است. پایین بودن میزان انجام ماموگرافی، ضرورت تدوین راهکارهای مداخله ای عملی به منظور ارتقای بینش و نگرش نسبت به ماموگرافی را جهت تغییر رفتار و انجام ماموگرافی مشخص می کند. بدون شک آموزش ارتقای سلامت در زنان از راهکارهای موثر جهت افزایش سواد سلامت در زمینه ماموگرافی خواهد بود.

کلید واژه: الگوی اعتقاد بهداشتی - ماموگرافی - مدل معادله ساختار - شهر گنبد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سالمندی موفق

چکیده

مقدمه: همراه با افزایش تعداد سالمندان در جهان، استفاده و کاربرد مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با این پدیده نیز افزایش یافته است. یکی از این مفاهیم سالمندی موفق می باشد. هدف مطالعه حاضر دسترسی به یک مفهوم مشترک جهت استفاده کاربردی در مطالعات مربوط به اندازه گیری سالمندی موفق می باشد. **روش بررسی:** مطالعه حاضر مرور سیستماتیک است. بر این اساس کلید واژه های سالمند، سالمندی، سالمند موفق؛ و سالمندی موفق در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Elsevier, SID, Medlib, Magiran, Iranmedex, irandoc, google scholar در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا کنون برای مقالات فارسی و برای مقالات لاتین نیز بازه زمانی ۱۹۹۵ تا پایان ۲۰۱۷ لحاظ گردید.

یافته ها: یافته های مطالعه در سه حیطه تعریف سالمندی موفق با تمرکز بر ابعاد و حیه های مورد تاکید، اصول سالمندی موفق و عوامل موثر بر سالمندی موفق تقسیم بندی کرد. در بررسی مطالعات تعاریف مختلف سالمندی موفق، بر کنش شناختی، ادراک، کنترل و رضایتمندی از زندگی متمرکز بوده است. همچنین سالمندی موفق به عنوان داشتن احساسات درونی از شادی و رضایت با حضور خود و زندگی گذشته، بیان شده است. گاهی اوقات مفهوم سالمندی موفق با رضایتمندی از زندگی یا اخلاقی بودن یکسان انگاشته شده است؛ گاهی اوقات با بقاء توام با سلامتی معادل دانسته شده است.

نتیجه گیری: بر اساس از مفاهیم بدست آمده از مطالعه حاضر، متخصصان نظام سلامت به عنوان حامیان سلامت جامعه، می توانند زمینه های سالمندی موفق را در طراحی و اجرای برنامه های سند ملی سالمندان لحاظ کنند تا از طریق آن ها شرایط حفظ و ارتقای زندگی سالم و فعال در دوران سالمندی برای تک تک افراد جامعه فراهم کنند.

کلید واژه: سالمند، سالمندی، سالمند موفق، مرور سیستماتیک.

فاطمه استیصاری

* آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۲۱. ۸۸۶۵۵۳۶۶.
E_mail: fa_estebsari@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه عوامل موثر بر سبک زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ با افراد سالم در مرکز دیابت وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۵

فاطمه استبصاری

* آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۲۱. ۸۸۶۵۵۳۶۶
E_mail: fa_estebsari@yahoo.com

زهرارحیمی خلیفه کندی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی آموزشی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

ریحانه پورجم

دانشجوی ترم ۵ کارشناسی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماری دیابت یک بیماری متابولیک پیچیده است که امروزه به عنوان یکی از چالش‌های جهانی محسوب می‌شود. با تغییر در سبک زندگی می‌توان تا ۷۹۰٪ از عوارض ناشی از دیابت پیشگیری کرد. بنابراین انجام تحقیق و پژوهش جهت بررسی جنبه‌هایی از سبک زندگی که مرتبط با دیابت نوع ۲ است، ضروری به نظر می‌رسد لذا با عنایت به اهمیت موضوع پژوهشگر بر آن شد در این زمینه پژوهش نماید **روش بررسی:** نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی و از نوع مقطعی می‌باشد. تعداد ۳۰۰ نفر از مراجعه کنندگان دیابتی و غیر دیابتی مراجعه کننده به مرکز دیابت با روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، و پروفایل سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت نسخه ۲ استفاده گردید. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین ، انحراف معیار ، فراوانی) و آزمونهای تحلیل (من ویتنی ، آنالیز واریانس یکطرفه)، استفاده شد. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از آزمون من ویتنی نشان داد که افراد دیابتی و غیر دیابتی دارای اختلاف معنی داری در ابعاد (تغذیه ، فعالیت فیزیکی، مدیریت استرس، رشد روحی و معنوی) سبک زندگی می‌باشند **نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌های مطالعه بین ابعاد سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت(تغذیه ، فعالیت فیزیکی، مدیریت استرس، رشد روحی و معنوی) در افراد دیابتی و غیر دیابتی اختلاف معنی داری مشاهده گردید. بر همین اساس توصیه می‌گردد که گام‌هایی در جهت طراحی برنامه‌های آموزشی موثر با تاکید بر بهبود رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در بین افراد دیابتی برداشته شود

کلید واژه: سبک زندگی، رفتار ارتقا دهنده سلامت ، دیابت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



توانمند سازی افراد جامعه در زمینه خودمراقبتی سلامت محور

شرح تجربه

بیان مسئله: یکی از مفاهیم کاربردی در زمینه ارتقای سلامت، مفهوم اجتماعی کردن سلامت می باشد که بر اساس آن، تمام نهادها و آحاد جامعه را برای توجه به موضوع سلامت فرا می خواند و با این رویکرد نه تنها وزارت بهداشت، بلکه تمام نهادها، درگیر حوزه سلامت می شوند. مفهوم اجتماعی کردن سلامت در حقیقت ترجمان شعار سازمان جهانی بهداشت است تا بر اساس آن سلامت برای همه و در همه جا ایجاد شود. لذا اجتماعی کردن سلامت می تواند یکی از استراتژی های مهم برای تحقق شعار پوشش همگانی سلامت باشد. **اهداف تجربه:** هدف کلی مطالعه حاضر توانمند سازی افراد جامعه در زمینه خودمراقبتی سلامت محور بود. اهداف اختصاصی توانمند سازی شرکت کنندگان در مطالعه در زمینه سبک زندگی سالم، شناسایی و تشخیص ریسک فاکتورهای سرطان، بیماری های قلبی- عروقی، مغزی و مراقبت جنسی و همچنین افزایش آگاهی بود.

روش و مراحل کار: برای دست یابی به اهداف مطالعه ابتدا بر اساس اطلاعات حاصل از نیاز سنجی اولیه توسط مرکز سلامت جامعه حضرت رقیه (س) وابسته به مرکز بهداشت شمال وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی موجود در مرکز سلامت جامعه، مشخص گردید که جمعیت تحت پوشش نیازمند آموزش در زمینه مواردی مثل سبک زندگی سالم، علایم هشدار دهنده سرطان، ریسک فاکتورهای سرطان، بیماری های قلبی - عروقی و مغزی و مراقبت جنسی (پیشگیری از کودک آزاری جنسی) نیازمند آموزش می باشند. لذا محتوای آموزشی بر اساس متوسط سطح سواد جمعیت تحت پوشش با تمرکز بر کتاب های خودمراقبتی موجود وزارت بهداشت و آموزش پزشکی موجود تهیه گردید و به صورت کلاس های منسجم به صورت هفته ای یکبار به مدت سه ماه و در طی سه دوره تکرار گردید. به منظور دسترسی آسان به جمعیت تحت پوشش طبق هماهنگی مرکز سلامت جامعه با مدارس تحت پوشش با اولیای دانش آموزان دعوت نامه از طرف مدارس ارسال گردید. آموزش ها در نمازخانه یا سالن اجتماعات مدرسه به روش سخنرانی، استفاده از اسلایدها و فیلم های آموزشی، پرسش و پاسخ و حتی مشاوره های فردی و همچنین با استفاده از وایت اجرا گردید. مدت هر جلسه آموزش ۴۵-۳۰ دقیقه و مدت ۳۰-۱۵ دقیقه برای پرسش و پاسخ بوده است. آموزش ها توسط دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه و دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت بود. قبل و بعد از هر جلسه پیش آزمون و پس آزمون گرفته شد. **نتایج:** یافته های کوتاه تغییر در آگاهی و نگرش بوده است که بر اساس تغییر در نمرات پس آزمون در مقایسه با قبل از آموزش بوده است. و یافته های درازمدت بر اساس تعداد مراجعات به مرکز سلامت جامعه جهت پیگیری علایم شناسایی شده در راستای آموزش های داده شده ب. و د ط به کانسر بود. **ذینفعان / مخاطبان:** ذینفعان مطالعه حاضر جمعیت تحت پوشش بوده است که در این مطالعه بیشتر اولیای دانش آموزان و مخصوصا مادران بوده است. مخاطب ثانویه مطالعه حاضر دانش آموزان و خانواده ها بودند.

چالش های طرح: یکی از مهمترین چالش های طرح حاضر عدم مشارکت فعال جمعیت تحت پوشش بود لذا پیشنهاد می گردد از طریق پیوند قوی بین اولیای مدرسه و دانش آموزان و مرکز سلامت جامعه اقدام گردد. چالش دیگر موجود نبودن و در دسترس نبودن محتوای آموزشی بخصوص فیلم های آموزشی بر اساس سطح درک و سواد جمعیت تحت پوشش بود. البته نحوه اطلاع رسانی و توجیه جمعیت تحت پوشش مبنی بر مفید بودن و موثر بودن آموزش شها نیز باید به عنوان یک اولویت مهم لحاظ گردد. **کلید واژه:** توانمند سازی، خودمراقبتی، جمعیت تحت پوشش، آموزش سبک زندگی، ریسک فاکتورها، علایم هشدار دهنده

فاطمه استحصاری،

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه پرستاری، سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۲۱. ۸۸۶۵۵۳۶۶ .
E_mail: fa_estebsari@yahoo.com

زهره رحیمی خلیفه کندی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی آموزشی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش غنی سازی روابط مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر رضایت زناشویی زنان

طاهره اسداللهی سلم آباد

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۷۲۰۲۳۲۹

asadollahi.ta26@yahoo.com

محمد رضا میری

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیه نوروزی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

طیبه حسینی

کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، بهداشت روان،
بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی مهم ترین و اساسی ترین عامل جهت پایداری و دوام زندگی مشترک است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش غنی سازی روابط مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر رضایت زناشویی زنان انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بر روی ۸۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بیرجند که به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند، انجام شد. زنان به طور تصادفی در دو گروه مداخله (۴۰ نفر) و کنترل (۴۰ نفر) قرار گرفتند. بر اساس نتایج توصیفی راهبردها و روش های آموزشی با توجه به اینکه سازه نگرش و کنترل رفتاری درک شده مدل رفتار برنامه ریزی شده قدرت پیشگویی کننده بالاتری در رضایت زناشویی داشتند، انتخاب شد. آموزش مهارت های غنی سازی روابط در هشت جلسه نود دقیقه ای به زنان گروه مداخله داده شد. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه استاندارد رضایت زناشویی MSQ بود که قبل از مداخله، یکماه بعد و سه ماه بعد از مداخله در دو گروه تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماري SPSS ۱۹ و آزمون های آماري t مستقل و آنالیز واریانس تکرار شونده و تست تعقیبی بن فرونی در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: قبل از مداخله دو گروه از نظر میانگین نمره ها همسان بودند. میانگین نمره رضایت زناشویی در کل و ابعاد آن در زنان گروه مداخله، یکماه بعد و سه ماه بعد از مداخله به طور معنی داری افزایش داشت (p < ۰/۰۰۱). ولی در گروه کنترل میانگین نمره رضایت زناشویی در کل و ابعاد آن یکماه بعد و سه ماه بعد به طور معنی داری کاهش داشت (p < ۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: آموزش غنی سازی روابط در افزایش رضایت مندی زناشویی و ابعاد آن (جاذبه، تفاهم، طرز تلقی و سرمایه گذاری) موثر بود. بنابر این از برنامه آموزش غنی سازی می توان به عنوان یک مداخله مناسب جهت افزایش رضایت مندی زناشویی افراد استفاده کرد.

کلید واژه: غنی سازی روابط، رضایت زناشویی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، زنان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی قدرت پیشگویی کنندگی تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر رضایت زناشویی زنان خانه دار

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی یک هدف والایی در تحقق خانواده مطلوب است و در سلامت و پرورش اعضای خانواده نقش اساسی دارد. تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، یکی از مهم‌ترین تئوری‌ها در بررسی عوامل تاثیرگذار بر رفتارهای انسانی می‌باشد. این مطالعه، با هدف بررسی قدرت پیشگویی کنندگی تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر رضایت زناشویی زنان خانه دار شهر بیرجند انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۵ بر روی ۲۰۰ نفر از زنان خانه دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند انجام شد. افراد به صورت طبقه‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه استاندارد رضایت زناشویی MSQ و پرسشنامه محقق‌ساخته منطبق با سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده (پس از تایید روایی با نظر متخصصان و پایایی آن از راه آلفای کرونباخ نگرش (۰/۸)، هنجارهای انتزاعی (۰/۷)، کنترل رفتاری درک شده (۰/۷)) مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۹ و روش‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یکطرفه و آنالیز کوواریانس در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در مجموع ۶۲/۶٪ رضایت زناشویی را پیش‌بینی کردند. نگرش (SS=۱۰/۲۲) و کنترل رفتاری درک شده (SS=۳/۳۷) بیش‌بینی‌کننده‌های قوی رضایت زناشویی بودند (P<۰/۰۰۱) و از بین متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات همسر (SS=۱/۸۷) و تعداد فرزند (SS=۰/۴) بیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی زنان بودند.

نتیجه‌گیری: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند در طراحی مداخلات آموزشی جهت ارتقای سطح رضایت مندی زناشویی زنان موثر باشد.

کلیدواژه: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، رضایت زناشویی، زنان

طاهره اسداللهی سلم آباد

*کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۷۲۰۲۳۲۹

asadollahi.ta26@yahoo.com

محمد رضا میری

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیمه نوروزی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

طیبه حسینی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، بهداشت روان، بیرجند، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آیا ارتباطی بین سلامت معنوی و خودکارآمدی درد در بین سالمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن وجود دارد؟ یک مطالعه همبستگی از ایران

زهرا اسدی پیری

دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

محمد حسن ایمانی نسب

مركز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران. تلفن و نمابر: ۰۶۶۳۳۴۰۹۹۷۱-

imani_mh@yahoo.com

سیده معصومه اسدی

دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

سیده راضیه اعلایی

دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

عاطفه مختاری کیا

دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

سمیرا علیانی

مركز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: سالمندی با افزایش بیماری‌های مزمن و در نتیجه ایجاد دردهای مزمن همراه است. شواهد قابل توجهی درباره ارتباط بین روشهای مذهبی مقابله با درد و پیامدهای سلامت وجود دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط خودکارآمدی درد در بین سالمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن شهر خرم‌آباد- ایران با سلامت معنوی آنان در سال ۲۰۱۷ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بود. کلیه سالمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن بستری شده در بیمارستان‌های دولتی شهر خرم‌آباد-ایران در سال ۲۰۱۷ جامعه پژوهش بودند. برای نمونه‌گیری ابتدا بیمارستان‌های دولتی شهر خرم‌آباد به عنوان طبقه در نظر گرفته شد؛ سپس حجم نمونه برآورد شده به تعداد ۱۴۵ نفر به صورت متناسب با حجم بین آنها تقسیم شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سلامت معنوی پالتیزیان و الیسون و پرسشنامه ۱۰ سوالی خودکارآمدی درد بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS-۱۸، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس، T مستقل و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: بین سلامت معنوی و خودکارآمدی درد سالمندان مورد مطالعه، همبستگی مثبت معناداری مشاهده شد. زن بودن، افزایش سطح تحصیلات و کاهش سطح درآمد به ترتیب سبب ۰/۱۷، ۰/۴ و ۰/۱۸ افزایش در خودکارآمدی درد در بین سالمندان مورد مطالعه شد. به‌طور کلی سلامت معنوی، جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی توانستند ۰/۶۸ تغییرات در خودکارآمدی درد سالمندان مورد مطالعه را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اثبات رابطه سلامت معنوی و خودکارآمدی درد در مطالعه حاضر، اجرای مداخلات ارتقاء سلامت معنوی می‌تواند به بهبود خودکارآمدی درد در بین سالمندان مبتلا به دردهای مزمن کمک نماید. توصیه می‌شود شیوه‌های مقابله‌ای معنوی بیماران سالمند در زمان پذیرش آنها در بیمارستان مورد سوال قرار گرفته و در اختیار کادر درمانی اعم از پزشک و پرستار قرار داده شود تا آنان برنامه‌ی مداخله‌ی خود برای تسکین دردهای مزمن سالمندان را براساس منابع معنوی آنان طراحی و اجرا نمایند.

کلید واژه: همبستگی، سلامت معنوی، خودکارآمدی درد، سالمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله توانمندسازی بر اساس مدل فریر بر مدیریت استرس زنان نویسندگان

چکیده

مقدمه: با وجود پیشرفت قابل توجه در حیطه سلامت جسمی زنان، سلامت روان در این گروه اغلب مورد بی توجهی قرار گرفته است. این مطالعه به بررسی اثر مداخله توانمندسازی-آموزشی بر اساس مدل فریر بر مدیریت استرس زنان مورد می پردازد.

روش بررسی: بررسی حاضر یک مطالعه نیمه تجربی با گروه کنترل است که به صورت مداخله ۸ جلسه ای در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. حس انسجام، تاب آوری، خودکارآمدی و نگرش به استرس از موارد مورد تاکید در مداخله توانمندسازی بر اساس مدل فریر بود. داده‌ها قبل از مداخله، بلافاصله و سه ماه پس از مداخله، توسط مشارکت کنندگان تکمیل گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS (۱۹) مورد تحلیل قرار گرفت. شرکت کنندگان در گروه آموزشی مداخله بر اساس مدل توانمندسازی و گروه آموزشی روتین (کنترل) به ترتیب ۱۳۱ و ۱۳۰ نفر از مراکز سلامت در شرق تهران با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ارزش آماری کمتر از ۰۰۵ . معنی دار تلقی گردید.

یافته‌ها: میانگین نمره استرس ادراک شده در گروه مداخله بر اساس فریر و آموزش روتین، قبل از آموزش به ترتیب (۹.۶) ۲۹.۵۱ و (۷.۵) ۳۰.۲۴، همچنین، سه ماه پس از مداخله در گروه مداخله توانمندسازی (۰.۷) ۲۶.۱۳ و در گروه آموزشی روتین (۰.۶) ۲۹.۸۸ بود.

نتیجه‌گیری: در مقایسه با گروه کنترل، مداخله توانمندسازی بر اساس مدل فریر در مدیریت استرس زنان موثر بوده است.

کلید واژه: زنان، استرس، توانمندسازی، مداخله، مدل فریر

زهرالسادات اسدی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز اپیدمیولوژی نظامی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آجا.

رویا صادقی

دکترای تخصصی ارتقا سلامت، دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

محمد حسین تقدیسی

دکترای تخصصی ارتقا سلامت، استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

میر سعید یکانی نژاد

دکترای تخصصی آمار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

داوود شجاعی زاده

دکترای تخصصی ارتقا سلامت، استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

فرشته زمانی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت، دانشیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

نهمین کنگره ملی
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دومین همایش ملی سواد سلامت



Adherence and health literacy as related to outcome of patients treated for rheumatoid arthritis : Analyses of a large-scale observational study.

Seyed Ehsan Asadi

* PHD of Nursing, Isfahan .Iran .
09135653037
ehsanasadi26@yahoo.com

Ali Bagi

Rheumatologists ,Isfahan .Iran.

Elahe Mohtasham

Midwifery expert. Isfahan .Iran.

Ahmad Rahimi

Nursing Student, Isfahan .Iran

ABSTRACT

Background: Disabilities in daily living and quality of life are key endpoints for evaluating the treatment outcome for rheumatoid arthritis (RA). Factors possibly contributing to good outcome are adherence and health literacy.

Methods: The survey included a representative nationwide sample of rheumatologists and their patients with RA. The physician questionnaire included the disease activity score (DAS28) and medical prescriptions. The patient questionnaire included fatigue (EORTC QLQ-FA13), health assessment questionnaire (HAQ), quality of life (SF-12), health literacy (HELP), and patients' listings of their medications. Adherence was operationalized as follows: patient-reported (CQR5), behavioral (concordance between physicians' and patients' listings of medications), physician-assessed, and a combined measure of physician rating (1 = very adherent, 0 = less adherent) and the match between physicians' prescriptions and patients' accounts of their medications (1 = perfect match, 0 = no perfect match) that yielded three categories of adherence: high, medium, and low. Simple and multiple linear regressions (controlling for age, sex, smoking, drinking alcohol, and sport) were calculated using adherence and health literacy as predictor variables, and disease activity and patient-reported outcomes as dependent variables.

Results: 950 pairs of patient and physician questionnaires were analyzed. The mean patient age (82% women) was 62 years (SD = 12). Multiple regression analyses showed that high adherence was significantly associated with 6/3 outcome variables and health literacy with 7/9 outcome variables.

Conclusions: Adherence and health literacy had weak but consistent effects on most outcomes. Thus, enhancing adherence and understanding of medical information could improve outcome, which should be investigated in future interventional studies.

Keywords: Adherence; Rheumatoid arthritis; Therapy

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی آموزش بر ارتقاء رفتارهای مسئولانه زیست محیطی دانش آموزان دختر متوسطه اول

چکیده

مقدمه: آگاهی زیست محیطی و شناخت مسائل زیست محیطی، متغیر تأثیر گذار بر رفتارهای زیست محیطی بوده و تأکید می‌ورزند که برای اصلاح کنش انسانی، آموزش زیست محیطی ضروری بوده و تنها در پرتو این نوع آموزش هاست که بسیاری از بحران‌های زیست محیطی حل شده و توسعه‌ی پایدار محقق می‌گردد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر آموزش بر ارتقاء رفتارهای مسئولانه زیست محیطی دانش آموزان دختر متوسطه اول شهر ایلام در سال ۱۳۹۵ بود.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه تجربی است که در سال ۱۳۹۵ بر روی دانش آموزان دختر مدارس متوسطه اول شهر ایلام انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها یک پرسشنامه محقق ساخته بود. دو مدرسه متوسط دخترانه به صورت تصادفی از بین مدارس متوسطه اول دولتی شهر ایلام انتخاب و به طور تصادفی به گروه‌های آزمون (۱۶۵ نفر) و کنترل (۱۶۵ نفر) اختصاص داده شدند. مداخله آموزشی در ۵ جلسه ۳۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمون طراحی و اجرا شد. یک ماه پس از مداخله، دانش آموزان هر دو گروه مجدد مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS با کمک آزمون تی مستقل، تی زوجی، کای دو، همبستگی و رگرسیون تحلیل شدند.

یافته‌ها: علیرغم یکسان بودن گروه‌ها از نظر میانگین نمرات دانش، نگرش و رفتار مسئولانه قبل از مداخله، تفاوت معنی داری در میانگین نمرات همه متغیرها بین دو گروه بعد از مداخله مشاهده گردید. **نتیجه‌گیری:** استفاده از برنامه آموزشی می‌تواند یک راهبرد موثر برای ارتقای رفتارهای مسئولانه زیست محیطی در میان دانش آموزان دختر متوسطه اول باشد.

کلیدواژه: دانش و نگرش، آموزش بهداشت، رفتار مسئولانه، محیط زیست، دانش آموزان دختر متوسطه اول ایلام.

مهدیه اسدی

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

محمد مهدی نقی زاده

مرکز تحقیقات بیماری‌های غیر واگیر دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران.

حسن اسدی

معاونت تحقیقات، آموزش و فناوری، انستیتو پاستور ایران، تهران، ایران.

زینب غضنفری

* مرکز تحقیقات پیشگیری از آسیب‌های روانی- اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.
گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. ویسندة مسئول: تلفن: ۰۹۱۸۸۴۱۵۲۰۵

Ghazanfari-z@medilam. ac. ir.

نهمین کنگره ملی
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دومین همایش ملی سواد سلامت



Digital Media-based Health Intervention on the promotion of Women's physical activity: a quasi-experimental study.

Seyed Ehsan Asadi

* PHD of Nursing, Isfahan .Iran .
09135653037
ehsanasadi26@yahoo.com

Raha Latifi

Msc of Nursing ,Isfahan .Iran.

Elahe Mohtasham

Midwifery expert. Isfahan .Iran.

Ahmad Rahimi

Nursing Student, Isfahan .Iran

ABSTRACT

Background: Technological advances have caused poor mobility and lower physical activity among humankind. This study was conducted to assess the impact of a digital media-based (multi-media, internet, and mobile phone) health intervention on promotion of women's physical activity.

Methods: In this quasi-experimental study, 420 women were divided into case and control groups. The digital media-based educational intervention was conducted in two months in the case group electronically, using mail and Internet and telephone platforms. Physical activity was measured using International Physical Activity Questionnaire (IPAQ) that estimated women's physical activity rate in the previous week. Data was analyzed using descriptive and analytical statistics (ANOVA, chi-square, paired and independent t-tests) using SPSS 20.

Results: The mean score of knowledge, attitude and level of physical activity in the control group were not significantly different before and after the intervention. While in the case group, this difference before and after the intervention was significant ($p < 0.002$), and mean scores of the above-mentioned factors increased after the intervention.

Conclusions: Using innovative and digital media-based health education can be effective in improving health-based behavior such as physical activity. Therefore, it seems necessary to develop user-based strategies and strengthen the behavioral change theories and hypotheses based on digital media for effective influence on behavior.

Keywords: Fitness; Health behavior; Health education; Health promotion; International physical activity questionnaire (IPAQ); Physical activity; Women

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سلامت عمومی زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس

چکیده

مقدمه: سلامت عمومی بیانگر تمام ابعاد سلامتی (جسمانی، روانی، اجتماعی) است. زنان نقش محوری در حفظ و ارتقای سلامت اعضای خانواده را دارند. این مطالعه با هدف بررسی سلامت عمومی در زنان شهر بندرعباس انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی روی ۲۰۰ نفر از زنان تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس صورت گرفت. گروه هدف پژوهش به روش خوشه ای از ده منطقه شهری به صورت تصادفی از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات سلامت انتخاب شده و پس از کسب رضایت از ایشان پرسشنامه مربوطه تکمیل گردید. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بود شامل دو بخش بود: بخش سوالات دموگرافیک و نسخه ترجمه شده فارسی پرسشنامه استاندارد ۲۸ سوالی گلدبرگ بود که در مطالعات مختلف روایی و پایایی آن تایید شده است. امتیاز کلی پرسشنامه از ۸۴ بوده و طبق مطالعات پیشین امتیاز زیر ۲۳ بیانگر سالم بودن افراد می باشد. این پرسشنامه شامل چهار مقیاس فرعی، نشانه های جسمانی، اضطرابی و اختلال خواب، افسردگی و کارکرد اجتماعی است. داده‌ها با آزمون‌های توصیفی، آزمون t مستقل و آزمون آنالیز واریانس یکطرفه با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۰ آنالیز شد. **یافته‌ها:** میانگین سن گروه هدف مورد مطالعه 29 ± 7 سالگی بود. بیشترین افراد در گروه سنی ۲۵-۱۶ قرار داشتند. میانگین بعد خانوار ۴ نفر و اکثر زنان مورد مطالعه خانه دار و دیپلمه بودند. مطالعه حاضر نشان داد که میانگین امتیاز کلی سلامت عمومی زنان مورد مطالعه $18/55$ با انحراف معیار $11/7$ بود که بیانگر وضعیت سالم بودن زنان مورد مطالعه بود. مقیاس افسردگی دارای کمترین میانگین امتیاز $(2/6 \pm 4/2)$ که بیانگر عدم وجود اختلال افسردگی در افراد بود و مقیاس کارکرد اجتماعی دارای بالاترین میانگین امتیاز $(6/4 \pm 3/5)$ بود که نشانگر ضعف کارکرد اجتماعی زنان مورد مطالعه می باشد. در مقیاس کارکرد اجتماعی آیتم، " اختصاص وقت بیشتر برای انجام کارها نسبت به گذشته" در زنان مشهود بود. در بین متغیرهای دموگرافیک فقط متغیر سن افراد با مقیاس کارکرد اجتماعی ارتباط معناداری داشت ($p < 0/05$).

نتیجه گیری: هر چند امتیاز کلی سلامت عمومی زنان در این مطالعه بیانگر فقدان اختلال در سلامت ایشان بود اما از جنبه کارکرد اجتماعی افراد در سطح پایین بودند. با توجه به معنادار بودن رابطه سن و کارکرد اجتماعی می توان افزایش سن را در این گروه عامل موثر در کاهش عملکرد اجتماعی در نظر گرفت. جهت ارتقای سلامت عمومی این گروه، اجرای مداخلات آموزشی در زمینه بهبود شیوه زندگی در گروه‌های سنی مختلف و همچنین جلب مشارکت ایشان در امور اجتماعی توسط نهادهای مردمی پیشنهاد می شود.

کلید واژه: سلامت عمومی، زنان، مراکز خدمات سلامت، بندرعباس

فاطمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

صدیقه عابدینی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

علی اسدیان

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۷۵۲۶۰۵۲۰
a. assadian. a@gmail.com

شکرالله محسنی

دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

فرشته کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

فائمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کیفیت زندگی و عوامل مرتبط با آن در بیماران مبتلا به سل ریوی در شهرستان بندرعباس

سید سعید مظلومی محمود آباد

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر
بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

علی اسدیان

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد،
یزد، ایران

مرکز تحقیقات بیماریهای عفونی و گرمسیری،
پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۷۶۳۳۵۲۰۳۲

a. assadian. a@gmail.com

احمد ستوده

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

سجاد فکری

مرکز تحقیقات بیماریهای عفونی و گرمسیری،
پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران

محمد حدادیان

مرکز تحقیقات بیماریهای عفونی و گرمسیری،
پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران

فاطمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت،
پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: بیماری سل یکی از مشکلات جدی بهداشت عمومی در بسیاری از نقاط دنیا است. کیفیت زندگی افراد تحت تاثیر وضعیت سلامت و بیماری آنها می باشد. هدف از این مطالعه بررسی کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سل ریوی تحت درمان مرکز درمان سل شهر بندرعباس بود.

روش بررسی: مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر روی ۱۰۳ نفر از بیماران سل ریوی تحت درمان مرکز مبارزه با سل شهرستان بندرعباس در سال ۹۵-۹۴ صورت گرفت. گروه هدف مورد پژوهش شامل تمام بیماران مبتلا به سل ریوی در دسترس بود. که پس دوماه درمان در مطالعه شرکت داشتند (پس از مرحله حمله ای). ابزار گردآوری داده هاپرسشنامه بود که شامل سوالات دموگرافی و نسخه ترجمه شده پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی مختص بیماران مسلول (VERSION۲-TBQoL۲۴) بود. سوالات کیفیت زندگی شامل ۲۴ سوال با ۱۲۰ امتیاز در شش بعد جسمانی، روانی-احساسی-عاطفی، عملکردی-استقلال، اجتماعی-خانوادگی، محیطی و اعتقادی-معنوی بود. داده‌ها با آزمون‌های توصیفی، آزمون t مستقل و آزمون آنالیز واریانس یکطرفه با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۰ آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سن گروه هدف مورد مطالعه 40 ± 16 سالگی بود. ۷۰ درصد جمعیت مورد مطالعه مرد بودند. اکثر بیماران در مورد بیماری قبل از شروع بیماری آگاهی لازم نداشتند. شغل بیشتر بیماران (۵۸) درصد، آزاد بود. ۱۶ درصد بیماران مصرف دخانیات داشتند. میانگین کلی امتیاز کیفیت زندگی بیماران $82 \pm 16/6$ بود. ابعاد جسمانی، روانی، خانوادگی، محیطی، اعتقادی-معنوی، عملکردی کیفیت زندگی در بیماران به ترتیب دارای میانگین امتیاز $11/7$ ، $12/6$ ، $13/3$ ، $13/9$ ، $15/9$ و 16 بود. در مقیاس جسمانی آیتم "تب و تعریق شبانه"، در بعد روانی، آیتم "تردد بیمار به دلیل بیماری"، در بعد خانوادگی- اجتماعی، آیتم "حمایت عاطفی دوستان و همسایگان"، در بعد محیطی، آیتم "دسترسی به دکتر معالج"، در بعد اعتقادی-معنوی، آیتم "معنادار بودن زندگی" و در بعد عملکردی، آیتم "توانایی انجام کارهای شخصی" بیشتر از سایر آیتم‌ها در بیماران مسلول ابراز شد. بین کیفیت زندگی بیماران با متغیرهای دموگرافی سن، شغل، مصرف دخانیات و آگاهی در مورد بیماری، ارتباط آماری معناداری ($p < 0/05$) وجود داشت. **نتیجه گیری:** با توجه به اینکه دو ماه از درمان بیماران مسلول می گذشت کیفیت زندگی بیماران در حد خوبی بود اما لازم است اقداماتی در جهت تقویت جسمانی بیماران و کاهش علائمی مثل تب و تعریق شبانه بیماران صورت گیرد. همچنین با آموزش و توانمندسازی خانواده و اطرافیان بیمار می توان حمایت عاطفی خانواده بیماران را تقویت و از تردد بیماران به دلیل بیماری پیشگیری نمود. تاثیر مصرف دخانیات و سطح اطلاعات در کیفیت زندگی بیماران انکارناپذیر است که پیشنهاد می شود آموزش منظم بیماران و خانواده‌های ایشان در جهت کاهش مصرف دخانیات و حتی معرفی بیماران به کلینیک ترک دخانیات صورت گیرد.

کلید واژه: کیفیت زندگی، سل

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سبک زندگی سالم به عنوان عامل پیشگیری کننده از بیماری‌های نادر

چکیده

مقدمه: بیماری‌های نورولوژیک ۱۰٪ بار بیماری‌ها را تشکیل می‌دهند. یکی از این بیماری‌ها سندرم دویک است که شباهت زیادی به بیماری ام اس دارد. نوع زندگی غربی و رویکرد به آن در جوامع امروزی در افزایش بروز بیماری‌های نورولوژیک می‌باشد به این منظور به تعیین عوامل خطرزای مرتبط با سبک زندگی در میان بیماران مبتلا به سندرم دویک پرداختیم.

روش بررسی: مطالعه مورد- شاهد مبتنی بر جمعیت در سال ۱۳۹۵ در میان بیماران مبتلا به سندرم دویک ساکن تهران و مراجعه کننده به بیمارستان سینا انجام شد. کنترل‌ها را از میان ساکنان ۱۵ تا ۵۰ ساله ساکن تهران انتخاب شدند.

انتخاب کنترل‌ها به صورت رندم بوده و با روش‌های نمونه‌گیری شماره‌گیری ارقام تصادفی مبتنی بر چارچوب شماره ی تلفن می‌باشد. اطلاعات از طریق مصاحبه تلفنی و بوسیله پرسشنامه استاندارد و بومی شده به زبان فارسی جمع آوری شده است.

اطلاعات دموگرافیک و سبک زندگی از جمله میزان مصرف گروه‌های مختلف غذایی در سنین نوجوانی و میزان فعالیت فیزیکی سبک و سنگین در سنین نوجوانی. (۱۹-۱۳ سالگی)، مصرف سیگار، قلیان و مواد، قرار گرفتن در معرض دود سیگار (در طول عمر) از طریق مصاحبه جمع آوری شده است. از نرم افزار SPSS جهت آزمون‌های توصیفی و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: شانس ابتلا به سندرم دویک در میان زنان و جوانان بیشتر است. مصرف کم لبنیات، غذای دریایی، پروتئین‌ها، میوه و سبزیجات از مهمترین عوامل خطر شناسایی شدند $p < 0.05$. عدم مصرف ماهانه آهن، مولتی ویتامین، ویتامین C و ب ۱۲ شانس ابتلا به بیماری را زیاد کرده اما عدم مصرف روغن ماهی، کلسیم، اسید فولیک و ویتامین D با خطر ابتلا به این بیماری همراه نبود $p < 0.05$. فعالیت فیزیکی با بروز بیماری ارتباط دارد و هر اندازه که زمان فعالیت جسمانی کمتر باشد، شانس ابتلا به این بیماری بیشتر می‌شود. بین مصرف سیگار و مواد و سندرم دویک ارتباطی مشاهده نشد اما مواجهه با دود سیگار به صورت منفعل و مصرف قلیان و الکل باعث بالا رفتن شانس ابتلا به این بیماری است $P \geq 0.05$.

نتیجه‌گیری: مطالعات حاضر نشان داد با افزایش شهرنشینی، سبک زندگی تغییر کرده و باعث رژیم غذایی و سبک زندگی نامناسب و باعث کاهش فعالیت جسمانی شده که می‌تواند موجب افزایش شانس بیماری‌های نورولوژی و مزمن از جمله سندرم دویک شود.

کلید واژه: سبک زندگی، سندرم دویک، مورد-شاهد

شراره اسکندریه

* اپیدمیولوژی، گروه نورولوژی، مرکز تحقیقات ام اس، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۲۵۱۶۳۹۷۵

sh_eskandarieh@yahoo.com

محمد علی صحرائیان

اپیدمیولوژی، گروه نورولوژی، مرکز تحقیقات ام اس، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سحرناز نجات

آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

ابراهیم عبدالله پور

آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

عبدارضا ناصر مقدسی

اپیدمیولوژی، گروه نورولوژی، مرکز تحقیقات ام اس، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



زمانسنجی فرایند ارائه خدمات مراقبتهای بهداشتی اولیه در پایگاههای مرکز خدمات جامع سلامت شهری شهیدمطهری، سال ۹۶

محمدجعفر صادقی قوچانی

دکترای عمومی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نیره اسماعیل زاده

*اپیدمیولوژی، بهداشت مواد غذایی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۲۲۸۸۰۷
email:esmaeilzadehn1@mums.ac.ir

مریم ابریشمی

فیزیولوژی ورزش، معاونت بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

بابک اقبالی

دکترای عمومی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمدرضا جویا

دکترای عمومی، اداره کاهش خطر و بلایا، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، مشهد، ایران

براتعلی عرب نژاد

دکترای عمومی، گروه مدیریت مرکز بهداشت شماره ۳،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: زمانسنجی فرایند قابلیت تولید شواهد برای سیاست گذاری، مدیریت بهتر منابع، تخصیص بودجه و اولویت بندی خدمات است. آگاهی از فرایندهای سطح نخست ارائه خدمات بهداشتی و تفاوت زمان انجام آنها با زمان استاندارد از ملزومات اصلاح نظام سلامت است.

روش بررسی: جهت زمانسنجی بر اساس شرح وظایف مراقبین سلامت، بررسی سامانه سامانه یکپارچه نظام ثبت اطلاعات بهداشتی در خراسان رضوی (سینا) و مصاحبه با کارشناسان، فرایندهای در حال اجرا شناسایی و بر مبنای آن چک لیست تهیه شد. بار مراقبت، حدانتظار ارائه خدمت در روز، تعداد ارائه خدمت- روز مراقب سلامت محاسبه شد. زمانسنجی به روش stop watch با مشاهده فرایند خدمت هر مراقب سلامت انجام شد. متوسط ۴۰ روز کاری ارائه خدمت آن به عنوان ملاک فعالیتها و بار مراقبت در نظر گرفته شد. متوسط زمان ارائه خدمت به عنوان ملاک یا استاندارد زمان ارائه خدمت مد نظر قرار گرفت.

یافتهها: طبق توزیع ۴۰روز ارائه خدمت و با در نظر گرفتن متوسط ارائه خدمت به عنوان استاندارد ارائه خدمت و همچنین متوسط زمان ارائه آن خدمت به عنوان استاندارد زمان ارائه خدمت هر مراقب؛ به طور متوسط بیش از ۵ ساعت با توزیع متوسط خدمت در روز، زمان صرف شده ارائه خدمت است. با فرض ۱۰۰٪ تحت پوشش بودن جمعیت شهری در سامانه سینا، حدود زمان مورد نیاز جهت ارائه خدمت بیش از ۷ ساعت است.

نتیجه گیری: اگر کل جمعیت تخمینی تحت پوشش سامانه سینا بوده و حدود انتظار خدمت ارائه شود زمان مورد نیاز جهت ارائه خدمت بیش از ۷ ساعت است که با در نظر گرفتن حداکثر ۷ ساعت زمان اداری بیشتر از زمان لازم جهت ارائه خدمت می باشد که بایستی تنوع شرح وظایف مراقبین سلامت شامل فعالیتهای آموزشی و پیگیری و... را نیز به حساب آورد.

با توجه به نداشتن زمان استاندارد جهت هر کدام از خدمات و همچنین نحوه ارائه خدمت (ثبت اطلاعات تحت اینترنت و سیستمی) تاکنون مطالعه ای جهت استاندارد زمانی، ارائه نشده است. در این مطالعه، صرفا به توصیف زمان ارائه خدمت پرداخته و بدین ترتیب مقایسه میانگین زمان صرف شده با استاندارد انجام نشده است.

از طرفی تحت اینترنت بودن ثبت اطلاعات با مشکلاتی چون قطعی اینترنت، سرعت کم و بارگذاری با سرعت کم یا عدم ثبت اطلاعات را منجر می شود که علاوه بر افزایش زمان تکمیل، زمان انتظار مراجعین و شکایت آنها و پرسنل را در پی دارد و بعضا از این موارد با تناوب نسبتا رایج است. این مطالعه بررسی در روزهای نسبتا معمول از نظر ازدحام مراجعین و سرعت نسبتا مناسب اینترنت انجام شده است.

کلید واژه: زمانسنجی، مراقبتهای بهداشتی اولیه، مرکز خدمات جامع شهری، سامانه یکپارچه نظام ثبت اطلاعات بهداشتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر خودمراقبتی بر تغییر سبک زندگی یک گروه خودیار اضافه وزن و چاقی

شرح تجربه

بیان مسئله: امروزه نزدیک به ۹۰ درصد مرگ و میر مردم کشورمان به علت ابتلا به بیماریهای غیرواگیر است. چاقی و اضافه وزن یک عامل برای ابتلا به این بیماری هاست که خود ناشی از تغییر سبک زندگی و رفتارهای ناصحیح از جمله کم تحرکی و مصرف غذاهای ناسالم است. خودمراقبتی یکی از راهکارهای پیشگیری از بروز بیماری های غیرواگیر است، که شامل اعمالی است آموخته شده، آگاهانه و هدفدار که مردم برای خود، فرزندان و خانواده شان انجام می دهند تا تندرست بمانند. یکی از پیامدهای اجرای خودمراقبتی، اصلاح سبک زندگی است. بسیاری از اقدامات خودمراقبتی اگر در فضای تعاملی و گروهی انجام شوند تاثیر بیشتری دارند. از جمله گروههای خودیار. گروه خودیار، گروه خودگردان و کوچکی است که بین ۵ تا ۱۵ نفر عضو دارد و اعضای آن به فواصل منظمی یکدیگر را ملاقات می نمایند. فعالیت اصلی آنها "کمک دوجانبه" است. یعنی "حمایت اجتماعی" بین افرادی که یک مشکل مشترک دارند. اعضای گروه خودیار در جلسات، تجربیات و اطلاعات خود را به اشتراک گذاشته و ضمن ارائه راههای مقابله با مشکل مشترک، به همدلی و حمایت عاطفی با سایر اعضای گروه می پردازند. در این گروه تعامل افراد با سایر اعضای گروه، موجب پایداری بیشتر آنها به تصمیم های خودمراقبتی شده و در نتیجه نتایج بهتری بدست آمد.

اهداف تجربه: هدف کلی: اصلاح سبک زندگی در یک گروه خودیار. هدف اختصاصی: کاهش وزن در ۶۰ درصد اعضای چاق و دارای اضافه وزن گروه خودیار در روستای جلال آباد تا پایان خرداد سال ۹۷

روش و مراحل کار: تجربه موفق ما حاصل یک کارگروهی با مشارکت مردم در جمعیت زنان ۲۰ تا ۵۰ سال تحت پوشش خانه بهداشت جلال آباد در قالب برنامه گروه خودیاری به دست آمد. اعضای گروه خودیار از بین سفیران سلامت متمایل به حضور در گروه خودیار دارای نمایه توده بدنی بین ۲۵ تا ۳۵ انتخاب شدند. بعد از تشکیل دوگروه ۱۲ نفره، روند کار در جلسه توجیهی توضیح داده شد. یک رهبر از بین اعضای گروه انتخاب و بهورز به عنوان تسهیلگر مشخص گردید. با روش بحث گروهی و بارش افکار مشکلات و نیازمندی های آموزشی آنها مشخص و جلسات آموزشی مرتبط با آن برگزار گردید. با اندازه گیری BMI افراد در جلسه اول و با نظارت کارشناس تغذیه میزان اضافه وزن هر فرد تعیین شد. همچنین در جلسات هفتگی به افراد فرصت داده شد تجربیات خود را در مورد روش های کاهش وزن بیان کنند. با ارائه توضیحات لازم توسط بهورز و با تأکید بر توصیه های خودمراقبتی، افراد تشویق شدند که برای کاهش وزن خود اهداف فردی قابل وصول مانند تبعیت از رژیم غذایی و فعالیت فیزیکی (پیاده روی) طراحی نمایند و همه اعضای گروه جهت دستیابی به این اهداف هم پیمان با یکدیگر تصمیمات مشترک اتخاذ کردند. افراد با انتخاب اهداف کوچک، کم کم به موفقیت هایی در کاهش وزن دست یافتند و یک اقدام کوچک و مثبت عامل انگیزشی برای اقدام های بعدی و بزرگتر بود. به منظور بررسی میزان دستیابی هر فرد به اهداف پیش بینی شده خود، کارت های خودمراقبتی طراحی و در اختیار آنها قرار داده شد. در این کارت ها سه رفتار تغذیه ای، مانند غذا خوردن با چنگال (که توسط برخی افراد گروه تجربه شده و با موفقیت روبرو شده بود) و همچنین میزان تحرک بدنی به صورت روزانه ثبت گردید و سپس با حضور در هر جلسه میزان پایداری به تصمیمات با مشاهده این کارت ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین وزن آنها هر هفته بررسی گردید. از جمله عوامل انگیزشی برای تداوم حضور افراد در جلسات، برگزاری پیاده روی به صورت دسته جمعی، آموزش طرز تهیه و طبخ غذاهای سالم، برگزاری جشنواره های تغذیه سالم و تشویق افراد موفق در کاهش وزن توسط سایر اعضای گروه با تهیه یک هدیه، استفاده از جملات کلیدی انگیزشی در هر جلسه و یادآوری به صورت روزانه توسط افراد بود. با اجرای نوآوری ها و ابتکارات فوق و دستیابی افراد به وزن ایده آل، این دوگروه به عنوان گروه های خودیار موفق شهرستان نجف آباد معرفی و افراد عضو گروه با پیگیری فعال و حفظ ارتباط بهورز با آنها توانستند سبک زندگی خود را تغییر داده و به رفتارهای سالم پایبند بمانند.

نتایج: پس از تشکیل دو گروه خودیار و انجام نوآوری هایی جهت مدیریت چالش های موجود، برنامه با موفقیت برگزار گردید. در گروه اول خودیار ۶۶٫۶ درصد موفق به کاهش وزن، ۱۶٫۶ درصد بدون تغییر در وزن و ۱۶٫۶ درصد نیز وزن شان افزایش یافت. در گروه دوم خودیار، ۶۶٫۶ درصد موفق به کاهش وزن، ۸٫۳ بدون تغییر و ۲۵ درصد نیز وزن شان افزایش یافت. نکته ی مثبتی که در این تجربه دیده شده این که حضور بانوان در این دو گروه، به جز کاهش و تثبیت وزن که در اکثریت آنها اتفاق افتاد، از نظر روحی روانی بسیار در آنها تاثیرات مثبتی به جای گزارده و هر کدام از اعضاء به عنوان یک الگوی موفق حاصل از تعامل مردم با نظام سلامت، توانسته اند در جامعه کوچک خود تاثیرات مثبتی بر جای گذارند.

اجرای موفقیت آمیز این طرح ما را بر آن داشت که با تقویت هر چه بیشتر گروههای خودیار و انجام نوآوری های مرتبط با شرایط بومی هر منطقه، بتوانیم از مشارکت خودمردم در جهت اجرای هر چه با کیفیت تر برنامه های سلامت بهره ببریم.

ذینفعان: خانواده های زنان چاق و دارای اضافه وزن، کادر بهداشتی درمانی

مخاطبان: زنان دارای اضافه وزن و چاق

چالش های طرح: - عدم حضور برخی از اعضاء بطور منظم در جلسات، -بالا بودن حد انتظار شاخص خودیاری و افت کیفیت، -عدم استقبال مردم از طرح

کلید واژه: خودمراقبتی - سبک زندگی سالم - خودیاری - اضافه وزن و چاقی

فاطمه اسماعیلی

* آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت شبکه بهداشت و درمان شهرستان نجف آباد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۳۳۳۱۳۳۷۴

f.esmaeili@modares.ac.ir

اعظم روح اله

بهداشت عمومی، گروه آموزش و ارتقاء سلامت شبکه بهداشت و درمان شهرستان نجف آباد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد دارای اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی

آرزو اصغری

*کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)
معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز،
۰۹۱۴۴۰۵۵۲۶۶

arezoasghari80@gmail.com

فتح اله پورعلی

کارشناس مسئول بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

حمیده کوشا

کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

چکیده

مقدمه: اضافه وزن و چاقی همراه با شیوه زندگی، افزایش شهرنشینی و فعالیت بدنی کم به عنوان عوامل موثر در بروز بیماریهای مزمن است. ناآگاهی شهروندان و رژیم غذایی نادرست از جمله علل ایجاد چاقی هستند. هدف این مطالعه بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه شاغل در طرح تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی می باشد.

روش بررسی: این مطالعه با هدف بررسی وضعیت جلسات آموزش تغذیه برای بیماران مبتلا به اضافه وزن و چاقی در مراکز جامع سلامت استان آذربایجان شرقی در طول سالهای ۹۵ و ۹۶ پس از اجرای طرح تحول سلامت انجام شد.

جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه شاغل در مراکز جامع سلامت بصورت هفته ای یک جلسه برگزار گردید و تمام بیماران مبتلا به اضافه وزن و چاقی پس از مشاوره تغذیه و دریافت رژیم غذایی ملزم به شرکت در جلسات آموزشی حداقل دو بار می باشند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۰۱۷۷ نفر افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی در ۱۰۵۳ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند و در سال ۱۳۹۶ تعداد ۲۶۴۳۰ نفر بیمار مبتلا به اضافه وزن و چاقی در ۲۰۴۰ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند.

نتیجه گیری: باتوجه به نقش مهم آموزش در کنترل بیماری‌های مزمن از جمله چاقی، استفاده از این آموزش‌ها جهت دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب توصیه می‌شود. اجرای برنامه‌های آموزشی بلندمدت تغذیه سالم و راههای پیشگیری و کنترل اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه و کارکنان بهداشت بطور مرتب پیشنهاد می گردد.

کلید واژه: اضافه وزن، چاقی، آموزش، کارشناس تغذیه

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آیا سواد سلامت بالاتر با خود مراقبتی بهتر در سالمندان همراه است؟

چکیده

مقدمه: افزایش جمعیت سالمندان، یک پدیده جهانی است که به یک بحران تبدیل شده است. سواد سلامت عنصری مهم در توانایی مواجه شدن با فعالیت‌های ارتقای سلامت و پیشگیری محسوب می‌شود. که سطح پایین سواد سلامت در گروه سالمندان شایع است. رفتارهای خودمراقبتی ارتقاء دهنده سلامت به طور مستقیم با سلامت سالمندان و کیفیت زندگی آنان ارتباط دارد و موجب کاهش میزانهای ابتلا و مرگ و میر می‌شود لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین سواد سلامت و خودمراقبتی در سالمندان شهر یزد صورت گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۰۰ سالمند شهر یزد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق ساخته خود مراقبتی و پرسشنامه سنجش سواد سلامت HELIA بود. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: آزمودنی‌ها ۷۹/۵ درصد میانگین از ماکزیمم نمره سواد سلامت و ۶۵/۷ درصد میانگین از ماکزیمم نمره خود مراقبتی را به دست آوردند. همبستگی مستقیم معناداری بین نمره سواد سلامت و خود مراقبتی وجود داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش سن و آغاز سالمندی، افراد به تدریج برخی از کارکردهای فیزیولوژیک خود را از دست می‌دهند. که بر اساس سطح متوسط خودمراقبتی در سالمندان و ارتباط آن با سواد سلامت می‌توان با افزایش سواد سلامت در سالمندان از طریق مراکز جامع سلامت یا سازمان‌های مردم نهاد به افزایش خود مراقبتی و مسولیت پذیری آنها در قبال بیماری‌های مختلف این دوران حساس کمک کرد.

کلید واژه: سالمندان، سواد سلامت، خودمراقبتی

زهره رهایی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

نسرین مهرجویان

دانشجو کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

فاطمه برزگر ابرقویی

دانشجو کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

فائزه افخمی عقدا

* دانشجو کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۰۱۳۶۳۱۹۷۸

f.afkhami96@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سلامت معنوی و رفتارهای مذهبی در دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

محمدرضا یآوری

کارشناسی ارشد معارف اسلامی، دانشکده پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

حسن رضایی پندری

دانشجوی دکتری سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی، تبریز، ایران

محمدعلی مروتی شریف آباد

دکتری تخصصی آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

زهره رهایی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

فائزه افخمی عقدا

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی،
یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۰۱۳۶۳۱۹۷۸

f.afkhami96@gmail.com

چکیده

مقدمه: انسان موجودی چند بعدی است که بعد معنوی در مرکز این ابعاد قرار دارد. سلامت معنوی جدیدترین بعد سلامت می باشد که در کنار ابعاد دیگر سلامتی همچون سلامت جسمی، روانی و سلامت اجتماعی قرار گرفته است که برخی عقیده دارند بدون سلامت معنوی، ابعاد دیگر سلامتی نمی توانند حداکثر عملکرد مورد نظر را داشته باشند و رسیدن به سطح بالای کیفیت زندگی امکان پذیر نیست. لذا با توجه به اهمیت این بعد سلامت و نقش آن در افزایش توانایی مقابله کارآمد با چالش های استرس آور زندگی روزمره در دانشجویان، بر آن شدیم تا وضعیت سلامت معنوی و ارتباط آن با رفتارهای مذهبی را در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۶ بررسی نماییم.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بوده که بر روی ۴۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یزد انجام شد. نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای بود. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه های استاندارد سلامت معنوی و رفتارهای مذهبی بود. داده ها با توصیف توزیع فراوانی و نیز آزمونهای کای اسکور، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون تحت نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه $20/93 \pm 3/61$ و میانگین نمره رفتارهای مذهبی $27/96 \pm 5/24$ (۵۰-۱۰) بود. ۶۷ درصد از دانشجویان از سلامت معنوی متوسطی برخوردار بودند. بین سلامت معنوی و رفتارهای مذهبی در دانشجویان همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت ($p < 0/001$). بین رفتارهای مذهبی با وضعیت تاهل، از لحاظ آماری ارتباط معناداری وجود داشت ($p < 0/040$). همچنین بین سلامت معنوی با جنسیت و سطح تحصیلات مادر، ارتباط معناداری وجود داشت ($p < 0/05$). **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که دانشجویان مورد بررسی از لحاظ سلامت معنوی در وضعیت خوبی قرار دارند اما از لحاظ انجام رفتارهای مذهبی، وضعیت مطلوب نبود و با توجه به همبستگی بین سلامت معنوی و رفتارهای مذهبی در دانشجویان، توجه جدی در برنامه های درسی و فرهنگی دانشجویان به این مهم، ضروری است.

کلیدواژه: سلامت معنوی، رفتار مذهبی، دانشجویان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین معنای بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت از دیدگاه متخصصان سلامت:

یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت جهت پاسخ به چالش‌های کنونی نظام سلامت بر بازنگری بیمارستان‌ها از رویکرد صرفاً درمانی به سمت ارتقای سلامت تأکید دارد. با اینحال بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت مفهوم جدیدی در نظام سلامت ایران و به تازگی در قالب مدل‌های بهبود کیفیت در بیمارستان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. هدف این مطالعه بررسی ادراک متخصصان حوزه سلامت از معنای بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت می باشد.

روش بررسی: رویکرد مطالعه کیفی استفاده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۸ مشارکت کننده شامل مدیران بیمارستان‌ها، مدیر اعتباربخشی، پرستاران، پزشکان، متخصصین پزشکی اجتماعی، مسئولان و کارشناسان بهبود کیفیت و اعتباربخشی بیمارستان‌ها و معاونت درمان در مطالعه شرکت داشتند. جایگاه مطالعه معاونت درمان و ۴ بیمارستان منتخب آموزشی درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. داده‌ها بوسیله سوالات نیمه ساختارمند حول مضمون معنای بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت و با ۲۰ مصاحبه انفرادی و یک بحث گروهی متمرکز جمع آوری و با روش تحلیل محتوای هدایت شده تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: معانی مرتبط با بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت در ۳ طبقه و ۱۰ زیر طبقه قرار گرفت. طبقه تعهد بیمارستان به تغییر پارادایم شامل ۵ زیر طبقه ضرورت وجود رویکرد پیشگیری محور، ضرورت وجود رویکرد آموزش محور، ضرورت وجود رویکرد جامعه محور، ضرورت نگاه جامع به سلامت، ضرورت بازنگری در ساختار بیمارستان بود. طبقه ارائه دهنده خدمات سلامت به بیمار و خانواده شامل ۵ زیر طبقه ارتقا کیفیت فرایند درمان، توانمندسازی بیمار و خانواده، تامین حقوق بیمار، تامین ایمنی بیمار، یکپارچگی و استمرار مراقبت بود. طبقه سوم ایجاد محیط ایمن، سالم و توانمند سازکننده کارکنان بود.

نتیجه‌گیری: گرچه بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت مفهوم جدیدی در نظام سلامت ایران است و اکثر مشارکت کنندگان با اصول و مبانی مفهوم بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت و شبکه بین المللی بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت آشنا نبودند اما ادراک آن‌ها از این مفهوم در راستای اصول و استانداردهای بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت بود. برای توسعه نقش ارتقای سلامتی بیمارستان‌ها علاوه بر تعهد بیمارستان به ارائه مراقبت‌های درمانی با کیفیت بعنوان رسالتی که در حال اجرا است، تغییر پارادایم صرفاً درمان محور بیمارستان‌ها به سمت رویکردهای کلی نگر به سلامت و توجه به سلامت جامعه و کارکنان در کنار بیماران ضروری است.

کلید واژه: ارتقای سلامت، بیمارستان، بیمارستان‌های ارتقا دهنده سلامت، مطالعه کیفی

عاطفه افشاری

*دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کارگروه توسعه علوم پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۳۱۳۷۹۲۷۶۳۲،

Email: afshar. atef@ yahoo. com

لیلی احمدی قهنویه

دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

احمدعلی اسلامی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

فیروزه مصطفوی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان با استفاده از تئوری انگیزش محافظت

بابک معینی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

الله عزتی

دانشجوی دوره دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مجید براتی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

ناصر محمد قلی مزرچی

دانشجوی دوره دکتری تخصصی آمار زیستی، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

فروزان رضاپور شاه کلایی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مریم افشاری

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۸۱۳۸۲۸۰۳۱۵

ایمیل: afshari. m@umsha. ac. ir

چکیده

مقدمه: سرطان پوست یکی از شایعترین انواع سرطان در جهان می باشد. کشاورزان مهم ترین افراد در معرض خطر سرطان پوست می باشند. در کشور ایران خصوصا در منطقه غرب ایران با توجه به فصل برداشت محصول در تابستان و تابش شدید آفتاب در این فصل و همچنین استفاده نکردن کشاورزان از محافظت‌های مناسب نظیر کلاه و لباس در محیط باز باید انتظار شیوع بالای سرطان پوست را داشت. تئوری انگیزش محافظت بطور وسیعی به عنوان یک چارچوب برای پیشگویی رفتارهای مربوط به سلامتی پذیرفته شده است. از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش عوامل پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان روستاهای شهرستان اسلام آباد غرب با استفاده از تئوری انگیزش محافظت انجام گردید. **روش بررسی:** در این پژوهش توصیفی -تحلیلی، ۲۸۰ نفر از کشاورزان روستایی شهرستان اسلام آباد غرب که در معرض نور خورشید قرار داشتند، طی خرداد تا تیر ماه ۱۳۹۶ مورد مطالعه قرار گرفتند. کشاورزان به روش تصادفی خوشه ای از بین خانه‌های بهداشت تحت پوشش انتخاب و سپس از طریق نمونه گیری تصادفی ساده وارد مطالعه شدند. معیار ورود به مطالعه شامل کشاورزان روستایی با حداقل سواد خواندن و نوشتن و سن بالاتر از ۱۸ سال بود. همچنین معیار خروج از مطالعه عدم رضایت کشاورزان جهت همکاری در پژوهش در نظر گرفته شد. در این مطالعه، جمع آوری داده‌ها به روش مصاحبه انفرادی و از طریق پرسشنامه بود. پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات زمینه ای و دموگرافیک و سازه‌های تئوری انگیزش محافظت بود. شناسه کد اخلاق دانشگاه علوم پزشکی همدان برای مطالعه IR. UMSHA. REC. ۱۳۹۶. ۴۸ بود. پس از جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل با نرم افزار SPSS۲۴ و با استفاده از آزمون‌های ANOVA، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل و آنالیز رگرسیون خطی انجام گردید.

یافته‌ها: اکثریت شرکت کنندگان در مطالعه مرد (۷۹/۳٪) بودند. میانگین سن کشاورزان ۴۸/۸۰ سال و سابقه کار کشاورزی آن‌ها ۲۴/۷۴ سال بود. تقریباً نیمی از کشاورزان سابقه آفتاب سوختگی داشتند (۵۶/۴٪). کشاورزانی که از کرم ضد آفتاب، کلاه، دستکش، عینک آفتابی و لباس پوشیده استفاده می کردند به ترتیب ۸/۶٪، ۳/۲٪، ۳/۹٪، ۴/۶٪، ۱۵/۴٪ بودند. بین رفتار با وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، سن، کار کشاورزی در هر روز و سابقه کار کشاورزی رابطه آماری معنی دار وجود داشت ($p < 0.05$) بین رفتار محافظتی با خودکارآمدی و انگیزش محافظت درک شده همبستگی مثبت وجود داشت ($p < 0.05$). نتایج نشان داد که با یک واحد افزایش نمره خودکارآمدی و انگیزش محافظت درک شده، میانگین نمره رفتار به اندازه $OR = 0.26$ و $OR = 0.20$ افزایش داشته است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، اهمیت پیشگیری از سرطان پوست در کشاورزان با توجه به شرایط شغلی که دارند، بسیار لازم و ضروری می باشد. به نظر می رسد در برنامه‌های مداخله ای و پیشگیری کننده باید به طور کامل تعیین کننده‌های پیشگیری از سرطان پوست در کشاورزان شناسایی و مداخلات مناسب با توجه به عوامل موثر برنامه ریزی و اجرا گردد.

کلید واژه: سرطان پوست، کشاورزان، مناطق روستایی، تئوری انگیزش محافظت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



یک چارچوب عملی برای ارزشیابی برنامه بهداشت کشاورزان: تدوین و کاربرد الگوی ارزشیابی سیپ

چکیده

مقدمه: کشاورزی به عنوان یکی از ارکان توسعه و خودکفایی کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار است. بخش کشاورزی سهم مهمی از شاغلین را به خود اختصاص داده است. با توجه به نیاز موجود، برنامه بهداشت کشاورزان در ایران جهت ارتقا سلامت کشاورزان اجرایی شد. کیفیت و اثربخشی برنامه بهداشت کشاورزان می تواند از طریق فعالیت‌های سیستماتیک و برنامه ریزی شده مورد بررسی قرار گیرد. یکی از الگوهای ارزشیابی جهت بررسی برنامه‌های اجرایی، الگوی ارزشیابی سیپ می باشد. بنابراین این مطالعه با هدف تدوین و کاربرد چارچوب ارزشیابی سیپ جهت برنامه بهداشت کشاورزان انجام گردید. **روش بررسی:** مطالعه موردی حاضر جهت ارزشیابی وضعیت برنامه بهداشت کشاورزان (بخش سموم آفت کش) با استفاده از الگوی ارزشیابی CIPP در مرکز بهداشت و جهاد کشاورزی شهرستان تویسرکان صورت گرفت. مطالعه در طی خرداد تا تیر ۱۳۹۶ انجام شد. در این مطالعه، روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب شرکت کنندگان استفاده شد. گروه هدف مطالعه از دو سازمان مختلف که درگیر برنامه بهداشت کشاورزان بودند، انتخاب شدند. جهت بررسی برنامه توسط محققین از یک چک لیست خود ساخته استفاده شد. چک لیست توسط محقق از برنامه مورد نظر با مراجععی حضوری به جهاد کشاورزی شهرستان تویسرکان واحد حفظ نباتات بخش تولیدات گیاهی و همینطور مرکز بهداشت شهرستان تویسرکان واحد مهندسی بهداشت حرفه ای تکمیل گردید. چک لیست از طریق مشاهده مستندات موجود، شرکت در کلاس ها، مشاهده محیط و پرسش از کارشناس مربوطه و بررسی گروه‌های هدف برنامه کامل شد. چک لیست شامل ۵ مرحله ارزشیابی زمینه ای (زمان، دستورالعمل ها، اطلاع رسانی و کاربردی بودن کلاس ها)، ارزشیابی ورودی (تعیین اهداف برنامه، وجود تجهیزات و منابع مورد نیاز، تعیین توانایی‌های ورودی گیرندگان خدمت، وجود محتوای مناسب آموزشی، وجود مشاوران با تجربه و دلسوز)، ارزشیابی فرآیند (نبت و نگهداری اتفاقات، مشکلات و هزینه‌های برنامه، انجام ارزیابی از برنامه، اجرای برنامه طبق اهداف و اصول)، ارزشیابی پیامد برنامه (انجام ارزشیابی نهایی، ارزیابی از فرآیند و اصلاح برنامه) و ارزشیابی اثربخشی برنامه (انجام مطالعه عمیق روی گیرندگان خدمت و ارائه یافته‌های ارزیابی اثر بخشی برنامه به افراد درگیر برنامه) بود. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده با استفاده از open-coding analysis in line انجام شد.

یافته‌ها: شرکت کنندگان ۵ کارشناس بهداشت حرفه ای و محیط، ۴ بهورز، ۲ پزشک، ۱۱ کشاورز، ۳ مروج کشاورزی و یک فروشنده سموم آفت کش بودند. در مرحله ارزشیابی زمینه ای وضعیت مرکز بهداشت در مقایسه با جهاد کشاورزی ضعیف تر بود. اغلب قوانین موجود ناقص و قدیمی بوده و اغلب فلوجارت‌ها عملی نمی شد. در مرحله ارزشیابی ورودی در بخش محیط مناسب برای آموزش‌های برنامه محدودیت داشتند. در مرحله ارزشیابی فرآیند اکثر گروه‌های هدف از برنامه ناراضی بوده و این نارضایتی مستند نمی شد. ارزیابی‌ها از برنامه با بی میلی و متناوب انجام می گردد. در ارزشیابی پیامد، به روز شدن برنامه با توجه به نیازسنجی‌ها و مطالعات انجام شده انجام نمی شود. ارزشیابی اثربخشی برنامه نشان داد که برنامه در هر دو سازمان بر روی بازدید از کارگاه‌های کشاورزی و درصد آموزش کشاورزان موثر بوده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه پیشنهادات برای برطرف شدن محدودیت‌ها در این ارزشیابی همکاری با سایر سازمان‌ها برای کاهش هزینه‌ها و خدمت رسانی بهتر و ابلاغ سیاست‌های جدید در مورد این برنامه با توجه به موضوعات و مسایل جدید در حوزه کشاورزی و سلامت می باشد. همینطور برای رفع محدودیت‌ها در این ارزشیابی ادغام برنامه بهداشت کشاورزان با برنامه‌های رایج و جدید در سیستم بهداشتی از جمله برنامه میانسالان می باشد.

کلید واژه: ارزشیابی، برنامه بهداشت کشاورزان، الگوی ارزشیابی سیپ

اکرم کریمی شاهنجرینی

دکتری آموزش بهداشت، دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

جلال پورالعجل

دکتری اپیدمیولوژی، دانشیار، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

فرزان رضاپور شاه کلایی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

محمد جواد عصارى

مرکز آموزش عالی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت و ایمنی شغلی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، جمهوری اسلامی ایران.

مریم افشاری

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۸۱۳۲۸۰۳۱۵

ایمیل: afshari. m@umsha. ac. ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین تاثیر برنامه آموزشی مهارتهای هوش هیجانی بر استرس و موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری (دختر و پسر) مجتمع آموزش عالی سلامت شهرستان قوچان

آقاجانی اینچه کیکانلو آ

* کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز بهداشت
شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران. نویسنده مسئول: ۹۱۵۱۸۰۱۷۲۴
aghajania1@mums.ac.ir

امیری رودی م

کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت شهرستان قوچان،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: هوش هیجانی نوعی مهارت اجتماعی است که استرس را کنترل و بر توانایی فرد در مقابله با خواسته‌ها و فشارهای محیطی تاثیر می‌گذارد. آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی سبب ارتقاء سلامت روانی می‌شود و بیشترین تاثیر، در روابط متقابل، استرس، افسردگی و پرخاشگری را دارد. پرستاران قشری از جامعه هستند که استرس و افسردگی را در محیط آموزش بالینی راتجربه می‌کنند این پژوهش با هدف تعیین تاثیر برنامه آموزشی مهارتهای هوش هیجانی بر استرس، افسردگی و موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری مجتمع آموزش عالی سلامت انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مداخله ای آموزشی می‌باشد. جامعه پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان پرستاری مجتمع آموزش عالی مورد نظر بود که به روش نمونه‌گیری خوشه ای در دو جنس انتخاب گردیدند. دانشجویان مداخله آموزش هوش هیجانی را به شیوه کلاس‌های حضوری دریافت نموده اند و به دو گروه مداخله و کنترل ۵۰ نفری به صورت تصادفی تقسیم شدند. در این پژوهش از پرسشنامه استرس تحصیلی گادزلا استفاده شد و به منظور تعیین نقش آموزش برنامه آموزشی بر اساس الگوی هوش هیجانی مایر و سالووی تدوین و پیش آزمون و پس آزمون برگزار گردید این پرسشنامه روایی و پایایی استرس تحصیلی گادزلا استفاده شد. روایی پرسشنامه با نظر صاحب نظران و پایایی پرسشنامه با انجام بازآزمایی مورد تایید قرار گرفت و متغیرهای پژوهش با نرم افزار spss ۱۶ استفاده از آزمون‌های آماری، آمار توصیفی و آمار استنباطی: (مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: مطابق نتایج آموزش مهارتهای هوش هیجانی، تاثیر معنی‌داری بر کاهش میانگین واکنش‌های هیجانی ($F=۹۴۲.۳, P<./۰۰۵$) افزایش میانگین موفقیت تحصیلی ($F=۰.۴۷, P<./۰۰۵$) و کاهش میانگین واکنش رفتاری ($F=۴۳۳.۵, P<./۰۰۲۲$) در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل داشته است و بر سایر متغیرهای پژوهش اثر معنی‌داری نداشته است.

نتیجه‌گیری: آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های مقابله با استرس بابرگزاری دوره‌های آموزشی می‌تواند دراسترس و موفقیت تحصیلی دانشجویان مفید باشد و با در نظر گرفتن شرایط خاص از میزان استرس بکاهد. و همچنین به عنوان واحد درسی در برنامه آموزشی دانشجویان پرستاری می‌تواند بر افزایش کارایی و کارآمدی سطح خدمات پرستاری موثر باشد.

کلید واژه: مهارت‌های هوش هیجانی، استرس تحصیلی، موفقیت تحصیلی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی شاخص‌های تغذیه ای در کودکان ۷۲-۰ ماهه شهرستان قوچان سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: رشد و تکامل یکی از ویژگی‌های دوران کودکی و به خصوص سال‌های اول عمر می‌باشد. بیشترین نسبت رشد و تکامل در شش ماه اول زندگی است به طوری که وزن شیرخوار در ۵ تا ۶ ماهگی دو برابر می‌شود و در پایان یک سالگی ۳ برابر وزن تولدشان می‌گردد. امروزه هرچند با افزایش سواد تغذیه‌ای مردم اهمیت تغذیه کودکان برای والدین و خانواده‌ها به خوبی محقق شده اما افزایش شدید هزینه‌های زندگی به خصوص مواد غذایی، امنیت غذایی مردم به مخاطره انداخته و احتمال تاثیر سوء آن بر سلامت کودکان ما است.

روش بررسی: مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۵ انجام شد. تعداد ۱۹۸۰ کودک ۷۲-۰ ماهه به روش تصادفی - سیستماتیک از کلیه پایگاه‌های شهری و خانه‌های بهداشت روستایی انتخاب شدند برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد طرح کشوری بررسی شاخص‌های آنترپومتریک و الگوی تغذیه کودکان زیر ۶ سال که در سال ۱۳۸۳ در کشور در قالب طرح انیس (ANIS) اجرا شده بود، استفاده گردید.

یافته‌ها: از مجموع ۱۹۸۰ کودک ۷۲-۰ ماهه ۹۱۹ نفر (۴۶/۴٪) شهری و ۱۰۶۱ نفر (۵۳/۶٪) روستایی هستند، ۴۸/۶٪ پسر و ۵۱/۴٪ دختر می‌باشند. در منطقه شهری شیوع کوتاه قدی (۲٪)، کم‌وزنی (۱/۶٪) و لاغری (۳/۹٪) است. در منطقه روستایی شیوع کوتاه قدی (۱/۹٪)، کم‌وزنی (۲/۱٪) و لاغری (۳/۳٪) می‌باشد.

شیوع کوتاه قدی در پسران با (۲/۲٪) که بیشتر از دختران با (۱/۷٪) می‌باشد و شیوع کوتاه قدی در پسران با (۲/۲٪) بیشتر از دختران با (۱/۷٪) است و شیوع کم‌وزنی در پسران (۲/۲٪) بیشتر از دختران (۱/۱٪) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: شیوع کوتاه قدی در منطقه شهری بیشتر می‌باشد. شیوع کم‌وزنی و کوتاه قدی در پسران بیشتر از دختران می‌باشد. همچنین شیوع لاغری در دختران و پسران تفاوت معنی‌داری ندارد. با توجه به موارد فوق بنظر می‌رسد آموزش تغذیه صحیح به والدین کودکان خصوصاً در منطقه روستایی و بویژه در سنین ابتدایی به منظور پیشگیری از کم‌وزنی و کوتاه قدی و لاغری بسیار حائز اهمیت است.

کلید واژه: کم‌وزنی، لاغری، کوتاه قدی، رشد و تکامل، تغذیه.

آقاجانی آ

* کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۹۱۵۱۸۰۱۷۲۴
aghajania1@mums.ac.ir

امیری رودی م

کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سواد سلامت و رفتار اطلاع یابی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

ساجده اکبرزاده

* کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۵۸۲۴۳۷۲
Akbarzadehs6@mums.ac.ir

فاطمه دشتی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

اکرم عبادی

کارشناس کتابخانه، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران

مژگان رضانی

کارشناس کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه سواد سلامت به عنوان شاخصی مهم و حیاتی در مراقبت‌های بهداشتی شناخته شده است. این شاخص، بیانگر ظرفیت فرد در دستیابی، تفسیر و درک اطلاعات ضروری برای خدمات مورد نیاز و تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سلامت است. افراد ممکن است هنگام جستجوی اطلاعات سلامت با چالش‌های مختلفی نظیر پیچیدگی سیستم سلامت، افزایش و بروز بیماری‌های مزمن، افزایش اطلاعات قابل دسترس از منابع مختلف روبه رو شوند. لذا ضرورت توجه به رفتار اطلاع یابی برای بهبود سواد سلامت افراد مشخص می‌شود. رفتار اطلاع یابی شامل هدف جستجوی اطلاعات، روش جستجو، مشکلات جستجو و عوامل موثر بر آن است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سواد سلامت و رفتار اطلاع یابی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته پزشکی عمومی مقطع استاژ و اینترن است که شامل ۳۵۰ نفر هستند. حجم نمونه با توجه به جدول تعیین حجم نمونه مورگان، ۱۷۹ نفر در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه سواد سلامت و رفتار اطلاع یابی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی اسپیرمن با نرم افزار SPSS-۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان ۲۴/۴۸ و $\pm 2/11$ سال بود. ۳۴ درصد (۶۱ نفر) سواد سلامت ناکافی، ۴۳ درصد (۷۷ نفر)، سواد سلامت نه چندان ناکافی، ۲۳ درصد (۴۱ نفر) سواد سلامت کافی داشتند و هیچ کدام دارای سطح سواد سلامت عالی نبودند. سواد سلامت و خرده مقیاس‌های آن (دسترسی، مهارت خواندن، درک و فهم، ارزیابی و تصمیم‌گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت) با رفتار اطلاع یابی رابطه‌ی مثبت و معناداری داشتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به محدود بودن سواد سلامت در تعداد زیادی از دانشجویان، لازم است برنامه‌های آموزشی مناسب با توجه به رفتار اطلاع یابی و سطح سواد سلامت آنان طراحی شود تا سطح سواد سلامت دانشجویان بهبود پیدا کند.

کلید واژه: سواد سلامت، رفتار اطلاع یابی، دانشجویان علوم پزشکی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سواد سلامت و کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به عنوان یک پیامد کلیدی در آموزش بهداشت مطرح بوده و در مفهومی وسیع تر، عنصری مهم از ارتقای سلامت محسوب می‌شود. سواد سلامت مفهومی است که به سلامت و کنترول بهتر سلامت حوزه‌های آن مرتبط می‌شود و بر توانایی فرد برای عمل کردن به اطلاعات بهداشتی و کنترول بهتر سلامت فردی، خانوادگی و اجتماع اثر می‌گذارد. سواد سلامت در افراد تأثیر بالقوه‌ای بر پیشبرد سلامتی و کیفیت زندگی آن‌ها دارد و به همان نسبت موجب کاهش هزینه‌های مربوط به مراقبت‌های بهداشتی می‌شود؛ از این رو، با توجه به اهمیت سواد سلامت و نقش آن در سلامت افراد، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سواد سلامت و کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد صورت گرفت.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته پزشکی عمومی مقطع استازر و اینترن است که شامل ۳۵۰ نفر هستند. حجم نمونه با توجه به جدول تعیین حجم نمونه مورگان، ۱۷۹ نفر در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه سواد سلامت و رفتار اطلاع یابی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون، اسپیرمن و رگرسیون با نرم افزار SPSS-۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان ۲۲/۱۱ ± و ۲۴/۴۸ سال بود. سواد سلامت و خرده مقیاس‌های آن (دسترسی، مهارت خواندن، درک و فهم، ارزیابی و تصمیم‌گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت) با کیفیت زندگی ($P < 0.01$) رابطه‌ی مثبت و معناداری داشتند. همچنین سواد سلامت و درک و فهم، ارزیابی و تصمیم‌گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت قادر به پیش بینی کیفیت زندگی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش سواد سلامت در کیفیت زندگی و اهمیت سواد سلامت در زندگی، مداخلات مؤثری به منظور توانمندسازی دانشجویان در زمینه‌ی ارتقای سواد سلامت و به دنبال آن بهبود کیفیت زندگی طراحی و اجرا گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، کیفیت زندگی، دانشجویان علوم پزشکی

ساجده اکبرزاده

* کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۵۸۲۴۳۷۲

Akbarzadehs6@mums.ac.ir

فاطمه دشتی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

اکرم عبادی

کارشناس کتابخانه، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران

مژگان رضانی

کارشناس کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی در سرطان پستان: یک مطالعه مروری سیستماتیک

ناهد ملکی ساقونی

دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، ایران.

ریحانه اکبری

*دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۳۶۹۷۴۶۰۶۴

Akbarir951@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: سرطان پستان ۳۲ درصد از کل تشخیص سرطان را در میان زنان دارد و عامل اصلی مرگ و میر ناشی از سرطان در زنان بالای ۵۵ سال است. زنان مبتلا به سرطان پستان دچار برخی احساسات منفی از جمله استرس شدید، ناامیدی، ترس، افسردگی و... می شوند، بنابراین توجه به جنبه‌های مثبت زندگی از جمله سلامت معنوی می تواند از این احساسات منفی که منجر به کاهش توانایی مقابله با موقعیتهای خاص به ویژه بیماری‌های تهدید کننده زندگی مثل سرطان پستان می شود، جلوگیری کند. هدف این مطالعه مروری سیستماتیک بررسی نقش مداخلات مبتنی بر سلامت معنوی در مبتلایان به سرطان پستان می باشد.

روش بررسی: در این مطالعه مروری سیستماتیک به منظور دستیابی به مقالات مرتبط از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی (SID, Magiran, Pubmed, Scopus, AND, OR) به وسیله ی عملکردهای AND, OR جستجو محدود به مطالعات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی شد. جستجو با کلمات کلیدی سلامت معنوی، سرطان پستان، کارآزمایی بالینی، Spirituality health, cancer breast و religion انجام شد.

یافته‌ها: از بین ۱۳۷۰ مقاله یافت شده در جستجوی اولیه، پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط در نهایت ۶ مقاله برای مرور سیستماتیک انتخاب شد. از مجموع ۶ مقاله، ۲ مطالعه نشان دادند که مداخلات درمانی مبتنی بر معنویت باعث بهبود کیفیت زندگی در مبتلایان به سرطان پستان می شود ($p < 0.05$). ۲ مطالعه دیگر نشان دادند که مداخلات درمانی مبتنی بر معنویت باعث ارتقای سطح امید و سلامت روان در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل شده است ($p < 0.001$) و در نهایت دو مطالعه نشان دادند که این مداخلات درمانی مبتنی بر معنویت باعث بهبود رفاه معنوی در مبتلایان به سرطان پستان می شود.

نتیجه گیری: مرور حاضر نشان داد که مداخلات درمانی مبتنی بر معنویت باعث ارتقا و بهبود کیفیت زندگی، سلامت روان، امید و رفاه معنوی در مبتلایان به سرطان پستان می شود، لذا منبع مؤثری برای مقابله با پاسخ‌های جسمانی و روانی بیماران شناخته می شوند و این مداخلات می توانند در درمان‌های رایج پزشکی، برای ارتقای کیفیت زندگی و سلامت روان مبتلایان به سرطان پستان به کار برده شوند.

کلید واژه: سرطان پستان، سلامت معنوی، مرور سیستماتیک

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



میزان سواد سلامت در زنان مبتلا به سرطان پستان: یک مطالعه مروری سیستماتیک

چکیده

مقدمه: سواد بهداشتی یکی از عوامل اصلی ارتقای سلامت است. سواد سلامت عامل تاثیر گذار در افزایش رفتارهای بهداشتی، بهبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و افزایش کنترل افراد به سلامت فردی می باشد. بروز سرطان پستان در زنان ایرانی افزایش یافته است و ۷۰ درصد از بیماران در مراحل پیشرفته تشخیص داده می شوند. سواد سلامت برای مبتلایان به سرطان پستان مهم است، زیرا اطلاعات کلیدی در مورد عوارض درمان و آزمایشات بالینی اغلب با استفاده از مواد آموزشی قابل انتقال است. هدف از این مطالعه مروری بررسی میزان سواد سلامت در زنان مبتلا به سرطان پستان می باشد.

روش بررسی: در این مطالعه مروری سیستماتیک به منظور دستیابی به مقالات مرتبط از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی SID، Magiran، Pubmed، Scopus و خارجی AND، OR عملکردهای AND، OR به وسیله عملکردهای AND، OR به صورت ترکیبی استفاده شد. جستجو محدود به مطالعات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی شد. جستجو با کلمات کلیدی سواد سلامت، سرطان پستان، مطالعه مقطعی، health literacy، breast cancer و cross sectional study انجام شد.

یافته‌ها: از بین ۷۴۶ مقاله یافت شده در جستجوی اولیه، پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط در نهایت ۷ مقاله برای مرور سیستماتیک انتخاب شد. نتایج ۵ مطالعه حاکی از این بود که سواد سلامت در اکثر زنان مبتلا به سرطان پستان در سطح ناکافی می باشد در حالی که دو مطالعه ادعان داشتند که سطح سواد سلامت در اکثر افراد مورد مطالعه کافی و در درصدی از مبتلایان به سرطان پستان در حد متوسط بوده است.

نتیجه گیری: مطالعه مروری حاضر نشان داد که سواد سلامت در اغلب مبتلایان به سرطان پستان در سطح ناکافی می باشد. ضروری است مداخلات لازم جهت ارتقای سطح سواد سلامت طراحی و به اجرا در آید.

کلید واژه: سواد سلامت، سرطان پستان، مرور سیستماتیک

ناهید ملکی ساقونی

دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، ایران.

ریحانه اکبری

دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۳۶۹۷۴۶۰۶۴

Akbarir951@mums.ac.ir



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر آموزش گروهی و آموزش مبتنی بر موبایل بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع دو

نسرین الهی

استادیار مرکز تحقیقات مراقبت پرستاری در بیماریهای مزمن، دانشکده پرستاری مامایی، گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز - ایران
Elahi-n@ajums. ac. ir

سمانه راه نورد

داریوش رخ افروز،

محمدحسین حقیقی

مهرنوش ذاکر کیش

چکیده

مقدمه: مهمترین عامل زمینه ساز مرگ و میر بیماران دیابتی عدم انجام خودمراقبتی می باشد. روش های آموزشی مختلفی جهت بهبود خودمراقبتی استفاده می شود. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر آموزش گروهی و مبتنی بر موبایل بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع دو انجام شد.

روش بررسی: در این کارآزمایی بالینی ۹۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند و به طور تصادفی به سه گروه ۳۰ نفری آموزش گروهی، مبتنی بر موبایل و روتین تقسیم شدند. در آموزش گروهی هشت جلسه آموزش برگزار شد. در آموزش مبتنی بر موبایل نرم افزار آموزشی بر روی گوشی بیماران نصب گردید و در آموزش روتین مداخله ای صورت نگرفت. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه خودمراقبتی، نیازسنجی، دموگرافیک در بیماران دیابتی نوع دو بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ و آزمون های آماری واریانس یک طرفه و تی زوجی در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: آموزش گروهی و آموزش مبتنی بر موبایل نسبت به آموزش روتین اثربخشی معناداری داشت ($P=0/001$). آموزش خودمراقبتی به جز در حیطه مراقبت از پا که تاثیر آموزش مبتنی بر موبایل بیشتر از آموزش گروهی بوده است، در سایر موارد اختلاف معنی داری نداشتند.

نتیجه گیری: با توجه به اثربخشی آموزش گروهی و مبتنی بر موبایل توصیه می شود با توجه به شرایط بیمار از روش مناسب آموزش مراقبت از خود جهت بیماران دیابتی استفاده شود.

کلید واژه: دیابت نوع دو، آموزش گروهی، آموزش مبتنی بر موبایل، خودمراقبتی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقاء فعالیت فیزیکی در دانش آموزان دختر رشتخوار

محمد امانی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مسئول واحد آموزش و ارتقاء سلامت، شبکه بهداشت و درمان شهرستان رشتخوار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، رشتخوار، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۳۲۰۷۵۵
amanim1@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت عدم فعالیت بدنی را به عنوان چهارمین علت مرگ و میر در سطح جهان طبقه بندی می کند. در ایران نیز ۷۰ درصد از مردم فعالیت فیزیکی ندارند. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده در ارتقاء فعالیت فیزیکی در دانش آموزان دختر رشتخوار در سال ۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مداخله ای نیمه تجربی بر روی ۷۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان رشتخوار انجام شد. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی بود. داده ها به وسیله پرسشنامه خودگزارشی گردآوری شد و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون های تی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $16/05 \pm 0/88$ سال بود. همچنین بر اساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین نگرش و قصد دانش آموزان رابطه ای قوی و مثبت ($r=0/483$, $p<0/001$)، و همچنین بین کنترل رفتاری درک شده و قصد ($r=0/255$, $p<0/001$) رابطه ای مثبت وجود داشت. ولی این رابطه بین نرم های انتزاعی و قصد ($r=0/209$, $p=0/083$) مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه از اثربخشی تئوری رفتار برنامه ریزی شده در ارتقاء فعالیت بدنی در بین دانش آموزان حمایت می کند. لذا استفاده از برنامه های آموزشی مدون براساس مدل های تغییر رفتار که باعث ارتقاء فعالیت فیزیکی در دانش آموزان شود ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: فعالیت فیزیکی، دانش آموزان، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، آموزش

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت رفتار تغذیه ای دانش آموزان دختر چاق و دارای اضافه وزن شهرستان دزفول و عوامل پیش بینی کننده آن بر اساس تئوری خودکارآمدی

صدیقه امیری زاده

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران.

amirizadeh.z@gmail.com

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار، جهاد دانشگاهی خوزستان، گروه پژوهشی آموزش سلامت، اهواز، ایران.

shakerinejad@yahoo.com

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی درک شده یکی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده رفتاری باشد. لذا تشویق نوجوانان برای ایجاد رفتارهای تغذیه ای سالم از اولویت های بهداشت عمومی محسوب می شود. این پژوهش به منظور بررسی وضعیت رفتار تغذیه ای دانش آموزان دختر چاق و دارای اضافه وزن شهرستان دزفول و عوامل پیش بینی کننده آن بر اساس تئوری خودکارآمدی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۱۵۴ نفر از دختران دبیرستانی ۱۷-۱۵ سال چاق و دارای اضافه وزن که به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند، انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه استاندارد کلارک و یک پرسشنامه محقق ساخته رفتار تغذیه ای جمع آوری شد. داده ها پس از گردآوری با نرم افزار SPSS۲۲ و آزمون های همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: این مطالعه بر روی دانش آموزان چاق و دارای اضافه وزن انجام شد. میانگین کل خودکارآمدی در گروه هدف $11/58 \pm 72/06$ بود. فشار اجتماعی، دسترسی به مواد غذایی، هیجان مثبت، هیجان منفی و ناراحتی جسمانی به طور معنی داری با رفتار تغذیه ای همبستگی داشتند. نتایج آنالیز رگرسیون نشان داد که رفتار تغذیه ای ۲۸٪ تحت تاثیر خودکارآمدی دانش آموزان است. به عبارت دیگر خودکارآمدی ۲۸٪ رفتار تغذیه ای را پیش بینی کرد. ($R^2 = 0/28$, $p < 0/001$).

نتیجه گیری: آموزش رفتارهای تغذیه ای بر خودکارآمدی نوجوانان و تشویق آنها به انتخاب سبک زندگی سالم تاثیر مثبت دارد لذا انجام مداخلات آموزشی جهت ارتقا خودکارآمدی لازم و ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: رفتار تغذیه ای، خودکارآمدی، اضافه وزن، چاقی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر یک وعده غذای گرم روستامهد بر بهبود شاخص های تغذیه ای کودکان حاضر در برنامه مهد روستاهای شهرستان قوچان سال ۱۳۹۵

امیری رودی م

*کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت شهرستان قوچان،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۱۸۰۲۴۵۴

amiry1@mums.ac.ir

آقاجانی آ

کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز بهداشت
شهرستان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران

چکیده

مقدمه: سوءتغذیه مشکلی است جهانی با پیامدهای مخرب که دستگاه ایمنی بدن را تضعیف و بیماریها را تشدید می کند و از طرفی روند سریع رشد، تحرک بالا و حجم کوچک معده در کودکان ۳-۶ سال از یک سو و مشغله زیاد مادران از سوی دیگر زمینه ساز بروز سوءتغذیه است. بنابراین تاثیر یک وعده غذایی گرم در محیط همسالان نقش مهمی در افزایش دریافت انرژی و ریز مغذیها خواهد داشت که این فرایند در کنار آموزش تغذیه نقش مهمی در بهبود شاخص های سوءتغذیه دارد.

روش بررسی: مطالعه به روش توصیفی-مقطعی انجام گرفت. برطبق پرسشنامه های ار سالی از استان پایشها (اندازه گیری قد ووزن) طی دو مرحله در ۲۰ مهد روستای شهرستان قوچان انجام شد مرحله اول در ابتدای شروع طرح در آبان ماه ۹۵ و مرحله دوم ۴ ماه بعد در اسفند ماه سال ۹۵ انجام گرفت. سپس پرسشنامهها جمع آوری ودر قالب برنامه ena مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

یافتهها: در مرحله اول (۲/۲٪) کودک دچار کوتاه قدی و (۵/۲٪) کودک دچار کم وزنی، (۴/۶٪) کودک دچار لاغری بودند و در مرحله دوم (۲/۲٪) کودک دچار کوتاه قدی و (۵/۲٪) کودک دچار کم وزنی و (۸/۲٪) کودک دچار لاغری بودند. شیوع کوتاه قدی در مرحله اول (۲/۲٪) نسبت به مرحله دوم (۲/۲٪) تغییر معنی داری نداشته است. شیوع کم وزنی در مرحله دوم (۲/۵٪) نسبت به مرحله اول (۲/۵٪) کمتر شده است. شیوع لاغری در مرحله دوم (۸/۲٪) نسبت به مرحله اول (۴/۶٪) کمتر شده است.

نتیجه گیری: بهبود شاخصهای کم وزنی و لاغری در مرحله دوم نسبت به مرحله اول می تواند نشان دهنده این باشد که کودکان معمولاً در محیط های دسته جمعی مثل مهد کودکها تمایل به تقلید از هم کلاسی های خود دارند که می توان از این فرصت برای ایجاد رفتارهای صحیح غذایی بخوبی استفاده کرد. لذا جهت ارتقاء سطح سلامت کودکان به مربیان مهد و والدین کودکان درمورد مسائل تغذیه ای در سالهای اولیه تولد آموزشهای لازم داده شود.

کلید واژه: کم وزنی، لاغری، کوتاه قدی، مهد روستا، سوء تغذیه

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثر بخشی آموزش با فیلم بر رضایت زناشویی زوجین

هدی خزاعی

* دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی،
گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران.

نویسنده مسئول: هدی خزاعی

Hoda_uno@yahoo.com

دکتر بهنام اوحدی

روانپزشک

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایداری خانواده ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان و جامعه و در راستای اهداف توسعه پایدار جوامع و پایداری خانواده ها است. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله آموزشی (فیلم درمانی) بر رضایت جنسی زوجین صورت گرفته است.

روش بررسی: طرح این پژوهش از نوع پژوهشهای نیمه تجربی به صورت مداخله ای با دوگروه آزمون و کنترل با پرسشنامه کوتاه انریچ به صورت پیش آزمون-پس آزمون در طول ۲ ماه به صورت غیر حضوری اجرا گردید. به مدت یک سال به صورت فراخوان مجازی در گروه های تلگرام، ۴۰۰ نفر (به طور تقریبی) دعوت به همکاری شد و بطور تصادفی ساده، ۳۲ زوج در کانالی تلگرامی که مختص این پژوهش راه اندازی شده بود، عضو شدند. سپس از ۳۲ زوج مشخصات پرسیده شد و این زوجین به صورت تصادفی (با روش تصادفی سازی بلوک شده) در ۲ گروه آزمون و کنترل تخصیص یافتند و تعداد ۶ فیلم آموزشی، در اختیار گروه کنترل (که به تشخیص پزشک معالج موثر در بهبود روابط زناشویی است) گذاشته شد. از آنها خواسته شد که فیلم ها را مشاهده و حتی الامکان دستورالعمل ضمیمه شده در بسته ی فیلم ها را انجام دهند.

مهمترین معیارهای ورود به مطالعه شامل زوج هایی که سن بین ۱۸ تا ۵۵ سال داشته و حداقل ۳ ماه از شروع زندگی مشترکشان گذشته است و حداقل دارای مدرک دوره ی متوسطه و تمایل به شرکت در پژوهش را داشته و زوجینی که از روابط زناشویی خود رضایت نداشتند، بیکار بودند، وجود بیماری حاد که مانع از انجام تحقیق باشد، اعتیاد و افسردگی که تحت درمان باشند، ویا طلاق گرفته باشند از مطالعه حذف شده اند. شرکت بیماران در مطالعه داوطلبانه بوده وهم چنین به بیماران توضیح داده شد که عدم مشارکت آنها در مطالعه هیچگونه تاثیری بر روند درمان آنها ندارد و آنها هر زمان که مایل باشند می توانند از مطالعه خارج شوند.

یافته ها: تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که میانگین و انحراف معیارنمره کلی رضایت زناشویی در گروه مورد قبل وبعد از مداخله به ترتیب برابر با $42 \pm 6 / 56$ و $46 \pm 11 / 3$ و $152 / 46 \pm 11 / 3$ افزایش معنی دار ($P < 0.05$) داشته است. همچنین در گروه مداخله افزایش معنی دار در ابعاد ارتباط زناشویی و مدیریت مالی دیده شده است در حالیکه در گروه شاهد بعد از گذشت زمان تفاوت معنا دار در هیچیک از ابعاد دیده نشده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر تاثیر مداخله (رویت شش فیلم) بر بهبود وضعیت کلی رضایت زناشویی در دو دوره قبل و بعد از مداخله می باشد.

کلید واژه: رضایت زناشویی، فیلم درمانی، پرسشنامه انریچ

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط نگرش دینی بر میزان امیدواری به درمان در بین بیماران سرطان خون (لوسمی)

چکیده

مقدمه: عوامل مرتبط با نگرش دینی بیماران مبتلا به سرطان می تواند یک سوال مهمی در ارزیابی اثربخشی درمان و

روند بیماری در این بیماران باشد. مفاهیم سلامت معنوی، کیفیت زندگی از حوزه های معنی دار برای بیماران و پرستاران است. امیدواری جهت کوتاه نمودن طول مدت درمان بیماران و مراقبت تسکینی برای جستجوی راحتی بیماران و خلاصی آن ها از دردهای مزمن موثر است پس توجه به ابعاد روان شناختی و روحی و معنوی فرد بسیار با اهمیت است.

هدف: بررسی و تعیین ارتباط بین نگرش دینی بر امیدواری به درمان بین بیماران لوسمی است.
روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی همبستگی و با مشارکت ۳۳۳ نفرمردجوی مبتلا به سرطان خون مزمن و در سال - ۲۳۱۲ بود. روش نمونه گیری در دسترس بود. معیار ورود، داشتن سن ۲۲ تا ۲۳ سال و مراجعه کننده به - های ۲۳۱۲ بیمارستان های تحت پوشش علوم پزشکی تهران و معیار خروج عدم تمایل به همکاری بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه های مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه مقیاس نگرش مذهبی گلاک و استارک و پرسشنامه امیدواری اشنای در بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره تجزیه و تحلیل شد.
یافته: دریافته های پژوهش، نتایج آزمون نرمالیتی کولموگروف اسمیرنوف نشان می دهد که توزیع نمره های گروه نمونه در - ۵۳ و امیدواری / 31 ± 58 / متغیرهای اندازه گیری شده به توزیع نرمال میل دارند و میانگین وانحراف معیار نگرش دینی $58 > /3 / 31 \pm 58$ بود نتایج نشان داد بین هر دو متغیر نگرش دینی، امیدواری همبستگی معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه چنین نتیجه گرفته می شود که بر مبنای نگرش دینی می توان میزان امیدواری را در بیماران مبتلا به سرطان خون پیش بینی کرد و نتایج حاصل از این مطالعه برای مطالعات روان شناختی آینده در زمینه های بهداشت و علوم رفتاری بسیار مفید است.

کلیدواژه: نگرش دینی، امیدواری، بیماران مزمن، درمان، لوسمی

فرشته امینی

* کارشناس پرستاری و کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه تربیت مدرس، هیئت آموزشی - پالیسی دانشگاه پرستاری و مامایی گروه داخلی جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

fereshtehamini@modares.ac.ir

نسرين رسول زاده

استادیار، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

rasolzan @ tums.ac.ir

فریبا تباری

استادیار، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

ftabari@ tums.ac.ir



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط نگرش دینی بر میزان امیدواری به درمان در بین بیماران سرطان خون (لوسمی)

فرشته امینی

* کارشناس پرستاری و کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه تربیت مدرس، هیئت آموزشی بالینی دانشکده پرستاری و مامایی گروه داخلی جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

fereshtehamini@modares.ac.ir

نسرین رسول زاده

استادیار، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

فریبا تباری

استادیار، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

چکیده

مقدمه: عوامل مرتبط با نگرش دینی بیماران مبتلا به سرطان می تواند یک سوال مهمی در ارزیابی اثربخشی درمان و روند بیماری در این بیماران باشد. مفاهیم سلامت معنوی، کیفیت زندگی از حوزه‌های معنی دار برای بیماران و پرستاران است. امیدواری جهت کوتاه نمودن طول مدت درمان بیماران و مراقبت تسکینی برای جستجوی راحتی بیماران و خلاصی آن‌ها از دردهای مزمن موثر است پس توجه به ابعاد روان شناختی و روحی و معنوی فرد بسیار با اهمیت است.

هدف: بررسی و تعیین ارتباط بین نگرش دینی بر امیدواری به درمان بین بیماران لوسمی است. **روش بررسی:** این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و با مشارکت ۳۰۰ نفر مددجوی مبتلا به سرطان خون مزمن و در سال‌های ۲۰۱۶ - ۲۰۱۸ بود. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. معیار ورود، داشتن سن ۲۵ تا ۶۰ سال و مراجعه کننده به بیمارستان‌های تحت پوشش علوم پزشکی تهران و معیار خروج عدم تمایل به همکاری بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌های مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه مقیاس نگرش مذهبی گلاک و استارک و پرسشنامه امیدواری اشنايدر بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** دریافته‌های پژوهش، نتایج آزمون نرمالیتی کولموگروف-اسمیرنوف نشان می دهد که توزیع نمره های گروه نمونه در متغیرهای اندازه‌گیری شده به توزیع نرمال میل دارند و میانگین و انحراف معیار نگرش دینی $81/75 \pm 13/85$ و امیدواری $49/43 \pm 8/70$ بود نتایج نشان داد بین هر دو متغیر نگرش دینی، امیدواری همبستگی معنادار وجود دارد ($p > 0/01$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه چنین نتیجه گرفته می شود که بر مبنای نگرش دینی می توان میزان امیدواری را در بیماران مبتلا به سرطان خون پیش بینی کرد و نتایج حاصل از این مطالعه برای مطالعات روان شناختی آینده در زمینه‌های بهداشت و علوم رفتاری بسیار مفید است.

کلید واژه: نگرش دینی، امیدواری، بیماران مزمن، درمان، لوسمی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین توزیع عوامل خطروارتباط آن با سواد سلامت در سالمندان شهرستان تبریز در سال ۹۳

چکیده

مقدمه: افراد دارای سواد سلامت پایین، درباره وضعیت سلامت خود آگاهی کمتری دارند. خدمات پیشگیری کمتری را دریافت می کنند و بیماری های مزمن در آنها کمتر کنترل می شود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی توزیع عوامل خطروارتباط آن با سواد سلامت در سالمندان شهرستان تبریز در سال ۹۳ انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه با بررسی و جمع بندی آمارهای مراقبت های ادغام یافته سالمندی شهرستان تبریز در سال ۹۳ انجام گرفته و در EXCEL برنامه افزاری آنالیز گردیده است.

یافته ها: در این مطالعه ۳۸۰ خانم شهری و ۵۴۸ خانم روستایی، ۳۰۰ مرد شهری و ۴۸۰ مرد روستایی بررسی شدند. که حدود ۷۵ درصد خانم شهری، ۸۷،۷ خانم روستایی، ۷۴،۶۶ مرد شهری و ۸۱،۲۵ مرد روستایی عوامل خطر را داشته اند. ۵۸،۹۴ خانمهای شهری و ۳۵،۵۱ خانمهای روستایی و ۳۷،۶۶ مردهای شهری و ۲۲،۹ مردهای روستایی دارای عامل خطر چاقی بودند. ۰،۲۶ خانمهای شهری، ۱،۰۹ خانمهای روستایی و ۲۱،۶۶ مردهای شهری و ۶،۶۶ مردهای روستایی دخانیات مصرف می کردند. ۲۸۱ نفر، ۷۳،۹۴ از خانمهای شهری و ۴۸۱ نفر ۸۷،۷۷ از خانمهای روستایی ورزش نامستمر داشته اند. از نظر سابقه بیماری ۴،۴۷ از خانمهای شهری، ۵،۱ خانمهای روستایی و ۳،۶ مردان شهری و ۵،۶۵ مردان روستایی سکنه قلبی / آنژین صدری گزارش شده است. ۲۰،۷ درصد خانمهای شهری، ۸،۹۴ درصد خانمهای روستایی و ۲۰،۳۳ درصد مردان شهری، ۷،۲۹ درصد مردان روستایی سابقه بیماری دیابت داشته اند. ۱۶،۵۷ خانمهای شهری، ۱۷،۸۸ روستایی و ۱۰ مردان شهری، ۱۲،۲۹ مردان روستایی پوکی استخوان داشته اند. ۴۲ خانمهای شهری، ۱۸،۹۲ خانمهای روستایی و ۱۰،۶ مردان شهری و ۲۱،۴۵ مردان روستایی فشارخون بالا گزارش شده است ۱۶ درصد خانمهای شهری، ۱۱،۹۶ خانمهای روستایی و ۵،۶۶ مردان شهری، ۳۵،۵۶ مردان روستایی چربی خون بالا داشته اند ۷۳ درصد از سالمندان مورد مطالعه سواد ناکافی داشتند. بین سواد سلامت با سن، جنس، شغل، تحصیلات، محل زندگی، ابتلا .
 $P < 0.01$ به بیماری مزمن و سابقه بستری مجدد ارتباط آماری معنی داری وجود داشت (۰.۵)، اما بین میزان درآمد و سواد سلامت ارتباط معنیداری وجود نداشت. سالمندانی که مستقل بودند و یا در انجام فعالیت فیزیکی محدودیت نداشتند از سواد سلامت بالاتری برخوردار بودند.

نتیجه گیری: براساس یافته ها بیشتر افراد سالمند در معرض خطر ابتلا به بیماریهای قلبی عروقی اند با توجه به پایین بودن میزان سواد سلامت سالمندان شهر تبریز بهتر است مداخلات لازم در جهت ارتقای سواد سلامت آنها انجام شود تا زمینه لازم برای بهبود وضعیت سلامت جسمانی و در پی آن بهبود کیفیت زندگی آنها فراهم شود. یک برنامه ریزی دقیق و جامع برای کشف علل و تغییر شیوه زندگی بعنوان راهکاری موثر برای کاهش عوامل خطر است.

کلید واژه: سالمندی، سواد سلامت

معصومه انصاری

* دانشجوی ارشد آموزش پزشکی و کارشناس کودکان
معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز. نویسنده
مستول: ۰۹۱۴۴۱۸۹۷۵۹

M.Ansari411@yahoo.com

محمد رضا حاجی زاده

کارشناس بهداشت حرفه ای معاونت بهداشت

دکتر ناصر رهبری

مدیر گروه سلامت جمعیت و خانواده معاونت بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی تبریز

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مروری بر مطالعات ارتباط بین مکمل آهن در دوران بارداری و دیابت بارداری

مرورید ایرانی

* دکتری تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
استادیار بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

iranim931@mums.ac.ir

دکتر طلعت خدیوزاده

استادیار گروه آموزشی روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: مکمل آهن بصورت روتین در بارداری برای همه زنان استفاده می شود. مدت‌های طولانی فرض بر این بود که مصرف روزانه آهن در دوران بارداری برای مادر و کودک بی ضرر است، اما اخیراً دو عامل خطر، دیابت حاملگی و پره اکلامپسی برای مصرف مکمل آهن در بارداری شناخته شده است. هدف از این مطالعه، مرور مطالعات در زمینه ارتباط بین تجویز مکمل آهن در بارداری و دیابت بارداری (GDM) است.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مرور سیستماتیک بررسی ارتباط بین مکمل آهن و دیابت بارداری است که با استفاده از کلید واژه‌های معتبر در مجلات فارسی و انگلیسی زبان نمایه شده در SID، Iranmedx, , Irandoc, Magiran, Scopus Pubmed و Google scholar تا ژوئیه ۲۰۱۸ و همچنین رفرنس مقالات مرتبط نیز جستجو انجام شد.

یافته‌ها: نتایج برخی مطالعات نشان دهنده همبستگی مثبت بین مصرف آهن و پیشرفت دیابت نوع ۱، ۲ و مقاومت به انسولین (مانند سندرم متابولیک) و دیابت حاملگی است. مکانیسم احتمالی مطرح شده شامل تضعیف شدن یا از بین رفتن خاصیت آنتی اکسیدانی سلولهای بتای پانکراس توسط رادیکال‌های هیدروکسیل حاصل از تجزیه آهن است و مطالعات مدل حیوانی این نتایج را تایید می کنند. چن (۲۰۰۱) نشان داد که بین ذخیره آهن بالا و عدم تحمل گلوکز در سه ماهه سوم در زنان غیر آنمیک ارتباط وجود دارد. سیمونا (۲۰۰۹) اظهار داشت که مکمل آهن با اختلال گلوکز و فشار خون بالا در حاملگی همراه است. کاترین (۲۰۱۱) نشان داد که مصرف بیش از حد مصرف آهن رژیم غذایی با افزایش خطر ابتلا به GDM همراه است. جوادیان (۲۰۱۴) نشان داد که غلظت سطح فریتین سرم در گروه GDM به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بود.

نتیجه گیری: باتوجه به گزارشات مبنی بر عوارض ناشی از مصرف غیر ضروری آهن در بارداری، جهت تجویز روتین مکمل آهن، تحقیقات بیشتری لازم است. همچنین توجه لازم جهت انتخاب صحیح مادرانی که نیاز به تجویز آهن در بارداری دارند ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: دیابت بارداری، مکمل آهن، پیامد بارداری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت ناهنجاریهای مادرزادی در ایران: مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

چکیده

مقدمه: ناهنجاریهای مادرزادی از مهمترین علل بستری در بیمارستان و معلولیت و مرگ نوزادان به شمار می‌رود و هزینه بستری و اقدامات درمانی این کودکان، بار سنگینی را به سیستم بهداشتی و خانواده‌های آنها وارد می‌کند. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت ناهنجاریهای مادرزادی در ایران به روش مرور سیستماتیک و متاآنالیز انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مرور سیستماتیک و متاآنالیز شیوع ناهنجاریهای مادرزادی است که با استفاده از کلید واژه‌های معتبر و جستجو در مجلات فارسی و انگلیسی زبان نمایه شده در SID, Google scholar, Iranmedx, , Irandoc, Magiran, Scopus Pubmed سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۶ در نواحی مختلف ایران انتخاب شد. داده‌ها با روش متاآنالیز و با استفاده از مدل اثرات تصادفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ناهمگنی مطالعات با استفاده از شاخص I² محاسبه شد.

یافته‌ها: از تعداد کل ۲۳۰۶ مطالعه بعد از اعمال معیارهای ورود و خروج نهایتاً ۳۵ مطالعه از فاصله سالهای ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۷ وارد متاآنالیز شدند. نتایج این مطالعه متاآنالیز نشان داد شیوع کلی ناهنجاری مادرزادی در ایران ۰.۲ درصد می‌باشد. شیوع ناهنجاری در پسران ۰.۶۳ درصد و در دختران ۰.۳۶ درصد می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که شایعترین ناهنجاری مادرزادی گزارش شده در متولدین ناهنجاری اسکلتی (۱.۲۹ درصد) و ناهنجاری سیستم ادراری تناسلی (۰.۲۳ درصد) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر حاکی از میزان بالای ناهنجاری مادرزادی در ایران می‌باشد لذا مطالعات بیشتری جهت شناخت بیشتر این مساله و برنامه ریزی در جهت پیشگیری از بروز ناهنجاری مادرزادی توصیه می‌شود.

کلید واژه: ایران، شیوع، ناهنجاریهای مادرزادی، مرور سیستماتیک، متاآنالیز

مروارید ایرانی

* دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری،
دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
iranim931@mums.ac.ir

دکتر طلعت خدیوزاده

استادیار بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران

دکتر سید محسن اصغری نکاح

استادیار گروه آموزشی روانشناسی دانشکده علوم
تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،
ایران

دکتر حسین ابراهیمی پور

دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی، گروه مدیریت
بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران

دکتر فاطمه تارا

دانشیار گروه زنان و زایمان، دانشکده علوم پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی الگوی مصرف گروه‌های غذایی و برخی عوامل موثر بر آن در مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قم

فاطمه السادات ایزدخواه

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۳۵۱۷۵۲۴۲۷، F. IZADKHAH71@GMAIL.COM

ذبیح اله قارلی پور

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زهره احمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

چکیده

مقدمه: بارداری از مراحل مهم زندگی زنان است که با افزایش نیازهای تغذیه ای همراه می‌باشد. افزایش قابل توجه سوخت و ساز در بارداری بر اهمیت تغذیه و رژیم غذایی در این دوران خاص از چرخه زندگی تاکید دارد. مادران باردار به علت فشارهای قابل ملاحظه در نتیجه تغییرات هورمونی، متابولیسمی و فیزیکی که باعث افزایش نیازهای تغذیه‌ای آنان می‌شود نسبت به سوءتغذیه بسیار آسیب پذیرند. این مطالعه با هدف بررسی الگوی مصرف گروه‌های غذایی و عوامل موثر بر آن در مادران باردار شهر قم انجام شد. **روش بررسی:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی بود که بروی ۳۶۰ مادر باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی قم بود و نمونه‌ها به روش سهمیه ای از میان کل مادران مراجعه کننده برای دریافت مراقبت انتخاب شدند. پرسشنامه‌های مورد استفاده برای جمع آوری داده‌ها شامل پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه یادآمد خوراک بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS۲۰ و آمار توصیفی و آزمون‌های آماری تی مستقل، آنوا و کای اسکویر استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین سن برابر با ۲۷/۷۲، میانگین وزن برابر ۵۹/۷۲ کیلوگرم و میانگین قد برابر با ۱۶۲ سانتی متر بود. میانگین واحدهای دریافتی روزانه مادران باردار در گروه نان و غلات ۸/۲۶، گروه شیر و لبنیات ۱/۹۱، گروه میوه‌ها ۴/۶۰، گروه سبزی‌ها ۱/۹۰، گروه گوشت و تخم مرغ ۲/۴۳، مغزها و حبوبات ۱/۸۲ و گروه‌های دیگر ۰/۸۱ بود. همچنین میانگین کالری دریافتی روزانه برابر با ۱۴۲۴/۸۱ بود. از نظر آماری ارتباط معنی داری بین تحصیلات و وضعیت اشتغال مادر با میزان کالری دریافتی روزانه مشاهده نشد. بین وضعیت اقتصادی و میزان دریافت کالری روزانه ارتباط معنی دار مشاهده شد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده، میزان واحدهای دریافتی روزانه مادران در گروه شیر و لبنیات، سبزی‌ها، گوشت و تخم مرغ، مغزها و حبوبات از مقدار واحد توصیه شده روزانه کمتر است. همچنین میانگین دریافت کالری روزانه تقریباً ۱۰۰۰ کالری از مقدار کالری توصیه شده روزانه کم‌تر است. این امر بیانگر اهمیت آموزش و اطلاع رسانی و توصیه پرسنل بهداشتی، پزشکان و متخصصان تغذیه برای دریافت این گروه‌های مواد غذایی است. هم چنین عوامل مهم در این زمینه از جمله وضعیت اقتصادی باید مدنظر قرار گیرد و تصمیم‌های لازم در سطح کلان اتخاذ گردد.

کلید واژه: گروه‌های غذایی، الگوی مصرف، مادران باردار.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتقای رفتار مصرف مواد غذایی حاوی آهن در دانش آموزان دختر متوسطه شهر اهواز: کاربرد الگوی عمل منطقی

فاطمه ایسوندی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

قدرت اله شاکری نژاد

* دکترای آموزش بهداشت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران.

نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۶۱۱۳۳۴۲۱

shakerinejad@yahoo.com

ماریا چراغی

دکترای اپیدمیولوژی، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

کامبیز احمدی انکالی

دکترای آمار، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: کم خونی فقر آهن که یک مشکل شایع در کشورهای در حال توسعه می باشد که می تواند کنترل شود. این مطالعه با هدف ارتقای رفتار مصرف مواد غذایی حاوی آهن در دانش آموزان دختر متوسطه شهر اهواز: کاربرد الگوی عمل منطقی در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله ای دو گروهی بود که بر روی ۱۲۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهرا اهواز انجام شد. برای تعیین نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی تعداد دو مدرسه دخترانه انتخاب و از هر مدرسه تعداد ۶۰ دانش آموز به طور تصادفی انتخاب گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته که شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات سازه های الگوی عمل منطقی بود. پرسشنامه قبل و هشت هفته بعد از مداخله آموزشی توسط دانش آموزان تکمیل شده و اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با بهره گیری از آزمونهای آماری ویل کاکسون و من ویت نی تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج در سطح معنی داری $P < 0.05$ معنادار تلقی گردید.

یافته ها: نتایج بدست آمده در دو گروه آزمون و شاهد بعد از مداخله آموزشی، اختلاف معنی دار را بین میانگین نمرات سازه های الگوی شامل نگرش نسبت به رفتار، قصد و رفتار در سطح معنی داری $P = 0.01$ نشان داد.

نتیجه گیری: یافته های پژوهش نشان داد که اجرای برنامه آموزشی پیشگیری از کم خونی فقر آهن بر اساس الگوی عمل منطقی موثر بوده لذا در برنامه های آموزشی توصیه می گردد از این الگوی آموزش سلامت استفاده شود.

کلید واژه: الگوی عمل منطقی، کم خونی، دانش آموزان، اهواز، قصد، رفتار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش‌بینی تغذیه انحصاری با شیر مادر در بین مادران ایرانی: یک آزمون تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده با استفاده از الگوسازی معادلات ساختاری

چکیده

مقدمه: شناسایی عواملی که موجب شروع، تداوم یا ترک تغذیه انحصاری توسط مادران می‌شود، می‌تواند به طراحی مداخلات برای تقویت این رفتار کمک کند. هدف مطالعه حاضر پیش‌بینی تغذیه انحصاری با شیر مادر در بین مادران دارای کودک زیر شش ماه خرم‌آباد- ایران براساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده با دو ریکرد مستقیم و غیرمستقیم بود.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی بود که با استفاده از الگوسازی معادلات ساختاری به آزمون تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده در بین مادران دارای کودک زیر شش ماه در یکی از شهرهای ایران در سال ۱۳۹۶ پرداخت. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه روا و پایایی بومی‌سازی‌شده مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-۱۶ و AMOS-۲۰ و الگوسازی معادلات ساختاری تحلیل شدند.

یافته‌ها: کنترل رفتاری درک‌شده توانست ۶۵٪ قصد مادران برای تغذیه انحصاری با شیر مادر را تبیین کند. قصد و کنترل رفتاری درک‌شده نیز با هم قادر به پیش‌بینی ۷۹٪ از تغییرات رفتار تغذیه انحصاری با شیر مادر بودند. شاخص‌های برازش الگوی تغذیه انحصاری با شیر مادر در مطالعه حاضر قابل قبول بودند ($GFI=0/83$ و $CFI=0/87$, $NFI=0/81$, $CMIN/DF=2/58$, $RMSEA=0/072$).

نتیجه‌گیری: تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، تئوری مناسبی برای پیش‌بینی قصد و رفتار تغذیه انحصاری با شیر مادر در جوامع مختلف است. به سیاست‌گذاران و مدیران نظام سلامت توصیه می‌شود تمهیدات لازم برای افزودن پرسشنامه استاندارد بومی‌سازی‌شده پیش‌بینی تغذیه انحصاری با شیر مادر براساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده به پرونده الکترونیک سلامت زنان باردار و دارای کودک زیر شش ماه و توانمندسازی مراقبین سلامت اولیه را بیندیشیند تا در صورت پایین بودن قصد و رفتار آنان، برنامه مداخله‌ای مبتنی بر تئوری طراحی و اجرا گردد.

کلید واژه: تغذیه انحصاری با شیر مادر، تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، الگوسازی معادلات ساختاری، ایران.

راضیه باجولوند

کمیته تحقیقات دانشجویی (کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران)

محمدحسن ایمانی‌نسب

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت (دکتری سیاست‌گذاری سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران) (نویسنده مسئول):
mimail218@gmail.com 09397382446

فرزاد ابراهیم‌زاده

مرکز تحقیقات بهداشت تغذیه (دکتری آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سواد سلامت با وضعیت سلامت کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان

زهرا باجی

* کارشناس ارشد آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۶۹۰۱۸۴۷۶
Zahrabaji65@yahoo.com

معصومه تهرانی

کارشناس ارشد علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

فرزانه جاردی

کارشناس پژوهشی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

سعیده حاجی نجف

کارشناس علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی مورد نیاز به منظور تصمیم گیری در زمینه های مرتبط با سلامت، گفته میشود. امروزه سواد سلامت به عنوان شاخصی مهم و حیاتی در نتایج و هزینه های مراقبتهای بهداشتی شناخته شده است. افراد با سواد سلامت ناکافی، با احتمال کمتری اطلاعات نوشتاری و گفتاری آرایه شده توسط متخصصان سلامتی را درک می کنند و به دستورات داده شده توسط آن ها عمل می کنند. همچنین وضعیت سلامتی ضعیف تری دارند و هزینه های پزشکی بیشتری را متحمل می شوند. در نتیجه امروزه سواد سلامت ناکافی به عنوان یک تهدید جهانی به شمار می آید. لذا این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت با وضعیت سلامت در کارمندان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر، مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی است که در آن ۲۰۹ نفر از کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان در سال ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع اوری داده ها از طریق پرسشنامه ای مشتمل بر سه بخش اطلاعات فردی، وضعیت سلامت و سنجش عملکردی سواد بزرگسالان (HELIA) صورت گرفت. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی شامل ضریب همبستگی اسپیرمن، در نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی کارمندان 37.65 ± 8.40 سال بود. سطح سواد سلامت ۱۴۷ نفر از آنان مطلوب (۳/۷۰٪) و ۶۲ نفر محدود (۲۹/۷٪) بود. ۳۵ نفر از کارکنان (۱۶/۷٪) وضعیت سلامت خود را خیلی خوب، ۱۲۱ نفر (۵۷/۹٪) خوب، ۴۸ نفر (۲۳٪) متوسط و ۵ نفر (۲/۴٪) ضعیف گزارش کردند. ارتباط آماری معنی داری بین وضعیت سلامت با سابقه خدمت ($P = 0.002$)، وضعیت بیمه ($P = 0.036$) و نیز سن ($P = 0.001$) مشاهده شد. همچنین وضعیت سلامت و سواد سلامت کارکنان رابطه آماری معنی داری را نشان داد ($P = 0.03$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج، برنامه ریزی جهت حفظ و ارتقای سواد سلامت در کارمندان باید مورد توجه قرار گیرد تا زمینه لازم جهت بهبود وضعیت سلامت و کیفیت زندگی آنان فراهم گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، وضعیت سلامت، کارمندان، خوزستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین سطح سواد سلامت کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان و عوامل دموگرافیک مرتبط با آن

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی مورد نیاز به منظور تصمیم گیری در زمینه های مرتبط با سلامت گفته میشود. با توجه به اهمیت سواد سلامت در تمام اقشار جامعه، این مطالعه با هدف تعیین سطح سواد سلامت و عوامل دموگرافیک مرتبط با آن در کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان در سال ۱۳۹۷ طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی است که در آن ۲۰۹ نفر از کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان به صورت تصادفی و با استفاده از لیست کارکنان شاغل و با توجه به معیارهای ورود به مطالعه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان محاسبه گردید. روش بررسی در این پژوهش تکمیل ابزار جمع آوری اطلاعات توسط افراد مورد مطالعه بود. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سنجش عملکردی سواد بزرگسالان (Health literacy for Iranian adults) یا HELIA بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی شامل تی مستقل، در نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ۶۲/۷ درصد از شرکت کنندگان مرد و ۳۷/۳ درصد زن بودند. سن اکثریت افراد بین گروه سنی ۳۳-۲۳ سال (۴۲/۱ درصد) بود. اکثر افراد اطلاعات مربوط به بیماری و سلامت را از طریق پرسیدن از پزشک و کارکنان بهداشتی درمانی بدست می آوردند. امتیاز سواد سلامت واحدهای پژوهش ۱۲/۲۹±۷۳/۱۳ بود. ۲/۴ درصد از شرکت کنندگان از سواد سلامت ناکافی، ۲۷/۳ درصد سواد سلامت نه چندان کافی، ۴۸/۸ درصد سواد سلامت کافی و ۲۱/۵ درصد سواد سلامت عالی برخوردار بودند. بیشترین امتیاز سواد سلامت در گروه سنی ۵۵ سال به بالا و کمترین امتیاز سواد سلامت در گروه سنی ۳۳-۲۳ سال مشاهده شد. میانگین امتیاز سواد سلامت در زنان ۱۱/۸۶±۷۶/۴۷ و در مردان ۱۲/۱۶±۷۱/۱۴ بود. این تفاوت از نظر آماری اختلاف معنی داری را نشان داد (P=۰/۰۰۲). بر اساس نتایج بعد خواندن و دسترسی با جنس و سطح تحصیلات، بعد تصمیم گیری با سن، سابقه سغلی و نوع پوشش بیمه و بعد ارزیابی با سن رابطه آماری معنی داری را نشان داد (P<۰/۰۵).

نتیجه گیری: به طور کلی سواد سلامت در افراد مطلوب بود. پیشنهاد می شود جهت ارتقای سلامت و بهبود کیفیت خدمات کارکنان، توجه ویژه ای به برنامه ریزی های آموزشی جهت حفظ و ارتقای سواد سلامت در آنها شود.

کلید واژه: سواد سلامت، کارکنان، جهاد دانشگاهی خوزستان

زهرا باجی

* کارشناس ارشد آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۶۹۰۱۸۴۷۶
Zahrabaji65@yahoo.com

معصومه تهرانی

کارشناس ارشد علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

فرزانه چارو ندی

کارشناس پژوهشی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

سعیده حاجی نجف

کارشناس علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سالمندان شهر بیرجند سال ۱۳۹۶

عباس جوادی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران

انسیه نوروزی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

فاطمه بارانی

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۷۲۱۳۱۹۸،
barani.f.4552@gmail.com

چکیده

مقدمه: فرآیند سالمندی به طور طبیعی موجب اختلال در کارکرد اندام‌های مختلف بدن، ناتوانی تدریجی در انجام و اداره امور شخصی و ایفای نقش‌های اجتماعی فرد سالمند می‌شود که تأثیر این نارسایی‌ها در بعد اجتماعی زندگی سالمندان بارزتر می‌باشد. از آنجایی که بعد اجتماعی زندگی، تأثیر بسزایی در سلامت به صورت عام و کیفیت زندگی سالمندان به طور خاص دارد، بنابراین پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی و رضایت از زندگی سالمندان شهر بیرجند انجام گردید. **روش بررسی:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، از نوع همبستگی، تعداد ۳۰۰ سالمند شهر بیرجند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۳ و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تی مستقل در سطح معناداری ($p < 0.05$) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی سالمندان در پژوهش حاضر به ترتیب ۲/۳۱، ۲/۵۲ و ۳/۱۹ بود. نتایج نشان داد بین سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی ($r=0.33$) و بین سرمایه اجتماعی با رضایت از زندگی سالمندان ($r=0.13$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میانگین سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود نداشت. میانگین کیفیت زندگی مردان سالمند بیشتر از زنان بود در صورتی که میانگین رضایت از زندگی زنان بیشتر بود. **نتیجه گیری:** توجه به افزایش سرمایه اجتماعی سالمندان باعث افزایش کیفیت زندگی و رضایت از زندگی آنان می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بایستی بر اساس ابزار و امکانات موجود، نوعی یکپارچگی و تعادل فعال در جامعه به وجود آورند و با یک نظام تبلیغاتی مناسب به حذف تنگنای فرهنگی، به تقویت مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی بپردازند. در نتیجه با افزایش سرمایه اجتماعی سطح کیفیت زندگی و در نتیجه رضایت از زندگی سالمندان افزایش یابد.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، سالمندان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله مبتنی بر مدل فرانزیه‌ای بر مراحل تغییر و سطح فعالیت بدنی زنان پرستار

چکیده

مقدمه: فعالیت بدنی منظم و مداوم به عنوان یک رفتار بهداشتی علاوه بر حفظ سلامت، نقش مهمی در پیشگیری و مدیریت بسیاری از بیماری‌ها در کارکنان دارد. در این راستا ارتقای فعالیت بدنی در محیط‌های کاری علاوه بر ارتقای سلامت می‌تواند موجب بهبود بهره‌وری و اثر بخشی کارمندان شود. هدف از مطالعه حاضر تعیین تأثیر مداخله مبتنی بر الگوی فرانزیه‌ای بر مراحل تغییر و سطح فعالیت بدنی در زنان پرستار می‌باشد.

روش بررسی: این پژوهش از نوع نیمه تجربی و به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه شاهد می‌باشد. جامعه‌ی آماری را زنان پرستار شاغل در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران تشکیل می‌دادند که بیمارستان شهدای هفتم تیر و بیمارستان فیروزآبادی به صورت تصادفی به عنوان گروه‌های آزمون و شاهد انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت سرشماری بود و ۵۱ نفر از زنان پرستار مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گروه آزمون مداخلات در دو سطح انجام پذیرفت: ۱. اقدامات عمومی برای کلیه‌ی زنان پرستار. ۲. مداخلات ویژه‌ی گروه آزمون. برای گروه کنترل، مداخله‌ای انجام نشد. مراحل تغییر و سطح فعالیت بدنی زنان پرستار قبل و سه ماه بعد از مداخله اندازه‌گیری شد. برای ارزیابی مراحل تغییر فعالیت بدنی از پرسشنامه‌ی سازه مراحل تغییر (Stage of change) و برای ارزیابی سطح فعالیت بدنی از فرم کوتاه پرسشنامه‌ی بین‌المللی فعالیت بدنی (IPAQ) استفاده شد. پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS نسخه‌ی ۲۴، از آزمون کای اسکوئر و ویلکاکسونجهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سه ماه بعد از مداخله، در گروه شاهد مراحل تغییر تفاوت معنی‌داری نداشت ($P = ۰/۹۶۳$) و سطح فعالیت بدنی پسرقت داشت اما معنی‌داری نبود، هرچند سطح معنی‌داری ۰/۰۵۸ بود. در گروه آزمون مراحل تغییر ($P = ۰/۰۰۵$) و سطح فعالیت بدنی ($P = ۰/۰۲۱$) پیشرفت معنی‌دار داشت.

نتیجه‌گیری: مداخلات تغییر رفتار از طریق مدل فرانزیه‌ای در زنان پرستار منجر به پیشرفت در مراحل تغییر و سطح فعالیت بدنی زنان پرستار خواهد بود. بنابراین استفاده از مداخلات مبتنی بر مدل فرانزیه‌ای، می‌تواند برای ارتقاء مراحل تغییر و سطح فعالیت بدنی در محیط‌های کاری پیشنهاد شود.

کلید واژه: مدل فرانزیه‌ای، مراحل تغییر، سطح فعالیت بدنی، محیط کار، پرستار

صدیقہ باقرزادہ

کارشناس ارشد فیزیولوژی فعالیت بدنی و تندرستی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

امین عیسی نژاد

* استادیار فیزیولوژی ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس، ۰۲۱۵۱۲۱۲۴۵۶
Email: A.isanezhad@shahed.ac.ir

هرمز سنایی نسب

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه بقیه‌الله علیه‌السلام، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی موانع و یافتن راهکارهای مداخله ای مناسب برای بهبود مصرف میوه و سبزیجات در میانسالان مطالعه کیفی بر اساس مدل اکولوژیک

قیاد مرادی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

اردشیر رحیم زاده

معاونت امور بهداشتی دانشگاه، گروه مدیریت
پیشگیری و مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی
کردستان، سنندج، ایران

ثریا امانی

معاونت امور بهداشتی دانشگاه، گروه مدیریت
پیشگیری و مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی
کردستان، سنندج، ایران

جهانبخش یوسفی

مرکز بهداشت شهرستان سنندج، دانشگاه علوم پزشکی
کردستان، سنندج، ایران

خالد رحمانی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

شراره باقری

* مرکز بهداشت شهرستان سنندج، دانشگاه علوم
پزشکی کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسول: تلفن:
۰۹۱۸۳۷۳۷۶۹۶

shararehb79@gmail.com

چکیده

مقدمه: بیماری های غیر واگیر سالانه سبب ۳۸ میلیون مرگ در دنیا می شوند. حدود ۶۰ درصد مرگ و میر های جهان را شامل می شود. افرادی که میوه و سبزی بیشتری مصرف می کنند با احتمال کمتری به اضافه وزن، بیماری های قلبی و انواع خاصی از سرطان دچار می شوند. لذا این مطالعه به بررسی موانع مصرف میوه و سبزیجات در سطح جامعه تمرکز دارد و متمرکز بر بحث گروهی در اقصای مختلف برای به دست آوردن درک درستی از موانع درک شده و راهکارهای پیشنهادی در خصوص مصرف کم میوه و سبزی می باشد.

روش بررسی: این مطالعه کیفی با استفاده از راهنمای سؤال نیمه ساختار یافته، ۸ بحث گروهی متمرکز در زنان و مردان اقصای مختلف جامعه در سال ۹۶ انجام شده است. و با استفاده از اصول اکولوژیکی چارچوبی از عوامل موثر بر رفتارهای تغذیه ای افراد که در ۴ سطح رده بندی شده بودند مشخص گردید. همچنین ۶ مصاحبه انفرادی با افراد کلیدی و صاحب نظر در ارتباط با موضوع انجام شد.

یافته ها: موانع مصرف میوه و سبزیجات در سطح فردی شامل: باورها، دانش تغذیه ای، زمان آماده سازی بود. در سطح بین فردی، آموزش در خانواده و حمایت خانوادگی و اجتماعی از موانع عمده محسوب می شدند. در خصوص موانع در سطح محیطی می توان به دسترسی، قیمت و کیفیت اشاره نمود. همچنین سیاستها و قوانین، ارزشها و هنجارهای اجتماعی- فرهنگی، رسانه و تبلیغات موانع اساسی در سطح کلان بودند.

نتیجه گیری: سیاستمداران باید برنامه های حمایتی در خصوص کاهش هزینه های تولید میوه و سبزیجات با کیفیت بالا را در جوامع کم درآمد را در نظر داشته باشند و قوانین و سیاستهای لازم در بحث تولید و عرضه میوه و سبزیجات با کیفیت و عاری از سموم در سطح کلان اتخاذ گردد.

کلید واژه: بحث گروهی، موانع، میوه، سبزیجات، راهکار، مدل اکولوژیک

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سواد سلامت در بیماران دیابتی

چکیده

مقدمه: دیابت بیماری مزمنی است که می‌تواند عوارض حاد و ناتوان کننده ای چون بیماری های قلبی عروقی، نابینایی و نارسایی مراحل پایانی کلیه را ایجاد کند. با توجه به اینکه سواد سلامت ناکافی یک مانع جدی برای مدیریت دیابت به‌شمار آمده و می‌تواند مشارکت بیماران را در خود مراقبتی تحت تاثیر قرار دهد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد سلامت بیماران مبتلا به دیابت صورت پذیرفت. **روش بررسی:** دیابت بیماری مزمنی است که می‌تواند عوارض حاد و ناتوان کننده ای چون بیماری های قلبی عروقی، نابینایی و نارسایی مراحل پایانی کلیه را ایجاد کند. با توجه به اینکه سواد سلامت ناکافی یک مانع جدی برای مدیریت دیابت به‌شمار آمده و می‌تواند مشارکت بیماران را در خود مراقبتی تحت تاثیر قرار دهد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد سلامت بیماران مبتلا به دیابت بیماران صورت پذیرفت. روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که به شیوه مقطعی بر روی ۶۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت انجام شده است. نمونه مورد پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی آسان از میان بیماران مراجعه کننده به این کلینیک انتخاب شدند. سطح سواد سلامت در بیماران به ترتیب توسط پرسشنامه‌های استاندارد (مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آنالیز واریانس (SDSCA) و (FCCHL) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. SPSS v ۲۰. ازمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در نرم افزار آمار ی anova. ۰/۰۳۴ بود. میانگین نمره سواد سلامت در شرکت کنندگان ۳۶٫۵ درصد ناکافی، ۲۰٫۵ درصد حاشیه ای، ۴۳ درصد سواد سلامت کافی داشته اند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۰ تا ۲۸ بود. ارتباط آماری معنی‌داری بین جنسیت (مرد ۱۱٫۷۶٪ و زن ۶۱٫۷۶٪) و شغل (کارمند ۷۱٫۷٪ و بیکار ۵۳٫۸۸٪) در سواد سلامت دیده شد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه سواد سلامت در بیماران دیابتی مرتبط بود، لذا توجه به مهارت های مرتبط با این ابعاد از سواد سلامت و ارائه اطلاعات متناسب با سطح سواد سلامت بیماران در سیستم های بهداشت و درمان ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که سواد سلامت در بیماران که بیشتر با مهارت های خواندن و نوشتن مرتبط است لذا توجه صرف به سطح تحصیلات افراد جهت برقراری ارتباط و ارائه آموزش‌ها به آن ها توصیه می‌گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، دیابت

آزاده بانزاد

* کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
banezhada2@mums.ac.ir

نکار میری

کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام، تربت جام، ایران

علی ساقی

کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه شیوه آموزش سنتی با شیوه آموزشی مبتنی بر بازی بر خودکارآمدی فعالیت فیزیکی کودکان: یک کارآزمایی آموزشی سه گروهی

محدثه بختیاری

کارشناس بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مریم مظاهری کوهانستانی

کارشناس بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مریم نصیریان

دکتری آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

عاطفه کاویانی تهرانی

کارشناس بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زینب مکوندی

دانشجو دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

فرشته زمانی علویچه

* اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۴۵۲۹۷۱

Email: fe.zamani@gmail.com

چکیده

مقدمه: امروزه کم تحرکی یا فعالیت فیزیکی کم از معضلات زندگی مدرن می‌باشد که تاثیر به سزایی در افزایش شیوع بیماری‌های مزمن از قبیل چاقی و اضافه وزن، بیماریهای قلبی-عروقی، دیابت، پوکی استخوان دارد. لذا با تشویق کودکان به سمت فعالیت‌های فیزیکی مفرح می‌توان خودکارآمدی شیوهی زندگی سالم را در آنها نهادینه و شرایط را برای رشد خلاقیت و استعداد کودکان فراهم کرد. هدف این مطالعه افزایش میزان فعالیت فیزیکی در بین کودکان با استفاده از دو روش آموزش سنتی و مبتنی بر بازی و مقایسه تاثیر آنها بود.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک کارآزمایی سه گروهی است که در سال ۹۷-۹۶ بر روی ۲۳۶ دانش آموز دختر پایه سوم دبستان منتخب شهر اصفهان که به طور تصادفی به سه گروه تقسیم شدند. صورت گرفت. در گروه کنترل (۶۲ نفر) هیچگونه مداخله ای نشد. در گروه دوم آموزش سنتی (۱۰۱ نفر) بود که پیام‌های آموزشی مربوط به فعالیت فیزیکی را از طریق سخنرانی دریافت کردند. در گروه سوم (۷۳ نفر)، دانش آموزان علاوه بر آموزش سنتی، آموزش همراه با بازی مار و پله دریافت نمودند. در هر دو گروه مداخله، برنامه آموزشی به صورت حضوری همراه با مشارکت فعال دانش آموزان در طی ۴ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای صورت گرفت. داده‌ها قبل و بعد از مداخله از طریق مصاحبه با دانش آموزان، با پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و خودکارآمدی فعالیت فیزیکی، جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم افزار STATA شدند و با استفاده از آزمون‌های ANOVA، PAIRED-T، Chi^۲، TEST و UNIVARIATE تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد در حدود ۵ درصد از پدران و مادران دانش آموزان شرکت کننده در مطالعه بیسواد و حدود ۲۴ و ۳۰ درصد از پدران و مادران آنان تحصیلات دانشگاهی داشتند. همچنین در حدود ۸۸ درصد از مادران خانه دار بودند در حالیکه فقط ۲ درصد از پدران بیکار بودند. همچنین یافته‌ها نشان داد نمره‌ی خودکارآمدی فعالیت فیزیکی پس از مداخله بین گروه‌ها با یکدیگر تفاوت معنی داری داشت ($P > 0.0001$) به طوری که نمره‌ی خودکارآمدی در گروه مبتنی بر بازی بیشتر از گروه آموزش سنتی و کنترل بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، شیوه آموزش مبتنی بر بازی نسبت به روش آموزش سنتی در افزایش خودکارآمدی فعالیت فیزیکی کودکان موثرتر بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزش و پرورش، اقدام به برگزاری دوره‌هایی برای افزایش آگاهی معلمان و والدین از تاثیرات انجام این بازی‌ها کنند.

کلید واژه: آموزش سنتی، آموزش مبتنی بر بازی، خودکارآمدی، فعالیت فیزیکی، کودکان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی بر مصرف شیر و فرآورده ای لبنی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده در دانش آموزان دختر شهرستان بهبهان

چکیده

مقدمه: شیر و فرآورده های لبنی منابع اصلی کلسیم هستند. با توجه به اهمیت کلسیم در رژیم غذایی نوجوانان بویژه دختران و تاثیر آن در سنین بزرگسالی، مطالعه حاضر با هدف ارتقای رفتار مصرف شیر و فرآورده های لبنی در بین دانش آموزان دختر شهرستان بهبهان با طراحی و اجرای یک برنامه آموزشی با استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مداخله ای دو گروهی بر روی ۱۴۰ نفر از دانش آموز که به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمون و شاهد قرار گرفتند، در سال ۱۳۹۶ انجام شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه تئوری رفتار برنامه ریزی شده قبل و بعد از مداخله جمع آوری شد. مداخله آموزشی در گروه آزمون براساس تئوری مورد نظر به مدت ۳ هفته اجرا شد، همچنین دو جلسه آموزشی در مورد اهمیت رفتار مصرف شیر ولبنیات بطور مجزا برای معلمان و والدین ارائه گردید ولی گروه شاهد مداخله ای دریافت نکرد. سپس ۸ هفته پس از مداخله پرسشنامه مجدداً تکمیل گردید و آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون های آماری کای دو، تی مستقل و تی زوجی انجام گردید.

یافته ها: قبل از مداخله آموزشی بین گروه های آزمون و شاهد از نظر سازه های تئوری اختلاف معنا داری مشاهده نگردید. ولی بعد از مداخله آموزشی میانگین نمره های نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری و رفتار در گروه آزمون افزایش معنا داری یافت $p < 0.05$. **نتیجه گیری:** با توجه به اثربخشی مناسب این برنامه آموزشی بنظر می رسد استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده در برنامه های آموزشی بهبود و ارتقای رفتار مصرف شیر و لبنیات در دانش آموزان دختر می تواند موثر باشد. بنابراین استفاده از این تئوری در برنامه ریزی های آموزشی دانش آموزان پیشنهاد می گردد.

کلید واژه: تئوری رفتار برنامه ریزی شده، شیر و لبنیات، دانش آموزان، بهبهان

لیلا بخشش

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

دکتر قدرت اله شاکری نژاد

* دانشیار گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۱۱۳۳۴۲۱

shakerinejad@yahoo.com

دکتر خدابخش کرمی

استاد گروه آموزش سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

محمد حسین حقیقی زاده

مربی گروه اپیدمیولوژی و آمار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رفتارهای خود مراقبتی بهداشت دهان و دندان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان شهرستان بهبهان در سال تحصیلی ۱۳۹۶

لیلا بخشش

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۷۱۷۷۶۱
l.bakhshesh@yahoo.com

سید محمد رضا ربیعی

دکتری دندان پزشکی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

نسرین مرفوع

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

شوکت فارچی

کارشناس بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

محمد صادق لولو

کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

چکیده

مقدمه: بیماری های دهان و دندان از جمله شایع ترین بیماری های مردم دنیاست که معمولاً از سنین نوجوانی آغاز می شود. رعایت بهداشت دهان و دندان در طی این دوران تاثیر بسیار زیادی بر کاهش این بیماری دارد و جزء بیماری هایی هست که ارتباط تنگاتنگی با رفتار دارد. دستیابی به اطلاعات یا وضعیت موجود می تواند زمینه ساز مداخلات بهبود وضعیت بهداشت دهان و دندان باشد. الگوی اعتقاد بهداشتی رابطه بین برخی سازه های مربوط به ادراکات شخصی و راهنمایی عمل و خود کار آمدی با رفتار را نشان می دهد. این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای خود مراقبتی بهداشت دهان و دندان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان شهرستان بهبهان در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بر روی ۳۶۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهرستان بهبهان به روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای در سال تحصیلی ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه طراحی شده براساس الگوی اعتقاد بهداشتی، رفتارهای بهداشتی دهان و دندان و چک لیست DMFT بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ با استفاده از آزمون های همبستگی در سطح معنی داری $P > 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین و انحراف معیار شاخص DMFT دانش آموزان مورد پژوهش 1.94 ± 2.16 می باشد که میانگین آن در دانش آموزان دختر (2.2 ± 0.55) بیشتر از میانگین آن در دانش آموزان پسر (1.61 ± 2.18) بوده است و تفاوت معنی داری بین جنسیت مشاهده گردید ($p = 0.001$).

میانگین نمره عملکرد دانش آموزان در خصوص رفتارهای بهداشت دهان و دندان 0.485 ± 0.761 بود.

در این مطالعه بین رفتارهای بهداشتی دهان و دندان با حساسیت درک شده $(r = 0.175, p < 0.001)$ ، شدت درک شده $(r = 0.175, p < 0.001)$ و خود کار آمدی $(r = 0.226, p < 0.001)$ ارتباط و همبستگی معنی داری وجود داشت. بین موانع درک شده در خصوص انجام رفتارهای مراقبت بهداشت دهان و دندان و عملکرد در این زمینه ارتباط معکوس مشاهده گردید $(r = -0.271, p < 0.001)$.

نتیجه گیری: در این مطالعه بین متغیرهای مدل اعتقاد بهداشتی با رفتارهای بهداشتی دهان و دندان ارتباط معنی داری وجود داشت. بنابراین مداخلات آموزشی مناسب با استفاده از تئوری ها و مدل ها از جمله مدل اعتقاد بهداشتی پیشنهاد می گردد تا باعث افزایش آگاهی و عملکرد آنان نسبت به رفتارهای پیشگیری از پوسیدگی دندان و بهداشت دهان و دندان در این گروه گردد.

کلید واژه: رفتارهای بهداشتی دهان و دندان، مدل اعتقاد بهداشتی، دانش آموزان، بهبهان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل تعیین کننده رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

مقدمه: بسیاری از مشکلات سلامت و بیماری‌ها و مرگ و میر ناشی از آن که امروزه در بیشتر کشورهای در حال توسعه رایج هستند، با تغییرات در شیوه زندگی افراد همراه هستند و نتیجه رفتار و شیوه زندگی آنها می‌باشند. در حالی که بیماری‌های غیر واگیر به عنوان یک چالش ناشی از شیوه زندگی غیر سالم در کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند. کشورهای در حال توسعه نیز به طور فزاینده‌ای درگیر مشکلات ناشی از این بیماری‌ها هستند. هدف از این مطالعه بررسی و شناسایی عوامل تعیین کننده رفتارهای شیوه زندگی ارتقاء دهنده سلامت در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گیلان بوده است.

روش بررسی: این مطالعه تحلیلی مقطعی به منظور بررسی سبک زندگی مرتبط با سلامت ۲۴۴ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۳ انجام شد. روش کار شامل نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی، تکمیل پرسشنامه مشخصات فردی و پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت پروفایل دو است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۰ و به کمک آزمون آماری مجذور کای، من ویتنی، کروسکال والیس، پیرسون و رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره کلی رفتارهای سبک زندگی سالم در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی رشت برابر با $5/20 \pm 137/82$ بود. از بین حیطه‌های سبک زندگی، فعالیت بدنی و مدیریت استرس، کمترین نمره را کسب کردند. نمره پایین‌تر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت با شاخص توده بدنی ارتباط آماری معنی داری و معکوس داشت. جنس و تحصیلات نیز ارتباط معناداری با سطح فعالیت بدنی نشان داد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: افزایش فعالیت‌های جسمانی و مدیریت استرس برای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گیلان می‌تواند شیوه زندگی آنها را به سمت زندگی سالم‌تر تغییر دهد. این برنامه ریزی باید در اسرع وقت توسط سیاست‌گذاران مربوطه در نظر گرفته شود.

کلیدواژه: ارتقاء سلامت، سبک زندگی، کارکنان سلامت

فاطمه استصاری

استادیار، متخصص آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

فئانه بخشی

* استادیار، متخصص آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول: ۰۱۳۳۳۸۴۹۴۱۳

Email: f.bakhshi@gums.ac.ir

شادمان نعمتی

استاد، فلوشیپ نورو اتولارنگولوژی، مرکز تحقیقات بیماری‌های بینایی-سنوس، گوش و قاعده جمجمه، گروه گوش، گلو، بینی و جراحی سرو گردن، بیمارستان امیرالمومنین (ع)، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

احسان کاظم نژاد لیلی

دانشیار، متخصص آمار حیاتی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

هدیه رضانی

کارشناس ارشد علوم تغذیه، مرکز تحقیقات بیماری‌های بینایی-سنوس، گوش و قاعده جمجمه، گروه گوش، گلو، بینی و جراحی سرو گردن، بیمارستان امیرالمومنین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

رویا صادقی

دانشیار، متخصص آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



قدرت پیشگویی کنندگی سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده در رفتارهای پیشگیری از ایدز در دانشجویان

الناز اشرفی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز آموزشی درمانی الزهرا، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

پریسا کسمایی

* استادیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۳۳۲۱۸۳
Email: parisa_kasmaei@gums.ac.ir

فریدین مهربان

دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

سعید امیدی

مری اپیدمیولوژی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

فتانه بخشی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

کتایون هریالچی

دانشیار بیهوشی، گروه بیهوشی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نوشین روحانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه: ایدز یکی از مهمترین مشکلات سلامت در کل جهان بوده، فاقد واکسن و درمان اساسی است. بر اساس پیش بینی سازمان جهانی بهداشت، ایران یکی از پرخطرترین کشورهای دنیا در زمینه آلودگی به ایدز شناخته شده است. با وجود آن که تعداد قابل توجهی از مردم از مخاطرات این بیماری آگاه هستند، از انجام رفتارهای پیشگیری کننده غفلت میورزند که می تواند به دلیل پیچیده بودن ماهیت نگرش ها و باورها و رابطه آنها با رفتارهای بهداشتی باشد. این مطالعه با هدف تعیین قدرت پیشگویی کنندگی سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده در رفتارهای پیشگیری از ایدز دانشجویان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه تحلیلی مقطعی بر روی ۱۰۴ نفر از دانشجویان سال اول دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شد. نمونه گیری به روش سرشماری صورت گرفت. به منظور جمع آوری داده ها از یک پرسشنامه روا و پایا شامل مشخصات دموگرافیک و سوالات سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده استفاده شد. ارتباط بین متغیرها با آمار توصیفی و آزمون رگرسیون لجستیک در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ بررسی و $P > 0.05$ معنادار تلقی شد.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان 19.48 ± 1.03 و $85/6$ درصد آنها دختر بودند. نتایج تحلیل رگرسیون مشخص نمود که سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده 28 درصد واریانس رفتارهای پیشگیری از ایدز را پیش بینی می کند و بهترین پیشگویی کننده، سازه قصد رفتاری است (ضریب 0.37 ، خطای معیار 0.097 ، $P < 0.0001$). 54% از واریانس قصد رفتاری پیشگیری از ایدز توسط سازه های کنترل رفتاری درک شده و هنجارهای انتزاعی قابل پیشگویی می باشد.

نتیجه گیری: قدرت پیشگویی کنندگی سازه های نظریه رفتار برنامه ریزی شده در رفتارهای پیشگیری از ایدز در دانشجویان مورد مطالعه، بالاست. این نظریه برای مداخلات آموزشی مرتبط، مناسب می باشد.

کلید واژه: نظریه رفتار برنامه ریزی شده، پیشگیری از ایدز، دانشجویان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی رفتارهای تغذیه ای مرتبط با سرطان معده در زنان روستایی شهرستان تالش بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: تغذیه به عنوان اساسی ترین رفتار ارتقا دهنده سلامت نقش مهمی در پیشگیری از انواع سرطان دارد. در بین سرطان ها، سرطان معده یکی از علل شایع مرگ در سراسر جهان است و شیوع بالایی در ایران و به خصوص استان گیلان دارد. هدف از این مطالعه پیش بینی رفتارهای تغذیه ای مرتبط با سرطان معده بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی، در زنان روستایی شهرستان تالش در استان گیلان بود.

روش بررسی: این مطالعه تحلیلی مقطعی در ۲۵۰ نفر از زنان روستایی شهرستان تالش به شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه ای روا و پایا بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی و رفتارهای تغذیه ای مرتبط با سرطان معده صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ و با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و روشهای تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه خطی انجام گرفت.

یافته ها: میانگین سنی زنان شرکت کننده $34/51 \pm 9/16$ سال بود. بر پایه تحلیل رگرسیونی مدل اعتقاد بهداشتی، سازه های موانع درک شده، خودکارآمدی و شدت درک شده به عنوان تعیین کننده های نهایی ۲۸ درصد از رفتارهای تغذیه ای مرتبط با سرطان معده شناخته شدند. مهمترین سازه پیشگو موانع درک شده بود. همبستگی معنی دار متوسط و ماکوس میان خودکارآمدی و موانع درک شده مشاهده شد ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این پژوهش، در طراحی برنامه های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت برای پیشگیری از سرطان معده در جمعیت حاضر ضروری است، کاهش موانع درک شده و پس از آن افزایش خودکارآمدی و شدت درک شده مورد توجه ویژه قرار گیرد.

کلید واژه: الگوی اعتقاد بهداشتی، رفتارهای تغذیه ای، سرطان معده، زنان

انور شیلان

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد آموزش بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

پریسا کسمایی

* استادیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.
نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۳۳۳۲۱۸۳
Email: paris_a_Kasmaei@gums.ac.ir

ربیع اله فرمانبر

دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

مریم شکیبا

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بیماریهای قلب و عروق، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

مرجان مهدوی روشن

استادیار تغذیه، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

فتانه بخشی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

ایرج ضاربان

دانشیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

نوشین روحانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای پیشگیری کننده از تب مالت در بین زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر همدان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی

یداله فتحی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

رضوان شایگان زاهد

کارشناس بهداشت عمومی، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مرجان بختیاری

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مجید براتی

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۸۸۱۵۷۵۴۸

barati@umsha.ac.ir

چکیده

مقدمه: تب مالت شایع ترین بیماری مشترک بین انسان و دام است و کشورهای بسیاری را دچار خسارات اقتصادی و مخاطرات بهداشتی کرده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل مرتبط با رفتارهای پیشگیری کننده از تب مالت در بین زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر همدان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی بود که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۸۹ نفر از خانم های مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهر همدان که به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند، انجام گردید. پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، آگاهی و سازه های مدل اعتقاد بهداشتی بود. داده های جمع آوری شده با نرم افزار SPSS و با آزمون های آماری آزمون های تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: آزمودنی ها به ترتیب ۵۵/۰۹، ۶۱/۶۶، ۶۵/۸۲، ۵۵/۰۴، ۴۷/۲۵، ۶۵/۹، ۶۹/۷۹ و ۷۴/۸ درصد نمرات قابل اکتساب برای آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، موانع درک شده، خودکارآمدی، راهنمای عمل و چک لیست رفتاری را به دست آوردند. نتایج پژوهش نشان داد که از بین متغیرهای مدل اعتقاد بهداشتی، خودکارآمدی، آگاهی و راهنمای عمل مهم ترین فاکتورهای پیشگویی کننده رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری تب مالت بوده اند.

نتیجه گیری: چارچوب مدل اعتقاد بهداشتی در پیش بینی رفتارهای پیشگیری از بروسلوز مفید است. بنابراین، طراحی و اجرای مداخلات بر اساس نتایج این مطالعه ممکن است در ارتقای این رفتارها در میان زنان شهری موثر باشد.

کلید واژه: تب مالت، مدل اعتقاد بهداشتی، لابیات محلی، رفتارهای پیشگیری کننده

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت با سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در زنان شهرستان جوین

چکیده

مقدمه: سواد سلامتی میزان ظرفیت هر فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامتی است که برای تصمیم گیری متناسب لازم میباشد. هدف از این مطالعه بررسی سطح سواد سلامت و تعیین ارتباط میان سواد سلامت و سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در زنان همسر دار شهرستان جوین انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای تصادفی، بر روی ۳۰۰ نفر از زنان ۲۵ تا ۴۰ سال در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه «سواد سلامت عملکردی در بالغین» و «پرسشنامه سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت» بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از spss-۲۱ استفاده گردید.

یافته ها: میانگین سنی آزمودنیها $30/28 \pm 8/41$ سال بود. ۱۷ درصد از افراد مورد مطالعه سواد ابتدایی و ۳۴ درصد دارای دیپلم و یا تحصیلات دانشگاهی بودند. ۲۱/۱ درصد از افراد مورد مطالعه سواد سلامتی در حد کافی، ۲۴ درصد سواد سلامتی مرزی و ۵۴/۹ درصد سواد سلامتی ناکافی داشتند. بر اساس یافته ها سطح سواد سلامت با تغذیه ($r = -0/43, < 0/05$) و با فعالیت فیزیکی ($r = -0/60, < 0/05$) رابطه آماری معنی داری داشت ولی با سایر عوامل مرتبط با سبک زندگی سالم رابطه آماری معنی داری نشان نداد.

نتیجه گیری: سطح سواد عملکردی اکثریت زنان تحت مطالعه حاضر کافی نمی باشد. اما با توجه به میزان تأثیر سطح سواد سلامت بر سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت، و اینکه طبق نتایج مطالعه حاضر با افزایش سطح سواد سلامت، وضعیت تغذیه مناسب تر و فعالیت فیزیکی افراد بیشتر و دریافت مراقبت در بین این افراد نیز بیشتر می گردد. لذا لازم است در برنامه ریزی و سیاست گذاری های کلان اقتصادی _ اجتماعی و بهداشتی این نکته مدنظر قرار بگیرد، باشد که شاهد ارتقا سواد سلامت و سبک زندگی سالم در جامعه باشیم.

کلید واژه: سواد سلامت، سبک زندگی، زنان، جوین

داود موحدزاده

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

روح اله برقیانی

* کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان جوین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۵۱۴۵۲۲۰۶۹۰
email: rborghabani@yahoo.com

هادی عزیززاده سیوکی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

علیرضا جعفری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مهدی جلمبادانی

کارشناس مدارک پزشکی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان جوین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر برنامه آموزشی در کنترل قند خون بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ بر اساس مدل بزنف

موحذزاده داود

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش
بهاشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران

برقیانی روح اله

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، شبکه بهداشت و درمان
شهرستان جویین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار،
ایران. نویسنده مسئول؛ شماره تماس: ۰۵۱۴۵۲۲۰۶۹۰
email: rborghabani@yahoo.com

جعفری علیرضا

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش
بهاشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران

سنایی فر علی

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، شبکه
بهداشت و درمان شهرستان جویین، دانشگاه علوم پزشکی
سبزوار، سبزوار، ایران

کوشکی داود

دکتری عمومی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان
جویین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

چکیده

مقدمه: انجام مطالعه و برنامه مداخله آموزش برای تغییر رفتارها در جهت پیشگیری از ابتلا به عوارض بیماری دیابت ضروری است. این مطالعه با هدف اثربخشی آموزش مبتنی بر الگوی بزنف در ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری دیابت در بین مبتلایان به دیابت تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان جویین طراحی و اجرا شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه ای مداخله ای در سال ۹۶ انجام شد. ۹۰ نفر از بیماران دیابت نوع ۲ با سن ۳۵-۶۵ سال و با سابقه ابتلا به دیابت بالای ۵ سال از کل مراکز بهداشتی و درمانی جویین بصورت تصادفی - خوشه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه تنظیم شده بر اساس مدل بزنف، چک لیست برای ثبت عملکرد بیماران بر اساس خود گزارش دهی، میزان قندخون بیماران بود. قبل از انجام مداخله آموزشی، چک لیست برای ثبت قندخون و پرسشنامه برای هر دو گروه تکمیل و بیماران گروه مورد در ۵ جلسه به مدت ۱ ماه برنامه آموزشی دریافت کردند. بلافاصله پس از مداخله و ۳ ماه بعد از مداخله آموزشی، هر دو گروه شاهد و مورد پرسشنامه و چک لیست مربوطه را تکمیل کردند. **یافته‌ها:** میانگین تغییرات نمرات مربوط به سازه های الگوی بزنف (شامل اعتقادات، نگرش و معمول‌های انتزاعی و عوامل قادر کننده) در دو گروه مورد و شاهد در خصوص کنترل قند خون قبل و بعد از مداخله آموزشی اختلاف معنی‌داری وجود دارد. همچنین گروه مورد نسبت به گروه شاهد عملکرد بهتری در خصوص انجام رفتارهای کنترل کننده قندخون بلافاصله و ۳ ماه بعد از پایان برنامه آموزشی داشت به طوری که میزان قند خون (از ۲۱۵ قبل از مداخله به ۱۴۰، ۳ ماه پس از مداخله آموزشی) آنها نیز کاهش چشمگیری داشت که از نظر آماری معنی‌دار بود.

نتیجه گیری: یافته های این بررسی نشان داد که برنامه آموزشی بر اساس الگوی بزنف، همه جنبه های لازم جهت ایجاد تغییر و ماندگاری رفتار آموزشی را دارد. تدوین برنامه آموزشی بیماران دیابتی برای کنترل قندخون با استفاده از الگوهای آموزشی بسیار سودمند و اثربخش است. ضمن این که در اجرای این برنامه‌ها کنترل، پایش و پیگیری آموزشی توصیه می‌شود.

کلید واژه: دیابت، مدل بزنف، قند خون.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت بیماران بستری در بیمارستان قمر بنی هاشم(ع) شهرستان جوین

چکیده

مقدمه: سواد سلامت را می توان به صورت توانایی خواندن، درک کردن و عمل کردن بر اساس توصیه های بهداشتی و سلامتی تعریف نمود. افراد با سواد سلامت ناکافی، با احتمال کمتری اطلاعات نوشتاری و گفتاری ارایه شده توسط متخصصان سلامتی را درک می کنند و به دستورات داده شده توسط آنها عمل می کنند. همچنین وضعیت سلامتی ضعیف تری دارند و هزینه های پزشکی بیشتری را متحمل می شوند. از این رو هدف از این مطالعه، تعیین وضعیت سواد سلامت بیماران بستری در بیمارستان قمر بنی هاشم(ع) شهرستان جوین در سال ۱۳۹۶ بوده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع کاربردی به روش توصیفی تحلیلی است. جامعه ی مورد پژوهش، کلیه بیماران بستری شده در بیمارستان قمر بنی هاشم(ع) شهرستان جوین در سال ۱۳۹۶ می باشد. نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شد و با در نظر گرفتن جامعه ی پژوهش تعداد ۳۳۰ نفر به عنوان نمونه تعیین گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ی سواد سلامت عملکردی در بزرگسالان بود. داده ها به روش پرسشگری بر بالین بیماران جمع آوری و با نرم افزار SPSS ۲۱ در سطح توصیفی (توزیع درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون t مستقل، آزمون واریانس یک طرفه و آزمون همبستگی پیرسون و همبستگی اسپیرمن) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: اغلب بیماران بررسی شده دارای سواد سلامت ناکافی و مرزی بودند. میانگین نمره ی سواد سلامت بیماران مورد بررسی در حیطه ی محاسبات، در حیطه ی درک خواندن تقریباً ناکافی بود. بین متغیرسن با نمره ی سواد سلامت رابطه ی معکوس و بین سطح تحصیلات و نمره ی سواد سلامت رابطه ی مستقیم وجود داشت. بین متغیرهای جنس، درآمد با سطح سواد سلامت رابطه ی معنی داری وجود نداشته، درحالی که بین شغل بیماران و سواد سلامت رابطه ی معنی داری وجود داشته است به نحوی که افراد خانه دار و بازنشسته و کارگران دارای سواد سلامت کمتری بوده اند.

نتیجه گیری: اغلب بیماران مورد بررسی دارای سواد سلامت ناکافی و حاشیه ای بوده اند. این بیماران برای فهم و به کاربردن اطلاعات بهداشتی نیاز به توضیحات بیشتر دارند و لازم است زمان بیشتری را صرف برقراری ارتباط با کادر درمانی خود جهت کسب اطلاعات به زبان ساده تر و قابل فهم تر نمایند. از این رو با تدوین برنامه های جامع، ایجاد رسانه ها و مواد آموزشی ساده و قابل فهم و همچنین مداخلات آموزشی کارآمد برای افراد با سواد سلامت ناکافی می توان گامی موثر برای توسعه مهارت های سواد سلامت و ارتقای سلامت در جامعه برداشت.

کلید واژه: سواد سلامت، بیماران بستری، بیمارستان قمر بنی هاشم

داود موحدزاده

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
کارشناس ارشد آموزش سلامت، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زهرا کیوانلو

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

سمیه کریمی مقدم

کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، سبزوار، ایران

روح اله برقیانی

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان جوین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۵۱۴۵۲۲۰۶۹۰
email: rborghabani@yahoo.com

سعید مهران پور

پزشک عمومی، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر توسل به دعا در بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی

نسترن برمکی

۱. دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
تبریز، تهران، ایران

فاطمه محمدخواه

۱. دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
تبریز، تهران، ایران

سارا جعفریان

۱. دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
تبریز، تهران، ایران

علی حاجی پور طالبی

* دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا،
تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۰۲۴۳۸۵۲۳

Email: alihajipour1375@gmail.com

چکیده

مقدمه: سرطان یکی از بیماری‌های مزمن و غیر واگیر است که مواجهه با این بیماری باعث ایجاد بحران در ابعاد جسمی، روانی و معنوی می‌شود. طبیعت تهدیدکننده سرطان، باعث می‌شود نیازهای معنوی بیماران به طور چشمگیری افزایش یابد. به این صورت که سلامت معنوی یکی از ملزومات، جهت سازگاری با بیماری سرطان است، که دعا کردن می‌تواند منبع مقاومت در برابر این بحران بویژه در بعد معنوی گردد. و هدف از مطالعه حاضر بررسی رابطه توسل به دعا و سلامت معنوی بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی است.

روش بررسی: مطالعه حاضر بصورت مروری نظامند با جستجوی وسیع پایگاه‌های اینترنتی، pubmed، ISC، SID، Google scholar، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. و برای جستجو از زبان ورودی فارسی و انگلیسی استفاده شد و محدوده زمانی برای انتخاب مقالات در نظر گرفته نشد. مقالات یافت شده، که در حدود ۱۴۰ مقاله بودند، که از این میان حدود ۱۰۵ مقاله وارد مطالعه شدند و سپس این مقالات از نظر عنوان، چکیده و متن کامل مورد ارزیابی قرار گرفتند و پس از حذف موارد تکراری و نامرتب، حدود ۸۲ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردیده شد. **یافته‌ها:** نتایج حاصل نشان داد که دعا کردن در بیماران مبتلا به سرطان اجازه می‌دهد بیماران ارتباط نزدیکی با خدا داشته باشند. که به نوبه خود می‌تواند زمینه ساز تقویت سلامت معنوی آن‌ها شود که در این حالت بیمار به طور موثر می‌تواند با بیماری خود سازگار شود و حتی مراحل شیمی درمانی خود را نیز را به خوبی بگذرانند.

نتیجه گیری: مطالعات صورت گرفته بیانگر آن بود که توسل به دعا و نیایش موجب بهبود کیفیت زندگی، حمایت از درمان بیماری و سازگاری با آن، تقویت سیستم ایمنی و بهبود هماهنگی فیزیکی و سلامت معنوی در بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی می‌باشد.

کلید واژه: دعا، سرطان، سلامت معنوی، شیمی درمانی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



توسعه و ارزشیابی روانسنجی یک ابزار جدید برای بازاریابی صبحانه و میان وعده سالم در میان نوجوانان

چکیده

مقدمه: مصرف میان وعده های کم ارزش به جای صبحانه مناسب بطور شایعی در میان نوجوانان در حال افزایش است. انتظار می رود با استفاده از استراتژی ۴ پی مدل^۱ بازاریابی اجتماعی بتوان فاکتورهای موثر بر مصرف صبحانه و میان وعده سالم را بهتر شناسایی کرد. هدف این مطالعه توسعه و ارزشیابی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه مصرف صبحانه و میان وعده سالم با استفاده از مدل بازاریابی اجتماعی بود.

روش بررسی: یک مطالعه مقطعی توصیفی بود که در سال ۱۳۹۶ اجرا شد. در ابتدا یک پرسشنامه با استفاده از نتایج یک پژوهش کیفی بر مبنای مدل بازاریابی اجتماعی توسعه یافت. سپس روایی صوری، محتوایی و سازه و همچنین پایایی آن مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بر روی یک نمونه تصادفی ۳۰۰ دانش آموز در ۵ مدرسه دخترانه در اصفهان با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای اجرا شد. تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از متد استخراج عوامل اصلی و چرخش واریماکس با ارزش ویژه بالاتر از یک انجام شد.

یافته ها: یک ساختار ۴ عاملی که ۶۱/۷۳ درصد از واریانس کل مصرف صبحانه سالم را تبیین نمود که شامل ترجیحات محدود کننده صبحانه و میان وعده سالم، آمادگی برای پرداخت هزینه ها، ترجیحات مکانی و ترجیحات کانالهای ارتباطی بود. آیتم های با نمره تاثیر کمتر از یک حذف شدند. علاوه بر این آیتم های با نمره نسبت روایی محتوایی کمتر از ۰/۶۲ و نمره روایی شاخص محتوایی کمتر از ۰/۷۹ حذف شدند. ارزش معیارهای کایزر مایر الکین $\chi^2 = ۲۳۵۳,۶۲۲$ (P value > ۰,۰۰۱) و نمره آلفا کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۱ و چهار بعد آن بین ۰/۷۲-۰/۵۶ بود.

نتیجه گیری: روایی و پایایی پرسشنامه قابل قبول بود. مسئولان مدرسه و مراقبان سلامت می توانند با استفاده از این پرسشنامه به غربالگری نوجوانان در معرض خطر مصرف میان وعده های ناسالم بپردازند. همچنین این پرسشنامه ممکن است به عنوان یک چارچوب به منظور ارزیابی، اجرا و ارتقاء رفتارهای خوردن سالم در میان دانش آموزان مورد استفاده قرار بگیرد.

کلید واژه: نوجوانان، صبحانه، روانسنجی، مدل بازاریابی اجتماعی، میان وعده

فاطمه بستامی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان . نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۶۳۹۸۸۵۸۲

Email: fatemeh2011bastami@gmail.com

فیروزه مصطفوی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

فرشته زمانی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

مرضیه عربان

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، اهواز

باقر احمدی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

محمد حیدری

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، لرستان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



فاکتورهای مرتبط با مصرف میان وعده ها در مدرسه در میان دانش آموزان: یک پژوهش کیفی

فاطمه بستامی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۶۳۹۸۸۵۸۲
Email: fatemeh2011bastami@gmail.com

فیروزه مصطفوی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

فیروزه زمانی علویجه

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

مرضیه عربان

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، اهواز

باقر احمدی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، اصفهان

محمد حیدری

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، لرستان

چکیده

مقدمه: مصرف زیاد میان وعده های کم ارزش و فست فودها در بین نوجوانان رو به افزایش است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر مصرف میان وعده ها در دانش آموزان انجام شد. **روش بررسی:** یک تحقیق کیفی توصیفی در ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه مقطع متوسطه اصفهان، تهران و خرم آباد در سال ۹۶ انجام شد. داده ها از طریق ۴ بحث گروهی متمرکز و ۴۲ مصاحبه عمیق فردی نیمه ساختاریافته با دانش آموزان (دختر و پسر)، اولیا و مربیان جمع آوری شدند و همزمان در سه مرحله آماده سازی، سازماندهی و گزارش دهی به روش تحلیل محتوا قرار دادی تحلیل شد. درگیری طولانی مدت، حداکثر تنوع نمونه گیری و کنترل مشارکت کنندگان فاکتورهای غنی کننده پژوهش بودند. **یافته ها:** فاکتورهای پشت مصرف میان دانش آموزان در دو طبقه اصلی شامل رفتارهای تاثیر گذار و هیجانات و ادراکات تاثیر گذار قرار گرفتند. رفتارهای تاثیر گذار شامل رفتار دانش آموزان و رفتار خانواده ها، همسالان، مسئولان مدرسه و فروشندگان مواد غذایی بودند. علاوه بر این هیجانات و ادراکات تاثیر گذار شامل احساسات مثبت و منفی نسبت به میان وعده های سالم، ترس از پیامدهای میان وعده های ناسالم و پیامدهای مثبت درک شده ی میان وعده های سالم بود. **نتیجه گیری:** مصرف میان وعده دانش آموزان در مدرسه نه تنها توسط رفتارها و ادراکات خودشان همچنین بوسیله رفتار دیگران مهم و فاکتورهای محیطی تحت تاثیر قرار می گیرد. مسئولان مدرسه لازم است که با ایجاد اصلاحاتی در محیط مدرسه، آن را به یک مکان جذاب برای مصرف میان وعده های سالم تبدیل کنند و مصرف میان وعده سالم را به یک تجربه خوشایند تبدیل کنند.

کلید واژه: میان وعده ها، دانش آموزان، پژوهش کیفی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش سواد سلامت در شکل‌گیری رفتارهای سلامت نوجوانان: بررسی مروری

چکیده

مقدمه: امروزه با پیشرفت علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات، توجه به موضوع سواد سلامت اهمیت بسیاری یافته است. سواد سلامت به این معنی است که "افراد بتوانند اطلاعات سلامت را کسب، مدیریت و درک کنند و آن اطلاعات را در جهت تصمیم‌گیری برای حفظ سلامت خود به کار گیرند". یکی از دوران بسیار حساس در زندگی افراد بشر، دوران نوجوانی است. در این دوران، افراد نوجوان رفتارهایی از خود بروز می‌کنند که سلامت جسمانی و روانی زندگی آینده آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اتخاذ تصمیم درست و هوشمندانه برای حفظ سلامت فردی، مستلزم داشتن سواد سلامت می‌باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، نقش سواد سلامت در شکل‌گیری رفتارهای سلامت نوجوانان بود.

روش بررسی: این پژوهش به صورت مروری در سال ۱۳۹۷ و از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر از قبیل Google Scholar، Scopus، ScienceDirect، PubMed، Web of Science و با کلیدواژه‌های "Health literacy"، "Adolescents"، "Health risk behaviors"، "Health knowledge" و "Health behaviors" انجام شد. در نهایت ۵۷ مقاله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ پیدا شد که پس از بررسی عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها، ۲۵ مقاله انتخاب گردید. سپس مقالات توسط پژوهشگران به منظور تحلیل، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که، سواد سلامت نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری رفتارهای سلامت در نوجوانان دارد. سن، جنس، سطح تحصیلات فرد، سطح درآمد و تحصیلات خانواده از عوامل بسیار مهم در سواد سلامت نوجوانان می‌باشد. بالا بودن سطح سواد سلامت در دوران نوجوانی، کمک شایانی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سلامت فردی می‌کند و سواد سلامت خانواده می‌تواند نقش به‌سزایی در سواد سلامت فرد و شکل‌گیری رفتار وی داشته باشد. یافته‌های برخی از مطالعات نشان داد که پایین بودن سطح سواد سلامت نوجوانان می‌تواند منجر به اعتیاد به سیگار و مواد مخدر، عدم تغذیه مناسب، عدم فعالیت فیزیکی کافی، فعالیت‌های جنسی پرخطر و مصرف مشروبات الکلی در دوران نوجوانی شود که این رفتارها در دوران نوجوانی، سلامت جسمانی و روانی فرد را در دوران جوانی، بزرگسالی و کهنسالی تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش کیفیت زندگی و افزایش بروز بیماری‌ها در طول زندگی فرد می‌شود و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری: اکثر رفتارهای پرخطر مرتبط با سلامت فردی در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد. لذا باید با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب، دانش، آگاهی و سطح سواد سلامت نوجوانان را افزایش داد که این امر منجر به افزایش کیفیت زندگی آینده افراد و طول عمر آنان می‌گردد و از طریق آن، از بروز بیماری‌های گوناگون پیشگیری و سطح سلامت جامعه ارتقاء می‌یابد.

کلیدواژه: سواد سلامت، نوجوانان، ارتقا سلامت، رفتارهای سلامت.

خلیل کیمیافر

دکترای تخصصی مدیریت اطلاعات سلامت، استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

معصومه سرباز

دکترای تخصصی انفورماتیک پزشکی، استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فرشته منوچهری منز

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

علیرضا بنای یزدی پور

* کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

bannaya961@mums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد برنامه های تلفن همراه در ارتقای سطح سواد سلامت افراد جامعه

علیرضا بنای یزدی پور

* کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول:
bannaya961@mums.ac.ir

فرشته منوچهری منزله

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و
فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات می توان به راحتی سطح سواد سلامت افراد جامعه را ارتقا داد. سواد سلامت به این معنی است که «افراد بتوانند اطلاعات سلامت را کسب، مدیریت و درک کنند و آن اطلاعات را در جهت تصمیم گیری برای حفظ سلامت خود به کار گیرند». یکی از فناوری های که می توان در این حوزه به کار برد، برنامه های تلفن همراه می باشد. استفاده از این برنامه ها دستیابی به اطلاعات سلامت را تسهیل کرده و می توانند سواد سلامت افراد جامعه را ارتقا دهند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، کاربرد برنامه های تلفن همراه در ارتقای سطح سواد سلامت افراد جامعه بود.

روش بررسی: این پژوهش به صورت مروری در سال ۱۳۹۷ و از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر از قبیل Google Scholar, Scopus, ScienceDirect, PubMed, Web of Science و با کلیدواژه های "Health literacy", "Mobile", "Mobile Application", "Health knowledge" و "Health literacy" انجام شد. در نهایت ۲۷ مقاله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ پیدا شد که پس از بررسی عنوان، چکیده و کلیدواژه ها، ۱۲ مقاله انتخاب گردید. سپس مقالات توسط پژوهشگران به منظور تحلیل، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش حاضر نشان داد که، برنامه های تلفن همراه، نقشی بسیار مهمی در سطح سواد سلامت افراد جامعه دارد و باعث توانمندسازی آنها برای پیشگیری و درمان بیماریها می شود که این امر منجر به ارتقای سطح سلامت جامعه می گردد. سن، جنس، سطح تحصیلات و سطح درآمد فرد جزء عوامل بسیار مهم در سواد سلامت فردی می باشد. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که نرم افزارهای تلفن همراه می تواند به راحتی در هر زمان و هر مکانی اطلاعات مرتبط با سلامت را در اختیار افراد قرار دهند که این امر در توانمندسازی افراد جامعه برای خود مراقبتی و خود مدیریتی بیماریها نقش به سزایی دارد. به کمک نرم افزارهای تبدیل متن به گفتار می توان اطلاعات سلامت متنی را به شنیداری تبدیل کرد و افرادی که سواد لازم را ندارند و یا به دلیل ناتوانی های جسمی قادر به خواندن نیستند، به ارتقای سطح سواد سلامت آنها کمک کرد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه پایین بودن سطح سواد سلامت افراد منجر به گسترش بیماریها می شود و هزینه های اضافی را به سیستم بهداشت و درمان کشور وارد می نماید لذا لازم است تا با برنامه ریزی و سیاست گذاری های مناسب، دانش، آگاهی و سطح سواد سلامت افراد جامعه را افزایش داد که این امر منجر به افزایش کیفیت زندگی آنان می گردد و از طریق آن، از بروز بیماری های گوناگون پیشگیری و سطح سلامت جامعه ارتقاء می یابد.

کلید واژه: سواد سلامت، برنامه های تلفن همراه، ارتقا سلامت، سلامت همراه.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رفتارهای پرخطر و کیفیت زندگی زنان معتاد تحت پوشش مراکز ترک اعتیاد شهر همدان

چکیده

مقدمه: اعتیاد به مواد مخدر یکی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شایع است که از مصرف غیر طبیعی و غیر مجاز مواد اعتیادآور ناشی می‌شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوع رفتارهای پرخطر و کیفیت زندگی زنان معتاد تحت پوشش مراکز ترک اعتیاد شهر همدان انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۲۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر همدان، بصورت تمام شماری واحدهای پژوهشی در سال ۱۳۹۷ انجام گردید. ابزارهای جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه وضعیت مصرف مواد اعتیادآور، پرسشنامه کیفیت زندگی (SF-36) و پرسشنامه رفتارهای پرخطر بود که به روش خود گزارش دهی تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از آماره های توصیفی و آزمون های همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک طرفه و کای اسکوتر در نسخه ۱۸ نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

یافته‌ها: رایج ترین مواد مخدر مصرفی در یک ماه اخیر در بین شرکت کنندگان در مطالعه شامل شیشه، متادون و هروئین به ترتیب با ۵۳/۳ درصد، ۲۰/۸ درصد و ۱۲/۵ درصد بود. همچنین ۴۳/۳ درصد از معتادین الگوی زمانی مصرف مواد مخدر خود را بیش از ۳ بار در هفته گزارش نمودند. وضعیت کیفیت زندگی و رفتارهای پرخطر شرکت کنندگان در مطالعه به ترتیب با ۵۱/۲ درصد و ۴۷/۹ درصد در سطح نامطلوبی ارزیابی گردید. طبق نتایج اختلاف معنی داری در میانگین نمره کیفیت زندگی مصرف کنندگان سیگار، تریاک، شیشه و متادون با دیگر معتادین مشاهده شد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: تمامی برنامه های مداخلاتی و ارتقایی در زمینه پیشگیری از اعتیاد، کیفیت زندگی و کاهش رفتار پرخطر برای زنان علاوه بر رویکرد فردی همراه با رویکردهای اکولوژیک و سیاست گذاری و مبتنی بر مدارس به اجراء گذاشته شود تا حداکثر اثربخشی محقق گردد.

کلید واژه: سوء مصرف، زنان، کیفیت زندگی، رفتار پرخطر

هانیه جورمند

دانشجوی دکترا (مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران)

خدیجه بنده الهی

دانشجوی کارشناسی ارشد (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی، بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران)

طاهره نوع پسند

دانشجوی کارشناسی ارشد (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی، بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران)

مجید براتی

* استادیار (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران). نویسنده مسئول: ۰۸۱۳۸۳۸۰۰۹۰

barati@umsha.ac.ir

امیر کشاورزی

استادیار (روانپزشکی، گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مادران بر رفتارهای پیشگیری از مسمومیت های کودکان زیر پنج سال آنها، با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی

فروزان رضا پور شاه کلانی

دانشیار ارتقاء سلامت با گرایش ارتقاء ایمنی و پیشگیری از صدمات، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

خدیجه بنده الهی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۳۳۳۱۵۹۰۵۹

bandehalahi@gmail.com

اکرم کریمی شاهنجرینی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مریم فرهادیان

استادیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات مدل سازی بیماری های غیر واگیر دار، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: مسمومیت یکی از عمده ترین مشکلات بهداشت عمومی و از شایع ترین علل مراجعه به اورژانس ها است. کودکان در برابر مسمومیت بسیار آسیب پذیر می باشند. بنا براین مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش مادران بر رفتارهای پیشگیری از مسمومیت های کودکان زیر پنج سال آنها، با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی طراحی و اجرا شد.

روش بررسی: در این مطالعه تجربی که در سال ۱۳۹۶ انجام شد، ۱۲۰ نفر از مادران دارای کودک زیر ۵ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان همدان، که به صورت تصادفی به دو گروه مداخله (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) تقسیم شدند. انجام گردید. بدین منظور ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه مشتمل بر سوالات مربوط به ویژگی های دموگرافیک و سازه های مربوط به مدل اعتقاد بهداشتی بود. برنامه آموزشی شامل ۳ جلسه آموزشی و ۱ جلسه یادآور بود. دو گروه مورد مطالعه قبل از مداخله و دو ماه پس از مداخله مورد پیگیری قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نسخه ۲۱ نرم افزار آماری SPSS و با به کارگیری آزمون های کای دو، تی تست، تی زوجی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: قبل از انجام مداخله بین متغیرهای دموگرافیک دو گروه مداخله و کنترل اختلاف آماری معناداری دیده نشد. بعد از مداخله آموزشی، اختلاف آماری معنی داری بین میانگین نمرات سازه های آگاهی ($P < 0.001$)، منافع درک شده ($P < 0.001$)، راهنما برای عمل ($P < 0.015$)، خودکارآمدی ($P < 0.001$) و رفتار ($P < 0.001$) در بین دو گروه مداخله و کنترل مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد مدل اعتقاد بهداشتی به منظور بهبود معنادار رفتار مادران در خصوص پیشگیری از ایجاد مسمومیت در فرزندان زیر ۵ سال موثر بوده و می تواند جهت طراحی مداخلات آموزشی مرتبط مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: آسیبهای غیر عمدی، پیشگیری از آسیب، ارتقاء سلامت، آموزش سلامت، مداخله آموزشی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثر مداخله مبتنی بر الگوی پندر بر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در سالمندان

چکیده

مقدمه: در سال ۲۰۲۵ تعداد سالمندان جهان به حدود ۱/۲ میلیارد نفر خواهد رسید که ۵۹ درصد آنان مربوط به کشورهای در حال توسعه خواهند بود. افزایش جمعیت سالمند دارای عوارض و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است. توسعه رفتارهای ارتقای سلامت یکی از راهبردهای مقابله با این پیامدهاست. اتخاذ رفتارهای ارتقاء سلامت شامل: تغذیه سالم، فعالیت جسمانی، مدیریت استرس، ارتباطات بین فردی، رشد معنوی و مسئولیت پذیری در برابر سلامت، موجب افزایش امید به زندگی، بهبود کیفیت زندگی، کاهش میزان بروز و شدت بیماریها و هزینه های مراقبتی در سالمندان می گردد. مدل ارتقا سلامت پندر با تأکید بر توانمندسازی افراد، یک چارچوب مناسب برای برنامه ریزی مداخلات در راستای بهبود رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت فراهم می نماید. مطالعه حاضر با هدف تعیین اثر مداخله مبتنی بر الگوی پندر بر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی مشهد، انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی شاهددار تصادفی به صورت قبل و بعد بر روی ۶۰ سالمند مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر مشهد در سال های ۹۶-۹۷ انجام شد. ابتدا دو مرکز بهداشتی بشلک تصادفی به عنوان گروه آزمون و شاهد تعیین و سپس بصورت مبتنی بر هدف در هر مرکز، ۳۰ سالمند به عنوان واحد پژوهش انتخاب و میزان انجام رفتارهای ارتقا سلامت با پرسشنامه HPLP-II تعیین و سپس، برنامه مداخله طی ۶ جلسه ۴۵ دقیقه ای، بر مبنای ابعاد ۶ گانه رفتارهای ارتقاء سلامت و سازه های مدل پندر، برای گروه آزمون اجرا شد. در جلسات درباره تجربیات و احساسات سالمندان در خصوص رفتارهای سلامتی بحث و منافع و موانع درک شده مشخص، و سعی شد با ایجاد خودکارآمدی مثبت، تعهد انجام رفتار ارتقاء دهنده سلامتی در سالمند شکل بگیرد. ۳ هفته بعد از اتمام مداخله، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، مجدداً با پرسشنامه HPLP-II در دو گروه اندازه گیری و با یکدیگر و با قبل، مقایسه گردید. داده ها با نرم افزار آماري SPSS-۱۶،۵ و آزمون های آماری تی زوجی، تی مستقل و کای دو در سطح ۹۵٪ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: گروه آزمون و شاهد از نظر خصوصیات دموگرافیک تفاوت معنی دار با یکدیگر نداشتند. قبل از مداخله، میزان انجام رفتارهای ارتقا سلامت در گروه آزمون و شاهد به ترتیب ۲۰/۳ و ۲۰/۸ درصد بود. پس از مداخله، این میزان در گروه آزمون به ۷۱/۴٪ رسید. آزمون تی مستقل نشان داد در مرحله بعد از مداخله، رفتارهای ۶ گانه ارتقاء سلامت در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد افزایش معنی دار داشته است. (P=۰/۰۱۲). هم چنین آزمون تی زوجی نشان داد انجام رفتارهای ارتقاء سلامت، در گروه آزمون، بعد از مداخله نسبت به قبل، افزایش معنی دار داشته است (P=۰/۰۲۳).
نتیجه گیری: مدل پندر در ارتقاء رفتارهای ارتقاء سلامت در سالمندان موثر است.

کلید واژه: الگوی پندر، ارتقاء سلامت، سالمندان

حمیدرضا زنده طلب

* دانشجوی دکتری پرستاری، هیات علمی گروه بهداشت دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسوول: ۰۹۱۵۵۷۱۲۵۷۷

zendehtalabhr@mums.ac.ir

هدیه بهروز فر

دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

سمیرا مهاجر

دکترای سالمندشناسی، عضو هیات علمی گروه سالمندی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

حمیدرضا بهنام وشانی

کارشناس ارشد کودکان، عضو هیات علمی گروه کودکان دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین اثر بخشی تشکیل گروه های خودیار در بهبود فعالیت فیزیکی و شاخص تن سنجی کارمندان

فاطمه بهزاد

* واحد آموزش سلامت، مرکز بهداشت شماره ۵
شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: میزان فعالیت جسمانی به عنوان عامل اساسی سبک زندگی سالم، در کارمندان کمتر از حد لازم است. یکی از رویکردهای مهم حمایتی برای بهبود فعالیت فیزیکی تشکیل گروه های خودیار است. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر تشکیل گروه های خودیار در بهبود فعالیت فیزیکی و شاخص تن سنجی کارمندان بود.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی بصورت قبل و بعد بر روی ۱۰۰ نفر از کارمندان مرکز بهداشت شماره ۵ شهرستان که در دو گروه مورد و شاهد قرار گرفتند، انجام شد. بوسیله پرسشنامه محقق ساخته، وضعیت فعالیت فیزیکی کارمندان بررسی شد و نمایه توده بدنی آنها قبل و بعد از مداخله اندازه گیری شد. مداخلات حمایتی در گروه مورد بر اساس مداخلات مبتنی بر تشکیل گروه خودیار به مدت ۳ ماه اجرا شد. سپس افراد گروه مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته ها: دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیکی تفاوت معنی دار با هم نداشتند. قبل از مداخله تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات شدت و نوع فعالیت فیزیکی و شاخص نمایه توده بدنی در دو گروه مشاهده نشد ($p < 0/05$) بعد از مداخله، در میانگین نمرات شدت و نوع فعالیت فیزیکی و نمایه توده بدنی گروه مورد افزایش معنی دار مشاهده شد ($p < 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که مداخله آموزشی مبتنی بر تشکیل گروه های خودیار و به مدت ۹ هفته روی بهبود فعالیت فیزیکی افراد تأثیر داشته است.

کلید واژه: فعالیت فیزیکی، گروه خودیار، کارمندان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان ادراکات و خودکارآمدی دانش آموزان در خصوص حیوان‌گزیدگی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف تعیین میزان ادراکات و خودکارآمدی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی روستایی در خصوص حیوان‌گزیدگی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در مشهد انجام شده است.

روش بررسی: این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای و بوسیله فرمول حجم نمونه، بر روی تعداد ۲۰۶ نفر از دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی روستایی مشهد انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه خواهد بود.

یافته‌ها: ۵۰٪ دانش آموزان بیان داشتند که در مورد حیوان‌گزیدگی آگاهی قبلاً کسب نموده‌اند. آنها بیشترین منبع کسب اطلاعات را والدین ۳۵٫۵٪ بیان کرده‌اند و بیشترین وسیله اطلاع‌رسانی را کتاب و جزوه (۴۰٪) اعلام نموده‌اند. بین اجزای مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان همبستگی معنی‌داری وجود داشت ($p < 0/05$). تنها بین سازه موانع درک شده با خودکارآمدی و فواید درک شده ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد ($p < 0/05$) هر چند که نتایج آزمون همبستگی ارتباط معکوس موانع درک شده با خودکارآمدی و فواید درک شده را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری: جهت ارتقای سطح آگاهی و عمل جهت پیشگیری از حیوان‌گزیدگی بایستی علاوه بر آموزش افزایش حساسیت و جدی بودن عوارض حیوان‌گزیدگی و فواید پیشگیری آن، وضعیت محیطی نیز بهبود یابد و توجه‌ای ویژه به وضعیت ایمنی در محیط زندگی شود.

کلیدواژه: حیوان‌گزیدگی، مدل اعتقاد بهداشتی، دانش آموز

فاطمه بهزاد

* واحد آموزش سلامت، مرکز بهداشت شماره ۵
شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. نویسنده
مسئول: م

email:behzadf1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده ی بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد،



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش، گامی موثر در ارتقاء سواد سلامت بیماران دارای بیماری دارای فشارخون بالا: مصاحبه ای با کارکنان بهداشتی

فاطمه بهزاد

واحد آموزش سلامت، مرکز بهداشت شماره ۵ شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

نوشین پیمان

* گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. نویسنده مسئول:
email:peymann@mums.ac.ir

حبیب ا. اسماعیلی

گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی تقی پور

گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به عنوان یک مهارت عملکردی و مهارت در زمینه های خاص که در برگیرنده مهارت های گفتاری (گوش دادن و سخن گفتن) و نوشتاری (خواندن و نوشتن) است، تعریف می شود. مطالعات نشان می دهد که بیماران در درک اطلاعات بهداشتی که به صورت گفتاری در تعامل بیمار با پزشک وجود دارد، مشکل دارند. ارتباط گفتاری فرصت مناسبی برای تبادل اطلاعات واضح و با کیفیت بین پزشک و بیمار در هر سطح از سواد سلامتی و زبان است. پژوهش حاضر با هدف تبیین پدیده ی سواد سلامت و بیماران فشارخون بالا از دیدگاه کارکنان مراکز بهداشتی شهرستان مشهد انجام شد.

روش بررسی: این یک مطالعه ی کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. شرکت کنندگان از پژوهش حاضر از نوع مطالعه ی کیفی و با روش بحث گروهی متمرکز انجام گرفت. جمع آوری داده ها از راه برگزاری ۴ جلسه بحث گروهی با ۱۲ نفر از کارکنان بهداشتی که به طور مستقیم به بیماران پر فشارخونی در مراکز بهداشتی درمانی ارائه خدمات می دادند، انجام گرفت. تمام بحث های گروهی ضبط و بلافاصله پس از اتمام، مورد تجزیه- تحلیل و دسته بندی قرار گرفتند.

یافته ها: یافته ها نشان دهنده ی اطلاعات ناکافی کارکنان از تعریف سواد سلامتی بود. بطوری که اکثر آنها سواد سلامتی را تنها داشتن آگاهی بهداشتی می دانستند و ادعا داشتند قادر به شناسایی بیماران دارای سواد سلامتی پایین می باشند. با وجود اینکه اکثر آزمودنی ها علم کافی در مورد روش های برقراری ارتباط موثر با بیماران داشتند لیکن ضعف در ارتباط گفتاری را به عواملی مانند وقت ناکافی و تعدد مسئولیت پزشکان ربط می دادند. ۹۶٪ از کارکنان مهمترین عوامل تاثیر گذار بر سواد سلامتی را عوامل محیطی و اقتصادی می دانستند و تنها یک نفر از آنها به تاثیر آموزش کارکنان بهداشتی اشاره نمود. **نتیجه گیری:** با استفاده از روش بحث گروهی و از راه شناخت واقعیت های موجود می توان قدرت برنامه های آموزش بهداشت برای تغییر رفتار و ارتقای سلامت را توسعه داد و یافته های پژوهش حاضر می تواند در زمینه ی طراحی و اجرای برنامه آموزشی ارتقاء ارتباط گفتاری در کارکنان بهداشتی و رفع چالش های موجود موثر باشد.

کلید واژه: سواد سلامتی، پرفشارخونی، کارکنان بهداشتی، بحث گروهی متمرکز.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر ارتقاء سواد سلامت کارکنان بهداشتی بر ارتقاء خودکارآمدی بیماران دارای بیماری مزمن

چکیده

مقدمه: امروزه سواد سلامت ناکافی به عنوان یک تهدید جهانی به شمار می آید. افراد با سواد سلامت ناکافی، با احتمال کمتری اطلاعات نوشتاری و گفتاری ارایه شده توسط متخصصان سلامتی را درک می کنند و به دستورات داده شده توسط آن ها عمل می کنند. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش سواد سلامت به کارکنان مراکز بهداشتی درمانی بر ارتقاء خود کارآمدی بیماران دارای بیماری مزمن در شهر مشهد انجام شد.

روش کار: این پژوهش از نوع تجربی بود که بر روی ۲۴۰ نفر از بیماران دارای بیماری مزمن به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. انجام گردید. مداخله آموزشی مبتنی بر سواد سلامت بر اساس کاربرد ابزار جهانی ارتقاء سواد سلامت طراحی و طی سه جلسه بحث گروهی متمرکز و یک کارگاه آموزشی برای کارکنان در گروه آزمون انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه مراقبت اولیه در بزرگسالان و خودکارآمدی در بیماری مزمن برای ارزیابی سطح سواد سلامت و خودکارآمدی بیماران بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss ۱۶ و آزمونهای تی، آنوا و کای اسکویر استفاده شد.

یافته ها: بیماران و کارکنان در دو گروه از نظر متغیرهای فردی با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند میانگین سنی بیماران 52.75 ± 10.5 سال بود. در گروه آزمون پس از مداخله آموزشی در میانگین سواد سلامت بیماران ($P < 0.001$)، خود کارآمدی بیماران ($P < 0.001$) در گروه آزمون، افزایش آماری معناداری وجود داشت.

نتیجه گیری: مداخلات عملی لازم در ارتقاء سواد سلامت در حوزه کارکنان بهداشتی و بیمار: ارتباط بیمار محور، استفاده از تکنیک های برقراری ارتباط واضح و در سطح مراکز بهداشتی درمانی: استفاده از رسانه های نوشتاری قابل فهم و مصور، وسایل کمک آموزشی بصری، ارتقاء مهارت خودکارآمدی بیمار و ایجاد محیطی تشویق کننده برای بیان سوالات، می تواند نتایج درمانی برای بیماران مبتلا به سواد سلامت محدود را بهبود بخشد.

کلید واژه: سواد سلامت، بیماران مزمن، کارکنان بهداشتی، مراکز بهداشتی درمانی، آموزش

فاطمه بهزاد

* واحد آموزش سلامت، مرکز بهداشت شماره ۵
شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

email:behzadf1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده ی بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

حبیب ا. اسماعیلی

گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده ی بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی تقی پور

گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده ی بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش‌های کوتاه مدت بر ارتقای مولفه‌های سواد اطلاعات درمان بیماران سرطانی

محبوبه فرزین

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

حسن بهزادی

* دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول: تلفن تماس ۰۹۱۵۵۰۴۲۰۸۴ - ۰۵۱۳۸۸۰۵۸۹۶
hasanbehzadi@um.ac.ir

اعظم صنعت‌جو

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

سودابه شهید ثالث

دکتری فاماکولوژی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: سواد اطلاعات درمان مفهوم جدیدی است که به ارائه اطلاعات به بیماران پس از ابتلا به یک بیماری خاص می‌پردازد. دسترسی به اطلاعات مرتبط با درمان و گزینه‌های درمانی، بخشی اساسی از اقدامات سلامت درمان است که باید مبتنی بر بهترین منابع موجود باشد و چون سرطان برای فرد بیمار، خانواده و حتی جامعه پیامدهای منفی فراوان و هزینه‌های سرسام‌آوری را به همراه دارد، ضروری است تا در این خصوص آموزش‌هایی در مورد مولفه‌های درمان به آنان ارائه شود. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش‌های کوتاه مدت بر افزایش سطح سواد اطلاعات درمان بیماران سرطانی انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر با روش شبه تجربی صورت گرفت که در این راستا، تعداد ۲۰ بیمار سرطانی از بیمارستان امید مشهد انتخاب شدند و در ابتدا با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته، میزان آشنایی بیماران با ۶ مولفه درمان یعنی: داروها، شیوه درمان، تغذیه، آزمایشات، هزینه‌های درمان و ورزش بررسی و سطح سواد اطلاعات درمان آنان مورد ارزیابی قرار گرفت. لازم به ذکر است که پرسشنامه ذکر شده با استفاده از نظر پزشکان رادیوتراپی و آنکولوژی تهیه شد. پس از یک هفته و در یک کارگاه آموزشی، به بیماران آموزش‌هایی در خصوص ۶ مولفه درمان ارائه شد و پس از آن سطح سواد اطلاعات درمان بیماران مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش‌های کوتاه مدت ارائه شده سواد اطلاعات درمان، در ارتقای مولفه‌های آزمایشات، هزینه درمان و ورزش تأثیر بسیاری داشته است و در سایر مولفه‌ها تأثیر اندکی داشته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیرات مثبت آموزش‌های سواد اطلاعات درمان، ارائه آموزش‌های کوتاه مدت می‌تواند سبب تسهیل فعالیت کادر درمانی در فرایند درمان بیماران سرطانی گردد و بدین وسیله سبب ارتقای سواد طواد اطلاعات درمان بیماران سرطانی شده و کاهش هزینه‌های بیمار و نظام درمانی را به همراه داشته باشد.

کلید واژه: سواد اطلاعات درمان، آموزش بیماران، بیماران سرطانی، بیمارستان امید، مشهد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت و میزان خود مراقبتی در جمعیت حاشیه نشین تحت

پوشش دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: سواد سلامت را می توان به صورت توانایی خواندن، درک کردن و عمل کردن بر اساس توصیه های بهداشتی و خود مراقبتی به معنی پیروی از یک شیوه زندگی سالم به منظور پیشگیری از بیماری ها می باشد. سواد سلامت به عنوان یکی از اجزای مهم در خود مراقبتی محسوب می شود. هدف از این مطالعه، تاثیر سواد سلامت بر میزان خودمراقبتی و اتخاذ رفتارهای پیشگیرانه توسط مردم می باشد. روش بررسی: این مطالعه بصورت توصیفی-تحلیلی بر روی ۳۵۹ نفر ساکن در حاشیه شهر سبزوار انجام شد. داده ها به روش پرسشگری با پرسشنامه جمع آوری گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ (آمار توصیفی و تحلیلی) با آزمون های همبستگی و T test و ANOVA تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بیشترین افراد مورد مطالعه از سطح سواد سلامت کافی با ۵۴/۹ درصد برخوردار بودند و فقط ۷/۵ درصد افراد سطح سواد سلامت ناکافی داشتند. ضمن اینکه ۳۷/۶ درصد افراد نیز دارای سطح سواد سلامت مرزی بودند. میانگین سواد سلامت در مردان $13/6 \pm 84/49$ و میانگین سواد سلامت در زنان $14/02 \pm 86/67$ می باشد و همچنین سواد سلامت در هر دو جنس با یکدیگر تفاوت معنی داری نداشت. از مجموع ۳۵۹ نفر مورد مطالعه، امتیاز خود مراقبتی بیشترین افراد با تعداد ۲۰۶ نفر (۵۷/۴ درصد) در حد متوسط بوده و مابقی افراد با تعداد ۱۵۳ نفر (۴۲/۶ درصد) در حد ضعیف بوده و هیچکدام از افراد امتیاز در حد قوی را کسب ننموده اند. بین سواد سلامت کل و خود مراقبتی کل ارتباط معنی داری وجود نداشت ولی بین سواد سلامت کل با ابعادی از خود مراقبتی شامل تحرک / خستگی، احساس خوشحالی، عملکرد اجتماعی و درد ارتباط معنی داری وجود داشت. همچنین خود مراقبتی کل فقط با بعد مهارت انجام فعالیت از ابعاد سواد سلامت ارتباط معنی داری داشت و با سایر ابعاد آن ارتباط معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: هر چند بین سواد سلامت کل و خود مراقبتی کل ارتباط معنی داری وجود نداشت ولی بین سواد سلامت کل با ابعادی از خود مراقبتی شامل تحرک / خستگی، احساس خوشحالی، عملکرد اجتماعی و درد ارتباط معنی داری وجود داشت. از طرفی با توجه به اینکه تنها نیمی از افراد سواد سلامت کافی داشتند و هیچ یک از افراد از وضعیت خود مراقبتی مطلوبی برخوردار نبودند بنابراین انجام اقدامات موثر جهت افزایش میزان سواد سلامت افراد و به دنبال آن ارتقای خود مراقبتی به طور جدی توصیه می گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، خود مراقبتی، جمعیت حاشیه نشین

سیداحمد احمدی نسب ۱*، الهام بهنام طلب
۲، موسی الرضا عباسپور ۳

- ۱- MPH آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
 - ۲- کارشناس ارشد آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
 - ۳- کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
- (نویسنده مسئول: سید احمد احمدی نسب
a.ahmadinasab@yahoo.com)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش بر سواد سلامت و ارتباط آن با رفتارهای ارتقاء دهنده در سفیران سلامت پایگاه‌های سلامت شهرستان کازرون

طاهره بیاتی

* کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز بهداشت کازرون، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.
نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۷۱۴۲۲۱۶۵۷۷

bayati@sums.ac.ir

لیلا بذرافکن

استادیار دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

عزیز دهقان

دکترای اپیدمیولوژی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران.

فاطمه بنیادی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت کازرون، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت، مجموعه‌ای از مهارت‌های خواندن، شنیدن، تجزیه، تحلیل، تصمیم‌گیری و توانایی به کارگیری این مهارت‌ها در موقعیت‌های سلامتی است. این مطالعه، با هدف تعیین تأثیر آموزش بر سواد سلامت و ارتباط آن با رفتارهای ارتقاء دهنده در سفیران سلامت پایگاه‌های سلامت شبکه بهداشت و درمان در شهرستان کازرون اجرا شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه شبه تجربی است که با استفاده از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بر روی ۲۵۶ نفر از سفیران سلامت انجام گرفت. روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بود. به منظور ارزیابی سواد سلامت از پرسشنامه‌ی منتظری و جهت تعیین وضعیت رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت از پرسشنامه استاندارد (HPLP-II) استفاده شد. قبل و بعد از مداخله آموزشی دو پرسشنامه توسط سفیران سلامت تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss ۲۲ و آزمونهای t، ANOVA و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره سواد سلامت سفیران قبل از مداخله آموزشی ۷۹،۲۲ بود که بعد از مداخله به ۹۵،۴۹ رسید. همچنین نتایج مطالعه نشان داد سواد سلامت با کلیه ابعاد پرسشنامه رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت قبل و بعد از مداخله همبستگی معنا دار و مستقیمی دارد.

نتیجه‌گیری: مداخلات آموزشی جهت افزایش سواد سلامت سفیران سلامت در بهبود رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی موثر می‌باشد.

کلید واژه: آموزش، سواد سلامت، رفتارهای ارتقاء دهنده، سفیران سلامت.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

چکیده

مقدمه: دیابت نوع دو یک معضل مهم برای سلامت عمومی است که باعث اثرات گسترده ای بر عملکردهای فردی و اجتماعی افراد می‌شود. مطالعه پیش رو به منظور ارزیابی آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به دیابت در شهر مشهد انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی توصیفی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۳۷ نفر از بیماران مبتلا به دیابت در شهر مشهد که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند، انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که پایایی آن در مطالعه پایلوت ارزیابی شد. داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و آزمون آماری مجذور کای تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میزان آگاهی کلی نمونه‌های مورد بررسی ۷۸/۵ درصد و سطح عملکرد خوب آنان ۳۵/۵ درصد بود. مصرف دارو طبق دستور پزشک ۸۵/۲ درصد، داشتن ورزش و فعالیت بدنی مناسب ۴۲/۲ درصد بود. رابطه بین سواد و آگاهی کلی بیماران معنی‌دار بود ($p < 0.001$). بررسی ارتباط آگاهی و عملکرد نشان داد که با افزایش یک امتیاز در نمره آگاهی، ۰/۱۲ امتیاز نمره عملکردی افزایش دارد ($p = 0.001$).

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد، آگاهی جمعیت هدف نسبت به خدمات در نظر گرفته برنامه کشوری هم‌خوانی دارد، ولی عملکرد بیماران در زمینه مصرف منظم دارو، رژیم غذایی، ورزش مطابق استانداردهای برنامه نمی‌باشد.

کلید واژه: آگاهی، عملکرد، دیابت

زهرا پاشائی نژاد

* کارشناسی ارشد آموزش پرستاری-دانشگاه علوم پزشکی مشهد-مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران. ۰۹۱۵۳۱۶۵۳۹۵
pashaeinz1@mums.ac.ir

فرحناز توحیدیان

کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی مشهد- مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران

حمیده بهروان

کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی مشهد- مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت با سلامت عمومی بیماران مبتلا به فشارخون

زهرا پاشائی نژاد

* کارشناسی ارشد آموزش پرستاری-دانشگاه علوم پزشکی مشهد-مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران.
۰۹۱۵۳۱۶۵۳۹۵

pashaeinz1@mums.ac.ir

پانته آ همتی

کارشناس پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی مشهد- مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران

سمانه سیستانی

کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی مشهد-مرکز آموزشی پژوهشی درمانی قائم(عج)-مشهد-ایران

چکیده

مقدمه: فشارخون بالا یک عامل خطر مهم قابل کنترل برای بیماریهای قلبی عروقی محسوب می شود. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت با سلامت عمومی در بیماران مبتلا به فشارخون انجام شد. **روش بررسی:** این مطالعه توصیفی تحلیلی و مقطعی بر روی ۲۰۰ بیمار مبتلا به فشارخون در سال ۱۳۹۶ انجام گردید. روش انتخاب نمونه‌ها به صورت آسان بود. ابزار جمع آوری اطلاعات سه پرسش نامه مشخصات فردی، سواد سلامت (TOFHLA)، پرسشنامه استاندارد سلامت عمومی GHQ ۲۸ بود. داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و با کمک آزمون‌های آمار توصیفی، جدول توزیع فراوانی و آزمون‌های آماری (آزمون ANOVA، t، و ضریب همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** بیش از نیمی از شرکت کنندگان (۵۸ درصد) از سواد سلامت کافی برخوردار نبودند و سلامت عمومی آنان متوسط گزارش شد میانگین نمره ۴۸/۴۸ (۵۳/۷ ± ۵۸). ارتباط معنی داری بین سواد سلامت و سلامت عمومی مشاهده شد (t=-۰/۱۹۱) و (P=۰/۰۰۷). (سواد سلامت با سه بعد سلامت عمومی، اضطراب و اختلال خواب (t=-۰/۱۵۴) و (P=۰/۰۰۲۹) (کارکرد اجتماعی (t=-۰/۱۷۶) و (P=۰/۰۱۳) و افسردگی (t=-۰/۲۱۸) و (P=۰/۰۰۲) ارتباط آماری معنی داری داشت. **نتیجه گیری:** این مطالعه نشان داد که سواد سلامت و سلامت عمومی ناکافی مشکل شایعی است و بیماران مبتلا به فشارخون نیاز به آموزش‌های بیشتری جهت بهبود سطح سواد سلامت و سلامت عمومی دارند.

کلید واژه: سواد سلامت، سلامت عمومی، فشارخون

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثربخشی آموزش مهارت برقراری روابط بین فردی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان داوطلبان سلامت شهرستان فردوس در سال ۹۶-۹۵

چکیده

مقدمه: ارتباطات موثر گامی ضروری جهت همراهی با تغییرات دنیای امروز است. در فضای مناسب ارتباط بین فردی اعتماد افزایش یافته و تعارض کاهش می‌یابد و زمینه لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی و سلامت روان فراهم خواهد شد. عدم اطلاع از مهارت‌های ارتباطی و روابط بین فردی صحیح سلامت روانی زنان جامعه را به خطر می‌اندازد. بدین منظور در این پژوهش تاثیر آموزش مهارت روابط بین فردی بر سرمایه اجتماعی، سلامت روان داوطلبان سلامت در سال ۹۶ بررسی شد.

روش بررسی: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش یک تحقیق نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد. تعداد ۴۰ نفر از داوطلبان سلامت زن در این پژوهش شرکت کردند. دو گروه به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند به این ترتیب که ابتدا دو مرکز شهری به صورت خوشه انتخاب شدند و سپس بصورت تصادفی ساده از بین دو مرکز ۲۰ نفر از داوطلبان سلامت در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند و سپس مداخله آزمایشی مهارت روابط بین فردی در ۷ جلسه ۹۰ دقیقه ای برای گروه آزمایش اجرا و از هر ۲ گروه پیش آزمون و پس آزمون، پرسشنامه مهارت روابط بین فردی و سلامت عمومی GHQ-۲۸- و پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن (۲۰۰۰) در قبل و بعد از اجرای جلسات گرفته شد. جهت تحلیل داده‌ها علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی مانند کواریانس تک متغیره و چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی آزمودنیها $45/98 \pm 8/90$ بود. بعد از مداخله آزمایشی میانگین نمرات سرمایه اجتماعی و سلامت روان در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی‌دار نشان داد (سرمایه اجتماعی $P=0/001$ و سلامت روان $P=0/002$). اما رابطه معنی‌داری بین مهارت روابط بین فردی با نشانه‌های جسمانی و اختلال عملکرد اجتماعی وجود نداشت و بین میانگین گروه‌ها در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد و امنیت و ارزش زندگی در سطح آلفای $0/1$ و در مؤلفه مشارکت و فعالیت در اجتماع و مدارا کردن با تنوع در سطح آلفای $0/05$ تفاوت وجود دارد و بیشترین اثر مربوط به مؤلفه ارزش زندگی است.

نتیجه گیری: نتایج نشان می‌دهد افراد دارای مهارت‌های ارتباطی بهتر، کمتر از سایرین دچار اضطراب و افسردگی شده و با افزایش اعتماد و کاهش تعارض، سرمایه اجتماعی و سلامت روان آنان ارتقاء می‌یابد. بنابراین برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت روابط بین فردی در جهت ارتقای سطح سرمایه اجتماعی و سلامت روان افراد جامعه، بخصوص زنان توصیه می‌گردد.

کلید واژه: آموزش مهارت روابط بین فردی، سرمایه اجتماعی، سلامت روان، داوطلبان سلامت.

پروین پری افسای

* کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد
اسلامی فردوس، ایران. نویسنده مسئول:
Email: parvin.pariafsay@yahoo.com

خدیدجه اعراب شیبانی

دکتری روانشناسی سلامت، استادیار گروه روان
شناسی، تهران، ایران، دانشگاه پیام نور فردوس، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نیازسنجی سلامت جامعه و ارزیابی آن: آموزش پاسخگو

فریبا پری افسای

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، شبکه بهداشت و درمان فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول:

سعید دشتی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

محمدرضا حسینی زاده

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، شبکه بهداشت و درمان فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: بررسی و شناخت نیازهای آموزشی پیش نیاز یک سیستم آموزشی موفق است معمولاً این اقدام اولین گام در برنامه ریزی آموزشی و در واقع نخستین عامل ایجاد و تضمین اثربخشی برنامه‌های آموزشی است. لذا مطالعه حاضر با هدف نیازسنجی و تعیین اولویت‌های آموزشی سلامت جامعه در شهرستان فردوس انجام شد.

روش بررسی: با توجه به رعایت ساختار شبکه، نیازسنجی به تفکیک سطوح شبکه انجام شد. تعیین اولویت‌های سطوح بالاتر براساس فهرست نیازهای سطوح محیطی است. گام‌های اجرایی سطوح محیطی شامل تشکیل گروه نیازسنجی سلامت، شرکت در دوره‌های توجیهی - آموزشی، تعیین نیازها، پاکسازی و ثبت نیازها، اولویت بندی و ثبت در نرم افزار SPSS و ارسال آنها به مرکز بهداشت شهرستان بود. تیم نیازسنجی سلامت شامل تیم سلامت (پزشک، کاردان یا کارشناس ناظرو بهورز)، تیم مسئولین و معتمدین (دهیار، رئیس شورا، روحانی و معلمان) و تیم سرخوشه‌ها (رابطین بهداشتی و سفیران سلامت) بود. بعد از جمع آوری نیازها بر طبق دستورالعمل اگر فراوانی آن اولویت در بیش از ۳۰ درصد واحدهای سطوح محیطی (شهر و روستا) بود به عنوان اولویت شهرستان انتخاب و به واحد تخصصی جهت انجام مداخلات موردنیاز توسط مرکز بهداشت شهرستان ارجاع شد.

یافته ها: نتایج نیازسنجی سلامت در کل شهرستان نشان داد فشارخون بالا مهمترین نیاز آموزشی سلامت در تمامی مراکز بود اولویت‌های بعدی به ترتیب افسردگی و بهداشت دهان و دندان مشخص شد.

نتیجه گیری: حل مشکلات سلامت جامعه، وظیفه هر نظام بهداشتی - درمانی است. برای این کار نیاز است که ابتدا مشکلات شناسایی شده و سپس با توجه به منابع موجود و تعیین اولویت ها، برای هر اولویت برنامه‌های آموزشی لازم مشخص شود.

کلید واژه: نیازسنجی سلامت، اولویت‌های سلامت، برنامه ریزی سلامت.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



همبستگی سطح سواد سلامت و رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی در بین سفیران سلامت و داوطلبان سلامت در شهر فردوس در سال ۹۷

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی برای حفظ سلامتی ضروری است. افراد با سواد سلامت ناکافی وضعیت سلامتی ضعیف تری دارند. هدف این مطالعه تعیین وضعیت سواد سلامت و همبستگی آن با رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در داوطلبان سلامت و سفیران سلامت می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی ۲۰۰ نفر از داوطلبان سلامت و سفیران سلامت شهر فردوس انجام شد. نمونه‌گیری به روش سهمیه بندی و بصورت تصادفی انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سواد سلامت و «پرسشنامه رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت» (HPLP II) (Health Promoting Behaviors Questionnaire) بود. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمرات سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در داوطلبان سلامت ۳,۸۲، ۲,۶۱ و در سفیران سلامت ۳,۸۶، ۲,۴۸ بود. همبستگی مثبت و معنی داری بین سواد سلامت با رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت مشاهده شد. بیشترین و کمترین نمره ابعاد رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در بین داوطلبان سلامت و سفیران سلامت به ترتیب روابط بین فردی و فعالیت فیزیکی و بیشترین و کمترین ابعاد سواد سلامت فهم و ارزیابی بود.

نتیجه‌گیری: در مجموع رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و سواد سلامت در بین داوطلبان سلامت و سفیران سلامت پایین تر از حد مطلوب بود و این موضوع لزوم انجام برنامه‌های آموزش سلامت بر اساس حیطه‌های ارتقا دهنده سلامت و مولفه‌های سواد سلامت را نشان می‌دهد.

کلیدواژه: داوطلبان سلامت، سفیران سلامت، سواد سلامت، رفتارهای ارتقا دهنده سلامت.

فربیا پری افسای

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، شبکه بهداشت و درمان فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول:

سعید دشتی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

ملیحه رام

عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثربخشی طرح واره درمانی بر خودکنترلی و ادراک بیماری در بیماران دیابت نوع دو

خدیجه اعراب شیبانی

دکتری روانشناسی سلامت، استادیار گروه روان شناسی، تهران، ایران، دانشگاه پیام نور فردوس، ایران

نسرین پری افسای

* دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی .
دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان فردوس، ایران. (نویسنده

مسئول):

n.pariafsai@gmail.com

چکیده

مقدمه: دیابت یکی از بیماریهای شایع جوامع بشری است که متأسفانه شیوع این بیماری روز به روز در حال افزایش میباشد. طرح واره درمانی برای بیماران مبتلا به مشکلات منش شناختی مزمنی که به قدر کافی از رفتار درمانی شناختی کلاسیک کمکی دریافت نمیکردند، تدوین گردید. لذا پژوهش با هدف تعیین اثربخشی طرح واره درمانی بر خودکنترلی و ادراک بیماری بیماران دیابت نوع فردوس در سال ۹۷ انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه بیماران دیابتی نوع ۲ که تعداد ۶۵۰ نفر تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری میباشند. ۴۰ نفر از بیماران دیابتی نوع ۲ که به شیوه در دسترس از بین مراکز خدمات جامع سلامت انتخاب شدند. ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل قرار میگیرند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۷۰ دقیقه ای باروش طرح واره درمانی آموزش دیدند و گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفتند. گروهها پرسشنامه کوتاه ادراک بیماری بردبنت و همکاران (۲۰۰۶) و پرسشنامه خود کنترلی گراسمیک را به عنوان پیش آزمون و پس آزمون تکمیل کردند. دادهها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ به روش کوواریانس چندمتغییری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: یافتهها نشان داد میان گروه طرح واره درمانی و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر طرح واره درمانی باعث افزایش معنادار خودکنترلی و ادراک بیماری بیماران دیابت نوع دو شد. ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد طرح واره درمانی توانست خودکنترلی و ادراک بیماری بیماران دیابت نوع دو را افزایش دهد. بنابراین درمانگران می توانند برای بهبود خودکنترلی و ادراک بیماری این بیماران از این روش استفاده کنند.

کلید واژه: طرح واره درمانی، خودکنترلی، ادراک بیماری، دیابت نوع دو

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی و روانسنجی ابزار پیشگیری از مصرف سیگار در دانشجویان براساس الگوی اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: بررسیها نشان داده که هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، شیوع مصرف سیگار در جوانان در حال افزایش بوده و ۲۸/۷ درصد سیگاریها در رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بوده اند که بیشترین قشر دانشجویی در همین رده سنی هستند. اجرای راهبردهای موفق جهت پیشگیری و ترک مصرف سیگار می‌تواند به عنوان یک سرمایه گذاری مهم در برنامه‌های کنترل دخانیات محسوب شود. چنین راهبردهایی، نظریه محور و معمولاً مبتنی بر الگوهای تغییر رفتار هستند. یکی از قدیمیترین الگوها در این زمینه، الگوی اعتقاد بهداشتی است. ارزیابی مداخلات آموزشی با استفاده از این الگو، مستلزم استفاده از ابزاری روا و مبتنی بر فرهنگ بومی است که با خصوصیات دموگرافیکی و ارزشهای اجتماعی جمعیت هدف تناسب داشته باشد. با توجه به عدم وجود ابزار پیشگیری از مصرف سیگار در دانشجویان براساس این الگو و نظر به ضرورت پیشگیری از مصرف سیگار در آنها، این مطالعه با هدف طراحی و روانسنجی ابزار پیشگیری از مصرف سیگار در دانشجویان براساس الگوی اعتقاد بهداشتی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی بود که میان ۳۴۸ نفر از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران انجام شد. دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه به روش نمونه گیری خوشه ای یک مرحله ای وارد مطالعه شدند. پس از بررسی متون و با در نظر گرفتن اصول مربوط به طراحی ابزار، ابزار لازم طراحی شد. روایی و پایایی این ابزار براساس کسب نظر از پانل خبرگان (۱۳ متخصص)، محاسبه نسبت روایی محتوا، شاخص روایی محتوا، روایی صوری، تحلیل عاملی اکتشافی و نیز تعیین اعتماد ابزار با روش همسانی درونی انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۱۶ انجام شد. همچنین برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی از نرم افزار لیزرل ۸/۸ استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که این ابزار شامل ۲۹ سوال به منظور سنجش سازه‌های حساسیت درک شده (۴ سوال)، شدت درک شده (۶ سوال)، موانع درک شده (۶ سوال)، منافع درک شده (۷ سوال) و خودکارآمدی (۶ سوال) بود. همچنین نتایج نشان داد که ۲۹ آیتم با محاسبه شاخص امتیاز تاثیر آیتم بالاتر از ۱۵ درصد، شاخص روایی محتوای بالاتر از ۰/۷۹، نسبت روایی محتوای بالاتر از ۰/۵۴، ارزیابی و براساس تحلیل عاملی اکتشافی در ۵ عامل دسته بندی شدند. پایایی کلی ابزار تحقیق با محاسبه آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ تأیید شد. پایایی پرسشنامه حساسیت درک شده ۰/۸۵، شدت درک شده ۰/۷۰، موانع درک شده ۰/۸۱، منافع درک شده ۰/۹۰ و خودکارآمدی درک شده ۰/۸۳ تعیین شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه شواهد مناسبی در خصوص استحکام ساختار عاملی و پایایی ابزار سنجش سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی در مورد پیشگیری از مصرف سیگار در دانشجویان، براساس انجام فرآیند روانسنجی مورد مطالعه را فراهم نمود.

کلید واژه: الگوی اعتقاد بهداشتی، روانسنجی، پیشگیری، مصرف سیگار، دانشجویان

رحمن پناهی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

علی رمضانخانی

استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

فرشته عثمانی

دانشجوی دکتری آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

عرفان جوانمردی

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

شمس الدین نیکنامی

* دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران. نویسنده پاسخگو: ۰۲۱۸۲۸۸۳۸۶۹

E-mail: nikanami6@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر مداخله آموزشی بر سواد سلامت و اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف سیگار در دانشجویان

رحمن پناهی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

علی رمضانخانی

استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

محمود طاووسی

دانشیار، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی تهران، تهران، ایران

عرفان جوانمردی

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

شمس الدین نیکنامی

* استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران. ویسندۀ پاسخگو: ۰۲۱۸۲۸۸۳۸۶۹

E-mail: niknami6@yahoo.com/

چکیده

مقدمه: محققین سیگار را دروازه ورود به استفاده از مواد مخدر و داروهای غیرمجاز در نظر می‌گیرند. دوران دانشجویی به لحاظ انتقال جسمی و جنسی از دوران نوجوانی به جوانی و قرارگیری در یک محیط اجتماعی جدید، مصرف سیگار یک وجه قانونی به خود می‌گیرد. بین وضعیت مصرف سیگار و سواد سلامت ارتباط وجود دارد. جدیدترین مطالعات در این مورد به این نتیجه رسیده‌اند که سواد سلامت پایین می‌تواند به عنوان یک عامل خطر مستقل برای مصرف سیگار و نتایج ضعیفتر ترک سیگار عمل کند. همچنین سواد سلامت پایین با آموزش افراد قابل رفع شدن است. با توجه به افزایش مصرف سیگار در بین دانشجویان و همچنین تاثیر بالقوه سواد سلامت بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده، این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر سواد سلامت و اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف سیگار در میان دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران در سال ۱۳۹۵ طراحی و اجرا شد.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه مداخله‌ای از نوع نیمه تجربی است که در میان ۱۳۰ نفر از دانشجویان (۶۵ نفر در هر یک از دو گروه مداخله و کنترل) انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌های ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای، پرسشنامه استاندارد HELIA جهت سنجش سواد سلامت و رفتار پیشگیری کننده از مصرف سیگار بود که در سه مرحله قبل از مداخله، بلافاصله و دو ماه پس از مداخله تکمیل گردید. مداخله آموزشی در این مطالعه با استفاده از نرم افزار تلگرام انجام شد و پیام‌های آموزشی طی ۶ نوبت به دانشجویان گروه مداخله ارسال گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های متناسب و نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل شدند. ضمناً سطح معنی داری در این مطالعه ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: قبل از مداخله، بین متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه‌ای، میانگین نمرات سواد سلامت و اتخاذ رفتارهای پیشگیرانه در دو گروه، تفاوت معنی دار وجود نداشت ($p < 0.05$). پس از مداخله، مقایسه دو گروه نشان داد که میانگین نمرات سواد سلامت و اتخاذ رفتارهای پیشگیرانه از مصرف سیگار در گروه مداخله به طور معناداری نسبت به گروه کنترل، تغییر داشته است ($p > 0.05$). همچنین در پایان دو ماه، میانگین نمرات رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف سیگار در گروه مداخله به طور معناداری افزایش یافته بود ($p > 0.0001$) اما در گروه کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اجرای مداخله آموزشی از طریق نرم افزار تلگرام، در ارتقای سواد سلامت و اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف سیگار در میان دانشجویان موثر بوده است.

کلیدواژه: مداخله آموزشی، سواد سلامت، مصرف سیگار، رفتارهای پیشگیرانه، تلگرام، دانشجویان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آکا بررسی کیفیت زندگی زنان با عمل جراحی سینه (پژوهش کیفی)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی کیفیت زندگی زنان با عمل جراحی سینه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشانگر دو حیطه‌ی اصلی عوامل موثر بر انجام عمل جراحی سینه و کیفیت زندگی زنان بعد از عمل جراحی سینه بود. که هر کدام شامل مقولات مفهومی خاص خود نیز بودند. عوامل موثر بر انجام جراحی سینه شامل هفت زیر مجموعه‌ی: عوامل اجتماعی، روابط با همسر، عوامل جسمی، عوامل روانی، تصور از بدن، فشارهای هنجاری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی بود. همچنین کیفیت زندگی زنان بعد از عمل جراحی شامل پنج زیر مجموعه‌ی: رضایت از روابط زناشویی، عوامل اجتماعی، عوامل جسمی، عوامل روانی و تصور از بدن بود. نتایج حاکی از آن بود که از عوامل موثر بر انجام عمل جراحی سینه در این پژوهش، عوامل جسمی، تصور از بدن و فشارهای هنجاری بود. با توجه به بررسی کیفیت زندگی زنان بعد از عمل، جراحی سینه باعث بهبود روابط زناشویی بدنبال افزایش جذابیت جنسی و رضایت جنسی، کاهش مشکلات جسمی، تصویر بدنی مطلوب و افزایش اعتماد به نفس در زنان گردیده بود. در حالیکه عمل جراحی سینه بر روی دوره‌های افسردگی و عوامل اجتماعی زنان تأثیری نگذاشته بود. به طور کلی میتوان نتیجه گیری کرد که عمل جراحی سینه موجب تصویر بدنی مطلوب، افزایش اعتماد به نفس، بهبود وضعیت جسمانی و بهبود کیفیت زندگی در زنان میگردد.

کلید واژه: کیفیت زندگی، جراحی سینه،

زهرا پوراسدی

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده، گروه مشاوره،
دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

نازنین هنرپوران

* استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی،
مرودشت، ایران (نویسنده مسئول)

nazanin48@gmail.com & miau.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین اولویت حیطه‌های سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه دانشجویان و اساتید به روش دلفی

دکتر مهناز صلحی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و خدمات بهداشتی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مهناز پوراسماعیل

* دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و
ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و خدمات بهداشتی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۷۸۳۰۷۰۳

mahnazpou@gmail.com

چکیده

مقدمه: شیوه زندگی سالم موجب ارتقاء سلامتی فرد می‌شود... اولین و اساسی ترین گام در تدوین و اجرای برنامه آموزشی، اجرای صحیح و مبتنی بر واقعیت فرایند نیازسنجی است. پژوهش حاضر با هدف تعیین اولویت حیطه‌های سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه دانشجویان و اساتید به روش دلفی انجام شد.

روش بررسی: ابزار جمع آوری داده‌ها در این پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد ۵۲ سوالی سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت ۱۰اگر و همکاران، بود. ۳۱۸ نفر پرسش نامه تعیین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامتی را تکمیل کردند همچنین یک پرسشنامه جهت انجام تحقیق به روش دلفی طراحی شد که در طی سه مرحله، به ۱۰ نفر از اساتید و ۵ نفر از دانشجویان به منظور انتخاب ابعاد سبک زندگی، اولویتها و شدت تاثیر ابعاد، ایمیل شد. پاسخ هر سوال که توسط افراد ارائه شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در طرح سوال بعدی مورد استفاده قرار گرفت. این کار در ۳ مرحله پیاپی صورت گرفت تا اینکه سرانجام اعضا به نقطه توافق معینی در مورد اهداف دست یافتند.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان 22 ± 5 سال بود. اولیتهای تعیین شده برای مداخله جهت سبک زندگی سالم در دانشجویان از طریق پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت به ترتیب شامل: فعالیت بدنی، استرس، مسئولیت پذیری در قبال سلامت بود. اولیتهای تعیین شده برای مداخله بر سبک زندگی سالم توسط اساتید به روش دلفی: تغذیه، سلامت اجتماعی و مسئولیت پذیری در قبال سلامت بود. دانشجویان مهمترین ابعاد سبک زندگی سالم را پیشگیری از رفتارهای پرخطر، مسئولیت پذیری در قبال سلامت و فعالیت بدنی از طریق روش دلفی انتخاب کردند. نتایج نشان داد اولیتهای تعیین شده از طریق روش دلفی توسط دانشجویان به اولیتهای به دست آمده از طریق مطالعه کمی نزدیکتر بود. **نتیجه گیری:** طراحی و تدوین مداخله آموزشی و ارتقایی جهت بهبود سبک زندگی دانشجویان به ویژه در حیطه پیشگیری از رفتارهای پرخطر در الویت برنامه‌های سلامت دانشجویان قرار گیرد.

کلید واژه: سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، دانشجویان، دلفی، اساتید.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



«بررسی تاثیر یک بسیج اطلاع رسانی برای کاهش استرس دانشجویان»

چکیده

مقدمه: استرس جزء لازم و غیرقابل اجتناب زندگی است، عوامل مختلف فشارزای خاصی در زندگی قشر دانشجویان وجود دارد که در سایر اقشار اجتماع و مراحل رشد افراد از شدت کمتری برخوردار است استرس در بین دانشجویان به شکل مشکلات و شکست تحصیلی بروز می کند و می تواند منجر به اختلال در فرایند تفکر، درک و توانایی حل مسئله؛ اختلال خواب و کاهش قدرت تصمیم گیری شود. اجرای کمپین های ارتباطی در تغییر رفتار افراد در مسائل مختلف بهداشتی موثر است؛ لذا این مطالعه به منظور تعیین تاثیر یک بسیج اطلاع رسانی برای کاهش استرس دانشجویان دکتری در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع نیمه تجربی می باشد. در مطالعه حاضر، ۲۰ دانشجوی دکتری (۱۲ نفر مرد و ۸ نفر زن) شرکت کردند. پرسشنامه مربوط به اطلاعات فردی و پرسشنامه مربوط به استرس دانشجویی را قبل از مداخله تکمیل کردند. براساس نتایج دوازده مرحله بسیج اطلاع رسانی برنامه مداخله طراحی شدو اطلاعات توسط کانالهای متعدد مانند پوستر و ایجاد یک گروه آموزشی در فضای مجازی و انتقال مواد آموزشی چون: انجام روزانه تمرینات مدیتیشن جهت کاهش استرس، ارسال روزانه پیام های کوتاه (آگاه کننده، آموزشی؛ متقاعد کننده) پیشنهادهای تغذیه سالم در زمان استرس، به گروه هدف ارائه شد دو هفته پس از اجرای برنامه بسیج اطلاع رسانی افراد مجددا پرسشنامه را تکمیل کردند. و در نهایت داده ها با استفاده از آزمونهای ANOVA، همبستگی پیرسون و آزمون Pair T.Test تحلیل شدند. **یافته ها:** با توجه به آزمون pair T.Test مشاهده شد رابطه معنی داری بین میانگین نمرات استرس، قبل و پس از مداخله در دانشجویان وجود دارد. ($p=0/027$) اما با توجه به آزمون ANOVA رابطه معنی داری بین جنس و رشته تحصیلی دانشجویان با استرس مشاهده نشد. ($p=0/74$) ($p=0/75$).

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت طراحی و اجرای برنامه های بسیج ارتباطی یک روش مناسب برای آموزش دانشجویان برای کاهش استرس می باشد.

کلید واژه: استرس، کمپین (بسیج اطلاع رسانی)، دانشجویان.

مهناز پوراسماعیل

* دانشجویان دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و خدمات بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول؛ شماره تماس: ۰۹۱۲۷۸۳۰۷۰۳

Email: mahnazpou@gmail.com

اسماعیل فتاحی

دانشجویان دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و خدمات بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

دکتر طاهره دهداری

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و خدمات بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر برنامه آموزشی رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به پرفشاری خون شهرستان بستک: کاربرد مدل بزنف

فرزانه پورجلیل

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

۰۹۱۷۹۹۵۷۳۴۹

Shahre_arezuha@yahoo.com

صدیقه عابدینی

استادیار گروه آموزش و بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقا سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

شکرالله محسنی

مری گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: پرفشاری خون یکی از مهمترین مشکلات سلامتی است. که یک روش موثر برای کنترل این بیماری خودمراقبتی می‌باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر برنامه آموزشی بر رفتارهای خودمراقبتی بیماران پرفشاری خون شهرستان بستک با استفاده از مدل بزنف انجام گردید.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع مداخله‌ای نیمه تجربی بود. نمونه پژوهش ۱۸۰ نفر از بیماران مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان بستک بودند که به طور تصادفی در دو گروه مداخله (۹۰ نفر) و کنترل (۹۰ نفر) قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه ایی مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سازه‌های مدل بزنف بود که قبل از مداخله آموزشی و ۲ ماه پس از مداخله آموزشی تکمیل گردید. پس از انجام پیش آزمون و نتایج به دست آمده از آن، مداخله آموزشی مناسب طراحی و فقط در گروه مداخله اجرا شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۹ و آزمون‌های آماری تی زوجی، تی مستقل و کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌های پژوهش 50.62 ± 7.549 بود. پس از اجرای برنامه آموزشی، اختلاف آماری معناداری در میانگین نمرات نگرش، هنجارهای انتزاعی، فاکتورهای قادر کننده و رفتار خود مراقبتی در گروه مداخله مشاهده شد ($p=0.001$). عوامل قادر کننده با تاثیر 0.311 بین سازه‌های مدل، قوی ترین پیش بینی کننده رفتار خودمراقبتی بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان دهنده تاثیر مداخله آموزشی با استفاده از مدل بزنف بر بهبود رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون بوده. لذا توصیه می‌شود از این تئوری بعنوان چارچوبی جهت آموزش رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون استفاده شود.

کلید واژه: مدل بزنف، آموزش، رفتار خودمراقبتی، پرفشاری خون، بستک.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر برنامه آموزشی مبتنی بر مدل تلفیقی انگیزش محافظت و مدل رویکرد فرآیند عمل بهداشتی در ارتقای رفتار خودآزمایی پستان

چکیده

مقدمه: علی رغم مزایای رفتار خودآزمایی پستان در تشخیص زودرس سرطان پستان، بسیاری از زنان این رفتار را انجام نمی دهند و تحقیقات مختلف گزارش کرده اند میزان رفتار ماهیانه خودآزمایی پستان در آنها پایین می باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر برنامه آموزشی مبتنی بر مدل تلفیقی انگیزش محافظت و مدل رویکرد فرآیند عمل بهداشتی در ارتقای رفتار خودآزمایی پستان در زنان بالای ۴۰ سال انجام شد.

روش بررسی: این تحقیق یک مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شده (RCTs) بوده که روی جمعیتی از زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران انجام شد. در ابتدای تحقیق، هشتاد خانم بالای ۴۰ سال به طور تصادفی به دو گروه شاهد و مداخله تقسیم شدند: گروه PMT_HAPA و گروه شاهد. گروهها به وسیله ی یک فرد رهبری شدند تا اطمینان یابی در ارائه مطالب فراهم شود. دادهها بلافاصله و شش ماه بعد از مداخله بررسی شدند. پس از اخذ رضایت از شرکت کنندگان، پرسشنامه برنامه ریزی عملکردی و مقابله ای و متغیرهای PMT مورد ارزیابی قرار گرفت و در مرحله اول مطالعه، توان پیشگویی کننده گمی مدل تلفیقی انگیزش محافظت و مدل رویکرد فرآیند عمل بهداشتی (PMT_HAPA) روی ۴۰۰ نفر از زنان بالای ۴۰ سال شهر تهران تعیین شد سپس براساس سازهایی مدل تلفیقی که توان پیش بینی کننده بالاتری در رفتار خودآزمایی پستان داشتند، به زنان گروه مداخله طی ۴ جلسه آموزش داده شد.

دادهها با استفاده از دو پرسشنامه جمع آوری شد. پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی شامل سن، BMI، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات بود و پرسشنامه دیگر اندازه گیری سازههای مدل تلفیقی PMT_HAPA شامل: سازههای مدل PMT، قصد رفتاری، برنامه ریزی عملکردی و برنامه ریزی مقابله ای بود. تجزیه و تحلیلها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد و آزمونهای آماری آنالیز واریانس یک طرفه و Chi Square انجام شد.

یافته ها: آزمون Repeated-measures نشان داد میزان رفتار خودآزمایی پستان ۶ ماه بعد از مداخله نسبت به قبل از مداخله در شرکت کنندگان گروه مداخله افزایش نشان داد. همچنین نتایج نشان داد بین گروه مداخله و شاهد در میزان رفتار خودآزمایی پستان، بلافاصله و ۶ ماه بعد از مداخله تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: تقویت مداخله PMT با سازههای برنامه ریزی عملکردی و برنامه ریزی مقابله ای می تواند تغییر رفتار خودآزمایی پستان در زنان بالای ۴۰ سال را افزایش دهد.

کلید واژه: تئوری انگیزش محافظت، مدل رویکرد فرآیند عمل بهداشتی، خودآزمایی پستان

فاطمه پورحاجی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۰۹۳۶۳۰۲۶۷۲۹

Fatemeh.pourhaji@modares.ac.ir

فضل الله غفرانی پور

PH.d آموزش بهداشت و ارتقا سلامت و استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

ghofranf@modares.ac.ir



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش خودمراقبتی بر سواد سلامت دانش آموزان دوره دوم متوسطه با بکارگیری رویکرد محیط شبیه سازی شده

فاطمه پورحاجی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Fatemeh.pourhaji@modares.ac.ir

علیرضا حیدرnia

PH.d آموزش بهداشت و ارتقا سلامت و استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس
haidarnia@modares.ac.ir

محمدحسین دلشاد

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
h.delshad@modares.ac.ir

فهیمة پورحاجی

کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و کارشناس گروه توسعه و آموزش پزشکی دانشکده پزشکی مشهد
(pourhajib2@mums.ac.ir)

شرح تجربه

بیان مسئله: خودمراقبتی شامل اعمالی است آموخته شده آگاهانه و هدفدار که افراد برای خود، فرزندان و خانواده شان انجام می‌دهند تا تندرست بمانند، از سلامت خوب ذهنی و جسمی خود نگهداری کنند. نیازهای اجتماعی و روانی خود را برآورده سازند، از بیماری یا حوادث پیشگیری کنند. از آنجایی که دانش آموزان و به طور کلی نوجوانان درصد بالایی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند عملکرد دانش آموزان در این زمینه در سطح مطلوبی نیست. به نظر می‌رسد به دنبال صنعتی شدن و زندگی ماشینی در بسیاری از جوامع از جمله ایران، به تدریج بیماری‌های مزمن و عوامل خطر آنها مانند اضافه وزن و چاقی در حال افزایش است. از طرفی به دلیل اهمیت نقش نوجوانان دختر در شکل گیری الگوهای رفتاری نسل بعد و تاثیر الگوی رفتاری آنها بر سلامت نسل‌های بعدی به عنوان مادران آینده، الگوهای رفتاری مرتبط در این گروه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. لذا اصلاح شیوه زندگی یکی از راهکارهای مناسب و کارآمد دستیابی به سلامتی و پیشگیری از هر گونه بیماری است که امروزه مورد توجه قرار گرفته است (۱). یکی از رویکردهای نوین آموزشی، شیوه شبیه سازی می‌باشد به طوری که در این روش فراگیر به طور فعال در یادگیری مشارکت می‌نماید و مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی، استدلال، و اعتماد به نفس را در وی تقویت می‌یابد (۲) لذا این طرح با هدف ارتقای سطح سواد سلامت دانش آموزان در زمینه خودمراقبتی در محیط شبیه سازی در دوره دوم متوسطه شهر تهران انجام شد.

اهداف تجربه: هدف کلی: تعیین تاثیر آموزش خودمراقبتی بر سواد سلامت دانش آموزان دوره دوم متوسطه با رویکرد بکارگیری محیط شبیه سازی شده

اهداف اختصاصی: ارتقا سطح آگاهی، نگرش و رفتار دانش آموزان در زمینه خودمراقبتی و عوامل مؤثر بر آن؛ ارتقا سطح توانمندی دانش آموزان در زمینه آموزش خودمراقبتی به همسالان و همتایان خود؛ ارتقا سطح توانمندی دانش آموزان جهت انتقال اطلاعات خودمراقبتی به والدین خود

روش و مراحل کار: در پژوهش مداخله ای ۳۰ نفر از دانش آموزان دوره دوم متوسطه در یکی از مدارس تهران به طور تصادفی انتخاب شده و آموزش رفتارهای مربوط به خودمراقبتی بیماریهای غیر واگیر، تغذیه، تحرک بدنی، حفظ محیط زیست، و مدیریت کاهش خطر بلایا در محیط شبیه سازی شده و با استفاده از شیوه تمرین عملی، فیلم و کتب خودمراقبتی انجام شد. آموزش دانش آموزان توسط فرد آموزش دیده در زمینه آموزش بهداشت انجام شد. نتیجه آزمون عملی در فهرست واریسی ثبت و داده‌ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شد.

گام اول: کسب رضایت از والدین و کادر آموزشی و دانش آموزان. جهت شرکت در طرح گام دوم: مصاحبه با دانش آموزان در زمینه رفتارهای خودمراقبتی و اختصاص امتیاز به دانش آموزان گام سوم: حضور در مدرسه و برگزاری ۴ جلسه آموزشی در زمینه خودمراقبتی به شیوه سخنرانی، پرسش و پاسخ، تمرین عملی و ایفای نقش سپس به دانش آموزان به مدت دو هفته فرصت داده شد تا کتاب خودمراقبتی دوره دوم متوسطه را نیز مطالعه نماید. و آموخته‌های عملی خود را تمرین نمایند.

گام چهارم: پس از دو هفته طبق برنامه آموزشی محیط شبیه سازی شده در مدرسه ایجاد شد و نحوه آموزش خودمراقبتی به همسالان از طریق دانش آموزان مورد مشاهده قرار گرفت.

ابتدا مشخصات دموگرافیک ثبت و سپس طبق فهرست واریسی که براساس اهداف رفتاری توسط پژوهشگر تهیه و برابری و پایایی آن سنجیده شده بود عملکرد دانش آموز به صورت ضعیف، متوسط و خوب به ترتیب نمره مهارت ۱ تا ۳ ثبت گردید. نتایج: این مطالعه نشان داد که آموزش در محیط شبیه سازی شده منجر به افزایش معنی دار در مهارت دانش آموزان در آموزش خودمراقبتی به همسالان و یادگیری آنان می‌گردد. نتایج نشان داد آموزش مبتنی بر شبیه سازی، طیف وسیعی از مهارت‌های فردی، فنی، و نتایج زیرساختی ریشه ای و پایدار را ایجاد کرده و یادگیری مبتنی بر شبیه سازی موجب بهبود خودمراقبتی و در نتیجه ترویج سبک زندگی سالم می‌شود.

ذینفعان / مخاطبان: عموم مردم به ویژه نوجوانان و جوانان - دانش آموزان مدارس سراسر کشور - (ب) مخاطب ثانویه (ذینفعان و شرکای برنامه) - خانواده‌های دانش آموزان سیاستگذاران و مجریان خارج حوزه سلامت - سیاستگذاران و مجریان حوزه سلامت - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - وزارت آموزش و پرورش

چالش‌های طرح: نقاط قوت: به روز بودن محتوای آموزش و فراهم آوردن امکان اصلاح خطاها و رفع اشکالات در شرایط یادگیری شبیه به واقعی

- علاقمندی دانش آموزان به شرکت در برنامه آموزشی طراحی شده و اصلاح مشکلات آموزشی و عملکردی خود

- اختصاصی بودن آموزش خودمراقبتی

- امکان ارزیابی دقیق مهارت هر فراگیر در رفتارهای مربوط به خودمراقبتی در شرایط بسیار شبیه به واقعی

- ارائه بازخورد فوری به فراگیران بر اساس نیازهای فردی

- ارتقا سطح مشارکت دانش آموزان در آموزش همسالان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



فرایند نظارت بر کمیته فعالیت آموزشی اعضای هیات علمی بستری جهت ارتقاء مسئولیت پذیری و پاسخگویی پزشکان در آینده شغلی

فهمه پورحاجی

* کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، گروه توسعه آموزش، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران. ۳۸۰۰۲۵۱۳

pourhajif2@mums.ac.ir

دکتر محمد اعتضاد رضوی

دکترای تخصصی چشم پزشکی، گروه چشم پزشکی، معاون آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران

مهندس رضا صحرائوردی

کارشناس ارشد کامپیوتر، گروه ارزشیابی، ساختمان قرنی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران

شرح تجربه

بیان مسئله: طبق کوریکولومها و لاگ بوکها و برنامه‌های آموزشی وزارت متبوع دانشجویان رشته پزشکی برای فراگیری دانش و مهارت‌ها عملی و بالینی باید ساعات مشخصی را صرف فراگیری دانش و نگرش و مهارت‌های بالینی نمایند. و از طرفی اعضای هیات علمی گروه‌های آموزشی نیز موظفند ساعات آموزشی را صرف آموزش دانشجویان در مقاطع مختلف پزشکی از علوم پایه گرفته تا کارآموزی و کارروزی و مقطع دستیاری نمایند تا دانشجویان با کسب آموزش‌های لازم از جانب اساتید در حوزه پزشکی و بهداشتی ارتقاء پیدا کنند و جامعه در آینده شاهد پزشکانی باشد که با دانش و مهارت لازم با بیشترین حسن مسئولیت پذیری پاسخگویی نیازهای پزشکی مردم باشد. به همین دلیل گروه‌های آموزشی موظفند بر اساس تعداد اعضای هیات علمی که جذب گروه شدند و بر اساس فعالیت‌های تعریف شده برای گروه به طور عادلانه فعالیت‌های آموزشی را بین اعضای هیات علمی گروه تقسیم نمایند، چالش بزرگی که امروز گروه‌های آموزشی بالینی با آن روبرو هستند عدم تناسب فعالیت‌های تعیین شده برای اعضای هیات علمی و فعالیت‌های انجام شده اساتید می‌باشد. شکایات و نارضایتی‌های بسیاری از سوی دانشجویان رشته پزشکی که در مقاطع استازری و انترنی و دستیاری مشغول تحصیل هستند گزارش شده است. از آن جمله می‌توان به نبودن برنامه مشخصی در هر یک از بخش بالینی برای آموزش و سرگردان بودن دانشجویان در بخش‌های مختلف، عدم حضور به موقع اساتید در راندها، گرانراندن‌ها، مهارت‌های عملی درمانگاه‌های آموزشی و سایر فعالیت‌های آموزشی یا ناکافی بودن و نیمه تمام ماندن آموزش‌ها در روتین‌های بخش‌های مختلف گروه‌های بالینی بیمارستان‌ها و عدم یادگیری کامل محتوای و مهارت‌های بالینی مورد نیاز آموزش که توسط کوریکولوم‌های وزارت متبوع استاندارد سازی و تعیین شده است. و این مساله فارغ از شاخص کیفیت آموزش، مربوط به میزان یا مقدار زمانی که استاد صرف آموزش دانشجویان می‌کند، می‌شود. براین اساس چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که یک عضو هیات علمی با توجه به فعالیت‌های که از پیش برای سال تحصیلی او تعریف شده است این فعالیت‌ها را به نحو کامل انجام داده است؟ دانشگاه علوم پزشکی مشهد با توجه به برنامه‌ها، لاگ بوک‌ها و کوریکولوم‌های آموزشی استاندارد شده هر یک از رشته‌های تخصصی بالینی و با توجه به آئین‌نامه‌ها بی که وزارت متبوع برای آموزش دانشجویان در مقاطع مختلف پزشکی (استازری، انترنی و دستیاری) تعریف کرده است و ساعات موظفی مشخصی که بر اساس شرایط گروه برای اعضای هیات علمی مشخص شده است اقدام به طراحی سامانه‌ای برای ثبت فعالیت‌های آموزش اعضای هیات علمی کرده است.

اهداف تجربه: ارتقاء کمی و کیفی آموزش بالینی به وسیله پایش مداوم و مستمر کلیه برنامه‌های آموزشی (آموزش‌های درمانگاهی، اتاق عمل، رانندگی بالینی، کلاس‌های تئوری و...) اساتید بالینی بستری جهت ارتقاء مسئولیت پذیری و پاسخگویی پزشکان در آینده شغلی **روش و مراحل کار:** - تعریف پروژه و برنامه ریزی برای انجام آن - تشکیل کارگروه پروژه - تهیه فلوجارت نحوه ارزشیابی و شرح وظایف اعضای گروه بر اساس فلوجارت - برگزاری جلسات برای جلب همکاری و مشارکت مسئولین بیمارستانها و اعضاء ذریب - برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت رابطین بخشها و کارشناسان آموزشی مرتبط با اجرای پروژه - درخواست برنامه‌های آموزشی از گروه‌ها - طراحی نرم افزار بر اساس برنامه آموزشی گروه‌های بالینی - انتخاب فعالیت‌های آموزشی برای هر گروه توسط کارشناس آموزشی گروه با نظر مدیر گروه مربوطه - اجرای پروژه به صورت پایلوت در سه گروه پزشکی هستی ای، زنان و اطفال در بیمارستان قائم (نخ) مشهد - نظارت و تهیه گزارش اشکالات موجود به مسئولین و کارشناسان ذریب - برگزاری جلسات و بررسی و رفع اشکال حضوری موارد مطروحه با مدیران و کارشناسان گروه‌های آموزشی - اجرای پروژه بازنگری شده در همه گروه‌های پزشکی بالینی از آبان ماه - تهیه گزارش ماهانه از روند ثبت اطلاعات و نتایج حاصله - بررسی حضوری کارشناسان برای رفع مشکلات و دقت در ثبت اطلاعات و اصلاح اشکالات - اعمال نظرات صاحب نظران ناشی از نتایج و اصلاح فرایند. - تهیه گزارش نهایی **نتایج:** نظارت و کنترل و ارزیابی میزان فعالیت‌های آموزشی اساتید بر اساس این سامانه و بازخورد این نتایج می‌تواند گروه‌های آموزشی را در برنامه ریزی دقیق و منصفانه بر اساس استانداردهای مشخص شده از سوی وزارت و بر اساس شرایطی که هر یک از گروه‌های آموزش دارد هدایت نماید. به طور کلی متخصصینی که به عنوان عضو هیات علمی جذب دانشگاه علوم پزشکی می‌شوند موظف به انجام فعالیت‌های آموزشی و بالینی برای دانشجویان این دانشگاه و بخشهای درمانی گروه آموزشی مربوطه می‌باشند تا هدف اصلی وزارت بهداشت که ارائه آموزش‌های مناسب به دانشجویان است محقق و روز به روز شاهد افزایش سطح مسئولیت پذیری و افزایش سطح سواد سلامت پزشکان در جامعه باشیم. فعالیت‌های آموزشی و بالینی اساتید در ابتدای سال تحصیلی و در یک بازه زمانی مشخص توسط گروه آموزشی مربوطه مشخص و تعریف می‌شوند. فعالیت‌های آموزشی و بالینی اساتید توسط کارشناسان آموزش گروه در سامانه ثبت فعالیت‌های اعضای هیات علمی که بر اساس فعالیت‌های تعریف شده هر یک از گروه آموزشی طراحی شده است ثبت خواهد شد. و بر اساس گزارشات این سامانه مشخص می‌شود هر یک از اعضای هیات علمی چه مدت زمانی را صرف فعالیت‌های آموزشی و بالینی تعریف شده برای آنان نموده اند

ذینفعان / مخاطبان: کلیه اعضای هیات علمی بالینی در گروه‌های بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد **چالش‌های طرح:** - عدم تطابق برنامه گروه‌ها با برنامه ثبت فعالیتها - عدم ارسال اطلاعات اولیه از منشی‌های درمانگاه، اتاق عمل، منشی گروه به کارشناس رابط ارزشیابی - عدم لینک شدن سامانه ثبت مرخصیها و مأموریتها به این سامانه - عدم ثبت فعالیتها در بعضی فیلدها در سامانه - تکرار مکرر برنامه‌ها قبل از رسیدن زمان مقرر توسط کارشناسان ثبت و ایجاد کسر فعالیت برای اساتید

کلید واژه: کمیته فعالیت آموزشی، اعضای هیات علمی، سامانه ثبت فعالیت آموزشی، مسئولیت پذیری پزشکان، آینده شغلی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مشاوره سلامت بر ارتقای سواد سلامت مادران نخست‌زا در خصوص نحوه وضع حمل

انیسه پوررسمی ممقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

محمد هیوا عبدخدا

* استادیار کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۴۱۳۳۲۵۱۳۷۸، abdekhodam@tbzmed.ac.ir

پروین باستانی علمداری

دانشیار زنان و مامائی، گروه زنان و مامائی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: میزان سزارین در سال‌های اخیر در اکثر کشورها بخصوص در ایران بیشتر از نرخ استاندارد تعریف شده توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) می‌باشد. که یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها در زمینه زنان و زایمان می‌باشد. سطح پایین سواد سلامت زنان و تحریف فرهنگی از عوامل اصلی افزایش سزارین می‌باشد. به نظر می‌رسد مشاوره سلامت می‌تواند روشی مناسب برای حذف سزارین‌های غیرضروری باشد. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر مشاوره سلامت و دانستن خطرات زایمان طبیعی و سزارین قبل از زایمان در مادران نخست‌زای مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز بود.

روش بررسی: این مطالعه کارآزمایی بالینی قبل و بعد از اردیبهشت تا شهریور سال ۱۳۹۶ در مراکز بهداشتی شهر تبریز انجام شد. ۱۲۰ خانم باردار در هفته ۲۸ بارداری بدون اندیکاسیون سزارین، وارد مطالعه شدند. آموزش زنان در طی جلسات آموزشی به صورت حضوری و بسته‌های اطلاعاتی در قالب بروشور، پمفلت و کتابچه انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه، قبل و بعد از مداخله و پیگیری بررسی شد.

یافته‌ها: میزان سزارین به طور معنی‌داری با مداخله آموزشی کاهش یافت ($p < 0/01$). قبل از مشاوره سلامت، ۶۶/۷ درصد زنان زایمان طبیعی و ۳۳/۳ درصد سزارین را انتخاب کردند. پس از مداخله با افزایش چشمگیری در انتخاب زایمان طبیعی، ۷۸/۴ درصد برای زایمان طبیعی و ۱۵/۳ درصد سزارین را به عنوان گزینه مناسب برای زایمان خود اعلام کردند ($p < 0/01$). همچنین دانستن خطرات زایمان طبیعی و سزارین برای مادران باردار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. از میان این دو مورد، اطلاع از خطرات برای مادر بعد از زایمان سزارین پررنگ‌تر بود. نتایج پیگیری بعد از مداخله آموزشی نشان داد که ۴۴/۲ درصد از شرکت‌کنندگان در این مطالعه زایمان طبیعی و ۵۰ درصد سزارین انجام دادند. ۵/۸ درصد به دلایلی مشخص از مطالعه حذف شدند. پس از بررسی مشخص شد که تشویق پزشکان به سزارین عامل اصلی و اولیه افزایش سزارین بود.

نتیجه‌گیری: بهبود سواد سلامت زنان با برنامه‌های مشاوره اطلاعاتی نظام‌مند می‌تواند تأثیر چشمگیری در تشویق مادران به تغییر الگوهای تصمیم‌گیری و نوع تصمیم برای زایمان طبیعی و کاهش سزارین داشته باشد، اما در عمل، برخی از عوامل به ویژه توصیه‌های دائمی و تشویق پزشکان به سزارین به عنوان یک زایمان مناسب و برنامه‌ریزی شده، نقش این مداخلات را تضعیف می‌کند.

کلید واژه: مشاوره سلامت، ارتقاء، سواد سلامت، وضع حمل

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد دیابتی توسط کارشناسان تغذیه تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی

چکیده

مقدمه: آموزش در دیابت یک مسأله بنیادی و مهم در دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب است. آموزش تغذیه و مراقبت‌های تغذیه‌ای در بیماران مبتلا به دیابت بسیار حائز اهمیت است و از بروز و پیشرفت عوارض جلوگیری می‌کند. یافته‌های متناقضی در زمینه تاثیر آموزش بر آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ وجود دارد. هدف این مطالعه بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد دیابتی توسط کارشناسان تغذیه شاغل در طرح تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه با هدف بررسی وضعیت جلسات آموزش تغذیه برای بیماران دیابتی در مراکز جامع سلامت استان آذربایجان شرقی در طول سالهای ۹۵ و ۹۶ پس از اجرای طرح تحول سلامت انجام شد.

جلسات آموزشی برای بیماران مبتلا به دیابت توسط کارشناسان تغذیه شاغل در مراکز جامع سلامت بصورت هفته‌ای یک جلسه برگزار گردید و تمام بیماران مبتلا به دیابت پس از مشاوره تغذیه و دریافت رژیم غذایی ملزم به شرکت در جلسات آموزشی حداقل دو بار می‌باشند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۷۹۸ نفر بیمار مبتلا به دیابت در ۱۲۶۲ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند و در سال ۱۳۹۶ تعداد ۵۲۳۰ نفر بیمار مبتلا به دیابت در ۱۰۷۴ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نقش مهم آموزش در مدیریت و کنترل بیماری‌های مزمن از جمله بیماری دیابت، استفاده از این آموزش‌ها جهت دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب توصیه می‌شود. اجرای برنامه‌های آموزشی بلندمدت تغذیه سالم و راه‌های پیشگیری و کنترل دیابت توسط کارشناسان تغذیه و کارکنان بهداشت بطور مرتب پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: دیابت، آموزش، کارشناس تغذیه

فتح اله پورعلی

* کارشناس مسئول بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران). ۰۹۱۴۴۰۲۱۳۲۸

poorali77@gmail.com

آرزو اصغری

کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

حمیده کوشا

کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط میزان اضطراب با سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت در زنان باردار مراجعه کننده به بیمارستان شهید مصطفی خمینی ۱۳۹۷

اشرف پیراسته

* آموزش و ارتقا سلامت، گروه پزشکی اجتماعی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

تلفن: ۰۲۱۵۲۲۱۲۶۱۳

pirasteh.ashraf@gmail.com

کبری خاجوی شجاعی

بهداشت و مادر و کودک، گروه پزشکی اجتماعی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران)

زهرا جوهری

آموزش پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران)

فانزه میرباقری برمی

دانش آموخته پزشکی عمومی، گروه پزشکی اجتماعی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران)

چکیده

مقدمه: اضطراب بارداری یکی از عوامل مهم در پیش بینی نتایج منفی در حین زایمان می باشد. سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت به عنوان یک عامل حفاظتی در برابر اضطراب بارداری عمل می کند. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط اضطراب با سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت در زنان باردار انجام گرفت.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه ی توصیفی است که بر روی ۲۲۰ باردار مراجعه کننده به درمانگاه بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره) انجام گرفت. پرسشنامه ی اضطراب وندنبرگ و پرسشنامه ی نیم رخ سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت تکمیل شد. داده ها با آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد.

یافته ها: نتایج تحلیل رگرسیون آشکار کرد که اضطراب حاملگی با نمره ی کلی رفتارهای ارتقا دهنده ی سلامت ارتباط منفی داشت. فعالیت بدنی و مدیریت استرس بصورت معکوس اضطراب حاملگی را پیش بینی کردند ولی مسئولیت پذیری سلامت، تغذیه، رشد روحی و روابط بین فردی نتوانستند اضطراب حاملگی را پیش بینی کنند.

نتیجه گیری: سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت در کاهش اضطراب حاملگی موثر است و لزوم آموزش سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت را مطرح می سازد.

کلید واژه: زنان باردار، سبک زندگی ارتقا دهنده ی سلامت، اضطراب حاملگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت مادران باردار با مراقبت‌های دوران بارداری و پیامدهای آن در شهرستان یزد در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: سواد سلامت، عنصری مهم در توانایی یک زن برای درگیر شدن با فعالیتهای ارتقای سلامت برای خود و کودکانش محسوب میشود. در کل سواد سلامت مناسب مادران باردار باعث گذراندن دوران بارداری بی خطر و بدنیآ آمدن نوزادی سالم می‌شود. با توجه به اهمیت سلامت مادران باردار و تولد نوزادی سالم مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین سواد سلامت مادران باردار با مراقبت‌های دوران بارداری و پیامد آن در بین زنان باردار مراجعه کننده به مراکز سلامت استان یزد انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۳۹۰ نفر از زنان باردار انجام گرفته است. افراد به صورت خوشه ای چند مرحله ای از مراکز سلامت شهرستان یزد (شهری و روستایی) انتخاب شدند. از پرسشنامه سواد سلامت مادران باردار (MHLAP) که حاوی ۱۴ سوال با دامنه نمره ۷۰-۱۴ می‌باشد و پرسشنامه نتایج بارداری نیز دارای ۱۲ سوال با دامنه نمره ۱۲ تا ۶۰ می‌باشد استفاده شد. روایی و پایایی پرسشنامه‌های مذکور به اثبات رسیده است. پس از کسب رضایت از افراد پرسشنامه‌ها زیر نظر کارشناس و در اولین مراقبت پس از تولد نوزاد تکمیل شد و داده‌ها وارد نرم افزار (SPSS ۲۰) شد و از آمار توصیفی و آزمون‌های T-test, ANOVA و همبستگی پیرسون استفاده گردید و سطح معناداری ۰۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) سن افراد برابر با (۵/۸) ۳/۲۷ سال بود. دامنه سن افراد ۱۳ تا ۴۵ سال بود. در حدود ۲ درصد بیسواد، ۱/۵ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱/۳۹ درصد دیپلم، ۳۲/۲ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند. در حدود ۸۴/۵ درصد ساکن شهر و مابقی ساکن روستا بودند. میانگین (انحراف معیار) نمره سواد سلامت مادران باردار برابر با (۹،۸۵) ۵۴،۶۷ بود. همچنین بین سواد سلامت مادر با سطح تحصیلات مادر، زمان شروع مصرف مکمل‌ها (آهن و اسیدفولیک)، اطلاع از وزن پیش از بارداری و وزن گیری مناسب در طی بارداری و همچنین مصرف روزانه مواد پروتئینی و سبزیجات ارتباط معناداری دیده شد. از طرف دیگر میانگین (انحراف معیار) نمره نتیجه بارداری برابر با (۶،۰) ۴۷،۴۱ بود که ارتباط معناداری با سواد سلامت داشت ($p < 0.001$ - $R = 0.633$). نتیجه بارداری نیز با سطح تحصیلات، محل زندگی، وزن هنگام تولد، تعداد مراقبت‌های انجام گرفته در طول دوران بارداری و اطلاع از وزن پیش از بارداری ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه ارتباط معناداری بین سواد سلامت و نتیجه بارداری در این گروه از زنان دیده شد به نظر می‌رسد که در مراکز سلامت، مراقبین سلامت باید در جهت ارتقاء سطح سواد بالاخص در زمینه شروع مصرف مکمل‌ها، اهمیت وزن پیش از بارداری و وزن گیری مناسب در هنگام بارداری و همچنین تغذیه مناسب تلاش نمایند تا نتیجه آن بر سلامت نوزادان نمایان شود.

کلید واژه: سواد سلامت، بارداری، مراقبت، وزن هنگام تولد

آسیه پیرزاده

* استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: تلفن ۰۳۱۳۷۹۲۳۳۴۰

email: as_pirzadeh@hlth.mui.ac.ir

طاهره ندوشن

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه نگر گرایش بهداشت باروری - کارشناس مسئول آموزش بهورزی استان یزد، بهداشت باروری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مریم نصریان

استادیار، اپیدمیولوژی، آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



خودارزیابی سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر مهناز صلحی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

راضیه پیروزه

* دانشجوی دوره دکترای تخصصی آموزش بهداشت و
ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۸۶۷۰۴۸۱۲
r_pirouzeh@yahoo.com

چکیده

مقدمه: ورود به محیط جدیدی به نام دانشگاه برای دانشجویان روبارویی با عوامل تنش زای جدید را فراهم می‌کند که می‌تواند به سلامت روان آنها آسیب برساند. هدف از مطالعه حاضر تعیین خودارزیابی سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران بود.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی تعداد ۳۰۰ نفر از دانشجویان به طور تصادفی در مطالعه شرکت کردند. ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که روایی و پایایی آن در یک مطالعه مقدماتی کسب شد. داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ با استفاده از شاخص‌های توصیفی و آزمون‌های تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ۱۲۶ دانشجوی مورد بررسی (۴۲٪) پسر و ۱۷۴ دانشجوی مورد بررسی (۵۶٪) دختر بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان 25.6 ± 2.1 سال بود. از نظر تاهل ۸/۸۶٪ مجرد و ۱۲/۷٪ متأهل بودند. نتایج مطالعه نشان داد میزان غلبه بر خشم و اضطراب در بین دانشجویان پایین بود. همچنین بین جنسیت و سلامت روان و مصرف قلیان و سلامت روان رابطه معنادار آماری مشاهده شد ($p < 0.001$). بدین صورت که پسران سلامت روانی خود را بهتر گزارش کردند و کسانی که قلیان مصرف می‌کردند سلامت روان خود را نامطلوب تر ارزیابی کردند.

نتیجه گیری: مهارت غلبه بر خشم و اضطراب در دانشجویان مطلوب نیست لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت ارتقاء این مهارت‌ها برای دانشجویان ضروریست.

کلید واژه: خودارزیابی، سلامت روان، دانشجویان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نگرش به سالمندی در ایران: یک مطالعه مروری

چکیده

مقدمه: امروزه جمعیت سالمند در جامعه جهانی و نیز ایران در حال افزایش است. نگرش مثبت به سالمندی پیامدهای مثبتی خواهد داشت و نگرش منفی بر روی سلامت جسمی و روانی سالمندان اثرات منفی خواهد گذاشت. مطالعه حاضر با هدف بررسی نگرش به سالمندی در متون و مطالعات انجام شده و رسیدن به درک عمیق آن صورت گرفته است.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه مروری حکایتی و عمیق است که با جستجوی مقالات فارسی با استفاده از کلیدواژه‌های نگرش، باورها، سالمندی، دوره سالمندی در پایگاه‌های داخلی SID, Magiran, IRANMEDEX, IRANDOC, و جستجوی کلیدواژه‌های elderly old people, aging attitude و Google scholar, ProQuest, PubMed, Web of Sciences, Scopus, Science Direct در بازه زمانی ۲۰۱۷ - ۲۰۰۰ انجام شد. نتیجه این جستجو دستیابی ۴۵ منبع مرتبط با موضوع بود که از این میان ۱۷ مورد که مطابق با هدف مطالعه به صورت توصیفی بودند برای نگارش این مقاله استفاده شد.

یافته‌ها: در اکثر مطالعات نگرش منفی به سالمندی و سالمندان مشاهده شد. کودکان و خود سالمندان نگرش منفی تری نسبت به سالمندی داشتند. نگرش به دوره سالمندی در بین دانشجویان رشته‌های پرستاری و پزشکی نسبتاً مطلوب گزارش شده است در حالی که سایر جوانان و نوجوانان نگرش منفی به سالمندی داشتند. برای کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی در برخی مطالعات نگرش نسبتاً مطلوب و در برخی مطالعات نگرش منفی ذکر شده بود.

نتیجه‌گیری: نگرش منفی به افراد سالمند بسیار گسترده شده است لذا ایجاد، حفظ و تقویت نگرش مثبت در بین افراد جامعه نسبت به سالمندان و دوره سالمندی جهت ارتقاء سلامت سالمندان و همچنین جهت ایجاد تصور و نگرش مثبت برای جوانان و نوجوانان نسبت به آینده سالمندی آنها مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: سالمندی، نگرش، ایران، مطالعه مروری

دکتر مهناز صلحی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

راضیه پیروزه

✽ دانشجوی دوره دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۸۶۷۰۴۸۱۲
r_pirouzeh@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مروری بر رابطه سواد سلامت و وضعیت سلامت جسمانی در سالمندان

مهدیه عابدی پور

* دانشجوی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد،
گناباد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۳۰۳۵۵۵۲۸۱
abedipoor.m1997@gmail.com

مهدی اسماعیلی

دانشجوی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد،
گناباد، ایران

سید محمود ملایی

دانشجوی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد،
گناباد، ایران

ملیحه پیشوایی

گروه سلامت خانواده، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و
ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

چکیده

مقدمه: پدیده افزایش جمعیت سالمندان یکی از مهمترین چالشهای اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی در قرن بیست و یکم به شمار میرود. از طرفی رشد جهانی جمعیت سالمندان، برای ارائه کنندگان خدمات بهداشتی و درمانی و برای اعضای خانواده و جامعه ای که سالمندان در آن زندگی میکنند یک چالش مهم محسوب میگردد. سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است که طی آن، سالمندان در معرض تهدیدات بالقوه ای نظیر افزایش ابتلای به بیماریها، تنهایی و انزوا و عدم برخورداری از حمایت اجتماعی بوده و به دلیل ناتوانیهای جسمی و ذهنی، در موارد زیادی نیز استقلال فردیشان مورد تهدید قرار میگیرد. بحث سلامت یکی از مهمترین مباحث دوران سالمندی به شمار میرود به طوری که امروزه نقش فرد به عنوان عامل مرکزی در مدیریت سلامت خود مورد تاکید میباشد هدف از این پژوهش مروری بر رابطه سواد سلامت و وضعیت سلامت جسمانی در سالمندان می باشد.

روش بررسی: این مطالعه به روش توصیفی کتابخانه ای از طریق بررسی مدارک، استفاده از کتب و اسناد معتبر انجام شد و جستجوی مقالات در پایگاههای تخصصی Google Scholar، Medline، Sid صورت پذیرفت که ۴۰ مقاله مرتبط بر اساس معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند.

یافته ها: نتایج بررسی مطالعات انجام شده نشان میدهد که بیشتر سالمندان مورد مطالعه از سواد سلامت ناکافی برخوردار بودند. سواد سلامت ناکافی در افراد با سن بالا، میزان تحصیلات کمتر و زنان شایعتر است. رابطه سواد سلامت و شغل معنادار گزارش شد به طوری که زنان خانه دار از سواد سلامت ناکافی برخوردار بودند. در صورتی که در مطالعه محسنی رابطه آماری معنی داری بین سواد سلامت با سن، جنس، وضعیت تاهل، وضعیت مالی و عملکرد فیزیکی مشاهده نشد. رابطه سواد سلامت با توانایی انجام فعالیتهای روزانه، عملکرد فیزیکی و همچنین ابعاد جسمی و روانی کیفیت زندگی بطور مثبت و معنادار گزارش شده است.

نتیجه گیری: بطور کلی، نتایج مطالعات ناکافی بودن سطح سواد سلامت در بین سالمندان و بزرگسالان را نشان می دهد که به عنوان هشدار برای ارائه دهندگان خدمات بهداشتی محسوب میشود. این در حالیست که سواد سلامت میتواند در کنترل و خودمراقبتی بیماریها در سالمندان، کاهش هزینهها و مراجعه به مراکز بهداشتی و درمانی موثر باشد. با این وجود ارتقاء سواد سلامت در سالمندان مستلزم فرهنگ سازی، آموزش مداوم و کارآمد، همکاری درون بخشی و بین بخشی است.

کلید واژه: سواد سلامت، سالمند، سلامت جسمی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر قصه‌های قرآن بر شادکامی و سخت‌رویی روانشناسی دانشجویان

چکیده

مقدمه: قصه‌گویی در طول تاریخ مورد علاقه و توجه بشر بوده و برای او جذابیت و کشش خاصی داشته است. به همین دلیل، قصه یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز به نیاز بشر و گرایش او به قصه توجه نشان داده و با تأکید بر علایق طبیعی انسان بسیاری از مباحث ظریف اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی را در قالب زیباترین داستان‌ها طرح و ارائه می‌نماید. این پژوهش با هدف تأثیر قصه‌های قرآن بر شادکامی و سخت‌رویی روانشناسی دانشجویان انجام گرفت.

روش بررسی: جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد گناباد است که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل می‌باشند. در این پژوهش ۳۰ دانشجو با نمونه‌گیری تصادفی در دسترس بعنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند. نمونه گروه آزمایش ۱۵ نفر از دانشجویانی که در جلسات معنویت به صورت داوطلب شرکت کرده‌اند را شامل می‌باشد. نمونه گروه کنترل ۱۵ نفر از دانشجویان که در جلسات معنویت شرکت نکردند (از بین دانشجویان دانشگاه بصورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند) را شامل می‌باشد. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با دو گروه آزمایش و کنترل می‌باشد. گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه تحت تأثیر متغیر مستقل داستانها و قصه‌های قرآن قرار گرفتند اما گروه کنترل تحت هیچگونه مداخله‌ای قرار نگرفتند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه سخت‌رویی کوباسا استفاده شد.

یافته‌ها: این پژوهش نشان داد که میانگین نمرات شادکامی و سخت‌رویی روانشناسی در پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معنا داری از میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه کنترل بالاتر است.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری می‌شود که داستانها و قصه‌های قرآن در ارتقای سطح شادکامی و سخت‌رویی روانشناسی دانشجویان مؤثر است.

کلیدواژه: قصه‌های قرآن، داستان‌گویی، شادکامی، سخت‌رویی روانشناسی.

ملیحه پیشوایی

۱- گروه سلامت خانواده، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

مهدیه عابدی پور

* دانشجوی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۰۹۷۵۲۴
masterpiece704@gmail.com

امین غلامی مندی

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان سواد سلامت بیماران سرطانی ساکن مناطق روستایی استان س و ب سال ۹۵: آموزش یک نیاز اساسی

دکتر محمد خمینیا

مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی
زاهدان، زاهدان، ایران

دکتر علیرضا انصاری مقدم

مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی
زاهدان، زاهدان، ایران

منیره اسکندری

مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی
زاهدان، زاهدان، ایران

آرزو علی نژاد رنجبر

مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی
زاهدان، زاهدان، ایران

مصطفی پیوند

* مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم
پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۵۹۴۱۲۹۶۵

Mp.pEyvand@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت کسب، پردازش، درک اطلاعات اساسی و خدمات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سلامت اطلاق می‌گردد. با توجه به افزایش شیوع بیماری‌های غیر واگیر به ویژه سرطان در ایران و اهمیت سواد سلامت در این بیماران انجام چنین مطالعه‌ای لازم و ضروری به نظر می‌رسید؛ لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سواد سلامت بیماران سرطانی ساکن مناطق روستایی انجام گردید.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی که بر روی ۱۵۶ بیمار مبتلا به سرطان ساکن مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان انجام شد، بیمارانی که جهت درمان به دو بیمارستان دانشگاهی (خاتم الانبیاء (ص) و علی بن ابی‌طالب) مراجعه کردند به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت سنجش سواد سلامت از پرسشنامه استاندارد سواد سلامت جمعیت شهری ایران Health Literacy for Iranian Adults (HELIA)) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss۲۱ به کمک آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه تعداد ۷۸ زن و ۷۸ مرد با میانگین سنی $31/7 \pm 23/1$ سال که بیشتر آنها بی سواد (۸۵ نفر ۵۴/۱٪) بودند. ۵۹ نفر (۳۷/۶٪) مبتلا به سرطان خون بودند. میانگین نمره سواد سلامت ۷۲ نفر (۴۵٪)، در بعد ضعیف، ۴۰ نفر (۲۵٪)، ناکافی ۳۵ نفر (۲۲٪) کافی و ۹ نفر عالی (۶٪) بود. تعداد ۴۰ نفر (۲۵/۵٪) از بیماران نمی‌دانستند اطلاعات مربوط به سلامتی خود را از چه مرجعی کسب کنند. **نتیجه‌گیری:** به طور کلی سطح سواد سلامت بیماران سرطانی ساکن روستا در حد نامطلوب بود که این خود لزوم توجه بیشتر به امر سواد سلامت در برنامه‌های ارتقای سلامت را نشان می‌دهد. فرهنگ سازی و آموزش افراد از طریق نظام سلامت، رسانه‌های جمعی، مراکز جامع خدمات جامع سلامت روستایی و بهورزان را برای بالا بردن سطح سواد سلامت توصیه می‌شود. که در نهایت بدین طریق می‌توان تأثیرات منفی سطح پایین سواد سلامت را در جامعه کاهش داد.

کلید واژه: سواد سلامت، سرطان، مناطق روستایی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل موثر بر مرگ ومیر کودکان ۵۹-۱ ماهه در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

چکیده

مقدمه: شاخص مرگ ومیر کودکان زیر ۵ سال یکی از اهداف مهم توسعه هزاره می باشد. شناسایی الگو شیوع مرگ و کنترل عوامل علیتی آن جهت طراحی مداخلات و جلوگیری از مرگ های مشابه، یکی از راه های افزایش بقای بشر و بهبود سلامت مردم می باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی مرگ کودکان ۵۹ تا ۱ ماهه در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام گرفته است.

روش بررسی: این پژوهش از نوع مقطعی- توصیفی بود. در این مطالعه کلیه مرگ های کودکان ۵۹ تا ۱ ماهه در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار به روش سرشماری طی سالهای ۹۶-۹۱ که از فرم اطلاعات اولیه و پرسشنامه های استاندارد اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. داده ها بعد از ورود به نرم افزار SPSS، با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (رگرسیون لجستیک ترتیبی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: تعداد مرگ و میر کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه ۲۱۲ مورد بود که بیشترین فراوانی در محدوده سنی ۱ تا ۱۲ ماه (۵۸،۸٪) مشاهده شد. بیشتر کودکان فوت شده پسر بودند (۶۳،۵٪). بیشترین علت مرگ کودکان در سالهای ۹۶-۹۱ به ترتیب سوانح و حوادث (۲۲،۵٪)، ناهنجاری های مادرزادی- کروموزومی (۱۵،۷٪) و بیماری های قلبی و عصبی با هم در جایگاه سوم (۱۰،۸٪) گزارش شد. سال ۹۶ بیشترین فراوانی مرگ (۲۴،۲٪) مشاهده شد. نتایج آزمون نیکویی برازش نشان داد که مدل به خوبی برازش شده بود. بر اساس برازش مدل های رگرسیون لجستیک ترتیبی متغیر سن از متغیرهای توضیحی از نظر آماری بامتغیر علت مرگ مرتبط بود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه شاخص مرگ ومیر کودکان زیر ۵ سال در شهرستان سبزوار روند روبه افزایش داشته است، نیاز به تجدید نظر در سیاستها و برنامه ریزی ها در خصوص نحوه آرایه و کیفیت مراقبت های مادر و کودک می باشد.

کلید واژه: علت مرگ ومیر، کودکان، زیر ۵ سال

محبوبه نعمت شاهی

استادیار، گروه طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

علی تازه گل

کارشناس ارشد مدیریت، گروه مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

داوود رباط سرپوشی

دانشجوی دکترا آموزش سلامت، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

حسن عباسیان

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت خانواده، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زهرا کیوانلو شهرستانکی

* کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشت و درمانی، مدیریت سلامت، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. شماره تماس: ۰۹۱۰۵۱۰۱۴۹۱

zahrakeyvanlo1362@gmail.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی اثر بخشی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان بیمارستان لقمان حکیم سرخس

لیلا تبریزی

* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، بیمارستان لقمان حکیم، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۰۹۱۵۵۲۴۴۱۶۷
tabrizil1@mums.ac.ir

پروانه نیکخواه

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، بیمارستان لقمان حکیم، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: نیروی انسانی، اصلیت‌ترین و باارزشت‌ترین سرمایه یک سازمان و کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل از دیرباز سازمان‌ها روی آن سرمایه‌گذاری‌های فراوانی نمودهاوند و تلاش در بارور نمودن آن دارند. همچنین براساس پژوهشها، آموزش نیروی انسانی با میزان بهره‌وری همبستگی مستقیم دارد. پژوهش حاضر درصدد بررسی میزان اثربخشی آموزشهای ضمن خدمت کارکنان بیمارستان لقمان حکیم سرخس می‌باشد و هدف این پژوهش، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان بیمارستان لقمان حکیم سرخس بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل تمام کارکنان بیمارستان لقمان حکیم سرخس در سال ۱۳۹۶ (۲۰۸ نفر) بودند. شرکت کنندگان ۱۳۲ نفر از کارکنان بیمارستان (۳۶ نفر مرد، ۹۶ نفر زن) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای متناسب انتخاب شدند. همه شرکت کنندگان پرسشنامه اثربخشی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت اسماعیلی (۱۳۹۴) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آزمونهای تی تک نمونه ای و تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شدند.

یافته ها: یافته‌ها نشان داد که ۱) میانگین میزان کل و ابعاد اثربخشی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت (توسعه دانش، بهبود مهارتها و ایجاد یا تغییر نگرش) بالاتر از سطح متوسط بود. ۲) از دیدگاه کارکنان مجرد و متأهل بین میزان اثربخشی توسعه دانش، بهبود مهارتها و ایجاد یا تغییر نگرش تفاوت معناداری وجود ندارد. ۳) از دیدگاه کارکنان زن و مرد بین میزان اثربخشی توسعه دانش، بهبود مهارتها و ایجاد یا تغییر نگرش تفاوت معناداری وجود ندارد. ۴) از دیدگاه کارکنان با مدارک تحصیلی مختلف بین میزان اثربخشی توسعه دانش تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین میزان اثربخشی بهبود مهارتها و ایجاد یا تغییر نگرش تفاوت معناداری وجود دارد. ۵) یافته‌ها همچنین حاکی از آن بود که از دیدگاه کارکنان با سابق خدمتی مختلف بین میزان اثربخشی توسعه دانش، بهبود مهارتها و ایجاد یا تغییر نگرش تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش می‌تواند به مسئولین و برنامه‌ریزان کشوری و به مدیران دانشگاه علوم پزشکی به عنوان یکی از نهادهای محوری در سلامت جامعه یاری رساند. پیشنهاد می‌شود مدیران با نیازسنجی به موقع و متناسب با نیازهای کاری کارکنان، آموزش ابزار و تکنولوژی‌های روز، ارائه تسهیلات نوآورانه، آموزش تفکر خلاق، حمایت از ایده‌های نو و کاربردی کارکنان و توجه و تشویق کارکنان به ارائه راهکارهای موثر برای حل مسائل، به افزایش بهره‌وری کارکنان یاری رسانند.

کلید واژه: آموزش ضمن خدمت، اثربخشی، برنامه آموزشی، کارکنان بیمارستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی و عملکرد دختران مقطع دوره‌ی دوم متوسطه در مورد سلامت بلوغ در شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: بلوغ مهم‌ترین تغییر و تحول و نقطه عطف زندگی نوجوان است که دوره انتقال از مرحله‌ی کودکی به بزرگسالی و زمان کسب قدرت باروری محسوب شده و تغییرات بلوغ، نوجوان را به سوی رشد و تکامل چشم‌گیر و عمیقی پیش می‌برد که زیر بنای زندگی بزرگسالی و سالمندی او پی‌ریزی می‌شود. لذا این مطالعه با هدف تعیین آگاهی و عملکرد دختران مقطع دوره‌ی دوم متوسطه در مورد سلامت بلوغ در شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع تحلیلی-مقطعی بوده و حجم نمونه با در نظر گرفتن $P=0.05$ ، ۲۲۰ نفر بدست آمد. بنابراین ۲۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه‌ی شهر گنبد کاووس با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شده و جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد که در مورد سلامت بلوغ بوده و شامل اطلاعات دموگرافیک، سنجش آگاهی و عملکرد می‌باشد استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی شامل ضرایب همبستگی، آزمون T مستقل و آنالیز واریانس یکطرفه در نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ در سطح معناداری ۰.۰۵ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** میانگین سنی دانش‌آموزان 16.05 ± 0.66 ، میانگین نمره آگاهی 30.23 ± 4.37 و میانگین نمره عملکرد 25.36 ± 3.40 بود. ۹۸.۶ و ۱.۴ درصد افراد به ترتیب سطح آگاهی ضعیف و متوسط، ۷۳.۱ و ۲۶.۹ درصد افراد به ترتیب سطح عملکرد متوسط و خوب داشتند. بین میزان آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان، همبستگی معکوس و معناداری وجود داشت ($r = -0.29$ ، $p < 0.05$). همچنین ارتباط معناداری بین میزان آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان با هیچ‌کدام از متغیرهای دموگرافیک نظیر (سواد والدین، پایه تحصیلی، شغل والدین و سایر متغیرهای تحت مطالعه) وجود نداشت ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: طبق نتایج مطالعه حاضر اکثر دانش‌آموزان از سطح آگاهی و عملکرد متوسط برخوردار بودند بنابراین لزوم برنامه‌ریزی برای مداخلات آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان، مادران و ... در مورد ارتقای سلامت بلوغ ضروری است.

کلیدواژه: آگاهی، عملکرد، سلامت بلوغ، دانش‌آموزان

عادلہ تجدید علمہ

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
مازندران، ساری، ایران

سید ابوالحسن نقیبی

* استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت،
مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم
پزشکی مازندران، ساری، ایران. نویسنده مسئول:
۰۱۱۳۳۵۴۳۷۴۹

anaghibi1345@yahoo.com

عیسی نظر

کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه اپیدمیولوژی و آمار
زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اعتبار و پایایی سنجی پرسشنامه محقق ساخته اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی

سمانه ترکیان

اپیدمیولوژی، گروه آمارو اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی کرمان، ایران

آرمیتا شاه اسماعیلی

* اپیدمیولوژی، گروه آمارو اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی کرمان، ایران. نویسنده مسئول:
Email: Armita.Shaheesmaeili@Gmail.Com

ندا ملک محمدی

اپیدمیولوژی، گروه آمارو اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی کرمان، ایران

وحید خسروی

آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی همدان، همدان

چکیده

مقدمه: شبکه‌های اجتماعی یکی از معروفترین برنامه‌های موجود در اینترنت می‌باشد. جذابیت شبکه‌های اجتماعی مجازی زمانی موجب نگرانی می‌شود که افراد زمان زیادی را صرف آنلاین بودن می‌کنند. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی به استفاده بیش از حد این شبکه‌ها گفته می‌شود. این مطالعه به ارزیابی روایی و پایایی پرسش نامه محقق ساخته "شیوع اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی" پرداخته است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بوده که برای ارزیابی روایی محتوای پرسش نامه از ۲۴ نفر پندل خبرگان و برای ارزیابی پایایی از الفای کرونباخ و آزمون- پس آزمون استفاده شده است.

یافته‌ها: پس از انجام آزمون‌های مربوطه آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ICC برابر ۰/۹ گزارش شد. در این مطالعه روایی و پایایی پرسشنامه تایید شد.

نتیجه‌گیری: یکی از ابزارهای جمع آوری اطلاعات برای مقاصد تحقیقاتی پرسشنامه می‌باشد که باید روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته باشد. از این پرسشنامه می‌توان برای مطالعات شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد.

کلید واژه: اعتیاد، شبکه اجتماعی، روایی و پایایی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مرتبط با ارتقا سلامت کارکنان درمانی

چکیده

مقدمه: بیمارستانها نقش مهمی در بهبود و ارتقای سلامت جامعه ایفا میکنند. در این بین وضعیت و سطح سلامت کارکنان درمانی از جمله پرستاران بویژه در استانهای محروم همانند خراسان شمالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

روش بررسی: در این مطالعه ما به بررسی جدیدترین مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مرتبط با سلامت کارکنان درمانی و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود سلامت این گروه شغلی پرداخته‌ایم. **یافته‌ها:** براساس نتایج حاصل از پژوهشهای انجام شده، عواملی همانند عدم وجود نیروی انسانی کافی و به دنبال آن فشار و حجم کاری زیاد، ارتباط مکرر با بیماران و عدم درک متقابل توسط بیماران، تماس با سموم و مواد شیمیایی عفونی، پرداختهای نامنظم، کمبود تجهیزات بیمارستانی با کیفیت و سوء مدیریت میتواند منجر به تأثیرات منفی روانی و جسمانی و کاهش بازده کاری و رضایت شغلی پرستاران گردد. در این راستا با بررسی عوامل ذکر شده، راهکارهایی مانند تامین نیروی انسانی کافی جهت استاندارد سازی برنامه‌های کاری کارکنان، افزایش حمایت شغلی و فراهم نمودن خدمات مشاورهای جهت مقابله با استرس، بهبود خدمات بهداشتی جهت کاهش بیماریهای جسمانی (پوستی و تنفسی)، تقویت مهارتهای ارتباطی، بهبود تسهیلات و درآمد و در نظر گرفتن سختی کار، بهبود تجهیزات پزشکی جهت ارائه خدمات استاندارد و کاهش بار کاری، بهبود کیفیت مدیریت و بهبود امکانات رفاهی جهت کاهش فرسودگی شغلی پرستاران استان شاغل در استان خراسان شمالی پیشنهاد می‌شود. **نتیجه گیری:** در نهایت امید است با بکارگیری این راهکارها بتوان آمیدی در جهت ارتقا سطح سلامت پرستاران استان خراسان شمالی ایجاد نمود.

کلید واژه: سلامت، بیمارستان، پرستاران، رضایت شغلی، خدمات مشاورهای.

لیلی تقی زاده

* کارشناس پرستاری، بیمارستان امام خمینی (ره)
شیروان، شیروان، ایران. نویسنده مسئول:
E.ramazani_bio@yahoo.com

شیرین رضائی

کارشناس مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد،
بجنورد، ایران

الهام رضائی

دانشجوی دکتری فیزیولوژی، عضو هیات علمی
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت و خودکارآمدی در بیماران قلبی عروقی مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرکرد

الهه توسلی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

سید قدیر حسینی

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۷۵۳۳۰۵

Email: hosseini.seyedghadir@yahoo.com

معصومه علیدوستی

آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماری قلبی عروقی، بیماری مزمنی است که می‌تواند عوارض حاد و ناتوان کننده ای ایجاد نماید. با توجه به اهمیت خودکارآمدی و با توجه به اینکه سواد سلامت ناکافی به عنوان یک مانع جدی می‌تواند مشارکت و در نهایت سلامت بیماران را تحت تأثیر قرار دهد، این مطالعه با هدف بررسی سواد سلامت در بیماران قلبی عروقی و ارتباط آن با خودکارآمدی درک شده انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی می‌باشد که در سال ۱۳۹۵ روی ۱۳۸ نفر از بیماران قلبی عروقی مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرکرد که به صورت تصادفی ساده از بین پرونده‌های موجود در مراکز بهداشتی انتخاب شدند، انجام گردید. خصوصیات فردی بیماران با پرسش ۹ سؤال اخذ گردید. برای ارزیابی سواد سلامت در افراد مورد مطالعه از پرسش نامه (TOFHLA) Test of functional health literacy in adults استفاده شد. به منظور سنجش خودکارآمدی بیماران نیز از پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی بهره گرفته شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۸ و بهره گیری از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی (ANOVA، همبستگی پیرسون) تحلیل شدند. شرکت در مطالعه حاضر داوطلبانه بود.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $48/59 \pm 19/05$ سال بود، ۶۴ نفر (۴۶/۴ درصد) دارای سواد سلامت ناکافی، ۱۳ نفر (۹/۴ درصد) سواد سلامت مرزی و ۶۱ نفر (۴۴/۲ درصد) بودند. میانگین نمره خودکارآمدی $37/90 \pm 32/65$ به دست آمد. بین خودکارآمدی و سواد سلامت ارتباط مستقیم و معناداری گزارش گردید ($p=0/063$ $p=0/464$).

نتیجه گیری: با توجه به پایین بودن خودکارآمدی بیماران و ناکافی بودن سواد سلامت آن‌ها باید در سیستم‌های بهداشت و درمان پیش از ارائه اطلاعات به بیماران، سطح سواد سلامت آن‌ها و مهارت‌های مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار گیرد و متناسب با سطح اطلاعات آن‌ها برنامه ریزی‌های آموزشی جهت توانمندسازی و افزایش خودکارآمدی بیماران صورت گیرد تا بیماران بتوانند درک درستی از اطلاعات مرتبط با سلامت خود داشته باشند و آن را به کار گیرند.

کلید واژه: بیماری قلبی عروقی، سواد سلامت، خودکارآمدی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مرتبط با قصد رفتار مصرف فست فود بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز

چکیده

مقدمه: عادات غذایی همراه با رشد فزاینده تکنولوژی تغییر کرده و مصرف فست فودها به طور قابل توجهی در ایران افزایش یافته است. این مطالعه با هدف بررسی عوامل مرتبط با قصد رفتار مصرف فست فود بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر تعداد ۹۵ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستانی مقطع دوره دوم متوسطه در شهر اهواز انجام شد. به منظور جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه حاوی سازه‌های نظریه رفتار برنامه ریزی شده شامل نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری استفاده گردید. پاسخ دهی به سؤالات به شیوه خودگزارش دهی توسط شخص انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ویراست ۲۳ و با بهره گیری از آزمون‌های آماری توصیفی و رگرسیون خطی چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش $15/8 \pm 0/68$ بود. میانگین کل نمرات کسب شده در بخش‌های قصد رفتاری $11/49 \pm 2/32$ ، نگرش $39/89 \pm 3/93$ ، هنجارهای ذهنی $2/92 \pm$ و در قسمت کنترل رفتاری درک شده $39/13 \pm 7/66$ گزارش گردید. در تحلیل رگرسیون انجام شده سازه کنترل رفتاری درک شده پیش بینی کننده معناداری برای قصد رفتاری تشخیص داده شد ($\beta = -0/55, P < 0/001$). سازه‌های نگرش ($\beta = -0/17, P = 0/06$) و هنجارهای ذهنی ($\beta = -0/2, P = 0/75$) پیش بینی کننده معناداری برای قصد رفتاری نبودند. به طور کلی نظریه رفتار برنامه ریزی شده توانست ۴۳ درصد از واریانس قصد رفتار مصرف فست فود را در دانش آموزان پیش بینی کند.

نتیجه گیری: مطابق با یافته‌ها، استفاده از نظریه رفتار برنامه ریزی شده و توجه بیشتر به سازه کنترل رفتاری درک شده به عنوان قوی ترین فاکتور پیش بینی کننده قصد در طراحی مداخلات آموزشی به منظور بهبود رفتار مصرف فست فود در میان دانش آموزان دختر، می‌تواند اثرات سودمندی داشته باشد.

کلید واژه: فست فود، قصد، نظریه رفتار برنامه ریزی شده

معصومه تهرانی

* کارشناسی ارشد علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران.

۰۹۱۶۲۷۷۳۰۱

masoumehkehrani3@gmail.com

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

سعیده حاجی نجف

کارشناس علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

فرزانه چاروندی

کارشناس پژوهشی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

زهرا باجی

کارشناس ارشد آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مراحل انجام فعالیت جسمانی و ارتباط آن با فرایندهای شناختی و فرایندهای رفتاری بر اساس الگوی فرانظری در کارمندان سازمان‌های دولتی شهر اهواز

معصومه تهرانی

* کارشناسی ارشد علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران
۰۹۱۶۷۲۷۳۰۱
masoumeh Tehrani3@gmail.com

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

فرزانه جاروندی

کارشناس پژوهشی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

زهرا باجی

کارشناس ارشد آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

سعیده حاجی نجف

کارشناس علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: زندگی بدون تحرک یکی از عوامل خطر بالقوه برای ابتلا به بسیاری از بیماری‌های غیرواگیر محسوب می‌شود. الگوی فرانظری از جمله الگوهای مطالعه رفتار است که آمادگی افراد را برای تغییر رفتار بویژه رفتار فعالیت جسمانی مد نظر قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف بررسی مراحل انجام فعالیت جسمانی و ارتباط آن با فرایندهای تغییر رفتار (شامل فرایندهای شناختی و فرایندهای رفتاری) بر اساس الگوی فرانظری در کارمندان سازمان‌های دولتی شهر اهواز انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی تعداد ۴۰۶ نفر از کارمندان سازمان‌های دولتی شهر اهواز مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات مورد نظر با استفاده از پرسشنامه حاوی سازه‌های الگوی فرانظری و به شیوه خود گزارش دهی توسط شخص جمع آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ویراست ۲۳ و با بهره گیری از آزمون‌های آماری توصیفی و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها، ۱۹٪ از کارمندان در مرحله پیش تفکر، ۲۱٪ در مرحله تفکر، ۱۹٪ در مرحله آمادگی، ۱۴٪ در مرحله عمل و ۲۸٪ در مرحله حفظ و نگهداری قرار داشتند. میانگین نمره فرایندهای شناختی و فرایندهای رفتاری در کارمندان به ترتیب $7/20 \pm 3/65$ و $7/14 \pm 2/24$ به دست آمد. میان هر یک از فرایندها با مراحل تغییر رفتار فعالیت جسمانی ارتباط مستقیم و معنادار مشاهده گردید ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌ها مشاهده می‌شود که میانگین هر یک از فرایندهای شناختی و رفتاری با پیش روی در مراحل تغییر از مراحل پیش عملیاتی به سوی مراحل عملیاتی افزایش می‌یابد. به این معنا که افزایش هر یک از این فرایندها می‌تواند احتمال تغییر رفتار را در فرد افزایش دهد. طراحی مداخلات متناسب با مرحله قرارگیری افراد و همچنین تأکید بر فرایندهای تغییر به منظور افزایش آگاهی افراد در مورد شروع رفتار فعالیت فیزیکی و مداومت بر آن، پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: فعالیت جسمانی، مراحل تغییر، فرایندهای شناختی، فرایندهای رفتاری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تأثیر دو روش آموزش سخنرانی و شبکه مجازی مبتنی بر تلفن همراه (کاربرد نرم افزار تلگرام) بر نگرش مرتبط با مصرف غذاهای آماده در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز

چکیده

مقدمه: امروزه با پیشرفت تکنولوژی، بسیاری از سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی بویژه در زمینه تغذیه و رفتارهای غذایی کم رنگ شده است. یکی از نمودهای آن رواج مصرف غذاهای آماده در جوامع بویژه در ایران و بویژه در نوجوانان است. در این مطالعه تأثیر دو روش آموزشی سخنرانی و شبکه مجازی مبتنی بر تلفن همراه (کاربرد نرم افزار تلگرام) بر نگرش مرتبط با مصرف غذاهای آماده در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز مورد بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه بر تعداد ۶۱ نفر (۳۰ نفر در گروه سخنرانی و ۳۱ نفر در گروه تلگرام) از دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز انجام شد. آموزش در هر یک از گروه‌ها در قالب ۶ جلسه سخنرانی و یا ۶ جلسه آموزش از طریق کانال تلگرام به دانش آموزان داده شد. داده‌ها در زمان‌های قبل و ۲ ماه پس از مداخله آموزشی با استفاده از پرسشنامه نگرش مرتبط با مصرف غذاهای آماده و به شیوه گزارش دهی توسط شخص جمع آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ویراست ۲۴ و با بهره گیری از آزمون‌های آماری توصیفی و *Independent Samples t test* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس پل-افته‌ها، میانگین نمره نگرش در دانش آموزان قبل از مداخله آموزشی در هر یک از گروه‌های سخنرانی و تلگرام به ترتیب $3/91 \pm 38/93$ و $4/10 \pm 40/06$ گزارش شد. میانگین نمره نگرش ۲ ماه پس از مداخله آموزشی در گروه سخنرانی $4/55 \pm 44/03$ و در گروه تلگرام $4/12 \pm 43/36$ به دست آمد. آزمون تی مستقل تفاوت معناداری در نمره نگرش در زمان‌های قبل و ۲ ماه پس از مداخله آموزشی میان دو گروه مورد بررسی نشان نداد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از تأثیرگذاری بیشتر روش سخنرانی نسبت به روش تلگرام است. هر چند که تفاوت آماری معناداری میان دو گروه پس از مداخله آموزشی مشاهده نشد. انجام مداخلات آموزشی بیشتر با استفاده از حجم نمونه بیشتر و استفاده از گروه‌های کوچک تر به هنگام آموزش با استفاده از شبکه مجازی مبتنی بر تلفن همراه به جای ارائه مطالب از طریق کانال توصیه می‌گردد.

کلید واژه: نگرش، غذاهای آماده، سخنرانی، تلگرام

معصومه تهرانی

* کارشناسی ارشد علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

قدرت اله شاکری نژاد

دانشیار آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

سعیده حاجی نجف

کارشناس علوم تغذیه، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

جاروندی

کارشناس پژوهشی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

زهرا باجی

۵. کارشناس ارشد آموزش سلامت، گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران
 gmail.com@masoumeh-tehrani

Mobile: ۰۹۱۶۷۲۷۷۳۰۱

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقیاس تعیین کننده‌های خودمراقبتی در برابر آلودگی هوا: طراحی و روان سنجی

مهرنوش جاسم زاده

آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

دکتر مرضیه عربان

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۳۰۴۴۵۷۲

araban62@gmail.com

چکیده

مقدمه: آلودگی هوا تهدید جدی برای سلامت مادران باردار است و لذا خودمراقبتی در مقابل این پدیده از اهمیت والایی برخوردار است. یکی از الگوهای رایج در برنامه‌های آموزش سلامت، الگوی فرایند توسعه یافته موازی است که مدل مناسبی برای غربالگری و مداخلات ارتقای سلامت برای افراد در معرض خطر می‌باشد. هدف این مطالعه مقیاس تعیین کننده‌های خودمراقبتی در برابر آلودگی هوا: طراحی و روان سنجی بود.

روش بررسی: این تحقیق مقطعی در شهر اهواز در سال ۱۳۹۴ انجام شد. در این پژوهش پس از بررسی اسناد مختلف علمی متناسب با موضوع بانک اولیه سوالات بر اساس چهار سازه مدل (حساسیت درک شده، شدت درک شده، کارآمدی اثر، خودکارآمدی و رفتار) طراحی گردید. برای تعیین روایی از روش روایی محتوا و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. ۳۳۰ نفر خانم با بارداری کم خطر که معیارهای ورود را داشتند، به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. میانگین سنی این افراد $26/07 + 2/3$ سال بود. بیشترین افراد شرکت کننده در این مطالعه درسه ماهه دوم بارداری بودند (۴۵،۵٪). برای تعیین پایایی از روش همسانی درونی استفاده شد. با استفاده از spss نسخه ۲۲ و نرم افزار لیزرل تجزیه و تحلیل آماری انجام شد.

یافته ها: در بخش روایی محتوا پس از رفع اشکالات روایی با $CVR=1$ و $CVI=0/89$ مورد تایید قرار گرفت. در بخش روایی صوری بر اساس مقدار ضریب آلفای کرونباخ (حساسیت درک شده: $0/65$ ، شدت درک شده: $0/85$ ، کارآمدی اثر: $0/92$ و خودکارآمدی $0/94$) مورد تایید قرار گرفت. تحلیل عامل اکتشافی بیانگر قابل قبول بودن ساختار پرسشنامه بود ($df=3$ ، $CFI=0/8$ ، $RMSE=0/09$ ، $X^2/0/09$). **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج، پرسشنامه حاضر از روایی و پایایی مقبولی برخوردار است و بنابراین می‌تواند به عنوان ابزاری جهت بررسی و غربالگری وضعیت خودمراقبتی در برابر آلودگی هوا در زنان باردار مورد استفاده قرار بگیرد.

کلید واژه: آلودگی هوا، روایی، پایایی، مدل فرایند توسعه موازی، خود مراقبتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



استفاده بیماران بستری از ابزارهای فناوری اطلاعات در ارتقای سلامت

چکیده

مقدمه: امروزه جهت ارتقای کیفیت خدمات سلامت بر مشارکت بیمار در فرایند مراقبتی و ایجاد ارتباط مناسب بین ارائه کنندگان خدمات و بیمار تاکید می‌شود. ابزارهای فناوری اطلاعات، با ارائه دسترسی سریع به منابع اطلاعات مناسب، موجب ارتقای سواد سلامت بیماران شده و از طریق ارتباطات الکترونیکی رابطه پزشک - بیمار را بهبود می‌بخشند. هدف از این تحقیق، تعیین میزان استفاده بیماران بستری در مراکز آموزشی درمانی ارومیه از ابزارهای فناوری اطلاعات در ارتقای سلامت می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بوده که در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل ۵۴۰ نفر از بیماران بستری در مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه می‌باشد که به روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده، از پرسشنامه خود ساخته که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت، استفاده گردید. اطلاعات توسط نرم افزار آماری SPSS تحلیل شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که اکثر پاسخ دهندگان (۶۸٪) از لحاظ مهارت IT در سطح ابتدایی و متوسط بودند و بیش از نیمی از آنها (۵۷٪) دسترسی متوسط به ابزارهای IT داشتند. بیماران بیشتر از ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی، پورتال‌های آموزشی، نرم افزارهای چند رسانه ای و برنامه‌های کاربردی تلفن همراه هوشمند برای ارتقای سلامت خود استفاده می‌کردند. بیشترین میزان استفاده بیماران بستری از ابزارهای IT در آموزش بیمار (۳۴٪)، جستجوی اطلاعات سلامت (۲۳٪)، ارتباط با پزشک (۱۷٪) و مدیریت بیماری (۱۵٪) بود.

نتیجه گیری: استفاده از ابزارهای IT می‌تواند در ارتقای سلامت بیماران، نقش مفید و کمک کننده داشته باشد. لذا سازمان‌های مراقبت سلامت باید در ارائه خدمات سلامت بیشتر از این ابزارها استفاده کرده و زیر ساخت‌های لازم را فراهم سازند. همچنین ضروری به نظر می‌رسد بسترهای مناسب برای فرهنگ سازی و آموزش بیماران جهت استفاده از ابزارهای IT ایجاد شده و به توسعه ابزارهای قابل اعتماد با سهولت استفاده و قابل دسترس برای همه اقدام نمود.

کلید واژه: فناوری اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی، آموزش بیمار، سواد سلامت، ارتقای سلامت

محمد جبراییلی

* گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران. نویسنده
مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۴۳۴۹۵۸۳۸

Email: Jabraeili.m@umsu.ac.ir

زهرا زارع

گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر برنامه آموزش تغذیه دانش آموزان مدارس ابتدائی بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده

محمد سعید جدگال

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

سعیده صادقی

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

چکیده

مقدمه: کودکان در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های روحی و جسمی قرار دارند - در نتیجه، تغذیه خوب در این مرحله حیاتی برای اطمینان از رشد طبیعی و سالم آنها بسیار مهم است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش همسالان بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) در بهبود رفتارهای تغذیه ای دانش آموزان مقطع ابتدایی دخترانه در چابهار در سال ۲۰۱۶ انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی تعداد ۱۶۰ نفر از دانش آموزان دختر چهارم ابتدایی با استفاده از روش تصادفی چند مرحله ای به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با روایی و پایایی تأیید شده جمع آوری گردید. نیازهای آموزشی براساس نتایج حاصل از پیش آزمون تعیین شد. مداخله آموزشی بر روی گروه مداخله با استفاده از روش پرسش و پاسخ توسط همسالان آموزش دیده انجام شد. دو ماه پس از مداخله، همان پرسشنامه توسط دو گروه تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۶ و آزمون t زوجی و همبستگی اسپیرمن و رگرسیون تحلیل شدند.

نتایج: در گروه مداخله نمره مهارت‌های شناختی بطور معنی داری پس از آموزش از ۸/۰۱ به ۹/۹۵ افزایش یافت. نمره همه رفتارهای تغذیه ای پس از انجام مداخله از ۱۰/۴۱ به ۱۱/۸۳ افزایش یافت. نمره قصد رفتاری به طور معنی داری از ۹/۱۸ به ۱۰/۴۲ افزایش یافت. نمره هنجارهای ذهنی از ۹/۱۸ به ۱۰/۴۲ افزایش یافت. نمره کنترل رفتاری درک شده بطور معنی داری از ۸/۴۸ به ۱۰/۰۰ افزایش یافت.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که آموزش تغذیه براساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده از طریق آموزش همسالان در رفتار تغذیه ای دانش آموزان ابتدایی موثر است.

کلید واژه: آموزش تغذیه، تئوری رفتار برنامه ریزی شده (TPB)، دانش آموزان مدارس ابتدایی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی، نگرش و رفتار مصرف تنباکوی بدون دود در اصناف شهرستان چابهار

چکیده

مقدمه: استفاده از فرآورده‌های تنباکوی بدون دود علاوه بر این که از لحاظ سبب شناسی با انواع مختلف بیماری‌های دهان مانند بیماری‌های پریدنتال، ضایعات مخاط دهان و از رست رفتن دندان ارتباط دارد می‌تواند باعث سرطان اندام‌های تنفسی، سرطان دستگاه گوارش، ناباروری، افزایش فشار خون حاد، افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی و وابستگی به نیکوتین شود. این مطالعه با هدف بررسی آگاهی، نگرش و رفتار مصرف تنباکوی بدون دود در اصناف شهرستان چابهار انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی از نوع مقطعی تعداد ۲۵۰ نفر از کسبه شاغل در صنوف مختلف شهرستان چابهار در سال ۱۳۹۷ به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته شامل مشخصات دموگرافیک و زمینه ای، پرسشنامه سوالات آگاهی، نگرش و پرسشنامه سوالات رفتار بود که پس از تایید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری میانگین، انحراف معیار، من ویتنی، آزمون پیرسون و جدول متقاطع آنالیز شد.

یافته ها: ۶۶ درصد افراد شرکت در این مطالعه مصرف یکی از فرآورده‌های تنباکوی بدون دود را گزارش کرده بودند و فرم غالب مصرفی در بین آن‌ها گوتکا بود. ۷۸ درصد افراد مصرف کننده، روزانه بین ۱ تا ۵ بار از یکی از فرآورده‌های تنباکوی بدون دود استفاده می‌کردند. بین گروه مصرف کننده تنباکوی بدون دود با گروه غیر مصرف کننده از نظر جنسیت، نوع صنف، سطح تحصیلات، مصرف در بین اعضای خانواده و مصرف در بین دوستان و همسالان ارتباط معنی داری مشاهده شد ($P < 0.05$). میانگین نمره نگرش افراد مصرف کننده و غیرمصرف کننده به ترتیب ۲۷/۹۸ و ۳۱/۰۶ بدست آمد که با توجه به آزمون آماری من-ویتنی تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده شد ($P < 0.05$). هم چنین میانگین نمره آگاهی افراد مصرف کننده و غیر مصرف کننده به ترتیب ۱۱/۲۱ و ۱۰/۵۲ بود که تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده نشد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: به طور کلی با توجه به شیوع بالای مصرف تنباکوی بدون دود، سطح آگاهی ضعیف افراد مورد مطالعه و هم چنین ارتباط نگرش افراد با گروه‌های مصرف کننده و غیرمصرف کننده لازم است مداخلات ارتقای سلامت مقتضی جهت کاهش مصرف این فرآورده‌ها مد نظر برنامه ریزان و سیاست گذاران ملی و محلی قرار گیرد.

کلید واژه: آگاهی، نگرش، رفتار، تنباکوی بدون دود، اصناف.

محمدسعید جدگال

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

سیدسعید مظلومی محمودآباد

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

ایرج ضاربان

مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در سفیران سلامت مراکز بهداشتی درمانی شهرستان کازرون سال ۹۶

خوبیار جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

عبدالله پورصمد

* استادیار، دکترای اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران. نویسنده مسول. شماره تماس: ۰۹۱۷۳۴۴۰۹۸۱

Ab_poursamad@yahoo.com

عباس یزدان پناه

استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

چکیده

مقدمه: در طول دهه گذشته اهمیت و اثرات سطح پایین سواد سلامت بر وضعیت سلامتی افراد، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه نیز به منظور تعیین ارتباط بین سواد سلامت با رفتارهای ارتقاء دهنده در سفیران سلامت مراکز بهداشتی درمانی شهرستان کازرون انجام پذیرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی بود. روش نمونه گیری پژوهش چند مرحله ای انجام گرفت. نمونه‌ها در سه مرکز بهداشتی درمانی شهری و سه مرکز بهداشتی درمانی روستایی و از هر مرکز به ترتیب دو پایگاه و دو خانه بهداشت به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. در پژوهش حاضر از دو پرسشنامه سواد سلامت و پرسشنامه استاندارد (HPLP-II) استفاده شد. و از آزمون‌های همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها: ۵۲۸ سفیر سلامت پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. که از این تعداد ۷۹/۸ درصد زن و ۲۰/۲۰ درصد نیز مرد بودند. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین میزان سواد سلامت سفیران و رفتارهای کلی ارتقا دهنده ی سلامت و مؤلفه‌ها ی آن نظیر مسؤلیت پذیری، فعالیت فیزیکی و عادات تغذیه ای همبستگی مثبت بالا و ارتباط معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد افزایش سواد سلامت سفیران در افزایش رفتارهای ارتقاء دهنده ی سلامت آنها مؤثر است و توصیه می‌شود در آینده با مداخلات مؤثر ضمن ارتقاء سواد بهداشتی مردم در زمینه‌های مختلف؛ همکاری و مشارکت آنان را برای خود- مراقبتی و انجام رفتارهای ارتقاء دهنده ی سلامتی افزایش دهیم.

کلید واژه: آموزش بهداشت؛ سواد سلامت؛ رفتارهای ارتقاء دهنده ی سلامت؛ سفیران سلامت؛ مراکز بهداشتی درمانی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد نظریه ها/ الگوهای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در تحقیقات سواد سلامت: یک مرور نظامند

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از بزرگترین و مهم ترین تعیین کننده های امر سلامتی در جهان می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مطالعات انجام شده مبتنی بر الگو ها/ نظریه های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در تحقیقات سواد سلامت، به شیوه نظامند انجام شده است.

روش بررسی: به منظور دستیابی به مستندات فارسی و انگلیسی مرتبط بانکهای اطلاعاتی داخلی (SID, Iranmedex, Magiran, IranDoc)، خارجی (ProQuest, Scopus, Web of Science)، (Medlib, PubMed) و همچنین موتور جستجو گر Google Scholar بدون محدودیت زمانی بر اساس بیانیه PRISMA جستجو انجام شد. برای جلوگیری از سوگرایی در مطالعه، جستجو، انتخاب مطالعات، ارزیابی کیفی و استخراج داده ها توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل از هم انجام گرفت. هرگونه اختلاف نظر بین دو پژوهشگر توسط نفر سوم مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۱۴ مقاله دارای معیار ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: در این پژوهش، سه مطالعه انجام شده از نوع نیمه تجربی قبل و بعد بودند. نتایج نشان داد بعد از مداخله آموزشی میانگین نمره سواد سلامت بر اساس الگو ها/ نظریه در گروه آزمون به طور معنی داری نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری پیدا کرده است. ۱۱ مطالعه دیگر به صورت مقطعی قدرت پیشگویی کنندگی سواد سلامت را در الگو ها/ نظریه مورد بررسی قرار داده بودند که نتایج نشان داد سواد سلامت باعث افزایش قدرت پیشگویی کنندگی سازه های الگو ها/ نظریه در پیشگویی انجام رفتار خواهد شد. مطالعات در گروه هدف های مختلفی از قبیل بیماران، دانش آموزان، پرستاران، داوطلبان سلامت و افراد جامعه انجام شده بود و طیف متفاوتی از افراد را در نظر گرفته بودند. یکی از پر کاربرد ترین الگو ها/ نظریه در مطالعات مورد بررسی مربوط به نظریه خود کارآمدی بود.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد استفاده از الگو ها/ نظریه های مختلف به همراه سواد سلامت می تواند تاثیر مثبتی در انجام رفتارهای سلامت داشته باشند و بسته به هدف مطالعه الگو ها/ نظریه های متفاوتی مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس نتایج بدست آمده نظریه خود کارآمدی و سازه خود کارآمدی (یکی از سازه های سایر مدل ها/ الگو ها) در بیشتر مطالعات به عنوان مهم ترین و قوی ترین متغیر معرفی شده بودند و نقش مهمی را در اتخاذ رفتار سلامت توسط افراد ایفا می کردند. بنابراین لازم است تا در مطالعات مداخلاتی پیش رو، این سازه/نظریه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از استراتژی مناسب و کار آمدی برای افزایش میزان خود کار آمدی افراد استفاده شود.

کلید واژه: سواد سلامت، الگو، نظریه، آموزش بهداشت، ارتقای سلامت

نوشین پیمان

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

علیرضا جعفری

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول؛ شماره تماس: ۰۵۱-۲۸۵۱۴۵۴۸

Email: jafari.ar94@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی تأثیر آموزش تفکر مثبت بر کفایت اجتماعی دانش آموزان از طریق نمایش فیلم

لیلا قهرمانی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،
ایران.

محمد حسین کاوه

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،
ایران.

داوود رباط سرپوشی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

علیرضا جعفری

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول؛ شماره تماس: ۰۵۱-۳۸۵۱۴۵۴۸

Email: jafari.ar94@gmail.com

چکیده

مقدمه: هدف مطالعه تعیین تأثیر آموزش تفکر مثبت بر کفایت اجتماعی دانش آموزان پسر مدارس دبیرستان شهر شیراز از طریق نمایش فیلم بوده است.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی با نمونه ۲۴۰ نفری و گروه مداخله و کنترل انجام شد. محتوای آموزشی طی دو جلسه ارائه گردید و از روشهای بحث گروهی و پرسش و پاسخ استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه کفایت اجتماعی فلتر جمع آوری شد و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) تمام عملهای کفایت اجتماعی شامل مهارت رفتاری، آمایه انگیزش و انتظارات، مهارت شناختی و مهارت هیجانی در گروه مداخله برابر ۱۸۹/۳۵ (۳۱/۰۹)، ۳۳/۰۶ (۸/۹۴)، ۱۵/۶۵ (۳/۸۳) و ۱۶/۵۸ (۳/۷۸) بود که نسبت به گروه کنترل بعد از آموزش افزایش معناداری پیدا کرده بودند ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده تأثیر فیلم آموزشی خوشبینی بر عملهای کفایت اجتماعی بودند با توجه به مشکلاتی زیادی که دانش آموزان در این سن با آن مواجه هستند، آموزش خوشبینی از طریق عامل‌های کفایت اجتماعی بر جنبه‌های مختلف زندگی آنها می‌تواند مؤثر باشد و روابط بین فردی و اجتماعی آنها را تقویت کند.

کلید واژه: آموزش خوشبینی، کفایت اجتماعی، نوجوان، دانش آموزان پسر

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزبابی شیوه‌های حمل کوله پشتی توسط دانش آموزان ابتدایی

چکیده

مقدمه: امروزه استفاده از کوله پشتی یکی از روش‌های رایج برای حمل کتاب و وسایل مدرسه توسط دانش آموزان می‌باشد. روش حمل کوله پشتی مدرسه در بروز نشانه‌های مشکلات اسکلتی-عضلانی در دانش آموزان اثرگذار است. این مطالعه با هدف تعیین ویژگی‌های روش حمل کوله پشتی توسط دانش آموزان مقطع ابتدایی انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه ای مقطعی-تحلیلی بر روی ۶۵۰ دانش آموز مقطع ابتدایی در سال ۱۳۹۷ انجام شد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از چک لیست محقق ساخته و به روش مشاهده ای گردآوری و جهت تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی همچون میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های تی تست، ANOVA و واکای دو، و مدل رگرسیون لجستیک تک متغیره و چندگانه انجام شد.

یافته ها: از بین آزمودنی‌های مطالعه، ۳۴۸ نفر دختر (۵۵/۸۶ درصد) و ۲۷۵ نفر پسر (۴۴/۱۴ درصد) بودند. میانگین (انحراف معیار) سن دانش آموزان ۹/۸۲ (۱/۸۱) بود. نتایج نشان داد که ۸۵/۸۷ درصد دانش آموزان کوله پشتی خود را به روش نادرست حمل می‌کنند. اگرچه ۸۳/۱۳ درصد دانش آموزان از هر دو بند کوله پشتی خود استفاده می‌کردند، اما تنها در ۵۵ درصد از دانش آموزان، کوله پشتی بین دو کتف وجود داشت. فقط ۳۱/۳ درصد کوله پشتی‌ها به بدن دانش آموزان چسبیده بود و در ۴۰/۱ درصد دانش آموزان، اندازه کوله پشتی متناسب با اندازه بدن آنها بود. نتایج آنالیز رگرسیون لجستیک چندگانه نشان داد بین روش حمل کوله پشتی با متغیرهای سن، جنس و پایه تحصیلی و نوع مدرسه ارتباط آماری معنی دار وجود داشت ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: یافته‌های مطالعه نشان داد بسیاری از دانش آموزان به روش نادرست کوله پشتی خود را حمل می‌کنند. بنابراین، مداخلات آموزشی و اجرایی لازم برای جلوگیری از اختلالات عضلانی اسکلتی در دانشجویان ضروری می‌باشد.

کلید واژه: کوله پشتی، روش حمل، کیف مدرسه، دانش آموزان

علی عالمی

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته پژوهشی دانشجویان، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

غلامرضا تیموری

کارشناسی ارشد، گروه بهداشت محیط و بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

بهزاد فولادی دهقانی

گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

علیرضا جعفری

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول؛ شماره تماس: ۰۵۱-۳۸۵۱۴۵۴۸

Email: jafari.ar94@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت و برنامه غربالگری سرطان دهانه رحم در زنان:

مقاله مروری

نوشین پیمان

استاد دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

محبوبه جعفری

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت. گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۵۱۰۶۳۷۰۴

Emai.: jafarim911@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: سرطان سرویکس چهارمین شایع در جهان می‌باشد که هر ساله باعث مرگ و میر زیادی در زنان سراسر جهان می‌گردد. این سرطان به دلیل دارا بودن یک دوره پیش تهاجمی طولانی، در دسترس بودن برنامه‌های غربالگری مناسب و درمان موثر ضایعات اولیه به عنوان یک سرطان قابل پیشگیری شناخته شده است. راه مناسب پیشگیری از این سرطان استفاده از تست پاپ اسمیر به عنوان یک روش غربالگری موثر جهت بررسی تغییرات سلولی دهانه رحم قبل از تبدیل شدن به سرطان است. بررسی‌های مختلف نشان داده که انجام آزمایش پاپ اسمیر به طور موثر شیوع کارسینوم سرویکس و مرگ و میر ناشی از آن را تا ۹۰ درصد کاهش می‌دهد. در مطالعات مختلف علل متعددی برای سرطان دهانه رحم شامل نقش اتیولوژیک تعدادی از گونه‌های پاپیلوما ویروس انسانی، سن پایین در اولین مقاربت، زیاد بودن تعداد شرکای جنسی در طول زندگی، تعداد زیاد بارداری‌های ترم، پاریتی بالا، مصرف سیگار، وضعیت پایین اقتصادی و اجتماعی، بی سواد، سواد پایین و سواد سلامت ناکافی ذکر شده است. سواد پایین می‌تواند بطور مستقیم بوسیله محدود ساختن توسعه شخصی، اجتماعی و فرهنگی وهم چنین متوقف کردن توسعه سواد بهداشتی بر سلامت مردم تاثیر گذارد. بنابراین به مرور تحقیقات انجام شده در زمینه سواد سلامت و تاثیر آن در انجام رفتارهای غربالگری سرطان دهانه رحم پرداختیم.

روش بررسی: پس از جستجوی بانک اطلاعاتی مدلاین، پایمد، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار برای به دست آوردن عناوین و خلاصه مقالات حاوی کلید واژه‌های مرتبط با رفتارهای غربالگری سرطان دهانه رحم و سواد سلامت در نهایت ۱۷ مقاله بررسی شدو نتایج حاصل از آنها مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: برای غربالگری سرطان گردن رحم، به ویژه برای جمعیت با سواد سلامت کم موانع زیادی وجود دارد. توصیه‌ها برای غربالگری سرطان گردن رحم پیچیده هستند، و خواندن مواد آموزشی نوشته شده برای بسیاری از مردم در سطح بالایی است و نامناسب می‌باشد. درآمد کم، تحصیلات و سواد آموزی پایین میزان مشارکت در غربالگری را پایین می‌آورد. موانع غربالگری سرطان دهانه رحم مربوط به سواد سلامت ناکافی، ساعت محدود حضور در مطب پزشک، زمان انتظار طولانی، عدم حساسیت به زن به عنوان یک فرد، کمبود متخصصان مراقبت‌های بهداشتی، گوش دادن به صحبت‌های مراجع، عدم حفظ حریم خصوصی، ناراحتی ناشی از یک آزمایش پاپ اسمیر، و اطلاعات گیج کننده ارائه در مورد سرطان میشود.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که در مقایسه با کسانی که سواد سلامت کافی داشتند، زنان با سواد سلامت ناکافی به طور معنی داری کمتر احتمال داشت که تا به حال تست پاپ اسمیر را انجام داده باشند. اختلاف معنی داری در بین کسانی که سطح سواد سلامت خوبی داشتند از نظر تبعیت از دستورالعمل غربالگری با افراد دیگر وجود دارد.

کلید واژه: غربالگری سرطان دهانه رحم، سواد سلامت، مراقبت‌های بهداشتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



توانمندسازی دانش آموزان دختر دبیرستانی مبتنی بر راهبردهای خودتنظیمی در ارتقای فعالیت جسمی

چکیده

مقدمه: طبق گزارش WHO بی‌حرکتی یکی از ۱۰ علت عمده مرگ و ناتوانی است و بیش از ۲/۳ مرگ‌ها در هر سال به علت نداشتن فعالیت فیزیکی اتفاق می‌افتد در گزارش سلامت مردم تا سال ۲۰۱۰ افزایش فعالیت فیزیکی جوانان، در صدر اولویت‌های بهداشتی قرار گرفته است.

فعالیت فیزیکی یکی از اجزای سبک زندگی می‌باشد. بی‌حرکتی و فعالیت فیزیکی ناکافی منجر به افزایش بیماری‌های مزمن قلبی و عروقی، دیابت، پوکی استخوان و غیره می‌شود. در حالی که فعالیت فیزیکی دارای اثرات حمایتی در مقابل بیماری‌های مزمن، افسردگی و اضطراب است. عادت کردن به سبک زندگی فعال برای حفظ سلامتی ضروری است. یک نوجوان تمایل دارد که سطح فعالیت فیزیکی خود را تا بزرگسالی حفظ کند و شیوه زندگی اساسا در این دوران شکل می‌گیرد. امکانات و شیوه زندگی امروزی به خصوص در مناطق شهری (به واسطه وسایلی نظیر کامپیوتر، تلویزیون و غیره) سبب گردیده است که نوجوانان و جوانان رغبت کمتری به ورزش و فعالیت بدنی نشان دهند. در زمینه مبارزه با بی‌حرکتی و انجام فعالیت فیزیکی مناسب که یکی از ارکان سبک زندگی سالم است، اقدامات ساده و مفرحی مثل پیاده‌روی مختصر، دوچرخه سواری، پیاده‌روی تا مدرسه و سوپر مارکت، استفاده از پله به جای آسانسور حداقل در زمان پایین آمدن، انجام ورزش‌های ساده کششی در حالی که فرد پشت میز نشسته و یا مشغول صحبت کردن با تلفن و تماشای تلویزیون می‌باشد، قابل انجام است. پژوهش حاضر به منظور توانمندسازی دانش آموزان در زمینه فعالیت بدنی مبتنی بر راهبردهای خودتنظیمی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه به صورت یک مطالعه نیمه تجربی با دو گروه آزمون و کنترل، شامل ۵۰ دانش آموز دبیرستانی بود. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای - چند مرحله‌ای بود. جهت گروه آزمون برنامه آموزشی طی مدت ۳ هفته به صورت سه جلسه‌ای مجموعا با زمان ۹۰ دقیقه ارائه شد. بسته به نیاز و اهداف آموزشی و گروه هدف که نوجوانان بودند، روش‌های بارش افکار، بحث گروهی، سخنرانی به همراه پرسش و پاسخ و همچنین به منظور تقویت یادگیری از پمفلت، برگه‌های حاوی حقایق، استفاده گردید. در این مطالعه متغیرهای دموگرافیک، متغیرهای مبتنی بر راهبردهای خودتنظیمی شامل آگاهی برنامه ریزی و هدف‌گذاری و برای سنجش میزان فعالیت فیزیکی دانش‌آموزان از پرسشنامه بین‌المللی فعالیت فیزیکی (IPAQ) استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار SPSS ۱۶ و آزمون‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میانگین سن شرکت‌کنندگان ۵۶ ± ۱۵٫۶۲ بود. ۵۴٪ دانش‌آموزان گزارش کردند که ورزش می‌کنند و بیشترین نوع ورزش والیبال ۳۸٪ بود. در گروه مداخله پس از دوره پیگیری سه ماهه تفاوت معناداری در هدف‌گذاری (p < ۰/۰۱) و برنامه ریزی (p < ۰/۰۱) آگاهی (p < ۰/۰۱) مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: مداخله آموزشی با بکارگیری راهبردهای خودتنظیمی باعث افزایش عملکرد دانش‌آموزان در زمینه فعالیت بدنی شده است.

کلیدواژه: فعالیت جسمی، دانش آموزان، خودتنظیمی

نوشین پیمان

استاد دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

محبوبه جعفری

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت. گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۵۱۰۶۳۷۰۴

Emai.: jafarim911@mums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین سواد سلامت مراقبین و رفتار زنان مبتلا به ام. اس

یاسمن جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

محمد واحدیان شاهرودی

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۷۰

vahedianm@mums.ac.ir

هادی طهرانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حبیب الله اسماعیلی

استاد گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مهدی حارث آبادی

کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

محمد شریعتی

گروه نورولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماری مولتیپل اسکلروزیس (MS) نوعی بیماری پیشرونده و تحلیل برنده غلاف میلین سلول‌های عصبی در سیستم عصبی مرکزی است. بیماران به واسطه افزایش نیازهای خود مراقبتی، مستلزم تغییراتی در رفتار هستند هم چنین مراقبین خانوادگی با توجه به نقش حساس آنها در زمینه توان بخشی بیماران با ناتوانی جسمی و روانی، قادرند بیماران را در بالا بردن توانایی‌هایشان یاری نمایند. اهمیت سواد سلامت به طور روز افزون در سطوح سواد عمومی و سواد مراقبتی نشان داده شده است. بنابراین هدف از این مطالعه تعیین رابطه بین سواد سلامت مراقبین و رفتار بیماران مبتلا به ام. اس می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی همبستگی از نوع مقطعی بود و در مجموع ۱۵۲ زن مبتلا به ام. اس و مراقب خانوادگی ایشان در سال ۹۵ در شهر بجنورد در این پژوهش شرکت داده شدند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت تافلا و سنجش رفتار بیماران استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها بوسیله نرم افزار SPSS و آزمون‌های همبستگی پیرسون و اسپیرمن و رگرسیون انجام شد.

یافته‌ها: در این مطالعه میانگین سطح سواد سلامت $13/95 \pm 6/26$ بود، که $15/8\%$ دارای سواد سلامت کافی، $52/6\%$ سواد سلامت مرزی و $31/6\%$ هم سواد سلامت ناکافی داشتند و میانگین نمره رفتار نیز $23/67 \pm 5/89$ بود. آزمون همبستگی بین سواد سلامت مراقبین و رفتار زنان مبتلا به ام. اس رابطه مثبت و معناداری را نشان داد ($P < 0.001$). هم چنین نتیجه رگرسیون نشان داد که متغیر سواد سلامت می‌تواند تا حدودی تغییرات مربوط به رفتار نمونه مورد بررسی را پیش بینی کند و به عبارت دیگر افزایش سواد سلامت مراقبین منجر به بهبود رفتار بیماران می‌شود.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج این مطالعه نشان داد که سطح سواد سلامت اکثر مراقبین در حد مرزی و ناکافی است و هشدار برای مراقبین و ارائه دهندگان خدمات سلامت محسوب می‌شود. لذا لزوم توجه بیشتر به امر سواد سلامت را در برنامه‌های ارتقاء سلامت الزامی است.

کلید واژه: سواد سلامت، مولتیپل اسکلروزیس، مراقبین خانوادگی، رفتار زنان مبتلا به ام. اس.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سلامت اجتماعی مصرف کنندگان مواد مخدر تزریقی و غیر تزریقی مراجعه کننده به مراکز درمان ترک اعتیاد شهرستان گرگان

چکیده

مقدمه: اعتیاد یک سندرم رفتاری و روانی است که با میل شدید به استعمال مواد و تمایل شدید به مصرف مواد، مجدد بعد از قطع آن همراه است. اعتیاد تزریقی با انواع گوناگونی از اختلال‌های روانی مرتبط است. سلامت عبارت است از: آمادگی و رفاه جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی که افراد از آن لذت ببرند. این پژوهش با هدف بررسی سلامت اجتماعی مراجعین مراکز گذری کاهش آسیب و درمان با متادون شهرستان گرگان انجام شده است.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع تحلیلی (مورد شاهدهی) بوده. مصرف کنندگان مواد مخدر به شیوه تزریقی به عنوان مورد و -مصرف کنندگان مواد مخدر به شیوه غیر تزریقی به عنوان شاهد بودند. جامعه آماری را کلیه مصرف کنندگان مواد مخدر تزریقی و غیر تزریقی مراجعه کننده به مراکز گذری کاهش آسیب‌های اجتماعی و درمان با متادون شهرستان گرگان تشکیل دادند. نمونه ای به حجم ۴۲ نفر مورد و ۴۴ نفر شاهد به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب گردید. برای اجرای پژوهش از پرسشنامه دو قسمتی شامل چک لیست اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سلامت اجتماعی استفاده شد. اطلاعات در نرم افزار SPSS ۱۶ وارد شده، تفاوت دو گروه با استفاده از آزمون t مستقل و من ویتنی؛ و رابطه بین سلامت اجتماعی دو گروه با آزمون رگرسیون لجستیک تک متغیره و چند متغیره بررسی شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که سلامت اجتماعی (pvalue ۴۰۴۱) مصرف کنندگان دو گروه متفاوت است. اثر شیوه مصرف بر ≥ 2 روی سلامت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرها (CE ۱۴) متفاوت بود. سلامت اجتماعی مصرف کنندگان مواد Page ۲ مخدر به شیوه تزریقی به نسبت مصرف کنندگان به شیوه غیر تزریقی وضعیت نامطلوب تری داشت.

نتیجه گیری: بنابراین مشارکت آحاد جامعه و ایفای نقش اجتماعی برای مبارزه با این پدیده؛ با تلفیق مداخله‌های روانی،

اجتماعی و معنوی، از یک سو و نیز تلاش جهت بهبود تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت نظیر سواد؛ اقتصاد؛ اشتغال و ... با توجه به لزوم نگاه سیستمی به مقوله اعتیاد از سوی دیگر؛ می‌تواند با پیشگیری از اعتیاد در هر - مرحله و کاهش آسیب‌های ناشی از آن به سلامت جامعه منتج گردد.

کلید واژه: اعتیاد؛ مصرف کنندگان تزریقی؛ مصرف کنندگان غیر تزریقی، سلامت اجتماعی__

فاطمه جعفریان

* رییس گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. نویسنده مسئول:
JAFARIAN.FATEME@GMAIL.COM

امیر فقیه

دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

دکتر عباسعلی کشتکار

اپیدمیولوژیست، استادیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

دکتر سیدرضا مجدزاده

اپیدمیولوژیست، استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زهرا مهریخس

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مدل مراقبت پیگیر: مقاله مروری

فاطمه جلال مروی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

معصومه کردی

* استادیار، مرکز تحقیقات مبتنی بر شواهد، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
تلفن: ۰۵۱-۳۸۵۹۱۵۱۱

Kordim@mums.ac.ir

سید رضا مظلوم

مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: در ایران مدل مراقبت پیگیر توسط احمدی (۱۳۸۰) در رابطه با بیماران مزمن عروق کرونر طراحی و ارزیابی شده است که در چهار مرحله به هم پیوسته آشناسازی (Orientation)، حساس سازی (Sensitization)، کنترل (Control) و ارزشیابی (Evaluation) صورت می‌پذیرد. مروری مطالعه حاضر با هدف معرفی مدل مراقبت پیگیر، رویکردها و نگاه مدل و تبیین نتایج حاصل از مقالاتی که از این مدل، استفاده نموده اند، است.

روش بررسی: این مطالعه با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی ISI, Sid, Iran medex, Pubmed, Google scholar, Google, Proquest و مدل مراقبت پیگیر و کلید واژه‌های انگلیسی ISI, Sid, Iran medex, Pubmed, Google scholar, Google, Proquest, Continuous Care و Care Model. Continuous Care Mode 1 از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۸ انجام گرفت و در صورت عدم دسترسی به متن کامل مقاله و نتایج غیر مرتبط، از مطالعه خارج شدند و در نهایت ۳۱ مقاله، در تنظیم مقاله حاضر استفاده گردید. **نتیجه گیری:** مدل مراقبت پیگیر، مدلی است که آموزش و مراقبت مستمر، پایه و اساس کار آن است و در این فرآیند آنچه اهمیت دارد، تعامل موثر بین مراقب درمانی، مددجو و خانواده است تا منجر به درک و پذیرش متقابل گردد. همچنین در عمده مطالعات مورد بررسی، تاثیر مثبت این مدل بر موارد مورد بررسی، گزارش شده است.

کلید واژه: مدل مراقبتی، مراقبت پیگیر و مدل مراقبت پیگیر

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش آموزش و خود مراقبتی در سلامت باروری نوجوانان

چکیده

مقدمه: بارداری در نوجوانان مسئله بهداشت عمومی است که مادران نوجوان، کودکان و در سطح کلان اجتماع را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تقریباً در هر سال ۱۶ میلیون دختر نوجوان ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲/۵ میلیون دختر زیر ۱۶ سال در کشورهای در حال توسعه زایمان می‌نمایند. همچنین هر ساله حدود ۳/۹ میلیون دختر ۱۵ تا ۱۹ سال به سقط‌های غیر ایمن تن می‌دهند. با توجه به پیشگفت، دسترسی نوجوانان به آموزش‌ها و سایر خدمات بهداشت باروری ضروری می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع متاآنالیز بوده که از طریق جستجو در وب سایت‌های معتبر و بررسی تعداد زیادی از مقالات و منابع معتبر به مرور پژوهش‌های مرتبط با مهمترین علل بارداری در نوجوانان و نقش آموزش و خود مراقبتی بر سلامت باروری آنان پرداخته است.

یافته‌ها: بر طبق آخرین اطلاعات منتشر شده توسط WHO، دلایل متعددی سبب بارداری در نوجوانان می‌شود. در بسیاری از جوامع دختران برای ازدواج و زایمان زودهنگام تحت فشار بوده (در کشورهای با سطح درآمد پایین بیش از ۳۰٪ دختران قبل از ۱۸ سالگی و حدود ۱۴٪ قبل از ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند) یا قربانی خشونت جنسی و یا رابطه جنسی اجباری می‌باشند. همچنین بارداری در این گروه که اغلب ناخواسته و زودهنگام می‌باشد زمینه را برای بروز سقط‌های غیر ایمن و یا پیامدهای جدی ناشی از بارداری و زایمان در مادر و نوزاد فراهم می‌سازد. ضمناً آموزش و خود مراقبتی عوامل مهم محافظ برای بارداری زودهنگام محسوب می‌شوند و این در حالی است که میزان پوشش کلی آموزش‌های جنسی در کشورهای در حال توسعه بسیار پایین بوده و اغلب کشورها فاقد این آموزش‌ها جهت نوجوانان می‌باشند. **نتیجه‌گیری:** یکی از مهمترین چالش‌های پیش رو در بارداری نوجوانان، تاثیر دو جانبه بارداری بر سلامت مادر و نوزاد می‌باشد. دسترسی ضعیف و یا عدم دسترسی این گروه به خدمات بهداشت باروری و جنسی از جمله آموزش‌های مرتبط که زمینه ساز خود مراقبتی محسوب می‌گردد راه را برای بروز آسیب‌های جدی و طولانی مدت تر آنان فراهم می‌سازد. در این خصوص پیشنهادات زیر مطرح می‌باشد: ارتقا آگاهی خانواده و جامعه به حمایت از ازدواج در سن مناسب به ویژه در مناطق روستائی، حاشیه شهر و کمتر توسعه یافته.

رفع موانع قانونی و فرهنگی برای دسترسی نوجوانان به اطلاعات و آموزش‌های خود مراقبتی در زمینه بهداشت باروری و جنسی به ویژه در مدارس.

ارائه آموزش‌های خود مراقبتی و سایر خدمات بهداشت باروری و جنسی به نوجوانان ترک تحصیل کرده در خارج از مدرسه.

کلید واژه: نوجوانان، بارداری، آموزش، خود مراقبتی، بهداشت باروری

✉ مریم جلالی ۱

مأمایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۷۱۶۶۲۹

Jalali_maryam5@yahoo.com

محمد مهدی بطیار ۲

ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان،
ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در بیماران همودیالیزی

زینب جلمبادانی

* دکتری تخصصی آموزش و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)
تلفن: ۰۹۱۵۳۷۱۴۹۷۳، شماره: ۰۵۱۴۲۶۲۷۵۲۴
jalambadaniz@gmail.com

اباصلت برجی

دکتری تخصصی میکروبیولوژی، گروه علو پایه، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت نشان دهنده مهارت‌های شناختی و اجتماعی است که انگیزه و توانایی افراد برای کسب، دسترسی و درک روش‌های استفاده از اطلاعات جهت حفظ و ارتقاء سلامتی را تعیین میکند. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامتی در بیماران همودیالیزی شهر تهران انجام شد.

روش بررسی: مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۳۸۰ نفر از بیماران همودیالیزی شهر تهران که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، انجام گردید. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سنجش سواد سلامت عملکردی بزرگسالان و چک لیست رفتارهای ارتقاءدهنده سلامتی در بیماران همودیالیزی بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss ورژن ۲۲، آمار توصیفی و همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران $56/00 \pm 5/95$ بود. در این مطالعه بین سطح سواد سلامت و انجام فعالیت فیزیکی و مصرف میوه و سبزی ارتباط آماری مشاهده شد ($P < 0/001$). به طوری که در بیماران با سواد سلامت بالاتر میزان فعالیت فیزیکی و مصرف روزانه میوه و سبزی بیشتر بود. بین سطح سواد سلامت و وضعیت سیگار کشیدن ارتباط آماری معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش برنامه ریزی در جهت آموزش و توسعه رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در بیماران همودیالیزی و لزوم توجه بیشتر به امر سواد سلامت در برنامه‌های ارتقا سلامت توصیه می‌گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت، همودیالیز



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی جایگاه علمی سلامت معنوی و نقش آن در ارتقاء سلامت جامعه

زینب جلمبادانی

* دکتری تخصصی آموزش و ارتقاء سلامت،
گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی
نیشابور، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول) : تلفن:
۰۹۱۵۳۷۱۴۹۷۳ نمابر ۰۵۱۴۲۶۲۷۵۲۴
jalambadaniz@gmail.com

چکیده

مقدمه: علیرغم همه پیشرفت‌های نظری در حوزه سلامت، توجه به بعد معنوی سلامت در اکثر برنامه‌های ارتقای سلامت مغفول مانده است. درباره نحوه ی تأثیر معنویت بر بهداشت، سلامت افراد هم نیز ابهامات و سؤالاتی زیادی وجود دارد که پژوهش‌های تازه برای پاسخ به آنها ضروری است. این پژوهش درصدد بررسی مقدماتی جایگاه علمی و نقش سلامت معنوی در ارتقاء سلامت جامعه است. روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است. برای جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی استفاده شده است. اطلاعات و داده‌ها با روش غیرمستقیم و استفاده از اسناد پایگانی شده چه به صورت اسناد خصوصی یا ویراسته، کتب تخصصی و مراجع مکتوب گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها: رشته‌های علمی جدید دیدگاه‌هایی را درباره نقش‌های احتمالی مؤلفه ای معنوی در ارتقاء سلامت جامعه مطرح کرده اند اما تا وقتی نظریه‌های آنها به پژوهش عملی نینجامد اصولاً عقیم می مانند. پژوهش‌های مربوط اذعان دارند که مؤلفه‌های معنوی از تأثیرات غالباً مثبتی در ارتقاء سلامت جامعه برخوردارند اما هنوز باید کار زیادی صورت گیرد تا مسائل مربوط به همبستگی سلامت معنوی و سلامت جسمی روشن شوند. یافته‌ها نشان داد که ارتقاء سلامت جامعه را نمی توان از مراقبت معنوی جدا نمود. نتیجه گیری: مفهوم معنویت و سلامت معنوی اگرچه به ظاهر بسی دور از علوم پزشکی است اما در عمل از بسیاری جهات با آن ارتباط دارد. پیوندهای گوناگونی بین معنویت، سلامت معنوی و علوم زیست پزشکی وجود دارد که بایستی بیشتر بررسی شود.

کلید واژه: پیشگیری، زیست پزشکی، سلامت معنوی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش جنسی مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر عملکرد جنسی زنان مبتلا به سرطان پستان در ایران

زینب جلمبادانی

* دکتری تخصصی آموزش و ارتقاء سلامت، گروه
بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور،
نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)
تلفن: ۰۹۱۵۳۷۱۴۹۷۳، شماره ۰۵۱۴۲۶۲۷۵۲۴
jalambadaniz@gmail.com

اباصلت برجی

دکتری تخصصی میکروبیولوژی، گروه علو پایه،
دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

مقدمه: عملکرد جنسی در بیماران مبتلا به سرطان پستان، به ویژه در زنان جوان، یک مسئله مهم از دیدگاه‌های بالینی و روان شناختی است. نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) یکی از نظریه‌های مهم است که روند اصلی اتخاذ رفتارهای سالم را توضیح می‌دهد. این مطالعه به بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر TPB بر عملکرد جنسی زنان مبتلا به سرطان پستان مشهد پرداخته است.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی ۱۲۰ زن (۶۰ زن مبتلا به سرطان پستان در گروه آموزش جنسی، ۶۰ زن مبتلا به سرطان پستان در گروه کنترل) از بیمارستان رضوی شهر مشهد مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه گیری تصادفی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که در طول مصاحبه تکمیل شد. روایی این پرسشنامه به وسیله روایی صوری و محتوا و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ و آزمون مجدد تعیین شد.

یافته‌ها: داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۲ تجزیه و تحلیل شدند. با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی مشخص شد که نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک شده (PBC)، به طور کلی ۰.۸۵ واریانس کل عملکرد جنسی را پیش بینی می‌کنند که در میان این متغیرها اثر هنجارهای ذهنی بیشتر از سایر متغیرها بود. پس از مداخله آموزشی، میانگین میزان آگاهی، نگرش، PBC و قصد عملکرد جنسی در گروه آموزش جنسی به طور معنی داری افزایش یافت ($P < 0.001$)؛ این تغییرات در گروه کنترل معنی دار نبود. بین دو گروه پس از مداخله اختلاف آماری معنی داری وجود نداشت. **نتیجه گیری:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که TPB می‌تواند در مداخلات آموزش جنسی مورد استفاده قرار گیرد و نتایج مناسبی داشته باشد.

کلید واژه: سرطان پستان، آموزش جنسی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تعیین کننده‌های ارتقاء فضیلت سازمانی در بیمارستانهای دولتی شهر تبریز

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی تعیین کننده‌های ارتقاء فضیلت سازمانی در بیمارستانهای دولتی شهر تبریز می‌باشد. برای این منظور فضیلت سازمانی بر اساس مدل تحقیق کمرون و همکاران (۲۰۰۴) و عوامل موثر بر ارتقاء فضیلت سازمانی بر اساس مطالعه کتب و مقالات مرتبط و با مبنای قرار دادن پژوهش نجف‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳) در ۳۱ عامل به صورت اولیه شناسایی گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر کارکنان بیمارستانهای دولتی تبریز می‌باشد و حجم نمونه آماری بر اساس فرمول «کوکران» ۳۶۲ نفر برآورد و از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است که پس از سنجش روایی و پایایی و اطمینان از آن در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون برابری میانگین با عدد ۳ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده برای فضیلت سازمانی از سطح متوسط، بالاتر و در سطح مطلوبی قرار دارد. بر اساس نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون خطی، حدود ۶۵ درصد تغییر در فضیلت سازمانی با متغیرهای مستقل موجود در مدل توضیح داده می‌شود. همچنین متغیرهای ساختار سازمانی، منابع انسانی، محیط اختصاصی و محیط عمومی به ترتیب با ضریب تبیینی ۰/۲۷۸، ۰/۱۳۶، ۰/۴۸۷ و ۰/۱۵۴ بر فضیلت سازمانی موثرند.

کلید واژه: فضیلت سازمانی، عوامل درون سازمانی، عوامل برون سازمانی، بیمارستانهای دولتی شهر تبریز، رگرسیون خطی چندگانه.

بهرام جلیل زاده امین

دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

امین نجف قلی دوست

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی مصرف ماری جوانا در میان جوانان ایرانی: قصد رفتار یا تمایلات رفتار

فرزاد جلیلیان

* مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:
f_jalilian@yahoo.com

مهدی میرزایی علویچه

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، ایران

چکیده

مقدمه: مصرف ماری جوانا می‌تواند عوارض متعددی مانند صدمه به مغز را به دنبال داشته باشد. هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی دو ساختار (قصد رفتار و تمایلات رفتار) در پیش بینی مصرف ماری جوانا در میان جوانان بود.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی مقطعی در میان ۱۷۴ نفر از جوانان مصرف کننده ماری جوانا انجام گرفت. آزمودنی‌ها به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شده و اطلاعات به وسیله پرسشنامه، به صورت خودگزارش دهی جمع آوری گردید. داده‌ها با بهره گیری از نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۲۱ و بکارگیری آزمون‌های تی مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در سطح معناداری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین مصرف ماری جوانا در میان شرکت کنندگان ۴/۶۰ بار در طول هفته (۵/۱۵ - ۴/۰۶ = CI ۹۵٪) بود. رگرسیون خطی نشان داد که ساختارهای نگرش، نرم‌های انتزاعی و تصورات خطر توانسته اند ۲۵ درصد از واریانس قصد رفتار و ۳۸ درصد تمایلات را پیش بینی کردند.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌های ما بنظر می‌رسد الگوی تصورات و تمایلات می‌تواند در طراحی مداخلات هدفمند پیشگیری از مصرف ماری جوانا در میان جوانان کاربرد داشته باشد.

کلید واژه: ماری جوانا، تمایلات، پیشگیری.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تبریز بر اساس ابعاد سواد سلامت (در سال ۹۵)

چکیده

مقدمه: سواد سلامتی شامل مجموعه ای از مهارت‌های خواندن، شنیدن، تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری و توانایی به کارگیری این مهارت‌ها در موقعیت‌های سلامتی است. سواد سلامتی حاصل تشریح مساعی عوامل اجتماعی و فردی بوده و به نگرانیها و ابعاد سواد در زمینه سلامتی پرداخته می‌شود و موجب کاهش نگرانی‌های سلامتی می‌گردد. ظرفیت فرد، یک جزء اساسی برای سواد سلامتی است. «ظرفیت» هم به پتانسیل ذاتی فرد بر می‌گردد و هم به مهارت‌های او. ظرفیت سواد سلامتی یک فرد با آموزش تعدیل می‌شود و کفایت آن تحت تأثیر فرهنگ، زبان و مشخصات موقعیت‌های مرتبط با سلامتی است. (سیهوتا و لنارد، ۲۰۱۴)

دانش آموزان هنگام جستجوی اطلاعات سلامتی با چالش‌های متعددی مانند پیچیدگی سیستم سلامتی، افزایش شیوع و بروز بیماری‌های مزمن، نیاز به شرکت در مراقبت و افزایش اطلاعات قابل دسترسی از منابع متعدد و مختلف روبرو هستند. (طهرانی بنی هاشمی و همکاران، ۱۳۸۶).

روش بررسی: پژوهش حاضر توصیفی - پیمایشی با هدف کاربردی می‌باشد. نمونه آماری ۳۷۸ نفر دانش آموز است. ابزار اندازه‌گیری پژوهش پرسشنامه سواد سلامت healia. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: نشان داد که سواد سلامت و ابعاد آن در گروه هدف به تفکیک سن و نواحی پنجگانه آنان متفاوت است. فقط میزان دسترسی در نواحی پنج گانه آموزش و پرورش متفاوت نمی‌باشد. میانگین نمره دسترسی ۲۴،۷۸، میانگین نمره خواندن ۱۴،۹۱، میانگین نمره فهم و درک ۳۳،۳۱، میانگین نمره ارزیابی ۱۵،۸۰، میانگین نمره تصمیم‌گیری ۴۴،۲۱ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: به مدیران و مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گردد آموزش سلامت سازمانی در ابعاد وسیع را و با استفاده ابزارهای مختلف در برنامه‌های آموزشی مدرسه بگنجانند و از مزیت‌های فناوری اطلاعات، به ویژه قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی برای ارتقای کیفیت انتقال اطلاعات سلامت استفاده کنند و در هر مدرسه شورای ارتقای سلامت تشکیل داده و مشکلات سلامتی بررسی و با مناسب‌ترین روش به حل آن مشگل اقدام شود. توصیه میشود برنامه ملی خودمراقبتی با هدف ارتقای سواد سلامت دانش آموزان به اجرا گذاشته شود.

کلید واژه: سواد سلامت، ارتقای سلامت، شبکه‌های اجتماعی

رقیه جوادی ساوجبلاغی

* کارشناس آموزش سلامت معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی). نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۳۰۱۷۷۵۴

راحله سلطانی ۲

دکترای آموزش سلامت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

توفیق عزیزاده مباشر ۳

رئیس گروه آموزش و ارتقای سلامت معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نیازسنجی سه بعدی آموزشی در ۵ مجتمع سلامت شهرستان تبریز

رقیه جوادی ساوجبلاغی

* کارشناس آموزش سلامت معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی). نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۳۰۱۷۷۵۴
rogayehj@yahoo.com

توفیق علیزاده مباشر

رئیس گروه آموزش و ارتقای سلامت معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

راحله سلطانی

دکترای آموزش سلامت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

زیبا ذلی

کارشناس مسئول آموزش و ارتقای سلامت مرکز بهداشت شهرستان تبریز

شرح تجربه

بیان مسئله: امروزه آموزش جامعه گامی مؤثر در جهت توانمندسازی جامعه و ارتقای توان مقابله با خطرات و تهدیدهای محیط زندگی مورد تأیید و تأکید صاحب نظران است. از این رو تلاش متخصصان همواره در جهت یافتن راه‌ها و روش‌های جدید و مؤثر برای افزایش بهره‌وری آموزش است. چنانچه مشخص است پیشرفتهای قابل توجهی در زمینه آموزش و روشهای ارتباطی روی داده است، با این حال فاصله زیادی میان دانشهای کاربردی و پذیرش آنها از سوی مردم وجود دارد و هنوز چنانچه باید مردم از علوم پیشرفته به خصوص در زمینه سلامت استفاده نمی‌نمایند. بسیاری از والدین، فرزندان خود را با آموزشهای ضروری آشنا نمی‌کنند و راه را بر بسیاری از مخاطرات نمی‌بندند. بنابراین به نظر می‌رسد فلسفه آموزش فقط دادن اطلاعات نیست، بلکه باید افراد تحت آموزش قادر شوند معلومات، عقاید و رفتار خود را ارزشیابی کرده، تصمیم صحیحی بر اساس شرایط موجود بگیرند و در اینصورت است که فرد آموزش دیده قادر خواهد بود از محصولی استفاده کند که نیاز سلامت و زندگی بهتر را مطابق با شرایط موجود بیشتر فراهم نماید.

بدنبال اجرای برنامه ملی خودمراقبتی لازم بود هم مراجعان که شامل سفیران سلامت و داوطلبان سلامت محلات می‌شد و هم کارکنان بهداشتی نیاز به آموزش خودمراقبتی را تشخیص دهند، لذا با اجرای نیازسنجی سه بعدی نیازهای آموزشی استخراج گردید و هم چنین با توجه به شیوع بیماریهای غیر واگیر لزوم چنین بررسی را دو چندان می‌کرد.

هدف کلی: افزایش سواد سلامت جامعه.

اهداف اختصاصی: تشخیص نیاز به کسب دانش در مراجع - کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی - افزایش کیفیت مراقبت‌ها - تعیین کانالهای ارتباطی با مراجع - نهایتاً تشویق مراجع برای انجام خودمراقبتی

روش و مراحل کار: ۱- تشکیل کمیته آموزش سلامت برای تعیین محل بررسی و تعیین نمونه بر اساس جدول مورگان؛ ۲- توجیه همکاران مجتمع‌های سلامت برای انجام بررسی؛ ۳- انجام بررسی و جمع بندی و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS؛ ۴- جمع بندی و ثبت کل موضوعات آموزشی گروه‌های کارشناسی در تقویم آموزش همگانی؛ ۵- تأیید نهایی تقویم آموزش همگانی در کمیته آموزش سلامت؛ ۶- اجرای تقویم آموزش همگانی در واحدهای محیطی به نفر توسط گروه‌های آموزش دهنده (بهورز، پزشک، ماما، کاردان و کارشناس بهداشتی زن، کاردان و کارشناس بهداشتی مرد، دندانپزشک)

نتایج: نتایج بدست آمده و الویت‌های آموزشی و کانالهای ارتباطی به تفکیک سفیران سلامت و داوطلبان سلامت و کارکنان بهداشتی به صورت فایل پاورپوینت ارسال می‌گردد.

ذینفعان: عموم مردم و همکاران شاغل در مجتمع‌های سلامت

کلید واژه: آموزش همگانی، خودمراقبتی، نیازسنجی سه بعدی آموزشی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر سلامت معنوی و کانون کنترل سلامت بر معنای زندگی و شادکامی سالمندان - کاربرد تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری

چکیده

مقدمه: سالمندی یک سیر طبیعی است که در آن تغییرات فیزیولوژیکی و روانی در بدن رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد سالمندان به دلیل کهولت و کاهش توانایی‌هایشان و هم این که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند بایستی تحت توجه و حمایت‌های لازم قرار گیرند و نیازهای آنان در ابعاد جسمی، اجتماعی و روانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. بنابراین پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر سلامت معنوی و کانون کنترل سلامت بر معنای زندگی و شادکامی سالمندان شهر بیرجند انجام گردید.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی و تحلیلی، از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری، تعداد ۳۰۰ سالمند شهر بیرجند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های کانون کنترل سلامت (MHLC)، سلامت معنوی (SWBS)، معنای زندگی (MLQ) و شادکامی آکسفورد (OHQ) جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۳ و smart PLS و آزمون‌های آماری پی‌رسون، رگرسیون گام به گام و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد از بین مؤلفه‌های سلامت معنوی، سلامت مذهبی و از بین مؤلفه‌های کانون کنترل سلامت، سلامت مربوط به افراد مؤثر بیشترین تأثیر را بر معنای زندگی سالمندان می‌گذارند و از بین مؤلفه‌های معنای زندگی، وجود معنا در زندگی بیشترین تأثیر را بر شادکامی سالمندان می‌گذارد ($p < 0.05$). در نهایت سلامت معنوی و کانون کنترل سلامت بر شادکامی سالمندان تأثیر معناداری می‌گذارد.

نتیجه‌گیری: توجه به نیاز به معنا در زندگی و تأثیری که سلامت معنوی و کانون کنترل سلامت بر آن دارد، تضمین کننده سلامت افراد و کارکرد سالم جامعه و شکوفایی آن می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان به متخصصان سلامت روان و افراد فعال در حوزه سالمندی توصیه کرد که با طراحی و کاربرد روش‌های مناسب الهام گرفته شده از معنادرمانی، بر شادکامی سالمندان بی‌افزایند.

کلیدواژه: سلامت معنوی، معنای زندگی، کانون کنترل سلامت، شادکامی، سالمندان

عباس جوادی

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران. ۰۹۱۵۵۶۱۸۶۰۹

Javadi56@yahoo.com

فاطمه بارانی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

میترا مودی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران

محمد رضا میری

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر HBM بر فعالیت بدنی منظم در کارکنان:

کاربرد پیام رسان تلگرام در ایران

رضا جوروند

دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

Email: Reza.jorvand@yahoo.com

محمود طاووسی

دانشیار پژوهش، گروه ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

Email: tavousi@acecr.ac.ir

فضل الله غفرانی پور

* استاد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول: تلفن و فاکس: ۰۲۱۸۲۸۸۳۸۶۹

Email: ghofranf@modares.ac.ir

چکیده

مقدمه: هدف این مطالعه بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی با استفاده از پیام رسان تلگرام برانجام فعالیت بدنی منظم در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در ۲۰۱۷ بود.

روش: در این مطالعه مداخله‌ای ۱۱۴ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در قالب دو گروه مداخله و کنترل (شاغل در دو شهرستان متفاوت)، پس از ارائه رضایت‌نامه آگاهانه شرکت کردند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه HBM-ISCS بود که پایایی آن توسط مداخله آلفای کرونباخ تأیید شد. داده‌ها در دو مرحله قبل و شش ماه پس از مداخله جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۶ و آزمون‌های آماری مداخله تی و کای اسکور و آماره‌های توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار و سطح معناداری $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نیمی از شرکت‌کنندگان مرد و ۵۸/۷۷٪ آن‌ها دارای تحصیلات لیسانس بودند و میانگین و انحراف معیار سن آن‌ها $37/61 \pm 4/88$ سال بود. پیش از مداخله اختلاف آماری معنادار بین دو گروه از نظر میانگین سازه‌های الگو و همچنین میزان فعالیت بدنی منظم روزانه و هفتگی وجود نداشت؛ اما پس از مداخله اختلاف موجود بین دو گروه و بین قبل و بعد از مداخله معنادار بود.

نتیجه‌گیری: فعالیت بدنی منظم ارتباط تنگاتنگی با اعتقادات افراد داشت؛ لذا اجرای مداخلات آموزشی مبتنی بر پیام‌رسان تلگرام با تأکید بر باورهای بهداشتی و با استفاده از HBM، می‌تواند سبب انجام فعالیت بدنی منظم شود؛ لذا پیام‌رسان فوق می‌تواند ابزار مناسبی جهت انتقال آموزش‌ها به‌ویژه در شرایط محسوب شود که امکان تشکیل کلاس‌های حضوری دشوار است.

کلیدواژه: مداخله آموزشی، فعالیت بدنی منظم، پیام‌رسان تلگرام، کارکنان، الگوی اعتقاد بهداشتی، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر برنامه توانمندسازی بر اساس سازه‌های رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی و تئوری رفتار برنامه ریزی شده در ترک مصرف قلیان در دانشجویان

چکیده

مقدمه: در ایران روند افزایش مصرف قلیان نسبت به سیگار بیشتر بوده است. هدف این مطالعه تعیین اثربخشی برنامه توانمندسازی بر مبنای رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی و تئوری رفتار برنامه ریزی شده جهت ترک مصرف قلیان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار در سال ۱۳۹۴ بود.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی بود که طی آن ۱۵۰ دانشجوی مصرف کننده قلیان به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای یافتن این تعداد دانشجوی مصرف کننده قلیان، یک مطالعه توصیفی-تحلیلی انجام شد و طی آن پرسشنامه در اختیار ۳۰۶ دانشجو قرار داده شد. نتایج این مطالعه مقطعی نشان داد که از بین ۳۰۶ دانشجوی بررسی شده، تعداد ۱۴۳ نفر قلیان مصرف می‌کردند که مابقی افراد از طریق نمونه گیری گلوله برفی وارد مطالعه شدند. سپس اطلاعات در مرحله قبل، ۱ ماه، ۶ ماه و ۱ سال پس از مداخله توسط پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای سازه‌های رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی و تئوری رفتار برنامه ریزی شده برای ۱۵۰ دانشجوی مصرف کننده قلیان (۷۵ نفر در گروه آزمون و ۷۵ نفر در گروه کنترل) جمع آوری شد. با توجه به ماهیت پیوسته مراحل رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی، مداخله در سه مقطع صورت گرفت: در مقطع اول، بر اساس نتایج پیش آزمون، مداخله آموزشی با هدف شکل گیری قصد ترک قلیان در دانشجویان طراحی و برای گروه آزمون اجرا شد. سپس یک ماه پس از مداخله، قصد رفتاری در دو گروه آزمون و کنترل اندازه گیری و مقایسه شد. در مقطع دوم، بر اساس نتایج پیش آزمون، مداخله آموزشی جهت افزایش موارد ترک قلیان طراحی و برای گروه آزمون اجرا شد. ۶ ماه پس از مداخله دو گروه پیگیری شدند و مجدداً پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. در مقطع سوم، پیامک‌های آموزشی یادآوری کننده در جهت نگهداری رفتار طراحی و به تلفن همراه نمونه‌های گروه آزمون ارسال شد. ۶ ماه بعد از مداخله مقطع سوم، دوام ترک رفتار در دو گروه اندازه گیری و مقایسه شد. در نهایت اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۳ و آزمون‌های خی دو، فیشر، من ویتنی، تی مستقل، تی زوجی و رگرسیون لجستیک، تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در مقطع اول مطالعه، اختلاف معنی داری بین میانگین نمره متغیرهای نگرش، قصد رفتاری، هنجارهای انتزاعی، خودکارآمدی وظیفه و انتظارات پیامد در دانشجویان گروه آزمون نسبت به گروه کنترل بعد از انجام مداخله آموزشی وجود داشت ($p < 0.05$). همچنین اختلاف معنی داری بین تعداد موارد ترک قلیان و میانگین نمره متغیرهای برنامه ریزی عمل، برنامه ریزی مقابله، خودکارآمدی مقابله در مقطع دوم و خودکارآمدی احیاء و تعداد موارد نگهداری ترک قلیان در مقطع سوم مطالعه در دانشجویان گروه آزمون نسبت به گروه کنترل بعد از انجام مداخله آموزشی وجود داشت ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که طراحی مداخله آموزشی بر مبنای سازه‌های رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی و تئوری رفتار برنامه ریزی شده می‌تواند یک استراتژی مؤثر برای ترک مصرف قلیان و نگهداری ترک پس از یک سال باشد.

کلید واژه: دانشجویان، قلیان، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی، مداخله آموزشی

حمید جوینی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. نویسنده مسئول:

Email:Hamidjoveyni124@gmail.com

طاهره دهداری

استادیار، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

معصومه هاشمیان

استادیار، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

رضا شهرآبادی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

علی مهری

استادیار، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

پرینسا مهرادیان

کارشناس ارشد، گروه آموزش بهداشت و راتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین سواد سلامت و آگاهی از فشار خون بالا در بیماران مبتلا به فشار خون بالا استان اصفهان

فاطمه چاجایی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت گروه آموزش و ارتقای سلامت معاونت بهداشتی - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر فیروزه مصطفوی

دانشیار - عضو هیئت علمی گروه آموزش و ارتقای سلامت دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر آسیه پیرزاده

استادیار - عضو هیئت علمی گروه آموزش و ارتقای سلامت دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مهندس اکبر حسن زاده

عضو هیئت علمی گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

مقدمه: فشارخون بالا یکی از مهم ترین مشکلات سلامت عمومی و رو به گسترش جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شمار می آید. یکی از دلایل عدم کنترل فشارخون نداشتن آگاهی کافی در زمینه فشارخون بالا است. سواد سلامت میزان توانایی فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و استفاده از خدمات بهداشتی است. این مطالعه به منظور بررسی رابطه سواد سلامت و آگاهی از فشارخون در بیماران دارای فشارخون بالا انجام شد.

روش بررسی: مطالعه در ۷۰۰ نفر از بیماران ۳۰ ساله به بالا دارای فشارخون بالا در استان اصفهان انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه دوقسمتی شامل پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان و پرسشنامه بررسی آگاهی فشار خون بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اسپیر من، آنالیز واریانس یک طرفه، t مستقل و رگرسیون استفاده شد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان ۶۰/۵۸ سال بود. ۴۹٪ جمعیت مورد مطالعه دارای سواد سلامت ناکافی بودند. بین سن و نمره آگاهی و سواد سلامت رابطه معنادار وجود داشت. بین میانگین نمره سواد سلامت و تمام حیطه های آن و آگاهی در مورد فشارخون رابطه مستقیم معنادار وجود داشت.

نتیجه گیری: شناسایی بیماران فشارخون بالا با سواد سلامت ضعیف و طراحی و اجرای برنامه های آموزشی به زبان ساده و مطابق سطح سواد، سن و فرهنگ بیماران و افزایش دسترسی بیماران به اطلاعات سلامت از راه های گوناگون می تواند در افزایش سواد سلامت و در نتیجه ارتقای سلامت بیماران موثر واقع شود.

کلید واژه: سواد سلامت، آگاهی، فشارخون بالا



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزشیابی پایان دوره واحد آموزش سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان استان اصفهان

شرح تجربه

بیان مسئله: ارزشیابی یکی از اجزای اساسی برنامه‌های بهداشتی از جمله برنامه‌های آموزشی به شمار می‌رود که با هدف بررسی اثر بخشی و کمیت و کیفیت یک برنامه انجام می‌شود. ارزشیابی را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریتی به شمار آورد که به مدیران در تصمیم‌گیری‌های حساس به بهبود عملکرد اجرایی، کیفیت و اثر بخشی برنامه‌ها کمک می‌کند.

اهداف تجربه

هدف کلی: تعیین وضعیت عملکرد واحدهای آموزش سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان استان اصفهان. اهداف اختصاصی: تعیین وضعیت عملکرد واحدهای آموزش سلامت به تفکیک شبکه‌های بهداشت و درمان. **روش و مراحل کار:** این ارزشیابی بر مبنای امتیازدهی به ۱۲ فعالیت شامل (کمیته علمی، کمیته اجرایی، نظارت، توانمندسازی کارکنان، هفته سلامت، مناسبت‌های بهداشتی، مداخلات آموزشی، تولید منابع علمی، رابطین سلامت ادارات، محیط‌های سلامت رسانه‌های محلی، آموزش بسیج) است که واحدهای آموزش سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان استان موظف به انجام آنها هستند و همچنین لحاظ کردن امتیاز درون داد مربوط به تعداد واحدهای ارائه خدمات تحت پوشش (مرکز، پایگاه و خانه بهداشت) و تعداد کارکنان شاغل در واحد ستادی شهرستان در امتیاز کل پس از امتیاز دهی ورود اطلاعات در برنامه Excel واحدهای آموزش سلامت شهرستان‌ها رتبه بندی می‌شوند. رتبه‌های برتر تشویق و رتبه‌های ضعیف بررسی و سعی در رفع نقاط ضعف آنها می‌شود.

نتایج حاصل از این برنامه: ۱- تعیین وضعیت عملکردی واحدهای آموزش سلامت شبکه‌ها ۲- مقایسه وضعیت واحد آموزش سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان تابعه (۲۳ شبکه) در طی دوره اجرای برنامه ۳- مقایسه وضعیت آموزش سلامت هر شبکه با خودش در سال‌های قبل و تعیین روند آن. ۴- تشویق واحدهای با عملکرد قوی و حمایت از واحدهای با عملکرد ضعیف

ذینفعان / مخاطبان: واحدهای آموزش سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان **چالش‌های طرح:** ۱- زمان بر بودن برنامه به علت حجم زیاد اطلاعات و نیاز به دقت کامل در انجام محاسبات ۲- حساسیت همکاران نسبت به رتبه‌ای که به دست آورده‌اند در مقایسه با سایر شبکه‌های بهداشت و درمان

دکتر منصور شیری

مسئول آموزش سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
رشته، نام گروه، نام دانشکده، نام دانشگاه، شهر، کشور

فاطمه چاجایی

کارشناس آموزش سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۱۹۳۸۳۴
fch47540@yahoo.com.

سودابه امینی

کارشناس آموزش سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۰۹۱۳۲۰۲۲۲۵۳



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت بر زنان باردار در تغذیه انحصاری با شیرمادر: یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده

الهام چارچپیان خراسانی

* دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۹۱۵۷۰۰۸۱۰۸

Email: echaroghchian@yahoo.com

نوشین پیمان

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حبيب اله اسماعیلی

استاد، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: نوزادان باید به طور انحصاری از شیرمادر تا شش ماهگی تغذیه شوند. هدف این مطالعه، تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت بر تغذیه انحصاری با شیرمادر در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد در سال ۱۳۹۴ می باشد.

روش بررسی: در این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شده در سال ۱۳۹۴ از میان زنان باردار نخست زای ۳۲ هفته به بالا، ۹۰ زن به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند و در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سواد سلامت مادری و خودکارآمدی شیردهی بود. مداخله آموزشی براساس تئوری خودکارآمدی و سواد سلامت طراحی و در ۳ جلسه آموزشی ۶۰ دقیقه ای اجرا شد. ۳ ماه بعد از مداخله آموزشی پرسشنامه ها تکمیل و با توجه به اینکه در این زمان مادران، زایمان کرده و دارای فرزند بودند سطح شیردهی مادران با پرسشنامه سطوح شیردهی labbok بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار spss ۱۶ با آزمون های تی مستقل، تی زوجی، کای دو انجام گردید.

یافته ها: قبل از مداخله تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر میانگین نمره سواد سلامت مادری و خودکارآمدی شیردهی مشاهده نشد. اما بعد از مداخله، تفاوت آماری معناداری در میانگین نمره سواد سلامت مادری ($p < 0/001$) و خودکارآمدی شیردهی ($p < 0/001$) در گروه مداخله مشاهده گردید. میزان تغذیه انحصاری با شیرمادر ($p = 0/007$) در گروه مداخله نیز تفاوت آماری معنی داری نسبت به گروه آزمون داشت.

نتیجه گیری: طراحی و اجرای مداخلات آموزشی مبتنی بر خودکارآمدی و سواد سلامت بر روی زنان باردار می تواند منجر به افزایش تغذیه انحصاری با شیرمادر میان کودکان گردد.

کلید واژه: تغذیه انحصاری با شیرمادر، خودکارآمدی، سواد سلامت.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سلامت معنوی بهورزان مرکز بهداشت چناران

چکیده

مقدمه: سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت می‌باشد و باتوجه به اینکه آخرین بعدی است که در حال حاضر به مفهوم سلامتی اضافه شده است، تحقیقات زیادی در این خصوص انجام نشده است. لذا هدف این مطالعه، تعیین سلامت معنوی بهورزان مرکز بهداشت چناران در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی-تحلیلی) بوده که در آن سلامت معنوی ۷۱ نفر بهورز شاغل در مرکز بهداشت چناران با استفاده از پرسشنامه سلامت معنوی پولوتزین و الیسون سنجیده شده است. گردآوری داده‌ها بصورت سرشماری انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss ۱۸ انجام گردید.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $36/36 \pm 7/73$ سال بود. میانگین نمره سلامت معنوی $95/77 \pm 18/21$ سلامت وجودی $55/16 \pm 11/97$ و سلامت مذهبی $47/25 \pm 8/09$ بود. $52/1$ درصد از نمونه‌های مورد پژوهش سلامت معنوی بالا داشتند و $47/9$ درصد سلامت معنوی متوسط داشتند. در این مطالعه بین میزان درآمد با سلامت معنوی ($P=0/02$) و بین سطح تحصیلات با سلامت معنوی ($P=0/02$) رابطه معنی داری وجود داشت. و بین سن و سلامت معنوی رابطه معنی داری مشاهده نشد. **نتیجه گیری:** نتایج مطالعه نشان داد سلامت معنوی در افرادی با سطح درآمد و تحصیلات بالاتر، بیشتر است. لذا باید در جهت افزایش سطح تحصیلات و سطح درآمد بهورزان در جهت ارتقا سلامت معنوی گام برداشت.

کلید واژه: سلامت معنوی، بهورزان، مرکز بهداشت.

الهام چارچیان خراسانی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۹۱۵۷۰۰۸۱۰۸

Email: echaroghchian@yahoo.com

محمد مقضی

کارشناس بهداشت عمومی، مسئول واحد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت مرکز بهداشت شهرستان چناران، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

فاطمه قدسیخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مرور سیستماتیک و متاآنالیز وضعیت سواد سلامت در زنان ایرانی

نوشین پیمان

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

الهام چارقیان خراسانی

* دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۵۷۰۰۸۱۰۸

Email: khorasanie961@mums.ac.ir

سیده بلین توکلی ثانی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

آرزو اروجی

دانشجوی دکترای تخصصی آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت کسب، پردازش، درک اطلاعات اساسی و خدمات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سلامت اطلاق می‌گردد. با توجه به اهمیت بالای سواد سلامت در جمعیت زنان و تاثیر مستقیم آن بر روی افراد خانواد، هدف این مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز تعیین وضعیت سواد سلامت زنان ایرانی می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه مروری بدون محدودیت زمانی تا مرداد ۱۳۹۷ بر اساس پروتکل مقالات مروری سیستماتیک و متاآنالیز (PRISMA) انجام شد. اطلاعات مورد نیاز در در پایگاه‌های اطلاعاتی Google scholar, PubMed, ISI, Scopus, Iranmedex, SID, Magiran و Iran و numercy literacy, health literacy از پژوهشگران به صورت مستقل جستجو شده است. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: مقالات توصیفی انتشار یافته به زبان فارسی و انگلیسی، اشاره به نمره کل سواد سلامت زنان (میانگین و انحراف معیار) و استفاده از ابزارهای TOFHLA, STOFHLA, REALM, NVS, HELIA برای سنجش سواد سلامت بود. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار CMA۲ انجام شد.

یافته‌ها: از ۷۱ مقاله یافت شده در پایگاه‌های اطلاعاتی، در نهایت ۲۷ مقاله وارد مطالعه شدند. نتایج مدل ثابت نشان داد که برآورد کلی میانگین سواد سلامت در زنان ایرانی (۶۶/۳۲-۵۹/۸۲) ۶۳/۰۷ می‌باشد. نتایج متاآنالیز نشان داد مقدار سواد سلامت بر اساس پرسشنامه TOFHLA ۶۲/۱۹ و براساس پرسشنامه HELIA ۶۸/۴۲ بود و مقدار ناهمگنی (I²) در TOFHLA ۱۱/۲ درصد و در HELIA ۶ درصد بود و این مقدار ناهمگنی معنی دار نبوده است (P < ۰/۰۵) در خصوص پرسشنامه‌های REALM, NVS مقاله ای نبود که واجد شرایط شرکت در مطالعه باشد و در مورد پرسشنامه STOFHLA تنها یک مقاله بود که قابلیت تعمیم ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که میزان سواد سلامت زنان براساس پرسشنامه TOFHLA در حد مرزی و براساس پرسشنامه HELIA کافی می‌باشد که این امر نشانگر تفاوت سنجش سواد سلامت در این دو ابزار می‌باشد، لذا باید درخصوص تهیه ابزار سنجش سواد سلامت، دقت و توجه بیشتری مبذول داشته شود.

کلید واژه: سواد سلامت، زنان، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه سواد بهداشتی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان بابل

چکیده

مقدمه: سواد سلامتی به ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی مورد نیاز به منظور تصمیم گیری در زمینه‌های مرتبط با سلامت است به گونه ای که سبب توانمندی در انجام رفتارهای خودمراقبتی شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت با رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است که در سال ۱۳۹۵ بر روی ۳۹۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو در مراکز روستایی بابل انجام شد. به منظور جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه خلاصه فعالیت‌های خودمراقبتی (SDSCA) و پرسشنامه سواد بهداشتی بزرگسالان ایرانی (HELIA) استفاده شد. یافته ها: میانگین و انحراف معیار نمره سواد سلامت بیماران $48/56 \pm 16/31$ بود و $55/9$ درصد از بیماران سواد سلامت ناکافی داشتند. میانگین و انحراف معیار نمره خودمراقبتی در طی یک هفته $50/77 \pm 15/18$ بود. بین سواد سلامت و رفتارهای خودمراقبتی ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد. ($P=0/064$). سواد سلامت با متغیرهای جنس، سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی اجتماعی و مدت تشخیص بیماری ارتباط آماری معنی داری داشت ($P<0/05$). رفتارهای خودمراقبتی با تعداد افراد خانواده، تحصیلات و مدت تشخیص بیماری ارتباط آماری معنی داری داشت ($P<0/05$). نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیش از 50 درصد بیماران سواد سلامت ناکافی دارند و عوامل دموگرافیک نیز نقش مهمی در سواد سلامت و انجام رفتارهای خودمراقبتی دارند پیشنهاد می‌شود کارکنان بهداشتی درمانی به این عوامل در هنگام طراحی برنامه بهداشتی متناسب با بیماران توجه کنند.

کلید واژه: سواد سلامت، دیابت، رفتارهای خودمراقبتی، مراکز بهداشتی درمانی

مشرّفه چالشگر کرداسیابی

* دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نویسنده مسئول).
mosharefe@gmail.com

عباس بخشاوند

دانشگاه علوم پزشکی مازندران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تعیین کننده‌های مصرف قلیان در نوجوانان پسر شهر ساری بر اساس مدل تصور تمایل

مشرفه چالشگر کرداسیابی
* دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نویسنده مسئول).
mosharefe@gmail.com

آرزو عباسپور
دانشگاه علوم پزشکی مازندران

چکیده

مقدمه: مطالعه حاضر با هدف بررسی تعیین کننده‌های اجتناب از کشیدن قلیان در بین نوجوانان شهر ساری با استفاده از مدل تصور تمایل می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۲۴۰ نفر از نوجوانان پسر مناطق مختلف شهری ساری با استفاده از نمونه گیری آسان انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه مبتنی بر مدل تصور تمایل بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، رگرسیون لجستیک و رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سن شروع قلیان در نوجوانان ۱۴/۰۶ سال بود و ۶۷ درصد شرکت کنندگان هرگز قلیان نکشیده بودند. آنالیز رگرسیون نشان داد که سازه قصد تعیین کننده ۳۳/۸ درصد از واریانس اجتناب از کشیدن قلیان در نوجوانان می‌باشد. همچنین سازه هنجارهای انتزاعی و نگرش از تعیین کننده‌های مهم بر قصد کشیدن قلیان بودند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت سازه‌های هنجارهای انتزاعی، نگرش و قصد در اجتناب از رفتار کشیدن قلیان توصیه می‌شود در طراحی مداخلات و برنامه‌های آموزشی برای نوجوانان مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: نوجوانان، قلیان، مدل تصور تمایل



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل تعیین کننده غربالگری سرطان کولورکتال در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان جویبار براساس مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: سرطان روده بزرگ یک بیماری شایع و کشنده بوده که به عنوان یک بیماری قابل پیشگیری توجه مراکز سلامت و بهداشتی سراسر دنیا را به خود جلب کرده است. سرطان کولورکتال دومین علت مرگ بر اثر سرطان را به خود اختصاص داده است. مطالعه حاضر با هدف تعیین کننده‌های انجام غربالگری در افراد بالای ۵۰ سال شهر جویبار بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی که بر روی ۳۶۰ نفر از افراد بالای ۵۰ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی و خانه‌های بهداشت شهرستان جویبار به صورت نمونه گیری خوشه ای انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌های اعتقاد بهداشتی سرطان کولورکتال چمپیون (CHBMS) و پرسشنامه دموگرافیک بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون آماری تی تست و کای دو تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سن بیماران $58/8 \pm 6/3$ بود که ۵۹/۴ درصد آن را زنان و ۷۸/۸ درصد متاهل بودند. یافته‌ها نشان داد که ۵/۳ درصد از مردم در غربالگری سرطان کولورکتال را انجام نداده بودند و ۸۲/۸ درصد از مردم در این خصوص آگاهی نداشتند. بر اساس سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی افرادی که غربالگری انجام داده بودند تفاوت معنی داری در نمره خودکارآمدی نسبت به افرادی که غربالگری انجام نداده بودند داشتند. انجام غربالگری با متغیرهای دموگرافیک ارتباط آماری معنی داری نداشت. **نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌ها میزان آگاهی و انجام غربالگری سرطان کولورکتال در افراد بالای ۵۰ سال پایین می‌باشد. با توجه به پایین بودن سطح باورهای بهداشتی شرکت کنندگان نسبت به انجام غربالگری لازم است آموزش عموم جامعه با هدف افزایش آگاهی و مشارکت مردم در انجام این امر مهم مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: سرطان کولورکتال، مدل اعتقاد بهداشتی، جویبار، خودکارآمدی

مشرفه چالشگر کرداسیابی

* دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نویسنده مسئول).
mosharefe@gmail.com

آتنا فیضی

دانشگاه علوم پزشکی مازندران

فرشته رستمی

دانشگاه علوم پزشکی مازندران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت در بین شهروندان شهر زاهدان

محمد رحمت زایی

دانشجوی دکتری مدیریت سلامت، مرکز بهداشت
زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران

حمزه چپاتی گرگیج

* کارشناسی ارشد روانشناسی، مرکز بهداشت زاهدان،
دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۵۳۴۱۸۲۶۳

h_gorgij@yahoo.com

رویا رحمت زایی

کارشناس علوم آزمایشگاهی، مرکز بهداشت زاهدان،
دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران

مریم شیرزایی

تکنسین بهداشت خانواده، معاونت پژوهشی، دانشگاه
علوم پزشکی، زاهدان، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت نشان دهنده مهارت‌های شناختی و اجتماعی است که انگیزه و توانایی افراد برای کسب، دسترسی و درک روشهای استفاده از اطلاعات جهت حفظ و ارتقاء سلامتی را تعیین می‌کنند. علیرغم اهمیت نتایج احتمالی سواد سلامت محدود، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی - درمانی اغلب از توانایی خواندن بیماران آگاهی ندارند. اگر ارائه دهندگان خدمات در تلاش هستند بر آثار نامطلوب سواد سلامت پایین غلبه کنند، توانایی تشخیص بیماران دارای مشکل احتمالی در سواد اهمیت دارد. بنابراین اولین گام در اغلب موقعیت‌ها اندازه‌گیری سواد سلامت است. بدون اندازه‌گیری، دانستن اینکه چه وقت و چگونه سواد سلامت ممکن است مرتبط باشد، امکان پذیر نیست و به سادگی ممکن است مداخلاتی طراحی شوند که در توجه به عوامل مرتبط به شکست بینجامند. با توجه ضرورت بیان شده در خصوص سنجش سواد سلامت، پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان سواد سلامت در شهروندان شهر زاهدان انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش از لحاظ هدف نوع تحقیق کاربردی و از لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان بزرگسال شهر زاهدان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۴۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات لازم شامل پرسشنامه سنجش سواد بود. داده‌های به دست آمده به کمک نسخه ۲۱ نرم افزار SPSS و با به کارگیری آمارهای توصیفی و آزمون همبستگی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که سواد سلامت ارتباط معنی داری با درک اطلاعاتی، دسترسی، ارزیابی اطلاعات بهداشتی و استفاده از اطلاعات بهداشتی و جنسیت و شغل دارد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح سواد سلامت در تعداد زیادی از شهروندان، لازم است برای بهتر شدن برنامه‌های آموزشی متناسب با سطح سواد سلامت و علائق رسانه‌های آنان، طراحی شوند.

کلیدواژه: سواد سلامت، اطلاعات بهداشتی، شهروندان، زاهدان.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اپلیکشن‌های موبایل رویکردی نو در ارائه سواد سلامت: مطالعه موردی اپلیکشن‌های حوزه زنان و زایمان

چکیده

مقدمه: امروزه استفاده از برنامه‌های کاربردی موبایل به شدت در حال گسترش می‌باشد و حوزه‌های بالینی نیز از این امر مستثنی نیستند. حوزه تخصصی زنان و زایمان از بخش‌های مهم بالینی می‌باشد که با توجه به اهمیت آن، برنامه‌های کاربردی متفاوتی جهت ارائه اطلاعات درست و بهتر در این زمینه به وجود آمده است. هدف این مطالعه بررسی کمی و کیفی اپلیکشن‌های حوزه زنان و زایمان فارسی زبان می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه برنامه‌های کاربردی موبایل در زمینه زنان و زایمان از اپ استورهای داخلی استخراج شده و سپس به بررسی آن‌ها از نظر گروه هدف مدنظر سازندگان، زمینه موضوعی، نوع اطلاعات ارائه شده، پوشش موضوعی اطلاعات و نوع اشتراک برنامه پرداختیم.

نتایج: یافته‌ها نشان دادند که در مجموع، تعداد ۱۰۳ برنامه در حوزه موضوعی وجود دارد که از این تعداد موضوع بارداری با ۵۴ مورد برنامه بیشترین سهم را دارد. پس از آن حوزه بارداری و زایمان با ۱۳ برنامه و بهداشت زنان با ۱۲ برنامه بیشترین آمار را در بین برنامه‌های داخلی موبایل دارند. تعداد ۴۸ از برنامه‌ها به صورت رایگان ارائه می‌شوند و تنها ۲٫۹ درصد از این برنامه‌ها گروه هدف خاص، یعنی پزشکان و ماماها دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که در میان برنامه‌های داخلی، هرچند به بالا بردن سواد قشر عموم جامعه توجه شده است، اما در زمینه‌های تخصصی هیچ اپلیکشن مناسب و خاصی وجود ندارد. حیطه بیماری‌های زنان از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که از لحاظ طراحی اپلیکشن به آن توجه نشده است. بیماری‌هایی در قشر زنان وجود دارند که هنوز بعد از پیشرفت‌های علمی بین عموم افراد در جامعه ناشناخته هستند و افراد هیچ اطلاعاتی در مورد آن بیماری ندارند. نتایج مطالعه حاضر پیشنهادهایی کاربردی برای سازندگان اپلیکشن‌های موبایل و متولیان امر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه می‌کند که می‌توانند به ساخت برنامه‌های موبایلی که به راحتی قابل دسترسی برای اکثریت باشند و به اشاعه اطلاعات درست در زمینه‌های تخصصی این حوزه کمک کند، بیانجامد.

کلید واژه: اپلیکشن، برنامه کاربردی، زنان و زایمان، مامایی

محمدرضا چشم یزدان

گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

سیده مرضیه صالحی

* رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، مرکز تحقیقات روش‌های پیشرفته و کم‌تهاجمی، بیمارستان پارس، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران، تهران
۰۹۳۶۷۸۲۷۹۳۰

marziesalehi1993@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سلامت عمومی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی وفايي نجار

دانشیار گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، مشهد

هادی زمردی نیت

* دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
Email: zomorrodinh1@mums.ac.ir

زهرا چمان

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، مشهد

چکیده

مقدمه: کاربردهای فراوان اینترنت و جذابیت‌های آن سبب شده است که در سالهای اخیر پدیده ای با عنوان "اعتیاد به اینترنت" ظهور یابد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سلامت عمومی و اختلال اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی مشهد انجام شده است.

روش بررسی: این پژوهش، یک مطالعه توصیفی- مقطعی است. جامعه مورد مطالعه، کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ هستند که ۱۷۶ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه ای با سه بخش بود که در اختیار دانشجویان قرار گرفت. بخش اول پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، قسمت دوم پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ و قسمت سوم پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-۲۸) گلد برگ بود. برای بررسی رابطه بین ابعاد سلامت عمومی و اعتیاد به اینترنت از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام گرفت.

یافته ها: نمره میانگین سلامت عمومی $11/39 \pm 5/82$ بوده که بیانگر سلامت عمومی کامل بود. نمره میانگین اعتیاد به اینترنت $37/92 \pm 14/19$ بود که بیانگر اعتیاد متوسط بود. همچنین بین اعتیاد به اینترنت و اختلالات جسمانی، همبستگی کمی وجود دارد که به لحاظ آماری معنادار نیست ($p=0/09$ - $r=0/2$). بین اعتیاد به اینترنت و اختلال افسردگی ($p=0/058$ - $r=0/044$) و همچنین اختلال اضطرابی ($p=0/059$ - $r=0/04$) همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد که به لحاظ آماری معنادار نیست. بین اعتیاد به اینترنت و اختلال کارکرد اجتماعی همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد که این مقدار هم به لحاظ آماری معنادار نمی باشد ($p=0/10$ - $r=0/16$).

نتیجه گیری: مشخص شدن ابعاد سلامت عمومی و اختلال اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، می‌تواند گامی برای برنامه ریزی در راستای درمان و جلوگیری از عوارض شایع این اعتیاد باشد.

کلید واژه: سلامت عمومی، اعتیاد به اینترنت، دانشجویان دانشکده علوم پزشکی مشهد



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عملکرد شغلی بر اساس خودکارآمدی و رضایت شغلی در کارمندان دانشگاه

چکیده

مقدمه: هر فردی در سازمان برای ارائه رفتار مناسب و مطلوب و عملکرد صحیح در شغل خود بایستی هم از کار خود رضایت داشته و هم در راستای تحقق اهداف سازمانی بقدر کافی خودکارآمد باشد. لذا هدف این مطالعه، بررسی عملکرد شغلی براساس باورهای خودکارآمدی و رضایت شغلی می‌باشد.

روش بررسی: در مطالعه مقطعی حاضر، تعداد ۲۷۲ نفر از کارمندان یک دانشگاه در همدان در سال ۱۳۹۷ به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و تصادفی ساده شرکت کردند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سؤالات دموگرافیک، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر (SHerer General Self-Efficacy Scale)، پرسشنامه رضایت شغلی (Job Descriptive Index) و پرسشنامه عملکرد شغلی استفاده شد. داده‌ها بعد از جمع‌آوری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۳ و آزمون‌های آماری توصیفی و رگرسیون خطی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه به ترتیب میانگین و انحراف معیار نمره کلی رضایت شغلی $3/45 \pm 0/62$ (دامنه ۰-۵)، خودکارآمدی $9/59 \pm 64/01$ (دامنه ۵-۸۵) و عملکرد شغلی $2/97 \pm 0/50$ (دامنه ۰-۴) بود. براساس یافته‌های آزمون‌های آماری توصیفی، میانگین سنی نمونه‌ها $40/76 \pm 8/81$ و سابقه کار آنها $9/44 \pm 16/06$ سال بود. تعداد ۱۲۳ نفر مرد (۴۵/۲ درصد) و ۱۴۹ نفر زن (۵۴/۸ درصد) در این مطالعه شرکت کردند. افراد مجرد ۴۷ نفر (۱۷/۴ درصد)، افراد متأهل ۲۱۸ نفر (۸۰/۷ درصد) و افراد بدون همسر ۵ نفر (۵/۵ درصد) بودند. از نظر سطح تحصیلات، تعداد ۲۶ نفر (۹/۵ درصد) با تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم، ۳۲ نفر فوق دیپلم (۱۱/۷ درصد)، ۱۱۲ نفر لیسانس (۴۱ درصد)، ۸۶ نفر فوق لیسانس (۳۱/۵ درصد) و ۱۷ نفر (۶/۲ درصد) با تحصیلات دکترا و بالاتر بودند. براساس یافته‌های مدل رگرسیون خطی متغیرهای دموگرافیک، خودکارآمدی و رضایت شغلی با عملکرد شغلی، تنها متغیر رضایت شغلی ($P=0/044$)، رابطه معناداری با عملکرد شغلی داشت. یعنی با افزایش ۱ واحد به نمره رضایت شغلی، عملکرد شغلی به اندازه ۰/۲۹ واحد افزایش می‌یافت ($\beta=0/29$). همچنین در تحلیل داده‌های مدل رگرسیون خطی متغیرهای دموگرافیک، خودکارآمدی و رضایت شغلی با سه زیرمقیاس عملکرد شغلی (دانش، مهارت، رفتار نیروی انسانی) تنها در مدل رفتار نیروی انسانی، با افزایش ۱ واحد به نمره رضایت شغلی، رفتار نیروی انسانی به اندازه ۰/۳۷ واحد افزایش می‌یافت ($\beta=0/372$) و ($P=0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش رضایت شغلی در عملکرد شغلی و رفتار نیروی انسانی، می‌توان گفت بازنگری در وضعیت شغلی و شرح وظایف کارمندان در دانشگاه، بگونه‌ای که سطح بالای رضایت شغلی را به همراه انگیزه بالا نسبت به شغلشان در پی داشته باشد، می‌تواند در بهبود عملکرد کارکنان مؤثر باشد.

کلید واژه: خودکارآمدی، رضایت شغلی، عملکرد شغلی، کارمندان، همدان.

فروزان رضاپور شاه کلاهی

دانشیار ارتقاء سلامت با گرایش ارتقاء ایمنی و پیشگیری از صدمات، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

یابک معینی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، عوامل بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

یداله حمیدی

دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

رقیه چناری

✳️ دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۸۱-۳۸۳۸۰۰۲۵

Email: Chenaryr@yahoo.com:

نسرین شیر محمدی

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مؤثر بر الگوی تغذیه ای پیشگیری کننده از سرطان کولورکتال در افراد بالای ۵۰ سال ساکن شهر بوشهر. مبتنی بر: تئوری انگیزش-محافظة

طوبی حاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

آزینا نوروزی

* دانشجویار آموزش بهداشت، گروه بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی دریایی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. تلفن: ۰۹۱۷۷۷۲۴۶۰۵

azitanoroozi@yahoo.com

رحیم طهماسبی

دانشیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان کولورکتال یکی از مهمترین و چهارمین سرطان شایع دستگاه گوارش بوده و دومین علت مرگ و میر در سراسر جهان محسوب می‌شود هر ساله نزدیک به یک میلیون مورد جدید سرطان کولورکتال در جهان شناسایی می‌شود و نزدیک به نیمی از آنها به علت این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. به نظر می‌رسد که رفتارهای تغذیه ای جزء مهمترین عامل خطر در سرطان کولورکتال به شمار می‌آیند. هدف این از مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر رفتار تغذیه ای پیشگیری کننده از سرطان کولورکتال در بین افراد بالای ۵۰ سال مبتنی بر تئوری انگیزش-محافظة بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی به شیوه مقطعی بود که بر روی ۲۵۰ فرد بالای ۵۰ سال به شیوه نمونه گیری آسان در سال ۹۶ در سطح شهر بوشهر انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق بر اساس پرسشنامه محقق ساخته شامل سوالاتی برگرفته از سازه‌های تئوری انگیزش-محافظة و پرسشنامه استاندارد ۲۴ ساعته بسامد غذایی بود که توسط مصاحبه فردی با شرکت کنندگان تکمیل گردید داده‌ها بوسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و با استفاده از شاخص‌های توصیفی، آزمون‌های آماری T مستقل، کای دوبرگرسیون خطی و لجستیک تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: ضریب همبستگی بین سازه‌های تئوری انگیزش-محافظة و داده‌های حاصل از رژیم غذایی نشان داد که در شرکت کنندگان دارای مشکل گوارشی بین نمرات حاصل از رژیم غذایی و سازه‌های این تئوری، هزینه درک شده ($r=0/030 - p=0/0210$) همبستگی مثبت و ترس ($r=0/244 - p=0/011$) همبستگی منفی وجود داشت. براساس آزمون رگرسیون خطی در گروه فاقد مشکل گوارشی سازه‌های خودکارآمدی ($P>0/001$)، و هزینه درک شده ($R^2=0/40 - p=0/040$) و در گروه دارای مشکل گوارشی سازه‌های خودکارآمدی ($P<0/001$) و پاداش درک شده ($R^2=0/45 - p=0/022$) پیشگویی کننده قصد رفتار تغذیه ای سالم بودند. براساس داده‌های حاصل از مدل رگرسیون در افراد دارای مشکل گوارشی دو سازه ترس ($P=0/019$) و هزینه درک شده ($P=0/050$) پیشگویی کننده رفتار ($R^2=0/78$) رژیم غذایی سالم بودند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که تئوری انگیزش-محافظة برای پیش بینی رفتار تغذیه ای مناسب است. به منظور ایجاد قصد رفتار تغذیه ای سالم، مداخلات آموزشی باید به روش‌های مختلف خود کارآمدی را افزایش دهند بطوریکه در افراد مبتلا به مشکلات دستگاه گوارش باید موانع تغذیه سالم را کاهش داده و در افراد بدون مشکلات گوارشی، بر معایب تغذیه ناسالم تأکید کنند.

کلید واژه: سرطان کولورکتال، رفتار تغذیه ای پیشگیری کننده، تئوری انگیزش محافظت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثرات یک مداخله آموزشی ایمنی بر ارتقاء رفتارهای ایمن کارگران نساجی

فریده حاتمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد (نویسنده مسئول)

ریحانه کاکاوند

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مقدمه: علوم رفتاری بخش جدایی ناپذیری از استراتژی جامع پیشگیری از حوادث و آسیبها در محیط کار می باشد. این مطالعه گزارش یک رویکرد رفتاری است که به منظور ارزیابی تاثیر یک بسته مداخله آموزشی در کارگران یک کارخانه نساجی مورد استفاده قرار گرفته است.

مواد و روش: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی (quasi-experimental) به صورت پری تست- پست تست با استفاده از روش سالمون میباشد که بر روی ۸۵ نفر از کارگران کارخانجات نساجی بروجرد انجام شد. ابزار گرد آوری دادهها شامل پرسشنامه و چک لیست مشاهده رفتار که اختصاصاً برای این مطالعه طراحی شد. اطلاعات اساسی مورد نیاز برای برنامه ریزی مداخله بر اساس یافتههای حاصل از اجرای ۴ مرحله اول الگوی پرسید- پروسید حاصل گردید. سپس برنامه مداخله با تاکید بر تلفیق مدل پرسید- پروسید و تئوری قصد رفتاری طراحی گردید. بسته مداخله ای شامل آلف-آموزش ب-طراحی برنامه مشارکتی ج-تشویق شفاهی د- ارائه بازخورد به میزان ۴ بار در هفته می شد. آنگاه طی دو مرحله با گذشت ۱ ماه از آموزش و ۳ ماه بعد از آن، مجدداً اطلاعات جمع آوری شد.

نتایج: میانگین امتیاز کسب شده برای ۴ گروه آزمون، یک ماه پس از اجرای مداخله آموزشی و ۳ ماه پس از آن معنی دار میباشد.

نتیجه گیری: بر اساس یافتههای این بررسی کاربرد بسته مداخله آموزشی بر اساس الگوی تلفیق شده در ارتقا و تداوم رفتارهای ایمن کارگران موثر بود. از سوی دیگر کاهش، درصد رفتارهای نایمن نیز این یافته را تایید نمود. در نتیجه استفاده از بسته مداخله آموزشی میتواند به افزایش رفتارهای ایمن کارگران منجر گردد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سواد سلامت زنان ایرانی در زمینه سرطان پستان

زهره حاجی ابراهیمی

* کارشناس واحد آموزش و ارتقای سلامت (کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه آموزش و ارتقای سلامت، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران). نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۳۷۰۲۴۷۰ - ۰۱۷۱۳۲۲۸۱۸۶
hajiebrahimi47@gmail.com

محمد حسین حاجی ابراهیمی

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی (گروه امار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران)

چکیده

مقدمه: سازمان بهداشت جهانی سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده‌های امر سلامت معرفی نموده است. تصمیمات و رفتارهایی که افراد در زمینه سبک زندگی خود می‌گیرند تحت تاثیر سطح سواد سلامت آنهاست. سرطان پستان شایع ترین سرطان در میان زنان در کل دنیاست. سواد سلامت به شدت برای بیماران مبتلا به این بیماری اهمیت دارد تا بتوانند در زمینه مجموعه ای پیچیده از تصمیمات مبتنی بر تشخیص و درمان تصمیم گیری کنند. مطالعه حاضر با هدف بررسی مطالعات انجام شده در زمینه سطح سواد سلامت زنان ایرانی در رابطه با سرطان پستان انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مطالعه مروری ساده بود و جستجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی ایرانی و بین المللی (Database(SID) با کلید واژه‌های سواد سلامت، سواد سلامت زنان ایرانی، غربالگری سرطان پستان، سرطان پستان، در سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ انجام گردید. پس از جستجو ۲۳ مقاله بر اساس معیارهای پژوهش انتخاب شدند.

یافته ها: بررسی مطالعات نشان داده است که بین سواد سلامت و انجام غربالگری سرطان پستان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین نگرش افراد در مورد انجام غربالگری سرطان پستان و سواد سلامت، دانش و عملکرد زنان در مورد سرطان پستان، بین سطح تحصیلات و آگاهی از خود آزمایی پستان و همچنین بین تحصیلات زنان و نظرات آنها در ارتباط با فواید و موانع انجام ماموگرافی ارتباط آماری معنی دار وجود دارد. با وجود باورهای بهداشتی مثبت نسبت به ماموگرافی، میزان انجام ماموگرافی بسیار کم است. با افزایش سطح سواد سلامت زنان مبتلا به سرطان پستان در سنین باروری، رضایت از زندگی زناشویی و رضایت جنسی آنان نیز افزایش یافت. در مجموع آگاهی و نگرش زنان مورد مطالعه در مورد سرطان پستان متوسط و عملکرد آنان ضعیف ارزیابی شد. استفاده از رسانه‌های چاپی موجب افزایش آگاهی و ارتقای رفتار گردید.

نتیجه گیری: سواد سلامت زنان ایران در مورد سرطان پستان متوسط و عملکرد آنان ضعیف می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد علاوه بر برنامه ریزی مدون در رابطه با پیشگیری از سرطان پستان و آموزش روش‌های غربالگری، با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و استفاده از رسانه‌های چاپی در راستای افزایش سواد سلامت اقدام گردد. انجام تحقیقات در زمینه عواملی که در افزایش سواد سلامت زنان در مورد سرطان پستان نقش دارند جهت عملکرد مناسب آنان ضروری به نظر میرسد.

کلید واژه: سواد سلامت، سرطان پستان، غربالگری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان تاثیر آوای قرآن بر افسردگی بیماران دارای مشکل اعصاب و روان

چکیده

مقدمه: امروزه افسردگی یکی از شایعترین اختلالات روانی و معضل عمومی زندگی بشر است. که یکی از روش‌های غیر دارویی برای این بیماران موسیقی درمانی است همچنان که یک مداخله موثر و بی خطر بر روی مشکلات بیماران می‌باشد. از آنجا که آهنگ موزون قرآن کریم و آوای دل نشین آن به عنوان یک موسیقی عرفانی شناخته شده هدف اصلی مطالعه حاضر تاثیر آوای قرآن بر افسردگی می‌باشد.

روش بررسی: مطالعه حاضر بصورت مروری -سیستماتیک با جستجوی وسیع پایگاه‌های اینترنتی، Scopus.SID.ISC نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. و برای جستجو از زبان ورودی فارسی و انگلیسی استفاده شد و محدوده زمانی برای انتخاب مقالات در نظر گرفته نشد. مقالات یافت شده، که در حدود ۱۱۵ مقاله بودند، که از این میان حدود ۹۶ مقاله وارد مطالعه شدند و سپس این مقالات از نظر عنوان، چکیده و متن کامل مورد ارزیابی قرار گرفتند و پس از حذف موارد تکراری و نامرتب، حدود ۷۴ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردیده شد.

یافته ها: نتایج حاصل نشان داد که موسیقی درمانی با آوای قرآن یک مداخله موثر بی خطر بر روی مشکلات بیماران می‌باشد. از جمله این مداخلات موثر: کاهش استرس، کاهش احساس تنهایی، بهبود خلق و در نهایت باعث کاهش افسردگی می‌باشد. همچنین مطالعات نشان داد که اعتقادات مذهبی بر میزان افسردگی در افراد تاثیر گذار است و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی تری دارند این تاثیر بر روی آنان بیشتر است.

نتیجه گیری: مطالعات صورت گرفته بیانگر آن بود که نگرش مذهبی بر میزان افسردگی و همچنین کاهش استرس قبل و بعد از اقدامات تشخیصی و درمانی موثر بوده است. و از آنجا که آهنگ موزون قرآن کریم و آوای دل نشین آن به عنوان یک موسیقی عرفانی و دلپذیر و بعد اعجاز بیانی قرآن می‌باشد می‌توان از قرآن کریم به عنوان یک روش درمانی غیر دارویی در درمان بیماران افسرده استفاده نمود.

کلید واژه: افسردگی، آوا و نوای قرآنی، اختلالات و بیماری‌های روانی

علی حاجی پور طالبی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

فرهاد صادقی کلاته عبدل

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

علی حشمتیان

دانشجوی کارشناسی هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

سارا جعفریان

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نسترن برمکی

* دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول:

Email: Barmaki.n41@gmail.com

Tel:+98991457961

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی مراجعین مبتلا به دیابت نوع دو در مرکز دیابت زنجان

خدیجه حاجی میری

* استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۲۴۳۳۷۸۱۳۰۰
Email: Hajimiri@zums.ac.ir

فئانه بخشی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

فاطمه سلیمی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

چکیده

مقدمه: دیابت نوع ۲ یکی از بیماری‌های مزمن است که بر سلامت عمومی و رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. دیابت نوع ۲ می‌تواند عوارض شدید مانند بیماری‌های قلبی عروقی، نابینایی و نارسایی کلیه، قطع عضو و سکتة مغزی را ایجاد کند که بار مسئولیت سنگین بر خانواده و جامعه به وجود می‌آورد. این مطالعه با هدف بررسی سطح سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی در مراجعین مبتلا به دیابت نوع دو در مرکز دیابت زنجان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۴۰۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو مراجعه‌کننده به مرکز دیابت شهر زنجان انجام شد. بیماران پرسشنامه استاندارد که سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی آنها را ارزیابی می‌کرد تکمیل کردند. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ با استفاده از آمار توصیفی و آزمون آماری U-Mann Whitney در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران $54/13 \pm 10/3$ سال بود. ۵۹/۵ درصد بیماران زن بودند. نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمره سواد سلامت $2/01 \pm 0/4$ بود. از میان سه بعد سواد سلامت، کمترین میانگین نمره به ابعاد عملکردی $1/48 \pm 0/5$ اختصاص داشت. تفاوت آماری معنی‌داری بین نمره سواد سلامت کل ($p = 0/02$) و سواد سلامت انتقادی ($p = 0/07$) بین زنان و مردان دیابتی مشاهده شد. بیمارانی که $HbA1C > 7$ داشتند به طور معنی‌داری نمره بیشتری در ابعاد سواد سلامت ارتباطی ($p = 0/01$) و انتقادی ($p = 0/02$) نسبت به بیماران با $HbA1C \leq 7$ کسب کردند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه ما نشان داد که بیماران سواد سلامت متوسط داشتند و سواد سلامت عملکردی آنها مناسب نبود. سواد سلامت عملکردی ضعیف در هر دو جنس مشهود بود، اما مردان نسبت به زنان نمرات بهتری در سواد سلامت ارتباطی و انتقادی کسب کرده بودند. بنابراین توصیه می‌شود، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی برنامه ریزی‌های لازم را در راستای ارتقای سواد سلامت، به ویژه سواد سلامت عملکردی در بیماران دیابتی نوع ۲ داشته باشند. چرا که بیماران دارای سواد سلامت عملکردی پایین نیاز به مراقبت‌های پزشکی اضافه دارند و هزینه‌های مراقبت از آنها نیز بیشتر است.

کلیدواژه: دیابت، نوع ۲، سواد سلامت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر ارتقاء صلاحیت حرفه ای پرستاران بر رضایت بیماران از کیفیت زندگی

چکیده

مقدمه: امروزه صلاحیت حرفه ای پرستاری بعلافت نقش اساسی آنها در کیفیت مراقبت و ارتقاء سلامت اهمیت فوق العاده ای دارد. از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ رضایتمندی بیماران مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه سعی شده است تا با توجه به اهمیت رضایت بیماران که ملاک ارزشمندی در نشان دادن کیفیت مراقبت پرستاری می باشد و صلاحیت حرفه ای پرستاران به عنوان عاملی که مؤثر در ارتقا سلامت است، ارتباط بین این دو عامل را سنجید.

روش بررسی: این مطالعه یک پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است که در یکی از بیمارستانهای آموزشی منتخب مشهد انجام شد. ۵۲ پرستار از ۱۰ بخش بیمارستان با انتخاب تصادفی و همچنین ۱۰۰ بیمار بستری در این بخشها در این پژوهش شرکت کردند. ابزارهای گردآوری داده ها شامل: ۱- پرسشنامه سنجش صلاحیت حرفه ای پرستاری و ۲- چک لیست پژوهشگر ساخته ارزیابی رضایت بیماران از کیفیت زندگی بود توسط پرستاران و بیماران تکمیل شد. داده ها تحت برنامه spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ۱۴/۸۱٪ پرستاران از صلاحیت حرفه ای بالا برخوردارند. در گروه بیماران نیز فقط ۲۴٪ از کیفیت مراقبتهای پرستاری کاملاً راضی هستند. آزمون همبستگی ارتباط معناداری بین صلاحیت حرفه ای پرستاران و تمامی ابعاد رضایت بیماران نشان داد ($p/0.46 =$) و بیشترین ارتباط را در ابعاد کارایی مراقبت و تداوم مراقبت (سواد سلامت) داشته است.

نتیجه گیری: معلوم گردید که ارتقاء صلاحیت حرفه ای پرستاری بر رضایت بیماران مؤثر است لذا می توان برنامه بهسازی پرستاران را بصورت دوره های بازآموزی برای آنان تدارک دید تا بکارگیری شیوه های نوین درمانی و ارتقا سلامت به تغییر و اصلاح نقش های پرستاران و عملکرد مراقبتی آنها منجر شود و در نهایت کیفیت زندگی بیماران بهبود یابد.

کلید واژه: صلاحیت حرفه ای - پرستار - رضایت بیمار - کیفیت زندگی

اعظم حبشی زاده

* وابستگی سازمانی (پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۲۰۸۴۷۶

Email: habashizadea1@mums.ac.ir

الهه جاقوری

وابستگی سازمانی (پرستاری، بیمارستان شهید کامیاب، نام دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی خود مراقبتی اورم و افزایش سواد سلامت بیماران مبتلا به سر درد میگرنی بر کیفیت زندگی آنها

اعظم حبشی زاده

* وابستگی سازمانی (پرستاری، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران). نویسنده

مسئول: ۰۹۱۵۱۲۰۸۴۷۶

Email: habashizadea1@mums.ac.ir

الهه جاقوری

وابستگی سازمانی (پرستاری، بیمارستان شهید کامیاب،

نام دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران)

چکیده

مقدمه: سردرد شایع ترین ناخوشی انسان و میگرن شایع ترین سندرم سردرد اولیه ناتوان کننده است. میگرن، اختلالی عصبی-عروقی است که با سردردهای دوره ای و ضربان دار ناتوان کننده مشخص می شود و اغلب با علائم عصبی و اتونومیک همراه است و به علت مزمن بودن و شیوع بالا آثار بسیاری بر فرد بیمار، خانواده و اجتماع دارد و هر ساله هزینه سنگینی بر جوامع مختلف و زندگی اجتماعی فرد تحمیل می کند. با توجه به عوارض جانبی داروها عدم پاسخ یا پاسخ ناکافی به درمان دارویی و هزینه های بالای تهیه دارو، ضرورت و اهمیت اجرای روش های غیر دارویی در غالب فعالیت های مراقبت از خود به منظور کاهش شدت سردرد در این بیماران بیش از پیش آشکار می شود. مراقبت از خود بیماران را قادر می سازد تا در مراقبت و درمان خود، نقش فعالی داشته و مسئولیت مراقبت از خود را پذیرا باشند.

روش بررسی: این پژوهش نیمه تجربی با طرح دو مرحله ای قبل و بعد از مداخله است که با شرکت ۲۰۰ بیمار بصورت نمونه گیری در دسترس و طبق معیارهای ورود انتخاب انجام شد. این برنامه بر اساس سیستم پرستاری آموزشی-حمایتی اورم طراحی که شامل مجموعه ای از برنامه های خودمراقبتی برای کنترل علائم جسمی است. این برنامه خودمراقبتی در قالب هشت جلسه ۴۵ دقیقه ای که شامل مجموعه ای از اطلاعات، رفتارها و عملکردهایی است که بر اساس نیازهای جسمی بیماران دچار سردرد میگرنی و برای کاهش و پیشگیری از عوارض سردرد به بیماران آموزش داده شد. برای پیگیری اجرای برنامه در طول سه ماه، چک لیست های خود گزارش دهی برای سه ماه اجرای برنامه بصورت روزانه تهیه گردید و توسط بیماران تکمیل شد. ابزارهای گردآوری داده ها در این پژوهش عبارت است از: پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و مقیاس استاندارد سنجش ابعاد جسمی کیفیت زندگی با مقیاس SF۳۶ در بیماران دچار سردرد میگرنی که در ابعاد مختلف جسمی، روحی، روانی و اجتماعی سنجیده می شود. داده ها با نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: پس از بکارگیری الگوی خود مراقبتی تمامی ابعاد کیفیت زندگی بصورت معنا داری ارتقا یافت ($P < 0.005$). همچنین میانگین کل کیفیت زندگی از ۴۶/۹۰ درصد به ۶۵/۵۶ درصد پس از بکارگیری الگوی خود مراقبتی ارتقاء یافت و تفاوت معنی داری نشان داد ($P < 0.001$).
نتیجه گیری: معلوم گردید که یکی از راه های ارتقاء کیفیت زندگی بیماران بکارگیری الگوی خود مراقبتی اورم است و می تواند به عنوان یک الگوی اجرایی اثربخش در آموزش بیماران معرفی شود.

کلید واژه: مراقبت از خود، تئوری اورم، کیفیت زندگی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر استراتژیهای سواد سلامت بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

چکیده

مقدمه: دیابت نوع دو یکی از شایع ترین بیماریهای مزمن متابولیک است. یکی از اهداف مهم در کنترل این بیماری توانمندسازی بیماران در انجام خودمراقبتی است. سواد سلامت در موفقیت خودمراقبتی در بیماران دیابتی نقش عمده ای دارند. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر استراتژیهای سواد سلامت بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی دارای گروه کنترل و آزمون بود که در آن ۷۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو به صورت تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. انجام شد. سطح سواد سلامت و وضعیت انجام رفتارهای خود مراقبتی در بیماران به ترتیب توسط پرسشنامه‌های استاندارد (TOHFLA) و (SDSCA) مورد ارزیابی قرار گرفت. برنامه آموزشی برای گروه آزمون اجرا و نتایج بعد از مداخله، در هر دو گروه بررسی و با نرم افزار SPSS، تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: قبل از مداخله بین دو گروه کنترل و آزمون از نظر میانگین نمره سواد سلامت $P = 0/69$ و $t = 0/38$ و نمره خودمراقبتی $P = 0/67$ و $t = 0/42$ تفاوت معنا داری وجود نداشت. اما بعد از مداخله آموزشی میانگین نمرات در گروه آزمون افزایش یافت و بین دو گروه، از نظر میانگین نمره خود مراقبتی $P = 0/03$ و $t = 3/13$ و نمره سواد سلامت $P = 0/01$ و $t = 2/66$ تفاوت معنا دار، مشاهده شد. **نتیجه گیری:** با توجه به اثرات مثبت آموزش مبتنی بر استراتژیهای سواد سلامت بر خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو، استفاده از این استراتژی به عنوان روش مناسب در کنار سایر اقدامات درمانی پیشنهاد می گردد.

کلید واژه: آموزش، خود مراقبتی، سواد سلامت، دیابت نوع دو

صغری حجازی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۱۵۰۰۱-۹۸+ نمابر: ۰۲۲۲-۳۸۴۱۰۵۱-۹۸+

hejazis1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

peymann@mums.ac.ir

محمد تاجفرد

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد - ایران.

tajfardm@mums.ac.ir

حبیب الله اسماعیلی

استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد- ایران.

esmailyh@mums.ac.ir



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی سواد سلامت و ارتباط آن با خودکارآمدی درک شده در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

صغری حجازی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۱۵۰۰۱-۹۸+ نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۱۰۲۲۲-۹۸+

hejazis1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

peymann@mums.ac.ir

محمد تاجفرد

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد - ایران.

tajfardm@mums.ac.ir

حبيب الله اسماعیلی

استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد - ایران.

esmailyh@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: دیابت نوع دو یکی از مهمترین چالشهای سلامت عمومی است. رفتارهای خودکارآمدی هسته اصلی سلامتی و مراقبت از بیماریهای مزمن، از جمله دیابت می‌باشد. با توجه به اینکه افراد با سواد سلامت ناکافی مشارکت کمتری در برنامه‌های خود مراقبتی دارند، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط سواد سلامت و رفتارهای خودکارآمدی در بیماران دیابتی نوع دو انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که به شیوه مقطعی بر روی ۲۰۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به مرکز شهید قدسی مشهد انجام شد. نمونه‌ها به روش نمونه گیری به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. سطح سواد سلامت و وضعیت انجام رفتارهای خودکارآمدی در بیماران به ترتیب توسط پرسشنامه‌های استاندارد سواد سلامت (TOHFLA) و مقیاس خودکارآمدی دیابت (CIDS) مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمونهای تی مستقل، آنووا، رگرسیون خطی و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین نمره سواد سلامت و نمره خودکارآمدی بیماران به ترتیب $(12/09 \pm 8/79, 9/4)$ و $(48/8 \pm)$ محاسبه شد. براساس ضریب همبستگی بین نمره سواد سلامت و خودکارآمدی $(P < 0/001)$ و $(r = 0/47)$ همبستگی مثبت و معنی دار مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه نتایج این مطالعه نشان داد بین سطح سواد سلامت و خودکارآمدی بیماران ارتباط آماری معنی داری وجود دارد، توجه به سواد سلامت و خودکارآمدی در مداخلات آموزشی که برای ارتقای خودمراقبتی در بیماران دیابتی انجام می‌شود ضروری است.

کلید واژه: سواد سلامت، خودکارآمدی، دیابت نوع دو



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اختلال استرس پس از ضربه (PTSD) – تشخیص و درمان

چکیده

مقدمه: اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، سندرم خستگی جنگ، یک بیماری جدی که یک فرد تجربه کرده و یا شاهد یک واقعه آسیب زا یا وحشتناک که در آن آسیب جسمی جدی رخ داده یا تهدید شده است. در نتیجه ماندگاری مصائب پس از سانحه که باعث ترس شدید، درماندگی، وحشت، مانند تجاوز جنسی یا جسمی، مرگ غیر منتظره از یک دوست، یک تصادف و یا بلایای طبیعی است.

روش بررسی: روش انجام پژوهش نیز مطالعه مروری می‌باشد به این شیوه که با مطالعه مقالات و پایان نامه‌ها و پروژه‌های موجود و استخراج مطالب مفید و کارآمد به انجام این مقاله پرداخته شده است.

یافته‌ها: بازیابی از PTSD یک فرایند تدریجی و مداوم است. علائم PTSD به ندرت به طور کامل ناپدید می‌شوند اما درمان برای کمک به افراد مبتلا، برای مقابله با PTSD می‌تواند موثرتر باشد. تحقیقات برای عواملی که منجر به PTSD می‌شود در حال انجام و به پیدا درمان‌های جدید رهبری می‌کند.

نتیجه‌گیری: هدف از درمان PTSD کاهش علائم روحی و جسمی، بهبود عملکرد روزانه و کمک به فرد برای بهتر کنار آمدن با رویدادی که سبب این اختلال شده می‌باشد. درمان PTSD ممکن است روان درمانی (یک نوع از مشاوره)، دارو و یا هر دو باشد.

کلید واژه: اختلال و استرس، PTSD، تشخیص و درمان، درمان.

انتظار حدادزاده

* کارشناس پرستاری، دانشکده علوم پزشکی اصفهان.

شماره تماس: ۰۹۱۶۶۳۰۲۰۹۵

haddadzadeh@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتقای سلامت کارکنان بیمارستانی

معصومه حسینیور ثمرین

* مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت
خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
masomeh.hasanpoor94@gmail.com

چکیده

مقدمه: رشد روزافزون بیماران مزمن که به حمایتی دایمی در بیمارستانها نیاز دارند و کارکنان بیمارستان و به ویژه کادر درمانی از جمله پزشکان، پرستاران، خدمه و... در معرض خطرات شغلی فراوان مانند انواع عفونت‌ها، عوامل استرس‌زا، آفسردگی و موادالرژن و... میباشند که تعیین نوع و فراوانی این عوامل اهمیت زیادی از جهت حفظ و ارتقای سلامت کارکنان و شاغلین بیمارستان دارد.

روش بررسی: مطالعه انجام شده یک پژوهش مروری به نحو نظام مند است که با استفاده از کلیدواژه‌های ارتقای سلامت، سلامت کارکنان، ارتقای سلامت کارکنان بیمارستان، سلامت کارکنان بیمارستان و برای جستجو در پایگاه‌های google و google scholar استفاده شد. با توجه به روز آمدی و ارتباط محتوی ۵ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: ارتقای سلامت عبارتی است که سازمان جهانی بهداشت آنرا به عنوان فرایند توانمندسازی افراد بر اعمال کنترل بر سلامت خود تعریف نموده است و به عوامل فردی و اجتماعی شکل دهنده رفتار در جهت پیشگیری و افزایش تندرستی اطلاق میکنند.

نیروی انسانی سرمایه اصلی هر سازمان از جمله بیمارستان است که تداوم حیات آن را رقم میزند و عملکرد کارکنان بیمارستان میتواند آنرا در جهت نیل به اهداف پیش ببرد. رسالت بیمارستانها ارتقای سلامت جامعه است به منظور ارائه ی خدمات شایسته و دستیابی به این رسالت حفظ و ارتقای سلامت عمومی کارکنان در دویبخش سلامت جسمی و روحی بیمار اهمیت زیادی دارد. از طرفی بیمارستانها با توجه به تخصص و تکنولوژی و تجهیزات پیشرفته بار مالی زیادی برای سیستم بهداشت و درمان هر کشور دارد که با توجه به هزینه‌های انجام شده، سلامت و کارایی پرسنل نقش تعیین کننده ای در افزایش بهره وری دارند.

نتیجه گیری: بهره وری هر سازمان در گرو رفتار سازمانی و عملکرد نیروی انسانی است. همچنین بیمارستان به عنوان مرکز ارائه دهنده خدمات بهداشتی درمانی در ارتقای سلامت جامعه و بهره وری و سود دهی بیمارستان نقشی مهم ایفا میکند که این امر بدون مشارکت کلیه نیروهای انسانی شاغل در بیمارستان و ارائه خدمات مطلوب و موثر توسط کارکنان سالم، پویا و با انگیزه نمیتواند نقشی در ارتقای سطح سلامت جامعه ایفا کنند.

امروزه با توجه به وظایف شغلی کارکنان بیمارستانها، نیازمندیم که به برنامه ارتقای سلامت به عنوان یک خدمت کلیدی و مهم توجه کنند.

به منظور دستیابی به این رسالت والا پایش و بررسی سلامت کارکنان بیمارستان و فراهم آوردن امکانات لازم در بیمارستان ضروری است.

کلید واژه: ارتقای سلامت، سلامت کارکنان، ارتقای سلامت کارکنان بیمارستان، سلامت کارکنان بیمارستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



موانع ارتقای سلامت در مادران شیرده و شاغل:

یک مطالعه تحلیل محتوای کیفی

چکیده

مقدمه: اکثر مادران شاغل در دوره‌ی شیردهی مجبور به بازگشت به محیط کار خود هستند. بحرانی بودن دوره‌ی شیردهی از یک سو و فشار نقشها و مسئولیتها از سوی دیگر این گروه از زنان را از نظر سلامتی در معرض خطر قرار میدهد. شناسایی تجارب مادران شیرده و شاغل از موانع سلامتی میتواند یک پیش نیاز موثر برای برنامه‌ریزی مداخلات ارتقای سلامت در این گروه از زنان باشد. مطالعه حاضر با هدف شناسایی، درک و تفسیر تجارب مادران شاغل و شیرده از موانع سلامتی در بافت ایران با رویکرد کیفی انجام گرفته است.

روش بررسی: مطالعه‌ی حاضر یک مطالعه‌ی کیفی میباشد که با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای مرسوم و مصاحبه‌ی عمیق ساختارنیافته با ۲۰ مادر شاغل و شیرده که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، در سال ۹۵ در تبریز-ایران انجام شده است. تمام مصاحبه‌ها ضبط شده، پیاده شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۳ تم اصلی و ۱۰ زیرتم شد که عبارتند از: حمایت درک شده ناکافی - با زیر طبقات حمایت ناکافی مسئولان و همکاران، عدم کفایت خط و مشیهای حمایت کننده و مشارکت ناکافی همسر - آسیبهای تهدید کننده سلامتی - با زیر طبقات فرسودگی جسمی و روحی، آسیبهای شغلی و تخریب ریتم زندگی - و ناآسودگی - با زیر طبقات از دست دادن فرصت برای رسیدگی به نیازهای سلامتی، احساس گناه و دوراهی تداوم یا ترک اشتغال.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این مطالعه بر ضرورت تقویت منابع حمایتی و ایمن نمودن محیط کار برای این گروه از مادران تاکید مینماید. همینطور با توجه به اینکه در ایران به دلیل زمینه‌ی فرهنگی و مذهبی، نقش مادری در هاله‌ای از تقدس قرار گرفته است، تقویت مهارتهای والدی برای کاهش احساس گناه و احساس مادر خوب بودن در این مادران ضروری به نظر میرسد.

کلید واژه: ارتقای سلامت، مادران شاغل، شیردهی، مطالعه کیفی

مینا حسین زاده

* دکترای پرستاری، گروه پرستاری بهداشت، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۱۰۶۳۱۵۳
m.hosseinzadeh63@gmail.com

سوسن ولیزاده

دکترای پرستاری، گروه کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

عیسی محمد ۳

دکتری پرستاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

هادی حسنجانی

دکترای پرستاری، گروه داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی خودکارآمدی درک شده و رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم در زنان ۶۹-۳۰ سال شهر نیشابور ۱۳۹۷

زکیه سادات حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

حمید توکلی قوچانی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران. نویسنده مسئول:

tavakoli_44@yahoo.com

حمیدرضا محدث حکاک

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

حسین لشکر دوست

گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مهدی خانکلابی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

علی مهري

استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

الهه سالاری

کارشناس ارشد آموزش مامایی، مربی عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: پدیده‌های شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع که با تغییرات وسیع در سبک زندگی همراه است، در کنار بهبود شاخص‌های بهداشتی که سبب افزایش میزان امید به زندگی شده است، مهم‌ترین عوامل افزایش بار بیماری‌های غیرواگیر بوده‌اند از آنجا که سبک زندگی سالم به عنوان یک استراتژی برای کنترل بیماری‌های غیر واگیر محسوب می‌شود، این مطالعه با هدف بررسی خودکارآمدی درک شده و رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم در زنان شهر نیشابور انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی تعداد ۳۲۵ نفر از زنان ۳۰ تا ۶۹ ساله مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر نیشابور به روش نمونه گیری خوشه ای مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته مشتق بر سه بخش اطلاعات دموگرافیک، رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم و خودکارآمدی درک شده بود که روایی آن از طریق روایی صوری و محتوا و پایایی آن از طریق آلفا کرونباخ ($\alpha = 0.750$) سنجیده و به روش خودگزارش دهی تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع آوری از طریق نرم افزار spss ۱۹ با استفاده از آمار توصیفی و آزمون همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره خودکارآمدی درک شده 16.55 ± 2.48 از مجموع ۲۰ امتیاز بود. میانگین سنی زنان مورد مطالعه 37.31 ± 7.32 بود، ۴۹/۸٪ زنان کمتر از دو واحد میوه و ۶۶/۸٪ از زنان کمتر از ۳ واحد سبزی در روز مصرف می‌کردند همچنین ۳۹/۷٪ از زنان تلفیقی از روغن‌های جامد و مایع در سبب غذایی خود داشتند. خودکارآمدی درک شده با انجام فعالیت بدنی منظم و مصرف میوه ارتباط آماری معناداری داشت و فعالیت بدنی منظم با رژیم غذایی سالم همبستگی مثبت داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه به نظر می‌رسد طراحی برنامه‌های آموزشی با تاکید بر افزایش خودکارآمدی زنان جهت افزایش اطمینان زنان به توانایی‌های خود در ارتقاء رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: خودکارآمدی، سبک زندگی سالم، زنان، نیشابور

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی کننده‌های رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان براساس تئوری انگیزش محافظت در زنان میانسال شهر نیشابور ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: سرطان پستان رایج ترین سرطان در میان زنان ایرانی است. با افزایش امید به زندگی و پیر شدن جمعیت، میزان بروز و مرگ و میر سرطان پستان در سال‌های آینده افزایش می‌یابد. به گونه ای که پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ سرطان پستان در ایران به ۶۳ مورد در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر زن افزایش یابد. از آنجا که داشتن سبک زندگی سالم به عنوان پیشگیری اولیه و انجام رفتارهای غربالگری به عنوان پیشگیری ثانویه نقش مهمی در کاهش مرگ و میر ناشی از این سرطان دارد. این مطالعه با هدف تعیین پیش بینی کننده‌های رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان براساس تئوری انگیزش محافظت در زنان میانسال شهر نیشابور انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی تعداد ۳۲۵ نفر از زنان ۳۰ تا ۶۹ ساله مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر نیشابور به روش نمونه گیری خوشه ای مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن از طریق روایی صوری و محتوا و پایایی آن از طریق آلفا کرونباخ ($\alpha = 0.750$) سنجیده و به روش خودگزارش دهی تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع آوری از طریق نرم افزار SPSS ۱۹ با استفاده از آمار توصیفی و آزمون همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری کمتر از $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین نمره رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان 7.92 ± 4.78 از مجموع ۲۲ امتیاز بود. اکثر زنان شرکت کننده در مطالعه خانه دار و متأهل بودند. آزمون همبستگی نشان داد رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان با کارآمدی پاسخ درک شده ($r = 0.243, p = 0.01$) و انگیزش محافظت ($r = 0.214, p = 0.02$) همبستگی مثبت و با هزینه‌های درک شده ($r = 0.407, p < 0.001$) و پاداش درک شده ($r = 0.201, p = 0.03$) همبستگی معکوس دارد. همچنین آزمون رگرسیون خطی نشان داد سازه‌های تئوری انگیزش محافظت ۳۲٪ انگیزش رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان را پیش بینی می‌کنند که در این میان نقش خودکارآمدی درک شده ($\beta = 0.729, > 0.001$) و کارآمدی پاسخ درک شده ($\beta = 0.238, p = 0.005$) بیش از سایر متغیرها بود.

نتیجه گیری: با توجه به اثر بخشی سازه‌های تئوری انگیزش محافظت در پیش بینی رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان به نظر می‌رسد با بکارگیری این تئوری در طراحی برنامه‌های آموزشی می‌توان انجام رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم و نیز رفتارهای غربالگری را در زنان بهبود بخشید.

کلید واژه: انگیزش محافظت، پیشگیری، سرطان پستان، زنان، نیشابور

زکيه سادات حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

حمید تولی قوچانی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران. نویسنده مسئول: tavakoli_44@yahoo.com

حمیدرضا محدث حکاک

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

حسین لشکر دوست

گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مهدی خانکلابی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

علی مهری

استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

الهه سالاری

کارشناس ارشد آموزش مامایی، مربی عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی نقش فناوری اطلاعات در ارتقاء کیفیت زندگی

سیده راضیه حسینی

کارشناس مسئول سلامت خانواده شهرستان دیر،
دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
email: rhosseini19@gmail.com

زهرا فولادی لقب

کارشناس سلامت خانواده شهرستان دیر، دانشگاه علوم
پزشکی بوشهر

چکیده

مقدمه: تاثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در همه ابعاد زندگی بشر، روز به روز نمایان تر می شود. رابطه بین کیفیت زندگی خانواده و فناوری همواره از دوران انقلاب صنعتی موضوعی دیرینه برای منتقدان اجتماعی و فلاسفه بوده است. کیفیت زندگی به دلیل گسترش روند صنعتی شدن و پیشرفت فناوری طی چند دهه ی گذشته در کشورهای غربی مورد توجه اندیشمندان و متفکران علوم انسانی قرار گرفته است. گسترش فناوری‌های جدید همچون اینترنت، موبایل، آموزش الکترونیک و ... کیفیت زندگی خانواده‌ها و نوع تعاملات آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده و باعث شده در ابتدای هزاره ی سوم میلادی شاهد شیوه ی بسیار متفاوتی از زندگی انسان‌ها باشیم. فناوری اینترنت در زوایای مختلف زندگی خصوصی و اجتماعی افراد تاثیرات و تغییرات زیادی را ایجاد کرده است. هدف از این مطالعه، ارایه چارچوبی برای بررسی نقش فناوری اطلاعات در ارتقاء کیفیت زندگی می‌باشد.

روش بررسی: این مقاله، یک مطالعه مروری با هدف بررسی نقش فناوری اطلاعات در ارتقاء کیفیت زندگی است. تمام مقالات، گزارشات و وب سایت‌های مرتبط با این زمینه و وضعیت استفاده از جدیدترین فناوری‌ها در این حوزه، با استراتژی جستجوی مشخصی مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: یافته‌ها نشان می‌دهد اگر چه تکنولوژیهای نوین مبشر فرصتهای نویی برای جامعه هستند، اما باید توجه داشت که این فناوریها در بستر فرایندهای اجتماعی، فرهنگی رشد کنند. بر اساس مطالعات، از مهمترین کاربردهای فناوری اطلاعات در سلامت شهری دسترسی به اطلاعات سلامت می باشد که نتیجه آن بهبود و ارتقاء وضعیت سلامت شهروندان می باشد. به گونه ای که در عصر حاضر صحبت از کیفیت زندگی بدون استفاده از ابزارهای فناوری امکان پذیر نمی باشد. مهم تر آنکه اندیشیدن در باره فناوری به تنهایی درست نمی باشد زیرا انسان‌ها خیلی سریع خود را با فناوری‌های در دسترس تطبیق می‌دهند به نحوی که کمتر استفاده از این ابزارها باعث ایجاد هیجان در انسانها می‌شود و مهمترین دلیل آن استفاده از فناوری به عنوان جزء لاینفک عصر دیجیتال در ارتقای کیفیت زندگی انسان می‌باشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می‌دهد سلامت به عنوان یک نیاز حقیقی در شهروندان حتی در دنیای مجازی نیز جزء اصلی ترین ضروریات در خور توجه می باشد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در بهبود سلامت مردم و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد. بکارگیری اثربخش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کشور نیازمند شناسایی فرصتها و محدودیتها، تدوین برنامه ریزی اصولی و مناسب با توجه به فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی همراه با فراهم نمودن زیرساختهای تکنولوژیکی، ارتباطی و مخابراتی، حقوقی و اجرایی است. بنابراین فناوری اطلاعات و ارتباطات بر کیفیت زندگی شهری تاثیر معناداری دارد و می‌توان نتیجه گیری کرد که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر کیفیت زندگی شهری موثر است. در نتیجه، فناوری و سیستمهای اطلاعاتی، با تحت تأثیر قرار دادن سه متغیر مهم و کلیدی حریم خصوصی، حقوق مالکیت معنوی و کیفیت زندگی کاری، به طور غیرمستقیم سبب تأثیر منفی بر روی سلامت روانی منابع انسانی می شود. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه میزان استفاده از فناوریهای اطلاعات و ارتباطات بیشتر شود، سبک زندگی پیشرفته تر می شود.

کلید واژه: بررسی، فناوری اطلاعات، ارتقاء، کیفیت زندگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



همبستگی اضطراب، استرس، افسردگی و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: ارتقاء سلامت و تأمین سلامت افراد جامعه یکی از ارکان پیشرفت جوامع و انجام رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت یکی از معیارهای عمده تعیین کننده سلامت و عامل زمینه‌ای در عدم ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها شناخته شده است. این مطالعه با هدف بررسی همبستگی اضطراب، استرس، افسردگی و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه به صورت مقطعی-تحلیلی بر روی ۲۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم که از طریق نمونه گیری تصادفی از بین رشته‌های مختلف به تناسب حجم هر رشته انتخاب شده بودند، انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه HPLP (Health Promotion lifestyle Profile) (۲) بودند، جهت ارزیابی اضطراب، استرس و افسردگی از پرسشنامه استاندارد DASS۲۱ استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد که میانگین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت (۱۶۷/۶۹±۳۲/۶۳) و استرس (۳/۲±۲/۷۸)، اضطراب (۴/۱۵±۳/۳۷) و افسردگی (۳/۱۹±۳/۰۳) بود و بین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و اضطراب، استرس و افسردگی رابطه معناداری وجود داشت (P<۰/۰۵).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش برنامه ریزی در آموزش جهت توسعه رفتارهای ارتقاء دهنده در بین دانشجویان در جهت کاهش رفتارهای پرخطر و کاهش اضطراب، استرس و افسردگی توصیه می‌گردد.

کلید واژه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، اضطراب، استرس و افسردگی

فاطمه السادات حسینی

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، ایران.

نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۷۱۹۲۱۲۵۸
h.fatemehsadat64@yahoo.com

فاطمه کارگر فرد جهرمی

مامایی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم،
ایران

زهرا صادقی

بهداشت عمومی، بهداشت عمومی، دانشکده پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی جهرم، ایران

مریم صداقت

بهداشت عمومی، بهداشت عمومی، دانشکده پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی جهرم، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان سواد سلامت بیماران بر اساس فرمهای آموزشی ارائه شده به بیماران توسط پزشک و پرستار در مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امام رضا (ع) شهر مشهد در سالهای ۹۶-۹۷

معصومه حسینی

* کارشناس ارشد آموزش مدارک پزشکی، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۵۳۰۲۲۸۳۲ - ۰۵۱۳۸۰۲۲۳۴۳ - ۰۵۱۳۶۲۱۱۸۲۲

hoseinim4@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: هدف نهایی از اجرای برنامه‌های آموزشی و بکارگیری از فرمهای آموزشی در زمان بستری و ترخیص بیماران که یکی از تاکیدهای برنامه‌های اعتبار بخشی در مراکز بیمارستانی در سه سال اخیر بوده، افزایش سواد سلامت بیماران و رضایت مندی آنها در جهت بهبود هر چه بیشتر ایشان بوده است. در حوزه درمان علاوه بر عوامل بیمارستانی و خدمات هتلینگ مراقبت آموزش‌های پس از ترخیص از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و برای این موضوع در حال حاضر هزینه زیادی جهت ارائه فرمهای آموزش و زمان زیادی برای این موضوع صرف می‌شود. این مقاله به منظور بررسی اثر اجرای آموزش و ارائه فرمهای آموزشی در مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امام رضا (ع) که یکی از بزرگترین بیمارستان‌های جنرال در شهر مشهد است در شش ماهه دوم سال ۹۶ و سه ماهه اول سال ۹۷ انجام گرفت.

روش بررسی: جامعه اداری شامل بیماران مراجعه کننده به بیمارستان امام رضا (ع) می باشد که نمونه گیری بصورت طبقه بندی مشخص گردید. ابزار جمع اوری اطلاعات پرسشنامه دارای روایی و پایایی، در اختیار نمونه اداری قرار گرفت. جامعه پژوهش را ۱۱۰۰ نفر از بیمارانی تشکیل می دادند که در جمعیت هدف پرسشنامه به روش سرشماری توزیع که تعداد ۱۰۰۰ نفر آنان پرسشنامه را بصورت کامل تکمیل نمودند. در این تحقیق بعد از جمع آوری داده‌ها و طبقه بندی آنها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته و یافته‌های حاصل از آن در جداول مختلف توصیف و تحلیل شده اند. **یافته ها:** یافته‌های پژوهش نشان می دهد که از کل جامعه پژوهش، بیشترین رضایت در خصوص فرمهای آموزش پرستار در بخش تخصصی دیالیز و آنژیوگرافی به ترتیب ۹۳ و ۹۰ و ۸۴ درصد و کمترین رضایت مربوط به بخش‌های داخلی، سوانح و روماتولوژی بود. همچنین بهترین آموزش پرستاران به ترتیب در حوزه‌های استفاده صحیح مصرف دارو و آموزش رژیم غذایی در منزل با درصدهای ۹۱ و ۸۷ درصد بودند. در حوزه آموزش پزشکان نیز بیشترین درصد مربوط به درخواست آموزش چهره به چهره به بیماران برای مراقبت بیشتر در منزل به ایشان و یا وابستگان درجه یک بود.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که سواد سلامت بیماران به بهبود فرایند درمان بیماران کمک فراوانی می نماید و آموزش با کیفیت بالا می تواند باعث بهبود سریعتر بیماران گردد

کلید واژه: سواد سلامت - فرم آموزش پزشک - فرم آموزش پرستار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سبک زندگی سالم و پیشگیری از بیماری‌های غیر واگیر (مطالعه مروری)

زهرا حضرتی میمنه

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ۰۹۱۲۲۴۷۶۴۳۰

Hazarati.zahra.m@gmail.com

چکیده

مقدمه: سبک زندگی، شیوه زندگی فرد بوده و دربرگیرنده فعالیتهای عادی و معمولی روزمره ای میباشد که افراد آنها را به صورت قابل قبولی در زندگی خود پذیرفته اند. سازمان جهانی بهداشت سبک زندگی سالم را تلاش برای دستیابی به حالت رفاه کامل جسمانی روانی و اجتماعی توصیف نموده و آن را دربرگیرنده رفتارهایی میداند که سلامت انسان را تضمین میکنند. این رفتارها ابعاد مختلفی از زندگی مانند رژیم غذایی، فعالیت بدنی، حفظ وزن، مصرف الکل و سیگار را شامل میشوند. یکی از مهمترین وعده ترین علل مرگ و میر در ایران بیماریهایی هستند که از سبک زندگی ناسالم ناشی میشوند. سازمان جهانی بهداشت در بیانیه اولین کنفرانس جهانی شیوه زندگی سالم در مسکو اعلام نمود که در حال حاضر ۶۰ درصد از مرگ و میر جهانی و ۸۰ درصد از مرگ و میر کشورهای در حال توسعه به دلیل سبک زندگی ناسالم بوده و این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۷۵ درصد مرگ و میر جهانی خواهد رسید.

روش بررسی: این مطالعه مروری و با جستجوی الکترونیکی در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند PubMed، Web of Science، Mag Iran و Scopus، SID، Google scholar با استفاده از کلمات کلیدی فارسی و انگلیسی سبک زندگی سالم، بیماریهای غیر واگیر، کنترل و پیشگیری از بیماریهای غیر واگیر، و بیماریهای مزمن که از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۷ چاپ شده مورد بررسی قرار گرفت. از ۷۴ مقاله یافت شده، ۱۴ مقاله مرتبط انتخاب شد.

یافته ها: عادات غذایی ناسالم همچون مصرف غذاهای پر انرژی مانند فست فودها (غذاهای آماده)، غذاهای سرخ شده و گوشت‌های پر چرب نقش عمده ای در شیوع چاقی و بیماریهای مزمن مربوط به تغذیه دارند. مصرف مواد غذایی همچون میوه و سبزیجات و لبنیات و غذاهای غنی شده و همچنین فعالیت بدنی در پیشگیری از بیماریهای غیر واگیر موثر هستند. جنس، سن و وضعیت ازدواج، پیش بینی کننده رفتار خوب غذایی هستند. افرادی که بیماریهای غیر واگیر همچون فشار خون بالا، دیابت یا هیپرلیپیدمی دارند رفتارهای تغذیه ای خود را به طور قابل توجهی بهبود بخشیده و مصرف نمک، شکر و روغن را کنترل می کنند. در رابطه با مصرف سیگار مصرف ۲۵ نخ سیگار و یا بیشتر در روز ارتباط مثبت و معناداری با خطر ابتلا به بیماریهای قلبی - عروقی کشنده وجود دارد.

نتیجه گیری: ابتلا به بیماریهای غیر واگیر به طور قابل توجهی با تغییر سبک زندگی، از جمله رژیم غذایی سالم و انجام فعالیت بدنی و اجتناب از مصرف دخانیات قابل پیشگیری می باشد. در حوزة سبک زندگی سالم بایستی مداخلات بلندمدت و همیشگی باشد و مداخلات کوتاه مدت برای کاهش عوامل خطر قلبی عروقی و پیشگیری از سایر بیماریهای غیر واگیر کافی نمی باشد. و همچنین تحقیقات بیشتری برای بررسی عمیقتر و پیگیری طولانی، و اثربخشی مداخلات در جهت ارتقای سبک زندگی سالم ضروری است. بدین منظور طراحی، انجام و ارزیابی مداخلات پیشگیرانه قوی، و پشتیبانی از این طرحها برای ایجاد سبک زندگی سالم و پیشگیری از بیماریهای غیر واگیر ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: بیماریهای غیر واگیر، بیماری مزمن، سبک زندگی سالم، تغذیه سالم، فعالیت بدنی، زندگی بدون سیگار، پیشگیری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه حمایت اجتماعی و شادکامی در سالمندان شهر همدان

بابک معینی^۱

۱. دانشیار، دکترای آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مجید براتی^۲

۲. استادیار، دکترای آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات اختلالات رفتاری و سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مریم فرهادیان^۳

۳. استادیار، دکتری آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

میلاد حیدری آرا

* میلاد حیدری آرا، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۳۸۶۱۶۵۲۴۲

dm.heydariara@yahoo.com

چکیده

مقدمه: زندگی سالمندان متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حمایت اجتماعی است. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی حمایت اجتماعی و ابعاد مختلف آن در بین سالمندان و تأثیر انواع حمایت اجتماعی بر شادکامی سالمندان بود.

روش بررسی: این پژوهش توصیفی، تحلیلی بر روی ۴۱۱ نفر از سالمندان زن و مرد مراجعه کننده به مراکز بازنشستگی، فرهنگی و توانبخشی شهر همدان بود. ابزار پژوهش شامل یک پرسشنامه متشکل از سه بخش بود: اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (ارگایل) و پرسشنامه تئوری حمایت اجتماعی. پرسشنامه‌های این مطالعه از طریق خودگزارشی تکمیل شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، آزمون تی مستقل، آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها میانگین شادکامی را $(41/17 \pm 15/2)$ گزارش کرد. میانگین حمایت اجتماعی $(11/95 \pm)$ $29/40$ گزارش شد و برای ابعاد آن به ترتیب: حمایت اطلاعاتی $(7/53 \pm 3/89)$ و حمایت حمایت عاطفی $(4/90 \pm 2/37)$ ، حمایت ارزیابی $(3/48 \pm 2/37)$ ، حمایت ابزاری $(4/70 \pm 2/56)$ گزارش شد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای حمایت‌های اجتماعی (اطلاعاتی، عاطفی، ابزاری، ارزیابی) و متغیرهای دموگرافیک می‌توانند تقریباً ۲۵ درصد ($R^2 = 0/25$) از تغییرات متغیر شادکامی را تبیین نمایند. **نتیجه‌گیری:** حمایت اجتماعی بالا می‌تواند شادکامی را در میان سالمندان افزایش دهد. کیفیت و کمیت حمایت اجتماعی می‌تواند به عنوان یک عامل تعیین کننده در پیش بینی شادکامی در میان سالمندان به حساب آید.

کلید واژه: سن؛ شادکامی؛ بازنشستگی؛ حمایت اجتماعی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر برنامه آموزشی تئوری محور بر تغییر رفتارهای پیشگیری کننده از افسردگی در بیماران دیابتی

چکیده

مقدمه: دیابت به عوامل بسیار جسمی، روانی و اجتماعی بستگی دارد. همزمانی بیماری دیابت با افسردگی باعث ناتوانی بیشتری در این بیماران می‌شود. تغییر رفتار خود آرام سازی بر پایه تئوری عمل منطقی اهمیت دارد. برنامه‌های آموزشی تئوری محور منجر به بهبود باورهای بیماران می‌شود.

روش بررسی: در این پژوهش یک مطالعه توصیفی و یک کارآزمایی شاهد دار تصادفی شده انجام شد. برای سنجش افسردگی از مقیاس DASS-21 و همچنین پرسشنامه محقق ساخته که بر اساس سازه‌های تئوری عمل منطقی تهیه شد و روان سنجی این پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. در مرحله مداخله مطالعه ۶۰ بیمار واجد شرایط انتخاب شد و به دو گروه مداخله (۳۰ نفر) و شاهد (۳۰ نفر) تقسیم شدند. برنامه آموزشی که بر اساس تئوری عمل منطقی تهیه شده بود به مدت ۲ جلسه ۲ ساعته برای گروه مداخله انجام شد. گروه شاهد آموزشی دریافت نکرد. پرسشنامه‌های مرحله توصیفی برای جمع آوری داده‌ها در سه مرحله قبل از مداخله و دو مرحله پیگیری سه و ۶ ماه استفاده گردید. داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS ۲۳ و با استفاده از آزمون‌های توصیفی / تحلیلی شامل میانگین و انحراف استاندارد و نمودار و جدول و تجزیه و تحلیل واریانس مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش مرحله پایلوت نشان داد که میزان شیوع افسردگی ۶۷٫۵ درصد از طیف خفیف تا بسیار شدید بدست آمد. نتایج مرحله مداخله نشان داد باورهای رفتاری و ارزیابی پیامد رفتاری و باورهای هنجاری و انگیزه برای اطاعت در بیماران مبتلا به دیابت نسبت به رفتار خود آرام سازی به طور معنی داری تغییر کرده است.

نتیجه‌گیری: مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری عمل منطقی در بیماران مبتلا به دیابت منجر به بهبود باورهای بیماران در راستای انجام رفتار خود آرام سازی گردید.

کلید واژه: تئوری عمل منطقی؛ خود آرام سازی؛ دیابت؛ افسردگی

غلامعلی حیدری

* فارغ التحصیل دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۵۵۲۴۵۱
Heidari_8484@ssu.ac.ir

الهه زارع فارسانی

دبیر تربیت بدنی ناحیه یک آموزش و پرورش، یزد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



روان سنجی پرسشنامه فعالیت بدنی برای کمردرد

غلامعلی حیدری

فارغ التحصیل دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، تهران، ایران.

صدیقه السادات طوافیان

* استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۲۱۸۲۸۸۴۵۴۷

Email: tavafian@modares.ac.ir

چکیده

مقدمه: تهیه پرسشنامه مبتنی بر نظریه با روایی و پایایی مناسب برای ارزیابی باورها و مداخلات آموزشی در بیماران مبتلا به کمردرد مزمن مورد نیاز است.

روش بررسی: پس از جمع آوری مقالات مربوطه، یک پرسشنامه بر اساس ساختارهای نظریه عمل منطقی که شامل باورهای رفتاری و ارزیابی پیامد رفتار و باورهای هنجاری و انگیزه برای اطاعت تهیه شد. نگرش و هنجارهای ذهنی تهیه شد.

یافته ها: شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) بیش از ۰/۶۲ و شاخص روایی محتوایی (CVI) بیش از ۰/۷۹ بود. پایایی این پرسشنامه در آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد.

نتیجه گیری: پرسشنامه تهیه شده در این مطالعه برای سنجش سازه‌های ارزیابی پیامد رفتاری و باورهای هنجاری و انگیزه برای اطاعت و قصد رفتاری و رفتار فعالیت بدنی در بیماران مبتلا به کمردرد مزمن مناسب است.

کلید واژه: پرسشنامه، فعالیت بدنی، کمردرد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نسخه نویسی اجتماعی، یک رویکرد هزینه اثربخش در ارتقای سلامت و رفاه اجتماعی

چکیده

مقدمه: به مداخلات غیردارویی و خارج از خدمات بهداشتی که برای کمک به افرادی که مشکلات طولانی مدت یا مزمن جسمی، روانی، یا اجتماعی دارند انجام می‌شود طبق تعریف نسخه نویسی اجتماعی (social prescribing) گفته می‌شود. این نوع از رویکرد با اسامی دیگری مثل ارجاع غیر پزشکی (non-medical referral) و ارجاع اجتماعی (community referral) نیز شناخته شده است. این رویکرد به عنوان این رویکرد هزینه اثربخش می‌تواند برای مدیریت بیماری افراد توسط خودشان، ارتقاء سلامت و رفاه اجتماعی آنها مفید باشد. این نوع از مداخلات توسط بخش سوم (third sector) یا سازمان‌های اجتماعی (community organisations) ارائه می‌شوند که می‌تواند شامل گروه‌های داوطلب مردمی، تشکل‌های مردمی، خیریه‌ها و سازمان‌های اجتماعی باشند. با توجه به جستجوی انجام شده مطالعه یا مداخله ای در مورد نسخه نویسی اجتماعی در ایران انجام نشده و هنوز این رویکرد در ایران ناشناخته مانده است. بنابراین با توجه به این کمبود، هدف از این مطالعه معرفی و مرور اثرات نسخه نویسی اجتماعی در مطالعات بین المللی می‌باشد.

روش بررسی: برای جستجوی علمی مطالعات، پایگاه‌های داده ای Pubmed، Google Scholar و Embase مورد جستجو بدون محدودیت زبان قرار گرفتند. مقالاتی که هدف اصلی آنها تحلیل ارتباط دو متغیر اصلی این مطالعه بود انتخاب شدند. محدودیت زمان در این جستجو لحاظ نشده است. یافته ها: به دلیل مشکلات اقتصادی در بخش خصوصی و دولتی در ارائه خدمات ملی سلامت (NHS)، انگلستان ابتکاراتی را برای جایگزینی خدمات مراقبتی و بهداشتی شروع کرده است که یکی از آنها نسخه نویسی اجتماعی است. با توجه به اینکه سلامت مردم به طور اولیه از طریق طیفی از عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی تعیین می‌گردند (که تحت عنوان تعیین گرهای اجتماعی سلامت شناخته می‌شوند) بنابراین هدف نسخه نویسی اجتماعی پرداختن به نیازهای مردم با نگاه به علل ریشه ای سلامت و بیماری است. در نسخه نویسی اجتماعی افراد از مراکز بهداشتی به جامعه و سازمان‌های مبتنی بر جامعه انتقال یا ارجاع داده می‌شوند. این کار از طریق مدل‌های مختلفی قابل انجام است که یکی از شایعترین آنها از طریق یک رابط (link worker) است که افراد را به منابع حمایتی در جامعه متصل می‌کند. این مداخلات شامل هنردرمانی، گروه‌های پیاده روی، گروه‌های ورزش، فعالیت‌های داوطلبانه در جامعه، آموزش، باغبانی، فعالیت‌های مبتنی بر طبیعت و بانک زمان می‌باشد. یکی از بیماری‌هایی که از این رویکرد سود می‌برد افسردگی خفیف تا متوسط است.

نتیجه گیری: نسخه نویسی اجتماعی می‌تواند باعث کاهش ویزیت‌های پزشک عمومی، کاهش انزوای اجتماعی، افزایش رفاه اجتماعی، کاهش هزینه‌های بهداشتی، کاهش نابرابری‌های بهداشتی و ارتقاء سلامت روان شود. برای اجرای موفق نسخه نویسی اجتماعی حمایت در سطح سیاسی ضروری است.

کلید واژه: نسخه نویسی اجتماعی، ارجاع، سلامت، رفاه اجتماعی

فربیا حیدری

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. تلفن:

۰۴۱-۳۳۳۶۴۶۷۳

Email:fariba_heidari@hotmail.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی کیفیت زندگی کاری تکنسین‌های اتاق عمل در بیمارستانهای منتخب شهر تهران در سال ۱۳۹۷

مینا کریمی رونقی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل - کمیته تحقیقات
دانشجویی دانشگاه شاهد

مریم عالم باقری

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل - کمیته تحقیقات
دانشجویی دانشگاه شاهد

معصومه حیدری

عضو هیات علمی - دانشگاه شاهد - استادیار آموزش
بهداشت و ارتقاء سلامت روبروی حرم امام خمینی -
دانشگاه شاهد - دانشکده پرستاری - مامایی. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۲۵۲۶۴۵۵۸

heidari@shahed.ac.ir

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی کاری عبارت است از مجموعه‌ای از شرایط واقعی کار در یک سازمان؛ مانند حقوق و مزایا، امکانات رفاهی ملاحظات بهداشت و ایمنی، مشارکت در تصمیم‌گیری، روش مدیریت و تنوع غنی بودن مشاغل. بطوری که کیفیت زندگی کاری برای جذب و حفظ کارکنان ضروری است. از آنجا که تکنسین‌های اتاق عمل نقش بسیار مهمی در سیستم درمان بیماران دارند این مطالعه با هدف تعیین کیفیت زندگی کاری تکنسین‌های اتاق عمل در بیمارستانهای منتخب شهر تهران انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه‌ها از تکنسین‌های اتاق عمل بیمارستانهای منتخب شهر تهران در سال ۱۳۹۷ انتخاب شدند. ۱۲۵ نفر پرسشنامه‌ها را که شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه کیفیت زندگی کاری والتون (۳۴ گزینه‌ای) بود به صورت خودگزارشی کامل کردند. داده‌ها پس از ورود به نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و آزمون مجذور کای مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن نمونه‌ها $31 \pm 7/7$ بود. ۷۳ درصد زن و ۳۰ درصد مرد بودند. ۱۲/۱٪ فوق دیپلم، ۸۱/۶٪ لیسانس و ۶/۴٪ فوق لیسانس و ۴۶/۴٪ مجرد و ۵۲/۸٪ متأهل بودند. میانگین و انحراف معیار کیفیت زندگی کاری کارکنان اتاق عمل $23/10 \pm 90/24$ بود. بطوریکه ۷/۲٪ کیفیت زندگی کاری پایین، ۸۰٪ کیفیت زندگی کاری متوسط و ۱۲/۸٪ کیفیت زندگی کاری بالا داشتند. بین کیفیت زندگی کاری و سن، تاهل، شیفت کاری، نوع استخدام و تحصیلات ارتباط معنی داری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن نتایج مطالعه، به نظر می‌رسد کیفیت زندگی کاری کارکنان اتاق عمل در حد مطلوب نمی‌باشد. بنابراین مسئولین درمان، بایستی بسترهای لازم جهت ارتقاء کیفیت کاری کارکنان اتاق عمل در حیطه‌های پرداخت منصفانه و کافی، محیط کار ایمن و بهداشتی، تامین فرصت رشد و امنیت مداوم، قانون‌گرایی در سازمان و توسعه قابلیت‌های انسانی را فراهم کنند تا کارکنان بتوانند با انگیزه بیشتر خدمت کنند.

کلید واژه: کیفیت زندگی کاری، تکنسین اتاق عمل، تهران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان آگاهی زنان در رابطه روشهای غربالگری سرطان پستان و عوامل مرتبط در زنان مراجعه کننده به بیمارستان شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع ترین نوع سرطان در میان زنان و مهم ترین علت مرگ و میر آنان در سنین ۴۰-۴۴ سالگی میباشد. مهم ترین عامل در پیش آگهی سرطان پستان، تشخیص به موقع آن است و لازمه تشخیص به موقع، همکاری فرد بیمار در انجام تست‌های غربالگری است و این همکاری موثر، در گرو داشتن آگاهی کافی از این بیماری می‌باشد. هدف از این پژوهش تعیین میزان سواد سلامت زنان نسبت به سرطان پستان و روش‌های غربالگری و عوامل مرتبط می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش، به صورت تحلیلی- مقطعی انجام شد. تعداد نمونه ۱۴۶ نفر بود که به صورت تصادفی از زنان مراجعه کننده به درمانگاه بیمارستان شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۷ انتخاب شدند. نمونه‌ها پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه بررسی آگاهی نسبت به سرطان پستان را به صورت خودگزارشی کامل کردند. اطلاعات پرسشنامه پس از جمع آوری و کدگذاری وارد نرم افزار آماری SPSS شد سپس با استفاده از آمار توصیفی و آزمون مجذور کای مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** میانگین و انحراف معیار سنی نمونه‌ها (۴۱/۶±۶/۳) بود. ۶۸/۵ درصد افراد تحصیلات دیپلم یا زیر دیپلم و ۳۱/۵ درصد تحصیلات لیسانس و بالاتر داشتند. از نظر شغلی و وضعیت تاهل نیز به ترتیب ۶۳/۷ درصد خانه دار و ۷۲/۶ درصد متاهل بودند. از ۱۴۶ نفر، ۶۳/۷٪ آگاهی کم و ۳۶/۳٪ آگاهی بالایی نسبت به علایم سرطان پستان و غربالگری آن داشتند. میزان آگاهی شرکت کنندگان با تحصیلات ($P < 0.001$) و شغل ($P = 0.019$) ارتباط معنی دار داشت بطوریکه افراد با تحصیلات بالا و افراد شاغل، سطح آگاهی بالاتری داشتند. در حالیکه این ارتباط با سن، وضعیت تاهل و سابقه ابتلا در خود یا خویشاوندان از نظر آماری معنی دار نبود (بترتیب $P = 0.028$, $P = 0.087$, $P = 0.065$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج تحقیق حاضر، میزان آگاهی زنان شهرستان کاشمر نسبت به علائم سرطان پستان و روش‌های غربالگری آن نسبتاً پایین است و این امر، لزوم توجه به بالا بردن سطح آگاهی زنان را تاکید می‌نماید. براین اساس پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های آموزشی-بهداشتی به صورت مداوم و موثر با همکاری مرکز بهداشت شهرستان کاشمر برای زنان ارائه گردد تا آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی ناشی از سرطان در خانواده و به تبع جامعه کاهش یابد.

کلید واژه: سرطان پستان- غربالگری- آگاهی

صابره ارسلانی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل - کمیته تحقیقات
دانشجویی دانشگاه شاهد

مهدیه خرمی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل - کمیته تحقیقات
دانشجویی دانشگاه شاهد

معصومه حیدری

عضو هیات علمی - دانشگاه شاهد- استادیار آموزش
بهداشت و ارتقاء سلامت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سبک زندگی بیماران دیابتی نوع دو مناطق روستایی شهرستان بندرانزلی سال ۱۳۹۴

سیده هاجر خاتمی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
(شبکه بهداشت بندرانزلی، بندرانزلی، ایران). نویسنده
مسئول: تلفن: ۰۱۳۴۴۵۵۲۹۶۳

Email: ksiedhajer@yahoo.com

غلامرضا صادقی

کارشناس بیماری‌های غیرواگیر معاونت بهداشتی
دانشگاه علوم پزشکی گیلان (دانشگاه علوم پزشکی
گیلان، رشت، گیلان)

چکیده

مقدمه: با توجه به افزایش شیوع بیماری‌های غیرواگیر منجمله دیابت، مطالعه سبک زندگی بیماران می‌تواند ما را در یافتن دلایل این افزایش و راه‌های پیشگیری و کنترل آن یاری نماید. این مطالعه با هدف تعیین چگونگی سبک زندگی و عادات غذایی بیماران دیابتی نوع دو از مناطق روستایی شهرستان بندرانزلی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۴ در شهرستان بندرانزلی بر روی ۳۳۷ بیمار دیابتی انجام شد. اطلاعات با استفاده از یک چک لیست حاوی متغیرهای دموگرافیک و متغیرهای سبک زندگی و عادات تغذیه ای و درمان‌های مناسب در بیماران جمع آوری شد. نمرات کسب شده افراد از رتبه ۱ الی ۶ دسته بندی شد که رتبه کمتر نشان دهنده سبک زندگی مناسب تر بود. جهت تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS ۱۹ استفاده شد.

یافته ها: از ۳۳۷ بیمار ۸۰ نفر مرد و ۲۵۷ نفر زن بودند. هیچک از بیماران در گروه اول قرار نگرفته و تنها ۲۷ نفر (۷/۷ درصد) در گروه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. این مطالعه نشان داد بیش از ۹۰ درصد بیماران دارای عملکرد مناسبی از نظر تغذیه و درمان نبودند.

نتیجه گیری: با توجه به پایین بودن عملکرد افراد از نظر تغذیه مناسب و درمان مناسب نیاز به مداخله آموزشی منسجم بر اساس الگوهای تغییر رفتار احساس می‌شود.

کلید واژه: سبک زندگی، دیابت، بندرانزلی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه ی بین سلامت اجتماعی و شاخص های آن بر میزان کیفیت زندگی

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش بررسی تاثیر سلامت اجتماعی بر کیفیت زندگی دانشجویان کارشناسی خوابگاهی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بود.

روش بررسی: این مطالعه از نوع همبستگی است که بر روی ۳۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر ساکن خوابگاه های دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت گرفته است. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش شامل دو پرسشنامه کیفیت زندگی و سنجش سلامت اجتماعی بود.

یافته ها: یافته های تحقیق نشان می دهند، بین سلامت اجتماعی و میزان کیفیت زندگی دانشجویان رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین در بررسی رابطه بین ابعاد سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی از ۵ زیر مقیاس سلامت اجتماعی فقط بین دو زیر مقیاس انسجام اجتماعی و شکوفایی اجتماعی با کیفیت زندگی ارتباط معنادار وجود داشت. وجود ارتباط مثبت بین سلامت اجتماعی و بعد روانی کیفیت زندگی حاکی از اهمیت مسایل روحی و روانی و احساس رضایت مندی در بالا بردن سطح سلامت اجتماعی می باشد بطوریکه با افزایش فرهنگ مندی و احساس رضایت خاطر در بین افراد جامعه، آنها از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند بود.

نتیجه گیری: وجود ارتباط معنادار بین انسجام اجتماعی و کیفیت زندگی نشانگر تاثیر مستقیم تعلق خاطر به جامعه بر روی کیفیت زندگی جسمی و روانی افراد است بطوریکه میتوان امیدوار بود با افزایش حمایت های اجتماعی و ایجاد عوامل تعلق آور و سهمیم کردن افراد در سود و زیان های اجتماعی، کیفیت زندگی و به تبع آن رضایت مندی فردی افزایش یابد. عدم ارتباط بین جنسیت و رشته درسی با میزان کیفیت زندگی می تواند تا حدی بیانگر کم اهمیت بودن این عوامل در مقایسه با سن و ترم تحصیلی که توأم با تجربه و کسب مهارت های بیشتر در محیط دانشگاه و خوابگاه است، باشد.

کلید واژه: سلامت اجتماعی، کیفیت زندگی، رضایتمندی، دانشجویان

سیده ملیکا خارقانی مقدم

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس ۰۹۱۹۲۱۵۶۵۷۸

email: m_kharghani@yahoo.com

حسین ابراهیمی

استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، بهداشت حرفه ای، بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی نقش سواد سلامت و سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع دو

سیده‌های خاکزادی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران.

هادی مرشدی

استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران.

احمد فخری

دانشیار گروه اعصاب و روان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، خوزستان، ایران.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسوول: تلفن تماس: +۹۸۹۱۲۴۱۴۵۰۰

Emohammadi@qums.ac.ir

چکیده

مقدمه: خودمراقبتی در بیماران دیابتی به درمان و پیشگیری از عوارض بیماری و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی آنها کمک قابل توجهی می‌کند. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین سواد سلامت، سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده با رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ در شهرستان صومعه‌سرا انجام گرفت.

روش بررسی: در این پژوهش توصیفی مقطعی، با استفاده از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی ۱۶۶ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان صومعه‌سرا در قالب دو گروه تجربی و کنترل مشارکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، مقیاس‌های مرتبط با سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، پرسشنامه سواد سلامت (STOHFLA) و پرسشنامه خودمراقبتی (SDSCA) بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، کای اسکوئر، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک طرفه و آنالیز مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان دهنده اختلاف معنادار میانگین سواد سلامت بر حسب متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات بود ($P < 0.05$). همچنین، میانگین نگرش، هنجارهای انتزاعی، قصد رفتاری بین افرادی با سطح سواد سلامت پایین و کافی اختلاف معنادار داشت ($P < 0.05$). در عین حال، وضعیت رعایت رژیم غذایی و فعالیت جسمانی بعنوان رفتارهای خودمراقبتی بین بیماران با سواد سلامت پایین و کافی متفاوت بود ($P < 0.05$). تأثیر سواد سلامت بر خودمراقبتی از طریق هنجارهای انتزاعی و قصد رفتاری میانجی‌گری شد و نگرش اصلی‌ترین پیش‌بینی کننده قصد رفتاری بود ($P < 0.05$, $r = 0.28$). نهایتاً داده‌ها به خوبی با مدل برازش داشته و قادر به پیش‌بینی ۳۱ درصدی واریانس رفتار خودمراقبتی بودند ($P < 0.05$).
نتیجه‌گیری: در این مطالعه ارتباط بین سواد سلامت و متغیرهای روان‌شناختی نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک‌شده با خودمراقبتی در بیماران دیابتی مورد تأیید واقع شد و در نتیجه توجه به متغیرهای مذکور در طراحی مداخلات آموزشی ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: دیابت نوع ۲، سواد سلامت، خودمراقبتی، نگرش، رژیم غذایی، فعالیت جسمانی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های فرزند پروری به مادران بر رفتار دانش آموزان دختر مشهد

چکیده

مقدمه: شکل گیری شخصیت کودکان در محیط خانواده آغاز می‌شود و تمام جنبه‌های زندگی کودکان و مشکلاتی که در آینده با آن مواجه می‌شوند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر آموزش مهارت‌های فرزند پروری مادران بر رفتار دانش آموزان دختر مشهد بود.

روش بررسی: این مطالعه بر روی ۱۰۰ مادر و دانش آموز دختر ۱۳-۱۰ ساله (۵۰ نفر آزمون و ۵۰ نفر کنترل) در مشهد به روش خوشه ای چند مرحله ای در سال ۱۳۹۵ انجام گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه با استفاده از پرسشنامه کتبی که علاوه بر سوالات دموگرافیک، حاوی سوالاتی در زمینه رفتار دانش آموزان بود و روایی و پایایی آن (روایی ۷۸۵٪- آلفای کرونباخ ۷۷۲٪- پایایی بیرونی ۷۷۲٪) مورد تایید قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از spss ۱۶ و با استفاده از آزمون‌های توصیفی (فراوانی و درصد، میانگین و انحراف معیار) و آزمون‌های تحلیلی (تی زوجی، ضریب همبستگی) در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته ها: میانگین سنی در گروه آزمون ۳۹/۷±۳۴ و در گروه کنترل ۵۳/۸±۳۶ بود که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری باهم نداشتند (p=۰/۱۳۵). در نمره رفتار دانش آموزان قبل از مداخله بین دو گروه آزمون و کنترل تفاوت معنی داری وجود نداشت (p=۰/۰۵۹) ولی ۲ ماه بعد از مداخله این تفاوت معنی دار شد (p=۰/۰۰۱). ضمناً بر اساس آزمون تی تست در گروه آزمون تفاوت قبل و بعد معنی دار شد (p<۰/۰۰۱) ولی در گروه کنترل معنی دار نشد (p=۰/۹۵).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مداخله آموزشی مهارت‌های فرزند پروری تاثیر مثبتی بر رفتار دانش آموزان داشته است، برگزاری جلسات آموزشی فرزند پروری توسط روانشناس برای جمعیت تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت بیش از پیش ضروری می‌باشد. ضمناً بهتر است علاوه بر آموزش مادران، پدران دانش آموزان نیز آموزش ببینند تا تاثیر آموزش بیشتر گردد.

کلید واژه: آموزش- مهارت‌های فرزند پروری- مادران- رفتار- دانش آموزان دختر

زهرا خاکشور قره سو

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۲۵۱۶۹۶۴
khakshoorz2@mums.ac.ir

مهدی قلبان اول

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمد واحیدیان شاهرودی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سحر شبانی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

عصمت سورگی

دکتری عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

الهه لعل منترد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر رویکرد فرایند عمل بهداشتی و سواد سلامت در زمینه مهارتهای فرزند پروری به مادران بر عملکرد دانش آموزان دختر شهر مشهد

زهره خاکشور قره سو

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۲۵۱۶۹۶۴
khakshoorz2@mums.ac.ir

مهدی قلیان اول

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

حبیب اله اسماعیلی

دکتری آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از مهمترین مباحث روان شناسی رشد، فرزند پروری می باشد. با کاربرد روش های مناسب و سازنده فرزند پروری می توان به نوجوان کمک کرد تا مهارت های مناسب و ضروری برای دوره بزرگسالی را به دست بیاورد. هدف از این پژوهش، تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر رویکرد فرایند عمل بهداشتی و سواد سلامت بر مهارتهای فرزند پروری مادران دانش آموزان دختر شهر مشهد بود.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی در میان ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر آزمون و ۵۰ نفر کنترل) از مادران دارای فرزند دختر ۱۳-۱۰ سال منطقه تبادلگان شهر مشهد به روش نمونه گیری خوشه ای در سال ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه مبتنی بر سازه های مدل رویکرد فرایند عمل بهداشتی و پرسشنامه سواد سلامت تافلا بود. پس از تعیین روایی ابزار به روش های اعتبار صوری و اعتبار محتوی و پایایی ابزار با استفاده از آلفا کرونباخ به دست آمد. داده ها قبل، بلافاصله و ۲ ماه بعد از آموزش جمع آوری شد و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمونهای آماری کای دو، من ویتنی و ویلکاکسون در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین گروه آزمون و کنترل از نظر سن، تعداد اعضای خانوار، سطح تحصیلات مادر و همسران آنها و شغل مادر و همسران آنها تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت ($p > 0.05$). بجز سازه عمل برنامه ریزی شده بین دو گروه آزمون و کنترل بجز سازه خودکارآمدی که معنی دار نشد در بقیه سازه ها تفاوت آماری معنی داری وجود داشت ($p < 0.05$). همچنین دوماه بعد از مداخله در همه سازه ها اختلاف معنی داری بین گروه آزمون و کنترل وجود داشت. از نظر سواد سلامت قبل از مداخله تفاوت معنی داری بین گروه آزمون و کنترل وجود نداشت ($p < 0.05$) ولی بلافاصله ($p = 0.01$) و ۲ ماه بعد ($p > 0.01$) اختلاف معنی دار بین دو گروه ملاحظه گردید.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مداخله آموزشی بر اساس سازه های مدل رویکرد فرایند عمل بهداشتی تاثیر مثبتی در مهارتهای فرزند پروری مادران داشته است، از این مدل در برنامه ریزی های مربوط به آموزش خانواده بخصوص مهارتهای فرزند پروری بهره گرفته شود.

کلید واژه: آموزش - رویکرد فرایند عمل بهداشتی - مهارت فرزند پروری - سواد سلامت - دانش آموزان دختر - مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سلامت معنوی و امید به زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: این مطالعه توصیفی - تحلیلی بود که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علوم پزشکی یزد انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل دانشجویان بود. حجم نمونه طبق فرمول، ۲۰۰ نفر محاسبه گردید. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های استاندارد سلامت معنوی پولوتزین و الیسون (۱۹۸۲) (دارای دو بعد سلامت مذهبی و وجودی) و امید به زندگی اشنايدر (۱۹۹۱) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ از طریق محاسبه ضریب همبستگی spearman و استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: میانگین نمره سلامت معنوی و امید به زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد به ترتیب $(0.6/0.98 \pm 0.78/1.0)$ و $(0.45/0.63 \pm 0.43/0.5)$ به دست آمد. سلامت معنوی دانشجویان با امید به زندگی همبستگی مثبت و معناداری داشت. شدت همبستگی سلامت معنوی با امید به زندگی در دانشجویان علوم پزشکی یزد با ضریب همبستگی اسپیرمن برابر $(r=0.55)$ در سطح 0.01 برآورد گردید. متغیر سلامت معنوی در مجموع ۴۶٪ امید به زندگی را پیش گویی کرد. تمامی ابعاد سلامت معنوی با امید به زندگی همبستگی مثبت و معنادار داشت.

نتیجه گیری: سلامت معنوی و امید به زندگی در دانشجویان دانشگاه در سطح متوسط $(0.46/0.53/0.7)$ بود و سلامت معنوی با امید به زندگی همبستگی معناداری داشت. بنابراین، برنامه ریزی در راستای ارتقای سلامت معنوی دانشجویان برای افزایش امید به زندگی آنان پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: سلامت معنوی، امید به زندگی، دانشجویان

سجاد بهاری نیا

دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد

مهدیه خالقی

* دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، نویسنده مسؤل:

mah.khaleghi.ph@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر برنامه آموزشی مبتنی بر نظریه عمل منطقی توسعه یافته بر رفتارهای خودمراقبتی در زنان مبتلا به دیابت نوع دو در شهر فسا

زهرا خیالی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

علی خانی جیحونی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:
۹۸۹۱۷۵۳۲۸۰۶۵

E-mail: Khani_1512@yahoo.com.

فروغ فقیه

پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا،
فسا، ایران

چکیده

مقدمه: دیابت بعنوان یک اپیدمی خاموش می باشد که با اجرای برنامه های آموزشی می توان آن را کنترل نمود. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر نظریه عمل منطقی توسعه یافته بر رفتارهای خودمراقبتی در زنان مبتلا به دیابت نوع دو در شهر فسا انجام گرفت.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی، ۱۰۰ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع دو بصورت تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. داده ها توسط پرسشنامه مبتنی بر تئوری عمل منطقی و رفتار خودمراقبتی که توسط هر دو گروه آزمون و کنترل قبل و ۳ ماه پس از مداخله آموزشی تکمیل گردید. جمع آوری گردید. مداخله آموزشی برای گروه آزمون در قالب ۱۰ جلسه آموزشی به روش های سخنرانی، بحث گروهی، نمایش عملی و پرسش و پاسخ، استفاده از فیلم آموزشی، تصاویر به مدت ۶۰-۵۵ دقیقه برگزار شد. جهت آنالیز داده ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و آزمونهای آماری کای اسکوئر، تی مستقل و تی زوجی استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که پس از مداخله آموزشی، میانگین نمرات تمام سازه های تئوری عمل منطقی توسعه یافته (نگرش، هنجارهای انتزاعی، خودکارآمدی، قصد رفتاری) در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل به طوری معنی داری افزایش یافته است ($p < 0.05$) همچنین مداخله آموزشی تاثیر معنی داری در ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی بیماران گروه مداخله گذاشته بود و میزان HbA1c در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل کاهش یافته بود ($p < 0.05$)

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که تئوری عمل منطقی توسعه یافته می تواند یک چارچوب مناسبی جهت طراحی مداخلات آموزشی برای ارتقا رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت باشد.

کلید واژه: آموزش، تئوری عمل منطقی توسعه یافته، رفتار خودمراقبتی، دیابت نوع دو



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقای رفتارهای خودمراقبتی سالمندان مبتلا به استئوآرتریت زانو

چکیده

مقدمه: استئوآرتریت یکی از مهمترین دلایل ایجاد ناتوانی است. مداخله آموزشی برای رفتارهای خود مراقبتی بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو مهم است، زیرا علاوه بر تأثیر آن بر کیفیت زندگی بیمار، بار اقتصادی بر اختلالات روحی و روانی خانواده و جامعه را کاهش می‌دهد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) بر ارتقای رفتارهای خود مراقبتی در سالمندان مبتلا به استئوآرتریت زانو است.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی، ۱۰۰ نفر از بیماران سالمند مبتلا به استئوآرتریت بصورت تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. داده‌ها توسط پرسشنامه خود ساخته مبتنی بر مشخصات دموگرافیک و نظریه رفتار برنامه ریزی شده و رفتار خودمراقبتی که توسط هر دو گروه آزمون و کنترل قبل و ۴ ماه پس از مداخله آموزشی تکمیل گردید، جمع آوری گردید. برنامه آموزشی طی ۸ جلسه ۵۰-۵۵ دقیقه‌ای به روش نمایش فیلم، تصاویر آموزشی از طریق بحث گروهی و فرایند حل مسئله برای گروه آزمون اجرا شد. جهت آنالیز داده‌ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و آزمونهای آماری کای اسکوئر، تی مستقل و تی زوجی استفاده شد.

یافته ها: میانگین سنی گروه تجربی $3/64 \pm 67/25$ و میانگین سنی گروه شاهد $3/50 \pm 66/12$ بود. میانگین نمرات سازه‌های نظریه رفتار برنامه ریزی شده (نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، قصد) و رفتار خود مراقبتی در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل، پس از مداخله آموزشی افزایش یافت ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج، مداخله آموزشی، رفتارهای خود مراقبتی بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو را بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده افزایش داده است. بنابراین، نتایج این مطالعه می‌تواند در استراتژی‌های مبتنی بر تئوری مبتنی بر رفتارهای خود مراقبتی بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: استئوآرتریت زانو، رفتارهای خود مراقبتی، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، مداخله آموزشی

علی خانی جیحونی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

نسیم محمدی

پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زهرا خیالی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

989178562818

E-mail: Khiyaliz@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از ابتلای آنفلوآنزای نوع A در دانش آموزان دختر متوسطه اول در شهر فسا

علی خانی جیحونی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

سید منصور کشفی

پزشکی اجتماعی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زهرای خیالی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:
۹۸۹۱۷۸۵۶۲۸۱۸

E-mail: Khiyaliz@yahoo.com

چکیده

مقدمه: با توجه به این که مصونیتی برای این بیماری وجود ندارد، برخورداری از سطح دانش کافی از طریق شناخت علایم بیماری، مراجعه سریع به پزشک یا ارجاع بیماران به مراکز درمانی، منجر به جلوگیری از انتقال، کاهش عوارض و موارد مرگ و میر خواهد شد. لذا مطالعه حاضر با هدف تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از ابتلای آنفلوآنزای نوع A در دانش آموزان دختر متوسطه اول در شهر فسا انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی بر روی آن ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دختر متوسطه اول شهر فسا که بصورت تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد تقسیم شدند، انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه معتبر، مشتمل بر مشخصات دموگرافیک، آگاهی، سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی و رفتارهای پیشگیری کننده بود. برنامه آموزشی در طی ۴ جلسه یک ساعته با شیوه بحث گروهی همراه با بحث گروهی و ارائه پمفلت و سی دی‌های آموزشی برای گروه آزمون برگزار شد. پرسشنامه‌ها قبل و ۱ ماه بعد از اجرای مداخله آموزشی جمع آوری گردید و توسط نرم افزار آماری spss نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمونهای آماری کای اسکوتر، تی مستقل و تی زوجی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بعد از انجام مداخله آموزشی نمرات کلیه سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی و رفتارهای پیشگیری کننده از ابتلای آنفلوآنزای نوع A در گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل تفاوت آماری معنی داری داشت ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه حاضر و رابطه بین اجزای مدل اعتقاد بهداشتی و رفتارهای پیشگیری از دانش آموزان، به نظر می‌رسد که برنامه آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی می‌تواند در بهبود رفتارهای پیشگیری از آنفلوآنزای نوع A در دانش آموزان مفید باشد.

کلید واژه: مدل اعتقاد بهداشتی، آنفلوآنزای نوع A، رفتارهای پیشگیری کننده، دانش آموز

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل پرسید بر رفتارهای پیشگیرانه از بیماری سالک در زنان خانه دار

چکیده

مقدمه: لیشمانیوز در ایران شایع است. برای اجرای موفق برنامه‌های آموزش بهداشت و سلامت، استفاده از مدل‌های نظری ضروری است. یکی از این مدل‌ها مدل پرسید است که فرایند تغییر رفتار است و نتایج احتمالی یک برنامه آموزشی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل پرسید بر رفتارهای پیشگیری کننده از لیشمانیوز جلدی در زنان خانه دار انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۲۴۰ خانوار (۱۲۰ گروه آزمون و ۱۲۰ گروه شاهد) تحت پوشش مراکز بهداشتی در شهر فسا در سال ۱۳۹۵ انجام شد. در ۲۴۰ خانوار اجرا شد. مداخله آموزشی بر اساس مدل پرسید در طی ۷ جلسه ۵۰ تا ۵۵ دقیقه ای برای گروه آزمون انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه معتبر و پایا، قبل و ۳ ماه پس از مداخله آموزشی جمع آوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ و آزمون‌های آماری توصیفی - تحلیلی شامل آزمونهای t مستقل، کای و من ویتنی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین سنی گروه آزمایش $9/12 \pm 39/24$ سال و گروه کنترل $9/28 \pm 38/84$ سال بود. نتایج مطالعه نشان داد که پس از مداخله آموزشی، میانگین نمرات آگاهی، نگرش و عملکرد، عوامل قادرکننده و عوامل تقویت کننده در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل به طوری معنی داری افزایش یافته است ($p < 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش بر اساس مدل پرسید تاثیر قابل توجهی بر رفتارهای پیشگیری کننده از لیشمانیوز جلدی در زنان خانه دار دارد. لذا طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی بر اساس این مدل در خصوص بیماری سالک توصیه می‌گردد.

کلید واژه: سالک، آموزش، زنان خانه دار، مدل پرسید، پیشگیری

علی خانی جیحونی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

۹۸۹۱۷۵۳۲۸۰۶۵

E-mail: Khani_1512@yahoo.com

زهره خیالی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

سید منصور کشفی

پزشکی اجتماعی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی شیراز، شیراز، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخلات آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی بر میزان مشارکت افراد در انجام آزمون غربالگری مدفوع برای غربالگری سرطان کولورکتال

علی خانی جیحونی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

۹۸۹۱۷۵۳۲۸۰۶۵

E-mail: Khani_1512@yahoo.com.

یوسف غلامپور

استادیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا،
فسا، ایران

سید منصور کشفی

استادیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
شیراز، شیراز، ایران

زهرای خیالی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

چکیده

مقدمه: در این میان آزمایش‌های غربالگری سرطان کولورکتال، آزمایش خون مخفی در مدفوع (FOBT) در مقایسه با سایر روش‌ها به دلیل سهولت استفاده و کم هزینه بودن اهمیت دارد. هدف این مطالعه بررسی تاثیر مداخلات آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی بر میزان مشارکت افراد در انجام آزمون غربالگری مدفوع برای غربالگری سرطان کولورکتال در میان مردان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی، فسا، فارس، ایران انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی ۲۰۰ مرد (۱۰۰ نفر در گروه آزمون و ۱۰۰ نفر در گروه کنترل) در فسا در سال ۲۰۱۷ انتخاب شدند. پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، دانش، ساختارهای HBM (حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع، موانع، خودکارآمدی و نشانه‌ها برای عمل) و حمایت اجتماعی برای اندازه گیری میزان مشارکت افراد در انجام آزمایش غربالگری مدفوع برای غربالگری سرطان کولورکتال قبل و سه ماه پس از مداخله استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی SPSS۲۲، آزمون t زوجی، من ویتنی، کای دو و آزمون تی مستقل در سطح معنی داری ۰،۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی مردان در گروه تجربی $۶۳،۱۸ \pm ۸،۲۵$ سال و در گروه شاهد $۶۵،۱۱ \pm ۷،۶۶$ سال بود. سه ماه پس از مداخله گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل افزایش معنی داری در میانگین نمره آگاهی، حساسیت، شدت، منافع، خودکارآمدی، راهنمای عمل و حمایت اجتماعی درک شده برای FOBT نشان داد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان دهنده اثربخشی ساختارهای الگوی اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی در میزان سطح مشارکت افراد برای FOBT در مردان نشان داد. از این رو، این مدل‌ها می‌تواند به عنوان چارچوبی برای طراحی و اجرای مداخلات آموزشی برای انجام FOBT عمل کند.

کلید واژه: FOBT، مردان، مدل اعتقاد بهداشتی، حمایت اجتماعی، سرطان کولورکتال، شهر فسا



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر برنامه آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در تغییر باورهای بهداشتی درخصوص ایدز در دانش آموزان

چکیده

مقدمه: با توجه به اهمیت یادگیری دانش بهداشتی و لزوم ارتقاء نگرش ها، باورها، اعتقادات و رفتارهای سالم بهداشتی در زمینه ایدز از سنین مدرسه، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در تغییر باورهای بهداشتی درخصوص ایدز در دانش آموزان صورت گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه به صورت نیمه تجربی بر روی ۱۰۰ دانش آموز پسر مقطع متوسطه شهرستان فسا در سال ۱۳۹۵ انجام شد. حجم نمونه بر اساس بررسی متون مشابه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و توان آزمون ۸۰ درصد، ۱۰۰ نفر تعیین گردید که به دو گروه ۵۰ نفره آزمون و کنترل تقسیم شدند. پس از انجام پیش آزمون در هر دو گروه، تنها گروه مداخله بر اساس سازه‌های مدل در خصوص رفتارهای پیشگیرانه بیماری ایدز آموزش دیدند. برای جمع آوری اطلاعات در چهارچوب الگوی اعتقاد بهداشتی، از پرسشنامه ای مشتمل بر ۴۱ سوال در سه بخش استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های Paired t، X² Independent t، در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و در سطح معنی داری $p < 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مداخله آموزشی انجام شده بر اساس باور بهداشتی باعث ارتقاء معنی دار آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده و خودکارآمدی درک شده بود. ($P < 0.05$) همچنین موانع درک شده دانش آموزان در خصوص باورهای مرتبط با رفتارهای پیشگیرانه ایدز به طور معنی داری کاهش یافت ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: مداخله آموزشی انجام شده بر اساس الگوی مذکور در خصوص رفتارهای پیشگیرانه ایدز تأثیر مثبتی داشته است، لذا نتایج این مطالعه می‌تواند در استراتژی‌های مداخله ای تئوری محور، به منظور ایجاد و تغییر رفتارهای بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: برنامه آموزشی، مدل اعتقاد بهداشتی، ایدز، دانش آموزان

علی خانی جیحونی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

سید منصور کشفی

پزشکی اجتماعی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زهرای خیالی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

۹۸۹۱۷۸۵۶۲۸۱۸

E-mail: Khiyaliz@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبنی بر مدل اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی بر ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در نمونه ای از کشاورزان ایرانی

علی خانی جیحونی* ۱

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

۹۸۹۱۷۵۳۲۸۰۶۵

E-mail: Khani_1512@yahoo.com.

طیبه رخشانی

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،
ایران

سید منصور کشفی

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،
ایران

زهره خیالی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان پوست یکی از شایع ترین سرطان‌ها در ایران است. کشاورزان در اثر تابش اشعه ماوراء بنفش خورشید به علت کارشان در معرض نور آفتاب قرار دارند و حساس به سرطان پوست هستند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مداخلات آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی بر ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان شهر فسا بود.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی، ۲۰۰ کشاورز (۱۰۰ نفر در گروه آزمون و ۱۰۰ نفر در گروه کنترل) در شهر فسا در سال ۱۳۹۶ انتخاب شدند. مداخله آموزشی در گروه آزمون شامل هشت جلسه آموزشی (معرفی سرطان پوست، عوامل خطر، عوارض، مزایا و موانع استفاده مناسب از کرم‌های ضد آفتاب، عینک آفتابی UV و حفاظت فیزیکی، خود کارآیی در استفاده از رفتارهای پیشگیرانه، نقش حمایت اجتماعی) بود. پرسشنامه ای معتبر شامل اطلاعات دموگرافیک، دانش، سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی (حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، موانع درک شده، خودکارآمدی و راهنمای عمل) و حمایت اجتماعی برای سنجش رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست قبل، ۳ و ۶ ماه بعد از مداخله استفاده شد. داده‌ها توسط نرم افزار آماري SPSS-۲۲ و با استفاده از آزمون‌های Chi-squared، Independent t-test، Mann-Whitney و ANOVA تجزیه و تحلیل شد. (سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵)

یافته‌ها: میانگین سنی کشاورزان در گروه آزمون $42/21 \pm 10/52$ سال و در گروه کنترل $40/16 \pm 10/28$ سال بود. سه و شش ماه پس از مداخله، گروه آزمون افزایش معنی داری در میانگین نمره آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، خودکارآمدی، راهنمای عمل، حمایت اجتماعی و رفتارهای پیشگیری از سرطان پوست در مقایسه با گروه کنترل نشان داد ولی میانگین نمره موانع درک شده در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل کاهش یافت.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان دهنده اثربخشی مداخله بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی و حمایت اجتماعی در پذیرش رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان بود. از این رو، این مدل‌ها می‌تواند به عنوان یک چارچوب برای طراحی و اجرای مداخلات آموزشی برای پیشگیری از سرطان پوست عمل کند.

کلید واژه: مدل اعتقاد بهداشتی، کشاورز، حمایت اجتماعی، سرطان پوست، فسا



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر رفتارهای پیشگیری کننده از پرخاشگری در دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی

چکیده

مقدمه: پرخاشگری یکی از مسائل مهم زندگی کودکان می باشد که مشکلات برخاسته از آن، یکی از دلایل مهم ارجاع کودکان و نوجوانان برای دریافت کمک های روانشناختی محسوب می شود. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر رفتارهای پیشگیری کننده از پرخاشگری در دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر فسا انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است که جامعه پژوهش را ۱۲۰ نفر از دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی مدارس دولتی شهر فسا، فارس، ایران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل دادند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی بود و در دو زمان قبل و ۳ ماه پس از مداخله توسط گروه ها تکمیل گردید. مداخله آموزشی برای گروه آزمون شامل ۸ جلسه به مدت ۵۵-۶۰ دقیقه آموزشی بر مبنای سازه های نظریه رفتاری برنامه ریزی شده اجرا شد. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمونهای تی زوجی، کای اسکوتر و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی دانش آموزان گروه آزمون $0.56 \pm 10/94$ سال و گروه کنترل $0.44 \pm 11/08$ سال بود. نتایج نشان داد که قبل از مداخله آموزشی اختلاف معنی داری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر میزان نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، قصد ترک پرخاشگری و رفتار پیشگیری کننده از پرخاشگری وجود ندارد. اما در ۳ ماه پس از مداخله آموزشی گروه آزمون نسبت به گروه کنترل افزایش چشمگیری در خصوص هر کدام از موارد ذکر شده نشان داد و اختلاف معنی دار می باشد ($p < 0.01$).

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده اثر بخشی آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده را بر سازه های نگرش، رفتار، کنترل رفتار درک شده، هنجارهای ذهنی و قصد رفتاری مرتبط با کنترل پرخاشگری را در کودکان پایه پنجم ابتدایی بود بنابراین طراحی و اجرای مداخلات آموزشی مبتنی بر سازه های مذکور می تواند به مدیریت بهتر خشم و پرخاشگری در کودکان و نوجوانان و ترغیب آنها به حضور و دریافت مشاوره های کنترل خشم بیانجامد.

کلید واژه: پرخاشگری، آموزش، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، دانش آموز

علی خانی جیحونی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زهرای خیالی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول:

۹۸۹۱۷۸۵۶۲۸۱۸

E-mail: Khizaliz@yahoo.com

سید منصور کشفی

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،
شیراز، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر وب بر خودمراقبتی بیماران قلبی عروقی تحت درمان آنژیوپلاستی پس از اجرای طرح ترخیص: کاربردی از الگوی ارتقاء سلامت

عظیمه خدای نسیب

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران.

مهنوش رئیسی

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران.

رحیم طهماسبی

دانشیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران.

حکیمه واحدپرست

استادیار، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران.

سید همام الدین جوادزاده

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. نویسنده مسئول:

Sh.javadzadeh@bpums.ac.ir

چکیده

مقدمه: بیماری عروق کرونر قلب، شایع ترین بیماری قلبی عروقی است که مرگ و میر ناشی از آن، به میزان قابل توجهی در سراسر جهان و ایران رو به افزایش است. یکی از اقدامات درمانی برای بیماران عروق کرونری، مداخلات تحت پوستی مشتمل بر آنژیوپلاستی کرونری ترانس لومینال از راه پوستی و استنت گذاری داخل شریان کرونر می باشد. مهمترین راهکار برای پیشگیری از حمله ثانویه یا دیگر رویدادهای قلبی در بیماران تحت درمان آنژیوپلاستی، خودمراقبتی است که متأسفانه در این بیماران به طور مطلوب صورت نمی پذیرد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر وب بر اساس سازه های الگوی ارتقاء سلامت بر خودمراقبتی بیماران قلبی عروقی تحت درمان آنژیوپلاستی پس از اجرای طرح ترخیص شهر بوشهر در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش بررسی: مطالعه ی حاضر یک پژوهش کارآزمایی بالینی بود که بر روی ۹۹ بیمار تحت درمان آنژیوپلاستی دارای معیار ورود (۴۹ نفر گروه مداخله، ۵۰ نفر گروه کنترل) صورت گرفت. گروه مداخله علاوه بر خدمات روتین بیمارستان، آموزش مبتنی بر سازه های الگوی ارتقاء سلامت را از بستر وب دریافت نمودند. گروه کنترل نیز خدمات روتین بیمارستان را دریافت نمودند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه های سه بخشی شامل اطلاعات جمعیت شناختی، سازه های مربوط به الگوی ارتقاء سلامت و رفتارهای خودمراقبتی بود که در سه مرحله (قبل، دو هفته بعد و سه ماه بعد از آموزش) تکمیل گردید. داده ها بوسیله نرم افزار نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و با استفاده از شاخص های توصیفی، آزمون های آماری T مستقل، کای دو و تحلیل واریانس داده های مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: سه گروه از نظر توزیع متغیرهای جمعیت شناختی مشابه بودند. میانگین نمره سازه های الگوی ارتقاء سلامت (منافع، موانع خودکارآمدی و حمایت اجتماعی درک شده) در گروه مداخله و کنترل قبل از مداخله آموزشی تفاوتی نداشتند، در حالی که پس از انجام مداخله آموزشی تفاوت بین دو گروه در تمام سازه های الگوی ارتقاء سلامت از نظر آماری معنی دار بود ($P < 0.001$). در خصوص رفتارهای خودمراقبتی نیز (پایبندی به درمان، رژیم غذایی سالم، فعالیت بدنی، استعمال دخانیات و مدیریت استرس و اضطراب) دو گروه مداخله و کنترل قبل از آموزش تفاوتی نداشتند، در حالی که بعد از آموزش در گروه مداخله بهبود معناداری ($P < 0.001$) در رفتارهای خودمراقبتی به جز در بعد استعمال دخانیات مشاهده شد.

نتیجه گیری: یافته های حاصل از مطالعه، بیانگر اثربخشی مداخله آموزشی طراحی شده در ارتقاء سازه های الگوی ارتقاء سلامت و نهایتاً بهبود خودمراقبتی در این بیماران بود.

کلید واژه: مداخله آموزشی، خودمراقبتی، الگوی ارتقاء سلامت، مبتنی بر وب، آنژیوپلاستی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



الگوی پیشنهادی نظریه انگیزش محافظت برای مشارکت زنان در رفتارهای پیشگیرانه سرطان پستان

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین سرطانی است که زنان ایرانی را نگران نموده است. تشخیص اولیه بیماری نقش تعیین‌کننده در پیش‌آگهی آن ایفا می‌نماید. لذا مشارکت در رفتارهای پیشگیرانه، تنها گزینه در دسترس برای زنان می‌باشد. هدف از مطالعه حاضر کاربردی نظریه انگیزش محافظت برای مشارکت زنان در رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پستان بود.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع ترکیبی اکتشافی متوالی است. در بخش کیفی، به روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۴ زن یزدی مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته عمیق انجام شد و ادراک آنان از مشارکت در رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پستان با استفاده از تحلیل محتوای هدایت شده استخراج گردید. سپس در بخش کمی بر اساس یافته‌های تحلیل محتوای کیفی، پرسشنامه‌ای مبتنی بر نظریه انگیزش محافظت طراحی شد و ویژگی‌های روانسنجی آن به توسط ۴۲۰ زن متأهل مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل محتوای کیفی طبقات اصلی هر کدام از سازه‌های نظریه انگیزش محافظت را به شرح زیر آشکار نمود: حساسیت درک شده (عوامل مستعدکننده سرطان پستان، الگوهای سازگاری ناهنجار، عوامل محدودکننده و عوامل تقویت‌کننده)، شدت درک شده (پیامدهای فردی - میان‌فردی - برون‌فردی، تعدیل‌کننده‌های شدت درک شده)، پاداش (پاداش‌های درونی و بیرونی، استدلال فردی برای عدم انجام رفتار محافظتی)، خودکارآمدی (اطمینان به توانایی فردی برای پیشگیری، موانع و تسهیل‌کننده‌ها)، کارآمدی پاسخ (پیامدهای روان‌شناختی و طبی مثبت)، هزینه پاسخ (موانع فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی، موانع روان‌شناختی و موانع مربوط به مراکز بهداشتی)، ترس (مؤلفه‌های ترس، رویکردهای تعدیل‌کننده ترس)، انگیزش محافظت (حمایت اجتماعی)

نتیجه‌گیری: مشارکت داوطلبانه در رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پستان یک موضوع حساس فرهنگی می‌باشد و متدولوژی کیفی توانست جنبه‌های مختل آن را تبیین نماید. یافته‌ها نشان داد که منبع اصلی حمایت برای زنان، نوع رفتار همسرانشان برای تبعیت از اقدامات پیشگیرانه می‌باشد. انسجام خانوادگی و عشق میان زوجین به عنوان عوامل تعیین‌کننده قوی در ارتباط با رفتارهای حمایتی همسران می‌باشد. نتایج مطالعه اطلاعات مفیدی را درباره هزینه‌های پاسخ رفتار ماموگرافی مبتنی بر ادراک خود زنان یزدی فراهم نمود. موانع شناسایی شده زنان را از جستجو برای تشخیص اولیه و درمان مناسب بازمی‌دارد. در این راستا لازم است سیستم‌های اعتقادی مذهبی و فرهنگی به همراه پیام‌های انگیزشی در برنامه‌های آموزشی لحاظ گردد.

کلیدواژه: طرح ترکیبی اکتشافی متوالی، نظریه انگیزش محافظت، سرطان پستان، تحلیل محتوای کیفی

مهسا خدایاریان

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد - ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۵۷۸۴۳۶
mahsa.khodayarian6@gmail.com

فاطمه پیغمبری

بخش علوم تشریحی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، شاخه یزد، یزد، ایران.

سید سعید مظلومی محمودآباد

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد - ایران

محمدعلی مروتی شریف آباد

گروه سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد - ایران

مینور لمیعیان میان‌دوآب

دانشکده پزشکی، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشگاه تربیت مدرس تهران - ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت بر نتایج بارداری

سیده سارا خرازی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۲۵۵۳۷۳
kharazis1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حبیب الله اسماعیلی

استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت مادران در دوران بارداری بیانگر مهارت‌های اجتماعی و شناختی است که انگیزه و توانایی مادران را برای دریافت و استفاده از آگاهی‌های مفید برای حفظ و ارتقاء سلامت خود و فرزندانشان نشان می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت مادری بر نتایج بارداری در مادران باردار انجام پذیرفت.

روش بررسی: در این کارآزمایی بالینی تصادفی شده، جامعه مورد بررسی شامل ۷۶ مادر باردار که به منظور انجام مراقبت‌های معمول دوران بارداری در سال ۱۳۹۵ به مراکز جامع سلامت شهرستان مشهد مراجعه کرده‌اند می‌باشد. به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای-چند مرحله‌ای به دو گروه آزمون و کنترل تخصیص یافتند. ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر پرسشنامه‌های اطلاعات فردی، سواد سلامت مادری، نتایج بارداری و خودکارآمدی تغذیه‌ای بود. پرسشنامه‌ها تکمیل و سپس مداخله آموزشی با توجه به نتایج مطالعه اولیه توصیفی که بر روی ۱۲۰ مادر باردار انجام شده بود، برای گروه مداخله اجرا شد. پرسشنامه‌ها بلافاصله و بعد از گذشت سه ماه از مداخله آموزشی مجدداً تکمیل گردید. داده‌ها در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل و از آزمون‌های تی، کای دو، آنالیز واریانس یک‌طرفه و آنالیز داده‌های تکراری استفاده شد.

یافته‌ها: قبل از مداخله تفاوت معناداری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر سطح سواد سلامت مادری، خودکارآمدی و مراقبت‌های دوران بارداری مشاهده نشد ($p > 0/001$) ولی بعد از مداخله، تفاوت معناداری در میانگین سطح سواد سلامت مادران، خودکارآمدی در گروه آزمون مشاهده شد ($p \leq 0/001$).

نتیجه‌گیری: نتایج این مداخله کارآیی مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه خودکارآمدی بر ارتقاء سطح سواد سلامت مادران باردار، نتیجه مطلوب بارداری و به دنبال آن به دنیا آمدن نوزادی با وزن طبیعی را نشان داد.

کلیدواژه: سواد سلامت، مادران باردار، نظریه خودکارآمدی، نتایج بارداری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت مادران باردار و خودکارآمدی تغذیه با پیامد بارداری و وزن هنگام تولد نوزاد

چکیده

مقدمه: بررسی و شناخت متغیرهای پیش بینی کننده سلامت در ترویج رفتارهای سالم زنان در سنین باروری می‌تواند گامی بر بهبود سلامت مادران و نتایج بارداری ارائه دهد. بررسی و شناخت متغیرهای پیش بینی کننده سلامت در ترویج رفتارهای سالم زنان در سنین باروری می‌تواند گامی بر بهبود سلامت مادران و نتایج بارداری ارائه دهد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی، ۱۲۰ مادر باردار مراجعه‌کننده به مرکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای- چند مرحله‌ای بود. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه سواد سلامت مادری و نتایج بارداری و پرسشنامه درک وضعیت تغذیه، رفتار و خودکارآمدی تغذیه‌ای مادران باردار بود که بعد از تایید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۵ و آزمون‌های تحلیلی توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام، تی مستقل، توکی و آنالیز واریانس یک طرفه در سطح معنی داری ۹۵٪ و ۹۹٪ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: درک وضعیت تغذیه ($p < 0/01$ و $t=58$)، خودکارآمدی تغذیه‌ای ($p < 0/01$ و $t=71$)، رفتار تغذیه‌ای ($p < 0/01$ و $t=68$) و سواد سلامت ($p < 0/01$ و $t=68$) با نتیجه بارداری و وزن هنگام تولد نوزاد همبستگی مثبت و معنی داری داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که در گام اول خودکارآمدی تغذیه ($R=0/71$)، در گام دوم سواد سلامت ($R=0/76$) و در گام سوم رفتار تغذیه ($R=0/77$) قادر به پیش بینی معنی دار نتیجه بارداری می‌باشند. در مجموع این متغیرها قادر به پیش بینی ۵۹ درصد از واریانس نتیجه بارداری بودند ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: سواد سلامت مادری و خودکارآمدی تغذیه‌ای در مادران باردار نقش مهمی در پیش بینی نتیجه بارداری و وزن هنگام تولد نوزاد دارد.

کلید واژه: سواد سلامت، مادران باردار، نظریه خودکارآمدی، نتایج بارداری

سیده سارا خرازی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۲۵۵۳۷۳

kharazis1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حبیب الله اسماعیلی

استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخلات آموزشی حین بارداری بر وزن هنگام تولد نوزادان در ایران

سیده سارا خرازی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۲۵۵۳۷۳
kharazis1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حبیب الله اسماعیلی

استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت مادران در دوران بارداری در حفظ سلامتی خود و فرزندانشان ضروری است. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر مداخله آموزشی حین بارداری بر اساس نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت بر وزن هنگام تولد نوزاد است.

روش بررسی: این مطالعه کارآزمایی بالینی بر روی ۷۶ مادر باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد، در سال ۱۳۹۵ انجام شد. شرکت کنندگان به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به دو گروه تقسیم شدند. ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر پرسشنامه های اطلاعات فردی، سواد سلامت مادری و خودکارآمدی تغذیه ای بود. مداخله آموزشی شامل ارائه شفاهی، بحث گروهی و آموزش چندرسانه ای بود. پرسشنامه ها بلافاصله و بعد از گذشت سه ماه از مداخله آموزشی مجدداً تکمیل گردید.

یافته ها: قبل از مداخله تفاوت معناداری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر سطح سواد سلامت مادری و خودکارآمدی مشاهده نشد ولی بعد از مداخله، تفاوت معناداری در میانگین سطح سواد سلامت مادران، خودکارآمدی در گروه آزمون مشاهده شد. میانگین سن مادران $24/92 \pm 4/84$ سال ($23/92 \pm 4/59$ سال و $25/92 \pm 4/94$ سال در گروه آزمون و کنترل) بود. اختلاف معنی داری بین گروه آزمون و کنترل از لحاظ سن، سواد سلامت مادران و خودکارآمدی در زمان قبل از مداخله وجود نداشت. مداخله موجب ارتقاء میانگین سواد سلامت ($p < 0/001$) و خودکارآمدی تغذیه ($p < 0/001$) در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل شد. میانگین وزن تولد نوزادان به طور معنی داری در گروه آزمون $3324/14 \pm 416/12$ گرم) در مقایسه با گروه کنترل ($3007/73 \pm 468/63$ گرم) بود ($p = 0/003$).

نتیجه گیری: یافته های مطالعه حاضر نشان دهنده اثربخشی مداخله آموزشی طراحی شده بر اساس نظریه خودکارآمدی در بهبود سواد سلامت مادران باردار و افزایش وزن تولد نوزادان است.

کلید واژه: سواد سلامت مادری، نتایج بارداری، وزن کم هنگام تولد، آموزش.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر برنامه مروج سلامت در مدارس تحت پوشش مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: نظام مدارس مروج سلامت به منزله یک نظام برای ارتقاء سلامت است که با مشارکت فعالانه اولیاء، مربیان و دانش آموزان و با رویکرد توانمند سازی دانش آموزان در زمینه مراقبت از خود، فرهنگ خود مراقبتی و آموزش همسالان و همسالان، منجر به افزایش ظرفیتها و توانمندسازی مردم در مورد سالم زندگی کردن، سالم کار کردن و آموزش با کیفیت خواهد شد. سرمایه گذاری روی سلامت نوجوانان و جوانان در محیطهای آموزشی یکی از مهمترین مداخلات نظام سلامت است. هدف از این مطالعه تعیین درصد ارتقاء اجرای برنامه مدارس مروج سلامت در مدارس تحت پوشش مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد می باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مداخله ای قبل و بعد است که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت. واحد پژوهش ۱۲۳ مدرسه مجری برنامه مدارس مروج سلامت شهرستان مشهد بوده که به صورت سرشماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری دادهها چک لیست استاندارد ارزیابی مدارس مروج سلامت در دو بخش مدیریتی و شاخصهای ۸ گانه بود. دادهها دو مرحله قبل و بعد از مداخله به فاصله سه ماه جمع آوری شدند. تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۲۱ و آزمونهای تحلیلی و آزمون تی زوجی و ... در سطح معنی داری ۹۹٪ انجام شد.

یافته ها: از ۱۲۳ مدرسه مجری برنامه مروج سلامت ۷۶/۴ (۹۴) ابتدایی، ۱۹/۵ (۲۴) متوسطه دوره اول و ۴/۱ (۵) متوسطه دوره دوم بودند. ۹۵/۹ (۱۱۸) درصد مدارس شهری و ۴/۱ (۵) روستایی بودند. ۶۳/۴ (۷۸) دخترانه و ۳۵/۸ (۴۴) پسرانه و ۱۰/۸ (۱) مختلط بودند. میانگین و انحراف معیار امتیازات از ۱۰۰ امتیاز در قبل از مداخله ۱۵/۱۱±۶۷/۶۵ بود که بعد از مداخله به ۱۲/۱۶±۷۶/۲۴ ارتقاء یافت. بین میانگین کل امتیاز و میانگین امتیازات قسمتهای ۹ گانه در قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی دار وجود داشت. نتایج مدل نشان داد که فقط امتیازات کل چک لیست مرحله اول و منطقه جغرافیایی با امتیازات چک لیست مرحله دوم مرتبط و تأثیر این برنامه در مدارس روستایی بیشتر بوده است. **نتیجه گیری:** این مطالعه نشان داد که اجرای برنامه مروج سلامت تأثیر مثبت در بهبود شاخصهای مدارس داشت. پیشنهاد می گردد این برنامه در کلیه مدارس اجرا گردد.

کلید واژه: مدارس، مروج سلامت، شهرستان مشهد.

براتعلی عرب نژاد

دکترای داروسازی، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

انسیه میرمحتشمی

کارشناس بهداشت محیط، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سیده سارا خرازی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

۰۹۱۵۵۲۵۵۳۷۳

kharazis1@mums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی برخی فاکتورهای مساعدکننده چاقی و اضافه وزن در نوجوانان ۱۸-۵ سال شهرستان مشهد

براتعلی عرب نژاد

دکترای داروسازی، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

انسیه میرمحتشمی

کارشناس بهداشت محیط، مرکز بهداشت شماره سه شهرستان مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سیده سارا خرازی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت. گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۲۵۵۳۲۳

kharazis1@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: اضافه وزن در دوران نوجوانی زمینه ساز چاقی در بزرگسالی و عوارض مربوط به آن است. چاقی از مشکلات مهم بهداشتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است که در دهه‌های اخیر رو به افزایش می‌باشد و با فاکتورهای زیادی در ارتباط است. شناخت این عوامل می‌تواند راهنمایی در جهت مداخلات مرتبط با پیشگیری و کنترل چاقی در نوجوانان باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل تعیین کننده اضافه وزن و چاقی در نوجوانان ۱۸-۵ سال شهرستان مشهد انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی، ۶۴۶۳۱ نوجوان ۱۸-۵ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد در سال ۱۳۹۶ انتخاب شدند. روش نمونه گیری به صورت سرشماری بود. وزن، قد، نمایه توده بدنی و سایر اطلاعات مورد نیاز مطابق با فرمهای مراقبتی گروه سنی ثبت شده در سامانه سینا استخراج شدند. زد اسکور بیشتر از +۲ بعنوان چاق و زد اسکور بیشتر از +۱ و کمتر یا مساوی +۲ بعنوان اضافه وزن طبقه بندی شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۲۱ و آزمون‌های توصیفی و تحلیلی و آزمون کای دو و ... در سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه ۱۶/۶٪ از نوجوانان چاقی و اضافه وزن داشتند. فراوانی چاقی و اضافه وزن در دختران و پسران بترتیب، ۱۸/۴٪، ۱۹/۱٪ در شهر و ۱۰/۲٪، ۱۱/۳٪ در روستا بود. چاقی و اضافه وزن با تعداد وعده غذایی مصرفی در شبانه روز، مدت زمان استفاده از تلویزیون، کامپیوتر یا بازی‌های الکترونیکی بدون تحرک در شبانه روز، مصرف فست فود، تنقلات کم ارزش یا بی ارزش (هله هوله شور و شیرین و جرب مانند: چیپس، پفک، نوشابه، آب میوه صنعتی و ...)، میزان فعالیت بدنی شامل ورزش‌های هوازی نظیر پیاده روی تند، دوچرخه سواری، شنا و ... محل زندگی و جنس ($p < 0/01$) ارتباط معنادار داشت. **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه و شیوع چاقی و اضافه وزن در نوجوانان ۱۸-۵ سال شهرستان مشهد، اجرای برنامه‌های مداخله ای در جهت جلوگیری از رفتارهای پرخطر چاقی و اضافه وزن در نوجوانان ضروری بنظر می‌رسد.

کلید واژه: چاقی، اضافه وزن، نمایه توده بدنی، نوجوانان، شهرستان مشهد.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



توسعه و بررسی ویژگیهای روان سنجی نسخه ایرانی موزانه تصمیم گیری مصرف متامفتامین در جوانان

چکیده

مقدمه: سوء مصرف مواد یکی از مشکلات عمده ای است که اثرات نامطلوبی بر سلامت انسان دارد. متامفتامین از مواد محرکی است که علی رغم پیامدهای نامطلوب، مصرف آن در میان جوانان در حال افزایش است. مدل مراحل تغییر از مدل‌های موثر در تبیین رفتارهای مرتبط با سلامت شناخته شده است. بنابراین در این مطالعه مدل مراحل تغییر در زمینه بعد مصرف متامفتامین استفاده شد. هدف از این مطالعه بررسی روایی و پایایی ابزار موزانه تصمیم گیری برای مصرف متامفتامین در جوانان بود.

روش بررسی: یک رویکرد چند مرحله ای توسعه ابزار در این مطالعه به کار گرفته شد. ۴۱ دانشجوی در مرحله مطالعه کیفی وارد مطالعه شدند و نتایج منتج به توسعه ابزار ۴۰ آیتمه در این مرحله گردید. در بخش بعدی مطالعه روایی ظاهری و محتوایی انجام شد. و اعتبار ابزار در یک نمونه ۲۵۰ نفره از دانشجویان ارزیابی گردید. سپس روایی سازه (اکتشافی، تاییدی)، روایی همگرا و واگرا و همسانی درونی ابزار با استفاده آزمون- باز آزمون و آلفا کرونباخ اندازه گیری شد.

یافته ها: ۴۰ آیتم از مطالعه کیفی استخراج شد که پس از بررسی روایی محتوایی به ۲۵ آیتم کاهش یافت. آنالیز اکتشافی ۴ فاکتور را تایید کرد که در مجموع ۲۱ آیتم حاصل به طور کلی ۵۵/۲ از واریانس کلی را نشان دادند. آنالیز تاییدی اشاره کرد که مدل دارای برازش مطلوبی است. آلفا کرونباخ برای ابعاد مدل طیف بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۷ را نشان داد و همچنین ICC در طیف ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ قابل قبول بود.

نتیجه گیری: یافته‌های این مدل حاکی از آن است که ابزار موزانه تصمیم گیری برای مصرف متامفتامین‌ها یک ابزار معتبر و کارا است. که توانایی محققان را برای شناسایی فاکتورهای انگیزشی مرتبط با مصرف متامفتامین افزایش می‌دهد. در نتیجه این ابزار کارا مطالعات آینده نیز مفید واقع شود.

کلید واژه: موزانه تصمیم گیری، متامفتامین، توسعه ابزار، روان سنجی، جوانان

مریم خزائی پول

*گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران.

نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۹۵۴۱۵۲

khazaie.of.maryam@gmail.com

طاهره پاشایی

مرکز تحقیقات بهداشت محیط، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر مدیریت استرس شغلی پرستاران بخش‌های ویژه بیمارستانهای خصوصی شهر تهران در سال ۹۷-۱۳۹۶

ناهید خزر

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
نویسنده مسؤول: ۰۲۱۴۴۲۴۷۰۸۶
nahidkharar@yahoo.com

زهرا جلیلی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد تهران، تهران، ایران

لیلا نظری منش

دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، استادیار عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد واحد تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: طبق تعریف انستیتو ملی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای آمریکا استرس شغلی عبارت است از: پاسخ‌های حسی و جسمی مضر در زمانی که نیازهای شخصی با توانایی‌ها، منابع یا نیازهای کارمندان مطابقت ندارد. استرس از مشکلات اصلی پرستاران است که تأثیر زیادی بر عملکرد حرفه‌ای و زندگی شخصی آن‌ها گذاشته و موجب تعارض بین کار و زندگی می‌شود. هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر کاهش استرس شغلی پرستاران بود تا بتوان از آن در آموزش دانشجویان حرفه‌پزشکی به منظور کاهش استرس آنها استفاده نمود.

روش بررسی: تحقیق حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است که در پرستاران انجام شد. بطور تصادفی ساده ۴۵ پرستار بخش ویژه بیمارستان پارسیان به عنوان گروه مداخله و ۴۲ پرستار بیمارستان بهمن به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه (NSS یا Nursing stress scal) جهت تعیین استرس شغلی پرستاران و پرسشنامه سازه‌های الگوی مدل اعتقاد بهداشتی به منظور مداخله آموزشی بود. برنامه آموزشی در سه جلسه ۲ ساعته انجام شد. نمونه‌ها به مدت یک ماه تحت نظر قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل آماری قبل از آموزش و یک بعد از آموزش با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. از آزمونهای آمار توصیفی (کای دو) و آزمونهای تی استیودنت مستقل، تی استیودنت مزدوج، کالموگرووف-اسمیرنوف استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره استرس شغلی در گروه مداخله، بعد از آموزش از ۱۰۷/۳۱۱ به ۸۹/۵۷۸ کاهش یافت و در گروه مداخله متغیرهای حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، خودکارآمدی و راهنمای عمل و رفتار افزایش معنی‌دار و موانع درک شده کاهش داشت ($P < 0/05$). نتیجه‌گیری: استفاده از الگوی اعتقاد بهداشتی جهت آموزش مدیریت استرس به منظور کاهش استرس پرستاران مؤثر می‌باشد.

کلید واژه: استرس شغلی، پرستاران، مدل اعتقاد بهداشتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر افزایش انجام رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پروستات در مردان ۵۰ تا ۷۵ سال شهر همدان

چکیده

مقدمه: سرطان پروستات یکی از شایع‌ترین علل مرگ ناشی از سرطان‌ها در مردان به حساب می‌آید. این در حالی است که انجام رفتارهای غربالگری در صورت تشخیص به موقع سرطان بسیار موثر است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت در افزایش انجام رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پروستات در مردان ۵۰ تا ۷۵ سال شهر همدان انجام گرفت. **روش بررسی:** پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی بود که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر گروه آزمون، ۵۰ نفر گروه کنترل) از مردان مراجعه کننده به کانون‌های بازنشستگی شهر همدان که به روش تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام گردید. پرسشنامه شامل اطلاعات جمعیت شناختی و سازه‌های تئوری انگیزش محافظت بود، که از طریق خودگزارش دهی تکمیل گردید. پس از انجام پیش آزمون مداخله آموزشی طی ۴ جلسه طراحی و در گروه آزمون اجرا شد. سپس دو ماه بعد از مداخله آموزشی پرسشنامه‌ها در هر دو گروه تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss ۱۶ و آزمون‌های تی زوجی، تی مستقل، آزمون کای دو و مک نمار تحلیل شدند. **یافته‌ها:** بر اساس نتایج به دست آمده نمره اکثر سازه‌های تئوری انگیزش محافظت در گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل قبل از مداخله تفاوت معنی داری نداشت، اما بعد از مداخله آموزشی میانگین نمره پاداش درک شده، هزینه‌های پاسخ درک شده، ترس، خودکارآمدی درک شده، کارایی پاسخ درک شده و انگیزش محافظت تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده شد ($P < 0.001$). **نتیجه‌گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که می‌توان از تئوری انگیزش محافظت به عنوان پارچوبی در طراحی برنامه‌های آموزشی به منظور انجام رفتارهای غربالگری سرطان پروستات استفاده کرد.

کلیدواژه: سرطان پروستات، آنتی ژن اختصاصی پروستات، تئوری انگیزش محافظت

وحید خسروی

کارشناس ارشد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مجید براتی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

بابک معینی

* دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

Babak_moeini@umsha.ac.ir

یونس محمدی

دکتری تخصصی، مرکز تحقیقات مدلسازی بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش گروهی سلامت معنوی بر اضطراب مرگ بیماران مبتلابه سرطان با سطح درآمد پایین

ملیحه اسحاق زاده

* کارشناس ارشد روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران . ۰۹۲۱۶۷۶۲۱۷۸ .
m.eshaghzadeh93@gmail.com

سمانه اسحاق زاده

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

صدیقه عباسپور

کارشناس ارشد پرستاری داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

محمد امین خضری

دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

مریم تاتاری

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه سرطان به یکی از بیماری‌های شایع در سطح جهان مبدل گشته است. افراد مبتلابه این بیماری، به‌غیر از مشکلات جسمی، درخطر ابتلا به مشکلات روانی متعددی مانند اندوه، اضطراب، خشم و ترس از مرگ قرار دارند. روش‌های روان‌درمانی مانند آموزش سلامت معنوی می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش اندوه و پریشانی این بیماران داشته باشد. مطالعه حاضر باهدف تأثیر آموزش گروهی سلامت معنوی بر اضطراب مرگ بیماران مبتلابه سرطان با سطح درآمد پایین انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه تجربی با دو گروه مداخله و کنترل که در هر گروه ۳۰ بیمار سرطانی با سطح درآمد پایین، پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر را به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون (پس از انجام آموزش برای گروه مداخله) تکمیل نمودند. گروه مداخله، ۱۰ جلسه معنویت‌درمانی گروهی مطرح شده توسط ریچارد و برگین و توسط یک روانشناس بالینی و روان پرستار آموزش‌دیده دریافت کردند درحالی‌که به گروه کنترل هیچ آموزشی داده نشد. جهت تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون آنالیز کوواریانس استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که میانگین نمره اضطراب پس از مداخله در گروه کنترل $1/11 \pm 8/36$ و در گروه مداخله $1/83 \pm 3/7$ می‌باشد. نتایج آزمون نشان داد که میانگین نمره اضطراب مرگ دو گروه پس از انجام مداخله از نظر آماری تفاوت معناداری باهم داشتند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان‌دهنده این موضوع بود که آموزش گروهی سلامت معنوی می‌تواند به‌طور چشمگیری اضطراب مرگ بیماران سرطانی را کاهش دهد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا آموزش سلامت معنوی در برنامه‌های مراقبت فردی و خانوادگی این بیماران گنجانده شود تا به کاهش اضطراب مرگ کمک کند.

کلید واژه: معنویت‌درمانی، آموزش، اضطراب مرگ، سرطان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح دانش، نگرش و عملکرد مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان قائمشهر و برخی عوامل موثر بر آن در رابطه با بیماری سل به منظور تدوین برنامه عملیاتی در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: سل یک بیماری با بار جهانی بسیار زیاد است ولی با این وجود قابل پیشگیری و درمان است. دانش و نگرش نه تنها می‌تواند پیش بینی کننده مهمی برای رفتارهای مراقبت اولیه باشد، بلکه بطور غیر مستقیم نیز بر روی دوره بیماری و نتایج آن تاثیر گذار است. این مطالعه با هدف تعیین برخی عوامل تاثیر گذار بر دانش، نگرش و عملکرد مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی، توصیفی - تحلیلی بوده است که بر روی ۵۱۷ نفر از افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی شهرستان قائمشهر، به روش نمونه گیری طبقه بندی خوشه ای انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی و تست‌های آماری Kolmogorov-Smirnov, Mann whitney, Kruskalwallis- Test و ضریب همبستگی Spearman و مدل معادلات ساختاری در سطح معنی داری ۰/۰۵ استفاده شد.

یافته‌ها: نمره دانش و نگرش با جنسیت، سطح تحصیلات، شغل و درآمد ماهیانه، متوسط دفعات مراجعه به مراکز بهداشتی و شرکت مداوم در جلسات آموزشی مراکز بهداشتی درمانی رابطه مثبت معنی داشته است. عملکرد با بیماری زمینه ای در مراجعین معنی دار بوده است. در رتبه بندی میانگین نمرات دانش، نگرش و عملکرد، ۴۴/۶۸ از شرکت کنندگان دارای آگاهی خوب، ۷۹/۴۹ دارای نگرش مطلوب و ۷۲/۷۲ درصد دارای عملکرد خوب در زمینه بیماری سل بودند. جدول ضرایب رگرسیون استاندارد نشان داده است که متغیر دانش بر روی نگرش اثر دارد ولی بر روی عملکرد معنی دار نیست. تاثیر متغیر نگرش نیز بر روی متغیر عملکرد معنی دار نبود.

نتیجه گیری: دانش و نگرش جهت در پیش گرفتن رفتار بهداشتی مورد نظر لازم است ولی کافی نمی باشد لذا ممکن است موارد دیگری در این امر دخیل باشد که با وجود دانش و نگرش مطلوب، فرد رفتار بهداشتی را از خود بروز ندهد. چرا که با توجه به اینکه درصد کمی از افراد شرکت کننده از سطح دانش خوب پیرامون سل برخوردار بودند، ولی ظهور عملکرد بهداشتی متاثر از دانش نبوده است، بنابراین فاکتورهای دیگری می‌توانند در این میان دخالت داشته باشند. که با شناسایی آنها می‌توان در جهت ارتقاء عملکردهای بهداشتی مثبت گام برداشت.

کلید واژه: دانش، نگرش، عملکرد، سل، مراجعه کنندگان

فرشته خطی دیز آبادی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان. ۰۹۱۱۹۴۸۵۳۶، freshteh_khatty@yahoo.com

دکتر کورش هلاکویی نائینی

استاد، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

دکتر جمشید یزدانی

دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم و برخی عوامل مرتبط با آن در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۳۹۶)

فرشته خطی دیز آبادی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات
بهداشتی درمانی اصفهان. ۰۹۱۱۹۴۸۵۳۶
freshteh_khatty@yahoo.com

شادی فتحی زاده

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات
بهداشتی درمانی اصفهان

احمد علی اسلامی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش
بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم سبب میشود افراد از خودشان در برابر ابتلا به بیماری محافظت نمایند و بازده کاری بیشتری داشته باشند لذا این مطالعه با هدف تعیین وضعیت رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- تحلیلی بصورت مقطعی ۱۳۹۶ بر روی ۲۱۵ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شده است. در این مطالعه از پرسشنامه رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت (HPLP II) استفاده شد و داده‌های جمع آوری شده با استفاده از آزمونهای آماری، t-test, one way anova, Mann-whitney, Kruskal-wallis مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در این مطالعه $20/92 \pm 25/54$ بود. بیشترین و کمترین میانگین نمره کسب شده به ترتیب مربوط به حیطه رشد معنوی با میانگین $5/00 \pm 24/39$ و فعالیت فیزیکی با میانگین $5/14 \pm 16/06$ بوده است. نتایج نشان داد سطح تحصیلات با میانگین نمره کل ارتقاء سلامت در سطح معنی داری ($p > 0.05$) رابطه آماری معنی داری دارد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد فعالیت فیزیکی بعنوان یکی از حیطه‌های رفتار ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم در کارکنان نامطلوب بود. لذا این نتایج ضرورت تدوین مداخله ای مبتنی بر ارتقاء فعالیت فیزیکی در کارکنان را پیشنهاد میدهد.

کلید واژه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت- سبک زندگی سالم - کارکنان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم و برخی عوامل مرتبط با آن در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۳۹۶)

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم سبب میشود افراد از خودشان در برابر ابتلا به بیماری محافظت نمایند و بازده کاری بیشتری داشته باشند لذا این مطالعه با هدف تعیین وضعیت رفتارهای ارتقا دهنده سبک زندگی سالم در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بصورت مقطعی ۱۳۹۶ بر روی ۲۱۵ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شده است. در این مطالعه از پرسشنامه رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت (HPLP II) استفاده شد و داده‌های جمع آوری شده با استفاده از آزمونهای آماری: t-test, one way anova, Mann-whitney, Kruskal-wallis مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در این مطالعه $20/92 \pm 125/54$ بود. بیشترین و کمترین میانگین نمره کسب شده به ترتیب مربوط به حیطه رشد معنوی با میانگین $5/00 \pm 24/39$ و فعالیت فیزیکی با میانگین $5/14 \pm 16/06$ بوده است. نتایج نشان داد سطح تحصیلات با میانگین نمره کل ارتقاء سلامت در سطح معنی داری ($p < 0/05$) رابطه آماری معنی داری دارد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد فعالیت فیزیکی بعنوان یکی از حیطه‌های رفتار ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم در کارکنان نامطلوب بود. لذا این نتایج ضرورت تدوین مداخله ای مبتنی بر ارتقاء فعالیت فیزیکی در کارکنان را پیشنهاد میدهد.

کلید واژه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، سبک زندگی سالم، کارکنان

فرشته خطی دیز آبادی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان. ۰۹۱۱۹۴۸۵۳۶، freshteh_khatty@yahoo.com

شادی فتحی زاده

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان

احمد علی اسلامی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط شاخص توده بدنی مادر قبل از بارداری با شاخص‌های آنتروپومتریک و بروز ایکتر در نوزادان شهر گناباد در سال ۱۳۹۶

فاطمه خلیلی

* دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۳۹۶۶۹۱۷۷۸

f.khalili.925@gmail.com

فائزه چوپدار

دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سمیه صحرانورد

دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سمانه نجفی

مری، عضو هیئت علمی، گروه پرستاری داخلی جراحی و اطفال، دانشکده پرستاری، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

معصومه امیری دلوثی

مری، گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

چکیده

مقدمه: شاخص توده بدنی مادر و میزان افزایش وزن دوران بارداری نقش مهمی در نتیجه بارداری دارد. این مطالعه به منظور تعیین ارتباط شاخص توده بدنی مادر قبل از بارداری با شاخص‌های آنتروپومتریک و بروز ایکتر در نوزادان شهر گناباد در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این بررسی مقطعی بر روی ۳۲۷ نفر از نوزادان شهر گناباد در سال ۱۳۹۶ به روش سرشماری و با لحاظ معیارهای ورود صورت گرفت. شاخص‌های آنتروپومتریک و شاخص توده بدنی مادر قبل از بارداری براساس اطلاعات موجود در پرونده‌های مراکز بهداشتی شهری گردآوری شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و آمار توصیفی و رگرسیونی خطی تحلیل شد. P-value در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار لحاظ شد.

یافته‌ها: در این مطالعه میانگین شاخص توده بدنی مادران قبل از بارداری $24/98 \pm 4/35$ کیلوگرم بر مترمربع بود. وزن، قد و دورسر نوزاد نیز به ترتیب $3155/39 \pm 406/73$ گرم، $49/29 \pm 2/26$ سانتیمتر و $34/71 \pm 1/82$ سانتیمتر بود. نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان داد، به ازای افزایش هر واحد BMI مادر قبل از بارداری، قد نوزاد در هنگام تولد $0/19$ سانتیمتر افزایش، وزن نوزاد در هنگام تولد $0/27$ گرم افزایش و دورسر نوزاد در هنگام تولد $0/19$ سانتیمتر افزایش می‌یابد. علاوه بر این، بین قد نوزاد در زمان تولد و BMI مادر قبل از بارداری ارتباط آماری معناداری یافت نشد ($P=0/13$) اما بین وزن و دورسر نوزاد در زمان تولد با BMI مادر قبل از بارداری ارتباط آماری معنادار وجود داشت ($P<0/05$). همچنین بین سطح بیلیروبین نوزادان مبتلا به ایکتر و BMI مادر قبل از بارداری ارتباط آماری معناداری یافت نشد ($P=0/85$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر و ارتباط شاخص توده بدنی مادر قبل از بارداری با شاخص‌های آنتروپومتریک نوزادان، لازم است که ارزیابی شاخص توده بدنی مادران قبل از بارداری انجام شود و در مراقبت‌های پیش از بارداری آموزش و مشاوره تغذیه‌ای لازم به مادر ارائه گردد. لذا اصلاح رفتارهای بهداشتی و تنظیم وزن در وقوع زایمان سالم و بیخطر و جلوگیری از بروز عوارض و پیامدهای بعدی نقش مهمی ایفا می‌کند.

کلیدواژه: شاخص توده بدنی، بارداری، شاخص‌های آنتروپومتریک، ایکتر.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آیا کشاورزان در اندیشه تولید محصول سالم هستند؟ مطالعه ای مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده جهت بررسی نحوه عملکرد کشاورزان ساری در مورد مصرف بهینه آفت کش های شیمیایی

چکیده

مقدمه: امروزه در سراسر جهان، سلامت محصولات کشاورزی دستخوش استفاده بی رویه سموم و آفت کش های شیمیایی گشته است. عوامل مختلفی با مصرف آفت کش ها توسط کشاورزان مرتبط است. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی نحوه عملکرد کشاورزان ساری در مورد مصرف بهینه آفت کش های شیمیایی مبتنی بر یک تئوری رفتاری انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۲۰۱۷ در میان ۳۰۰ نفر از کشاورزان منطقه ساری که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده بودند، انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای بود که با مطالعه متون علمی طراحی شد و شامل سه بخش بود: بخش اول اطلاعات دموگرافیک و ویژگی های زراعی، بخش دوم مربوط به آگاهی و عملکرد در باره مصرف سموم و آفت کش های شیمیایی و بخش سوم پرسشنامه مربوط به سازه های تئوری TPB (نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری) بوده است. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از روش های آمار توصیفی، همبستگی، آزمون T مستقل، آنالیز واریانس و رگرسیون خطی چند گانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ملاحظات اخلاقی در تمامی فرآیند مطالعه در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۷ سال با انحراف معیار ۱۱/۲۹ بوده است. میانگین مدت سابقه کشاورزی افراد مورد مطالعه ۲۵ سال با انحراف معیار ۱۳/۷۸ بوده است. میانگین نمره آگاهی و عملکرد کمتر از پنجاه درصد نمره قابل اکتساب بود در حالی که میانگین نمره سازه های TPB بیش از پنجاه درصد نمره قابل اکتساب بوده است. نتایج رگرسیون حاکی از آن بود که هنجار انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده پیشگویی کننده های معنی دار قصد رفتاری کشاورزان برای کنترل مصرف بی رویه آفت کش های شیمیایی هستند ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: مشاهده اهمیت برخی سازه های تئوری (سازه کنترل رفتاری درک شده و هنجار انتزاعی) نسبت به دیگر سازه ها می تواند راهنمای برنامه ریزی سیاست گذاران جهت پروژه های کاهش مصرف سموم کشاورزی باشد و با توجه به اهمیت سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده در پیش بینی مصرف بهینه سموم و آفت کش ها می توان از این تئوری به عنوان یک چارچوب مفهومی برای برنامه های مداخله ای استفاده نمود.

کلید واژه: محصول سالم، مصرف بهینه آفت کش، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، کشاورزان

محمد حسین تقدیسی

استاد ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

بهنام امیری بشلی

دانشیار، گروه گیاهپزشکی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

طاهره دهداری

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

جمشید یزدانی چراتی

دانشیار، گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقاتی علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

امیرحسین طورانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حشره شناسی کشاورزی، گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

فاطمه خلیلی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۸۵۳۶۶۵۸

Email: fkhaliili542@gmail.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



دانش و عملکرد در مورد مصرف ایمن آفت کش‌های شیمیایی: مطالعه ای مقطعی در بین گروهی از کشاورزان ایرانی

فاطمه خلیلی

* دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۹۳۹۶۶۹۱۷۷۸

f.khalili.925@gmail.com

محمد حسین تقدیسی

استاد ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

طاهره دهداری

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: امروزه سلامت کشاورزان بدلیل استفاده نامناسب از آفت کش‌های شیمیایی در کشاورزی و عدم کاربرد اصول مناسب پیشگیرانه و استفاده نکردن از تجهیزات حفاظتی، به مخاطره افتاده است. مطالعه ی حاضر با هدف بررسی دانش و عملکرد گروهی از کشاورزان ایرانی در مورد مصرف ایمن آفت کش‌های شیمیایی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۲۰۱۷ در میان ۳۰۰ نفر از کشاورزان استان مازندران در ایران انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای شامل دو بخش بود: بخش اول مربوط به بررسی اطلاعات دموگرافیک و ویژگی‌های زراعی و بخش دوم مربوط به آگاهی و عملکرد افراد در باره مصرف ایمن آفت کش‌های شیمیایی بود. داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، همبستگی، آزمون T مستقل، آنالیز واریانس و رگرسیون خطی چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ملاحظات اخلاقی در تمامی فرآیند مطالعه در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که میزان آگاهی کشاورزان مورد مطالعه راجع به اقدامات ایمنی و حفاظتی مربوط به مصرف سموم و آفت کش‌ها $13.46 \pm 84.77\%$ و نمره عملکردشان $13.20 \pm 50.80\%$ (از صد نمره) بوده است. بین متغیر تحصیلات با متغیر آگاهی از مصرف ایمن آفت کش ارتباط معنی دار از نظر آماری وجود دارد. ($P < 0.01$). متغیر آگاهی تنها به میزان ۲۱ درصد واریانس عملکرد مصرف ایمن آفت کش‌های شیمیایی را در این مطالعه پیش بینی می کند.

نتیجه گیری: در برخی اقدامات ایمنی توصیه شده جهت مصرف سموم و آفت کش‌های شیمیایی بین سطح آگاهی تا عمل شکافی وجود دارد که علل این موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد و براساس علل تعیین شده مداخلات ارتقای سلامت موثر و کاربردی جهت کشاورزان در زمینه آموزش و سایر موارد اجرا گردد.

کلید واژه: آگاهی، عملکرد، مصرف ایمن، آفت کش، کشاورزان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



روایتی از اقدامات انجام شده در یک برنامه جلب مشارکت جهت تولید برنج سالم تحت عنوان پروژه کمسا ۱ در شمال کشور

شرح تجربه

بیان مسئله: امروزه سلامت محصولات کشاورزی دستخوش استفاده بی رویه آفت کش‌های شیمیایی گشته است. باقیمانده بیشتر از حد مجاز آفت کش‌ها در محصولات کشاورزی می‌تواند خطراتی جدی را برای سلامت انسان به همراه داشته باشد. یک تیم تحقیقاتی شامل متخصصین بهداشت و کشاورزی یک برنامه ی مداخله ای مشارکت محور با هدف کنترل مصرف بی رویه آفت کش‌ها طی سال زراعی ۹۶-۹۵ تحت عنوان پروژه کمسا برای کشاورزان برنج کار در منطقه فرح آباد ساری در استان مازندران طراحی و اجرا نمودند.

اهداف تجربه: هدف کلی: تعیین تاثیر یک برنامه جلب مشارکت جهت تولید برنج سالم با رویکرد کاهش مصرف آفت کش‌های شیمیایی در بین کشاورزان مازندران

اهداف اختصاصی: افزایش سطح آگاهی و نگرش مثبت کشاورزان نسبت به کنترل مصرف بی رویه آفت کش‌ها در محصول برنج - افزایش سطح شاخص‌های مشارکت کشاورزان در استقبال از برنامه‌های پروژه (مواردی از قبیل: جلسات آموزشی تشویق استفاده از روش‌های کنترل بیولوژیک به جای استفاده از سموم، بازاریابی ابزارهای کنترل بیولوژیک همچون تله فرمونی، زنبور تریکوگراما، استفاده از نسخ گیاهپزشکی) - افزایش درصد نمونه‌های برنج سالم (عاری از باقیمانده آفت کش) نسبت به سال زراعی گذشته (سال ۹۵) براساس آزمایشات تعیین باقیمانده سم در نمونه برنج افراد مورد مداخله

روش و مراحل کار: برخی اقدامات انجام شده جهت رسیدن به اهداف طرح و اجرای برنامه ی مداخله ای تحت عنوان پروژه کمسا: جلب حمایت همه جانبه با سازمانهای هم هدف همچون واحد حفظ نباتات جهاد کشاورزی استان، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بخشداری و دهیاری و شورای اسلامی منطقه و...

اجرای جلسات آموزشی گسترده جهت کشاورزان منطقه با هدف تشریح اثرات مضر مصرف بی رویه سموم کشاورزی بر روی سلامت، معرفی و تشویق کشاورزان به استفاده از ابزارهای کنترل بیولوژیک همچون تله فرمونی و زنبور تریکوگراما به کشاورزان جهت جایگزین کردن مصرف سم در زمینهای کشاورزی و معرفی سموم جدید مناسب با دوره کارنس کوتاه که در محصول باقیمانده سم ایجاد نمی کند. بازدید هفتگی از زمین‌های کشاورزی مورد مطالعه توسط گیاهپزشک طرح و تجویز نسخ گیاهپزشکی - جمع آوری نمونه‌های برنج از کشاورزان منطقه در طی سال زراعی ۹۵ و ۹۶ جهت تعیین باقیمانده سم در آزمایشگاه و بررسی سلامت محصولات از لحاظ شاخص میزان حد مجاز روزانه پذیرش سم ADI

نتایج: پیامدهای کوتاه مدت: افزایش معنی دار از نظر آماری در سطح آگاهی و نگرش مثبت کشاورزان نسبت به کنترل مصرف بی رویه آفت کش‌ها در محصول برنج نسبت به قبل آن

پیامدهای بلند مدت: افزایش درصد استفاده از روش‌های کنترل بیولوژیک به جای استفاده از سموم آفت کش توسط کشاورزان - افزایش درصد استفاده دستورالعمل استاندارد مصرف سموم آفت کش (طبق نسخه گیاهپزشک) در بین کشاورزان - افزایش درصد نمونه‌های برنج سالم (عاری از باقیمانده آفت کش) نسبت به سال زراعی گذشته (سال ۹۵) براساس آزمایشات تعیین باقیمانده سم

ذینفعان / مخاطبان: کشاورزان منطقه - کارکنان واحدهای مرتبط با هدف در سازمان جهاد کشاورزی - کارکنان واحدهای مرتبط با هدف در معاونت بهداشتی - سم فروشان منطقه - دهیاری و شورای روستا
چالش‌های طرح: تلاش مستمر جهت جا انداختن این موضوع چند بخشی در بین سازمانهای ذیربط. - اطمینان از دارا بودن کیفیت در ابزارهای کنترل بیولوژیک مورد استفاده توسط کشاورزان طرح - مبارزه سخت با باورهای غلط و کهنه ی کشاورزان در مورد مضرتر بودن مصرف سموم در محصولات کشاورزی

کلید واژه: آفت کش، مداخله مشارکت محور، کشاورزان، برنج سالم

محمد حسین تقدیسی

استاد ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

بهنام امیری بشلی

دانشیار، گروه گیاهپزشکی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

فاطمه خلیلی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ت نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۸۵۳۶۶۵۸

Email: fkhaliili542@gmail.com

امیرحسین طورانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حشره شناسی کشاورزی، گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

سید عباس میریان

دانش آموخته کارشناس ارشد رشته زراعت و اصلاح نباتات، گروه زراعت، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران.

جمشید یزدانی چراتی

دانشیار، گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقاتی علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

طاهره دهداری

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه ی سطح سواد سلامت با عوامل دموگرافیک زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر ساری در سال ۹۷

المیرا حقیان

* نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت
خدمات بهداشتی و درمانی علوم پزشکی مازندران
Elmira_Haghiyan@yahoo.com

مسعود خنده رو

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و
درمانی علوم پزشکی مازندران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت شامل مجموعه ای از مهارت های خواندن، شنیدن، تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری و توانایی به کارگیری این مهارت ها در موقعیت های سلامتی است که لزوماً به سالهای تحصیل یا توانایی خواندن عمومی بر نمی گردد. با توجه به آنکه وضعیت سلامت یک زن، و درک وی از اطلاعات سلامت و در واقع سواد سلامت او، قبل، حین و بعد از بارداری و در طول سالهای رشد و تکامل، به طور مستقیم بر کودک تأثیرگذار است، پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ی سطح سواد سلامت با عوامل دموگرافیک زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر ساری در سال ۹۶ انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی ۲۵۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر ساری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، دو پرسشنامه اطلاعات پایه ای شامل سن، شغل، میزان تحصیلات و سوالات غیرمستقیم جهت سنجش وضعیت اقتصادی افراد و همچنین پرسشنامه سواد سلامت عملکردی بزرگسالان برای اندازه گیری توانایی افراد در خواندن و درک مفاهیم مرتبط با سلامت بود. داده های حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۳ و آزمون های آماری تی مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی زنان باردار $31/51 \pm 7/32$ بود. $50/1\%$ سواد سلامت کافی، $28/5\%$ سواد سلامت مرزی، $21/4\%$ سواد سلامت ناکافی داشتند. سن ($p < 0.01$)، شغل ($p < 0.01$) و وضعیت اقتصادی ($p < 0.01$) متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر سواد سلامت در نمونه مورد بررسی بودند. همچنین یافته ها نشان داد سطح سواد سلامت زنان بارداری که مطالب مرتبط با سلامت و بیماری خود را از طریق پزشک و کارکنان بهداشتی کسب کردند نسبت به افرادی که اطلاعات مربوطه را از طریق اینترنت و بروشورهای تبلیغی کسب می کنند، در وضعیت بهتری قرار دارد.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که $49/9\%$ زنان باردار تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهر ساری دارای سواد سلامت مرزی و ناکافی می باشند. از آنجا که سواد سلامت ناکافی می تواند مانع از درک صحیح پیامها و توصیه های بهداشتی شود، ضروری است که کارکنان بهداشتی زمان بیشتری صرف برقراری ارتباط جهت انتقال اطلاعات مرتبط با سلامت به صورت شفاهی و با زبانی قابل فهم برای زنان باردار کنند.

کلید واژه: سواد سلامت، دموگرافیک، زنان باردار، ساری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش سواد سلامتی مبتنی بر نظریه خود کارآمدی بر افزایش عزت نفس دانش آموزان دختر دبیرستانی

چکیده

مقدمه: عزت نفس یک نیاز اساسی است که در فرآیندهای زندگی نقش مهم و بهسزایی بر عهده دارد. زیرا به رشد و سلامت و طبیعی بودن فرد کمک می‌کند. از این رو بدون عزت نفس مثبت، رشد روانشناختی فرد متوقف می‌شود.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع نیمه تجربی است. جامعه مورد مطالعه دختران دبیرستانی شهر مشهد بودند که ۶۰ نفر بصورت تصادفی انتخاب شدند. یک کلاس ۳۰ نفری بعنوان کنترل و یک کلاس ۳۰ نفری از یک دبیرستان دیگر با فاصله قابل قبول بعنوان گروه آزمون انتخاب گردید. در این مطالعه از دو پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و خود کارآمدی شرر استفاده شد. پرسشنامه کوپر اسمیت شامل ۵۸ سوال می‌باشد. که ۵ موضوع اصلی شامل روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، پنداشت از خود، درک از آینده و تکالیف فردی را می‌سنجد. پرسشنامه خود کارآمدی عمومی (GSE) شرر و همکاران (۱۹۸۲) در مقیاس لیکرت و با ۱۷ سؤال تدوین شده است. پرسشنامه‌ها قبل و بلافاصله بعد از آموزش و دو ماه بعد از پایان آموزش تکمیل گردید.

یافته‌ها: تعداد نمونه هادر هر گروه ۳۰ دانش آموز دختر، کلاس دوم دبیرستان، دارای سن ۱۶ سال ± 4 ماه، دارای خانواده متوسط با درآمد ۱/۵-۱ میلیون و دارای 1 ± 2 فرزند و ساکن در یک منطقه جغرافیایی می‌باشند. در این پژوهش میانگین وانحراف معیار نمره عزت نفس قبل از آموزش در گروه کنترل: قبل از مداخله $3,6 \pm 26,5$ و بعد از مداخله $2,8 \pm 26,5$ بوده است که اختلاف معنی داری ندارد. اما میانگین وانحراف معیار در گروه آزمون قبل از مداخله $3,6 \pm 26,5$ و میانگین وانحراف معیار بلافاصله بعد از چهار جلسه آموزش $4,04 \pm 27,2$ و میانگین وانحراف معیار دو ماه پس از آموزش $5,7 \pm 29,8$ بوده است که میزان افزایش نمره عزت نفس نسبت به قبل از آموزش و بلافاصله پس از آموزش از نظر آماری ارتباط معنی داری ندارد. اما میزان افزایش نمره عزت نفس دو ماه پس از آموزش از نظر آماری معنی دار است. که این تاثیر مثبت آموزش در افزایش اعتماد به نفس را نشان می‌دهد. میانگین نمره خود کارآمدی قبل از آموزش در گروه کنترل قبل از مداخله $12,5 \pm 58,9$ و بعد از مداخله $13,6 \pm 58,7$ بوده است که از نظر آماری اختلاف معنی داری ندارد. اما میانگین وانحراف معیار در گروه آزمون قبل از مداخله $13,2 \pm 58,9$ و دو ماه بعد از مداخله $18,2 \pm 61,7$ بود. از نظر آماری این افزایش معنی دار است. در گروه آزمون بین خود کارآمدی و اعتماد به نفس ارتباط معنی دار مثبت وجود دارد. ($P < 0,05$). بر اساس آزمون پیرسون ارتباط خود کارآمدی و اعتماد به نفس $0,302$ می‌باشد که نشان دهنده ارتباط مثبت بوده و افزایش یکی باعث افزایش دیگری می‌شود.

نتیجه‌گیری: پس می‌توان نتیجه گرفت که افزایش خود کارآمدی با افزایش اعتماد به نفس همراه است.

کلید واژه: عزت نفس، خود کارآمدی، آموزش

دکترنوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
peymann@mums.ac.ir

منصوره خنده رو

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، نویسنده مسئول:
Mansoorah.khandehroo@gmail.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در دوران یائسگی

دکترنوشین پیمان

دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
peymann@mums.ac.ir

منصوره خنده رو

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. (نویسنده مسئول)
Mansooreh.khandehroo@gmail.com

دکتر اسماعیلی

استاد، دکترای تخصصی امار، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: یائسگی مرحله ای طبیعی از زندگی زنان است. با توجه به افزایش وسیع تغییرات دمو گرافیکی یائسگی یکی از بزرگترین فرایندهایی است که بر سلامتی زنان میان سال در کشورهای پیشرفته تاثیر میگذارد عوامل متعددی از قبیل عوامل روانی- اجتماعی با کیفیت زندگی در دوران یائسگی مرتبط هستند. هدف از این مطالعه بررسی برخی از عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در یائسگی در زنان شهر مشهد می باشد.

روش بررسی: در این مطالعه، ۱۶۰ زن بالای ۴۰ سال بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف از بین مراجعه کنندگان به مراکز بهداشتی درمانی مشهد انتخاب شدند. پرسشنامه بررسی کیفیت زندگی دوران یائسگی ابزار اندازه گیری پژوهش بود. نتایج این بررسی با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در پرسشنامه کیفیت زندگی یائسگی که توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید ۹۳/۱ درصد اختلالات وازوموتور شامل گر گرفتگی، تعریق و تعریق شبانه را ذکر کرده اند و ۸۹/۴ درصد علائم روحی روانی شامل احساس اضطراب، احساس افسردگی یا دل تنگی، بی حوصلگی در مقابل دیگران، تمایل به تنها بودن، راداشته اند. ۹۳/۸ درصد نیز علائم جسمانی مثل درد عضلات و مفاصل، احساس کوفتگی و خستگی، مشکلات خواب، درد پشت و گردن، خشکی پوست و... را ذکر کرده اند. ۷۵ درصد از شرکت کنندگان نیز مشکلات جنسی شامل خشکی واژن هنگام نزدیکی، کاهش تمایلات جنسی، تکرر ادرار و... را داشته اند. در دسته بندی کیفیت زندگی یائسگی بر اساس نمره کسب شده ۲۶/۹ درصد دارای کیفیت زندگی مناسب بوده اند و ۲۶/۹ درصد دارای کیفیت زندگی متوسط بوده اند و ۴۶/۳ درصد دارای کیفیت زندگی نامناسب بوده اند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه پیشنهاد می شود که فراهم کنندگان خدمات سلامتی، بایستی علاوه بر فراهم کردن آگاهیهای لازم در مورد یائسگی، نسبت به خلق گروههای حمایتی برای ایجاد نگرش مثبت و ارتقای رفتارهای سالم تر در زنان یائسه همکاری نمایند.

کلید واژه: کیفیت زندگی، یائسگی، علائم یائسگی، اختلالات یائسگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ادراک نوجوانان از عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده سوء مصرف مواد: تحلیل محتوای هدایت شده با رویکرد مدل اکولوژیک

چکیده

مقدمه: سوء مصرف مواد مخدر تهدیدی جدی، برای سلامت در جوامع می باشد که در گروه های سنی پایین تر در حال افزایش است. مطالعات نشان داده که اکثر نوجوانان مصرف مواد را در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی شروع کرده اند. هدف مطالعه حاضر تبیین ادراک نوجوانان از عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده سوء مصرف مواد با استفاده از رویکرد اکولوژیک می باشد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی به روش تحلیل محتوی بوده شرکت کنندگان ۳۸ نفر از دانش آموزان دختر (۲۲ نفر) و پسر (۱۶ نفر) مدارس شهر اصفهان، که مشغول به تحصیل در پایه سوم دوره متوسطه اول بوده که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه جمع آوری و تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: یافته ها مربوط به چهار طبقه اصلی در سطوح فردی، بین فردی، سازمانی و اجتماعی و سیاستهای عمومی (سیاست گزارها) با استفاده از رویکرد اکولوژیک به تفکیک عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده بوده، نوجوانان شرکت کننده در بررسی اعتقاد دارند که عوامل مخاطره آمیز برای اعتیاد نوجوانان در سطح فردی، عدم آگاهی راجع به مضرات مواد مخدر، نداشتن مهارتهای زندگی بوده و در سطح بین فردی به نقش خانواده در این زمینه، اهمیت ندادن خانواده به شعائر مذهبی و در سطح سازمانی و اجتماعی به دسترسی به اینترنت و ماهواره بدون نظارت والدین و در سطح سیاستهای عمومی به ورود مواد مخدر به کشور اشاره شد. عوامل محافظت کننده در سطح فردی، آگاهی نوجوان در رابطه با مضرات مواد مخدر و داشتن مهارتهای زندگی اهمیت دارد و در سطح بین فردی به نقش تاثیرگذار خانواده و تقویت شعائر مذهبی اشاره شد. در سطح سازمانی و اجتماعی اختصاص یک درس از دروس به این مقوله و در سطح سیاستهای عمومی به بررسی علل و عوامل اعتیاد و ایجاد فعالیتهای تفریحی جایگزین اشاره شد. **نتیجه گیری:** در این بررسی عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده سوء مصرف مواد در نوجوانان در سطوح مختلف فردی، بین فردی، سازمانی و اجتماعی و سیاستهای عمومی متمایز شده که در طراحی و اجرای برنامه های مداخله ای پیشگیرانه، لازم است مدنظر قرار گیرند.

کلید واژه: نوجوانان، سوء مصرف مواد، مدل اکولوژیک، مطالعه کیفی

زویا خواجه دهی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد

طاهره رحیمی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد. نویسنده مسئول:

پریچهر اعظمی

فوق لیسانس آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان.

پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی الگوی مصرف رسانه ای شهروندان اصفهانی در سال ۱۳۹۵

زویاخواجه دهی

آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران.

پریچهر اعظمی

* آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم
پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۳۳۰۲۰۹۹۴

azami.koorosh74@gmail.com

اعظم شهربانی

آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم
پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

بتول کیانی

مامایی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی
اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

مقدمه: استفاده از رسانه ها، عامل مهمی در انتقال پیامهای بهداشتی و شکل دهی رفتار سلامت می باشد و در ارتقاء سلامت جامعه اهمیت بسزایی دارد. پژوهش حاضر با هدف تعیین نوع رسانه های مورد استفاده شهروندان اصفهانی در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که با مشارکت ۱۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان انجام شد. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود. در این مطالعه متغیرهای دموگرافیک و الگوی مصرف رسانه ای مشارکت کنندگان در چهار قسمت رسانه های چاپی، روشهای مستقیم، محیطی و الکترونیک مورد بررسی قرار گرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته است و پرسشنامه ها به روش مصاحبه درب منازل تکمیل گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی مشارکت کنندگان $39/96 \pm 14/05$ بود. ۵۶/۵ درصد ایشان زن و ۴۳/۵ درصد آنها مرد بودند. میزان تحصیلات بیشتر مشارکت کنندگان کمتر از دیپلم (۳۶/۶ درصد) و ۴۳/۲ درصد آنها خانه دار و ۷۶ درصد متاهل بودند. نتایج بیانگر این است که رسانه های الکترونیک بیشترین استفاده را در بین مشارکت کنندگان دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج رسانه های الکترونیک پر مصرف ترین نوع رسانه بوده که بیانگر قابلیت بیشتر این رسانه ها در جهت دهی به مسائل سلامت می باشد و لازم است که در تدوین سیاست های ایجاد و تقویت شیوه صحیح زندگی و ارتقاء سواد سلامت جامعه از این رسانه ها استفاده بیشتری گردد.

کلید واژه: رسانه، رسانه های الکترونیک، جمعیت بالای ۱۵ سال، اصفهان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر جامعه بر شناسایی، کنترل و درمان بیماری فشارخون

چکیده

مقدمه: پرفشاری خون از مهمترین علل اصلی ناتوانی مزمن دیاست که سبب مزمن و پیشرونده دارد. این بیماری مهمترین مسئله سلامت عمومی در کشورهای جهان و سومین علت مرگ انسانها در سراسر دیاست آمارها نشان داده است که تعداد زیادی از مبتلایان به پرفشاری خون در ایران از بیماری خود اطلاع نداشته و موارد شناخته شده و تحت درمان نیز کنترل کافی و مناسبی بر بیماری خود ندارند. امروزه استفاده از مداخلات مبتنی بر جامعه به عنوان روشی موثر برای مشکلات مربوط به سلامت مطرح می‌گردد. این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر جامعه بر شناسایی، کنترل و درمان بیماران مبتلا به فشارخون در جامعه محلی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مداخلات مبتنی بر جامعه بود. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش ۴۳۷ نفر جمعیت بالای ۳۰ سال در منطقه راه حق اصفهان بودند در ابتدا با تشکیل جلسه با نمایندگان شورا، بسیج، رابطین و سفیران سلامت برنامه مداخله ای مشارکتی که شامل فراخوان افراد برای شرکت در برنامه غربالگری، اجرای غربالگری، برگزاری جلسات آموزشی، پیاده روی صبحگاهی و مسابقه آشنایی تدوین شد و به مدت شش ماه اجرا شد.

یافته ها: از ۴۳۷ نفر بالای ۳۰ سال این جمعیت ۳۱۵ نفر (۷۲ درصد) شناسایی و برنامه غربالگری برای ایشان انجام شد از این تعداد ۱۳۸ نفر (۴۳ درصد) بیمار مبتلا به فشارخون شناسایی شد و پس از شش ماه اجرای مداخله، فشارخون ۱۲۶ نفر (۹۱ درصد) از افراد شرکت کننده در مداخله، تحت کنترل بود، وزن ۹۱ نفر (۶۵ درصد) از آنها به حد مطلوب رسید.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه، کارایی مداخله مبتنی بر جامعه را در شناسایی، کنترل و درمان بیماران مبتلا به فشارخون، را نشان می‌دهد لذا طراحی و اجرای مداخلات مبتنی بر جامعه منجر به بهبود وضعیت شناسایی، کنترل و درمان بیماران مبتلا به فشارخون می‌گردد.

کلید واژه: بسیج جامعه، فشارخون، جمعیت بالای ۳۰ سال

اعظم شهبافی

آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

زویاخواجه دهی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۶۵۱۸۱۶

khajedehizoya@yahoo.com

پرچهر اعظمی

آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

بتول کیانی

مامایی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش بازی محور بر آگاهی دانش آموزان در خصوص خودمراقبتی بهداشت دهان و دندان

زهره سادات هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

محبوبه خورسندی

* نویسنده مسئول: دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

dr.khorsandi@arakmu.ac.ir

محسن شمس

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

رحمت الله مرادزاده

استادیار، گروه اپیدمیولوژی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

چکیده

مقدمه: علیرغم پیشرفت عمده در بهداشت دهان و دندان در بسیاری از کشورها، مشکلات بهداشت دهان و دندان به عنوان یک مشکل جهانی همچنان پابرجاست و در جمعیت‌هایی با وضعیت اقتصادی اجتماعی ضعیف دامنه وسیع‌تری دارد. پوسیدگی دندان در اغلب کشورها به عنوان یک بیماری شایع در ۶۰-۹۰ درصد بچه‌های سنین مدرسه و تعداد زیادی از بزرگسالان می‌باشد. روش‌های معمول آموزش بهداشت به شکل سنتی ممکن است موجب تنش در کودکان شود، به این منظور فراهم کردن محیطی شاد و کودکانه در امر آموزش، دستیابی به هدف را تسهیل می‌سازد. به منظور پیشگیری از بیماری‌های دهان و دندان استفاده از روش‌های آموزشی مناسب در سنین کودکی، یکی از مهمترین عوامل موثر در سلامت عمومی جامعه است. لذا این مطالعه بررسی تاثیر آموزش بازی محور بر آگاهی و نگرش دانش آموزان در خصوص خودمراقبتی بهداشت دهان و دندان طراحی گردید.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله‌ای، تعداد ۹۶ دانش‌آموز به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب و ۴۸ نفر در گروه آزمون و ۴۸ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. روش آموزشی گروه آزمون مبتنی بر روش بازی محور بود و گروه کنترل، آموزش‌های معمول مدرسه را دریافت کردند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، آگاهی در خصوص رفتار خود مراقبتی قبل از مداخله و ۵ ماه بعد از مداخله جمع‌آوری و با نرم افزار SPSS ۲۰ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی در گروه کنترل 9.6 ± 1.9 و در گروه آزمون 9.4 ± 1.8 سال بود که اختلاف معناداری بین دو گروه وجود نداشت ($p < 0.05$). قبل از مداخله اختلاف معنی داری بین دو گروه از نظر آگاهی در خصوص رفتار خودمراقبتی وجود نداشت ولی بعد از مداخله آموزشی دو گروه اختلاف معنی داری داشتند ($p < 0.05$).

کلید واژه: آموزش بازی محور، بهداشت دهان و دندان، آگاهی، رفتار خودمراقبتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش توسط پرستاران بر میزان ارتقاء سلامت و رضایتمندی بیماران بستری در بیمارستان شهید کامیاب سال ۹۶

چکیده

مقدمه: مفهوم ارتقاء سلامت که رویکرد نوین مطرح شده از سوی سازمان جهانی بهداشت برای تحقق هدف متعالی برخورداری همه افراد از سلامت است. عنصری است حیاتی که قلمرو جد ید بهداشت عمومی را تعیین می کند و عبارتست از فرایند قادرسازی افراد برای افزایش کنترل خود بر سلامتی و بالا بردن سطح آن. (۱)

یکی از مهم ترین استراتژی های اجرایی بیمارستان های ارتقاء دهنده سلامت، افزایش ارائه و کیفیت برنامه های آموزشی، ارتباطی و آگاهی دهنده و آموزش مهارت ها برای بیماران و بستگان آنها محسوب می شود. (۲) همچنین آموزش به بیمار جزو نیازهای اساسی بیماران و داشتن اطلاعات کامل از سیر بیماری و درمان، جزو مهم ترین حقوق آنها می باشد. امروزه آموزش به مددجو از مهم ترین نقش ها و مسئولیت های مراقبتی پرستاران است که در جهت ارتقاء و باز گرداندن سلامتی و سازگاری با اثرات بیماری عمل می کند. (۳) بیمارانی که درک واضحی از وضعیت بیماری خود ندارند یا آموزش بعد ترخیص آنها مؤثر نباشد، ممکن است مکرراً بستری شوند. (۴) آموزش به بیمار اثرات مفید بسیاری دارد که در پژوهش های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج متعددی از جمله ارتقاء سلامتی، افزایش رضایت مددجو، بهبود کیفیت زندگی، اطمینان از تداوم مراقبت، کاهش اضطراب بیمار، کاهش بروز عوارض بیماری، خروج زودتر از تخت، اقامت کوتاه تر در بیمارستان، افزایش استقلال مددجو در انجام فعالیت های روزمره و گذراندن دوره نقاهت در منزل، ضرورت آموزش به بیمار را نمایان می سازد. (۶۵) همچنین برنامه های آموزش به بیمار، به طور چشمگیری هزینه های مراقبتی و درمانی را کاهش میدهد؛ به طوری که به ازای هر یک دلاری که صرف آموزش به بیمار میشود، ۳ تا ۴ دلار در هزینه ها صرفه جویی میشود. (۷)

پرستاران به عنوان یکی از اجزای کلیدی در سیستم های بهداشتی درمانی، نقش ارزنده ای در آموزش به بیماران دارند؛ زیرا دسترسی بیشتری به بیمار و خانواده وی داشته و زمان زیادی را صرف مراقبت میکنند. در نتیجه فرصت های مکرری برای آموزش، فراهم شده و میتوانند کیفیت آموزش ها را ارزشیابی نمایند. (۸)

از آنجا که آموزش به بیمار از اهمیت خاصی برخوردار بوده و مزایای زیاد آن بر همگان روشن می باشد، پژوهشگران بر آن شدند تا تاثیر آموزش بر رضایتمندی بیماران و حفظ سلامت و بهبودی بیماران را مورد ارزیابی قرار دهند.

روش بررسی: مطالعه توصیفی حاضر به روش مقطعی بر روی پرسنل پرستاری شاغل در بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب که در مراقبت مستقیم با بیماران شرکت داشته اند، انجام گرفته است. در این مطالعه به پرسنل پرستاری در مورد محرمانه بودن اطلاعات اطمینان کامل داده شد. نمونه گیری به روش آسان انجام شده و اطلاعات از طریق پرسشنامه ها جمع آوری گردید. پس از توزیع پرسشنامه ها به پرسنل بخش، به آنها فرصت لازم و کافی جهت پر کردن پرسشنامه ها داده شد. پرسشنامه دارای ۳ بخش اثر بخشی ارتقاء سلامت، آموزش به پرستار و رضایت مندی بیمار از پرستار می باشد. عبارت نگرش سنج در مورد اهمیت آموزش به بیمار در مقیاس سه گزینه ای لیکرت کاملاً راضی، نسبتاً راضی و ناراضی بوده که برای عبارات های با بار مثبت به ترتیب نمرات ۳ تا ۱ اسپس اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. P کمتر از ۰۰۵ به عنوان معنی دار تلقی گردید.

یافته ها: در مجموع ۲۴۷ پرسنل پرستار مورد مطالعه قرار گرفته اند. میانگین سنی آنها ۳۴.۸۸ با محدوده ۲۲-۵۳ سال از لحاظ توزیع جنس ۱۸۸ نفر زن (۷۶.۱۱٪) و ۵۹ نفر مرد (۲۳.۸۹٪) بودند. همه افراد دارای سطح تحصیلات کارشناسی و همچنین از نظر سابقه کاری ۷۹ نفر (۳۱.۹۸٪) زیر ۵ سال بودند. با توجه به آمار بدست آمده در سال ۱۳۹۶ نتایج آموزش به بیمار توسط پرستار (۷۷۷.۸۴٪)، رضایتمندی بیمار از پرستار (۷۷۵٪) و همچنین اثر بخشی ارتقاء سلامت (۷۷۶٪) می باشد.

نتیجه گیری: طرح حاضر با هدف تاثیر آموزش پرستاران بر میزان ارتقاء سلامت و رضایتمندی بیماران صورت گرفته است. نتایج مطالعه نشان می دهد کلاس های آموزشی برگزار شده که جهت یاد گیری پرستاران به دو صورت Pre Test و Post Test انجام گرفته، ارزیابی Pre Test برابر ۵۵.۲۷٪ و Post Test برابر ۹۲.۸۷٪ بوده است همچنین نتایج حاصل از آموزش به بیمار به بیمار در در بخش های مراقبت ویژه ۷۹٪ و در بخش های بیمارستان ۷۶.۸٪ می باشد. در کل آموزش به بیمار در بیمارستان امدادی در سال ۹۶، ۷۷۷.۹ بوده است. نتایج حاصل به این خاطر باشد که بیماران بخش مراقبت های ویژه نسبت به بخش های عمومی حساس ترند و بهبودی بیماران بخش مراقبت های ویژه بعد از ترخیص از بیمارستان مستلزم مراقبت همراهی بیمار می باشد. و همچنین میزان رضایتمندی بیماران و همراهیان آنها در بخش های ویژه ۷۴.۵٪ و در بخش های بیمارستان ۷۴.۵٪ می باشد. این بدان معنی است که مفاهیم آموزش به بیمار از نظر همراهیان و خود بیمار قابل درک بوده و نسبت به یادگیری مطالب امکان نیاز داشتند. آموزش به بیمار ضمن افزایش رضایتمندی بیماران و همراهیان موجب ارتقاء سلامت بیماران گردیده به طوری که طبق نتیجه بدست آمده ارتقاء سلامت در بخش های ویژه ۷۷.۵٪ و در بخش های بیمارستان ۷۴.۲٪ بوده است.

کلید واژه: آموزش پرستاران، ارتقاء سلامت، رضایت مندی بیماران

مرضیه آذر فزا

* کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران.

۰۵۱۳۸۰۲۶۲۴۷

AzarfazaM2@mums.ac.ir

سمیه صداقت

کارشناس ارشد فیزیولوژی، گروه زیست، دانشگاه علوم پایه، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

فاطمه صداقتی

کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

علیرضا قرایی محمودی

متخصص ارتوپدی، گروه ارتوپدی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

مسعود خانی

پزشک عمومی، گروه پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین ارتقا سلامت و فعالیت فیزیکی پرستاران شاغل در بخش‌های مراقبت ویژه

الهام خوش رفتار رودی

* کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران. نویسنده مسئول.
khoshraftare2@mums.ac.ir

عزت دولتخواه

کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

لیلا تاییده

کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

صدیقه رضائی

کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

سمیه سمیعی

کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان امدادی سوانح شهید کامیاب، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: ارتقا شیوه زندگی سالم، امتدادی از یک حرکت مداوم در راستای توانمندسازی فردی و اجتماعی در زمینه تامین، حفظ و ارتقای سلامت می‌باشد. انجام رفتارهای ارتقا دهنده سلامت یکی از بهترین راه‌هایی است که مردم با کمک آن می‌توانند سلامتی خود را کنترل نمایند. مطالعه حاضر با هدف بررسی بین ارتقا سلامت و فعالیت فیزیکی پرستاران شاغل در بخش مراقبت‌های ویژه در سال ۱۳۹۶ انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۱۰۰ پرستار شاغل در بخش مراقبت ویژه بیمارستان شهید کامیاب به روش نمونه گیری در دسترس انجام شده است. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ۲ قسمتی پژوهشگر ساخته که قسمت اول شامل اطلاعات دموگرافیک و قسمت دوم مربوط به بعد فیزیکی ارتقا سلامت استفاده شده است. سپس اطلاعات جمع آوری و تجزیه و تحلیل شده است. **یافته ها:** میانگین سنی شرکت کنندگان در پژوهش 36.15 ± 4.61 که بیشترین تعداد آن‌ها را زن‌ها تشکیل میدادند. یافته‌ها نشان داد که ارتقا سلامت مربوط به بعد فیزیکی کمتر از حد نرمال بود. بین سن و فعالیت فیزیکی واحدهای شرکت کننده رابطه معنی دار وجود داشت. ($P < 0.005$)

نتیجه گیری: کم بودن فعالیت فیزیکی در زنان و مردان پرستار را می‌توان ناشی از عدم رواج فرهنگ ورزش در جامعه ایرانی از یک طرف، از سوی دیگر چند شغل بودن پرستاران و کمبود وقت دانست. از آنجا که فعالیت فیزیکی با سلامت افراد رابطه مستقیم دارد لذا توجه به آن از سوی مدیران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. چرا که میتواند بر روی مولد بودن کارکنان تاثیر گذار باشد. وجود برنامه‌های متمرکز بر ارتقا سلامت بایستی مد نظر قرار گیرد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل پیش بینی کننده قصد دریافت کارت اهدای عضو در کارمندان ادارات دولتی

چکیده

مقدمه: پیوند اعضا هنوز هم مؤثرترین درمان برای بیماران مبتلا به نارسایی‌های مزمن در جهان محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، کمبود اعضا جها پیوند به عنوان یک مشکل جهانی قلمداد می‌شود. در کشور ایران، حدود ۱۵۰۰۰ هزار مورد مرگ مغزی در سال رخ می‌دهد. طبق آخرین گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حدود ۲۵۰۰۰ نفر در لیست انتظار پیوند قرار دارند که روزانه بین ۷ تا ۱۰ نفر به آن اضافه می‌شود. با توجه به میزان پایین اهدای عضو در ایران، هدف مطالعه حاضر تعیین عوامل پیش بینی کننده قصد دریافت کارت اهدای عضو در نظر گرفته شد.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی بود که با مشارکت کارمندان ادارات دولتی شهر همدان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ۶۰۰ کارمند از ۵۷ اداره دولتی که تمایل به شرکت در مطالعه داشتند، وارد مطالعه شدند. جمع آوری اطلاعات توسط یک پرسشنامه ۵۴ آیتمی صورت گرفت. این پرسشنامه بر اساس مدل توسعه یافته اهدای عضو مورگان تدوین گردید. به منظور افزایش تطابق فرهنگی و قدرتی پیش بینی کنندگی مدل، بر اساس متون مرتبط، متغیرهایی نظیر هنجارهای توصیفی، پشیمانی پیش بینی شده، کنترل رفتاری درک شده، باورهای مذهبی و قصد به مدل اضافه گردید. پایایی پرسشنامه توسط α کرونباخ و روایی توسط روایی صوری و روایی محتوی مورد تأیید قرار گرفت. جهت شناسایی عوامل مرتبط با قصد دریافت کارت اهدای عضو از رگرسیون خطی استفاده شد. تحلیل اطلاعات در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ صورت گرفت.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان (۷/۰۹) ۳۹/۵۹ بود. اکثر آنها مرد بودند (۳/۳/۶۵/۵، n=۳۸۷). ۱۷٪ شرکت کنندگان اظهار کردند در خانواده درجه یک آنها اهدای عضو و در ۳/۳٪ پیوند اعضا صورت گرفته است. تنها ۲۰٪ از شرکت کنندگان دارای کارت اهدای عضو بودند و ۱۸/۴٪ کارمندان قصد دریافت کارت اهدای عضو داشتند. نتایج رگرسیون خطی نشان داد از بین متغیرهای مورد بررسی، پشیمانی پیش بینی شده ($\beta=0/236, p > 0/001$)، کنترل رفتاری درک شده ($\beta > 0/001, p > 0/001$)، و هنجارهای انتزاعی ($\beta=0/142, p > 0/001$) پیش بینی کننده‌های قصد دریافت کارت اهدای عضو بودند. این مدل توانست ۱۹/۱٪ واریانس قصد دریافت کارت اهدای عضو را تبیین کند. **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد حدود یک چهارم از کارمندان، کارت اهدای عضو داشتند که با توجه به آمار بالای مرگ مغزی و نیاز به اهدای عضو در ایران، این میزان ناکافی به نظر می‌رسد. بنابراین نیاز است که در طراحی و اجرای مداخلات به متغیرهای تأثیرگذار جهت افزایش دریافت کارت اهدای عضو توجه شود. مطالعات بیشتری جهت تعیین سایر متغیرهای مرتبط با کارت اهدای عضو پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: قصد، کارت اهدای عضو، کارمندان، ایران

سحر خوش روش

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

جلال پورالجال

مدل سازی مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرعادی و گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، جمهوری اسلامی ایران.
گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، جمهوری اسلامی ایران.

سعید بشیریزن

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مجید براتی

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

اکرم کریمی شاهنجیری

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
عوامل تعیین کننده اجتماعی مرکز تحقیقات بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، جمهوری اسلامی ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی و مقایسه میزان فعالیت فیزیکی در بین دانشجویان پسر و دختر شاغل به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۶

حسن عظیمی

متخصص پزشکی اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران،
ایران

محمد میدی

پزشکی عمومی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

ندانور شاهی

کارشناس ارشد تغذیه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

مهناز خوش منظر شاهرودی

نویسنده مسئول: آدرس، تهران شهرک غرب خیابان

تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان

۰۹۱۲۵۱۸۰۱۰۳

Email:mahnaz9996kh@yahoo.com

چکیده

مقدمه: فعالیت بدنی یکی از عوامل موثر در سلامت است که می‌تواند در مقابل بیماریها خصوصا بیماریهای غیر واگیرنش پیشگیری کننده داشته باشد و موجب افزایش کیفیت زندگی، کارآیی و کارآمدی شود به همین سبب مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت فعالیت بدنی در بین دانشجویان فرهنگیان سراسر کشور ایران انجام پذیرفت.

روش بررسی: در این پژوهش مقطعی (cross sectional) اطلاعات ثبت شده ۲۹۱۱۵ دانشجوی (۱۴۸۸۹ دختر و ۱۴۲۱۶ پسر) در سامانه کارنامه سلامت دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفت. تمام اطلاعات از طریق خوداظهاری جمع آوری و میزان فعالیت بدنی از ۰ تا ۷ روز هفته تقسیم بندی شد. معیار سنجش فعالیت بدنی تعریف سازمان بهداشت جهانی از میزان فعالیت در هفته در نظر گرفته شد. جهت انجام آنالیزهای آماری از نرم افزار IBM SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

یافته ها: مطابق با توصیه سازمان بهداشت جهانی از تعداد کل دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تنها ۴۹۴۷ نفر هفت روز در هفته (هر بار حداقل ۳۰ دقیقه) فعالیت فیزیکی داشتند (۱۵٪ کل دانشجویان). دانشجویان پسر به طور معناداری فعال تر از دختران بودند (۱۸٪ در مقابل ۱۱٪ در تمام روزهای هفته $p=0.001$) تفاوت معناداری در این نسبت در بین گروه دختران و پسران مشاهده شد (۱۱٪ در مقابل ۱۸٪، $p=0.001$). ۱۱٪ دختران و ۷٪ پسران هیچ گونه فعالیت بدنی در طول هفته نداشتند ($p=0.001$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های این مطالعه، وضعیت میزان فعالیت فیزیکی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نامطلوب برآورد می‌شود. این وضعیت در جمعیت دختران بدتر بود.

کلید واژه: دانشجویان، دانشگاه، فعالیت بدنی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سازگاری و کیفیت زندگی در نارسایی مزمن قلبی

چکیده

مقدمه: امروزه جهان با رشد ابتلا به بیماری‌های مزمن مواجه است. نارسایی قلبی روند ناتوان کننده مزمنی است که می‌تواند بر کیفیت زندگی بیماران تاثیر گذار باشد. نارسایی قلبی، مسیر نهایی مشترک همه اختلالات قلبی محسوب می‌شود. سازگاری با بیماری‌های مزمن، عامل مهمی برای جلب مشارکت بیماران در انجام و پیگیری درمان، دستیابی به سطح قابل قبولی از سلامت و کارکرد جسمی، روانی و اجتماعی محسوب می‌گردد و نهایت می‌تواند کیفیت زندگی آنان را بهبود بخشد. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط سازگاری با کیفیت زندگی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع همبستگی و بر روی ۲۰۰ بیمار مبتلا به نارسایی مزمن قلبی مراجعه کننده به مرکز فوق تخصصی قلب اکباتان شهر همدان با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه سازگاری فردی بل و پرسشنامه کیفیت زندگی مک نیو بود. داده‌ها به روش مصاحبه حضوری جمع آوری و سپس در نرم افزار spss نسخه ۱۹ با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سن نمونه‌های پژوهش، $63/68 \pm 12/07$ سال بود. میانگین نمرات سازگاری $6/81 \pm 76/16$ و نشانه‌دهنده سازگاری متوسط بود. میانگین نمره کیفیت زندگی $20/45 \pm 126/85$ بود و $57/6$ درصد نمونه‌های پژوهش در سطح خوب کیفیت زندگی قرار داشتند. بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، تنها ارتباط معنا داری بین حیطه جنسی کیفیت زندگی و سازگاری در بیماران نارسایی قلبی وجود داشت $(p = 0/01$ و $r = -0/65$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد کاهش کیفیت ارتباط جنسی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی منجر به کاهش سازگاری بیماران گردیده است. ارائه مشاوره و آموزش در جهت ارتقای کیفیت ارتباط جنسی بیماران می‌تواند منجر به افزایش سازگاری بیماران نارسایی قلبی گردد.

کلید واژه: سازگاری، کیفیت زندگی، نارسایی مزمن قلبی

نرگس خیراللهی

* عضو مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۳۱-۳۷۹۲۷۵۰۰

n.kheirollahi@nm.mui.ac.ir

ناهید محمدی

عضو مرکز تحقیقات بیماری‌های مزمن در منزل، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

قدرت اله روشنائی

عضو مرکز تحقیقات مدل سازی بیماری‌های غیر واگیر، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تئوری Sociotechnical systems برای پیش گویی کیفیت زندگی کاری پرستاران و ارتباط آن با رفتارهای جستجوی سلامت و عوامل زمینه ای

ائل ناز اصغری

دانشجوی دکتر، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

محمدحسین تقدیسی

استاد (آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران)

سوسن یگانه

کارشناس پرستاری (مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

مرضیه خیری

* دانشجوی دکترای پرستاری (مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران). نویسنده مسئول: ۰۴۱۳۳۳۷۰۰۳۳

Email: mkh_48@yahoo.com

نادر مهدوی

دانشجوی دکترای اپیدمیولوژی (گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران)

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی کاری یکی از مهم ترین عوامل در جذب و حفظ پرستاران است. چرا که پرستاران محیط و شرایط کاری پر چالشی دارند. بر اساس تئوری Sociotechnical systems لازم است تا آنها برای حفظ کیفیت زندگی کاری خود رفتارهای مناسب و متناسبی داشته باشند. یکی از این رفتارهای مهم، رفتارهای جستجوی سلامت بوده است. فهم اینکه چه عواملی روی کیفیت زندگی کاری پرستاران تاثیر گذار است منجر به بکارگیری راهکارهایی توسط مسئولین برای ارتقاء و بهبود رضایت شغلی و کیفیت سلامتی آنها خواهد شد. این مطالعه با هدف پیش گویی کیفیت زندگی کاری پرستاران و ارتباط آن با رفتارهای جستجوی سلامت و عوامل زمینه ای انجام شد.

روش بررسی: این یک مطالعه توصیفی است. محیط پژوهش مرکز آموزشی درمانی و تحقیقاتی قلب وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز بود. جمعیت پژوهش متشکل از ۲۴۰ پرستار شاغل در این مرکز بود. نمونه گیری بصورت تصادفی خوشه ای انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های رفتارهای جستجوی سلامت و کیفیت زندگی کاری استفاده شد. داده ها با آزمون تحلیلی و رگرسیون آنالیز گردید.

یافته ها: در این پژوهش اکثر نمونه ها خانم بودند (۸۰٫۳٪) و میانگین سنی آنها ۳۰-۴۵ سال بود. یافته ها نشان داد که بین رفتارهای جستجوی سلامت و کیفیت زندگی کاری ارتباط مثبت و معنی دار بود (p<۰/۰۰۱ - r=۰/۲۱). اشتغال در سایر بیمارستانها و یا شغلی دیگر با کاهش کیفیت زندگی کاری پرستاران همراه بود و اثرات منفی داشت. موارد فوق ۳۰٫۵۱٪ از تغییرات واریانس کیفیت زندگی کاری پرستاران را آشکار نمود.

نتیجه گیری: این مطالعه اطلاعات مهمی برای مدیران پرستاری در مورد کیفیت زندگی کاری پرستاران ارائه می دهد. بر اساس یافته ها بهبود شرایط مالی جهت ارتقای کیفیت زندگی توصیه می شود. رفتار مناسب جستجوی سلامت جهت حفظ و ارتقای کیفیت زندگی کاری لازم است. از این رو آموزش اصول صحیح این رفتار برای پرستاران توصیه می شود.

کلید واژه: رفتارهای جستجوی سلامت، کیفیت زندگی کاری، پرستار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



خودارزیابی اجرای فعالیت‌های بیمارستان‌های ارتقادهنده سلامت در بزرگترین مرکز قلب شمالغرب تبریز

چکیده

مقدمه: بیمارستان‌های ارتقاء دهنده سلامت یکی از مراکز مهم برای ارتقاء سطح سلامت در جامعه می‌باشد. که با ارتقاء سلامت در هر سه سطح پیشگیری، باعث کاهش مرگ و میر و ناتوانی و هزینه‌های بهداشت و درمان در جامعه می‌شوند. برای ایجاد چنین بیمارستان‌هایی در جامعه اول باید خودارزیابی از بیمارستانها به عمل آید تا نقاط قوت و ضعف برای اجرای این برنامه‌ها شناسایی شود. این مطالعه با هدف خود ارزیابی اجرای استانداردهای بیمارستان‌های ارتقاء دهنده سلامت در مرکز قلب مدنی تبریز انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع مقطعی بود که در مرکز آموزشی درمانی شهید مدنی تبریز وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز، با استفاده از نمونه گیری هدفمند و بر روی ۲۷۰ نفر از کادر درمانی و اداری شاغل در بیمارستان انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دو بخشی شامل مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استانداردهای بیمارستان ارتقاء سلامت مشتمل بر پنج بخش با ۴۰ سوال با امتیازبندی ۰ تا ۲ (بلی، موردی ندارد، خیر)، جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ و آزمونهای آماری کای دو، من-ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن انجام گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۶۷/۴٪ شرکت کنندگان، کادر درمانی و ۳۲/۶٪ آنها کادر اداری بودند. همچنین میانگین سابقه کاری شرکت کنندگان $6/71 \pm 15/17$ بود. در بررسی ارتباط بین مشخصات دموگرافیکی با استانداردهای HPH، ارتباط معنی داری بین سمت کارکنان و $HPH > 0.001$ ، $X^2 = 18/23$ و همچنین بین سابقه کار و $HPH > 0.003$ ، $185/0 = \chi^2$ مشاهده شد. در بررسی استانداردهای HPH، کمترین امتیاز ($0/53 \pm 1/44$) مربوط به استاندارد یک (سیاست مدیریت) و بیشترین امتیاز ($0/47 \pm 1/72$) مربوط به استاندارد سه (اطلاع رسانی و مداخلات بیمار) بود. انحراف معیار و میانگین کلی استانداردها $0/40 \pm 1/60$ بود که نشان دهنده وضعیت متوسط بیمارستان از نظر فعالیت‌های HPH بود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیمارستان شهید مدنی تبریز در سطح متوسطی از استانداردهای ارتقاء سلامت قرار دارد و کمترین امتیاز آن مربوط به بخش سیاست مدیریت در بیمارستان می‌باشد، بنابراین برای تبدیل کردن آن به یک بیمارستان ارتقاء دهنده سلامت در سطح عالی باید مدیران و سیاستگذاران بیمارستان در برنامه ریزیهای خود به تمامی حیطه‌های این استانداردها بویژه به سیاست مدیریتی خود توجه داشته و برنامه‌هایی برای تبدیل بیمارستانها از فرم سنتی خود که فقط پیشگیری ثانویه (درمان و مراقبت‌ها) را شامل می‌شد، به بیمارستان‌های ارتقاء دهنده سلامت که هر سه سطح پیشگیری را در بر می‌گیرد، تبدیل کنند و آموزش‌های همگانی در هر پنج حیطه استانداردهای ارتقاء سلامت را برای اجرای این سیاست‌ها به تمامی کارکنان، بیماران و سایر افراد مراجعه کننده داده و آنها را تشویق به اجرای این استانداردها نمایند.

کلید واژه: بیمارستان‌های ارتقادهنده سلامت، ارتقاء سلامت، استاندارد، خودارزیابی

محمدحسین تقدیسی

استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

وحید صوری

دانشجوی کارشناس ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

سریه پورتنی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

طاهره دهداری

استادیار گروه آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مرضیه خیری

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۴۳۱۳۵۰۹۳
mkh_48@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



خودارزیابی رفتارهای ارتقادهنده سلامت در بین کارکنان و پرستاران یک بیمارستان ارتقادهنده سلامت در تبریز

محمدحسین تقدیسی

استاد (آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران)

سریه پورتنقی

استادیار (دکترای پرستاری، گروه بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران)

مرضیه خیری

* دانشجوی دکتری پرستاری (مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران). نویسنده مسئول: ۰۴۱۳۳۳۷۰۰۳۳

Email: mkh_48@yahoo.com

شهین ایمانی

کارشناس مامایی، مرکز آموزشی درمانی و تحقیقاتی قلب مدنی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

طاهره دهداری

استادیار (دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران)

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقادهنده سلامت یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت بوده و بیمارستانهای ارتقادهنده سلامت وجود این رفتارها را مستلزم بهبود کیفیت خدمات و ارتقای سلامت جامعه می‌داند و کارکنان چنین مراکزی نقش مهمی در آموزش و انتقال این رفتارها و سبک زندگی سالم به گروه‌های مختلف جامعه بر عهده دارند. مطالعه حاضر به منظور تعیین این رفتارها در کارکنان شاغل در مرکز قلب شهید مدنی، در آغاز فعالیت‌های پیاده سازی استانداردهای بیمارستانهای ارتقادهنده سلامت انجام گرفت.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بود و ۳۱۹ نفر از کارکنان اداری و درمانی بیمارستان، به روش طبقه بندی نسبی انتخاب و در این پژوهش شرکت کردند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد (HPLP-II) (Health Promotion lifestyle II Profile) استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss ۱۸، و با استفاده از روش آماری غیر پارامتریک، آزمون کای اسکویر و ضریب همبستگی گاما و کندال و در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته ها:** یافته‌ها نشان داد ۹۶ نفر (۳۰/۱٪) از شرکت کنندگان در این پژوهش مذکر ۲۲۳ نفر (۶۹/۰٪) مونث و با میانگین سنی 38.0 ± 6.0 بودند. میانگین سابقه کارشان 14.0 ± 5.0 سال بود. میانگین کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت 19.0 ± 128.0 بود و بالاترین نمره کسب شده در حیطه روابط بین فردی 3.0 ± 24.0 و کمترین آن در حیطه فعالیت فیزیکی 4.0 ± 15.0 بود. این پژوهش نشان داد وضعیت جنسیت با رفتارهای ارتقادهنده سلامت کارکنان ارتباط معنی آماری داشت. بطوریکه نمره رفتارهای ارتقادهنده سلامت کارکنان مذکر بیش از کارکنان مونث بود و این اختلاف معنی دار بود ($P < 0.001$). آزمون چند متغیره رگرسیون خطی متغیر وضعیت جنسیت کارکنان را به عنوان مهمترین عامل موثر بر رفتارهای ارتقا دهنده سلامت نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت انجام رفتارهای ارتقادهنده سلامتی در بین کارکنان یک مرکز و پایین بودن این رفتارها در بین جنس مونث، طراحی برنامه‌های آموزشی سلامت در جهت افزایش ارتقای سلامت و سبک زندگی سالم آنها پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: رفتارهای ارتقادهنده سلامت، پرستاران، بیمارستان، خودارزیابی، HPLP-II

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل تعیین کننده رفتار بازیافت زباله‌های الکترونیکی در جمعیت عمومی شهر گرگان: کاربرد مدل مهارت‌های رفتاری-انگیزش-اطلاعات (IMB)

چکیده

مقدمه: با وجود آنکه کاهش حجم زباله‌های جامد یکی از موضوعات نگران کننده در حوزه محیط زیست و بهداشت عمومی است اما سطح مشارکت عموم مردم در راستای بازیافت زباله‌های خانگی بسیار پایین است. در مقایسه با سایر رفتارهای بهداشتی، جداسازی زباله‌های الکترونیکی همچون سایر انواع زباله‌ها مانند شیشه، فلزات، کاغذ، پلاستیک و سایر آتیم‌های قابل بازیافت از زباله‌های خانگی تحت تاثیر عوامل مستعد کننده بسیاری است. هدف مطالعه کنونی کاربرد مدل مهارت‌های رفتاری-انگیزش-اطلاعات (IMB) به منظور تعیین عوامل تاثیرگذار بر بازیافت زباله‌های الکترونیکی در جمعیت عمومی شهر گرگان بود.

روش بررسی: این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع مقطعی بوده است. نمونه‌ای متشکل از ۶۵۰ نفر از ساکنین مناطق مختلف شهر گرگان با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای در مطالعه شرکت کردند. پرسشنامه متشکل از خرده مقیاس‌های اطلاعات (۷ آتیم)، انگیزش (۷ آتیم) و مهارت‌های رفتاری (۱۰ آتیم) پس از مصاحبه شناختی اولیه و تایید روایی صورتی و محتوایی و همچنین آنالیز عاملی اکتشافی توسط نمونه‌ها در مدت زمان تقریبی ۳۰ دقیقه تکمیل شد. رگرسیون خطی برای تعیین تاثیر مستقیم اطلاعات و انگیزش بر رفتار بازیافت بکار گرفته شد. آنالیز اثر واسطه‌ای مهارت‌های رفتاری - بین تاثیر اطلاعات و انگیزش بر بازیافت - نیز با کاربرد رویکرد خودراه اندازی (Bootstrapping) استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سطح اطلاعات توسط نمونه‌ها متوسط (۳/۲۳±۰/۷۴) و سطح انگیزش (۲/۴۶±۰/۳۵) و سطح مهارت‌های رفتاری نیز پایین گزارش شد (۲/۳۹±۰/۵۳). در یافته‌های مدل رگرسیونی، تنها مهارت‌های رفتاری با رفتار بازیافت ارتباط معناداری داشت ($P < 0/01$) و $\beta = -0/35$ و مهارت‌های رفتاری به طور معناداری واسطه تاثیرات اطلاعات و انگیزش بر رفتار بازیافت بود. همچنین، اختلاف معناداری رفتار بازیافت بر حسب متغیرهای سن، جنس، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و آموزش‌های قبلی مشاهده شد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌ها از روابط مفروض مدل IMB بین مهارت‌های رفتاری، انگیزش و اطلاعات با رفتار بازیافت در نمونه مورد بررسی حمایت می‌کند. یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که مسئولان محیط زیست و بهداشتی باید در راستای بهبود رفتار بازیافت زباله بر اهدافی همچون افزایش سطح دانش، ایجاد انگیزه و مهارت آموزی تاکید داشته باشند.

کلید واژه: زباله، رفتار، انگیزش، بازیافت، محیط زیست، ارتقاء سلامت، مشارکت.

وحید خیرآبادی

* دانشجوی دکتری تخصصی اکولوژی آبیان، رییس اداره محیط زیست دریایی، اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان، گلستان، ایران. نویسنده مسئول: ۹۸۹۱۱۸۶۷۳۸۳۰

khierabadi@yahoo.com

عیسی محمدی زیدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

علی قائمی

کارشناس ارشد محیط زیست، کارشناس اداره محیط زیست دریایی، اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان، گلستان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت در جامعه ایرانی: یک مطالعه مروری سیستماتیک و متا آنالیز

سکینه دادی پور

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان،
بندرعباس، ایران

تیمور آقا ملانی

استاد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء
سلامت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس،
ایران

علی صفری مراد آبادی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
مرکز تحقیقات مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول:

alisafari_31@yahoo.com

چکیده

مقدمه: این مطالعه مروری سیستماتیک و متا آنالیز سطح سواد جامعه ایرانی را مورد ارزیابی قرار داده است **روش بررسی:** جستجوی نظامند در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed, Science Direct, CINAHL, Scopus و با کلمات کلیدی و Functional Health Literacy In Adults, Questionnaire NVS, HELIA Questionnaire, Functional Health Literacy به دو زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفت. در نهایت با بررسی متون کامل مقالات ۲۸ مقاله انتخاب شد.

روش بررسی: ابتدا جستجوی اولیه توسط دو نویسنده بصورت جداگانه انجام شد. در مرحله بعد مقالات تکراری حذف گردید. سپس با هدف حذف موارد غیر مرتبط جستجوهای محدودتری انجام شد پس از مرور خلاصه و عنوان تک تک مطالعات و معیارهای واجدالشرایط بودن، مقالات احتمالی مشخص گردید. متن کامل مقالات توسط دو نفر نویسنده مورد بررسی و تا رسیدن به اجماع مورد بحث قرار گرفت **یافته ها:** نتایج نشان داد سطح سواد سلامت در میان بزرگسالان (۶۲,۴۷-۶۹,۵۳، بیماران (۶۲-۶۹,۸۴-۵۳,۴۰) زنان (۵۱,۶۸-۶۶,۰۷) و سالمندان (۱۷,۷۱-۴۰,۹۸) می‌باشد.

نتیجه گیری: بررسی و آنالیز مطالعات نشان دهنده ناکافی و مرزی بودن سواد سلامت در اقشار جامعه بود. بنابراین نیاز به برنامه ریزی جهت ارتقای سطح سواد سلامت جامعه از طریق "افزایش دسترسی" مردم به منابع آموزشی، "قابل درک کردن" پیام‌های تولید شده توسط رسانه‌ها، و همچنین "تصمیم گیری" مناسب برای سلامت از طریق اندازه گیری مناسب سواد سلامت جامعه باید در دستور کار قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، پرسشنامه سواد سلامت، جامعه ایرانی، مروری سیستماتیک

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه سبک زندگی مرتبط با فشار خون در زنان ایرانی: یک مطالعه مورد- شاهدی

چکیده

مقدمه: بیماریهای ناشی از سبک زندگی از علل عمده ناتوانی به شمار می‌رود. هدف از مطالعه حاضر مقایسه سبک زندگی زنان مبتلا به پرفشاری خون با زنان سالم می‌باشد. **روش بررسی:** در این مطالعه مقایسه ای، ۴۲۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر بندر عباس در دو گروه مبتلا به پرفشاری خون (۲۱۰ نفر) و گروه سالم (۲۱۰ نفر) به روش نمونه گیری ترکیبی (خوشه ای و تصادفی منظم) وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد سبک زندگی (LSQ) بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS version ۱۹ و آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار استاندارد) و آزمون‌های تحلیلی (کای اسکوئر، تی مستقل، پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. $p < 0/05$ از نظر آماری معنادار تلقی گردید.

یافته ها: میانگین سنی در گروه با پرفشاری خون $45,65 \pm 9,61$ و در گروه سالم $44,68 \pm 8,70$ بود. در افراد با پرفشاری خون بیشترین همبستگی سبک زندگی مربوط به ابعاد سلامت روانی ($R=0/709$) و ($P < 0/001$) و سلامت معنوی ($R=0/660$ و $P < 0/001$) و در افراد سالم نیز سلامت جسمی ($R=0/748$) و ($P < 0/001$) و سلامت روانی ($R=0/709$ و $P < 0/001$) بود.

نتیجه گیری: براساس نتایج حاصل از مطالعه اطلاع رسانی عمومی جهت شناخت عوامل خطر و در نتیجه اصلاح شیوه زندگی، برنامه ریزی قوی برای با سواد کردن افراد در این منطقه، آموزش نحوه رویارویی با فشارهای روانی می‌تواند بار ناشی از بیماریها از جمله فشار خون بالا را کاهش دهد.

کلید واژه: Hypertension, Lifestyle factors. Iran

علی صفری مراد آبادی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،
تهران، ایران

تیمور آقا ملانی

استاد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء
سلامت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس،
ایران

سکینه دادی پور

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
مرکز تحقیقات مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی
هرمزگان، بندرعباس، ایران
نویسنده مسئول:

Email.mdadipoor@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در زمینه عرضه و مصرف مواد غذایی در ساحل شهرستان رامسر

علی مرادی

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

فاطمه دارابی

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران. نویسنده مسول: ۰۹۱۸۱۳۳۵۲۳۶
email: fatemedarabi43@yahoo.com

خالد رحمانی

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، کردستان، ایران

مهرداد احترامی

روان پزشک، مسئول گروه آگاه سازی و ناشنوایی معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی

چکیده

مقدمه: هر ساله صدها هزار مورد خرید مواد غذایی از فروشندگان ثابت و دوره‌گرد در ساحل شهرستان رامسر صورت می‌پذیرد. متأسفانه بعلت کاستی‌های موجود، عوارض بهداشتی این مواد غذایی بصورت افزایش ابتلا به بیماریهای مختلف به ویژه مسمومیت‌های غذایی در مراجعین و خریداران به این مراکز مشاهده می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در مورد عرضه و مصرف مواد غذایی در ساحل شهرستان رامسر بود.

روش بررسی: این بررسی به روش مقطعی با نمونه‌ای به حجم ۳۵۰ نفر از بازدیدکنندگان از ساحل شهرستان رامسر که از مراکز فروش مواد غذایی خرید می‌کردند انجام شد. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی آسان (Convenient sampling) انجام شد. به منظور حذف اثر متغیرهای مخدوش کننده از مدل رگرسیون لجستیک به روش Forward Stepwise استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد به ترتیب ۵۸/۸۵،۷/۳ و ۵۱/۱ درصد از شرکت کنندگان در مطالعه دارای آگاهی، نگرش و عملکرد مناسبی در مورد عرضه و مصرف مواد غذایی بودند. آزمون کای دو نشان داد که ارتباط درآمد ماهیانه، شغل و سن با آگاهی از نظر آماری معنی‌دار است. بعد از حذف اثر متغیرهای مخدوش کننده آگاهی با هیچ یک از متغیرهای زمینه‌ای ارتباط معنی‌دار آماری نشان نداد. ارتباط بین تحصیلات مردم و نگرش آنها در این زمینه از نظر آماری معنی‌دار بود همچنین رابطه شغل و تحصیلات با عملکرد افراد معنی‌دار بود.

نتیجه‌گیری: این بررسی نشان داد که سطح آگاهی مردم در مورد این موضوع مناسب است ولی نگرش و عملکرد آنها در سطح پایین‌تری است. لازم است با انجام اقدامات مناسب نگرش و عملکرد مردم در زمینه مصرف بهداشتی مواد غذایی عرضه شده در مکان‌های تفریحی ارتقاء داده شود.

کلید واژه: مواد غذایی، آگاهی، نگرش، عملکرد



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



برنامه آموزشی مهارت‌های شهروندی برای دانش آموزان دختر دبیرستانی در ایران: یک کارآزمایی کنترل شده تصادفی مبتنی بر مدرسه

چکیده

مقدمه: این مطالعه با هدف تاثیر برنامه آموزش شهروندی مبتنی بر نظریه عمل منطقی در دبیرستان‌های دخترانه شهر اسدآباد انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی سه مدرسه به صورت تصادفی از بین دبیرستان‌های دخترانه شهر اسدآباد انتخاب شدند. به طور تصادفی یکی از آن مدارس به عنوان مدرسه گروه مداخله (۹۱ دانش آموز) و دو مدرسه دیگر به عنوان گروه کنترل (۱۳۷ دانش آموز) قرار گرفتند. ابزار پژوهش یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته، مشتمل بر ۶۲ سؤال می‌باشد. روایی و پایایی این پرسشنامه به ترتیب با استفاده از نظرات گروهی از متخصصان و شیوه‌بازآزمایی (۹۱٪)، مورد تایید قرار گرفت. برنامه آموزشی به شیوه سخنرانی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ و بارش افکار طی ۱۰-۸ ساعت آموزش به صورت مستقیم و حضوری و فعالیت‌های یادگیری هدایت شده با استفاده از منابع آموزشی اجرا گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های مطالعه، در گروه مداخله در مرحله پیش آزمون سطح دانش ($۸/۰۳ \pm ۱/۹۳$)، نگرش ($۷۵/۴۸ \pm ۷/۶۶$)، هنجارهای انتزاعی ($۲۲/۵۰ \pm ۴/۴۵$) و قصد رفتاری ($۱۷/۷۸ \pm ۳/۲۱$) نسبتاً پایین و کمتر از سطح ایده آل بودند. پس آزمون اول، افزایش سطح دانش ($۱۱/۱۴ \pm ۱/۷۸$) و نگرش ($۸۱/۸۷ \pm ۵/۴۷$) را نشان داد. هنجارهای انتزاعی ($۲۵/۷۸ \pm ۳/۷۷$) و قصد رفتاری ($۲۰/۸۷ \pm ۳/۰۴$) نیز در مقایسه با پیش آزمون به طور بارزی بالاتر بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه، مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه عمل منطقی در ارتقای رفتار شهروندی موثر بوده، و یافته‌های مطالعه بر لزوم لحاظ کردن آموزش شهروندی در برنامه‌های درسی مدارس تأکید می‌کند.

کلید واژه: نوجوانان، آموزش شهروندی، مدارس، نظریه عمل منطقی

فاطمه دارابی

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران. نویسنده مسول: تلفن: ۰۹۱۸۱۳۳۵۲۳۶
Email: fatemedarabi43@yahoo.com

محمد حسین کاوه

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

مصطفی هوشمند شجاع

کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشتی شهرستان اسدآباد، اسدآباد، ایران.

مهری مهربانی

پزشک عمومی، معاونت بهداشتی شهرستان اسدآباد، اسدآباد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مروری بر کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در زنان هیستریکتومی شده

پوریا داراییان

* دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،
اهواز، ایران، ۹۳۹۶۲۳۱۴۹۴
pouriyad.k.76@gmail.com

دکتر شهرام براز

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور
اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: هیستریکتومی یکی از شایع ترین جراحی‌های زنان است که ۹۰ درصد این موارد غیر اورژانسی و به منظور بهبود کیفیت زندگی انجام میشود. اما مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت زندگی زنان هیستریکتومی شده نتایج ضد و نقیض و متفاوتی را ارائه میدهد. هدف از این مطالعه مروری بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در زنان هیستریکتومی شده است.

روش بررسی: این مطالعه مروری با جستجو در پایگاه‌های علمی: PUBMED, SID, SIENCE DIRECT و EMBASE و موتورهای جستجوی: علم نت و GOOGLE SCHOLAR طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ با کلید واژه‌های: هیستریکتومی، کیفیت زندگی، مشکلات جسمی - روانی، Hysterectomy، Physical-psychological problems Quality of life، تعداد مقالات اولیه ۳۰ مورد که پس از حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط ۱۸ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. مقالات مورد بررسی در گروه توصیفی-تحلیلی قرار داشتند.

یافته‌ها: اختلال ژنیکولوژی از شایع ترین مشکلات در همه ی زنان است که حتی میتواند تهدید کننده زندگی آنان باشد. با شکست درمان‌های غیر جراحی، برای حل این مشکلات رحم برداشته میشود. امروزه هیستریکتومی بعد از سزارین دومین عمل جراحی شایع در زنان است. علی رغم اینکه هیستریکتومی یک درمان است اما از دست دادن یک عضو پیامدهایی هم به دنبال دارد و با مشکلات و عوارضی در زمینه‌های جسمانی (گرگرفتگی، اضافه وزن، بی خوابی و ...)، روانی (کاهش اعتماد بنفس، افسردگی) عاطفی و اجتماعی همراه است. از جمله متغیرهایی که به عنوان عامل موثر بر کیفیت زندگی در زنان هیستریکتومی شده مورد بررسی قرار گرفته است می‌توان: رضایت جنسی، علت انجام هیستریکتومی، نوع خانواده و سیستم‌های حمایتی نام برد. البته از تعداد فرزندان نیز به عنوان عامل تاثیر گذار بر نمره کیفیت زندگی میتوان نام برد هر چند در برخی از مطالعات ارتباطی بین کیفیت زندگی و تعداد فرزندان زنان هیستریکتومی شده مشاهده نشد. از جمله عوامل موثر بر کیفیت زندگی این افراد میزان رضایت، عملکرد و تمایلات جنسی آنان است. در این باره پژوهش‌های گسترده ای انجام شده است اما یافته‌های ضد و نقیضی وجود دارد چرا که برخی از پژوهش‌ها بیان می‌کنند پس از هیستریکتومی رضایت و عملکرد جنسی در افراد افزایش میابد اما در برخی پژوهش‌ها نه تنها رضایت و عملکرد جنسی افزایش نیابد بلکه دارای سیر نزولی نیز میباشد. از دیگر مواردی که کیفیت زندگی این افراد را تحت تاثیر قرار میدهد مسائل روانی و سازگاری‌های اجتماعی است بطوری که در مطالعه ای بیان شده است ۷۸ درصد زنان پس از هیستریکتومی دچار اضطراب و افسردگی میشوند و سازگاری‌های اجتماعی آنان دچار اختلال می‌گردد. **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت زندگی زنان هیستریکتومی شده، هیستریکتومی بطور قطعی نمیتواند سبب افزایش کیفیت زندگی شود زیرا متغیرهایی که به عنوان عامل موثر بر کیفیت زندگی در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته اند خود تحت تاثیر عوامل دیگری اند (مانند: سن، نژاد، نوع عمل هیستریکتومی، فرهنگ غالب بر جامعه مورد مطالعه و تفاوت در نوع مطالعات انجام شده) میتوانند نتیجه پژوهش را تحت تاثیر قرار دهند. در نتیجه برای بررسی بهتر کیفیت زندگی این افراد نیاز به مطالعات بیشتر و وسیع تری در این زمینه می‌باشد.

کلید واژه: هیستریکتومی، کیفیت زندگی، مشکلات جسمی - روانی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی شیوع چاقی و عوامل دموگرافیک مرتبط با آن در دانش آموزان ۱۲-۱۶ ساله شهر اهواز در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: با توجه به گسترش چاقی در میان کودکان و نوجوانان، این بیماری به عنوان یک مشکل جدی در جوامع به ویژه کشورهای توسعه یافته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. طبق تحقیقات صورت گرفته عوامل مختلفی از جمله عوامل دموگرافیک بر شیوع چاقی اثر گذار می‌باشند که شناخت این عوامل در کنترل چاقی در جوامع حائز اهمیت می‌باشد، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین شیوع چاقی و عوامل دموگرافیک مرتبط با آن در دانش آموزان ۱۲-۱۶ ساله شهر اهواز در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه ی توصیفی مقطعی پس از کسب اجازه از مسئولین و توضیح نحوه انجام تحقیق، بر روی دانش آموزان ۱۲ تا ۱۶ ساله دبیرستان‌های دولتی مقطع اول شهر اهواز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شد. بدین صورت که ۴ منطقه شهر اهواز به ۴ خوشه تقسیم شده و از بین خوشه‌ها به صورت تصادفی ۱۰ خوشه (دبیرستان) را انتخاب کرده (۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه) و از هر مدرسه به صورت تصادفی ۲۳ دانش آموز انتخاب شد. قد و وزن آنها با روشهای استاندارد اندازه گیری شد و صدک BMI بر اساس مرجع CDC محاسبه گردید. به هر نفر یک چک لیست اطلاعات دموگرافیک داده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون‌های آماری واریانس یک طرفه، تی تست و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این مطالعه ۲۳۰ دانش آموز (۵۰/۶ درصد مذکر و بقیه مونث) دارای سلامت جسمی و میانگین سنی ۱۴،۱۸ وارد مطالعه شدند. شیوع چاقی و اضافه وزن به ترتیب ۱۸،۸٪ و ۲۲،۲٪ محاسبه گردید. شیوع چاقی و اضافه وزن در پسران به ترتیب ۲۵/۶٪ و ۱۷/۴٪ و در دختران به ترتیب ۱۱/۹٪ و ۲۷/۱٪ به دست آمد. میانگین شاخص توده بدنی (BMI) برای کل جمعیت (۲۲/۴۱±۴/۹۵) برآورد شد. بین میانگین وزن و قد دانش آموزان دختر و پسر تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). همچنین بین شغل پدر، وزن و BMI دانش آموزان ارتباط آماری معناداری یافت شد ($P < 0.05$). با استفاده آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و قد ($P < 0.001$)، سن و وزن ($P = 0.003$) و تعداد افراد خانواده و قد ($P = 0.003$)، ارتباط آماری مستقیم و معناداری یافت شد ($P < 0.05$). همچنین بین سطوح مختلف شغل پدران دانش آموزان و (سن، تعداد افراد خانواده، فرزند چندم خانواده، قد و چاق بودن دانش آموزان) ارتباط آماری معناداری وجود نداشت ($P > 0.05$). **نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که با وجود برنامه‌های گسترده و آموزش‌های عمومی که در سالهای گذشته انجام شده است، شیوع چاقی و اضافه وزن در دانش آموزان شهر اهواز به نسبت بالا بوده، لذا به عنوان یک مشکل بهداشتی مهم، در جهت کنترل چاقی و اضافه وزن برنامه ریزی و مداخلات آموزشی لازم به مدارس و والدین دانش آموزان از جمله اصلاح شیوه زندگی مبنی بر ارتقاء گردد.

کلید واژه: چاقی، شاخص توده بدنی، اهواز، دانش آموزان.

پوریا دارابیان

* دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

pouriya.d.k.76@gmail.com

دکتر شهرام براز

مرکز تحقیقات مراقبت بیماریهای مزمن، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

بیان صابری پور

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

یعقوب مدملی

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مریم فتواتی

دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

فاطمه آشکار کلایی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول

فائزه هاشمی

دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

پروین قزلباش

کارشناس پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

فرناز علیشاهی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

سنا گلشنی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه ماساژ درمانی با کنترل قند خون بیماران دیابتیک:

یک مطالعه مرور سیستماتیک

پوریا داراییان

* دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران. ۰۹۳۹۶۲۳۱۴۹۴
pouriya.d.k.76@gmail.com

دکتر شهرام براز

مرکز تحقیقات مراقبت بیماریهای مزمن، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مریم فتواتی

دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زینب رئیسی فر

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

علی حاجی پور طالبی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

سنا گلشنی

دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

چکیده

مقدمه: دیابت یک بیماری رایج در ایران و سراسر جهان است. این بیماری مزمن و پیش رونده به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی در نظر گرفته شده است. یک برآورد جدید در ایالات متحده نشان میدهد که دیابت پنجمین علت مرگ در سراسر جهان است. دیابت با اختلالهای مختلفی در متابولیسم گلوکز، پروتئین و چربی همراه است و افزایش مزمن قند خون موجب تخریب اختلال عمل و نارسایی ارگانهای مختلف میشود. ماساژ از جمله روشهایی است که برای کاهش عوارض دیابت (نوروپاتی، میکرو واسکولار) و کنترل قند خون به کار می رود. در نتیجه این مطالعه مروری با هدف تعیین رابطه ماساژ درمانی با کنترل قند خون بیماران دیابتیک انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مروری با جستجو در سایت های علمی: Pubmed, Embase, sciencedirect, Sid, SCOPUS, و موتور جستجو Google Scholar با کلید واژه های: ماساژ درمانی، دیابت، قند خون، کنترل و معادل انگلیسی آنها طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ انجام شده است. تعداد مقالات اولیه ۲۷ مورد و تعداد مقالات نهایی ۱۶ مورد بررسی گردیده است. مقالات مورد بررسی در گروه کارآزمایی بالینی قرار داشته اند.

یافته ها: روش های مختلف ماساژ شامل: ماساژ سوئدی، ماساژ ورزشی، رفلکسولوژی، یومی هو تراپی، Tactile massage تایلندی، ژاپنی و چینی می باشند. نتایج مطالعات حاکی از آن است که برخی از ماساژهای نام برده از طریق بیومارکرهای متابولیکی و مقاومت به انسولین میتوانند به مقداری قند خون افراد دیابتی را کنترل کنند. که در میزان کنترل آن تفاوت های فاحشی وجود دارد. هر چند در برخی مطالعات هیچ گونه رابطه ای بین ماساژ درمانی و کاهش قند خون مشاهده نشد. ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: از آنجایی که عوارض بیماری دیابت بسیار تاثیر گذار بر کیفیت زندگی افراد مبتلا به آن میباشد و از طرفی کنترل این عوارض در کاهش هزینه ها و خسارات وارده به افراد بسیار حائز اهمیت است و وجود نتایج ضد و نقیض درباره تاثیر ماساژ درمانی بر سطح قند خون بیماران دیابتی وجود دارد، نیاز به انجام مطالعات بیشتری در این زمینه می باشد.

کلید واژه: ماساژ درمانی، دیابت، قند خون، کنترل



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر بهبود رفتارهای پیشگیری کننده از شپش سر در دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی

چکیده

مقدمه: علی رغم پیشرفت‌های چشمگیر در آموزش بهداشت و پزشکی، آلودگی به شپش سر هنوز به عنوان یک معضل بهداشتی در کودکان دبستانی مطرح است. هدف از این مطالعه بررسی ارزیابی آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر بهبود رفتارهای پیشگیری کننده از شپش سر در بین دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی شهر ایوان در سال ۱۳۹۵ بود.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه تجربی است که در سال ۱۳۹۵ بر روی دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی شهر ایوان انجام شد. ابزار جمع آوری داده‌ها یک پرسشنامه محقق ساخته بود. دو مدرسه ابتدایی دخترانه به صورت تصادفی از بین مدارس ابتدایی دولتی شهر ایوان انتخاب و به طور تصادفی به گروه‌های آزمون (۹۵ نفر) و کنترل (۶۲ نفر) اختصاص داده شدند. مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در ۵ جلسه ۳۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمون طراحی و اجرا شد. یک ماه پس از مداخله، دانش آموزان هر دو گروه مجدد مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS با کمک آزمون تی مستقل، تی زوجی، کای دو، همبستگی و رگرسیون تحلیل شدند.

یافته‌ها: علاوه بر یکسان بودن گروه‌ها از نظر میانگین نمرات دانش، متغیرهای HBM و رفتار پیشگیرانه قبل از مداخله، تفاوت معنی داری در میانگین نمرات همه متغیرها بین دو گروه بعد از مداخله مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی می‌تواند یک راهبرد موثر برای ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از پدیکولوز در میان دانش آموزان دختر ابتدایی باشد.

کلیدواژه: شپش سر، آموزش بهداشت، رفتار پیشگیرانه، دانش آموزان دختر، مدارس ابتدایی

سمیرا دانشور

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

علی اشرف عیوضی

دکترای تخصصی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

زیب غضنفری

* عضو مرکز تحقیقات پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.
نویسنده مسئول: تلفن: ۰۸۴-۳۲۲۳۵۷۳۵
Ghazanfari-z@medilam.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر پدران و مادران روی فعالیت فیزیکی کودکان و نوجوانان:

مطالعه ملی The CASPIAN-V

سیده شهربانو دانیالی

* دکتر آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
sh_daniali@yahoo.com

رویا ریاحی

کارشناس ارشد آمار مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
roya_riahi87@yahoo.com

رؤیا کلیشادی

متخصص اطفال، مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
roya.kelishadi@gmail.com

چکیده

مقدمه: ارتقا فعالیت فیزیکی کودکان و نوجوانان یک اولویت بهداشتی است. تشخیص عوامل محیطی، اجتماعی مرتبط با فعالیت فیزیکی در این گروه سنی به عنوان اولین قدم در راه افزایش فعالیت فیزیکی همواره مورد توجه بوده است. تا کنون نتایج ضد و نقیضی در مورد تأثیر والدین روی فعالیت فیزیکی کودکان و نوجوانان منتشر شده است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین فعالیت فیزیکی پدران و مادران روی فعالیت فیزیکی کودکان و نوجوانان به تفکیک می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی ملی در قالب پنجمین مطالعه ملی کاسپین روی ۱۴۴۰۰ دانش آموز در سنین بین ۶ تا ۱۸ سالگی در سال ۲۰۱۵ انجام شد. این دانش آموزان به روش طبقه بندی خوشه ای تصادفی از میان دانش آموزان ۳۰ استان کشور انتخاب شدند.

این مطالعه توصیفی ملی در قالب پنجمین مطالعه ملی کاسپین روی ۱۴۴۰۰ دانش آموز در سنین بین ۶ تا ۱۸ سالگی در سال ۲۰۱۵ انجام شد. این دانش آموزان به روش طبقه بندی خوشه ای تصادفی از میان دانش آموزان ۳۰ استان کشور انتخاب شدند. مشخصات دموگرافیک و میزان فعالیت فیزیکی و استفاده از بازیهای رایانه ای و موبایل با کمک پرسشنامه‌های استاندارد مورد ارزیابی قرار گرفت. آنالیز آماری با کمک آزمونهای توصیفی و تحلیلی به کمک نرم افزارهای STATA و SPSS انجام شد. ارتباط بین فعالیت فیزیکی کودکان و نوجوانان با مدل خام و اجست شده رگرسیون لجستیک بررسی شد. میزان $P > 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته ها: به طور کلی ۱۴۲۷۴ دانش آموز با حداقل یکی از والدینشان در این مطالعه شرکت کردند. میانگین (انحراف معیار) فعالیت فیزیکی پدران $(1/75) (38/4)$ دقیقه به طور معنی داری از میانگین فعالیت فیزیکی مادران $(0/53) (11)$ دقیقه بالاتر بود. احتمال فعال بودن دختران و پسران دارای والدین فعال، به ترتیب ۲۱٪ و ۱۵٪ بیشتر از دانش آموزان دارای پدر و مادر غیر فعال بود

$(OR: 1/21, CI: 1/35 - 1/08, P: 1/001, OR: 1/15, CI: 1/29 - 1/03, P: 1/001)$

میزان فعالیت فیزیکی والدین به طور معنی داری ارتباط مستقیمی با میزان فعالیت فیزیکی کودکان ۶-۱۲ ساله داشت. در حالی که پس از ورود متغیرهای مخدوشگر، این ارتباط معنی دار نبود. احتمال انجام فعالیت فیزیکی دختران و پسران دارای مادران فعال، به ترتیب ۳۰ درصد و ۲۵ درصد بیشتر از فعالیت فیزیکی مادران غیر فعال بود ($p = 0/01$).

نتیجه گیری: تنظیم برنامه‌هایی برای درگیر کردن پدران و مادران در فعالیت فیزیکی به ویژه مادران روی فرزندان در سنین کودکی می‌تواند در ارتقا فعالیت فیزیکی کودکان مؤثر باشد. درحالی که برای افزایش فعالیت فیزیکی نوجوانان، باید همسالانشان را در فعالیت فیزیکی درگیر کرد.

کلید واژه: کودک، نوجوان، فعالیت فیزیکی، رفتار.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سلامت روانی دانش آموزان ایرانی: سرشماری منطقه ای دانش آموزان دبیرستانی

چکیده

مقدمه: سلامت روان یکی از مشکلات مهم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است که بر تمام جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. از عوامل موثر بر سلامت روان می‌تواند مشکلات اقتصادی و مهاجرتی مطرح شود. در سراسر جهان ۱۰-۲۰٪ کودکان و نوجوانان دچار اختلالات روانی هستند. نیمی از تمام بیماری‌های روانی از سن ۱۴ سالگی و تا سه ماهه دوم تا اواسط دهه ۲۰ شروع می‌شود. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که سلامت روان بر وضعیت تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارد. هدف از این مطالعه تعیین سلامت روان دانش آموزان دبیرستان بود.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در اردیبهشت ماه سال ۹۶ در بین تمام دانش آموزان چهار دبیرستان (دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه) در تهران انجام شد. روش نمونه‌گیری به روش سرشماری بود. در این مطالعه، یک نسخه معتبر فارسی از پرسشنامه GHQ-۲۸ مورد استفاده قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: این مطالعه بر روی ۱۳۸۷ دانش آموز دبیرستانی انجام شد که ۴۸۴ پسر (۳۴٫۹٪) و ۹۰۳ دختر (۶۵٫۱٪) ثبت نام کردند. نمره سلامت عمومی در دختران بالاتر از پسران بود ($p < ۰/۰۰۱$). همبستگی بین سن و نمره سلامت عمومی معنی دار بود.

($R = ۰/۰۳ - P = ۰/۰۵$) در مقایسه مقیاس افسردگی، بالاترین نمره از کلاس هشتم بدست آمد ($p = ۰/۰۴$). با این حال، نمرات بدست آمده از مقیاس‌های اضطراب ($p = ۰/۱۳$) و مقیاس عملکرد اجتماعی ($p = ۰/۲۴$)، بین نمرات تحصیلی تفاوت معناداری وجود نداشت. همچنین ۱٫۴٪ از دانشجویان مشکلات جسمی دشوار داشتند و ۱۳۳ نفر از دانش آموزان علائم افسردگی را نشان دادند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه، بررسی سلامت روانی دانش آموزان با برنامه ریزی دقیق بسیارهایز اهمیت است.

کلید واژه: سلامت عمومی، سلامت دانش آموزان، موفقیت تحصیلی

پوریا داودی

* دانشجوی کارشناسی زیست فناوری، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) تهران
Poorya.davoodi20@gmail.com

میثم اخلاق دوست

مرکز تحقیقات تکنیک‌های مؤثر تهاجمی در زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

آتوسا هاشمی

دانشجوی کارشناسی زیست فناوری، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) تهران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی دانش و نگرش دانشجویان غیرپزشکی در مورد ایدز

پوریا داودی

* باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، تهران، ایران نویسنده مسئول:
poorya.davoodi20@gmail.com

آتوسا هاشمی

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: با توجه به این موضوع که در حدود ۳ دهه از پدیدار شدن بیماری ایدز میگذرد اما همچنان این بیماری یکی از بزرگترین مشکلات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می باشد. در ایران با توجه به بالا رفتن سن ازدواج، الگوسازی های نامناسب در جامعه، حس کنجکاوی، عدم مهارت و آگاهی لازم، رابطه های جنسی ناسالم و غیر شرعی، تمایل به استفاده از مواد مخدر، جوانان نسبت به سایر گروه های سنی بیشتر در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند. هدف از مطالعه حاضر تعیین آگاهی و نگرش دانشجویان غیرپزشکی در مورد ایدز بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر که در سال ۱۳۹۶ انجام شد، مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی می باشد. نمونه ها شامل ۷۰۳ نفر از دانشجویان دانشگاه های غیرپزشکی تهران واحد یادگار امام (ره) بودند. از دانشجویان خواسته شد تا پرسشنامه ها را که شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و نسخه فارسی پرسشنامه بین المللی ایدز بود، تکمیل کنند.

یافته ها: یافته ها نشان داد اکثریت افراد وارد شده در مطالعه زن (۶۷٪) بودند. ۳۲٪ از دانشجویان اطلاعات خود درباره ی ایدز و راه های انتقال آن را از شبکه های اجتماعی و اینترنت، ۱۶٪ از رادیو و تلویزیون، ۲۱٪ از دوستان، ۱٪ از پزشکان دریافت کرده بودند. نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان می دهد دختران اطلاعات بیشتری در رابطه با ایدز نسبت به پسران دارند. میانگین نمرات کسب شده در حیطه ی تصورات غلط درباره ی انتقال ایدز (۲۴/۳۴±۳/۶۵)، نگرش و تعصبات در مورد افراد آلوده به ایدز (۱،۰۹±۱،۵۳) بود.

نتیجه گیری: اگرچه یافته های این پژوهش نشان داد که دانشجویان از سطوح متوسط از دانش و نگرش در رابطه با ایدز برخوردار میباشند ولی این میزان از آگاهی کافی نبوده و دانشجویان نیازمند برنامه های آموزشی گسترده ای در این زمینه هستند.

کلید واژه: نگرش، ایدز، آگاهی، دانشجویان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین نیازهای سطح عملکردی سواد سلامت باروری در زوجین در آستانه ازدواج: یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: آموزش و مشاوره‌های هنگام ازدواج فرصتی است برای مطرح کردن برخی از موضوعات مورد نیاز زوجین در آستانه ازدواج، که از این فرصت می‌توان با مطرح کردن موضوعات و ارائه اطلاعات لازم با هدف ارتقاء سلامت باروری، برایجاد باورها و رفتارهای سالم، در زوج‌های در آستانه ازدواج تاثیر گذاشت. با این وجود، اجرای هر برنامه آموزشی نیازمند شناخت دقیق نیازهای گروه هدف است و بی توجهی به انتظارات این گروه موجب اتلاف هزینه و نیروی انسانی می‌شود. این مطالعه با هدف تبیین مفهوم و نیازهای سطح عملکردی سواد سلامت باروری در زوجین در آستانه ازدواج انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوا بود که در سال ۱۳۹۶ در مرکز آموزش ازدواج شهر بندرعباس انجام شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با انجام مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با ۲۳ زن و مرد در آستانه ازدواج و یا زوجینی که حداکثر دو سال از ازدواج آنها گذشته بود و در این آموزش‌ها شرکت کرده بودند و ۱۰ نفر از مطلعین کلیدی انجام شد. تمام مصاحبه‌ها ضبط و تایپ گردید. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای هدایت شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌ها در ۴ مضمون اصلی و ۱۰ مضمون فرعی شامل: نیازهای جنسی سلامت باروری (نیازهای آموزش جنسی، خود مراقبتی، موانع درک شده)، نیازهای جسمی سلامت باروری (پویایی نیازهای زندگی زناشویی، پی جویی سلامت جسمانی)، نیازهای روانی عاطفی سلامت باروری (نیازهای آموزشی، تغییرات نیازهای روانی عاطفی، موانع درک شده) و نیازهای اجتماعی سلامت باروری (نیازهای آموزشی، موانع درک شده) قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به این که بیشترین نیاز سطح عملکردی سواد سلامت باروری در حیطه آموزش مسائل جنسی در زمان ازدواج بود لزوم بازنگری در محتوای آموزشی مصوب وزارت بهداشت و ارائه مطالب بر اساس میزان سواد سلامت زوجین ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: زوجین در آستانه ازدواج، سطح عملکردی سواد سلامت، سلامت باروری

فاطمه دبیری

دانشجوی دکترای تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سپیده حاجیان

* دانشجوی دکترای تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۲۳۸۳۷۶۴۹

Email: fateme.dabiri@gmail.com

عباس عبادی

استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری. انستیتو سبک زندگی. دانشکده پرستاری. دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (ع.ج). تهران، ایران

صدیقه عابدینی

استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان و چگونگی استفاده از پایگاه های اطلاعاتی در ارتقا سواد سلامت توسط دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال

سمانه دژبان وش

* دستیار تخصصی، گروه پزشک خانواده، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: توسعه سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تمام ابعاد جامعه بویژه بخش سلامت تاثیر گذاشته است. باتوجه به تعداد زیاد این منابع با محتوای سلامت فعالیت می کنند انتخاب صحیح و مطمئن پایگاه های اطلاعاتی به این دلیل که با سلامت جامعه در ارتباط می باشد بسیار حائز اهمیت می باشد. این مطالعه با هدف بررسی میزان و چگونگی استفاده از پایگاه های اطلاعاتی توسط دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۹۷ انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی به روی ۱۱۱ نفر از دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که از طریق نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شده بودند انجام گردید. داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شد و داده های به دست آمده به کمک نرم افزار SPSS و با بکارگیری آمار توصیفی و آزمون کای دو تحلیل شدند.

یافته ها: در این مطالعه ۵۷ دانشجوی پزشکی و ۵۴ دانشجوی غیر پزشکی شرکت کردند که حدود ۲۴/۳٪ از شبکه های اجتماعی و ۷۹/۲٪ از موتورهای جستجو استفاده کردند که بصورت معنا داری استفاده از موتورهای جستجو بیشتر بوده است. تنها ۱۵/۳٪ بصورت مطمئن از این پایگاه های اطلاعاتی استفاده کردند و حدود ۲۷/۹٪ به دلیل اطلاعات نادرست دچار مشکل شدند و تقریباً اکثر شرکت کنندگان در تحقیق پایگاه اطلاع رسانی مطمئنی جهت معرفی و اعتبارسنجی پایگاه های اطلاعاتی الکترونیک نمی شناسند.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش استفاده از پایگاه های اطلاعاتی الکترونیک در حیطه سلامت، نیاز به یک منبع مطمئن برای معرفی این پایگاه ها جهت ارتقا سواد سلامت جامعه و جلوگیری از آسیب های احتمالی ناشی از اطلاعات نادرست پایگاه های نامعتبر ضروری می باشد. پیشنهاد می شود پایگاه های اطلاعاتی مطمئن با مسئول فنی مشخص و با سطح بندی مخاطب توسط وزارت بهداشت و درمان معرفی گردند و این پایگاه ها از طریق رسانه ملی و نشریات و منابع اطلاع رسانی وزارت بهداشت در اختیار افراد قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین کنندهای پیروی از برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH) در بین افراد پیش فشارخونی: با استفاده از تئوری انگیزش محافظت.

چکیده

مقدمه: پیش فشاری خون یک بیماری شایع در سراسر جهان در ۳۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت‌های مورد مطالعه است پیروی از برنامه غذایی در بین افراد پیش فشارخونی از ضروری ترین تغییرات در سبک زندگی می‌باشد این مطالعه با هدف تعیین کنندهای پیروی از برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH) در بین افراد پیش فشارخونی: با استفاده از تئوری انگیزش محافظت اجرا شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۶۵ فرد پیش فشارخونی در شهرستان فردوس انجام شد. برای بررسی نمرات ساختارهای تئوری انگیزش محافظت، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برنامه غذایی افراد با استفاده از پرسشنامه یادداشت خوراک سه روزه اندازه گیری شد روایی و پایایی ابزار مورد تایید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، کای دو، رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین پیروی از برنامه غذایی ۲۴/۲۵ بود. بین تمامی سازه‌های انگیزش محافظت به جز پاداش درک شده و هزینه‌های درک شده با قصد پیروی از برنامه غذایی دش همبستگی معنی داری وجود دارد. ساختارهای تئوری قادر به پیش بینی ۶۶ درصد واریانس قصد پیروی از برنامه غذایی بود.

نتیجه گیری: با توجه به توانایی سازه‌های تئوری انگیزش محافظت برای توضیح رفتار پیروی از برنامه غذایی، طرح‌های مداخله ای براساس سازه‌های این تئوری پیشنهاد می‌شود، به ویژه برای بهبود خودکارآمدی به عنوان قوی ترین عامل پیش بینی کننده قصد پیروی از برنامه غذایی.

کلید واژه: برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH)، تئوری انگیزش محافظت، پیش فشارخون

سید سعید مظلومی محمود اباد

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

سعید دشتی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۰۶۷۱۶۶

Email:saeeddashy88@yahoo.com

امین صالحی ابرقوئی

علوم تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

حسین فلاح زاده

آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

محمد حسین سلطانی

قلب و عروق، گروه قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



میزان پیروی افراد پیش فشارخونی از برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH): با استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده

سید سعید مظلومی محمود اباد
آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش
بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی
یزد، یزد، ایران.

سعید دشتی
* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۵۱۰۶۷۱۶۶

Email:saeeddashty88@yahoo.com

امین صالحی ابرقوئی
علوم تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد،
یزد، ایران.

حسین فلاح زاده
آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

محمد حسین سلطانی
قلب و عروق، گروه قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی
یزد، یزد، ایران.

چکیده

مقدمه: پیش فشاری خون یک بیماری شایع در سراسر جهان به عنوان پیش گویی کننده فشارخون بالا شناخته می‌شود. با پیروی از برنامه غذایی در بین افراد پیش فشارخونی می‌توان ابتدا به فشارخون بالا را به تاخیر انداخت. این مطالعه با هدف تعیین کننده‌های پیروی از برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH) در بین افراد پیش فشارخونی با استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده اجرا شده است. **روش بررسی:** این مطالعه مقطعی بر روی ۱۶۵ فرد پیش فشارخونی در شهرستان فردوس انجام شد. برای بررسی نمرات ساختارهای تئوری رفتار برنامه ریزی شده، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برنامه غذایی افراد با استفاده از پرسشنامه یادداشت خوراکی سه روزه اندازه گیری شد روایی و پایایی ابزار مورد تایید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، کای دو، رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین پیروی از برنامه غذایی ۲۵/۲۴ بود. متغیرهای دموگرافیک با پیروی از برنامه غذایی رابطه معنی داری نداشت. همبستگی مثبت و مستقیمی بین تمامی سازه‌ها مشاهده شد. سازه‌های تئوری رفتار برنامه ریزی شده ۷۲٪ تغییرات واریانس قصد رفتاری را پیش بینی کردند. نقش سازه نگرش در پیش بینی قصد بیشتر از سایر سازه‌ها بود ($\beta = -0.392$).

نتیجه گیری: با توجه به پایین بودن میزان پیروی از برنامه غذایی و کارکرد TPB در پیش بینی رفتار، پیشنهاد می‌شود در طراحی مداخلات آموزشی به منظور ارتقاء میزان پیروی از برنامه غذایی از سازه‌های پیشگویی کننده استفاده نمایند.

کلید واژه: برنامه غذایی متوقف کننده فشارخون (DASH)، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، پیش فشارخون



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر دو سازه تاثیرگذارنده ای بین فردی و تاثیرات موقعیتی الکوی پندر در پیش بینی انجام حرکات کششی

محمد حسین دلشاد

دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر صدیقه السادات طوافیان

* استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۸۷۶۴۳۹، تلفن ثابت ۰۲۱۸۲۸۸۴۵۴۷، شماره ۰۲۱۸۲۸۸۴۵۵۵
Tavafian@modares.ac.ir: Email

دکتر انوشیروان کاظم نژاد

استاد، گروه آمارحیاتی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: فعالیت بدنی دستیابی به سبک زندگی سالم و پیشگیری از بیماری است. تلفیق تمرین‌های ورزشی در برنامه‌های سبک زندگی سالم کارکنان، یکی از مهمترین تصمیمات می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش هنجارهای بین فردی و تاثیرات موقعیتی در رفتار حرکات کششی کارکنان دفتری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی، ۴۲۰ نفر از کارکنان دانشگاه مورد مطالعه قرار گرفتند. شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تصادفی بوده و ابزار پژوهش، پرسشنامه مشتمل براطلاعات دموگرافیک، ارزیابی تاثیرگذارنده ای بین فردی و تاثیرات موقعیتی برگرفته از مدل ارتقای سلامت پندر و رفتار حرکات کششی بود. روایی پرسشنامه به شیوه محتوایی، صوری و پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تایید شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ و آزمون‌های آماری همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی کارکنان $37/1 \pm 8/04$ سال بود. ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد، به ترتیب بین متغیر تحت درمان بودن در سابقه کاری و رفتار حرکات کششی ($P < 0/05$ و $r = 0/77$)، تاثیرگذارنده ای بین فردی و رفتار حرکات کششی ($P < 0/05$ و $r = 0/54$) ارتباط معنی دار وجود دارد ولی بین تاثیرات موقعیتی و رفتار حرکات کششی ($P > 0/05$ و $r = 0/107$) ارتباط معنادار وجود ندارد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نقش مانع تاثیرات موقعیتی و نقش تسریع کننده تاثیرگذارنده ای بین فردی را در اتخاذ رفتار حرکات کششی تأیید می کند، لذا توجه به این دو مقوله با هدف تسهیل پذیرش رفتار می تواند به عنوان یک اصل آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: تاثیرات موقعیتی، تاثیرگذارنده ای بین فردی، رفتار حرکات کششی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی روان سنجی فرم کوتاه مقیاس تعهد برای نقشه عمل حرکات کششی در میان کارکنان اداری بر اساس مدل پندر

محمد حسین دلشاد

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر صدیقه السادات طوافیان

* استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۸۷۶۴۳۹

تلفن ثابت ۰۲۱۸۲۸۸۴۵۴۷، نامبر ۰۲۱۸۲۸۸۴۵۵۵

Tavafian@modares.ac.ir: Email

دکتر انوشیروان کاظم نژاد

استاد، گروه آمارحیاتی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

فاطمه پورحاجی

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: تعهد برای نقشه عمل، پیش بینی کننده انجام حرکات کششی است. با این حال، تعهد برای نقشه عمل در انجام حرکات کششی در شرایط مختلف در محل کار، دشوار است. در ایران هیچ اندازه گیری برای ارزیابی تعهد برای نقشه عمل در میان کارکنان کارهای دفتری وجود ندارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی روان سنجی فرم کوتاه مقیاس تعهد برای نقشه عمل حرکات کششی در میان کارکنان اداری بر اساس مدل پندرانجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی، ۳۸۵ نفر از کارکنان اداری از شبکه‌های بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (SBUMS) با به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و از طریق فرم کوتاه مقیاس سازه تعهد برای نقشه عمل ارزیابی شدند. در این مطالعه آنالیز به کمک فاکتور اکتشافی (EFA)، آنالیز فاکتور تاییدی (CFA) و آلفای کرونباخ انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سنی کارکنان اداری $39/4 \pm 7/7$ سال بود. CVR و CVI هر کدام از پرسش‌ها $< 0/7$ بود. نتیجه EFA با رویکرد مولفه اصلی نشان دهنده یک عامل (تعهد برای نقشه عمل) با واریانس جمعی $71/8\%$ و $87/2\%$ KMO بود؛ مقدار $p < 0/001$ این شاخص در CFA مناسب بود. قابلیت اطمینان نیز پیش بینی کننده بود. در CFA، نتایج نشان داده شد که $REMSEA = 0/046$ ، $GFI = 0/906$ ، $0/814$ ، $REMSEA = 0/046$ با آلفای کرونباخ $(\alpha = 0/85/8)$ $CI (0/62 - 0/74)$ $ICC = 0/74$ تایید شد. **نتیجه گیری:** مطالعه حاضر، فرم کوتاه مقیاس تعهد برای نقشه عمل حرکات کششی را تایید کرد. با این حال، برای اطمینان از یک ابزار معتبر و قابل اعتماد برای تحقق رفتارهای حرکات کششی، توصیه به تحقیقات بیشتری مورد نیاز است.

کلید واژه: تعهد برای نقشه عمل، رفتار حرکات کششی، قابلیت اطمینان و اعتبار، ارتقاء سلامت، کارکنان اداری.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل دموگرافیک و روانشناختی مرتبط با انجام ماموگرافی در بین شاغلین زن حرفه‌های پزشکی در غرب ایران: نقش ارزیابی تهدید و مقابله

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین علت مرگ و میر مرتبط با سرطان در بین زنان ایرانی است. با انجام غربالگری ماموگرافی و تشخیص زودرس این سرطان، می‌توان پیشرفت زیادی در روند درمان ایجاد کرد. لذا، مطالعه حاضر با هدف تعیین عوامل دموگرافیک و روانشناختی مرتبط با انجام ماموگرافی در زنان شاغل در غرب ایران انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی تعداد ۱۶۴ نفر از شاغلین زن حرفه‌های پزشکی همدان بالای ۴۰ سال، به روش طبقه‌ای تصادفی در سال ۱۳۹۶ وارد مطالعه شدند. اطلاعات افراد با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته شامل مشخصات دموگرافیک و سازه‌های تئوری انگیزش محافظت جمع آوری شد. داده‌ها پس از گردآوری با استفاده از آنالیز توصیفی و آزمون‌های رگرسیون لجستیک و خطی به وسیله نسخه ۲۳ نرم افزار SPSS آنالیز گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $46/68 \pm 4/39$ سال بود. ۶/۱ درصد افراد به صورت مرتب ماموگرافی انجام میدادند. آنالیز رگرسیون نشان داد که ارزیابی تهدید در مقابل ارزیابی مقابله نقش مهمتری در قصد انجام ماموگرافی داشته است. همچنین قصد رفتاری مهمترین سازه‌های پیشگویی کننده انجام رفتار ماموگرافی بود ($R=0.2/17$). همچنین بین انجام ماموگرافی و متغیرهای دموگرافیک از جمله سابقه بیماری در فرد ($P=0.001$)، سابقه خانوادگی ابتلا به سرطان پستان ($P=0.005$) و منوبوز بودن ($P=0.001$) ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که تئوری انگیزش محافظت چارچوب موثر برای انجام مداخلات آموزشی جهت پیشگیری از سرطان پستان است و با توجه به اینکه ارزیابی تهدید و قصد مهمترین سازه‌های تاثیرگذار تئوری حفاظت انگیزش بر انجام ماموگرافی می‌باشند، ضروری است که برنامه‌های آموزشی با هدف افزایش تهدید درک شده و قصد رفتاری تدوین گردد.

کلیدواژه: ماموگرافی، زنان شاغل، سرطان پستان، تئوری انگیزش محافظت، ایران

سعید بشیریان

دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشت و گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مجید براتی

استادیار، مرکز تحقیقات اختلالات رفتاری و سوء مصرف مواد و گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

یونس محمدی

استادیار اپیدمیولوژی، مدل سازی مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرعادی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

لیلا مودب شعار

استادیار گروه آنکولوژی رادیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

میترا دوگونچی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۹۷۱۴۰۵۳

dogonchi.mitra@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل موثر بر انجام رفتار خودآزمایی پستان در زنان شاغل ایرانی در غرب ایران: کاربرد تئوری حفاظت انگیزش

سعید بشیریان

دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشت و گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

مجید براتی

استادیار، مرکز تحقیقات اختلالات رفتاری و سوء مصرف مواد و گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

یونس محمدی

استادیار اپیدمیولوژی، مدل سازی مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرعادی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

لیلا مودب شعار

استادیار گروه انکولوژی رادیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

میترا دوگونچی

* دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.
نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۱۹۷۱۴۰۵۳

dogonchi.mitra@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سرطان پستان شایع‌ترین سرطان در بین زنان بوده و بالاترین میزان مرگ را در بین زنان سراسر جهان به خود اختصاص داده است. تشخیص زودرس این سرطان در مراحل اولیه باعث افزایش بقا مبتلایان می‌شود. این مطالعه با هدف تعیین فاکتورهای پیشگویی کننده انجام خودآزمایی پستان بر مبنای تئوری انگیزش محافظت در بین زنان شاغل دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۵۰۱ نفر از زنان شاغل ۲۰ تا ۶۱ سال دانشگاه علوم پزشکی همدان در غرب ایران انجام شد. شرکت کنندگان در مطالعه به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و وارد مطالعه شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و سازه‌های تئوری انگیزش محافظت بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS ۲۳ با استفاده از آنالیز توصیفی و آزمون‌های رگرسیون لجستیک و خطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد $37/1 \pm 8/35$ سال بود. نتایج نشان داد که فقط ۹ درصد افراد رفتار خودآزمایی را به صورت مرتب و ماهانه انجام می‌دادند. مهمترین علت عدم انجام رفتار خودآزمایی اهمیت ندادن بود. آنالیز رگرسیون خطی نشان داد سازه ارزیابی تهدید درک شده پیشگویی کننده قصد انجام رفتار خودآزمایی می‌باشد ($R^2=0/27$) و همچنین آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد سازه انگیزش محافظت پیشگویی کننده قوی انجام رفتار خودآزمایی پستان می‌باشد ($R^2=0/25$).

نتیجه‌گیری: میزان انجام رفتار خودآزمایی پستان در زنان شاغل پایین می‌باشد. بنابراین ضروری است که به صورت دوره‌ای بر اهمیت آنها در تشخیص زودرس سرطان پستان تأکید شود و طراحی برنامه‌های آموزشی بر اساس تئوری حفاظت انگیزش می‌تواند باعث افزایش انجام منظم رفتار خودآزمایی گردد.

کلیدواژه: سرطان پستان، خودآزمایی پستان، تئوری حفاظت انگیزش، زنان شاغل، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آسیبهای اجتماعی براساس مدل اجتماع محور در محلات حاشیه نشین شهرستان کاشمر، بردسکن و چناران در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: مفهوم سلامت اجتماعی در دهه‌های اخیر در ادبیات نظام سلامت مطرح گردیده است. شاید وجود عوامل خطر پیچیده ای مانند بیکاری، فقر، خشونت و نابرابریهای اجتماعی و عوامل محافظتی مانند حمایت اجتماعی در سبب شناسی بیماری‌های جسمی و بیماریهای روانی از مهمترین دلایل رو آوردن نظام بهداشتی به حیطه سلامت اجتماعی می‌باشد مدل اجتماع محور جزء برنامه‌های حیطه ی اجتماعی است. در این برنامه مردم محله با مشارکت مسئولین و بانظارت کمیته ی محلی و راهبری درصد افزایش سطح سلامت اجتماعی و رفع مشکلات مردم با مشارکت خود آنان و توانمند سازی افراد محله است. هدف از این مطالعه بررسی آسیب‌های اجتماعی و عوامل خطر سلامت اجتماعی بر اساس مدل اجتماع محور می‌باشد.

روش بررسی: این پژوهش بصورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ای ارسالی توسط اداره سلامت اجتماعی وزارت جهت شهرستانهای تحت پوشش برنامه اجتماع محور استفاده شده است. پرسشنامه در اختیار ۲۰۰ نفر از مردم ساکن درهریک از مناطق حاشیه نشین شهرستانهای کاشمر، بردسکن و چناران قرار گرفت. داده‌های جمع آوری شده از طریق نرم افزار SPSS-۱۱ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بیشترین گروه سنی ۲۵-۳۵ سال (۳۶٪) بودند. ۳۹٪ افراد بیشتر از ۵ سال و ۳۷٪ بین ۴-۵ سال ساکن این مناطق بودند. مهمترین مشکل اجتماعی یا آسیب اجتماعی ذکر شده توسط مردم در هر سه شهرستان کمبود فضاهای تفریحی و آموزشی (۹۷٪) بود. مشکلات اجتماعی نظیر خشونت، کودکان خیابانی، روسپی گری، فرار از منزل، مزاحمت برای نوامیس زیر ۱۰٪ گزارش کردند. بی اعتمادی مردم به هم در شهرستان بردسکن خیلی زیاد ولی در دو شهرستان دیگر خیلی کم گزارش شد. از نظر اهمیت سازمانها در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی مرکز بهداشت، فرمانداری و شهرداری در اولویت و سپس شورای محله قرار داشتند. آگاهی مردم در خصوص تلفنهای مرتبط با سلامت اجتماعی و آسیبهای اجتماعی (شماره ۱۱۵ و ۱۱۰) بالای ۹۰٪ و شماره ۱۲۳ را تنها ۳۷٪ اطلاع داشتند. از دیدگاه مردم برای پیشگیری و کنترل آسیبهای اجتماعی در محله تاسیس اماکن تفریحی، باشگاههای ورزشی، ساخت مکانهای هنری، فرهنگسراها، کتابخانه، سینما، توسعه فضای سبز و پارکها بیشترین اولویت را داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نیازسنجی و بررسی انجام شده در این سه شهرستان به منظور افزایش سطح سلامت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد می‌گردد با لحاظ نمودن دیدگاهها و نظرات مردم ساکن در این مناطق علاوه بر جلب همکاری و مشارکت آنان گامهای موثری در پیشرفت رشد اجتماعی منطقه و در نهایت به توسعه پایدار جامعه برداشت.

کلید واژه: سلامت اجتماعی، اجتماع محور، مشارکت مردم، توسعه پایدار

نویسندگان: سوسن دولت آبادی

* دکتر، MPH - کارشناس مسئول سلامت اجتماعی

معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: dolatabadis1@mums.ac.ir

سارا خدادادی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، کارشناس مسئول

سلامت روان شهرستان چناران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل پیش‌بینی کننده اتخاذ رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از سرطان پستان در زنان بر اساس سازه‌های تئوری شناختی - اجتماعی بندورا

محمدحسین تقدیسی

آموزش بهداشت، بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

طاهره دهداری

آموزش بهداشت، بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

علیرضا ده‌نبی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش
بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۹۱۵۷۱۴۸۹۶۲؛ فکس: ۰۵۱۴۴۹۹۳۶۵۳
dehnabi.alireza@gmail.com

میترا زراتی

تغذیه، تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
ایران، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: با توجه به نقش برجسته رفتار در شیوع انواع سرطان‌ها، مطالعه حاضر با هدف تعیین پیش‌بینی کننده‌های اتخاذ رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از سرطان پستان بر اساس سازه‌های تئوری شناختی - اجتماعی بندورا در زنان سنین باروری شهرستان داورزن (از توابع شهرستان سبزوار) در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی (توصیفی - تحلیلی) بود که بر روی ۱۶۰ نفر از زنان سنین باروری شهر داورزن انجام شد. داده‌ها توسط پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های اسپیرمن، کروسکال والیس، من ویتنی و رگرسیون خطی مورد تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سن زنان سنین باروری مورد بررسی ۳۲/۶ سال بود. آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که فقط متغیر آگاهی ($p > 0/05$ و $r = 0/15$) همبستگی معنی‌داری با رفتار داشت و توانست ۱۲٪ تغییرات رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از سرطان پستان در زنان را پیش‌بینی کند ($F = 5/248$ ، $p > 0/001$).

نتیجه‌گیری: در طراحی برنامه‌های آموزشی پیشگیری از سرطان پستان، تمرکز بر افزایش آگاهی زنان از رفتارهای تغذیه‌ای پیشگیری کننده از ابتلا ضرورت دارد.

کلید واژه: تئوری شناختی - اجتماعی بندورا، رفتارهای تغذیه‌ای، سرطان پستان، عوامل پیش‌بینی کننده

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سلامت معنوی در سالمندان مسجد رو یزد در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: سلامت معنوی یکی از عناصر اصلی سلامتی انسان است که عوامل زیادی در وضعیت آن نقش دارد. اعتقاد به معنویت در تبیین هدف زندگی نقش مهمی دارد و باعث افزایش امید به زندگی و بهتر شدن کیفیت زندگی می‌شود. با بهبود و ارتقای شاخص‌های بهداشتی و اقتصادی در جامعه، ما شاهد بالارفتن میزان امید به زندگی و به دنبال آن افزایش تعداد سالمندان خواهیم بود. بطوریکه هم اکنون پدیده سالمندی و پیرشدن جمعیت به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های پیشرو برای جامعه و سیستم‌های ارائه دهنده مراقبت‌های بهداشتی و درمانی مطرح است. این گروه جمعیتی به عنوان یک گروه آسیب پذیر در جامعه مطرح بوده که باید در جهت حفظ و ارتقای سلامت و کیفیت زندگی آنان توجه ویژه ای مبذول گردد. برای نیل به این اهداف لازم است وضعیت سلامت سالمندان در هر چهار بعد مربوط به سلامت مورد توجه قرار گیرد چرا که هرگونه نقصانی در یکی از ابعاد سلامت می‌تواند دیگر ابعاد را هم تحت تاثیر خود بگذارد و کیفیت زندگی را پایین آورد. یکی از ابعاد که نقش مهمی در سلامت کلی سالمند دارد، بعد سلامت روانی است که البته به دلیل اینکه این بعد ذهنی بوده و کمتر قابل مشاهده است، لذا مورد غفلت واقع شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. وجود باورهای و عقاید مذهبی باعث می‌شود که افراد در مساجد و اماکن مذهبی حضور یافته و مناسک خود را آنجا به جا آورند. با توجه به اهمیتی که سلامت معنوی در سالمندان دارد بر آن شدیم تا سلامت معنوی را در گروهی از سالمندان شهر یزد که مقید به حضور در مساجد بودند، بررسی نماییم.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی بوده که بر روی ۱۰۰ سالمند شهر یزد انجام شد. نمونه‌ها از طریق روش در دسترس از میان ۳۰ مسجد سطح شهر یزد انتخاب شدند. انتخاب مساجد نیز از طریق انتخاب تصادفی ساده از میان ۸۶ مسجد شهر انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه دو قسمتی بود. در قسمت اول اطلاعات دموگرافیکی نمونه‌ها و در قسمت دوم از ابزار سلامت معنوی پالتوزین و الیسون استفاده شد. داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از آزمونهای تی مستقل، آنالیز واریانس، ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: اطلاعات جمع آوری شده از نمونه‌ها نشان دادند که میانگین نمره سلامت معنوی سالمندان مورد مطالعه $36/9 \pm 3/86$ بود که البته قابل قبول می‌باشد. بین متغیرهای مربوط به تاهل و مجرد، سطح تحصیلات، بومی بودن، جنس، تنهای در منزل با میانگین سلامت معنوی ارتباط معنی داری وجود داشت. از طرفی بین دفعات حضور در مسجد، مدت زمان حضور در مسجد و زمان حضور در مسجد، نوساز یا قدیمی بودن مسجد هیچ ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شرکت در مساجد و نماز جماعت روزانه باعث می‌گردد تا فرد سالمند نوعی احساس حمایت روانی از منابع مذهبی داشته و به نوعی ارتباط با قدرتی مافوق بشری در او حس اعتماد به نفس و آرامش خاطر بدهد و لذا توصیه می‌شود که سالمندان را تشویق نماییم تا در اوقات فراغت و نمازهای یومیه در جماعت همچنین در مراسم و مناسک مذهبی که در این مساجد برپا می‌شود حضور یابند. خانواده در این فرایند نقش تشویق کننده دارند که می‌توانند سالمندان را در جهت شرکت در این مراکز تشویق و دلگرم نمایند.

کلید واژه: سلامت معنوی، مراسم مذهبی، سالمندان

علی دهقانی احمدآباد

-دانشجوی دکتری سالمند شناسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

حسین رضایی پندری

کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۵۷۹۰۳۳

d_dehghan1970@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت افسردگی در سالمندان شهر یزد

علی دهقانی احمدآباد
* کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی یزد. ۰۹۱۳۲۵۷۹۰۳۳
d_dehghan1970@yahoo.com

چکیده

مقدمه: در حال حاضر جامعه ما با پدیده سالمندی جمعیت مواجه است و ما شاهد افزایش تعداد سالمندان هستیم. تغییرات فیزیولوژیکی و ایجاد محدودیتهای جسمانی از یک طرف و از دست دادن نقشهای اجتماعی به دلیل باز نشستگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر فرد سالمند را مستعد افسردگی می‌نماید. این مطالعه به منظور تعیین وضعیت افسردگی سالمندان شهر یزد در نیمه اول سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی و از نوع مقطعی بر روی ۲۵۰ نفر از سالمندان (۶۰ سال به بالاتر) شهر یزد که با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند، در نیمه اول سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. ابزار مطالعه یک پرسشنامه دو بخشی بود که در بخش اول اطلاعات دموگرافیکی و در بخش دوم پرسشنامه ۱۵ سوالی افسردگی سالمندان مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها ی جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS ۱۸ شده و با استفاده از آزمونهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی و انحراف معیار سالمندان (۷۱/۳±۳/۲) و میانگین و انحراف معیار افسردگی (۲/۹±۷/۹) بود. بر اساس معیار GDS۱۶٪ از سالمندان افسردگی شدید داشته، ۴۸/۳ درصد افسردگی خفیف و ۷/۳۵ درصد سالم ارزیابی شدند. بین وضعیت تاهل، تحصیلات، سن، شغل با افسردگی تفاوت معنی دار وجود داشت.

نتیجه گیری: بیش از نیمی از سالمندان درجاتی از افسردگی خفیف تا شدید را دارند لذا پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاسهای مشاوره و آموزش در زمینه درمان‌های غیر دارویی نظیر تمرینات آرام سازی و همچنین تشویق خانواده‌ها به همکاری و به کارگیری سالمندان در امورات خانواده و مشورت با آنها زمینه انگیزه لازم را به آنها بدهیم و آنها همچنان فعال باقی بمانند.

کلید واژه: افسردگی، سالمندان، سالمندی فعال



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



طرح آموزش پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی در زنان خانه دار کاشان

شرح تجربه

بیان مسئله: بیماریهای قلبی - عروقی یکی از علل عمده مرگ و میر و معلولیت در سطح جهان بوده و به عنوان اولین عامل مرگ، یک سوم کل مرگ و میرها در جهان را به خود اختصاص می‌دهند این بیماریها علاوه بر مرگ و میر بالا، عوارض قابل توجهی را نیز به جای می‌گذارند و از علل ناتوانیهای مشخص به خصوص در سنین بالا هستند. بیماریهای قلبی و سکتة مغزی مسئول ۱۷/۱ میلیون مرگ در سال و بار افزاینده در کشورهایی با درآمد پائین و متوسط هستند که حداقل ۸۰ درصد از این مرگهای زودرس از طریق رژیم غذایی سالم، فعالیت بدنی منظم و اجتناب از دخانیات قابل پیشگیری هستند. همچنین بیماریهای قلبی عروقی شایعترین علت مرگ و میر در کشور می‌باشند با توجه به افزایش روزافزون شهرنشینی و الگوی زندگی شهری، امروزه بیماریهای قلبی عروقی حدود ۳۸ درصد مرگ و میر انسانها را شامل می‌شوند. عوامل خطر در بیماریهای قلب و عروق در دو گروه مطرح شده است الف) عوامل خطری که قابل تغییر نیستند مانند سن، جنس، وراثت ب) عوامل خطری که با تغییر شیوه زندگی و یا درمان دارویی تغییر می‌کند مانند تغذیه نامناسب، مصرف دخانیات، کم تحرکی، مصرف دخانیات. که همگی ریشه در الگوی نامناسب زندگی دارند به طوری که با اصلاح شیوه‌های زندگی و تغییر رفتارهای پرخطر می‌توان از شیوع این بیماری به میزان ۸۰٪ کاست و آموزش در این میان نقش عمده ای را ایفا می‌کند این موضوع بسیار مهمی است که به انسانها بیاموزیم چگونه با تغییر رفتار در زندگی روزمره می‌توان با هزینه کم ولی منظم یک زندگی سالم داشت این موضوعی همگانی و ملی است. نتایج کلیه تحقیقات انجام شده بر لزوم افزایش بینش و آگاهی جامعه در خصوص عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی به عنوان مهمترین رکن در کاهش بار بیماریهای قلبی عروقی و عواقب ناشی از آن تاکید دارند بنابراین طراحی برنامه‌های منسجم در غالب بسیج اطلاع رسانی برای ارتقاء شیوه‌های صحیح زندگی در سطح گسترده بیش از پیش در سطح شهرستان احساس می‌گردد. نگاه صحیح زنان به نوع تغذیه و نیز تحرک فیزیکی مناسب و کم کردن استرس‌های روحی خانواده و تشویق اعضای خانواده به رعایت شیوه‌های سالم زندگی مهمترین بستر برای سلامتی نسل فعلی و نسل آتی است توجه به آموزش زنان و نقش کلیدی آنها در انتقال دانش و آموخته‌های بهداشتی به خانواده و در نهایت تغییر نوع نگرش خانواده همیشه مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین تدوین برنامه بسیج اطلاع رسانی در سطح جامعه در زمینه شیوه زندگی سالم و شناخت عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی و راه‌های پیشگیری از بیماری و با هدف تغییر رویکرد زنان به عنوان یکی از مهمترین و موثرترین اقشار جامعه در این زمینه امری ضروری و کارآمد است آموزش این گروه در سطوح مختلف در راستای تضمین و ارتقاء سلامت و افزایش دانش و آگاهی‌های آحاد جامعه از جمله رسالتی است که در این طرح تعیین شده است.

اهداف تجربه: هدف کلی: ارتقاء سلامت جامعه از طریق توانمند سازی زنان خانه‌دار در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی.

اهداف اختصاصی: ارتقاء میزان آگاهی و نگرش زنان خانه دار در زمینه بهبود تغذیه - ارتقاء میزان آگاهی و نگرش زنان خانه دار در زمینه فعالیت‌های بدنی - ارتقاء میزان آگاهی و نگرش زنان خانه دار در زمینه خودکارآمدی **روش و مراحل کار:** آموزش ۲۸۳۲۰ نفر از زنان خانوار در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی طی ۳ جلسه آموزشی - برگزاری ۱۴۱۶ جلسه آموزشی با موضوعات شناخت علائم بیماریهای قلبی عروقی، تغذیه سالم، ورزش و تحرک بدنی، فشارهای روانی و استرس

نتایج: ارتقاء سطح آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار در زمینه پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی اصلاح الگوهای تغذیه ای کاهش هزینه‌های درمان پیشگیری از بروز بیماریها

مخاطب اصلی: زنان خانه دار

مسعود دهقانی

کارشناس مسئول آموزش و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی کاشان

ام البنین مشهدی

کارشناس آموزش و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی کاشان.

mashhadiom@yahoo.com

محبوبه اعلانی

کارشناس آموزش و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی کاشان

ma_elani@yahoo.com:ایمیل

محمدرضا دهقانی زاده

* کارشناس آموزش و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی کاشان. ۰۹۱۳۲۶۰۶۲۷۵

dehghanizadeh48.mr@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پورتال قلب سالم

آقای دکتر مسعود دهقانی

mph - گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت -
دانشگاه علوم پزشکی کاشان - ایران

خانم محبوبه اعلانی

کارشناس مدارک پزشکی - گروه آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت - دانشگاه علوم پزشکی کاشان - ایران

خانم ام البنین مشهدی

کارشناس بهداشت عمومی - گروه آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت - دانشگاه علوم پزشکی کاشان - ایران

آقای محمد رضا دهقانی زاده

کارشناس آموزش بهداشت - گروه آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت - دانشگاه علوم پزشکی کاشان - ایران
dehghanizadeh48.mr@gmail.com

خانم فهیمه محبوبی قزآئی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت -
گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت - دانشگاه علوم
پزشکی کاشان - ایران

وابستگی سازمانی (رشته، نام گروه، نام دانشکده،
نام دانشگاه، شهر، کشور) نویسنده مسئول: ۳ -
۰۳۱۵۵۴۲۰۰۹ -
fahimeh.mahboobi@yahoo.com

شرح تجربه

بیان مسئله: بیماری‌های قلبی - عروقی یکی از علل عمده مرگ و میر و معلولیت در سطح جهان بوده و به عنوان اولین عامل مرگ، یک سوم کل مرگ و میرها در جهان را به خود اختصاص می دهند. این بیماریها علاوه بر مرگ و میر بالا، عوارض قابل توجهی را نیز به جای می گذارند و از علل ناتوانی‌های مشخص به خصوص در سنین بالا هستند. بیماریهای قلبی و سکنه مغزی مسئول ۱۷/۱ میلیون مرگ در سال و بار افزاینده در کشورهایی با درآمد پائین و متوسط هستند که حداقل ۸۰ درصد از این مرگهای زودرس از طریق رژیم غذایی سالم، فعالیت بدنی منظم و اجتناب از دخانیات قابل پیشگیری هستند. اکثریت ۳۲ میلیون نفری که هر ساله در جهان دچار حملات و شوکهای قلبی می شوند دارای یک یا چند عامل خطر زمینه ساز هستند و اگر هیچ اقدامی جهت بهبود سلامت قلبی عروقی صورت نگیرد و روند کنونی ادامه یابد، سازمان جهانی بهداشت تخمین می زند تا سال ۲۰۲۰ در سراسر جهان ۲۵ درصد از سالهای سلامت زندگی به دلیل بیماری قلبی عروقی از دست خواهد رفت و بیشتر این رقم مربوط به کشورهای در حال توسعه است .

همچنین بیماریهای قلبی عروقی شایعترین علت مرگ و میر در کشور می باشند. با توجه به افزایش روزافزون شهرنشینی و الگوی زندگی شهری، امروزه بیماریهای قلبی عروقی حدود ۳۸ درصد مرگ و میر انسانها را شامل می شوند. ۳۳٪ مردان و ۱۰٪ زنان قبل از ۶۰ سالگی دچار سکنه قلبی می شوند و ۷۰٪ از این افراد هیچگاه بهبودی کامل نمی یابند. از طرفی تقریباً نیمی از مرگهای ناشی از بیماریهای مزمن شامل بیماریهای قلبی و سکنه مغزی در دوران بهره وری یعنی در سنین ۶۹ - ۱۵ سالگی رخ می دهد. عوامل خطر در بیماریهای قلب و عروق در دو گروه مطرح شده است: الف) عوامل خطری که قابل تغییر نیستند مانند سن، جنس، وراثت - ب) عوامل خطری که با تغییر شیوه زندگی و یا درمان دارویی تغییر می کند مانند تغذیه نامناسب، مصرف دخانیات، کم تحرکی، مصرف دخانیات، که همگی ریشه در الگوی نامناسب زندگی دارند؛ به طوری که با اصلاح شیوه‌های زندگی و تغییر رفتارهای پرخطر می توان از شیوع این بیماری به میزان ۸۰٪ کاست و آموزش در این میان نقش عمده ای را ایفا می کند. نتایج کلیه تحقیقات انجام شده بر لزوم افزایش آگاهی جامعه در خصوص عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی به عنوان مهمترین رکن در کاهش بار بیماریهای قلبی عروقی و عواقب ناشی از آن تاکید دارند. در این راستا، پورتال اجتماعی قلب سالم به منظور افزایش آگاهی عموم مردم در سال ۱۳۹۲ راه اندازی و توسط وزیر بهداشت وقت افتتاح شد.

هدف کلی: آشنایی عموم مردم با بیماریهای قلبی عروقی و راههای پیشگیری از آن

اهداف اختصاصی: افزایش سطح آگاهی افراد جامعه در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی - عروقی / بهبود نگرش افراد جامعه در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی - عروقی / تغییر و اصلاح رفتار افراد جامعه در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی - عروقی

روش و مراحل کار: همکاری واحد آموزش سلامت با واحد IT دانشگاه جهت ایجاد پورتال قلب سالم - راه اندازی پورتال قلب سالم در سال ۱۳۹۲ - درج مطالب آموزشی در پورتال قلب سالم از سال ۱۳۹۲ تا کنون
نتایج: افزایش تعداد بازدیدهای انجام شده از پورتال در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۲ / افزایش آگاهی عموم مردم نسبت به بیماریهای قلبی عروقی و راههای پیشگیری از آن

ذینفعان / مخاطبان: عموم مردم /

چالش‌های طرح: عدم همکاری هیات تحریریه به منظور تهیه مطالب آموزشی جهت درج در پورتال

کلید واژه: پورتال، شبکه، اجتماعی، قلب، سالم

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر سبک زندگی بر ارتقاء کیفیت سلامت و کنترل بیماریهای غیر واگیر

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و سبک زندگی سالم راهبردهای اصلی برای حفظ سلامت افراد است. علت بسیاری از بیماریهای مزمن، سبک زندگی و رفتارهای انسان می باشد. انجام رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت یکی از بهترین راههایی است که مردم توسط آن می توانند سلامت خود را حفظ و کنترل نمایند. سبک زندگی، فعالیت عادی و معمول روزانه است که افراد آن را در زندگی خود به طور قابل قبول پذیرفته اند؛ به طوری که این فعالیتها روی سلامت افراد تأثیر می گذارند فرد با انتخاب سبک زندگی، برای حفظ و ارتقای سلامت خود و پیشگیری از بیماریها اقدامات و فعالیتهایی را انجام می دهد سبک زندگی نامناسب همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار در بروز بیماریهای مزمن از جمله سرطان کولون، فشار خون بالا، سیروز کبدی، زخم معده، ایدز و بیماریهای قلب و عروق می باشد. در این مطالعه تاثیر سبک زندگی بر ابتلا به فشار خون در دو گروه زن و مرد رده سنی میانسال مورد بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی: این تحقیق از نوع مطالعه تحلیلی مشاهده ای بصورت مقطعی در گروه سنی میانسالان (۵۹-۳۰ سال) شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد در شش ماهه اول سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این بررسی ۶۲۳۲۶ میانسال (۳۷۹۰۹ نفر زن و ۲۴۴۲۲ نفر مرد) با مراجعه به پایگاه و خانه های بهداشت مراکز جامع سلامت، توسط مراقبین سلامت و بهورزان، مراقبت و غربالگری شدند. **یافته ها:** در این مطالعه، مصرف نمکدان سر سفره ۹۶٪ زن و ۹۱٪ مرد، مصرف روغن جامد نیمه جامد یا حیوانی ۲۳٪ زن و ۲۰٪ مرد، فعالیت بدنی نامطلوب ۴۷٪ زن و ۳۱٪ مرد و مصرف دخانیات ۹٫۵٪ زن و ۱۶٪ مرد داشتند. همچنین بیماری شناخته شده فشار خون ۱۰٫۷٪ زن و ۵٪ مرد در این گروه سنی مبتلا بودند.

نتیجه گیری: طبق بررسی انجام شده همانطور که مشاهده می شود درصد زنان دچار بیماری شناخته شده فشارخون نسبت به مردان با توجه به تاثیر سبک زندگی در این مطالعه دو برابر می باشد لذا افزایش سواد سلامت از طریق مشاوره و آموزش شیوه زندگی سالم به افراد مخصوصا زنان که رکن اصلی خانواده می باشند مهم واجتناب ناپذیر می باشد.

کلید واژه: سبک زندگی، سلامت، بیماریهای غیر واگیر، میانسالان

شیرینا کاکا دین پرور

کارشناس برنامه سلامت سالمندان و میانسالان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

سارا کاکا دین پرور

کارشناس پرستاری بیمارستان اکبر دانشگاه علوم پزشکی مشهد، نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۳۵۹۳۵

KAKASH1@MUMS.AC.IR



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مشکلات ناشی از سالخوردگی بر شادکامی و کیفیت زندگی سالمندان

شیما کاکا دین پرور

کارشناس برنامه سلامت سالمندان و میانسالان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

سارا کاکا دین پرور

کارشناس پرستاری بیمارستان اکبر دانشگاه علوم پزشکی مشهد، نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۳۵۹۳۵

KAKASH1@MUMS.AC.IR

چکیده

مقدمه: سالمندی دوره ای از تجربه سفر زندگی است که طی آن سالمندان در معرض تهدیدات بالقوه ای نظیر، افزایش ابتلا به بیماری‌های مزمن، تنهایی و انزوا، عدم برخورداری از حمایت اجتماعی بوده و به دلیل ناتوانی‌های جسمی و ذهنی در موارد زیادی نیز استقلال فردی آنان مورد تهدید قرار می‌گیرد. این عوامل می‌تواند منجر به افت کیفیت زندگی در سالمندان شود. بررسی وضعیت روانی و کیفیت زندگی سالمندان می‌تواند اطلاعات جامعی در مورد شرایط سلامت آنان فراهم کند از این رو، در این مطالعه تاثیر مشکلات ناشی از سالخوردگی بر شادکامی و کیفیت زندگی سالمندان مورد بررسی قرار گرفته است. **روش بررسی:** این تحقیق از نوع مطالعه تحلیلی مشاهده ای بصورت مقطعی در گروه سنی سالمندان ۶۰ سال و بالاتر شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این بررسی ۴۷۷۶۱ سالمند با مراجعه به پایگاه و خانه‌ها ی بهداشت مراکز جامع سلامت، توسط مراقبین سلامت و بهورزان، غربالگری و مراقبت شدند.

یافته‌ها: در این مطالعه، ۷۳۶۴ نفر (۱۶٪) از سالمندان دچار کاهش وزن و لاغری، ۱۲۶۶ نفر (۲٪) سابقه سقوط، ۲۳۷۵ نفر (۵٪) عدم تعادل، ۱۲۳۱۲ نفر (۲۶٪) وضعیت روحی نامناسب، ۲۱۷۳۴ نفر (۴۵،۵٪) فشار خون شناخته شده، ۵۹۴۴ نفر (۱۲،۵٪) دیابت شناخته شده، ۳۵۳۵ نفر (۷،۵٪) پره دیابتیک، ۱۳۷ نفر اختلال نروپاتی و ۲۲ مورد به اختلال نروپاتی مبتلا بودند.

نتیجه گیری: طبق بررسی انجام شده همانطور که مشاهده می‌شود تعداد قابل توجهی از سالمندان در معرض خطر ویا مبتلا به بیماریها می‌باشند لذا جهت ارتقای سلامت، شادکامی و کیفیت زندگی در این رده سنی وهمچنین کاهش هزینه‌های بسیار در سطح کلان، در کنار انجام مراقبت و آموزش‌های لازم جهت ارتقاء سلامت سالمندان، لزوم افزایش آگاهی و آموزش و مراقبت صحیح در گره‌های سنی قبل از سالمندی (میانسالان وجوانان... وبالخصوص در دوران پیش از بارداری در مادران) امری مهم واجتناب ناپذیر می‌باشد.

کلید واژه: سالمندان، کیفیت زندگی، مشکلات سالخوردگی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه سواد سلامت و خودکارآمدی درک شده با عملکرد خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت شهرستان جوین

چکیده

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت سواد سلامت را به صورت مهارتهای شناختی و اجتماعی که تعیین کننده انگیزه و قابلیت افراد در دستیابی، درک و به کارگیری اطلاعات به طریقی که منجر به حفظ و ارتقای سلامت آنها گردد، معرفی کرده است. سواد سلامت حاصل تشریح مساعی عوامل اجتماعی و فردی بوده و به نگرانی‌ها و ابعاد سواد در زمینه سلامتی می‌پردازد. این مطالعه با هدف رابطه سواد سلامت و خودکارآمدی درک شده بیماران دیابتی با عملکرد خود مراقبتی آنان در شهرستان جوین انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر، کلیه مبتلایان به دیابت مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان جوین در سال ۱۳۹۷ بودند. نمونه‌گیری بصورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی (۳۵۰ نمونه) انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های الف) سنجش سواد سلامت (۷۱ سوال)، ب) خودکارآمدی عمومی (۳۶ سوال)، ج) سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (۵۳ سوال) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS ۲۱ و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام گردید.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان‌داد بین سواد سلامت و خودکارآمدی ادراک شده با عملکرد خود مراقبتی بیماران رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد ($P < 0.05$) نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد مولفه‌های سواد سلامت (خودکارآمدی، استفاده و ارتباط) ۷۲ درصد تغییرات مربوط به عملکرد خودمراقبتی مبتلایان را پیش بینی می‌کند ($R^2 = 0.630$) همچنین، متغیرهای سواد سلامت و خودکارآمدی ادراک شده ۶۷ درصد تغییرات مربوط به عملکرد خود مراقبتی مبتلایان به دیابت را پیش بینی می‌کند ($R^2 = 0.542$)

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه حاکی از آن است بیماران مبتلا به دیابت که سواد سلامت و خودکارآمدی ادراک شده بیشتری دارند عملکرد خود مراقبتی در آنها بالاتر است.

کلید واژه: دیابت، سواد سلامت، خودکارآمدی، خود مراقبتی

داود رباط سرپوشی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،
دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران
کارشناس همکاری بین بخشی، دانشگاه علوم پزشکی
سبزوار، ایران

سعید مهران پور

دکترای حرفه‌ای، معاون اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی
سبزوار، ایران

سمیه کریمی مقدم

کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی
سبزوار، ایران

روح اله برقبانی

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، شبکه بهداشت و درمان
جوین، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



درک ترس و تصویب کنترل خطر برای مراقبت از پا در بیماران دیابتی نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک‌های دیابت استان خراسان شمالی: با استفاده از مدل فرآیند موازی توسعه یافته

داود رباط سرپوشی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،
دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

رضوان رجب زاده

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی ایران، ایران

حمیدرضا شرکا

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران

سیدحمیدحسینی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،

دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

Robatsd951@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: دیابت یکی از جدی‌ترین بیماری‌های غیر واگیر در سراسر جهان است و به عنوان یک بیماری با اپیدمی جهانی طبقه بندی می‌شود زخم پای دیابت یکی از ناتوان کننده ترین عوارض دیابت است که باعث بستری طولانی مدت و نیز موارد بسیاری از قطع عضو در اندام تحتانی می‌شود این مطالعه به منظور تعیین وضعیت پای دیابتی با بکارگیری مدل فرایند موازی توسعه یافته در بیماران مراجعه کننده به کلینیک‌های دیابت استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی است، که رفتارهای خود مراقبتی بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک‌های دیابت استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ را بررسی کرد. نمونه گیری به روش چند مرحله‌ای (طبقه‌های و تصادفی سیستماتیک) انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه که شامل مشخصات دموگرافیک و سوالات مدل فرآیند توسعه و خود مراقبتی می‌باشد استفاده شد اطلاعات جمع آوری شده وارد نرم افزار spss ۱۶ شده و با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و t-test (مستقل) و آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه ۵۵،۷۴ و سن ابتلا به دیابت ۴۶،۴۳ سال با نمایه توده بدنی ۲۷،۴۷ بودند. میانگین نمره خودکارآمدی درک شده مراجعین از سایر سازه‌های مدل بالاتر بود (۸۸٪) و میانگین نمره آگاهی و خودمراقبتی در حد متوسط و به ترتیب (۶۰٪ و ۶۹٪) بود. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین سن، خودمراقبتی، اثربخشی درک شده و کارایی درک شده همبستگی منفی معنی دار آماری نشان داد. آزمون تی مستقل نشان داد که فقط بین میانگین نمره اثربخشی درک شده در دوجنس تفاوت معنی دار آماری وجود دارد. بطوریکه میانگین نمره مردها بیشتر از زن‌ها بود. همچنین نتایج آزمون آنالیز کروسکال والیس، بین نمره خود مراقبتی افراد برحسب نمرات آگاهی، اثربخشی درک شده، حساسیت درک شده و کارایی درک شده افراد تحت مطالعه تفاوت معنی دار آماری وجود دارد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش که حاکی از پایین بودن سطح آگاهی و عدم رعایت برخی مسائل در خصوص خودمراقبتی و پیشگیری از ابتلا به پای دیابتی در بیماران دیابتی بود که نشان دهنده نیاز به برنامه آموزشی در کاهش معنی دار ابتلا به پای دیابتی بود. به برنامه ریزان آموزشی دانشگاه پیشنهاد می‌شود از برنامه‌های آموزشی مدون و برنامه ریزی شده مبتنی بر مدل‌ها و تئوری‌های تغییر رفتار به عنوان روشی مؤثر و کارآمد در تغییر رفتارهای پرخطر مبتلایان به دیابت استفاده نمایند.

کلید واژه: پای دیابتی، مدل فرایند موازی توسعه یافته، خراسان شمالی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی نقش فناوری اطلاعات در ارتقای سواد سلامت (یک مطالعه مروری روایتی)

چکیده

مقدمه: سواد سلامت عبارت است از دانش، انگیزه و تلاش برای دستیابی، فهم، ارزیابی و به کارگیری اطلاعات سلامت به منظور گرفتن تصمیمات روزمره ای که مراقبت سلامت، جلوگیری از بیماری و ارتقای سلامت را تحت تاثیر قرار میدهد. روشهای رایج در مراقبت سلامت به طور فزاینده ای تاکید بر مشارکت بیمار در تصمیم گیریهای سلامت و مدیریت سلامت دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات اکنون به طور گسترده ای در جهت آموزش، حمایت و ارائه اطلاعات و مراقبت سلامت به بیمار و عموم مردم در حال استفاده است. هدف از این مطالعه مروری بررسی میزان نقش فناوری اطلاعات در ارتقای سواد سلامت بود.

روش بررسی: این مطالعه به روش مروری و با کلیدواژه‌های health literacy, information technology, Internet, mobile technology, electronic health, SCOPUS, NCBI, Science Direct در پایگاه‌های علمی از جمله PUBMED, اینترنتی نیز فقط از درگاه‌هایی با پسوند دانشگاهی (ac), آموزشی (edu) و حکومتی (gov) استفاده شد. محدوده زمانی برای جستجوی مقاله بین سالهای ۲۰۱۸-۱۹۸۰ و زبان نگارش مقالات نیز زبان انگلیسی انتخاب شد. در نهایت تعداد ۴۶ مقاله که بیشترین شباهت را از نظر عنوان با موضوع مقاله داشتند، انتخاب و بررسی شدند.

یافته‌ها: امروزه انگیزه استفاده از اینترنت در قالب پست الکترونیک، پیام کوتاه، وبلاگ و شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با سایر رسانه‌ها افزایش بیشتری یافته است. علاقه به کسب اطلاعات در حوزه سلامت، یکی از دلایل استفاده روز افزون از اینترنت و موبایل است. در یک دهه گذشته، اینترنت بخاطر تواناییش در مستندسازی خوب، دربرداشتن حجم عظیمی از اطلاعات، کاهش هزینه، افزایش دسترسی، توانایی غلبه بر بعد زمان و مکان، امکان انجام مداخلات در لحظه، نه تنها وسیله ای برای رسیدن به اهداف سلامت شده است بلکه تحت عنوان سلامت الکترونیک در توزیع و گسترش خدمات سلامت بین بیماران، پزشکان، ارائه دهندگان سلامت و سایر ذینفعان این حوزه نیز نقش مهمی داشته است. فناوری اطلاعات گسترده وسیع و متنوعی از خدمات سلامت را از طریق اینترنت و موبایل به ما ارائه میدهد که شامل ارتباط الکترونیک بین بیمار و ارائه دهندگان سلامت، پرونده الکترونیک سلامت، برنامه‌های آموزش سلامت، پرتال اطلاعات بیماران، پایش از راه دور، ارتباط با بیمار و آموزش او، ردیابی شیوع بیماری، تشخیص و حمایت از تصمیمات درمانی میشود.

نتیجه گیری: پیامدهای مثبت استفاده از اینترنت در سلامت شامل پیشرفت مردم در دانش پزشکی، ایجاد حس توانمند سازی بیمار، توصیف بهتر از وضعیت خود در ویزیت‌های پزشکی و افزایش مهارت‌های خودمدیریتی شده و به طور چشمگیری باعث ارتقای سواد سلامت افراد میشود.

کلید واژه: سواد سلامت، فناوری اطلاعات، سلامت الکترونیک، اینترنت، موبایل.

فائزه رحمانی

کارشناس فناوری اطلاعات سلامت، گروه فناوری اطلاعات سلامت، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی قائم (عج)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

دکتر محمد واحدیان شاهرودی

* دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۷۰

Email: vahedianm@mums.ac.ir



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اختلال خواب در سالمندان: مطالعه مبتنی بر جمعیت، ایران، شیراز

بهنام هنرور

مرکز سیاست گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی
شیراز، ایران

طیبه رحمانی

* گروه سلامت سالمندی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
تلفن: ۰۹۱۳۶۰۶۳۵۳۷

Email: Tayebe.dastbas@gmail.com

الهه خاکسار

گروه آمار و اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی
شهید صدوقی یزد

مریم آزادگان

مرکز سیاست گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی
شیراز، ایران

فاطمه جعفری

مرکز سیاست گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی
شیراز، ایران

چکیده

مقدمه: جمعیت سالمندان (بالای ۶۰ سال) جهان تقریباً در حال دو برابر شدن است. به گونه ای که از ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۲ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. ۳۰ درصد از جمعیت ایران نیز در سال ۲۰۵۰ سالمندان خواهد بود. یکی از مشکلات مهم در این گروه جمعیتی مشکل خواب می باشد. کمبود خواب باعث افزایش خطر ابتلا به بیماری ها و افزایش مرگ و میر می شود. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در بین سالمندانی که تحت مراقبت های یکپارچه مراکز بهداشت شیراز هستند طراحی شده است.

روش بررسی: این یک مطالعه مقطعی می باشد که طی ۱/۵ سال بر روی سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شیراز انجام شد. ۱۲ نفر سالمند به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از مراکز بهداشتی انتخاب شدند. کیفیت خواب آن ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد پیتزبورگ بررسی شد. داده از طریق نرم افزار spss آنالیز شد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان (۶۰-۹۰) سال بود. شامل ۲۱۶ نفر زن و ۱۹۶ نفر مرد. ۵۵٫۲ درصد از شرکت کنندگان دارای مشکل خواب بودند که شامل ۴۶٫۶ درصد مشکل خواب ضعیف، ۸٫۲ درصد مشکل خواب متوسط و ۰٫۳ درصد مشکل خواب شدید.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که بیش از نیمی از سالمندان از مشکل خواب رنج می برند. و عوامل مختلفی مانند بیماری قلبی، کیفیت زندگی پایین، دردهای مزمن، وضعیت ناهل، پوکی استخوان و نداشتن منبع مالی مستقل بر کیفیت خواب آن ها تاثیر می گذارد. بنا بر این مداخلات و برنامه های بهداشتی باید در جهت افزایش کیفیت خواب سالمندان باشد.

کلید واژه: سالمندی، کیفیت خواب، شیوع، شیراز، درد مزمن

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مروری بر نقش شبکه‌های اجتماعی در سلامت

چکیده

مقدمه: بسترهای مربوط به رسانه‌های اجتماعی از جمله فناوری‌های موبایل، سایتها و شبکه‌های اجتماعی، پتانسیل فزاینده‌ای را جهت اقدامات پیشگیرانه و درمان بیماری‌ها دارند. رسانه‌های اجتماعی، کاربران را قادر می‌سازد تولید، اشتراک گذاری و دریافت اطلاعات در جهت بهبود مراقبت را فارغ از مرزهای جغرافیایی انجام دهند همان رسالتی که امروز، در فناوری‌های "پزشکی از راه دور" انتظار داریم بنابراین همسویی این فناوری با پزشکی از راه دور خواهد توانست، نقش هدایت کننده‌ای در توسعه و بهبود مراقبت ایفا کند. حضور کادر بالینی در این رسانه‌ها همکاری همزمان با چندین مشاور آنلاین را امکان پذیر می‌کند و ارتباط بین متخصصین و بیماران را تسهیل می‌کند.

اهداف: در این مقاله چارچوب رسانه‌های اجتماعی معرفی می‌شود و ابعاد مختلفی همچون مزایا، کاربرد و محدودیت‌های این فناوری در حوزه سلامت مورد بحث قرار می‌گیرد.

روش بررسی: بررسی مروری بر مقالات سال ۲۰۱۸ در رابطه با سلامت و شبکه‌های اجتماعی در پایگاه‌های داده Pubmed, science direct, Cochrane

یافته‌ها: رسانه‌های اجتماعی اجازه می‌دهد که اطلاعات به فرمت‌هایی غیر از متن نیز ارائه شود و اطلاعات بهداشتی را برای طیف وسیعی از مخاطبان با نیازهای ویژه، فراهم می‌آورد؛ جنبه مهم استفاده از رسانه‌های اجتماعی در زمینه‌ی ارتباطات بهداشتی این است که می‌تواند حمایت عادلانه، اجتماعی و عاطفی را برای عموم مردم و بیماران فراهم سازد تغییر الگوی رفتاری که بواسطه شبکه‌ها اجتماعی شکل می‌گیرد اختلافات بهداشتی را کاهش می‌دهد اما از طرفی نابرابری در دسترسی به اینترنت می‌تواند بعنوان عاملی بازدارنده در مشارکت رسانه‌های اجتماعی عمل کند و نیازمند بررسی دقیق درمورد برابری دسترسی و اثربخشی برای کاربران مختلف است.

مسائل قانونی و امنیتی نیز باید در این رسانه‌ها لحاظ شود تا با کاربرد آن در سلامت، شاهد بهبود کیفیت در خدمات مراقبتی باشیم این مساله یک سیاست عمومی و نیازمند آموزش عموم مردم، بیماران و متخصصان بهداشتی است تا از ماهیت استفاده از رسانه‌های اجتماعی آگاهی یابند.

نتیجه‌گیری: استفاده از این کانال‌ها برای برقراری ارتباط با بیماران می‌تواند پاسخ سریع را تضمین کند، اما نمی‌تواند جایگزین تبادل چهره به چهره (یا حتی یک تماس تلفنی) شود، زیرا امکان سوء تعبیر وجود دارد. استفاده از منابع اطلاعاتی آنلاین می‌تواند از طریق فرایند خودآموزی به توانمندسازی بیماران کمک کند، اما خطر یافتن اطلاعات غلط نیز وجود دارد و در برقراری ارتباط میان همکاران نیز لازم است قوانین و فرایندهایی ایمن، تدوین گردد. ارسال اطلاعات در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به توسعه روابط بین افراد کمک کند اما می‌تواند مرزهای بین زندگی حرفه‌ای و شخصی را نیز به چالش کشاند.

زهرا رحمتی نژاد

کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

فاطمه رحمتی نژاد

کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

معصومه سرباز

گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت با سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت سالمندان

زهرا رحیمی خلیفه کندی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
. گروه آموزش بهداشت . دانشکده بهداشت. دانشگاه
علوم پزشکی ایران. تهران . ایران . نویسنده مسئول:
تلفن ۰۹۳۷۰۷۸۴۵۷۵:

tarla1367@yahoo.com

فاطمه استصاری

استادیار. دکترای آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،
تهران، ایران

چکیده

مقدمه: بسیاری از معیارهای سبک زندگی سالم در ارتباط مستقیم با رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی می‌باشند. سالمندانی که رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی را درپیش گیرند، سالمندی سالم را تجربه خواهند کرد. سواد سلامتی از جمله عواملی است که در اتخاذ رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی و سبک زندگی سالم نقش دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سواد سلامت با سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت سالمندان انجام پذیرفت

روش بررسی: نوع مطالعه توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی می‌باشد. تعداد ۳۵۰ سالمند بالای ۶۰ سال از بین مراجعه کننده به پارک‌های سطح شهر تهران با روش نمونه گیری در دسترس انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه سواد سلامت بزرگسالان ایرانیان و پروفایل سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت نسخه ۲ استفاده گردید. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی و آزمون آزمون تی دو نمونه ای مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه، کای اسکوئر و آزمون فیشر استفاده شد. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج حاصل از آنالیز واریانس یکطرفه نشان داد که بین کلیه ابعاد سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت شامل: مسئولیت پذیری سلامت، فعالیت فیزیکی، تغذیه، رشد روحی و معنوی، ارتباط بین فردی، مدیریت استرس و نمره کل سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت با سطح سواد سلامت رابطه آماری معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌های مطالعه بین سطح سواد سلامت با ابعاد سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت رابطه معنی داری مشاهده گردید. بر همین اساس توصیه می‌گردد که گام‌هایی درجهت طراحی برنامه‌های آموزشی موثر با تاکید بر افزایش سطح سواد سلامت و بهبود رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در بین سالمندان برداشته شود.

کلید واژه: سبک زندگی، رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی، سواد سلامت، سالمند



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش صلح با محیط زیست بر مشارکت دانش آموزان ابتدایی شهرستان مراغه در بازیافت از مبدا بر اساس مدل آلبنیائی

شرح تجربه

بیان مسئله: جمعیت جهان به طور قابل توجهی در حال رشد است همراه با این افزایش رشد، دفع زباله و مدیریت آن یکی از مشکلات جدی برای انسان و سیستم‌های زیست محیطی است. بازیافت به عنوان یک فرایند مدیریت زباله توجه زیادی را برای حفاظت از محیط زیست به خود جلب کرده است.

اهداف تجربه: هدف کلی توانمند کردن افراد جامعه و جلب مشارکت همه جانبه جهت بازیافت زباله از مبدا می‌باشد. اهداف اختصاصی جلب مشارکت دانش آموزان، خانواده‌ها، کارکنان مدارس، شهرداری و آموزش پرورش جهت توانمندی در زمینه بازیافت از مبدا می‌باشد

روش و مراحل کار: جهت دستیابی به اهداف مطالعه در ابتدا با استعلام از شهرداری شهرستان مراغه مشخص شده که بازیافت از مبدا به ندرت در منازل و مدارس صورت می‌گیرد. بنابراین تیم اجرایی بر آن شد که با ایجاد مشارکت در بین خانواده‌ها و آموزش از طریق مدارس و تامین هزینه از طریق شهرداری به اجرای برنامه آموزشی و ارتقای در جهت آموزش بازیافت از مبدا اقدام نماید. تمام دانش آموزان ۴ مدرسه والدین آنها و کارکنان مدارس با هماهنگی آموزش پرورش و کسب رضایت از والدین در فعالیت‌های آموزشی شرکت داشتند. با استفاده از رویکرد سیستمی مداخله به صورت درگیری شهرداری، آموزش و پرورش، خانواده‌ها، دانش آموزان و مداخله محیطی صورت گرفت که مداخله آموزشی دانش آموزان شامل ۷ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای آموزش کلاسی با همکاری آموزش گران همسال و برنامه‌های جانبی مثل کار دستی، نقاشی، بازی جاده بازیافت، سوگند سبز، بازی با بازیافت و پخش ترانه اجرا گردید. با جلب مشارکت شهرداری سطل‌های زباله بازیافت در مدرسه تعبیه شد. نحوه انجام جداسازی به دانش آموزان گروه آزمون به عنوان محافظ سبز به صورت عملی در محیط مدرسه آموزش داده شد. یک جلسه بحث و گفتگو با کارکنان مدارس جهت جلب مشارکت کارکنان و همچنین تبادل نظر در مورد روش‌های نوین تدریس مسائل زیست محیطی برگزار گردید. کتب درسی مقطع ابتدایی مورد ارزیابی گردید و نقاط ضعف و قوت کتب در زمینه آموزش مسائل زیست محیطی به صورت یک گزارش در اختیار کارکنان مدارس قرار گرفت تا با استفاده از مطالب جدیدی پیشنهادی درباره آموزش بازیافت از مبدا، در مشارکت هر چه بیشتر دانش آموزان همکاری داشته باشند. همچنین یک جلسه بحث و گفتگو با والدین دانش آموزان جهت جلب مشارکت ایشان در بازیافت از مبدا و همکاری با دانش آموزان برای انجام بازیافت در خانه برگزار گردید از ۳ پرسشنامه محقق ساخته شامل پرسشنامه مختص دانش آموزان، پرسشنامه مختص کارکنان مدارس و پرسشنامه مختص والدین که شامل سوالات آگاهی، نگرش، عملکرد و مشارکت در زمینه بازیافت از مبدا بود استفاده گردید. که روایی و پایایی آن در این مطالعه سنجیده شد. پرسشنامه قبل، یک ماه و سه ماه بعد از مداخله توسط دانش آموزان والدین و کارکنان مدارس تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری در نرم‌افزار SPSS ۱۶ تجزیه و تحلیل شدند

نتایج: بعد از اجرای مداخله ۹۴٪ از دانش آموزان بازیافت را در محیط مدرسه به صورت عملی انجام دادند نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش صلح با محیط زیست بر اساس مدل آلبنیائی بر مشارکت دانش آموزان ابتدایی، والدین و کارکنان مدارس در بازیافت از مبدا مؤثر است.

ذینفعان / مخاطبان: ذینفعان مطالعه حاضر دانش آموزان، معلمان، خانواده دانش آموزان بوده است **چالش‌های طرح:** یکی از مهمترین چالش‌های طرح حاضر عدم مشارکت فعال جمعیت تحت پوشش بود لذا پیشنهاد می‌گردد از طریق پیوند قوی بین اولیای مدرسه و دانش آموزان اقدام گردد.

کلید واژه: آموزش، بازیافت، مشارکت، مدل آلبنیائی

زهرا رحیمی خلیفه کندی

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت. گروه آموزش بهداشت. دانشکده بهداشت. دانشگاه علوم پزشکی ایران. تهران. ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۳۷۰۷۸۴۵۷۵

tarla1367@yahoo.com.: Email

محمد حسین تقدیسی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت. گروه آموزش بهداشت. دانشکده بهداشت. دانشگاه علوم پزشکی ایران. تهران. ایران.

فاطمه استصاری

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر تمرین‌های ایزومتریک و ایزوتونیک بر تغییرات فشار خون در افراد مبتلا به پر فشار خونی خفیف

زهرا رحیمی

* استادیار (طب ورزشی). گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران. ۰۹۱۷۱۸۹۳۱۶۶
Rahimi2491@yahoo.com

چکیده

مقدمه: مطالعات گوناگون نشان داده اند که افزایش فشارخون یکی از خطرات تهدید کننده سلامتی در جوامع مدرن است. نتایج تحقیقات بیانگر این است که حدود ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا دچار پرفشارخونی هستند. علاوه بر این پرفشارخونی عوارض بسیاری از جمله سکنه مغزی و فلج اعضا، مشکلات قلبی، کلیوی و نهایتاً مرگ زودرس را بدنبال دارد. با توجه به نقش مهم و تأثیرگذاری که ورزش و فعالیت‌های منظم بدنی بر سلامت فیزیکی و روانی افراد جامعه دارد و همچنین توجه به این نکته که پیشگیری همیشه بهتر و ارزانتر از درمان است، به منظور ارتقای سلامت جامعه و کاهش هزینه‌های گزاف درمانی معرفی و شناسایی دو نوع تمرین ورزشی ساده که قابل یادگیری و استفاده عموم در منزل و باشگاه‌ها باشد ضروری به نظر می‌رسد. این مطالعه باهدف بررسی اثر دونوع تمرین ایزومتریک و ایزوتونیک بر تغییرات فشارخون در افراد مبتلا به پرفشارخونی خفیف مراجعه کننده به درمانگاه‌های داخلی دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت پذیرفته است.

روش بررسی: آزمودنی‌های این تحقیق شامل ۳۰ نفر (۱۲ مرد و ۱۸ زن) با میانگین سنی ۵۲/۶۷ سال و وزن ۷۰/۲۷ کیلوگرم بودند که به طور داوطلبانه در این تحقیق نیمه تجربی شرکت نمودند. ابتدا به تمامی آزمودنی‌ها اطلاعات لازم درباره نحوه آزمون داده شد و فرم رضایت نامه و اطلاعات شخصی توسط آنها تکمیل شد. ابزار اندازه گیری شامل: فشارسنج دیجیتال و دستگاه ایزوکتینیک بود. میزان فشارخون سیستولیک، دیاستولیک و میانگین فشار شریانی در زمان استراحت و بعد از انجام تمرین ایزومتریک و پس از بود. ۱۰، ۲۰، ۳۰ دقیقه تمرین ایزوتونیک اندازه گیری شد. روش آماری مورد استفاده آزمون **یافته‌ها:** اختلاف معنا داری بین تغییرات فشارخون دیاستولیک ($MD = 11/24 \pm 7/7$) و شریانی ($MD = 10/27 \pm 6$) پس از اعمال تمرین ایزومتریک مشاهده شد. پس از انجام ۱۰ دقیقه تمرین ایزوتونیک میانگین تغییرات فشارخون سیستولیک ($MD = 5/68 \pm 7/51$) دیاستولیک ($MD = 8/2 \pm 10/1$) و شریانی ($MD = 7/44 \pm 7/56$) بود که در هر سه مورد اختلاف معنا دار بود. ($p < 0/05$) بعد از انجام ۳۰ دقیقه تمرین ایزوتونیک تغییرات فشارخون سیستولیک ($MD = 11/43 \pm 11/82$)، دیاستولیک ($MD = 4/2 \pm 9/0$) و شریانی ($MD = 6/6 \pm 8/33$) بود که در هر سه مورد اختلاف معنا دار قبل و بعد از تمرین مشاهده شد ($p > 0/05$).

نتیجه گیری: بیشترین افزایش در فشارخون سیستولیک، دیاستولیک و میانگین فشار شریانی بعد از ۱۰ دقیقه تمرین ایزوتونیک حاصل شد. همچنین انجام ۳۰ دقیقه تمرین ایزوتونیک باعث کاهش قابل توجهی در فشارخون سیستولیک و میانگین فشار شریانی شد.

کلید واژه: پرفشارخونی، فشار سیستولیک، فشار دیاستولیک، تمرین ایزوتونیک، تمرین ایزومتریک



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین شیوع ناهنجاری جلو آمدن سر و رابطه آن با برخی اختلالات سیستم فکی - دهانی

زهرا رحیمی *

استادیار (طب ورزشی)، گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

۰۹۱۷۱۸۹۳۱۶۶

Rahimi2491@yahoo.com

چکیده

مقدمه: محققان ریشه بسیاری از بیماری‌های کودکان را نقص در مکانیزم بدنی مطرح نموده اند. در ارتباط با علت‌های ایجاد مکانیزم بدنی ضعیف میتوان به موارد زیر اشاره کرد: فعالیت زیاد، عدم شرایط شغلی مناسب، تغذیه نامناسب، ضعف عضلانی، توارث، وضعیت فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی، بیماری‌ها و آسیب‌های اسکلتی. با توجه به شیوع نسبتاً بالای ناراحتی‌های مربوط به سیستم فکی-دهانی، فکی-گیجگاهی و درد ناشی از آن، به نظر می‌رسد که وضعیت بدنی نامناسب سر و گردن نقش قابل توجهی در این اختلالات داشته باشد. به منظور شناسایی و معرفی این گونه آسیبها به افراد جامعه و بالابردن سواد سلامت عمومی و همچنین پیشگیری از آسیب و بهبود وضعیت بدنی و در نتیجه سلامت جامعه، بررسی کنونی صورت پذیرفت. مطالعه مذکور بررسی شیوع ناهنجاری جلو آمدن سر و ارتباط آن با برخی اختلالات سیستم فکی-دهانی در دانش‌آموزان سالم دبیرستان‌های شیراز بوده است.

روش بررسی: ۵۰۰ دانش‌آموز ۱۴ تا ۱۸ سال به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از بین دانش‌آموزان سالم دبیرستان‌های ناحیه ۴ آموزش و پرورش شیراز انتخاب شدند و از نظر شدت ناهنجاری جلو آمدن سر به ۳ دسته (نرمال، متوسط، شدید) تقسیم شدند. ارزیابی وضعیت بدنی با استفاده از شاغول (طبق نظر کندال و مک کراری) صورت گرفت. اطلاعات مربوط به سیستم فکی-دهانی از طریق معاینه، مشاهده و تکمیل پرسشنامه بدست آمد. از آزمون‌های مجذور کای و آنالیز تحلیل واریانس یک راهه جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها: بین ناهنجاری جلو آمدن سر و جنسیت ارتباط معنی داری مشاهده شد (دختران نسبت به پسران ناهنجاری جلو آمدن سر را بیشتر نشان دادند). ارتباط معنی داری بین ناهنجاری جلو آمدن سر با قد بدست آمد (شیوع بیشتر ناهنجاری در افراد قد بلند). همچنین بین دو متغیر «جلو آمدن سر» و «ناراحتی‌های انکساری چشم» ارتباط معنی داری مشاهده گردید و از بین افراد مبتلا به ناهنجاری جلو آمدن سر تعداد بیشتری دچار مشکل نزدیک بینی بودند.

ارتباط متغیرهای «جلو آمدن سر» و میزان باز شدن دهان نیز معنی دار بود. بدین مفهوم که با تشدید ناهنجاری جلو آمدن سر شیوع باز شدن دهان بصورت غیرنرمال (باز شدن بیش از حد یا کمتر از حد نرمال) افزایش می‌یافت.

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع ناهنجاری جلو آمدن سر در جمعیت مورد نظر می‌توان با ایجاد شرایط بهینه حتی الامکان از بروز آنها جلوگیری کرد. بخصوص اگر مساله وضعیت بدنی در اوایل کودکی و در مدارس مورد توجه واقع شود و در قالب طرح سنجش در مدارس اجرا شود، می‌تواند تا حد زیادی از بروز وضعیت بدنی نامناسب و عوارض ناشی از آن بکاهد. همچنین افراد بلند قامت و دختران در معرض خطر بیشتری هستند و توجه به این گروه جهت جلوگیری از عوارض مذکور در اولویت است.

کلید واژه: جلو آمدن سر، اختلالات سیستم فکی‌دهانی، مشکلات مفصل فکی‌گیجگاهی.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت‌های اداری زنان باردار

سیده فاطمه رحیمی

دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (آموزش بهداشت
و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی،
بیرجند، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۸۴۳۵۵۴۰
fateme.rahimi64@yahoo.com

چکیده

مقدمه: عفونت ادراری یکی از مشکلات شایع در زنان است و در دوران بارداری به علت تغییراتی که در بدن رخ می‌دهد ابتدا به عفونت ادراری محتمل تر می‌شود. این مطالعه با هدف تخمین تاثیر آموزش بهداشت بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری در زنان باردار انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه تجربی ۱۴۰ زن باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر زاهدان انتخاب شدند. مراکز به طور تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شد. داده‌ها از طریق پرسش نامه جمع آوری شد. روایی محتوایی پرسشنامه به روش پانل خبرگان ۰/۸۱ و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شد. پس از بررسی اولیه محتوای آموزش طراحی و آموزش‌ها داده شد. پس از ۴۵ روز مجدداً آزمون انجام شد و نتایج با آزمون‌های کای اسکوئر، تی تست و همبستگی با استفاده از نرم افزار آماری spss ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قبل و بعد از مداخله آموزشی برای آگاهی رفتار و همه اجزای مدل در گروه مداخله نسبت به گروه شاهد اختلاف معنی داری مشاهده شد ($p < 0.001$) و به طور معناداری افزایش پیدا کرد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که برنامه آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی می‌تواند در ارتقای رفتارهای پیشگیرانه از عفونت ادراری زنان باردار موثر باشد. بنابر این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی برای طراحی و اجرای مداخله آموزشی برای پیشگیری از عفونت ادراری مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: مدل اعتقاد بهداشتی، آموزش بهداشت، زنان باردار، عفونت دستگاه ادراری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سنجش نگرش و باور بیماران همودیالیز در خصوص خودمراقبتی دارویی کلیوی

چکیده

مقدمه: بیماری نارسایی پیشرفته کلیوی (ESRD) یک بیماری مزمن است که روش‌های درمان آن شامل درمان طولانی مدت با دیالیز یا پیوند کلیه می‌باشد. تصورات اشتباه در خصوص خود مراقبتی در میان اعضای جامعه منجر به استفاده ناپجا از داروها بخصوص در بیماران با نارسایی مزمن کلیوی می‌شود که نه تنها موجب درمان بیماری نمی‌شود بلکه باعث ایجاد عوارض دارویی در طولانی مدت نیز می‌گردد. با توجه به ضروری بودن ارزیابی صحیح سلامت و الگوی صحیح مصرف دارو در این بیماران، مطالعه حاضر با هدف سنجش نوع نگرش و باورهای عمومی در خصوص خود مراقبتی و مصرف داروهای کلیوی انجام گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی به روش بررسی دانش، نگرش و باور عمومی انجام شده است. داده‌ها از طریق جمع آوری پرسشنامه تبعیت دارویی مورد بررسی قرار گرفته است. تعداد کل نمونه ۹۰ بیمار تحت همودیالیز در دو مرکز آموزشی درمانی بوده است.

یافته ها: طبق نتایج این مطالعه ۵۴٪ زن؛ میانگین همودیالیز ۴ سال، ۹۰٪ از طریق فیستول دیالیز می‌شدند. ۷۸٪ آموزش در خصوص داروهای کلیوی را توسط کادر پرستاری دریافت کرده بودند. ۶۸٪ با مقوله خودمراقبتی آشنا بودند. ۷۲٪ جهت درمان بیماریهای جزئی اقدام به خود مراقبتی در منزل میکردند علی رغم آشنایی با مقوله خود مراقبتی در حیطه داروهای کلیوی؛ تنها ۳۷٪ اصول صحیح داروهای کلیوی را رعایت میکردند ۴۸٪ بدون اجازه پزشک از داروی دیگری (شیمیایی یا گیاهی) می‌کردند.

نتیجه گیری: پیروی بیمار از رژیم دارویی تحت تاثیر عواملی از جمله باورهای شخصی، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. اگر چه پیروی از رژیم دارویی میتواند نقش مهمی در بهبود سطح سلامت و احساس خوب بودن بیماران تحت همودیالیز داشته باشد، اما میزان پیروی از آن در این بیماران به شدت پایین است در این مطالعه وجود تصورات اشتباه در خصوص خودمراقبتی و مصرف برخی داروهای سنتی و مکمل توسط بیماران دیالیزی مشاهده شد. بهبود آگاهی و استفاده از روش‌های نوین آموزش خود مراقبتی در ارتباط با مصرف صحیح داروهای کلیوی لازم و ضروری است.

کلید واژه: همودیالیز، خود باوری، نگرش

فاطمه رحیمی

* کارشناسی ارشد مراقبت ویژه، کارشناس پژوهش، واحد توسعه تحقیقات بالینی رجا، مرکز آموزشی درمانی رجا، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.
۰۹۱۲۳۱۰۳۵۴۱

frahini110@gmail.com

ناهید رژه

دکترای پرستاری، دانشیار، دانشکده پرستاری مامایی شاهد، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

زهره رحمانی

کارشناسی ارشد مراقبت ویژه، پرستار بخش ویژه، واحد توسعه تحقیقات بالینی رجا، مرکز آموزشی درمانی رجا، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

ژی‌نب محمدی

سودابه شاه قلوبی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزشیابی رسانه‌های آموزشی مرکز بهداشت جنوب تهران از نظر گروه هدف

فاطمه رحیمی

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. تلفن: ۶۶۹۷۸۰۵۱
EMAIL: negarmosafer@yahoo.co.uk

فرحناز ثابتی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

آرامش غفاری

کارشناسی بهداشت عمومی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زیبا ورشوچی

کارشناسی مامائی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زهره سادات میر سعیدی

کارشناسی ارشد مامائی، مرکز بهداشت جنوب تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زهره حضرتی میمنه

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

چکیده

مقدمه: رسانه آموزشی ابزاری است برای ارائه آموزش به فراگیر و جزئی از فرایند آموزش و تکنولوژی آموزشی محسوب می‌شود. کل محتوای آموزش را به فراگیران منتقل می‌کند و با وسیله کمک آموزشی که شامل اشیاء، وسایل یا ابزاری است که تنها در بخشی از آموزش از آنها استفاده می‌شود تفاوت دارد. **روش بررسی:** ۱۷ رسانه آموزشی چاپی تولید شده توسط مرکز بهداشت جنوب تهران تا سال ۱۳۹۶ و دارای مجوز از کمیته علمی فنی معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، شامل ۱۴ پمفلت، یک کارت آموزشی، یک بروشور و یک کتابچه، به همراه پرسشنامه ۹ سوالی - تایید شده توسط واحد آموزش و ارتقای سلامت همان معاونت - در مراکز خدمات سلامت جامعه، پایگاه‌های سلامت، مدارس و سازمان‌ها توزیع شده و توسط گروه هدف ارزشیابی شدند. تعداد پرسشنامه توزیع شده به اندازه یک درصد تعداد چاپ اولیه رسانه (۴۱۹ برگ) و تعداد پرسشنامه تکمیل شده ۳۸۹ برگ بود.

یافته‌ها: میانگین نمرات نشان داد از نظر گروه هدف، وضعیت رسانه‌ها به شرح زیر است:

ردیف	سوال	زیاد	متوسط	کم	اصلا	مورد ندارد/بدون جواب
۱	توانایی افزایش اطلاعات بهداشتی	۴۴۰/۱	۴۴۸/۳	۴۸/۳	۲۳/۳	
۲	توانایی به فکر واداشتن درباره وضعیت سلامتی خود یا اطرافیان	۴۴۲/۴	۴۴۵/۲	۴۹/۱	۴۳	
۳	توانایی تغییر باورهای بهداشتی	۴۴۱	۴۳۹/۷	۴۱۱/۲	۴۲/۲	۴۵/۹
۴	توانایی ایجاد انگیزه رفتار بهداشتی و ترک رفتار ناسالم	۴۴۴/۷	۴۳۹/۸	۴۹/۹	۴۴/۵	۱/۱
۵	توانایی آموزش انجام صحیح رفتارهای بهداشتی	۴۴۲	۴۴۷/۱	۴۸/۸	۴۲/۱	
۶	توانایی معرفی منابع اطلاعاتی بیشتر	۴۳۲/۷	۴۴۲/۷	۴۱۶/۳	۴۸/۳	
میانگین	-	۴۴۰/۵	۴۴۳/۸	۴۱۰/۶	۴۳/۹	

همچنین یافته‌ها نشان داد ۸۵٪ گروه هدف، مطالب بهداشتی رسانه را به دیگران توصیه کرده اند، رسانه‌ها توانسته اند انتظارات بیشتر از ۶۱٪ گروه هدف را برآورده کنند. رسانه‌های ترجیحی به ترتیب فیلم آموزشی، کتابچه، بروشور / پمفلت، کانال تلگرامی، تیزرتلوویزیونی، پوستر و اپلیکیشن موبایل بود. **نتیجه‌گیری:** رسانه‌های آموزشی ارزشیابی شده از نظر گروه هدف در وضعیت تا حدی مطلوب قرار داشتند. پیشنهاد می‌شود برای ارتقای سطح برآورد انتظارات، امکان شرح آنها توسط گروه هدف وجود داشته باشد. تهیه کنندگان، با استفاده از روش‌های نوین تکنولوژی آموزشی در جهت ارتقاء باورهای بهداشتی همت بیشتری ورزند. مجموعه ای از روش‌ها و رسانه‌ها بر اساس خصوصیات گروه هدف، منابع انسانی و غیر انسانی و موضوع آموزشی استفاده شود.

کلید واژه: ارزشیابی، رسانه، آموزش، سواد سلامت، باور بهداشتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین پر فشاری خون و چاقی در نمازگزاران شهرستان قاین در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: با توجه به این که چاقی و افزایش فشار خون در ابتلا به آترواسکلروز که جزء علل اصلی مرگ و میر است؛ از عوامل خطرزا محسوب می‌شوند و با توجه به عدم وجود مطالعات همه گیر شناختی کافی در این زمینه بخصوص در جوامع روستایی کشور پژوهش جهت بررسی ارتباط بین فشار خون و چاقی در بین نمازگزاران شهرستان قاین انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که بر روی ۲۶۷ نفر از نمازگزاران شهر قاین در سال ۱۳۹۵ با نمونه گیری به روش ساده انجام شد. ابزار گردآوری چک لیست پژوهشگر ساخته ای است که روایی و پایایی آن توسط پژوهشگر تایید شده است و میزان فشار خون، وزن و قد هر آزمودنی اندازه گیری و نمایه توده بدن محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ توسط آزمون‌های آماری تی مسقل، من ویتنی، ANOVA، کروسکال والیس و کای اسکوتر استفاده شد. یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین سنی افراد $46/46 \pm 11/68$ بود. ۶۸/۲٪ زنان (۱۸۲ نفر) و ۳۱/۸٪ مردان (۸۵ نفر)، ۹۸/۵٪ شهری و ۱/۵٪ روستایی، ۹۱٪ (۲۴۳ نفر) متاهل و ۹٪ (۲۴ نفر) مجرد بودند. ارتباط بین فشار سیستولیک و افزایش BMI معنادار نبود ($P > 0/452$) حال آن که بین فشار دیاستولیک و افزایش BMI ارتباطی معنادار یافت شد ($P < 0/005$).

نتیجه گیری: با توجه به معنادار شدن ارتباط بین فشار سیستولیک و افزایش BMI و این که فشار سیستولیک به مراتب تاثیر بیشتری نسبت به فشار دیاستولیک بر عملکرد قلب دارد پیشنهاد می‌شود افراد دارای اضافه وزن و پرفشاری خون با اصلاح سبک زندگی و پایش مداوم وضعیت سلامت خود، از عوارض احتمالی پیشگیری به عمل آورند.

کلید واژه: پر فشاری خون، چاقی، ارتباط بین چاقی و فشار خون

محمد رضا جانی

مری، گروه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد اسلامی قاین، دانشکده پرستاری و مامایی قاین، قاین، بیرجند، ایران

محمد رضا رزم آرا

مری، گروه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی قاین، قاین، بیرجند، ایران
قاینات، ایران. تلفن: ۰۹۱۵۹۶۲۴۵۱۸

jani_mr66@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی و تبیین رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری تب مالت در زنان دامدار روستایی بر اساس سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی

براتعلی رضاپور

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

ناصر شرفخانی

دانشجوی دکتری، گروه آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،
اصفهان، ایران

اصفهان، ایران نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۹۴۱۳۶۶۷
baratalir@yahoo.com.

چکیده

مقدمه: بیماری تب مالت یکی از بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه بر وضعیت بهداشت عمومی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی متاثر است. یکی از راهکارهای مقابله با این بیماری پیشگیری و کنترل آن است. هدف این مطالعه بررسی و پیش بینی رفتارهای پیشگیری کننده از تب مالت بر اساس سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی در بین زنان دامدار روستایی شهرستان ارومیه می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر به صورت مطالعه توصیفی- تحلیلی می‌باشد که بر روی ۱۰۰ زن دامدار روستایی انتخاب شده به روش نمونه گیری چند مرحله ای از روستاهای تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان ارومیه انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر مشخصات دموگرافیک، سوالات مرتبط به سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی بود، داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss20 و آزمون‌های توصیفی و تحلیلی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** در این پژوهش ارتباط معنی داری بین میانگین نمره سازه حساسیت درک شده، موانع درک شده و خودکارآمدی با عملکرد پیشگیری کننده زنان در خصوص بیماری تب مالت گزارش گردید. اما بین سازه‌های شدت درک شده و منافع درک شده با بیان عملکرد پیشگیرانه زنان در ارتباط با تب مالت رابطه معنی داری مشاهده نشد. همچنین از بین سازه‌ها مدل اعتقاد بهداشتی موانع درک شده و خودکارآمدی مهمترین تبیین کننده‌های عملکرد پیشگیری کننده زنان در خصوص بیماری تب مالت بود. **نتیجه گیری:** مطالعه حاضر پیشنهاد می‌کند که تامین کنندگان خدمات سلامت در هنگام طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در ارتباط با تب مالت می‌توانند به سازه‌های تبیین کننده مهم همچون موانع درک شده و خودکارآمدی توجه ویژه نمایند.

کلید واژه: تب مالت، مدل اعتقاد بهداشتی، نیازسنجی آموزشی، زنان دامدار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نگرش دانش آموزان همیار پلیس در مقایسه با سایر دانش آموزان مدارس شهر همدان در خصوص پیشگیری از آسیب‌های ناشی از حوادث ترافیکی

چکیده

مقدمه: آسیب‌های ناشی از حوادث ترافیکی، یکی از عوامل عمده مرگ و میر کودکان می‌باشد. همیاران پلیس دانش آموزانی هستند که در خصوص مفاهیم اصلی پیشگیری از حوادث ترافیکی از پلیس آموزش‌هایی گرفته و هم برای خود و هم برای انتقال دانش مربوطه به دیگران از آنها استفاده می‌کنند. مطالعه حاضر جهت بررسی نگرش دانش آموزان همیار پلیس در مقایسه با سایر دانش آموزان مدارس شهر همدان در خصوص پیشگیری از آسیب‌های ناشی از حوادث ترافیکی اجرا گردید.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی-تحلیلی، تعداد ۳۶۸ نفر از دانش آموزان پسر دوره دوم مقطع ابتدایی (میانگین سنی: ۱۰/۵۹، انحراف معیار: ۱/۰۰) شهر همدان در دو گروه ۱۸۴ نفری شامل یک گروه دانش آموزان همیار پلیس به عنوان گروه مورد و یک گروه از سایر دانش آموزان به عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. تجزیه تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار Spss ۱۶ و با استفاده از آزمون کای اسکور انجام گردید.

یافته‌ها: نتایج فاز اول مطالعه نشان داد که از نظر میزان نگرش نسبت به رفتار، قصد رفتاری و رفتار دانش آموزان در ارتباط با پیشگیری از آسیب‌های ناشی از حوادث ترافیکی تفاوت معناداری بین دو گروه مورد و شاهد وجود نداشت، ولی از نظر میزان کنترل رفتاری درک شده ($P=0/007$) تفاوت معناداری بین دو گروه وجود داشت.

نتیجه گیری: نگرش همیاران پلیس نسبت به سایر دانش آموزان مورد مطالعه تفاوت معناداری نداشت. با توجه به فقدان ارتباط معنادار از لحاظ نگرش نسبت به رفتار بین دو گروه مورد مطالعه، آموزش مناسب‌تر به منظور بهبود سطح نگرش همیاران پلیس، و در نتیجه جهت موثر تر شدن طرح همیار پلیس، ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: بهداشت مدارس، آموزش سلامت، ارتقاء سلامت، ایمنی ترافیکی، ایران

فرزان رضاپور شاه کلائی

دانشیار ارتقاء سلامت با گرایش ارتقاء ایمنی و پیشگیری از صدمات، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

وحید رعنائی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: ۹۸۸۱-

۳۸۳۸۰۰۲۵

Email: Vahidraeii222@gmail.com,

سید محمد مهدی هزاوه ئی

استاد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

جواد فردمال

دانشیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات مدلسازی بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی فاکتورهای موثر بر ارتقاء فعالیت بدنی دانش آموزان بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده

محمد مطلبی

دکترای آموزش بهداشت گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.
نویسنده مسئول: شماره تلفن: ۰۵۶-۳۲۷۲۳۱۵۵
Email: a.ranaie@bums.ac.ir

افسانه رعنائی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز آموزش بهورزی، شبکه بهداشت و درمان فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

علیرضا حجی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، شبکه بهداشت و درمان کاشمر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از پیامدهای ماشینی شدن زندگی و پیشرفت تکنولوژی در قرن حاضر، فقر حرکتی و کاهش فعالیت بدنی مناسب در بین افراد می باشد. مطالعه حاضر با هدف کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده در پیش بینی فاکتورهای موثر بر ارتقاء فعالیت بدنی در دانش آموزان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی ۱۶۰ دانش آموزان دختر به صورت تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی (IPAQ) و سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده (نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری) بود که اعتبار و پایایی آن در مطالعه مقدماتی کسب شد. داده ها توسط نرم افزار آمار Spss نسخه ۲۰ و آزمون های توصیفی، همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون لوجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ۶۵٪ / دانش آموزان مورد بررسی، فعالیت بدنی ضعیف و ۳۵٪ / فعالیت بدنی متوسط داشتند. همبستگی مثبت و مستقیمی بین کلیه سازه ها مشاهده شد ($p < 0.001$). نقش قصد در پیش بینی رفتار بیشتر از سایر سازه ها بود ($b = 0.258$) و کنترل رفتاری درک شده ($b = -0.224$) قوی ترین سازه مرتبط با قصد شناخته شد.

نتیجه گیری: کنترل رفتاری درک شده پیش بینی کننده قوی برای قصد و پرداختن به فعالیت بدنی بود. لذا انتظار می رود برای ارتقاء فعالیت بدنی مداخلات آموزشی بر اساس این سازه طراحی گردد.

کلید واژه: فعالیت بدنی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، دانش آموزان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش سواد سلامت بر خودکارآمدی بیماران پرفشاری خون

چکیده

مقدمه: خود کارآمدی و خود مراقبتی از مقوله‌های جدید در نظام سلامت هستند. سواد سلامتی یکی از فاکتورها موثر در افزایش خودکارآمدی بیماران است، که میتواند از بروز بیماریهای مزمن پیشگیری نماید. مطالعه حاضر با هدف ارتباط سواد سلامتی با خودکارآمدی بیماران مبتلا به پرفشاری خون در شهرستان فردوس در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی است که در میان ۲۴۰ بیمار مبتلا به پرفشاری خون در مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان فردوس که به روش نمونه گیری سیستماتیک منظم انتخاب شدند، انجام گرفت. ابزار گرد آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته ای شامل اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه سواد سلامت، پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون بود. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۰ با شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون پارامتریک تحلیلی، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک طرفه و تی تست مستقل در سطح معناداری ۰/۰۵ مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سن نمونه ۵۳/۲۶ سال، ۳۲/۱ درصد مرد و ۶۷/۹ درصد زن بودند. بین میانگین نمره سواد سلامتی با سن، جنسیت مرد، سطح سواد، درآمد پایین رابطه مستقیم وجود داشت. همچنین بین میانگین نمره سواد سلامتی با نمره خودکارآمدی و بین سواد سلامت و خودمراقبتی رابطه معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد افزایش خود کارآمدی منوط به ارتقای سواد سلامت می‌رساند که لزوم توجه بیشتر را به امر سواد سلامت در برنامه‌های ارتقای سلامت می‌رساند.

کلیدواژه: سواد سلامت، خودکارآمدی، پرفشاری خون

محمد مطلبی

* دکترای آموزش بهداشت گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد،
گناباد، ایران. نویسنده مسئول: ۳۲۷۲۳۱۵۵-
a.ranaie056@bums.ac.ir

افسانه رعنائی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز آموزش بهورزی، شبکه بهداشت و درمان فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

علیرضا حجبی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، شبکه بهداشت و درمان کاشمر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر ارتقای رفتار دفع بهداشتی فاضلاب

نرگس رفیعی

* دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۱۹۷۰۱۸۳۷، narges.rafiee@gmail.com

زهرا قضاوتی باغان

کارشناس بهداشت محیط، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

هاشم حشمتی

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

نویسا سادات سید قاسمی

دانشجوی دکترای آمار زیستی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

چکیده

مقدمه: دفع غیربهداشتی فاضلاب در محیط‌زیست روستا باعث آلودگی آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی، خاک و ایجاد مناظر نازیبا شده و محیط مناسبی را برای رشد و تکثیر انواع حشرات و جوندگان و تولید بوهای نامطبوع به دنبال خواهد داشت. همچنین آلودگی آب‌های زیرزمینی به غلظت بسیار بالای یون نیترات که گاهی تا سه برابر حد مجاز استاندارد جهانی است را موجب می‌شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر ارتقای رفتار دفع بهداشتی فاضلاب در خانوارهای روستایی شهرستان آق‌قلا در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مداخله‌ای، بر روی ۷۲ سرپرست خانوار روستایی شهرستان آق‌قلا انجام شد. ابتدا دو روستا با شرایط یکسان انتخاب و بر اساس تخصیص تصادفی ساده در دو گروه مداخله و شاهد قرار گرفتند. به این ترتیب ۳۶ نفر (سرپرست خانوار) در گروه مداخله و ۳۶ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند و پرسشنامه استاندارد اعتقاد بهداشتی دفع بهداشتی فاضلاب را قبل و بعد از مداخله آموزشی تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۷ و پارامترهای مرکزی و پراکندگی و آزمون‌های t زوجی یا ویلکسون و t مستقل یا من-ویتنی تحلیل شدند. سطح معنی‌داری تمام آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین سن شرکت‌کنندگان در گروه مداخله $15/5 \pm 4/4$ سال و در گروه شاهد $14/1 \pm 42/8$ سال بود. در هر دو گروه مداخله و شاهد ۸۰/۶ درصد شرکت‌کنندگان مرد بودند. در گروه مداخله حیطه‌های آگاهی، حساسیت، شدت و منافع درک شده، خودکارآمدی و عملکرد افزایش و موانع درک شده کاهش یافت و به‌جز حیطه عملکرد، سایر حیطه‌ها معنادار بودند ($P < 0/05$). در گروه کنترل، میانگین نمرات پس‌آزمون در هیچ‌یک از حیطه‌ها معنادار نبود. قبل از مداخله، میانگین نمرات بین دو گروه در همه حیطه‌ها تفاوت معنادار آماری نداشت ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در حیطه‌های آگاهی، حساسیت، شدت، منافع درک شده و خودکارآمدی رفتار دفع بهداشتی فاضلاب مؤثر بود اما با توجه به اینکه مداخله آموزشی در حیطه عملکرد مؤثر نبود، توصیه می‌شود علاوه بر افزایش تعداد جلسات آموزشی، از سایر مدل‌های آموزش بهداشت نیز همراه با مدل اعتقاد بهداشتی استفاده شود.

کلیدواژه: مداخله آموزشی، مدل اعتقاد بهداشتی، دفع بهداشتی فاضلاب، خانوارهای روستایی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



باورهای بهداشتی زنان نسبت به خودآزمایی پستان در مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشتی روستایی

چکیده

مقدمه: سرطان پستان رایج‌ترین سرطان دنیا و دومین علت مرگ ناشی از سرطان‌ها پس از سرطان ریه است. ویژگی سرطان پستان شروع زود هنگام و تشخیص در مراحل پیشرفته می‌باشد. در صورت تشخیص زودرس و به‌موقع در مراحل اولیه و درمان به‌هنگام، شانس بهبودی به مقدار زیادی افزایش می‌یابد. خودآزمایی پستان به‌عنوان یک روش مؤثر و ارزان پیشگیری از مرگ‌ومیر زودرس ناشی از این سرطان است. لذا این مطالعه باهدف بررسی باورهای بهداشتی زنان نسبت به خودآزمایی پستان در مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشتی روستایی شهرستان گرگان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی، ۳۸۵ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان گرگان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در سال ۱۳۹۵ وارد مطالعه شدند. معیار ورود سن بالای ۲۰ سال و نداشتن سابقه ابتلا به سرطان پستان بود. داده‌ها با استفاده از چک‌لیست اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه اعتقاد بهداشتی چمپیون به روش مصاحبه جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار آماری SPSS ۱۶.۰ شده و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های کروسالوالیس و من‌ویتنی تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد $30/8 \pm 9/0$ سال بود. سطح تحصیلات ۳۳/۸ درصد از افراد فوق‌دیپلم و لیسانس، ۷۷/۷ درصد متأهل، ۵۸ درصد دارای درآمد متوسط (کمتر از حد لازم برای تأمین مخارج زندگی) و ۷۲/۷ درصد افراد خانه‌دار بودند. ۴۱/۶ درصد افراد دارای تجربه انجام خودآزمایی پستان بودند و از بین این افراد، ۲۷/۸ درصد به‌طور ماهیانه و منظم خودآزمایی را انجام می‌دادند. در بین افرادی که خودآزمایی انجام نمی‌دادند، ۵۷ درصد نداشتن اطلاعات کافی را علت عدم انجام خودآزمایی ذکر کردند. ۴۸ درصد از کل افراد، منابع کسب اطلاعات را به‌روزان و کارشناسان بهداشتی ذکر کرده بودند. میانگین نمره انگیزه برای سلامتی، حساسیت، شدت، موانع، منافع و خودکارآمدی درک شده زنان به ترتیب ۳/۸۷، ۲/۷۴، ۴/۰۲، ۲/۵۷، ۳/۸۷، ۲/۳۹ بود. بین سن با شدت درک شده، مقطع تحصیلی با کلیه سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی، وضعیت تأهل با حساسیت، منافع، موانع و خودکارآمدی، شغل با حساسیت و شدت درک شده، درآمد با میانگین نمره‌ی آگاهی، انگیزه، منافع و خودکارآمدی ارتباط معناداری وجود داشت. کلیه سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی با رفتار انجام خودآزمایی پستان رابطه معناداری داشتند ($P < 0/05$). به‌طوری‌که در زنانی که خودآزمایی انجام می‌دادند به نسبت افرادی که خودآزمایی انجام نمی‌دادند آگاهی، انگیزه سلامتی، حساسیت، شدت، منافع و خودکارآمدی درک شده به‌طور معناداری بالاتر و موانع درک شده پایین‌تر بود.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه اکثریت افراد خودآزمایی پستان را انجام نمی‌دادند و با توجه به ارتباط سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی با رفتار انجام خودآزمایی پستان، پیشنهاد می‌شود مداخلات مناسب آموزشی جهت افزایش آگاهی، حساسیت و شدت درک شده زنان که در نهایت منجر به کاهش موانع درک شده و افزایش خودکارآمدی آنان شود صورت پذیرد.

کلیدواژه: خودآزمایی پستان، مدل اعتقاد بهداشتی، سرطان پستان

نرگس رفیعی

* دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی‌درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۹۷۰۱۸۳۷

narges.rafiiei@gmail.com

زهرای تیموری

کارشناس بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

نویسا سادات سیدقاسمی

دانشجوی دکترای آمار زیستی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

عبدالرحمان چرکزی

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

راضیه پیروزه

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی توازن/عدم توازن علائم جسمانی و روان‌شناختی در زنان مبتلا به انواع سرطان و لزوم مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی در آن

ریحانه رضایی

* استادیار، گروه بیومدیکال، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران نویسنده مسئول:
E-mail: re.ramezani@alzahra.ac.ir

سیده فاطمه موسوی

استادیار، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف مطالعه وضعیت جسمانی و روان‌شناختی زنان مبتلا به انواع سرطان مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های دولتی شهر تهران انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش توصیفی است. بدین منظور ۱۹۲ نفر از زنان مبتلا به انواع مختلف سرطان که برای درمان به چهار بیمارستان شهر تهران (دارای خدمات مربوط به بیماری سرطان) مراجعه کرده بودند، به روش در دسترس و داوطلبانه انتخاب شدند و به پرسشنامه جمعیت‌شناختی و مقیاس MSAS-SF - فرم کوتاه در دو بخش جسمانی و روان‌شناختی پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش در بررسی توأمان علائم جسمانی و روان‌شناختی حاکی از این است که فاصله میان این دو دسته علائم در زنان مبتلا به برخی از انواع سرطان همچون سرطان حنجره نسبت به سایر انواع سرطان بیشتر است و زنان مجرد نسبت به زنان متأهل علائم روان‌شناختی کمتری را نشان می‌دهند. همچنین با وجود تغییر علائم جسمانی طی دوره‌های شیمی درمانی، علائم روان‌شناختی حائز تغییر قابل ملاحظه‌ای نیست. به نظر می‌رسد عوامل محیطی و پیرامونی در پیدایی اختلالات روانی در زنان مبتلا به سرطان نقش آفرین است. لذا از طریق کنترل و هدایت آن‌ها می‌توان بر کاهش اختلالات روانی اثرگذار بود. این امر لزوم مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی را در خصوص بیماران سرطانی می‌رساند.

کلید واژه: علائم جسمانی، علائم روانی، سرطان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت غربالگری سرطان کولورکتال و عوامل مرتبط با آن بر اساس سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی در افراد بالای ۴۰ سال شهر بیرجند در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: همه ساله نزدیک به یک میلیون مورد جدید، سرطان کولورکتال در سراسر جهان شناسایی می‌شود و نزدیک به نیمی از آن‌ها در اثر این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. با پیش‌گیری ثانویه این بیماری می‌توان اقدامات لازم جهت درمان سریع و جلوگیری از گسترش آن به عمل آورد. از آن جایی که مدل اعتقاد بهداشتی، دارای توانایی پیش‌بینی‌کنندگی خوبی برای شناسایی عوامل تاثیر گذار بر رفتارهای پیشگیری‌کننده می‌باشد، لذا این مطالعه با هدف تعیین وضعیت غربالگری سرطان کولورکتال و عوامل مرتبط با آن بر اساس سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی در افراد بالای ۴۰ سال شهر بیرجند انجام شد.

مواد و روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی تعداد ۴۸۰ نفر بالای ۴۰ سال به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و از سطح شهر بیرجند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه خود ساخته مبتنی بر سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی بود که روایی این پرسش‌نامه به صورت صوری و محتوایی انجام گرفته است. نمرات کسب شده از هر سازه در مقیاس ۱۰۰-۰ محاسبه شد. تمامی پرسش‌نامه‌ها به روش خود پرسشگری و یادر صورت لزوم توسط پژوهشگر تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار SPSS ۱۹ وبا استفاده از آزمون‌های آماری تی مستقل و کای اسکوئر استفاده شد و سطح معنا داری ۰۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ۴۸۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند میانگین سن شرکت کنندگان 55.12 ± 10.4 سال بود. ۸۳ درصد (۴۰ نفر) افراد مورد مطالعه آزمایش غربالگری را انجام داده و ۱۵ درصد (۷۲ نفر) قصد انجام آنرا داشتند. میانگین نمرات کسب شده سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی برای حساسیت درک شده، شدت درک شده، موانع درک شده، خودکارآمدی درک شده، منافع درک شده به ترتیب برابر 2.29 ± 11.81 و 5.67 ± 24.52 و 6.97 ± 41.80 و 3.19 ± 11.81 و 3.33 ± 20.99 بود. بین میانگین نمره سازه خود کارآمدی و انجام آزمایش غربالگری اختلاف آماری معنی داری وجود داشت ($p < 0.05$). ارتباط آماری معنی داری بین وجود مشکل گوارشی، قصد انجام آزمایش، منابع، علت مراجعه با انجام آزمایش غربالگری مشاهده شد ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که سازه‌های مدل اعتقاد پیش‌بینی‌کننده خوبی برای عمل افراد در معرض خطر نسبت به انجام آزمایش خون مخفی در مدفوع می‌باشد. این آزمایش به عنوان یک روش غربالگری برای سرطان کولورکتال می‌باشد. با توجه به قابل پیشگیری بودن سرطان کولورکتال و افزایش بروز جهانی بیماری، مداخله‌های آموزشی در خصوص اهمیت بیماری، روش‌های غربالگری و تشخیص، درمان و بازتوانی بیماران درمان شده ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: سرطان کولورکتال، سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی، بیرجند

عباسعلی رمضانی

* مربی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۳۲۳۸۱۶۶۳ نمابر: ۰۵۶۳۳۴۳۰۰۷۶

email: ramazani_ab@yahoo.com

محمد رضا میری

استاد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیه نوروزی

استادیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

سمیرا الهامی راد

کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات بیماری‌های عفونی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

علیرضا احتشام پور

کارشناس بهداشت عمومی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارضا نیازهای روانشناسی مرتبط با انجام فعالیت بدنی در زنان سنین باروری شهر تنکابن

روحانی تنکابنی نویسن

* استادیار، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول: ۰۱۳-۳۳۸۲۴۶۶۴، ۰۹۱۱۹۴۴۵۸۷

rouhani.phd@gmail.com

مظلومی محمودآباد سید سعید

استاد، آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

کمالی خواه طاهره

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

کسمایی پریسا

استادیار، آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت و محیط زیست، گروه آموزش و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

چکیده

مقدمه: نظارت‌های جهانی تغییر سبک زندگی فعال به سبک زندگی کم‌تحرکی را مشخص نموده است. این کم‌تحرکی باعث کاهش شادابی و نشاط جسم انسان می‌گردد. نگهداری سطح کافی فعالیت بدنی و کاهش بی‌تحرکی برای پیشگیری از ابتلا و مرگ و میر بیماری‌های مزمن مهم است. مطالعات، کم‌تحرکی را در زنان بیشتر گزارش نموده‌اند. فعالیت بدنی رفتار پیچیده‌ای است که تغییر آن ساده نمی‌باشد. فرآیندهای روانشناسی مرتبط با فعالیت بدنی و ورزش، به‌طور محدود شناسایی شده است. نیازهای روانشناسی فعالیت بدنی را تسهیل می‌کنند، که شامل ادراکات خودمختاری (یعنی استقلال در انتخاب رفتار)، شایستگی (یعنی احساس اینکه برای انجام رفتار کارآمد و توانا است) و وابستگی (نوعی نیاز به ارتباط با دیگران و تعلق به محیط اجتماعی)، است. ارضا این نیازها روند درونی سازی فعالیت بدنی را تسهیل می‌نماید. مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت نیازهای روانشناسی و ارتباط آنها با فعالیت بدنی در زنان سنین باروری شهر تنکابن در استان مازندران انجام شد.

روش بررسی: مطالعه مقطعی بر روی ۴۱۲ نفر از زنان سنین باروری ۴۹-۱۵ ساله شهر تنکابن طی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای خود ایفا، روا، پایا و شامل اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه ارضا نیازهای روانشناسی مرتبط با فعالیت بدنی و ورزش با استفاده از ۱۸ آیتم و پاسخ‌ها در طیف اصلا درست نیست (نمره ۱) تا کاملا درست است (نمره ۶)، ۶ آیتم برای هر زیر مقیاس درک از خودمختاری، شایستگی و وابستگی با محدوده نمره ۳۶-۶ و همچنین پرسشنامه جهانی فعالیت بدنی بود. اطلاعات با نرم افزار SPSS۲۱ و آزمونهای توصیفی، ضریب همبستگی، آنالیز واریانس و رگرسیون در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها: ۲۳/۹٪ از زنان فعالیت بدنی در سطح بالا، ۳۴٪ متوسط و ۶۲/۱٪ پایین داشتند. آزمودنی‌ها به ترتیب ۴۱/۸۸٪، ۵۴/۷٪ و ۴۸/۲٪ از حداکثر نمره ادراکات شایستگی، خودمختاری و وابستگی را کسب نمودند. در آزمودنی‌ها اطمینان به توانایی خود برای انجام ورزش‌های مبارزه‌ای (درک از شایستگی) در کمترین میزان، در حالیکه سازگار بودن برنامه ورزشی با علاقتشان (درک از خودمختاری)، بیشترین ادراک را داشتند. با افزایش سطح سواد، درک از نیازها، افزایش یافت ($p < 0/01$). زنان خانه دار و با همسر کارگر، درک از نیازهایشان پایین تر بود ($p < 0/01$). بین انجام فعالیت بدنی و درک از نیازها، همبستگی مثبت و معنی دار مشاهده شد ($r = 0/62$ - $0/2/586$). نیازهای روانشناسی ۳۹/۷٪ از واریانس رفتار فعالیت بدنی را پیشگویی نمودند که درک از خودمختاری معنی دار بود ($P = 0/001$). $B = 0/525$.

نتیجه‌گیری: در مطالعه حاضر، درک از نیازهای روانشناسی فعالیت بدنی بطور متوسط مشاهده شد. اینها عوامل تعیین کننده مهم برای انجام فعالیت بدنی می‌باشند. ضرورت تقویت آن در زنانی که در این مقوله ضعیف تر هستند، لازم است.

کلید واژه: فعالیت بدنی، خودمختاری، شایستگی، وابستگی، زنان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت‌های دوران بارداری

چکیده

مقدمه: مهمترین ضامن حفظ تندرستی مادر و جنین در دوران بارداری، آگاهی از مراقبت‌های این دوران و عمل نمودن به آنها است. سواد بهداشتی یک فاکتور مهم و قابل اصلاح برای بهبود دستیابی به آگاهی‌های بهداشتی در جهت دستیابی بهتر به سیستم خدمات بهداشتی است. بدین منظور مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت‌های دوران بارداری در شهر اسفراین صورت گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی به روش مقطعی است که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۶۶ زن باردار مراجعه کننده به پایگاه‌های بهداشت شهرستان اسفراین انجام شده است. افراد به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و ابزار گرد آوری داده‌ها پرسشنامه سواد سلامت مادری و نتایج بارداری (MHLAPQ) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss (نسخه ۱۹) و آزمون‌های آماری، آزمون T، آنوا، همبستگی و کای اسکوئر انجام شد. در تمامی آزمون‌ها $P < 0.05$ به عنوان سطح معنا داری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۷۳ درصد از زنان باردار مورد مطالعه شاغل بودند و ۸۳ درصد افراد تحصیلات بالاتر از لیسانس داشتند. میانگین نمره سواد سلامت مادران باردار 57.07 ± 9.94 بود؛ همچنین بین سواد سلامت مادران با سطح تحصیلات، شغل ($P < 0.05$) ارتباط معنا داری وجود داشت. ولی بین مصرف مکمل مولتی ویتامین ($P = 0.162$) و مصرف مکمل آهن ($P < 0.05$) ارتباط معنا داری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد وضعیت سواد سلامت در مادران باردار شهر اسفراین در وضعیت مطلوبی قرار دارد. با توجه به اینکه بین سواد سلامت مادران، شغل و تحصیلات ارتباط معنا داری وجود داشت، این موضوع لزوم توجه بیشتر به ارتقا تحصیلات زنان جامعه و جایگاه شغلی آنان جهت بهبود سواد سلامت این قشر از جامعه را نشان می‌دهد.

کلید واژه: سواد سلامت، مادران باردار، مراقبت‌های دوران بارداری، شهرستان اسفراین

فاطمه محمدی وحید

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین،
ایران

احمد صادقی

دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استاد یار
گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی
اسفراین، اسفراین، ایران

حسینعلی بزی

کاردانی فوریت‌های پزشکی، دانشکده علوم پزشکی
اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
استاد یار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم
پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران (نویسنده مسئول)؛
تلفن: ۰۵۸۳۷۲۴۱۶۰۳

hoseinrohani3@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت‌های دوران بارداری

فاطمه محمدی وحید

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین،
ایران

احمد صادقی

دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استاد یار
گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی
اسفراین، اسفراین، ایران

حسینعلی بزی

کاردانی فوریت‌های پزشکی، دانشکده علوم پزشکی
اسفراین، اسفراین، ایران

حسین روحانی

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی
اسفراین، اسفراین، ایران (نویسنده مسئول)
تلفن: ۰۵۸۳۷۲۴۱۶۰۳

hoseinrohani3@gmail.com

چکیده

مقدمه: مهمترین ضامن حفظ تندرستی مادر و جنین در دوران بارداری، آگاهی از مراقبت‌های این دوران و عمل نمودن به آنها است. سواد بهداشتی یک فاکتور مهم و قابل اصلاح برای بهبود دستیابی به آگاهی‌های بهداشتی در جهت دستیابی بهتر به سیستم خدمات بهداشتی است. بدین منظور مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان سواد سلامت مادران باردار و ارتباط آن با مراقبت‌های دوران بارداری در شهر اسفراین صورت گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی به روش مقطعی است که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۶۶ زن باردار مراجعه کننده به پایگاه‌های بهداشت شهرستان اسفراین انجام شده است. افراد به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و ابزار گرد آوری داده‌ها پرسشنامه سواد سلامت مادری و نتایج بارداری (MHLAPQ) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss (نسخه ۱۹) و آزمون‌های آماری، آزمون T، آنوا، همبستگی و کای اسکوئر انجام شد. در تمامی آزمون‌ها ۰/۰۵ به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۷۳ درصد از زنان باردار مورد مطالعه شاغل بودند و ۸۳ درصد افراد تحصیلات بالاتر از لیسانس داشتند. میانگین نمره سواد سلامت مادران باردار $57/07 \pm 9/94$ بود؛ همچنین بین سواد سلامت مادران با سطح تحصیلات، شغل ($P\text{-value} > 0/05$) ارتباط معنا داری وجود داشت. ولی بین مصرف مکمل مولتی ویتامین ($P\text{-value} = 0/162$) و مصرف مکمل آهن ($P\text{-value} < 0/05$) ارتباط معنا داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد وضعیت سواد سلامت در مادران باردار شهر اسفراین در وضعیت مطلوبی قرار دارد. با توجه به اینکه بین سواد سلامت مادران، شغل و تحصیلات ارتباط معنا داری وجود داشت، این موضوع لزوم توجه بیشتر به ارتقا تحصیلات زنان جامعه و جایگاه شغلی آنان جهت بهبود سواد سلامت این قشر از جامعه را نشان می‌دهد.

کلید واژه: سواد سلامت، مادران باردار، مراقبت‌های دوران بارداری، شهرستان اسفراین



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی و اجرای راهنمای آموزشی کارآموزی آموزش بهداشت در جهت بر طرف کردن نیاز آموزشی جامعه: کاربردی کردن کارآموزی در راستای آموزش پاسخگو

چکیده

مقدمه: درس کارآموزی آموزش بهداشت دانشجویان کارشناسی ارشد، محل تلاقی تئوری با عمل و کار در عرصه واقعی می‌باشد. در راستای آموزش پاسخگو لازم است دانشجویان مباحث کلاسی و درسی خود را وسیله ای برای برطرف کردن نیاز مردم قرار دهند تا هم نیاز جامعه به آموزش برطرف شود و هم خود دانشجویان اهمیت کار و مسئولیت پذیری در تمام ابعاد زندگی را درک کنند. در نهایت مردم نیز چون آموزش را در راستای حل نیاز خود می‌بینند از برنامه‌های آموزشی استقبال می‌کنند و اثربخشی آموزش افزایش می‌یابد. لذا هدف این مطالعه طراحی و اجرای راهنمای آموزشی کارآموزی آموزش بهداشت در جهت بر طرف کردن نیاز آموزشی جامعه در راستای آموزش پاسخگو بود.

روش بررسی: این مطالعه یک اقدام پژوهی آموزشی و مشارکتی بود. در مرحله اول برای شناسایی و تعیین وضعیت موجود روند کارآموزی آموزش بهداشت دانشجویان کارشناسی ارشد، مصاحبه‌هایی با دانشجویان و کارشناسان مستقر در فیلدهای کارآموزی انجام و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله دوم، بر اساس نتایج بدست آمده و اهمیت آموزش پاسخگو، یک راهنمای عمل و کارپوشه کارآموزی بهداشت طراحی شد. در مرحله سوم یعنی مرحله اجرا، در طی دو نیمسال تحصیلی، کارآموزی با رعایت اصول آموزش پاسخگو (توضیحات کامل در راهنمای ۵۰ صفحه ای کارآموزی) اجرا شد. همچنین دانشجویان کارپوشه‌های خود را تکمیل و به همراه گزارش نهایی و محصولات آموزشی طراحی شده به استاد مربوطه تحویل دادند و ارزیابی نهایی آنها انجام شد. در هر مرحله از انجام کارآموزی بازخوردهای لازم از دانشجویان، اساتید و کارشناسان مراکز دریافت شده و در اصلاح روند کارآموزی و راهنمای آن استفاده شد. در نهایت نیز نظرات دانشجویان، کارشناسان و مردم (مخاطبین مداخلات آموزشی) در رابطه با تاثیر گذاری کارآموزی و رضایت آنها بر اساس طیف لیکرت پنج قسمتی خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط، خوب و عالی جمع آوری شد.

یافته ها: نتایج این اقدام پژوهی و راهنمای عمل و کارپوشه تهیه شده به گروه آموزشی و مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه ارائه شد. محصولات آموزشی تهیه شده توسط دانشجویان بر اساس نیاز مردم، شامل اسلایدهای آموزشی، کتابچه، پمفلت و غیره در اختیار معاونت بهداشتی قرار گرفت. ۱۹ دانشجو در دو نیمسال تحصیلی در این مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفتند. ۹۵ درصد دانشجویان تاثیر گذاری کارآموزی را در حد عالی و خوب ارزیابی کردند. ۱۰۰ درصد کارشناسان و مردم رضایت خود از این شیوه برگزاری کارآموزی را در حد رضای و خیلی رضای بیان کردند.

نتیجه گیری: برونداد این اقدام پژوهی راهنما و کارپوشه کارآموزی آموزش بهداشت کارشناسی ارشد آموزش بهداشت بود که دانشجویان، کارشناسان بهداشتی و مردم اجرای کارآموزی بر اساس آن را موثر و رضایت بخش توصیف کردند.

کلید واژه: آموزش پاسخگو، راهنمای کارآموزی، کارپوشه، دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش بهداشت

نسرین روزبهرانی

* دکترای آموزش بهداشت، استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران . نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۱۲۰۸۶۰۶۴۲

Email: roozbahani@arakmu.ac.ir

محبوبه خورسندی

دکترای آموزش بهداشت، دانشیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اهداف مردم سالم ۲۰۲۰ و مولفه‌های اجتماعی موثر بر سلامت

نسرین روزبهانی

* دکترای آموزش بهداشت، استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. نویسنده مسئول:
شماره تماس: ۰۹۱۲۰۸۶۰۶۴۲

Email: roozbahani@arakmu.ac.ir

چکیده

مقدمه: دنیای امروز دیدگاه‌های سلامت چشم انداز وسیع تری پیدا کرده و ضرورتا به عوامل تعیین کننده غیر طبی سلامت توجه ویژه ای معطوف گشته است. هر یک از این تعیین کننده‌ها به خودی خود و یا از طریق تاثیر بر یکدیگر وضعیت سلامتی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند و سبب بروز بی عدالتی‌هایی در وضعیت سلامت می‌گردند. هدف از این مطالعه مروری بر تعیین کننده‌های اجتماعی موثر بر سلامت در برنامه مردم سالم ۲۰۲۰ می‌باشد.

روش بررسی: در این مقاله مروری متون مرتبط با اهداف ارتقا سلامت مردم سالم ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفت. مولفه‌های اجتماعی مورد بررسی در این اهداف استخراج و دسته بندی شد. سپس هر دسته تفسیر و شیوه کاهش اثرات مخرب آنها بررسی شد.

یافته‌ها: مولفه‌های اجتماعی موثر بر سلامت استخراج شده در پنج زیر مجموعه دسته بندی شد. این پنج زیر مجموعه شامل: ثبات اقتصادی، تحصیلات، بستر اجتماع، سلامت و مراقبت‌های بهداشتی، محله و محیط زندگی بود. هر زیر مجموعه خود نیز شامل چندین مولفه می‌باشد. در مقاله حاضر هر کدام از مولفه‌ها و ارتباط آنها با ارتقا سلامت مردم مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه گیری: تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت به عنوان شرایط اجتماعی است که مردم در آن کار و زندگی کرده و عمر می‌گذرانند شناخته می‌شود. شناخت عوامل اجتماعی موثر بر سلامت به برنامه ریزی برای حذف آثار مخرب برخی از این تعیین کننده‌ها کمک می‌کند.

کلید واژه: مولفه‌های اجتماعی موثر بر سلامت، ارتقا سلامت، مردم سالم ۲۰۲۰

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت بیماران تحت جراحی قلب باز در مرکز آموزشی درمانی شهید رجایی

چکیده

مقدمه: بیماری‌های قلبی به عنوان مهمترین عامل مرگ و میر و بستری شدن در کشورهای توسعه یافته معرفی شده اند. در بین بیماری‌های قلبی و عروقی بیماری‌های عروق کرونر از جایگاه ویژه ای برخوردار است. درمان‌های دارویی همیشه برای بیماران عروق کرونر کارساز نیست. در ایران سالانه سی هزار جراحی قلب باز گزارش می‌شود. که ۶۰٪ آن مربوط به پیوند عروق کرونر می‌باشد. نتیجه پیوند عروق کرونر قلب به عنوان آخرین راه حل مدنظر قرار می‌گیرد سازمان جهانی بهداشت سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده‌های امر سلامت معرفی کرده است. ظرفیت یک فرد شامل) پتانسیل ذاتی و مهارت‌های فردی (اجزای اساسی برای سواد سلامت محسوب می‌شود که با آموزش تعدیل می‌شود. سواد سلامت کم نماینگر یک مانع اساسی در آموزش بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن است. سطح پایین سواد سلامت با مسائلی چون درک ناکافی اطلاعات بهداشتی، آموزش‌های پزشکی و پیروی از آنها مشارکت کمتر جهت انجام رفتارهای پیشگیرانه شخص دیر هنگام بیماری ناتوانی در مهارت‌های خود مراقبتی و عدم تبعیت از رفتارهای سبک زندگی سالم مرتبط است. توجه به اهمیت ویژه در مورد سواد سلامت و رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی این مطالعه با هدف بررسی سواد سلامت بیماران کاندید جراحی قلب توسط پژوهشگر و همکاران انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی به روش بررسی دانش، نگرش و سواد سلامت ۳۰ بیماران کاندید جراحی قلب در مرکز آموزش درمانی شهید رجایی در سال ۹۶ با استفاده از پرسشنامه اطلاعات جمعیتات شناسایی و سلاوات سلامت انجام شده است. اطلاعات و داده‌های این مطالعه با استفاده از نرم افزار spss ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: طبق نتایج این مطالعه ۷۰٪ افراد مورد مطالعه مرد، میانگین گروه سنی ۴۹ سال، ۳۵٪ سطح تحصیلات راهنمایی، ۱۵٪ سابقه ابتلا به بیماری در ۳ سال اخیر، ۲۵٪ سابقه بستری مجدد و در حوضه کسب اطلاعات از بیماری و سلامت؛ پرس و جوی از پزشک و کارکنان بهداشتی درمانی ۵۰٪؛ رادیو و تلویزیون ۵۴٪ مهمترین ابزار کسب اطلاعات بوده است. میانگین امتیاز سواد سلامت در گروه کمتر ۹۵/۴۸. کمترین بعد در بعد ارزیابی و بعد دسترسی به ترتیب ۱۰/۶۲ و ۱۷/۷۷ بوده است.

نتیجه گیری: با توجه نتایج این مطالعه و اهمیت ویژه در مورد سواد سلامت و رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی در بیماران قلبی و همچنین گزارش سازمان مطالعه و کیفیت برای مراقبت‌های سلامتی (Agency For Health Research And Quality) مبنی بر لزوم انجام تحقیقات بیشتر به روی سواد سلامت با در نظر گرفتن ابعاد سلامتی و چگونگی اثرات آن بر سلامت افراد؛ پیشنهاد می‌شود راهکاری اجرایی و کاربردی در بیماران جراحی قلب در سطح جامعه و مراکز درمانی با هدف ارتقاء سواد سلامت و توانبخشی بیماران جراحی قلب صورت گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، جراحی قلب، مراقبت سلامتی، توانبخشی

کیان نوروزی
فهیمة ریحانی
محمد علی حسینی
فاطمه بیات
مهدی نوروزی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سنجش سواد سلامت در کارکنان دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد

حسین رئوف مبینی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرضیه معراجی

* استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۸۸۴۶۷۱۲

Email: MerajiM1@mums.ac.ir

سمیه فضائلی

استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

امیرحسین ضیائی

مربی، گروه تکنولوژی پرستاری، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به معنای دانش افراد برای به دست آوردن، پردازش و درک اطلاعات سلامت و خدمات اساسی مورد نیاز برای تصمیمات مناسب جهت مراقبت از سلامت است که می تواند در خودکارآمدی مراقبت سلامت افراد موثر باشد. این مطالعه با هدف توصیف وضعیت سواد سلامت کارکنان دانشکده علوم پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، که در دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد انجام شد، ۶۱ نفر از اعضای هیئت علمی و کارمندان دانشکده از طریق سرشماری شرکت نمودند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل فرم اطلاعات فردی و پرسشنامه سنجش سواد سلامت بزرگسالان (HELIA) بود که سواد سلامت افراد را در قالب ۵ مولفه (مهارت خواندن، دسترسی، فهم و درک، ارزیابی، تصمیم گیری و کاربرد اطلاعات سلامت) مورد ارزیابی قرار می دهد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS۱۶ و آمار توصیفی ارائه شد.

یافته‌ها: تحصیلات شرکت کنندگان در مطالعه فوق لیسانس و دکتری (۴۹/۱۸ درصد) و ۸۰/۳۲ درصد آنها غیر هیئت علمی بودند. طبق پرسشنامه استاندارد HELIA در این مطالعه امتیاز مولفه‌های مهارت خواندن، دسترسی، فهم و درک، ارزیابی و تصمیم و کاربرد اطلاعات سلامت به ترتیب ۷۶/۱۵، ۷۳/۸۷، ۶۵/۴۷، ۸۰/۴۹، ۶۵/۲۹ به دست آمد. حدود ۱۷ درصد از افراد مورد مطالعه از سواد سلامت عالی، ۵۰ درصد کافی، ۲۳ درصد نه چندان کافی و ۱۰ درصد از سواد سلامت ناکافی برخوردار بودند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که سطح سواد سلامت در بین کارکنان دانشکده علوم پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مناسب است و سطح سواد سلامت در افراد با تحصیلات بالاتر بیشتر است. با توجه به وجود تنوع در میزان تحصیلات کارکنان دانشکده، پیشنهاد می شود جهت ارتقاء سواد سلامت کارکنان دارای تحصیلات فوق دیپلم و کمتر اطلاع رسانی از طریق تکثیر پمفلت‌های آموزشی یا برگزاری کلاس‌های آموزشی نیز صورت پذیرد تا این افراد نیز به سطح سواد سلامت مطلوب دست پیدا کنند.

کلیدواژه: سواد سلامت، دانشکده پیراپزشکی، هیئت علمی، کارمندان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مولفه‌های شخصیت مرزی و تحصیلات نوجوانان در شهر مشهد

چکیده

مقدمه: دوره نوجوانی یکی از بحرانی ترین دوران زندگی فرد می‌باشد. ورود به این مرحله نوجوان را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌کند. حال اگر از نظر مسائل شخصیتی و عوامل تاثیرگذار بر آن سازمان یافته باشند، مسائل حاد بروز نخواهد کرد. یکی از مهمترین و شایع ترین مشکلات شخصیتی اختلال شخصیت مرزی می‌باشد. به بیان انجمن روانپزشکی امریکا، شخصیت مرزی یک الگوی نافذ از بی ثباتی در روابط بین شخصی، خودانگاره و عواطف و تکانشگری قابل توجه که از اوایل بزرگسالی شروع شده و در موقعیت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد.

روش: روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه توصیفی مقطعی و جامعه آماری شامل کلیه پسران ۱۳ تا ۱۸ ساله ساکن شهر مشهد بود. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه مولفه‌های شخصیت مرزی BPI استفاده شد. اطلاعات پس از جمع آوری با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، واریانس و انحراف معیار) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: شرکت کنندگان ۳۲ نفر از پسران نوجوان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. تمام افراد از نظر سابقه بزهکاری سالم بودند. بیشترین افراد در گروه ۱۵ تا ۱۸ ساله بودند. میانگین مولفه‌های شخصیت مرزی به صورت کلی در نوجوانان ۱۳،۲۲ و انحراف معیار ۵،۰۲ بود.

بحث: با توجه به نتایج پژوهش، شخصیت مرزی را می‌توان به عنوان مؤلفه‌ی پیش بینی کننده مشکلات دوران نوجوانی در نظر گرفت. از آنجا که داشتن شخصیت مرزی در نوجوان، می‌تواند میزان جرم و جنایت و پرخاشگری و دیگر مشکلات را افزایش دهد، بنابراین با شناسایی عواملی که در شخصیت مرزی نقش دارد می‌توان به عنوان مداخله‌ای اثربخش در راستای پیشگیری از جرم و بزه در نوجوانان به کار برد.

کلید واژه: مولفه‌های شخصیت مرزی، نوجوانان، تحصیلات

ندا رئیسی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

دکتر محمد واحدیان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

زهرا بزرگی

کارشناس مرکز بهداشت ثامن مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین کننده‌های رفتار نمونه گیری التور از مراجعین به خانه‌های بهداشت در بهورزان شهرستان تفت بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی

سلیمه زارع عبداللهی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رضا توکلی

* دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسؤول: تلفن: ۰۹۱۲۱۲۶۹۱۵۶

hse91tavakoli@gmail.com

محمد علی مروتی شریف آباد

استاد مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

چکیده

مقدمه: نمونه گیری التور از مراجعین به خانه‌های بهداشت عملکردی است که انجام صحیح و مرتب آن توسط بهورزان تأثیر قابل توجهی در تأمین و حفظ سلامت روستاییان دارد. لیکن وضعیت انجام این رفتار تابحال در تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته است. این مطالعه با هدف بررسی تعیین کننده‌های رفتار نمونه گیری التور از مراجعین به خانه‌های بهداشت در بهورزان شهرستان تفت بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر به صورت مقطعی بر روی ۹۰ نفر از بهورزان شهرستان تفت که بصورت سرشماری در مطالعه وارد شدند در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با ۸ زیر مقیاس آگاهی، حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده و نیز راهنمای عمل، خود کارآمدی و رفتار نمونه گیری التور بود که روایی آن توسط نظرات خبرگان و پایایی آن توسط انجام یک مطالعه مقدماتی بر روی بیست نفر و محاسبه آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار توصیف شد و رابطه بین سازه‌ها و متغیرهای دموگرافیک با استفاده از آزمون‌های کای اسکوئر، همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بیست درصد از بهورزان گزارش نمودند که همیشه نمونه گیری التور را به صورت صحیح انجام می‌دهند و فقط ۱۳/۳ درصد از بهورزان گزارش کردند که همیشه از کلیه موارد مشکوک به این بیماری نمونه گیری می‌کنند. میانگین نمره آگاهی $9/37 \pm 55/71$ (از دامنه نمره ۶۶-۲۲)، حساسیت $3/24 \pm 28/88$ (از دامنه نمره ۵۰-۱۰)، شدت $1/44 \pm 12/01$ (از دامنه نمره ۱۵-۳)، منافع $5/26 \pm 25/59$ (از دامنه نمره ۳۵-۷)، موانع $9/87 \pm 42/34$ (از دامنه نمره ۵۵-۱۱)، راهنمای عمل $2/81 \pm 11/62$ (از دامنه نمره ۱۵-۳) و خود کارآمدی $7/54 \pm 45/03$ (از دامنه نمره ۵۰-۱۰) بود. سازه‌های مدل توانستند ۱۴٪ از واریانس رفتار نمونه گیری التور از مراجعین مشکوک به وبا را پیش بینی کنند که در این میان حساسیت درک شده ($\beta = 0/271$) و راهنما برای عمل ($\beta = 0/377$) پیش بینی کننده‌های معنی دار بودند.

نتیجه گیری: سطح آگاهی بهورزان از نمونه گیری التور از مراجعین مشکوک به وبا در خانه‌های بهداشت در سطح نسبتاً مناسبی قرار دارد ولی رفتار نمونه گیری التور چندان مناسب نمی‌باشد و الگوی اعتقاد بهداشتی چهارچوب نسبتاً مناسبی برای ارتقاء این رفتار می‌باشد. ادامه و تقویت برنامه‌های آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی با تأکید بر استفاده از راهنمای عمل مناسب و افزایش حساسیت بهورزان پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: الگوی اعتقاد بهداشتی، بهورزان، نمونه گیری التور، وبا

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مبتنی بر الگوی پرسید در ارتقاء تغذیه سالم سالمندان

چکیده

مقدمه: افزایش جمعیت سالمندان در تمام دنیا و مسائل و مشکلات ناشی از آن مخصوصاً افزایش میزان ابتلا به بیماریهای مزمن در این قشر از افراد، گرایش بین المللی برای ارتقاء تغذیه سالم در آنان ایجاد کرده است. در این راستا و همسو با دیدگاههای جهانی، مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی با استفاده از سازه‌های آموزشی الگوی پرسید در ارتقاء تغذیه سالم در سالمندان انجام گرفته است.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مداخله‌ای با طرح پیش آزمون - پس آزمون گروه شاهد است که با انتخاب ۹۰ نفر از سالمندان (۴۵ نفر آزمون و ۴۵ نفر شاهد) به صورت تصادفی ساده از مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد در سال ۱۳۹۶ انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر سازه‌های الگوی PRECEDE بود که پس از انجام روایی - پایایی مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا پیش آزمون در دو گروه انجام و سپس جلسات آموزشی مبتنی بر مدل در گروه آزمون برگزار شد. تغذیه سالمندان قبل و دو ماه بعد از مداخله آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های جمع آوری شده در دو گروه نرم افزار SPSS ۲۲ و آزمون تی و کای دو تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین نمره کل اجزاء مدل "پرسید" شامل عوامل مستعد کننده (آگاهی و نگرش)، عوامل مربوط به باور، ارزش و عادت، عوامل قادر کننده، عوامل تقویت کننده، عوامل رفتاری و در نتیجه تغذیه سالمندان گروه آزمون در مقایسه با گروه شاهد، پس از مداخله آموزشی ($P < 0.05$) اختلاف معنی داری را نشان داد.

نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه اثربخشی آموزش با چارچوب مداخله از طریق الگوی پرسید را در ارتقاء رفتار تغذیه‌ای سالم سالمندان نشان داد. پژوهشگران این مطالعه مداخلات آموزشی را بر اساس این مدل توصیه می‌کنند.

کلید واژه: آموزش، سالمندان، الگوی پرسید، تغذیه سالم

سلیمه زارع عبداللهی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات
بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

محمد علی مروتی شریف آباد

✳ مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید
صدوقی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول:

morowatisharif@yahoo.com

09133530374

امید یوسفیان زاده

مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع
رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران،
ایران

✳ مشخصات نویسنده مسئول:

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تأثیر آموزش از طریق پیام تلگرامی و بحث گروهی بر شاخصهای تنسجی در کارکنان بهداشتی زن با توده بدنی ۲۵ و بالاتر

فرحناز زارع

* دانشجوی رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
کشور ایران. نویسنده مسئول: تلفن ۰۹۳۶۹۹۷۲۱۶۴،
farahnaz.zare54@gmail.com

ثریا سیابانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
کشور ایران

حسین اشتریان

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
کشور ایران

منصور رضایی

دانشیار گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی کرمانشاه، کشور ایران

چکیده

مقدمه: اضافه وزن و چاقی یکی از مهمترین چالش‌های قرن بیست و یکم است. با توجه به شیوع بالای اضافه وزن و چاقی در مطالعات انجام شده در میان کارکنان حوزه سلامت و با توجه به اینکه این گروه سهم بسزایی در ارتقاء سطح سلامتی جامعه برعهده دارند لذا توجه به سلامت این رده شغلی حائز اهمیت است. هدف از این مطالعه مقایسه تأثیر دو روش آموزشی بر شاخصهای تنسجی در کارکنان بهداشتی زن با توده بدنی ۲۵ و بالاتر شهر کرمانشاه بود.

روش بررسی: این مطالعه تجربی با شرکت ۱۰۲ نفر از زنان شاغل در مرکز بهداشت شهرستان که به صورت تصادفی انتخاب و در سه گروه آموزش از طریق پیام تلگرامی ($n=34$) و آموزش بحث گروهی ($n=34$) و کنترل ($n=34$) قرار گرفتند انجام شد. قبل از مداخله شاخصهای تنسجی (قد، وزن، دور کمر و دور باسن) اندازهگیری شد. در گروه مداخله با پیام تلگرامی به مدت ۲ ماه روزانه یک پیام تلگرامی نوشتاری همراه با تصویر در رابطه با تغذیه سالم در قالب پیامهای آموزشی و تشویقی ارسال شد. در گروه مداخله با بحث گروهی نیز برای هر گروه کوچک چهار جلسه آموزشی دو ساعته برگزار گردید. گروه کنترل در طی این مدت تحت آموزش خاصی قرار نگرفت. دو ماه پس از مداخله مجدداً شاخصهای تنسجی هر سه گروه مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمونهای آماری تی تست زوجی، آزمون کای دو، آنووا، ویلکاکسون و کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین کاهش وزن در گروه تلگرام $1/61 \text{ kg}$ ($P < 0/001$) و در گروه بحث گروهی $0/41 \text{ kg}$ ($P = 0/11/0$) بود. دور کمر به ترتیب برای گروه تلگرام و بحث گروهی برابر با $1/74 \text{ cm}$ ($P = 0/001$) و $0/52 \text{ cm}$ ($P < 0/001$) و برای نسبت دور کمر به دور باسن برابر با $0/05 \text{ cm}$ ($P = 0/007$) و $0/03 \text{ cm}$ ($P = 0/017$) و مقدار BMI نیز برای گروه تلگرام و بحث گروهی برابر با 61 kg/m^2 ($P < 0/001$) و $0/11 \text{ kg/m}^2$ ($P = 0/011$) محاسبه گردید. ضمناً متغیر دور باسن تنها در گروه تلگرام معنادار بوده ($P < 0/001$) و مقدار آن برابر با 1 cm کاهش یافته بود. هیچ کدام از شاخصها در گروه کنترل تغییرات معناداری نداشتند ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: یافته‌ها پژوهش نشان میدهد که آموزش با بحث گروهی و ارسال پیام تلگرامی بر روی شاخصهای تنسجی موثر بوده است ولی تأثیر پیام تلگرامی جهت یادآوری انجام وظایف خود مراقبتی و تقویت انگیزه آنان به پیگیری این وظایف مفید و موثرتر بوده است. لذا پیشنهاد میشود مداخله با پیام تلگرامی به عنوان یک الگو جهت آموزش کارکنان بکار برده شود.

کلید واژه: پیام تلگرامی، بحث گروهی، شاخصهای تنسجی، کارکنان حوزه سلامت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش سواد سلامت در خود مراقبتی و پیشگیری از ترومبوز وریدهای عمقی در بیماریهای مزمن

چکیده

مقدمه: از جمله اختلالات قلبی و عروقی که میزان مرگ و میر بیماران بستری در بخشهای مراقبت ویژه را افزایش میدهد، ترومبوز وریدهای عمقی است. میتوان با تشخیص و درمان زودهنگام از پیامدهای جدی این اختلال پیشگیری نمود. بیماران و افراد مراقبت کننده از آنها لازم است در زمینه ریسک فاکتورها، روشهای پیشگیری و علائم این اختلال از سواد سلامت کافی برخوردار شوند. از اینرو پرستاران با تکیه بر نقش آموزشی خود تلاش میکنند پیش از ترخیص، با ارائه آموزشهای لازم، سواد سلامت بیمار و افراد مراقبت کننده از آنها را در این خصوص افزایش دهند. هدف از ارتقای سواد سلامت آنها، افزایش توان خودمراقبتی در آنها و پیشگیری از بستریهای مجدد در بیمارستان میباشد. مطالعه حاضر با هدف شناسایی روشهای موثر بر ارتقای سواد سلامت بیماران و افراد مراقبت کننده از آنها در پیشگیری از ترومبوز وریدهای عمقی در بیماران مزمن انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر با مرور مقاله‌های مرتبط با ترومبوز وریدهای عمقی، سواد سلامت، خودمراقبتی، بیماری مزمن، فرد مراقبت کننده، به هر دوزبان فارسی و انگلیسی در پایگاه‌های داده‌های Mag iran و google scholar، pub med، Up To Date، proquest، SID تا ۲۰۰۰ تا انتهای مارچ ۲۰۱۸ انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که آموزش به شیوه‌های مناسب در بزرگسالان به افزایش مشارکت بیمار و افراد مراقبت‌کننده از وی از طریق افزایش دانش و سواد سلامت تاثیر دارد. با توجه به ورود فناوریهای مدرن در تمام حیطه‌های زندگی، استفاده از روشهای مبتنی بر اینترنت و شبکه‌های مجازی از سوی بیماران و خانواده‌های آنها از استقبال بیشتری برخوردار بوده است. و یافته‌ها نشان داده است در مقایسه با روشهای سنتی مانند ارائه پمفلت و جزوه آموزشی تاثیر بیشتری بر افزایش سواد سلامت افراد مورد مطالعه داشته است.

نتیجه‌گیری: افراد به صورت ذاتی به دنبال افزایش سواد خود در ابعاد مختلف هستند. سواد سلامت با توجه به تاثیر آن بر ارتقای سلامت انسان، به صورت روزانه و در شرایط مختلف با استفاده از منابع متفاوتی در حال رشد است. در زمان انحراف از سلامتی کامل، تلاش در جهت افزایش سواد سلامت افزایش مییابد و افراد تمایل دارند تا با روش مناسب در خصوص راهکارهای مراقبت از خود، دانش خود را افزایش دهند. بنابراین لازم است تیم درمان با استفاده از روشهای مناسب و کارآمد اطلاعات مناسب و کاربردی در اختیار بیماران و مراقبین آنها قرار دهند. با توجه به نفوذ تکنولوژی در زندگی روزانه بشر و تبدیل شدن آن به جز لاینفک زندگی، از شبکه‌های مجازی به عنوان یک ابزار مناسب میتوان برای راهکارهای مراقبتی و پیشگیری از عوارض بیماری استفاده نمود.

کلید واژه: ترومبوز وریدهای عمقی، پیشگیری، بیماری مزمن، خود مراقبتی، سواد سلامت

آناهیتا زارعی محمودآبادی

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه،
دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی
تهران، ۰۲۱-۶۱۱۹۲۲۰۳

AnahitaZarei2016@gmail.com

زهرا عباسی دولتآبادی

استادیار، عضو گروه پرستاری مراقبت ویژه دانشکده
پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

معصومه ذاکریمقدم

استادیار، عضو گروه پرستاری مراقبت ویژه دانشکده
پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

محسن صیاد منصور

استادیار، عضو گروه پرستاری مراقبت های ویژه
دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران
کارشناس پرستاری، مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره)
دانشگاه علوم پزشکی تهران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین همبستگی خودمراقبتی با سواد سلامت در بیماران تحت درمان با همودیالیز مراجعه کننده به بیمارستان ولی عصر (عج) اراک در سال ۱۳۹۴

سیما زاهدی

* گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری،
دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

فهیمة داودآبادی

گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری،
دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

مهدی هروانی

گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری،
دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

محبوبه خسروانی

گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری،
دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

چکیده

مقدمه: همودیالیز شایعترین روش درمان در بیماران مبتلا به مرحله انتهایی نارسایی مزمن کلیه می‌باشد. بیماران تحت درمان با همودیالیز به دلیل داشتن درمان‌های دارویی متعدد، برنامه‌های غذایی خاص و کسب توانایی لازم در سازگاری با بیماری خود نیازمند انجام فعالیت‌های خودمراقبتی می‌باشند. با توجه به کمبود اطلاعات در مورد نقش سواد سلامت در خودمراقبتی موثر و کارآمد این بیماران، پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی خودمراقبتی با سواد سلامت در بیماران تحت درمان با همودیالیز انجام شد. **روش بررسی:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی - همبستگی بود که بر روی ۹۳ بیمار تحت درمان با همودیالیز مراجعه‌کننده به بیمارستان ولی عصر (عج) اراک در سال ۱۳۹۴ و به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت شناختی، پرسش‌نامه خودمراقبتی و پرسش‌نامه تعدیل شده سواد سلامت بزرگسالان ایرانی بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و با کمک آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون) انجام شد. سطح معناداری $P < 0.05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: از ۹۳ بیمار مورد پژوهش ۷۹/۶ درصد مرد و ۲۰/۴ درصد زن با میانگین سنی (۱۳/۹۰ ±) ۵۴/۱۸ سال بودند. میانگین نمره خودمراقبتی (۴۵/۴۶ ±) و سواد سلامت (۳۶/۴۲ ±) ۸۸/۱۴ و در حد متوسط برآورد شدند. به ترتیب کمترین نمره خودمراقبتی و سواد سلامت مربوط به حیطة مصرف مایعات و تصمیم‌گیری و رفتار بود. همچنین خودمراقبتی با سواد سلامت همبستگی مثبت و معناداری داشت ($r = 0.06 - P < 0.001$).

نتیجه‌گیری: وجود همبستگی مثبت و معنادار بین خودمراقبتی و سواد سلامت، لزوم توجه بیشتر مدیران بیمارستان‌ها و پرستاران به نیازهای بیماران تحت همودیالیز را آشکار می‌سازد. با توجه به اهمیت سواد سلامت در خودمراقبتی بیماران تحت درمان با همودیالیز، ضروری به نظر می‌رسد که مسئولین و سیاست‌گذاران پرستاری با استفاده از برنامه‌های آموزشی متناسب با سطح سواد سلامت این بیماران جهت ارتقای سلامت و کیفیت زندگی آن‌ها گام بردارند.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مهارت خودآگاهی مبتنی بر تئوری خودکارآمدی به والدین بر خودآگاهی و عزت نفس دانش آموزان متوسطه اول حاشیه شهر مشهد

چکیده

مقدمه: برخورداری از مهارت‌های زندگی نظیر مهارت خودآگاهی، توانایی‌های روانی-اجتماعی افراد را بهبود بخشیده و باعث افزایش عزت نفس می‌شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت خودآگاهی مبتنی بر تئوری خودکارآمدی به والدین برخوردآگاهی و عزت نفس دانش آموزان متوسطه اول دختر ساکن در حاشیه شهر مشهد صورت گرفت.

روش بررسی: پژوهش حاضر نوع نیمه تجربی و کاربردی با طرح پیش آزمون - پس آزمون بود که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل مادران دانش آموزان متوسطه اول در منطقه حاشیه شهر مشهد بود. که از بین آنها نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰ نفر باشیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و مداخله بر روی آنها انجام گرفت. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه خودکارآمدی والدین، پرسشنامه خودآگاهی نوجوانان، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ بود. والدین دانش آموزان به مدت ۷ جلسه و هر هفته دو جلسه تحت آموزش دومهارت خودآگاهی و عزت نفس و خودکارآمدی قرار گرفتند. داده های جمع آوری شده به کمک نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمون t زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت مقدار $p < 0/05$ به عنوان سطح معنی داری تفاوتها در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتیجه آزمون تی زوجی نشان میدهد برای سازگاری کلی و تمام مولفه های آن به استثنای سازگاری شغلی یافته‌ها آزمون معنی دار شده است. از طرفی عزت نفس آزمودنی‌ها به طور معنی داری افزایش یافته است. بنابراین آموزش مهارت های خودآگاهی و ابزار وجود، در بهبود سازگاری در خانه، سازگاری سلامتی، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی موثر است.

نتیجه گیری: آموزش مهارت‌های خودآگاهی و عزت نفس به والدین روش موثری جهت ارتقای عزت نفس و خودآگاهی دانش آموزان در دوران حساس نوجوانی است.

کلید واژه: خودآگاهی، خودکارآمدی والدین، عزت نفس، دانش آموزان

زهرآزمت کش

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

نوشین پیمان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت و عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی پیشگویی کننده‌های مصرف مکمل امگا ۳ در پیشگیری از بیماری آلزایمر بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در سالمندان

سمانه زنجانی

* دکتر تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، نویسنده مسئول: ۰۲۱-۴۴۸۶۱۵۱۷۹

zanjani21@yahoo.com

زهرا جلیلی

دانشیار (دکتر تخصصی آموزش بهداشت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، علوم و فناوری‌های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

رضا توکلی

دانشیار (دکتر تخصصی آموزش بهداشت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، علوم و فناوری‌های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

سحر جلیلی

استادیار (دکترای شیلات، فناوری محصولات شیلاتی، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران)

چکیده

مقدمه: بیماری آلزایمر شایع‌ترین نوع زوال عقلی است که با کاهش تدریجی توانایی ذهنی و اختلالات رفتاری مشخص می‌گردد. بیماری آلزایمر ۵ تا ۱۰ درصد افراد ۶۵ سال به بالا را تهدید می‌کند. مطالعات انجام شده مصرف مواد حاوی اسیدهای چرب امگا ۳ (EPA, DHA) را به منظور پیشگیری از بیماری پیشنهاد می‌کنند. مطالعه حاضر با هدف تعیین پیشگویی کننده‌های مصرف مکمل امگا ۳ در پیشگیری از بیماری آلزایمر بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در سالمندان انجام گردید.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی - تحلیلی ۳۳۳ سالمندان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر تهران در سال ۹۵-۱۳۹۴ با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه سالمند ۶۰ سال به بالا، عدم ابتلا به بیماری آلزایمر و تکمیل فرم رضایت آگاهانه تعیین شد. داده‌ها با پرسشنامه مبتنی بر سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی پس از تعیین روایی و پایایی جمع آوری و با استفاده از آزمون‌های χ^2 ، تی مستقل، آنالیز رگرسیون لجستیک تحلیل گردید. **یافته‌ها:** بیشترین میانگین محاسبه شده در سازه شدت درک شده ۴/۴۰ و پس از آن آگاهی با میانگین ۶/۳۰ نشان داده شد. میانگین رفتار مصرف مکمل امگا ۳ در بین نمونه‌ها ۶/۲۷ بود. کمترین میانگین کسب شده در سازه موانع درک شده بود و نشانگر این است که این سازه می‌تواند مانعی برای مصرف مکمل امگا ۳ باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌ها پژوهش مبنی بر میانگین رفتار مصرف مکمل امگا ۳ در حد کم و آگاهی در حد متوسط در سالمندان مورد مطالعه، پیشنهاد می‌گردد مداخله‌های آموزشی بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی برای سالمندان به منظور پیشگیری از بیماری آلزایمر طراحی و اجرا گردد.

کلید واژه: بیماری آلزایمر، الگوی اعتقاد بهداشتی، مکمل امگا ۳، سالمندان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی بر سطح شادکامی زنان میانسال

چکیده

مقدمه: دستیابی به شادکامی هدفی اصلی برای بسیاری از مردم است. اگر چه تحقیقات علمی معدودی در مورد اینکه چگونه شادکامی را می‌توان بهبود داد و حفظ کرد انجام شده است. با توجه به مسؤولیت زنان در نقش‌های مختلف، افزایش شادکامی می‌تواند به بهبود سلامت روانی آنها کمک کند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی بر میزان شادکامی، استحکام درونی و سلامت روان در زنان میانسال مراجعه کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی، ۲۰۰ خانم میانسال مراجعه کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۹۵ به طور تصادفی به دو گروه شاهد و مداخله تقسیم شدند. برنامه‌ریزی جهت برنامه آموزشی بر اساس برنامه شادکامی ۸ مرحله‌ای انجام شد. قبل از اجرای برنامه، پرسشنامه معتبر شادکامی حقیقی برای هر دو گروه تکمیل شد. گروه مداخله ۱۰ جلسه آموزشی (یک جلسه در هفته) دریافت کردند و هر دو گروه ۶ ماه پس از مداخله مجدد پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. در نهایت داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ با استفاده از آزمون آنالیز کوواریانس (ANCOVA) و رگرسیون چندمتغیره در سطح معنی داری $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین گروه مداخله و شاهد اختلاف معنی داری در میانگین نمره شادی پس از مداخله وجود دارد ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: یافته‌های پژوهش حاضر اثربخشی برنامه آموزشی را در افزایش سطح شادکامی در زنان میانسال تأیید کرد. با این حال، برای اطلاعات بیشتر جهت تأیید یافته‌ها مطالعات بیشتری لازم است. یافته‌ها مطالعه، ضرورت تدوین برنامه‌های خاص مداخله‌ای برای دستیابی به شادی را نشان داد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، شادکامی، زنان میانسال

سمانه زنجانی

* دکترا تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، نویسنده مسئول: ۰۲۱-۴۴۸۶۱۵۱۷۹

zanjani21@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله مبتنی بر مراحل تغییر بر خودکارآمدی و مصرف میوه و سبزی در زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی

مریم زوارمقدم

* دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.
Email:m.zavartoosi@yahoo.com

ربیع اله فرمانبر

استادیار گروه آموزش بهداشت دانشکده بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

سعید امیدی

مریی گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه
علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه: کنترل و درمان بیماری دیابت مستلزم رفتارهای خودمراقبتی در تمام طول عمر است و رژیم غذایی مناسب یکی از اجزای خود مراقبتی در بیماران دیابتی می باشد. از طرفی از مهمترین عوامل موثر بر خودمراقبتی، خودکارآمدی است. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر مداخله مبتنی بر مدل مراحل تغییر بر خودکارآمدی و مصرف میوه و سبزی در زنان دیابتی می باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع کارآزمایی شاهددار تصادفی است که روی ۱۰۲ زن مبتلا به دیابت شهر قزوین انجام شد. نمونه گیری به صورت تصادفی و در دو مرکز بهداشتی درمانی که برنامه مراقبت دیابت در آنها اجرا می شود، انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای روایی و پایایی شده شامل اطلاعات دموگرافیک، برگه گزارش هفتگی مصرف میوه و سبزی، مراحل تغییر، فرایندهای تغییر، خودکارآمدی و توازن تصمیم گیری مصرف میوه و سبزی بود. مداخله آموزشی بر اساس نتایج پرسشنامه تجزیه و تحلیل داده ها در چهار جلسه آموزشی برای گروه مداخله اجرا و داده های پس از آزمون سه ماه پس از پایان مداخله جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آن انجام گرفت.

یافته ها: قبل از مداخله تفاوت آماری معنی داری در متغیرهای دموگرافیک، مقدار مصرف میوه و سبزی و سازه های مدل در دو گروه دیده نشد. پس از مداخله تفاوت مراحل تغییر مصرف میوه و سبزی بین دو گروه معنی دار بود. ($P=0/000$) همچنین بین میانگین نمره خودکارآمدی مصرف میوه و سبزی در گروه مداخله قبل از مداخله و بعد از مداخله اختلاف آماری معنی داری وجود داشت. ($P=0/000$) در حالیکه در گروه کنترل این اختلاف معنی دار نبود. تفاوت میانگین مصرف میوه و سبزی بین دو گروه نیز پس از مداخله معنی دار بود ($P=0/001$)

نتیجه گیری: با توجه به ضرورت تقویت خودکارآمدی در فرایند تغییر رفتار خودمراقبتی بیماران، مداخله مبتنی بر مدل مراحل تغییر در افزایش خودکارآمدی و بهبود رفتار مصرف میوه و سبزی موثر بوده و استفاده از آن در آموزش خود مراقبتی بیماران دیابتی توصیه می شود.

کلید واژه: مراحل تغییر، دیابت، خودکارآمدی، میوه و سبزی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتقای رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به فشارخون بالا:

تئوری شناختی اجتماعی

چکیده

مقدمه: فشارخون بالا یکی از بیماری‌های غیرواگیر می‌باشد که به یک چالش مهم بهداشت عمومی و کوتاه شدن طول عمر بسیاری از مردم در سطح جهان تبدیل شده است یکی از روش‌هایی که می‌توان کنترل فشارخون بالا را بهبود بخشید، آموزش رفتارهای خود مراقبتی و دخالت بیماران در مراقبت از خود می‌باشد. چارچوب‌های تئوریک در مداخلات آموزشی و تأثیرگذاری بر مهم‌ترین عوامل موثر بر تبعیت از رفتارهای خودمراقبتی در بیماران فشارخون بالا می‌تواند موثر واقع شود. در این راستا، در مطالعه حاضر اثربخشی مداخلات آموزشی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی جهت ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی در مبتلایان به فشارخون بالا مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش بررسی: مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۵۰ بیمار مبتلا به فشارخون بالای تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی انجام گرفت. این بیماران بر اساس معیارهای ورود انتخاب شده و به طور تصادفی به گروه مداخله و گروه کنترل تقسیم شدند. گروه مداخله ۸ جلسه مداخله آموزشی گروهی متمرکز بر استراتژی‌های تئوری شناختی اجتماعی از پیامدهای حاصل از رفتارهای خودمراقبتی شرکت نمودند. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه در مقاطع قبل و شش ماه بعد از مداخله جمع‌آوری شد. داده با به کارگیری آزمون آماری مناسب بوسیله نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: گروه‌های مطالعه تفاوت معنی‌داری از نظر متغیرهای مورد بررسی در ابتدای مطالعه نداشتند. شش ماه پس از مداخله آموزشی در گروه مداخله در نمرات آگاهی ($p < 0/001$)، خودکارآمدی ($p < 0/001$)، انتظارات پیامد ($p < 0/001$)، ارزشیابی پیامد و خود تنظیمی در رفتارهای خودمراقبتی ($p < 0/001$) افزایش معنی‌دار و کاهش معنی‌داری در فشارخون سیستولیک و دیاستولیک ($p < 0/05$)، دیده شد. همچنین اثربخشی مداخله آموزشی باعث افزایش معنی‌داری در رفتارهای خودمراقبتی در گروه مداخله شد ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان می‌دهد که مداخلات آموزشی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی در بیماران فشارخون بالا سودمند واقع شده است. استفاده از راهبردهای آموزشی و محتوای آموزشی مناسب می‌تواند در ارتقاء کیفی مداخلات آموزشی بیفزاید. این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که ادغام مداخلات آموزشی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی، با بکارگیری راهبردهای آموزشی می‌تواند رفتارهای خودمراقبتی در بیماران فشارخون بالا را افزایش دهد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، خود مراقبتی، فشار خون بالا، تئوری شناختی اجتماعی

سید فاضل زینت مطلق

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

احمد علی اسلامی

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
نویسنده مسئول:

eslamiaa@gmail.com Email

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



حمایت اجتماعی در ارتقای رفتارهای خود مراقبتی بیماران مبتلا به فشارخون بالا

سید فاضل زینت مطلق

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

احمد علی اسلامی

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
نویسنده مسئول:

eslamiaa@gmail.com Email

چکیده

مقدمه: با وجود مزایای رفتارهای خود مراقبتی در کنترل فشارخون بالا، بیماران مبتلا به فشارخون بالا پذیرش کمی از رفتارهای خود مراقبتی دارند و مطالعات متعددی پایین بودن این رفتارها را در بیماران فشارخون بالا گزارش نموده‌اند. بر همین اساس ضرورت برنامه ریزی های مبتنی بر شواهد برای افزایش مشارکت بیماران فشار خون بالا در انجام رفتارهای خود مراقبتی را تبیین می‌نماید. مطالعه حاضر با هدف تعیین مداخله آموزشی مبتنی بر حمایت اجتماعی در افزایش رفتارهای خود مراقبتی در بیماران فشار خون بالا انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۵۰ بیمار مبتلا به فشارخون بالای تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی انجام گرفت. این بیماران بر اساس معیارهای ورود انتخاب شده و به طور تصادفی به گروه مداخله و گروه کنترل تقسیم شدند. گروه مداخله ۳ جلسه مداخله آموزشی گروهی متمرکز بر استراتژی‌های حمایت اجتماعی حاصل از رفتارهای خودمراقبتی شرکت نمودند. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه در مقاطع قبل و شش ماه بعد از مداخله جمع‌آوری شد. داده با به‌کارگیری آزمون آماری مناسب بوسیله نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که شش ماه پس از مداخله آموزشی در گروه مداخله نمره حمایت اجتماعی خانواده در رفتارهای خود مراقبتی (پایبندی به مصرف دارو، تغذیه سالم، فعالیت بدنی، کنترل وزن و کاهش مصرف دخانیات) در بیماران فشار خون بالا افزایش معنی‌داری پیدا کرده است ($p < 0.001$). ولی، میزان نمره حمایت اجتماعی دوستان در تمامی رفتارهای خودمراقبتی در گروه مداخله ۶ ماه پس از اتمام دوره آموزشی افزایش یافته بودند، اما فقط این میزان افزایش در رفتارهای تغذیه سالم و فعالیت بدنی از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مداخلات آموزشی باعث ارتقاء رفتارهای خود مراقبتی در بیماران فشار خون بالا شده است. افزایش حمایت اجتماعی خانواده‌ها در انجام رفتارهای خود مراقبتی باعث کنترل بیشتر بر فشار خون بیماران می‌شود. بر اساس این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند انجام مداخلات آموزشی همزمان به بیماران و خانواده های آنها می‌تواند رفتارهای خودمراقبتی در بیماران فشارخون بالا را افزایش دهد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، خود مراقبتی، فشار خون بالا، حمایت اجتماعی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بکارگیری رویکرد نقشه نگاری مداخله در ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی بیماران دیابتی نوع ۲

چکیده

مقدمه: دیابت یک بیماری شایع است که میتوان با رفتارهای خودمراقبتی آن را کنترل نمود. رویکرد نقشه نگاری مداخله، پروتکلی برای توسعه برنامه‌های ارتقاء سلامت مبتنی بر نظریه و شواهد است. هدف از این پژوهش، توسعه برنامه ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی در بین بیماران دیابتی نوع ۲ با بهره‌گیری از رویکرد نقشه نگاری مداخله بود.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک پژوهش برنامه‌ریزی برنامه ارتقاء سلامت در رابطه با ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابت نوع دو با بهره‌گیری از رویکرد نقشه‌نگاری مداخله در سال ۱۳۹۷ بود. با بهره‌گیری از گام‌های شش‌گانه رویکرد نقشه‌نگاری مداخله و با محوریت گروه برنامه‌ریزی برنامه در رابطه با ارتقاء رفتارهای خود مراقبتی در بیماران دیابت نوع دو انجام گرفت. در گام اول، نیازسنجی به صورت مصاحبه کیفی با بیماران و مروری بر ادبیات انجام گردید و در گام دوم اهداف عملکردی و تعیین‌کننده‌ها مشخص و در گام‌های بعدی، طراحی برنامه، برنامه‌ریزی پیاده‌سازی مداخله و ارزشیابی برنامه مشخص گردید.

یافته‌ها: شناسایی تعیین‌کننده‌های مهم و قابل تغییر در سطح رفتاری و محیطی که شامل؛ آگاهی، خودکارآمدی، انتظارات پیامد، نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار درک شده، قصد رفتاری بودند که در گام اول و دوم بدست آمد، میزان تبیین‌کنندگی چهارچوب‌های رفتاری ۴۴ درصد شناسایی شدند. در گام سوم روشهای مداخله مبتنی بر تئوری و کاربردهای عملی برای تغییر هر کدام از تعیین‌کننده‌ها انتخاب شدند و در گام چهارم اجزای برنامه و مواد برنامه طراحی شدند و در گام پنجم پیاده‌سازی و در گام ششم ارزشیابی اثر و فرایند برنامه صورت گرفت.

نتیجه‌گیری: این تحقیق نمونه‌ای از رویکرد سیستماتیک و مبتنی بر شواهد به منظور توسعه یک اقدام مداخله‌ای در ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی است. این روش‌ها و یافته‌ها نشان می‌دهد که چگونه می‌توان نقشه نگاری مداخله را برای توسعه رفتارهای خودمراقبتی در جمعیت‌های خاص مورد اولویت قرار داد.

کلید واژه: دیابت نوع ۲- نقشه نگاری مداخله- رفتارهای خودمراقبتی

طاهره حدیری

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

سید فاضل زینت مطلق

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

اردشیر افراسیابی

دانشیارگروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

احمد علی اسلامی

* دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران. نویسنده مسئول: eslamiaa@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح فعالیت بدنی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد

مریم ساکی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

سید سعید مظلومی محمود آبادی

عضو هیات علمی و استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

محمد رضا میر جلیلی

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یزد و فوق تخصص مراقبت های ویژه

حمیدرضا فلاح

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه یزد، ایران

حسین فلاح زاده

استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماریهای غیر قابل تزئی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

علی اکبر واعظی

استادیار پرستاری، گروه پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

چکیده

مقدمه: افزایش سطح فعالیت بدنی کیفیت زندگی و سلامت را بالا می برد. با این وجود افراد به ویژه زنان در فعالیت های بدنی مشارکت چندانی نداشته و به علاوه فعالیت آن ها با افزایش سن کاهش می یابد. با توجه به اهمیت فعالیت بدنی در زنان این مطالعه باهدف ارزیابی سطح فعالیت بدنی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی و به روش مقطعی بود که بر روی ۱۹۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد با میانگین سنی (۳۰/۳۳+۷/۵۱) انجام شد. نمونه گیری به روش خوشه ای تصادفی بود و جهت بررسی سطح فعالیت بدنی از پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی (IPAQ) استفاده شد. داده ها بر اساس دستورالعمل پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی (IPAQ)، نرم افزار ۲۳spss و با استفاده از آزمون u -مان ویتنی و کروسکال والیس (عدم نرمالیتی داده ها) تجزیه و تحلیل گردیدند. یافته ها: یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از پرسشنامه IPAQ نشان داد که ۴۵/۲۶ درصد زنان فعالیت بدنی سبک، ۲۳/۶۸ درصد فعالیت بدنی متوسط و ۳۱ درصد زنان فعالیت بدنی شدید داشتند. میانگین فعالیت بدنی کل برای منطقه آزاد شهر برابر با $۳۴۴۵+۱۸۳۷$ مت و برای منطقه امام شهر برابر با $۲۱۶۰+۱۷۲۲$ مت بوده است. آزمون مان ویتنی u -نشان داده که اختلاف معنی دار است ($p=۰/۰۴۲$). بر اساس آزمون کروسکال والیس، بین گروه های سنی مختلف در منطقه آزاد شهر ($P=۰/۴۱۲$) و امام شهر ($P=۰/۸۸۳$) تفاوت معنی داری در میزان فعالیت بدنی کل بر حسب مت مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت فعالیت بدنی در زندگی زنان، یافته ها مطالعه نشان می دهد که فعالیت بدنی در جامعه مورد بررسی کافی نیست و لازم است با برنامه ریزی صحیح و مستمر، آموزش های لازم در خصوص تغییر سبک زندگی زنان ارائه شود.

کلید واژه: فعالیت بدنی، زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی، پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی، شهر یزد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین عوامل موثر بر فعالیت بدنی زنان شهر یزد: یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: فعالیت بدنی منظم، یکی از مهمترین عوامل ارتقاء سلامت جسمی و روانی می‌باشد. فعالیت بدنی منظم می‌تواند سلامت زنان را ارتقا دهد و از ایجاد بیماری‌ها و شرایطی پیشگیری کند که علت اصلی مرگ و ناتوانی زنان در سراسر جهان هستند. هدف از اجرای این مطالعه کیفی، تبیین عوامل موثر بر فعالیت بدنی زنان شهر یزد بود.

زوش بررسی: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای هدایت شده به مدت شش ماه از اول دی ماه سال ۱۳۹۴ تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۵ در مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد صورت گرفت. نمونه‌گیری به روش مبتنی بر هدف و داده‌ها به روش بحث گروهی متمرکز و مصاحبه نیمه ساختارمند مبتنی بر سازه‌های تئوری بازاریابی اجتماعی از ۲۵ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی به دست آمد. مصاحبه‌ها ضبط و سپس کلمه به کلمه تایپ و پیاده‌سازی شد. آنالیز داده‌ها همزمان با جمع‌آوری آن‌ها به روش تحلیل محتوایی لاندمن و گرانهایم تحلیل گردید.

یافته‌ها: تجربیات زنان در ارتباط با فعالیت بدنی در چهار طبقه اصلی شامل توجه ناکافی به فعالیت بدنی در برنامه زندگی، مساعد نبودن شرایط، کسب نشاط و سلامتی با انجام فعالیت بدنی و وجود تسهیلات ورزش کردن شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: بنابه یافته‌های پژوهش حاضر نداشتن آگاهی کافی و برنامه ریزی و اهتمام به ورزش کردن و شرایط خاص فرهنگی حاکم بر محیط، از عوامل فعالیت بدنی ناکافی بود و نظر به اینکه انجام فعالیت بدنی موجب نشاط، شادابی و احساس سلامتی بیشتر می‌شود لازم است مسئولین امکانات و وسایل ورزشی مورد نیاز زنان را در یک فضای مطلوب و با نشاط فراهم کنند.

کلید واژه: فعالیت بدنی، مطالعه کیفی، زنان

مریم ساکی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

سید سعید مظلومی محمود آبادی

عضو هیات علمی و استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

محمد رضا میر جلیلی

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یزد و فوق تخصص مراقبت‌های ویژه

حمیدرضا فلاح

استاد یار گروه علوم تربیتی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه یزد، ایران

حسین فلاح زاده

استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری‌های غیر قابل تزئی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

علی اکبر واعظی

استاد یار پرستاری، گروه پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر تماس با آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد بر انگ اختلالات روانپزشکی در دانشجویان پرستاری

سعید واقعی

مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، مریب گروه آموزش روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

اعظم سالارحاجی

دانشجوی مقطع دکتری پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مسعود کاشانی لطف آبادی

مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان روانپزشکی ابن سینا، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نسترن واقعی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران

بی بی مریم هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی، دانشگاه پیام نور گناباد، گناباد، ایران

چکیده

مقدمه: انگ اختلالات روانپزشکی، یکی از موانع اصلی دستیابی به مراقبتهای بهداشتی روان، بهبودی و کیفیت زندگی در افراد مبتلا به این اختلالات شناخته شده است. به طوریکه می توان گفت نگرانی اصلی این افراد بوده و بزرگترین تأثیر آن بر بیمار ایزوله اجتماعی، از دست دادن نقش های اجتماعی، احساس شرمندگی و ترس از محرومیت می باشد. لذا، به نظر می رسد که علی رغم اهمیت استیگما در پیشگیری و درمان اختلالات روانپزشکی و نقش مهم پرستاران در مراقبت و حمایت از آنها، در آموزش پرستاری به طور خاص کمتر به این موضوع پرداخته شده است.

هدف: مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر تماس با آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد بر استیگما نسبت به اختلالات روانپزشکی در دانشجویان پرستاری.

روش بررسی: در این کارآزمایی بالینی، ۱۱۱ دانشجوی ترم ۴ پرستاری که در حال گذراندن کارآموزی بهداشت روان یک در بیمارستان روانپزشکی ابن سینا در مشهد بودند؛ به صورت خوشه ای تصادفی و سهمیه ای به سه گروه آموزش مبتنی بر تماس (تماس بین فردی با افراد مبتلا به اختلالات روانپزشکی بهبود یافته)، آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد و گروه کنترل، تخصیص داده شدند. ابزار گردآوری داده ها مقیاس استیگمای فراهم کنندگان مراقبت بهداشتی بود که در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری یک ماهه تکمیل گردید. آنالیز داده ها با استفاده از آزمون آنالیز واریانس با اندازه گیری مکرر انجام شد.

یافته ها: بین گروه آموزش مبتنی بر تماس و آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد از نظر کاهش میانگین نمره کل استیگما و زیر مقیاس های فاصله اجتماعی و سایر مفاهیم تفاوت معناداری وجود نداشت ($p < 0.05$). از طرفی، بین سه گروه از نظر تغییرات میانگین نمره زیر مقیاس فاش سازی تفاوت معناداری وجود نداشت ($P = 0.09$). اما، گروه آموزش مبتنی بر تماس در مقایسه با گروه آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد، کاهش معناداری را در میانگین نمره زیرمقیاسهای بهبودی و مسئولیت پذیری اجتماعی نشان داد ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد که هر دو روش آموزش مبتنی بر تماس و آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد می تواند موجب کاهش انگ اختلالات روانپزشکی در دانشجویان پرستاری گردد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی در محیط کار (مطالعه موردی: کارکنان مجتمع تولید روی بندرعباس)

چکیده

مقدمه: یکی از مباحثی که در سالهای اخیر در رویکرد روانشناسی مثبت مورد توجه قرار گرفته، محبت شادی است. داشتن کارکنانی شاد و کارآمد از آرمانهای مجموعه‌های صنعتی می‌باشد. برنامه ریزی جهت افزایش میزان شادی، نیاز به شناخت میزان شادی کارکنان و عوامل مرتبط با شادی دارد. بر این اساس، هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان مجتمع تولید روی بندرعباس بود. **روش بررسی:** پژوهش حاضر، مطالعه ای توصیفی تحلیلی از نوع کاربردی بود. جامعه مورد بررسی، تعدادی از کارکنان شاغل در مجتمع تولید روی بندرعباس تشکیل گردیده است. به منظور دستیابی به اطلاعات تجربی و کاربردی و راهکارهای مورد توجه، از پرسشنامه استفاده گردید. برای آزمون فرضیات تحقیق، با استفاده از تکنیکهای آمار استنباطی هم چون ضریب همبستگی پیرسون (Pearson) به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شد. **یافته‌ها:** میانگین نمره کسب شده شادکامی توسط کارکنان مجتمع تولید روی بندرعباس برابر با ۵۵/۳۱ بود که در سطح خوب می‌باشد. یافته‌ها حاصل از تحلیل همبستگی نشان داد عوامل مرتبط با شادکامی کارکنان به ترتیب میزان ارتباط شامل: رضایت از زندگی، خوش بینی، رضایت از خانواده، ورزش، رضایت شغلی، مهمانی، فعالیت هنری، مطالعه، مسافرت و ایمان قلبی بود. **نتیجه گیری:** افزایش در رضایت از زندگی، خوش بینی، رضایت از خانواده، ورزش، رضایت شغلی، مهمانی رفتن و مهمانی دادن، فعالیت هنری، مطالعه، مسافرت و ایمان قلبی به خدا با افزایش شادی کارکنان ارتباط معنادار دارد. با در نظر داشتن رابطه دو طرفه شادکامی و این عوامل با یکدیگر، می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع برنامه ای که به افزایش یک یا چند مورد از مقوله‌های مذکور گردد، می‌تواند بر شادکامی کارکنان نیز اثر مثبت گذارد. همچنین با در نظر گرفتن فعالیتها و راهبردهایی که استرس شغلی کارکنان را کاهش دهد، می‌توان در جهت افزایش شادکامی کارکنان گام برداشت.

کلید واژه: شادکامی، شادی در محیط کار، مجتمع تولید روی بندرعباس،

سید محمد رضا انجوی

کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، مدیر عامل مجتمع تولید روی بندرعباس

شانتیا قاسم زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی گرایش HSE، مدیر HSE مجتمع تولید روی بندرعباس

هادی سالاری

* کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، مسئول واحد بهداشت مجتمع تولید روی بندرعباس. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۳۳۱۲۸۵۹

Email: hadisalari_hse@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و منابع اطلاعاتی سالمندان عضو کانونهای دوستدار

سالمند شهر تبریز سال ۱۳۹۷

حبیبه ستودن حق

* دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی،
کارشناس سلامت سالمندان مرکز بهداشت تبریز.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۴۰۲۶۲۸۲،
Hab_seut53@yahoo.com

فرناز رهبر فرزام

کارشناس ارشد بهداشت روان، کارشناس مسئول واحد
سلامت خانواده و جمعیت مرکز بهداشت تبریز

پری بیات سفیدی

کاردان بهداشت خانواده، مرکز بهداشت تبریز

مریم غلامی

کارشناس بهداشت عمومی، کارشناس سلامت سالمندان
مرکز بهداشت تبریز

دکتر علی عبادی

پزشک عمومی، رییس مرکز بهداشت تبریز

چکیده

مقدمه: امروزه افزایش امید به زندگی و کاهش میزان باروری سبب افزایش تعداد سالمندان در سراسر جهان شده است. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ حدود ۹/۲ درصد از جمعیت ایران و ۱۰ درصد جمعیت شهر تبریز را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند.

کانون‌های دوستدار سالمند در شهر تبریز با هدف تامین، حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روانی و معنوی سالمندان به منظور بهره‌مندی آنان از کیفیت زندگی بهتر، راه‌اندازی شده است. یکی از مهمترین اهداف اختصاصی راه‌اندازی این کانونها آموزش شیوه زندگی سالم و خود مراقبتی به سالمندان تحت پوشش می‌باشد. آگاهی از میزان سواد سلامت اعضا کانون و بررسی منابع اطلاعاتی ایشان، ما را در برنامه ریزیهای آموزشی و در نهایت رسیدن به هدف ارتقا سطح سلامت سالمندان کمک فراوانی خواهد نمود. سواد سلامت، میزان توانایی فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و استفاده از خدمات بهداشتی و محور تمامی برنامه‌ها و مداخلات آموزش و ارتقای سلامت است. محققان همچنین آن را در مقایسه با سن، درآمد، وضعیت اشتغال، سطح آموزش و نژاد پیش‌بینی کننده قویتری برای سلامت جامعه می‌دانند. **روش بررسی:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی می‌باشد. در این مطالعه میزان سواد سلامت و منابع اطلاعاتی ۱۵۰ نفر از سالمندان عضو ۶ کانون دوستدار سالمند شهر تبریز که از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند، مورد سنجش قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سنجش سواد سلامت جمعیت شهری ایرانی (HELIA) جمع‌آوری گردید. داده‌های به دست آمده به کمک نسخه ۲۱ نرم افزار SPSS و با به کارگیری آمارهای توصیفی تحلیل شدند.

یافته‌ها: ۳۲/۶ درصد (۹۹ نفر) سالمندان سواد سلامت ناکافی، ۱۶ درصد (۲۴ نفر) سواد سلامت نه چندان کافی، ۳۰/۶ درصد (۴۶ نفر) سواد سلامت کافی و ۲۰/۶ درصد (۳۱ نفر) سواد سلامت عالی داشتند.

مهمترین منبع اطلاعاتی سالمندان پرسیدن از پزشک و کارکنان بهداشتی و درمانی است و به ترتیب برنامه‌های پزشکی پخش شده در رادیو و تلویزیون و مطالعه کتاب و پرسیدن از دوستان و آشنایان در رده‌های بعدی قرار دارند هیچکدام از پاسخگویان با تلفن گویا آشنایی نداشتند...

نتیجه‌گیری: با توجه به محدود بودن سواد سلامت و محدودیت دسترسی به منابع اطلاعاتی در سالمندان، لازمست مداخلات آموزشی در کانونهای دوستدار سالمند متناسب با سطح سواد سلامت و علایق رسانه‌ای آنان به منظور توسعه مهارتهای سطح سواد گروه هدف طراحی شوند...

کلیدواژه: سالمند، سواد سلامت، کانون دوستدار سالمند

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزشیابی مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای مرتبط با احتیاطات استاندارد در کارکنان نظام سلامت

چکیده

مقدمه: مواجهات شغلی کارکنان نظام سلامت را در معرض خطر ابتلا به انواع عفونت‌ها از قبیل بیماری ایدز، هپاتیت B و هپاتیت C قرار می‌دهد. رعایت اصول احتیاطات استاندارد باعث کاهش بار بیماریها و هزینه های جانبی خواهد شد. این پژوهش، به منظور بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای مرتبط با احتیاطات استاندارد در کارکنان نظام سلامت شهرستان جم در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه تجربی بر روی پرسنل بیمارستان توحید و مراقبین سلامت مرکز بهداشت شهرستان جم انجام گرفت. نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای بر حسب حرفه های مختلف به تعداد ۱۰۰ نفر به دو گروه مداخله (۵۰ نفر) و کنترل (۵۰ نفر)، تخصیص داده شد. پس از تأیید روایی و پایایی ابزار، برنامه آموزشی قبل از مطالعه و بعد از آن مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها پس از ورود در نرم افزار آماری SPSS ۲۰ با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون‌های آماری مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ۳/۳۴ درصد از کارکنان نظام سلامت، هیچگونه سابقه آموزش قبلی در مورد احتیاطهای استاندارد نداشتند. ۴۲/۵٪ سابقه آسیب با سرسوزن و اجسام نوک نیز (Needle Stick) و ۱۷/۵٪ سابقه تماس با ترشحات بیماران را داشتند. مداخله آموزشی در رابطه با احتیاطات استاندارد در گروه مداخله، از لحاظ آماری بطورمعنی داری موجب افزایش نمره میانگین سازه‌های آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده و رفتار گردید. ولی تغییرات معنی دار آماری در افزایش نمرات خودکارآمدی و کاهش نمره موانع درک شده مشاهده نشد.

نتیجه گیری: یافته‌ها مطالعه بیانگر مؤثر بودن مداخله آموزشی مبتنی بر سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی در احتیاطات استاندارد کارکنان نظام سلامت می‌باشد. آموزش های مبتنی بر الگوهای تغییر رفتار به کارکنان نظام سلامت در رابطه با احتیاط های استاندارد پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، الگوی اعتقاد بهداشتی، احتیاطات استاندارد، کارکنان نظام سلامت

سمانه جمالی

آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

احمد ستوده

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۸۷۴۹۹۱۰

Email: sotoudeh_ahmadf@yahoo.com

محمود محبوبی راد

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

علی اسدیان

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

سعیده صادقی

آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت و سبک زندگی بیماران مبتلا به نارسایی قلب

نسرین رضایی

استادیار، گروه روان پرستاری، دانشکده پرستاری،
دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مریم سراجی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان،
زاهدان، ایران. نویسنده مسئول:

Email: serajimaryam@gmail.com

چکیده

مقدمه: نارسایی قلبی یک بیماری مزمن و پرهزینه‌ای است که سبک زندگی سالم در پیشگیری از آن مؤثر بوده و سواد سلامت نیز برای ارتقاء مراقبت از خود این بیماران لازم است. هدف پژوهش حاضر تعیین ارتباط بین سواد سلامت و سبک زندگی بیماران نارسایی قلب بستری در بیمارستان های شهر زاهدان می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی- تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۶، بر روی ۱۸۰ نفر از بیماران نارسایی قلب بستری در بیمارستان های شهر زاهدان که شرایط ورود به مطالعه را داشتند انجام شد. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

یافته‌ها: میانگین نمره سطح سواد سلامت ۲۲/۷ (از ۴۳ نمره) با انحراف معیار ۶/۶ بود. ۴۰٪ دارای سواد سلامتی ناکافی، ۴۵٪ دارای سطح سواد متوسط و ۱۵٪ دارای سطح سواد کافی و مطلوب بودند میانگین نمره سبک زندگی ۱۲۸/۷ و انحراف معیار ۶/۹ بود (از ۲۴۵ نمره) که بیشتر از متوسط بود. بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سواد سلامت و سبک زندگی رابطه مستقیم و از نظر آماری معنی داری وجود داشت ($r=0/51$ - $P=0/02$) یعنی با افزایش سواد سلامت، سبک زندگی ارتقاء می‌یافت.

نتیجه گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان دادند که بیماران نارسایی قلبی با افزایش سواد سلامت، سبک زندگی سالم تری را تجربه می‌کردند و با اینکه سواد سلامت کافی نداشتند ولی سبک زندگی سالم آنها بالاتر از حد متوسط بود. توصیه می‌شود برای ارتقای سواد سلامت این بیماران از روشهای مختلف آموزش استفاده گردد و سبک زندگی سالم به صورت هدفمند و مستمر برای عموم مردم آموزش داده شود.

کلید واژه: سواد سلامت، سبک زندگی، نارسایی قلبی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



موانع خود مراقبتی در بیماران همودیالیزی : یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: تبعیت از رفتارهای خود مراقبتی یکی از ارکان اساسی درمان در بیماران همودیالیزی است. موانع خودمراقبتی از قویترین پیشگویی کننده های پیروی از رفتارهای ارتقاء سلامت هستند. شناخت موانع و کاهش آنها می تواند به ارتقاء کیفیت زندگی بیماران کمک نماید. این مطالعه با هدف " موانع خودمراقبتی در بیماران همودیالیزی " انجام گرفت .

روش بررسی: این مطالعه کیفی با روش تحلیل محتوا (content analysis) انجام شد . مشارکت کنندگان ۹ بیمار، ۳ خانواده بیمار و ۲ پرستار بخش دیالیز بودند. نمونه گیری به صورت مبتنی بر هدف شروع شد و تا اشباع داده ها ادامه یافت . گرد آوری داده ها بصورت مصاحبه های نیمه ساختار یافته انجام شد. داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند .

یافته ها: یافته های این مطالعه شامل یک طبقه اصلی موانع خودمراقبتی و دو زیر طبقه موانع اجتماعی و موانع فردی بود که نشان دهنده انواع موانع خودمراقبتی در تبعیت از رفتارهای خودمراقبتی بیماران همودیالیزی بود.

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد بیماران همودیالیزی برای خودمراقبتی با موانع مهمی روبرو هستند شناسایی موانع خود مراقبتی در بیماران همودیالیزی می تواند سبب ارتقاء رفتارهای خود مراقبتی و بهبود کیفیت زندگی آنان شود همچنین به مدیران و برنامه ریزان حوزه سلامت کمک می نماید با بینش جدید و تمرکز بر رفع موانع در راستای خودمراقبتی بیماران همودیالیزی برنامه ریزی های پیشگیرانه خود را جهت دهند.

کلید واژه: بیمار همودیالیزی، موانع خود مراقبتی، مطالعه کیفی

نسرین رضایی

استادیار، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مریم سراجی

* استادیار، مرکز تحقیقات سلامت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول:

Email :serajimaryam@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ضرورت والزامات آموزش و پرورش در توجه به ارتقاء سلامت معنوی اسلامی بین نوجوانان محصل در مدارس

منصور شادکام

کارشناس ارشد مهندسی عمران، انجمن نابینایان ایران
anjoman.nabinaian.iran@gmail.com

منیژه عزتی رستگار

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، آموزش و پرورش شهر
شهر قدس

rsanai@ymail.com

حسین سراوانی

* کارشناس ارشد روانشناسی، آموزش و پرورش شهر
قدس. ۰۹۱۹۸۰۵۴۰۹۸

saravani79@gmail.com

چکیده

مقدمه: نگاهی به آمارهای برخی از پژوهشهای جامعه شناسی بیانگر گسترش روز افزون رفتارهای مخرب، آسیب زا، چالش انگیز در بین محصلین مقاطع متوسطه در هردو جنسیت که در سن نوجوانی قرار دارند می باشد. بروز انواع خشونت، میزان تنزل تاب آوری، الگوگزینی شاعر نامتعارف، لجام گسیختگی افکار و مسئولیت ناپذیری از جمله رفتارهای نامتناسب و دور از انتظار ایشان می باشد که به هیچ عنوان زیبنده جامعه دینی ما نیست. ریشه یابی علل بروز اینگونه رفتارها را اکثر جامعه شناسان در بستر خانواده، سیستم آموزشی، گسترش مخرب زای شبکه های اجتماعی می دانند. خلاء معنویت بعنوان مکانیزمی کم هزینه و پر اثر حلقه مفقوده این چرخه می باشد. تحقیقات زیادی مبنی بر اثر گذاری سلامت معنوی بر سلامت روان و حتی سلامت جسم نشان دهنده اهمیت وافر این مهم می باشد. اهمیت این موضوع وقتی آشکارتر می گردد که در نظر داشته باشیم دوره نوجوانی دوره هویت و بحران هویت است و نوجوان مانند خمیری است که پتانسیل ذهنی و فکری هرگونه تعقیراتی را دارد. هدف از این پژوهش تبیین ضرورت والزامات آموزش و پرورش در توجه به ارتقاء سلامت معنوی اسلامی بین نوجوانان محصل در مدارس می باشد.

روش بررسی: روش پژوهش بصورت استنادی و استفاده از منابع کتابخانه ای است.

یافته ها: علم و دانش هم امتیاز است و هم ارزش که اگر همراه با ایمان و تربیت دینی باشد، مایه سلامت روح روان. این در ترجمه آیه دوم سوره جمعه می خوانیم: اوست خدائی که از میان بیسوادان پیامبری را فرستاد که آیات قرآن را به آنها آموزش دهد و آنها را به اخلاق پسندیده بیاراید و علوم را آموزش دهد. پس علم و دانش موجب نزدیکی به خدا و برخورداری از پاداش الهی است مشروط به آنکه با گوهر ایمان و تربیت دینی همراه باشد بنابراین آموزش و پرورش می تواند بعنوان مهمترین نهاد با گسترده ترین حجم از مخاطب خود در جامعه، بسترگاه مناسب جهت ارتقاء سطح سلامت معنوی اسلامی نوجوانانی قرار بگیرد که در معرض آسیبهای رفتاری سوق پیدانکنند.

نتیجه گیری: نکته اصلی این پژوهش اهمیت جایگاه تربیت دینی را بعنوان عامل ارتقاء سلامت معنوی از سوی آموزش و پرورش نشان می دهد که به تبع آن دامنه رفتارهای ناهمگن و ناهنجار در نوجوانان بطور چشمگیری کاهش می دهد. البته در فرایند محتوی سازی تربیت دینی بایستی فاکتورهای مهمی مانند تفاوت های فردی، غنی سازی علمی و معنوی مربیان، آموزش خانواده ها، استفاده از روشهای منفعلانه جهت عدم تضاد بین معنویت و نیازهای طبیعی نوجوان در نظر گرفته شود.

کلید واژه: سلامت معنوی اسلامی، آموزش و پرورش، نوجوانی، تربیت دینی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان سواد سلامت شاغلین اداری افراد کم بینا

چکیده

مقدمه: سواد سلامت، ظرفیت یک فرد برای به دست آوردن، تفسیر و درک محصولات و خدمات اطلاعات سلامت و صلاحیت استفاده از این اطلاعات و خدمات در روش‌هایی است که سلامت را ارتقا می‌دهد. و در این بین افرادی هستند که به فراخور معلولیتی که دارند میزان سطح سواد سلامت آنها تحت تأثیر قرار بگیرد مطالعه حاضر به منظور تعیین سطح سواد سلامت شاغلین اداری افراد کم بینای شهر تهران می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه، یک مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی بود که در سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۲۵ نفر از افراد کم بینای بین سنین ۵۰-۲۰ سال که بانک اطلاعاتی آنها نزد انجمن نابینایان موجود است با استفاده از نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمونهای آماری تی تست، کای دو، ضریب همبستگی و رگرسیون انجام گردید.

یافته‌ها: در مطالعه جاری میانگین سنی بزرگسالان $14/1 \pm 39/59$ بود $56/4$ درصد شرکت کنندگان زن و سطح تحصیلات اکثریت آنها فوق دیپلم و بالاتر ($62/7$ درصد) بود. شرکت کنندگان در دسترسی به اطلاعات ($76/3$ درصد) ضعیف، در درک اطلاعات ($59/9$ درصد)، تحلیل و ارزیابی ($57/8$ درصد) و استفاده از اطلاعات ($75/1$ درصد) در سطح متوسط بودند. از میان متغیرهای دارای همبستگی با سواد سلامت، متغیرهای استفاده از اطلاعات و درک اطلاعات بیشترین پیشگویی کننده سواد سلامت در این مطالعه بودند.

نتیجه گیری: واقعیت این است که معلولیت کم بینایی، محدودتهایی را برای افراد در بکار گیری از فناوریهای اطلاعاتی ایجاد می‌کند. با توجه به اهمیت صد چندان سواد سلامت در بهبود سبک زندگی، ارتقا سلامت و خودمراقبتی افراد کم بینای جامعه اهمیت توجه به این موضوع در برنامه ریزی های آموزشی حائز اهمیت می‌باشد. پیشنهاد می‌شود برای افراد کم بینا که از سواد سلامت متوسط برخوردارند، از آخرین متدهای تکنولوژی اطلاعاتی رسانه‌ها و مواد آموزشی ساده و قابل فهم تر طراحی و استفاده شود.

کلید واژه: کم بینا، سواد سلامت، شاغل

حسین سراوانی

* کارشناس ارشد روانشناسی، انجمن نابینایان، تهران، تهران

saravani79@gmail.com

منصور شادکام

کارشناس ارشد مهندسی عمران، انجمن نابینایان، تهران
anjoman.nabinaian.iran@gmail.com

رضا پوربهرام

کارشناس ارشد روانشناسی، انجمن نابینایان، تهران
pourbahram.r@gmail.com

منیژه عزتی رستگار

کارشناس ارشد مشاوره، انجمن نابینایان، تهران،
rsanai@ymail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزشیابی تأثیر آموزش بر اساس الگوی رفتار برنامه ریزی شده بر عملکرد دانش آموزان دختر در خصوص رابطه با جنس مخالف

نرگس سرزهی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

میترا مودی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،

غلامرضا شریف زاده

استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

مقدمه: نوجوانی یکی از حساس ترین ادوار زندگی هر فرد می باشد که موجب شده شخص به طرز دیگری احساس و رفتار کند. از مسائل عمده ای که نوجوانان و جوانان با آن مواجه هستند، بروز احساس تضاد در ارزشهای خانوادگی و عرفی، دینی درباره آزادی یا عدم آزادی رابطه با جنس مخالف و چگونگی برخورد با آن است. تئوری رفتار برنامه ریزی شده یکی از تئوری هایی است که چگونگی پذیرش رفتارهای سالم را توضیح می دهد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بر اساس الگوی رفتار برنامه ریزی شده بر نگرش دانش آموزان دختر در خصوص رابطه با جنس مخالف اجرا گردید.

روش بررسی: این پژوهش کارآزمایی میدانی شاهددار تصادفی شده است. جامعه آماری ۶۱ نفر از دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهر بیرجند که به صورت تصادفی در دو گروه مورد (۲۸ نفر) و شاهد (۳۳ نفر) قرار گرفته اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله تکمیل گردید. مداخله شامل ۴ جلسه آموزشی و یک بسته آموزشی جهت والدین بود. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS ۲۰ با آزمون های آماری تی تست مستقل و آنالیز واریانس تکرار شده انجام شد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: قبل از مداخله دو گروه مورد و شاهد از نظر میانگین نمره ها همسان بودند. اما بلافاصله پس از مداخله میانگین نمره کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری و سه ماه بعد در رفتار افزایش معنی داری نشان داد ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: یافته ها مطالعات نشان داد تئوری رفتار برنامه ریزی شده می تواند به عنوان چارچوب نظری مناسبی برای طراحی و اجرای برنامه های بلوغ و بحرانهای آن بکار رود چراکه در تمام حیطه های رفتار افراد بسیار تأثیر گذار بوده است.

کلید واژه: نوجوانان، مدل رفتار برنامه ریزی شده، رابطه با جنس مخالف، عملکرد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه حمایت اجتماعی درک شده در زنان مبتلا به پره اکلامپسی با زنان باردار سالم

چکیده

مقدمه: یافته‌ها مطالعات در مورد ارتباط استرس‌های روانی و اختلالات فشارخون به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل حل نشده مامایی متفاوت است. از طرفی، پره اکلامپسی از عوارض شایع بارداری و از علل عمده مرگ و میر مادران است. زمانی که زنی در معرض بارداری پرخطر است و برای سازگاری با استرس‌ورها تلاش می‌کند، حمایت اجتماعی متغیر مهمی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی حمایت اجتماعی درک شده در زنان مبتلا به پره اکلامپسی با زنان باردار سالم به عنوان یکی از عوامل مرتبط، انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش به روش توصیفی-مقایسه‌ای بر روی ۵۰ زن باردار با تشخیص قطعی پره اکلامپسی و همزمان ۵۰ زن باردار سالم و دارای مشخصات واحد پژوهش و مراجعه کننده به بیمارستان‌های دولتی (حضرت معصومه(س)، معتضدی، امام رضا(ع)) شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته ویژگی‌های دموگرافیک و پرسشنامه حمایت اجتماعی درک شده وکس (۱۹۸۶) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS۲۰ و آزمون تی مستقل استفاده شد.

یافته‌ها: با توجه به تفاوت میانگین نمرات حمایت اجتماعی درک شده در دو گروه مبتلا و غیرمبتلا به پره اکلامپسی به ترتیب ۶۹/۸۸ و ۷۶/۸۰ ($P < ۰/۰۱$) چنین نتیجه گرفته شد که ۶/۹۲ نمره اختلاف بین دو گروه وجود دارد که بیانگر این است که حمایت اجتماعی درک شده در زنان غیرمبتلا به پره اکلامپسی بیشتر است.

نتیجه گیری: حمایت اجتماعی از طریق ایفای نقش واسطه‌ای میان عوامل تنش‌زای زندگی و بروز مشکلات جسمی و روانی و همچنین تقویت شناخت افراد، باعث کاهش تنش، افزایش میزان بقا و بهبود کیفیت زندگی افراد می‌شود. و از آنجایی که اکثر واحدهای پژوهش کیفیت زندگی متوسطی داشتند با توجه به ارتباط منفی حمایت اجتماعی با استرس زنان باردار، لذا این وظیفه پام‌آوران سلامت است که با ایجاد تمهیداتی به بالا بردن هر چه بیشتر حمایت اجتماعی از زنان باردار و کمک به بهبود کیفیت زندگی آنان و در نتیجه کاهش استرس و عواقب ناشی از آن همت گمارند.

کلید واژه: حمایت اجتماعی درک شده، پره اکلامپسی، بارداری.

ناهد سرمستی

گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

شهره ایوبی

گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

گلاویژ محمودی

* گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:

g.mahmoudi@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین سطح سواد سلامت با کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان پستان

مریم میری

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
Email: mmiri1062@gmail.com

میترا مودی

دکتری آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

احمدرضا سبزاری

متخصص رادیوتراپی و آنکولوژی، مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

مینور لمعیان

دکترای تخصصی آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محبوبه سلجوقی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات بیماریهای عفونی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان یکی از معضلات اساسی سلامت در ایران و جهان است. روشهای معمول درمان سرطان پستان اثر بالقوهای بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به سرطان میگذارد. لذا این مطالعه با هدف ارتباط بین سطح سواد سلامت با کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان پستان انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی میباشد. جامعهی مورد پژوهش ۱۰۷ نفر از زنان مبتلا به بیماری سرطان پستان بودند که طی سالهای ۹۱-۹۶ در مراکز پاتولوژی، مرکز ثبت سرطان معاونت بهداشتی استان و کلینیک بیماریهای خاص ثبت شده بودند. جهت جمعآوری دادهها از پرسشنامههای سواد سلامت جمعیت شهری ایران و کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL) استفاده شد. دادهها پس از جمعآوری در نرم افزار SPSS۱۹ وارد و تجزیه و تحلیل دادهها توسط آزمونهای آماری توصیفی و استنباطی (تیتست، آنالیز واریانس یکطرفه، تست تعقیبی توکی، من ویتنی، کروسکال والیس و ضریب همبستگی پیرسون) در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ انجام گرفت.

یافتهها: میانگین کیفیت زندگی و سواد سلامت به ترتیب $۰/۵۶ \pm ۰/۱۱$ و $۳/۶۹ \pm ۱/۱$ و $۱۰۰/۶۴ \pm ۳۵/۹$ بود. ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی مثبت و معناداری را بین سواد سلامت با کیفیت زندگی نشان داد ($P < ۰/۰۵$). همچنین ارتباط آماری معناداری بین سواد سلامت و کیفیت زندگی با متغیرهای سن، سطح تحصیلات، شغل و وضعیت درآمد مشاهده شد.

نتیجه گیری: یافتهها پژوهش نشان داد که سواد سلامت با کیفیت زندگی همبستگی مثبتی دارد. لذا تلاش در جهت بهبود سطح سواد سلامت زنان از طریق انجام مداخلات آموزشی به منظور ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان از اهمیت بالایی برخوردار است.

کلید واژه: سواد سلامت، کیفیت زندگی، سرطان پستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کارآیی مداخله آموزشی مبتنی بر عوامل روانشناختی در دستیابی به پیامدهای بهداشتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

چکیده

مقدمه: مدیریت دیابت نوع ۲ به شدت وابسته به مشارکت فعال بیمار در رفتارهای خود مراقبتی از جمله رژیم غذایی توصیه شده است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر عوامل روانشناختی بر رفتار غذایی، قند خون و هموگلوبین گلیکوزیله (HbA1C) بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک دیابت و مراکز بهداشتی درمانی ایذه انجام شد.

روش بررسی: در این کارآزمایی بالینی، ۱۴۵ بیمار، بصورت تصادفی در دو گروه مداخله (۷۳ نفر) و شاهد (۷۲ نفر) وارد مطالعه شدند. پرسشنامه چند قسمتی و محقق ساخته شامل اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه سنجش ادراکات و باورهای مرتبط با رژیم غذایی؛ پرسشنامه سنجش ترس ها، نگرانی ها و ناراحتی های مرتبط با رژیم غذایی دیابتی؛ و همچنین پرسشنامه معتبر و قابل اعتماد سنجش تبعیت غذایی درک شده (PDAQ) برای جمع آوری داده‌ها قبل و سه ماه پس از اتمام مداخله آموزشی استفاده شد. افراد گروه مداخله، طی هشت جلسه در برنامه آموزشی مشارکت کردند. افراد گروه مقایسه تنها خدمات روتین را دریافت کردند. تحلیل داده‌ها با نرم افزار آماری SPSS۲۰ و با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد.

یافته‌ها: پس از سه ماه میانگین نمرات زیرگروه های ادراکات و باورهای بیمار (بجز باورهای اغراق آمیز) در گروه مداخله به طور معنی داری بیشتر از گروه شاهد بود ($p=0/001$). همچنین میانگین نمرات زیرگروه های ترس ها، نگرانی ها و ناراحتی های بیمار و باورهای اغراق آمیز سه ماه بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون کاهش معناداری نسبت به گروه کنترل داشت ($p=0/001$). میانگین نمره پایبندی به رژیم غذایی سالم در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری پیدا کرد. میانگین قند خون ناشتا و HbA1C نیز در مقایسه با گروه کنترل کاهش معنی داری داشت ($p=0/001$). **نتیجه گیری:** یافته‌ها مطالعه حاضر، اهمیت تأثیر گذاری عوامل روانشناختی بر پیامدهای سلامتی در بیماران دیابتی را برجسته می‌کند. این مطالعه همچنین ترکیب جدیدی از عوامل روانشناختی مرتبط با رژیم غذایی در بیماران دیابتی را معرفی کرده است.

کلید واژه: روانشناسی، رژیم غذایی، HbA1C; FBS، بیماران، دیابت ملیتوس، نوع دو

آرش سلحشوری

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

فرشته زمانی علویچه

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

بهزاد محکی

آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

عرفان صادقی

آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

فیروزه مصطفوی

* آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران. مسئول: ۰۹۱۶۲۳۴۲۰۸۲

F_Mostafavi@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



درک و تجربه موانع مرتبط با تبعیت بیماران دیابتی نوع ۲ از توصیه های غذایی: یک مطالعه کیفی در ایران

فیروزه مصطفوی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

فرشته زمانی علویچه

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

بهراد محکی

آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

آرش سلحشوری*

* آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران. مسئول: ۰۹۱۶۲۳۴۲۰۸۲

Aidin_salahshoori@yahoo.com

چکیده

مقدمه: تعیین کننده‌های تبعیت از رژیم غذایی سالم در بیماران دیابتی نوع دو به ویژه از نگاه خود بیماران و ارائه دهندگان خدمات سلامتی نقش مهمی در طراحی برنامه‌های مداخله ای ترویج تغذیه ی سالم ایفا مینماید. لذا این مطالعه با هدف بررسی تجارب بیماران و ارائه دهندگان خدمات سلامتی در زمینه شناسایی موانع اجتماعی تبعیت بیماران از رژیم غذایی توصیه شده جهت کمک به طراحی مداخلات آینده انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه دارای یک طرح کیفی توصیفی و در فاصله زمانی آبان سال ۱۳۹۵ تا تیر ۱۳۹۶ انجام شد. داده‌ها با استفاده از ۳۳ مصاحبه عمیق سازمان نیافته با بیماران مبتلا به دیابت نوع دو و ناظران بر درمان آنها انجام شد. داده‌ها به روش تحلیل موضوعی و به کمک نرم افزار MAXQDA ۷۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در نتیجه تحلیل داده ها، موانع درک شده در ۵ طبقه دسته بندی شدند که عبارتند از: اولویت‌ها و رقابت کننده های اجتماعی؛ عادات غذایی خانوادگی؛ ضعف حمایت اجتماعی؛ تنگناهای اجتماعی و الگوهای غذایی غالب.

نتیجه گیری: این مطالعه ابعاد جدیدی از موانع اجتماعی از جمله اولویت‌ها و رقابت کننده های اجتماعی و تنگ ناهای اجتماعی مرتبط با تبعیت از توصیه های غذایی در افراد مبتلا به دیابت نوع II را شناسایی نمود که در سایر مطالعات به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. لذا شناخت این عوامل می‌تواند کارآیی مداخلات مربوط به سلامت در بیماران مبتلا به دیابت را بهبود بخشد.

کلید واژه: دیابت نوع دو، عوامل اجتماعی، رژیم غذایی سالم، تحلیل محتوی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



موانع روانی اجتماعی مرتبط با تبعیت از رژیم دارویی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲: یک مطالعه کیفی در ایران

چکیده

مقدمه: تبعیت بیمار دیابتی از رژیم دارویی با عوامل روانی اجتماعی زیادی که هنوز ناشناخته هستند، ارتباط دارند. لذا مطالعه حاضر با هدف شناسایی عوامل روانی اجتماعی مانع شونده تبعیت بیماران مبتلا به دیابت نوع دو از رژیم دارویی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی است که با استفاده از مصاحبه عمیق سازمان نیافته با ۲۳ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو و ۱۰ ناظر درمان (مرد و زن) انجام شد. داده‌ها در فاصله زمانی آبان ماه ۱۳۹۵ تا خرداد ماه ۱۳۹۶ از طریق مصاحبه چهره به چهره در منزل بیمار، مراکز بهداشتی درمانی و کلینیک دیابت جمع آوری شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA-۱۰ و روش تجزیه و تحلیل موضوعی انجام شد.

یافته‌ها: در نتیجه تحلیل داده‌ها، موانع درک شده در ۶ طبقه دسته بندی شدند که عبارتند از: ترس، نگرانی و ناراحتی؛ احساس خستگی و فرسودگی؛ اولویت داشتن مشکلات و مسائل فرزندان؛ ضعف حمایت مالی؛ چالش‌های ارتباطی؛ و شرایط شغلی نامناسب.

نتیجه گیری: با توجه به این که مشکلات روانی- اجتماعی نقش مهمی در روند درمان بیماران مبتلا به دیابت نوع دو دارند، توصیه می‌شود مبتلایان به این بیماری از لحاظ مشکلات روانی- اجتماعی بررسی شوند و کسانی که واجد شرایط مشاوره هستند، به کارشناسان بخش‌های بهداشت روان در مراکز ارائه دهنده خدمات بهداشتی ارجاع داده شوند. همچنین مداخلات آموزشی نیز باید به منظور افزایش آگاهی بیماران و جامعه در مورد واقعیت‌های مرتبط با دیابت و کاهش حساسیت آنها نسبت به انگ و برچسب‌های مرتبط با بیماری انجام شوند.

کلید واژه: دیابت نوع دو، عوامل روانی اجتماعی، رژیم دارویی، مطالعه کیفی

آرش سلحشوری

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

فرشته زمانی علویچه

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران

بهزاد محکی

آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

فیروزه مصطفوی

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، اصفهان، ایران. مسئول: ۰۹۱۶۲۳۴۲۰۸۲

F_Mostafavi@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی فعالیت فیزیکی و ارتباط آن با سواد سلامت در زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهری

را حله سلطانی

* دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. ۰۹۱۴۳۰۹۹۲۵۹، shadi8685@gmail.com

رقیه جوادی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، کارشناس آموزش سلامت، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

فریبا سلطانی

کارشناس آموزش زبان انگلیسی، آموزش پرورش ناحیه ۳ تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: کاهش فعالیت بدنی ناکافی (کم تحرکی) یکی استراتژیهای سازمانی بهداشت جهانی تا سال ۲۰۲۵ برای پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر می باشد. سواد سلامت به عنوان شاخصی مهم در سلامت افراد و جوامع می باشد. با توجه به نقش کلید زنان در سلامت خود و خانواده شان، مطالعه حاضر با هدف بررسی فعالیت فیزیکی و سطح سواد سلامت در زنان انجام گرفت.

روش بررسی: نوع پژوهش مقطعی و حجم نمونه شامل ۳۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر تبریز در سال ۱۳۹۶ می باشد. ۱۲ مرکز سلامت بصورت تصادفی از مناطق مختلف شهر براساس وضعیت اجتماعی - اقتصادی انتخاب گردید. ابزار گرد آوری داده ها در این مطالعه پرسشنامه ای ۳ قسمتی شامل بخش اول مربوط به مشخصات و ویژگی های فردی، بخش دوم پرسشنامه استاندارد بین المللی فعالیت فیزیکی (IPAQ) و پرسشنامه سواد سلامت (Newest Vital Sign) بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یکطرفه و تی تست مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد پژوهش 31.3 ± 6 ، سطح تحصیلات ۸ درصد ابتدایی ۲۵ درصد بالا تر از دیپلم و ۸۲ درصد خانه دار بودند. میانگین کلی نمره فعالیت بدنی 5 ± 21.2 (سقف نمره ۳۲) و سواد سلامت 1.9 ± 3.2 (سقف نمره ۶) بدست آمد. در کل ۲۹،۴ درصد سواد سلامت ناکافی و ۲۲،۶ درصد سواد سلامت کافی برخوردار بودند. از نظر فعالیت بدنی ۱۵٪ افراد مورد پژوهش مطلوب و ۳۵٪ نامطلوب بودند. بطوریکه ۵۶٪ از افراد مورد پژوهش برای انجام فعالیت بدنی برنامه منظمی نداشتند. انجام پیاده روی بمدت ۱۰ دقیقه و بیشتر، استفاده از پله بجای آسانسور و فعالیت بدنی متوسط حداقل بمدت ۳۰ دقیقه در ۳ روز هفته به ترتیب ۲۰٪، ۳۹٪ و ۳۴٪ گزارش گردید. فعالیت فیزیکی در کل با سواد سلامت همبستگی معناداری داشت ($t=21 - P<0.001$) سواد سلامت با تحصیلات و شغل ارتباط معناداری داشت ($P<0.001$). بطوریکه زنان با تحصیلات بالاتر و شاغل از سطح سواد سلامت بالاتری برخوردار بودند. فعالیت بدنی با تحصیلات و میزان درآمد ارتباط مستقیم و معناداری داشت ($p>0.01$). **نتیجه گیری:** براساس یافته های پژوهش حاضر فعالیت بدنی در افراد مورد مطالعه در حد مطلوب نمی باشد. همچنین سواد سلامت بر انجام فعالیت بدنی تاثیر مثبت دارد. لذا مداخلات آموزشی در جهت افزایش فعالیت بدنی و استفاده از استراتژیهای سواد سلامت در مداخلات آموزشی می تواند منجر به بهبود فعالیت فیزیکی و سواد سلامت گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، فعالیت فیزیکی، زنان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سلامت روان و رابطه آن با حمایت اجتماعی در سالمندان

چکیده

مقدمه: سلامت روان یک شاخص مهم در وضعیت سلامت افراد سالمند می‌باشد و اهمیت زیادی در دستیابی به سالمندی موفقیت آمیز و برخورداری از کیفیت زندگی در بین سالمندان جوامع و حتی فرهنگهای مختلف دارد. تنهایی، عدم وجود ارتباطات اجتماعی و وضعیت اقتصادی از مهم ترین عوامل تعیین کننده وضعیت روانی به ویژه در افراد سالمند می‌باشند. با توجه به اهمیت موضوع در سالمندان بر آن شذیم تا مطالعه ای با هدف تعیین سلامت روان و رابطه آن با حمایت اجتماعی سالمندان را در استان یزد بررسی نماییم.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است که به روش خوشه ای تصادفی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۴۴ سالمند ۶۰ ساله و بالاتر، ساکن شهرستانهای یزد انجام شد. پرسشنامه‌ها به روش مصاحبه چهره به چهره و در چند مورد خاص با مصاحبه تلفنی تکمیل گردید. جمع آوری داده‌ها در این مطالعه از طریق پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده و سلامت عمومی ۱۲ سؤالی (GHQ-۱۲) انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد میانگین سنی سالمندان $71/26 \pm 67/17$ بود که ۴۲/۲٪ مرد و ۵۷/۸٪ زن بودند. از این تعداد ۷۱٪ متاهل و ۸۲٪ آنها مالک منزل مسکونی خود بودند. ۳۲٪ سالمندان از سلامت روان مطلوب برخوردار بودند و بقیه از این نظر نیازمند پیگیری و مداخلات سلامت روانی بودند. میانگین و انحراف معیار نمره حمایت اجتماعی سالمندان $11/11 \pm 45/22$ بود که از حمایت اجتماعی خانواده در حد بالاتری نسبت به حمایت دوستان و افراد مهم برخوردار بودند. در این مطالعه همبستگی معنی داری بین سلامت روان و حمایت اجتماعی سالمندان ($P < 0/045$) وجود داشت.

نتیجه گیری: مطابق یافته‌ها این بررسی، بیش از ۶۰ درصد افراد دارای نشانه های اختلال روانی هستند که نیازمند پیگیری و مداخلات مناسب سلامت روانی هستند بنابراین می توان با تقویت وضعیت حمایت اجتماعی و آموزش‌های برنامه ریزی شده به سالمندان و خانواده ها، وضعیت کنونی را تا حدودی بهبود بخشید.

کلید واژه: سلامت روان، حمایت اجتماعی، سالمندان

طاهره سلطانی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران، نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۷۳۸۳۲۹

Soltanitahere@Gmail.Com

عبدالخالق جعفری

مدیر ارزیابی عملکرد، بازرسی و پاسخگویی به شکایات دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

شکوه فاضل پور

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

نرجس حسینی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

مریم کاظمی

کارشناس بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان مجتمع آموزش عالی و دانش آموزان بهورزی شهرستان خواف، ۱۳۹۷

عزت فروغیان

مریی بهورزی (دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش جامعه نگر، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)

آرزو غیرتی قاسم آبادی

مدیر بهورزی دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش جامعه نگر، آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)

خالد سمیعی رودی

مسئول واحد بیماریها (کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)

مریم سلطانی

* مریی و عضو هیئت علمی (کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۳۸۹۹۴۷۷۶۵

soltanimr@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: سواد سلامت نشان دهنده مهارتهای شناختی و اجتماعی است که انگیزه و توانایی افراد برای کسب، دسترسی و درک روشهای استفاده از اطلاعات جهت حفظ و ارتقاء سلامتی را تعیین میکند. هدف از این مطالعه بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان مجتمع آموزش عالی و دانش آموزان بهورزی شهرستان خواف در سال ۱۳۹۷ بود.

روش بررسی: این مطالعه بصورت مقطعی بر روی ۴۵ نفر از دانشجویان و ۱۶ نفر از دانش آموزان بهورزی شهرستان خواف که به روش سرشماری انتخاب شدند، انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سنجش سواد سلامت شهری ایرانی (HELIA) جمع آوری گردید. برای توصیف متغیرها از درصد و فراوانی و در تحلیل از آزمون کای دو در سطح معناداری پنج صدم استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن افراد مورد بررسی 20.92 ± 2.26 سال بود. ۶/۶ درصد (۴ نفر) سواد سلامت ناکافی، ۱۹/۷ درصد (۱۲ نفر) سواد سلامت نه چندان ناکافی، ۴۹/۲ درصد (۳۰ نفر) سواد سلامت کافی و ۲۴/۶ درصد (۱۵ نفر) سواد سلامت عالی داشتند. سواد سلامت ارتباط معناداری با وضعیت تاهل، تحصیلات و فعالیت بدنی داشت ($P < 0.05$) ولی با جنسیت ارتباط آماری معناداری نشان نداد ($P > 0.05$). **نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌ها مطالعه حاضر اکثریت افراد مورد بررسی از سواد سلامت کافی برخوردار بودند که این خود نشان دهنده توجه بیشتر آنان به سلامت خود و زمینه را برای ارتقای بهتر سواد سلامت فراهم می‌آورد.

کلید واژه: سواد سلامت، عوامل مرتبط، دانشجویان و دانش آموزان، خواف



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد کشاورزان روستایی شهرستان رفسنجان درباره جنبه های بهداشت محیطی استفاده از سموم آفت کش

چکیده

مقدمه: استفاده از سموم نه تنها بر سلامت انسان اثرات قابل توجه منفی دارد بلکه بر عوامل مختلف محیطی نظیر خاک، آبهای سطحی و زیرزمینی، بهره وری محصول، محیط گیاهی و جانوری نیز تأثیر دارد. بر این اساس به منظور بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کشاورزان روستایی شهرستان رفسنجان در رابطه با جنبه های زیست محیطی آفت کش ها این مطالعه صورت پذیرفت.

روش بررسی: این مطالعه از نوع بررسی مقطعی بوده، و جامعه مورد مطالعه کشاورزان روستایی شهرستان رفسنجان بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه میباشد که پایایی و روایی آن نیز به تایید رسیده بود. پس از جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه، با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری تی مستقل و ANOVA One-way مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: به طور کلی یافته ها نشان دادند که بین نمره آگاهی و نگرش نمونه های پژوهش با افزایش سطح سواد و افرادی که در کلاس های آموزشی در رابطه با موارد بهداشتی و رعایت اصول ایمنی در حین سمپاشی شرکت کرده بودند با آنهایی که هیچگونه آموزشی ندیده بودن اختلاف معنی دار آماری وجود داشت ($P < 0.05$). اما بین نمره آگاهی نمونه های مورد پژوهش در رابطه با موارد بهداشتی و رعایت اصول ایمنی در حین سمپاشی با سن، سابقه کار، سابقه سمپاشی و سطح زیر کشت نمونه های مورد پژوهش رابطه معنی دار آماری وجود نداشت ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: پیشنهاد میگردد کلاس های آموزشی در رابطه با موارد بهداشتی و رعایت اصول ایمنی در حین سمپاشی توسط متخصصین این امر به منظور ارتقا سطح دانش و نگرش برای تمامی کشاورزان به طور مداوم برگزار گردد.

کلید واژه: آگاهی، نگرش، عملکرد، آفت کش

فاطمه آیینه حیدری

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

محمد اسد پور

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه خدمات بهداشتی و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

مصطفی نصیرزاده

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه خدمات بهداشتی و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

فاطمه رخ فروز

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

یاسر سلیم آبادی*^۳

* دکتری تخصصی حشره شناسی پزشکی، گروه خدمات بهداشتی و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۷۰۷۹۶۲۵

Email: yaserlns@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آیا اجرای طرح مدارس مروج سلامت بر میزان خشونت و قلدری در بین دانش آموزان تاثیر دارد؟

چکیده

مقدمه: خشونت و قلدری در مدارس سراسر جهان شیوع بالایی دارد و به عنوان یکی از مسایل مهم سلامت روان دانش آموزان مطرح است. شواهد نشان می‌دهد استفاده از رویکرد کل مدرسه (whole school approach)، در ارائه مداخلات پیشگیرانه و مقابله با خشونت و قلدری موثر می‌باشد. با توجه به اینکه هدف یکی از اجزای هشتگانه مدارس مروج سلامت در ایران مقابله و کاهش این مشکل می‌باشد، مطالعه حاضر جهت بررسی و مقایسه نحوه اجرای رویکرد کل مدرسه در مدارس ابتدایی مروج سلامت و غیر مروج سلامت و تأثیر آن بر قلدری دانش آموزان طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی با مشارکت ۹۰۰ دانش آموز (۴۴۵ دختر و ۴۵۵ پسر)، ۵۶۳ نفر از والدین و ۱۰۴ نفر از معلمان مقطع ابتدایی پایه ۴، ۵ و ۶ شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه گیری به روش تصادفی طبقه ای تناسبی بود. طبقات نمونه مورد مطالعه شامل جنسیت دانش آموزان، وضعیت مدرسه (مدارس مروج سلامت/غیر مروج سلامت) و منطقه شهری (برخوردار/ نیمه برخوردار/ محروم) بودند. برای اندازه گیری قلدری از مقیاس سنجش روابط نوجوانان همسال (APRI) و برای سنجش عناصر رویکرد کل مدرسه از چک لیست محقق ساخته و چک لیست مدارس مروج سلامت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS و با به کارگیری آمار توصیفی و آزمون‌های تی زوجی انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این مطالعه از بین دانش آموزان دختر و پسر دبستانی شهر کرمانشاه ۴۹ درصد قلدری در سطح متوسط و بالا داشتند و ۷۶/۲ درصد دانش آموزان قربانی در سطح متوسط و بالا بودند. از نظر قلدری و عناصر رویکرد کل مدرسه در دانش آموزان، بین مدارس مروج سلامت و مدارس عادی تفاوت معنی داری دیده نشد ($P=0/066$). این در حالیست که میزان قربانی شدن در مدارس مروج سلامت به طور معنی داری بیشتر از مدارس عادی بود ($P<0/001$).

نتیجه گیری: با توجه به آمار بالای قلدری در مدارس و عواقب آن، طراحی برنامه ضد قلدری، اجرا و ارزشیابی آن در ایران بر اساس عناصر رویکرد کل مدرسه مورد نیاز و ضروری است. نتایج مطالعه حاضر به طور کلی نشان داد که تفاوت معنی داری در خصوص همه عناصر رویکرد کل مدرسه بین مدارس مروج سلامت و مدارس عادی وجود نداشت که به نظر می‌رسد تجدید نظر در خصوص محتوا و نحوه اجرای این طرح برای نیل به اثربخشی بیشتر ضروری است.

کلید واژه: قلدری، دانش آموزان، دبستان، رویکرد کل مدرسه، مدارس مروج سلامت

نوشین سلیمی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی همدان، ایران

اکرم کریمی شاهچرینی

* دکتری آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران
تلفن: ۰۸۱۳۸۳۸۰۳۹۸

Email: karimi.a@umsha.ac.ir

فروزان رضاپور شاهکلانی

دکتری آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران

بهرز حمزه

دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه
بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی کرمانشاه، ایران

قدرت اله روشنائی

دکتری آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران

محمد بابامیری

دکتری روانشناسی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان شادمانی و ارتباط آن با ترس از زایمان در زنان نخست باردار

فرناز سادات سید احمدی نژاد

مریی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

چکیده

مقدمه: شادمانی به عنوان یکی از معیارهای سلامت روان می باشد. افراد شادتر با توانایی سوگیری در تفسیر و پردازش احساسات قادر خواهند بود. احساسات مثبت تری داشته باشند. عناصر ذهنی ممکن است بر روی ادراک درد تاثیر گذاشته و پاسخ به درد، مطابق با آن تغییر کند. لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان شادمانی و ارتباط آن با ترس از زایمان در زنان نخست باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۳ انجام شد.

روش بررسی: تعداد ۱۷۳ نفر از زنان واجد شرایط در این مطالعه مقطعی شرکت کردند. اطلاعات با استفاده از فرم مشخصات فردی و مامایی و پرسشنامه شادمانی آکسفورد و نگرش به زایمان (CAQ) که پرسشنامه ای برای بررسی ترس از زایمان می باشد. با نمونه گیری چندمرحله ای جمع آوری گردید. سپس داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۱.۵ و با استفاده از آزمون های آماری کولوموگروف اسمیرنوف، آنالیز واریانس یک طرفه، تی مستقل، رگرسیون، کروسکال والیس، کای اسکوئر، آزمون تعقیبی توکی، من ویتنی یو و همبستگی اسپیرمن و پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: این پژوهش نشان داد میانگین شادمانی $118/82 \pm 123/97$ و میانگین ترس از زایمان $45/80 \pm 7/57$ بود. ارتباط آماریب معنی داری میان این متغییر وجود داشت. به این معنی که زنان شادتر ترس از زایمان کمتری را تجربه کرده بودند و همچنین این زنان، زایمان طبیعی را به عنوان روش انتخابی خود برای زایمان انتخاب کرده بودند.

نتیجه گیری: با در نظر گرفتن ارتباط بین شادمانی و ترس از زایمان در این پژوهش، به نظر می رسد اجرای اقداماتی در جهت ارتقای شادمانی در زنان باردار بتواند در جهت کاهش ترس زنان از زایمان طبیعی و تمایل بیشتر نسبت به انتخاب زایمان طبیعی سودمند باشد. در نتیجه می توان با توجه و حمایت بیشتر زنان باردار در جهت ارتقای شادمانی و برنامه ریزی در جهت ایجاد برنامه آموزشی در باره زایمان طبیعی و روند آن در کاهش ترس زنان از زایمان گام برداشت.

کلید واژه: شادمانی، ترس، زایمان، نخست باردار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین ابعاد شخصیتی با آشننگی روان شناختی در پرستاران بیمارستان شفاء کرمان

سیدمصطفی سید عسکری
دانشگاه علوم پزشکی کرمان

چکیده

مقدمه: اختلال شناخت بصورت اختلالات عمده ای در توانش شناخت آدمی ایجاد می‌شود. آشننگی روانشناختی عوارض متعددی در خانواده، زندگی اجتماعی، فردی، سازمانی و تأثیر بسزایی روی مشاغل مختلف می‌گذارد که می‌توان شغل پرستاری را یکی از تأثیر پذیرترین مشاغل در این مورد به حساب آورد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابعاد شخصیتی با آشننگی روانشناختی در پرستاران بیمارستان شفاء کرمان در سال ۱۳۹۴ انجام شد.

روش بررسی: در این تحقیق توصیفی همبستگی جامعه آماری پژوهش شامل کلیه پرستاران بیمارستان شفا (۳۲۴ نفر) بود که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۷۷ نفر به عنوان نمونه و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه تجارب و عواطف آکسفورد-لیورپول (۱۳۸۷) و پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت گولدرگ (۱۳۹۰) استفاده شد. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها: پژوهش نشان داد که بین روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی به تجربه، پذیرش و وظیفه شناسی با آشننگی روان شناختی در پرستاران بیمارستان شفاء کرمان رابطه وجود دارد و نقش ابعاد شخصیتی در این آشننگی با یکدیگر متفاوت است. به این صورت که افزایش روان رنجورخویی و گشودگی به تجربه با افزایش آشننگی روان شناختی پرستاران همراه است. همچنین مشخص شد که عامل روان رنجورخویی با (۰/۳۸) و پذیرش با (۰/۴۲) کمترین تأثیر و عامل وظیفه شناسی با (۷/۸۹) بیشترین تأثیر را در آشننگی روانشناختی پرستاران دارند.

نتیجه گیری: از آنجا که کارکنان در پی ارضای نیازهای خود در سازمان هستند و اهداف و ارزش های سازمانی قسمتی از خودشان گردیده است، با توجه به ساختار شخصیت خود می‌توانند در شغلی موفق و ماندگار باشد. بنابراین، هماهنگی شخصیت و سازگاری شغلی به جلوگیری از آشننگی روان شناختی پرستاران منجر شده و افزایش ارزشمندی و رضایت در سازمان و افزایش بهره وری را به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه: ابعاد شخصیتی، آشننگی روانشناختی، پرستار، کرمان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثربخشی برنامه آموزشی بر یادگیری تغذیه ای زنان باردار: مقایسه دو روش مولتی مدیا و بحث گروهی

چکیده

مقدمه: بارداری از دوره های پرخطر زندگی زنان است. تغذیه بارداری روی سلامت مادر و جنین موثر است. این مطالعه باهدف مقایسه اثربخشی آموزش تغذیه به روش بحث گروهی و مولتی مدیا بر یادگیری زنان باردار انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی با گروه کنترل که روی ۱۷۴ زن باردار هفته ۲۶ تا ۱۰ بارداری از بین مراکز بهداشتی شهری خراسان رضوی سال ۱۴۰۱ با نمونه گیری سهمیه ای غیر تصادفی انجام شد. قبل مداخله آموزشی، پره تست با پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا شده، از آزمودنی ها صورت گرفت. یک ماه بعد آموزش به روش بحث گروهی و مولتی مدیا، پست تست تکمیل شد. داده ها با نرم افزار SPSS ۲۰، و در سطح $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: اختلاف نمره حیطه شناختی در قبل و بعد از مداخله آموزشی برای مولتی مدیا معنی دار بود ($p = 0.000$). اختلاف نمره حیطه شناختی برای بحث گروهی هم قبل و بعد از مداخله کاملا معنی دار بود ($p = 0.010$).

نتیجه گیری: باتوجه به بالاتر بودن میانگین نمرات در روش مولتی مدیا نسبت به بحث گروهی بر حیطه شناختی یادگیری، موثرتر بودن مولتی مدیا بر حیطه شناختی اثبات می گردد. نیز باتوجه به بالاتر بودن میانگین نمرات در روش بحث گروهی نسبت به مولتی مدیا موثر بودن بحث گروهی بر حیطه عاطفی اثبات می گردد.

کلید واژه: مولتی مدیا، بحث گروهی، یادگیری

سیده خدیجه سیدی ثانی

فوق لیسانس آموزش و ارتقاء سلامت، مرکز بهداشت شماره ۵، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

seyedisk2@mums.ac.ir

دکتر مهدی مشکی

دانشیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی و عملکرد مردان شالیکار در زمینه آسیب های شغلی

سید جلیل سیدی اندی (Ph.D)

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات و عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۹۲۵۳۵

dr.seyedi1390@gmail.com

محبوبه برهانی (Ph.D)

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، معاونت تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

افسانه بختیاری (Ph.D)

سلامت سالمندان، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

محمد صابری (MSc)

پرستاری، شبکه بهداشت و درمان آمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، آمل، ایران

سیدعبدالمطلب حسینی (Ph.D student)

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

ندا احمدزاده (Ph.D student)

پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی کرکان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

چکیده

مقدمه: وجود تنوع در انواع آسیب‌های شغلی، رفتارهای گوناگون و بعضاً "غیر بهداشتی مردان شالیکار در مواجهه با مخاطرات شغلی و نیز ویژگیهای منحصر به فرد شغل شالیکاری محققین را بر آن داشت تا با تعیین میزان آگاهی و عملکرد این گروه مهم و پرجمعیت در زمینه آسیب‌های شغلی، اطلاعات ضروری در خصوص تدوین بسته‌های آموزشی ویژه شغل شالیکاری را کسب کنند.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی انجام پذیرفت. جامعه تحت مطالعه عبارت بود از کلیه شالیکاران مرد شهرستان آمل. حجم نمونه ۱۸۶ نفر بود که به صورت نمونه گیری در دسترس، مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده‌ها از یک پرسشنامه چهار بخشی استفاده شد که به روش مصاحبه، تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

یافته‌ها: از بین ۱۸۶ نمونه، ۱۳۱ نفر (۷۰/۵٪) مجرد و ۵۵ نفر (۲۹/۵٪) متاهل در مطالعه حاضر شرکت داشتند. سابقه کار و نیز میزان تحصیلات با آگاهی و عملکرد کشاورزان، رابطه معنی دار آماری نشان ندادند ($p < 0.05$). در رابطه با آگاهی از شیوه‌های صحیح پیشگیری از عوارض و حوادث، ۲۳/۴٪ آگاهی ضعیف، ۴۵/۷٪ آگاهی متوسط و فقط ۱۸/۳٪ آگاهی خوبی داشتند. از لحاظ عملکرد نیز ۳۵/۵٪ عملکرد ضعیف، ۳۱/۲٪ عملکرد متوسط و فقط ۳۳/۳٪ عملکرد خوبی داشتند. بیشترین سهم در آموزش نکات بهداشت شغلی به واحدهای مورد مطالعه به ترتیب بر عهده رادیو و تلویزیون (۷۶/۳٪) و دوستان و آشنایان (۶۸/۸٪) بوده است. در بین عوامل زیان آور در محل کار کشاورزان، بیشترین موارد خطر پاسخ داده شده به ترتیب نورآفتاب (۹۳/۵٪)، گرما (۹۸/۸٪) و سرما (۸۸/۷٪) گزارش گردیده است.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌ها این تحقیق به نظر می‌رسد آگاهی و عملکرد شالیکاران در خصوص بهداشت حرفه ای در شالیکاری بخصوص در زمینه پیشگیری از عوارض و حوادث ناکافی می‌باشد و از طرف دیگر بیشترین موارد خطر پاسخ داده شده مربوط به نورآفتاب، گرما و سرما عنوان شده است. بنابراین برنامه ریزی آموزشی برای ارتقاء آگاهی و بهبود عملکرد واحدهای مورد مطالعه مورد تاکید می‌باشد.

کلید واژه: آگاهی، عملکرد، شالیکاران، آسیب شغلی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان وصول به اهداف درمانی برنامه ی کنترل دیابت در بیماران مبتلا به دیابت تیپ دو تحت مراقبت مراکز بهداشتی-درمانی منتخب شهرستان مشهد در سال ۹۵

چکیده

مقدمه: امروزه دیابت شایع ترین بیماری متابولیک با مشکلات عظیم بهداشتی درمانی اقتصادی برای جوامع بشری است که با اجرای بهینه برنامه پیشگیری و مراقبت بهداشتی میتوان سبب تاخیر در شروع و پیشرفت عوارض ناشی از آن شد. مطالعه حاضر به منظور بررسی میزان وصول به اهداف درمانی برنامه ی کنترل دیابت در مبتلا یان دیابت تیپ دو تحت مراقبت مراکز بهداشتی-درمانی منتخب شهرستان مشهد میباشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی با روش نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی با تعداد ۱۰۰ بیمار دیابتی، ۳۱ الی ۸۶ ساله تحت مراقبت مراکز مراقبت دیابت واقع در شهر مشهد در سال ۱۳۹۵، صورت پذیرفت. اطلاعات دموگرافی و آزمایشگاهی موجود در پرونده هاتطبق چک لیست اهداف برنامه کشوری جمع آوری و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۷ و آزمونهای آماری t-test و کای اسکوار با سطح معنی داری ۰،۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی بیماران $60,2 \pm 10,2$ بود. ۳۳ نفر مرد (۳۳٪) و ۶۷ (۶۷٪) نفر زن بودند. از نظر کنترل قند خون ناشتا ۲۰٪ بیماران به معیار هدف مطلوب و ۴۰٪ به معیار هدف قابل قبول، ۶۵٪ به هدف مطلوب و بیش از ۹۰٪ به هدف قابل قبول کلسترول خون، ۵۰٪ به هدف مطلوب و ۸۰٪ به هدف قابل قبول LDL، ۳۰٪ به هدف مطلوب و ۵۰٪ به هدف قابل قبول HDL، ۵۰٪ به هدف مطلوب و ۷۵٪ به هدف قابل قبول تری گلیسیرید، ۴۵٪ به هدف مطلوب و ۷۰٪ به هدف قابل قبول HbA1c، ۵۰٪ به هدف مطلوب و ۷۵٪ آ به هدف قابل قبول فشار خون سیستمی، ۸۰٪ به معیار های هدف فشار خون دیاستولی، ۳۰٪ به هدف مطلوب و ۴۰٪ به هدف قابل قبول BMI برنامه رسیده اند.

نتیجه گیری: وضعیت کیفیت مراقبت بیماران دیابتی نسبتاً رضایت بخش بوده اما نیازمند رفع نواقص و بهبود کنترل قند و نمایه توده بدنی بیماران است.

کلید واژه: دیابت، قند خون ناشتا، کلسترول، مراقبت

نمینه جذبی

دانشجوی دکترای حرفه ای پزشکی عمومی، دانشکده علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سید مجتبی موسوی بزاز

دانشیار، متخصص پزشکی اجتماعی، دانشکده علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زینب شاطری امیری

* دستیار پزشکی اجتماعی، دانشکده علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
مستول: ۰۵۱۳۸۸۲۹۲۶۲

shateriAz951@mums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



انجام فعالیت های مذهبی و ارتباط آن با جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی و شادکامی

آزاده شاهرخی رائینی

دانشجو کارشناسی ارشد فیزیولوژی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

زهره رهایی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

پرستو یارمحمدی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

فانزه افخمی عقدا

* دانشجو کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی، یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۰۱۳۶۳۱۹۷۸، f.afkhami96@gmail.com

چکیده

مقدمه: یکی از عوامل مهمی که میتواند رابطه نیرومندی با شادکامی داشته باشد، معنویت است. شادکامی به عنوان یک تجربه ی درونی مثبت و یکی از شاخص های سلامت روانی، ناشی از ارزیابی شناختی و عاطفی افراد از زندگی شان می باشد. آنچه از متون دینی بدست می آید، شادکامی پایه نظری دینی دارد و مذهب، شادکامی را به چندطریق ارتقایی دهد. هدف از این مطالعه بررسی انجام فعالیت های مذهبی و ارتباط آن با جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی و شادکامی بود.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد که بر روی ۱۵۰ زن که جهت مراقبت های بارداری به مراکز بهداشت شهر یزد مراجعه کرده بودند، انجام شد. داده ها به روش پرسشگری در کلینیک و مراکز بهداشتی زمان مراجعه خانم ها جمع آوری گردید. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای متناسب با حجم نمونه بود. که جمع آوری داده ها توسط ۳ پرسشنامه شامل مشخصات فردی و سوالات مربوط به انجام فعالیت های مذهبی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) و پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت (ROS) بود. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار spss و شاخص های آماری توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در این مطالعه ۶۷/۳ درصد زنان همیشه و ۲۱/۳ درصد اکثر اوقات نماز می خواندند. در خصوص خواندن قرآن، ۴۸ درصد به طور مرتب و هر سال حداقل یک ختم قرآن داشتند و مابقی قرآن را نامرتب تلاوت می کردند. بر اساس یافته ها ارتباط آماری معناداری بین افرادی که همیشه نماز می خواندند با سطح بالای شادکامی و باورهای مذهبی درونی وجود داشت ($p=0/001$). همچنین میانگین شادکامی به طور معناداری در افرادی که به طور مرتب و هر سال حداقل یک ختم قرآن داشتند بیشتر بود ($p=0/013$). در این تحقیق ارتباط مستقیم و معناداری بین شادکامی و باور مذهبی درونی مشاهده شد. **نتیجه گیری:** مطالعه حاضر نشان داد که ارتباط معنادار مثبتی بین سلامت روانی و مذهب وجود دارد. به صورتی که گرایش های دینی درونی تأثیری کاهنده در علائم ناهنجار روانی دارند بنابراین می توان گفت افراد دارای دین درونی از سلامت روانی و شادکامی بیشتری برخوردار هستند.

کلید واژه: شادکامی، جهت گیری مذهبی، سلامت روانی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی شیوع پرفشاری خون و دیابت نوع ۲ در دانشجویان شهر خاش منطقه بلوچستان ۱۳۹۷.

چکیده

مقدمه: پرفشاری خون و دیابت نوع دو از جمله بیماری‌های غیرواگیر مهم در قرن حاضر می‌باشد که در سراسر جهان با تغییر سبک زندگی بشر رشد فزاینده‌ای در تعداد مبتلایان به این بیماری‌ها به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر با هدف غربالگری و تعیین شیوع پرفشاری خون و دیابت نوع دو در دانشجویان موسسه آموزش عالی سلامت خاش در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر با شرکت ۲۱۴ نفر از دانشجویان مجتمع آموزش عالی سلامت خاش، در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به روش سرشماری انجام گرفت. شهر خاش یکی از شهرهای منطقه بلوچستان واقع در جنوب شرق زاهدان می‌باشد. ابتدا هماهنگی‌های لازم با مسوولین محترم موسسه و نمایندگان دانشجویی جهت اطلاع رسانی و دعوت از دانشجویان علاقمند در طرح غربالگری، انجام شد. برای ثبت اطلاعات از فرم اطلاعاتی محقق ساخت شامل اطلاعات دموگرافیک، فشار خون و سطح قند خون ناشتای دانشجویان استفاده شد. پس از کسب رضایت از دانشجویان، فشار خون در حالت استراحت با استفاده از فشارسنج و قندخون ناشتا با استفاده از دستگاه گلوکومتر اندازه‌گیری و ثبت شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و با استفاده از آمار توصیفی و تی مستقل تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد از کل دانشجویان شرکت کننده در طرح ۴/۴۴٪ زن و ۶/۵۵٪ مرد بودند. قند خون ناشتای ۵/۷۰٪ از دانشجویان بالاتر از ۱۲۶ mg/dl و ۴/۱۵٪ از دانشجویان بین ۱۱۰ mg/dl تا ۱۲۵، محدوده اختلال قند خون ناشتا، قرار داشتند. فشارخون سیستولیک حدود ۳/۳٪ بالاتر از ۱۴۰ mmHg و فشارخون دیاستولیک حدود ۳/۲۴٪ برابر ۹۰ mmHg گزارش شد. فشارخون سیستولیک و دیاستولیک در مردان بیشتر از زنان مشاهده شد که این اختلاف از نظر آماری معنی دار شد ($P < 0.001$).

نتیجه‌گیری: هرچند یافته‌ها بدست آمده به علت امکانات ضعیف منطقه، با یک بار اندازه‌گیری از دانشجویان حاصل شده است اما لازمست از آن جهت برنامه ریزی و کنترل قوی تر شیوع بیماری‌های دیابت نوع دو و پرفشاری خون و همچنین ارجاع دانشجویان پرخطر به سطح بالاتر پیشگیری استفاده نمود.

کلیدواژه: غربالگری، پرفشاری خون، دیابت نوع دو، دانشجو.

سمیه شاهرودی

* عضو هیات علمی، مربی، گروه آمارزیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۴۳۶۹۶۲۷

Email: Shahroodi941@gmail.com

صادق زرگر

دانشجو، کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، موسسه آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران.

زهرا اژدر پور

دانشجو، کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، موسسه آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران.

نرگس نوری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، معاون آموزشی و پژوهشی موسسه آموزش عالی سلامت خاش، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

الله بخش کرد

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت خاش، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی فرهنگ و سواد تغذیه‌ای در زنان بلوچ شهر خاش سال ۱۳۹۷

سمیه شاهرودی

* عضو هیات علمی، مربی، گروه آمارزستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۴۳۶۹۶۲۷

Email: shahroodi941@gmail.com

الناز ریگی

دانشجو، کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، موسسه آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران.

قدسیه محمد نژاد

دانشجو، کارشناس بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، موسسه آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران.

نرگس نوری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، معاون آموزشی و پژوهشی موسسه آموزش عالی سلامت خاش، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

مهری سیروسی

مهری سیروسی، کارشناس مامائی، شبکه بهداشت و درمان سراوان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

چکیده

مقدمه: زنان نقش بسیار مهمی در تهیه سبب غذائی خانوارها دارند. عدم آگاهی از تغذیه مناسب خانواده موجب سوء تغذیه و افزایش بیماری‌های غیر واگیر در جامعه میگردد. این پژوهش با هدف تعیین فرهنگ و سواد تغذیه‌ای در زنان بلوچ در شهر خاش در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه توصیفی- مقطعی حاضر با شرکت ۲۳۹ نفر از زنان بلوچ مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر خاش که به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند، در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. شهر خاش یکی از شهرهای منطقه بلوچستان واقع در جنوب شرق زاهدان می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخت براساس دستورالعمل ارزیابی تغذیه‌ای معاونت بهداشت در دو بخش اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سواد تغذیه‌ای به روش خود گزارش دهی استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصین تایید شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و با استفاده از آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی زنان $31/05 \pm 12/12$ بود که تنها ۵۰٪ آنان از سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر برخوردار بودند. میانگین تعداد اعضای خانوار ۵/۱ بود. ۱۸/۸٪ از زنان مسؤل خرید مواد غذایی خانوار بودند. ۹۱-۷۴٪ زنان از لزوم مصرف چهار گروه اصلی مواد غذایی آگاه بودند. ۷۸/۲٪ موافق مضر بودن مصرف زیاد روغن بودند. از نظر ۴۰/۳ درصد بهترین روش پخت گوشت بخار پز بود و حدود ۳۰٪ بهترین روش پخت برنج را کته میدانستند در حالیکه نحوه مصرف گوشت در ۳۰/۹٪ به صورت سرخ کرده و نحوه مصرف برنج در حدود ۳۷/۴٪ به صورت آبکش بود. ۶۹/۳٪ از زنان بهترین روغن مصرفی را مایع می‌دانستند و روغن مصرفی ۵۴/۲٪ خانوارها نیز مایع بود. بین ۷۳-۴۳/۵٪ نیز اعلام نمودند که مصرف مواد غذایی همچون سوسیس و کالباس، نوشابه‌های گازدار و چیپس و پفک در خانواده به ندرت می‌باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌ها به دست آمده لازمست جهت بهبود آگاهی، سواد و عملکرد تغذیه‌ای زنان خانوارهای بلوچ برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای مناسب با فرهنگ بلوچ طراحی و جهت ارتقاء سلامت خانواده‌ها اجرا شود.

کلید واژه: تغذیه، سلامت، آگاهی، فرهنگ، بلوچ.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با اعتیاد به تلفن همراه در دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهرستان زاهدان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: عوامل گوناگونی چون عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خانواده با اعتیاد به تلفن همراه در دانش آموزان توأم هستند. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با اعتیاد به تلفن همراه در دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهرستان زاهدان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود.

روش بررسی: روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش آموزان مدارس دوره متوسطه دوم به تعداد ۴۵۰۰ نفر را شامل می‌شد. حجم نمونه طبق جدول مورگان-کرجسی ۳۵۰ نفر تعیین شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ج چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه اعتیاد به تلفن همراه (سواری، ۱۳۹۲) با ۱۳ گویه و پرسشنامه محقق ساخته عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با ۱۸ گویه بود. مقیاس اندازه‌گیری پرسش‌نامه‌ها به صورت مقیاس پنج درجه‌ای: از هرگز (۱) تا اکثر اوقات (۵) نمره گذاری می‌شوند. پایایی پرسشنامه اعتیاد به تلفن همراه توسط آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ و برای پرسشنامه عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ۰/۷۹ بدست آمد. روایی پرسش‌نامه‌ها توسط اعضای هیات علمی گروه مدیریت آموزشی و روانشناسی مورد تایید قرار گرفت. پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده ک کدگذاری شدند و توسط نرم افزار SPSS (V ۲۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته نشان داد که بین عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با اعتیاد به تلفن همراه رابطه معناداری وجود داشت (۰/۰۰۱). یافته‌ها آزمون رگرسیون گام به گام نشان داد که ۵۹ درصد از تغییرات اعتیاد به تلفن همراه توسط بعد عوامل فرهنگی و ۶۳ درصد از تغییرات اعتیاد به تلفن همراه توسط دو بعد عوامل فرهنگی و اجتماعی؛ قابل پیش‌بینی بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به تاثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر استفاده افراطی بر تلفن همراه، آموزش‌های لازم در خصوص استفاده مناسب از تلفن همراه و ضرورت و عدم ضرورت آن به دانش آموزان داده شود و کارگاه‌های آموزشی در جهت ارتقای فرهنگ ن خانواده‌ها و والدین دانش آموزان برگزار شود.

کلید واژه: عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اعتیاد به تلفن همراه، دانش آموزان

عزیز الله اربابی سرچو

مدیریت آموزشی، گروه مدیریت پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

بهر روز نخمی

* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان، زاهدان، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۴۱۰۸۳۱

Email: nakhaee.b@gmail.com

عبد الوهاب پورقاز

علوم تربیتی، گروه آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیرانجام آزمایشات ژنتیک در زوجین ناقل تالاسمی بر ارتقای سلامت شهرستان سرخس در سال ۱۳۹۶

معصومه شاهنگی

* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز بهداشت سرخس، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

Shahangim1@mums.ac.ir

وحیده طاهریان

دانشجوی کارشناسی ارشد ژنتیک پزشکی، مرکز بهداشت سرخس، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

فاطمه فتحی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، بیمارستان اکبر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

فاطمه عسکری

کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت سرخس، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: تالاسمی شایعترین بیماری ژنتیکی در دنیا می‌باشد. اکثر نقاط دنیا و از جمله ایران برنامه کشوری پیشگیری از تالاسمی را از سال ۱۳۷۸ اجرا می‌نمایند. در کشور ما تشخیص قبل از تولد و ختم حاملگی یکی از برنامه های مؤثر در این زمینه می‌باشد. بیماری بتا تالاسمی ماژور یک بیماری قابل پیشگیری است که خدمات تشخیص قبل از تولد این امکان را برای زوجین فراهم می‌کند تا از سلامت یا بیماری فرزند خود در دوره جنینی مطلع شوند. هدف این مطالعه بررسی تاثیر آزمایشات ژنتیک زوجین ناقل تالاسمی بر ارتقای سلامت افراد و جامعه می‌باشد.

روش بررسی: مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۱۰۰ زوج ناقل و مشکوک به تالاسمی که دارای پرونده بهداشتی در مرکز بهداشت شهرستان در سال ۱۳۹۶ بودند انجام شد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون مجذور کای انجام گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه تعداد ۱۰۰ زوج مورد مطالعه قرار گرفتند و مشاوره ژنتیک با تمام زوجین توسط تیم مشاوره تالاسمی انجام گردید. آزمایشات قبل از بارداری صورت گرفت که از ۱۰۰ زوج تحت پوشش ۸۰ درصد زوجین آزمایشات قبل از بارداری را انجام دادند و ۶۹ درصد زوجین ناقل بتا تالاسمی شناسایی شدند که از این تعداد ۲۰ زوج باردار بودند. جهت انجام آزمایشات وضعیت ژنتیک جنین و تشخیص قبل از تولد به آزمایشگاه ژنتیک جهاد دانشگاهی مشهد ارجاع شدند. نتیجه آزمایشات از این قرار بود: ۵۵ درصد جنین سالم، ۲۰ درصد مینور و ۲۵ درصد (۴ مورد) جنین ماژور تشخیص داده شدند. با توجه به اینکه مادران کمتر از ۱۶ هفته باردار بودند، مجوز ختم بارداری توسط پزشکی قانونی صادر و جنین‌ها سقط شدند.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر هزینه های درمان به ازای هر بیمار مبتلا به تالاسمی ماژور ۱۰۰۰۰۰ هزار دلار برای ۱۵ سال زندگی می‌باشد، این در حالی است که هزینه غربالگری هر زوج تنها ۵ دلار می‌باشد که این موضوع هزینه - اثربخشی برنامه را توجیه می‌کند. ۱۰۰ درصد زوجین باردار با آگاهی کامل از آینده فرد تالاسمی ماژور برای سقط اقدام کردند و خانواده‌ها از اینکه با انجام آزمایشات از نتیجه بارداری خود آگاهی پیدا می‌کنند اظهار رضایت داشتند. انجام آزمایشات ژنتیک با افزایش سطح آگاهی زوجین منجر به ارتقای شاخص های سلامت کشور خواهد شد.

کلید واژه: ژنتیک - تالاسمی - سلامت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل موثر بر رفتار پیشگیرانه کمردرد براساس نظریه شناختی اجتماعی در بیماران قم

چکیده

مقدمه: کمردرد شایع ترین نوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در میان کارکنان مراقبتی است که لازم است با تغییر رفتار از ایجاد آن پیشگیری نمود. به منظور شناسایی عوامل موثر بر رفتارهای پیشگیرانه، استفاده از نظریه شناختی اجتماعی که جامع و چندبعدی است مناسب است. هدف اصلی این مطالعه شناسایی عوامل موثر بر رفتار پیشگیری از کمردرد براساس نظریه شناختی اجتماعی در کارکنان خدمات بیماربری میباشد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی که در سال ۲۰۱۷ به روش مقطعی بر روی ۴۵۲ نفر از بیماران شاغل در بیمارستانهای شهر قم صورت گرفت داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شد: پرسشنامه متغیرهای جمعیت شناختی و شغلی، پرسشنامه سنجش عوامل موثر بر رفتارهای آسیب رسان به ستون فقرات براساس سازه های نظریه شناختی اجتماعی که شامل ۷ سازه و ۴۰ گویه میباشد و پرسشنامه رفتارهای پیشگیری کننده آسیب به ستون فقرات که شامل ۱۲ سوال بود. آنالیز داده ها با spss و آزمونهای آماری تحلیلی همچون رگرسیون خطی چندگانه صورت گرفت.

یافته ها: این مطالعه نشان داد که سازه های خودکارآمدی (ضریب استاندارد: ۰/۲۱۸ و p value: ۰/۰۰۱)، خودکنترلی (ضریب استاندارد: ۰/۱۶۵ و p value: ۰/۰۰۱)، تقویت پیامد (ضریب استاندارد: ۰/۱۴۷ و p value: ۰/۰۰۵) و سازگاری عاطفی (ضریب استاندارد: ۰/۰۸۸ و p value: ۰/۰۴۰) براساس نظریه شناختی اجتماعی پیش بینی کنند هر رفتار پیشگیری از آسیب به ستون فقرات کمربودند که به ترتیب بیشترین تاثیر را بر انجام رفتارها پیشگیرانه کمردرد در بیماران بیمارستانهای قم نشان دادند.

نتیجه گیری: یافته ها این مطالعه نشان داد برای حفظ وضعیت صحیح ستون فقرات در هنگام فعالیتهای بیماربری و کاهش رفتارهای آسیب رسان به ستون فقرات بایستی خودکارآمدی و مهارت کنترل رفتار را در بیماران بیمارستان تقویت نمود ضمن اینکه تاکید بر پیامدهای حاصل از این رفتارها و سازگاری با آنها با روحیه بیماران میتواند در انجام این رفتارها موثر باشد.

کلید واژه: نظریه شناختی اجتماعی، رفتارهای پیشگیری از کمردرد، بیماربر

ناراله شجاعی

بیمارستان نقیه فرقانی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

صدیقه سادات طوافیان

* بخش آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

احمدرضا جمشیدی

مرکز تحقیقات روماتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

احسان موحد

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد.

طاهره رحیمی

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش به بیماران دیابتی و خانواده آنها به روش Teach Back

ناراله شجاعی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

منظر سادات شهیدی شادکام

* کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

احمد غفارزاده

پزشک عمومی، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

لیلا فلاح

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

محمد حسین رادمرد

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

انسبه غلامپور

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

پریسا ایل سعادت مند

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مریم زمان

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

فهیمة مصدق

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

رضا حیدری فر

کارشناس هوشبری، مرکز آموزشی درمانی نکویی- هدایتی- فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

چکیده

مقدمه: آموزش به بیمار فرآیندی است که فرصتهای یادگیری را برای بیمار و خانواده وی در زمینه بیماری، درمان و افزایش مهارتهای فرد فراهم میکند. مطالعات نشان داده است که پرستاران نقش ارزندهای در آموزش به بیماران با روش های نوین آموزشی دارند. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر آموزش به بیماران دیابتی و خانواده آنها به روش Teach Back میباشد.

روش بررسی: به منظور افزایش یادگیری بیماران روش آموزش همراه با خانواده آنها به روش Teach Back انجام شد. به این منظور تعداد ۷۵ بیمار دیابتی همراه با یک عضو خانواده در کلاس آموزشی شرکت کردند و پرسشنامه مربوط به اطلاعات دموگرافیک و آگاهی در زمینه دیابت شامل حیطه های (شناخت بیماری، شناخت علائم، تزریق انسولین، رژیم غذایی و ورزش) را قبل و پس از آموزش پر کردند. آموزش گروهی به روش Teach Back برگزار شد. در این روش که جامع و مبتنی بر شواهد است از بیماران خواسته شد تا با زبان خودشان آموزشهایی را که از آموزش دهنده شنیده و درک کرده اند را بدون احساس خجالت، بیان کنند. در واقع این روش با مشارکت دادن بیماران و یک عضو خانواده آنها در بحث به روش پرسشو پاسخ انجام میشود. در پایان داده ها با آزمون تیست و کایاسکوئر آنالیز شدند.

یافته ها: ۶۲ درصد بیماران خانم و میانگین سنی کل $56/4 \pm 10/8$ بودند. مدت زمان ابتلا به دیابت در آنها $8 \pm 6/7$ سال بوده است. از این تعداد ۲۲ نفر دیابت نوع یک داشتند. قبل از آموزش بیش از ۷۶ درصد بیماران از علت بیماری خود و نشانه های آن اطلاع نداشتند و بیش از ۶۵ درصد آنها رژیم غذایی مناسب دیابت را نمی دانستند. بعد از آموزش ۸۵ درصد بیماران علت بیماری و نشانه های آن را شناخته و بیش از ۶۳ درصد آنها از رژیم غذایی مناسب بیماری خود را آگاهی داشتند. ($P=0/001$)

قبل از آموزش ۴۰٪ بیماران از نحوه صحیح دست گرفتن قلم و محلهای تزریق صحیح اطلاع داشتند که پس از آموزش ۷۳٪ آگاهی کامل از این حیطه را کسب نمودند. نتیجه گیری: آموزش با شیوه های نوین تاثیرگذاری بیشتری دارد. اگر این روش های آموزشی همراه با مشارکت فعال بیماران و خانواده های آنها باشد بسیار مناسب و موثرتر است و میتواند جایگزین دیگر روشهای آموزشی شود.

کلید واژه: آموزش، دیابت، Teach Back

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش مهارت های ارتباطی به روش سناریو در پرستاران بیمارستان فرقانی قم

چکیده

مقدمه: ارتباط موثر، عاملی مهم از مراقبت پرستاری کارآمد به حساب میآید، پرستاران بعنوان بزرگترین قشر مراکز بهداشتی، درمانی، برای انجام مسئولیتهای حرفهای و ارائه مراقبت با کیفیت، به برقراری ارتباط موثر با سایر اعضای تیم درمان و بیماران نیاز دارند. یکی از راههای ارتقاء ارتباط موثر آموزش به روشهای نوین است. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش به روش سناریو بر مهارت ارتباطی پرسنل بیمارستان فرقانی قم انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه ۴۵ نفر از پرستاران بیمارستان فرقانی قم از تمامی بخشها در کلاس آموزشی به شیوه سناریو توسط روان پزشک تدریس شد شرکت کردند. روش آموزشی سناریو، روش نوین آموزشی است که با مشارکت دادن آموزش گیرندگان از طریق بحث، مشکل گشایی و همچنین به کارگیری توانمندی و خلاقیت آنها انجام میشود. قبل و بعد از برگزاری مداخله آموزشی پرسشنامه مهارت ارتباطی که از دو قسمت اطلاعات دموگرافیک و هشت حیطه (تعریف ارتباط، عوامل بازدارنده ارتباط، ارتباط غیر کلامی، چگونگی برقراری ارتباط، ارتباط با نیازهای ویژه، ارتباط چشمی، ارتباط کلامی و رمز موفقیت در ارتباط) تشکیل شده توسط شرکت کنندگان تکمیل شد. آنالیز دادهها با آزمون تی تست و کای اسکور انجام شد.

یافتهها: ۵۶ درصد شرکت کنندگان خانم و میانگین سنی آنان 31 ± 8 سال با $10/2 \pm 8$ سال سابقه کاری بودند. قبل از برگزاری کلاس کمترین میزان آگاهی پرسنل از مهارت ارتباطی در حیطه ارتباط غیر کلامی (۱۱٪) بود که این میزان آگاهی بعد از آموزش به ۵۵٪ افزایش یافت ($p=0/01$). بالاترین میزان آگاهی پرسنل قبل از آموزش در حیطه برقراری ارتباط ۸۴٪ و عوامل بازدارنده ارتباط ۷۵٪ بود که پس از آموزش تفاوت معنی داری نشان نداد. همچنین بیشترین افزایش آگاهی در حیطه ارتباط با نیازهای ویژه ۸۰٪ رخ داد.

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر آموزش مبتنی بر سناریو در بالا بردن مهارت های ارتباطی و اهمیت مهارت در برقراری ارتباط بین همکاران و بیماران و با توجه به دانش کم پرستاران در این زمینه، برگزاری کلاس های آموزشی به روش های نوین در بالا بردن این نوع مهارت بسیار تاثیر گذار است.

کلید واژه: آموزش، مهارت ارتباطی، سناریو

ناراله شجاعی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

منظر سادات شهیدی شادکام

* کارشناس ارشد روان شناسی، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

رضا شیروانی

متخصص طب اورژانس، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

احمد غفارزاده

پزشک عمومی، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

لیلا فلاح

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

محمد حسین رادمرد

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

طاهره حسینی خو

کارشناس پرستاری، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

احمد میشر زرقانی

کارشناس ارشد کامپیوتر، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

فهیمة مصدق

کارشناس ارشد روان شناسی، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

رضا حیدری فر

کارشناس هوشبری، مرکز آموزشی درمانی نکویی-هدایتی-فرقانی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سواد تغذیه ای بزرگسالان در استان کهگیلویه و بویراحمد

محسن شمس

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران. ۰۹۱۲۴۲۴۴۴۷۱
moshaisf@yahoo.com

فرشته بوستانی

دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع غذایی، گروه بهبود تغذیه جامعه، مرکز بهداشت استان کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج، ایران

علی موسوی زاده

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

مصطفی ملکی

دانشجوی دکترا، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

صدیقه شریعتی نیا

دانشجوی دکترا، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: سواد تغذیه ای ظرفیت افراد برای دریافت، درک و کاربرد اطلاعات تغذیه ای جهت تصمیم گیری مناسب در مورد تغذیه است. با سنجش سواد تغذیه ای می توان مداخلات اثربخشی طراحی کرد تا به افزایش توانایی مردم برای تصمیم گیری آگاهانه در مورد درک مواد غذایی منجر شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین سطح سواد تغذیه ای در افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهرستان های تابعه استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه از ابزار سنجش سواد تغذیه ای بومی شده برای جامعه ایرانی استفاده شد. در این ابزار علاوه بر متغیرهای دموگرافیک، ۳۵ گویه در پنج بخش اطلاعات عمومی و پایه تغذیه ای (ده گویه)، توانایی خواندن و درک مطلب (شش گویه)، درک گروه های غذایی (ده گویه)، درک واحدهای غذایی (سه گویه)، و محاسبه و خواندن برچسب غذا (شش گویه)، وجود دارد. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای بود و با انتخاب تصادفی ۴۰ نقطه شهری و روستایی، حجم نمونه ۴۰۰۰ نفری برای مطالعه حاضر به دست آمد. اطلاعات افراد مبتنی بر پرونده های خانوار موجود در مراکز بهداشتی انتخاب و یک مرکز در هر شهر به عنوان سرخوشه انتخاب و تا رسیدن به حجم نمونه مورد انتظار بررسی پرونده ها ادامه یافت. در خانواده های منتخب، افراد ۱۵ سال و بالاتر برای سنجش سواد تغذیه ای بررسی شد. تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های توصیفی، آزمون های کای دو، تی، آنالیز واریانس یک طرفه و آنالیز رگرسیونی انجام شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار امتیاز سواد تغذیه ای در نمونه انتخابی $6/42 \pm 21/61$ (محدوده امتیاز قابل کسب از ابزار ۰-۳۵ است). در نمونه انتخابی، ۸/۴٪ افراد سواد تغذیه ای ناکافی (محدوده امتیاز ۱۱ و کمتر)، ۳۷/۴٪ افراد سواد تغذیه ای کافی (محدوده امتیاز ۲۵ و بیشتر) و ۵۴/۲٪ آنان سواد تغذیه ای متوسط (محدوده امتیاز بین ۱۱ و ۲۵) داشتند. وضعیت کلی سواد تغذیه ای در نمونه انتخابی نشان داد که نمره سواد تغذیه ای در گروه مورد مطالعه ۸/۴ درصد از افراد دارای سواد تغذیه ای ناکافی و ۳۷/۴ درصد دارای سواد تغذیه ای کافی بودند و اکثر آنان (۵۴/۲ درصد) سواد تغذیه ای مرزی یا متوسط داشتند.

نتیجه گیری: بیشترین درصد از نمونه انتخابی در گروه با سواد تغذیه ای متوسط قرار داشتند. بنابراین در صورتی که مداخله ارتقای سواد تغذیه ای به شکل مناسبی طراحی و اجرا شود می تواند باعث افزایش درصد افراد با سواد تغذیه ای کافی گردد. از طرف دیگر، وضعیت پیشگویی کننده های سواد تغذیه ای کل نشانگر آن است که لازم است در مداخله پیشنهادی برای ارتقای سواد تغذیه ای، به سه بعد مهارت تشخیص گروه های غذایی، اطلاعات عمومی تغذیه و مهارت درک مطلب توجه شود.

کلید واژه: سواد سلامت، سواد تغذیه ای، بزرگسالان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مولفه های رفتاری - محیطی صرف ناهار در زنان میانسال شهر سی سخت، ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: تغذیه به عنوان یکی از عوامل اصلی موثر بر سلامت، از پیچیده ترین رفتارهای انسانی است. عوامل زمینه ای متعددی شامل عوامل محیطی / فرهنگی، فاکتورهای فردی، و جنبه های اجتماعی - فرهنگی که قبل، حین و پس از صرف غذا وجود دارند، می توانند بر رفتار غذا خوردن و انتخاب نوع و حجم غذا تاثیر بگذارند. برای بررسی جامع رفتارهای تغذیه ای، بررسی این عوامل و اثری که بر یکدیگر دارند، ضروری به نظر می رسد. با این حال مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده است. از آنجایی که در جامعه ایرانی وعده ناهار، بیش از سایر وعده های غذایی مورد استقبال و توجه قرار می گیرد، لذا مطالعه حاضر جهت تعیین برخی شرایط پیرامونی رفتار خوردن ناهار در زنان میانسال شهر سی سخت انجام شد. **روش بررسی:** داده های مربوط به مولفه های رفتاری - محیطی صرف ناهار به وسیله ابزاری محقق ساخته به همراه اطلاعات مربوط به قد، وزن و ویژگی های دموگرافیک، در نمونه ای ۱۳۵ نفری که به صورت تصادفی از بین خانوارهای تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهری و پایگاه های وابسته به آنها انتخاب شده بود، جمع آوری شد. از روشهای آمار توصیفی، آزمون کای دو، تی و آنالیز واریانس یک طرفه جهت تحلیل داده ها استفاده شد.

یافته ها: سه مورد از بیشترین مواد مصرف شده همراه با ناهار شامل سبزی (۸۰٫۷ درصد)، ترشیجات (۷۷٫۸ درصد)، و سالاد (۷۱٫۹ درصد) بودند. مهم ترین رفتار ارتباطی حین صرف ناهار، صحبت کردن با اطرافیان (۹۷٫۸ درصد) بود و تماشای تلویزیون (۸۳٫۷ درصد) و صحبت کردن با تلفن (۷۱٫۱ درصد) به ترتیب رتبه های بعد را به خود اختصاص می دادند. خوابیدن (۸۰ درصد)، مصرف میوه (۶۴٫۴ درصد) و مصرف چای / قهوه (۴۸٫۱ درصد) شایع ترین رفتارهای پس از صرف ناهار بودند. افرادی که سرعت ناهار خوردن خود را بالاتر از سایرین ارزیابی می کردند، به طور معناداری از شاخص توده بدنی بالاتری برخوردار بودند.

نتیجه گیری: علیرغم نقشی که تغذیه در زمینه سلامت جمعیت دارد به نظر می رسد که فاکتورهای محیطی و اجتماعی مرتبط با تغذیه سالم که می تواند منجر به کاهش موارد ابتلا به مشکلاتی مانند چاقی، اضافه وزن و بیماری های مزمن شود تا اندازه ای مورد غفلت قرار گرفته باشد. بنابراین سیاست ها و برنامه هایی که برای ترویج تغذیه سالم به کار می روند بایستی ویژگی های زمینه ای شامل شرایط مرتبط با فرد، غذا و محیط غذا خوردن را مدنظر قرار دهند. با توجه به نقشی که زنان در تعیین شرایط تغذیه ای سایر اعضای خانواده به ویژه کودکان دارند، آگاهی از الگوهای رفتاری آنان و تلاش در جهت اصلاح آن می تواند اثرات سودمندی در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی به همراه داشته باشد.

کلید واژه: مولفه های رفتاری، مولفه های محیطی، ناهار

کامبیز کریم زاده شیرازی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

ساسان دارابی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز بهداشت استان کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج، ایران

صدیقه شریعتی نیا

* دانشجوی دکترا، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. ۰۹۱۷۱۴۸۹۱۰۲

shariati21165@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو در زنان روستایی شهرستان سریشه

غلامرضا شریف زاده

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی
بیرجند. ۰۹۱۵۵۶۱۸۱۹۵
rezamood@yahoo.com

میترا مودی

دکترای آموزش بهداشت و عضو هیئت علمی دانشگاه
علوم پزشکی بیرجند

حسین علی ابادی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی
بیرجند

چکیده

مقدمه: تب خونریزی دهنده ویروسی کریمه کنگو یک بیماری خونریزی دهنده تب دار حاد است که عمدتاً به وسیله گزش کنه از حیوان به انسان منتقل می‌شود. خطر انتقال بیماری در انسان در طی ذبح حیوان آلوده و یا یک دوره کوتاه پس از آن، به دنبال تماس با پوست یا لاشه حیوان وجود دارد. از آنجایی که زنان روستایی اولین گروه در معرض خطر ابتلا به این بیماری می‌باشند، لذا این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو در زنان روستایی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه کارآزمایی میدانی شاهددار تصادفی شده بر روی ۱۳۸ نفر از زنان روستایی شهرستان سریشه که به صورت تصادفی در دو گروه مداخله و شاهد قرار گرفتند انجام شد. گروه مداخله در برنامه آموزشی طراحی شده بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی که شامل پنج جلسه آموزشی به روش سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ و بحث گروهی بود شرکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته مشتمل بر ۸ بخش شامل متغیرهای دموگرافیک و سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی بود که قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله در دو گروه توسط محقق تکمیل گردید. تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۹ و بوسیله آزمونهای آماری آنالیز واریانس تکرار شده، آزمون تعقیبی بن فرونی، آزمون t مستقل، در سطح آلفای مساوی ۰/۰۵ آنالیز گردید.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی و سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی قبل از مداخله بین دو گروه مورد و شاهد در سازه‌های آگاهی، (P=۰/۰۰۵) راهنمای عمل، (P=۰/۰۰۱) و رفتار، (P<۰/۰۰۱) اختلاف معنی داری داشت، اما در سایر سازه‌ها اختلاف معنی داری وجود نداشت. در گروه مداخله افزایش معنی داری در میانگین نمره سازه‌های مختلف قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله مشاهده گردید در حالیکه در گروه شاهد در حیطه‌های مدل اعتقاد معنی داری مشاهده نگردید. همچنین میانگین تغییرات نمره آگاهی، حساسیت درک شده و رفتار سه ماه بعد از مداخله نسبت به بلافاصله بعد از مداخله در هر دو گروه افزایش نشان داد ولی این افزایش به طور معنی داری در گروه مورد بیشتر از گروه شاهد بود. **نتیجه گیری:** باتوجه به تأثیر مثبت آموزش بر اساس این مدل در رفتارهای مرتبط با بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو، پیشنهاد می‌گردد از این تئوری در برنامه‌های آموزشی پیشگیری از بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو استفاده گردد.

کلید واژه: آموزش، تب کریمه کنگو، الگوی اعتقاد بهداشتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه کیفیت زندگی، فرسودگی شغلی و سلامت روان کارکنان ادارات

بیمه سلامت منطقه ۳ در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: عوامل موثر بر کیفیت زندگی و سلامت روان کارکنان تاثیر مستقیمی بر نحوه کار و رضایت شغلی کارکنان خواهد داشت. کارکنان افسرده، مضطرب، تندخو و ناسالم از نظر جسمانی و روانی نمی توانند نشاط و امنیت خاطر لازم را داشته و ثبات را در محیط کار برقرار سازند. سازمانهای عصر حاضر با نگاه راهبردی به منابع انسانی آن را به عنوان دارایی هوشمند و ارزشمند در نظر می گیرند و در نظر دارند بیش از پیش به ارتقاء کیفیت زندگی کارکنان بپردازند. لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه کیفیت زندگی، فرسودگی شغلی و سلامت روان کارکنان ادارات بیمه سلامت منطقه ۳ در سال ۱۳۹۵ در کارکنان ادارات کل بیمه سلامت منطقه سه کشور طراحی و اجرا گردیده است

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی، بر روی کارکنان اداره کل بیمه سلامت منطقه سه کشور در سال ۱۳۹۵ انجام شد. روش نمونه گیری به روش طبقه بندی سهمی از بین کارکنان ادارات کل منطقه سوم انتخاب گردید. برای جمع اوری داده‌ها از پرسشنامه فرسودگی شغلی مسلش، پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت و پرسشنامه سلامت عمومی استفاده شد. پرسشنامه‌ها پس از هماهنگی با مدیران کل استانها و کارشناس پژوهشی استانها بین کارکنان توزیع و پس از تکمیل جمع اوری گردید. داده‌ها پس از جمع اوری در نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ وارد و بوسیله آزمونهای آماری کای اسکور و ضریب همبستگی پیرسون در سطح آلفای مساوی ۰.۰۵ آنالیز گردید.

یافته‌ها: این مطالعه بر روی ۲۹۰ نفر از کارکنان ادارات کل بیمه سلامت منطقه سه کشور با میانگین سنی ۶/۴ + ۴۱/۳ سال و میانگین سابقه کار ۵/۴ + ۱۵/۶ سال انجام شد. ۱۵۱ نفر (۵۲/۱٪) مرد و بقیه زن بودند. در کیفیت زندگی بالاترین نمره مربوط به زیر مقیاس سلامت کلی و روابط اجتماعی و کمترین نمره مربوط به سلامت محیط بود. در حیطه سلامت عمومی نیز بالاترین نمره مربوط به حیطه کارکرد اجتماعی و کمترین نمره مربوط به حیطه افسردگی بود و نمره فرسودگی شغلی نیز از ۱۵۰ نمره ۴۰/۴ به دست آمد. بین نمره سلامت عمومی و فراوانی فرسودگی شغلی با کیفیت زندگی ارتباط منفی و معناداری مشاهده گردید. همچنین بین نمره سلامت عمومی با فراوانی و شدت فرسودگی شغلی رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید و رابطه بین فراوانی و شدت فرسودگی شغلی نیز مثبت و معنادار بود. ($P \leq 0.05$)

نتیجه گیری: وضعیت کیفیت زندگی، سلامت عمومی و فرسودگی شغلی کارکنان منطقه سه ادارات بیمه سلامت کشور مطلوب ارزیابی گردید و با توجه به رابطه بین کیفیت زندگی و سلامت عمومی ارتقاء وضعیت سلامت عمومی در کارکنان می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند که این موضوع باید مورد توجه مدیران و مسئولین قرار گیرد.

کلید واژه: کیفیت زندگی، سلامت عمومی، فرسودگی شغلی، بیمه سلامت.

فاطمه شریف زاده

* کارشناس بیمه گری و درآمد اداره کل بیمه سلامت استان خراسان جنوبی، بیرجند. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۶۱۸۱۹۵

E-mail : rezamood@yahoo.com

دکتر حسین خوبان

پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان رضوی، مشهد

دکتر علی اربابی

داروساز، اداره کل بیمه سلامت استان خراسان جنوبی، بیرجند

و لیلی صالح زاده

کارشناس بیمه گری و درآمد، اداره کل بیمه سلامت استان خراسان جنوبی، بیرجند

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سبک زندگی در بارداری در خانم های باردار مراجعه کننده به

مراکز بهداشتی شهر قم در سال ۱۳۹۷

نسرین شریف زاده

* کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه
آزاد اسلامی قم. نویسنده مسئول: ۰۹۱۹۴۵۱۹۵۲۳ /
n.sharifzade94@gmail.com

فاطمه السادات ایزدخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

چکیده

مقدمه: طبق تعریف WHO شیوه زندگی سالم بر طبق الگوهای قابل تعریف رفتار است که از طریق تعامل بین خصوصیات فردی، تعاملات اجتماعی و شرایط اقتصادی و محیطی یک فرد تعیین می شود. سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت ترکیبی از ۶ بعد مدیریت استرس، مسئولیت در قبال سلامت، ارتباطات بین فردی، رشد معنوی، تغذیه و فعالیت بدنی است. سلامت و پیشرفت هر جامعه تا حد زیادی بر سلامت زنان استوار بوده. حاملگی و زایمان تاثیر چشمگیر بر سلامت و بهداشت زنان دارد. عوامل مادری در بارداری از قبیل نحوه فعالیت و استراحت، نوع تغذیه، نحوه مقابله با استرس، چگونگی برقراری ارتباط با دیگران و مراقبت های این دوران بخشی از سبک زندگی مادر را در دوران بارداری تشکیل می دهند. انتخاب سبک زندگی در بارداری نیز می تواند اثرات ماندگار و طولانی مدتی روی سلامت مادر و کودک بگذارد سبک زندگی ناسالم خطر زایمان زودرس و یا نوزاد کم وزن را افزایش می دهد. مطالعه حاضر باهدف بررسی سبک زندگی در بارداری در خانم های باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر قم انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۶۰ خانم باردار که جهت دریافت مراقبت بارداری به مراکز و پایگاه های سلامت شهر قم مراجعه کردند انجام شد. نمونه ها به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد سبک زندگی در بارداری بود. داده ها جمع آوری و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد. **یافته ها:** یافته ها این مطالعه نشان داد که میانگین سن مادران ۲۷/۷۵ سال بود، میانگین سن ازدواج ۲۰/۹۱ سال بود. میانگین تعداد فرزندان ۱ فرزند بود. از نظر تحصیلات ۵۴/۴٪ دیپلم داشتند. ۵۲/۶٪ جز طبقه متوسط جامعه بودند. ۶۲٪ بارداری خواسته بوده. از نظر متغیرهای سبک زندگی، در حیطه مصرف دخانیات، از نظر عدم مصرف، و حیطه ایمنی و شغل و حیطه عادات غذایی در رتبه بندی مطلوب قرار داشتند. از نظر فعالیت بدنی متوسط بودند و از نظر خود مراقبتی، وضعیت روانی و تعاملات خانوادگی و اجتماعی نسبتاً مطلوب ارزیابی شد. بین تحصیلات و خود مراقبتی و عادات غذایی ارتباط معنی داری مشاهده نشد. بین خود مراقبتی و طبقه اقتصادی ارتباط معنی دار مشاهده شد. بین تعداد فرزندان و فعالیت بدنی ارتباط معنی دار مشاهده شد.

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که مادران از نظر عادات تغذیه ای در وضعیت بهتری نسبت به سایر حیطه ها قرار داشتند. همچنین با توجه به یافته ها به دست آمده می بایست بروری فعالیت بدنی مادران باردار و خود مراقبتی و وضعیت روانی و تعاملات خانوادگی و اجتماعی، برنامه ریزی و مداخلات آموزشی بیشتری انجام داد. از سوی دیگر برای ارتقای سبک زندگی در مناطق محروم و افراد در طبقه اقتصادی پایین باید توجه و تلاش بیشتری به کار برد.

کلید واژه: سبک زندگی، بارداری، مراکز بهداشتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش جنسی و توانمندسازی زنان در سلامتی: مطالعه مروری

چکیده

مقدمه: توانمندسازی به معنای گسترش توانایی افراد برای انتخاب راهبردی در یک زمینه است که میتواند دامنه وسیعی از معانی را داشته باشد. برخی توانمندسازی را به عنوان یک فرآیند که منجر به مشارکت و تصمیم‌گیری موثر و اقدامات تحول‌آميز می‌شود گفته‌اند که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و روانشناختی است. نقش آموزش بر توانمندسازی افراد بر کسی پوشیده نیست. زنان تقریباً ۵۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و در جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. هدف از این مطالعه، ارزیابی رابطه آموزش جنسی و توانمندسازی زنان در سلامت است.

روش بررسی: داده‌های این مطالعه از بررسی مقالات در سایت‌های معتبری مانند PubMed، Scopus، Web Science، Science Direct و پایگاه داده‌های فارسی از جمله ایران SID، Medex و Magiran با استفاده از واژه‌های کلیدی مرتبط بدست آمده است. معیارهای ورود شامل مقالات منتشر شده از سال ۲۰۰۵ تا فوریه ۲۰۱۸ بود. پس از ارزیابی مستقل توسط نویسندگان، مطالعات مشاهده‌ای یا مداخله‌ای که شامل آموزش جنسی در زنان برای بررسی عواقب مورد نظرشان بود مورد توجه قرار گرفت و در نهایت ۹ مقاله بررسی شدند.

یافته‌ها: آموزش جنسی تأثیرات متفاوتی بر نگرش و فعالیت‌های جنسی زنان دارد. همچنین در ارتقاء خودمختاری جنسی دختران مؤثر بوده است. علاوه بر این، اجرای برنامه توسط ارائه‌دهندگان خدمات سلامت می‌تواند مسئله را بهبود بخشد. برنامه‌های آموزش جنسی در افزایش دانش بیماری‌های ایدز و استفاده از کاندوم، کاهش خطر ابتلا به ناباروری و بیماری‌های منتقله جنسی، بارداری ناخواسته و سقط جنین مؤثر است. برنامه‌های آموزش جنسی به همراه تأکید بر تهذیب در افزایش دانش سلامت و کاهش رفتارهای خطرناک جنسی مفید بود.

نتیجه‌گیری: آموزش جنسی به عنوان وسیله‌ای برای توانمندسازی زنان در سلامت از طریق افزایش دانش سلامت زنان و رفتارهای مرتبط با آن مؤثر است. برنامه تلفیقی آموزش جنسی بیشتر مفید است. لازم است برنامه آموزش جنسی در برنامه درسی آموزشی مطابق با فرهنگ هر کشور گنجانده شود.

کلید واژه: توانمندسازی، سلامت، آموزش جنسی

فرنگیس شریفی

* وابستگی سازمانی (دانشجوی دکتری بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۳۰۳۷۲۶۹

shariff961@mums.ac.ir Email;

خدیجه میرزایی نجم‌آبادی

وابستگی سازمانی (دکترای بهداشت باروری، دانشیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان شیوع چاقی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسدآباد در سال ۱۳۹۶

زینب مکوندی

دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مهناز شریفی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۷۶۹۲۶۸۲،
m.sharif6565@yahoo.com

سعید شهبازی

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

زهره الفتی

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

عمر محمدیان

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

حدیث بابایی

کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

علی مرادی ۴

دکتری اپیدمیولوژی، شبکه بهداشت و درمان اسدآباد، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه چاقی یکی از معضلات بهداشتی در کشورهای جهان به شمار می‌رود. و اهمیت چاقی در دوران کودکی و نوجوانی نه تنها به دلیل عوارض جسمی و روانی زودرس، بلکه به دلیل افزایش چاقی در بزرگسالی، مرگ و میر و بار هزینه اقتصادی سنگین آن بر اجتماع و زمینه ساز بودن آن برای بسیاری از بیماری‌های مزمن می‌باشد. لذا هدف مطالعه حاضر، بررسی میزان شیوع چاقی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اسدآباد بود.

روش بررسی: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی انجام شد. تعداد ۱۰۳۰ دانش آموز دختر و پسر بصورت نمونه گیری خوشه ای (Cluster sampling) دو مرحله ای وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات بصورت پرسشنامه دو قسمتی بود بخش اول شامل مشخصات فردی که بصورت خودگزارش دهی توسط والدین دانش آموزان تکمیل شد و بخش دوم شامل اندازه گیری قد و وزن به روش استاندارد اندازه گیری و نمایه ی توده بدنی (BMI) توسط محققین محاسبه شد. پس از جمع آوری اطلاعات، داده‌ها بوسیله نرم افزار آماری مناسب مورد آنالیز گرفت.

یافته‌ها: شرکت کنندگان پژوهش، ۴۸/۳ درصد دختر و ۵۱/۷ درصد پسر بودند. آنالیز شاخص توده بدنی شرکت کنندگان نشان داد ۷۴،۵ درصد از شرکت کنندگان لاغر، ۲۰/۸ درصد وزن نرمال، ۳/۸ درصد دارای اضافه وزن و ۱،۲ درصد دانش آموزان چاق بودند و بین متغیرهای سن، پایه تحصیلی، تحصیلات مادر، شغل پدر و چاقی پدر با چاقی دانش آموز ارتباط معنادار وجود داشت.

نتیجه گیری: مشکل سوءتغذیه در دانش آموزان شهر اسدآباد بیشتر به صورت لاغری میباشد و چاقی و اضافه وزن در دانش آموزان مشکل جدی به حساب نمی آید. نتایج حاکی از وضعیت تغذیه ای ضعیف و نامناسب در دانش آموزان میباشد که نیازمند توجه و برنامه ریزی‌های مناسب تغذیه ای و آموزشی برای مداخله در جهت بهبود است.

کلید واژه: چاقی، دانش آموز، مدرسه

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد مدل خودمراقبتی اورم در پیشگیری از پوکی استخوان در دختران دانشجو

چکیده

مقدمه: سازمان بهداشت جهانی پوکی استخوان را به عنوان چهارمین دشمن اصلی بشر اعلام نموده است. پیر شدن جمعیت باعث ایجاد نگرانی در مورد افزایش بالقوه در موارد پوکی استخوان شده است. آموزش برای افزایش آگاهی در رابطه با عوامل خطر و رفتارهای پیشگیرانه برای کمک به پیشگیری از پوکی استخوان در زنان جوان، بسیار با اهمیت است. خودمراقبتی روند تازه ای در مراقبت های بهداشتی به شمار می رود. این مطالعه با هدف مداخله آموزشی جهت خود مراقبتی پیشگیرانه از پوکی استخوان دختران دانشجو با استفاده از مدل اورم انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش از نوع کارآزمایی شاهددار قبل و بعد می باشد. این مطالعه در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد صورت گرفته است. نوع نمونه گیری در این مطالعه، تصادفی دو مرحله ای بوده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته خودمراقبتی برای پیشگیری از پوکی استخوان بر اساس الگوی خود مراقبتی اورم بود که روایی و پایایی آن مورد سنجش قرار گرفت. افراد گروه مداخله براساس مدل خود مراقبتی اورم در زمینه خودمراقبتی برای پیشگیری از پوکی استخوان به مدت دو ماه تحت آموزش قرار گرفتند. جهت تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS23 برای انجام T Test و Paired T Test استفاده شد.

یافته ها: میانگین نمرات سازه های عاملیت خودمراقبتی $P=0/014$ ، تقاضای خودمراقبتی $P<0/001$ ، عملکرد خودمراقبتی $P=0/022$ و همچنین در مجموع خودمراقبتی $P<0/001$ در گروه مداخله قبل و بعد از مداخله آموزشی دارای تفاوت معنادار است. بنابراین مداخله آموزشی منجر به بهبود خودمراقبتی افراد گروه مداخله برای پیشگیری از پوکی استخوان شده است. در حالی که تفاوت معنادار در میانگین نمرات سازه های عاملیت خودمراقبتی $P=0/90$ ، تقاضای خودمراقبتی $P=0/53$ ، عملکرد خودمراقبتی $P=0/51$ و همچنین در مجموع خودمراقبتی $P=0/97$ در گروه شاهد قبل و بعد از مداخله آموزشی ملاحظه نشد.

نتیجه گیری: یافته ها مطالعه نشان دهنده تاثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل خودمراقبتی اورم جهت مراقبت از خود در پیشگیری از پوکی استخوان، در بین دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، می باشد. آموزش خودمراقبتی از سنین جوانی به خصوص در بین زنان، در پیشگیری از افزایش شیوع پوکی استخوان در آینده بسیار موثر خواهد بود.

کلید واژه: پوکی استخوان، مدل خودمراقبتی اورم، عاملیت خودمراقبتی، تقاضای خودمراقبتی، عملکرد خودمراقبتی

نادر شریفی

* دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران. نویسنده مسئول: 07154340405

Email:m1395dr@gmail.com

فرشته مجلسی

دکتری بهداشت مادر و کودک، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

فرنگیس شریفی

دانشجوی دکتری بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش تئوری محور به روش ایفای نقش بر ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف تنقلات کم‌ارزش در دانش‌آموزان

فایزه براتی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر محسن شمسی

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. نویسنده مسئول: ۰۸۶۳۳۶۸۶۴۴۳

email: dr.shamsi@arakmu.ac.ir

دکتر محبوبه خورسندی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر رحمت اله مرادزاده

استادیار اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

چکیده

مقدمه: مصرف تنقلات صنعتی و کم‌ارزش در بین دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان مقطع ابتدایی روز به روز در حال افزایش می‌باشد. لذا این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش تئوری محور به روش ایفای نقش بر ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از مصرف تنقلات کم‌ارزش در دانش‌آموزان اجرا گردید. **روش بررسی:** در این مطالعه نیمه تجربی تعداد ۱۸۹ دانش‌آموز به طور تصادفی در دو گروه (۹۸ نفر گروه آزمون و ۹۱ نفر گروه کنترل) قرار گرفتند. سپس مداخله آموزشی بر اساس یافته‌ها نیازسنجی برای گروه آزمون، طی یک ماه و در قالب ۴ جلسه آموزشی ۶۰ دقیقه‌ای با روش ایفای نقش صورت گرفت. یافته‌ها سه ماه بعد از مداخله جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از آزمون‌های تی مستقل و تی زوجی، کای اسکوئر و ضریب همبستگی و رگرسیون خطی انجام گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها مطالعه نشان داد قبل از مداخله آموزشی همه متغیرها به استثنای آگاهی و هنجار ذهنی در دو گروه اختلاف معناداری نداشتند. ولی پس از انجام مداخله دو گروه از نظر همه سازه‌های مورد بررسی تفاوت معنادار آماری داشتند ($p < 0.05$). در این مطالعه عملکرد گروه مداخله قبل از آموزش $49/93 \pm 23/72$ بود که بعد از آموزش به $63/33 \pm 17/68$ ارتقاء معنی داری یافت ($p < 0.001$).

نتیجه‌گیری: مداخله آموزشی به روش ایفای نقش بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده رفتارهای منجر به پیشگیری از مصرف تنقلات کم‌ارزش را در دانش‌آموزان افزایش داد که این افزایش رفتار را می‌توان مرتبط با روش آموزشی در گروه مداخله دانست.

کلید واژه: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، قصد رفتاری، تنقلات کم‌ارزش، عملکرد، ایفای نقش، دانش‌آموز



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش بر ارتقای آگاهی مادران دارای دختر زیر ۲ سال در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری

چکیده

مقدمه: عفونت ادراری یکی از شایع ترین بیماری های عفونی اطفال می باشد که عوارض شدیدی از جمله فشار خون بالا، اسکار کلیه، کاهش عملکرد کلیه و بیماری مزمن کلیه را به همراه خواهد داشت. در این خصوص آموزش مادران به عنوان اولین مراقبین کودک از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش بر ارتقای آگاهی مادران دارای دختر زیر ۲ سال در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مداخله ای بر روی ۱۱۰ نفر از مادران دارای دختر زیر ۲ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک که به طور تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل (هر گروه ۵۵ نفر) تقسیم شدند انجام پذیرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پایا و روا شامل مشخصات دموگرافیک و آگاهی مادران بوده است. ابتدا در هر دو گروه پیش آزمون و سپس مداخله آموزشی جهت ارتقای آگاهی مادران در گروه مداخله در قالب گروه های ۱۵-۱۰ نفره در مراکز بهداشتی انجام و سپس ۳ ماه پس از مداخله، پس آزمون انجام و داده ها با نرم افزار spss ۲۳ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: یافته ها مطالعه نشان داد که میانگین نمره آگاهی از $0/62 \pm 0/16$ قبل از مداخله به $0/97 \pm 0/07$ در ۳ ماه بعد از مداخله در گروه مورد ارتقای معنی داری یافت. ($p < 0/001$). در گروه شاهد نیز میانگین آگاهی در قبل از مداخله $0/58 \pm 0/15$ در ۳ ماه بعد از مداخله به $0/52 \pm 0/15$ تغییر یافت ($p = 0/2$). **نتیجه گیری:** آموزش بهداشت بر مبنای نیازسنجی اولیه همراه با پیگیری های فعال در ارتقاء آگاهی مادران در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از عفونت ادراری مؤثر بوده است.

کلید واژه: آموزش، آگاهی، دختر زیر ۲ سال، عفونت ادراری

زهره احمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر محسن شمسی

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. نویسنده مسئول: ۰۸۶۳۳۶۸۶۴۴۳

email: dr.shamsi@arakmu.ac.ir

دکتر نسرین روزبهانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر رحمت اله مرادزاده

استادیار اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مبتنی بر الگوی باور سلامت بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از واریس پا در پرستاران

اکبر ویسکرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر محسن شمس

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. نویسنده مسئول:
۰۸۶۳۳۶۸۶۴۴۳

email: dr.shamsi@arakmu.ac.ir

دکتر نسرین روزبهانی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

مهدی رنجبران

مری ایپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

دکتر محمود کریمی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ساوه، ایران

چکیده

مقدمه: پرستاری حرفه ای پر مخاطره برای ابتلا به واریس پا می باشد. بدین منظور مطالعه ای با هدف بررسی تأثیر آموزش براساس الگوی باور سلامت بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از واریس پا در پرستاران انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی بوده که بر روی ۱۰۰ نفر از پرستاران انجام شد. پرستاران انتخاب شده به روش تصادفی ساده به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. شرکت کنندگان در دو مرحله (قبل از مداخله و سه ماه بعد از مداخله) مورد آزمون قرار گرفتند. مداخله آموزشی از طریق سخنرانی، پرسش و پاسخ و کتابچه آموزشی برگزار گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پژوهشگر ساخته بر اساس سازه های الگوی باور سلامت بود و داده ها نیز با استفاده از آزمون های آماری کای دو، تی مستقل، تی زوجی آنالیز شد.

یافته ها: قبل از آموزش مقایسه میانگین نمرات سازه های الگوی باور سلامت در دو گروه مداخله و کنترل اختلاف معنادار نداشتند. ۳ ماه بعد از مداخله آموزشی سازه های الگوی باور سلامت تفاوت معناداری را در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نشان داد ($p < 0.05$). میانگین نمره عملکرد در گروه مورد از ۲۰ به ۴۲ ارتقای معنادار یافت ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها این مطالعه اجرای مداخلات آموزشی با استفاده از روشهای آموزشی فعال و مبتنی بر تئوریهای رفتاری منجر به ارتقای رفتارهای پیشگیری از واریس پا در پرستاران گردید لذا پیشنهاد می گردد که برنامه های آموزشی براساس تئوری رفتاری جایگزین برنامه های آموزشی روتین و عادی شود.

کلید واژه: الگوی باور سلامت، واریس پا، مداخله آموزشی، رفتارهای پیشگیری کننده



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر برنامه توانمندسازی بر مبنای تئوری فرانتزری بر ارتقاء رفتار درمانی وابستگان به مواد مخدر با رویکرد مبتنی بر جامعه

چکیده

مقدمه: پدیده مواد مخدر و سوء مصرف آن، دیگر یک آسیب اجتماعی تلقی نمی گردد بلکه به عنوان یک بحران اجتماعی مطرح می‌باشد. این بحران روانی-اجتماعی به راحتی می‌تواند بنیان زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را بی ثبات نموده و چرخه پیشرفت یک جامعه را مختل سازد. با توجه به ماهیت آن که ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی را درگیر کرده و احتمال برگشت پذیری و یا عود در آن زیاد می‌باشند، برای درمان این گروه خاص از مدل فرانتزری که علاوه بر عوامل فردی به عوامل اجتماعی مانند روابط یاری دهنده و ارزیابی مجدد محیط توجه دارد استفاده گردید. در این مدل، ارتقا در مراحل تغییر به معنای ارتقا در رفتار درمانی می‌باشد. رویکرد آموزشی در این مطالعه بر اساس رویکرد مبتنی بر جامعه بود که بر نیازسنجی قبل از آموزش و پرورش وابستگان به مواد به عنوان آموزش دهنده تاکید داشت. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر برنامه توانمندسازی بر مبنای تئوری فرانتزری بر ارتقاء رفتار درمانی وابستگان به مواد مخدر با رویکرد مبتنی بر جامعه بود.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله ای تجربی، ۷۳ نفر از وابستگان به مواد مخدر از دو مرکز درمانی سوء مصرف مواد مخدر در دو گروه مداخله و شاهد قرار گرفتند. در ابتدا نیازهای آموزشی تعیین گردید. سپس پرسشنامه‌ها به صورت خودگزارش دهی قبل از مداخله تکمیل شد. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته مراحل تغییر، فرایند تغییر، تعادل تصمیم گیری، خودکارآمدی برای مصرف مواد مخدر و متغیرهای جمعیت شناختی بود. مداخله آموزشی شامل هفت جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه ای که فقط در گروه مداخله اعمال گردید و در جهت تربیت وابستگان به عنوان آموزش دهنده، برنامه ریزی گردید. دو گروه، شش و نه ماه پس از مداخله پیگیری شدند و در نهایت داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS (نسخه ۱۶) تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: بین دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معنی داری وجود نداشت ($Pvalue < 0.05$). میانگین نمرات سازه‌های مدل فرانتزری (مراحل تغییر، فرایند تغییر، تعادل تصمیم گیری و خودکارآمدی) بعد از مداخله آموزشی در گروه مداخله افزایش معنی داری داشت ($Pvalue < 0.05$). همچنین متغیرهای مدل فرانتزری با مراحل تغییر رابطه معنی داری داشتند به گونه ای که با افزایش متغیرهای مدل فرانتزری، مراحل تغییر افزایش میابد ($Pvalue < 0.05$).

نتیجه گیری: یافته‌ها مطالعه نشان داد که برنامه توانمندسازی بر اساس مدل فرانتزری و رویکرد مبتنی بر جامعه همراه با دارو درمانی می‌تواند یک استراتژی موثر برای درمان سوء مصرف مواد مخدر باشد.

کلید واژه: توانمندسازی، مدل فرانتزری، وابستگان به مواد مخدر، رویکرد مبتنی بر جامعه

رضا شهرآبادی

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. مسئول: ۰۹۱۵۱۷۳۱۸۲۷

Shahrabadi.reza@yahoo.com

معصومه هاشمیان

دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

علی مهری

دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

حمید جوینی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر مداخلات چندبعدی بر ارتقای سلامت دانش آموزان دختر دبیرستانی

فریبا شهرکی ثانوی

* استادیار (آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۴۱۲۹۱۶

faribasnavi@gmail.com

فاطمه رخشانی

استاد (آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی، تهران، ایران)

علیرضا انصاری مقدم

استاد (اپیدمیولوژی، آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران)

مهدی محمدی

دانشیار(آمار، آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران)

چکیده

مقدمه: نوجوانان امروز والدین و گردانندگان فردای کشور هستند. بنابراین ارتقای سلامت این گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر مداخلات چند بعدی بر ارتقای سلامت دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر زاهدان انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر آمیخته (موازی هم‌گرا) که بر روی ۴۲۰ نفر از نوجوانان دختر پایه دهم در دبیرستان‌های شهر زاهدان با روش نمونه‌گیری سرشماری انجام شد. ابزار مطالعه پرسشنامه رفتارهای پرخطر سلامت با نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا مناسب؛ و پایایی (α) ۰/۷۰ بود. پس از انجام پیش‌آزمون، مداخلات چندبعدی (آموزش فردی، گروهی، مشاوره فردی، آموزش‌های نوین و بسته آموزشی والدین) در گروه مداخله از مهرماه ۹۴ تا خردادماه ۹۵ ارائه شد. بعد از سه ماه انتظار، پس‌آزمون در مهرماه ۹۵ انجام شد. اطلاعات پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار spss ۱۵ تجزیه و تحلیل و جهت تحلیل داده‌ها از آزمون کوواریانس استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر آماری اختلاف معناداری بین تغییر نمرات رفتارهای پرخطر، رفتارهای تغذیه‌ای سالم، رفتار فعالیت فیزیکی و سلامت روان پس از مداخله بین گروه‌های مورد مطالعه مشاهده شد. پس از مداخله درصد دانش‌آموزان با بیش از سه رفتار هم‌زمان در گروه مداخله ۸/۴ درصد و در گروه کنترل ۱/۶ درصد کاهش نشان داد. مشاوره‌های فردی در نوجوانان مصرف‌کننده سیگار، قلیان، الکل، مواد مخدر و رابطه جنسی بدون پیشگیری باعث کاهش رفتارهای پرخطر در آن‌ها شد. علاوه بر این مشکلات سلامت روان متوسط تا شدید در بین دانش‌آموزان گروه مداخله نسبت به گروه کنترل به میزان قابل توجهی کاهش یافت. بیشترین تأثیر مداخلات مشاهده شد در افرادی که مشاوره روان‌شناختی فردی دریافت کرده بودند وجود داشت.

نتیجه‌گیری: به‌کارگیری آموزش‌های گروهی و مشاوره فردی در مدارس منجر به بهبود سبک زندگی سالم (از جمله تغذیه، فعالیت فیزیکی) و کاهش رفتارهای پرخطر و سلامت روان می‌شود. مداخلات متناسب با نیاز دانش‌آموزان طراحی و جهت تداوم تأثیر آموزش‌ها به‌صورت مداوم اجرا شوند. علاوه بر این، در اولویت قرار دادن سلامت روان و اقدام در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلید واژه: مداخلات مدرسه محور، ارتقای سلامت، نوجوانان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های سلامت در مدارس متوسطه دوم شهر زاهدان

چکیده

مقدمه: سیاست‌گذاری در بخش سلامت به دلیل ماهیت خاص این بخش در مقایسه با دیگر بخش‌های اجتماعی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. امروزه سرمایه‌گذاری بر روی سلامت نوجوانان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مداخلات نظام سلامت مطرح است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف مطالعه سیاست‌های سلامت مدارس در جنوب شرق ایران انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر مقطعی که با نمونه‌گیری سرشماری در تمام مدارس متوسطه دوم دخترانه و پسرانه شهر زاهدان انجام شد. ابزار مطالعه، پرسشنامه ۷۰ سوالی سیاست‌گذاری‌های سلامت مدارس با نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا مناسب و پایایی (α) ۰/۷۳، که توسط مدیران مدارس تکمیل گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: حدود یک سوم مدارس مربی بهداشت نداشتند. برخی از سیاست‌ها از جمله معاینات پزشکی سالیانه، مصرف صبحانه سالم در مدرسه، عرضه مواد غذایی سالم با قیمت پایین‌تر در بوفه مدارس و ارائه مشاوره به دانش‌آموزان با شرایط خاص در مدارس اجرا نمی‌شد. میزان مشارکت دانش‌آموزان، اولیاء و دبیران در برنامه‌های سلامت مدارس ضعیف بود. بیشترین همکاری بین‌بخشی مربوط به مراکز بهداشتی درمانی و میانگین نمره سیاست‌های سلامت در مدارس $11/51 \pm 89/70$ از ۱۲۶ نمره بود. علاوه بر به‌طور معناداری معناداری نمره سیاست‌های سلامت در مدارس پسرانه نسبت به دخترانه بالاتر بود. **نتیجه‌گیری:** جهت موفقیت برنامه، در نظر گرفتن همکاری بین بخشی و محیط‌های حامی سلامت و بهبود روابط اولیاء با مدرسه را می‌طلبید. با توجه به یافته‌ها تعیین تیم و کمیته سلامت در مدارس و در نظر گرفتن ساعاتی جهت آموزش‌های سلامت در طول سال تحصیلی، برگزاری دوره‌های آموزشی جهت کارکنان و دبیران در راستای برنامه‌های سلامت نوجوانان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه: دبیرستان، سیاست‌های سلامت، ایران

فربا شهرکی ثانوی

* استادیار(آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۴۱۲۹۱۶۹۸۱۷۶۶۷۹۹۳

faribasanavi@gmail.com

فاطمه رخشانی

استاد (آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، تهران، ایران)

علیرضا انصاری مقدم

استاد (اپیدمیولوژی، آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران)

مهدی محمدی

دانشیار(آمار، آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی نقش میانجی گری تضاد/ ناسازگاری با پستان بر تعیین کننده های شناختی انجام ماموگرافی

شایسته شیرزادی

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز ایران. مسئول: ۰۹۳۶۳۸۹۷۱۷۴

shayestehshirzadi@gmail.com

حمید اله وردی پور

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز ایران

محمد اصغری جعفری

آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز ایران

هادی حسن خانی

آموزش پرستاری، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز ایران

چکیده

مقدمه: یکی از فاکتورهای شناختی تأثیرگذار بر ماموگرافی تضاد/ناسازگاری با پستان (Breast Conflict) می باشد که به احساسات ناسازگار زنان در مورد پستانهایشان اطلاق می شود. تضاد/ناسازگاری با پستان در اثر آزار و اذیت های اطرافیان، هنجارها و ارزش های خانوادگی، تأثیرات رسانه و جامعه که بر Body Image تأثیر می گذارند ایجاد می شود. علاوه بر این، ادراکات افراد شامل تهدید درک شده سرطان پستان، خودکارآمدی برای انجام ماموگرافی و موانع انجام ماموگرافی با غربالگری ماموگرافی ارتباط دارد. شناسایی باورها نقش مهمی در تمایل افراد به شرکت در رفتارهای مرتبط با ارتقای سلامت دارد. پیش از طراحی و اجرای مداخلات مهم است که عوامل مرتبط در فرآیند اتخاذ ماموگرافی که برای جمعیت هدف برجسته هستند شناسایی شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش میانجی گری تضاد/ناسازگاری با پستان بر تعیین کننده های شناختی (تهدید درک شده، موانع درک شده، خودکارآمدی درک شده) انجام ماموگرافی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی می باشد که با مشارکت ۷۳۸ نفر از زنان ۴۰-۶۹ ساله مقیم سه استان آذربایجان شرقی، همدان و کردستان (شهرهای تبریز، همدان و سنندج) در سال ۱۳۹۵ انجام شد. انتخاب نمونه ها به صورت تصادفی و با روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای انجام گرفت. گردآوری داده ها با استفاده از ابزارهای Champion's Health Belief Model Scale، The Women's Breast Conflict Scale و Self-Efficacy Scale for Mammography و از طریق مصاحبه و مراجعه به در منزل انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق مدل سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار stata ۱۴ انجام گرفت.

یافته ها: فراوانی انجام ماموگرافی در زنان ۳۱/۸ درصد بود. ماموگرافی رابطه معکوسی با تضاد/ناسازگاری با پستان ($B = -.04, p < .05$)، تضاد/ناسازگاری با پستان رابطه معکوسی با خودکارآمدی ($B = -.17, p < .05$)، موانع درک شده رابطه معکوسی با خودکارآمدی ($B = -.03, p < .05$)، و خودکارآمدی رابطه مستقیمی با انجام ماموگرافی ($B = .17, p < .05$) داشت. همچنین خودکارآمدی به طور غیرمستقیم ارتباط میان تضاد/ناسازگاری با پستان و ماموگرافی را میانجی و باعث تضعیف این رابطه شد. ارتباط معنادار مستقیمی میان تهدید درک شده سرطان پستان و تضاد/ناسازگاری پستان وجود داشت ($B = -.21, p < .05$).

نتیجه گیری: آموزش در خصوص تغییرات جسمی در دوران بلوغ می تواند در ارتقاء احساس مثبت نسبت به تصور از بدن و عزت نفس سودمند باشد. براساس یافته های ما باید نقش خودکارآمدی در طراحی و اجرای برنامه های غربالگری سرطان پستان جهت افزایش مشارکت زنان در برنامه غربالگری مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: الگوی باور بهداشتی، تهدید درک شده، خودکارآمدی درک شده، موانع درک شده تضاد/ناسازگاری با پستان، ماموگرافی.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت با استعمال دخانیات در نوجوانان پسر شهرستان سیرجان

رضا صادقی

* وابستگی سازمانی (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی سیرجان، سیرجان، ایران). نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۴۲۲۷۳۴۱۰، Email: reza.sadeghi351@yahoo.com

چکیده

مقدمه: مصرف دخانیات از عوامل خطر مهم در ایجاد بار بیماری های مزمن در دنیاست که استعمال آن به سرعت در بین نوجوانان و جوانان در حال افزایش است و سواد سلامت یکی از مقوله های مهم در ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات بهداشتی برای پیشگیری و کنترل این معضل می باشد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت و میزان استعمال دخانیات در نوجوانان شهرستان سیرجان به عنوان یک گروه آسیب پذیر انجام شد.

روش بررسی: مطالعه ی حاضر توصیفی- تحلیلی و به شیوه ی مقطعی بر روی ۲۰۰ نوجوان سن ۱۵-۱۳ سال با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انجام شد. ابزار گردآوری داده ها شامل چک لیست مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه ی ارزیابی سواد سلامت بود. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی، کای اسکوتر و رگرسیون لجستیک انجام شد. **یافته ها:** میانگین سنی آزمودنی ها $14/2 \pm 1/3$ بود. بررسی وضعیت استعمال دخانیات در گروه تحت مطالعه نشان داد که ۳۸٪ عدم مصرف دخانیات، ۱۶٪ سیگار و ۴۶٪ قلیان مصرف می کنند و از افرادی که قلیان مصرف کرده اند ۴۵٪ دارای سواد سلامت ناکافی بودند. در بین متغیرهای دموگرافیک تمامی متغیرها بجز دو متغیر شغل پدر و محل سکونت با سطح سواد سلامت رابطه معنی داری را نشان داد ($P < 0/05$). در این مطالعه بر اساس آزمون رگرسیون لجستیک بین مصرف دخانیات با سواد سلامت و حیطه های آن (دسترسی، مهارت خواندن، درک، ارزیابی، کاربرد) ارتباط معناداری وجود داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: یافته ها نشان دهنده ی سطح سواد سلامت ناکافی نوجوانان در مورد مضرات استعمال دخانیات می باشد. لذا برنامه ریزی در جهت ارتقاء سطح سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده ی سلامت بر اساس مدلها و الگوهای آموزشی توصیه می گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، استعمال دخانیات، نوجوانان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی و روان سنجی ابزار سنجش پیشگیری از استعمال قلیان در نوجوانان بر اساس تئوری انگیزش محافظت

رضا صادقی

* وابستگی سازمانی (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی سیرجان، سیرجان، ایران). نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۴۲۲۷۳۴۱۰، Email: reza.sadeghi351@yahoo.com

چکیده

مقدمه: با توجه به اهمیت پیشگیری از استعمال قلیان در نوجوانان و نبود پرسشنامه استاندارد در این زمینه، این پژوهش با هدف طراحی و روان سنجی ابزار پیشگیری از استعمال قلیان در نوجوانان بر اساس تئوری انگیزش محافظت انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه روش شناسی پس از بررسی متون و منابع علمی، پرسشنامه اولیه ای طراحی شد که روایی آن به روش روایی صوری و محتوا؛ و پایایی آن به روش همسانی درونی و بازآزمایی تعیین شد و در نهایت پرسشنامه مذکور با استفاده از نرم افزار آموس نسخه ۴۱ مورد تحلیل عامل تأییدی قرار گرفت.

یافته‌ها: پس از طی مراحل روایی و پایایی پرسشنامه ای مشتمل بر ۵۶ سؤال طراحی شد. مقدار CVR برای اکثر سؤالات به جز ۳ سؤال، بالای ۰/۷۹ و مقدار CVI همه سؤالات بالای ۰/۷۹ بود. در بررسی پایایی درونی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹-۰/۹۱ و پایایی بیرونی پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-بازآزمون ۰/۸۱-۰/۹۱ به دست آمد. همچنین نتایج بررسی روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در نرم افزار ایموس مقدار $DF/\chi^2=3,456$ ، $AGFI=0,964$ ، $RMSEA=0,072$ ، $\chi^2=1254,712$ ، را نشان داد که نشان دهنده برازش مناسب ابزار در جامعه نوجوانان ایرانی می‌باشد. **نتیجه گیری:** یافته‌ها بدست آمده نشان داد که پرسشنامه فارسی پیشگیری از استعمال قلیان در نوجوانان بر اساس تئوری انگیزش محافظت دارای اعتبار علمی، روایی و پایایی مناسبی بوده و استفاده از آن در پژوهش‌های مشابه توصیه می‌شود.

کلید واژه: قلیان، روایی، پایایی، تئوری انگیزش محافظت، نوجوانان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده در خصوص رفتارهای پیشگیری‌کننده از ایدز در داوطلبان سلامت

چکیده

مقدمه: شیوع بیماری ایدز در جهان در حال گسترش است و به یک مشکل اضطراری تبدیل شده است. این مطالعه با هدف بررسی کارایی مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده در خصوص رفتارهای پیشگیری‌کننده از ایدز در داوطلبان سلامت شهرستان سیرجان انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش مطالعه‌ای نیمه‌تجربی است. جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۱۲۰ نفر از داوطلبان سلامت شهرستان سیرجان بودند که به‌طور تصادفی به دو گروه مداخله (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) تقسیم شدند. مداخله آموزشی طی سه جلسه ۶۰ دقیقه‌ای انجام شد. داده‌ها از طریق تکمیل پرسشنامه (حاوی ۴۰ سؤال) طی مصاحبه مستقیم قبل از مداخله آموزشی و سه ماه بعد از آن، جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از کای‌اسکوئر، آزمون دقیق فیشر، تی مستقل و تی زوجی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بین میانگین نمرات دو گروه از لحاظ آگاهی، نگرش نسبت به رفتار، عملکرد، قصد رفتاری، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک شده قبل از مطالعه تفاوت معناداری وجود نداشت. اما پس از اجرای برنامه آموزشی این متغیرها در گروه مداخله افزایش معناداری یافت ($P < 0.001$). ولی در گروه شاهد اختلاف معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده در آموزش داوطلبان سلامت مؤثر بود. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد برای رفتارهای پیشگیری‌کننده از ایدز از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده استفاده گردد.

کلیدواژه: ایدز، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، آموزش بهداشت، داوطلبان سلامت

رضا صادقی

* وابستگی سازمانی (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی سیرجان، سیرجان، ایران). نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۴۲۲۷۳۴۱۰
Email: reza.sadeghi351@yahoo.com

ویکتوریا مومن آبادی

وابستگی سازمانی (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی مواد سلامت



بررسی عوامل موثر بر رفتارهای تغذیه ای دانشجویان مجتمع آموزش عالی سلامت شهر چابهار

سعیده صادقی

* مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

محمدسعید جدگال

* مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

چکیده

مقدمه: رژیم غذایی و نحوه تغذیه، نقش بسیار مهمی در زندگی و سلامت انسان از بدو تولد تا زمان مرگ دارد انسان با نحوه انتخاب غذا می تواند سلامت خود را در معرض خطر قرار داده و یا موجب ارتقای آن شود. ترس از چاقی و داشتن اندام نامناسب و عدم کسب جایگاه مناسب در بین همسالان، سبب دریافت ناکافی مواد مغذی در دانشجویان می شود. این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر رفتارهای تغذیه ای دانشجویان مجتمع آموزش عالی سلامت شهر چابهار بر اساس مدل پرسید-پرسوید انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی تعداد ۶۵ نفر از دانشجویان مجتمع آموزش عالی سلامت چابهار در سال ۱۳۹۶ به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۳ قسمت: اطلاعات دموگرافیک، سازه های مدل و رفتارهای تغذیه ای بود. داده ها با استفاده از میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کروسکال وایس و رگرسیون خطی با کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: دامنه سنی افراد شرکت کننده در مطالعه ۱۸-۳۲ سال با میانگین و انحراف معیار $21/58 \pm 2/48$ سال بود. میانگین نمره آگاهی $8/89 \pm 1/71$ ، میانگین نمره نگرش $18/46 \pm 3/52$ میانگین نمره عوامل قادر کننده کننده $16/80 \pm 2/29$ و میانگین نمره عوامل تقویت کننده کننده $12/09 \pm 1/28$ بود. میانگین نمره رفتار تغذیه ای $20/26 \pm 4/03$ بود.

نتیجه گیری: وضعیت عوامل تقویت کننده در سطح مطلوب، اما وضعیت آگاهی، نگرش، عوامل قادر کننده و رفتار در سطح متوسط بود. لذا با توجه به مطلوب نبودن رفتار تغذیه ای دانشجویان و نیز همبستگی مستقیم بین نگرش با رفتار، پیشنهاد میشود مداخلات مقتضی، به ویژه مداخلات آموزشی به منظور ارتقای رفتار تغذیه ای دانشجویان با تاکید بر سازه نگرش طراحی و اجرا گردد.

کلید واژه: رفتارهای تغذیه ای، دانشجویان، چابهار



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر وضعیت آگاهی و عملکرد سالمندان روستایی شهرستان زابل در مورد فعالیت فیزیکی

چکیده

مقدمه: یکی از مهم ترین دلایل بیماری‌های مزمن در سالمندان بی تحرکی است. یافته‌ها مطالعات نشان داده است بی تحرکی در سالمندان موجب پوکی استخوان، چاقی، افسردگی و مرگ ناگهانی ناشی از بیماری عروق قلب، دیابت نوع دو و سرطان کولون می‌شود. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر وضعیت آگاهی و عملکرد سالمندان روستایی شهرستان زابل در مورد فعالیت فیزیکی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله ای از نوع نیمه تجربی شاهددار تعداد ۲۰۰ نفر از سالمندان بالای ۶۰ سال که در مناطق روستایی شهرستان زابل زندگی می‌کردند به صورت نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که شامل سه بخش سوالات دموگرافیک و زمینه ای، بخش آگاهی و عملکرد بود، قبل از مداخله پرسشنامه‌ها توسط گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. محتوای آموزشی برای گروه مداخله، کتابچه راهنمای بهبود شیوه زندگی سالم بود. روش آموزشی به صورت چهره به چهره همراه با نمایش عملی حرکات نرمشی بود. ولی در گروه کنترل هیچ مداخله‌ای انجام نشد، بعد از ۲ ماه مجدداً همان پرسشنامه‌ها تکمیل گردید و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که قبل از مداخله آموزشی تفاوتی در میانگین نمره آگاهی و عملکرد افراد مورد مطالعه وجود نداشت، اما در بعد از مداخله آموزشی این تفاوت‌ها معنی دار بود ($P < 0.001$). میانگین نمرات آگاهی و عملکرد افراد در گروه کنترل در مرحله قبل از مداخله به ترتیب $35/17 \pm 2/05$ و $5/91 \pm 2/64$ بود که در مرحله بعد از مداخله آموزشی به ترتیب به $35/49 \pm 1/82$ و $6/04 \pm 2/82$ رسید ولی میانگین نمره آگاهی و عملکرد افراد در گروه مداخله در مرحله قبل از مداخله به ترتیب از $35/6 \pm 2/47$ و $6/73 \pm 3/43$ به $37/85 \pm 1/38$ و $12/83 \pm 4/09$ در مرحله بعد از مداخله افزایش یافت.

نتیجه گیری: مداخله آموزشی طراحی و اجراء شده در این پژوهش بر افزایش آگاهی و افزایش میزان کلی فعالیت فیزیکی در میان سالمندان موثر بوده است.

کلید واژه: آگاهی، عملکرد، فعالیت جسمانی، سالمندان

سعیده صادقی

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

محمدسعید جدگال

مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، واحد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر رفتار تغذیه ای (فرا تحلیلی از مطالعات موجود)

سید محمود طباطبایی

* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۱۱۵۳۶
Email: tabanet @ um.ac.ir

حمید چمنزاری

مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سهیل صادقی

کارشناس ارشد، مرکز پژوهش های معارف اسلامی و علوم سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

احمد فلاحي

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه هرمزگان

اکرم محمدی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه هرمزگان

چکیده

مقدمه: دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه ای از محورهای اصلی توسعه و سلامت جامعه است. امروزه توجه به ابعاد تغذیه انسانی از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی ذهن پژوهشگران عرصه تغذیه و سلامت را به خود مشغول کرده است. مطالعه حاضر درصدد است تا عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر رفتار تغذیه ای در ایران را با توجه به مطالعات انجام شده در این حوزه مورد بررسی قرار دهد. **روش بررسی:** مطالعه حاضر یک مطالعه فرا تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل همه مقالات معتبر علمی است که در پایگاه های اطلاعات علمی، بانک نشریات و مجلات ایرانی، پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه مجلات تخصصی نور نمایه شده بودند و با کلید واژه کلی تغذیه، و کلید واژه های جزئی تر نظیر رفتار تغذیه ای و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر تغذیه در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۵ مورد جست و جو قرار گرفتند که در نهایت ۱۸ تحقیق مطابق با هدف مطالعه تشخیص داده شد و مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: یافته ها: تحقیقات نشان داده است که در مجموع رابطه ۴۰ متغیر با رفتار تغذیه ای در تحقیقات مختلف بررسی شده است. از بین این متغیرها بیشترین سهم را به ترتیب سرمایه اقتصادی، استفاده از رسانه ها (تبلیغات رسانه ای) و خانواده در تبیین رفتار تغذیه ای افراد داشته اند.

نتیجه گیری: با توجه به تاثیرات مهم و روزافزون عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در امر سلامت و رفتارهایی همچون تغذیه و همچنین با توجه به یافته های پژوهش حاضر مبنی بر تاثیرات سرمایه اقتصادی، استفاده از رسانه ها (تبلیغات رسانه ای) و خانواده در تبیین رفتار تغذیه ای توصیه می شود تحقیقات بیشتر و کاربردی در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر رفتارهای تغذیه ای با همکاری مراکز و سازمان هایی که می توانند در امر برنامه ریزی و سیاست گذاری تغذیه موثر باشند انجام گیرد و برنامه مطالعاتی جامع و فراگیری به منظور تداوم این مطالعات به وجود بیاید.

کلید واژه: رفتار تغذیه ای، سرمایه، رسانه، خانواده، فراتحلیل.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین سواد سلامت و تبعیت از درمان در بیماران همودیالیزی

چکیده

مقدمه: با افزایش روزافزون بیماری نارسایی کلیه نیاز افراد به درمان با همودیالیز و هم‌چنین پایبندی به رژیم درمانی خود، جهت نیل به بالاترین میزان اثربخشی درمان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر سواد اندک سلامت در بیماری نارسایی کلیه امری شایع، همراه با تبعات غیرقابل برگشت، تلقی می‌شود. لذا مطالعه حاضر باهدف بررسی وضعیت سلامت بیماران تحت درمان با همودیالیز و ارتباط آن با پایبندی به درمان در این بیماران صورت پذیرفت.

روش بررسی: مطالعه پیش‌رو یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که به روش مقطعی روی ۴۰ نفر از بیماران تحت درمان با همودیالیز شیراز انجام گرفت. جهت جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه استاندارد سواد سلامت (HELIA Health Literacy for Iranian Adults) با زیرمقیاس‌های درک، تصمیم‌گیری و رفتار، دسترسی، خواندن و ارزیابی و پرسشنامه تبعیت از درمان End-Stage Renal Disease Adherence Questionnaire (ESRD-AQ) در بیماران تحت درمان با همودیالیز استفاده شد. داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و با کمک آمار توصیفی و آزمون آماری تی-مستقل و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره سواد سلامت و تبعیت از درمان به ترتیب $(68/77 \pm 22/28)$ و $(2/94 \pm 25/55)$ بود. در مقایسه میانگین زیرمقیاس‌های سواد سلامت، بالاترین نمره مربوط به زیرمقیاس درک $(85/98 \pm 21/52)$ بود و سپس تصمیم‌گیری و رفتار، دسترسی، خواندن و ارزیابی به ترتیب با نمره‌های $(73/59 \pm 14/66)$ ، $(66/97 \pm 30/21)$ ، $(59/84 \pm 31/70)$ و $(57/50 \pm 32/98)$ در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

هم‌چنین بررسی‌ها نشان داد که ۴۰٪ افراد دارای سواد ناکافی و نه‌چندان کافی بودند. **یافته‌ها:** بیانگر عدم ارتباط آماری معنی‌دار بین سواد سلامت و تبعیت از درمان بود. هم‌چنین در بررسی ارتباط بین سواد سلامت با سن افراد، یافته‌ها نشان داد که با افزایش سن، سواد سلامت کاهش یافت. $(p=0/001)$ و $(r=0/496)$ در بررسی ارتباط بین سواد سلامت با جنسیت افراد، یافته‌ها نشان داد که میانگین سواد سلامت در آقایان $72/13/562/5$ و در خانم‌ها $63/19/337/5$ بود. اگرچه نمره آقایان ۸ واحد بیشتر بود اما از نظر آماری معنی‌دار نبود.

هم‌چنین بررسی یافته‌ها نشان داد که ۶۲٪ از افراد زیر دیپلم و ۳۷٪ از افراد تحصیلات دانشگاهی داشتند. بررسی ارتباط بین سواد سلامت با تحصیلات نشان داد که میانگین سواد سلامت در افراد زیر دیپلم $(56/96 \pm 18/84)$ و در افراد با تحصیلات دانشگاهی $(88/47 \pm 10/47)$ بوده و بیانگر ارتباط معنی‌دار سواد سلامت با تحصیلات بود $(P=0/000)$.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه سواد سلامت با تحصیلات افراد تحت درمان با هودیالیز و هم‌چنین سن این افراد مرتبط بود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد جهت انجام مداخلات آموزشی در حیطه سواد سلامت، توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته و تا حد ممکن افراد با زمینه‌های مشابه سنی و تحصیلی در یک گروه قرار بگیرند.

کلید واژه: سواد سلامت، همودیالیز، تبعیت از درمان

مهمین نظری

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

صدف صادقی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ۰۹۳۹۳۸۳۳۲۰۸، sa_sadeghi@sums.ac.ir

محمدحسین کاوه

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

لیلا قهرمانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پایبندی به رژیم مراقبتی در بیماران همودیالیزی

محمدحسین کاوه

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،
ایران

صدف صادقی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء
سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،
شیراز، ایران. ۰۹۳۹۳۸۳۳۲۰۸

sa_sadeghi@sums.ac.ir

چکیده

مقدمه: پایبندی به رژیم مراقبتی در بیماری‌های مزمن به‌ویژه بیماران همودیالیزی چالش مهم پیش روی ارائه‌دهندگان مراقبت سلامت است. شناسایی تعیین‌کننده‌های پایبندی مبتنی بر نظریه‌های مناسب تغییر رفتار، مداخلات اثربخش را تسهیل می‌نماید. لذا هدف مطالعه حاضر شناسایی تعیین‌کننده‌های پایبندی به رژیم مراقبتی مبتنی بر رویکرد فرآیند عمل بهداشتی HAPA در بیماران همودیالیزی می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که به روش مقطعی روی ۲۲۰ نفر از بیماران تحت درمان با همودیالیز در پنج مرکز بزرگ همودیالیز در شیراز انجام گرفت. نمونه مورد پژوهش به روش نمونه‌گیری آسان از میان بیماران همودیالیزی انتخاب شدند. جهت ارزیابی وضعیت پایبندی بیماران از یک پرسشنامه پژوهشگرساخته که از طریق مصاحبه تکمیل شد؛ استفاده شد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها حاصل از آزمون همبستگی بین سازه‌های الگوی HAPA نشان داد که بین تمامی سازه‌های این الگو با یکدیگر، همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/001$) هم‌چنین قوی‌ترین ضریب همبستگی معنادار بین خودکارآمدی عمل در فاز انگیزشی، با خودکارآمدی عمل در فاز ارادی مشاهده شد. ($P = 0/000$ و $r = 0/911$) در بررسی عوامل پیش از قصد نیز، سازه خودکارآمدی عمل با قصد رفتاری بیشترین همبستگی معنادار را نشان داد. ($P = 0/000$ و $r = 0/545$)

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش از الگوی HAPA در شناسایی تعیین‌کننده‌های مهم پایبندی بیماران همودیالیزی به رژیم درمانی و به عنوان مبنایی برای طراحی مداخلات آموزشی حمایت می‌نماید.

کلید واژه: همودیالیز، پایبندی، نظریه، HAPA



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر شیمی درمانی و رادیوتراپی بر عملکرد جنسی و کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان سینه

چکیده

مقدمه: سرطان سینه شایعترین سرطان زنان است و بیمارانی که در مرحله شیمی درمانی و رادیوتراپی قرار دارند از لحاظ سلامت جسمی و روانی تحت تأثیر این بیماری و عوارض درمانی آنها هستند. عوارض ناشی از شیمی درمانی و رادیوتراپی جنبه های مختلف سلامت فردی، روانی و کیفیت زندگی و عملکرد جنسی را در این بیماران به مخاطره می اندازد. لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر شیمی درمانی و رادیوتراپی بر عملکرد جنسی و کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان سینه می باشد.

روش بررسی: این مقاله به صورت مروری و با استفاده از مطالعات انجام شده و جستجو در پایگاه های اطلاعاتی علمی معتبر گردآوری شده است.

یافته ها: مطالعات مختلف نشان می دهد که کیفیت زندگی پس از گذشت ۴ دوره شیمی درمانی کاهش چشمگیری می یابد که این کاهش از لحاظ آماری معنادار است. همچنین درصد بالایی از بیماران تجربه اختلال در عملکرد جنسی را نشان دادند که برخی این اختلال را آزاردهنده و برخی به شدت آزاردهنده گزارش نمودند که به تبع آن کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی و رادیوتراپی کاهش یافته بود.

نتیجه گیری: امروزه تنها زنده ماندن مد نظر نیست و افراد خواهان یک زندگی با کیفیت مطلوب هستند و از آنجایی که شیمی درمانی و رادیوتراپی موجب کاهش ابعاد عملکرد جنسی و به تبع آن کاهش کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان می شود، لزوم انجام مداخلات روانشناختی و پرستاری جهت حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی این بیماران به شدت احساس می شود.

کلید واژه: شیمی درمانی، رادیوتراپی، عملکرد جنسی، کیفیت زندگی، سرطان سینه

فرخنده صالحی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان های آیت الله طالقانی و امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:

Email: farkhonde.salehi@gmail.com

پریسا قادری

کارشناسی پرستاری، مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان های آیت الله طالقانی و امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

فریبا صالحی ذهابی

کارشناسی پرستاری، مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان های آیت الله طالقانی و امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مدیران و سرپرستان در کاهش حوادث و بیماری های شغلی محیط کار و ارتقای سطح سلامت پرسنل نیروگاه برق مشهد

حسن صالح صالحی

کارمند واحد ایمنی و بهداشت کار نیروگاه برق مشهد

دکتر واحدیان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: اصلی ترین هدف سازمان‌ها استفاده بهینه از عوامل تولید و رسیدن به اثر بخشی است. این عوامل شامل زمین، سرمایه، نیروی انسانی، فناوری و مدیریت است. در این بین نیروی انسانی ارزشمندترین دارایی سازمان‌ها و از حساسیت بالایی برخوردار است. به همین منظور شناخت عوامل موثر بر میزان سطح سلامت پرسنل یکی از اهداف بهسازی نیروی انسانی در مدیریت این شرکت می‌باشد. این مطالعه با هدف تاثیر آموزش مدیران و سرپرستان در کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی محیط کار و ارتقای سطح سلامت پرسنل نیروگاه برق مشهد انجام شد.

روش بررسی: پرسشنامه بررسی نگرش مدیران و مسئولین در بهبود و ارتقا سطح سلامت توسط کلیه پرسنل تکمیل و تجزیه و تحلیل اطلاعات اولیه انجام و بررسی ۵۷ حادثه انسانی از سال ۱۳۹۱ تا شش ماهه اول سال ۱۳۹۶، سپس برگزاری دوره‌های آموزشی نقش مدیران و سرپرستان در کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی محیط کار در محل سالن همایش نیروگاه با آموزش چهره به چهره در محل اتاق کار مدیران و مسئولین و سرپرستان و استفاده از پوسترها، تراکت، پمفلت صورت گرفت.

یافته‌ها: داده‌ها نشان داد که یکی از علل حوادث، عدم نظارت کامل مسئولین و سرپرستان بر نحوه انجام کار ایمن پرسنل بود که با برنامه ریزی‌های صورت گرفته و آموزش‌های عمومی و چهره به چهره به هریک از مسئولین باعث گردید تا از شش ماهه دوم سال ۱۳۹۶ تا پایان شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ هیچ گونه حادثه‌ای به وقوع نپیوندد و تعداد مراجعه پرسنل جهت بیماری‌های مرتبط با کار و یا بیماری‌های عمومی به خانه بهداشت کارگری کمتر شود.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت صنعت برق در زندگی جوامع بشری و نیاز شبانه روزی به آن، نقش و جایگاه مدیران و مسئولان در حفظ و بهبود سطح سلامت پرسنل و افزایش بهره وری با داشتن نیروی انسانی سالم از اهمیت زیادی برخوردار است و تغییر نگرش و انجام رفتار سالم با آموزش مداوم امکان پذیر است

کلید واژه: آموزش، کار ایمن، حوادث



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارگونومی، راهکاری جهت پیشگیری از اختلالات اسکلتی عضلانی در پرسنل تیم پزشکی

چکیده

مقدمه: پیشگیری از عوارض شغلی و محافظت از خود از اصول اولیه ایمنی است. پیشگیری از بروز عوارض اسکلتی عضلانی در پرستاران بدلیل وضعیت نامناسب بدنی حین کار حائز اهمیت است. مطالعه‌ی حاضر با هدف آموزش روش مناسب جهت پیشگیری از اختلالات اسکلتی عضلانی مرتبط با کار انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه‌ی مداخله‌ای حاضر بر روی ۹۰ نفر از پرستاران بخش‌های ICU بیمارستانهای آموزشی شهر تهران انجام شده است. پرستاران با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در دو گروه مداخله و کنترل پس از کسب رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند. از چک لیست استاندارد REBA و ابزار پژوهشگر ساخت جهت گردآوری داده‌ها در این مطالعه استفاده گردید. ابزار توسط هر دو گروه قبل و بعد از مداخله (شش هفته پس از اتمام مداخله) تکمیل گردید. داده‌های گردآوریشده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۶ تحلیل شدند.

یافته‌ها: گروه‌های تحت مطالعه با یکدیگر براساس ویژگیهای دموگرافیک همسانسازی شده بودند. آگاهی (P=۰/۹) و عملکرد (P=۰/۹) در گروه آزمون قبل از مداخله در هر دو گروه، اختلاف معناداری نداشتند. پس از مداخله یافته‌ها اختلاف آماری معناداری را در سطح آگاهی (P=۰/۰۰۲) و سطح عملکرد (P=۰/۰۰۱) در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه اغلب پرستاران با اصول ارگونومی آشنایی ندارند و به اصول آن عمل نمی‌کنند، ضرورت آموزش مداوم اصول ارگونومی به پرستاران در بخش‌های ICU وجود دارد. آموزش در افزایش سطح آگاهی و عملکرد به اصول ارگونومی نقش موثر دارد.

کلید واژه: ایمنی شغلی، اختلالات اسکلتی عضلانی، ارگونومی، پرستاران، پیشگیری، بخش ICU.

فاطمه صدخسروی

کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

بهار سیفی

مربی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران (مستول)

بهشته طبرسی

مربی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

زهره عباسی دولت آبادی

استادیار، گروه پرستاری مراقبت ویژه دانشگاه علوم پزشکی تهران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مداخلات آموزشی ارتقای سواد سلامت در پیشگیری از لیشمانیوز جلدی (سالک) یک مرور نظام مند

نوشین پیمان

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

رویا کاظمی

کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مریم مومن نژاد

کارشناس بهداشت عمومی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

رامش نشاط

کارشناس ارشد مامایی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه صدقی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۰۰۱۳۱۶

Sedghif1@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: لیشمانیوز جلدی (سالک) از جمله بیماری‌های انگلی است که برخلاف سایر بیماری‌های عفونی در جهان رو به افزایش است. از عوامل عمده بروز بیماری لیشمانیوز جلدی، پایین بودن سواد بهداشتی اکثر افراد مقیم مناطق آندمیک در ارتباط با بیماری و راه‌های پیشگیری از آن می‌باشد. اقدامات پیشگیرانه مانند مداخلات آموزشی و برنامه‌های ارتقای سلامت، جهت افزایش سواد سلامت گروه‌های هدف برای حفاظت فردی در مناطق آندمیک، یکی از مهمترین استراتژی‌های ضروری در پیشگیری و کنترل لیشمانیوز جلدی است. پژوهش حاضر مداخلات آموزشی انجام شده در خصوص ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از سالک را به شیوه نظام مند مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

روش بررسی: جستجوی الکترونیکی با استفاده از کلمات کلیدی فارسی و انگلیسی از پایگاه‌های بانک اطلاعاتی مقالات علوم پزشکی ایران (Medex Iran، پایگاه اطلاعات علمی (Pub Med، Science (SID، Direct، scopus از فروردین لغایت شهریور ۱۳۹۷ انجام شد. بر اساس بیانیه PRISMA و نیز برای جلوگیری از سوگرایی در مطالعه، جستجو، انتخاب مطالعات، ارزیابی کیفی و استخراج داده‌ها، توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل از هم انجام گرفت. هرگونه اختلاف نظر بین دو پژوهشگر توسط نفر سوم مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۱۰ مقاله دارای معیار ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: بیشتر مطالعات به صورت کارآزمایی بالینی شاهددار بود. مداخلات به شکل آموزش، انگیزش و حمایت و در مدت زمان متفاوت و در گروه‌های هدف مختلفی از قبیل بیماران، دانش‌آموزان، کارکنان بهداشتی، داوطلبان سلامت و افراد جامعه انجام شده بود. نحوه جمع‌آوری داده‌ها اغلب به صورت خود گزارش دهی و پیامد مورد انتظار تغییر در نمرات آگاهی، نگرش و عملکرد گروه‌های هدف در نظر گرفته شده بود. یکی از پرکاربردترین مدل / نظریه‌ها در مطالعات مورد بررسی مربوط به مدل بزنف بود. **نتیجه‌گیری:** شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از سالک با توجه به علل زمینه‌ای در بروز بیماری در جهت افزایش سواد سلامت و استفاده از مداخلات و استراتژی‌های جامع و مناسب در جوامع آندمیک می‌تواند تاثیر به‌سزایی در کاهش شیوع بیماری سالک داشته باشد.

کلیدواژه: لیشمانیوز جلدی، مداخلات آموزشی، سواد سلامت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد مشاوره پنج گام بر مبنای مراحل تغییر در ارتقای فعالیت بدنی زنان شاغل

چکیده

مقدمه: از دیدگاه سلامتی یکی از مهمترین مشکلات جامعه امروزی کاهش فعالیت بدنی مناسب در بین افراد می باشد. در پژوهشی یکی از مشکلات زنان ایرانی، فقر تحرکی آنها ذکر شده بود که در تمام مراحل رشدی دختران، از کودکی گرفته تا بلوغ و میانسالی دیده می شد. مشاوره پنج گام که بیان گر پنج اصل ضروری در یک مشاوره بهداشتی است، در مطالعات گوناگونی در جهت ارتقای تغییرات رفتاری بیماران استفاده شده و می تواند در ارتقای رفتارهای بهداشتی، از جمله فعالیت بدنی در افراد مختلف نیز به کار گرفته شود. هدف از انجام این مطالعه تعیین تاثیر مداخله ی آموزشی مبتنی بر اصول مشاوره ۵ گام و سازه مراحل تغییر بر ارتقاء فعالیت بدنی کارکنان زن شاغل در کارخانه جات شهرک صنعتی بود.

روش بررسی: در مطالعه مداخله ای شاهد دار حاضر، تعداد ۷۶ زن شاغل در کارخانجات شهرک صنعتی مشهد مورد بررسی قرار گرفتند که تعداد ۳۶ نفر در گروه مداخله و ۴۰ نفر در گروه شاهد قرار داشتند. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد مراحل تغییر فعالیت بدنی مارکوس و نیز پرسشنامه بین المللی استاندارد International physical activity questionnaire (IPAQ) که مربوط به میزان فعالیت بدنی در سه سطح شدید، متوسط و سبک می باشد، انجام گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل و $P < 0.05$ از نظر آماری معنی دار تلقی شد.

یافته ها: این تحقیق نشان داد قبل از انجام مشاوره اختلاف معنی دار بین گروه های مورد مطالعه از نظر مراحل تغییر و سطوح فعالیت بدنی وجود نداشت، اما پس از انجام مشاوره افزایش معنی داری در سطوح فعالیت بدنی و مراحل تغییر در گروه مداخله مشاهده گردید ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: انجام اصول مشاوره پنج گام در ارتقاء فعالیت بدنی موثر است و می تواند به عنوان یک استراتژی مناسب توسط متخصصین بهداشتی در مراکز و سازمان های ارائه دهنده خدمات سلامت در ارتقاء رفتارهای بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: فعالیت بدنی، مشاوره پنج گام، مراحل تغییر

محمد واحدیان شاهرودی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

فاطمه صدقی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ۰۹۱۵۹۰۰۱۳۱۶
Sedghif1@mums.ac.ir

حبیب الله اسماعیلی

استاد، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی فراوانی کم کاری تیروئید در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان نایین در سال ۹۵

فاطمه صفری محمدی

کارشناس مدیریت اطلاعات سلامت، مرکز بهداشت
شهرستان نایین، اصفهان، ایران

محبوبه جاودان

* کارشناس ماما، مرکز بهداشت شهرستان نایین،
اصفهان، ایران. ۰۹۱۳۹۲۳۰۴۲۳

Email:safari@sim.mui.ac.ir

انسبیه شریفی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز بهداشت
شهرستان نایین، اصفهان، ایران

دکتر غلامرضا نقیب زاده

پزشک عمومی، مدیر شبکه، مرکز بهداشت شهرستان
نایین، اصفهان، ایران

دکتر امیر عبدالله قاسمی

پزشک عمومی، معاون بهداشتی، مرکز بهداشت
شهرستان نایین، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: کم کاری تیروئید و باردار شدن، رابطه مستقیمی دارد. اگر کم کاری تیروئید در زمان بارداری درمان نشود، ممکن است مشکلاتی نظیر سقط جنین، زایمان زودرس و فشار خون ناشی از بارداری ایجاد شود و همچنین کودکانی که مادران آنها در زمان بارداری دچار کمبود تیروئید هستند، بهره هوشی پایین تری خواهند داشت. در صورتیکه از این اختلال و عوارض آن در کشور پیشگیری نشود، آمار نوزادان با ضریب هوشی پایین و اختلالات رشد افزایش خواهد یافت. در این مطالعه فراوانی این بیماری در بین زنان باردار شهرستان نایین به تفکیک مرکز ارائه خدمت مورد بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی: پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی است که جامعه آماری آن، زنان باردار دارای پرونده در مراکز بهداشتی شهرستان نایین می باشد و تمام زنان بارداری که در سال ۱۳۹۵ به مراکز و پایگاه های بهداشتی شهرستان نایین مراجعه نموده و تشکیل پرونده داده بودند به روش سرشماری وارد مطالعه شدند) ۶ مرکز بهداشتی به همراه ۱ پایگاه بهداشتی. (داده ها به وسیله نرم افزار Excel مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: از مجموع مادران باردار زایمان کرده (۵۴۱ مورد)، ۴۳ درصد (۲۳۱ مورد) مبتلا به کم کاری تیروئید بودند. در بین مادران با کم کاری تیروئید، ۸۴/۸ درصد در پایگاه های شهری و ۱۵/۲ درصد در پایگاه های روستایی بودند. پایگاه شهید حسینی با ۸۵/۸ درصد بیشترین موارد مادران دارای کم کاری تیروئید را داشته است. ۴۳ درصد از موارد زایمان مربوط به زنان با کم کاری تیروئید بوده و ۱۶ درصد از موارد سقط و ۲۵ درصد از موارد پره اکلامپسی مربوط به این گروه از مادران بوده است. از مجموع ۴۹ نوزاد نارس ۸ درصد نتیجه زایمان مادران با کم کاری تیروئید بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اثرات سوء کم کاری تیروئید مادر بر جنین لازم است جدیدترین روش ها در خصوص تشخیص و درمان بیمارهای کم کاری تیروئید قبل از بارداری و در طول بارداری توسط وزارت بهداشت تدوین و به منظور اجراء به دستگاه های ذی ربط ابلاغ گردد.

کلید واژه: فراوانی، هیپوتیروئیدی، اختلال



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی همبستگی هوش معنوی و مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری

چکیده

مقدمه: رشته ی پرستاری از جمله رشته های مهمی است که در آن نقش هوش های چندگانه از جمله هوش معنوی مهم تر از سایر رشته ها به نظر می رسد. تاثیر این هوش ها بر نحوه ی برقراری ارتباط و ارتباطات پرستاران و دانشجویان پرستاری قابل توجه است. هدف این مطالعه بررسی همبستگی هوش معنوی و مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کردستان بود

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی - همبستگی، ۲۸۶ دانشجوی پرستاری با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. اطلاعات توسط پرسشنامه هوش معنوی کینگ و پرسشنامه مهارت های ارتباطی بارتون به صورت خود اظهاری از دانشجویان جمع آوری گردید. با نرم افزار spss نسخه ی ۲۱ و آمار توصیفی و آزمون های همبستگی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین سن دانشجویان $21/37 \pm 2/39$ سال بود. بیشتر دانشجویان مورد مطالعه مرد ($55/1\%$) و شاغل به تحصیل در سال چهارم دانشگاه (30%) (ترم هفتم ($17/1\%$)) بودند. میانگین (انحراف معیار) نمره هوش معنوی $59/71$ ($12/04$) و مهارت های ارتباطی $51/83$ ($10/10$) بدست آمد. که بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، میزان همبستگی بین مهارت های ارتباطی با هوش معنوی و حیطه های آن مثبت و از نظر آماری معنی دار بود ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: هوش معنوی و مهارت های ارتباطی رابطه نزدیکی با هم داشته و انتظار می رود ارتقاء هوش معنوی باعث ارتقاء مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری شود. توجه به این مهم در دانشجویان در کنار ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی می تواند موجب ارتقاء مهارت های ارتباطی این قشر مهم و افزایش کیفیت مراقبت های پرستاری در آینده گردد.

کلید واژه: هوش معنوی، مهارت ارتباطی، دانشجویان، پرستاری

شهناز صلواتی قاسمی

* کارشناسی ارشد پرستاری، مربی، دانشکده پرستاری -
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۰۹۱۸۴۱۹۱۳۹۱

EMil: Shahnaz.salawati68@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی بر بهبود کیفیت زندگی زنان باردار

حمیده صمدی

* دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
کارشناس سلامت روان، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
۳۸۵۲۹۸۰۰

samadih2@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: اگرچه حاملگی یک رویداد متعارف در بین زنان در سنین تولید مثل است، اما اغلب یک رویداد پر استرس همراه با تغییرات فیزیولوژیکی و روانی به حساب می‌آید و این تغییرات می‌تواند توانایی زن را برای انجام دادن نقش‌های معمول زندگی تغییر دهد. شواهد نشان می‌دهد که بارداری علاوه بر تغییرات قابل تغییرات قابل ملاحظه در وضعیت سلامت جسمی و روانی زنان می‌تواند باعث کاهش عملکرد اجتماعی و سرزنده بودن آن‌ها نیز شود. به همین دلیل انتظار می‌رود که کیفیت زندگی در زنان باردار نسبت به زنان هم سن و سال غیر باردار کمتر باشد. آموزش مهارت‌های زندگی سبب گسترش مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت خودشده و زندگی سالم و باروری را در پی خواهد داشت.

روش بررسی: پژوهش حاضر کار آزمایشی بالینی تصادفی شده با گروه کنترل می‌باشد. نمونه پژوهش از بین کلیه زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشت ثامن، دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۵ که در ارزیابی کیفیت زندگی کمترین نمره را در پرسشنامه فرم کوتاه زمینه یابی سلامت (SF-۳۶) به دست آورده بودند، ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جاگزین شدند. جلسه‌های آموزش گروهی مهارت‌های زندگی به مدت ۹ جلسه ۲ ساعته به صورت هفتگی جهت گروه آزمایش برگزار گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره نشان داد که برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی توانسته است سلامت روانی و جسمانی زنان در دوران بارداری را به طور معناداری افزایش دهد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت، آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود کیفیت زندگی زنان باردار اثر گذار است. آگاهی مراقبان بهداشتی از تغییرات وضعیتی سلامت زنان باردار و همچنین عوامل موثر بر کیفیت زندگی آنان و نیز ایجاد رویکرد مناسب آموزش‌های مهارت‌های زندگی به عنوان آموزش‌های روتین دوران بارداری جهت افزایش شاخص‌های سلامت روانی و جسمانی مادران در دوران بارداری برای ارتقاء کیفیت زندگی دوران بارداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیاز به برنامه ریزی مناسب در این جهت می‌باشد.

کلید واژه: مهارت‌های زندگی، کیفیت زندگی، زنان باردار.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثربخشی برنامه آموزشی ذهن آگاهی بر میزان استرس ادراک شده و اضطراب زنان باردار

چکیده

مقدمه: دوره بارداری، ناخودآگاه زندگی روانی و اجتماعی زن را به طور عمیقی تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاه او را ناتوان و حساس‌تر از آنچه هست می‌نماید. استرس و اضطراب بارزترین علائم در رفتارها و نشانه‌های بالینی زنان باردار است. از این رو، پژوهش حاضر به منظور بررسی اثر بخشی آموزش برنامه ذهن آگاهی بر میزان استرس ادراک شده و اضطراب زنان باردار انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی در بهار سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۲ نفر از زنان باردار مراجعه کننده به کلینیک‌ها و درمانگاه‌های شهر سنندج انجام شد این افراد به صورت تصادفی در دو گروه ۱۱ نفره کنترل و آزمایش گماشته شدند. قبل و بعد از اجرای برنامه آموزش ذهن آگاهی برای هر دو گروه پرسشنامه استرس ادراک شده کوهن (۱۹۸۳) و پرسشنامه اضطراب مرتبط با بارداری (PRAQ) (۱۹۸۹) اجرا گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری تحلیل کوواریانس استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین نمرات پس آزمون استرس ادراک شده به طور معنی داری در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل کاهش یافته است ($P \leq 0.01$) و $F(1, 19) = 21.131$ (۱ و ۱۹). همچنین میانگین نمرات پس آزمون اضطراب به طور معنی داری در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل کاهش یافته است ($p < 0.01$) و $F(1, 19) = 84.444$.

نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد که بعد از اجرای برنامه آموزشی، میزان استرس ادراک شده و اضطراب گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل کاهش یافت ($P \leq 0.01$). این یافته‌ها همسو با یافته‌ها تحقیقات قبلی مبنی بر تأثیر برنامه‌های آموزشی روان شناختی در راستای کاهش مشکلات روانی زنان باردار می‌باشد و دارای تلوپحات کاربردی در مراکز درمانی می‌باشد.

کلید واژه: زنان باردار، ذهن آگاهی، استرس، اضطراب.

مه‌آباد شایوسی

* کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۸۹۷۹۳۴۸۸

Email: biomanbadri@gmail.com

حمزه احمدیان

استادیار گروه روان شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

ستار صیدی

دانشجوی دکتری، گروه روان شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین صمیمیت زناشویی و تصویر بدنی با سلامت روانی در دوران بارداری

زینب ضرابی مقدم

* مربی (روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران).
نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۵۱۵۶۱۸۸
z.zarabimoghadam@khayyam.ac.ir

زکيه رشيدپور

دانشجوی روانشناسی (روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران)

چکیده

مقدمه: در این پژوهش مسئله مورد بررسی عبارت بود از اینکه ((آیا بین صمیمیت زناشویی و تصویر بدنی با سلامت روانی در زنان باردار رابطه معناداری وجود دارد؟)).

روش بررسی: این پژوهش از طرح های توصیفی و به روش توصیفی - همبستگی اجرا گردید. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان باردار مراجعه کننده به مراکز خدمات روانشناختی و مشاوره ای شهر مشهد در بهار ۱۳۹۷ بودند که تعداد آنها ۱۴۰ نفر بود. در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۰۰ نفر تعیین گردید که این نمونه آماری به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب گردیدند و در یک مرحله به پرسشنامه های اطلاعات جمعیت شناختی، تصویر بدن (۶۹ ماده ای)، صمیمیت زناشویی (۱۷ ماده ای) و سلامت روان (۹۰ ماده ای) پاسخ دادند. در نهایت داده های به دست آمده جهت تحلیل فرضیات پژوهش به وسیله آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته ها: تحلیل فرضیات پژوهش نشان داد ($P < 0.05$) بین صمیمیت زناشویی با حساسیت در روابط متقابل، افسردگی و پرخاشگری رابطه معناداری وجود دارد و بین تصویر بدن با شکایت جسمانی، وسواس، افسردگی و روان پریشی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته های به دست آمده وجود رابطه معنادار بین تصویر بدن و صمیمیت زناشویی را تایید کرد.

نتیجه گیری: گرفت روانشناسان و زوج درمانگران می توانند با تقویت تصویر بدن به صمیمیت زناشویی و بعضی ابعاد سلامت روان در زوجین کمک نمایند.

کلید واژه: صمیمیت زناشویی، تصویر بدن، سلامت روانی، بارداری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثربخشی آموزش مهارت فرزند پروری مبتنی بر نظریه ی انتخاب بر کاهش اضطراب مادران دارای کودکان هموفیلی

چکیده

مقدمه:

روش بررسی: حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت فرزند پروری مبتنی بر نظریه ی انتخاب بر کاهش اضطراب مادران دارای کودکان هموفیلی انجام شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل مادران دارای فرزندان هموفیلی می باشد که به مرکز سرور شهر مشهد مراجعه می کنند، نمونه گیری در پژوهش حاضر به شیوه در دسترس است بدین طریق که از بین افراد مراجعه کننده به این مرکز تعداد ۳۰ نفر از مادران دارای کودک هموفیلی که در پرسشنامه اضطراب بک نمره بالای حد برش را دریافت کردند انتخاب می شوند. از بین این افراد از طریق تخصیص تصادفی تعداد ۱۵ نفر از این مادران در گروه آزمایش قرار می گیرند و ۱۵ نفر دیگر در گروه کنترل قرار می گیرند. ابزار پژوهش پرسشنامه اضطراب (BAI) بک؛ بود.

یافته ها: یافته ها نشان داد ($P < /0.05$) تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون و در شاخص اضطراب وجود دارد. بنابراین این فرضیه پژوهشی تایید و می توان گفت آموزش مهارت های فرزند پروری مبتنی بر نظریه انتخاب بر کاهش اضطراب مادران دارای کودکان هموفیلی تاثیر دارد.

نتیجه گیری: از آن جا که تمرکز بر بعد مسئولیت، هسته اصلی کار در واقعیت درمانی است. بنابراین، واقعیت درمانی می تواند در یادگیری رفتارهای مسئولانه در فرد مؤثر باشد و در نتیجه از بروز اضطراب در فرد جلوگیری کند.

کلید واژه: آموزش مهارت فرزند پروری، نظریه ی انتخاب، کاهش اضطراب مادران، کودکان هموفیلی

علی اصغر سیلانیان طوسی

* دانشیار (روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران). نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۵۱۵۶۱۸۴
a.s.seilaniantouussi@khayyam.ac.ir

زینب ضرابی مقدم

مربی (روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران)

زهرا طاهر نیا بایگی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی (روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بهبود رفتارهای تغذیه ای زنان باردار با استفاده از برنامه آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی

راضیه ضیایی

* کارشناس ارشد بهداشت، مرکز بهداشت شماره ۳،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
Razieh_ziaee@mums.ac.ir

زهره جلیلی

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، واحد
علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حمید توکلی قوچانی

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: بارداری زمان مناسبی جهت تغییر در عادات و رژیم غذایی است. آموزش تغذیه ای نقش مهمی در ارتقاء سلامت زن و فرزند دارد. لذا این تحقیق با هدف تعیین میزان تاثیر برنامه آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در ارتقاء رفتارهای تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مداخله ای با طرح پیش آزمون - پس آزمون گروه شاهد است که با انتخاب ۹۰ زن باردار (۴۵ نفر آزمون، ۴۵ گروه شاهد) به صورت تصادفی ساده از مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی بود که پس از انجام روایی- پایایی مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا پیش آزمون در دو گروه انجام و سپس جلسات آموزشی مبتنی بر مدل در گروه آزمون برگزار شد. داده‌های جمع آوری شده در دو گروه با نرم افزار SPSS ۲۲ و آزمون‌های تی و کای دو تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها مطالعه در مرحله قبل مداخله بین دو گروه آزمون و شاهد از نظر متغیرهای جمعیتی، سازه‌های مدل و رفتار تغذیه ای تفاوت معناداری نبود. اما پس از آموزش میانگین سازه‌های مدل رفتار تغذیه ای تفاوت معناداری نبود. اما پس از آموزش میانگین سازه‌های مدل در گروه آزمون به ویژه سازه‌های حساسیت درک شده (۱/۱۵_+۱۶/۵۵)، رفتار (۳/۰۵_+۳۱/۳۱) و آگاهی (۲/۵۸_+۲۱/۴۳) به طور معناداری افزایش یافته بود. ($p < 0.05$)

نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه اثربخشی آموزش با چارچوب مداخله مدل اعتقاد بهداشتی را در ارتقاء رفتار تغذیه ای زنان باردار نشان داد. پژوهشگران این مطالعه مداخلات آموزشی را بر اساس این مدل توصیه می‌کنند.

کلید واژه: تغذیه دوران بارداری، زنان باردار، مدل اعتقاد بهداشتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر اقامه نماز در کاهش سردردهای میگرنی

چکیده

مقدمه: میگرن سردردی شدید است که می‌تواند بصورت ضربه و تپش در سر رخ دهد. و از سویی دیگر مراقبه‌های معنوی ممکن است برخی از ویژگی‌های منفی مرتبط با سردرد میگرنی را بهبود بخشد و نماز در میان عبادات و این مراقبه‌های معنوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین سردرد میگرنی و معنویت با هدف درک چگونگی تاثیر مراقبه‌های معنوی و نماز خواندن بر کاهش سردردهای میگرنی می‌باشد.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مروری نظامند با جستجوی وسیع پایگاه‌های اینترنتی، نشریات معتبر، pubmed, SID, Google scholar, ISC, scopus, و کتب مرتبط در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و محدوده زمانی برای انتخاب مقالات در نظر گرفته نشد. مقالات یافت شده، که در حدود ۷۰ مقاله بودند، که از این میان حدود ۵۴ مقاله وارد مطالعه شدند و سپس این مقالات از نظر عنوان، چکیده و متن کامل مورد ارزیابی قرار گرفتند و پس از حذف موارد تکراری و نامرتب، حدود ۴۱ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردیده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاصل نشان داد که حرکات نماز در هنگام بروز سردردهای میگرنی بر جریان خون مغزی، تاثیرات بسزایی دارد. و نیز در هنگام سجده با متمایل شدن سر به سمت پایین، جریان خون به سمت مغز افزایش می‌یابد. همچنین خم شدن بدن بر روی خود هنگام سجده، به جهت گیری خون از اطراف بدن به سمت اعضای درونی و مغز کمک می‌کند که زمینه ساز کاهش دردهای میگرنی است. **نتیجه گیری:** با یافته‌ها این پژوهش تاثیر نماز و راز و نیاز با خدا بر التیام دردهای ضربه‌ای و تنشی میگرن و همچنین افسردگی ناشی از آن ثابت شد. بنابراین با انجام برخی فرایض دینی نظیر نماز خواندن، نوعی از آرامسازی و یا حس خوب در نزد فرد تقویت می‌شود.

کلید واژه: سردرد های میگرنی، سلامت معنوی، نماز خواندن

فاطمه ضیابخش

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تهران، ایران

نسترن برمکی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تهران، ایران

فاطمه محمدخواه

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تهران، ایران

علی حاجی پور طالبی

* دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۰۲۴۳۸۵۲۳

Email: alihajipour1375@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رفتارهای غربالگری سرطان پستان و عوامل مرتبط با آن در کارکنان زن خراسان جنوبی، بیرجند در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷

میترا مودی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

زویا طاهرگورابی

* دانشیار فیزیولوژی، مرکز تحقیقات سوء مصرف مواد و مسمومیت ها، گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول:

email: z.tahergorabi@yahoo.com

مهیار محمدی فرد

دانشیار رادیولوژی، مرکز تحقیقات مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه رادیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

سودابه اسحقی

رزیدنت عفونی، گروه رادیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

غلامرضا شریف زاده

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

مریم میری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

چکیده

مقدمه: سرطان پستان بیماری قابل پیشگیری است که از طریق سه روش غربالگری ماموگرافی، معاینه پستان بالینی و معاینه پستان قابل تشخیص زودرس است. این مطالعه با هدف ارزیابی رفتارهای غربالگری سرطان پستان و عوامل مرتبط با آن در زنان شاغل خراسان جنوبی، بیرجند انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی، ۲۲۵۶ زن شاغل سازمان های دولتی در سال های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ در استان خراسان جنوبی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه سه بخشی شامل مشخصات جمعیت شناختی، اطلاعات در مورد روش های غربالگری سرطان پستان و عملکرد زنان و مراحل تغییر رفتار غربالگری ماموگرافی، معاینه بالینی پستان (CBE) و خودآزمایی پستان (BSE) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمونهای آنالیز واریانس یکطرفه، تعقیبی توکی و رگرسیون لجستیک در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره آگاهی زنان $3/45 \pm 1/5$ و سطح آگاهی ۷۳/۶٪ ضعیف بود. اختلاف معنی داری در میانگین نمره آگاهی بر حسب وضعیت تاهل ($P=0/03$) و سن ($P=0/04$) بود. از نظر مراحل تغییر رفتار غربالگری، ۶/۸ درصد، ۱۲/۳ درصد و ۱۶/۸ درصد زنان در مرحله عمل ماموگرافی، CBE و BSE قرار داشتند. مدل رگرسیون لجستیک نشان داد که متغیرهایی مانند سن و سابقه خانوادگی سرطان پستان با رفتار غربالگری ماموگرافی ارتباط داشت. در ارتباط با رفتار غربالگری CBE، متغیرهای سن، سطح تحصیلات، دانش و سابقه خانوادگی سرطان پستان و در ارتباط با BSE، وضعیت تاهل و آگاهی معنی دار بود.

نتیجه گیری: یافته ها مطالعه نشان داد که زنان از دانش کافی در مورد سرطان پستان برخوردار نیستند و تاثیر منفی دانش پایین بر انجام رفتار غربالگری سرطان پستان را نشان داد. لذا، آگاهی رسانی در مورد سرطان پستان از طریق برنامه های آموزشی ارائه شده توسط رسانه های جمعی و دوره های آموزشی منظم برای پرسنل تأکید شده است.

کلید واژه: سرطان پستان، رفتار غربالگری، مراحل تغییر، ماموگرافی، معاینه بالینی پستان، خودآزمایی پستان.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ترجمه و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس سواد سلامت در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی

چکیده

مقدمه: سواد سلامت با پیامدهای سلامتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی ارتباط دارد. مطالعه سواد سلامت نیاز به ابزار فرهنگی مناسب و روا دارد. هدف از مطالعه حاضر روانسنجی نسخه فارسی مقیاس سواد سلامت اختصاصی نارسایی قلبی بود.

روش بررسی: ترجمه ابزار به روش پیش رو- پس رو، روایی صوری و محتوای پرسشنامه به صورت کیفی تعیین گردید. ۱۰۰ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی مراجعه کننده به بیمارستان‌های آموزشی شهر قم به روش نمونه‌گیری هدفمند، در مطالعه شرکت نمودند. به منظور تعیین روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی بر اساس روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزار اسمارت پی ال اس استفاده شد. تعیین پایایی ابزار با تحلیل همسانی درونی و روش آزمون باز آزمون انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها تحلیل عاملی تأییدی برازندگی سه بعد سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی را مورد تأیید قرار داد. بارهای عاملی تمام گویه‌ها معنادار و بیشتر از سطح قابل قبول ۰.۵ بود. ضریب تعیین و ضرایب مسیر به ترتیب بیشتر از ۰.۴۳ و ۰.۶۵ بود، مدل ساختاری خوبی را نشان داد. آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌ها بین ۰/۷۷ و ۰/۸۸ به دست آمد. ضرایب پایایی آزمون مجدد در دو بار اجرا و به فاصله ۲ هفته، در تمام ابعاد بیشتر از ۰/۸۰ بوده است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این مطالعه، مقیاس سواد سلامت اختصاصی نارسایی قلبی، ابزاری پایا و رواست و می‌تواند جهت اندازه‌گیری سواد سلامت در بخش‌های پژوهشی و درمانی مورد توجه قرار گیرد. انجام پژوهش‌های بیشتر به منظور بررسی حساسیت و ویژگی مقیاس پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه: روایی، پایایی، سواد سلامت، نارسایی قلبی

مجید براتی

گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زهره طاهری خرامه

* گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: ۰۲۵۳۳۲۰۹۱۲۳

Email: ztaheri@muq.ac.ir:

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تفاوت جنسیت و هزینه های فرزند آوری با افسردگی پس از زایمان

فرناز سادات سید احمدی نژاد

عضو هیئت علمی (کارشناسی ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، کرمان، ایران)

نعیمه طیبی

* عضو هیئت علمی (کارشناسی ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۰۶۱۸۵۶۶

Tayebi_M67@Yahoo.Com

چکیده

مقدمه: افسردگی بعد از زایمان شایع ترین مشکل سلامت روان در میان زنان است که ۱۰ تا ۱۵ درصد سراسر جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گرچه بارداری و زایمان، وقایع فیزیولوژیک و در اغلب موارد، خوشایند هستند؛ اما گاه با عوارضی همراه می‌شوند که می‌توانند در صورت عدم توجه، برای مادر و شیرخوار خطر آفرین باشند. با شناخت زودرس اختلال و درک عوامل مرتبط با آن میتوان اقدامات پیشگیرانه و درمانی را مد نظر قرار داد، که نتیجه آن سلامت مادر و کودک، خانواده و جامعه خواهد بود. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تفاوت جنسیت و هزینه های فرزند آوری با افسردگی پس از زایمان در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی بم انجام شد.

روش بررسی: مطالعه از نوع مقطعی است. مجموعاً تعداد ۲۶۰ خانم که دارای حاملگی بار اول بوده و ۸ هفته بعد از زایمان جهت کنترل به مراکز بهداشتی درمانی بم مراجعه کردند، از نظر افسردگی بررسی شدند. نمونه‌ها بصورت غیر احتمالی آسان انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه افسردگی پس از زایمان ادینبرگ (EPDS) و فرم اطلاعاتی مربوط به اطلاعات دموگرافیک، جنس نوزاد، خواسته یا ناخواسته بودن بارداری و ... که از طریق مصاحبه تکمیل گردیدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با به کارگیری نرم افزار SPSS انجام شد و از آزمون توصیفی برای توصیف داده‌ها و از آزمون آماری مجذور کای برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: در این پژوهش ۲۶۰ زن زایمان کرده مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین نمره افسردگی پس از زایمان‌ها ۰/۸۸ بودند. بین افسردگی پس از زایمان با ناخواسته بودن بارداری و روش زایمان، هفته بارداری و هزینه های اقتصادی و اجتماعی داشتن فرزند و جنس نوزاد ارتباط معنی دار آماری وجود داشت ($P < 0/05$) ولی بین افسردگی پس از زایمان و افزایش سن مادر، تحصیلات و شغل مادر و هزینه های فردی داشتن فرزند ارتباط معنی دار آماری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: افسردگی پس از زایمان در جامعه ما شیوع متوسط رو به پایین دارد به نحوی که تقریباً نیمی از مادران را درگیر می‌سازد. لذا به نظر میرسد که بررسی از نظر افسردگی پس از زایمان باید به عنوان یک جزء اساسی در مراقبت‌های پس از زایمان درآید. همچنین مادران دارای بارداری ناخواسته و زایمان زودرس باید تحت مشاوره های تخصصی در طی بارداری و پس از زایمان قرار گیرند.

کلید واژه: تفاوت جنسیت، فرزند، انتخاب رفتار، افسردگی پس از زایمان، زنان سنین باروری، رشد جمعیت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط ارزش فرزند با افسردگی پس از زایمان در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی بم

چکیده

مقدمه: اختلالات روانی پس از زایمان، از جمله افسردگی پس از زایمان مشکلاتی را برای مادر، نوزاد و سایر افراد خانواده ایجاد میکند و چنین وضعیتی ممکن است حتی تهدیدی برای امنیت و سلامت مادر، نوزاد و سایر فرزندان باشد. ارزش فرزندان از جمله عوامل بلافاصله باروری است که اثر مستقیم در رفتارهای باروری دارد. ارزش‌های فرزندآوری مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی هر جامعه تغییر مییابد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط ارزش فرزند با افسردگی پس از زایمان در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی، از کلیه زنان نخست زای مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بم در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ پس از هشت هفته از زایمان به صورت نمونه گیری غیراحتمالی آسان ۲۶۰ نفر انتخاب شدند. سپس برای هر یک پرسشنامه دموگرافیک، ارزش فرزند نوک و ترومسدورف (۲۰۰۵) و افسردگی پس از زایمان ادینیورگ تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم‌افزار spss و با استفاده از آزمون‌های آماری کولموگروف-اسمیرنوف، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، کای اسکوتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میزان p کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: از ۲۶۰ نمونه بررسی شده، سطح تحصیلات ۹۱ نفر (۳۵٪) از زنان مورد مطالعه دیپلم بود و از نظر شغل ۱۹۵ نفر (۷۵٪) آن‌ها خانه دار بودند. متوسط تعداد فرزندان دختر در افراد مورد مطالعه ۱-۲ نفر (۳۹٪) و پسر ۱۵۸ نفر (۶۱٪) بود. بین تحصیلات، شغل، سطح درآمد، سن ازدواج و شغل همسران زنان با تعداد فرزندان آنان ارتباط معنی داری وجود داشت ($P < 0/05$). بین افسردگی پس از زایمان با بعد عاطفی ارزش فرزند ارتباطی وجود نداشت اما بین ابعاد اقتصادی و اجتماعی ارزش فرزند ارتباط معناداری داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: مفهوم ارزش فرزند یک متغیر وابسته به فرهنگ است. به طور کلی، در جامع مدرن امروزی، تغییر مقوله‌های ارزش فرزندان از مفهوم سنتی آن وجود دارد و زنان، فرزند را کالایی اجتماعی، فرهنگی، روان شناختی می‌پندارند و والدین حاضرند با وجود کاهش منافع، داشتن فرزند را تجربه کنند. لذا بررسی عناصر مختلف مؤثر بار خانواده و باروری در ایران در بین گروه‌های با ویژگیهای متفاوت مذهبی، فرهنگی و قومی حائز اهمیت است.

کلید واژه: ارزش اجتماعی، فرزند، انتخاب رفتار، افسردگی پس از زایمان، زنان سنین باروری، رشد جمعیت

فرناز سادات سید احمدی نژاد

عضو هیئت علمی (کارشناسی ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، کرمان، ایران)

نعیمه طیبی

* عضو هیئت علمی (کارشناسی ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۰۶۱۸۵۶۶

Tayebi_M67@Yahoo.Com: Email

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی یک مداخله آموزشی برای ارتقای رفتارهای ایمن کارگران پتروشیمی: یک کارآزمایی کنترل شده تصادفی

آزیتا ظهیری هرسینی

* گروه آموزشی بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۰۹۳۳۲۶۸۸۵۶۳

azita_zahiri@yahoo.com

فضل اله غفرانی پوری

گروه آموزشی بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

هرمز سنایی نسب

گروه آموزشی بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)، تهران، ایران.

فرخنده امین شکروی

گروه آموزشی بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: نگرانی جهان شمول در زمینه حوادث کاری و ایمنی، نیاز به شیوه‌های جدید و مؤثر برای بهبود ایمنی در محل کار را به طور کامل محسوس کرده است. مطالعات نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد حوادث ناشی از کار به علت رفتارهای غیرایمن و خطاهای انسان، روی می‌دهد و حتی با وجود محیط و شرایط ایمن ممکن است کارگران، قوانین را زیر پا گذاشته و به طور غیرایمن عمل کنند. مهمترین و اساسی ترین راه افزایش رفتارهای ایمن و کاهش رفتارهای غیرایمن، آموزش کارگران در زمینه ایمنی و بهداشت کار میباشد. این مقاله یک پروتکل را برای مداخله آموزشی، با استفاده از جلسات آموزشی در ترکیب با نرم افزار آموزشی (APP) ارائه می‌کند. هدف از مداخله آموزشی ارتقای رفتارهای ایمن و کاهش میزان حوادث شغلی در کارگران است.

روش بررسی: این مطالعه یک پژوهش ترکیبی (مبتنی بر روش کیفی و کمی) است که بر روی ۱۷۶ نفر از کارگران مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان ماهشهر در دو گروه (گروه آزمون ۸۸ نفر و گروه شاهد ۸۸ نفر) انجام شد. در مرحله اول، با استفاده از رویکرد کیفی مصاحبه‌های عمیق به منظور شناسایی علل رفتارهای ناایمن در صنعت پتروشیمی انجام شد. در مرحله بعد، مدل‌های تئوریک و مفهومی به منظور توضیح و پیش بینی رفتارهای نا ایمن در محیط کار به طور عمومی و در صنعت پتروشیمی به طور اختصاصی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج حاصل از رویکرد کیفی و توان پیشگویی‌کنندگی سازه‌های این مدل‌ها در ارتقای رفتارهای ایمن، به طور نظام مند به تبیین پدیده رفتار ایمن پرداخته شد و یک مدل مفهومی خوب برآزش شده، پایدار و قابل بسط رفتار ایمن و فاکتورهای مؤثر بر آن در صنعت ارائه شد. سپس به ساخت ابزار برای انجام پیش آزمون در جهت سنجش رفتارهای ایمن می‌پردازیم. براساس اطلاعات به دست آمده از مرحله پیش آزمون طراحی آموزشی و مداخله آموزشی انجام می‌شود. با استفاده از کارآزمایی کنترل شده تصادفی (RCT) مقایسه بین گروه‌های مداخله و کنترل بلافاصله و ۳ ماه پس از انجام مداخله آموزشی انجام خواهد شد.

نتیجه گیری: این مطالعه یک رویکرد عملی جهت ارتقای رفتارهای ایمن و کاهش مخاطرات شغلی در میان کارگران شاغل در صنعت را فراهم می‌کند.

کلید واژه: رفتارهای ایمن، مداخله آموزشی، مخاطرات شغلی، کارگران پتروشیمی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش تغذیه از دیدگاه طب سنتی ایرانی بر بهبود ناباروری و اختلال قاعدگی

چکیده

مقدمه: باروری و داشتن فرزند سالم از شاخص های ارزشمند در سلامتی افراد محسوب می شود. شیوع ناباروری و اختلال قاعدگی در جهان علاوه بر بار اقتصادی درمان، سبب ایجاد مشکلات روانی قابل توجهی برای زوج نابارور شده، و سلامت خانواده را تهدید می کند. با توجه به اهمیت موضوع، توجه به دستورات غذایی بر اساس طب مکمل و استفاده از طب سنتی ایرانی می تواند راهگشا و کمک کننده باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر علل نازایی از دیدگاه طب سنتی ایرانی با محوریت کتاب ارزشمند اکسیر اعظم حکیم محمد اعظم خان انجام شد. لذا هدف از مطالعه حاضر تعیین تاثیر آموزش تغذیه صحیح از دیدگاه طب سنتی ایرانی بر اصلاح مزاج و بهبود ناباروری و اختلال قاعدگی در جمعیت زنان می باشد. **روش بررسی:** این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۶۰ زن با دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال انجام شد. نیمی از این بیماران صرفاً جهت درمان اختلال قاعدگی ونیمی دیگر جهت درمان ناباروری در سال ۱۳۹۵ به کلینیک طب سنتی طوبی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مازندران مراجعه کردند. کلاس های آموزش تغذیه طی ۲ جلسه ۶۰ دقیقه ای توسط متخصص طب سنتی با فاصله یک هفته برگزار گردید. روش ارزیابی بیماران گروه اول (اختلال تخمک گذاری) خود گزارش دهی ماهیانه و مقایسه جواب سونوگرافی اولیه و ثانویه توسط پزشک معالج بود و در گروه دوم فرایند ارزیابی، خود گزارش دهی بیمار برای تاخیر در پرئود، آزمایش مثبت بارداری و علامت قطعی بارداری یعنی مشاهده ضربان قلب چنین در هفته هشتم بارداری در سونوگرافی بود.

یافته ها: یافته ها در پایان شش ماه رعایت دستورات تغذیه ای صحیح از دیدگاه طب سنتی ایرانی نشان می دهد که میزان موفقیت ۸۰٪ (۲۴ زن) در اصلاح اختلال پرئود، و ۶۰٪ (۱۸ زن) موفقیت در گروه ناباروری بود.

نتیجه گیری: تایید پژوهش مبین تأثیر مثبت آموزش تغذیه از دیدگاه طب سنتی بر ارتقای موفقیت در امر باروری و بهبود اختلال قاعدگی می باشد. بنا براین با توجه به یافته ها این تحقیق می توان امیدوار بود که همکاری دو جانبه متخصصین زنان و زایمان و متخصصین ارتقای سلامت و طب مکمل بتواند باعث ارتقای موفقیت در امر تولید مثل و باروری و سلامت سلامت جامعه زنان شود. بر اساس یافته ها، به عنوان اولین قدم می توان لیست مواد غذایی ارائه شده در این مطالعه را در مراکز پزشکی در اختیار بیماران گذاشت.

کلید واژه: آموزش تغذیه، ناباروری، اختلال قاعدگی، طب سنتی ایرانی

کبرا عابدیان کاسگری

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۵۲۱۳۹۹
abedian1384@yahoo.com kobra

صفا مومنی باده

دانشجوی تخصصی دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم
پزشکی زنجان، ایران

صدیقه یوسفی

متخصص طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران،
ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رنگ‌ها در سلامت رفتاری کودکان ۴ تا ۶ ساله پیش دبستانی

الناز عابدینی

دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه ۱۹ مایس سامسون
ترکیه، نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۹۳۷۲۲۹۰
abedinielnaz@gmail.com

سولماز عابدینی

دکترای شیمی دارویی مسئول پیش دبستانی نور علم

محمد اسدی

دانشجوی کارشناسی رشته فوریت های پزشکی دانشگاه
علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

مقدمه: با توجه به تأثیر پذیری بالایی کودکان از محیط و تماس فراوان آنها با کتاب های مصور در جریان آموزش و سرگرمی، رنگها و فرمهای تصاویر و لگوها میتواند بر خلق و خوی و رفتار کودکان پیش دبستانی اثر بگذارد. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر رنگ و فرم تصاویر همچنین بر مشکلات رفتاری کودکان ۶ تا ۴ سال پیش دبستانی صورت پذیرفته است.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع نیمه آزمایشی بوده و اثر متغیر مستقل با چهار عنصر رنگهای گرم، رنگهای سرد، اشکال منحنی و اشکال زاویه دار بر رفتار کودکان ۶ تا ۴ سال پیش دبستانی سنجیده شده است. برای انجام مداخله ۶ گروه تصاویر دارای رنگهای گرم و فرمهای منحنی، رنگهای سرد و فرمهای منحنی، رنگهای سرد و فرمهای زاویه دار و رنگهای گرم و فرمهای زاویه دار تشکیل شد. تصاویر مرتبط به هر گروه در ۸ جلسه در پیش دبستانی نور علم ارائه شد. در طول جلسات کودکان تلاش کردند تا تصاویر را کپی و رنگ آمیزی کنند. نمونه آماری شامل ۳۰ کودک دختر و پسر بودند که ۳ کلاس از پیش دبستانی نور علم در شهر میاندوآب انتخاب شدند و سپس بصورت تصادفی هر کلاس به یک گروه آزمایشی اختصاص داده شد. پرسشنامه رفتار کودکان توسط مربیان در مراحل پیش و پس از آزمون تکمیل شد. داده‌های جمع آوری شده از طریق آزمون تی وابسته، تحلیل کوواریانس و آزمون تعقیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که در مرحله پس از آزمون فقط در گروه سرد-زاویه دار نمرات خرده مقیاس های پرسشنامه رفتاری کاهش نیافته نبود. در کاهش مشکلات رفتاری به ترتیب گروه گرم -منحنی $P=0/001$ ، سرد - منحنی $P=0/002$ و گرم-زاویه دار $P=0/02$ بیشترین تأثیر گذاری را داشتند. همچنین یافته‌ها تحلیل کوواریانس نشان داد که با کنترل اثر پیش آزمون، میان گروه‌ها در پس آزمون مشکلات رفتاری تفاوت معنی داری وجود داشت. ($P=0/001$)

نتیجه گیری: طراحی تصاویری دارای فرمهای منحنی و رنگهای گرم میتواند اثرات مفیدی در کاهش مشکلات رفتاری و سلامت رفتاری کودکان داشته باشد.

کلید واژه: رنگ، فرم، مشکلات رفتاری، کودکان پیش دبستانی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



خشونت شریک صمیمی و کیفیت زندگی در زنان: یک مطالعه مرور سیستماتیک

چکیده

مقدمه: خشونت علیه زنان یکی از مشکلات سلامت زنان بوده و به نظر میرسد از عوامل کاهش کیفیت زندگی آنان باشد. هدف از این مطالعه سیستماتیک، بررسی رابطه بین خشونت و کیفیت زندگی در زنان می باشد.

روش بررسی: این مطالعه مروری بر روی مقالات فارسی و انگلیسی زبان منتشر شده تا مارس سال ۲۰۱۸ انجام شد. به این منظور جستجو در بانک های اطلاعاتی PubMed، Web of Science، Science با Magiran و SID، Iran Medex و Direct، ProQuest، Scopus، Cochrane، Google Scholar استفاده از واژه های کلیدی خشونت شریک صمیمی، خشونت خانگی و کیفیت زندگی انجام شد. کلیه مقالات مرتبط توسط ۲ پژوهشگر آموزش دیده به طور مستقل استخراج شدند. جهت بررسی کیفیت مقالات از چک لیست استروب استفاده شد و مقالاتی که دارای کیفیت مطلوب و معیارهای ورود به مطالعه بودند، وارد مطالعه شدند.

یافته ها: از ۷۸۰ مقاله منتشر شده مرتبط، در نهایت هجده مطالعه با حجم نمونه ۲۹۹۳۶ زن بصورت سیستماتیک بررسی شدند. نتایج نشان داد زنانی که در معرض خشونت قرار دارند، کیفیت زندگی پایین تری دارند.

نتیجه گیری: حذف خشونت علیه زنان، کلید مهمی برای توانمندسازی زنان و بهبود کیفیت زندگی آنهاست.

کلید واژه: خشونت شریک صمیمی، خشونت خانگی، کیفیت زندگی

ملیکه عامل بارز

* دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. مسئول:

amelm961@mums.ac.ir

amelbarez@gmail.com

فرنگیس شریفی

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

خدیجه میرزایی نجم آبادی

دکتری تخصصی بهداشت باروری، دانشیار گروه مامایی، عضو مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط عزت نفس و خودکارآمدی شیردهی در مادران شیرده نخست زا

ملیکه عامل بارز

* دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

amelm961@mums.ac.ir
amelbarez@gmail.com

فرنگیس شریفی

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

ناهیدملکی ساقونی

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

حبیب الله اسماعیلی

استاد اپیدمیولوژی و آمارحیاتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

راحله بابازاده

دکتری تخصصی بهداشت باروری، استادیار گروه مامایی، عضو مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

عطیه محمدزاده وطن چی

استادیار زنان و مامایی، گروه زنان و مامایی، دانشکده علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: تغذیه با شیر مادر یک راه موثر برای حفاظت و ارتقای سلامت مادران و کودکان است. دو عامل مهم و موثر بر موفقیت شیردهی خودکارآمدی شیردهی و عزت نفس مادر می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط عزت نفس مادر و خودکارآمدی شیردهی در مادران شیرده نخست زا می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی با نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای در سال ۱۳۹۵ در ۳۰۰ مادر شیرده مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر مشهد انجام شد. جمع آوری داده‌ها با استفاده از فرم دموگرافیک، مقیاس خودکارآمدی شیردهی و مقیاس عزت نفس روزنبرگ انجام شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، استنباطی و مدل خطی رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این مطالعه بیشتر مادران (۷۹/۳٪) دارای سطح خودکارآمدی بالا با میانگین نمره $13/6 \pm 3/1$ و $7/7 \pm 3/5$ عزت نفس بالا با میانگین نمره $85/27 \pm 3/27$ بودند. تجزیه و تحلیل رگرسیون رابطه بین عزت نفس و خودکارآمدی شیردهی را تایید کرد. بر اساس یافته‌ها با هر نمره افزایش عزت نفس، ۰،۷۷۹ نمره خودکارآمدی شیردهی افزایش یافته است.

نتیجه گیری: در نتیجه، عزت نفس مادر با خودکارآمدی شیردهی مرتبط می‌باشد. این عوامل می‌توانند به ارائه دهندگان خدمات بهداشتی برای پیش بینی طول مدت شیردهی، میزان موفقیت تغذیه انحصاری با شیر مادر و در نهایت شناسایی مادران در خطر قطع زود هنگام شیردهی کمک نمایند.

کلید واژه: شیردهی، خودکارآمدی، عزت نفس، نخست زا

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش به وسیله ارسال پیام متنی از طریق تلفن همراه بر فعالیت فیزیکی زنان میانسال

چکیده

مقدمه: یکی از پیامدهای ماشینی شدن زندگی و پیشرفت تکنولوژی در قرن حاضر، فقر حرکتی و کاهش فعالیت فیزیکی بوده است. که در بیشتر زنان بطور شایع در طول سالهای میانی زندگی رخ می دهد. از جمله راهکارهای ارتقای سلامت در این دوره مداخلات آموزش بهداشت است. با توجه به کاربرد تلفن همراه به عنوان ابزار کمکی در آموزش، استفاده از سیستم پیام رسانی می تواند در تسهیل مداخلات آموزشی از قبیل یادآوری موثر باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش به وسیله ارسال پیام متنی از طریق تلفن همراه بر فعالیت فیزیکی زنان میانسال انجام شد.

روش بررسی: در یک مطالعه کارآزمایی شاهد دار تصادفی شده ۱۰۴ زن میانسال در دو گروه ۵۲ نفره مداخله و کنترل بطور تصادفی قرار گرفتند. به مدت ۴ هفته روزانه یک پیام متنی، در مجموع با ۲۰ محتوای انگیزشی، به زبان فارسی در خصوص اهمیت فعالیت فیزیکی برای نمونه‌ها ارسال گردید. قبل و بعد از مداخله میزان فعالیت فیزیکی بر اساس پرسشنامه محقق ساخته به فاصله یک ماه ثبت گردید و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶، در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها، یافته‌ها نشان داد دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک همسان بودند ($P < 0.05$) و میانگین نمره فعالیت فیزیکی در گروه مداخله قبل از مداخله ($45/72 \pm 30/01$) دقیقه و در گروه کنترل ($39/6 \pm 40/01$) دقیقه بود که بعد از مداخله به ($160/72 \pm 52/7$) دقیقه رسید و تغییر معنی داری در گروه مداخله مشاهده شد ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: ارسال و تکرار پیام های انگیزشی و ترغیب شرکت در تمرینات ورزشی گروهی و پیاده روی، با استفاده از سیستم پیام رسانی، می تواند منجر به افزایش میزان فعالیت فیزیکی و بهبود سلامت زنان شود.

کلید واژه: سرویس پیام کوتاه، زنان میانسال، فعالیت فیزیکی

منصوره عباسی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران، ۰۹۱۵۱۶۳۹۵۰۷
manabbasi58@gmail.com

محمدرضا میری

* دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۶۳۲۳۹۵۳۴۹
miri_moh2516@yahoo.com

نرگس معاشری

کارشناس ارشد بهداشت جامعه، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. ۰۵۶۳۲۳۹۵۳۵۰
n.moasheri@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد مدل چند نظریه ای در پیش بینی کاهش مصرف قلیان در بین نوجوانان پسر

سعید بشیریان

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.

مجید براتی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.

حمید عباسی

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۳۵۶۰۴۵۴۳۱

Email: Hamid_mehdi29@yahoo.com

Manoj Sharma

بهداشت محیطی و رفتار، بهداشت عمومی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه ایالت جکسون، آمریکا.

منوچهر کرمی

اپیدمیولوژی، آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.

چکیده

مقدمه: مصرف قلیان در بین نوجوانان ایرانی در حال افزایش بوده و تبدیل به یک سرگرمی مهم در اوقات فراغت شده است. عوامل موثر در کاهش مصرف قلیان در میان نوجوانان ایرانی به خوبی شناخته نشده است. مدل چند نظریه ای تغییر رفتار سلامت به عنوان نسل جدید مدلهای برای درک فرآیند تغییر استفاده می‌شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی توانایی مدل چند نظریه ای در پیش بینی کاهش مصرف قلیان در نوجوانان پسر بود.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی در مجموع ۷۸۰ دانش آموز پسر دبیرستانی (پایه های ۱۲-۱۰) شهر همدان وارد مطالعه شدند که در نهایت ۷۳۰ دانش آموز مطالعه را به پایان رساندند (نرخ پاسخ ۹۳٫۵ درصد). روش نمونه گیری چند مرحله ای با رویکرد تصادفی ساده بود. بدین ترتیب که لیست تمام ۲۵ مدرسه متوسطه نواحی ۱ و ۲ آموزش و پرورش شهر همدان که شامل ۱۳ مدرسه در ناحیه ۲ و ۱۲ مدرسه در ناحیه ۱ بود، دریافت شد. سپس به طور تصادفی ساده تعداد ۷ مدرسه از ناحیه ۲ و ۶ مدرسه از ناحیه ۱ انتخاب شدند. و از هر مدرسه نیز ۶۰ دانش آموز طور تصادفی ساده انتخاب شدند. یک پرسشنامه ۳۸ آیتمی با روایی و پایایی قابل قبول استفاده شد. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از متخصصان آموزش بهداشت و ارتقای سلامت تأیید شد. ضریب آلفای کرونباخ از ۰٫۵۷ تا ۰٫۸۰ به دست آمد. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها از ۷۳۰ دانش آموز، ۲۰۰ دانش آموز که سابقه مصرف قلیان در یک ماه اخیر را داشتند در تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد شدند. در این مطالعه متغیر مستقل شامل سازه‌های مدل چند نظریه ای (گفتگوی مشارکتی، اطمینان رفتاری، تغییرات در محیط فیزیکی، تحول عاطفی، عمل برای تغییر و تغییرات در محیط اجتماعی) بود و متغیرهای وابسته شروع و نگهداری رفتار کاهش مصرف قلیان بودند. این مطالعه توسط کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی همدان با شناسه IR.UMSHA.REC.۱۳۹۶.۲۱ تأیید شد. رضایت کتبی آگاهانه از شرکت کنندگان در مطالعه نیز گرفته شد. آنالیزهای آماری با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ انجام شد. مقادیر P-value کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنی دار در نظر گرفته شدند.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) سن دانش آموزان و سن اولین مصرف قلیان به ترتیب ۱۶/۴۱ (۰/۸۴) و ۱۳/۳۱ (۲/۴۳) سال بود. آنالیز رگرسیون نشان داد که ۳۵٫۷٪ از واریانس شروع کاهش مصرف قلیان توسط گفتار مشارکتی ($p < ۰,۰۰۱$) و اطمینان رفتاری ($p < ۰,۰۰۱$) پیش بینی شد. بالای ۱۳/۵٪ از واریانس نگهداری کاهش مصرف قلیان توسط سازه‌های تحول عاطفی ($p < ۰,۰۰۱$)، عمل برای تغییر ($P = ۰/۰۰۲$) و تغییرات در محیط اجتماعی ($P = ۰/۰۳۲$) پیش بینی شد.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد مدل چند نظریه ای یک نظریه قوی و قابل استفاده برای کاهش مصرف قلیان است، لذا این تئوری باید در اجرای مداخله برای کاهش مصرف قلیان در دانش آموزان پسر در نظر گرفته شود.

کلید واژه: نوجوان، کاهش، دانش آموز، مصرف قلیان، مدل چند نظریه ای.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



چالش‌های مدیریت سلامت در حوادث و بلایا در ایران

چکیده

مقدمه: از جمله شرایط تاثیرگذار بر سلامت جامعه، وقوع حوادث و بلایاست. در این شرایط گروه‌های آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه با توجه به شرایط خود، دچار خسارت و عوارض بیشتری میشوند. با توجه به سیاست‌های روز بین‌المللی از جمله چارچوب سندای، دولت‌ها موظف به کاهش خطر حوادث و بلایا، افزایش آمادگی جامعه و کاهش آسیب‌پذیری جامعه هستند. ایران در معرض انواع مخاطرات و آسیب‌پذیر در مقابل حوادث و بلایای مختلف است. مطالعه حاضر با هدف شناسایی چالش‌های مدیریت حوادث و بلایا در کشور ایران انجام شده است.

روش بررسی: در مطالعه کیفی حاضر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از افراد کلیدی با ۱۵ نفر از مدیران دارای تجربه در مدیریت حوادث و بلایای داخلی و خارجی مصاحبه نیمه ساختاریافته و چهره به چهره انجام شد. مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل چارچوبی پنج فازی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: براساس تحلیل انجام شده، دو تم با عناوین: ۱- عوامل زمینهای و ۲- موانع استخراج گردید. باوجود عوامل موثری مانند وجود چندین سازمان مسئول مدیریت حوادث و بلایا در کشور، وجود نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی اقدامات بشردوستانه در کشور مانند سازمان ملل، وجود روزهای خاص در رابطه با حوادث و بلایا در تقویم رسمی کشور، وقوع متعدد انواع حوادث و بلایا در کشور، و وجود امکانات آموزشی و دانشگاهی تخصصی مدیریت خطر حوادث و بلایا از جمله عوامل زمینهای کمک کننده به مدیریت هر چه بهتر حوادث و بلایا در کشور است با این وجود موانعی بر سر راه مدیریت حوادث و بلایا در کشور وجود دارد. عدم ثبات انتساب مدیران، عدم ثبت اطلاعات و به مشارکت گذاشتن برنامه‌ها به صورت برون‌سازمانی، عدم تداوم برنامه‌ها، عدم وجود شرح وظایف شفاف جهت نقش‌آفرینی سازمانها در حوادث و بلایا، انتخاب مسئولین بدون توجه به تخصص و دانش آنها در زمینه مدیریت خطر حوادث و بلایا در سازمان‌های مسئول از جمله چالش‌های پیشروی مدیریت خطر حوادث و بلایا در کشور ایران است.

نتیجه‌گیری: با توجه به آسیب‌پذیر بودن ایران در برابر حوادث و بلایای مختلف، موضوع مدیریت خطر حوادث و بلایا در کشور با هدف کاهش خسارتهای ناشی از این نوع حوادث بر کسی پوشیده نیست. لازم است در این خصوص همکاری میان‌سازمانی افزایش یابد. سازمانها با نقشها و وظایف خود و سایر سازمانها آشنا شوند و با استفاده از توان موجود در کشور و براساس یافته‌ها پژوهشهای علمی بهروز موجود در دنیا و کشور به موضوع مدیریت خطر حوادث و بلایا در کشور بها دهند.

کلیدواژه: چالش، سلامت، مدیریت خطر حوادث و بلایا، ایران

زهرا عباسی دولتابادی

دکترای سلامت در حوادث و بلایا، استادیار، دانشکده
پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
Zahra_abasi2000@yahoo.com

سید حسام سیدین

دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشیار،
دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی سلامت، دانشگاه علوم
پزشکی ایران

آیدین آرنیخصل

دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشیار،
دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی سلامت، دانشگاه علوم
پزشکی ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نگرش و هنجارهای انتزاعی در خصوص مصرف روغن تراریخته: مطالعه موردی در کارکنان مراکز سلامت جامعه شهری شهر یزد

معصومه عباسی شوازی

* دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران). نویسنده مسئول: ۰۳۵۳۱۴۹۲۱۷۶
Mabbasishavazi@gmail.com

زهرحاج ابراهیمی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (بهداشت و ایمنی مواد غذایی، گروه بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

بهادر حاجی محمدی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مرکز تحقیقات سلامت و ایمنی غذا (بهداشت و کنترل مواد غذایی، گروه بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

چکیده

مقدمه: طی سال های اخیر، به موازات افزایش تولید و مصرف محصولات تراریخته، برخی ملاحظات و نگرانی ها در خصوص این محصولات اظهار شده است. از آنجایی که بررسی نگرش ها و هنجارهای انتزاعی افراد جامعه در خصوص مواد غذایی اصلاح ژنتیک شده می تواند یک تعیین کننده مهم برای تولید این گونه مواد غذایی باشند، بنابراین این پژوهش با هدف تعیین نگرش و هنجارهای انتزاعی کارکنان مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد در خصوص مصرف روغن تراریخته انجام گرفت.

روش بررسی: در این مطالعه تحلیلی مقطعی، نگرش و هنجارهای انتزاعی ۱۰۵ نفر از کارکنان مراکز سلامت جامعه به روش نمونه گیری سهمیه ای از ۱۹ مرکز، بررسی گردید. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای بود که پس از انجام یک مطالعه اکتشافی و انجام مصاحبه های فردی نیمه ساختار یافته با پانزده نفر از کارکنان مراکز سلامت جامعه که نام مواد غذایی تراریخته را شنیده بودند طراحی گردید و با بررسی مطالعات مرتبط پیشین توسعه داده شد. فرایندهای تعیین روایی صوری و محتوایی ابزار به روش کمی و کیفی (شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوا) انجام گرفت و پایایی ابزار نیز با آلفای بزرگتر از ۰/۷ طی مطالعه مقدماتی تایید شد. داده ها با استفاده از جداول و آماره های توصیفی مناسب مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: ۵۴/۲ درصد مشارکت کنندگان بیان کردند که با مصرف روغن های معمولی و رایج، خیال آسوده تری دارند و ۳۷/۱ درصد آنان مایل بودند طعم و مزه روغن های تراریخته را امتحان کنند. در عین حال ۲۸/۶ درصد اظهار داشتند که مصرف روغن تراریخته ممکن است باعث ابتلا به سرطان شود. ۵۴/۳ درصد نمونه ها در مورد اثرات ناشناخته ای که مصرف روغن تراریخته ممکن است بر سلامتی شان داشته باشد اظهار نگرانی کردند و ۴۵/۷ درصد نیز اظهار داشتند که در مورد اثراتی که تولید دانه های روغنی تغییر ژنتیک داده شده بر محیط زیست دارد، نگرانند. هم چنین ۶۵/۰ درصد نیز بیان کرده اند که برای مصرف روغن تراریخته از طرف افراد مهم تحت فشار نیستند. به طور کلی، میانگین نمره کسب شده در بخش نگرش، ۳۴/۵۶±۷/۹۴ از محدوده نمرات قابل اکتساب (۶۰-۱۲) و میانگین نمره هنجارهای انتزاعی ۱۰/۴۶±۲/۴۱ از محدوده نمرات قابل اکتساب (۲۰-۴) گزارش شد.

نتیجه گیری: با توجه به نگرش متوسط افراد مورد مطالعه نسبت به مصرف روغن تراریخته و فشار اجتماعی درک شده متوسط برای مصرف این روغن ها از سوی دیگران مهم از قبیل همسر، خانواده، همکاران و دوستان و از آن جا که در حال حاضر روغن های خوراکی تراریخته در بازار مصرف ایران به وفور عرضه می شوند، بنابراین ارائه آگاهی های لازم به مصرف کنندگان کاملاً ضروری است و برچسب گذاری محصولات تراریخته در جهت رعایت حقوق مصرف کنندگان و اخلاق ایمنی زیستی الزامی به نظر می رسد تا بتواند انتخاب آگاهانه توسط افراد را تسهیل کند.

کلید واژه: نگرش، هنجار، مواد غذایی تراریخته

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه حمایت اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی در نوجوان پسر ایرانی

چکیده

مقدمه: حمایت اجتماعی علاوه بر ارتقاء بهداشت روانی نوجوانان در اتخاذ و استمرار رفتارهایی مانند فعالیت بدنی موثر است. با وجود اهمیت کاربرد پرسشنامه های اختصاصی برای سنجش حمایت اجتماعی در پژوهش های مرتبط با فعالیت بدنی، شواهدی از ارزیابی ثبات عاملی پرسشنامه های استاندارد در نوجوانان فارسی زبان بدست نیامد. در این مطالعه روایی و پایایی یک پرسشنامه استاندارد حمایت اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی در نوجوانان پسر ایرانی برآورد گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۲۰۱۳ در شهر اصفهان انجام شد. فرایند ترجمه و باز ترجمه و تطابق فرهنگی و زبانشناختی پرسشنامه در یک مسیر منطقی و رایج صورت گرفت. آنگاه قابلیت درک پرسشنامه با استفاده از نظرات تعدادی از اعضاء جامعه هدف (N=۳۵) برآورد شد. پس از تحلیل گویه ها، روایی سازه ای پرسشنامه با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از داده های شرکت کنندگان (N=۳۶۰) و به کمک نرم افزار SPSS, ver ۲۰ مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نظر متخصصین و یافته ها این مطالعه نسخه نهایی فارسی شامل ۲۰ گویه بود. تحلیل مولفه های اصلی وجود ۳ مولفه با ارزش ویژه بیشتر از ۱ را نشان داد که "حمایت های اطلاعاتی و عاطفی خانواده"، "حمایت های دوستان" و "حمایت ایزاری خانواده" نام گذاری گردید. این سه مولفه مجموعاً ۶۴/۲۵ درصد از واریانس خودتنظیمی را توصیف نمودند. پایایی پرسشنامه به شیوه همسانی درونی برآورد و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۲ بود.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر شواهدی برای روایی و پایایی نمونه فارسی پرسشنامه حمایت اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی در اوقات فراغت نوجوانان پسر فارسی زبان ارائه داده است.

کلید واژه: حمایت اجتماعی، فعالیت بدنی، پرسشنامه، روایی، پایایی، نوجوانان

محمدهادی عباسی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۴۳۳۲۹۵۷۶۵ / ۰۹۱۵۵۱۲۶۶۸۵

Drabasi.edu@gmail.com

احمد علی اسلامی

دکترای تخصصی رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

فاطمه رخسانی

دکترای تخصصی رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

و محمد مطلبی

دکترای تخصصی رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی نوع و میزان مشارکت بیماران دیابتی زاهدان در فعالیت های بدنی در سال ۲۰۱۶

محمدهادی عباسی

* رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار
گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول:
۰۵۴۳۳۲۹۵۷۶۵ / ۰۹۱۵۵۱۲۶۶۸۵

Drabasi.edu@gmail.com

علیرضا داشی پور

رشته تغذیه و صنایع غذایی، استادیار گروه تغذیه و
صنایع غذایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی
زاهدان، زاهدان، ایران

مصطفی پیوند

کارشناس بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات ارتقاء
سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

محمد مطلبی

رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه
آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

چکیده

مقدمه: شیوع دیابت نوع ۲ در جمعیت ایرانی به بیش از ۱۲ درصد رسیده است. علاوه بر روند فزاینده شیوع، عوارض جسمی و روانی این بیماری از دیگر دلایل توجه به این معضل سلامتی است. فعالیت بدنی علاوه بر این که یکی از عوامل محافظتی در برابر شیوع دیابت نوع ۲ محسوب می شود به کاهش عوارض جسمی و روانی افراد مبتلا نیز کمک می کند. این مطالعه به منظور شناسایی میزان مشارکت و انواع فعالیت های بدنی مبتلایان به بیماری دیابت نوع ۲ انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی توصیفی میزان و نوع فعالیت بدنی بیماران دیابتی مراجعه کننده به مرکز کنترل دیابت شهر زاهدان در سال ۲۰۱۶ با استفاده از پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی (IPAQ) مورد ارزیابی قرار گرفت. افراد مورد بررسی بر اساس شماره پرونده و به روش تصادفی نظام مند انتخاب شدند. داده های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS، ۲۰ و با استفاده از روش های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از مجموع ۲۷۰ نفر از شرکت کنندگان ۲۰۳ نفر زن (۷۵٫۲٪) و ۶۷ نفر مرد (۲۴٫۸٪) بودند و متوسط سن شرکت آنان ۵۳٫۲ (SD=۱۱٫۸) سال بود. میزان فعالیت بدنی ۱۴۲ نفر (۵۲٫۶٪) از شرکت کنندگان در فعالیت های بدنی کمتر از حد مورد انتظار بود (کمتر از ۶۰۰ Min-met/Week). میانگین دقایق اختصاص یافته به فعالیت بدنی متوسط تا شدید در محل کار ۵ Min/Week (SD=۴۴) در منزل ۱۳۵ Min/Week (SD=۲۵۶) و در اوقات فراغت ۳۵ Min/Week (SD=۷۳) بود. همچنین شرکت کنندگان در مطالعه به طور متوسط ۱۱۶ Min/Week (SD=۱۶۶) را به انواع پیاده روی (در محل کار، در حین جابجائی و در اوقات فراغت) اختصاص می دادند.

نتیجه گیری: با توجه به مشارکت کمتر از حد انتظار بیماران دیابتی در فعالیت های بدنی و از آنجا که مطالعات اخیر شواهد متعددی را در زمینه تاثیر فعالیت بدنی متوسط تا شدید بر کاهش میزان غلظت گلوکز خون و کاهش روند تصلب شریکین و کنترل عوارض عروقی مانند CVA و MI را در این بیماران به اثبات رسانده است، بررسی عوامل فردی، بین فردی و اجتماعی موثر بر ارتقاء مشارکت این بیماران در فعالیت های منظم بدنی و به خصوص در اوقات فراغت ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: فعالیت بدنی، دیابت، کنترل



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از بزرگترین تعیین کننده های امر سلامت و از فاکتورهای حائز اهمیت در بیماری های مزمن نظیر ام اس است. هدف پژوهش حاضر تعیین سواد سلامت در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه توصیفی است که روی ۱۰۰ بیمار مبتلا به ام اس در بیمارستان بوعلی قزوین در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه ها به صورت در دسترس انتخاب شدند. سطح سواد سلامت به وسیله دو پرسش نامه NVS و Realm-r ارزیابی شد. آنالیزهای آماری با آزمون های آماری توصیفی (توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار)، رگرسیون رتبه ای و لجیستیک و من ویتنی و کراسکال والیس انجام شد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان $33/43 \pm 8/53$ سال بود. سطح سواد سلامت با توجه به پرسش نامه NVS ۶۳٪ سواد ناکافی، ۲۶٪ مرزی و ۱۱٪ دارای سواد کافی بودند. سطح سواد سلامت با توجه به پرسش نامه Realm-r ۷٪ سواد سلامت پایین و ۹۳٪ سواد سلامت بالا بود. بر اساس یافته ها آزمون های آماری ارتباط معناداری بین سواد سلامت Realm-r با متغیرهای سیگار و الکل ($P < 0/05$) و دفعات مراجعه به اورژانس و بستری ($P = 0/007$) و سواد سلامت NVS با دفعات مراجعه به اورژانس و بستری ($P = 0/005$) و سطح تحصیلات ($P = 0/045$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها مطالعه ضروریست در برنامه های بهداشت و ارتقاء سلامت توجه بیشتری به سطح سواد سلامت افراد مبتلا و ارتقای آن شود.

کلید واژه: سواد سلامت، مولتیپل اسکلروزیس، بیماران مبتلا به ام اس

ابراهیم مقدم

دانشجوی کارشناسی پرستاری (عضو کمیته تحقیقات
دانشکده پرستاری اهر، دانشکده پرستاری اهر، دانشگاه
علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران)

فریبا عبدللهی

* کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی گروه
پرستاری بزرگسالان - سالمندی، دانشکده پرستاری -
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۳۶۶۸۹۴۹۰۹

Email: faribaabdollahi93@gmail.com

مریم پوریعقوب

کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی گروه
پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری اهر، دانشگاه
علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس

ابراهیم مقدم

دانشجوی کارشناسی پرستاری (عضو کمیته تحقیقات
دانشکده پرستاری اهر، دانشکده پرستاری اهر، دانشگاه
علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران)

فریبا عبدللهی

* کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی گروه
پرستاری بزرگسالان - سالمندی، دانشکده پرستاری -
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۳۶۶۸۹۴۹۰۹

Email: faribaabdollahi93@gmail.com

مریم پوریعقوب

کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی گروه
پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری اهر، دانشگاه
علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران.

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از بزرگترین تعیین کننده های امر سلامت و از فاکتورهای حائز اهمیت در بیماری های مزمن نظیر ام اس است. هدف پژوهش حاضر تعیین سواد سلامت در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه توصیفی است که روی ۱۰۰ بیمار مبتلا به ام اس در بیمارستان بوعلی قزوین در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه ها به صورت در دسترس انتخاب شدند. سطح سواد سلامت به وسیله دو پرسش نامه NVS و Realm-r ارزیابی شد. آنالیزهای آماری با آزمون های آماری توصیفی (توزیع فرآوانی، میانگین و انحراف معیار)، رگرسیون رتبه ای و لجیستیک و من ویتنی و کراسکال والیس انجام شد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان $33/43 \pm 8/53$ سال بود. سطح سواد سلامت با توجه به پرسش نامه NVS ۶۳٪ سواد ناکافی، ۲۶٪ مرزی و ۱۱٪ دارای سواد کافی بودند. سطح سواد سلامت با توجه به پرسش نامه Realm-r ۷٪ سواد سلامت پایین و ۹۳٪ سواد سلامت بالا بود. بر اساس یافته ها آزمون های آماری ارتباط معناداری بین سواد سلامت Realm-r با متغیرهای سیگار و الکل ($P < 0/05$) و دفعات مراجعه به اورژانس و بستری ($P = 0/007$) و سواد سلامت NVS با دفعات مراجعه به اورژانس و بستری ($P = 0/005$) و سطح تحصیلات ($P = 0/045$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها مطالعه ضروریست در برنامه های بهداشت و ارتقاء سلامت توجه بیشتری به سطح سواد سلامت افراد مبتلا و ارتقای آن شود.

کلید واژه: سواد سلامت، مولتیپل اسکلروزیس، بیماران مبتلا به ام اس



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش بر سواد سلامت و خودکارآمدی در مدیریت وزن زنان پس از زایمان

چکیده

مقدمه: با وجود اینکه فعالیت بدنی عاملی کلیدی در مدیریت وزن است، بیشتر زنان پس از زایمان برنامه های فعالیت بدنی را دنبال نمی کنند. در این مطالعه به منظور شناسایی موثرترین استراتژی در افزایش فعالیت بدنی و در نتیجه آن مدیریت وزن بعد از زایمان، به بررسی تاثیر عوامل مختلف بر رفتارهای پیشگیرانه مانند خودکارآمدی و سواد سلامت پرداخته شد.

روش بررسی: در این مطالعه کارآزمایی ۱۲۰ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از بین مراجعه کنندگان به مراکز بهداشتی درمانی مشهد انتخاب شدند که به طور تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه خودکارآمدی و سواد سلامت به صورت تئوری و عملی در گروه آزمون انجام شد. سواد سلامت، خودکارآمدی، فعالیت بدنی، فعالیت بدنی و وزن آنان در قبل، پس از مداخله و در مرحله پیگیری اندازه گیری گردید. داده ها با آزمون های آماری آنالیز واریانس داده های تکراری، تی مستقل، تی زوجی، ارتباط نسبی و از طریق SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: قبل از مداخله بین میانگین وزن اختلاف آماری معنی داری در دو گروه مشاهده نشد ($P=0/98$) و نمرات متغیرهای دیگر متغیرهای مطالعه نیز در دو گروه مداخله و کنترل اختلاف آماری معنی داری نداشت، اما چهار ماه بعد از مداخله، اختلاف آماری معناداری در کاهش وزن پس از زایمان در گروه آزمون بیشتر از گروه کنترل مشاهده شد ($P<0/001$)؛ هرچند کاهش وزن در هر دو گروه مشاهده شد. **نتیجه گیری:** استفاده از استراتژی های خودکارآمدی و سواد سلامت در مداخلات آموزشی پس از زایمان می تواند بر فعالیت بدنی مادران تاثیر مثبت داشته باشد و به این ترتیب باعث کاهش وزن پس از زایمان شود.

کلید واژه: وزن پس از زایمان، سواد سلامت، خودکارآمدی، فعالیت بدنی

نوشین پیمان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

منیره عبدالهی

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۸۵۲۹۸۰۶

Email:abdollahim3@mums.ac.ir

حبیب الله اسماعیلی

استاد گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



خانواده پایدار و سبک زندگی سالم در فرهنگ قرآن

فرزانه عرفانی

* کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
ایران. ۰۹۱۵۱۶۴۱۴۵۲
erfani.farfar@gmail.com

چکیده

مقدمه: خانواده یکی از مهم ترین نهاد های اجتماعی و زندگی جمعی بشری است که از دیرباز مورد توجه و اهتمام فرهنگ ها، اقوام و ادیان بوده است. اسلام به عنوان برترین آیین، در تشکیل این نهاد بسیار کوشیده و عوامل استحکام و نیز اسباب فروپاشی آن را متذکر شده است اما با کمال تأسف این نهاد دیرپا و سرنوشت ساز، در روزگار جدید گرفتار آسیب های جدی شده است. این آسیب ها چیست و چگونه می توان بر آن ها فایق آمد؟

روش بررسی: برای شناخت عوامل استحکام و پایداری خانواده لازم است بدانیم چه انگیزه ها، نیازها و کشش هایی سبب تشکیل خانواده می شود و چه حکمتی در تشکیل خانواده وجود دارد. علاوه بر عوامل طبیعی و اجتماعی از عواملی دیگری در مقاله ذکر شده که عبارتند از: باورها و اعتقادات مردم و پای بندی آن ها به احکام شرعی و رضای خداوند که با اشاره به آیه های قرآن کریم و احادیث بیان شده است.

یافته ها: مهم ترین اعتقادات دینی، توحید و خدا پرستی موجب می شود نگرش فرد به تمام هستی و زندگی انسان، هدفدار و معنادار باشد و در رفتارها، با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه ی رفتارها و زندگی خانوادگی را به جهت واحد یعنی کسب رضایت خداوند سوق می دهد.
نتیجه گیری: ۱- ارتقا و تعمیق اعتقادات مذهبی در جامعه / ۲- به کارگیری دستورات مذهبی در تمامی جنبه های زندگی / ۳- افزایش آگاهی عمومی در زمینه نقش اعتقادات مذهبی در زندگی سالم و پایدار / ۴- انجام تحقیقات بیشتر به روش های مختلف در زمینه اعتقادات مذهبی

کلید واژه: خانواده، اعتقادات دینی، سبک زندگی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین سطح سواد سلامت و انجام رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری شده بیمارستان شهید محمدی

چکیده

مقدمه: نارسایی قلبی یکی از شایع‌ترین اختلالات قلبی و عروقی و یکی از مشکلات اصلی سلامت عمومی در جوامع کنونی است. این بیماران به علت عواقب بیماری و درمان و برای رویارویی با مشکلات بیماری نیاز به رفتارهای خودمراقبتی دارند. خودمراقبتی در نارسایی قلبی بر مواردی چون رژیم غذایی و دارویی، محدودیت سدیم و مایعات، میزان فعالیت‌های مجاز، توزین روزانه، جستجو و تصمیم‌گیری جهت اقدامات مناسب درمانی، در هنگام بروز شدید بیماری دلالت می‌کند. بیماران برای خودمراقبتی و مدیریت بیماری خود نیازمند مهارت سواد سلامت هستند و با برخورداری از سواد سلامت کافی می‌توانند در شرایط و موقعیت‌های مختلف درباره بیماری خود تصمیمات آگاهانه بگیرند. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس در سه حیطه عملکردی، ارتباطی و انتقادی و تاثیر آن بر انجام رفتارهای خودمراقبتی این بیماران انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بر روی ۱۹۲ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی از بیماران پذیرش شده در روزهای زوج انجام شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش برای اندازه‌گیری سطح سواد سلامت، پرسشنامه استاندارد سواد سلامت عملکردی، انتقادی و ارتباطی بود. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۴ سوال است که سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی را در سه حیطه عملکردی (۵ سوال)، ارتباطی (۵ سوال) و انتقادی (۴ سوال) مورد سنجش قرار می‌دهد. برای بررسی خودمراقبتی بیماران از پرسشنامه اروپایی رفتار خودمراقبتی بیماران مبتلا به نارسایی قلبی استفاده شد که دارای ۱۲ سوال است. برای تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سطح سواد سلامت جامعه مورد بررسی ۲۵٫۸ بود. میانگین خودمراقبتی ۳۰٫۲۸ بود. از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیر تحصیلات بر روی سواد سلامت ارتباطی، سواد سلامت انتقادی تاثیر معنی داری داشت به این صورت که افراد با تحصیلات دیپلم و دانشگاهی دارای سواد سلامت انتقادی بیشتر و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی علاوه بر سواد سلامت انتقادی، سواد سلامت ارتباطی بیشتری نیز داشتند. بین سواد سلامت با خودمراقبتی رابطه معنی‌داری وجود داشت. به این صورت که هر چه سواد سلامت بیشتر باشد خودمراقبتی نیز بیشتر است.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود رابطه معنی‌دار بین سطح سواد سلامت و خودمراقبتی، توجه به ارتقای سطح سواد سلامت و همه ابعاد آن در این گروه از بیماران، به خصوص بیماران دارای تحصیلات پایین‌تر به منظور افزایش سطح خودمراقبتی آنان ضروری به نظر می‌رسد و باید مداخلات کارآمدی جهت افزایش مهارت‌های بیماران در تحلیل‌های انتقادی اطلاعات و نیز ارتقای تصمیم‌گیری‌های درمانی آنان انجام شود.

کلیدواژه: سواد سلامت، خودمراقبتی، نارسایی قلبی

خدیجه احمدزاده

دانشجوی دکتری تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

رقیه عزتی راد

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول:

ezati_rad@yahoo.com

معصومه محمودی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

علی زمانی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری شده بیمارستان شهید محمدی بندرعباس

رقیه عزتی راد

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

خدیجه احمدزاده

دانشجوی دکتری تخصصی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

khj_ahmadzadeh@yahoo.com

معصومه محمودی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

علی زمانی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: نارسایی قلبی یکی از شایع‌ترین اختلالات قلبی و عروقی و یکی از مشکلات اصلی سلامت عمومی در جوامع کنونی است. این بیماری یک اختلال مزمن پیش‌رونده و ناتوان‌کننده است که شیوع آن با افزایش سن بالا می‌رود و دارای عوارض متعددی است که منجر به کاهش کیفیت زندگی مبتلایان می‌شود. ماهیت مزمن این بیماری نیازمند تعهد به درمان طولانی مدت است و نیازمند درک کافی از اطلاعات سلامت توسط بیمار است تا وی را قادر کند در فعالیتهای مدیریت شرایط خود شرکت کند. نظر به نقش سواد سلامت در بهبود کیفیت زندگی بیماران، مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس در سه حیطه عملکردی، ارتباطی و انتقادی و رابطه آن با کیفیت زندگی این بیماران انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بر روی ۱۹۲ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی از بیماران پذیرش شده در روزهای زوج انجام شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش برای اندازه‌گیری سطح سواد سلامت، پرسشنامه استاندارد سواد سلامت عملکردی، انتقادی و ارتباطی بود. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۴ سوال است که سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی را در سه حیطه عملکردی (۵ سوال)، ارتباطی (۵ سوال) و انتقادی (۴ سوال) مورد سنجش قرار می‌دهد. برای سنجش کیفیت زندگی نیز، پرسشنامه کیفیت زندگی مینه سوتا (MLHF) استفاده شد که این پرسشنامه نیز شامل ۲۱ گویه است که جنبه جسمی و عملکرد فیزیکی و جنبه روحی-روانی و عاطفی و بررسی جامع‌تر بیماران از نظر شرایط اقتصادی-اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. برای تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار spss نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سطح سواد سلامت جامعه مورد بررسی ۲۵٫۸ بود. میانگین کیفیت زندگی ۷۹٫۲ بود. بین سواد سلامت و ابعاد جسمانی و روانی کیفیت زندگی و همچنین کیفیت زندگی کل همبستگی مستقیم و معنی دار وجود داشت. از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیر تحصیلات بر روی سواد سلامت ارتباطی، سواد سلامت انتقادی تأثیر معنی داری داشت به این صورت که افراد با تحصیلات دیپلم و دانشگاهی دارای سواد سلامت انتقادی بیشتر و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی علاوه بر سواد سلامت انتقادی، سواد سلامت ارتباطی بیشتری نیز داشتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود رابطه معنی‌دار بین ابعاد سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی، توجه به ارتقای سطح سواد سلامت و همه ابعاد آن در این گروه از بیماران، به خصوص بیماران دارای تحصیلات پایین‌تر به منظور افزایش سطح کیفیت زندگی آنان ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه: سواد سلامت، نارسایی قلبی، کیفیت زندگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری شده بیمارستان شهید محمدی بندرعباس

چکیده

مقدمه: نارسایی قلبی یکی از شایع‌ترین اختلالات قلبی و عروقی و یکی از مشکلات اصلی سلامت عمومی در جوامع کنونی است. این بیماری یک اختلال مزمن پیش‌رونده و ناتوان‌کننده است که شیوع آن با افزایش سن بالا می‌رود و دارای عوارض متعددی است که منجر به کاهش کیفیت زندگی مبتلایان می‌شود. ماهیت مزمن این بیماری نیازمند تعهد به درمان طولانی مدت است و نیازمند درک کافی از اطلاعات سلامت توسط بیمار است تا وی را قادر کند در فعالیت‌های مدیریت شرایط خود شرکت کند. نظر به نقش سواد سلامت در بهبود کیفیت زندگی بیماران، مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس در سه حیطه عملکردی، ارتباطی و انتقادی و رابطه آن با کیفیت زندگی این بیماران انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بر روی ۱۹۲ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی از بیماران پذیرش شده در روزهای زوج انجام شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش برای اندازه‌گیری سطح سواد سلامت، پرسشنامه استاندارد سواد سلامت عملکردی، انتقادی و ارتباطی بود. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۴ سوال است که سواد سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی را در سه حیطه عملکردی (۵ سوال)، ارتباطی (۵ سوال) و انتقادی (۴ سوال) مورد سنجش قرار می‌دهد. برای سنجش کیفیت زندگی نیز، پرسشنامه کیفیت زندگی مینه سوتا (MLHF) استفاده شد که این پرسشنامه نیز شامل ۲۱ گویه است که جنبه جسمی و عملکرد فیزیکی و جنبه روحی-روانی و عاطفی و بررسی جامع‌تر بیماران از نظر شرایط اقتصادی-اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. برای تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سطح سواد سلامت جامعه مورد بررسی ۲۵٫۸ بود. میانگین کیفیت زندگی ۷۹٫۲ بود. بین سواد سلامت و ابعاد جسمانی و روانی کیفیت زندگی و همچنین کیفیت زندگی کل همبستگی مستقیم و معنی دار وجود داشت. از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیر تحصیلات بر روی سواد سلامت ارتباطی، سواد سلامت انتقادی تأثیر معنی داری داشت به این صورت که افراد با تحصیلات دیپلم و دانشگاهی دارای سواد سلامت انتقادی بیشتر و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی علاوه بر سواد سلامت انتقادی، سواد سلامت ارتباطی بیشتری نیز داشتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود رابطه معنی دار بین ابعاد سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی، توجه به ارتقای سطح سواد سلامت و همه ابعاد آن در این گروه از بیماران، به خصوص بیماران دارای تحصیلات پایین‌تر به منظور افزایش سطح کیفیت زندگی آنان ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: سواد سلامت، نارسایی قلبی، کیفیت زندگی

رقیه عزتی راد

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

خدیجه احمدزاده

دانشجوی دکتری تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

khj_ahmadzadeh@yahoo.com

معصومه محمودی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

علی زمانی

کارشناسی ارشد آمار زیستی مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان شهید محمدی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد مدل PEN-۳ در شناسایی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان باردار در مناطق حاشیه نشین شهر همدان

بابک معینی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، رئیس مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

فروزان رضا پور

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

شایسته جهانفر

دکترای بهداشت باروری و اپیدمیولوژیست، دانشکده علوم بهداشتی، دانشگاه میشیگان مرکزی، مونت پلیزانت، میشیگان، آمریکا

اسداله نقدی

دکترای جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

منوچهر کرمی

دکترای اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

خدیدجه عزتی رستگار

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۱۳۲۵۵۱

kh.rastgar@yahoo.com

چکیده

مقدمه: خشونت شریک جنسی علیه زن نوعی نقض حقوق بشر بوده و اکنون به عنوان یک مسئله بهداشت عمومی در جهان شناخته شده است. خشونت در تمام جوامع، گروه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی اتفاق می‌افتد. فرهنگ و زندگی حاشیه نشینی بر باورها و نگرش‌های افراد نسبت به خشونت تأثیر می‌گذارد. این مقاله به عنوان بخشی از یک پروژه پژوهشی، عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر خشونت شریک جنسی علیه زنان باردار در حومه شهر همدان را بررسی می‌کند.

روش بررسی: هدف تیم تحقیق، بررسی ادراکات زنان باردار نسبت به علل خشونت بود که با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و با حضور ۱۸ زن باردار انجام شد. در این مطالعه از مدل PEN-۳ جهت شناسایی ادراکات، توانا کننده‌ها و تقویت کننده‌های فرهنگی استفاده شد.

یافته‌ها: بر طبق اظهارات زنان، ادراکات فرهنگی (صبر در مورد خشونت، اعتقاد به سرنوشت و طبیعی بودن خشونت در زندگی زناشویی)، عوامل قادر کننده (مهارت‌های ارتباطی، وضعیت اقتصادی و در دسترس بودن به حمایت‌های قانونی) و تقویت کننده‌ها (حمایت خانواده و انتظارات اجتماع به شکل اطاعت از مردان) به عنوان عوامل مهم تأثیر گذار بر خشونت شناسایی شدند.

نتیجه گیری: پاسخ هر فرهنگ به مشکلات مختلف بهداشتی متفاوت است و درک بهتر ادراکات فرهنگی می‌تواند به تصمیم گیرندگان و ارتقا دهندگان سلامت در فهمیدن تناسب فرهنگی مداخلات کمک کند.

کلید واژه: مدل PEN-۳، خشونت شریک جنسی علیه زنان، حاشیه نشینی، همدان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین کننده‌های اجتماعی موثر بر خشونت شریک جنسی در بین زنان باردار در مناطق حاشیه نشین ایران

چکیده

مقدمه: شیوع خشونت شریک جنسی (IPV) علیه زنان در مناطق حاشیه شهرها، بسیار زیاد است و بارداری به عنوان یک عامل خطر برای زنان باردار ساکن در مناطق حاشیه نشین است. لذا این مطالعه به بررسی چگونگی تاثیر تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت بر خشونت شریک جنسی پرداخته است. **روش بررسی:** این مطالعه مقطعی دو هدف ۱: تعیین شیوع خشونت شریک جنسی علیه زنان باردار و ۲: عوامل اجتماعی موثر بر آن داشت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳، آمارهای توصیفی و آزمون‌های رگرسیون باینری استفاده شد.

یافته‌ها، یافته‌ها: نشان داد که میزان پاسخدهی ۵۰۲ زن باردار، ۹۱٪ بود که ۶۳/۸٪ از آنان خشونت را تجربه کرده بودند که اغلب به شکل خشونت روحی و روانی بود. در مجموع سن، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال همسر، سیگار کشیدن همسر، بیماری جسمی یا روانی شوهر، مراجعه زنان به مشاور و شکایت به دادگاه مهمترین تعیین پیشگویی کننده‌های خشونت علیه زنان باردار بودند. **نتیجه گیری:** یافتن شیوه‌هایی برای غربالگری و شناسایی زنان خشونت دیده ضروری است و مداخلات طراحی شده باید منجر به کاهش و پیشگیری از خشونت گردند. درک بهتر تعیین کننده‌های اجتماعی موثر بر خشونت می‌تواند به تصمیم گیرندگان و سیاست گذاران در تدابیر و اولویت بندی هزینه‌ها کمک کند.

کلید واژه: حاشیه نشینی، خشونت شریک جنسی علیه زنان، تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، ایران

بابک معینی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، رئیس مرکز عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

فروزان رضا پور

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

شایسته جهانفر

دکترای بهداشت باروری و اپیدمیولوژیست، دانشکده علوم بهداشتی، دانشگاه میشیگان مرکزی، مونت پلیزانت، میشیگان، آمریکا

اسداله نقدی

دکترای جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

منوچهر کرمی

دکترای اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

خدیجه عزتی رستگار

* دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۱۳۲۵۵۱

kh.rastgar@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سبک زندگی سالم در میان دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد مشهد سال ۱۳۹۶

الهه عسکریان

* دانشجوی پزشکی، گروه پزشکی، دانشکده پزشکی
دکتر محمد شاهین فر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد،
ایران. ۰۹۱۵۷۶۳۳۳۷۰

Elahe.asn99@yahoo.com

ریحانه امرانی

دانشجوی پزشکی، گروه پزشکی، دانشکده پزشکی دکتر
محمد شاهین فر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

مهدی اردکانی

دانشجوی پزشکی، گروه پزشکی، دانشکده پزشکی دکتر
محمد شاهین فر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

پریناز شریعتی

دانشجوی پزشکی، گروه پزشکی، دانشکده پزشکی دکتر
محمد شاهین فر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

فاطمه شهریان

دانشجوی پزشکی، گروه پزشکی، دانشکده پزشکی دکتر
محمد شاهین فر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه سبک زندگی سالم به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی بهداشت که ارتقای آن ارتقای سلامت را در پی خواهد داشت مورد توجه متخصصان قرار گرفته است. از آنجا که سبک زندگی مفهومی چند بعدی است و ابعاد مختلفی همچون سلامت و بیماری و تأثیر این دو بر یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد اقدامات انجام شده برای نیل به ارتقای سلامت باید در برگیرنده تمامی جوانب سلامت از جمله سلامت فردی، جسمی، روانی و معنوی باشد. بر این اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی سبک زندگی سالم در دانشجویان پزشکی انجام گرفته است.

روش بررسی: در این مطالعه تحلیلی که به روش مقطعی انجام گرفت، ۴۰ نفر از دانشجویان پزشکی در مقطع علوم پایه به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (HPLP) جمع آوری، در نرم افزار SPSS ۱۶ واریانس و سبک با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، آنوا و تی تجزیه و تحلیل شد. معیار ورود، دانشجوی علوم پایه بودن و تابعیت ایرانی داشتن و معیار خروج عدم تکمیل صحیح پرسشنامه بود.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد بررسی 21.93 ± 3.7 سال و ۲۶ نفر ایشان (۶۵٪) زن بودند. ۷ نفر (۱۷.۵٪) دارای شغل دوم، ۲ نفر (۵٪) متأهل و ۵ نفر (۱۲.۵٪) دارای تحصیلات قبلی مرتبط با رشته‌های پزشکی بودند. در بین متغیرهای بررسی شده، در سطح خطای ۵ درصد، تنها داشتن شغل دوم ($0.38 - P$) ارتباط معنی داری با نمره کلی پرسشنامه دارد و متغیرهای سن، جنسیت، مقطع تحصیلی، وضعیت تاهل و داشتن تحصیلات قبلی مرتبط با رشته پزشکی ارتباط معنی داری با نمره کلی پرسشنامه ندارد. هم چنین بررسی‌های انجام شده در مورد منابع ارائه دهنده آگاهی‌های لازم در این باره نشان داد که فضای مجازی (۸۰٪) و پزشکان (۵۵٪) بیشترین نقش و روزنامه‌ها (۲۰٪) و بروشورهای تبلیغاتی (۲۰٪) کمترین نقش را دارند.

نتیجه گیری: با توجه به نقش اساسی دانشجویان علوم پزشکی در آموزش، پیشگیری و درمان، افزایش آگاهی این قشر نسبت به رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ضروری است، لذا میتوان با بهبود ارتقا کیفیت اطلاعات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی به ویژه در مورد تغذیه، ورزش و مدیریت استرس و با همکاری جامعه پزشکان نسبت به این مهم اقدام کرد.

کلید واژه: سبک زندگی سالم، دانشجویان پزشکی، ارتقا سلامت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی میزان استفاده دانشجویان دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد در کسب سواد اطلاعاتی از رسانه‌های الکترونیکی و کتابخانه‌های دیجیتال

چکیده

مقدمه: در این بین نگاه جدیدی نسبت به میزان استفاده دانشجویان دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد در کسب سواد اطلاعاتی از رسانه‌های الکترونیکی و کتابخانه‌های دیجیتال و شیوه‌های دسترسی دانشجویان به نیازهای اطلاعاتی علاوه بر نشان دادن مشکلات و چالش‌ها می‌تواند به ارائه راه حل‌های مناسب و مطلوب جهت بهینه سازی کمک کند.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته‌های فناوری اطلاعات سلامت، بینایی سنجی، رادیولوژی، فیزیوتراپی در دوره‌های کارشناسی،

ارشد و دکتری دانشکده پیراپزشکی مشهد در سال ۱۳۹۶ است که شامل ۷۴۹ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران Cochran با ضریب اطمینان ۹۵٪، ۲۷۵ نفر برآورد گردید. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه حاوی سؤالاتی مربوط به اطلاعات دموگرافیک، منابع کسب اطلاعاتی (۲۸ سوال)، اولویت انتخاب منبع (۸ سوال)، هدف از جستجو (۹ سوال)، دلایل استفاده از منابع اطلاعاتی (۹ سوال)، دلایل نارضایتی از منابع موجود (۱۴ سوال) بود که در دو مقیاس سه گزینه ای (همیشه=۳ تا هرگز=۱) و پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) مورد بررسی قرار گرفت. پس از تکمیل و جمع آوری پرسشنامه‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماري SPSS ۲۴ استفاده شد. از لحاظ ملاحظات اخلاقی نیز پرسشنامه‌ها بی نام بودند. طرح در کمیته اخلاق تصویب شد و پس از کسب رضایت از دانشجویان، پرسشنامه توزیع شد.

یافته‌ها: در این مطالعه اکثریت افراد شرکت کننده زن (۷۹٫۶ درصد) و میانگین سنی آنها ۲۱٫۸۸ بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در زمینه استفاده از منابع برای کسب اطلاعات، موتورهای جستجو مانند گوگل (میانگین= ۰٫۴۸±۲٫۷۱) دارای بیشترین میانگین بودند و کمترین میانگین به ترتیب مربوط به دوره‌های مجازی آموزش مداوم (۰٫۵۱±۱٫۳۳) و دستورالعمل‌های بین المللی (۰٫۵۸±۱٫۳۴) بود. در رابطه با انتخاب منابع اطلاعاتی، قابل اعتماد بودن (۴۱ درصد)، دسترسی سریع (۳۵٫۳ درصد)، به ترتیب بالاترین اولویت (یک) را کسب کردند. در رابطه با استفاده از منابع موجود عدم هزینه زیاد (۰٫۶۷±۴٫۴۸) بالاترین میانگین و کمترین میانگین استفاده از ابزارهای جستجو (۰٫۹۴±۳٫۶۳) را کسب کرد. در رابطه با دلایل نارضایتی از کتابخانه و عدم وجود منابع روزآمد در کتابخانه (۰٫۸۷±۳٫۹۹) بالاترین میانگین بود.

نتیجه گیری: یافته‌ها پژوهش حاضر نشان داد که بررسی دلایل استفاده از اینترنت و سایر منابع و نارضایتی از اینترنت و توانایی افراد در استفاده از اینترنت چالش‌هایی نیز به همراه دارد. در رابطه با انتخاب منابع اطلاعاتی قابل اعتماد بودن، دسترسی آسان و سریع از اهمیت بالایی برخوردار بود. در بحث دلایل استفاده از اینترنت، سهولت دسترسی به اطلاعات و صرفه جویی در وقت و دسترسی به حجم انبوهی از اطلاعات کاربردی از منابع مختلف که علاوه بر اهداف آموزشی اهداف کاربردی و راهبردی زیادی را برای کاربران ممکن میسازد.

کلید واژه: آموزش سلامت، دانشجویان، پایگاه اطلاعاتی، سواد الکترونیکی، اینترنت..

معصومه سرباز

دکترای تخصصی انفورماتیک پزشکی، استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

خلیل کیمیافر

دکترای تخصصی مدیریت اطلاعات سلامت، استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

پرنیان عسگری

* کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

asgarip951@mums.ac.ir

نعیمه فخری

کارشناس، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مدیریت و ارتقای سلامت شغلی در کارگاه‌های کوچک و متوسط

سید قوام الدین عطاری

* دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، لرستان، ایران.
qavamat@yahoo.com

فریبا امیری

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مهری صارمی

کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست، هنرستان فنی دهخدا، همدان، ایران.

هادی ایمانی

کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

چکیده

مقدمه: مدیریت ریسک و خطر در کارگاه‌های کوچک و متوسط برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی شاغلین الزامی و ضروری است. نظر اکثر محققین بر این است که در این کارگاه‌ها، ریسک حوادث خطرناک و کشنده و بیماری‌های شغلی و تعداد روزهای از دست رفته و هزینه‌های ناشی از آسیب‌ها و بیماری‌ها، بیشتر از کارگاه‌های بزرگ است. هدف از این مطالعه ارائه وضعیت مدیریت سلامت شغلی در کارگاه‌های کوچک و متوسط با توجه به اطلاعات و آمار وضعیت شاغلین، محیط کار و فعالیت‌های سلامت شغلی به منظور بهبود و ارتقای برنامه‌های سلامت شغلی بود.

روش بررسی: این مطالعه روی ۶۹۳۶ شاغل که در ۲۳۰۱ کارگاه مشغول فعالیت بودند با استفاده از فرم‌های بازدید کارگاهی مصوب وزارت بهداشت و ثبت اطلاعات در سامانه جامع مدیریت بازرسی مرکز سلامت محیط و کار و استخراج اطلاعات از سامانه مذکور انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۳۵/۹۴٪ شاغلین در معرض صدای بیش از حد مجاز، ۷/۱۴٪ در معرض ارتعاش، ۷/۸۴٪ در معرض روشنایی نامناسب، ۶/۷۴٪ در معرض پرتو زیان آور و ۸/۷۸٪ در معرض استرس حرارتی بودند. در ۳/۸۹٪ کارگاه‌ها، روشنایی و در ۳/۰۳٪ کارگاه‌ها، خطرات شیمیایی کنترل شده بود. ۴۳/۶٪ شاغلین در معرض صدا و ۴۵/۳۶٪ شاغلین در معرض مخاطرات شیمیایی از وسایل حفاظتی مناسب استفاده می‌کردند.

نتیجه گیری: ارگاه‌های کوچک و متوسط، خصوصیات ویژه و منحصر به فردی دارند که روی نگرش آنها به مدیریت سلامت شغلی و برنامه‌های بهبود و ارتقای آن تاثیر گذار می‌باشد. مدیران این کارگاه‌ها، اطلاعات زیادی در خصوص برنامه‌های سلامت شغلی نداشتند. اطلاعات زمینه ای به خصوص تحصیلات و تجربه کاری مدیران روی ظرفیت توسعه سیستم‌های مدیریت سلامت شغلی تاثیر گذار بود. مدیرانی که دانش بیشتری در خصوص سیستم‌های مدیریت سلامت شغلی داشتند از منافع این سیستم‌ها مطلع و بهتر قادر بودند که این برنامه‌ها را اجرا و مدیریت کنند و پذیرش بیشتری برای برنامه‌های پیشگیرانه داشتند. به طور کلی، مدیریت سلامت شغلی، برنامه‌های بهبود و ارتقای آن در کارگاه‌های مورد بررسی نا کافی بود. مداخله‌های چند جانبه سلامت شغلی شامل آموزش، ممیزی و بازرسی، کنترل‌ها مهندسی و مدیریتی و عوامل انگیزشی نظیر مشوق‌های مالی، در بهبود و ارتقای برنامه‌های سلامت شغلی موثر واقع خواهد شد.

کلید واژه: کارگاه‌های کوچک و متوسط، سلامت شغلی، ارتقای سلامت شغلی، مدیریت ریسک و خطرات شغلی، محیط کار.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به صورت میزان ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر، درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامت تعریف شده است که برای تصمیمگیری مناسب لازم میباشد. سواد سلامت یک پیامد کلیدی اقدامات آموزش بهداشت است که باید در مفهوم وسیعتر ارتقاء سلامت قرار گیرد. ارتقاء سلامت بر شرایط عمومی زندگی سالم و شانس افراد برای داشتن زندگی سالم تاکید میکند. در این میان انجام رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت یکی از بهترین راههایی است که مردم توسط آن میتوانند سلامت خود را حفظ و کنترل نمایند. همچنین در خصوص تعیین سواد سلامت دانشجویان به عنوان مدیران و برنامه ریزان سلامت آینده در کشور مطالعات محدودی صورت گرفته است. این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی اجرا شده است.

روش بررسی: در یک مطالعه مقطعی با رویکرد توصیفی - تحلیلی، تعداد ۵۰۰ نفر دانشجوی، از دو دانشگاه علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی شهید بهشتی (هر کدام ۲۵۰ دانشجو) مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه گیری به صورت چند مرحله ای انجام گرفت. ابتدا تعداد دانشکده‌های هر دو دانشگاه مشخص به عنوان خوشه در نظر گرفته شد و بر حسب قرعه از بین آنها تعدادی دانشکده انتخاب و در هر دانشکده، دانشجویان سال اول و چهارم به صورت نمونه گیری آسان انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری داده‌ها به طور همزمان از دو پرسشنامه جدیدترین نشانه حیاتی NVS و نیمرخ سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت HPLP استفاده شد. در نهایت داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمونهای آماری کای دو و P value مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته نشان داد که میانگین سنی افراد ۲۰/۹۰ سال، آزمون کای دو بیانگر عدم وجود اختلاف معنادار در دو گروه از نظر سال تحصیلی می‌باشد ($P = ۰/۴۲۱$). همچنین ۳۵/۶ درصد دانشجویان سواد سلامت ناکافی، ۴۳/۴ درصد سواد سلامت مرزی و تنها ۲۱ درصد سواد سلامت کافی داشتند. میانگین نمره سواد سلامت در دانشجویان علوم پزشکی نسبت به دانشجویان غیر علوم پزشکی بهتر میباشد. ولی از لحاظ رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، بین دو گروه تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد. همچنین بین سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت ارتباط معناداری یافت نشد.

نتیجه گیری: یافته‌ها این پژوهش نشان داد که بر اساس پرسشنامه NVS طیف وسیعی از دانشجویان سواد سلامت ناکافی و مرزی داشتند این موضوع می‌تواند هشدار برای مسئولین، سیاستگذاران بخش سلامت و متولیان امر سلامت محسوب گردد و یک نیاز اساسی برای توجه گسترده تر به امر سواد سلامت احساس می‌شود.

کلید واژه: سواد سلامت، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، دانشجویان

سمیه عظیمی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. ۰۹۱۶۳۱۰۱۱۷۰
s.azimi1390@yahoo.com

علی رمضانخانی

استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فاطمه رخشانی

استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

محتشم غفاری

دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

شهلا قنبری

رئیس گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت و بکارگیری نشانگرهای تغذیه ای در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

آلاله علی رضایی

* دستیار تخصصی گروه پزشکی خانواده دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۰۹۱۵۱۵۸۷۹۴۵
drmn1361@yahoo.com

ویدا وکیلی

استادیار گروه پزشکی خانواده دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: سواد سلامت عبارتند از مهارت‌های شناختی، اجتماعی که تعیین کننده انگیزه و قابلیت افراد در درک و بکارگیری اطلاعات به طریقی که منجر به ارتقا سلامت آنها گردد. سواد سلامت مفهومی فراتر از توانایی‌های فردی یک شخص می‌باشد و شامل توانایی‌ها و انتظارات تهیه کنندگان اطلاعات نیز می‌باشد؛ افرادی مانند پزشکان، پرستاران و رسانه‌ها. یکی از ارکان سواد سلامت، توانایی خواندن و درک نشانگرهای تغذیه ای موجود بر روی مواد غذایی و آشامیدنی‌ها می‌باشد. هدف از ایجاد نشانگرهای تغذیه ای: شفاف کردن اطلاعات محتویات، کمک به انتخاب مواد غذایی، تقویت نظارت مردم بر مواد غذایی و ارتقا سلامتی مردم و کاهش بیماری‌های مرتبط با غذاست. در این مطالعه سطح سواد سلامت و توجه دانشجویان پزشکی به برچسب‌های تغذیه ای و تاثیر آن در انتخاب مواد غذایی بررسی می‌شود.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی می‌باشد که بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. انتخاب آنان بصورت تصادفی ساده و براساس لیست دانشجویان موجود در اداره آموزش بود. هیچ کدام از دانشجویان کلاس تغذیه و یا دوره‌های آموزشی متناسب را نگذرانده بودند. اطلاعات پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS ۱۶ و با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سن دانشجویان شرکت کننده ۲۱ سال می‌باشد. ۶۰٪ آنها با مفهوم نشانگر تغذیه ای و رنگ‌های نشانگر آشنا می‌باشند. نیمی از آنان هنگام خرید به برچسب‌های تغذیه موجود بر روی مواد غذایی دقت می‌کنند. از این تعداد ۸۰٪ به کالری ماده غذایی دقت می‌کنند. تنها دوسوم دانشجویان معتقدند نشانگر تغذیه ای سبب تقویت نظارت مردم بر روی مواد غذایی خواهد شد و هر ۵۰ دانشجو مورد مطالعه، اهمیت نشانگر تغذیه ای در ارتقا سلامت جامعه و کاهش بیماری‌های مرتبط با غذا را بیان کردند. **نتیجه گیری:** با توجه به اینکه تنها ۶۰٪ از دانشجویان با مفهوم نشانگر تغذیه ای آشنا هستند و تنها نیمی از این تعداد هنگام خرید به برچسب تغذیه ای دقت می‌کنند، نیاز به فراهم آوردن بستر آموزشی در درجه اول جهت آشنایی و در مرحله بعد جهت استفاده از نشانگر تغذیه ای احساس می‌شود. انتظار می‌رود با توجه به اهمیت نشانگر تغذیه ای در ارتقا سلامت مردم و نقش آن به عنوان یکی از ارکان سواد سلامت، دانشجویان پزشکی به عنوان قشر فرهیخته و انتقال دهنده سواد سلامت به جامعه تحت پوشش، آگاهی کاملی نسبت به اهمیت نشانگرهای تغذیه ای داشته و آن تعداد از افراد که با مفهوم نشانگر تغذیه ای آشنا هستند، در انتخاب خود از آن استفاده کنند تا در نهایت آگاهی و نگرش افراد منجر به عملکرد آنان شود. لازم است برنامه‌های آموزشی متناسب با سطح سواد سلامت در دانشگاه‌ها طراحی گردیده و در کوریکولوم آموزشی آنها گنجانده شود.

کلید واژه: سواد سلامت، نشانگر تغذیه ای، دانشجو



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رفتارهای تغذیه ای دختران نوجوان بعد از مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی با رویکرد ارتقای سواد سلامت

چکیده

مقدمه: افراد برای انتخاب صحیح مواد غذایی به مهارت‌های سواد سلامت نیاز دارند تا بتوانند به طور مستقل و بدون کمک دیگران بهترین تصمیم را که سلامتی آنها را به خطر نیندازد اتخاذ نمایند. در این بین نوجوانان با توجه به شرایط سنی و نیازهای دوران بلوغ، بیش از دیگر گروه‌های سنی به تغذیه کافی و سالم نیاز دارند تا بتوانند به رشد جسمی و تکامل ذهنی کافی دست یابند. لذا این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر سواد سلامت و رفتارهای تغذیه ای دانش آموزان دختر دوره اول دبیرستان در شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی _ مداخله ای، تعداد ۶۴ نفر از دانش آموزان در دو گروه ۳۲ نفری آزمون و کنترل قرار گرفتند. مداخله ی آموزشی در ۴ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای برای گروه آزمون اجرا شد. پرسشنامه بسامد خوراک دو ماه بعد از مداخله و سایر پرسشنامه‌ها بلافاصله و دو ماه بعد از مداخله تکمیل شدند. داده‌ها به کمک نرم افزار spss و آزمون‌های آمار توصیفی (نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار، میانه، دامنه میان چارگی) و آمار استنباطی (نظیر: آزمونهای تی، کروسکالوالیس، آنالیز واریانس، من ویتنی، کای دو، رگرسیون خطی، تحلیل واریانس داده‌های تکراری) تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** یافته‌ها مطالعه نشان داد قبل از مداخله آموزشی تفاوت آماری معنی داری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر نمره متغیرهای مورد مطالعه مشاهده نشد اما بعد از مداخله ی آموزشی تفاوت آماری معنی داری در نمره رفتارهای تغذیه ای ($P < 0.001$)، سواد سلامت ($P < 0.001$)، آگاهی ($P = 0.002$)، سازه حساسیت درک شده ($P = 0.003$)، شدت درک شده ($P = 0.003$)، منافع درک شده ($P < 0.001$)، موانع درک شده ($P < 0.001$) و خود کارآمدی ($P = 0.002$) در گروه مداخله مشاهده شد. **نتیجه گیری:** یافته‌ها این مطالعه نشان داد که آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر سواد سلامت و رفتارهای تغذیه ای دانش آموزان تأثیر مثبت دارد.

کلید واژه: رفتار تغذیه ای، مدل اعتقاد بهداشتی، سواد سلامت، نوجوان

سمیرا علیانی

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

هادی طهرانی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

محمد واحدیان شاهرودی

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۷۰

Vahedianm@mums



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تعیین کننده‌های فعالیت جسمانی در دانش آموزان به منظور پیشگیری از دیابت بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده

منصوره علیپور عنبرانی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ۰۹۱۵۸۶۰۱۴۴۶

alipoor.he@gmail.com

طیبه مرعشی

استادیار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فرزانه احمدی

گروه آمار زیستی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: دیابت شایع ترین بیماری غدد درون ریز است. از عوامل موثر در افزایش دیابت در نوجوانان کم تحرکی است. مطالعات متعدد، شیوع کم تحرکی را در کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد. لذا در این پژوهش عوامل موثر برانجام فعالیت جسمانی با هدف پیشگیری از دیابت با استفاده از نظریه رفتار برنامه ریزی شده در دانش آموزان دختر مشهد در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی ۱۸۵ دانش آموز دختر به روش نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه با روایی و پایایی قابل قبول، شامل چهار بخش اطلاعات جمعیتی، آگاهی دیابت، سازه‌های نظریه رفتار برنامه ریزی شده در خصوص فعالیت جسمانی و پرسشنامه استاندارد فعالیت جسمانی (IPAQ) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آنالیز آماری ضریب همبستگی پیرسن و مدل خطی تعمیم یافته (GLM) انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سنی دانش آموزان $11/51 \pm 0/76$ سال بود. میانگین نمرات آگاهی (۴/۸۵ \pm ۱/۴۹)، نگرش (۳/۵۶ \pm ۳/۵۴)، هنجارهای ذهنی (۲/۱۹۶ \pm ۴/۵۳)، کنترل رفتار درک شده (۱۵/۰۲ \pm ۲/۶۵) و قصد رفتاری (۲/۵۰ \pm ۱۵/۲۱) بود. ارتباط معناداری بین قصد انجام فعالیت جسمانی با نگرش ($P < 0/001$)، هنجارهای ذهنی ($P < 0/001$) و کنترل رفتار درک شده ($P < 0/001$) وجود داشت. یافته‌ها مدل خطی تعمیم یافته نشان داد که فقط سازه کنترل رفتار درک شده از نظر قدرت پیش بینی کنندگی برای انجام فعالیت جسمانی معنادار بود ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: قصد انجام فعالیت جسمانی با سازه‌های نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار درک شده ارتباط معنی داری داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود با برگزاری جلسات بحث گروهی برای دانش آموزان و جلسات آموزشی برای افراد تاثیر گذار و با فراهم نمودن امکانات لازم برای انجام ورزش در مدارس، پارکها می‌توان باعث ارتقاء فعالیت جسمانی و پیشگیری از دیابت در بین دانش آموزان دختر شد.

کلید واژه: فعالیت جسمانی، دیابت، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، دانش آموزان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد نظریه رفتار برنامه ریزی شده برای پیش بینی رفتار استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی در رانندگان شهر رشت

چکیده

مقدمه: استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی به یک عامل تهدید کننده امنیت ترافیکی تبدیل شده است . مطالعه حاضر با هدف کاربرد نظریه رفتار برنامه ریزی شده برای پیش بینی رفتار استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی در رانندگان آژانس‌های شهر رشت انجام شد .

روش بررسی: این پژوهش یک کارآزمایی شاهد دار تصادفی شده است که در بین رانندگان آژانس شهر رشت انجام گرفت . بدین منظور به طور تصادفی و چند مرحله ای از آژانس‌های شرق شهر رشت ۷۶ نفر در گروه مداخله و از آژانس‌های غرب شهر رشت ۷۵ نفر در گروه کنترل وارد مطالعه شدند و به مدت دو ماه مورد پیگیری قرار گرفتند. پس از انجام Pre-Test اقدام به مداخله آموزشی گردید . داده‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که پایایی آن با انجام یک مطالعه پایلوت توسط آزمون ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن نیز با نظر کارشناسان مربوطه حاصل شده بود، به روش خودگزارش دهی، جمع آوری و سپس توسط نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند .

یافته‌ها: قبل از مداخله دو گروه از نظر متغیرهای زمینه ای یکسان بودند و بین سازه‌های مدل (نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری و رفتار) در دو گروه اختلاف معنی داری مشاهده نشد . ولی بعد از اجرای برنامه آموزشی اختلاف معنی داری برای افزایش میانگین نمره سازه‌های تئوری رفتار برنامه ریزی شده و رفتار عدم استفاده از تلفن همراه در بین گروه مداخله وجود داشت **نتیجه گیری:** مداخله آموزشی بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده می‌تواند سبب کاهش استفاده از تلفن همراه هنگام رانندگی گردد .

کلید واژه: تلفن همراه، رانندگان، تئوری رفتار برنامه ریزی شده

ماریه علیدوست

* دانشجوی کارشناسی ارشد (آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۳۴۴۲۱۵، farmanbar@gums.ac.ir

ربیع الله فرمانبر

دانشیار (گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت رشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران)

فردین مهربان

دانشیار (گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران)

سعید امیدی

مری(گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش مبتنی بر الگوی باور بهداشتی در زمینه ی عوامل تغذیه ای مرتبط با بیماری قلبی عروقی در زنان شهر بهبهان

معصومه علیدوستی

* آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۸۰۸۲۶۰

Malidosti94@gmail.com

الهام نژادصادقی

آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران.

چکیده

مقدمه: تدوین برنامه‌های آموزشی دربارهٔ پیشگیری از بیماری‌ها از ضرورت‌های بهداشتی است. امروزه، بیماری‌های قلبی و عروقی یکی از دلایل اصلی مرگ و میر و ناتوانی در کل جهان محسوب می‌شوند و متأسفانه شیوع این بیماریها در ایران رو به افزایش است. لذا مطالعه حاضر با هدف "تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر الگوی باور بهداشتی بر آگاهی و نگرش افراد در زمینه ی رفتارهای تغذیه ای پیشگیری کننده از بیماریهای قلبی و عروقی در زنان شهر بهبهان" انجام شد.

روش بررسی: در این پژوهش نیمه تجربی که در سال ۱۳۹۴ انجام شد ۶۳ نفر از زنان خانه دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بهبهان شرکت داشتند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ی روا و پایای مطالعه ی توسلی و همکاران بر اساس الگوی باور بهداشتی بود که قبل از مداخله آموزشی توسط افراد مورد پژوهش تکمیل شد. سپس آموزش در مورد عوامل تغذیه ای مرتبط با بیماری قلبی و عروقی در ۴ جلسه ارائه گردید و ۱ ماه بعد از آموزش مجدداً افراد پرسشنامه را تکمیل کردند. داده‌ها با نرم افزار SPSS۱۶ و آزمون‌های آماری Paired T test و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل و $P < 0/05$ معنی دار تلقی شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی زنان قبل از آموزش $68/57 \pm 14/25$ و بعد از آن $92/59 \pm 6/14$ و میانگین نمره حساسیت و شدت درک شده قبل از آموزش به ترتیب $58/63 \pm 12/67$ و $55/65 \pm 10/02$ بود. همچنین میانگین نمره منافع و خودکارآمدی آموزش به ترتیب $78/17 \pm 14/14$ و $75/79 \pm 20/31$ بود. همچنین میانگین نمره منافع و خودکارآمدی درک شده قبل از آموزش به ترتیب $64/68 \pm 13/19$ و $43/84 \pm 7/27$ و پس از آموزش به ترتیب $84/25 \pm 11/21$ و $66/76 \pm 13/72$ بود و افزایش نمره در هر ۵ حیطه معنی دار بود ($P < 0/001$). در جزء موانع درک شده قبل از آموزش میانگین نمره $59/46 \pm 15/83$ و بعد از آن $39/79 \pm 18/75$ بود و تفاوت از نظر آماری معنی دار بود ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: آموزش بر اساس الگوی باور بهداشتی سبب افزایش آگاهی و بهبود نگرش (اجزاء الگوی باور بهداشتی) در زمینه ی رفتارهای تغذیه ای پیشگیری کننده از بیماری قلبی عروقی شد و به نظر می‌رسد با تدوین و انجام برنامه هایی بر اساس مدل‌های آموزشی بتوان قدمی در راه کاهش آمار مبتلایان به بیماری‌های قلبی و عروقی برداشت.

کلید واژه: آموزش، الگوی باور بهداشتی، تغذیه، بیماری قلبی و عروقی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سبک زندگی سالمندان تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۹۶

چکیده

مقدمه: با توجه به طولانی شدن عمر و روند رو به افزایش جمعیت سالمندان در کشور و بیماری‌های غیر واگیر در سنین بالا، می‌توان با اتخاذ سبک زندگی سالمند در این دوران، از بیماری‌ها و تحلیل کارآیی فرد پیشگیری و سبب افزایش طول عمر و ارتقای کیفیت زندگی شد. با تعیین سبک زندگی سالمندان، می‌توان با شناخت عوامل تاثیر گذار بر انواع سبک زندگی سالمندان اقدامات مفیدی انجام داد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است و جمعیت مورد مطالعه، شامل سالمندان تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۶ هستند، که به روش طبقه ای-خوشه ای ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه، انتخاب شدند. نیمی از افراد روستایی، و نیمی دیگر شهری بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات "پرسشنامه سنجش سبک زندگی سالم در سالمندان ایرانی" بود. داده ها، وارد نرم افزار آماری SPSS ۱۹ شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: متوسط نمره ابعاد مختلف و نمره کل، در دو گروه شهر و روستا تفاوت معنا داری نداشت. تحصیلات تنها عامل موثر بر نمره کل کیفیت زندگی بود. سبک زندگی اکثر سالمندان (۷۸۶٪) در سطح متوسط بود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه اکثر سالمندان، سبک زندگی مطلوبی ندارند و در سطح متوسط هستند، مداخلات آموزشی با هدف افزایش آگاهی در جهت ارتقاء سطح سلامت و کیفیت زندگی سالمندان پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: سبک زندگی، سالمند، پیشگیری

اشرف السادات نظام

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت
حیدریه، ایران

مهلا روستایی

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات
دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت
حیدریه، ایران

محبوبه عبداللهی

استادیار آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم
پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز
تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده
بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد - ایران

هاشم حشمتی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای
سلامت، عضو هیات علمی گروه آموزش بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه،
ایران

داود رباط سرپوشی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران

هادی علیزاده سیوکی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۳۱۹۷۵۶

Email: Alizadeh1@thums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر رضایت زناشویی مراقبین رسمی زن شاغل در مراکز توانبخشی و نگهداری معلولین ذهنی شهر اصفهان

مریم عمیدی مظاهری

* آموزش بهداشت، گروه خدمات بهداشتی و آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۱۸۲۳۹۶

Email: maryamamidi@hlth.mui.ac.ir

ام البنین جعفری

آموزش بهداشت، گروه خدمات بهداشتی و آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر عملکرد خانواده می باشد که موجب می شود افراد شادتر، با نشاط تر و سالم تر زندگی کنند. با توجه به این امر پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر رضایت زناشویی مراقبین زن شاغل در مراکز توانبخشی و نگهداری معلولین ذهنی شهر اصفهان انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی با شرکت ۵۶ نفر از مراقبین شاغل در دو مرکز توانبخشی شهر اصفهان در سال ۹۵ انجام شد. این مراقبین به صورت سیستماتیک باروند ۲ به ۲ به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم بندی شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه دموگرافیک جمع آوری شد. مداخله آموزشی در ابعاد منتخب (رضایت زناشویی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، روابط جنسی) در ۳ جلسه ۹۰ دقیقه ای طی ۳ هفته متوالی تنها برای مراقبین گروه آزمون به صورت سخنرانی و بحث گروهی برگزار شد. اطلاعات پس از ۴۵ روز بعد در هر دو گروه جمع آوری گردید و با نرم افزار SPSS/۲۰ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها؛ یافته‌ها؛ نشان داد که قبل از مداخله آموزشی میانگین نمره حیطه‌های منتخب رضایت زناشویی بین دو گروه اختلاف معناداری نداشت ($P=0/05$) در حالیکه ۴۵ روز بعد از مداخله آموزشی میانگین نمره کل رضایت زناشویی ($p=0/003$) و حیطه‌های (رضایت زناشویی) ($p=0/01$)، ارتباط زناشویی ($p=0/04$)، حل تعارض ($p=0/006$) در گروه آزمون به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل بود. اما نمره روابط جنسی بین دو گروه بعد از آزمون اختلاف معناداری را نشان نداد ($p=0/67$).

نتیجه گیری: زنان شاغل در مراکز نگهداری و توانبخشی معلولین، با توجه به نوع خاص مراقبت، ساعات کاری زیاد، حجم بالای کاری رضایت زناشویی بیشتر و نیاز به حمایت بیشتر دارند برگزاری مداخله آموزشی در این زمینه برای این گروه از زنان پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، رضایت زناشویی، مراقبین، معلولین ذهنی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سواد سلامت و کیفیت زندگی کاری کارگران کارخانه فولاد شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی کاری عاملی حیاتی است که بر انگیزه کارکنان در محیط کار تاثیر می‌گذارد. کیفیت زندگی کاری مفهومی چندوجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان و ارزشهای فردی و اجتماعی است و در سطح فردی، به جهان بینی فرد و نگاه او به زندگی بستگی دارد. کیفیت زندگی کاری بر روی پاسخهای کارکنان در قالب رضایت شغلی، مشارکت شغلی، تلاش شغلی، عملکرد شغلی، قصد ترک، گردش کاری و بیگانگی شخصی تاثیر می‌گذارد. از جمله عواملی که بر کیفیت زندگی افراد تاثیر بسزایی دارد میزان آگاهی و سواد سلامت آنان است که عبارتست از میزان ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامت است که برای تصمیم گیری متناسب لازم بوده و شامل مجموعه ای از مهارتهای خواندن، شنیدن، تجزیه و تحلیل، تصمیم گیری و توانایی به کارگیری این مهارتها در موقعیت‌های سلامت است. طبق مطالعات، میزان بستری شدن و مراجعه به پزشک در افراد با سواد سلامت پایین، بیشتر است؛ در مهارتهای خودمراقبتی ضعیف عمل می‌کنند؛ مراقبت پیشگیرانه کمتری دارند؛ و در نتیجه هزینه‌های پزشکی بیشتری را متحمل می‌شوند؛ که همه ی این عوامل می‌تواند بر کیفیت زندگی افراد تاثیر چشمگیری بگذارد. این مطالعه با هدف تعیین رابطه ی بین سواد سلامت و کیفیت زندگی شغلی کارگران کارخانه فولاد شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت تا با روشن شدن نقاط ضعف، مداخلات موثری، طراحی و اجرا شود.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی توصیفی تحلیلی بر روی ۴۱۸ نفر از جمعیت کارگران کارخانه فولاد شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت، نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام شد، داده‌ها پس از جمع آوری با پرسشنامه سواد سلامت عمومی، همچنین پرسشنامه کیفیت زندگی والتون؛ وارد نرم افزار spss ۱۸ شده و با بکارگیری آزمون‌های آماری کای دو و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** آنالیز داده‌ها نشان داد که بین سواد سلامت و سطح تحصیلات ارتباط معناداری وجود دارد ($P=0/01$). همچنین بین سن افراد و میانگین نمره سواد سلامت افراد رابطه ی معکوس دیده می‌شود ($r=0/153 - P=0/002$). بین وضعیت تاهل و کیفیت زندگی شغلی ($P=0/04$) و شیفت کاری با کیفیت زندگی شغلی نیز رابطه معناداری مشاهده گردید ($P=0/007$). رابطه بین سواد سلامت و کیفیت زندگی شغلی معنادار نبود ($P=0/05$) اما در ابعاد خواندن ($P=0/02$)، تصمیم گیری ($P=0/03$)، و در دسترسی ($P=0/04$) با کیفیت زندگی شغلی ارتباط معنادار وجود دارد. **نتیجه گیری:** یافته‌ها حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که بین برخی از ابعاد سلامت چون خواندن، دسترسی و همچنین متاهل بودن، شیفت کاری و میزان تحصیلات در بهره مندی از کیفیت زندگی شغلی بالا تاثیر گذار هستند.

کلید واژه: سواد سلامت، دزفول، کارخانه فولاد، کارگران، کیفیت زندگی کاری

مهمین نظری

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

محمدحسین کاوه

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

لیلا قهرمانی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

کیومرث عیسی پره

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۹۴۴۹۸۵۶

email: eqmars@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعهد به عمل: سازه ای موثر در افزایش کارآیی مداخله آموزشی پیشگیری کننده از ابتلا به پدیکولوزیس سر در مدارس دخترانه دوره متوسطه فیروزکوه

علیرضا جوکار

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فرخنده امین شکروی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زینب غلام نیا شیروانی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC)، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. نویسنده مسئول:
۰۱۱۳۲۱۹۰۵۹۳

z.gholamnia@yahoo.com

چکیده

مقدمه: بیماری شپش (پدیکولوزیس) سر یکی از شایع‌ترین بیماری‌های نوجوانان در سنین مدرسه است که می‌تواند منجر به ایجاد عوارض جسمی، روانی و اجتماعی در این گروه هدف آسیب‌پذیر گردد. آموزش سلامت همراه با بکارگیری سازه تعهد به عمل می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای دانش، نگرش و رفتارهای پیشگیری‌کننده از این بیماری داشته باشد. هدف تحقیق حاضر ارزیابی تاثیر سازه تعهد به عمل در افزایش کارآیی برنامه آموزشی در پیشگیری ابتلا به پدیکولوزیس سر در مدارس دخترانه دوره متوسطه است.

روش بررسی: این کارآزمایی تصادفی شاهددار در بین ۱۵۰ دانش‌آموز دختر مدارس دوره دوم متوسطه شهرستان فیروزکوه (سال ۹۷-۹۶) انجام شد. دو گروه مداخله (هر کدام ۵۰ نفر) و یک گروه کنترل (۵۰ نفر) با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. معیار ورود، تحصیل در دوره متوسطه دوم در یکی از دبیرستان‌های دولتی و معیار خروج، عدم موافقت دانش آموز و یا والدین و منع جسمی - روانی جهت شرکت در مطالعه بود. ابزار و روش‌های گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های مشخصات جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای، آگاهی، نگرش و رفتار، سازه تعهد به عمل و معاینه فیزیکی به همراه چک‌لیست بودند. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها تایید شد. معاینه مستقیم و ثبت در چک‌لیست توسط کارشناس بهداشت آموزش دیده صورت گرفت. محتوای کلی آموزشی شامل مشخصات شپش، محل زندگی، راه انتقال، علائم و عوارض بیماری، روش‌های پیشگیری و درمان بود که به صورت جزوه و پمفلت آموزشی در اختیار مربی بهداشت (آموزشگر) و دانش‌آموزان قرار گرفت. دو جلسه یک ساعته بر اساس طرح درس مربوطه در طی دو هفته برگزار شد که از روش آموزشی سخنرانی برنامه‌ریزی شده (ترکیب سخنرانی، بحث گروهی و پرسش و پاسخ) استفاده گردید. گروه دوم علاوه بر دریافت مداخله مذکور با آموزش در زمینه سازه تعهد به عمل، در جهت انجام راه‌های پیشگیری از بیماری متعهد می‌شدند و روزانه چک‌لیست مرتبط را تکمیل می‌نمودند. در گروه کنترل مداخله‌ای نشد. ملاحظات اخلاقی شامل دریافت کد اخلاق و رضایت آگاهانه بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک (آنوا) و ناپارامتریک (کاسکوئر، کروسکال والیس) با SPSS۲۱ قبل و یک‌ماه پس از مداخله تجزیه و تحلیل ($P < 0.05$) شدند.

یافته‌ها: میزان ابتلا در گروه مداخله اول (آموزش)، مداخله دوم (آموزش به همراه تعهد به عمل) و کنترل به ترتیب برابر با ۱۸.۲۴ و ۴۰٪ بود ($P < 0.05$) که پس از آموزش به ۱۲ و ۴٪ ($P < 0.05$) و ۳۰٪ ($P < 0.05$) رسید. این میزان در گروه دوم بطور معناداری بیشتر از گروه اول کاهش یافت ($P < 0.05$). اختلاف معناداری در میانگین دانش، نگرش، رفتار و تعهد به عمل در دو گروه آزمون بعد از اجرای برنامه مشاهده شد ($P < 0.05$). رفتار و تعهد به عمل در گروه دوم بطور معناداری بیشتر از گروه اول افزایش یافت ($P < 0.05$). اما در گروه کنترل این تفاوت‌ها معنادار نبود ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: بکارگیری سازه تعهد عمل در برنامه آموزش سلامت نقش موثری در ارتقای دانش، نگرش و رفتارهای پیشگیری‌کننده و کاهش میزان ابتلا پدیکولوزیس سر در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه داشت. لازم است در طراحی و اجرای مداخلات آموزشی از این سازه ارتقا دهنده سلامت در جهت ایجاد تعهد به رفتار در گروه هدف دانش‌آموزی استفاده گردد.

کلید واژه: تعهد به عمل، پدیکولوزیس سر، دانش آموز، مداخله آموزشی، رفتار پیشگیری‌کننده



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی خصوصیات روانسنجی پرسشنامه نحوه حمل کوله پشتی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان بابلسر

چکیده

مقدمه: کوله پشتی به عنوان یکی از رایج ترین راه‌های حمل وسایل به مدرسه است که حمل ناصحیح آن می‌تواند منجر به آسیب‌های جسمی و روانی از جمله ایجاد دردهای عضلانی-اسکلتی در دانش آموزان گردد. علیرغم شیوع بالا حمل ناصحیح کوله پشتی و همچنین نقش موثر آموزش سلامت در تغییر و تصحیح این رفتار، در ایران پرسشنامه استاندارد در این زمینه وجود ندارد. هدف مطالعه حاضر بررسی روایی و پایایی پرسشنامه مربوط به نحوه حمل کوله پشتی در دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه است. **روش بررسی:** پرسشنامه نحوه حمل کوله پشتی در دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان بابلسر (سال ۹۷) از لحاظ روایی (محتوا و صوری) و پایایی (انسجام درونی و ثبات) مورد بررسی قرار گرفت. روایی محتوای کیفی توسط ۱۰ فرد خبره در زمینه آموزش سلامت، اختلالات اسکلتی عضلانی و ابزارسازی ارزیابی گردید. روایی محتوای کمی با استفاده از شاخص روایی محتوا (CVR) و نسبت روایی محتوا (CVR) بررسی شد. دانش آموزان گروه هدف (۱۰ نفر) روایی صوری کیفی را ارزیابی کردند. برای کاهش و حذف گویه‌های نامناسب و تعیین اهمیت هر یک از آنها از روش تاثیر گویه (impact score) در روایی صوری کمی استفاده شد. گویه‌های این پرسشنامه (با امتیاز حداقل و حداکثر ۳۲ تا ۹۲) عبارت بودند از: متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه ای (۱۲ سوال)، دانش (۱۲ سوال با گزینه‌های پاسخ بلی، خیر، نمی‌دانم)، نگرش (۱۰ سوال با گزینه‌های پاسخ کاملا مخالفم تا موافقم) و رفتار (۱۰ سوال با گزینه‌های پاسخ درست است تا نادرست است). انسجام درونی مقیاس بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ و ثبات (بازآزمایی) با فاصله دو هفته با استفاده از ضریب همبستگی درون رده ای (ICC) اندازه گیری شد. داده‌ها با استفاده از SPSS۲۱ ($P < 0.05$) تجزیه و تحلیل شدند. اطلاعات توسط محقق (متخصص آموزش سلامت) جمع‌آوری گردید. ملاحظات اخلاقی شامل کسب کد اخلاق و رضایت آگاهانه بود.

یافته‌ها: یافته‌ها CVI (۰/۹-۱)، CVR (۰/۸-۱) و امتیاز تاثیر (۳-۲/۵) برای کل مقیاس قابل‌قبول بودند. یافته‌ها روایی کیفی از نظر معیارهای رعایت دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، قرارگیری گویه‌ها در جای خود و امتیازدهی، مطلوب بود. دانش آموزان سطح دشواری، میزان عدم تناسب و ابهام گویه‌ها را در بررسی روایی صوری کیفی مناسب ارزیابی کردند. پایایی سازه‌های مقیاس طبق یافته‌ها ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس (۰/۷۷) و زیرمقیاس‌های دانش (۰/۶۸)، نگرش (۰/۸) و رفتار (۰/۷۷) مطلوب بود. همبستگی درون‌رده‌ای برای پرسشنامه (۰/۶۸) و ابعاد دانش (۰/۶۱)، نگرش (۰/۷۱) و رفتار (۰/۷۲) نشان دهنده یافته‌ها در سطح "خوب" بود.

نتیجه گیری: پرسشنامه دانش، نگرش و رفتار حمل کوله پشتی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه از روایی و پایایی لازم برخوردار بود. این ابزار استاندارد می‌تواند جهت طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخلات آموزش سلامت در زمینه ارتقای حمل صحیح کوله پشتی در جمعیت دانش آموزی بکار گرفته شود.

کلید واژه: حمل کوله پشتی، دانش آموز، روان سنجی، اختلال اسکلتی-عضلانی

نیلوفر داداشی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

صدیقه سادات طوافیان

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زینب غلام نیا شیروانی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC)، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. نویسنده مسئول:

۰۱۱۳۲۱۹۰۵۹۳

z.gholamnia@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



شالوم ابزاری برای سنجش سلامت معنوی

پریسا غلامرضامه‌نی

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه
دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. شماره
تماس: ۰۲۲۱۵۶۸۲۱۱۷
Parisamehni2117@gmail.com

فاطمه بهرام نژاد

استادیار گروه پرستاری مراقبت ویژه، دانشکده
پرستاری و مامایی تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران،
تهران، ایران

مریم موسوی

دانشجو کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه دانشگاه
علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

بنفشه قربانی

دانشجو کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه دانشگاه
علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سلامت معنوی فرایندی پیچیده از تکامل انسان است که شاخصی از کیفیت معنوی زندگی و جنبه‌ای از سلامت انسان که فراتر از ابعاد فیزیکی، روحی و اجتماعی است. اندازه‌گیری ابعاد معنویت موضوع مهمی است در علوم بهداشتی است زیرا معنویت پیامدهای مختلفی بر سلامت جسمی و روحی می‌گذارد. با بررسی ابعاد مختلف معنویت می‌توان پی برد که کدام ابعاد معنویت باعث یافته‌ها بهتر در سلامت جسمی و روحی می‌شود. بررسی معنویت به دلیل این‌که هر اندازه‌گیری نمی‌تواند کامل باشد، بسیار پیچیده است و تنها نشان دهنده پدیده یا عواقب آن است، زیرا نمی‌تواند مستقیماً اندازه‌گیری شود از این‌رو نیاز به ابزارهای معتبر برای ارزیابی سلامت معنوی است. شالوم یک روش منحصر به فرد برای ارزیابی سلامت معنوی است؛ زیرا آرمان‌های هر فرد را با تجارب زندگی خود مقایسه می‌کند و در هر یک از چهار حوزه، یک معیار هماهنگی معنوی یا ناسازگاری ارائه می‌دهد. کند. شالوم در واقع دو معیار سلامت معنوی را تشکیل می‌دهد. شامل معیار بهداشت روانی (Spiritual Health measure) که جزء تجربه زندگی است و معیار (life Orientation Measurement) که شامل آرمان‌هایی برای رفا معنوی است. که این دو معیار با همدیگر سلامت معنوی و اندازه‌گیری جهت زندگی را (شالوم) می‌سازند.

روش بررسی: مطالعه مروری حاضر با جست وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی قابل دسترس شامل: Google scholar.science direct.PubMed.Scopus.up-to-date.springer.web of science از کلیدواژه‌هایی همچون -Spiritual Health And Life-، spiritual care، nursing، spiritual health، از کیدواژه‌هایی همچون Orientation Measure بدون محدودیت زمانی انجام شد. در مجموع پس از بررسی ۴۰ مقاله، ۲۲ مقاله دارای معیارهای ورود، وارد مطالعه شدند.

یافته‌ها: سلامت معنوی دارای ۴ حوزه می‌باشد: حوزه شخصی: که مربوط به درون خود شخص با توجه به معنا، هدف و ارزش در زندگی است. حوزه عمومی: کیفیت و عمق روابط بین فردی بین خود و دیگران با توجه به اخلاق، فرهنگ و مذهب بیان می‌کند. حوزه ارتباط با محیط زیست حوزه متعالی: رابطه خود با چیزی یا بعضی فراتر از سطح انسانی است که شامل ایمان به سمت، پرستش و عبادت، منبع رمز و راز جهان است در مدل شالوم، سلامت معنوی در کیفیت روابطی که افراد در یک یا چهار حوزه سلامت معنوی دارند، منعکس می‌شود. سلامت معنوی و اندازه‌گیری جهت زندگی را (شالوم) می‌سازند. شالوم شامل بیست مورد در چهار حوزه است که منعکس کننده سلامت معنوی است که در حوزه شخصی: احساس هویت، خودآگاهی، شادی در زندگی، صلح درونی و معنای زندگی؛ در حوزه عمومی: عشق به دیگران، بخشش نسبت به دیگران، اعتماد بین افراد، احترام به دیگران، مهربانی نسبت به دیگران، در حوزه محیط زیست: ارتباط با طبیعت، همبستگی با طبیعت، هماهنگی با محیط زیست و در حوزه ارتباط با خدا: ارتباط شخصی با الهی، عبادت خالق، اتحاد با خدا، صلح با خدا و نماز یا دعا خواندن ارزیابی می‌شود. از شالوم در جهت سنجش سلامت معنوی دانش آموزان و دانشجویان، معلمان، پرستاران، پزشکان، مراجعین کلیسا، در زمینه‌های صنعت و تجارت، در زمانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، جوانان دچار مشکل و افراد الکلی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: نقش سلامت معنوی در سلامت روحی و جسمی و توانایی افراد در مقابله با بیماری‌ها ثابت شده است. شالوم یک ابزار مفید و آسان برای ارزیابی سلامت بیماران می‌باشد که پرستاران با استفاده از آن می‌توانند نیازهای معنوی بیماران را ارزیابی کرده و با برطرف کردن نیازهای معنوی بیماران کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشد زیرا سلامت معنوی برای بسیاری از بیماران یک منبع حیاتی در مقابله با بیماری و جزء مهمی از کیفیت زندگی است.

کلید واژه: سلامت معنوی، مراقبت معنوی، پرستاری، شالوم



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه سواد سلامت با وضعیت سلامت عمومی، رفتارهای پیشگیرانه و استفاده از خدمات سلامت در بزرگسالان

چکیده

مقدمه: سواد سلامتی عبارت است از مهارت‌های شناختی و اجتماعی، که تعیین کننده ی انگیزه و قابلیت افراد در دستیابی، درک و به کارگیری اطلاعات به طریقی است که منجر به حفظ و ارتقاء سلامت آنها میگردد. افراد با سواد سلامت ناکافی، با احتمال کمتری اطلاعات نوشتاری و گفتاری ارایه شده توسط متخصصان سلامتی را درک و به دستورات داده شده توسط آنها عمل می کنند. از این رو سواد سلامت به عنوان یکی از موضوعات مهم برای ارتقای سطح سلامت جامعه مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. با توجه به نقش بزرگسالان به عنوان گروه مولد جامعه، این مطالعه برای تعیین ارتباط سواد سلامت با وضعیت سلامت عمومی، رفتارهای پیشگیرانه و استفاده از خدمات سلامت در بزرگسالان انجام شد.

روش بررسی: مطالعه ی حاضر مروری بوده و با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و موتورهای جستجوی نظیر PubMed، ProQuest، ScoPus، Elsevier و واژه‌های کلیدی "سواد سلامت"، "رفتارهای پیشگیرانه" و "بزرگسالان" انتخاب شدند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی IRANMEDEX، MEDLIB و نیز جستجوی مقالات از سایت‌های مجلات علمی پژوهشی داخلی انجام گرفت. بازه ی زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۷ میلادی بود.

یافته‌ها: سطح سواد سلامت ناکافی، در بزرگسالان، میزان تحصیلات کمتر، درآمد پایین تر و در زنان شایع تر بود. در بررسی مطالعات انجام شده، بین سطح سواد سلامت و مراجعه به پزشک، انجام رفتارهای پیشگیرانه و وضعیت سلامت عمومی ارتباط آماری معنی داری دیده شد. به نحوی که افراد دارای سواد سلامت ناکافی بیشتر به پزشک مراجعه میکردند و سابقه بستری بیمارستان آنها بیشتر بود. افراد با سطح سواد سلامت بهتر، وضعیت سلامت عمومی خود را بهتر ارزیابی کردند، همچنین بیش از سایرین نسبت به انجام رفتارهای پیشگیرانه مبادرت ورزیدند.

نتیجه گیری: به طور کلی این مطالعه ی مروری سطح سواد سلامت را در بزرگسالان بسیار ناکافی نشان داد که این خود لزوم توجه بیشتر به امرسواد سلامت را در برنامه‌های ارتقای سلامت می رساند. از این رو با تدوین برنامه‌های جامع، ایجاد رسانه‌ها و مواد آموزشی ساده و قابل فهم و همچنین مداخلات آموزشی کارآمد برای افراد با سواد سلامت ناکافی می توان گامی مؤثر برای توسعه مهارت‌های سواد سلامت و ارتقای سلامت در جامعه برداشت و از این طریق می توان تأثیرات منفی سواد سلامت پایین را در جامعه کاهش داد.

کلید واژه: سواد سلامت، رفتارهای پیشگیرانه و بزرگسالان

زینب غلامرضایی سرولات

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۰۲۰۴۲۹۴۸
Gholamrezaee.68@gmail.com

رقیه محمدپور

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت مادران و پیروی از رژیم مکمل (ویتامین - آهن) کودکان زیر دو سال

سعیده فاکهی خراسانی

* کارشناس ارشد آموزش و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۱۱۰۸۴۱

Fakehiks1@mums.ac.ir

نوشین پیمان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، مشهد، ایران

حبیب اله اسماعیلی

دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: پایبندی بد یک مانع جدی برای موفقیت در اقدامات پیشگیرانه از بیماریهاست. در سالهای اخیر سواد سلامت به عنوان یک عامل بالقوه و موثر در آموزش بهداشت و به عنوان ابزار پیشگیری در پایبندی به درمان، توجه فزاینده ای دریافت کرده است. مطالعه حاضر به منظور بررسی ارتباط بین سواد سلامت مادران و پیروی از رژیم مکمل یاری روزانه (مولتی ویتامین-آهن) کودکان زیر دو سال آنان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی ۲۵۱ مادر دارای کودک زیر ۲۴ ماه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد به روش خوشه ای تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار سنجش سواد سلامت پرسشنامه سواد سلامت عملکردی بالغین بود. معیار پیروی از رژیم مکمل، گزارش مادران از تعداد روزهای خوردن قطره آهن و ویتامین به کودکان در هفته گذشته بود. تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله نرم افزار Spss۲۲ انجام شد.

یافته ها: ۴۲ درصد مادران شرکت کننده در این مطالعه سواد سلامت ناکافی داشتند. برخلاف فرض ما ارتباط معنا داری بین سواد سلامت و گزارش مادران از پایبندی به رژیم مکمل (آهن-ویتامین) مشاهده نشد ($p = 0/590$). پایبندی کافی مادر با سن کم کودک ($p = 0/005$) و گزارش مادر از فواصل قطع مصرف مکملها ارتباط آماری معنا داری داشت ($p < 0/001$). بین پایبندی کافی مادر و سن مادر ($p = 0/135$) میزان تحصیلات ($p = 0/146$)، میزان آگاهی ($p = 0/124$)، شغل ($p = 0/978$) و وضعیت اقتصادی خانوار ($p = 0/598$) ارتباط آماری معنا داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: ارتباط سواد سلامت و گزارش شخصی مادران از پیروی از رژیم مکمل روزانه آهن-ویتامین می تواند تحت تاثیر عوامل شناختی واسطه ای قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، پیروی، مکمل یاری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اپیدمیولوژی علت مرگ و میر مادران و راهکار آن

چکیده

مقدمه: امروزه سلامت مادران از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا با نبود مادر، خانواده از هم پاشیده و از بین میرود. بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۰) اقدامات صورت گرفته در زمینه سلامت مادران ناکافی بوده و فعالیتهای فوری باید در جهت افزایش مداخلات موثر و حقیقی به منظور بهبود بهداشت باروری و مادری ایمن انجام گردد.

روش بررسی: این مطالعه بصورت مروری بایه‌ره گیری از ۱۵ مقاله جستجو شده در سایت جهاد دانشگاهی pubmed انجام شده است.

یافته‌ها: وجود عواملی همچون: فقر، سوء تغذیه، شرایط محیطی نامناسب، بعد فاصله، فرهنگهای مختلف بومی، تعریفها، تبعیض جنسیتی، محدودیت در تحصیل و یا پایین بودن سطح تحصیلات زنان، کمترین بودن فرصتهای کسب درآمد و... همگی نشان دهنده فرصتهای از دست رفته بمنظور ارتقای سطح سلامت مادران میباشد. مطالعات نشان داد که ۷۵٪ موارد مرگ در مقطع زایمان یا پس از زایمان اتفاق افتاده است که نشانه‌ای از اهمیت مراقبتهای حین و پس از زایمان است. بررسیها نشان میدهد که در سرتاسر دنیا تقریباً هر ۱۰ زایمان ۶ زایمان با حضور افراد ماهرا انجام میشود که این امر موجب کاهش میزان مرگ و میر مادران باردار میشود. طبق تحقیقات شایعترین علت مرگ مادران در ایران عبارتست از: خونریزی حین یا پس از زایمان، اکلامپسی، بیماریهای قلبی عروقی همراه با بارداری، عفونت پس از زایمان، خونریزی دوران بارداری، عوارض سقط جنین، آمبولی ریه، لازم بذکر است یک اصل مشترک در تمام مادرانی که فوت کرده اند، دریافت ناکافی درمان یا شروع دیر هنگام درمان است. تازه ترین آمار مرگ و میر در امریکا حاکی از آن است که مرگ و میر خانمها بعلت چند عامل عمده تغییر شیوه زندگی یک زن، به عهده داشتن مسئولیت دوگانه اجتماعی و خانوادگی، استرس، سقط غیر بهداشتی و پرخطر در حال افزایش است.

نتیجه گیری: اگر همه زنان به مداخلات لازم برای جلوگیری یا درمان عوارض ناشی از بارداری، یا زایمان دسترسی داشته باشند، از ۷۵٪ مرگهای مادری پیشگیری خواهد شد. در این زمینه مداخلات و راهکارهای زیر مطرح می‌باشد: با توجه به موارد مرگ در مقطع زایمان یا پس از زایمان که نشانه‌ای از اهمیت مراقبتهای حین و پس از زایمان است، آموزش کادر درمان در خصوص بررسی وضعیت مادران در این مقطع لازم می‌باشد. شناسایی شکاف ما بین پوشش و کیفیت خدمات مراقبتی در حین ارائه این خدمات به مادران و طراحی و اجرای مداخلات موثر جهت از بین بردن شکاف مذکور. افزایش مشاوره‌های بهداشت باروری برای زنان، مردان و نوجوانان به منظور اجتناب از بارداری‌های ناخواسته، برنامه ریزی نشده و سقطهای غیر ایمن انجام مطالعات ثانویه بر روی کلیه مطالعات کشوری در زمینه مرگ و میر مادران و ارائه مدل‌های مناسب کاهش آسیب در این مورد

کلید واژه: بارداری - زایمان - مرگ و میر - مادران

سهیلا فتحعلی زاده

* دانشگاه علوم پزشکی مشهد / مشهد / ایران

مهناز چاهی پور

مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اپیدمیولوژیک و ریسک فاکتورهای سرطان دستگاه گوارش

سهیلا فتحعلی زاده

* دانشگاه علوم پزشکی مشهد/مشهد/ایران

مهناز چاهی پور

مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد

چکیده

مقدمه: براساس آمار WHO، تا سال ۲۰۲۰ با زندگی سالم، تغذیه صحیح و فعالیت بدنی مناسب و دوری از عوامل سرطان‌زای متوان جان دومیلیون نفر را نجات داد. ۴۰٪ موارد ابتلا به سرطان جلوگیری کرد. بدلیل اینکه سرطانهای دستگاه گوارش قابلیت غربالگری موثر برای آنها وجود ندارد، دومین با قدر آنها پایین است، شناسایی ریسک فاکتورهای بروز آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

روش بررسی: مطالعه مورد نظر بصورت مروری با استفاده از مقالات دیگر تهیه شده است.

یافته ها: براساس نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده: در تحقیقی که در رشت انجام شد: ارتباط معناداری بین شاخص توده بدن، سابقه پولیپ روده، بیماریهای التهابی روده، دیابت، سابقه سرطان کولورکتال در فامیل درجه یک و سرطان کولورکتال وجود دارد. همچنین ارتباط معناداری بین دو گروه مورد مطالعه (متلا و غیر متلا) از نظر استعمال سیگار، مصرف میوه جات و سبزیجات، محصولات لبنی، مصرف گوشت قرمز، وضعیت اجابت مزاج، ورزش وجود دارد. نتایج تحقیقی که در تهران انجام شد: ۳۸،۲٪ شاخص توده بدنی در حد افزایش وزن و بالاتر داشته و رفتارهای غذایی هیچیک از آنان در سطح مطلوب نبوده است. ۴۰،۴٪ از افراد مورد مطالعه هیچگاه مستقیم بانورخوردند. ۶۲٪ از افراد باماده سفید کهنه تماس داشتند. ۴۶٪ از افراد دچار عصبانیت می شدند و ۴۷٪ BMI طبیعی نامطلوب داشتند. نتایج تحقیقات ژاپنی نشان داد: بین مصرف غذاهای ژاپنی مانند ماهی خشک و نمک سود شده و میرایی ناشی از سرطان معده ارتباط مثبتی وجود دارد. براساس تحقیقات: سن بالا، جنس مذکر، عادات غذایی ناصحیح مانند مصرف فراوان غذاهای پرنمک، ترشیجات، غذاهای دودی و عدم مصرف کافی سبزیجات و میوه ها، زندگی کم تحرک، مصرف سیگار و الکل، سابقه فامیلی مثبت، در کنار سابقه پزشکی فردی مانند آلودگی به هلیکوباکتریلوری، گاسترکتومی، آنتی پرنیسیوز، پولیپ معده، متاپلازی روده ای (در سرطان معده) سابقه مری بارت، آسلازی، سابقه بیماری کرون، کولیت اولسروز، پولیپ آدنوماتوز (در سرطان کولورکتال) از ریسک فاکتورهای مهم میباشد. در برخی از تحقیقات دیده شده: آنتی اکسیدانها از قبیل بتاکاروتن و اسید اسکوربیک مانع شکل گیری عوامل سرطان‌زای میشوند که این مصونیت به دنبال مصرف میوه و سبزیجات فراهم میشود.

نتیجه گیری: نظریه اینکه عادات غذایی در سطح مطلوب نبوده لذا نظر مسئولان مرتبط با سلامت مردم نظیر موسسات درگیر با امر سرطان، رسانه‌های خبری، آموزش و پرورش، آموزش عالی و وزارت کار را به امر خطیر اطلاع رسانی و افزایش آگاهی مردم در زمینه عادات غذایی پیشگیری جلب می کنند. تعدیل رژیم غذایی به سمت افزایش مصرف میوه ها و سبزیجات تازه بویژه مرکبات و کاهش مصرف نمک، غذاهای نمک سود شده و گوشت‌های فرآوری شده میتواند یک استراتژی و راهکار مهم در کنترل و پیشگیری از سرطان باشد و از آنجایی که غربالگری سرطان مشکل و پرهزینه است راهکارهای پیشگیری اولیه نسبت به تداخلات درمانی جهت کنترل این بیماری در اولویت است.

کلید واژه: سرطان، دستگاه گوارش، ریسک فاکتور



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اضطراب امتحان در دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر قم و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: اضطراب امتحان یکی از شایعترین مشکلات روانی که نقش مخرب و بازدارنده‌ای در سلامت روانی و آموزشی دانش آموزان بخصوص دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی که می‌تواند عملکرد فرد را مختل کند و منجر به عدم موفقیت در امتحان گردد.

روش بررسی: این تحقیق یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی بود که در آن تعداد ۲۵۰ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس جهت بررسی انتخاب شدند. جهت انجام تحقیق از پرسشنامه استاندارد اضطراب امتحان TAI استفاده گردید. داده‌ها در SPSS با استفاده از آزمونهای واریانس یک طرفه و T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معناداری $P < 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** در این مطالعه ۵۰٪ (۱۲۵ نفر) از دانش‌آموزان پسر و ۵۰٪ (۱۲۵ نفر) دختر بودند. ۲۱/۲٪ (۵۳ نفر) دارای اضطراب امتحان بالا، ۴۸/۴٪ (۱۲۱ نفر) اضطراب امتحان متوسط و ۳۰/۴٪ (۷۶ نفر) اضطراب امتحان پایین بودند. یافته‌ها اختلاف معناداری را در نمره اضطراب امتحان بر حسب جنس نشان داد ($P = 0.006$). و همچنین بر حسب سطح تحصیلات والدین (پدر و مادر) نشان داد ($P = 0.008$) و ضریب همبستگی پیرسون همبستگی معکوس و معنی‌داری بین اضطراب امتحان با معدل دانش‌آموزان مورد بررسی نشان داد ($r = -0.283$ و $P = 0.003$).

نتیجه‌گیری: با توجه به میزان بالای اضطراب امتحان در بین دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی، و با در نظر گرفتن تأثیر منفی اضطراب بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، لزوم بکارگیری خدمات روانشناسی و مشاوره، و برنامه‌ریزی جهت کمک‌رسانی برای پیشبرد اهداف بهداشت روانی دانش‌آموزان به منظور پیشگیری از خسارات جسمانی، روانی، تحصیلی و اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه: اضطراب امتحان، امتحان، دانش‌آموزان

اعظم فتحی

دانشجوی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

جواد حکیم الهی

استادیار، گروه اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم
پزشکی قم، قم، ایران

سامان برمه زیار

پزشک عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

سیامک محبی

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت، دانشیار گروه
آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی
قم، ایران. ۰۹۱۸۳۳۰۴۲۹۷

mohebisiamak@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط خود مراقبتی با وضعیت سلامت و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به آرتروز روماتوئید مراجعه کننده به کلینیک روماتولوژی شهرقم در سال ۱۳۹۴

اعظم فتحی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

جواد حکیم الهی

گروه پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

میثم فدایی

گروه پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد واحد قم، قم، ایران

زینب کریمی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

سیامک محبی

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۳۰۴۲۹۷

mohebisiamak@yahoo.com

چکیده

مقدمه: آرتروز روماتوئید یک بیماری التهابی خود ایمنی که منجر به تخریب مفصل و ناتوانی بیماران می‌شود. افراد مبتلا به این بیماری در معرض کاهش کیفیت زندگی هستند. کیفیت زندگی متفاوت از وضعیت سلامت است. عامل کلیدی در مدیریت موفق آرتروز روماتوئید، داشتن رفتار خود مراقبتی مناسب است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین کیفیت زندگی، وضعیت سلامت و رفتار خود مراقبتی در بیماران آرتروز روماتوئید شهر قم انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۲۰۰ بیمار آرتروز روماتوئید مراجعه کننده به کلینیک روماتولوژی شهر قم انجام شده است. ابزار کار پرسش نامه شامل سازه‌های کیفیت زندگی (SF-۳۰)، وضعیت سلامت (SF-AIMS) و رفتارهای خود مراقبتی بوده است که از طریق مصاحبه تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی ۴۸/۳+۱۰/۳۹ سال و ۷۷٪ خانم و ۲۳٪ آقا بودند. یافته‌ها همبستگی بین خودمراقبتی و کیفیت زندگی با سن بیماران ارتباط معنی‌دار معکوس نشان داد و بین خودمراقبتی و کیفیت زندگی نیز ارتباط معنی‌دار مثبت وجود داشت و هرچه میزان خودمراقبتی بیشتر باشد، کیفیت زندگی بیماران نیز در وضعیت مطلوب‌تری بود ($P < 0.001$, $r = 0.583$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، متغیرهای رفتارهای خودمراقبتی بطور غیر مستقیم و از طریق وضعیت سلامت بر روی کیفیت زندگی بیماران آرتروز روماتوئید موثر است. شناسایی بهتر عوامل پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی بیماران آرتروز روماتوئید، توسط کارکنان بهداشتی به منظور مداخلات موثر بهداشتی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی این بیماران ضروری می‌باشد.

کلید واژه: آرتروز روماتوئید، کیفیت زندگی، وضعیت سلامت، رفتارهای خودمراقبتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت بزرگسالان ۶۵-۱۵ سال شهرستان بوئین میاندشت

چکیده

مقدمه: سواد سلامت ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی پایه مورد نیاز برای تصمیم گیری‌های سلامتی می‌باشد. مطالعه حاضر به منظور تعیین سواد سلامت افراد ۶۵-۱۵ سال شهرستان بوئین میاندشت طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی بود که در سال ۱۳۹۳ بر روی ۳۰ نفر از افراد ۶۵-۱۵ سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی شهرستان بوئین میاندشت با استفاده از نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ و آزمون‌های آماری تی تست، کای دو، ضریب همبستگی و رگرسیون انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاصل از این پژوهش نشان داد سواد سلامت کل در تقریباً ۹۰٪ افراد در شهرستان بوئین میاندشت در سطح ضعیف و متوسط برآورد شد و حدود ۱۰٪ در سطح کافی قرار داشتند. میزان دسترسی به منابع اطلاعاتی سلامت در شهرستان بوئین حدود ۴۶٪ نامناسب و ۴۰٪ متوسط بود. اما در سازه خواندن حدوداً ۵۰٪ افراد در سطح کافی توانا بودند. ۶۳٪ افراد مطالعه در توانایی درک اطلاعات سلامت در حد ضعیفی بودند و ۷۰٪ از توان تفسیر و قضاوت ضعیف و پائینی در اطلاعات سلامت برخوردار بودند. تقریباً ۶۳٪ افراد از قدرت تصمیم گیری و ارتباط کافی برخوردار بودند. حدود ۳۶٪ افراد دارای دانش کافی، و ۲۰٪ دارای دانش متوسط و ۴۶٪ افراد دارای دانش ناکافی و کم از اطلاعات سلامت بودند. تقریباً ۶۳٪ در سازه توانمندسازی فردی در حوزه سلامت سطح ضعیفی داشتند. اما علیرغم اینکه هیچ یک از افراد شهرستان بوئین میاندشت در سطح مطلوبی از توانمندسازی فردی سلامت برخوردار نبودند، در سازه توانمندسازی اجتماعی نیمی از افراد سطح کافی و مطلوب داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به پائین بودن سطح سواد سلامت شهرستان بوئین میاندشت و اهمیت آن در بهبود سبک زندگی و ارتقای سلامت، مداخلات آموزشی به منظور توسعه مهارت‌های سواد سلامت در جامعه ضروری است و پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها و مواد آموزشی قابل فهم تر طراحی و استفاده شود.

کلید واژه: سواد سلامت، بوئین میاندشت، پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان (HELIA)

فرزانه فتحی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
۰۹۱۳۴۷۱۲۵۳۵

f.fathi1392@gmail.com

دکتر منصور شیری

کارشناس مسئول آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،
اصفهان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت مادران بیماران بستری در بخش اطفال

مریم فخربراتی

* کارشناس ارشد پرستاری بهداشت جامعه، مجتمع آموزش عالی سلامت قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۷۰۶۶۵۸۴، fakhrbaratim@yahoo.com

عبدالقائم قرباتی

کارشناس پرستاری، بیمارستان موسی بن جعفر قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت کسب، پردازش، درک اطلاعات اساسی و خدمات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سلامت اطلاق می‌گردد؛ که یک فاکتور مهم و قابل اصلاح جهت بهبود دستیابی به اطلاعات بهداشتی، نحوه ی ارتباط با ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و جهت یابی نسبت به سیستم مراقبت سلامت است. با توجه به اهمیت بالای سواد سلامت در مادران و تاثیر مستقیم آن بر روی سلامت کودکان، مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت سواد سلامت مادران دارای کودک بستری در بخش اطفال انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی- تحلیلی است که به روش مقطعی در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. جامعه مورد پژوهش مادران بیماران بستری در بخش اطفال بیمارستان حضرت موسی بن جعفر (ع) قوچان و تعداد نمونه ۲۶۲ نفر بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سواد سلامت عملکردی در بالغین (TOFHLA) بود. روایی ابزار پژوهش از طریق تعیین ایندکس روایی محتوا و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری spss نسخه ۱۸ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی مادران مورد بررسی 27.2 ± 6.67 و میانگین نمره سواد سلامت مادران 14.65 ± 6.85 بود؛ به طوری که سواد سلامت ۲۴٪ ناکافی، ۲۲.۷٪ مرزی و ۵۳.۳٪ سواد کافی داشتند. سواد سلامت با تحصیلات ($P < 0.001$) و شغل ($P < 0.001$) ارتباط معناداری داشت.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد هر چند بیش از نیمی از مادران سواد سلامت کافی داشتند ولی با توجه به اهمیت سواد بهداشتی مادران در سلامت کودکانشان لازم است مسئولین بهداشتی کشور، برنامه‌های آموزشی بیشتری جهت ارتقای سطح سواد سلامت و توانمندسازی این قشر تدوین کنند. همچنین ارائه آموزش‌ها توسط پرسنل بیمارستان در زمان بستری کودکان با وسایل کمک آموزشی و به صورت شفاهی به مادران آنها جهت کاهش دفعات بستری توصیه می‌گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، مادران، کودکان بستری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش بر سواد سلامت بیماران دیابتی نوع ۲ روستای حسین آباد شهرستان آران و بیدگل در سال ۹۵

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به معنای میزان ظرفیت فرد در کسب، پردازش و درک اطلاعات بهداشتی پایه و خدمات بهداشتی مورد نیاز جهت اخذ تصمیمات بهداشتی آگاهانه است. سطح سواد سلامت بهداشتی در مراقبت و درمان بیماریهای مزمن مانند دیابت تاثیر دارد هدف از این مطالعه بررسی تاثیر آموزش بر سواد سلامت بیماران دیابتی نوع ۲ در روستای کاغذی و حسین آباد شهرستان آران و بیدگل می باشد. **روش بررسی:** این مطالعه به شیوه نیمه تجربی شاهددار (آزمون - کنترل) در سال ۹۵ روی ۱۲۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲، دارای پرونده دیابت در دو خانه بهداشت روستای حسین آباد و کاغذی شهرستان آران و بیدگل در قالب گروه های مداخله (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) انجام شد. نمونه گیری به صورت سرشماری انجام شد و به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه های دموگرافیک، آگاهی، رفتارهای تغذیه ای و سواد سلامت بهداشتی بزرگسالان ایرانی (HELIA) استفاده شد. پرسشنامه برای هر دو گروه تکمیل شد و جلسات آموزشی به مدت چهار هفته برای گروه مداخله برگزار شد. دوماه پس از مداخله آموزشی، پرسشنامه پس از آزمون برای هر دو گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. اطلاعات جمع آوری شده از طریق نرم افزار SPSS ۱۷ با بکارگیری آمارهای توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمونهای آماری تی تست، ضریب همبستگی، آنالیز واریانس ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته های مطالعه نشان داد که میانگین نمرات آگاهی، رفتارهای تغذیه ای و سواد سلامت بین دو گروه کنترل و مداخله قبل از اجرای برنامه آموزشی اختلاف معنادار آماری نداشت ($P < 0.05$) ولی بعد از آموزش، میانگین نمرات آگاهی، رفتارهای تغذیه ای و سواد سلامت بین دو گروه کنترل و مداخله تفاوت آماری معنی داری داشت ($P < 0.01$).

نتیجه گیری: یافته ها این مطالعه حاکی از اثربخشی مداخله آموزشی از طریق برگزاری جلسات و کارگاه های آموزشی در مورد بیماران دیابتی است که با توجه به مزایای این روش از قبیل مقرون به صرفه بودن و دسترسی آسان، لازم است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: آموزش، سواد سلامت، دیابت، بیماران روستایی

الهام فداییان آرانی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فرخنده امین شکروی

*دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ۰۹۱۲۲۵۰۵۹۷۷

Aminsh_f@modares.ac.ir

حمید توکلی قوچانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثر آموزشهای ارائه شده در کلاسهای آمادگی برای زایمان بروی آگاهی مادران

نسرین فرشباف قاسمی راسخ

* کارشناس مادران معاونت بهداشتی دانشگاه علوم

پزشکی تبریز، تبریز، ایران

farshbafn@tbzmed.ac.ir

رزیتا فیروزیان

دانشجوی دکترا مدیریت خدمات بهداشتی درمانی،

کارشناس مادران معاونت بهداشتی دانشگاه علوم

پزشکی تبریز، تبریز، ایران

firoozniar@tbzmed.ac.ir

ناهید عارف حسینی

کارشناس میانسالان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم

پزشکی تبریز

دکتر ناصر رهبری فرزو

مدیر گروه واحد سلامت جمعیت و خانواده معاونت

بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

چکیده

مقدمه: به طور یقین دوران بارداری برای هرزوجهی بخصوص در اولین بار تجربه ناشناخته است و قرار گرفتن در این وضعیت جدید بدون داشتن آگاهی، موجب ترس و نگرانی می‌شود. بدون شک اضطراب و ترس ناشی از ندانستن اطلاعات مورد نیاز این دوران موجب خستگی و ناتوانی در تصمیم گیری درست می‌شود. لذا این مطالعه با هدف اثر آموزشهای ارائه شده در کلاسهای آمادگی برای زایمان بروی آگاهی مادران انجام گرفت.

روش مطالعه: این مطالعه توصیفی - تحلیلی است. داده هادر برنامه نرم افزاری Excel جمع بندی و تحلیل شده است انجام روش زایمان در زنان مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: ۱۷٪ از جمعیت استان آذربایجان شرقی را در طول سال ۹۶ مادران باردار تشکیل داده اند. در سال ۹۶ مادران شرکت کننده در کلاسهای آمادگی برای زایمان در واحدهای ارائه خدمت بخش دولتی ۷۱۹۳ نفر از ۴۴۲۵۰ نفر کل مادر بوده است که ۳۱٪ این مادران کلیه آموزشهای موردنیاز دوران بارداری را مطابق با پروتکل کشوری دریافت نموده اند.

نتیجه گیری: مطالب ارائه شده در کلاسهای آمادگی برای زایمان که مطابق با پروتکل کشوری می‌باشد هم به صورت شفاهی و هم به صورت عملی و فیلم آموزشی می‌باشد لذا مادر کلیه آموزشها را نه تنها کامل دریافت می‌نماید بلکه با توجه به متد ارائه شده می‌تواند آن را به صورت کاربردی در دوران بارداری، زایمان و پس از زایمان استفاده نموده وبا افزایش آگاهی مادر می‌تواند بر بسیاری از مشکلات خود در دوران بارداری غلبه نماید. که توسط خود مادر قابل حل می‌باشد که در این دوران بوجود می‌آید را به راحتی برای مادران تشکیلی می‌گردد.

کلید واژه: زایمان فیزیولوژیک، زایمان طبیعی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش همسالان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای تغذیه ای دانش آموزان پنجم ابتدایی مدارس مروج سلامت شهر فریمان

چکیده

مقدمه: کودکان و نوجوانان بیش از دیگر گروه‌های سنی به تغذیه کافی و سالم نیاز دارند تا بتوانند به رشد جسمی و تکامل ذهنی کافی دست یابند. عادات و الگوهای غذایی که در دوران کودکی شکل گرفته و تا پایان زندگی باقی می‌ماند. برای اینکه کودکان بتوانند مهارت‌های لازم برای انتخاب صحیح مواد غذایی را به دست بیاورند به آموزش تغذیه نیاز دارند.

روش بررسی: در این بررسی نیمه تجربی تعداد ۱۹۳ دانش آموز پایه پنجم ابتدایی از طریق نمونه گیری خوشه ای دومرحله ای از مدارس مروج سلامت شهر فریمان انتخاب و به دو گروه کنترل و مداخله تقسیم شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پیش از آزمون از هر دو گروه به عمل آمد.

بر اساس یافته‌ها حاصل از پیش آزمون، نیازسنجی تدوین و محتوای آموزشی طراحی گردید. سپس ۲۰ نفر از دانش آموزان توانمند و علاقمند به عنوان آموزش دهندگان همسال انتخاب و طی ۳ جلسه ی یک ساعته به همراه یک جلسه پرسش و پاسخ در مدارس مداخله، آموزش داده شد. بعد از اتمام دوره آموزشی به مدت ۲ ماه آموزشگران همسال در نقش بهداشتیار تغذیه و به عنوان یادآور به کار گرفته شدند. پس از مداخله، پرسشنامه پس آزمون توسط همان دانش آموزان (مدارس مداخله و شاهد) تکمیل گردید. اطلاعات بوسیله نرم افزار SPSS و آزمونهای آماری تی زوجی، تی مستقل، رگرسیون و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که قبل از مداخله، میانگین نمرات آگاهی، منافع، موانع، حساسیت و شدت درک شده و خودکارآمدی بین دو گروه تفاوت معنی داری نداشتند ($P < 0.05$) اما پس از آموزش، میانگین نمرات کلیه سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی در گروه مداخله تفاوت معناداری نسبت به گروه کنترل نشان داد ($P < 0.05$) مدل رگرسیونی شامل رفتار به عنوان متغیر وابسته و آگاهی، حساسیت و شدت درک شده، منافع و موانع درک شده و خودکارآمدی به عنوان پیش بینی کننده ها، معنادار شد ($p = 0.01$) بطوریکه منافع درک شده بیشترین تاثیر را بر رفتار داشته و به ازای یک واحد افزایش در متغیر منافع درک شده، ۰/۹۶ واحد افزایش در متغیر رفتار ایجاد می‌شود.

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان داد که آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی از طریق همسالان بر رفتار تغذیه ای دانش آموزان تأثیر مثبت دارد بطوریکه قبل از مداخله ۶/۸٪ دانش آموزان گروه مداخله دوستان را به عنوان منبع راهنما برای عمل اعلام نمودند اما بعد از مداخله و تحت تاثیر آموزش همسالان درصد دانش آموزانی که دوستان را به عنوان منبع کسب اطلاعات تغذیه ای نام بردند به ۵۶/۴٪ افزایش یافت، که این نشان دهنده افزایش اعتماد دانش آموزان به همسالان خود به عنوان منبع اطلاعاتی می‌باشد.

کلید واژه: رفتارهای تغذیه ای، مدل اعتقاد بهداشتی، آموزش همسالان، مدارس مروج سلامت

تکتم فرغانی

* لیسانس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱-۳۴۶۳۰۱۱۶

E-mail : forghanit1@mums.ac.ir

طاهره حسن زاده

لیسانس آمار، مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

اعظم رضائی دانش

لیسانس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

زهرا قلی زاده

لیسانس روانشناسی، مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر امنیت غذایی بر سلامت زنان عضو خانوارهای شهرستان اندیمشک

مهدیه رحیمی نژاد

دانشجوی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی،
دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،
ایران.

همایون فرهادیان

* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده
کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۰۴۹۸۱۵۴

homayonfarhadian@modares.ac.ir

شهلا چوبچیان

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده
کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: امنیت غذایی یعنی دسترسی همه افراد یک جامعه، در تمام ادوار عمر به غذای کافی و سالم برای داشتن زندگی فعال مطابق با ترجیحات غذایی گفته می‌شود. گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۷) بیان می‌کند که مرد یا زن بودن با توجه به تفاوت جنسیتی و زیستی تأثیر قابل توجهی بر سلامتی دارد. سلامت زنان و دختران از نگرانی خاصی برخوردار است، زیرا در بسیاری از جوامع، آن‌ها به علت تبعیضی که ریشه در عوامل اجتماعی-فرهنگی دارد، محروم می‌مانند. در حالی که فقر مانع مهمی برای سلامتی زنان و مردان است، اما به عنوان مثال، به دلیل شیوه‌های تغذیه (سوءتغذیه) و استفاده از سوخت‌های ناسالم برای پخت‌وپز، اثر آن بر میزان سلامتی زنان و دختران بیشتر است. تغذیه از بسیاری جهات بر سلامتی تأثیر می‌گذارد. عدم تعادل مواد مغذی در بدن، چه کمبود و چه مصرف بیش از حد، بر سلامت فرد اثر گذاشته و عملکرد طبیعی بدن را مختل می‌نماید با توجه به نکات بیان شده و تمامی عواملی که بر امنیت غذایی مؤثر است و آن هم به نوبه خود بر سلامت افراد جامعه بخصوص زنان که مادران کودکانی هستند که آینده‌سازان هر کشوری محسوب می‌شوند و سلامت آن‌ها بر سلامت کودکانشان و سلامت کودکان بر سلامت جامعه تأثیر می‌گذارد.

روش بررسی: این مطالعه با استفاده از یک پیمایش میدانی و استفاده از پرسشنامه‌ی استاندارد و بکارگیری پرسشنامه‌ی امنیت غذایی ISDEF و پرسشنامه سلامت عمومی انجام شده است.
یافته‌ها و نتیجه گیری: یافته‌های تحقیق نشان داد ۷ متغیر محل سکونت، مقدار مواد غذایی در دسترس، تعداد وعده غذایی، تعداد ماه‌های دسترسی به مواد غذایی، نوع غذای مصرفی بیرون از منزل، امکانات منزل، درآمد سرپرست خانوار، به طور مستقیم بر سلامت زنان عضو خانوار تأثیر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ۷ متغیر در مجموع ۰.۵۹ از تغییرات مربوط به متغیر امنیت غذایی را تبیین می‌کنند.

کلید واژه: امنیت غذایی، سلامت، زنان، خانوارها.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سواد سلامت در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: ارتقاء سواد سلامت می تواند به افزایش ظرفیت افراد در مراقبت از خویش منجر شود. این مهارت به توانایی افراد در کسب، تحلیل و درک اطلاعات مربوط به سلامت و خدمات مرتبط برای تصمیم گیری به موقع و اقدام لازم در جهت ارتقاء سلامت افراد اشاره دارد. این مطالعه با هدف توصیف وضعیت سواد سلامت کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- مقطعی در دانشگاه علوم پیراپزشکی مشهد انجام شد. از بین مراکز تحت پوشش دانشگاه به طور تصادفی یک دانشکده یک بیمارستان تخصصی و یک بیمارستان جنرال انتخاب شد. از بین کارکنان این مراکز ۱۶۳ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب و به پرسشنامه استاندارد سنجش سواد سلامت بزرگسالان (HELIA) پاسخ دادند. این پرسشنامه در قالب ۵ مولفه مهارت خواندن، دسترسی، فهم و درک، ارزیابی، تصمیم گیری و کاربرد اطلاعات سلامت سطح سواد سلامت افراد را ارزیابی می نماید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آمار توصیفی ارائه شد. **یافته‌ها:** سن اکثر افراد شرکت کننده در مطالعه بین ۳۰ تا ۴۰ سال و میانگین آن ۳۶/۲۴ سال بود. ۵۲/۷۹ درصد شرکت کنندگان زن و سطح تحصیلات اغلب آنها لیسانس (۵۰/۳۱) بود. میانگین نمره سواد سلامت در بین مردان و زنان به ترتیب ۵۹/۱ و ۴۵/۴۶ بود. منبع کسب اطلاعات ۷۲/۰۴ درصد افراد اینترنت بود. در این مطالعه از ۱۰۰ امتیاز مربوط به هر مولفه امتیاز مولفه مهارت خواندن ۵۲/۶۷، دسترسی ۵۴/۴۲، فهم و درک ۵۴/۰۱، ارزیابی ۴۸/۷۵ و تصمیم و کاربرد اطلاعات سلامت ۴۹/۶۴ به دست آمد. ۱۳/۰۴ درصد افراد مورد مطالعه دارای سواد سلامت عالی، ۲۴/۸۴ درصد کافی، ۱۶/۱۵ درصد نه چندان کافی و ۴۵/۹۷ درصد افراد از سواد سلامت ناکافی برخوردار بودند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که سطح سواد سلامت در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سطح مطلوبی نیست. با توجه به وجود افراد با تحصیلات متفاوت در سطح مختلف دانشگاه و تمایل بیشتر افراد به استفاده از سامانه‌های مجازی جهت دریافت اطلاعات مرتبط با سلامت، پیشنهاد می شود از طریق سامانه‌های دانشگاه به طور دوره ای و منظم دو دسته اطلاعات اساسی و خاص (مقاطع زمانی و کاربران) مختلف جهت استفاده در سطوح مختلف کاربران در دانشگاه در اختیار آنها قرار گیرد. همچنین استفاده از بروشور و پمفلت‌های الکترونیکی و کاغذی حاوی اطلاعات مفید سلامتی می تواند در ارتقاء سطح سواد سلامت افراد موثر باشد.

کلید واژه: سواد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کارکنان

حسین رئوف مبینی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

سمیه فضائلی

استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۸۸۴۶۷۱۲
Email: fazealis@mums.ac.ir

فاطمه صالحی

کارشناس ارشد فناوری اطلاعات سلامت، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

سعید فضائلی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مرکز جامع روانپزشکی رازی (ابن سینا و حجازی)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرضیه معراجی

استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مهدی یوسفی

ستادیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تدوین و اجرای کمپین نه به کیسه‌های پلاستیکی در شهر جوانرود با هدف کاهش استفاده از کیسه‌های پلاستیکی و جایگزینی آن با کیسه‌های پارچه ای

جواد یوسفی لینی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
دانشگاه علوم پزشکی ایران

سردار صدیقی

کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه تبریز

میترا فقیهی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا
سلامت دانشگاه علوم پزشکی ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۰۲۰۰۲۲۶۷

faghihimitra@yahoo.com

چکیده

مقدمه: کیسه‌های پلاستیکی در دهه ۱۹۷۰ معرفی شده و با توجه به کاربردی بودن و روش بهداشتی حمل و نقل محبوبیت فزاینده‌ای در میان مصرف‌کنندگان و خرده‌فروشان به دست آورده‌اند. این کیسه‌ها یک‌بار مصرف بوده؛ و پس از ورود به محیط، تا سال‌ها باقی می‌مانند. از اجزای ضروری اجرای موفق برنامه‌های کاهش تولید پسماند، مشارکت عمومی است. این مداخله برای کاهش مصرف کیسه‌های پلاستیکی بامشارکت مردمی و برگزاری کمپین "نه به کیسه‌های پلاستیکی" برگزار شد.

روش بررسی: پوش مردمی "نه به کیسه‌های پلاستیکی" در شهر جوانرود با هدف فرهنگ‌سازی استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای به جای کیسه‌های پلاستیکی از مهرماه ۱۳۹۶ شروع و تا سال ۱۳۹۷ ادامه پیدا کرد. یک همایش در ۱۵ مهر ۱۳۹۶ در سطح شهر در مورد اهداف کمپین و اهمیت آن، برگزار شد. برای شناخت اینکه چه گروه‌هایی از کیسه‌های پلاستیکی استفاده می‌کنند، مشاهده‌گران و مصاحبه‌گران برای مشاهده و مصاحبه، آموزش داده شدند. بعد از شناسایی گروه هدف ۴۰ نفر از زنان خانه‌دار دعوت شدند و از مضرات کیسه‌های پلاستیکی برای سلامتی انسان و محیط و تجربیات کشورهای دیگر بحث شد. جلسات ماهی یک بار تشکیل شده و گروه تلگرامی برای ارائه نظرات و تجربیات تشکیل شد. به رهبران مذهبی مساجد، روسای ادارات، هنرمندان و ورزشکاران، نانوايي‌داران فروشگاه‌های مواد غذایی بزرگ، شیرینی‌فروشی‌ها، بوتیک‌ها و... مراجعه شد و بیان اهداف کمپین و جذب آنها، دادن کیسه‌های پارچه‌ای رایگان به آنها، نصب اعلامیه، پوستر و آگهی‌ها در سطح شهر در دستور کار قرار گرفت. با افزایش مشارکت، زنان بی‌سرپرست برای دوختن کیسه‌های پارچه‌ای آموزش دیده و این کیسه‌ها از آنها خریداری شد. در پایان یافته‌ها، عملکرد زنان خانه‌دار از طریق مصاحبه و ثبت آن سنجیده شد. عملکرد عموم مردم نیز از طریق مصاحبه و مشاهده سنجیده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها کیفی اولیه نشان داد که زنان خانه‌دار بیشترین میزان استفاده از کیسه‌های پلاستیکی داشته و اطلاع اندکی از مضرات آن دارند. طی ده جلسه آموزش به زنان خانه‌دار میزان آگاهی آنها نسبت به مضرات کیسه‌های پلاستیکی افزایش یافته و عملکرد آنها برای استفاده از کیسه‌های پلاستیکی و جایگزینی با کیسه‌های پارچه‌ای افزایش یافت؛ که در مرحله قبل از کمپین هیچ استفاده‌ای از کیسه‌های پارچه‌ای نداشتند و بعد از اجرای کمپین به طور میانگین در ۶۰٪ خریدهای روزانه از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده می‌کردند. با گسترش کمپین، استقبال عمومی از کمپین بالا گرفت و در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب یافت. یافته‌ها: مشاهده و مصاحبه با مردم نشان داد کمپین میزان استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای را در جوانرود افزایش داده و به طور میانگین از هر ده نفر که به طور تصادفی در سطح شهر انتخاب می‌شدند ۶ نفر از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده می‌کردند.

نتیجه گیری: استفاده از کیسه‌های پلاستیکی ضرر زیادی را متحمل جامعه و محیط می‌کند؛ با ایجاد فرهنگ‌سازی و تشویق مردم به استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای می‌توان در کاهش این آسیب زیست محیطی اقدام شایسته‌ای انجام داد.

کلید واژه: کمپین، کیسه‌های پلاستیکی، کیسه‌های پارچه‌ای، شهر جوانرود

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله ی آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری آلزایمر در افراد ۶۰ تا ۷۰ ساله ی شهر یزد

چکیده

مقدمه: بیماری آلزایمر یک اختلال عصبی تدریجی است که با کاهش توانایی‌های ذهنی و عملکردهای شناختی رفتاری از قبیل مشکلات در حافظه، زبان و گفتار همراه است که سبب کاهش کیفیت زندگی در فرد مسن می‌شود. مجموعه رفتارهای مرتبط با سبک زندگی سالم می‌تواند از روند پیشرفت و بروز این بیماری پیشگیری کند. هدف از این مطالعه تاثیر مداخله ی آموزشی بر رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری آلزایمر بر اساس تئوری انگیزش محافظت در افراد ۶۰ تا ۷۰ ساله می‌باشد.

روش بررسی: مطالعه ی کارآزمایی شاهد دار تصادفی بر روی ۸۰ نفر از افراد ۶۰ تا ۷۰ ساله در شهر یزد از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای در شهر یزد انجام گرفت. شرکت کنندگان به طور مساوی و با تخصیص تصادفی به دو گروه آزمون و کنترل (هر گروه ۴۰ نفر) تقسیم شدند. مداخله ی آموزشی بر اساس سازه‌های تئوری انگیزش محافظت برای گروه آزمون در سه جلسه ی آموزش گروهی به روش سخنرانی، بحث گروهی، بارش افکار و نمایش عملی انجام گرفت. ۲ ماه بعد از مداخله ی آموزشی اطلاعات جمع آوری گردید.

یافته‌ها: دو ماه بعد از مداخله ی آموزشی میانگین نمره ی سازه‌های تئوری انگیزش محافظت و رفتارهای پیشگیری کننده به طور معناداری در گروه آزمون افزایش یافت ($p < 0/01$). اما در گروه کنترل تفاوت آماری معناداری وجود نداشت ($p > 0/05$).

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان داد که کاربرد تئوری انگیزش محافظت در ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده آلزایمر در سالمندان مفید می‌باشد و پیشنهاد می‌شود از این تئوری برای آموزش سالمندان در ارتقاء دیگر ابعاد سبک زندگی سالم استفاده شود.

کلید واژه: آلزایمر، رفتارهای پیشگیری کننده، تئوری انگیزش محافظت، سالمندان

زهره فلاح

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،
اصفهان، ایران

محمدعلی مروتی شریف آباد

استاد، دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زهره رهایی

* استادیار، دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۵۲۰۳۹۱

EMail: z_rahayy@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه انگیزش محافظت بر کاهش پرفشاری خون زنان سالمند تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۹۷-۱۳۹۶

علی رمضانخانی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

محتشم غفاری

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

کوروش اعتماد

اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

فاطمه فلاح

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۲۱-۲۲۴۳۲۰۴۰-۱

niloufarfallah@sbmu.ac.ir

چکیده

مقدمه: پرفشاری خون مشکلی بهداشتی در سراسر جهان می‌باشد همچنین عامل خطر بزرگی برای بیماری‌های قلبی عروقی به‌ویژه حمله قلبی و سکته مغزی محسوب می‌شود و بار مالی قابل‌توجهی بر خانواده و جامعه تحمیل می‌کند. در کشورهای با درآمد کم و متوسط تنها حدود نیمی از افراد مبتلا به پرفشاری خون از بیماری خود آگاه هستند، نیمی از آنان درمان دریافت می‌کنند و اکثر آن‌ها فشارخون خود را تحت کنترل در نمی‌آورند. پرفشاری خون با سبک زندگی ناسالم در ارتباط می‌باشد که قابل اصلاح و تعدیل می‌باشد. آموزش بهداشت، مداخله‌ای مهم جهت کنترل فشارخون بوده و به‌طور وسیعی از آن استفاده می‌شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه انگیزش محافظت بر کاهش پرفشاری خون در زنان سالمند تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۹۷-۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر مطالعه‌ای مداخله‌ای از نوع قبل و بعد می‌باشد که روی ۳۶ نفر از زنان سالمند ۷۹-۶۰ ساله مبتلا به پرفشاری خون اولیه کنترل نشده ساکن در مناطق شهرداری تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد. پس از تکمیل فرم رضایت و برگه ثبت مشخصات دموگرافیک، فشارخون نمونه‌ها اندازه‌گیری شد. مداخله آموزشی طی سه جلسه ۴۵ دقیقه‌ای به‌صورت یک هفته در میان انجام شد و فشارخون آن‌ها یک ماه پس از پایان مداخله مجدداً اندازه‌گیری شد. سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و به کمک آمار توصیفی و آزمون تی زوجی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سن نمونه‌ها $64/9 \pm 4/9$ بود. و $69/4\%$ تحصیلات ابتدایی داشتند. 75% سابقه ابتلا به پرفشاری خون در بستگان درجه یک داشتند و تقریباً نیمی از آن‌ها داروی پرفشاری خون مصرف نمی‌کردند ($47/2\%$). همچنین $55/6\%$ فعالیت بدنی ناکافی داشتند و $69/5\%$ دچار اضافه‌وزن و چاقی بودند. میانگین فشارخون سیستولیک و دیاستولیک پیش از مداخله به ترتیب $107/3 \pm 14/6$ و $8/6 \pm 8/9$ میلی‌متر جیوه بود که این میزان پس از آموزش به $127/7 \pm 12/2$ و $103/3 \pm 8/6$ میلی‌متر جیوه رسید که هر دو از نظر آماری معنادار بودند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: آموزش مبتنی بر نظریه انگیزش محافظت در کاهش فشارخون زنان سالمند مبتلا به پرفشاری خون مؤثر بوده است. پیشنهاد می‌گردد از این مدل به‌منظور آموزش کنترل پرفشاری خون در زنان سالمند استفاده گردد.

کلید واژه: پرفشاری خون، زنان سالمند، نظریه انگیزش محافظت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی کننده‌های مصرف میوه و سبزیجات در زنان خانه دار شهر ستان سرایان: کاربرد تئوری شناختی اجتماعی

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر وضعیت تغذیه خوب به عنوان یک شاخص توسعه و زنان به عنوان پرورش دهندگان نسل بعد در جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار شده اند. مطالعه حاضر با هدف بررسی پیش بینی کننده‌های سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی بندورا با مصرف میوه و سبزیجات در زنان خانه دار شهر سرایان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی ۴۰۴ نفر از زنان متأهل خانه دار ۳۰ تا ۵۰ سال شهرستان سرایان در سال ۹۵ انجام گرفت. نمونه گیری از نوع خوشه ای نسبتی به روش تصادفی بود و ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی پرسشنامه از طریق بررسی روایی صوری و محتوایی توسط اساتید و نیز پایایی آن از طریق محاسبه آلفای کرونباخ نائید گردید. سپس داده‌های پژوهش در نرم افزار SPSS ۱۸ وارد و به کمک آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی و در سطح معنی داری $P < 0.05$ تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده 38.7 ± 5.9 بود. یافته‌ها رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام ($F=44.5 - P < 0.001$) نشان داد از بین سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی فقط خودکارآمدی ($\beta = 0.32 - P = 0.001$) پیش بینی کننده رفتار مصرف شیر در زنان خانه‌دار شهر سرایان بوده است. این سازه توانست ۱۰٪ درصد تغییرات رفتار مصرف میوه و سبزیجات را در زنان خانه دار پیش بینی کند.

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان داد خودکارآمدی می‌تواند جهت طراحی مداخلات آموزشی برای ارتقاء مصرف میوه و سبزیجات در زنان خانه دار موثر باشند.

کلید واژه: تئوری شناختی اجتماعی؛ مصرف میوه و سبزیجات؛ زنان خانه دار

فاطمه فلاحی سرایان

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

انسیمه نوری

استادیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

میترا مودی

ادانشیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

غلامرضا شریف زاده

استادیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مروری بر مداخلات اجتماع محور در راستای ارتقاء سلامت روان زنان در مطالعات داخلی

هاشم محمدیان پستکان

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

مرضیه عربان

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

فاطمه فیاضی

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۹۸۸۴۰۱

fatemeh.fayazi200@gmail.com

فاطمه قطفان

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز،
ایران

چکیده

مقدمه: اختلالات روانی یکی از مهم ترین اجزای بارکلی بیماریها می باشد. زنان با وجود طول عمر بیشتر نسبت به مردان، به دلیل حساسیت های روحی و عاطفی بیشتر از مردان در معرض اختلالات روانی می باشند. امروزه با استفاده از "شعار سلامت روان برای همه"، سیاست گذاریهای لازم در راستای ارتقای سلامت روان صورت گرفته است. توصیه سازمان جهانی بهداشت در این مورد، استفاده از استراتژیهای چندجانبه و گسترده از جمله رویکرد اجتماع محور مشارکتی می باشد. رویکرد اجتماع محور به جای تاکید بر فرد، مسئولیت پذیری اجتماعی برای سلامت را مورد هدف قرار داده است. از آن جا که مداخلات اجتماع محور وسیله ای برای تامین اطلاعات سیاستگذاران و افزایش تعمیم پذیری منافع برنامه های بهداشتی می باشند، محققان در تلاشند اجتماعات بیشتری را برای مداخلات بهداشتی به کار گیرند. بنابراین این مطالعه با هدف مروری بر مداخلات اجتماع محور انجام شده در راستای ارتقاء سلامت روان زنان در مطالعات داخلی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه به صورت مروری، از طریق جستجوی واژگان کلیدی مرتبط در میان مقالات داخلی به زبان فارسی و انگلیسی انجام شد. جستجو در پایگاه داده های، SID، Magiran، Irandoc، Iranmedex، Google scholar و Pubmed و با کلید واژه های مولفه های اجتماعی سلامت، رویکرد اجتماع محور، ارتقا سلامت روان زنان، مداخلات اجتماع محور و سلامت اجتماع محور و در بازه ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انجام شد.

یافته ها: بررسی مطالعات انجام شده بر مبنای رویکرد اجتماع محور و استراتژیهای چندگانه، حمایت اجتماعی از زنان، آموزش خانواده محور و بکارگیری الگوهای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت اختلاف معناداری بین گروه مداخله و کنترل در افزایش کیفیت زندگی زنان، افزایش تاب آوری، ارتقا سلامت روان، کاهش احساس تنهایی در زنان سالمند و... نشان داد.

نتیجه گیری: استفاده از رویکرد اجتماع محور و طراحی مداخلات اجتماع محور مشارکتی سبب ارتقاء سلامت روان زنان می گردد و لزوم انجام بیشتر این مطالعات در راستای ارتقاء سلامت روان زنان احساس می شود.

کلید واژه: مولفه های اجتماعی، رویکرد، مداخلات، اجتماع محور، ارتقا سلامت روان و زنان.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سبک زندگی سالم از دیدگاه طب ایرانی

زهره فیض آبادی

* استادیار طب ایرانی، گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۸۸۴۸۹۳۰
feyzabadiz@mums.ac.ir:Email

چکیده

مقدمه: طب ایرانی با قدمتی چند هزار ساله و داشتن حکمای مشهوری مانند ابن سینا که آثار ارزشمندی متعددی مانند القانون فی الطب و دهها اثر مفید دیگر از خود به یادگار گذاشتند؛ به موضوع اصلاح سبک زندگی به عنوان اصول اولیه پیشگیری و درمان بیماریها پرداخته است. سبک زندگی سالم در متون طب ایرانی با عنوان سته ضروریه (شش اصل ضروری برای زندگی) یاد شده است که در این پژوهش بررسی خواهد شد.

روش بررسی: در این مطالعه مروری، ابتدا با واژه‌های کلیدی سته ضروریه، اصول ششگانه، تدبیر الصحه، حفظ الصحه، سبک زندگی در کتب مشهور طب ایرانی مانند الحاوی، القانون فی الطب، خلاصه الحکمه، مفرح القلوب، حفظ الصحه ناصری و... جستجو انجام شد. پس از فیش برداری از این کتب، مطالب به دست آمده در شش گروه طبقه بندی شدند.

یافته‌ها: حفظ الصحه، مجموعه دستورات لازم برای حفظ تندرستی و پیشگیری از بیماری است. حکمای طب ایرانی برای حفظ سلامت رعایت اصول ششگانه ضروری یا سته ضروریه را به افراد توصیه میکردند. این شش اصل شامل هوا، خوردن‌ها و آشامیدن‌ها، حرکت و سکون، خواب و بیداری، احتباس و استفراغ و اعراض نفسانی (حالات روحی و روانی) است. از نظر هوا باید متناسب با هوای فصل، از خوراک، پوشاک و ورزش مناسب آن فصل استفاده کرد؛ مثلا در بهار باید از خوردن گوشت و شیرینی زیاد پرهیز کرد و لباس پنبه ای پوشید. از نظر خوراکیها باید از پر خوری، درهم خوری که موجب سوء هاضمه میشود پرهیز کرد و از مصرف مداوم شیرینها بدلیل ایجاد ضعف در معده و کاهش اشتها اجتناب کرد و از مصرف مداوم ترشها و شورها بدلیل ایجاد لاغری و خشکی بدن نیز پرهیز کرد و حتی المقدور از آب چشمه و در ظرف دهان گشاد برای شرب استفاده کرد. حرکت و ورزش برای خروج باقیمانده فضولات بدن که از راه ادرار، مدفوع و عرق دفع نشده اند توصیه میشود. حکما خواب را بعد از هضم غذا و در شب را توصیه میکنند و خواب روز، خواب بر شکم و پشت را بسیار بد میدانند. بیوست بدلیل حبس فضولات در بدن، ام الامراض نامیده میشود و تلبین شکم از ضروریات سلامت ذکر شده است. در نهایت اعراض نفسانی شامل غم و اندوه، شادی و نشاط، خشم و غضب را در وضعیت سلامت جسمانی فرد به شدت تاثیر گذار میدانند.

نتیجه گیری: با نگاهی به دستورات حکمای طب ایرانی برای حفظ سلامتی میتوان به دیدگاه کل نگر آنها پی برد. در این دیدگاه نه تنها برای پیشگیری بلکه برای درمان نیز باید به تمام جنبه‌های موثر در حفظ سلامتی نگریست. رعایت دستورات ششگانه ضروری از دیدگاه طب ایرانی نه تنها در پیشگیری از بیماریها موثر است بلکه میتواند در کنار درمانهای رایج بدون داشتن هیچگونه هزینه ای در بهبود سلامتی بیماران کمک زیادی بکند.

کلید واژه: طب ایرانی، اصول ششگانه، سته ضروریه، سبک زندگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلابه دیابت نوع دو مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان توحید شهر سنندج در سال ۱۳۹۶

رحمن پناهی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد آرام احمدی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

سروه قادری

کارشناس علوم تربیتی، آموزش و پرورش شهرستان مریوان، مریوان، ایران.

محي الدين امجدیان

استادیار دانشکده روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

بیبا خاصی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

الهام نوری

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

هایده فجری

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران.

فایق یوسفی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

عرفان جوانمردی

کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ناصر قادری

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۸۷۷۷۸۵۰۰

naseghaderi@modares.ac.ir.

چکیده

مقدمه: دیابت یکی از شایع ترین بیماری های مزمن و از بزرگ ترین مشکلات بهداشتی در همه کشورها می باشد. با توجه به نقش سلامت معنوی در ارتقای سلامت و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به بیماری های مزمن، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی همبستگی، ۳۳۰ نفر از بیماران فعال دیابتی نوع دو مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان توحید شهر سنندج به روش نمونه گیری سیستماتیک انتخاب و وارد مطالعه شدند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه های مربوط به سوالات دموگرافیکی و زمینه ای، معنویت (Pasan و Dunning) و کیفیت زندگی (WHOQOL-BREF) در بیماران دیابتی استفاده شد. در تحلیل داده ها از نرم افزار spss نسخه ۱۶ و آمارهای توصیفی، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون رگرسیون خطی ساده و چندگانه استفاده شد.

یافته ها: میانگین (انحراف معیار) نمرات سلامت معنوی و کیفیت زندگی در بیماران مورد مطالعه به ترتیب (۱۴/۳۶) (۶۲/۰۴) و (۱۱/۷۹) (۶۷/۸۵) بود. سلامت معنوی و تمامی ابعاد چهارگانه آن با کیفیت زندگی، همبستگی مستقیم و معنی دار داشتند و در این بین، دو بعد خودآگاهی (۲=۰/۵۴۲) و نیازهای معنوی (۲=۰/۵۱۱) بیشترین همبستگی را با کیفیت زندگی داشتند ($P<0/001$). سلامت معنوی و دو بعد از ابعاد چهارگانه آن، شامل خودآگاهی و نیازهای معنوی بر کیفیت زندگی افراد تأثیر معنادار داشتند ($P<0/001$).

نتیجه گیری: نظر به یافته ها اهمیت و ضرورت تقویت ابعاد خودآگاهی و نیازهای معنوی در بهبود کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع دو، بیش از پیش احساس می شود.

کلید واژه: دیابت نوع دو، سلامت معنوی، کیفیت زندگی، سنندج.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل پندر بر رفتارهای ارتقادهنده سلامت در مادران شیرده مراجعه‌کننده به درمانگاه‌های شهر فسا در سال ۱۳۹۶

دکتر افسانه قاسمی

استادیار گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت، علوم
پزشکی فسا، فسا ایران

چکیده

مقدمه: در پارادایم جدید سلامت سالم بودن وابسته به عوامل متعددی است از جمله عوامل اجتماعی، میزان آگاهی و حتی ویژگی‌های شخصیتی. تأکید زیاد بر این فاکتورها این است که سلامت افراد جامعه نقش بسیار مهمی در ساختار بهداشتی و سلامتی جامعه دارد. مادران قشر عظیمی از جامعه‌ی ما را تشکیل می‌دهند و تربیت کنندگان نسل آینده‌ی کشورمان هستند. با توجه به تأثیر مستقیم سلامت جسمی، روانی و اجتماعی مادر بر روی فرزندان و نیز شکل‌گیری خصوصیات اخلاقی و شخصیت افراد در کودکی، بر آن شدیم تا مطالعه‌ی ای با هدف بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل پندر بر رفتارهای ارتقادهنده سلامت در مادران شیرده طراحی کنیم تا بتوانیم گامی در جهت حفظ سلامت جسمی و روحی این قشر برداریم و تلاشی در جهت ارتقا سلامت کلی جامعه و نسل آینده صورت دهیم.

روش بررسی: در این مطالعه‌ی مداخله‌ای نیمه تجربی ۹۷ نفر از مادران شیرده مراجعه‌کننده به درمانگاه‌های شهر فسا به صورت تصادفی و در دو گروه مورد (۴۸ نفر) و شاهد (۴۹ نفر) مورد مطالعه قرار گرفتند. پس از اخذ رضایت آگاهانه از آنها پرسشنامه‌ی رفتارهای ارتقا دهنده‌ی سلامت (HPLP II) (این پرسشنامه ۵۲ سوالی از مقیاس ۴ گزینه‌ای لیکرت از طیف هرگز تا همیشه طراحی شده است) بین آنها توزیع شد و در مورد نحوه‌ی تکمیل کردن آنها توضیحات لازم داده شد و پس از جمع‌آوری وارد پایگاه داده‌های کامپیوتر شد. پس از آنکه مرحله‌ی اول پرسشنامه‌ها توزیع و جمع‌آوری شد. برای گروه مورد ۵ جلسه کلاس شامل آموزش‌های لازم و مناسب در حوزه‌های مختلف سلامت در ارتباط با سبک زندگی برگذار گردید که به صورت سخنرانی و همچنین جلسات پرسش و پاسخ بود. سپس پمفلت آموزشی میان آنها توزیع گردید. پس از یک ماه دو گروه مورد و شاهد دوباره پرسشنامه‌ها را پر نمودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ انجام شد. روش‌های آماری تی مستقل، تی زوجی، من ویتنی، ویلکاکسون، اسپیرمن، کروسکال والیس، پیرسون و one way ANOVA جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: به طور کلی این مطالعه بر ۹۷ نفر از مادران شیرده شهرستان فسا صورت گرفت که میانگین سنی در گروه مورد ۲۹/۵ و در گروه شاهد ۲۹/۷۷ بود. بیشترین و کمترین امتیازات به ترتیب مربوط به حیطه‌های رشد معنوی (۲۳/۲۹±۶/۱۶) قبل از آموزش و (۲۴/۶۵±۶/۵۶) پس از آموزش) و روابط بین فردی (۴/۷۰±۱/۵۷) قبل از آموزش و (۵/۰۵±۱/۷۶) پس از آموزش) می‌باشد. در تمامی شش حیطه افزایش معنی داری در امتیازات پس از آموزش یا در گروه مورد و یا بین گروه مورد و شاهد یافت شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها ی این پژوهش نشان دهنده‌ی سطح مطلوب نمرات در حیطه‌ی رشد معنوی و مسئولیت‌پذیری در قبال سلامتی و سطح نامطلوب در حیطه‌های روابط بین فردی و فعالیت بدنی است. با توجه به یافته‌ها این مطالعه می‌توان گفت آموزش تأثیر به‌سزایی در تمامی حیطه‌های مورد بررسی داشته است که بسیار امیدوارکننده و حایز اهمیت است. در حیطه‌های روابط بین فردی، فعالیت بدنی، تغذیه و مسئولیت‌پذیری در گروه مورد، افزایش معنادار نمرات را پس از آموزش شاهد بودیم. همچنین در حیطه‌های رشد معنوی، تغذیه، مدیریت استرس و فعالیت بدنی پس از آموزش، بین نمرات گروه مورد و شاهد اختلاف معناداری وجود داشت. با توجه به موثر بودن آموزش در خصوص رفتارهای ارتقا دهنده‌ی سلامت، با توجه به یافته‌ها این مطالعه لزوم سرمایه‌گذاری و پرداختن به موضوع آموزش این رفتارها پر رنگ تر میشود. همچنین به علت انجام نشدن مطالعات مداخله‌ای از این دست در کشورمان، انجام مطالعات وسیع تر و در سایر اقشار جامعه، با هدف دستیابی به آمار و اطلاعات دقیق تر توصیه میشود.

کلید واژه: مدل پندر، ارتقا بهداشت، مادران شیرده، رفتار



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رفتارهای پیشگیری کننده از دیابت در معلمان مقاطع ابتدایی، متوسطه ۱ و متوسطه ۲ بر اساس مدل پندر در شهرستان فسا در سال ۱۳۹۵

افسانه قاسمی

استادیار دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی فسا،
فسا ایران

چکیده

مقدمه: دیابت از گروه بیماری‌های متابولیک است که به عنوان یک اپیدمی خاموش نام برده می‌شود. در کشور ما آموزش و توجیه معلمان در دوره‌های آموزشی و توضیح رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت به دانش آموزان می‌تواند در دراز مدت باعث گسترش این رفتارها به جامعه و بهبود وضعیت بهداشت عمومی گردد. بنابراین می‌توان با بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در این گروه از جامعه که مهمترین نقش را در ترویج دانش دارند گامی در جهت افزایش سطح بهداشت و سلامت عمومی در زمینه بیماری دیابت برداریم.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه مقطعی گذشته نگر بود که در آن ۲۰۰ معلم مدارس مقاطع مختلف شهرستان فسا در آن شرکت نمودند و پرسش نامه‌های الگوی ارتقاء سلامت پندر را تکمیل کردند. پرسش نامه سبک زندگی بر اساس الگوی ارتقا سلامت پندر برای تعیین این که افراد تا چه حد رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی انجام می‌دهند، ارایه گردید. پرسشنامه شامل ۵۲ سؤال در دو قسمت اصلی و شش زیر مجموعه بود.

یافته‌ها: به طور کلی ۲۰۰ معلم متشکل از ۱۰۸ (۵۴ درصد) مرد و ۹۲ زن (۴۶ درصد) وارد مطالعه شدند. میانگین سنی آن‌ها $39/95 \pm 7/25$ بود. بیشترین نمره پرسش نامه بین این رفتارها متعلق به رشد معنوی و کمترین آن‌ها مربوط به ارتباطات بین فردی بود (به ترتیب ۲۴/۸۱ و ۱۳/۱۳). افزایش سن هیچ گونه ارتباط معناداری با این رفتارها نداشت و بیشترین رابطه مثبت مربوط به رشد معنوی ($r = 0/082$ و $p = 0/25$) **نتیجه گیری:** با توجه به یافته‌ها این مطالعه، لزوم مداخلات به خصوص با تاکید بر فعالیت بدنی و روابط بین فردی در بین معلمان ضروری می‌باشد. طیفی از اقدامات مانند برنامه ریزی‌های مناسب و کاربردی کردن آنها در زمینه رفع موانع، گسترش امکانات و تسهیلات، ترغیب و تشویق افراد از طریق آموزش بهداشت می‌تواند مداخلات مناسبی در این زمینه باشد.

کلید واژه: معلمان، الگوی ارتقاء سلامت، رفتار، مدل پندر



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر برنامه‌های آموزشی مراقبت‌های پس از زایمان بر کیفیت زندگی مادران مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴

چکیده

مقدمه: دوران بعد از زایمان از زمان خاتمه زایمان شروع می‌شود و تا زمانی که تغییرات ایجاد شده در بدن در اثر حاملگی به فرم قبلی خود بر می‌گردد، ادامه می‌یابد...

دوران بعد از زایمان زمان بسیار حساسی است که مادر در این دوران در معرض خطرات احتمالی است. بنابراین مراقبت از مادر در این دوران باید جدی گرفته شود. ده روز اول بعد از زایمان مرحله‌ی بسیار حساسی است زیرا بیشترین تغییرات بدن مادر در این دوران اتفاق می‌افتد و نیز به علت مسائلی چون خونریزی، تغییرات فشار و... احتمال به وجود آمدن عوارض در این دوران بیشتر است سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی را ادراک فرد نسبت به وضعیت زندگی خود با در نظر گرفتن فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کند و اولویت‌های مدنظر خود او تعریف می‌نماید سنجش کیفیت زندگی و در نظر گرفتن شرایط زندگی، عوامل محیطی و اجتماعی، نقطه نظرات، علاقه مند ی‌ها و اهداف افراد و ارزش‌های جامعه در برنامه ریزی برای ارتقای سلامت بسیار حایز اهمیت است هدف مطالعه: هدف بررسی اختلالات جسمی و روانی متعددی است که زنان در دوره نفاس با آن مواجه می‌شوند.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه‌ی مداخله‌ای نوع کارآزمایی بالینی است. جمعیت مورد مطالعه تعداد مشخصی زن باردار با زایمان طبیعی می‌باشند که به مراکز بهداشتی شهر فسا مراجعه می‌کردند. ۲۰۰ مادر زایمان کرده که واجد شرایط ورود به مطالعه بودند، به روش در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمون و شاهد قرار گرفتند. گروه شاهد (۱۰۰ نفر) مراقبت‌های پس از زایمان نوبت دوم و سوم را از مرکز بهداشت و گروه آزمون (۱۰۰ نفر) این مراقبت‌ها را در منزل خود دریافت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های حاوی داده‌های مرتبط با مشخصات جمعیتی و کیفیت زندگی مادران و چک لیست و نمودارهای پایش رشد بود که با مراجعه به منازل آنها تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و آزمونهای (من ویتنی، ویلکاکسون و کای دو) استفاده و $P < 0/05$ معنادار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها، دو گروه از نظر کیفیت زندگی در ابتدای مطالعه با یکدیگر همگن بودند. میزان دریافت مراقبت‌های مادری و نوزادی پس از زایمان در نوبت دوم و سوم بین دو گروه تفاوت آماری معنا داری داشت ($P < 0/01$ و $P < 0/001$). بعد از مداخله کیفیت زندگی در هیچ کدام از ابعاد جسمی ($P = 0/052$)، روحی و روانی ($P = 0/775$)، سلامت عمومی ($P = 0/068$) عملکرد اجتماعی ($P = 0/780$)، و کلی ($P = 0/313$) تفاوت آماری معناداری نشان نداد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌ها این پژوهش به نظر می‌رسد ارایه مراقبت‌های پس از زایمان در منزل، تأثیر چشمگیری بر کیفیت زندگی مادران کم خطر نداشته باشد. بنابراین انجام مطالعات بیشتر در این زمینه با محتوای مراقبتی متفاوت توصیه می‌گردد.

افسانه قاسمی

استادیار دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی فسا.

فسا ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان سواد سلامت در بیماران قلبی بخشهای سی سی یو و داخلی قلب سه ماهه اول ۱۳۹۷

معصومه بابایی

* کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی-سوپروایزر
آموزشی و ارتقاء سلامت - دانشگاه علوم پزشکی البرز،
کرج، ایران
واحد توسعه تحقیقات بالینی، مرکز آموزشی درمانی
شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
m.babaei1360@iran.ir

سمیه قاسمی

کارشناس پرستاری-سوپروایزر کنترل عفونت-
دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

معصومه محمدعلیخانی

کارشناس پرستاری-مدیر پرستاری- دانشگاه علوم
پزشکی البرز، کرج، ایران

الهام ابراهیم زاده

کارشناس پرستاری-کارشناس مسئول ارتقاء سلامت
دانشگاه علوم پزشکی البرز

فهیمة ریحانی

دانشجوی کارشناسی ارشد توانبخشی-پرستار بخش
icu oh - دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت را می توان به صورت توانایی خواندن، درک کردن و عمل کردن بر اساس توصیه های بهداشتی و سلامتی تعریف نمود با توجه نقش کلیدی و مهم سواد سلامت در ارتقاء سلامت مردم این مطالعه با هدف بررسی میزان سواد سلامت در بیماران قلبی انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سه ماهه اول ۱۳۹۷ در بخشهای CCU و داخلی قلب روی ۵۰ بیمار انجام گرفت. نمونه گیری به صورت تصادفی و روش مصاحبه انجام شد و داده ها با استفاده از ابزار سنجش سواد سلامت (منتظری و همکاران، ۱۳۹۳) گردآوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار مورد استفاده شامل ۳۳ گویه و ۵ مولفه دسترسی، مهارت خواندن، فهم، ارزیابی، تصمیم گیری و کاربرد اطلاعات سلامت بوده است.

یافته ها: در این مطالعه ۶۰٪ بیماران مرد، ۴۰٪ زن، ۴۰٪ دارای میانگین سنی ۴۰ سال، ۳۰٪ میانگین سنی ۵۰ سال و ۲۰٪ میانگین سنی ۶۰ سال بودند. ۳۰٪ دارای تحصیلات سیکل، ۴۰٪ دیپلم، ۱۰٪ لیسانس، ۲۰٪ بی سواد بودند و ۱۰٪ بازنشسته، ۴۰٪ خانه دار، ۴۰٪ شغل آزاد، ۱۰٪ کارمند بودند.

۷۰٪ مطالب مربوط به سلامت و بیماری از طریق تلویزیون و اینترنت به دست آورده بودند. ۵۵٪ بیماران مورد بررسی دارای ریسک فاکتور فشارخون و ۳۰٪ سابقه بستری قلبی داشتند. مولفه دسترسی به اطلاعات بهداشتی و درمانی ۶۵/۴٪، مهارت خواندن مطالب آموزشی در مورد بهداشت و فرمهای پزشکی ۴۱/۲۵٪ و فهم مطالب و راهنمایی های ارائه شده در مورد سلامت و بیماری ۳۷/۱۶٪، تصمیم گیری در مورد صحت و انتقال اطلاعات دریافتی از دوستان و تیم بهداشتی به سایرین ۵۵/۸٪، کاربرد اطلاعات سلامت در زندگی و طول درمان ۳۰/۶۸٪ بوده است. ۱۵٪ دارای سواد سلامت کافی بالای ۸۰٪، ۵۰٪ سواد سلامت ناکافی و کمتر از ۵۰٪، ۳۵٪ سواد سلامت مرزی ۸۰-۵۰٪ داشتند.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج به دست آمده از مطالعه و سطح سواد سلامت ناکافی بیماران قلبی به نظر میرسد که سواد سلامت برجانبه های مختلف زندگی و ابتلاء به بیماریهای مزمن از جمله بیماریهای قلبی و فشارخون تاثیر داشته است و سواد سلامت ناکافی هشدار بر سیاستگذاران بخش سلامت محسوب می شود. باتوجه به درصد ۳۷/۱۶٪ فهم مطالب و راهنماییهای ارائه شده در مطالعه مورد نظر لذا پیشنهاد می شود که متخصصان آموزشی با در نظر گرفتن سطح توانایی و مهارتهای افراد بهترین رویکردهای آموزشی برای توسعه مهارتهای سواد سلامت جامعه داشته باشند.

کلید واژه: سواد سلامت، مهارت، ارتقاء بهداشت



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه اثربخشی آموزش گروهی و چهره به چهره در خود مراقبتی و ارتقاء سلامت بیماران جراحی قلب در سه ماهه اول ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: توانمندسازی بیماران در چشم انداز مراقبتهای بهداشتی نقش به سزایی دارد و مبتنی بر مشارکت فرد در روند درمان است. از آنجا که مشارکت بیمار در انجام فعالیتهای خود مراقبتی نیازمند داشتن دانش یا به عبارتی باور به توانایی خود می باشد این دانش منوط بر آموزش مداوم بیماران می باشد و آموزش می تواند کیفیت زندگی بیمار را افزایش داده و از بستری مجدد بیماران پیشگیری کند. لذا این مطالعه با هدف تاثیر آموزش گروهی و چهره به چهره در نحوه خود مراقبتی بیماران جراحی قلب انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سه ماهه اول ۱۳۹۷ روی بیماران جراحی قلب انجام شده. داده ها پس از تکمیل پرسشنامه ساخته محقق گردآوری شد که شامل موارد خود مراقبتی پس از ترخیص، استفاده از اسپرومتری تنفسی، مصرف داروها، مراقبت از زخم و... بود و مطالعه روی دو گروه ۲۵ نفره انجام شد. که هر دو گروه در بیمارستان آموزش دیده بودند، که در گروه اول آموزش به صورت گروهی در سه جلسه و به صورت تمرینات عملی کار با اسپرومتری تنفسی، نمایش تصویری بانداژ پاها، داروها، نحوه شستشوی زخم پس از ترخیص و در بیماران گروه دوم آموزش به صورت انفرادی و چهره به چهره و با ارائه پمفلت بود یافته ها پس از گردآوری تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در مطالعه مورد نظر بیماران هر دو گروه دارای ریسک فاکتورهای مشابه و محیط آموزش یکسان بودند، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۵۰ سال و آموزشهای ارائه شده در روز سوم پس از جراحی بود، کلیه آموزشها انفرادی در شیفت صبح و همراه با ارائه پمفلت آموزشی و آموزشهای گروهی در شیفت عصر و همراه با نمایش فیلمهای آموزشی انجام شد. ارزیابی اثربخشی آموزش به بیمار پس از یکماه در گروه اول ۷۸٪ و کمترین آیتم مربوط به استفاده از اسپرومتری تنفسی ۸۰٪ و بالاترین امتیاز مربوط به پیگیری ویزیت پس از ترخیص ۱۰۰٪ بوده و اثربخشی آموزش به بیمار پس از یکماه در گروه دوم ۵۰٪ و کمترین درصد مربوطه استفاده از جوراب وارپس ۴۰٪ و بیشترین امتیاز تبعیت از رژیم دارویی ۸۰٪ بوده است.

نتیجه گیری: آموزش گروهی میتواند بر بهبود پیگیری درمان و پذیرش بهتر تغییر در شیوه زندگی و رضایت بیشتر از درمان تاثیر بیشتری نسبت به آموزش فردی داشته باشد. لذا پیشنهاد می شود که واحد ارتقاء سلامت بیمارستان با اجرای برنامه های آموزش گروهی مدون از مشکلات بیماران کاسته و به طور غیرمستقیم هزینه های بیمارستانی و بار اقتصادی و روحی روانی تحمیل شده به بیمار را نیز کم نمایند. با توجه به نقش خودمراقبتی بیماران قلبی پس از ترخیص و نقش آن در کاهش عوارض و بهبودی درمان برگزاری آموزشهای گروهی و استفاده از فیلمهای آموزشی در زمینه نحوه انجام فعالیتهای در طول بستری می تواند بسیار موثر در روند بهبودی بیماران باشد.

کلید واژه: خود مراقبتی، آموزش گروهی، چهره به چهره، اثربخشی

معصومه بابایی

* کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی- سوپروایزر آموزشی و ارتقاء سلامت - دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
واحد توسعه تحقیقات بالینی، مرکز آموزشی درمانی شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
m.babaei1360@iran.ir

فهیمة ریحانی

دانشجوی کارشناسی ارشد توانبخشی-پرستار بخش icu oh - دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

الهام دری

کارشناس پرستاری- سوپروایزر بالینی - دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

سمیه قاسمی

کارشناس پرستاری- سوپروایزر کنترل عفونت- دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

طاهره رباط سرپوش

کارشناس پرستاری- سوپروایزر بالینی - دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل تعیین کننده سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در پرستاران شاغل در بخش های روان پزشکی

پریوش کریمی

* کارشناس پرستاری، سوپروایزر بیمارستان رازی
تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.
نویسنده مسئول:

Pari1341@yahoo.com Email:

فریا مصفا

کارشناس ارشد روان پرستاری، سوپروایزر بیمارستان
رازی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

فرناز رحمانی

دکترای آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات روان پزشکی
و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز،
ایران

طیبه اندابی

کارشناس پرستاری، سوپروایزر بیمارستان رازی تبریز،
دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: سبک زندگی روشی از زندگی است که سبب تامین، حفظ و ارتقای سطح سلامت افراد می‌گردد. با توجه نقش عمده پرستاران در گسترش رفتارهای بهداشتی و ارتقا سلامت عمومی، توجه به وضعیت سلامت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. سبک زندگی و رفتارهای ارتقاء سلامت با کمیت و کیفیت مراقبت رابطه دارد و پرداختن به فعالیت‌های ارتقاء دهنده سلامت پرسنل پرستاری به عنوان یکی از رشته‌های اصلی زنجیره مراقبت برای اقدامات بالینی با کیفیت بیشتر ضروری می‌نماید. لذا این پژوهش با هدف بررسی عوامل تعیین کننده سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در پرستاران انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، ۳۹۰ نفر از پرستاران شاغل در مرکز آموزشی درمانی رازی تبریز به روش نمونه‌گیری آسان در سال ۱۳۹۶ انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (Health promotion lifestyle profile II) و اطلاعات دموگرافیک استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و از آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) برای بررسی همبستگی میان سبک زندگی و برخی مشخصات دموگرافیک در SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از حیثه‌های شش‌گانه رفتارهای سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (روابط بین فردی، تغذیه، مسئولیت‌پذیری سلامتی، جسمی، مدیریت استرس و رشد روحی) پرستاران در حیثه فعالیت جسمی و مدیریت استرس حداقل امتیاز و در حیثه رشد روحی و روابط بین فردی حداکثر امتیاز را کسب کردند. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که ارتباط آماری معنی‌داری بین برخی متغیرهای دموگرافیک مانند متوسط درآمد ماهیانه ($P < 0/001$) و سطح تحصیلات ($P < 0/001$) با نمرات کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت وجود داشت.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که در مجموع پرستاران از نظر پرداختن به رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در حد متوسطی می‌باشند، بنابراین جهت افزایش بکارگیری رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت توسط پرستاران توصیه می‌شود کمیته ارتقاء دهنده سلامت پرستاری با تأکید بر رفتارهای ارتقاء دهنده سبک زندگی سالم در بیمارستان‌ها شکل شود.

کلیدواژه: پرستار، ارتقاء سلامت، سبک زندگی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت با خود کارآمدی عمومی و خود کارآمدی فشار خون در معلمان شهرستان قاینات

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یک نگرانی عمومی در مسایل ارتقای سلامت از جنبه فردی و محیطی، پیشگیری از بیماری و غربالگری زود هنگام، تداوم و استمرار مراقبتهای بهداشتی و همچنین سیاست گذاریها به شمار می آید و خودکارآمدی باور فرد در توانایی خویش برای موفق انجام دادن یک رفتار است و مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت با خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی فشارخون انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی بر روی ۲۰۲ نفر از معلمان شهرستان قاینات در سال ۹۵ که به روش نمونه گیری طبقه بندی تصادفی انتخاب شده بودند انجام گرفت. ابزار جمع آوری دادهها شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت (فرم کوتاه تافلا)، خودکارآمدی عمومی شرر و خودکارآمدی فشارخون بود. که بصورت خود ایفا توسط نمونه مورد مطالعه پس از کسب رضایت آگاهانه و توجیه در خصوص نحوه تکمیل پرسشنامه تکمیل گردید. دادهها توسط نرم افزار SPSS ۱۹ با کمک آمار توصیفی و آزمونهای آماری ضریب همبستگی پیرسون، مدل رگرسیون و آزمون کای اسکوئر در سطح $\alpha=0/05$ مورد آزمون قرار گرفتند.

یافتهها: میانگین نمره خود کارآمدی فشار خون در افراد مورد مطالعه $47/9 \pm 11/6$ ، سواد سلامت $29/3 \pm 7/5$ ، خود کارآمدی عمومی $63/9 \pm 8/9$ تعیین گردید. سطح بالایی از خودکارآمدی فشار خون ($71/3\%$) و سواد سلامت ($77/3\%$) در افراد مورد مطالعه مشاهده گردید، ولی سطح خودکارآمدی عمومی تنها در $9/9\%$ افراد مورد مطالعه مطلوب بود. ارتباط معنی داری بین سطح خودکارآمدی عمومی و سطح تحصیلات مشاهده گردید. بر اساس یافتهها این تحقیق همبستگی مثبت و معنی داری بین خود کارآمدی فشار خون و سواد سلامت در افراد مورد مطالعه وجود داشت ($r=0/26$ ، $p=0/001$). همچنین رابطه منفی و معناداری بین سن و سواد سلامت مشاهده گردید ($r=-0/17$ ، $p=0/013$). ولی رابطه معنا داری بین سن و خودکارآمدی عمومی ($r=-0/05$ ، $p=0/47$) و خودکارآمدی فشارخون ($r=0/46$ ، $p=0/005$) مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به ارتباط مثبت سواد سلامت و خودکارآمدی فشار خون، طراحی مداخلات آموزشی جهت ارتقاء سواد سلامت معلمان می تواند به ارتقای خودکارآمدی فشار خون آنان و نهایتاً کاهش بیماریهای غیرواگیر کمک نماید.

کلید واژه: فشار خون، سواد سلامت، خودکارآمدی

عبدالناصر قاسمی

* کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۶۲۸۴۱۶

Email: n_ghasemi43@yahoo.com

نوشین پیمان

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

سیده بلین توکلی ثانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

حبیب اله اسماعیلی

استاد گروه آمارزیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

غلامرضا شریف زاده

استادیار و عضو مرکز تحقیقات علوم اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، ایران

هادی طهرانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

محمد تاج فرد

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر نظریه خودکارآمدی بر سواد سلامت، خودکارآمدی و کنترل فشار خون در معلمان مرد مدارس شهرستان قاینات سال تحصیلی ۹۶-۹۵

عبدالناصر قاسمی

* کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۶۲۸۴۱۶

Email: n_ghasemi43@yahoo.com

نوشین پیمان

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

سیده بلین توکلی ثانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

حبیب اله اسماعیلی

استاد گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

غلامرضا شریف زاده

استادیار و عضو مرکز تحقیقات علوم اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، ایران

محمد تاج فرد

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی باور فرد در توانایی خویش برای موفق انجام دادن یک چیز است. سواد سلامت میزان ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر، درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامتی است که برای تصمیم گیری مناسب لازم می باشد. هدف از انجام این تحقیق بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر نظریه خودکارآمدی بر سواد سلامت، خودکارآمدی و کنترل فشار خون در معلمان شهرستان قاینات سال ۹۵ بوده است.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه تجربی دارای گروه کنترل و آزمون بوده که بر اساس مداخله آموزشی (قبل و بعد آموزش) انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این بررسی معلمان مرد بالای ۳۰ سال بود. مطالعه بر روی ۸۴ نفر که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده بودند، انجام گرفت. ابزار جمع آوری داده‌ها شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت (فرم کوتاه تافلا)، خودکارآمدی عمومی شرر و خودکارآمدی فشارخون بود. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS ۱۹ و با کمک آمار توصیفی و آزمونهای آماری کروسکال والیس، من ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح معنا داری $\alpha=0/05$ مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه $42/73 \pm 6/12$ سال بود. میانگین نمره خود کارآمدی فشار خون در افراد مورد مطالعه $45/3 \pm 13/6$ ، سواد سلامت $27/6 \pm 4/1$ ، خود کارآمدی عمومی $40/2 \pm 9/8$ تعیین گردید. بر اساس یافته‌ها این تحقیق، $15/5\%$ خودکارآمدی عمومی، $60/7\%$ خودکارآمدی فشارخون و $25/2\%$ سواد سلامت افراد مورد مطالعه در حد مطلوبی بود. همچنین یافته‌ها ارتباط مثبت و معنی داری بین خود کارآمدی و سواد سلامت در افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد ($p=0/34$). ولی این اختلاف در خودکارآمدی فشارخون ($p=0/41$) و سواد سلامت ($p=0/18$) با سطح تحصیلات تفاوت معنی داری را نشان نداده است. بر اساس یافته‌ها ضریب همبستگی اسپیرمن، رابطه منفی و معناداری بین سن و سواد سلامت مشاهده گردید ($r=0/17$; $p=0/013$) ولی رابطه معنی داری بین سن و خودکارآمدی عمومی ($r=0/47$; $p=0/005$) و خودکارآمدی فشارخون ($r=0/46$; $p=0/005$) مشاهده نگردید. در مقایسه خودکارآمدی عمومی قبل با بلافاصله سه ماه بعد، آزمون آنالیز داده‌های تکراری نشان داد تغییرات گروه مداخله نسبت به گروه کنترل بطور متوسط به ترتیب ۲۳ و ۲۴ بوده است که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود ($p<0/001$). همچنین در مقایسه سواد سلامت قبل با بلافاصله سه ماه بعد از مداخله نیز تغییرات گروه مداخله نسبت به گروه کنترل در هر دو بازه ۸ بوده است که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود ($p<0/001$).

نتیجه گیری: براساس یافته‌های مطالعه حاضر، ارتقاء سواد سلامت بر خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی فشار خون تاثیر اساسی دارد. چنانچه مداخلات آموزشی جهت ارتقاء سواد سلامت معلمان صورت پذیرد باعث ارتقای خودکارآمدی آنان خواهد شد که خود می‌تواند زمینه را برای ارتقای سطح آگاهی و عملکرد جمعیت معلم‌ها و نهایتاً ارتقای سطح سلامت در جامعه مهیا نماید.

کلید واژه: فشار خون، سواد سلامت، خودکارآمدی، آموزش بهداشت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه رابطه سواد سلامت با رفتارهای بهداشتی و وضعیت

سلامت سالمندان روستایی و شهری

چکیده

مقدمه: ارتقای دانش و سواد عمومی جامعه در حوزه سلامت نقش بسیار مهمی در کاهش بیماری‌ها و به دنبال آن کاهش هزینه‌های درمانی دارد. امروزه سواد سلامت ناکافی به عنوان یک تهدید جهانی به شمار می‌آید. از این رو هدف پژوهش حاضر مقایسه وضعیت سواد سلامت، تعیین ارتباط سطح سواد سلامت با رفتارهای بهداشتی و بیماریها و همچنین اتخاذ رفتارهای پیشگیری و درمانی مناسب در سالمندان روستایی و شهری شهرستان تبریز به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر می‌باشد تا در صورت لزوم بتوانیم مداخلات مناسب انجام دهیم.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی مقطعی است که بر روی ۲۶۰ نفر سالمند (۶۰ سال به بالا) در مناطق روستایی و شهری شهرستان تبریز انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده از مراجعین به مراکز سلامت روستایی و شهری انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه سواد سلامت استفاده و با مصاحبه اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی آزمودنی‌ها $67 \pm 0/66$ سال بود. حدود ۶۱ درصد از افراد مورد مطالعه زن و ۳۹ درصد مرد بودند. سواد سلامت $70/33$ درصد از سالمندان در حد ناکافی، $6/99$ درصد مرزی و $22/63$ درصد شرکت‌کنندگان از سواد سلامت کافی برخوردار بودند. سطح سواد سلامت ناکافی در سالمندان کم درآمد، مسن و روستایی بیشتر بود. افراد با سطح پایین سواد سلامت در هر دو فیلد بیش از سایرین به پزشک مراجعه و دارو مصرف می‌کردند. افراد با سطح سواد سلامت بالاتر، وضعیت سلامت عمومی خود را بهتر ارزیابی می‌کردند. ارتباط آماری معنی‌داری بین سطح سواد سلامت و انجام ماموگرافی در زنان سالمند شهری و روستایی دیده نشد.

نتیجه‌گیری: به طور کلی در این پژوهش حدود یک پنجم سالمندان سطح سواد سلامت مطلوب داشته که این خود لزوم توجه بیشتر به امر سواد سلامت را در برنامه‌های ارتقای سلامت می‌رساند. از این رو با تدوین برنامه‌های جامع، ایجاد رسانه‌ها و مواد آموزشی ساده و قابل فهم توسط سیاست‌گذاران کلان بهداشتی و همچنین مداخلات آموزشی کارآمد برای افراد با سواد سلامت ناکافی می‌توان گامی مؤثر برای توسعه مهارت‌های سواد سلامت و ارتقای سلامت در جامعه و کاهش هزینه‌های درمانی برداشت.

کلید واژه: سواد سلامت، وضعیت سلامت، رفتارهای بهداشتی، سالمند

مهرانگیز قاسمیه

* گروه پزشکی اجتماعی و دانشکده داروسازی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
۰۹۱۴۱۰۶۰۹۵۶

Ghasemiyehm93@gmail.com

جوهر یاری

گروه پزشکی اجتماعی و دانشکده داروسازی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

صبا رسولی

گروه پزشکی اجتماعی و دانشکده داروسازی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی و عملکرد مراقبین سلامت شهر بوشهر در خصوص سواد سلامت و بکارگیری راهبردهای مرتبط با آن در ارتباط با مراجعه کنندگان به مراکز خدمات جامع سلامت

سید هماد الدین جوادزاده

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

صدیقه قانندی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

عبدالله حاجی وندی

گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

مهنوش رئیسی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت ناکافی در بسیاری از جوامع پیشرفته به عنوان یک اولویت جهت ارتقاء و بهبود کیفیت سیستم‌های بهداشت و درمان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. عدم توجه به اصول مربوط به سواد سلامت توسط متخصصین سلامتی در طول هر برخورد با مددجویان و به طور کلی فرایند برقراری ارتباط با مددجویان می‌تواند چالش برانگیز باشد و نهایتاً به یک ارتباط موفق منجر نشود. مطالعه‌ی حاضر با هدف بررسی آگاهی و عملکرد مراقبین سلامت شهر بوشهر در خصوص سواد سلامت و بکارگیری راهبردهای مرتبط با آن در فرایند ارتباط با مددجویان صورت پذیرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی تحلیلی به شیوه مقطعی است که بر روی ۹۱ نفر از مراقبین سلامت شهر بوشهر انجام شد. نمونه‌های مورد بررسی به روش سرشماری وارد پژوهش شدند و جهت ارزیابی سطح آگاهی و عملکرد مراقبین سلامت در خصوص سواد سلامت و بکارگیری راهبردهای مرتبط با آن در فرایند ارتباط و آموزش به مددجویان از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها بدست آمده، سطح آگاهی مراقبین سلامت از مقوله سواد سلامت و راهبردهای مرتبط با آن ضعیف بوده و وضعیت عملکرد و بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در فرایند ارتباط و آموزش به مددجویان نیز به طور کلی در حد متوسط بود. مراقبین سلامت با سن پایین تر ($p=0/012$)، با سابقه کاری کمتر ($p=0/009$) با وضعیت استخدامی طرحی و قراردادی ($p=0/008$) و سطح تحصیلات بیشتر ($p=0/026$)، آگاهی بیشتری از مقوله سواد سلامت داشتند. مراقبین سلامت با سطح آگاهی بیشتر در زمینه راهبردهای سواد سلامت، در عرصه عمل نیز عملکرد بهتری داشته و از این راهبردها بیشتر استفاده می‌کردند ($p=0/017$).

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان داد که در مجموع سطح آگاهی مراقبین سلامت در خصوص سواد سلامت ضعیف بوده و به طور کلی عملکرد مطلوبی جهت به کارگیری راهبردهای سواد سلامت در فرایند ارتباط و آموزش به مددجویان ندارند. از آنجا که مراقبین سلامت که آگاهی بهتری در زمینه راهبردهای سواد سلامت داشتند، در عرصه عمل نیز بیش از سایرین از راهبردهای سواد سلامت استفاده می‌نمودند، لذا برگزاری دوره‌های آموزشی جهت توانمندسازی و آشنایی مراقبین سلامت با مفهوم سواد سلامت و نقش مؤثر آن در آموزش به بیمار ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: آگاهی، عملکرد، سواد سلامت، راهبردهای سواد سلامت، مراقبین سلامت.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سواد سلامت با خودکارآمدی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

چکیده

مقدمه: سطح پایین سواد سلامت در افراد مبتلا به دیابت نوع دو شایع است و ممکن است یک مانع اساسی برای افزایش سطح خودکارآمدی و خودمراقبتی در بیماران باشد. هدف این مطالعه تعیین ارتباط بین خودکارآمدی و خودمراقبتی و سواد سلامت در مبتلایان به دیابت نوع دو مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی خرمشهر می باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی است که در سال ۱۳۹۵ طراحی و اجرا گردید. جامعه آماری در این پژوهش بیماران دیابتی نوع دو مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر خرمشهر بودند که با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی ۱۲۱ نمونه انتخاب شد. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه ی سواد سلامت (۱۴ سوال)، پرسشنامه ی خودمراقبتی (۱۲ سوال) و پرسشنامه ی خودکارآمدی (۸ سوال) بوده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری اسپاس اس و آزمون های تی تست، آنوا، رگرسیون گام به گام و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره سواد سلامت، خودمراقبتی و خودکارآمدی در بیماران به ترتیب $2/90 \pm 0/53$ ، $3/39 \pm 1/31$ و $6/77 \pm 1/80$ بوده است. همبستگی پیرسون نشان دهنده ی رابطه مثبت سواد سلامت با خودمراقبتی و خودکارآمدی بوده است (هر دو $P < 0/0001$).

نتیجه گیری: طراحی برنامه آموزشی مدون و مستمر جهت ارتقای سطح سواد سلامت، خودکارآمدی بیماران مبتلا به دیابت که نهایتاً به تغییر در رفتار و سطح خودمراقبتی آنها می شود یک امر بسیار ضروری می باشد.

کلید واژه: دیابت نوع دو، سواد سلامت، خودمراقبتی، خودکارآمدی

هایده فجرى

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، معاونت آموزشی و پژوهشی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران.

نوراله طاهری

دانشجو دکترا جراحی پرستاری، گروه پرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران.

حسن شهبازی

* گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۰۹۱۳۹۷۷۶۵۱۳

e-mail: sh.hasan333@gmail.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



توانمندسازی زنان مراجعه کننده به خانه‌های بهداشت شهرستان کرمان از طریق آموزش خودآزمایی پستان

منیره قربان صباغ

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مرکز بهداشت شهرستان
قوچان، قوچان، ایران. نویسنده مسئول: تلفن همراه:
۰۵۱۴۷۲۲۴۰۶۱ :تلفن ثابت: ۰۹۱۵۵۰۲۱۷۰۵
sabbaghm2@mums.ac.ir

نرگس خانجانی

استادیار، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی کرمان. کرمان، ایران.

نسترن ملایی مقدم

مرکز تحقیقات آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه،
علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

چکیده

مقدمه: ترویج خود-توانمندسازی زنان در امر خودآزمایی پستان در محیطی ترین سطوح ارائه خدمت نقش مهمی در تشخیص زودرس، درمان و پیشگیری از مرگ و میر سرطان پستان دارد. این مطالعه، با هدف توانمندسازی زنان، از طریق آموزش خودآزمایی پستان انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه، از نوع کارآزمایی اجتماعی، با روش نمونه گیری تصادفی ساده، روی ۸۰ خانم مراجعه کننده به دو خانه بهداشت انجام شد. در ۴۰ نفر فقط برای خودشان و ۴۰ نفر دیگر، برای خودشان و بهورز آنها، مداخله انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بود. که بصورت پیش آزمون، بلافاصله بعد و دو ماه بعد از مداخله تکمیل گردید. یافته‌ها با استفاده از تی تست زوجی، مستقل، مک نمار، رگرسیون خطی، و آزمونهای ناپارامتری تحلیل شد.

یافته‌ها: بعد از اجرای مداخله، در زیرجزمای توانمندسازی و عملکرد در هر کدام از گروه‌ها، تفاوت معنی دار شد. در زیرجزمای توانمندسازی بین دو گروه با و بدون بهورز اختلاف معنی داری مشاهده نشد. بجز زیرجزمای آگاهی که در مقطع بلافاصله بعد از مداخله میانگین آن در گروه با حضور بهورز، بیشتر شد و زیرجزمای اعتماد به نفس، که میانگین آن در گروه بدون حضور بهورز بیشتر شد.

نتیجه گیری: خود-توانمندسازی زنان بخصوص در جامعه روستایی، در زمینه خودآزمایی پستان پایین بوده و نیاز مداوم به آموزش مهارتهای خود-توانمندسازی دارند، اما به نظر نمی رسد که آموزش با حضور بهورز نقش مهمی در افزایش توانمند سازی زنان داشته باشد.

کلید واژه: توانمند سازی، خودآزمایی پستان، نگرش، خودکارآمدی، اعتماد به نفس



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله ی آموزشی پیشگیرانه بر ارتقای دریافت مکمل های آهن در دانش آموزان دختر دبیرستانی: کاربردی از مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: دختران نوجوان به علت افزایش نیاز به ریز و درشت مغزی‌ها در دوران بلوغ و نیز دوره‌های قاعدگی یکی از گروه‌های پر خطر افزایش شیوع کم خونی فقر آهن محسوب می‌شوند و از آنجائی که در بسیاری از جوامع میزان آهن جذب شده از مواد غذایی برای تامین نیاز افراد کافی نیست بنابراین مصرف مکمل آهن جزئی ضروری برای کنترل کم خونی فقر آهن به شمار می‌رود. به همین منظور این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله ی آموزشی پیشگیرانه بر ارتقای دریافت مکمل‌های آهن در دانش آموزان دختر دبیرستانی انجام گردید.

روش بررسی: در مطالعه ی نیمه تجربی حاضر، ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر مشهد (گروه آزمون و کنترل هر یک ۷۰ نفر) شرکت داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت شناختی، سؤالات آگاهی و سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی در زمینه ی مصرف مکمل آهن بود. پس از انجام پیش آزمون، مداخله ی آموزشی برای گروه آزمون اجرا شد و پس آزمون در دو بازه ی بلافاصله و ۳ ماه پس از آن انجام گرفت. داده‌ها با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون‌های آنالیز واریانس داده‌های تکراری و تی مستقل در نرم افزار SPSS ۷۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** قبل از مداخله دو گروه از نظر کلیه متغیرها و سازه‌ها تفاوت معناداری نداشتند ($P < 0.05$). پس از مداخله بین دو گروه از نظر متغیرهای آگاهی ($p = 0.01$)، منافع ($p = 0.03$) و موانع درک شده ($p = 0.02$)، خودکارآمدی ($p = 0.01$) و رفتار مصرف مکمل آهن ($p = 0.05$) اختلاف آماری معناداری مشاهده شد. **نتیجه گیری:** مداخله ی آموزشی بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی می‌تواند در ارتقای آگاهی و ادراکات شناختی رفتاری دختران نوجوان موثر باشد.

کلید واژه: مدل اعتقاد بهداشتی، مداخله آموزشی، مصرف مکمل آهن، دختران، نوجوانان

مستوره سادات قریشی

گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

آیدا ابوصالحی

گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نوشین پیمان

*دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
نویسنده مسئول:

peymann@mums.ac.ir

هادی طهرانی

استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



فاکتورهای پیش بینی کننده مرتبط با انجام رفتارهای خودمراقبتی در بین بیماران دیابتی نوع دو با استفاده از مدل شناختی اجتماعی

مستوره سادات قریشی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

حبیب الله اسماعیلی

استاد آمار حیاتی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

هادی طهرانی

* استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۵۱۳۸۵۴۶۶۳۴

Tehranih@mums.ac.ir

چکیده

مقدمه: بررسی عوامل مؤثر بر اتخاذ رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی با استفاده از الگوهایی که عوامل مؤثر بر رفتار را شناسایی و تقویت می کنند ضروری می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی فاکتورهای پیش بینی کننده مرتبط با انجام رفتارهای خودمراقبتی در بین بیماران دیابتی نوع دو با استفاده از تئوری شناختی اجتماعی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی ۳۲۰ نفر از افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ بر اساس نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزار جمع آموری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق ساخته بر اساس سازه های مدل شناختی و اجتماعی که روایی و پایایی آن محاسبه گردید و پرسشنامه استاندارد خودمراقبتی دیابت بود. پس از جمع آوری داده ها اطلاعات با استفاده از آزمون های تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم افزار SPSS۲۱ و در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: طبق یافته های بدست آمده، متغیرهای انتظارپيامد ($r = -0/263$ و $p < 0/05$)، ارزش پيامد ($r = -0/151$ و $p < 0/05$)، خودکارآمدی ($r = -0/350$ و $p < 0/05$)، خودکارآمدی غلبه برموانع ($r = -0/32$ و $p < 0/05$)، محیط ($r = -0/173$ و $p < 0/05$)، یادگیری مشاهده ای ($r = -0/416$ و $p < 0/05$)، درک موقعیت ($r = -0/251$ و $p < 0/05$)، خودتنظیمی ($r = -0/462$ و $p < 0/05$) و سازگاری عاطفی ($r = -0/374$ و $p < 0/05$) با رفتارهای خود مراقبتی همبستگی مثبت و معنی دار داشتند. همچنین متغیر سازگاری عاطفی (ضریب بتای = ۰/۲۸۳) بیشترین مقدار پیشگویی کننده را داشت.

نتیجه گیری: تئوری شناختی اجتماعی می تواند به عنوان چارچوبی جهت طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت خودمراقبتی بیماران دیابتی مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقاء و حفظ سلامت آنان کمک نماید.

کلید واژه: خودمراقبتی، دیابت، تئوری شناختی اجتماعی، آموزش بهداشت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش سواد سلامت در ارتقاء سلامت (مقاله مروری)

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به میزان ظرفیت افرادی اطلاق می‌شود که دارای مهارت، دانش، درک و اعتماد به نفس برای دسترسی، ارزیابی، و استفاده از اطلاعات، خدمات بهداشتی و مراقبت‌های اجتماعی هستند. سواد سلامت ابزاری مهم در سلامت جامعه است و اولین اولویت در ارتقاء کیفیت خدمات مربوط به سلامت می‌باشد. یک بررسی ملی در کشور آمریکا، شیوع سواد سلامت ناکافی را ۴۸ درصد برآورد کرد. در این مطالعه تنها ۱۱ درصد بزرگسالان از سواد سلامت کافی برخوردار بودند. در مطالعه ای در ایران ۵۶٫۶ درصد از افراد سواد سلامت ناکافی داشتند و تنها ۲۸٫۱ درصد از افراد، از سطح بالای سواد سلامت برخوردار بودند. یک جامعه ی دارای سطح بالای سواد بهداشتی می‌تواند هزینه مراقبت‌های بهداشتی را بالغ بر ۷۳ میلیارد دلار کاهش دهد.

روش بررسی: این مطالعه به صورت مروری، از طریق جستجوی واژگان کلیدی مرتبط در میان مقالات داخلی و خارجی به زبان فارسی و انگلیسی انجام شد. جستجو در پایگاه داده‌های SID، Magiran، IranDoc، Pubmed و Iranmedex، Google scholar، با کلید واژه‌های سواد سلامت، ارتقاء سواد سلامت، آموزش سلامت و ارتقاء سلامت در بازه ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انجام شد.

یافته ها: مطالعات نشان می‌دهد که سواد سلامت محدود با شیوه زندگی ناسالم مانند رژیم غذایی نامناسب، مصرف دخانیات، عدم فعالیت فیزیکی، عدم انجام رفتارهای پیشگیرانه مانند غربالگری، افزایش خطر مرگ و میر و مرگ زودرس ارتباط معناداری دارد. از طرفی بالا بودن سطح سواد سلامت منجر به خودمراقبتی، عدم مصرف دخانیات، انجام فعالیت فیزیکی، انجام رفتارهای پیشگیرانه، بهبود کیفیت زندگی، کاهش هزینه‌های سلامتی، دسترسی به خدمات بهداشتی، پیروی از رژیم غذایی و دارویی توسط بیماران، افزایش امید به زندگی و طول عمر با کیفیت خواهد شد.

نتیجه گیری: تلاش برای بهبود سواد بهداشتی می‌تواند طیفی از مزایا را داشته باشد. از این رو با تدوین برنامه‌های جامع، مواد آموزشی ساده و قابل فهم و نیز مداخلات کارآمد با استفاده از الگوهای آموزشی، می‌توان گامی مؤثر برای توسعه مهارت‌های سواد سلامت و به دنبال آن ارتقاء سلامت در جامعه برداشت. در نهایت بدین طریق می‌توان تأثیرات منفی سطح پایین سواد سلامت را در جامعه کاهش داد.

کلید واژه: سواد سلامت، ارتقاء سواد سلامت، آموزش سلامت، ارتقاء سلامت

اکبر بابایی حیدرآبادی

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

فاطمه قطفان

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران. ۰۹۱۶۶۴۰۷۵۷۷

Fateme.ghatfan@gmail.com

فاطمه فیاضی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی سالم در سالمندان: یک مطالعه مروری

سمیه قلی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

دکتر پرند پورقانع

* استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۲۴۴۷۶۴۴

p.pourghane@yahoo.com

چکیده

مقدمه: بهبود شرایط زندگی، افزایش طول عمر و امید به زندگی، مرحله خاصی را در زندگی بشر رقم زده که به عنوان سالمندی تعریف شده است. همان طور که طول عمر افراد افزایش می یابد، اهمیت رفتارهای ارتقا دهنده سلامت نیز، با توجه به حفظ کارکرد و استقلال افراد و افزایش کیفیت زندگی آنها، روز به روز بیشتر آشکار می گردد. منظور از سبک زندگی سالم کلیه رفتارهایی است که سبب پیشگیری از بیماری و صدمه، حفظ سلامتی و ارتقاء آن می شود. از جمله این موارد میتوان به رژیم غذایی مناسب، ورزش، کنترل تنش، فعالیتهای اجتماعی و مولد، خودداری از رفتارهای پرخطر اشاره نمود. هدف از این مطالعه تعیین عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی سالم در سالمندان می باشد.

روش بررسی: این مطالعه، یک مطالعه مروری از مقالات منتشر شده (۲۰۱۸-۲۰۰۸) در زمینه سبک زندگی سالمندان در ایران است. با توجه به سوال اصلی پژوهش: "عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی سالم در سالمندان چیست؟" جستجوی گسترده در پایگاههای معتبر Magiran, Pub Med, SID, Science Direct, Blackwell. جهت شناسایی مطالعات انجام شده در زمینه سبک زندگی، سالمندان، عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی و رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و عوامل مرتبط با آن در سالمندان انجام شد. مطالعات، بررسی، ویافتههای مورد نظر، استخراج گردیدند.

نتیجه گیری: شناسایی عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی سالم در سالمندان و کمک به کاهش یا حذف عوامل تاثیر گذار منفی و بهبود و تقویت عوامل تاثیر گذار مثبت نقش مهمی در ارتقای سبک زندگی و سلامت آنان دارد و به نظر می رسد افزایش آگاهی مرتبط با سبک زندگی سالم با برنامه ریزی و ارائه خط مشی ها، می تواند به سالمندان در درک پیامدهای بالقوه سلامت و تغییر شیوه زندگی کمک کند.

کلید واژه: سبک زندگی - سالمند - ایران - مطالعه مروری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر به کار گیری سیستم خدمات مراقبتی جامعه نگر ویژه سالمندان بر کیفیت زندگی سالمندان

چکیده

مقدمه: تغییر ترکیب جمعیت به سمت سالمندی با افزایش امید به زندگی، تنوع فرهنگی و الگوی تغییر یافته بیماریها از بیماریهای واگیر دار به سوی بیماریهای مزمن، همراه با هزینه‌های بالای خدمات درمانی باعث شده که ساختار سیستم بهداشتی درمانی در اکثر جوامع در حال توسعه و توسعه یافته از تمرکز بر مراقبت و درمان به سوی پیشگیری و ارتقای سلامت تغییر کند و ارائه "خدمات جامعه نگر" در بطن جامعه روز به روز گسترش بیشتری یابد. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر به کارگیری سیستم خدمات مراقبتی جامعه نگر ویژه سالمندان بر کیفیت زندگی سالمندان می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه، یک مطالعه مروری از مقالات منتشر شده (۲۰۰۶-۲۰۱۸) در زمینه تأثیر سیستم‌های مراقبتی جامعه نگر بر کیفیت زندگی سالمندان است. با توجه به سوال اصلی پژوهش: "تأثیر سیستم‌های مراقبتی جامعه نگر بر کیفیت زندگی سالمندان چگونه است؟" جستجوی گسترده در پایگاه‌های معتبر Magiran, Pub Med, SID, Direct, Sciences جهت شناسایی مطالعات انجام شده در زمینه سیستم‌های مراقبتی جامعه نگر، کیفیت زندگی و سالمندان، انجام شد. مطالعات، بررسی، و یافته‌های مورد نظر، استخراج گردیدند.

یافته‌ها: تحقیقات نشان می‌دهد که فعالیت‌های مراقبتی مبتنی بر جامعه از نوع سرویس‌های خدماتی با کیفیت بالا می‌باشند که طی آن در هزینه‌ها صرفه جویی شده و بر پیشگیری از بروز بیماریها و ارتقا و بهبود سطح سلامتی تأکید می‌شود. برای درک و فهم ماهیت خدمات بهداشت جامعه لازم است شش جزء تشکیل دهنده آن شامل: ۱- ارتقا سطح سلامتی ۲- پیشگیری از بروز مشکلات بهداشتی و سلامتی ۳- درمان اختلالات و ناخوشی‌ها ۴- توانبخشی ۵- ارزشیابی خدمات ارائه شده ۶- تحقیق و پژوهش مورد بررسی قرار گیرد و در واقع ارائه خدمات مبتنی بر جامعه برای سالمندان زمانی موثر و کارآمد تلقی می‌شود که واجد مشخصاتی از جمله: جامع و کامل بودن، هماهنگ ارائه شدن، در دسترس و کیفی باشد

نتیجه گیری: برنامه خدمات و مراقبت‌های سالمندی، نقش بسیار مهمی را در استقلال و حفظ کیفیت زندگی افراد سالمند ایفا می‌کند. ادغام و یکپارچه سازی خدمات سالمندی ضروری به نظر می‌رسد و خدمات مبتنی بر جامعه می‌توانند به عنوان برنامه پشتیبان جهت ادامه زندگی مستقل سالمندان و حفظ کیفیت زندگی آنان در دراز مدت عمل نمایند.

کلید واژه: سیستم‌های مراقبتی جامعه نگر - سالمندان - کیفیت زندگی - مقاله مروری

سمیه قلی زاده

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول:

۰۹۱۱۲۳۱۵۵۴۱

hafez.khangah@gmail.com

دکتر پرند پورقانع

استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر مدل فرانظریه ای بر ارتقاء رفتار تغذیه ای زنان میانسال مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی غرب اهواز در سال ۱۳۹۶

لیلا قناد نتاج دزفولی

دانشجوی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

قدرت اله شاکری نژاد

* دانشیار گروه پژوهشی آموزش سلامت، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

ماریا چراغی

دانشیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

محمد حسین حقیقی زاده

مری گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: اجرای برنامه‌های آموزشی الگو محور برای اصلاح الگوی مصرف غذایی زنان میانسال ضروری است. مدل فرانظریه ای یکی از مدل‌های موثر بر رفتار بهداشتی است. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر مدل فرانظریه ای بر ارتقاء رفتار تغذیه ای زنان میانسال مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی غرب اهواز در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه بصورت مداخله ای دو گروهی آزمون و شاهد با مشارکت ۱۲۶ نفر زن میانسال ۳۰ تا ۵۹ سال که به روش نمونه گیری ساده و به تعداد ۶۳ نفر در هر گروه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل فرانظریه ای و پرسشنامه رفتار تغذیه ای بود. پس تکمیل پرسشنامه‌ها توسط دو گروه تجزیه و تحلیل مقدماتی داده‌ها گروه آزمون بر اساس مراحل تغییر در ۴ گروه تقسیم شدند. مداخله آموزشی بصورت ۳ جلسه به روش‌های بحث گروهی و سخنرانی با استفاده از پمفلت و پوستر برای گروه آزمون برگزار گردید. ۹ هفته بعد از آموزش مرحله دوم تکمیل پرسشنامه برای هر دو گروه انجام گردید. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS۲۲ و با استفاده از آزمون‌های تی زوج و مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و مربع کای تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سن افراد در گروه آزمون ۳۷/۷۱ (۶/۸) و در گروه شاهد ۳۸/۵۷ (۷/۷۱) بود که اختلاف معنی داری بین دو گروه مشاهده نشد. قبل از مداخله آموزشی همسانی دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت شناختی، سازه‌های الگو و رفتار تغذیه ای بررسی گردید و بین گروه‌ها از این نظر اختلاف معنی داری مشاهده نگردید ($P < 0.05$). بعد از مداخله آموزشی سازه‌های مراحل تغییر فرایند تغییر ۲۱/۳۴ (۶/۷) به ۳۴/۰۳ (۱۱/۳)، تعادل تصمیم گیری ۱۸/۴۴ (۴/۱۵) به ۲۳/۱۴ (۵/۱۱) و خودکارآمدی از ۲۲/۷۴ (۶/۶۴) به ۲۵/۳۹ (۶/۱۸) نسبت به قبل از مداخله اختلاف معناداری نشان دادند ($P < 0.05$). رفتار تغذیه ای از ۱۳/۱۲ (۲/۶۶) به ۱۶/۶۶ (۱/۱۶) افزایش نشان داد که این افزایش معنا دار بود ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: یافته پژوهش اخیر اجرای برنامه آموزشی مبتنی برمدل فرانظریه ای را موثر در ارتقای رفتار تغذیه نشان داد. از آن جا که سلامت زنان میانسال از اولویت‌های بهداشتی جامعه است، بنظر می‌رسد طراحی و اجرای برنامه آموزشی مبتنی بر این الگو جهت ارتقاء رفتارهای تغذیه ای در چنین برنامه ریزی‌های آموزشی می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

کلید واژه: مدل فرانظریه ای، آموزش تغذیه، زنان میانسال



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان آگاهی و عملکرد متصدیان مراکز تهیه، توزیع و مصرف کنندگان مواد غذایی در مورد اطلاعات ضروری مندرج در برچسب‌های مواد غذایی

چکیده

مقدمه: توجه به اطلاعات نوشتاری مندرج بر روی برچسب‌های مواد غذایی از دیدگاه سواد سلامت اجتماعی بسیار حائز اهمیت بوده و در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه افراد در خرید انواع مواد غذایی بسته‌بندی شده استاندارد کمک نماید. این امر در نهایت می‌تواند به بهبود کیفیت رژیم غذایی و ارتقاء سلامتی در جامعه کمک نماید. فلذا این مطالعه با هدف بررسی میزان آگاهی و عملکرد مردم شهرستان بستان‌آباد در مورد اطلاعات ضروری مورد نیاز برای درج بر روی برچسب‌های مواد غذایی انجام شده است.

روش بررسی: در این بررسی تعداد ۱۰۳۶ نفر از متصدیان عرضه‌کننده مواد غذایی و مراجعین به مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی در محدوده سنی بین ۱۶ تا ۶۵ سال انتخاب گردیدند و برای هر یک از آنها پرسشنامه مربوط به وضعیت دموگرافی و سنجش آگاهی و عملکرد مرتبط با برچسب‌های مواد غذایی تکمیل گردید. اطلاعات پس از گردآوری، مورد جمع‌بندی قرار گرفته و از طریق روش‌های آماری توصیفی و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای تعیین رابطه بین آگاهی و عملکرد متصدیان عرضه‌کننده مواد غذایی و مراجعین به مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی از آزمون کای دو استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این مطالعه مشخص شد که بیش از ۷۵ درصد از افراد به هنگام خرید، به برچسب مواد غذایی توجه نموده و بیشترین انگیزه‌شان مشاهده تاریخ تولید و مصرف مندرج در روی برچسب محصول است و درصد ناچیزی از آنان با هدف کسب اطلاعات تغذیه‌ای، مشاهده وزن محصول، دستیابی به اطلاعاتی در مورد وجود مواد افزودنی و رنگ‌های مصنوعی، به اطلاعات مندرج بر روی برچسب‌های مواد غذایی بسته‌بندی شده توجه می‌نمایند.

نتیجه‌گیری، یافته‌ها: این مطالعه نشان داد که سطح آگاهی مردم در رابطه با اطلاعات تغذیه‌ای مندرج بر روی برچسب‌های مواد غذایی بسیار پایین بوده و با توجه به تاثیر بالای آگاهی تغذیه‌ای بر عملکرد افراد در این زمینه، ضرورت توجه به آموزش‌های مداوم تغذیه‌ای، آموزش تفسیر اطلاعات مندرج بر روی برچسب‌های مواد غذایی و بهره‌مندی از آنها به منظور دستیابی به الگوی تغذیه‌ای مناسب و ارتقای سواد سلامت اجتماعی در جهت کاهش ابتلا به عوارض نامطلوب مرتبط با مصرف مواد غذایی بسته‌بندی شده اهمیت پیدا می‌کند.

کلید واژه: آگاهی، برچسب مواد غذایی، سواد سلامت، عرضه‌کنندگان مواد غذایی، مصرف‌کنندگان مواد غذایی

محمد قنبری قوزیکلی

* مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول:
تلفن: ۰۴۱-۳۲۳۳۳۹۳۳

Email: Ghanbarym@yahoo.com

بهروز آهنگری

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

سعید همتی

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

زهره قیطانچی

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

مریم فرج زاده

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

نادیا اسماعیل زاده

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

دل آرا اسدزاده

مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز بهداشت استان آذربایجانشرقی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر آموزش خانواده محور (مبتنی بر الگوی توانمند سازی) با فرد محور بر کیفیت زندگی افراد مبتلا به دیابت نوع دو

مریم سادات کاتبی

* کارشناسی ارشد آموزش مامایی، مربی آموزشی
دانشکده پرستاری و مامایی قاین، دانشگاه علوم
پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۵۵۰۴۸۲۴۴

maryam.katebi8244@yahoo.com

آسیه مودی

دانشجوی دکتری مامایی، عضو هیئت علمی دانشکده
پرستاری و مامایی قاین، دانشگاه علوم پزشکی
بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: دیابت یکی از شایع ترین و پر نفوذ ترین بیماری‌های مزمن است که محدودیت‌های زیادی در فعالیت‌های بیمار ایجاد می‌کند. مطالعه حاضر با هدف مقایسه تاثیر آموزش بیمار محور با خانواده محور بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ انجام گرفت.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه شاهد دار تصادفی می‌باشد که بر روی ۷۵ بیمار دیابتی نوع دو مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهرستان قاین به منظور بررسی مقایسه تاثیر آموزش خانواده محور با فرد محور بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع دو انجام گرفت. نمونه گیری به روش مبتنی بر هدف انجام گرفت. به این ترتیب که پس از کسب مجوزهای لازم و رضایت کتبی از نمونه‌های پژوهش نمونه گیری انجام شد. نمونه‌ها به سه گروه ۲۵ نفری شامل ۱- گروه کنترل ۲- گروه آموزش فرد محور ۳- گروه آموزش خانواده محور مبتنی بر الگوی توانمند سازی تقسیم شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی (SF-36) است. در این پژوهش از روش پیش و پس از مزمون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۲ و آزمون‌های آماری t test و کروسکال انجام گرفت. یافته‌ها: بین ابعاد (سلامت عمومی، عملکرد جسمی، عملکرد اجتماعی، مشکل روحی، انرژی و خستگی، مشکل جسمی) و همچنین نمره کل کیفیت زندگی در تمام بیماران بین قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری وجود دارد. ($P=0/000$) و همچنین در نمره کل کیفیت زندگی بین سه گروه خانواده محور ($P=0/000$)، فرد محور ($P=0/000$)، کنترل ($P=0/000$)، قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: آموزش خانواده محور نیز میتواند همانند آموزش فرد محور به طور موثری کیفیت زندگی بیماران دیابتی را بهبود بخشد از این رو بایستی برای حفظ و بهبود کیفیت زندگی بیماران دیابتی از اعضای خانواده بیماران به عنوان عضوی از تیم درمان استفاده گردد.

کلید واژه: کیفیت زندگی، دیابت نوع دو، آموزش خانواده محور، آموزش فرد محور، الگوی توانمند سازی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اپیدمیولوژیک اختلالات عملکرد جنسی و تاثیر سواد سلامت بر آن در زنان شهر قزوین سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: یکی از گزینه‌های مهم و جدایی ناپذیر انسان، میل جنسی است و قسمت مهمی از زندگی آن می باشد. اهمیت به این گزینه و مشکلات ناشی از آن بسیار پر اهمیت است. بر اساس مطالعات انجام شده نگرانی‌های جنسی در هر کشور دارای پراکندگی خاصی است اما نقطه مشترک اکثریت مطالعات، افزایش اختلالات جنسی زنان در دوره پائسگی می باشد. امروزه تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که اختلالات جنسی تنها در دوران پائسگی نمی باشد چراکه در تمامی دوران زندگی زناشویی یک زن می تواند مشکلات جنسی وجود داشته باشد و این مسئله سبب گشت که در این مطالعه به نگرانی‌های جنسی در سنین باروری نیز، توجه نماییم. این مطالعه به منظور بررسی شیوع اپیدمیولوژیک اختلالات عملکرد جنسی و تاثیر سواد سلامت بر آن در زنان سنین باروری و زنان پائسه شهر قزوین سال ۱۳۹۷ انجام شد. **روش بررسی:** مطالعه از نوع مقطعی و جامعه پژوهش کلیه زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین می باشد. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای دو مرحله ای است. در مناطق ۱ و ۲ در شهر قزوین، ابتدا هر مرکز بهداشتی درمانی را به عنوان یک خوشه در نظر گرفته و از مناطق به صورت تصادفی چند مرکز را انتخاب کرده سپس از میان مراکز انتخابی به صورت تصادفی ساده ۲۴۰ نفر را انتخاب می کنیم. روش جمع آوری اطلاعات به صورت پرسشنامه (اپیدمیولوژیک، عملکرد جنسی پرسشنامه هایی نظیر ویژگی دموگرافیک، آگاهی جنسی، کیفیت روابط مطلوب با همسر و سواد سلامت بر اساس DSM-IV بود. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و با آزمون‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: ۴۴/۸ درصد واحدهای پژوهش معتقدند انجام فعالیت جنسی در دوران بارداری ممکن است برای جنین مضر باشد؛ لکن تمام افرادی که سواد سلامت بالاتری داشتند، فعالیت جنسی سالمتری داشته اند، ۵۱/۶ درصد آنان، یک الی دو بار در هفته فعالیت جنسی داشته اند. ۴۳/۹ درصد زنان از نظر عملکرد جنسی نرمال و ۳۱/۴ درصد اختلال خفیف و شیوع اختلال شدید ۱۸/۸ درصد بود. شدت اختلال با سطح سواد سلامت ارتباط معنی دار داشت ($P=0/001$)؛ به گونه ای که سواد سلامت با مدرک علوم پزشکی فرد در ارتباط معناداری بود. بطور کلی نمره عملکرد جنسی با سواد سلامت با افزایش سن کاهش، بگونه ای که در دوران پائسگی بیشترین اختلال عملکرد جنسی مشاهده می شود. لذا بررسی‌های بیشتر جهت یافتن الگوی دقیق سواد سلامت جنسی در این دوران و نیز شناخت اپیدمیولوژی آن توصیه می شود. **نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این مطالعه می توان گفت که اصلی ترین علل اختلال عملکرد جنسی در زنان پائسه کاهش سواد سلامت و پیگیری جهت بالابردن دانش جنسی این افراد می باشد.

کلید واژه: اختلالات عملکرد جنسی، زنان، سواد سلامت

اصغر کاربرد

* اپیدمیولوژیست، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین-دانشکده پیراپزشکی، نویسنده مسئول :
kARBORD2003@yahoo.com

عیسی محمدی زیدی

دانشیار آموزش بهداشت، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین-دانشکده بهداشت

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین-دانشکده بهداشت

شهرام رستاک

کارشناس ارشد هوشبری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین-دانشکده پیراپزشکی

نغمه نصیری

کارشناس بهداشت خانواده، مرکز بهداشت شهر قزوین

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اپیدمیولوژیک خودکشی در مرکز ایران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: خودکشی اقدامی آگاهانه و مرگبار است که توسط فرد و با آگاهی از این سرانجام صورت می‌پذیرد. همچنین در میان علل مرگ در سراسر دنیا جایگاه هفدهم و سومین علت مرگ در میان گروه سنی ۱۵-۲۴ و دومین علت مرگ در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال می‌باشد. از آن جا که پدیده خودکشی برای نظام بهداشتی و درمانی کشور پرهزینه است و با معیارهای ارزشی و فرهنگی کشور ما نیز سازگار نیست. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی برخی جنبه‌های اپیدمیولوژیک خودکشی و عوامل مرتبط با اقدام به خودکشی و خودکشی منجر به فوت در طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۱ در شهرستان نجف آباد استان اصفهان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی، موارد اقدام به خودکشی در سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۶. که جهت دریافت خدمات پزشکی به بیمارستانهای شهرستان نجف آباد مراجعه کردند مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گرد آوری اطلاعات نیز فرم ثبت اطلاعات مسمومین بود که توسط پرستار تریاز آموزش دیده بخش اورژانس تکمیل گردید. برای محاسبه میزانهای اقدام به خودکشی و خودکشی موفق اطلاعات جمعیتی شهرستان نجف آباد از مرکز ثبت آمار و مرکز بهداشت شهرستان بدست آمد. در این مطالعه متغیرهای مختلف از جمله سن، جنس، منطقه سکونت، تأهل، سطح تحصیلات، شغل، سابقه خودکشی، بیماریهای زمینه‌ای، ابزار، پیامد نهایی خودکشی و روند آنها مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها: این مطالعه شامل ۲۱۳۸ مورد اقدام به خودکشی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۱ بود که از این تعداد ۲۰۵۱ (۹۵/۹٪) اقدام به خودکشی و ۸۷ نفر (۴/۹٪) موارد خودکشی منجر به مرگ بود. نزدیک به نیمی از موارد اقدام به خودکشی در افراد کمتر از ۲۴ سال اتفاق افتاد. همچنین بیشتر موارد اقدام به خودکشی در زنان (۶۴/۸ درصد) و افراد متأهل (۵۳/۹ درصد) رخ داده است. بیشترین روش مورد استفاده برای اقدام به خودکشی نیز مصرف بیش از حد دارو (۹۱/۱ درصد) بود.

بالاترین میزان اقدام به خودکشی در ۱۰۰ هزار مردان ۱۲۲/۹، که مربوط به سال ۲۰۱۳ و برای زنان ۲۳۰/۳ مربوط به سال ۲۰۱۳ بود. همچنین بالاترین میزان خودکشی موفق در مردان ۱۲/۳۲ در سال ۲۰۱۵ و زنان ۵/۳۶ مربوط به سال ۲۰۱۲ بود. روند میزان بروز خودکشی موفق در مردان نجف آباد افزایشی بوده که از لحاظ آماری نیز معنی دار بود ولی این روند در زنان تغییر محسوس نداشت. **نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌ها مطالعه حاضر بروز اقدام به خودکشی و خودکشی موفق در نجف آباد در مقایسه با سایر نقاط ایران بالا است. همچنین تبعات مختلف این واقعه برای فرد و خانواده نیز بسیار زیاد می‌باشد بنابراین اطلاع برنامه ریزان و مجریان خدمات سلامت کشور از میزان خودکشی، در تدوین برنامه‌های پیشگیری بسیار موثر است.

کلید واژه: خودکشی، اپیدمیولوژی، روند، ایران.

سهیل حسنی پور

دانشجوی PHD اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

حمید کاظمی

کارشناس حوادث و سوانح، شبکه بهداشت و درمان شهرستان نجف آباد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

علی رضا غیور

دکتری داروسازی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان نجف آباد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

امینه کاظمی نجف آبادی

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۳۱۱۴۱۷
hamid.kazemi62@gmail.com

حسینعلی نیک بخت

دانشجوی PHD اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

هاله قائم

PHD اپیدمیولوژی، دانشیار گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سواد سلامت با رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه امروزه بخش قابل توجهی از جمعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را بیماران دیابتی تشکیل می‌دهند، لذا اهمیت روز افزون بیماری دیابت در بین تمامی افراد، بخصوص در زنان باردار، افراد زیر بیست سال (نوع ۱) و بزرگسالان (نوع ۲) افزایش یافته است. دیابت بیماری پیچیده و مزمنی است که از طریق اختلال سوخت و ساز در بدن بر کیفیت زندگی بیمار اثر می‌گذارد. با توجه به نقش غیرقابل انکار تکنولوژی در جهان امروز و به روز شدن اطلاعات افراد در رابطه با بیماری‌ها و همچنین افزایش سواد سلامت افراد در رابطه با افزایش خود مراقبتی در پیشگیری و درمان بیماری‌هایی از قبیل دیابت، در این مقاله ارتباط سواد سلامت و رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت را مورد بررسی قرار داده ایم. سواد بهداشتی، میزان توانایی افراد در دستیابی، پردازش و درک اطلاعات و خدمات اولیه بهداشتی مورد نیاز برای تصمیم‌گیری مناسب سلامتی است.

روش بررسی: این پژوهش یک مقاله توصیفی از نوع مروری است. که با مطالعه بر مقالات معتبر علمی و جستجوی منابع مختلف در پایگاه‌های داده معتبر نظیر Science direct, pubmed, scopus و Google Scholar انجام گرفته است. جهت استخراج مقالات از کلیدواژه‌های سواد سلامت، دیابت، خودمراقبتی و ترکیب آن‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد که رابطه مستقیمی از ادراک توانمندسازی تا سواد سلامت، از سواد سلامت به خودکارآمدی، از خودکارآمدی تا رفتارهای خود مراقبتی و از رفتارهای خود مراقبتی تا کنترل سطح قندخون وجود دارد. سواد سلامت باعث کاهش عوارض ناشی از دیابت، افزایش ایمنی و کیفیت زندگی، کنترل گلوکز خون، اندازه‌گیری قند خون بیش از یک بار در هفته، استفاده منظم از داروهای غیرطبیعی، افزایش رفتارهای مدیریت سلامت از جمله خود مراقبتی و در نتیجه کاهش هیپوگلیسمی و یافته‌ها سلامت بیشتری می‌شود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که به طور بالقوه سواد سلامت نامناسب و نداشتن رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت، با کنترل ضعیف سطح قند خون فرد مرتبط است. به همین منظور، برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای بهبود سواد سلامت بیماران مبتلا به دیابت برای کنترل بهتر گلیسمی باید معرفی شوند. همچنین اینکه سواد تحصیلی با خود مراقبتی ارتباطی ندارند.

کلید واژه: سواد سلامت، دیابت، خود مراقبتی

زهره کاظمی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی
لرستان، خرم‌آباد، ایران

راضیه ولی‌زاده

* کارشناس ارشد فناوری اطلاعات سلامت، سازمان
تامین اجتماعی خرم‌آباد، لرستان، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۸۴۶۶۴۱۰۲

valizadeh68@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مرور نظام مند در زمینه تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت در سرطان دهانه رحم

سارا کاظمی

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۴۶۴۲۳۱۳

Email: Sara.kazemi@modares.ac.ir

سامیه کاظمی

دانشجوی دکتری بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

ابوعلی ودادهیر

دکتری تخصصی علوم اجتماعی، دانشیار و عضو هیئت علمی گروه آنترپولوژی (مردم شناسی)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر، تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. یکی از مسائل مهم نظام سلامت در کشورهای در حال توسعه، توزیع نابرابر سلامت است که منجر به نابرابری در جایگاه اجتماعی و شرایط زندگی افراد می‌شود. سرطان دهانه رحم دومین سرطان شایع بعد از سرطان پستان و شایع ترین سرطان در میان زنان ۲۰ تا ۳۹ سال در کشورهای در حال توسعه است. با توجه به اهمیت سرطان دهانه رحم و نقش تعیین کننده‌های اجتماعی در ایجاد بیماری، مطالعه نظام مند حاضر با هدف شناخت و توصیف تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت در سرطان دهانه رحم انجام گردید. **روش بررسی:** در این مطالعه به مرور سیستماتیک مقالات توصیفی- تحلیلی انگلیسی و فارسی در زمینه تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت در سرطان دهانه رحم از پایگاه‌های Pub Med, SID, Google Scholar, Magiran, Science Direct, Iran doc, Scopus, Embase, Web of science, Iran Medex, Proquest با استفاده از مش ترم و کلید واژه‌های فارسی کلمات کلیدی "تعیین کننده اجتماعی سلامت"، "ویروس پاپیلومای انسانی" و "سرطان دهانه رحم"، و کلید واژه‌های انگلیسی "Cervical Cancer", "HPV", "determinants of health" از سال ۲۰۰۰ تا آوریل ۲۰۱۸ جستجو شد. از معیار استروپ برای ارزیابی گزارش دهی استاندارد مطالعات اولیه و اوتاوا برای بررسی کیفیت مطالعات انجام شد، مقالاتی که واجد شرایط ورود بودند انتخاب و وارد مطالعه شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ۱۷ مطالعه توصیفی _ تحلیلی با هدف بررسی تعیین کننده‌های اجتماعی سرطان دهانه رحم وارد گردید. یافته‌ها در بعد ساختاری و بینابینی تحلیل شد. از تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت در بعد ساختاری، نقش آموزش، دانش و درآمد از مهم ترین تعیین کننده‌های ساختاری سلامت و مسائل نژادی و قومی از کمترین اهمیت برخوردار بودند. در بعد بینابینی نقش دسترسی به خدمات، عوامل رفتاری و شرایط زندگی دارای بیشترین اهمیت و عوامل روانی-اجتماعی و شرایط محیطی از اهمیت کمتری برخوردار بودند. در مجموع بخش ساختاری در کلیت فقر و بخش بینابینی در کلیت فرهنگ جای گرفت.

نتیجه گیری: یافته‌ها نشان داد که عوامل مختلف ساختاری در کلیت فقر و بینابینی در کلیت فرهنگ با یک اثر هم افزایی بر ایجاد سرطان دهانه رحم در زنان موثر هستند. شناسایی عوامل مرتبط با فرد، محیط و روابط بین افراد در شناخت عوامل موثر در ایجاد سرطان سرویکس کمک می‌کند. در نتیجه شناسایی این عوامل جهت طراحی برنامه‌های پیشگیری، مداخله گر و ارتقاء سلامت توسط دولت‌ها می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند.

کلید واژه: تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، سرطان دهانه رحم، مرور سیستماتیک

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین تجارب پرستاران از روش‌های آموزشی الکترونیکی و حضوری: یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: آموزش الکترونیک سریع‌ترین و مقرون به صرفه‌ترین روش یادگیری است که به نیازهای افراد و سازمان‌ها پاسخ می‌دهد. این نوع آموزش می‌تواند یکی از مهمترین راه‌های دریافت نیازهای آموزشی، مهارت‌های آموزشی و صرفه جویی در وقت در حرفه پرستاری باشد.

روش بررسی: این مطالعه با رویکرد کیفی در سال ۲۰۱۷ انجام شد. ۲۰ نفر از پرستاران، سرپرستاران، سوپروایزرهای آموزشی، مترون، کارشناس امور بیمارستان، کارشناس واحد بهبود کیفیت و مدیر توسعه و پشتیبانی با نمونه گیری هدفمند در این مطالعه شرکت کردند. اطلاعات جمع آوری شده توسط مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و یادداشت‌های میدانی و با استفاده از تحلیل محتوای منسجم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در طی فرآیند آنالیز محتوا، مشارکت کنندگان در نهایت پنج طبقه برای روش‌های الکترونیکی و حضوری معرفی کردند: (۱) دستیابی به آموزش (۲) اثربخشی آموزشی (۳) اقتباس روش‌های آموزشی (۴) توانایی پیاده سازی و اجرای روش آموزشی. (۵) تداوم و نگهداری.

نتیجه گیری: در حال حاضر، به دلیل فقدان انگیزه، حجم کاری زیاد، محدودیت زمانی و سیاست‌های بیمارستان، پرستاران نمی‌توانند به طور فعال در فرآیند آموزش حضوری شرکت کنند. بنابراین برای بهبود این وضعیت، توجه و بسترسازی مناسب شامل استفاده از آموزش الکترونیکی و حمایت کافی و نظارت بر آن مورد نیاز است.

کلید واژه: آموزش الکترونیکی، آموزش حضوری، تجزیه و تحلیل محتوا، مطالعه کیفی

سیده سمیه کاظمی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Somayehkazemi@modares.ac.ir

صدیقه سادات طوافیان

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۲۱-۸۲۸۸۳۸۲۹
tavafian@modares.ac.ir

علی منتظری

مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

علیرضا حیدرنیا

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد رفیعی

مدیریت آموزشی، معاونت آموزش و توسعه منابع انسانی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



درک خطر کمردرد مرتبط با شغل در پرستاران: یک مطالعه کیفی

سیده سمیه کاظمی

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Somayehkazemi@modares.ac.ir

صدیقه سادات طوافیان

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۲۱-۸۲۸۸۳۸۲۹
tavafian@modares.ac.ir

علی منتظری

مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

علیرضا حیدرنیا

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمد رفیقی

مدیریت آموزشی، معاونت آموزش و توسعه منابع انسانی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

چکیده

مقدمه: کمردرد یکی از شایع ترین اختلالات اسکلتی-عضلانی مرتبط با کار محسوب می‌شود. به طوریکه در سال های اخیر کمردرد مرتبط با شغل به نگرانی مهمی تبدیل شده است. درک بهتر تجربیات پرستاران در مورد کمردرد می‌تواند به ایجاد رویکرد پیشگیرانه کمک کند.

روش بررسی: این مطالعه کیفی از طریق تجزیه و تحلیل محتوا در سال ۲۰۱۷ انجام شد. مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته اختصاصی با نمونه ای مناسب از ۲۵ پرستار با حداقل یک سال تجربه کار در بیمارستان انجام شد. سوالات مصاحبه بر اساس حساسیت و شدت درک شده مبتنی بر مدل PRECEDE (ارزیابی آموزشی و محیطی) بود. تمام مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل موضوعی رونویسی و تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** حساسیت درک شده از زیر طبقات (ناتوانی، جراحی و بازنشستگی زودرس) استخراج گردید. سه زیر طبقه (پیامدهای روحی و روانی، اختلاف و مشکلات زندگی خانوادگی و حرفه ای، و مسائل مالی) در ارتباط با شدت درک شده مشخص شده است.

نتیجه گیری: پرستاران نگرانی‌های خود را در مورد تاثیر کمردرد در کارایی حرفه ای خود، فرسودگی شغلی، زندگی خانوادگی و ارتباط با همکاران منعکس کردند. بنابراین اهمیت رعایت اصول ارگونومی و حرکات اصلاحی، کشش و تقویت عضلات کمری و پشت مورد بررسی قرار گرفت.

کلید واژه: پرستار، کمر درد شغلی، مطالعه کیفی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط ناتوانی و کیفیت زندگی در کارکنان شبکه بهداشت شهرستان چالوس

چکیده

مقدمه: کمردرد مزمن یکی از شایع‌ترین مشکلاتی است که در محیط‌های درمانی دیده می‌شود و دلیل بیش از یک‌سوم همه‌ی ناتوانی‌ها قلمداد شده است که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر ناتوانی بر کیفیت زندگی کارکنان انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه، مقطعی و از نوع توصیفی-تحلیلی است که با مشارکت ۱۰۸ نفر از کارکنان شبکه بهداشت شهرستان چالوس در سال ۱۳۹۶ انجام گردید. نمونه‌گیری به روش تصادفی و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه کیفیت زندگی ((SF-36 Health Questionnaire و پرسشنامه ناتوانی آروستری (Oswestry Disability Index) بود. در تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های U Mann-Whitney، Kruskal-Wallis H. و ضریب همبستگی Spearman تحت نرم افزار SPSS۲۳ استفاده شد.

یافته‌ها: ۳۶/۱٪ از افراد شرکت کننده در این مطالعه مرد و ۶۳/۹٪ آن‌ها زن بودند. میانگین نمره ناتوانی کارکنان ۱۷/۹۱±۷/۵۳ و میانگین نمره کیفیت زندگی آنان ۸۰/۸۰±۱۷/۴۸ بود. بین متغیرهای سن، ورزش و ناتوانی ناشی از کمردرد با کیفیت زندگی کارکنان شبکه بهداشت ارتباط آماری معنی‌دار مشاهده شد. ($P < 0.001$) یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین BMI و ناتوانی با کیفیت زندگی همبستگی معکوس و بین BMI با ناتوانی همبستگی مثبت وجود دارد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها این مطالعه، کمردرد در کارکنان شبکه بهداشت شهرستان چالوس شیوعی برابر ۳۶ درصد دارد که سطح متوسط ناتوانی را نشان می‌دهد. از آنجایی که ناتوانی ناشی از کمردرد یکی از آسیب‌های محیط کاری بوده و کیفیت زندگی کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا ضروری است مدیران و سیاست‌گذاران بهداشتی، برنامه‌های مدون و راهکارهای مناسبی را جهت کاهش ناتوانی ناشی از کمردرد و ارتقای کیفیت زندگی کارکنان طراحی و اتخاذ نمایند.

کلید واژه: ناتوانی ناشی از کمردرد، کیفیت زندگی، کارکنان

سیده سمیه کاظمی

گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مرجان باقری

* گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۲۱-۸۲۸۸۳۸۲۹

behmari127@gmail.com

گلنوش خزایی

واحد آموزش سلامت، شبکه بهداشت و درمان چالوس، چالوس، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



افزایش امید به درمان و کنترل عوامل موثر در بهبود بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲، از طریق آموزش از راه دور بوسیله SMS (پژوهش کارآزمایی بالینی)

ساسان کامران

متخصص بیماری‌های داخلی، گروه پزشکی، دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

احمد مهری

کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

شیوا کامران

* دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۴۵۲۲۹۰
Shivakamran73@gmail.com

احسان میرزایی

دانشجوی پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

حمزه زنگنه

کارشناس ارشد آمار، گروه داخلی، دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

چکیده

مقدمه: در درمان بیماری‌های غیرواگیر، آموزش و ارتقا سواد بهداشتی بیماران اهمیت دارد. sms یکی از قابلیت‌های همگانی و در دسترس تلفن همراه است که میتواند در انتقال اطلاعات بهداشتی به افراد موثر باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر ارسال sms آموزشی - بهداشتی بر بهبود بیماران دیابتی نوع ۲ و افزایش امید به درمان و کنترل FBS, HbA1c, BMI و فشارخون در آنها، می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده است. در مدت ۶ ماه، ۱۷۰ پیام آموزشی - بهداشتی به گروه مداخله ارسال شد. ۲۲۰ نفر از میان بیماران دیابتی نوع ۲، در کلینیک بیماری‌های داخلی استان ایلام، براساس معیارهای ورود، انتخاب شدند. جمعیت گروه مداخله (n=۱۰۰) و گروه شاهد (n=۱۲۰) بیمار بود. ابزار گردآوری اطلاعات برای هر بیمار، پرسشنامه حاوی دو بخش سوالات عمومی و تخصصی، قبل و بعد از مداخله آموزشی بود. در دو مرحله (بدو ورود به مطالعه و بعد از پایان مداخله) اطلاعات بیماران با مصاحبه و معاینه توسط پزشک، ثبت شد. داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS-۲۲ با $\alpha=0.05$ و روش آمار توصیفی و تحلیلی آنالیز شد.

یافته‌ها: به جز میانگین فشارخون، میانگین سایر متغیرهای مورد مطالعه، در بیماران گروه مداخله نسبت به بیماران گروه شاهد، بعد از آموزش، کاهش یافت. BMI ($P=0.00$), HbA1c ($P=0.00$), FBS ($P=0.00$), وزن ($P=0.00$), امید به درمان ($P=0.00$), فشار خون ($P=0.00$) اختلاف آماری معنی دار بین گروه مداخله و شاهد، تاثیر این روش آموزشی را، بر کنترل عوامل موثر در بهبود بیماران دیابتی، نشان داد ولی در متغیر فشار خون اختلاف آماری معنی‌دار دیده نشد و این روش آموزشی تاثیر چندانی بر کنترل فشارخون در بیماران دیابتی نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به اختلاف معنی دار میان یافته‌ها قبل و بعد از مداخله آموزشی به بیماران، از طریق ارسال SMS، نتیجه گیری شد که این روش آموزشی ارزان، در دسترس و همگانی، می‌تواند در کنترل دیابت موثر باشد و با ارتقا سواد بهداشتی، در بهبود شرایط جسمی و روحی بیماران مفید باشد.

کلید واژه: آموزش از راه دور، امید به درمان، دیابت نوع ۲، HbA1c, FBS, SMS.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی و اعتبارسنجی مدل دسته بندی بیماران دیابتی براساس مراحل تغییر تئوری فرانظری با استفاده از داده‌های پرونده پزشکی

چکیده

مقدمه: شخصی سازی محتوای آموزش متناسب با شرایط و نیاز بیماران، موجب تاثیرگذاری بیشتر آن می‌شود. مدل تغییر رفتار فرانظری (TTM)، امکان شخصی سازی پیام را برای هر دسته افراد برحسب مرحله ای از تغییر که در آن قرار دارند می‌سازد. روش مرسوم برای تشخیص مرحله تغییر، استفاده از پرسشنامه خوداظهاری است که صحت یافته‌ها آن تحت تاثیر مسائلی مانند مطلوبیت اجتماعی، طراحی پرسشنامه و غیره قرار دارد. پرونده پزشکی یکی از عناصر اصلی در درمان بیماریهای مزمن مانند دیابت است که وضعیت بیمار در طول زمان را مشخص می‌کند. هدف از این مطالعه طراحی یک مدل دسته بندی مبتنی بر پرونده پزشکی برای تخمین مرحله تغییر بیمار در انجام فعالیتهای خودمراقبتی است.

روش بررسی: مطالعه شامل دو فاز طراحی و ارزیابی است. فاز طراحی در سه مرحله شناسایی حداقل مجموعه آیتم پرونده دیابت، تفسیر آیتم‌های پرونده، و طراحی مدل دسته بندی انجام شد. شناسایی آیتمهای پرونده دیابت، با بررسی فرمهای ساختارمند پنج کلینیک دیابت و نظر سنجی از ۵ متخصص دیابت انجام شد. برای تفسیر یافته‌ها آزمایشات در پرونده از ضوابط تعیین شده در گایدلاین دیابت آمریکا استفاده شد. مدل دسته بندی بر مبنای وضعیت فعلی آزمایش HbA1c و تغییری که نسبت به جلسه قبل داشته است طراحی شد. اگر وضعیت قند خون بیمار نسبت به قبل بهبود داشته باشد در دسته ی "عمل" قرار میگیرد و اگر بدتر شده باشد در دسته ی "بازگشت" قرار میگیرد. در صورتیکه قند خون بیمار مطلوب و نسبت به قبل تغییری نداشته باشد، مرحله "ثبیت" و اگر در وضعیت نامطلوب بدون تغییر باشد در مرحله "پیش عمل" دسته بندی می‌شود. در فاز ارزیابی برای بررسی میزان صحت مدل، از روش روانی معیار با مقایسه درصد توافق مدل و نظر پزشک استفاده شد. برای این منظور یافته‌ها آزمایشات ۵ بیمار دیابتی برای چهار ویزیت متوالی در اختیار ۵ پزشک دیابت قرار گرفت تا با بررسی وضعیت آزمایشات هر بیمار، وی را در یکی از ۴ مرحله ی تغییر دسته بندی نماید. درجه ی توافق با استفاده از ضریب همبستگی بین آنها سنجیده شد. توافق بالای ۷۵٪ قابل قبول در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: برای حداقل مجموعه داده پرونده دیابت ۲۲ آیتم شناسایی شد که در سه بخش دسته بندی گردید. دموگرافیک (۶ آیتم)، آزمایشات (۱۳ آیتم)، داروها (۳ آیتم). میانگین درصد توافق بین مدل و پزشکان برای دسته بندی بیماران در چهار مرحله تغییر ۸۳،۲۵ بدست آمد که به ترتیب برای مرحله پیش عمل ۷۵٪، مرحله عمل ۸۳٪، مرحله ثبیت ۸۳٪، و مرحله بازگشت ۹۲٪ محاسبه شد.

نتیجه گیری: مدل طراحی شده در این مطالعه رویکرد نوینی در دسته بندی بیماران براساس مراحل تغییر است. یافته‌ها نشان داد پرونده بیمار می‌تواند معیار مناسبی برای تشخیص وضعیت خودمراقبتی در بیماران مزمن باشد. این مدل برای تمام بیماریهای مزمن دارای پرونده پزشکی قابل تعمیم و تطبیق پذیر است.

کلید واژه: شخصی سازی اطلاعات، مدل تغییر رفتار فرانظری، پرونده پزشکی، خودمراقبتی، دیابت

آزاده کامل قالی باف

دانشجوی دکتری تخصصی انفورماتیک پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

دکتری آموزش بهداشت، دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

هادی طهرانی

دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

محمود تارا

دکتری انفورماتیک پزشکی، استادیار گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مهدی قلیان اول

دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۳۸۵۱۴۵۴۸
GholianAm@mums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مراقبت پرستاری مبتنی بر اعمال مذهبی بر سلامت معنوی بیماران

محمدحسن صالح نژاد

* دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و
مامایی تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۰۹۱۹۹۷۲۱۷۰۶

maisam.nrk@gmail.com

حسین کتولی نژاد

حسین کتولی نژاد: دانشجوی کارشناسی پرستاری،
دانشکده پرستاری و مامایی تهران، دانشگاه علوم
پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به سلامت معنوی و روحیه دین در حوزه سلامت شد. اعمال معنوی که سلامت معنوی را تسهیل میکند در بسیاری از مداخلات پرستاری دخیل هستند. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر مراقبت پرستاری مبتنی بر اعمال مذهبی بر سلامت معنوی بیماران می‌باشد. **روش بررسی:** مطالعه مروری حاضر با جست و جوی نظام مند مطالعات، در فاصله سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ در پایگاه‌های SID, Google scholar, Pubmed با کلید واژه‌هایی همچون مذهب، اعمال مذهبی، سلامت معنوی و مراقبت پرستاری صورت گرفته است.

یافته‌ها: مطالعات تأثیر مثبت اعمال مذهبی مانند نماز، توسل و دعا را بر سلامت معنوی بیمار نشان می‌دهند. تأثیر حضور مذهبی در کنترل وضعیت سلامت هنگام ناتوانی، درد، حمایت اجتماعی و افسردگی قابل توجه است. عمل مذهبی به طور قابل توجهی با رفاه عمومی بالا در ارتباط است و همچنین مذهب با حس امیدواری ارتباط مثبت و با احساس احتمالی مرگ رابطه منفی دارد. مذهب اطمینان و قدرت را در افراد قوت بخشیده و خصوصیات اخلاقی و معنوی را استحکام می‌بخشد و پایگاه و پناهگاه محکمی در مقابل مشکلات، تنیدگی‌ها، مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند. اعتقادات مذهبی به باور و درک بیماری نیز کمک می‌کند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت مراقبت‌های معنوی و مذهبی به عنوان یکی از وظایف پرستاران، به عنوان اعضای کلیدی تیم سلامت، باید علاوه بر توجه به شرایط جسمی و روحی آنها، به باور و ارزش‌های بیمار احترام گذاشته شود. بر اساس این یافته‌ها، پرسنل پرستاری باید در مراقبت از بیماران توجه بیشتری به مزایای مذهب داشته باشند.

کلید واژه: اعمال مذهبی، مذهب، سلامت معنوی، سلامت، مراقبت پرستاری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی نیازهای برنامه آموزشی دانشجویان پزشکی در زمینه طب مکمل و جایگزین در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: یکی از اقدامات مهم در جهت تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت جامعه، تربیت پزشکان عمومی است. این گروه از ارائه دهندگان خدمات سلامت برای ایفای نقش حرفه ای خود بایستی علاوه بر توانمندی های تشخیصی و درمانی، از مهارت لازم برای پاسخگویی به نیازهای جامعه نیز برخوردار باشند. افزایش توجه و گرایش مردم به طب مکمل و جایگزین و استفاده از درمان های این طب در جوامع مختلف ضرورت وارد شدن مباحث آن را در برنامه های آموزش پزشکی از مقطع علوم پایه و بالینی و حتی آموزش مداوم ایجاد کرده است. آشنا بودن پزشکان با درمان های مکمل بسیار مهم است.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - مقطعی بود. با توجه به موضوع تعیین نیازهای برنامه آموزشی در ابتدا به روش توافق محور دلفی در طی سه مرحله توسط ۱۵ نفر از اساتید و دانشجویان پزشکی (۵ نفر اساتید طب سنتی، ۵ نفر اساتید علوم بالینی و ۵ نفر از دانشجویان) با ارسال سوالات باز پاسخ، موضوعات مورد نیاز در حوزه طب سنتی و مکمل را پرسیده و پس از نهایی شدن، پرسشنامه ساختار یافته تهیه شد. در مرحله دوم پرسشنامه ساختاریافته مورد ارزیابی روایی و پایایی قرار گرفته و سپس توسط ۱۶۹ نفر حجم نمونه تکمیل و یافته ها مشخص شد.

یافته ها: بر اساس یافته های برنامه آموزشی دانشجویان پزشکی در زمینه طب مکمل و جایگزین موارد ذیل مشخص گردید که شامل: طب سوزنی ۸۰/۵٪، کایروپراکتیک ۶۶/۸۵٪، هومیوپاتی ۶۳/۹۹٪، یوگا - تای چی - شفای معنوی - تمدداعصاب ۸۷/۵۶٪، رفلکسولوژی ۶۳/۳۵٪، هیپنوتیزم درمانی ۶۳/۸۹٪، گیاه درمانی ۸۰/۴۶٪، حجامت تر و خشک ۴۶/۷۳٪، ماساژدرمانی ۲۵/۵۰٪ بوده اند. اولویت اول با یوگا- تای چی - شفای معنوی- تمدداعصاب و آخرین اولویت با ماساژدرمانی مشخص شد. **نتیجه گیری:** با توجه به نقش مهم پزشکان عمومی در ارتقاء سلامت جامعه و ضرورت برخورداری آنها از دانش و اطلاعات به روز، هدف نهایی از آموزش طب مکمل و جایگزین به دانشجویان پزشکی، آماده کردن آنها برای برخورد منطقی و آگاهانه با یک چالش مهم در پزشکی است. لذا، تغییر در برنامه های آموزشی دانشکده های پزشکی ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه: نیازسنجی، دانشجوی پزشکی، طب مکمل و جایگزین، برنامه آموزشی

دکتر علی عمادزاده

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر حمیدرضا بهرامی طاقانکی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر حسین کریمی مونتقی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر محمدرضا نورس

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

شراره کریمی

* کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد (نویسنده مسئول)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سلامت اجتماعی زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس

علی اسدیان

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

صدیقه عابدینی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

شکرالله محسنی

دانشجوی دکتری، اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

فاطمه کریمی

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول: ۰۷۶۳۳۵۲۰۳۲-نمبر: ۰۷۶۳۳۳۹۰۹۰

Karimi.fatemeh30100@gmail.com

فرشته کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

فائمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: سلامت فرد، پایه و بنیان سلامت جامعه است و سلامت افراد جامعه از شاخص‌های مهم توسعه به حساب می‌آید. امروزه سلامت اجتماعی از مسائل مطرح در پرداختن به موضوع سلامت است. با در نظر گرفتن این نکته که سلامت زنان یکی از اولویت‌های اصلی در همه کشورها می‌باشد، این مطالعه با هدف تعیین سلامت اجتماعی زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی روی ۲۰۰ نفر از زنان تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس صورت گرفت. گروه هدف پژوهش به روش خوشه ای از ده منطقه شهری به صورت تصادفی از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات سلامت انتخاب شده و پس از کسب رضایت از ایشان پرسشنامه مربوطه تکمیل گردید. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه سلامت اجتماعی کبیز (۲۰ سوال با طیف لیکرت ۵ رتبه ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق ۱-۵) در نظر گرفته شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss ۲۰ و آزمون‌های توصیفی، تی تست و آنالیز واریانس یکطرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سن نمونه‌های پژوهش ۲۹±۷ سال بود. یافته‌ها میانگین امتیاز کلی سلامت اجتماعی زنان مورد مطالعه را ۶۵/۱۷ با انحراف معیار ۷/۲۹ نشان داد که بیانگر وضعیت سلامت نسبتاً خوب بود. مقیاس مشارکت اجتماعی دارای بالاترین میانگین امتیاز (۱۶/۱۲) و مقیاس همبستگی اجتماعی دارای کمترین میانگین امتیاز (۹/۳۱) در مقیاس‌های سلامت اجتماعی بود. شکوفائی اجتماعی و پذیرش اجتماعی با سن ارتباط آماری معناداری را نشان داد. همچنین بین تحصیلات با نمره کلی پرسشنامه سلامت اجتماعی کبیز و شکوفائی اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی ارتباط آماری معنی داری مشاهده شد. **نتیجه گیری:** با توجه به یافته‌ها حاصل از مطالعه، پیشنهاد می‌شود که در خصوص همبستگی اجتماعی زنان مداخلات مناسب طراحی و اجرا شود.

کلید واژه: سلامت اجتماعی، زنان، مراکز خدمات جامع سلامت، بندرعباس.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در زنان باردار ایران: مرور سیستماتیک و متاآنالیز

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت مادران باردار و میزان مشارکت آنان در مراقبت‌های ادغام یافته سلامت مادران است. مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز حاضر با هدف سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در زنان باردار ایران انجام گردید.

روش بررسی: در این مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز تمامی مقالات مرتبط با استفاده از کلید واژه های Heath literacy AND, pregnant women OR pregnancy در منابع انگلیسی و با استفاده از کلید واژه های سواد سلامت و (مادران باردار یا بارداری) در منابع فارسی با همه ترکیبات احتمالی آنها در پایگاه‌های اطلاعاتی Google Scholar, SID, MagiranIranDoc, Scopus, PubMed, Cochrane جستجو شدند. کیفیت مقالات با استفاده از ابزار "CASP" کوکران بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار STATA نسخه 14/1 انجام گردید. از شاخص I² و آزمون کای دو جهت بررسی ناهمگنی بین مطالعات و از مدل اثرات تصادفی جهت ترکیب داده‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها: ۸ مطالعه وارد مرور سیستماتیک و آنالیز کمی شدند. یافته‌ها حاصل از مدل اثرات تصادفی نشان داد که ۴۴٪ جمعیت مورد مطالعه سواد سلامت کافی با فاصله اطمینان ۰/۵۶:۹۵ - ۰/۳۳:۲۳٪، ۲۹٪ مرزی با اطمینان ۰/۳۴:۹۵ - ۰/۲۴:۰٪، سواد سلامت ناکافی با فاصله اطمینان ۰/۳۳:۹۵ - ۰/۱۳:۰٪ برخوردار بودند.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که اغلب جمعیت زنان باردار مورد بررسی از سواد سلامت ناکافی و مرزی برخوردار بودند. با توجه به اینکه سواد سلامت در حد ناکافی و مرزی مادران باردار می‌تواند منجر به پیامدهای نامطلوب بارداری شود، ضروری است که توجه بیشتری به سواد سلامت در مراقبت‌های ادغام یافته سلامت مادران گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، مادران باردار، بارداری، مرور سیستماتیک، متاآنالیز

فاطمه زهرا کریمی

* مرکز تحقیقات مراقبت پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ۰۹۱۵۵۵۹۹۱۵۳۶

karimifz@mums.ac.ir: Email

ناهیدملگی ساقونی

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حمید حیدریان میری

استادیار گروه آمار و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدیریت و تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی ارتباط بین سواد سلامتی و رفتارهای خطر در نوجوانان

محمود کریمی

* رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران. نویسنده مسئول

مرضیه عربان

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

ایرج ضاربان

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

محسن شمسی

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

چکیده

مقدمه: رفتارهای خطر در دوران نوجوانی یکی از چالش‌های سلامت همگانی در تمامی جوامع می‌باشد. سواد سلامتی بعنوان یک عامل کلیدی برای بهبود خود کنترلی و پیشگیری از رفتارهای خطر مطرح شده است. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ارتباط بین سواد سلامتی و رفتارهای خطر در نوجوانان زرنده در سال ۹۶ انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی - تحلیلی ۵۳۵ دانش آموز (۲۷۲ پسر و ۲۶۳ دختر) دوره دوم متوسطه به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب و وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه‌های روا و پایای سواد سلامتی برای نوجوانان و رفتارهای خطر نوجوانان بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری spss نسخه ۲۱ و آزمون‌های پارامتریک در سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد، یک همبستگی معکوس و معنا دار بین سواد سلامتی و رفتار خطر نوجوانان وجود دارد ($P < 0/001$ - $r = -0/49$). تفاوت معنا داری بین میانگین نمره سواد سلامتی و رفتار خطر پسران و دختران ملاحظه شد. بطوریکه پسران دارای نمره رفتار خطر بیشتر و دختران دارای نمره سواد سلامتی بیشتری بودند. پیشگویی کننده میزان فعالیت جسمانی بود. علاوه بر این، تحلیل رگرسیونی نشان داد که سازه‌های سواد سلامتی در مجموع ۵۱،۲٪ از تغییرات واریانس رفتار خطر نوجوانان را تبیین می‌کنند. **نتیجه گیری:** نوجوانی یک دوره حیاتی در ایجاد سبک زندگی سالم است. بنابراین با توجه به یافته‌ها این مطالعه، به نظر می‌رسد با بهبود سواد سلامتی در نوجوانان می‌توان رفتارهای خطر را در آنها کاهش داد.

کلید واژه: نوجوان، سواد سلامتی، رفتار خطر

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل پیشگویی کننده یک خودمراقبتی موفق در بیماران فشارخونی بر اساس باورهای غیرمنطقی سلامت و مکان کنترل سلامت

چکیده

مقدمه: رفتارهای خود مراقبتی همچون پایش منظم فشار خون در خانه توسط خود بیمار، یک جنبه حیاتی از مدیریت موثر فشار خون است. اما با وجود موفق بودن برنامه‌های خودمراقبتی، درصد کمی از بیماران فشارخونی در این برنامه‌ها وارد می‌شوند. مطالعه حاضر با هدف بررسی تعیین کننده‌های یک خودمراقبتی موفق در بیماران فشارخونی شهرستان زرنديه بر اساس باورهای غیرمنطقی سلامت و مکان کنترل سلامت در سال ۱۳۹۶ انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه مقطعی-تحلیلی ۳۳۰ نفر از بیماران فشارخونی شهرستان زرنديه به روش تصادفی طبقه بندی شده از روی شماره پرونده خانوار موجود در مراکز بهداشتی و درمانی انتخاب و وارد مطالعه شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ای پایا و روا مشتمل بر مشخصات دموگرافیک و سوالات مربوط به سازه‌های مدل باورهای غیرمنطقی سلامت و مکان کنترل سلامت جمع آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها: نشان داد، یک رابطه معنا داری بین فشارخون و افزایش سن، کم تحرکی و مصرف کم میوه وجود دارد. آزمون رگرسیون لجستیک نشان داد که سازه‌های مکان کنترل سلامت دیگران ($P < 0.001$ ، $Beta = 0.39$)، مکان کنترل سلامت شانس ($P < 0.001$ ، $Beta = 0.36$)، باورهای غیرمنطقی سلامت ($P < 0.001$ ، $Beta = 0.32$) و مکان کنترل سلامت درونی ($P < 0.001$ ، $Beta = 0.27$) به ترتیب مهمترین پیشگویی کننده‌های رفتار خودمراقبتی بودند.

نتیجه گیری: برای داشتن برنامه خودمراقبتی موفق در بیماران فشارخونی، تدوین برنامه‌های مداخله ای ارتقا دهنده خودمراقبتی با استفاده از سازه‌های مکان کنترل سلامت و باورهای غیرمنطقی سلامت پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: فشارخون، خودمراقبتی، مکان کنترل سلامت، باورهای غیرمنطقی سلامت

محمود کریمی

* رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران. نویسنده مسئول

مرضیه عربان

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

ایرج ضاربان

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

محسن شمسی

رشته آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی دیدگاه‌های دانش آموزان، والدین و معلمان در خصوص سیگار کشیدن نوجوانان: یک مطالعه کیفی مبتنی بر بازاریابی اجتماعی

مسعود کریمی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران. ۰۹۱۷۱۵۲۹۳۰۷
karimeim@sums.ac.ir

محمد حسین کاوه

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران

محمدعلی مروتی شریف آباد

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

چکیده

مقدمه: مصرف سیگار یکی از بزرگترین چالش‌های سلامت عمومی است. تخمین زده شده است که ۷ تا ۲۵ درصد از نوجوانان در ایران مصرف سیگار را تجربه کرده اند. مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه‌های دانش آموزان پسر دبیرستانی، والدین و معلمان آنها در خصوص مصرف سیگار توسط نوجوانان بر اساس چهار جزء آمیزه بازار یابی در مدل بازاریابی اجتماعی انجام شد.

روش بررسی: یک مطالعه کیفی با رویکرد فنومنولوژیک انجام شد. در این مطالعه ۱۲ جلسه بحث گروه متمرکز (برای هر گروه ۴ جلسه) برگزار شد. در مجموع ۸۲ شرکت کننده (۳۰ دانش آموز، ۲۸ والد، و ۲۴ معلم) به روش هدفمند انتخاب شدند. مشروح گفتگوهای جلسات ضبط شد و به صورت کلمه به کلمه پیاده شدند. داده‌ها به روش تحلیل محتوای هدایت شده تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: هر سه گروه شرکت کننده در مطالعه « احساس بزرگ شدن» را به عنوان مهمترین دلیل سیگار کشیدن نوجوانان می‌دانستند، سایر عوامل عبارت بودند از « جلب توجه دیگران»، «با حوش و با حال به نظر رسیدن»، «کاهش درد» و « جذابیت بسته بندی‌های سیگار». تفاوت هایی بین دیدگاه‌های دانش آموزان، والدین و معلمان در مورد عوارض مصرف سیگار مشاهده شد. دانش آموزان بر عواقب اجتماعی مصرف سیگار مثل «ظاهر نامرتب» تاکید داشتند در حالی که بیشترین نگرانی والدین و معلمان به ترتیب «عوارض طولانی مدت جسمانی» مصرف سیگار مثل بیماری‌های قلبی و سرطان و «خصوصیات اعتیاد آور» آن بود. به علاوه، معلمان و دانش آموزان «الگو گیری از والدین و افراد مشهور» را به عنوان عامل اصلی اجتماعی محیطی مصرف سیگار می‌دانستند، در حالی که والدین به این موضوع اهمیت کمتری قائل بودند. هر سه گروه معتقد بودند که «تصویر اجتماعی منفی» افراد و «توجه منفی» نسبت به افراد سیگاری باید در برنامه‌های آموزشی پیشگیری از مصرف سیگار مورد توجه قرار گیرند. هر چند، برخی تفاوت‌ها بین دیدگاه‌های آنها در سایر موضوعات آموزشی مشاهده شد.

نتیجه گیری: ارزیابی عوامل مرتبط با سیگار کشیدن دانش آموزان از سه نقطه نظرمختلف می‌تواند دیدگاه جامع تری در خصوص این عوامل فراهم کرده و نشان دهنده علت شکست بسیاری از تلاش‌ها برای پیشگیری از مصرف سیگار در دانش آموزان باشد و منجر به تدوین برنامه‌های ارتقاء سلامت موثرتر در پیشگیری از مصرف سیگار شود.

کلید واژه: سیگار، نوجوانان، بازاریابی اجتماعی، مطالعه کیفی، گروه متمرکز

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر دو نوع پیام بهداشتی (تهدیدی و تشویقی) بر ساختارهای شناختی، قصد و مصرف نوشابه‌های صنعتی شیرین شده

چکیده

مقدمه: خطرات رژیم غذایی نامناسب بخصوص مصرف نوشابه‌های صنعتی شیرین شده، از دوران کودکی آغاز می‌شود و در تمام عمر ادامه می‌یابد. در این مطالعه تلاش شده است با الهام از «مدل فرآیند موازی توسعه داده شده» تاثیر دو نوع پیام بهداشتی تهدیدی و تشویقی کننده در قالب پمفلت را بر رفتار مصرف نوشابه‌های صنعتی شیرین شده در دانش آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد بررسی کنیم.

روش بررسی: در این مطالعه مداخله ای نیمه تجربی، ۲۷۰ دانش آموز از سه دبیرستان شهر یزد وارد مطالعه شدند. هر یک از دبیرستان‌ها به روش تصادفی ساده در یکی از دو گروه مداخله و گروه شاهد قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای بر اساس دستورالعمل کیم وایت، با معیار لیکرت (پنج گزینه ای) بود. در گروه مداخله ۱، یک پمفلت تهدیدی با تاکید بر عوارض مصرف نوشابه‌های صنعتی شیرین شده و در گروه مداخله ۲، پمفلت تشویقی با تاکید بر مزایای سایر نوشیدنی‌های سالم تر ارائه شد و در گروه کنترل هیچ پیامی ارائه نشد. پرسشنامه‌ها قبل و یک ماه پس از مداخله بین دانش آموزان توزیع شدند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ پردازش و تحلیل شدند.

یافته‌ها: در گروه کنترل، تفاوت معنی داری بین میانگین نمره هیچکدام از متغیرهای مطالعه قبل و بعد از مداخله مشاهده نشد. در گروه دریافت کننده پمفلت تشویقی کننده، کارآمدی پاسخ درک شده، خود کارآمدی و شدت درک شده بعد از مداخله نسبت به قبل از آن افزایش معنی داری نشان داد ($P < 0.001$). در گروه دریافت کننده پیام با مضمون عوارض مصرف نوشابه‌های صنعتی شیرین شده علاوه بر افزایش معنی دار میانگین نمره کارآمدی پاسخ درک شده ($P < 0.001$), خود کارآمدی ($P = 0.021$) و شدت درک شده ($P < 0.001$), قصد عدم مصرف نوشابه ($P = 0.038$) نیز کاهش معنی داری نشان داد. در هر دو گروه مداخله، هردو سازه تهدید درک شده و کارآمدی درک شده بعد از مداخله نسبت به قبل از آن افزایش معنی داری داشتند. گرچه در گروه دریافت کننده پیام تهدیدی نسبت به گروه دریافت کننده پیام تشویقی، تهدید درک شده افزایش بیشتری داشته است (۳/۲۵ در مقایسه با ۰/۹۶، $P < 0.001$) و در مقابل گروه دریافت کننده پیام تشویقی در مقایسه با گروه دریافت کننده پیام تشویقی کارآمدی پاسخ افزایش بیشتری داشته است (۲/۸۱ در مقابل ۲/۳۳) که این تفاوت معنا دار نبود.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد برای افزایش قصدانجام رفتارهای بهداشتی، تلفیقی از پیام‌های مبتنی بر عوارض و خطرات رفتارهای غیر بهداشتی و مزایای اصلاح رفتارهای غیر بهداشتی و یا انجام رفتارهای بهداشتی می‌تواند مفید تر باشد.

کلید واژه:

نوشابه، مدل فرآیند موازی توسعه داده شده، دانش آموز، چاقی، رفتار، قصد

مسعود کریمی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،
گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران. ۰۹۱۷۱۵۲۹۳۰۷
karimeim@sums.ac.ir

فاطمه زارع هرفته

دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا
سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمدحسین باقیانی مقدم

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

ولی بهره ور

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
شهید صدوقی یزد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش از طریق شبکه مجازی تلگرام بر رفتار پیشگیری کننده از پوکی استخوان در زنان

زهره کریمیان کاکلیکی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، عضو هیئت علمی، گروه بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، ایران

سکینه گرایلو

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۲۲۷۸۸۳۲

Gerayllo65@Yahoo.Com

فاطمه حیدری

کارشناس ارشد پرستاری مراقبت‌های ویژه، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گراش، ایران

نوشین یوشنی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

فرحناز خبیری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

فرخ لقا ثروت

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

چکیده

مقدمه: پوکی استخوان (استئوپروز) شایع‌ترین بیماری متابولیک استخوان است و زنان مهم‌ترین گروه در معرض خطر هستند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش از طریق شبکه مجازی تلگرام بر رفتار پیشگیری کننده از پوکی استخوان در زنان انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه یک مداخله آموزشی، از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل تصادفی شده است. ۶۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی حاشیه شهر یزد به طور تصادفی انتخاب و در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، بسته پیام‌های آموزشی از طریق گروه تلگرام برای گروه مداخله ارسال شد. یک ماه بعد، پرسشنامه‌ها مجدداً تکمیل شده و داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS ۱۸ و آزمون تی زوجی و مستقل آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سنی زنان شرکت کننده در مطالعه $5/34 \pm 30/20$ بود. آزمون تی زوجی جهت مقایسه میانگین نمره رفتار پیشگیری کننده از پوکی استخوان در دو گروه مداخله و کنترل قبل و بعد از آموزش نشان داد که تفاوت نمره در گروه مداخله ($P=0/00$)، معنی دار بوده و در گروه شاهد ($P=0/054$) معنی دار نیست. آزمون تی مستقل جهت مقایسه میانگین نمره رفتار بعد از آموزش در دو گروه با هم نشان داد که میانگین نمره رفتار در گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل است ($P=0/00$) و رفتار ورزش روزانه بیشترین افزایش میانگین را داشته است.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌ها آموزش از طریق فضای مجازی تلگرام در خصوص پوکی استخوان می‌تواند در افزایش رفتارهای پیشگیری کننده از پوکی استخوان موثر باشد و رفتار ورزش روزانه نسبت به سایر رفتارهای پیشگیری کننده بیشترین افزایش را داشته است.

کلید واژه: پوکی استخوان، رفتار پیشگیری کننده، آموزش، تلگرام

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان ارتباط متغیرهای دموگرافیک با آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران در زمینه بیماریهای مقاربتی در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: بیماریهای مقاربتی به بیماری‌هایی چون ایدز، کلامیدیا، سیفلیس و پاپیلوما‌ی انسانی و... گفته می‌شود که راه اصلی انتقال آن‌ها جنسی می‌باشد با توجه به این که دانشجویان و جوانان در معرض ابتلا بیشتری می‌باشند این مطالعه با هدف بررسی ارتباط متغیرهای دموگرافیک با آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در مورد این چهار بیماری تدوین گردید.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد تهران در سال ۹۷ از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای از طریق انتخاب ۵ واحد این دانشگاه انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن با تعیین شاخص روایی محتوایی (CVI=۰,۹۳) و نسبت روایی محتوایی (CVR=۰,۹۷) سنجیده شد. روایی صوری با استفاده سنجش امتیاز تاثیر ۳,۸۶ و پایایی با استفاده از روش Test-re-Test = ۰,۹۰ تایید شدند. تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار ۲۱ ver Spss صورت پذیرفت.

یافته‌ها: بیشترین درصد دانشجویان (۳۸,۶) در رنج سنی ۲۰-۱۸ سال قرار داشتند. یافته‌ها این مطالعه نشان داد که بین زنان و مردان، رشته تحصیلی و واحدهای دانشگاه آزاد در زمینه آگاهی اختلاف آماری معنی داری وجود ندارد $p=۰,۴۳۴$. نگرش و عملکرد زنان به نسبت مردان بهتر بود $P<۰/۰۰۰۱$. متاهل‌ها در هر سه حوزه آگاهی، نگرش و عملکرد وضعیت بهتری داشتند $P<۰/۰۰۰۱$. اختلاف آماری معنی داری بین دانشجویان رشته‌های مختلف در زمینه نگرش دیده نشد. همچنین عملکرد دانشجویان در رشته پایه به نسبت بقیه رشته‌ها بهتر بود. همچنین به طور معنی داری هر چه آگاهی افراد بالا می‌رفت عملکرد آنها نیز بهبود می‌یافت $r=۰,۲۵۸$.

نتیجه گیری: در این مطالعه میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان مجرد به نسبت متاهل‌ها پایین تر بوده است و این لزوم آموزش‌های پیش از ازدواج و ترغیب دانشجویان به ازدواج به هنگام از طریق فراهم کردن امکانات را جهت کاهش میزان شیوع بیماریهای منتقله از راه جنسی را خاطر نشان می‌سازد. نگرش و عملکرد در واحدهای مختلف و رشته‌های مختلف فرق داشت که نشان دهنده ناهماهنگ بودن بستر واحد در فرهنگ سازی می‌باشد و لزوم برنامه‌های منسجم تر را نشان می‌دهد.

کلید واژه: بیماریهای مقاربتی، دانشجویان، متغیرهای دموگرافیک، آگاهی، نگرش، عملکرد

طاهره کمالی خواه

* گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۰۳۵۸۲۵

tahereh.kamalikhah@yahoo.com Email

شیما عشرتی

کارشناس بهداشت خانواده، مرکز جامع سلامت شهری و روستایی شماره ۱ مهران، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

مانده پرهوده

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

آذر امینی آرا

کارشناس بهداشت خانواده، دانشگاه علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران

افسانه شاه وردی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط آگاهی و سواد سلامت زنان با دیابت بارداری و مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در سال ۱۳۹۶

زهرا کمالی

وابستگی سازمانی (کارشناسی ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد-ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۵۱۶۴۳۸

kamalishahla6@gmail.com

زهرا عابدیان

وابستگی سازمانی (مریی گروه مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

مقدمه: دیابت شایعترین عارضه طبی در حاملگی است. یکی از عوامل بسیار تأثیر گذار بر سطح آگاهی و در نتیجه کنترل و پیشگیری مؤثرتر بیماری دیابت سواد سلامت است. و علی رغم اهمیت روز افزون سواد سلامت در بهبود و ارتقای سلامت جامعه. و اهمیت سواد سلامت مادران در سلامت خود و کودکانشان؛ لذا مطالعه حاضر، با هدف تعیین ارتباط آگاهی و سواد سلامت زنان با دیابت بارداری و مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

روش بررسی: مواد این یک مطالعه از نوع توصیفی- همبستگی بود. که بر روی ۱۰۰ زن با دیابت بارداری و مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، با سن حاملگی ۲۸ هفته بارداری و بالاتر، که یک ماه از تشخیص بیماریشان گذشته بود؛ انجام گرفت. نمونه گیری بصورت آسان بود. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل فرم اطلاعات دموگرافیک، برگه ثبت ویژگی بیماران و پرسشنامه آگاهی در مورد بیماری دیابت و پرسشنامه سواد سلامت عملکردی کوتاه بزرگسالان، بود. پس از اتمام نمونه گیری، داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss با ویرایش ۱۶ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۵/۸ سال بود. ۸۱/۷۰٪ خانه دار، ۲۱/۷۰٪ زیر دیپلم و ۴۷٪ دارای سطح درآمد در حد کفاف بودند. میانگین نمره آگاهی بیماران نسبت به دیابت بارداری، ۱۲/۲۷±۲۲/۸۲ بود که در حد متوسط می‌باشد. ۲۶/۸٪ سواد سلامت ناکافی، ۵۸/۲٪ سواد سلامت مرزی و ۱۵٪ سواد سلامت کافی داشتند. همچنین رابطه بین آگاهی با سواد سلامت $r = -0.428$ و $P = 0.001$ معنی دار بود.

نتیجه گیری: یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان آگاهی زنان با دیابت بارداری در حد متوسط می‌باشد و بیش از نیمی از آنان سواد سلامت مرزی و ناکافی داشتند. که با افزایش سطح آگاهی، سواد سلامت بیماران نیز افزایش یافت. و این خود در پیشگیری و کنترل عوارض ناشی از بیماری دیابت اهمیت دارد.

کلید واژه: آگاهی، سواد سلامت، دیابت بارداری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مراقبت معنوی بر سلامت معنوی زنان پره اکلامپسی مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه زایمان (یک مطالعه کارآزمایی بالینی)

زهرا کمالی

* وابستگی سازمانی (کارشناسی ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد-ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۵۱۶۴۳۸
kamalishahla6@gmail.com

مهین تفضلی

وابستگی سازمانی (استادیار، مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

مقدمه: زنان مبتلا به پره اکلامپسی مستعد ابتلا به اختلال استرس پس از ضربه هستند. از سوی دیگر، جایگاه رفیع سلامت معنوی در حوزه بهداشت و سلامت، اهمیت وافر و انکار ناشدنی اختلالات بعد روان از جمله اختلال استرس پس از ضربه در روند درمان، مطالعه حاضر با هدف تعیین "تأثیر آموزش مراقبت‌های معنوی بر سلامت معنوی زنان پره اکلامپسی مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه زایمان" انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی ۲۶۰ زن مولتی پار و مبتلا به پره اکلامپسی در شهر مشهد در سال ۲۰۱۷ انجام شد. جمع آوری داده‌ها با پرسشنامه پرسشنامه اختلال استرس پس از ضربه زایمان (PPQ)، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس داس ۲۱ (DASS ۲۱) و سلامت معنوی الیسون (SWBS) بود. اطلاعات نهایی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مقدار P کمتر از ۰،۰۵ معنی دار بود.

یافته‌ها: واحدهای پژوهش تفاوت آماری معنی داری در مشخصات دموگرافیک، در ابتدای مطالعه و قبل از مداخله نداشتند. میانگین نمره سلامت معنوی، در قبل از مداخله در دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشت ($P=0/831$). در حالی که بعد از مداخله، میانگین نمره سلامت معنوی در گروه مداخله و کنترل تفاوت آماری معنی داری داشت ($P=0/006$). سلامت معنوی در گروه مداخله به طور قابل توجهی کاهش یافت. همچنین بین سلامت معنوی و اختلال استرس بعد از ضربه زایمان رابطه معنی داری وجود داشت ($P=0/030$).

نتیجه گیری: ارائه مراقبت‌های معنوی به مادران باردار مبتلا به پره اکلامپسی، سلامت معنوی آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین، این نوع مراقبت به عنوان یک مداخله موثر در مراقبت معمول این گروه با حاملگی‌های پر خطر مد نظر قرار گیرد.

کلید واژه: اختلال استرس پس از ضربه، سلامت معنوی، پره اکلامپسی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت خودکارآمدی عمومی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بندرعباس در سال ۱۳۹۷

فاطمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

کبری کمالی

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۳۸۸۴۳۹۶۰۳

k.kamali1378@gmail.com

شکرالله محسنی

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

فرشته کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

فائمه کریمی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقای سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: اهمیت حضور و نقش زنان در محیط‌های اجتماعی، شغلی و زندگی خانوادگی امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین شناخت ویژگی‌های اجتماعی و توانایی آنها در ابعاد اجتماعی و خانوادگی اهمیت فراوان دارد. خودکارآمدی از جمله عواملی است که به ارتقای سلامت عمومی زنان منجر می‌شود. خودکارآمدی قضاوت و اطمینان فرد در مورد توانایی‌های فردی است. لذا با توجه به اهمیت خودکارآمدی زنان، در این مطالعه خودکارآمدی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی روی ۲۰۰ نفر از زنان تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر بندرعباس صورت گرفت. زنان مورد مطالعه با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و پس از کسب رضایت از آنها پرسشنامه خودکارآمدی عمومی sherer اندازه گیری شد. داده‌ها نیز با آزمون‌های تی تست، آنالیز واریانس یکطرفه، ضریب همبستگی و با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۰ آنالیز گردید.

یافته‌ها: میانگین نمره خودکارآمدی عمومی زنان شرکت کننده در مطالعه ۴۲/۵۴ با انحراف معیار ۷/۶۶ بود. نمره ۵۳/۵ درصد (۱۰۷ نفر) در محدوده ضعیف و ۴۶/۵ درصد (۹۳ نفر) در محدوده متوسط قرار داشتند و نمره هیچ یک از شرکت کنندگان در محدوده خوب قرار نداشت. بین خود کارآمدی عمومی و سطح تحصیلات (p=۰/۰۰۳) رابطه آماری معنی دار مشاهده شد بطوریکه زنان با سطح تحصیلات دانشگاهی داری نمره خود کارآمدی بالاتری نسبت به بقیه بودند. ولی بین خودکارآمدی عمومی با سن (p=۰/۱۲۰)، وضعیت اشتغال (p=۰/۱۳۲)، سطح درآمد (p=۰/۵۰۷)، وضعیت تاهل (p=۰/۶۰۷)، بعد خانوار (p=۰/۹۲۹) ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: یافته‌ها این مطالعه نشان داد خودکارآمدی عمومی زنان مورد مطالعه ضعیف می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد زنان با تحصیلات پایین تر نسبت به زنان تحصیل کرده نمره خودکارآمدی کمتری دارند. شایسته است برای افزایش آگاهی زنان از روشهای آموزشی و مداخله ای مؤثر بر خودکارآمدی استفاده گردد.

کلید واژه: خودکارآمدی، زنان، مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



جایگاه اجتماعی زنان و تأثیر آن بر میزان طلاق در شهرستان سراب در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: رتبه فرد در اجتماع و بهره مندی وی از یکسری امکانات و پیروی از اصول و ایده آل‌های جامعه بیانگر جایگاه اجتماعی است که عواملی مانند ثروت، درآمد، میزان تحصیل، شغل، رعایت هنجار اجتماعی و احترام به مقررات جامعه از مهم ترین عوامل تعیین کننده آن هستند. از این رو هر گونه تغییر در خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی و اصلی ترین محیط تربیت و اجتماعی شدن انسان‌ها منجر به زمینه سازی عوامل تغییر در جامعه خواهد شد. امروزه طلاق از جمله مسائلی است که به عنوان خطری جدی برای تداوم نهاد خانواده محسوب می‌شود به طوری که تغییر جایگاه اجتماعی زنان در این روند بی تأثیر نبوده است. با توجه به افزایش میزان طلاق در شهرستان سراب در سال‌های اخیر، این مطالعه با هدف تعیین تأثیر جایگاه اجتماعی زنان بر میزان طلاق در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: پژوهش توصیفی- تحلیلی حاضر در سال ۱۳۹۶ در بین ۶۰ نفر از زنان در شهرستان سراب به روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه پایگاه اجتماعی و توسط خود محققین به صورت پرسش و پاسخ از گروه هدف تکمیل گردید. جهت آنالیز داده‌ها از نرم افزار SPSS ۲۲ و آمار توصیفی و آزمون Chi-square استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بیشترین متقاضیان طلاق براساس مشخصات دموگرافیک از بین زنان گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، زنان بدون فرزند، مدت ازدواج ۱-۵ سال، زنان با اولین تجربه ازدواج، شیوه آشنایی فامیلی و ازدواج خواسته بودند. همچنین درخواست برای طلاق در بین زنان خانه دار، دارای درآمد متوسط، با تحصیلات متوسط (راهنمایی و دبیرستان)، دارای اعتقادات کم، قانون مند و هنجار ناپذیر و زنانی که از نظر اعتیاد سالم بودند، بیشتر بوده است ($P < 0/05$). اما ثروت، مذهب و فرهنگ زن در این درخواست تأثیر معناداری نداشتند ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: مطالعه نقش کلیدی پایگاه اجتماعی زنان را بر طلاق نشان داد، لذا امید است که در برگزاری کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج و همچنین برنامه ای آتی مسئولین در جهت کاهش میزان طلاق این عوامل مدنظر قرار گیرد.

کلید واژه: جایگاه اجتماعی، طلاق، زنان.

صفیه کنعانی کنده

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی سراب، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۴۱۴۳۲۳۷۹۸۱، kanani.safieh@yahoo.com

زهره کوهی

کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی سراب، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر ابعاد سبک زندگی بر اقدام به خودکشی در میان نوجوانان و جوانان در شهرستان سراب در سال ۱۳۹۶

صفیه کنعانی کنده

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی سراب، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۴۱۴۳۲۳۷۹۸۱، kanani.safieh@yahoo.com

چکیده

مقدمه: اقدام به خودکشی یکی از معضلات بهداشتی محسوب می‌شود و در دهه‌های اخیر در جهان افزایش یافته است. از آن جا که رابطه عمیقی بین اقدام به خودکشی و سبک زندگی نوجوانان و جوانان وجود دارد و با بهبود وضعیت سبک زندگی می‌توان میزان اقدام به خودکشی را کاهش داد؛ لذا هدف از انجام مطالعه تعیین ابعاد سبک زندگی مؤثر در اقدام به خودکشی در بین نوجوانان و جوانان در شهرستان سراب در ۱۳۹۶ سال بود.

روش بررسی: پژوهش تحلیلی - مقطعی حاضر در بین ۲۸ نفر از اقدام کنندگان به خودکشی در سال ۱۳۹۵ و سه ماهه اول سال ۱۳۹۶ از طریق نمونه گیری تصادفی در مرکز بهداشتی درمانی شهرستان سراب صورت گرفت. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته، شامل متغیرهای دموگرافیک و سبک زندگی (سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری‌ها، پیشگیری از حوادث، سلامت محیطی، سلامت اجتماعی، روش یادگیری و مطالعه، سلامت معنوی، سلامت روانشناختی و اجتناب از دارو و مواد مخدر) استفاده شد که از طریق پرونده خوانی توسط خود محققین تکمیل شد. پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون One sample kolomogrov- smirnov Test، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۳ و آمار توصیفی و آزمون Independent samples T- Test تحلیل شد.

یافته‌ها: براساس یافته‌ها بیشترین میزان اقدام به خودکشی در جوانان مونث، متاهل، ۴۰-۱۹ ساله، دارای ۲ فرزند، با سن زمان ازدواج ۲۰-۱۵ سال، در مدت زمان ازدواج ۵-۰ سال، دارای تحصیلات دبیرستانی، بیکار، دارای مسکن و زندگی مستقل بود ولی نسبت آن در ازدواج خواسته و ناخواسته برابر بود. ابعاد سبک زندگی مورد بررسی شامل، روش یادگیری و مطالعه و اجتناب از دارو و مواد مخدر با اقدام به خودکشی رابطه معناداری در بین دو گروه نشان دادند ($P < 0.05$)، در حالیکه سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، پیشگیری از بیماری‌ها، پیشگیری از حوادث، سلامت محیطی، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، سلامت روانشناختی و کنترل وزن و تغذیه با اقدام به خودکشی رابطه معناداری نشان نداد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: یافته‌ها حاصل از این پژوهش نشان داد که بین روش مطالعه و یادگیری و اجتناب از دارو و مواد مخدر با اقدام به خودکشی در جوانان و نوجوانان رابطه معناداری وجود داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود زمینه ارتقاء این ابعاد در برنامه ریزی آتی مسئولین امر فراهم گردد تا کنترل میزان اقدام به خودکشی حاصل گردد.

کلید واژه: خودکشی، سبک زندگی، جوانان، نوجوانان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثرات آموزش تغذیه بر روی میزان مصرف مرتب قرص آهن در برنامه آهن یاری دانش آموزان استان آذربایجان شرقی

چکیده

مقدمه: کم خونی ناشی از فقر آهن یکی از شایع ترین کمبودهای تغذیه ای در سراسر جهان و از عمده ترین مسائل بهداشت همگانی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بویژه در میان زنان است. آموزش تغذیه در مدارس توسط کارشناسان تغذیه مراکز و توزیع بسته های آموزشی در مدارس از دیگر برنامه ها برای کنترل و پیشگیری است. هدف این مطالعه بررسی اثرات آموزش تغذیه بر میزان مصرف مرتب قرص آهن در دختران متوسطه دوره اول و دوم استان آذربایجان شرقی می باشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۳۱۴ دانش آموز دختر مدارس متوسطه دوره اول و دوم استان آذربایجان شرقی در ۱۲۵ مدرسه در سال ۱۳۹۶ با روش نمونه گیری خوشه ای انجام شد؛ نمونه ها به طور تصادفی از تمامی پایه ها انتخاب شدند. به دانش آموزان آموزشهای لازم در مورد تغذیه مناسب و کم خونی فقر آهن داده شد؛ جمع آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه (پری تست و پست تست) توسط دانش آموز و تحت نظارت کارشناس تغذیه صورت گرفت. وضعیت دریافت مکمل بدین صورت تعریف شد که اگر تعداد قرص های مصرفی دانش آموز با تعداد قرص های توزیع شده در مدرسه طی ۱۶ هفته یا ۴ ماه از سال تحصیلی یکسان بود، مصرف مرتب و در غیر این صورت نامرتب در نظر گرفته می شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری spss نسخه ۱۸ آنالیز گردید.

یافته ها: طبق یافته ها پری تست مصرف مرتب قرص آهن در مدارس دخترانه متوسطه اول و دوم ۷۷/۷٪ و مصرف نامرتب ۱۶/۲٪ بود و پس از برگزاری جلسات آموزشی به تعداد ۵۷۶۸ توسط کارشناسان تغذیه، بهورزان و مراقبین سلامت در مدارس، یافته ها پست تست مصرف مرتب قرص آهن در مدارس دخترانه متوسطه اول و دوم را ۸۳/۷٪ و مصرف نامرتب را ۱۲/۸٪ نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر آموزش تغذیه بر میزان مصرف قرص آهن در دانش آموزان، اجرای برنامه های آموزشی بلندمدت تغذیه سالم و راه های پیشگیری از کم خونی فقر آهن توسط کارشناسان تغذیه و کارکنان بهداشت بطور مرتب پیشنهاد می گردد.

کلید واژه: قرص آهن، آموزش تغذیه، کم خونی فقر آهن

حمیده کوشا

* کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)
۰۹۳۵۲۵۶۸۳۰۳

kooshahamideh@yahoo.com

فتح اله پورعلی

کارشناس مسئول بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

آرزو اصغری

کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

فریده کوشا

کارشناس مامایی (سازمان بیمه تامین اجتماعی تبریز - ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی روش دریافت آموزش تغذیه در خانوارهای شهری و روستایی استان آذربایجان شرقی

حمیده کوشا

* کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)
۰۹۳۵۲۵۶۸۳۰۳
kooshahamideh@yahoo.com

فتح اله پورعلی

کارشناس مسئول بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

آرزو اصغری

کارشناس بهبود تغذیه (گروه بهبود تغذیه، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران)

فریده کوشا

کارشناس مامایی (سازمان بیمه تامین اجتماعی تبریز - ایران)

چکیده

مقدمه: یکی از مداخلات مؤثر برای افزایش آگاهی‌های تغذیه‌ای در جامعه آموزش تغذیه و بالابردن سطح فرهنگ و سواد تغذیه‌ای مردم است. آموزش تغذیه به روش‌های مختلفی ممکن است انجام پذیرد. این مطالعه به منظور بررسی روش‌های دریافت آموزش تغذیه در خانوارهای شهری و روستایی استان آذربایجان شرقی طراحی و اجرا شد.

روش بررسی: جامعه آماری در این بررسی خانوارهای مناطق شهری و روستایی استان بود. نمونه‌گیری در سطح خانوارها از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای با اندازه خوشه‌های یکسان بود، که جمعاً ۵۷ خوشه ۸ نفری در مناطق شهری و روستایی بررسی شدند که از مجموع ۵۷ خوشه ۳۸ خوشه شهری و ۱۹ خوشه روستایی بود. داده‌های مورد نیاز در این مطالعه از طریق پرسشنامه‌ای ساختار یافته و با انجام مصاحبه پرسشگران در خانوارها جمع‌آوری شد. داده‌ها توسط برنامه SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته‌ها: در این بررسی دریافت آموزش تغذیه از طریق واحدهای بهداشتی در ۱۰/۹٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۳/۸٪ و در نمونه‌های روستایی ۲۰/۶٪)، از طریق صدا و سیما در ۵۴/۶٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۵۷/۶٪ و در نمونه‌های روستایی ۵۰/۵٪)، از طریق جراید و مطبوعات در ۶/۱٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۴/۵٪ و در نمونه‌های روستایی ۸/۲٪) و از طریق اعضای خانواده در ۱۱/۷٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۱/۵٪ و در نمونه‌های روستایی ۲۲/۱٪)، از طریق پزشک خانواده در ۶/۱٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۶/۱٪ و در نمونه‌های روستایی ۶/۲٪) و از طریق کارشناسان تغذیه در ۵/۷٪ خانوارها (در نمونه‌های شهری ۷/۶٪ و در نمونه‌های روستایی ۳/۱٪) گزارش گردید.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها این مطالعه، با توجه به اینکه بیشترین میزان دریافت آموزش تغذیه در خانوارهای استان از طریق صدا و سیما بود نیاز به افزایش و ارتقا برنامه‌های مربوط به آموزش تغذیه در صدا و سیما ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند باعث ارتقا آگاهی‌های تغذیه‌ای جامعه گردد.

کلید واژه: آموزش تغذیه، خانوار، آذربایجان شرقی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد در رابطه با عفونت بیمارستانی در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: عفونت بیمارستانی، یکی از مهمترین معضلات مراکز بهداشتی درمانی جهان تلقی میگردد. کاهش خطر ابتلا به عفونت و به کارگیری موازین پیشگیری به طور وضوح از حیثه مسئولیتها و وظایف پرسنل و دانشجویان است. بدین لحاظ پژوهش حاضر به منظور بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد در رابطه با عفونت بیمارستانی در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش بررسی: این بررسی مقطعی بر روی ۲۴۳ دانشجو در رشته‌های پرستاری، پزشکی، هوشبری، اتاق عمل، فوریتهای پزشکی، مامایی و علوم آزمایشگاهی شاغل به تحصیل در محیطهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. شرکت کنندگان به روش تصادفی طبقهای (برحسب رشته تحصیلی، ترم و جنسیت) و با لحاظ معیارهای ورود انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری و توسط نرمافزار SPSS نسخه ۲۲ به کمک آمار توصیفی و آزمونهای تیستقل، ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. P-value در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار لحاظ شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی در دانشجویان $14/94 \pm 4/36$ در حد متوسط، میانگین نمره نگرش $63/07 \pm 6/04$ در حد مطلوب و میانگین نمره عملکرد $255/93 \pm 35/78$ در حد مطلوب مشاهده شد. ارتباط نمره آگاهی و نگرش با ترم تحصیلی ارتباط مثبت و معناداری داشت. مقایسه میانگین نگرش و عملکرد نیز برحسب جنس و مقطع تحصیلی ارتباط آماری معناداری داشت. همچنین میانگین آگاهی، نگرش و عملکرد برحسب رشته تحصیلی تفاوت آماری معناداری داشت.

نتیجه گیری: براساس یافته‌ها این مطالعه با وجود آگاهی متوسط، اکثر دانشجویان نگرش و عملکرد مطلوبی در رابطه با عفونتهای بیمارستانی دارند. با توجه به نقش عمده دانشجویان در پیشگیری از عفونتهای بیمارستانی، آموزش در قالب کارگاهها، تقویت نگرش مثبت و انگیزه و اصلاح مهارت آنها ضروری به نظر میرسد. بنابراین توجه بیشتر مسئولین و بویژه اساتید در طراحی اقدامات لازم در جهت تقویت دانش، نگرش و عملکرد دانشجویان ضروریست.

کلید واژه: آگاهی، نگرش، عملکرد، دانشجویان، عفونت بیمارستانی.

الیاس کوبکی

* دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۳۶۳۲۱۹۷۷۴

elias.kokabi94@yahoo.com

فاطمه خلیلی

دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سمانه نجفی

مری، عضو هیئت علمی، گروه پرستاری داخلی جراحی و اطفال، دانشکده پرستاری، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش با مشارکت همسر بر خودکارآمدی تغذیه مناسب و کنترل وزن در دوران بارداری

آزینا کیانی آسیابری

* استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه
مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه شاهد،
تهران، ایران. ۰۹۱۲۳۸۷۷۳۱۹
Email:kiani@shahed.ac.ir

فرخنده امین شکروی

دانشیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه
آموزش بهداشت، دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران

معصومه حیدری

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه
مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه شاهد،
تهران، ایران

چکیده

مقدمه: تغذیه مناسب نقش مهمی بر سلامت مادر و کودک دارد. مطالعات وضعیت تغذیه در زنان باردار نشان می‌دهد؛ اکثریت الگوی مصرف گروه‌های غذایی نامناسب دارند و از تنوع غذایی خوبی برخوردار نیستند و این مسئله می‌تواند منجر به دریافت ناکافی برخی از ریز مغذی‌ها و وزن گیری نامناسب شود. خودکارآمدی در انجام یک رفتار نقش محوری دارد. از طرف دیگر مشارکت همسران از استراتژی مهم بهداشت باروری است. بر این اساس مطالعه ای به منظور بررسی تاثیر آموزش با مشارکت همسر بر افزایش خود-کارآمدی در جهت تغذیه مناسب و کنترل وزن دوران بارداری انجام شد.

روش بررسی: تحقیقی از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی کنترل دار بر روی ۱۵۰ زن شکم اول در سه گروه انجام شد. گروه A با همسرشان برنامه آموزشی را بر اساس افزایش خودکارآمدی در مورد تغذیه مناسب دوران بارداری و کنترل وزن دریافت کردند. گروه B همان آموزش را به تنهایی دیدند و گروه C فقط مراقبت‌های روتین بارداری را دریافت کردند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه ویژگی‌های دموگرافیک و پرسشنامه مربوط به ارزیابی خود کارآمدی در ۴ هفته بعد از آموزش، ۲۸-۲۶، ۳۸-۳۶ هفته بارداری پس از تهیه و تعیین روایی و پایایی آنها جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۹ انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد دو گروه مداخله و یک گروه کنترل به لحاظ ویژگی‌های دموگرافیک و خودکارآمدی در تغذیه و کنترل وزن گیری دوران بارداری قبل از مداخله همگن بودند. بعد از مداخله میانگین کل خود کارآمدی در گروه‌های مداخله در مقایسه با گروه کنترل، در طی ۴ هفته بعد از آموزش و پایان سه ماهه دوم و سوم بارداری افزایش معنی داری داشت؛ ولی دو گروه مداخله A و B با هم اختلاف معنی دار نداشتند. تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر نیز نشان داد؛ اثر متقابل زمان و گروه با $P=0/069$ $p>$ معنی دار نبوده، اما اثر زمان $P<0/001$ و اثر گروه $P<0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مداخله آموزشی در غیاب همسر در افزایش خودکارآمدی در تغذیه و کنترل وزن همانند آموزش با حضور همسر موثر باشد و با نظر به مشکلات مربوط به مشارکت همسران زنان باردار در کلاس‌های آموزشی، می‌توان با آموزش زنان باردار سبب ارتقای خودکارآمدی در تغذیه و کنترل وزن بارداری شد.

کلید واژه: خودکارآمدی، تغذیه، بارداری، گروه‌های مداخله، مشارکت همسر



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی کیفیت زندگی بیماران همودیالیزی در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، یکی از شاخص‌های سنجش سلامتی بیماران می‌باشد. سطح کیفیت زندگی بیماران همودیالیزی پایین تر از افراد سالم می‌باشد. هدف از این مطالعه شناسایی فاکتورهای مرتبط با کیفیت زندگی در بیماران دیالیزی می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۵۰ بیمار همودیالیزی در شهر مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات چک لیست اطلاعات جمعیتی و پرسشنامه SF-۳۶ انجام گردید. آنالیز داده‌ها با SPSS ورژن ۲۱ انجام شد. برای توصیف متغیرها از شاخص فراوانی و میانگین و انحراف معیار استفاده گردید. برای بررسی ارتباط بین نمرات کیفیت زندگی و ابعاد آن با سایر متغیرها از آزمون همبستگی و تی تست و انوا استفاده شد.

یافته‌ها: این مطالعه روی ۵۰ بیمار همودیالیزی ۸۷-۱۵ ساله انجام شد. میانگین نمره کیفیت زندگی در بعد جسمی $42/8 \pm 11/9$ و در بعد روانی $43/9 \pm 10/4$ است. که بیشترین میانگین نمره کیفیت زندگی در مردان $42/5 \pm 6/1$ و در افراد مجرد $43 \pm 6/5$ ، در استفاده کنندگان از وسایل نقلیه عمومی $44/9 \pm 8/4$ و افراد با سطح تحصیلات در حد سیکل $43/5 \pm 6/7$ بود ولی میانگین نمره کیفیت زندگی به جز سن ($t=0/3 - P=0/04$) و طول مدت هر جلسه دیالیز ($t=0/2 - P=0/007$) با هیچکدام از ویژگیهای فردی، فاکتورهای آزمایشگاهی و فاکتورهای کلینیکی ارتباطی نشان نداد. وضعیت تاهل ($p=0/03$) و طول مدت هر جلسه به ساعت ($p=0/03$) با بعد جسمی کیفیت زندگی ارتباط معنی داری داشت. **نتیجه گیری:** بررسی سطح کیفیت زندگی بیماران همودیالیزی و عوامل مرتبط با آن، باعث بهبود مراقبت‌ها و بهبود کیفیت زندگی آنان خواهد گردید.

کلید واژه: همودیالیز، بیماران، بیماری کلیوی مرحله آخر، فاکتورهای مرتبط

سیدمجتبی موسوی بزاز

دانشیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

عقیل اله کیخسروی

استادیار، گروه نفرولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زهرا کیوانلو

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محمد نعمت شاهی

استادیار، گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

عاطفه اسدی

پزشک عمومی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محبوبه نعمت شاهی

* استادیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران .

۰۹۱۵۱۷۳۷۴۰۷

mahneamatshahi@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



دیدگاه مراجعه کنندگان در خصوص اهمیت پاسخگویی در مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان سبزوار

زهرا کیوانلو

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، معاونت
اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

سمیه فضایی

استادیار، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات،
دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران

بیبا برغمندی

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی دانشگاه
علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

عقیل اله کیخسروی

استادیار، گروه نفرولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

محبوبه نعمت شاهی

* استادیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران.
۰۹۱۵۱۷۳۷۴۰۷

mahneamatshahi@yahoo.com

چکیده

مقدمه: پاسخگویی یا توجه به جنبه‌های غیر بالینی مراقبت سلامت به عنوان یکی از اهداف مهم نظام سلامت معرفی شده است که بیانگر چگونگی تجربه بیمار از خدماتی است که در طول دوره مراقبت دریافت می‌کند. بررسی پاسخگویی می‌تواند در تخصیص منابع و تدوین استراتژی‌های اصلاحی به مدیریت کمک کند. به همین منظور این مطالعه با هدف بررسی وضعیت پاسخگویی در مراکز بهداشتی و درمانی سبزوار صورت گرفت.

روش بررسی: این مطالعه یک مطالعه توصیفی - مقطعی بود. جمعیت مورد بررسی افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سبزوار در سال ۹۶ بود که انتخاب مراکز بصورت خوشه ای - تصادفی بوده که در نهایت ۶ مرکز انتخاب و از هر مرکز اطلاعات ۶۳ نفر که تمایل به ورود به مطالعه را داشتند، وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات بصورت میدانی بوسیله پرسشنامه سازمان جهانی بهداشت بود که روایی و پایایی آن قبلاً تأیید شده بود. داده‌ها با استفاده از شاخصهای توصیفی و استنباطی آماری در نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمره کل میزان اهمیت پاسخگویی از دیدگاه مراجعین ۳۰،۵±۴،۳ بود. بیشترین میانگین میزان اهمیت ابعاد پاسخگویی، در بعد محرمانه بودن ۴۹،۴±۴،۶ و کمترین آن در بعد حمایت اجتماعی ۲۰،۷۹±۳،۹۸ مشاهده شد. بین میانگین میزان اهمیت نمره کل پاسخگویی با عوامل جمعیت شناختی رابطه معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: پاسخگویی نظام سلامت هدفی است که در صورت وجود یک تولید خوب در نظام سلامت محقق می‌شود. با توجه به ماهیت دولتی بودن مراکز بهداشتی درمانی و مراجعه اکثریت مردم برای دریافت خدمات از این مراکز، ایجاد مکانیسمهای مناسب برای پایش میزان تحقق این هدف ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه: پاسخگویی، مراکز بهداشتی و درمانی، سبزوار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت رفتارهای سلامت محور در پیشگیری و کاهش بیماری قلبی عروقی در کارکنان ادارات استان کرمانشاه

چکیده

مقدمه: روند رو به افزایش بیماریهای غیرواگیر، به خصوص بیماریهای قلبی-عروقی در زنان و مردان، ضرورت نیاز به مداخلات آموزشی پیشگیرانه را روشن می‌سازد. مطالعه حاضر با هدف شناسایی رفتارهای سلامت محور در پیشگیری و کاهش بیماریهای قلبی-عروقی در کارکنان ادارات استان کرمانشاه انجام شد.

روش بررسی: یک مطالعه مقطعی بر روی ۷۱۲۹ نفر از کارکنان استان کرمانشاه که با روش نمونه‌گیری سرشماری انتخاب شده بودند، انجام گرفت. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مربوط به عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر صورت گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار (SPSS ۲۰) SPSS شده و از طریق آزمونهای کای دو، تی مستقل و آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها مطالعه نشان داد که شیوع مصرف دخانیات، سیگار و قلیان در کارکنان به ترتیب ۹/۹٪ و ۸/۹٪ و ۱/۲٪ بود همچنین درصد مصرف میوه یا سبزی در کارکنان مورد مطالعه به ترتیب ۱۰، ۳۵/۷ و ۵۴/۳٪ بود. که زنان بیش از مردان در طول روز از ۵ واحد یا بیشتر سبزی یا میوه استفاده می‌کردند که اختلاف بین دو گروه جنسی معنی دار بود ($p < 0/001$). تعداد ۱۴۸۷ نفر (۲۸/۵٪) از کارکنان مورد مطالعه فعالیت فیزیکی در سطح کم داشتند ($p < 0/001$). همچنین ۶۲۷۴ نفر (۸۸/۰٪) از افراد مورد مطالعه دارای حداقل یک و تعداد ۴۱۳ نفر (۵/۸٪) دارای ۴ تا ۵ عامل خطر بیماریهای غیرواگیر بودند که این میزان در کارکنان مرد بیشتر از زنان به دست آمد ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه بیشتر از دوسوم کارکنان استان کرمانشاه دارای حداقل یک عامل خطر بیماریهای غیرواگیر بوده اند بایستی اقدامات مداخله‌ای بیشتری در این گروه از افراد صورت گیرد که در این میزان نقش کارکنان مرد می‌تواند به دلیل داشتن تعداد عوامل خطر بالا پر رنگ تر باشد.

کلیدواژه: رفتار، سلامت محور، بیماری قلبی عروقی، کارکنان

اعظم گراوندی

دانشجو دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دانشگاه علوم پزشکی همدان

ناهید خادمی

معاون فنی معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی
کرمانشاه

شهناز مالکی

دانشجو دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دانشگاه علوم پزشکی همدان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر مدرسه در میزان آگاهی دانش آموزان شهرستان پاوه در زمینه بیماری ایدز

اعظم گراوندی

دانشجو دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت
دانشگاه علوم پزشکی همدان

بابک معینی

دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی همدان

ابراهیم شکبیا

معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

چکیده

مقدمه: شیوع روزافزون بیماری ایدز در منطقه خاورمیانه و در کشور ما انکار ناپذیر است. تنها راه مبارزه با آن پیدا کردن گروه‌های در معرض خطر و افزایش آگاهی آنها نسبت به این بیماری می‌باشد. یکی از این گروه‌های در معرض خطر ابتلا به بیماری ایدز دانش آموزان دبیرستانی می‌باشند. این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی دانش آموزان شهر پاوه از بیماری ایدز و راه‌های انتقال و پیشگیری از آن انجام شد.

روش بررسی: نوع مطالعه مداخله ایی، بود که بر روی دانش آموزان شهرستان پاوه صورت گرفت. بدین منظور ۵۰۸ نفر از دانش آموزان دبیرستانی از ۵۸ مدرسه شهری و روستایی پاوه طبق جدول اعداد تصادفی انتخاب شدند سپس پرسشنامه‌هایی شامل ۱۳ سؤال توسط آنها تکمیل گردید. سئوال‌ات در مورد راه‌های پیش گیری و انتقال بیماری و منابع کسب اطلاعات بود. پرسشنامه در دو مرحله قبل از آموزش و دو ماه بعد از آموزش در اختیار آنان قرار گرفت. برنامه آموزش بصورت آموزش گروهی پرسش و پاسخ و ارائه جزوه آموزشی اجرا شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS و به روش آزمون تی زوجی انجام گرفت.

یافته‌ها: از ۵۰۸ دانش آموز مورد مطالعه ۳۰۶ نفر از مدارس شهر و ۲۰۲ نفر از مدارس مناطق روستایی و ۱۹۵ نفر دختر و ۳۱۲ نفر پسر بودند. ۴۷ درصد دانش آموزان تماس‌های معمولی روزانه بعنوان راه انتقالی بیماری ذکر کرده بودند که پس از آموزش به ۲۲ درصد کاهش یافت. در زمینه راه‌های انتقال ایدز ۳۴/۹٪ از طریق رابطه جنسی محافظت نشده و در ۳۱/۵٪ موارد تزریق مشترک، ۰/۹٪ تیغ سلمانی مشترک را عامل انتقال ذکر کرده بودند. در ۲۷٪ موارد اطلاعات دانش آموزان در رابطه با ایدز از طریق تلویزیون و تنها در ۹/۵٪ موارد از طریق متون درسی و ۲۹٪ آموزش در مدارس کسب شده بود. پس از آموزش ۱۶ درصد آگاهی دانش آموزان در زمینه راه‌های انتقال بیماری افزایش یافته که این افزایش معنی دار بود ($p=0,001$).

نتیجه گیری: از آنجا که تأثیر آموزش بر افزایش سطح آگاهی دانش آموزان در زمینه بیماری ایدز و نهایتاً نافر گذار بر عملکرد آنان می‌باشد. اجرای برنامه‌های آموزش بهداشت به عنوان یک اولویت آموزشی در مدارس می‌بایست مورد توجه مسئولین و مدیران بهداشتی و آموزشی قرار گیرد.

کلید واژه: آموزش مبتنی بر مدرسه، آگاهی، دانش آموزان، ایدز

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



برنامه مداخله آموزشی جامعه محور بر تغییر رفتار مردم در کاهش

عوامل خطر بیماری قلبی - عروقی

اعظم گراوندی

* کارشناس آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت، نام دانشکده، نام دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۵۹۳۲۴

geravandi_a88@yahoo.com

دکتر ابراهیم شکیبا

معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

شرح تجربه

بیان مسئله: بیماری‌های قلبی - عروقی امروزه به عنوان یکی از عوامل تهدید کننده سلامت انسان‌ها است و در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور ما مهم ترین عامل مرگ و میر مردم شناخته شده است. این بیماری‌ها از شایعترین علل مرگ و میر در جهان به حساب می‌آیند؛ به طوری که سالانه حدود ۱.۵ میلیون نفر در آمریکا به انفارکتوس میوکارد مبتلا می‌شوند که ۱۵ تا ۶۰ درصد موارد به مرگ می‌انجامد. انجمن قلب آمریکا تخمین زده است که تا سال ۲۰۲۰، نزدیک به ۲۵ میلیون مرگ ناشی از بیماریهای قلبی - عروقی رخ خواهد داد و این عامل به عنوان اولین عامل مرگ و میر شناخته می‌شود. آمارها نشان می‌دهد بیماریهای قلبی - عروقی و دستگاه گردش خون در ایران از رقم ۲۷.۵۴ درصد در سالهای ۶۰-۱۳۵۸ به رقم ۳۶.۲۳ درصد در سالهای ۸۰-۱۳۷۶ افزایش یافته، که این افزایش ۸.۶۹ درصدی بسیار حائز اهمیت است و نشانگر افزایش میزان عوامل خطر برای این دسته از بیماریها مانند بالا رفتن مصرف کالری روزانه، مصرف چربیهای اشباع شده، عدم تحرک و افزایش استعمال سیگار در جامعه است. موفقیت‌های بدست آمده در زمینه ارتقاء نظام سلامت و کنترل بیماریهای واگیر، توسعه شهرنشینی، زندگی در جهان صنعتی همراه با تغییر در ساختار سنی جامعه در جهت پیر شدن، جمعیت راه ر چه بیشتر با خطر افزایش شیوع بیماریهای غیرواگیر رو به رو کرده است به گونه ای که در جهان بیماریهای قلبی - عروقی، سوانح و حوادث و انواع سرطان‌ها رتبه اول تا سوم را دارند. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۲۹ درصد علت مرگ و میر در دنیا ناشی از بیماریهای قلبی - عروقی بوده است. در حال حاضر شیوع این بیماری در ایران افزایش یافته، به طوری که اولین علت مرگ و میر در افراد بالاتر از ۳۵ سال می‌باشد و متأسفانه در سالهای اخیر سن بروز این بیماریها کاهش یافته است. امروزه بیماریهای قلبی - عروقی علت اصلی ناتوانی و مرگ و میر در بسیاری از کشورها به شمار میرود. با توجه به مطالب ذکر شده افزایش آگاهی عمومی یکی از ارکان اساسی برنامه‌های پیشگیری به شمار می‌آید. ارزش برنامه‌های آموزشی به میزان اثربخشی آنها بستگی دارد و اثر بخشی این برنامه‌ها نیز به مقدار زیادی بستگی به استفاده صحیح از روشهای آموزشی در آموزش بهداشت دارد. بنابراین این پژوهش با هدف ارزیابی تاثیر برنامه آموزشی تغییر رفتار زنان خانه دار به منظور پیشگیری از بیماریهای قلبی - عروقی انجام گرفت.

اهداف تجربه: هدف کلی: بهبود شیوه زندگی افراد جامعه و تغییر رفتار مردم در کاهش عوامل خطر بیماری قلبی - عروقی
اهداف اختصاصی: افزایش فعالیت بدنی در (گروه هدف) زنان خانه دار به میزان ۲۰ درصد وضعیت موجود تا پایان سال ۱۳۹۵ - کاهش میزان مصرف دخانیات در (گروه هدف) زنان خانه دار به میزان ۱۰ درصد وضعیت موجود تا پایان سال ۱۳۹۵ - اصلاح روش تغذیه و رژیم غذایی روزانه در (گروه هدف) زنان خانه دار به میزان ۲۰ درصد وضعیت موجود تا پایان سال ۱۳۹۵ - افزایش مصرف میوه و سبزیجات در رژیم غذایی روزانه (۵ وعده در روز) - افزایش مصرف ماهی (دویار در هفته) - کاهش مصرف گوشت قرمز - اصلاح روش پخت غذا (تغییر پخت غذا از حالت سرخ شده به آب پز) - افزایش مصرف آب در طی روز (۸ لیوان)
روش و مراحل کار: با توجه به گروه هدف منتخب جهت اجرای مداخله آموزشی لازم است در شهرستان آمار کلیه زنان بالای ۱۵ تا ۵۰ سال شهرستان به تفکیک شهر و روستا مشخص شده و در برنامه ریزی مورد نظر مد نظر قرار گیرند. آموزش با استفاده از محتوای آموزشی در دسترس (منابع آموزشی در برنامه باورن بسجی) صورت گرفته و کلیه گروه هدف مد نظر قرار گیرد روش اجرا آموزش در سطوح مختلف با توجه به جایگاه متفاوت می‌باشد. با توجه به استراتژی موجود: در سطح ستاد شهرستان طراحی سیبج اطلاع رسانی، تنظیم جدول فعالیتها، برآورد گروه هدف مورد آموزش، برآورد گروه هدف جهت ارزیابی آموزشها، اعلام برنامه به مراکز و خانه‌های بهداشت تابعه، آماده سازی مراکز جهت اجرای برنامه‌های اعلام شده، جمع بندی و تهیه گزارش در سطح مراکز شهری اجرای برنامه اعلام شده توسط ستاد شهرستان. آموزش به گروه هدف (گروهی یا چهره به چهره فردی) و در صورت دسترسی با هماهنگی ستاد شهرستان استفاده از روشهای نوین آموزشی (مانند تلگرام، ارسال پیامک و...)، تکمیل پرسشنامه ارزیابی اولیه، تکمیل پرسشنامه ارزیابی نهایی در سطح مراکز روستایی اعلام برنامه به خانه‌های بهداشت تابعه، اجرای برنامه اعلام شده توسط ستاد شهرستان، آموزش به گروه هدف (گروهی یا چهره به چهره فردی) و در صورت دسترسی با هماهنگی ستاد شهرستان استفاده از روشهای نوین آموزشی (مانند تلگرام، ارسال پیامک و...)، نظارت بر برنامه‌های آموزشی خانه‌های بهداشت تابعه، تکمیل پرسشنامه ارزیابی اولیه، تکمیل پرسشنامه ارزیابی نهایی
یافته‌ها: در این مطالعه قبل از آموزش ۳۹۴۵ نفر از زنان خانه دار از نظر رفتارهای پیشگیرانه مورد سنجش قرار گرفتند. قبل از مداخله آموزشی ۴۲٪ از زنان اغلب اوقات و همیشه فعالیت بدنی ۵ بار و بیشتر در هفته به مدت ۳۰ دقیقه داشتند که دو ماه پس از مداخله آموزشی با رفتار سنجش ثانویه به ۵۳ درصد ارتقاء یافت که در رفتارسنجی نهایی ۶ ماه بعد به ۴۷٪ رسید. قبل از آموزش ۷۸٪ از زنان استعمال دخانیات را گزارش نموده بودند که در ارزیابی دو ماه بعد و شش ماه پس از مداخله آموزشی کاهش ۲ درصدی (۶٪) دیده شد. علیرغم آن که انتظار می‌رود در این طبقه ی اجتماعی، شیوع استعمال دخانیات پایین باشد، ولی این حالت مشاهده نمی‌شود. همسران زنان خانه دار ۲۷٪ استعمال دخانیات قبل از آموزش داشته که پس از آموزش به ۲۴٪ رسید. در این مطالعه اثبات شد که بین آموزش به زن خانه دار و تاثیر روی سایر اعضا خانواده ارتباط آماری معنی داری وجود دارد. در خصوص وضعیت عملکرد زنان خانه دار در زمینه مصرف میوه و سبزیجات نیز یافته‌ها نشان دادند که قبل از آموزش میانگین تعداد افرادی که مصرف سبزیجات را بطور اغلب اوقات و همیشه در طی روز داشتند ۴۴٪ بود اما ۲ ماه بعد از مداخله این رقم به ۴۹٪، و شش ماه بعد ۴۹٪ رسید. بررسی یافته‌ها قبل از مداخله نشان می‌دهد که ۴۰٪ زنان خانه دار اغلب اوقات و همیشه جهت پخت غذا از روغن جامد استفاده می‌کنند که این رقم دو ماه پس از مداخله با کاهش ۶٪ مصرف شامل ۳۴٪ و موارد گردید. همچنین در رفتار سنجی نهایی شش ماه بعد این رقم به ۳۳٪ رسید.
ذینفعان / مخاطبان: زنان خانه دار مراجعه کننده به مراکز، پایگاهها و خانه‌های بهداشت تحت پوشش شبکه‌های بهداشتی درمانی شهرستانهای تابعه استان کرمانشاه
چالش‌های طرح: نبود بودجه و اعتبار خاص جهت صرف هزینه‌های آموزشی و تهیه محتواها آموزشی مورد نیاز. پیگیری طولانی (دو سال) زنان مورد مطالعه. تغییر مدیران شبکه‌ها و به طبع آن تغییر دیدگاه مدیریتی و حمایتی از برنامه و نیروهای سطح ستادی شهرستانها

کلید واژه: مداخله آموزشی، زنان خانه دار، جامعه، رفتار، بیماری قلبی عروقی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین تجربیات بستگان بیماران مبتلا به سرطان مری از علت سرطان: باورها و اعتقادات

محمدعلی مروتی شریف آباد

استادگروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید صدوقی یزد

سکینه گرایلو

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید صدوقی یزد. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۲۷۲۸۸۳۲

gerayllo65@yahoo.com

لیلا جویباری

دانشیار مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان ۳

اکرم ثناگو

دانشیار مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان ۳

زهره کریمیان کاکلیکی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید صدوقی یزد

چکیده

مقدمه: مردم درباره سرطان تصوراتی در ذهنشان دارند که برخی از آن‌ها درست و برخی از نظر علمی و پزشکی درست نیست و در واقع، باور و خرافه‌ای اشتباه به شمار می‌رود. دانشمندان معتقد هستند قبل از درمان سلول‌های سرطانی باید به باور مردم پرداخت زیرا تا زمانی که شخصی امید به زندگی نداشته باشد حتی اگر درمان‌ها مسیر درستی را نیز طی کنند، پاسخ لازم گرفته نمی‌شود. پس در ابتدا باید باورهای مردم درباره سرطان اصلاح شود تا بتوان بیمار را از بیماری نجات داد. هدف این مطالعه تبیین باورها و اعتقادات بستگان بیماران مبتلا به سرطان مری از علت بیماری سرطان می‌باشد.

روش بررسی: این پژوهش به روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوی می‌باشد. نمونه مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب گردیدند. در این مطالعه ۲۱ نفر از بستگان بیماران مبتلا به سرطان مری در مراکز درمانی تابعه دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته بود. سوال اصلی این مطالعه، باورها و عقاید خودتون را در مورد علت ابتلا به سرطان مری بیماران بیان نمایند؟ از سوالات کاوشی، چرا، چگونه برای بدست آوردن عمق اطلاعات استفاده شد. هر مصاحبه بر روی نوار ضبط گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق تحلیل محتوی انجام گرفت.

یافته‌ها: تجربیات باورهای بستگان بیماران مبتلا به سرطان مری به علت بیماری با چهار مضمون " تقدیر خداوند"، "بخت و شانس"، "چشم زخم"، "امتحان الهی" بود. بستگان بیان داشتند بیماران آنها اعتقاد دارند که "که هر اتفاقی در زندگی شان بیفته قسمت بوده و خدا میتونه با این امراض اونا رو مورد امتحان قرار بده و اینکه چون درد رو نصیبشون کرده درمان هم از دست خودش و نباید ناشکری داشته باشند. یکی از بستگان بیان داشت بیمار ابتلا خود را حاصل بدشانسی می‌دونست چون اعتقاد داشت پدر و مادرش تو سن پیری و از کهولت سن فوت کردند و هیچ مرضی نداشتند. یک بیمار خانوم بیماری خودش حاصل اینکه دیگران از این جهت چشم دیدن زندگیشو ندارند و حسادت می‌کنند می‌دونست". **نتیجه گیری:** یافته‌ها مطالعه نشان می‌دهد که مردم علاوه بر فاکتورهای تاثیر گذار بر بیماری سرطان مری، که از نظر علمی مورد تایید است برخی باورها و اعتقاداتی دارند که می‌تواند در فرایند پیشگیری و درمان این بیماری تاثیر گذار باشد لذا شناسایی این عقاید می‌تواند در برنامه ریزی جهت حفظ و ارتقاء سطح سلامت جامعه موثر باشد.

کلید واژه: سرطان مری، باورها و اعتقادات، علت بیماری، بستگان بیمار، مطالعه کیفی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیرات روانی- اجتماعی رسانه‌های اجتماعی در میان نوجوانان

چکیده

مقدمه: محبوبیت فزاینده و استفاده ی بیش از اندازه از رسانه‌های اجتماعی در میان نوجوانان، نگرانی‌ها را در رابطه با پیامدها و دلالت‌های روانی اجتماعی اینچنین استفاده‌هایی افزایش می‌دهد. هدف از این مطالعه بررسی دلالت‌های روانی اجتماعی استفاده از این رسانه‌ها می‌باشد.

روش بررسی: در یک مطالعه ی مقطعی و با استفاده از نمونه گیری طبقه ای، داده‌های ۲۱۳۸ نوجوان ۱۲ تا ۱۹ ساله ی کاربر رسانه‌های اجتماعی ساکن در شهر اصفهان با استفاده از مقیاس سرمایه اجتماعی مرکب از ۵ زیر مقیاس- سرمایه اجتماعی خانواده؛ سرمایه اجتماعی میان و درون گروهی و سرمایه اجتماعی آنلاین و آفلاین- و مقیاس رضایت از زندگی به منظور بررسی تأثیرات روانی اجتماعی کاربری رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ی ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی نوجوانان مشارکت کننده در این مطالعه (SD=۱/۷۱) ۱۵،۱۲ سال بود و دختران ۵۱ درصد مشارکت کنندگان را تشکیل می‌دادند. یافته‌ها آزمون تحلیل واریانس نشان داد که نمره میانگین سرمایه اجتماعی در اکثر ابعاد آن و همچنین رضایت از زندگی در میان کاربران متفاوت رسانه‌های اجتماعی تفاوت معنی دار آماری داشت ($P < 0/001$) و کاربران سبک تر این رسانه‌ها در مقایسه با کاربران متوسط و سنگین، گزارش کننده ی نمرات بهتری در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و همچنین میزان رضایت از زندگی بودند.

نتیجه گیری: یافته‌ها مطالعه ی حاضر نشان داد که میزان و شدت کاربری رسانه‌های اجتماعی دارای پیامدهای روانی اجتماعی متفاوتی است.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی؛ رضایت از زندگی؛ رسانه‌های اجتماعی؛ نوجوانان

نرجس گرایی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

ngeraee@yahoo.com

احمد علی اسلامی

دانشیار آموزش و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مکانیسم‌های تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر سلامت: یک مرور روایتی

نرجس گرایی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

ngeraree@yahoo.com

احمد علی اسلامی

دانشیار آموزش و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از ویژگی‌های محیط اجتماعی که در سالهای اخیر توجهات زیادی را در علوم بهداشتی به خود جلب نموده سرمایه اجتماعی است. کاهش سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه ساز گسترش انواع آسیب‌های روانی اجتماعی باشد. از سوی دیگر ثابت شده است افرادی که در محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند سلامت بهتری را تجربه می‌کنند. در متون موجود مسیرها یا مکانیسم‌هایی که از خلال آنها سرمایه اجتماعی منجر به بهبود وضعیت سلامت افراد می‌شود گزارش شده است. هدف این مقاله بررسی این مکانیسم‌ها می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه‌ی مروری حکایتی با استفاده از کلید واژه‌های "سرمایه اجتماعی"، "سلامت"، "سلامت خودارزیابی شده" و "وضعیت سلامت" در پایگاه‌های اطلاعاتی "پاب مد، ساینس دایرکت و اسکوپوس" جستجو صورت گرفت. تعداد ۲۳ مقاله از سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ که دارای معیارهای ورود به مطالعه بودند مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: بررسی مروری این مطالعات نشان داد که مکانیسم‌های مختلفی وجود دارند که از طریق آنها سرمایه اجتماعی بر سلامت تاثیر گذار است و اثرگذاری این مکانیسم‌ها با توجه به بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ویژگی‌های فردی افراد و همچنین سطحی که در آن سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد متفاوت است. از جمله مهمترین این مکانیسم‌ها که می‌توان آنها را به صورت عمومی و کلی، میان جوامع گوناگون ثابت در نظر گرفت عبارتند از ایجاد فرصتهایی برای دسترسی به اطلاعات، حمایت عاطفی، ارائه کمک‌های ابزاری در زمینه‌های گوناگون و ایجاد احساس تعلق نسبت به جامعه. برخی از فاکتورهای روانشناختی از جمله احساس انسجام روانی و عزت نفس نیز رابطه‌ی میان سرمایه اجتماعی و سلامت را میانجی‌گری می‌کنند.

نتیجه گیری: سرمایه اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید در علوم بهداشتی است که از طریق مکانیسم‌های مختلف از جمله ارائه حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی باعث بهبود و ارتقاء وضعیت سلامت اعضای جامعه می‌شود.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی؛ سلامت؛ سلامت خود ارزیابی شده؛ مرور روایتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش‌بینی اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در مادران باردار شهرداری جند بر اساس مدل تلفیقی سازه‌های تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خودکارآمدی در سال ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: بهداشت دهان و دندان در دوران بارداری برای سلامت مادر و جنین ضروری است. تئوری رفتار برنامه ریزی شده به عوامل اجتماعی در ایجاد رفتار توجه خاص نشان می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در مادران باردار شهرداری جند بر اساس مدل تلفیقی سازه‌های تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خودکارآمدی طراحی شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۲۵۸ نفر از مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهر بیرجند مورد بررسی قرار گرفتند. افراد به روش تصادفی چندمرحله‌ای، انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته منطبق با سازه‌های مدل تلفیقی تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خودکارآمدی بود، که روایی آن به صورت محتوایی توسط ۱۰ نفر از اعضای هیات علمی و صاحب نظران تایید و پایایی آن با استفاده از آزمون کرونباخ (۰/۷۷) تایید شد. برای تعیین چگونگی ارتباط سازه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و برای تعیین سهم هر متغیر از آنالیز رگرسیون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۹، انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین سنی مادران باردار مورد مطالعه $27/6 \pm 5/1$ سال و میانگین شاخص DMFT مادران $(5/4 \pm 3/5)$ بود. یافته‌ها آنالیز رگرسیونی نشان داد که متغیرهای مدل تلفیقی تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خودکارآمدی در مجموع ۴۷٪ تغییرات قصد، را پیشگویی می‌کنند. از بین سازه‌های مدل تلفیقی تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خودکارآمدی، متغیر خودکارآمدی $(\beta = 0/583)$ و هنجار انتزاعی $(\beta = 0/56)$ به ترتیب بهترین پیشگویی کننده قصد رفتارهای بهداشتی دهان و دندان هستند. $(P < 0/01)$.

نتیجه‌گیری: بر اساس مطالعه حاضر نرم‌های انتزاعی مانند مراقبین سلامت و دوستان و خودکارآمدی مادران مهم‌ترین پیش‌گویی کننده‌های رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت دهان و دندان در مادران باردار هستند. از این رو این تلفیق تئوری خودکارآمدی با رفتار برنامه ریزی شده با تاکید بر سازه‌های انتزاعی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت کاهش پوسیدگی دندان و ارتقاء سلامت دهان و دندان مادر باردار استفاده شود و در دوران بارداری به حفظ سلامت مادر و کودک کمک نماید.

کلیدواژه: تئوری رفتار برنامه ریزی شده، خودکارآمدی، زنان باردار، مراقبت‌های دهان و دندان

فاطمه گندمی

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده بهداشت، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۶۳۲۳۳۸۲۴۷

Email: fatemegandomi1@gmail.com

غلامرضا شریف زاده

کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده بهداشت، بیرجند، ایران

میترا مودی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشیار، رئیس مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده بهداشت، بیرجند، ایران

نرجس اکبری

متخصص دندانپزشکی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده دندانپزشکی، بیرجند، ایران

نرگس گندمی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده بهداشت، بیرجند، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین کننده‌های رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در مادران دارای کودک ۴-۶ ساله شهر بیرجند: کاربرد مدل ادغام شده رفتاری

مریم گندمی

نویسنده اول، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

غلامرضا شریف زاده

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

نرجس اکبری

دانشیار بیماریهای دهان، فک و صورت، دانشکده دندانپزشکی بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

نرگس گندمی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، ماما بیمارستان شهید دکتر رحیمی "تامین اجتماعی"، بیرجند، ایران

مسعود دلپسند

کارشناس مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیه نوروزی

*استادیار آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسول:

۰۹۱۵۲۶۴۰۸۲۳

ensiyehnoroz@yahoo.com

چکیده

مقدمه: مادران کلید اصلی ارتقا بهداشت دهان و دندان کودکان بوده و باورهای آنان در زمینه بهداشت و دندان بر نحوه مراقبت های دهانی کودکان بسیار تاثیر گذار است. هدف این مطالعه بررسی وضعیت آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در خصوص رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در کودکان ۴-۶ ساله بر اساس مدل ادغام شده رفتاری می باشد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی بر روی ۲۷۵ مادر دارای کودک ۴-۶ ساله مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ انجام گردید. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای تصادفی شده بود. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بر اساس سازه های مدل ادغام شده رفتاری بود که روایی و پایایی آن بررسی و تایید شد (الفای کرونباخ ۰/۹۰). داده ها توسط نرم افزار spss-۱۹ و با استفاده از آزمون های آنالیز واریانس یک طرفه، تست تعقیبی توکی، رگرسیون خطی و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه، $32/38 \pm 4/99$ بود. میانگین نمره عملکرد مادران $2/64 \pm 2/11$ بود. بین نمره عملکرد با میانگین نمرات سازه های مختلف مدل ادغام شده رفتاری همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت ($P < 0/001$). تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای آگاهی و کنترل رفتاری متغیرهای تاثیر گذار بر انجام رفتار های پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان بودند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر سازه های آگاهی و کنترل رفتاری، پیش بینی کننده رفتار های پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان بودند. پیشنهاد می گردد از این مدل جهت بررسی سایر رفتارهای بهداشتی نیز استفاده شود.

کلید واژه: پوسیدگی دندان، مادران، کودکان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی رفتارهای سلامت دهان و دندان دانش آموزان تهرانی با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: شناخت بیشتر پیش بینی کننده‌های یک رفتار منجر به افزایش احتمال موفقیت مداخلات در جهت اصلاح آن رفتار خواهد شد. هدف مطالعه کنونی تعیین پیش‌بینی رفتار سلامت دهان دندان در دانش آموزان مدارس دخترانه شهر تهران با استفاده از الگوی اعتقاد بهداشتی می‌باشد.

روش بررسی: با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای ۴۱۶ نفر از دانش آموزان دخترمدارس ابتدایی شهر تهران برای شرکت در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۵ انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه تحصیل در پایه پنجم مدارس دولتی دخترانه و داشتن رضایت نامه کتبی از والدین بود. با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط پانل خبرگان و پایایی آن با آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷۴ برای کلیه سؤالات بدست آمد داده‌ها با استفاده از آزمون آماری کای اسکوئر و تحلیل رگرسیون لجستیک برای شناسایی متغیرهای پیش‌کننده رفتار سلامت دهان دندان به کار گرفته شد. یافته‌ها: به طور کلی ۴۱۶ دانش آموز دختر وارد مطالعه شدند، از این تعداد نمونه ۵۵,۳٪ دانش آموزان گزارش کردند که حداقل دو بار در روز مسواک می‌زنند و ۲۲,۴٪ ادعا کردند که یک بار در روز از نخ دندان استفاده میکنند و ۲۳,۱٪ گزارش کردند که دندانپزشکان را هر شش ماه یکبار با مراجعه به دندانپزشک چک می‌کنند.

یافته‌ها: تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که خودکارآمدی درک شده مهمترین فاکتور پیش‌بینی کننده رفتار مسواک زدن حداقل دو بار در روز می‌باشد؛ به طوری که به ازای یک واحد افزایش در سازه خودکارآمدی درک شده رفتار مسواک زدن حداقل دو بار در روز ۱,۳۴ برابر می‌شد و استفاده از نخ دندان حداقل یک بار در روز به میزان ۱,۶۱ برابر می‌شود.

منافع درک شده عامل پیشگویی کننده معنادار برای بررسی شش ماهه دندان توسط دندانپزشک بود به طوری که به ازای یک واحد افزایش در منافع درک شده میزان مراجعه به دندانپزشک جهت بررسی شش ماهه برابر می‌شد.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که سازه‌های خودکارآمدی درک شده، منافع درک شده و شغل مادر به عنوان پیش‌بینی کننده رفتار بهداشت دهان دندان می‌باشد و طراحی مداخلات بر مبنای دو سازه ذکر شده می‌تواند در ارتقای سلامت دهان و دندان دانش آموزان دختر ابتدایی شهر تهران موثر باشد.

کلید واژه: بهداشت دهان دندان، مدل اعتقاد بهداشتی، دانش آموزان.

اعظم گودرزی

* دانشجوی دکترا تخصصی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۹۶۴۰۲۷
a.goodarzy@modares.ac.ir

علیرضا حیدرنیا

استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

صدیقه السادات طوافیان

استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمد اسلامی

استادیار دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش تقویت و تکرار (توسط گروه همسال) در برنامه آموزشی بهداشت دهان و دندان براساس مدل HBM در دانش آموزان ابتدایی شهر تهران - مطالعه کار آزمایشی بالینی

اعظم گودرزی

* دانشجوی دکترا تخصصی، گروه آموزش بهداشت،
دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۹۶۴۰۲۷
a.goodarzy@modares.ac.ir

علیرضا حیدرنیا

استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

صدیقه السادات طوافیان

استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمد اسلامی

استادیار دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس،
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سازمان بهداشت جهانی گزارش می کند که ۹۰-۶۰٪ از کودکان سن مدرسه و تقریباً ۱۰۰٪ بزرگسالان در سراسر جهان مبتلا به پوسیدگی دندان می باشند. به نظر می رسد، در موفقیت مداخلات مبتنی بر تئوری تکرار و تقویت نقش حیاتی بازی میکند. هدف از این مطالعه ارزیابی نقش تکرار و تقویت توسط گروه همسال (سفیر سلامت) در آموزش بهداشت دهان و دندان دانش آموزان ابتدایی می باشد. **روش بررسی:** پژوهش حاضر یک مطالعه کار آزمایشی بالینی بود. جامعه آماری دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی مدارس دولتی شهر تهران در سال ۲۰۱۷ بود. از بین مدارس ابتدایی دولتی دخترانه منطقه ۱۴ آموزش و پرورش شهر تهران ۳ مدرسه بطور تصادفی انتخاب شدند. و از هر مدرسه ۶۰ دانش آموز پایه پنجم که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند وارد مطالعه شدند. دانش آموزان مدارس ذکر شده بطور تصادفی به سه گروه: گروه یک - (با تقویت و تکرار) آموزشها ی لازم را توسط مراقب سلامت مدرسه دریافت می کردند و تقویت و تکرار آموزشها توسط گروه همسال یا سفیران سلامت دانش آموزی صورت می گرفت. گروه دو - (بدون تقویت و تکرار) آموزشها فقط توسط مراقب سلامت مدرسه صورت می گرفت. گروه سوم - (گروه کنترل) هیچگونه آموزشی تا پایان پژوهش دریافت نمی کردند. هر دو گروه مداخله پیش آزمون، پس آزمون، چهار جلسه مداخله، سه و شش ماه پیگیری پس از مداخله را دریافت کردند. جمع اوری داده ها توسط یک پرسشنامه محقق ساخته بود که از شرکت کنندگان خواسته شد به سوالات براساس دوسازه HBM دهند. با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ و با استفاده آنالیز واریانس اندازه های تکراری، میانگین متغیرها در سه گروه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: اختلاف میانگین سازه منافع درک شده و خود کار آمدی درک شده در گروه یک و دو نسبت به قبل از مداخله (در هر سه مرحله بلافاصله، سه و شش ماه بعد) و در مقایسه با گروه کنترل معنادار بود ($P < 0/02$). رفتار سلامت دهان و دندان بطور معناداری شش ماه بعد از مداخله نسبت به گروه کنترل افزایش یافت ($P < 0/01$). پلاک دندانی در گروه یک کاهش پیدا کرد پس از چهار جلسه مداخله نسبت به گروه ۲ و کنترل در سه و شش ماه بعد از مداخله ($P < 0/01$) در حالیکه در گروه کنترل پلاک دندانی بطور معناداری افزایش پیدا کرد در مقایسه با پیش آزمون ($P < 0/01$).

نتیجه گیری: سفیران سلامت دانش آموزی در موفقیت یک مداخله مبتنی بر نظریه در مدارس با استراتژی تکرار و تقویت نقش مهمی را ایفا می کنند. مراقب سلامت مدرسه باید چنین مداخلات موثری را جهت ارتقای سلامت دهان و دندان دانش آموزی برنامه ریزی کند.

کلید واژه: آموزش سلامت دهان و دندان، گروه همسال، پلاک دندان.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل روانشناختی پیشبینی کننده ی رفتارهای خود مراقبتی در مبتلایان به پرفشاری خون با سواد سلامت محدود شهر بوشهر

چکیده

مقدمه: فشار خون بالا یک چالش مهم بهداشت عمومی در سطح جهانی است که می‌تواند منجر به عواقب بسیار جدی در مبتلایان گردد. مهمترین استراتژی برای کنترل فشار خون و حفظ آن در محدوده بهینه، تبعیت بیماران از رفتارهای خود مراقبتی است. هدف از این مطالعه تعیین عوامل روانشناختی مبتنی بر الگوی باور سلامت موثر بر تبعیت از رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا با سواد سلامت محدود در شهر بوشهر است.

روش بررسی: یک مطالعه مقطعی در میان ۱۵۲ بیمار مبتلا به پرفشاری خون با سواد سلامت محدود در سال ۲۰۱۷ انجام شد. بیماران با سواد سلامت محدود با تکمیل پرسشنامه ی استاندارد سنجش سواد سلامت (S-TOFHSA) شناسایی شدند. پرسشنامه‌های استاندارد H-SCALE برای ارزیابی رفتارهای خود مراقبتی و HK-LS برای ارزیابی آگاهی از بیماری فشارخون بالا توسط شرکت کنندگان در مطالعه تکمیل گشت. از پرسشنامه ای محقق ساخته نیز برای ارزیابی عوامل روانشناختی مبتنی بر الگوی باور سلامت استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان $56/86 \pm 8/7$ بود. بیشترین میزان رعایت رفتارهای خودمراقبتی مربوط به عدم استعمال الکل (۷۸/۹٪) و دخانیات (۵۵/۹٪) و کمترین میزان تبعیت از رفتارهای خودمراقبتی مربوط به رژیم غذایی کم نمک (۵/۳٪) و مصرف صحیح داروها (۲۹/۲٪) بود. خودکارآمدی درک شده با همه رفتارهای خودمراقبتی به جز مصرف صحیح داروها ارتباط معناداری داشت. ارتباط معناداری بین حساسیت درک شده و عوارض بیماری فشارخون بالا و رفتارهای رژیم غذایی کم نمک ($OR=3.47$) و رفتار عدم استعمال دخانیات ($OR=1.10$) وجود داشت. افرادی که میزان شدت درک شده بیشتری داشتند ($OR=1.82$) نسبت به افرادی که شدت درک شده کمتری داشتند، تبعیت بهتری از رژیم دارویی خود داشتند. منافع و موانع درک شده با هیچ کدام از رفتارهای خودمراقبتی ارتباط معناداری نداشتند.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌ها حاصل از این مطالعه، به نظر می‌رسد طراحی مداخلات آموزشی با هدف افزایش خودکارآمدی بیماران برای انجام رفتارهای خودمراقبتی و همچنین افزایش باورهای آنها در خصوص حساسیت و شدت درک شده از عوارض بیماری فشار خون می‌تواند در جهت بهبود و ارتقاء خودمراقبتی در بیماران موثر واقع شود.

کلید واژه: رفتارهای خودمراقبتی، سواد سلامت، فشار خون بالا

اعظم لری

کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

رحیم طهماسبی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

مهنوش رئیس

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر. نویسنده مسئول:

reisi_mr@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر راهبردهای سواد سلامت بر خودمراقبتی مبتلایان به پرفشاری خون با سواد سلامت محدود: کاربردی از الگوی باور سلامت

اعظم لرکی

کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

رحیم طهماسبی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

سید همام الدین جوادزاده

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

مهوش رئیسی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر. نویسنده مسئول:

reisi_mr@yahoo.com

چکیده

مقدمه: پرفشاری خون به طور خاص یکی از مهمترین عوامل خطر برای بیماری قلبی عروقی به شمار می‌آید که در اکثر کشورهای جهان، بیشترین میزان میرایی را به خود اختصاص داده است. مهمترین استراتژی برای کنترل فشارخون و حفظ آن در محدوده مطلوب، تبعیت بیماران از رفتارهای خودمراقبتی می‌باشد که می‌تواند متاثر از عوامل متعددی چون باورهای بیماران قرار گیرد. از دیگر سو اگر بیماران سواد سلامت کافی نداشته باشند، انجام رفتارهای خودمراقبتی می‌تواند به فعالیت سخت و چالش برانگیز تبدیل شود که استفاده از راهبردهای سواد سلامت جهت کنترل موانع مرتبط با سواد سلامت محدود، می‌تواند موثر عمل کند. لذا در مطالعه‌ی حاضر جهت تاثیر نهادن بر باورهای بیماران و کاهش موانع آموزشی ناشی از سواد سلامت محدود، اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی باور سلامت همراه با بکارگیری راهبردهای سواد سلامت بر خودمراقبتی مبتلایان به پرفشاری خون با سواد سلامت محدود شهر بوشهر در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش بررسی: مطالعه‌ی حاضر یک پژوهش نیمه تجربی بود که بر روی ۱۰۰ بیمار مبتلا به پرفشاری خون با سواد سلامت محدود (۵۰ نفر گروه مداخله، ۵۰ نفر گروه کنترل) صورت گرفت. بیماران با سواد سلامت محدود توسط نسخه کوتاه پرسشنامه سواد سلامت عملکردی در بزرگسالان (S-TOFHLA) شناسایی شدند و به طور تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه مداخله ۴ جلسه آموزشی مبتنی بر سازه‌های الگوی باور سلامت و با بکارگیری راهبردهای سواد سلامت (کمیک‌های ویدئویی و گزاره برگ‌های مصور آموزشی) را دریافت نمودند. گروه کنترل خدمات روتین مرکز را دریافت نمودند و در پایان مطالعه، محتوای آموزشی در اختیار آنها نیز قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای سه بخشی شامل اطلاعات جمعیت شناختی، سازه‌های مربوط به الگوی باور سلامت و رفتارهای خودمراقبتی بود که در سه مرحله (قبل، یک ماه بعد و سه ماه بعد از آموزش) تکمیل گردید. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ انجام شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی و سازه‌های الگوی باور سلامت (حساسیت، شدت، منافع، موانع و خودکارآمدی درک شده) در گروه مداخله و کنترل قبل از مداخله آموزشی تفاوتی نداشتند، در حالی که پس از انجام مداخله آموزشی تفاوت بین دو گروه در تمام سازه‌های الگو از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0/001$). در خصوص رفتارهای خودمراقبتی نیز (مصرف صحیح دارو، رژیم غذایی سالم، فعالیت بدنی، استعمال دخانیات و مدیریت وزن) دو گروه مداخله و کنترل قبل از آموزش تفاوتی نداشتند، در حالی که بعد از آموزش در گروه مداخله بهبود معناداری ($P < 0/001$) در رفتارهای خودمراقبتی به جز بعد فعالیت بدنی مشاهده شد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اذعان نمود که استفاده از سازه‌های روانشناختی مبتنی بر الگوی باور سلامت و ساده کردن فرایند آموزش به بیماران همراه با بکارگیری راهبردهای سواد سلامت، به گونه‌ای که بیماران و خصوصاً بیماران با سواد سلامت محدود هم بتوانند به خوبی از آن بهره مند شوند، می‌تواند از طریق یک آموزش اثربخش، خودمراقبتی را در بیماران مبتلا به فشار خون با سواد سلامت محدود ارتقاء دهد.

کلید واژه: الگوی باور سلامت، خودمراقبتی، راهبردهای سواد سلامت، فشار خون بالا، سواد سلامت محدود.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط جایگاه مهارت‌های ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی دانشجویان شهرتربیت حیدریه در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت می باشد و جایگاه مهارت سلامت، یکی از عمده ترین مقیاسها و شاخصهای اعتقاد بهداشتی برای طرحریزی برنامه های آموزش بهداشت محسوب میشود که در ارتقاء سلامت و آموزش بهداشت کاربرد بسیار مهمی دارد. این پژوهش با هدف ارتباط بین رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی با محور کنترل سلامت انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۴۵۹ نفر از دانشجویان دانشگاههای تربیت حیدریه با نمونه گیری تصادفی انجام شد. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه های استاندارد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و محور کنترل سلامت چند وجهی و کیفیت زندگی انجام گردید. تحلیل آماری داده ها به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۲۰ انجام و از شاخصهای توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آزمونهای تحلیلی و ضریب همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان $21/64 \pm 2/1$ سال بود. در خصوص امتیاز مؤلفه های سه گانه جایگاه مهارت سلامت، امتیاز محور کنترل داخلی، $26/23 \pm 2/1$ امتیاز محور شانس $17/3 \pm 3/6$ و امتیاز محور دیگران $24/4 \pm 2/2$ بود. آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین رفتارهای ارتقا دهنده سلامت با متغیر کنترل درونی سلامت ارتباط مستقیم و با محور کنترل سلامت بیرونی ارتباط معکوس معناداری دارد و کیفیت زندگی با محور کنترل سلامت ارتباط معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: توجه به تأثیر محور کنترل درونی بر رفتار ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی با اجرای برنامه های مشاوره ای باید سعی در درونی کردن محور کنترل افراد نمود تا با ارتقاء رفتارهای مربوط به سلامت و بهبود کیفیت زندگی گامی در جهت بهبود سلامت دانشجویان برداشت.

کلید واژه: سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت، کانون کنترل سلامت، کیفیت زندگی

الهه لعل منفره

* دانشجوی دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۱۶۹۷۴۴
elm.monfared@gmail.com

علیرضا جعفری باغخیراتی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

هادی علیزاده سیوکی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مهساموسوی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربیت حیدریه، تربیت حیدریه، ایران

نرگس مودب

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربیت حیدریه، تربیت حیدریه، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تحلیل خودکارآمدی رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی بیماران مبتلا به پرفشاری خون رفسنجان، سال ۱۳۹۷

لیلی مازار

* پژوهشگر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران. نویسنده مسئول:
leili.mazar@gmail.com

مصطفی نصیرزاده

استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

انسبه صفریان

پژوهشگر، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی، به مفهوم اطمینان شخص بر انجام دادن کارها و یکی از مهمترین عوامل در اتخاذ رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی و کنترل بیماری فشارخون می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تحلیل خودکارآمدی رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون شهرستان رفسنجان در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه تحلیلی حاضر در میان ۳۸۵ نفر از بیماران مبتلا به پرفشاری خون شهرستان رفسنجان، در بین مراکز بهداشتی درمانی با انتخاب تصادفی انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و مشتمل بر دو بخش دموگرافیک و سازه خودکارآمدی بود. تجزیه و تحلیل‌ها با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمون‌های آماری کای دو، تی مستقل، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک طرفه انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سن بیماران $61/39 \pm 10/98$ سال، ۹۶ نفر مرد (۲۴/۹ درصد) و ۲۸۹ نفر زن (۷۵/۱ درصد) بودند. بیش از ۷۶ درصد بیماران نمایه توده بدنی بالاتر از ۲۵ داشتند. میانگین نمره و انحراف معیار خودکارآمدی بیماران برابر با $64/3 \pm 15/1$ بود. بیشترین نمره خودکارآمدی مرتبط با مصرف منظم دارو و کمترین نمرات مرتبط با رفتارهای فعالیت بدنی منظم و کنترل و مدیریت استرس بود. بین میانگین نمره خودکارآمدی با متغیرهای سن، طول مدت بیماری، فشارخون سیستول، دیاستول و حمایت اجتماعی رابطه معنی داری دیده شد ($P < 0/05$) ولی با سایر متغیرهای مستقل و زمینه ای ارتباط معنی داری وجود نداشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به عدم اطمینان خاطر بیماران در انجام فعالیت بدنی منظم و مدیریت استرس، طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های مداخله ای مخاطب محور با بکارگیری نظریه‌های تغییر رفتار پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: خودکارآمدی، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، پرفشاری خون

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



افسردگی، اضطراب و حمایت اجتماعی درک شده در میان بیماران بزرگسال مبتلا به بتا تالاسمی ماژور: یک مطالعه مقطعی

چکیده

مقدمه: با توجه به شیوع بالای افسردگی و اضطراب در میان بیماران تالاسمی و نقش حمایت های اجتماعی در پیشگیری از این اختلالات روانی، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین افسردگی و اضطراب با حمایت اجتماعی درک شده و عوامل مرتبط با آن ها در میان افراد بزرگسال مبتلا به بتا تالاسمی ماژور انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۸۹ بیمار بزرگسال مبتلا به بتا تالاسمی ماژور انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای شامل سه بخش بود: پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پزشکی، نسخه فارسی مقیاس اضطراب و افسردگی بیمارستانی و نسخه فارسی مقیاس چند بعدی ادراک حمایت اجتماعی. داده های با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شد و نتایج در سطح آماری ($p < 0.05$) معنادار تلقی شدند.

یافته ها: میانگین نمره افسردگی، اضطراب و حمایت اجتماعی درک شده افراد تحت بررسی به ترتیب $(7/42 \pm 3/17)$ ، $(7/47 \pm 4/35)$ و $(4/18 \pm 8/64)$ بود. $19/8\%$ از افراد تحت بررسی مبتلا به افسردگی و $23/7\%$ مبتلا به اختلال اضطرابی بودند. بین افسردگی و اضطراب با متغیرهای سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت درآمد خانواده، همچنین بین حمایت اجتماعی درک شده با متغیرهای سن، مرکز درمانی، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت درآمد خانواده ارتباط آماری معنی داری وجود داشت. حمایت اجتماعی درک شده از سوی اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد مهم در زندگی پیش گویی کننده های معنی دار افسردگی و اضطراب در میان افراد بزرگسال مبتلا به بتا تالاسمی ماژور بودند.

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه حمایت اجتماعی درک شده از عوامل تاثیرگذار در کاهش افسردگی و اضطراب بیماران تالاسمی می باشد، حمایت اجتماعی دریافت شده از طرف شبکه های اجتماعی مثل همسر، اعضای خانواده، دوستان و پرسنل مراکز درمان باید در مداخلاتی که به منظور بهبود سلامت جسمی و روانی بیماران تالاسمی طراحی و اجرا می شوند، ادغام شوند.

کلید واژه: افسردگی، اضطراب، حمایت اجتماعی، بتا تالاسمی

مینا ماهری

* استادیار، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۰۳۵۴۹۹۳۲۸

Email: kabehmahery@yahoo.com

فاطمه دارابی

استادیار، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین سبک زندگی ارتقادهنده سلامت با کیفیت زندگی در میان بیماران بزرگسال مبتلا به بتا-تالاسمی ماژور

مینا ماهری

* استادیار، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۰۳۵۴۹۹۳۲۸

Email: kabehmahery@yahoo.com

فاطمه دارابی

استادیار، دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

چکیده

مقدمه: سبک زندگی ارتقادهنده سلامت یکی از فاکتورهای تاثیرگذار بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به بتا-تالاسمی ماژور است. با توجه به کمبود مطالعات موجود در این زمینه، مطالعه حاضر با هدف " تعیین ارتباط بین سبک زندگی ارتقادهنده سلامت با کیفیت زندگی در میان بیماران بزرگسال مبتلا به بتا-تالاسمی ماژور"، انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی بر روی ۳۸۹ بیمار بالای ۱۸ سال مبتلا به بتا-تالاسمی ماژور مراجعه کننده به مراکز درمان تالاسمی تحت پوشش علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی ایران و سازمان انتقال خون ایران، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای شامل سه بخش بود: پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و بالینی، نسخه فارسی پرسشنامه ۱۲ سوالی کیفیت زندگی (SF-12) و نسخه فارسی پرسشنامه سبک زندگی ارتقادهنده سلامت ۵۲ سوالی والکر (HPLP-II). داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شد و نتایج در سطح آماری ($p < 0.05$) معنی دار تلقی شدند.

یافته‌ها: میانگین سن شرکت کنندگان در مطالعه 30.23 ± 8.3 بود. میانگین امتیاز کیفیت زندگی و سبک زندگی ارتقادهنده سلامت بیماران تحت بررسی به ترتیب 61.44 ± 23.38 و 127.28 ± 21.53 به دست آمد. بالاترین امتیاز مربوط به بعد معنوی سبک زندگی ارتقادهنده سلامت (23.96 ± 5.74) و کمترین مربوط به بعد فعالیت بدنی (11.32 ± 3.95) بود. وضعیت کیفیت زندگی کل و ابعاد خلاصه سنجش جسمانی و روانی آن در میان بیماران بزرگسال مبتلا به تالاسمی ماژور در حد متوسط بود. ۴ بعد سبک زندگی ارتقادهنده سلامت: رشد معنوی ($\beta = 0.374, p < 0.001$)، فعالیت بدنی ($\beta = 0.242, p < 0.001$)، روابط بین فردی ($\beta = 0.185, p < 0.001$) و مسئولیت پذیری در قبال سلامت خود ($\beta = 0.113, p < 0.001$)، به ترتیب بیشترین میزان تاثیر، پیش بینی کننده کیفیت زندگی بیماران بزرگسال مبتلا به تالاسمی ماژور بودند. ۶ بعد سبک زندگی ارتقادهنده سلامت روی هم ۳۷/۹ درصد از واریانس کیفیت زندگی را در بیماران تحت بررسی را پیش بینی می کردند.

نتیجه گیری: وضعیت کیفیت زندگی و سبک زندگی ارتقادهنده سلامت در میان بیماران تالاسمی قابل قبول نمی باشد، بنابراین پیشنهاد می شود انواع مداخلات آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت با تمرکز بر ۳ بعد رشد معنوی، فعالیت بدنی و روابط بین فردی در میان این بیماران طراحی و اجرا شود.

کلید واژه: کیفیت زندگی، سبک زندگی، بزرگسال، بتا-تالاسمی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی مروری خدمات غیرضروری ارائه شده در نظام سلامت ایران

چکیده

مقدمه: خدمات غیر ضروری، خدماتی می‌باشند که استفاده از آن‌ها یا مفید نیست و یا آسیب استفاده از آن بیشتر از تأثیر آن می‌باشد، تجویز این خدمات هم از بعد بیمار و هم از بعد پزشک وجود دارد. در بعضی مواقع نگرانی و اصرار بیماران می‌تواند پزشکان را به انجام اقدامات تشخیصی غیر ضروری ترغیب کند، حتی در برخی موارد بیماران برای اینکه پزشکان را تحریک کنند علائم و نشانه‌ها را غیر واقعی و حادثتر از آنچه هستند برای پزشکان تشریح می‌کنند و این منجر به افزایش تقاضای القایی در حوزه سلامت می‌شود. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، بررسی خدمات غیر ضروری ارائه شده در نظام سلامت ایران می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش حاضر به شکل مروری به بررسی پژوهش‌های مرتبط به این حوزه به جستجوی عباراتی نظیر "خدمات غیر ضروری" و "پروسه‌ها و آزمایش‌های غیر ضروری" و "تقاضای القایی" و "overuse" و ترکیب واژگان کلیدی در پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط نظیر "SID" و "Google scholar" و جستجوی پیشرفته در Google انجام شد. معیارهای ورود شامل در دسترس بودن چکیده یا متن کامل مقاله، مطالعات انجام شده در حوزه خدمات غیر ضروری و معیار خروج شامل قرار نداشتن در محدوده زمانی بود. جمعاً ۳۰ مقاله به دست آمد که به ۱۵ پژوهش انجام یافته مرتبط با موضوع پرداخته شد.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعات نشان داد، ارائه خدمات غیر ضروری در نظام‌های سلامت شایع، هزینه‌بر و حتی مضر است. ضعف در نظارت، افزایش تعرفه‌های خدمات درمانی و کاهش پرداخت از جیب ۳ عاملی است که در حوزه سلامت از آن به عنوان عوامل افزایش تقاضای خدمات القایی یاد شده است. پیشگیری از ارائه خدمات غیر ضروری و ارائه خدمات ضروری می‌تواند تأثیرات زیادی بر کاهش هزینه و افزایش کیفیت خدمات داشته باشد. در کنار هزینه‌های هنگفتی که صرف آرایه خدمات و مراقبت‌های بهداشتی می‌شود، طبق برآوردهای انجام شده بیش از ۳۰٪ از مراقبت‌ها و خدمات فراهم شده برای بیماران غیر ضروری است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعات نشان داد برای کاهش خطاهای تشخیصی و جلوگیری از انجام کارهای بی‌بهره، گران قیمت و اقدامات غیر ضروری و هزینه‌های ناشی از آن، پزشکان می‌توانند با افزایش تبحر و تخصص و شناخت اشتباهات احتمالی خود نقش بسزایی در این امر داشته باشند. می‌توان از طریق افزایش کارایی، مدیران و تصمیم‌گیرندگان را در تهیه و توزیع صحیح منابع نظام سلامت یاری کرد هم چنین تشکیل کمیته بررسی بهره‌برداری از منابع در سطح وزارت بهداشت و بیمارستانها می‌تواند امکان بهبود بهره‌برداری از منابع نظام سلامت کشور را با کنترل مستمر اطلاعات مربوط به استفاده از منابع نظام سلامت فراهم آورد.

کلید واژه: خدمات غیر ضروری، پیشگیری، تقاضای القایی

زهرا مبارک

* دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۵۵۰۸۹۲۳
Email: z.mobarak94@gmail.com

فاطمه فرهادی

دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی شیوع و فاکتورهای حمایتی مرتبط با میزان استفاده از اینترنت در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهر نوشهر سال ۱۳۹۷

مریم متاجی امیررود

* دانشجوی دکتری (آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران).
نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۸۱۶۹۶۱۶

Email: m.mataji2009@gmail.com

طیبه مرعشی

استادیار دانشگاه (آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران)

چکیده

مقدمه: استفاده از اینترنت در سراسر جهان به سرعت در حال گسترش است و علاقه به استفاده اعتیادآور از اینترنت به ویژه در میان نوجوانان مشکلاتی را در عملکرد مدرسه، روابط خانوادگی و خلق و خوی دربر داشته است. یکی از متغیرهای موثر در کاهش اثرات زیان آور اینترنت، حمایت اجتماعی می‌باشد. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوع و فاکتورهای حمایتی مرتبط با میزان استفاده از اینترنت در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهر نوشهر در سال ۱۳۹۷ انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و روی ۲۱۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی دختر شهر نوشهر که به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. جهت گردآوری داده ها، از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، اعتیاد به اینترنت یانگ و حمایت اجتماعی درک شده (MSPSS) زیمت، استفاده گردید. تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با کمک آزمونهای توصیفی و تحلیلی در سطح معنی داری ($p > 0.05$) انجام گردید.

یافته‌ها: طبق نتایج به دست آمده وضعیت تحصیلی ۳/۹٪ دانش آموزان ضعیف، ۲۰/۱٪ متوسط و ۴۱/۲٪ خوب گزارش گردید و در ۳۴/۸٪ دانش آموزان سطح آن نامشخص بود. از لحاظ میزان استفاده از اینترنت ۵۵/۹٪ به عنوان کاربران عادی، ۴۲/۲٪ کاربران در معرض اعتیاد و ۲٪ به عنوان کاربران معتاد به اینترنت طبقه بندی شدند. تجزیه و تحلیل فاکتورهای حمایتی نشان داد که ارتباط میان ابعاد حمایت اجتماعی درک شده و میزان استفاده از اینترنت، به ترتیب در بعد فاکتورهای خانوادگی ۰/۴۳۱-، در بعد دوستان ۰/۲۵۵- و در رابطه با افراد مهم دیگر در زندگی دانش آموزان، ۰/۳۲۳- می‌باشد که همه این روابط معنی دار و در جهت منفی می‌باشند ($p < 0.001$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که به ازای هر واحد افزایش در فاکتورهای حمایتی، مقدار ۰/۵۰۷ واحد کاهش در متوسط متغیر اعتیاد به اینترنت ایجاد خواهد شد ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: میزان بالای استفاده از اینترنت، دانش آموزان را در معرض خطر اعتیاد به اینترنت قرار خواهد داد. بنابراین طبق یافته ها، فاکتورهای حمایتی می‌توانند تاثیر زیادی در پیشگیری از این خطر در نوجوانان داشته باشند از این رو ضرورت انجام مداخلاتی جهت آموزش استفاده صحیح از اینترنت و تقویت فاکتورهای حمایتی به ویژه از سوی خانواده جهت پیشگیری پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: شیوع، فاکتورهای حمایتی، اینترنت، دانش آموزان دبیرستانی، دختر

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت با شاخص توده بدنی و سطح فعالیت فیزیکی در

دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر نوشهر در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: گسترش اینترنت به عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های رشد تکنولوژی و استفاده افراطی از آن، تغییرات شگرفی در سبک زندگی افراد ایجاد نموده که منجر به ایجاد نگرانهایی در رابطه با سلامت افراد به ویژه نوجوانان شده است. بر این اساس ما برآن شدیم تا مطالعه ای را با هدف تعیین ارتباط اعتیاد به اینترنت با شاخص توده بدنی و سطح فعالیت فیزیکی در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر نوشهر انجام دهیم.

روش بررسی: مطالعه توصیفی- تحلیلی حاضر در سال ۱۳۹۷ روی ۲۱۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی دختر شهر نوشهر انجام گرفت. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای تصادفی بود و دانش آموزان به صورت کاملا داوطلبانه وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، اعتیاد به اینترنت یانگ و پرسشنامه بین المللی فعالیت فیزیکی IPAQ بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با کمک آزمونهای توصیفی و تحلیلی در سطح معنی داری ($p < 0.05$) انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۲۵٪ دانش آموزان فعالیت فیزیکی سبک، ۷۱٪ متوسط و ۳٪ فعالیت فیزیکی سنگین دارند همچنین ۵۵٪ از دانش آموزان به عنوان کاربران عادی، ۴۲٪ در معرض اعتیاد و ۲٪ به عنوان معتاد به اینترنت هستند. از لحاظ شاخص توده بدنی ۲۰٪ دانش آموزان لاغر، ۵۳٪ متناسب، ۲۲٪ دارای اضافه وزن و ۳٪ از دانش آموزان مبتلا به چاقی بودند. بین اعتیاد به اینترنت و فعالیت فیزیکی همبستگی معنادار و در جهت منفی (-0.68) وجود داشت همچنین ارتباط میان میزان استفاده از اینترنت با فعالیت بدنی و شاخص توده بدنی از لحاظ آماری معنی دار بود ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: طبق نتایج به دست آمده میزان استفاده از اینترنت با سطح فعالیت فیزیکی و وزن افراد مرتبط است به گونه ای که با افزایش میزان استفاده از اینترنت، فعالیت فیزیکی رو به کاهش گذاشته و به دنبال آن وزن افراد بالا خواهد رفت و از آنجایی که ما شاهد رشد پیشرونده چاقی به ویژه در کودکان و نوجوانان جامعه هستیم، پیشنهاد می‌گردد تا برنامه‌های مداخلاتی ضروری و منسجم در جهت استفاده صحیح از اینترنت و توسعه فعالیت فیزیکی به ویژه در مدارس در دستور کار قرار گیرد.

کلید واژه: اعتیاد به اینترنت، شاخص توده بدنی، فعالیت فیزیکی، دختران دبیرستانی

مریم متاجی امیرود

* دانشجوی دکتری (آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران).
نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۸۱۶۹۶۱۶

m.mataji2009@gmail.com

سعیده متاجی امیرود

دانشجوی کارشناسی ارشد (مهندسی بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سواد سلامت و کیفیت زندگی در بیماران تحت آنژیوپلاستی شهر رشت

فئانه بخشی

* استادیار، متخصص آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول: ۰۱۳۳۳۸۴۹۴۱۳،
Email: f.bakhshi@gums.ac.ir

ارسلان سالاری

دانشیار، فوق تخصص قلب و عروق و فلوشیپ اینترونشنال کاردیولوژی، مرکز تحقیقات بیماریهای قلب و عروق، بیمارستان حشمت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

محبوبه قلی پور

استادیار، متخصص قلب و عروق، مرکز تحقیقات بیماریهای قلب و عروق، بیمارستان حشمت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

شاهین علیزاده

پزشک عمومی، مرکز تحقیقات بیماریهای قلب و عروق، بیمارستان حشمت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماریهای قلبی-عروقی بیشترین میزان مرگ و میر را در کشورهای توسعه یافته دارند و یکی از علل اصلی بار بیماری در کشورهای در حال توسعه می‌باشند. کیفیت زندگی بیماران تحت تأثیر میزان سطح سواد سلامت و آگاهی افراد از درک صحیح، تفسیر و دریافت به موقع خدمات سلامتی است. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط سطح سواد سلامت با کیفیت زندگی بیماران تحت آنژیوپلاستی مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی قلب رشت در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: جامعه آماری این مطالعه تحلیلی مقطعی تمام بیماران تحت آنژیوپلاستی مراجعه کننده به درمانگاه تخصصی و بستری مرکز آموزشی درمانی پژوهشی قلب دکتر حشمت رشت بودند که از میان آنها ۹۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند تا به پرسشنامه سواد سلامت بزرگسالان ایرانی و پرسشنامه ۱۱ سوالی کیفیت زندگی بیماران عروق کرونری پاسخ دهند. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای آماری همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون خطی چندگانه در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران $60/37 \pm 11/85$ سال و ۷۷/۸ درصد آنان مرد بودند. در بررسی ابعاد کیفیت زندگی با ابزار Seattle Angina Questionnaire، بیشترین و کمترین نمره به ترتیب به ابعاد عملکرد جسمانی و بخش درک از بیماری تعلق گرفت. میانگین نمره سواد سلامت بیماران $29/58 \pm 47/75$ بود. بیشترین روش دریافت اطلاعات سواد سلامت مربوط به تلفن گویا و ماهواره و کمترین میزان مربوط به پرسیدن از پزشک و کارکنان سلامت بود. بین تحصیلات، جنس، سن، تاهل و درآمد با نمره کل سواد سلامت ارتباط معنی دار وجود داشت به طوری که افراد با سطح سواد سلامت بالاتر، مرد، جوانتر، مجرد و دارای تحصیلات و درآمد بالاتری بودند. بین نمره کل سواد سلامت و نمره کل کیفیت زندگی ارتباط آماری معنی داری وجود نداشت ($P=0/618$). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد از بین ابعاد سواد سلامت، حیطة تصمیم‌گیری و رفتار، پیش‌گویی‌کنندگی بهتری برای کیفیت زندگی بالاتر در بیماران آنژیوپلاستی دارد ($\beta=0/19, P=0/01$).

نتیجه‌گیری: اغلب بیماران مورد بررسی دارای سواد سلامت ناکافی و مرزی بودند. سواد سلامت کافی می‌تواند با پیشگیری از مشکلات قلبی عروقی و تبعیت از درمان، به میزان قابل توجهی از بار بیماری کاسته و در کلیه هزینه‌های بخش سلامت صرفه جویی نماید. دریافت بیشترین اطلاعات سلامت از منابع غیر علمی نیاز به تامل و بازنگری در روش‌های انتقال اطلاعات لازم به بیماران قلبی دارد. بنابراین با برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های آموزشی مفید در زمینه سواد سلامت می‌توان جهت توسعه مهارت‌های سواد سلامت در جامعه گامی مؤثر برداشت و کیفیت زندگی بیماران را نیز ارتقاء داد.

کلید واژه: آنژیوپلاستی، سواد سلامت، کیفیت زندگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش خودمراقبتی بر کیفیت زندگی بیماران پس از جراحی بای پاس عروق کرونر بر مبنای مدل ارتقاء دهنده سلامت پندر

چکیده

مقدمه: پس از جراحی بای پاس عروق کرونر مواردی از انزوای اجتماعی، عدم پذیرش درمان و درک منفی از وضعیت سلامتی در بیماران مشاهده میگردد. یکی از راهها برای پی بردن به این جنبه‌های خاص، همانا اندازه گیری کیفیت زندگی است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر آموزش رفتارهای خودمراقبتی بر کیفیت زندگی بیماران پس از جراحی بای پاس عروق کرونر بر مبنای مدل ارتقاء دهنده سلامت پندر طراحی و اجرا شده است.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۳۹۵ بر روی بیماران جراحی قلب، که در بیمارستان مرکز قلب مازندران تحت عمل جراحی پیوند عروق کرونر قرار گرفته بودند، انجام شد. نمونه‌ها به روش Block Randomization بدو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم ۲۲۰ نفر (در هر گروه ۱۱۰ نفر) تعیین شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و از طریق مصاحبه به دست آمد. در این مطالعه جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه خودمراقبتی مبتنی بر مدل ارتقاء سلامت پندر در بیماران جراحی قلب و پرسشنامه کیفیت زندگی SF-۳۶ استفاده شد. بیماران گروه مداخله بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه خودمراقبتی آموزش دیدند. جهت آموزش از روش‌های پرسش و پاسخ و ترغیب کلامی بیماران، فراهم کردن شرایط تمرین و نمایش دادن رفتارهای مطلوب توسط بعضی از بیماران استفاده شد. مداخله آموزشی در ۶ هفته و هر هفته یک جلسه بمدت ۶۰ تا ۹۰ دقیقه برگزار گردید. پیگیری و آموزش مداوم بیماران بصورت ۳ و ۶ ماه پس از مداخله انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۲ و آزمون کای اسکور و آنالیز واریانس با داده‌های تکراری انجام شد.

یافته‌ها: نتایج آنالیز واریانس با داده‌های تکراری نشان داد که سازه‌های مختلف کیفیت زندگی در طی سه زمان قبل، ۳ و ۶ ماه پس از مداخله بطور معنی داری تغییر کرده بود ($p < 0.001$). همچنین میانگین نمره کیفیت زندگی کل در گروه مداخله ($1.474 \pm 0.56/244$) در هر سه زمان بالاتر از گروه کنترل ($1.508 \pm 0.48/120$) بود و تغییرات کیفیت زندگی کل در گروه مداخله روند صعودی تری نسبت به روند تغییرات در گروه کنترل داشت. این مساله مفهوم وجود اثر متقابل بین مداخله و تغییرات در میانگین کیفیت زندگی کل را نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این پژوهش و قابلیت اجرایی بودن برنامه آموزش خودمراقبتی، که در این پژوهش طراحی و بکار گرفته شد، استفاده از این مدل بعنوان یک الگو جهت انجام رفتارهای خودمراقبتی در بهبود ارتقای کیفیت زندگی بیماران پس از جراحی قلب، توصیه و تأکید می‌گردد.

کلید واژه: خودمراقبتی، کیفیت زندگی، جراحی بای پاس عروق کرونر، مدل ارتقاء دهنده سلامت پندر

حسین محسنی پویا

* PhD آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. نویسنده مسئول:

۰۱۱۳۳۳۲۴۰۰۱

hosseinmohsenipouya@gmail.com

فرشته مجلسی

هیات علمی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

رحمان غفاری

استادیار، گروه جراحی قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

ویدا نثار حسینی

استادیار، گروه داخلی قلب و عروق، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

عباس رحیمی فروشانی

استاد، گروه آمار حیاتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتار خود مراقبتی سالمندان مبتلا به پر فشاری خون مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت، شهر داران، ۱۳۹۷-۱۳۹۶

مریم محمد شریفی دارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت،
دانشکده علوم و فناوریهای پزشکی، دانشگاه آزاد واحد
علوم تحقیقات تهران، ایران

زهره جلیلی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده علوم و فناوریهای پزشکی، دانشگاه آزاد
واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۲۸۱۱۴۸۸۲

Zahra.jalili@gmail.com

اکبر حسن زاده

مربی- گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: افزایش جمعیت سالمندان در سالهای اخیر باعث شده تا میزان بیماریهای مزمن و در نتیجه نیاز به مراقبت در آنها افزایش چشمگیری پیدا کند و مدیریت آن از طریق انجام رفتارهای خودمراقبتی الزامی است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتار خودمراقبتی سالمندان مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر داران انجام شده است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی قبل و بعد با گروه مداخله است که در آن ۱۰۰ نفر از سالمندان مبتلا به پرفشاری خون تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر داران به صورت تصادفی ساده به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. هر دو گروه پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سوالات دموگرافیک، آگاهی، سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی و رفتار خودمراقبتی بود که روایی و پایایی آن به تایید رسیده تکمیل کردند. اطلاعات به صورت مصاحبه از دعوت کنندگان جمع آوری شد. تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸، آزمونهای آماری تی مستقل، تی زوجی، کای اسکوتر، فیشر استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین گروه سنی مورد مطالعه در گروه مداخله $66/6 \pm 6/5$ و در گروه کنترل $67/4 \pm 6/3$ سال بود. قبل از مداخله بین میانگین نمره حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده، راهنما برای عمل، خودکارآمدی و رفتار خودمراقبتی در دو گروه قبل از مداخله آموزشی اختلاف معنی دار وجود نداشت. ($P < 0/05$) در گروه مداخله میانگین نمرات آگاهی و اجزاء مدل بعد از مداخله آموزشی افزایش معنی داری یافت. ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که به کارگیری مدل اعتقاد بهداشتی ابزاری اثر بخش برای انجام رفتارهای خودمراقبتی در سالمندان مبتلا به پرفشاری خون است.

کلید واژه: مدل اعتقاد بهداشتی، خودمراقبتی، سالمندان، پرفشاری خون

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی پیش بینی کننده‌های مصرف فست فود در دانشجویان بر اساس مدل تصورات-تمایلات

چکیده

مقدمه: فست فودها مولود جامعه صنعتی و مدرن هستند که به جوامع دیگر از جمله کشور ما نفوذ کرده است مصرف این مواد ارتباط مستقیم با چاقی و عوارض قلبی و عروقی دارد. مصرف فست فود به دلیل داشتن کالری زیاد و اسید چرب ترانس چاق کننده است. هم چنین مصرف آنها اغلب با چاقی، افزایش کلسترول خون، بیماری‌های قلبی - عروقی، دیابت نوع دو و برخی از سرطان‌ها مرتبط است. متأسفانه استفاده از فست فود در سال‌های اخیر بین نوجوانان و جوانان کشورمان افزایش داشته است؛ هدف این مطالعه تعیین پیش‌بینی کننده‌های مصرف فست فود بر اساس مدل تصورات-تمایلات در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی یزد بود.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۲۴۵ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی یزد با نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی از ۶ خوابگاه انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه (محقق ساخته) مبتنی بر مدل تصورات-تمایلات که شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات اصلی، با روایی و پایایی قابل قبول و به روش خودگزارشی جمع‌آوری شد. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ و آزمون‌های آماری همبستگی، رگرسیون و ANOVA انجام شد.

یافته‌ها: درصد میانگین از ماکزیمم نمره سازه‌های قصد عدم مصرف فست فود، تصورات، نگرش، هنجار انتزاعی و تمایلات به ترتیب ۵۷/۲، ۶۶/۲، ۵۱، ۵۳، ۶۷/۵ بود. همبستگی مثبت آماری بین قصد عدم مصرف فست فود با سازه‌های نگرش، هنجار اجتماعی، تصورات و تمایلات نسبت به عدم مصرف فست فود وجود داشت. سازه‌های نگرش و هنجار انتزاعی توانستند ۰/۱۷۴ درصد از واریانس قصد عدم مصرف فست فود را پیش‌بینی کنند هم‌چنین سازه نگرش در بین سازه‌ها قویترین پیش‌بینی کننده بود. ($\beta = 0/38$)

نتیجه‌گیری: با توجه به پیش‌بینی کنندگی سازه نگرش در مصرف فست فود، پیشنهاد میشود در طراحی برنامه‌های آموزشی جوانان به نقش آگاهی و نگرش بیشتر توجه گردد.

کلیدواژه: فست فود، دانشجویان، مدل تصورات-تمایلات

سید سعید مظلومی محمودآباد

استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

زهره محمد یوسفی وردنجانی

* کارشناس آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول:

Email: Zahrayousefi93@yahoo.com

حسین فلاح زاده

استاد مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری‌های غیرواگیر، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

اسما فرخیان

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



روان سنجی پرسشنامه انگیزش محافظت در شناسایی سرطان سرویکس زنان شهرکرد به شیوه تحلیل عاملی

زهرا محمد یوسفی وردنجانی

* کارشناس آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول:
Email: Zahrayousefi93@yahoo.com

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مریم تاتاری

کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان دهانه رحم (سرویکس) چهارمین سرطان شایع و از مهمترین علل مرگ و میر زنان در سراسر جهان است. در کشورهای در حال توسعه که منابع بهداشتی محدود هستند سرطان دهانه رحم دومین علت شایع مرگ ناشی از سرطان در زنان است. بنابر پیش بینی سازمان جهانی بهداشت بروز سرطان در ایران در سال ۲۰۲۰ به ۸۵۶۵۳ مورد در کل جمعیت و میزان مرگ و میر ناشی از آن به ۶۲۸۹۷ مورد خواهد رسید.

این مطالعه با هدف تعیین روایی و پایایی پرسشنامه انجام پاپ اسمیر مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت زنان شهرکرد به روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۳۰۰ نفر از زنان واجد شرایط انجام پاپ اسمیر شهرستان شهرکرد شرکت نمودند. پرسشنامه اولیه شامل ۹ سازه و ۳۶ سوال بود. روایی پرسشنامه به روش روایی صوری با استفاده از نظر ۱۰ متخصص و روایی محتوا با محاسبه نسبت و شاخص روایی محتوا اندازه گیری شد. هم چنین پایایی پرسشنامه به روش همسانی درونی محاسبه شد. برای بررسی ساختار ۹ عاملی پرسشنامه هم از تحلیل عاملی تاییدی توسط نرم افزار amos نسخه ۲۰ استفاده گردید.

یافته‌ها: پرسشنامه با CVR ۰/۹۷-۱ و CVI با محدوده ۰/۷۹-۱ مورد تایید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۰-۰/۶۵ تایید شد. هم چنین تحلیل عاملی نشان داد که پرسشنامه در جامعه مورد هدف دارای برازش مورد تایید میباشد. با محدود کردن ضریب همبستگی بالای ۰/۴ و حذف برخی متغیرها در مجموع ۶۵/۵ درصد کل واریانس متغیرهای آزمون را تبیین نمود. در مقایسه نتایج حاصل از روش برآورد حداکثر درستی (پیش فرض نرمال بودن) و روش بوت استرپ (غیرنرمال) مشخص شد که با وجود اینکه خطای معیار در روش حداکثر درستی کمی کوچکتر از روش بوت استرپ می‌باشد که ممکن است منجر به نتایج معنادار در روش حداکثر درستی شود اما نتایج معناداری به کمک فاصله اطمینانها نشان از عدم تفاوت در سطح معناداری متغیرها با هر دو روش می‌باشد و در هر دو روش کلیه پارامترهای مدل معنادار می‌باشد ($P < 0/001$). در مدل نهایی ۵ سوال حذف گردید و در نهایت ۲۸ سوال باقی ماند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه شواهد مناسبی در خصوص استحکام ساختار عاملی و پایایی ابزار سنجش انگیزش محافظت در شناسایی سرطان سرویکس زنان شهرکرد به شیوه تحلیل عاملی فراهم نمود. نتایج این مطالعه میتواند در توسعه ابزار سنجش سرطان سرویکس در سایر شهرها، مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

کلید واژه: روان سنجی، انگیزش محافظت، سرطان سرویکس، تحلیل عاملی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر رفتار مصرف ویتامین E در کارگران کارخانه سیمان بر اساس تئوری انگیزش محافظت

چکیده

مقدمه: مطالعات نقش محافظتی ویتامین‌های آنتی اکسیدان در برابر سمیت فلزات سمی و انواع بیماری‌ها را گزارش کرده‌اند. بنابراین، بررسی رفتار مصرف ویتامین‌های آنتی اکسیدان، به ویژه در گروه‌های دارای مواجهه بالا با فلزات سمی، تأکید شده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی تغییرات رفتاری مصرف ویتامین E پس از مداخله آموزشی، بر اساس تئوری انگیزش محافظت در میان کارگران کارخانه سیمان است.

روش بررسی: ۱۴۰ نفر شرکت کننده به طور تصادفی به گروه‌های مداخله آموزشی و گروه کنترل از میان کارگران کارخانه سیمان اختصاص داده شدند. محتوای مداخله آموزشی شامل جلسات سخنرانی، بحث، پرسش و پاسخ، جلسات مشاوره فردی، و ارائه پمفلت و کتابچه آموزشی بود. سازه‌های خودکارآمدی، کارایی پاسخ، حساسیت و شدت درک شده و قصد رفتار از طریق پرسشنامه تئوری انگیزش محافظت و مصرف ویتامین E توسط پرسشنامه بسامد خوراکی بررسی شد.

یافته‌ها: تفاوت معنی داری بین گروه کنترل و گروه مداخله آموزشی بعد از مداخله مشاهده شد. همچنین، نتایج تغییرات مثبت معنی داری در سازه‌های تئوری انگیزش محافظت و مصرف ویتامین E در گروه مداخله پس از آموزش نشان داد.

نتیجه گیری: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مداخله آموزشی بر اساس تئوری انگیزش محافظت تأثیرات مثبتی بر مصرف ویتامین E داشته و می‌تواند جهت بررسی رفتارهای محافظتی تغذیه ای مانند مصرف سایر آنتی اکسیدان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: مداخله آموزشی، مصرف ویتامین، تئوری انگیزش محافظت، کارگران سیمان

سحر محمدنبی زاده

* مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۰۵۲۲۶۰

Email: Sr_nabizadeh@yahoo.com

پروانه تیموری

مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سازه‌های تئوری انگیزش محافظت با مصرف ویتامین C در کارگران کارخانه سیمان

سحر محمدنبی زاده

* مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۰۵۴۲۶۰

Email: Sr_nabizadeh@yahoo.com

پروانه تیموری

مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

چکیده

مقدمه: مطالعات نشان داده اند که عملکرد محافظتی ویتامین‌های آنتی اکسیدان باعث افزایش مرگ سلول‌های سرطانی شده و از تخریب سلول‌های طبیعی و بافت ها، توسط رادیکال‌های آزاد جلوگیری می‌کند. لذا بررسی رفتار مصرف ویتامین‌های آنتی اکسیدان در بین کارگران در معرض خطر و دارای مواجهه بالا با فلزات سمی به منظور کاهش مضرات مواجهه با این فلزات ضرورت دارد. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین سازه‌های تئوری انگیزش محافظت و مصرف ویتامین C در کارگران کارخانه سیمان انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، ۴۲۰ کارگر کارخانه سیمان مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر سازه های تئوری انگیزش محافظت و نیز پرسشنامه بسامد خوراک بود. پس از جمع آوری داده ها، به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی ارتباط بین سازه‌های نظریه انگیزش محافظت و رفتار مصرف ویتامین C از آزمون رگرسیون توسط نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که خودکارآمدی، کارایی پاسخ و قصد پیش بینی کننده‌های رفتار مصرف ویتامین C بودند. قصد رفتاری و به دنبال آن کارایی پاسخ به عنوان قوی ترین پیش بینی کننده‌های رفتار مصرف ویتامین C تعیین شد.

نتیجه گیری: با توجه به این که قصد رفتاری و کارایی پاسخ به عنوان پیشگویی کننده های قوی رفتار مصرف ویتامین C بودند، لذا در برنامه‌ریزی ها و مداخلات آموزشی بر اساس نظریه انگیزش محافظت به منظور بهبود رفتار مصرف ویتامین توصیه می‌گردد.

کلید واژه: مصرف ویتامین، کارگران سیمان، تئوری انگیزش محافظت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین تجربیات مربیان پرستاری از آموزش بالین پاسخگو: ارائه مراقبت با کیفیت

چکیده

مقدمه: آموزش پاسخگو به معنی برنامه درسی است که شالوده‌ی آن دریافت و پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه و آماده سازی فراگیران علوم پزشکی به نیازهای سلامتی جامعه است. اساتید و مربیان نقش مهمی در توانمندی دانشجویان پرستاری در بر آورده نمودن نیازهای درمانی بهداشتی فرد، خانواده و جامعه می‌توانند داشته باشند. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات مربیان پرستاری از آموزش بالین پاسخگو بوده است.

روش بررسی: این خرده مطالعه با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۷ از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار با سوال باز پاسخ با ۱۰ نفر از مربیان بالین دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام شد. سوال اصلی مطالعه "وقتی می‌گویم آموزش پاسخگو در بالین چه چیزی به ذهن شما می‌آید، برایم از تجربیات بالینی و آموزشی خود مثال بزنید" در همه‌ی مصاحبه‌ها تکرار شد و برای غنی تر شدن داده‌ها از سوالات کاوشی قبیل چرا و چگونه استفاده شد. مصاحبه‌ها خط به خط دست نویس و مطابق رویکرد "تحلیل محتوا" کدگذاری، تشکیل خوشه و طبقه بندی و آنالیز شد. از شرکت کنندگان رضایت‌نامه‌ی شفاهی برای شرکت در این مطالعه و ضبط صدا اخذ گردید.

یافته‌ها: مضمون اصلی این مطالعه «ارائه مراقبت با کیفیت» با مضامین فرعی «بهبود بیماران، مراقبت پیشگیرانه، رضایتمندی جامعه» بود. مشارکت کنندگان بر این باور بودند که آموزش می‌بایست در رفتار دانشجوی تغییر ایجاد کند و بر اساس نیازهای جامعه و دانشجو باشد. اساتید و مسئولین آموزشی می‌بایست بر اساس نیاز جامعه و هدفمند برنامه‌ریزی نمایند و دانشجویان در جهت توانمندی تلاش نمایند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر این است که مربیان پرستاری بر این باورند که در جهت آموزش پاسخگوی جامعه، تدریس بر اساس نیاز جامعه و دانشجو تلاش می‌کنند و این امر را از طریق پیاده سازی تئوری در محیط بالینی انجام می‌دهند.

کلید واژه: آموزش پاسخگو، مربیان پرستاری، دانشجو

اعظم محمدی

* کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان. تلفن: ۰۹۱۱۷۳۱۹۳۶۷
azammohamadi2015@yahoo.com

دکتر ثناگو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان

دکتر جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین تجربیات مربیان پرستاری از استفاده از فضاهای آموزشی در بالین در دانشجویان پرستاری

اعظم محمدی

* کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان. تلفن: ۰۹۱۱۷۳۱۹۳۶۷
azammohamadi2015@yahoo.com

دکتر ثناگو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان

دکتر جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
گلستان

چکیده

مقدمه: آموزش بالینی فرصتی برای دانشجویان فراهم می‌آورد تا دانش نظری را به مهارت‌های ذهنی و روانی حرکتی متنوعی که برای مراقبت از بیمار ضروری است تبدیل کنند. فضاهای آموزشی متنوع می‌تواند فرصت‌های یاددهی و یادگیری را تسهیل نماید. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات مربیان پرستاری از استفاده از فضاهای آموزشی در بالین در دانشجویان پرستاری می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه‌ی کیفی در سال ۱۳۹۷ از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار با ۱۰ تن از مربیان بالین دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام شد. سوال اصلی مطالعه وقتی می‌گویم فضای آموزشی در بالین چی به ذهن شما می‌آید. برای غنی تر شدن داده‌ها از سوالات کاوشی چرا، چگونه استفاده شد. مصاحبه‌ها خط به خط دست نویس و مطابق رویکرد "تحلیل محتوا" آنالیز شد. از شرکت کنندگان رضایت‌نامه‌ی شفاهی برای شرکت در این مطالعه و ضبط صدا اخذ گردید. **یافته‌ها:** داده‌ها نشان می‌دهد مربیان پرستاری در بالین از فضاهای متنوعی برای یادگیری دانشجویان پرستاری استفاده می‌کنند، بالین بیمار، راهرو، سالن، کلاس، اطاق کنفرانس، ایستگاه پرستاری، اطاق تریتمنت، اطاق استراحت پرستارها، سلف سرویس، آسانسور، رادیولوژی، حیاط بیمارستان می‌باشد. مربیان سعی داشتند با توجه به موقعیت و شرایط یادگیری را برای دانشجو ایجاد نمایند. اصل تعامل بین استاد و دانشجو تضاد نداشتن مطالب اموخته شده با استانداردها و دانشجویی با انگیزه از مورادی بود که به آن اشاره شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر این است که مربیان علاوه بر بالین بیمار از فضاهای دیگر هم برای آموزش در بالین استفاده می‌کنند. انجام پرو سیجر و مراقبت بر بالین بیمار، آماده کردن دانشجویان برای ارتباط با بیمار و ادامه بحث شرح حال گیری در راهرو یا کریدور، نحوه نگهداری انسولین در یخچال و آماده کردن دارو در اطاق تریتمنت، خواندن پرونده و کاردکس در ایستگاه پرستاری، ارائه گزارش مورد در کلاس و اطاق کنفرانس، استفاده از زمان چای در سلف سرویس برای پاسخ به سوالات دانشجویان، بحث در مورد بیمار در حیاط و آسانسور و آزمایشات و تستهای بیمار در رادیولوژی و آزمایشگاه بود.

کلید واژه: فضای آموزشی، مربیان پرستاری، دانشجو



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی پرسید پروسید بر الگوی مصرف روغن در خانواده‌های تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری رشت در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: مصرف روغن‌ها، به دلیل این که حاوی مقادیر بالایی از اسیدهای چرب اشباع و ترانس هستند، یکی از مهم‌ترین ریسک فاکتورهای بیماری قلبی و عروقی به حساب می‌آیند. امروزه بیماریهای قلبی و عروقی، یکی از مهمترین علل مرگ و میر و ناتوانی‌ها در تمام کشورهای دنیا است.

هدف از این مطالعه تعیین و اصلاح الگوی مصرف روغن براساس الگوی پرسید پروسید در خانوارهای تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری رشت می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه کارآزمایی شاهد دار تصادفی چند مرحله ای می‌باشد که در آن به مطالعه تأثیر مداخله مبتنی بر الگو پرسید پروسید بر الگوی مصرف روغن در خانواده‌های تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری رشت در سال ۹۶ بود. جمعیت مورد مطالعه ۱۵۲ نفر از زنان خانوار شهر رشت بودند که بطور تصادفی در دو گروه شاهد و مورد قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه با ۴۹ سؤال بر اساس سازه‌های الگوی پرسید و پروسید بود. نمونه‌های پژوهش بمدت ۲ ماه پیگیری شدند.

یافته‌ها: میانگین نمره عملکردمرتبط با الگوی مصرف روغن در گروه مداخله و کنترل بعد از مداخله با هم تفاوت دارد.

($P < .005$)

نتیجه گیری: مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی پرسید پروسید بر الگوی مصرف روغن در خانواده‌های تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهری موثر بود و این مطالعه کاربرد الگوی پرسید پروسید در اصلاح الگوی مصرف روغن خانوار را نشان داد

کلیدواژه: مداخله - الگوی پرسید و پروسید - روغن مصرفی

ساره محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دانشکده بهداشت رشت، رشت، ایران

دکتر ربیع الله فرمانبر

* دانشیار، دکتری آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دانشکده بهداشت رشت، رشت، ایران

دکتر مرجان مهدوی روشن

استاد یار، دکتری تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، گیلان، ایران

مهندس سعید امیدی

مربی، کارشناسی ارشد آمار، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دانشکده بهداشت رشت، رشت، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی با وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان

نخست باردار شهر بوشهر

زینب محمدی

کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

سیدهمام الدین جوادزاده

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

مریم مرزبان

استادیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

مهوش رئیسی

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر. نویسنده مسئول:

reisi_mr@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت، سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده‌های امر سلامت معرفی کرده است. سطح سواد سلامت در گروه‌های هدف مختلفی از جمله زنان باردار بسیار مورد اهمیت می باشد. چراکه سواد سلامت، عنصری مهم در توانایی یک زن برای درگیر شدن در فعالیتهای منجر به ارتقاء سلامت خود و کودک محسوب می شود. شناخت مهمترین عوامل تاثیر بر سطح سواد سلامت زنان و خصوصاً زنان نخست باردار بسیار مهم است. لذا مطالعه‌ی حاضر با هدف تعیین ارتباط سطح سواد سلامت با وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان نخست باردار شهر بوشهر صورت می‌پذیرد.

روش بررسی: در این پژوهش توصیفی- مقطعی، ۱۰۰ زن نخست باردار مراجعه کننده به مراکز دهگانه خدمات جامع سلامت شهر بوشهر به شیوه تصادفی انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های استاندارد سواد سلامت (FCCHL) و پرسشنامه سنجش وضعیت اقتصادی اجتماعی (SES) استفاده گردید. آمار توصیفی (میانگین و درصد شرکت کنندگان) برای متغیرهای دموگرافیک محاسبه و برای تعیین روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون با نرم افزار آماري SPSS ۷.۲۲ استفاده گردید. برای به دست آوردن سطوح اقتصادی از روش تحلیل مولفه‌های اصلی PCA با نرم افزار آماري STATA ۷.۱۴ استفاده گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه 26.96 ± 4.84 و میانگین سالهای تحصیلاتی که افراد شرکت کننده با موفقیت سپری کرده اند برابر 14.06 ± 3.70 بود. بیشترین نمره سواد سلامت در حیطه عملکردی با میانگین (3.77 ± 0.33) و کمترین سواد سلامت انتقادی با میانگین (3.37 ± 0.71) بود. تحصیلات با تمامی سطوح سواد سلامت ارتباط معنی داری داشته است ($P < 0.05$). بین وضعیت اشتغال و سواد سلامت ارتباطی، رابطه معنی داری وجود داشته و افراد شاغل سواد سلامت ارتباطی بیشتری نسبت به خانه دارها داشته اند ($r = 0.206$, $P < 0.05$). بین سطوح وضعیت اقتصادی - اجتماعی با سواد سلامت انتقادی ارتباط معنی داری وجود داشته است. به طوریکه افراد با سطح اقتصادی و اجتماعی بالاتر سواد سلامت انتقادی بیشتری داشته اند ($r = 0.206$, $P < 0.05$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه سطح سواد سلامت انتقادی زنان باردار با وضعیت اقتصادی اجتماعی آنها مرتبط است، لذا توجه به زنان با سطح اقتصادی اجتماعی پایین که احتمالاً سواد سلامت پایین تری نیز دارند؛ برای ارائه خدمات سلامت و آموزش‌های متناسب با سطح سواد سلامت آنها لازم و ضروری است.

کلید واژه: سواد سلامت، وضعیت اقتصادی اجتماعی، زنان باردار



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ادراک دانشجویان از عوامل استرس‌زای تحصیلی

چکیده

مقدمه: در دنیای رقابتی امروز، دانشجویان با مشکلات تحصیلی گوناگونی روبه رو هستند. استرس تحصیلی به عنوان پاسخ بدن به خواسته‌های مرتبط با تحصیل که فراتر از توانایی‌های انطباقی دانشجویان است تعریف می‌شود. استرس می‌تواند به عنوان یک فاکتور تأثیرگذار بر موفقیت دانشجویان باشد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مسبب استرس در میان دانشجویان دکتری علوم پزشکی و متخصصین مربوطه بوده است.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی بود که به روش تحلیل محتوای قراردادی انجام گرفت. داده‌ها از طریق ۲۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شدند. مشارکت‌کنندگان مطالعه بصورت هدفمند از بین دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور که تمایل به شرکت در پژوهش را داشتند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که استرس به عنوان یک مسأله مهم در میان دانشجویان مطرح است. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج دو درون‌مایه اصلی به عنوان عواملی که منجر به استرس می‌شوند از جمله عوامل فردی با ۹ طبقه و غیرفردی با ۱۵ طبقه شناسایی شدند. نتایج به دست آمده از این مطالعه، دیدگاه جامعی از عوامل منجر به استرس را در میان دانشجویان ارائه و ضرورت مداخله در نگرشهای دانشجویان و مسئولین اجرایی و توجه بیشتر به مسائل غیرفردی را پیشنهاد می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه به مسئولین اجرایی کمک می‌کند تا برنامه‌هایی را که منجر به کاهش استرس و افزایش مشارکت در میان دانشجویان می‌شود طراحی و اجرا کنند. همچنین نتایج بدست آمده می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای مطالعات بعدی بکار گرفته شود.

کلیدواژه: استرس، دانشجویان، مطالعه کیفی

پریرسا کوکمری

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

طیبه مرعشی

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سمیرا محمدی

* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



راه اندازی کتابخانه عمومی سلامت در مرکز بهداشتی درمانی همت آباد یکی از مراکز حاشیه شهر مشهد

چکیده

بیان مسئله: بدون تردید بحث حاشیه نشینی در کلان شهرها به یک چالش ملی تبدیل شده است و مشهد مقدس با داشتن نزدیک به یک میلیون و دویست هزار نفر حاشیه نشین یکی از شهرهایی می باشد که جمعیت بالایی در این زمینه در کشور دارد. از طرفی چالش های آموزشی - بهداشتی و اجتماعی - فرهنگی و فقر مادی مردم حاشیه نشین که خود به نوعی از فقر فرهنگی نشأت می گیرد، همه و همه دست به دست هم می دهند که دانشگاه علوم پزشکی به عنوان متولی سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) در جامعه و جلب مشارکت عمومی به منظور توسعه بهداشت و توجه به معضلات بهداشتی مناطق حاشیه نشین باید در اولویت برنامه های بهداشتی قرار گیرد. افزایش آگاهی و ارتقاء سواد سلامتی و توانمند ساختن افراد برای خود مراقبتی اثر مهمی در مبارزه با فقر فرهنگی و تغییر سبک زندگی دارد

انتظار می رود با راه اندازی و تاسیس کتابخانه عمومی سلامت در مرکز بهداشتی درمانی شهید جعفرزاده شاهد افزایش سواد سلامت و توانمند شدن افراد برای حفظ و ارتقای سلامتی خود (خودمراقبتی) باشیم.

جامعه وقتی فرزندی و سعادت می یابد که مطالعه کار روزانه اش باشد. نتایج یک تحقیق سراسری که در دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شده، نشان می دهد سطح سواد سلامت در کشور حدود ۲۹ درصد است. و امید است با راه اندازی کتابخانه های عمومی سلامت در مراکز بهداشتی درمانی حاشیه شهر شاهد افزایش و ارتقاء سواد سلامت باشیم. از طرفی افزایش سواد سلامت مردم می تواند، کیفیت مراقبت ها و سطح تبعیت افراد از دستورات تیم سلامت را افزایش دهد و در نهایت با کاهش بار مراجعات، موجب منطقی تر شدن استفاده از منابع و خدمات موجود در نظام سلامت شود.

کتابخانه عمومی سلامت با مشارکت شورای اجتماعی محله مهدی آباد در ۲۴ آبان ۱۳۹۳ مصادف با روز کتاب و کتابخوانی در مرکز بهداشتی درمانی شهید جعفرزاده (همت آباد) افتتاح شد. هدف از راه اندازی آن دسترسی راحت و آسان مراجعه کنندگان به کتابهایی در حوزه سلامت، و همچنین توانمند ساختن افراد برای حفظ و ارتقاء سلامتی خود با شرکت در کلاس های آموزشی که بر اساس نیاز سنجی برای اعضاء کتابخانه برگزار و منجر به افزایش سواد سلامت آنها میشود.

اهداف تجربه: هدف کلی: افزایش سواد سلامت و توانمند ساختن افراد برای مراقبت از سلامتی خود.

اهداف اختصاصی: ۱- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به مهارتهای زندگی ۲- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به پیشگیری از ابتداء ۳- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به بیماریهای عفونی (مانند ایدز و سل) ۴- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به بیماریهای غیر واگیر (فشارخون و دیابت)

۶- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به سلامت باروری ۷- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به مشاوره های قبل از ازدواج ۸- افزایش سطح آگاهی و توانمند ساختن اعضاء نسبت به آشنایی با کمکهای اولیه ۹-

روش و مراحل کار: ۱- پیشنهاد و تصویب در شورای اجتماعی محله برای تامین مالی خرید کتاب ۲- هماهنگی و همکاری با پرسنل مرکز و کارشناسان برای نیازسنجی کتابهای مورد نیاز ۳ نظر سنجی کتابهای مورد نیاز از مردم محله ۴- تخصیص یک اتاق برای کتابخانه ۵- تهیه و خرید کتاب به همراه پرسنل مرکز (ویزگیهای کتابهای خریداری شده، ساده، کم حجم، مورد نیاز) ۶- همکاری رابطین بهداشت به عنوان کتابدار ۷- تهیه پل اس ام سی و ارتباط با اعضاء و اطلاع رسانی از برنامه های کتابخانه (ارتباط دوطرفه) ۸- نیازسنجی از کارشناسان و مردم محله برای برگزاری کارگاه ها و کلاس های آموزشی مورد نیاز با اولویت مشکلات بهداشتی برای اعضاء و خانواده آنها ۹- برگزاری مسابقات کتابخوانی به مناسبتهای بهداشتی برای اعضاء و خانواده آنها ۱۰- استفاده از پرسنل مرکز به عنوان مربی

نتایج: افزایش سواد سلامت مردم محله / توانمند ساختن افراد برای مراقبت از سلامتی خود

ذینفعان / مخاطبان: مردم محله

چالش های طرح: ۱- از نظر سازمانی تعریف نشده بود ۲- نبود اعتبار سازمانی برای تامین مخارج کتابخانه ۳- نبود نیروی انسانی

کلید واژه: کتابخانه سلامت، سواد سلامت، توانمند سازی

سید مجید محمدی
* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۷۳۶۷۱
mohammadim9@mums.ac.ir

دکتر اکرم سردار
همکاران مرکز بهداشتی درمانی همت آباد
دکتر آرزو عرفانیان
همکاران مرکز بهداشتی درمانی همت آباد
زهرای نیلی
همکاران مرکز بهداشتی درمانی همت آباد
زینب بافقی
همکاران مرکز بهداشتی درمانی همت آباد
مریم حسینی
همکاران مرکز بهداشتی درمانی همت آباد
قدیر ابراهیمی

اعضاء شورای اجتماعی محله
زهرای فخروری
اعضاء شورای اجتماعی محله
هاشم مهدی پور
اعضاء شورای اجتماعی محله
حبیب الله صوری
اعضاء شورای اجتماعی محله
مریم خمر نژاد
اعضاء شورای اجتماعی محله
علیرضا فرامرزی
اعضاء شورای اجتماعی محله
خلیل الله نیازی
اعضاء شورای اجتماعی محله
حسین صفدری
اعضاء شورای اجتماعی محله
آمنه جوانابادی
اعضاء شورای اجتماعی محله
علیرضا حیدری
اعضاء شورای اجتماعی محله
محمد خورشاهی
اعضاء شورای اجتماعی محله



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی در ارتقاء سلامت روان و سبک‌های مقابله با استرس پرستاران

چکیده

مقدمه: پرستاران به عنوان بزرگترین ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی، ۷۰ درصد تیم سلامت و درمان را تشکیل می‌دهند از سوی دیگر پرستاری یک شغل بسیار پر استرس محسوب می‌شود. استرس‌های شغلی پرستاران می‌تواند سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تهدید نماید و کارکرد اجتماعی شان را مختل کند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی در ارتقاء سلامت روان و سبک‌های مقابله با استرس پرستاران شکل گرفت.

روش بررسی: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل پرستاران شاغل در بیمارستان‌های شهر گنبد کاووس می‌باشد. روش نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی بوده و تعداد ۲۰ نفر که واجد معیارهای ورود- خروج بودند، انتخاب شدند. سپس این افراد در دو گروه آزمایش و کنترل شامل هر گروه ۱۰ نفر به صورت تصادفی جایگزین شدند. کلیه آزمودنی‌ها قبل و بعد از آموزش مهارت مثبت اندیشی به گروه آزمایش مورد سنجش قرار گرفته و در جلسه دیگر به گویه‌های مربوط به پرسشنامه مثبت اندیشی اینگرام ویسنیکی؛ پرسشنامه سلامت روان کیز (۲۰۰۲) و پرسشنامه راهبردهای مقابله با استرس اندلر و پارکر (۱۹۹۰) پاسخ دادند.

یافته‌ها: آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی، در فهم نوع رفتارها تأثیر گذاشته و علت رخدادها را تغییر می‌دهد. به طور کلی گروه‌های آزمایش با یادگیری مفاهیم مثبت شناخت خود را نیز تغییر داده و جایگزین بهتری برای افکار و حالات استرس زا می‌یابند.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان دهنده اثر بخشی آموزش مهارت مثبت اندیشی در ارتقاء سلامت روان و سبک‌های مقابله با استرس در سطح معنی دار ($p < 0.001$) می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که دوره‌های آموزش رفتارهای تسهیل کننده و ارتقاء دهنده سلامت روان برای پرستاران مانند آشنایی با روش‌های مثبت اندیشی، تاب آوری و مدیریت تنش تدوین و اجرا شود.

کلید واژه: مهارت مثبت اندیشی، سلامت روان، سبک‌های مقابله با استرس، پرستاران

بهناز بسکی

کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، گنبدکاووس، ایران)

گلناز محمدی

* کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد
اسلامی واحد علوم و تحقیقات شاهرود، گنبدکاووس،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۲۷۴۸۰۵۲

Mohammadi_golnaz65@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین سواد سلامت و رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به بیماریهای کلیوی مزمن

عسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین،
ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۴۱۴۶۵۰۰
Emohammadi@qums.ac.ir

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین،
قزوین، ایران.

احمد فخری

دانشیار روانپزشکی، گروه روانپزشکی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز،
خوزستان، ایران.

هادی خاکزادی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت
عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
قزوین، قزوین، ایران.

بنفشه محمدی زیدی

استادیار بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشگاه آزاد
اسلامی تنکابن، مازندران، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماریهای کلیوی مزمن (CKD) اختلالات بهداشتی شایعی هستند که پیامدهای شدیدتری مانند بیماریهای قلبی عروقی، مرگ زودرس و کاهش کیفیت زندگی را بدنبال دارند. مشارکت بیماران در رفتارهای خودمراقبتی مانند ترک سیگار، کاهش مصرف الکل و حفظ وزن مناسب یکی از راههای تقلیل عوارض بیماری است. هدف مطالعه حاضر تعیین ارتباط بین سواد سلامت و رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به CKD است.

روش بررسی: تعداد ۱۴۲ نفر از بیماران مبتلا به CKD مراجعه کننده به درمانگاهها و بیمارستانهای شهر قزوین با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس و احتساب معیارهای ورود و خروج در یک مطالعه مقطعی شرکت کردند. اطلاعات دموگرافیک پایه، ابتلا به سایر بیماریها، سواد سلامت و رفتارهای خودمراقبتی با استفاده از پرسشنامه معتبر گردآوری شدند. کای اسکوئر، آنالیز واریانس یک طرفه و مدل‌های رگرسیون لجستیک چند متغیره برای آنالیز داده ها بکار گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران $51 \pm 16/4$ سال بود و ۳۶ درصد از سطح سواد سلامت پایین برخوردار بودند. ۳۵ درصد بیماران مبتلا به پرفشاری خون، ۴۶ درصد دیابت و ۵۹ درصد در مراحل ۳ و ۴ CVD قرار داشتند. میزان مصرف نوشیدنی‌ها شیرین، فست فود و استعمال سیگار بین بیماران با سواد سلامت پایین و کافی اختلاف معنی داری داشت ($P < 0/05$). همچنین، ارتباط معنی داری بین سواد سلامت و میزان فعالیت بدنی و میانگین تبعیت از دستورات پزشکی دیده شد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به روابط معنی دار بین سواد سلامت و رفتارهای خودمراقبتی، تاکید بر تقویت و ارتقاء سواد سلامت در بیماران مبتلا به CKD در راستای کاهش پیامدهای بیماری و بهبود کیفیت زندگی ضروری است.

کلید واژه: بیماریهای کلیوی مزمن (CKD)، خود مراقبتی، سواد سلامت، آموزش بهداشت.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین تاثیر نگرش‌های اخلاقی در چهارچوب تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر قصد برای مصرف فست فودها

چکیده

مقدمه: در طول یک دهه گذشته تغییرات فاحش در سبک زندگی، منجر به افزایش مصرف غذاهای آماده یا فست فودها شده است. مصرف زیاد فست فودها منجر به چاقی و اضافه وزن، بیماریهای قلبی عروقی، اختلالات گوارشی و انواع سرطان‌ها و سایر تبعات بهداشتی می‌شود. فهم صحیح عوامل موثر بر تمایل مصرف فست فودها گام اساسی در برنامه‌ریزی مداخلات پیشگیرانه برای کنترل مصرف این گروه از مواد غذایی است. ادغام نگرش‌های اخلاقی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) در راستای پیش بینی قصد مصرف غذاهای آماده هدف مطالعه حاضر بود.

روش بررسی: با استفاده از نمونه‌گیری آسان ۴۲۰ نفر از مشتریان رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌های معروف شهر قزوین در یک مطالعه مقطعی شرکت کردند. پرسشنامه مطالعه شامل آیتم‌هایی از TPB من جمله نگرش (۷ آیتم)، هنجارهای انتزاعی (۴ آیتم - دیگران مهم و اعضای خانواده)، کنترل رفتاری متصور (۲ آیتم) و قصد برای مصرف فست فودها بود. علاوه بر این، نگرش‌های اخلاقی با ۳ جمله بر اساس مقیاس آروولا و همکاران (۲۰۰۸) با هدف ارزیابی عواطفی مانند قصور، تکبر و رضایت اندازه‌گیری شد. طراحی سوالات با تکیه بر راهنمای آجرن (۲۰۰۸) و کوستا و همکاران (۲۰۰۷) و بر اساس مصاحبه گروهی متمرکز انجام شد و نمونه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای به سوالات پاسخ دادند. آمار توصیفی، تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه، آنالیز رگرسیون سلسله مراتبی و آنالیز عاملی با روش MLE برای تحلیل داده‌ها توسط نرم افزارهای SPSS ۲۲٫۰ استفاده شد.

یافته‌ها: شاخص‌های برازش نشان داد داده‌ها با مدل پیش فرض برازش خوبی دارند. اضافه کردن سازه نگرش اخلاقی با مدل پیش فرض واریانس پیش بینی شده را ۱۲-۳۹ درصد افزایش داد ($P < 0/05$). متغیر نگرش اخلاقی سهم مهم و معناداری در پیش بینی قصد برای مصرف غذاهای آماده داشت ($P < 0/05$). نگرش‌های عاطفی مانند رضایتمندی، خوشایندی و تهییج بر قصد تاثیر داشت. همچنین، احساس تعهد اخلاقی که در قالب احساس منفی قصور و گناه تعریف شده است، تاثیر منفی بر قصد مشتریان برای مصرف غذاهای آماده در مدل رگرسیونی را نشان داد. هنجارهای انتزاعی سهم ناچیزی برای توضیح قصد برای مصرف فست فودها داشت و با اضافه شدن نگرش اخلاقی به مدل، قدرت توصیف کنندگی هنجارها کاهش یافت ($P < 0/05$). همچنین، قوانین و ارزش‌های درونی در قیاس با فشارهای بیرونی پیش‌بینی کننده قوی‌تری هستند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بر اهمیت نگرش‌های اخلاقی و ارزش‌های فردی بر تمایل افراد برای مصرف فست فودها تاکید می‌کند. با این حال کم‌رنگ بودن نقش هنجارهای انتزاعی بر ضرورت تحقیق بیشتر درباره نقش فشارهای اجتماعی، نرم‌ها و شبکه‌های گروهی را در انتخاب تغذیه سالم تاکید می‌کند.

کلید واژه: تغذیه سالم، فست فود، نگرش‌های اخلاقی، احساس گناه، هنجارهای اجتماعی.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۴۱۴۶۵۰
Emohammadi@qums.ac.ir

کتایون آقایی

دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین.

سارا موسی زاد

دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین.

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

مریم ایداری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیش بینی عوامل تاثیرگذار بر خرید و مصرف مواد غذایی تراریخته (gmo): ادغام متغیر اعتماد در تئوری رفتار برنامه ریزی شده (Tpb)

کتایون آقایی

دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین.

سارا موسی زاد

دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین،
ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۴۱۴۶۵۰۰

Emohammadi@qums.ac.ir

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین،
قزوین، ایران.

رزاق محمودی

دانشیار بهداشت و ایمنی غذایی، گروه بهداشت و ایمنی
غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین،
قزوین، ایران.

وحید خیرآبادی

دانشجوی دکتری تخصصی اکولوژی آبیان، رییس
اداره محیط زیست دریایی، اداره کل حفاظت محیط
زیست استان گلستان، گلستان، ایران.

علی قائمی

کارشناس ارشد محیط زیست، کارشناس اداره محیط
زیست دریایی، اداره کل حفاظت محیط زیست استان
گلستان، گلستان، ایران.

چکیده

مقدمه: محدودیت‌های کشاورزی سنتی و استفاده از زیست فناوری در این عرصه منجر به تولید محصولات تراریخته یا دستکاری شده ژنتیکی (GMO) شده است. محصولات غذایی تراریخته موجب بروز واکنش‌های ایجاد واکنش‌های آلرژیک، مقاومت نسبت به آنتی‌بیوتیک‌ها، اختلال در فرایند تولید مثل، باروری، نقص رشد نوزادان، نازایی، پیری زودرس، سقط جنین، ایجاد تومورهای سرطانی و پیامدهای منفی زیست محیطی می‌شود. هدف مطالعه حاضر پیش‌بینی نقش اعتماد، نگرش، کنترل رفتاری متصور، هنجارهای انتزاعی و قصد در مصرف مواد غذایی تراریخته است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که در سال ۱۳۹۶ در نمونه ۵۷۵ نفر از شهروندان شهر قزوین انجام شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از نقاط پستی ۱۲ گانه در مطالعه مشارکت کردند. داده‌ها در پژوهش حاضر به شیوه خودگزارشی و با استفاده از پرسشنامه‌های معتبر مشتمل بر سوالات دموگرافیک و زمینه‌ای، ۸ خرده مقیاس TPB متشکل از ۲۳ سوال و با رویکرد خودایفاء گردآوری شد. خرده مقیاس‌های TPB شامل ۱۲ سوال ارزیابی نگرش، ۲ سوال هنجارهای انتزاعی، ۲ سوال کنترل رفتاری متصور، ۳ سوال قصد رفتاری و ۴ سوال اعتماد بود. نمونه‌ها به سوالات با طیف پاسخ لیکرتی ۵ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) مدت زمان تقریبی ۳۰ دقیقه پاسخ دادند. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ۲۳، LISREL و ۹۰،۰ آزمون‌های کای اسکور، آنالیز واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی و تی مستقل به همراه آنالیز مولفه اصلی (PCA: Principal Component Analysis) و تحلیل مسیری آنالیز شد.

یافته‌ها: قوی‌ترین همبستگی‌ها بین سازه‌های نگرش با قصد ($r=0/48$)، نگرش با هنجارهای انتزاعی ($r=0/31$)، نگرش با اعتماد ($r=0/30$) و نگرش با کنترل رفتاری درک شده بود ($r=0/27$). همبستگی بین تمام سازه‌های TPB و قصد متوسط، مثبت و معنادار بود. شاخص‌های برازش نشان داد یافته‌ها با مدل ساختاری بکار مفروض در مطالعه حاضر برازش خوبی دارند. اعتماد نگرش بر کنترل رفتاری متصور تاثیر مثبت دارد و به طور منفی بر نگرش برای خرید و مصرف GMO تاثیرگذار است. هنجارهای انتزاعی تاثیر مثبت و معناداری بر نگرش نسبت به خرید و مصرف GMO داشت. کنترل رفتاری درک شده تاثیر منفی و معنی‌داری بر قصد خرید و مصرف GMO نشان داد. نگرش ($\beta=0/35$) و هنجارهای انتزاعی ($\beta=0/11$) تاثیر مثبت و معناداری را بر قصد خرید و مصرف GMO داشتند. داده‌ها مجموعاً قادر به پیش‌بینی ۰/۳۷ واریانس قصد برای خرید و مصرف غذاهای تراریخته بودند ($P<0/05$). **نتیجه‌گیری:** اضافه کردن سازه اعتماد توان پیش‌بینی کنندگی و قدرت توصیفی TPB را در ارتباط با مصرف غذاهای GMO افزایش داد و با توجه به برازش مدل پیش فرض، طراحی و اجرای مداخلات با هدف تغییر رفتار جامعه نسبت به مصرف غذاهای تراریخته با کمک متغیرهای روانشناختی مذکور پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: غذاهای تراریخته، نگرش، اعتماد، آموزش بهداشت، تغذیه سالم.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت اختصاصی، دانش و تبعیت از دستورات پزشکی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

چکیده

مقدمه: ارزیابی سواد سلامت به همراه فهم عمیق عواملی همچون دانش بیماری و رفتارهای خودمراقبتی یک روش موجه و منطقی در راستای شناسایی علل زمینه‌ای منتهی به کنترل ضعیف دیابت و اجرای صحیح مداخلات است. هدف مطالعه کنونی تعیین ارتباط بین سواد سلامت، سطح دانش تخصصی مرتبط با دیابت و تبعیت از دستورات پزشکی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ می‌باشد.

روش بررسی: پژوهش کنونی یک مطالعه مقطعی بود که تعداد ۲۳۵ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ به صورت تصادفی چند مرحله‌ای در فاصله زمانی مهر تا بهمن ۹۶ در آن شرکت کردند. مقیاس ارزیابی سواد سلامت عملکردی در بالغین (TOFHLA)، مقیاس دانش مختص دیابت (شامل ۲۵ گزینه صحیح - غلط)، پرسشنامه تبعیت از توصیه‌های پزشکی و خودمراقبتی (شامل ۱۰ آیتم تبعیت تغذیه‌ای، پایش قند خون، تبعیت دارویی، تبعیت ورزشی) و سوالات دموگرافیک و اطلاعات مرتبط با بیماری همچون سن، جنس، تحصیلات، سابقه دیابت، سطح HbA1c. استفاده از انسولین برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. توافق درونی با آلفای کرونباخ، پایایی با آزمون باز آزمون و روایی صوری و سازه پرسشنامه‌ها نیز تایید شد. مدل خطی سلسله مراتبی برای تعیین روابط بین متغیرهای پژوهش با نرم افزار LISERL ۹.۲ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران $54 \pm 13/1$ سال بود و $58/3$ درصد نیز زن بودند. میانگین HbA1c برابر با $7/23 \pm 1/19$ و تقریباً ۸۰ درصد بیماران انسولین دریافت نمی‌کردند. میانگین نمره سواد عملکردی ($1/59 \pm 0/51$)، سواد ارتباطی ($3/44 \pm 0/60$)، سواد انتقادی ($4/15 \pm 0/74$) و برای سواد سلامت کلی ($8/12 \pm 1/38$) بود. میانگین نمره آگاهی رژیم غذایی ($3/62 \pm 0/64$)، ورزش ($0/85 \pm 0/17$)، پایش قند ($1/32 \pm 0/45$)، حل مسئله ($0/92 \pm 0/18$)، کاهش خطر ($4/22 \pm 0/58$)، مقابله با مسایل بهداشتی ($4/96 \pm 0/88$)، و نمره کل آگاهی ($15/67 \pm 1/79$) بود. همچنین، نمره کلی تبعیت بیماران ($14/23 \pm 4/54$) بود. همبستگی مثبت و معناداری بین سواد عملکردی، ارتباطی و انتقادی ($P < 0/05$) و ابعاد دانش تخصصی دیابت با یکدیگر وجود دارد ($P < 0/05$). دانش ورزشی همبستگی منفی معناداری با تبعیت بیماران داشت ($P < 0/05$). سواد سلامت و آگاهی تخصصی دیابت به طور معناداری در بیماران که از مراقبت‌های منظم و تخصصی برخوردار بودند، بالاتر بود ($P < 0/05$). تبعیت بیماران از دستورات پزشکی به طور معناداری با سن، جنسیت و میزان تحصیلات ارتباط داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: سطح دانش تخصصی بیماران و همچنین سواد سلامت نسبتاً خوب بود و با توجه به همبستگی معنادار بین متغیرها، لزوم ارتقاء سواد سلامت و دانش تخصصی بیماران دیابتیک در راستای کنترل مناسب قند خون و سلامت بیماران پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، دیابت نوع ۲، تبعیت دارویی، قند خون، سواد ارتباطی.

احمد فخری

دانشیار اعصاب و روان، گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، خوزستان، ایران.

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

رفعت یاحقی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

بنفشه محمدی زیدی

استادیار بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول: +989124146500

Emohammadi@qums.ac.ir

مریم ایداری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه تاثیر آموزش سنتی با مصاحبه انگیزشی در قالب برنامه اصلاح سبک زندگی در کاهش خطرات متابولیک در بیماران سالمند و میانسال مبتلا به سندروم متابولیک: کارآزمایی کنترل شده تصادفی

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۴۱۴۶۵۰۰
Emohammadi@qums.ac.ir

رفعت یاحقی

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

مریم ایداری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

اصغر کاربرد

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی و عضو هیات علمی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران.

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

طاهره سیف پور

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

کتایون آقایی

دانشجوی کارشناس ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

مقدمه: با افزایش سن، زنان در معرض خطرات بیشتر ناشی از کم تحرکی و سندروم متابولیک (Mets) قرار می‌گیرند. اصلاح سبک زندگی و تعدیل سطح فعالیت جسمانی یک عامل پیشگیرانه در برابر Mets محسوب می‌شود. همچنین، کاربرد استراتژی‌های نوین تغییر رفتار مانند مصاحبه انگیزشی قادر به اصلاح سبک زندگی و به تبع آن ارتقاء فعالیت جسمانی است. هدف این مطالعه مقایسه تاثیر مصاحبه انگیزشی ۸ هفته‌ای بر میزان فعالیت جسمانی، وضعیت Mets و عوامل خطرات متابولیک در بیماران زن میانسال و سالمند مبتلا به سندروم Mets بود.

روش بررسی: مطالعه کنونی یک کارآزمایی کنترل شده تصادفی بود. ۹۲ بیمار زن مراجعه کننده به کلینیک‌های تخصصی با تکیه بر معیارهای ورود به طور تصادفی به ۳ گروه تقسیم شدند: گروه تجربی شامل ۴۰ بیمار (مصاحبه انگیزشی فردی ۸ هفته‌ای توسط روانشناس آموزش دیده)، گروه کنترل شامل ۵۲ بیمار (جلسات آموزش سنتی و روتین شامل مشاوره کارشناسی و آموزش‌های گروهی به همراه ۴ لوح فشرده و کتابچه آموزشی هدفمند). فعالیت جسمانی با پرسشنامه بین‌المللی فعالیت بدنی (IPAQ) و گلوکز ناشتا پلاسما، فشار خون، TG، HDL و چاقی با شاخص‌های سرمی و معیارهای آنتروپومتریک قبل و ۱۲ هفته بعد از مداخله اندازه‌گیری شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران ۷/۳۳ ± ۶۰/۷ سال و ۴۶ درصد در مرحله پیش تفکر آمادگی روانی برای مشارکت در فعالیت جسمانی قرار داشتند. نتایج نشان دهنده تغییر معنادار درصد بیماران مبتلا به Mets گروه تجربی با سطح کاهش یافته HDL ($P < 0.01$ ، $\beta = -0.21$)، چاقی مرکزی ($P < 0.05$)، $\beta = -0.25$) در ۱۲ هفته پیگیری بعد از مداخله بود. همچنین، میانگین فعالیت جسمانی در گروه تجربی به طور معناداری افزایش یافت (از ۱۵۳۳ به ۱۷۱۱، Met - دقیقه/هفته، $P < 0.001$). به طور کلی، شاهد ۱۶/۳ درصد ریزش در تشخیص سندروم متابولیک در بیماران گروه تجربی در مقایسه با گروه کنترل بودیم ($P < 0.005$ ، $\beta = -0.23$).

نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش سطح فعالیت جسمانی و بهبود عوامل خطر متابولیک در مطالعه حاضر، الحاق مصاحبه انگیزشی بعنوان یک مولفه کارآمد در برنامه‌های مرتبط با اصلاح سبک زندگی و فعالیت جسمانی در بیماران میانسال و سالمند مبتلا به سندروم متابولیک ضروری است.

کلید واژه: سندروم متابولیک، فعالیت جسمانی، مصاحبه انگیزشی، سبک زندگی، گلوکز ناشتا، تغییر رفتار.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پیشگویی کننده‌های قصد عرضه قلیان و تنباکو در بین متصدیان اماکن عمومی و مواد غذایی شهر اراک بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده

چکیده

مقدمه: برنامه‌ریزی در جهت کاهش تولید و عرضه قلیان و تنباکو می‌تواند گام مثبتی در جهت کاهش مصرف قلیان و تنباکو در سطح جامعه باشد. بنابراین، این مطالعه با هدف تعیین فاکتورهای پیشگویی کننده قصد عرضه قلیان و تنباکو در بین متصدیان اماکن عمومی و مواد غذایی شهر اراک بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۶ در بین ۳۵۱ نفر از متصدیان اماکن عمومی و مواد غذایی شهر اراک که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل متغیرهای دموگرافیک و پرسشنامه سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده بود. داده‌های جمع‌آوری شده در نرم افزار SPSS ۱۸ و با استفاده از آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش $36/57 \pm 11/2$ سال بود. قصد کاهش عرضه قلیان در بین متصدیان اماکن عمومی و مواد غذایی در سطح نامطلوبی ارزیابی گردید و سازه‌های هنجارهای انتزاعی ($\beta = 0/402$) و کنترل رفتاری درک شده ($\beta = 0/392$) پیش‌گویی کننده قصد کاهش عرضه قلیان بودند. همچنین افرادی که سابقه مصرف سیگار، قلیان و مواد مخدر نداشتند و یا کمتر از یکسال قلیان عرضه می‌کردند، قصد بالاتری برای کاهش عرضه قلیان در آینده داشتند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به موثر بودن تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در پیش‌بینی قصد عرضه قلیان و تنباکو، استفاده از این یافته‌ها در برنامه‌ریزی مداخلات آموزشی در بین متصدیان اماکن عمومی و مواد غذایی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه: برنامه‌ریزی آموزشی، عرضه قلیان و تنباکو، اماکن عمومی

سعید بشیریان

دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مجید براتی

استادیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

یونس محمدی

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدلسازی بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

حسن محمودی

✉ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر سازه مراحل تغییر در ارتقای سلامت و فعالیت بدنی

کارکنان فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد در سال ۱۳۹۵

خلیل محمودی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

علی تقی پور

دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

هادی طهرانی

استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

هادی زمردی نیت

کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: کم تحرکی یک مشکل جهانی در راستای ارتقای سلامت جامعه بوده و یکی از ده علت عمده مرگ و میر در جهان نیز می باشد. هدف از انجام این مطالعه تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر سازه مراحل تغییر در ارتقای فعالیت بدنی کارکنان فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد می باشد.

روش مطالعه: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است که بروی ۶۰ نفر از کارکنان فرودگاه که بر اساس سازه مراحل تغییر در مراحل تفکر و آمادگی قرار داشتند انجام شد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد مراحل تغییر مارکوس و پرسشنامه بین المللی فعالیت بدنی که مربوط به میزان فعالیت بدنی بر حسب سطح مت در هفته می باشد، انجام گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج این تحقیق نشان داد قبل از انجام مداخله اختلاف معنی داری بین گروه های مورد مطالعه از نظر سازه مراحل تغییر و سطوح فعالیت بدنی در گروه مداخله و کنترل وجود نداشت، اما پس از انجام مداخله، افزایش معنی داری در سطوح فعالیت بدنی و سازه مراحل تغییر در گروه مداخله مشاهده گردید. ($p < 0/02$)

نتیجه گیری: انجام مداخله آموزشی بر اساس سازه مراحل تغییر در ارتقای فعالیت بدنی موثر است و می تواند به عنوان یک استراتژی مناسب توسط متخصصین بهداشتی در مراکز و سازمان ها، در ارتقای رفتارهای بهداشتی و سلامت کارکنان مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: سازه مراحل تغییر، فعالیت بدنی، آموزش سلامت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین کننده‌های رفتار دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه در رابطه با حوادث ترافیکی براساس مدل اعتقاد بهداشتی

چکیده

مقدمه: سوانح ترافیکی یکی از مهمترین معضلات بهداشتی اخیر در جوامع می‌باشد که سالانه جان بیش از ۱۲ هزار نفر را در سراسر دنیا می‌گیرد. همچنین شایعترین علت مصدومیت و دومین علت مرگ و میر در کشور به شمار می‌روند. هدف از این مطالعه تعیین کننده‌های رفتار دانشجویان در رابطه با حوادث ترافیکی بود.

روش بررسی: این پژوهش، یک مطالعه مقطعی - تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه انجام شد. نمونه‌ای به حجم ۱۷۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مشخص شد. پرسشنامه‌ها به روش خود ایفا تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون در صورت نرمال بودن و در صورت نرمال نبودن داده‌ها از معادل ناپارامتریک آن استفاده شده است.

یافته‌ها: در این مطالعه میانگین (انحراف معیار) سنی دانشجویان ۲۰/۹۴ (۱/۵۹) بود. میانگین (انحراف معیار) سازه‌های حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده، موانع درک شده، راهنما برای عمل و رفتار به ترتیب برابر ۲۱/۵۸ (۲/۷۵)، ۲۹/۹۲ (۶/۱)، ۲۵/۰۸ (۳/۰۹)، ۲۱/۲۲ (۴/۵۷)، ۵/۸۱ (۱/۳۳) و ۲۹/۱۶ (۳/۱۹) بود. بر اساس نتایج آزمون پیرسون، تنها سازه‌های منافع درک شده، موانع درک شده و راهنما برای عمل با رفتار همبستگی داشتند که در این بین سازه منافع درک شده و موانع درک شده تاثیر بیشتری داشت ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه می‌تواند گامی موثر در برنامه‌ریزی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در جهت بهبود رفتارهای مرتبط با حوادث ترافیکی باشد.

کلید واژه: حوادث ترافیکی، دانشجویان دانشگاه، مدل اعتقاد بهداشتی

زهره محمودی عارفی

فاطمه عجمی ثالث فدافن *

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکترا آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی، تهران، ایران

علیرضا جعفری

هاشم حشمتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



شرحی بر رفتارهای موثر در ارتقاء سلامت دانشجویان دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد

نرگس نوآبادی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت
مشهد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

علی حاجی پور طالبی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته
تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران،
ایران

ساناز سادات محمودیان

* مدارک پزشکی، گروه مدارک پزشکی و فناوری
اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:
۰۵۱-۳۸۸۴۶۷۱۰

mahmoudians2@mums.ac.ir

عادلہ بیابانگرد

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت
مشهد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه مهدیزاده

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت تربیت
حیدریه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده
پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تربیت حیدریه، ایران

فایزه مهدیزاده

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت تربیت
حیدریه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده
پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تربیت حیدریه، ایران

چکیده

مقدمه: سبک زندگی، فعالیت معمول روزمره است که افراد به صورت قابل قبولی پذیرفته اند (۱) که بر اساس آن میتوان رفتار مردم و دلیل آنها درک نمود (۲). ارتقا سلامت نوجوانان و جوانان جامعه به سبک زندگی فعلی و آینده آنها بستگی دارد (۳). ارتقا سلامت عبارت است از علم و هنری که به افراد کمک مینماید تا بر سلامت خود نظارت کنند و سبک زندگی خود را برای کسب سلامت مطلوب تغییر دهد (۴). این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای دانشجویان دانشکده علوم پیراپزشکی مشهد در ارتقا سلامت خود انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی توصیفی در بهار ۱۳۹۷ انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده علوم پیراپزشکی بوده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه ارتقا سلامت با ۴۰ گویه با پایایی ۰/۷۹ استفاده گردید. پرسشنامه علاوه بر اطلاعات دموگرافیک از شش زیرمجموعه حمایت اجتماعی، امید به زندگی، مسئولیت اجتماعی، عادات غذایی، ورزش، مدیریت استرس تشکیل شده است. پس از توزیع پرسشنامه تعداد ۱۲۶ پرسشنامه از دانشجویان دانشکده گردآوری گردید. یافتههای بر اساس آمار توصیفی و با استفاده از نرمافزار SPSS تحلیل شدند.

یافته ها: دانشجویان دارای میانگین سنی ۲۰ سال، قد ۱۶۷ سانتیمتر و وزن ۶۱ کیلوگرم که ۸۰٪ آنان زن و ۲۰٪ ترن اول بود. یافتهها نشان داد که دانشجویان به ورزش و مسئولیت خود در برابر سلامتی شان توجه کمتری دارند. دانشجویان به مصرف غذای کمچرب، استفاده از مسواک، نخ دندان و شستشوی دست قبل از غذا توجه کمتری داشتند. همچنین در هفته فعالیتهای ورزشی منظمی نداشتند. در مقابل امید به زندگی دانشجویان مطلوب بود. دانشجویان به افراد دیگر نیز اهمیت داده و سعی بر ایجاد رابطه خوب با دوستان داشتند. دانشجویان استراحت کافی در روز داشتند.

نتیجه گیری: کیفیت زندگی و سلامت افراد به رفتار و سبک زندگی آنها بستگی دارد. علیرغم اینکه ضرورت دارد دانشجویان آموزشها و فرصتهای بیشتری برای تمرکز بر ورزش و مسئولیت اجتماعی خود داشته باشند، اما آموزش، اجرا و سازگاری با برنامههای تقویت سبک زندگی سالم به توجه سریعتری نیاز دارد.

کلید واژه: ارتقاء سلامت، دانشجویان، رفتار، سبک زندگی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



لزوم طراحی و بکارگیری الگوهای بومی در تغییر رفتار بهداشت حرفه‌ای کشاورزان

چکیده

مقدمه: امروزه محققان برای رسیدن به هدف تغییر رفتار با استفاده از نظریه‌های مختلف روان‌شناسی و علوم اجتماعی الگوهایی را طراحی کرده‌اند، که کارساز و مفید هستند. تئوری‌ها و الگوهای رفتاری می‌توانند برای درک چگونگی پیشگیری از مشکلات بهداشتی در میان افراد به‌خصوص کشاورزان مورد استفاده قرار گیرند، چراکه اکثر مشکلات بهداشتی با رفتار انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین اصلاح و بهبود رفتارهای بهداشتی در درجه اول مستلزم بکارگیری الگوها و تئوری‌هایی است که به‌مثابه نقشه راه هستند. سؤالی که در این‌جا مطرح است این می‌باشد که آیا تئوری‌هایی که در حال حاضر در زمینه تغییر رفتار مطرح هستند، کافی بوده و می‌بایست به استفاده از آن‌ها ادامه داد یا این‌که باید به توسعه و یا بومی‌سازی این تئوری‌ها پرداخت. هدف مطالعه حاضر لزوم طراحی و بکارگیری الگوهای بومی در تغییر رفتار بهداشت حرفه‌ای کشاورزان است.

روش بررسی: روش تحقیق این مطالعه به‌صورت توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نکته قابل تأمل این است که هر کدام از تئوری‌های موجود در زمینه تغییر رفتار دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند. از سوی دیگر، شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و نظارتی، حرفه‌ای و غیره کشاورزان ایران نسبت به کشورهای دیگر (که اکثر این تئوری‌ها در مورد آنان بکار رفته است) متفاوت می‌باشد. بنابراین لزوم طراحی الگوهای بومی و متناسب با شرایط جامعه محلی مطرح می‌گردد. برنامه‌های آموزشی ارتقا رفتارهای بهداشتی نیز باید براساس شواهد و پژوهش‌های محلی و برای شرایط خاص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جوامع محلی طراحی و اجرا گردد.

کلیدواژه: تئوری‌های تغییر رفتار، بومی‌سازی، کشاورزان.

سمیه مرادحاصلی

دانشجوی دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

همایون فرهادیان

✉ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۳۹۴۶۲۱۵۶۱
homayonfarhadian@modares.ac.ir

عنایت عباسی

دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

فضل‌اله غفرانی‌پور

استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد سال ۱۳۹۶

مهدی اردکانی

دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد،
واحد مشهد

ملیحه عابدی

دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد،
واحد مشهد

اشکان مرادیان

* عضو هیات علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد،
واحد مشهد. ۰۹۳۵۵۸۱۰۵۳۱

چکیده

مقدمه: سواد سلامت توانایی کسب، پردازش و فهم اطلاعات بهداشتی است که تعیین کننده انگیزه و توانایی افراد در دستیابی، درک و به کارگیری اطلاعات به روشی که سبب حفظ و ارتقاء سلامت آنها شود می‌باشد. هم اکنون سواد سلامت به عنوان یک مسئله و بحث جهانی معرفی شده است. سازمان بهداشت جهانی در گزارشی، سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین کننده‌های امر سلامت معرفی نموده است. مطالعه حاضر با هدف سنجش میزان سواد سلامت در دانشجویان پزشکی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۹۷ - ۹۶ انجام گرفته است.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی که به روش مقطعی انجام گرفت، تعداد ۱۰۳ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: تمایل افراد برای ورود به مطالعه، داشتن تابعیت ایرانی، تحصیل در مقطع علوم پایه و معیار خروج شامل تکمیل ناقص پرسشنامه بود. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه ایرانی سنجش سواد سلامت HELIA بود. همچنین چک لیستی شامل اطلاعات مربوط به سن، جنس، وضعیت تاهل، ترم تحصیلی توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید. داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS ۷۲۱ با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی پردازش شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد 20.8 ± 4.1 سال و ۵۸ نفر ایشان (۵۶/۹٪) زن بودند. ۲۴ نفر (۲۳/۵٪) دارای شغل دوم و ۴ نفر (۳/۹٪) متأهل و ۱۱ نفر (۱۰/۸٪) دارای تحصیلات قبلی مرتبط با رشته‌های پزشکی بودند. از نظر ترم تحصیلی، ۲۶ نفر (۲۵/۵٪) ترم اول، ۲۷ نفر (۲۶/۵٪) دوم، ۹ نفر (۸/۸٪) سوم، ۳۷ نفر (۳۶/۳٪) چهارم و ۳ نفر (۳/۹٪) ترم پنجم بودند. وضعیت سواد سلامت در ۲۳ نفر آنان (۲۲/۵٪) ناکافی، ۲۵ نفر (۲۴/۵٪) نه چندان کافی، ۴۶ نفر (۴۵/۱٪) کافی و ۸ نفر (۷/۸٪) عالی بود. از متغیرهای بررسی شده، تنها جنس ($P=0.038$) و ترم تحصیلی ($P=0.001$) ارتباط معنی داری با سواد سلامت داشتند و متغیرهای وضعیت تاهل، داشتن شغل دوم و نیز داشتن تحصیلات قبلی مرتبط با رشته پزشکی ارتباط معنی داری با سواد سلامت نداشتند.

نتیجه گیری: با توجه به نامناسب بودن سواد سلامت در حدود نیمی از دانشجویان، لازم است برنامه‌های آموزشی متناسب با سطح سواد سلامت آنان و بر اساس حیطه‌های مولفه‌های سواد سلامت طراحی گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، دانشجویان پزشکی، مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط مشارکت اجتماعی با کیفیت زندگی در افراد مبتلا به معلولیت‌های حرکتی: محدودیت‌ها و عوامل تعیین کننده مشارکت اجتماعی

چکیده

مقدمه: تقریباً ۱۰ درصد جمعیت هر جامعه را افراد معلول تشکیل می‌دهند. بخش وسیعی از نیازهای افراد معلول از جمله تحرک، فعالیت‌های روزمره و مشارکت‌های اجتماعی با توانمندسازی، آموزش و درگیر نمودن فرد معلول، خانواده و جامعه محلی مرتفع گردد. هدف مطالعه کنونی تعیین ارتباط بین مشارکت اجتماعی با کیفیت زندگی و ارزیابی میزان مشارکت معلولان حرکتی و محدودیت‌ها و عوامل موثر بر آن بود.

روش بررسی: با احتساب معیارهای ورود به پژوهش و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۱۳ نفر از معلولان حرکتی ۴۵-۱۸ سال در یک مطالعه مقطعی در نیمه اول سال ۹۷ شرکت کردند. اطلاعات مورد نیاز در پژوهش با استفاده از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک - سابقه پزشکی و مقیاس ارزیابی مشارکت-توانبخشی اوترخت (User-p) و پرسشنامه WHOQOL ۱۰۰ گردآوری شد. داده‌ها وارد نرم افزار SPSS ۲۲.۰ شد و با آزمون‌های تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون سلسله مراتبی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌ها $32/4 \pm 12/6$ سال بود و تقریباً ۴۴ درصد آنها زن بودند. میانگین نمره کل کیفیت زندگی نمونه‌ها $13/52 \pm 3/15$ بود. همچنین، میانگین نمره کیفیت زندگی نمونه‌ها بر حسب جنسیت، میزان خستگی درک شده، احساس افسردگی، سن، میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی اختلاف معناداری را نشان داد ($P < 0/05$). همبستگی معناداری بین ابعاد سلامت جسمی، سطح استقلال و ارتباطات اجتماعی کیفیت زندگی با میزان مشارکت اجتماعی افراد معلول گزارش شد ($P < 0/05$). همبستگی بین تحصیلات، درآمد، توانایی‌های جسمانی و احساس افسردگی با فراوانی مشارکت اجتماعی معنادار بود ($P < 0/05$). علاوه بر این، نوع شغل، توانایی‌های جسمانی و احساس افسردگی مهمترین محدودیت‌های نمونه‌ها برای مشارکت اجتماعی بودند. به طور کلی، سه متغیر توانایی‌های جسمانی، درآمد به همراه احساس افسردگی قادر به توصیف ۲۹ درصد واریانس مشارکت اجتماعی افراد معلول بودند. همچنین، ۳۹ درصد واریانس کیفیت زندگی بوسیله مهارت‌های حرکتی، احساس افسردگی و خستگی درک شده پیش‌بینی شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تاثیرگذاری مهارت‌های حرکتی، احساس افسردگی و خستگی درک شده بر میزان مشارکت اجتماعی افراد معلول، تمرکز بر تقویت متغیرهای مذکور در ارائه مراقبت‌ها به معلولان و همچنین طراحی مداخلات در راستای بهبود کیفیت زندگی توصیه می‌شود.

کلید واژه: مشارکت اجتماعی، کیفیت زندگی، معلولیت، افسردگی، خستگی درک شده، ارتباطات.

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

رفت یاحقی

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

مریم ایداری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

اصغر کاربرد

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی و عضو هیات علمی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران.

طاهره سیف پور

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۱۸۱۷۱۹۳

mohamm_e@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی در بیماران پس از سکته

هادی مرشدی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عیسی محمدی زیدی

* دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۹۱۲۱۸۱۷۱۹۳ mohamm_e@yahoo.com

رفعت یاحقی

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

مریم ایداری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

اصغر کاربرد

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی و عضو هیات علمی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران.

طاهره سیف پور

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی، قزوین، ایران.

چکیده

مقدمه: سکته یک اختلال نورولوژیک رایج و یکی از علل منجر به مرگ و میر است. همچنین، سکته می تواند باعث ناتوانی و کیفیت زندگی (QOL) پایین در بیماران پس از ابتلا باشد. مطالعه کنونی تلاش دارد تا عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر کیفیت زندگی بیماران را پس از سکته بررسی کند.

روش بررسی: ۱۳۵ بیمار مبتلا به سکته های قلبی در فاصله ۲ هفته بعد از وقوع سکته با رضایت آگاهانه و به طور داوطلبانه در یک مطالعه مقطعی شرکت کردند. پیامدهای اصلی پژوهش با استفاده از این ابزار گردآوری شد: سوالات زمینه ای و دموگرافیک مانند سن، جنس، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، شغل؛ کیفیت زندگی با استفاده از نسخه کوتاه شده (WHOQOL) که شامل ۴ بعد عوامل جسمی، متغیرهای روانشناختی، روابط اجتماعی و بسترهای محیطی است. مقیاس NIHSS برای ارزیابی شدت سکته، شاخص بارتل برای ارزیابی ناتوانی فیزیکی، مقیاس MMse برای ارزیابی عملکرد شناختی بیمار مبتلا به سکته، مقیاس HADS برای اندازه گیری میزان اضطراب و افسردگی در بیمارستان. داده ها با نرم افزار SPSS ۲۳،۰ و آزمون های آنالیز واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و مدل های رگرسیون خطی آنالیز شدند.

یافته ها: نمره بالاتر در بعد سلامت جسمانی مستقیماً با نمرات بالاتر عملکرد شناختی بیمار ارتباط دارد. همچنین، ارتباط معناداری بین قدرت بالاتر پنجه ها و میزان اضطراب و افسردگی پایین تر گزارش شده است. نمرات بالاتر در بعد روانشناختی با سطح تحصیلات بیماران ارتباط معنادار داشت. هر چه میانگین ارزیابی عملکرد شناختی بیمار بالاتر باشد، میزان اضطراب و افسردگی آنها در بیمارستان به طور معناداری کمتر است. میانگین بالاتر نمرات روابط اجتماعی با سطح پایین تر اضطراب و افسردگی در بیماران همراه است. در نهایت، ارتباط معناداری بین میانگین بعد عوامل محیطی با میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی بالاتر، میانگین نمره عملکرد شناختی بیشتر و میزان اضطراب و افسردگی کمتر وجود داشت.

نتیجه گیری: یافته ها بر تاثیر تنش های روانشناختی و اختلال در عملکرد شناختی بر کیفیت زندگی بیماران پس از سکته دارد. همچنین، شدت سکته، ناتوانی جسمی و عوامل دموگرافیک شاید تاثیرگذاری کمتری را بر کیفیت زندگی نشان دادند. توجه بیشتر به مداخلات روانشناختی در راستای ارتقای کیفیت زندگی پس از سکته ضروری است.

کلید واژه: سکته، کیفیت زندگی، ناتوانی، افسردگی، عملکرد شناختی، اضطراب، مداخلات روانشناختی.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش سلامت بر اساس الگوی بزنف بر سبک زندگی سالم در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی

چکیده

مقدمه: نارسایی قلب یک مشکل عمده رو به رشد است که باعث اختلال در زندگی افراد می‌شود. با توجه به مشکلات بیماران دچار نارسایی قلبی، استفاده از مدل بزنف برای بهبود شرایط بیماران مبتلا به نارسایی قلبی و افزایش طول عمر این بیماران با ایجاد تغییر در سبک زندگی ناسالم ضروری به نظر می‌رسد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر آموزش سلامت بر اساس الگوی بزنف بر سبک زندگی سالم در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بود.

روش بررسی: این مطالعه شبه تجربی در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بر روی ۶۰ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی مراجعه کننده به بیمارستان خاتم الانبیاء سلماس انجام شد. پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به سازه‌های مدل بزنف، قبل و بعد از مداخله تکمیل شد. مداخله آموزشی بر اساس مدل بزنف در گروه مداخله انجام گرفت. بعد از تقسیم گروه مداخله به سه گروه ۱۰ نفره، برای هر گروه کوچک ۶ جلسه آموزشی به روش مستقیم (سخنرانی و آموزش همسالان) و روش غیر مستقیم (پمفلت آموزشی) اجرا شد. از آزمون‌های آماری تی زوجی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: آزمون آماری تی زوجی نشان داد که در میانگین نمرات نگرش، هنجارهای ذهنی، قصد رفتاری و عوامل قادرکننده مربوط به سبک زندگی سالم قبل و بعد از مداخله درون گروه مداخله تفاوت آماری معنی داری وجود داشت ($P=0/0001$).

نتیجه گیری: اجرای مدل بزنف بر بیماران نارسایی قلبی از نظر عملی امکان پذیر بوده و با بهبود و اصلاح نگرش و تغییر رفتار تغییر در سبک زندگی بیماران می‌توان باعث بهبود وضعیت بیماران قلبی شد. لذا برای آموزش سلامت بیماران مبتلا به نارسایی قلبی مدل بزنف پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: سبک زندگی، نارسایی قلبی، مدل بزنف

سیده زهرا مرقاتی

* کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ارومیه



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری جنوب تهران، سال ۱۳۹۷

فریبا مشتاقیان،

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهره جلیلی،

* دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران .
نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۸۱۱۴۸۸۲

zahra.jalili@gmail.com

انیسه نیک روان

استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان دهانه رحم چهارمین سرطان شایع زنان در جهان می‌باشد که عامل ۷٫۵ درصد از مرگ‌های زنان است. آموزش اهمیت پیشگیری از سرطان دهانه رحم نقش مهمی در ارتقاء سلامت زنان دارد با این وصف انجام این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری جنوب تهران انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی، با دو گروه مداخله و کنترل بود. که بر روی ۱۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری جنوب تهران در سال ۹۷-۱۳۹۶ انجام شد. نمونه ها از چهار مرکز خدمات جامع سلامت به طور تصادفی ۱۰۰ نفر انتخاب و به دو گروه مداخله (۵۰) نفر و کنترل (۵۰) نفر تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که بر اساس سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده طراحی و پس از تایید روایی و پایایی آن طی دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه توزیع شد. آموزش گروه مداخله با توجه به نتایج پیش آزمون و بر اساس سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در سه جلسه اجرا گردید. پس از مداخله آموزشی پرسشنامه مجدداً برای دو گروه مداخله و کنترل توزیع گردید. داده‌های بدست آمده در قبل و بعد از مداخله با استفاده از نرم افزار stata نسخه ۱۳ و آزمون‌های مرتبط تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: قبل از مداخله بین میانگین نمرات آگاهی، نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتار درک شده، قصد رفتاری و رفتار در رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان دهانه رحم در بین زنان در دو گروه قبل از مداخله آموزشی اختلاف معنی دار وجود نداشت ($P < 0/05$) در گروه مداخله میانگین نمرات آگاهی و اجزاء تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بعد از مداخله آموزشی افزایش معنی داری یافت ($P < 0/001$). **نتیجه گیری:** نتایج بیانگر آن است که مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان دهانه رحم در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری جنوب تهران تاثیر دارد و انجام مداخلات آموزشی در این زمینه توصیه می‌شود.

کلید واژه: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده - رفتارهای پیشگیری کننده- سرطان دهانه رحم



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین بصیرت به بیماری با میزان پذیرش دارویی در بیماران مبتلا به اختلال اسکیزوفرنی

چکیده

مقدمه: عدم تبعیت از دارودرمانی به عنوان یک مشکل چالش انگیز در مدیریت بیماران اسکیزوفرنیک می باشد که منجر به پیامدهای ضعیف بالینی و عملکردی در این بیماران می شود. عوامل مختلفی در پذیرش دارو درمانی دخیل هستند که بصیرت نسبت به بیماری می تواند یکی از این عوامل باشد. از سوی دیگر نتایج برخی تحقیقات نشان داده است که پذیرش دارویی یکی از عوامل مهم زندگی سالم و کیفیت بالای زندگی بیماران مبتلا به اختلال روانی می باشد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط میان بصیرت نسبت به بیماری و پذیرش دارودرمانی در بیماران اسکیزوفرنیک انجام شده است.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی تحلیل ۸۰ بیمار مبتلا به اسکیزوفرنیا بستری در مرکز آموزشی درمانی رازی تبریز به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. جهت گرد آوری داده ها از پرسشنامه الگوی باور بهداشتی و فهرست وارسی جهت بررسی پذیرش دارودرمانی استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و از آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) برای بررسی همبستگی میان بصیرت بیماری و پذیرش دارو درمانی در اس پی اس اس نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته ها: اکثر مشارکت کنندگان زن (۶۷٫۵٪)، مجرد (۵۰٪)، بیکار (۶۱٫۳٪) و دارای تحصیلات زیر دیپلم (۴۸٫۸٪) بودند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که اکثریت بیماران (۶۲٪) پیروی خوبی از رژیم دارویی داشتند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط آماری معنی داری بین میزان پیروی از رژیم دارویی و درک فرد از بیماری وجود دارد ($p < 0.001$). به علاوه بین میزان پیروی از رژیم دارویی و استعداد فردی نسبت به بیماری ارتباط معنی داری وجود داشت ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: بصیرت نسبت به بیماری در بیماران اسکیزوفرنیا با پذیرش دارودرمانی ارتباط دارد. از آنجا که اختلال اسکیزوفرنی یک بیماری اجتماعی است، توجه به بهبود بصیرت بیماران نسبت به بیماری شان منجر به پذیرش بهتر دارویی و احتمال دستیابی به سطح سالم زندگی و کیفیت بهتر زندگی بیمار و خانواده و در نهایت جامعه می گردد. بدین منظور اجرای برنامه های آموزشی در مورد شناخت عوامل موثر در پذیرش دارو برای افراد کلیدی جامعه، به خصوص برای پرستاران لازم به نظر می رسد.

کلید واژه: اسکیزوفرنی، استعداد فردی، بصیرت، شدت بیماری، پذیرش درمان

فریا مصفا

کارشناسی ارشد روان پرستاری، سوپروایزر بیمارستان رازی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

فرناز رحمانی

دکترای آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

پریوش کریمی

کارشناس پرستاری، سوپروایزر بیمارستان رازی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

طیبه اندابی

* مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول:

۰۹۱۴۳۰۰۲۴۳۹

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتقاء سلامت زنان درسینین یائسگی از طریق آموزش اصول مراقبت از خود

سکینه مطیرزاده

* کارشناس بهداشت عمومی و امور فرهنگی، معاونت فرهنگی و دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر. نویسنده مسئول: ۰۷۷۳۳۴۵۰۱۴۱
motayers@yahoo.com

حسین اسدی راد

دکترای روانشناسی تربیتی، مدیریت امور فرهنگی و فوق برنامه، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

چکیده

مقدمه: یائسگی، یکی از مهمترین بحران‌های زندگی زنان است و علائمی که زنان در این مرحله تجربه می‌کنند، از جمله چالش‌های مهم مراقبتی می‌باشد. نقصان دانش نحوه مراقبت از خود و نیز شیوه نادرست زندگی زنان یائسه منشأ بسیاری از عوارض جدی این دوران است. این مطالعه با هدف تعیین میزان تأثیر آموزش اصول مراقبت از خود بر آگاهی و عملکرد زنان یائسه انجام گرفته است.

روش بررسی: مطالعه حاضر با جستجو در موتورهای جستجوگر Google, Yahoo و سایت SID و با مروری بر مطالعات معتبر انجام گرفته است.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که قبل از آموزش، آگاهی ۲۲/۲٪ زنان مورد مطالعه ضعیف، ۶۴/۲٪ متوسط و فقط ۱۳/۶٪ در حد خوب بوده است در صورتی که بعد از آموزش هیچ کدام از آنان آگاهی ضعیف نداشتند و ۲۷/۵٪ آگاهی متوسط و ۷۲/۵٪ آگاهی در حد خوب داشتند. عبارت دیگر در اثر آموزش آگاهی زنان نسبت به عوارض یائسگی و سبک زندگی سالم به طور معنادار ($P < 0.001$) ارتقاء یافته است. نتایج دیگر مطالعات نیز نشان داد بین میانگین آگاهی قبل و بعد از آموزش تفاوت معنی دار آماری وجود داشت. قبل از آموزش آگاهی ۱۱ درصد از افراد ضعیف، ۸۸ درصد متوسط و فقط ۱ درصد خوب بود. پس از آموزش آگاهی هیچ یک از افراد مورد پژوهش ضعیف نبود آگاهی ۷۳ درصد متوسط و ۲۷ درصد خوب بود. طبق نتایج، بین میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی - اجتماعی ($P < 0.001$)، تعداد بارداری کمتر ($P < 0.001$) و آگاهی از عوامل مؤثر بر یائسگی ($P = 0.025$) ارتباط معنی داری وجود داشت. همچنین میزان آگاهی از علائم و عوارض یائسگی با میزان تحصیلات ($P < 0.001$)، وضعیت اقتصادی - اجتماعی ($P < 0.001$)، سابقه سقط ($P < 0.027$) و سابقه استفاده از روش‌های پیشگیری ($P < 0.036$) ارتباط معنی دار داشت.

نتیجه گیری: با توجه به تأثیر آموزش بر ارتقاء سلامت زنان در سنین یائسگی، لازم است برنامه‌های مناسب آموزشی را در جهت بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سلامت زنان در این دوره توسط مسئولین حوزه سلامت بصورت مستمر طراحی گردد.

کلید واژه: ارتقاء سلامت، زنان، یائسگی، آموزش، مراقبت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش همراه با بازی بر رفتارهای تغذیه ای کودکان: یک کارآزمایی آموزشی سه گروهی

چکیده

مقدمه: با وجود مداخلات آموزشی فعلی، هنوز اضافه وزن و چاقی در تمامی گروه‌های سنی به ویژه کودکان شایع است. بنابراین لزوم بررسی تاثیر مداخلات آموزشی با شیوه‌های متفاوت جهت ارتقای سطح آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای آنها احساس می‌شود. لذا مطالعه حاضر با هدف تاثیر آموزش همراه با بازی بر رفتارهای تغذیه ای کودکان انجام گرفته است.

روش بررسی: یک کارآزمایی سه گروهی با تقسیم تصادفی در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بر روی ۲۳۶ دانش آموز دختر سوم دبستان شهر اصفهان انجام شد. دانش آموزان گروه اول، مداخله با بازی (۷۳ نفر) و گروه دوم، مداخله بدون بازی (۱۰۱ نفر) پیام‌های آموزشی مربوط به تغذیه را طی ۴ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای با آموزش چهره به چهره و مشارکت فعال دریافت کردند. اما در گروه اول علاوه بر شیوه فوق، از بازی مار و پله برای فهم بهتر نکات تغذیه‌ای استفاده شد. گروه سوم به عنوان گروه کنترل (۶۲ نفر)، هیچگونه آموزشی دریافت نکردند. جمع آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات کلی و شناسایی دو نوبت قبل و یک ماه بعد از مداخله از طریق مصاحبه با دانش‌آموزان انجام شد. سپس داده‌ها وارد نرم افزار Stata شدند و با استفاده از آزمون‌های Chi2، ANOVA و Paired-t test مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد پس از مداخله تعداد روز استاندارد مصرف میوه و سبزی و همچنین تعداد استاندارد واحد در گروه بازی نسبت به گروه آموزش و کنترل به طور معنی‌داری بالاتر بود ($P < 0.05$). مصرف نمک همراه میوه و سر سفره نیز در هر دو گروه مداخله به طور معنی‌داری کاهش یافت ($P = 0.004$). همچنین در هیچ یک از گروه‌های مداخله، مداخله تاثیر معنی داری بر میزان مصرف غذای آماده نداشت ($P < 0.05$)

نتیجه گیری: نتایج نشان داد طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر بازی می‌تواند بر عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان موثر باشد به طوری که فرصتی را برای کودکان فراهم می‌سازد تا حین بازی و داشتن اوقات خوش، باعث افزایش قابلیت یادگیری و انجام رفتار صحیح تغذیه‌ای در آن‌ها گردد.

کلید واژه: کارآزمایی آموزشی، بازی مار و پله، تغذیه، کودکان

مریم مظاهری کوهانستانی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

محدثه بختیاری

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زینب مکنونی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، اصفهان، ایران

عاطفه کاویانی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مریم نصیریان

دکتری آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، اصفهان، ایران

فرشته زمانی علویچه

* دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت. نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۴۵۲۹۷۱

Email: fe.zamani@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل قانونی و محیطی برای کاهش حوادث ترافیکی موتورسواران جهت طراحی برنامه ارتقاء سلامت

مظاهری مریم

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
استادیار گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران. نویسنده مسئول:
۰۹۱۶۶۴۴۲۵۱۷

Email: Maryam_mazaheri_1350@yahoo.com

کشاورز محمدی نسترن

دکتری تخصصی ارتقاء سلامت، دانشیار گروه بهداشت
عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،
تهران، ایران.

الهامی علی

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی
دزفول، دزفول، ایران.

کردعلیوند تورج

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی
دزفول، دزفول، ایران.

پاپی فرد داریوش

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی
دزفول، دزفول، ایران.

مرادی منش فردین

دکتری تخصصی روانشناسی سلامت، گروه روانشناسی،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول،
دزفول، ایران.

سراج خرمی آذر

دکتری تخصصی روانشناسی عمومی، اداره بهزیستی شهرستان
دزفول، دزفول، ایران.

محمودی نژاد محمد

مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دزفول، دزفول،
ایران.

محمدی غلامحسین

مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دزفول، دزفول،
ایران.

اعلمی مهری

معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

چکیده

مقدمه: از دید سازمان جهانی بهداشت، ۵ دسته از عوامل در بروز حوادث نقش دارند: عوامل انسانی، قانونی، محیطی، وسیله نقلیه و مدیریتی سازمانی. از آنجا که علل موثر در ایجاد حوادث ترافیکی و شدت حادثه و عوارض آن متعدد بوده و می‌تواند در افراد و جوامع مختلف دارای تفاوت‌های مهمی باشد، برنامه‌های پیشگیری و یا مدیریت آن می‌بایست بر اساس شناخت بستر آن جامعه صورت گیرد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف شناخت بستر دزفول و تعیین کننده‌های آن انجام گرفت.

روش بررسی: برای شناسایی عوامل محیطی و قانونی در ابتدا تیم برنامه‌ریزی با مشارکت حداکثری ذیربطان تشکیل گردید. پس از تشکیل ۵ جلسه مشارکتی رسمی، همچنین نظرخواهی از دانش آموزان و موتورسواران و استفاده از مستندات علمی مرتبط و جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی عوامل مهم حوادث مرتبط موتورسواری در دزفول، فهرستی از پیشنهادات مربوط به عوامل مذکور تهیه و در اختیار تیم برنامه‌ریزی قرار گرفت. در انتها اعضای تیم پیشنهادات را بر اساس ۵ معیار (اولویت، اهمیت، تغییر پذیری، هزینه اثربخش و قابل اجرا بودن) از نمره ۱-۱۰ امتیازدهی نمودند. امتیازات بدست آمده، محاسبه و سپس برترتیب بالاترین نمره اولویت بندی شدند.

یافته‌ها: بالاترین پیشنهادات عوامل قانونی که بیش از ۵۰۰ امتیاز رای آوردند عبارت بودند از: دیده شدن موانع، موتورسیکلتها و افراد عابر و راننده با رنگها یا برجسهای براق، نظارت و آموزش بیشتر بر آموزشگاههای صدور گواهینامه، جدیت در اجرای قوانین و برخورد قانونی و جدی با متخلفین، خط کشی مداوم و مستمر جاده ها و خیابان ها، درخواست گواهینامه توسط پلیس از موتور سواران و ایجاد پارکینگ هایی در مناطق شلوغ. عوامل محیطی مورد توجه اولویت دار نیز عبارت بودند از: شناسایی و معرفی مناطق حادثه خیز، شناسایی و معرفی جاهایی که درختان جلو تابلوها را گرفته اند، شناسایی و معرفی جاده‌های بدون شانه و خطرناک، شناسایی و معرفی چاله‌های حادثه ساز، توسط ارگانهای ذیربط و مردم از طریق گزارش در سامانه ۱۳۷ شهرداری. مقرر شد برنامه مداخله ای با در نظر گرفتن این عوامل طراحی گردد.

نتیجه گیری: جهت برنامه‌ریزی صحیح با رویکرد ارتقاء سلامت، نیاز است تا رویکرد همه جانبه و مشارکتی به مساله داشت. جلب مشارکت همه جانبه و نظرخواهی از ذیربطان و گروههای هدف می‌تواند منجر به شناسایی درست عوامل موثر بر حادثه و برنامه‌ریزی اصولی، مخاطب محور و قابل پذیرش از جانب مردم شود.

کلید واژه: حوادث ترافیکی، موتورسوار، ارتقاء سلامت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر ۳ ساله یک برنامه مداخله ای با رویکرد ارتقاء سلامت بر میزان فراوانی حوادث ترافیکی و مرگهای ناشی از آن

چکیده

مقدمه: آسیب های ناشی از تصادفات جاده ای یک مشکل بزرگ، اما مورد غفلت واقع شده در سلامت عمومی دنیاست. از دید سازمان جهانی بهداشت، داده های قابل اطمینان و دقیق برای اهداف متفاوت مورد نیاز است. بدلیل وجود موتورسواران فراوان در شهرستان دزفول و اولین پژوهش انجام شده در این زمینه در سال ۱۳۹۴، تصمیم بر این شد تا در جهت بررسی تأثیر آن در کاهش حوادث ترافیکی مطالعه ای طراحی گردد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی بود که به بررسی مقایسه ای میزان فراوانی حوادث ترافیکی و مرگهای ناشی از آن پرداخت. بدین منظور به بررسی مستندات اجرای یک برنامه مداخله ای با رویکرد ارتقاء سلامت با عنوان کمپین آموزشی کاهش حوادث ترافیکی که در سال ۱۳۹۴ توسط محقق در شهر دزفول انجام شده بود پرداخته و داده های پزشکی قانونی، فوریت های پزشکی ۱۱۵ و راهنمایی رانندگی در سال ۹۳ (قبل از اجرای برنامه) با داده های سه سال بعد (۱۳۹۶) مقایسه و تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در داده های مرگ و میر پزشکی قانونی و حوادث ترافیکی فوریت های پزشکی ۱۱۵ که در برنامه مداخله ای ارتقاء سلامت سال ۹۴ به عنوان دو منبع اصلی ارزشیابی قرار گرفته بود، کاهش بروز در تعداد مرگها (۴ مورد) ($P=0/4$) و کاهش تعداد ماموریت های مربوطه (۱۴۶۷ بار) اتفاق افتاده است ($P=0/001$)، اما در داده های راهنمایی رانندگی که به عنوان داده های کمکی مورد استفاده قرار گرفته بود، ۲۸۲ مورد بروز بیشتر مشاهده شد ($P=0/001$). همچنین آنالیز داده ها نشان داد که در گروه هدفی که مورد مداخله قرار گرفتند، تأثیراتی همراه با الگوی رشد آنها نظیر سن و تحصیلات مشاهده میشود.

نتیجه گیری: عوامل متعددی می توانند بر این کاهش و افزایش تأثیر گذار باشند اما با توجه به افزایش جمعیت و وسایل نقلیه باید گفت با وجود اینکه کمپین آموزشی کاهش حوادث فقط به مدت یکماه در سطح شهر بصورت کلی و در سطح هنرستانها بصورت انتخابی صورت گرفته بود اما، بدلیل استفاده از رویکرد مشارکتی ارتقاء سلامت و درگیر نمودن کلیه سازمانها و افراد ذربط که منجر به نحوه صحیح انتخاب گروه هدف و استراتژیهای موثر بصورت خرد جمعی گردید، توانسته بعد از گذشت ۳ سال همچنان در پیشگیری از مرگ و میر و حوادث، تأثیری پایدار و ماندگار از خود به جای گزارد.

کلید واژه: حوادث ترافیکی، ارتقاء سلامت، مرگ.

مریم مظاهری

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۴۴۲۵۱۷

Maryam_mazaheri_1350@yahoo.com

نسترن کشاورز محمدی

دکتری تخصصی ارتقاء سلامت، دانشیار گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

بهزاد جعفری نیا

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

تورج کردعلیوند

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی دزفول، دزفول، ایران.

حسین محمدی

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی دزفول، دزفول، ایران.

عبدالمجید سخاجو

کارشناس، پزشکی قانونی دزفول، دزفول، ایران.

محمد محمودی نژاد

مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی دزفول، دزفول، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی، اجرا و ارزشیابی یک برنامه مشارکتی ارتقاء سلامت برای کاهش حوادث ترافیکی

شرح تجربه

بیان مسئله: گزارش ۲۰۱۵ سازمان جهانی بهداشت نشان میدهد که مرگ و میرهای جاده ای همچنان در حد ۱/۲ میلیون نفر در سال باقی مانده و حدود یک چهارم آنها در موتورسواران اتفاق می افتد. شهرستان دزفول بدلیل وضعیت معابر و ساختار شهری دارای موتورسواران و به تبع آن حوادث زیادی می باشد. از آنجا که هدف پژوهش، برنامه ریزی و اجرای یک برنامه بهداشتی با مشارکت افراد ذریبط و بر مبنای شناسایی دقیق و عمیق تعیین کننده های انسانی جهت کاهش حوادث ترافیکی موتورسواران دزفول بود، این مطالعه با استفاده از رویکرد ارتقاء سلامت و مشارکت حداکثری ذریبطان طراحی گردید.

اهداف تجربه: هدف کلی: طراحی، اجرا و ارزشیابی یک برنامه مشارکتی ارتقاء سلامت برای کاهش حوادث ترافیکی موتورسواران اهداف اختصاصی:

۱: شناسایی وضعیت موجود ۲: تدوین و اجرای مشارکتی برنامه مداخله ای ۳: مقایسه وضعیت عوامل انسانی و حوادث ترافیکی قبل و بعد از مداخله

روش و مراحل کار: ابتدا تیم برنامه ریزی تشکیل و ۷ جلسه مشارکتی رسمی با ذریبطان سطح شهرستان برگزار گردید. سپس به شناسایی مشارکتی تعیین کننده های انسانی حوادث ترافیکی پرداخته شد. همزمان، نظرسنجی از موتورسواران و دانش آموزان، اقشار مختلف مردم، پلیس و آموزش و پرورش صورت گرفته، به همراه داده های منابع مرتبط موجود، به تعیین کننده های بدست آمده در جلسات مشارکتی، اضافه گردید. ابزار گردآوری داده ها طراحی، اصلاح و اعتبارسنجی گردید. سپس یک برنامه مداخله ای مشارکتی با عنوان «کمپین آموزشی تک سواران جنوب» طراحی شد. گروه هدف ۱۴۸ نفر معین و پیش از آن زمان پذیرفت. در مرحله اجرا، اطلاع رسانی انجام و کمپین آموزشی بمدت ۱ ماه با ۸ استراتژی اجرا گردید. اقداماتی دیگر هم همزمان صورت گرفت. ۳۰۱ ماه پس از مداخله، پس از آن زمان انجام و مقایسه عوامل انسانی و وضعیت حوادث صورت پذیرفت.

نتایج: مبنای مقایسه آمار حوادث، فوریت های پزشکی مشخص گردید. گروه سنی در معرض خطر ۳۵-۱۸ ساله ها تعیین و گروه هدف مطالعه، دانش آموزان هنرستانی انتخاب شدند. ۶. اولویت، به عنوان تعیین کننده های انسانی مداخله مشخص شد. نتایج نشان داد آمار حوادث در مرحله قبل از مداخله نسبت به زمان مشابه در سال گذشته، تفاوت معنی داری نداشته، اما ۱ ماه پس از مداخله با کاهش ۹/۵۹ درصدی در ۳ ماه پس از مداخله با کاهش ۱۳/۵۷ درصدی بروز، تغییر معنی داری نسبت به زمان مشابه سال قبل داشته است. مقایسه وضعیت عوامل انسانی نشان داد که در دانش نگرش و رفتار دانش آموزان بهبودی مشاهده که در دانش معنی دار و در نگرش و رفتار معنی دار نبود. ضمناً در تمام ۶ اولویت تعیین شده فوق الذکر، ارتقاء در میانگین ها نسبت به قبل از مداخله مشاهده گردید که در سبقت غیر مجاز، رعایت حق تقدم، سرعت غیرمجاز و عبور از چراغ قرمز معنی دار و در انجام حرکات نمایشی و استفاده از تلفن همراه معنی دار نبود.

ذینفعان / مخاطبان: دانشگاه علوم پزشکی، شهرداری، بیمه ایران، آموزش و پرورش، سازمان آتش نشانی، نیروی انتظامی، فرمانداری، اداره راه و شهرسازی، شورای شهر، اداره بهزیستی و کلیه اهالی شهرستان دزفول.
چالش های طرح: تعداد زیاد ادارات و سختی برقراری ارتباط با ذریبطان، تداخل مسائل شهری با برنامه، عدم توانایی مداخله در طراحی و مکان نصب پیام های آموزشی، مشکلات بودجه و کمبود نیروی انسانی، مشکلات محاسبه آمار ترافیکی، نیاز به دبیرخانه جهت ساماندهی اقدامات.

کلید واژه: برنامه مشارکتی، ارتقاء سلامت، حوادث منجر به جرح، موتورسواران، دزفول.

مریم مظاهری

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۴۴۲۵۱۷

Maryam_mazaheri_1350@yahoo . com

نسترن کشاورز محمدی

دکتری تخصصی ارتقاء سلامت، دانشیار گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

حمید سوری

دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقاء ایمنی و پیشگیری از مصدومیتها، استاد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

علی رمضانخانی

دکتری تخصصی آموزش بهداشت، استاد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

تورج کردعلیوند

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، اداره راهنمایی و رانندگی دزفول، دزفول، ایران.

داریوش پاپی فرد

نیروی انتظامی شهرستان دزفول، معاونت اجتماعی، دزفول، ایران.

غلامرضا نصراله پور

آموزش و پرورش شهرستان دزفول، دزفول، ایران.

محمد رضا کرمی نژاد

شهرداری دزفول، دزفول، ایران.

محمد افضل زاده

مرکز فوریت های پزشکی دزفول، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

حبیب الله آصفی

فرمانداری ویژه شهرستان دزفول، دزفول، ایران.

محمد هادی مقدسیان

رادیوی محلی شهرستان دزفول، دزفول، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



یک برنامه مشارکتی ارتقاء سلامت جهت سلامت جسم و روان دانش آموزان و معلمان دبستان

مریم مظاهری

* دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۴۴۲۵۱۷

Maryam_mazaheri_1350@yahoo.com

نسترن کشاورز محمدی

دکتری تخصصی ارتقاء سلامت، دانشیار گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

علی کرامت زاده

مدیر دبستان رازی، آموزش و پرورش شهرستان دزفول، دزفول، ایران.

شرح تجربه

بیان مسئله: شهرستان دزفول که جمعیتی بالغ بر ۴۸۰ هزار نفر دارد، دارای دبستانهای متعددی بوده که سرانه کمی به آنها تعلق می‌گیرد. دبستان رازی یکی از آموزشگاههای مقطع ابتدایی این شهرستان بوده که حدود ۷ دهه از عمر آن می‌گذرد و بسیاری از مسئولین شهری و حتی کشوری در این دبستان تحصیل کرده اند، لذا از اهمیت خاصی برخوردار بوده و هم اداره آموزش و پرورش شهرستان و هم خانواده‌های دانش آموزان انتظارات زیادی از مسئولین آن داشته و دارند. با توجه به سرانه اندک آموزشگاه و انتظارات بالا، راهکارهایی توسط مدیر و مسئولین آموزشگاه طراحی و اجرایی گردید.

اهداف تجربه: هدف کلی / اهداف اختصاصی هدف کلی: ارتقاء سطح سلامت دانش آموزان و معلمان اهداف اختصاصی: ۱: شناسایی ظرفیتهای موجود ۲: برگزاری جلسات متعدد مشورتی در قالب انجمن اولیاء و مربیان ۳: شناسایی و معرفی راهکارهای مناسب و کم هزینه در جهت ارتقاء سلامت جسمی و روحی دانش آموزان و معلمان ۳: اجرای راهکارهای خروجی از جلسات انجمن اولیاء و مربیان

روش و مراحل کار: در ابتدای سال تحصیلی، جلسه انجمن برگزار و مشورتهای متعددی با اعضاء که همچون بازوان مسئولین دبستان بودند صورت گرفت. هدف از این کار، پیشنهاد و همفکری در جهت ایجاد بسترهای مناسب و همکاری و مساعدتهای کلی والدین با مسئولین بود. پس از جلسات متعدد که در طول سال تحصیلی برگزار گردید، راهکارها و پیشنهادات لیست گردیده و همزمان با مداومت در اجرای آنها، به سایر مسائل دبستان نیز اندیشیده و این امورات بمدت سه سال متوالی ادامه یافت.

نتایج: خروجی جلسات منجر به انجام اقداماتی زیر گردید: ۱- استفاده از والدین متخصص دانش آموزان بصورت رایگان و داوطلبانه جهت: اقدامات بهداشتی، پزشکی و دندان پزشکی، آموزش دانش آموزان و والدین بمنظور ارتقای سلامت پیرامون دهان و دندان، تغذیه سالم، مشاوره‌های آموزشی، بهداشت روان، ایجاد روابط مناسب بین والدین و فرزندان، احساس مسئولیت در قبال تحصیلات دانش آموزان و نحوه برخورد والدین با دانش آموزان در شرایط متفاوت. ۲- دعوت از والدین روحانی جهت برگزاری جشن‌های شکرگزاری، آموزش‌های نماز و قرآن و معرفی امکانات مذهبی و مساجد. ۳- استفاده از والدین خیاط در جهت دوخت لباس‌های فرم دانش آموزان، تعمیر و دوخت پرده‌های کلاسها. ۴- استفاده از فضاهای ورزشی خارج از محیط آموزشگاه مربوط به والدین جهت کلاس‌های ورزشی. ۵- توسعه فضاهای مورد نیاز آموزشگاه با همکاری جسمی و مادی والدین متخصص شامل: ترمیم لوله کشی آب و گاز آموزشگاه، تامین مصالح ساختمانی مورد نیاز، کاشی کاری، ساخت و نصب میزهای پینگ پنگ و شطرنج در محیط آموزشگاه جهت دهی اوقات فراغت، معرفی رشته‌های ورزشی، پیشرفت دانش آموزان و... ایجاد فضای ورزشی مناسب (زمین چمن فوتسال جمعی)، نصب تانکر آب به منظور آبیاری زمین چمن، آسفالت محیط بیرونی آموزشگاه (پایاده رو). ۶- نصب و راه اندازی، تعمیر و وسایل مورد نیاز آموزشگاه توسط والدین ۸- استفاده از والدین متخصص جهت آموزش خوشنویسی، فیلمبرداری و استفاده از لوازم جانبی آموزشگاه ۹- خریداری مسواک و خمیر دندان جهت ارتقاء فرهنگ مسواک. از نتایج بلند مدت برنامه میتوان به تقلید مدارس همجوار، ادامه فعالیتهای دانش آموزان در خارج از مدرسه، غربالگری دانش آموزان و ارتقاء سطح سلامت دانش آموزان اشاره نمود.

دینفعان / مخاطبان: دانش آموزان، والدین، معلمان، اداره آموزش و پرورش.

چالش‌های طرح: طاق فرسا بودن پیگیری ها و توضیحات لازم برای والدین، مستندسازی و توجیه برنامه

کلید واژه: مشارکت، ارتقاء سلامت، دانش آموزان، معلمان، مسئولین، دزفول.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه خود کارآمدی بر سواد سلامت، خودکارآمدی عادات منظم خوردن و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی در دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر چناران

معصومه معتمدی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نوشین پیمان

* استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۵۰۲۶۱۹۵

منور افضل آقایی

دانشیار، پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل
اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی یک پیشگویی کننده برای رفتارهای بهداشتی از جمله فعالیت جسمی و عادات خوردن است. سواد سلامت ظرفیت افراد برای کسب، پردازش، و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی پایه مورد نیاز برای تصمیم گیریهای سلامتی می باشد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر آموزش بر اساس نظریه خود کارآمدی بر سواد سلامت، خودکارآمدی عادات منظم خوردن و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی در دانش آموزان دختر مقطع دوم متوسطه می باشد.

روش بررسی: این پژوهش، مطالعه ای نیمه تجربی بود که در آن ۹۲ دانش آموز دختر ۱۵ تا ۱۸ سال به روش نمونه گیری تصادفی ساده در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت (NVS)، خودکارآمدی عادات منظم خوردن و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی بود. مداخله آموزشی در ۵ جلسه آموزشی ۴۰ دقیقه ای در گروه آزمون طراحی و اجرا شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیلی با نرم افزار spss انجام شد.

یافته ها: قبل از مداخله تفاوت معناداری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر میانگین نمره سواد سلامت، خودکارآمدی عادات منظم خوردن و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمانی مشاهده نشد. اما بعد از مداخله، تفاوت آماری معنی داری در نمره سواد سلامت ($P < 0/001$)، خودکارآمدی عادات منظم خوردن ($P < 0/001$) و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی ($P < 0/001$) در گروه آزمون مشاهده شد. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که طراحی و اجرای مداخلات آموزشی مبتنی بر نظریه خودکارآمدی می تواند منجر به افزایش سواد سلامت، خودکارآمدی عادات منظم خوردن و خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی دانش آموزان گردد.

کلید واژه: سواد سلامت، خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی، خودکارآمدی عادات منظم خوردن



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ویژگیهای روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم

چکیده

مقدمه: تأثیرات مثبت فعالیت جسمانی منظم برای همه گرو‌های سنی اثبات شده است. با این وجود سبک زندگی کم تحرک در بین نوجوانان تقریباً در همه جای دنیا رایج است. پژوهش حاضر با هدف روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم در بین دانش آموزان دختر ۱۵-۱۸ سال شهر چناران انجام گرفت.

روش: در این پژوهش به منظور روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم، تعداد ۴۳۹ دانش آموز با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه ای از مدارس نواحی مختلف آموزش و پرورش شهرستان چناران انتخاب و بعد از ترجمه پرسشنامه با استفاده از رویکرد جونز، شاخص‌های روایی محتوایی و شاخص نسبت روایی محتوایی و تحلیل عاملی تاییدی مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی دانش آموزان شرکت کننده در مطالعه $16/51 \pm 1/04$ و میانگین شاخص توده بدنی آنان $21/40 \pm 3/64$ بود. برای کلیه سوالات پرسشنامه مقادیر شاخص‌های روایی محتوایی و شاخص نسبت روایی محتوایی در سطح قابل قبول بود. مقدار آلفای کرونباخ بین سوالات پرسشنامه خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم $0/898$ بود. کلیه شاخص‌های نیکویی برازش مدل در تحلیل عاملی تاییدی در سطح قابل قبول بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد پرسشنامه خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم از روایی و پایایی مطلوبی در ایران برخوردار است و می‌توان از این ابزار به منظور ارزیابی خودکارآمدی فعالیت منظم جسمانی نوجوانان استفاده نمود.

کلید واژه: روایی و پایایی، فعالیت جسمانی، خودکارآمدی، ایران

معصومه معتمدی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نوشین پیمان

* استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۰۲۶۱۹۵

دکتر جمشید جمالی

استادیار. دکترای تخصصی آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات مدیریت و عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

منور افضل اقبایی

دانشیار، پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ویژگیهای روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی عادات منظم خوردن

معصومه معتمدی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،
ایران
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نوشین پیمان

* استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۵۵۰۲۶۱۹۵

دکتر جمشید جمالی

استادیار. دکترای تخصصی آمار زیستی، گروه
آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
مرکز تحقیقات مدیریت و عوامل اجتماعی موثر بر
سلامت. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

منور افضل آقایی

دانشیار، پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل
اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه
آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: تغذیه مناسب و صحیح در دوران مختلف زندگی به خصوص در دختران نوجوان که نقش موثری در سلامت نسل آینده جامعه ایفا می کنند، دارد. پژوهش حاضر با هدف روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی عادات منظم خوردن در بین دانش آموزان دختر ۱۸-۱۵ سال شهر چناران انجام گرفت.

روش بررسی: در این پژوهش به منظور روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه خودکارآمدی عادات منظم خوردن، تعداد ۴۳۹ دانش آموز با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه ای از مدارس نواحی مختلف آموزش و پرورش شهرستان چناران انتخاب و بعد از ترجمه پرسشنامه با استفاده از رویکرد جونز، شاخص های روانی محتوایی و شاخص نسبت روانی محتوایی و تحلیل عاملی تاییدی مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی دانش آموزان شرکت کننده در مطالعه $16/51 \pm 1/04$ و میانگین شاخص توده بدنی آنان $21/40 \pm 3/64$ بود. برای کلیه سوالات پرسشنامه مقادیر شاخص های روانی محتوایی و شاخص نسبت روانی محتوایی در سطح قابل قبول بود. مقدار آلفای کرونباخ بین سوالات پرسشنامه خودکارآمدی عادات منظم خوردن $0/924$ بود. کلیه شاخص های نیکویی برازش مدل در تحلیل عاملی تاییدی در سطح قابل قبول بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد پرسشنامه خودکارآمدی عادات منظم خوردن از روانی و پایایی مطلوبی در ایران برخوردار است و می توان از این ابزار به منظور ارزیابی خودکارآمدی عادات منظم خوردن نوجوانان استفاده نمود.

کلید واژه: روانی و پایایی، عادات خوردن، خودکارآمدی، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان خودکارآمدی عادات منظم خوردن، خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم و سواد سلامت در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم در شهر چناران

چکیده

مقدمه: تغییرات ایجاد شده در دوران نوجوانی، نوجوانان را در معرض خطر گسترش رفتارهای پرخطر بهداشتی از قبیل عدم تحرک و عادات تغذیه ای نامناسب قرار می دهد. لذا این مطالعه با هدف بررسی سواد سلامت، خودکارآمدی عادات خوردن و فعالیت جسمانی منظم دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم در شهرستان چناران در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

روش بررسی: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به شیوه مقطعی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت. در این مطالعه، ۴۳۹ دانش آموز شهر چناران با استفاده نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت (NVS)، خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی و خودکارآمدی عادات منظم خوردن جمع آوری شد و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ و آزمونهای آماری متناسب، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان $16/51 \pm 1/03$ و محدوده سنی بین ۱۵ تا ۱۸ سال بود. میانگین و انحراف معیار خودکارآمدی عادات منظم خوردن، خودکارآمدی فعالیت جسمانی منظم و سواد سلامت به ترتیب $0/78 \pm 0/93$ و $45/79 \pm 13/42$ ، $84/25 \pm 22/07$ بود.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع میزان خودکارآمدی عادات منظم خوردن، خودکارآمدی فعالیت منظم جسمی و سواد سلامت در دانش آموزان دختر ۱۵-۱۸ سال شهر چناران پایین تر از حد مطلوب می باشد و این موضوع لزوم انجام برنامه های آموزش سلامت بر اساس حیطه های رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و مولفه های سواد سلامت و خودکارآمدی را نشان می دهد.

کلید واژه: سواد سلامت، نوجوانی، خودکارآمدی، فعالیت بدنی، عادات خوردن

معصومه معتمدی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نوشین پیمان

* استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۰۲۶۱۹۵

منور افضل اقای

دانشیار، پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آموزش پاسخگو از دیدگاه مربیان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و انطباق آن با کارآموزی بهداشت عمومی در سال ۹۷

بهار معرب

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، ایران

محمد واحدیان شاهرودی

* دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه بهداشت
و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه: بر اساس چهارچوب پیشنهادی WHO برای ارزشیابی میزان پاسخگویی اجتماعی برنامه‌های کارآموزی کارشناسی بهداشت عمومی این مطالعه با هدف تعیین وضعیت آموزش پاسخگو از دیدگاه مربیان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و انطباق آن با کارآموزی بهداشت عمومی در سال ۹۷ انجام گرفته است.

روش بررسی: تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی بوده و از جهت نحوه گرد آوری اطلاعات بصورت توصیفی - میدانی می‌باشد. جامعه مورد بررسی در این پژوهش کلیه مربیان مرتبط با کارآموزی بوده است که همه افراد واجد شرایط در مطالعه وارد شدند و ابزار شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه مبتنی بر کتابچه آموزش پزشکی پاسخگو چاپ مرکز مطالعات دانشگاه علوم پزشکی مشهد بوده است.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است بیشترین نظر موافق را بین نمونه‌ها، آموزش به خود اختصاص داده است بطوریکه ۸۰ درصد مربیان آموزش را به عنوان اصلی‌ترین محور پاسخگویی بیان نموده‌اند. و ۷۰ درصد مربیان خدمات و ۶۵ درصد مربیان پژوهش را به عنوان اصلی‌ترین محور پاسخگویی بیان نموده‌اند. **نتیجه‌گیری:** ارتباط، کیفیت، به صرفه بودن و برابری می‌تواند شاخص‌های آموزش به دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی را تحت تأثیر قرار داده و باعث بهبود یا تعدیل آن شود. بنابراین باید با بازمهندسی برخی از سیاست‌های آموزش جهت اثربخشی بیشتر این برنامه به بهبود دیگر شاخص‌های عملکردی و در نهایت نظام سلامت کمک نمود.

کلید واژه: کارآموزی - آموزش پاسخگو - مربیان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اجتماعی شدن سلامت

چکیده

مقدمه: در آموزه‌های دینی ما به امر سلامت و امنیت تاکید فراوانی شده است که این نشان از به هم پیوستگی امر اجتماعی و سلامت دارد. در دنیای امروز نیز سلامت امری فردی نبوده و رویکرد اجتماعی شدن آن در تعریف سازمان جهانی بهداشت مورد توجه جدی قرار گرفته است. سلامت به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار جوامع، وقتی اثربخش خواهد بود که در مشارکت عمومی و معنادار محقق شود. اجتماعی شدن سلامت علاوه بر تلاش همه جانبه، نیازمند جذب و جلب مشارکت عمومی است.

روش بررسی: این مطالعه به صورت توصیفی از طریق مروری بر کتب و تعداد کثیری از پژوهش‌های منتشر شده و مقالات موجود در اینترنت تهیه شده است.

یافته‌ها: سلامت یک موضوع چندوجهی است و دستیابی یک جامعه به آن نیازمند به کارگیری روش‌هایی است که به مشارکت و همکاری بین بخشی منجر شود؛ نگاهی به تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت مشخص می‌سازد که تامین، حفظ و ارتقای سلامت یک جامعه از طریق یک وزارتخانه (بهداشت) ممکن نخواهد شد. در بیانیه آلمانا تصریح شده است که علاوه بر بخش سلامت، تمامی جوانب توسعه ملی و اجتماعی مرتبط را در بر می‌گیرد و به تلاش‌های هماهنگ در تمامی این حوزه‌ها نیاز دارد. ورنر و ساندرز اشاره کرده‌اند که مدل مراقبت‌های اولیه بهداشتی چگونه بر پایه اقدامات جامعه محور بیان شده است و شامل نگاهی جامع بر تعیین کننده‌های اجتماعی و محیطی می‌باشد. البته باید اشاره کرد که دیدگاه اجتماعی به سلامت از سال ۱۹۴۸ مورد توجه قرار گرفت؛ با توجه به تعریف سلامت (حالت کامل رفاه جسمی، روانی و اجتماعی) سلامت و تاکید بر اقدامات بین بخشی برای بهبود سلامت به وسیله مورد توجه قرار دادن فاکتورهای محیطی و اجتماعی.

نتیجه گیری: اولین مساله در اجتماعی شدن سلامت موضوع مشارکت است. به این معنی که مردم در امور مربوط به سلامت خودشان نقش آفرین باشند. بنابراین باید زمینه مشارکت مردم فراهم شود؛ چراکه مردم می‌توانند در حفظ سلامتی خودشان مشارکت داشته باشند. دومین جنبه اجتماعی شدن سلامت، مساله همکاری و مشارکت سازمان‌ها با عنوان مشارکت بین‌بخشی در حوزه سلامت است.

کلید واژه: اجتماعی شدن - سلامت - اجتماعی شدن سلامت

زهرا معلمی نفت چالی

* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی - کارشناس آموزش کارکنان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۱۹۸۷۴۰

moallemnz2@mums.ac.ir

فاطمه سعیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش جامعه نگر در نظام سلامت - کارشناس آموزش کارکنان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



واکاوای مفهوم سلامت جنسی دانش آموزان نوجوان از منظر صاحب نظران با تمرکز بر آموزش والدین

سعیده معماری

دکتری مدیریت آموزشی پردیس فارابی دانشگاه تهران
نویسنده مسئول: تهران، خ ستارخان، ه هفتم دریان نو،
۰۹۱۲۱۵۰۷۱۲۲

S.memari@gmail.com

حمیدرضا یزدانی

دکتری مدیریت منابع انسانی دانشکده مدیریت دانشگاه
تهران

سمیه فریدونی

دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علوم و تحقیقات

چکیده

مقدمه: نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی بوده و ویژگی‌های رفتاری نوجوان در دوره نوجوانی اهمیت بسزایی دارد. نوجوانان تمایل زیادی به عبور از محدودیت‌ها و تجربه رفتارهای جدید دارند. در این میان، مسائل مرتبط با سلامت جنسی باید مورد توجه قرار گیرد. مسئله اساسی مطالعه حاضر این است که سلامت جنسی دانش آموزان نوجوان از منظر صاحب نظران چه مفهومی دارد و چگونه از طریق آموزش به والدین می‌توان در حفظ و ارتقای آن گام برداشت.

روش بررسی: پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. با روش هدفمند و با راهبرد انتخاب مشارکت‌کنندگان با حداکثر تنوع، ۱۸ نفر به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان طیفی از افراد صاحب نظر بودند که هر یک به نوعی در زمینه آموزش، سلامت و مسائل نوجوانان تخصص داشتند.

یافته‌ها: تحلیل متن مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری انجام گرفت در نهایت، ۲۷ زیرطبقه و ۷ طبقه اصلی و یک درون‌مایه استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده شکل‌گیری سلامت جنسی در ساختار ناکارآمد فرهنگی اجتماعی و ضعف در برنامه‌های آموزش سلامت جنسی به والدین و نوجوانان است که این امر از برخی عوامل اجتماعی، خانوادگی و فردی متأثر است.

نتیجه‌گیری: سلامت جنسی به دوران خاصی محدود نیست و از بدو تولد تا آخر عمر اهمیت دارد. سلامت جنسی در دوران نوجوانی نیازمند توجهی ویژه است و تأمین آن نیازمند کار مشترک بین نهادهای خانواده، سلامت و آموزش است. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تأمین‌کننده سلامت جنسی بوده و نیازمند آموزش درست است.

کلید واژه: سلامت جنسی، نوجوان، والدین

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی میزان اثر بخشی و پاسخگویی در ارزشیابی‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد و عوامل موثر بر آن در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: به تحقیق مهم ترین اهداف دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و ارائه خدمات بهداشتی درمانی متناسب با نیازهای جامعه و توجه به امکانات و شرایط موجود در جهت ارتقای سلامت است. به کارگیری نظام آموزش پزشکی پاسخگو (SAME) و بررسی میزان پاسخگویی در ارزشیابی‌های آموزشی یکی از راه‌های نیل به این هدف می‌باشد. در این راستا موفقیت بلند مدت هر سازمانی بسته به این است که آیا کارکنان به طور اثربخش و مداوم به امر آموزش می‌پردازند و اطلاعات جدید را جهت بهبود عملکرد شغلی خود که برای سازمان سودمند است به کار می‌گیرند. آموزش مداوم کارکنان، عنصر اصلی تامین و حفظ آینده سازمان است. در این پژوهش به میزان اثربخشی و پاسخگویی در ارزشیابی‌های آموزش‌های ضمن خدمت در بین کارکنان و عوامل موثر بر آن پرداخته شده است.

روش بررسی: این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی بوده. جمع آوری داده‌ها توسط پرسشنامه استاندارد اثربخشی آموزش‌های ضمن خدمت صورت پذیرفت که روایی و پایایی آن در پژوهش (حیدری و شکوهی طرقي، ۱۳۹۳) توسط اساتید و متخصصان این حوزه تایید شده و پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمده است. در بین کلیه کارکنان استخدام و قراردادی شبکه بهداشت شهرستان توزیع گردید و اطلاعات بدست آمده در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: با توجه به خروجی اطلاعات وارد شده در نرم افزار و تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، از تعداد ۹۶ نفر کارمند، ۶۱٫۵ درصد زن و ۳۸٫۵ درصد مرد بوده و کمترین و بیشترین سن کارمندان به ترتیب ۲۴ و ۵۶ سال و میانگین سن پاسخگویان ۳۹٫۸ سال می‌باشد. از لحاظ رشته‌های شغلی نیز شرکت کنندگان در مطالعه ۲۲٫۸٪ بهورز، ۳۲٫۹٪ کارشناس پیراپزشکی، ۲۲٫۷٪ پزشکی و ۳۵٫۶٪ نیروهای خدماتی و سایر رشته‌های شغلی بوده‌اند. میزان اثربخشی برنامه‌های آموزش ضمن خدمت برای کارکنان، حدود ۳٪ دارای اثربخشی "ضعیف" یا "پایین"، ۵۳٪ دارای اثر بخشی "متوسط" و حدود ۴۴٪ دارای اثر بخشی "بالا" بوده است. برای بررسی ارتباط بین متغیر میزان اثر بخشی و متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، سابقه کاری، رشته تحصیلی (با توجه به کیفی بودن دو متغیرها) از آزمون کای دو (chi-square) استفاده شد. شدت همبستگی متغیرها نیز با استفاده از شاخص "وی-کرامر" اندازه گیری گردید.

نتیجه گیری: آموزش‌های ضمن خدمت توان نیروی انسانی را در کسب و تحقق اهداف و مأموریت‌های سازمانی تقویت می‌کند. با توجه به این اهمیت، عدم توجه به عوامل تاثیرگذار بر دوره‌های آموزش ضمن خدمت سبب کاهش کیفیت دوره‌های آموزشی و عملکرد کارکنان می‌شود. نتایج مطالعات مختلف نشان‌دهنده این موضوع است که عوامل مختلفی چون رفع نیاز آموزشی طی آموزش‌های ضمن خدمت، برخورداری از تجهیزات مناسب، آموزش همراه با فناوری‌های نوین، انجام نیازسنجی‌های علمی از آموزش بیشترین تاثیر را بر اثربخشی آموزش‌های ضمن خدمت دارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در تدوین اهداف و برنامه‌های آموزشی به این عوامل توجه اساسی شود.

کلید واژه: میزان پاسخگویی، ارزشیابی آموزشی، اثربخشی، آموزش ضمن خدمت

آتوسا معیری

آتوسا معیری-کارشناسی ارشد آموزش بهداشت- شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

دکتر سیده عالیه علوی

* پزشکی عمومی، دکترای حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۹۴۴۹۷۹
Dr.a.alavi@gmail.com

عبدالستار سید خوجه

عبدالستار سید خوجه- کارشناس بهداشت عمومی- شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

فریبا علی زاده شرح آباد

فریبا علی زاده شرح آباد- کارشناسی ارشد مامایی- شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

حدیقه کریم زاده

حدیقه کریم زاده- کارشناسی ارشد آموزش بهداشت- شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

شهناز شاهرودی

شهناز شاهرودی- کارشناس بهداشت عمومی- شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سطح سواد سلامت و تعیین رابطه آن با متغیرهای جمعیت شناختی

قنادی‌های شهرستان عباس آباد در سال ۱۳۹۷

دکتر سیده عالیه علوی

* پزشکی عمومی، دکترای حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۹۴۴۹۷۹
Dr.a.alavi@gmail.com

آتوسا معیری

آموزش بهداشت، کارشناسی ارشد، شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران

عبدالستار سیدخوجه

بهداشت عمومی، کارشناسی شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران

شهناز شاهرودی

بهداشت عمومی، کارشناسی شبکه بهداشت و درمان شهرستان عباس آباد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه توجه زیادی به نقش فرد به عنوان عامل مرکزی در مدیریت سلامت خود شده است. واژه هایی چون مرکزیت قرار دادن بیمار، شیوه زندگی، اعمال بیمار و توانمند سازی همگی بر روی این موضوع تاکید دارند که فرد نقش حیاتی تری نسبت به ارائه کننده خدمات سلامت در کنترل سلامتی خود دارد. سواد سلامت به معنی میزان ظرفیت فرد برای کسب، تفسیر، درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامتی شامل مجموعه ای از مهارت‌های خواندن، شنیدن، تجربه و تحلیل، تصمیم گیری و توانایی به کارگیری این مهارت‌ها در موقعیت‌های سلامتی است که سطح پایین آن با مسائلی چون درک ناکافی اطلاعات بهداشتی، پزشکی، مشارکت کمتر جهت انجام رفتارهای پیشگیرانه تشخیص دیر هنگام بیماری‌ها، ناتوانی در مهارت خود مراقبتی و عدم تبعیت از رفتارهای سبک زندگی سالم مرتبط است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع کاربردی با رویکرد توصیفی بوده و ابزار جمع آوری اطلاعات نیز پرسشنامه سنجش سواد سلامت جمعیت شهری ایران (می باشد). روایی و پایایی پرسشنامه تایید شده است. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS و توسط آمار توصیفی (برای تعیین میانگین، انحراف معیار و فراوانی) و آمار تحلیلی (آزمون‌های ANOVA، کروسکال والیس و یومن ویتنی و آزمون t) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تمام آزمون‌ها سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: محدوده سنی شرکت کنندگان در پژوهش، ۲۳ تا ۶۵ سال و با میانگین و انحراف معیار ۳۲/۹۲ ± ۱۲/۷۵ سال بود. همچنین ۷۶/۹٪ از شرکت کنندگان در پژوهش مرد و مابقی زن بودند. از لحاظ مدرک تحصیلی، ۲۳/۱٪ زیر دیپلم، ۳۰/۸٪ دیپلم، ۱۵/۴٪ فوق دیپلم، ۳۰/۸٪ لیسانس میباشند. شرکت کنندگان در این پژوهش از نظر تاهل، ۳۸/۵٪ متاهل و ۶۱/۵٪ مجرد بودند. درخصوص متغیر دریافت اطلاعات مربوط به سلامت و بیماری، ۳۸/۵٪ از طریق پرسش، ۴۶/۲٪ از طریق اینترنت، ۷/۷٪ از طریق رادیو و تلویزیون و ۷/۷٪ نیز از سایر منابع، اطلاعات مربوط به سلامت و بیماری را کسب می‌نمودند. همچنین ارتباط معناداری بین خرده مقیاس فهم و درک با سطح تحصیلات، جنسیت و وضعیت تاهل، خرده مقیاس ارزیابی و جنسیت، خرده مقیاس دسترسی با سطح تحصیلات و وضعیت تاهل و خرده مقیاس خواندن و جنسیت افراد نیز مشاهده شد.

نتیجه گیری: به طور کلی، وضعیت سطح سواد سلامت اکثر شرکت کنندگان در پژوهش در حد متوسط یا بالاتر بود. و رابطه آماری معناداری بین برخی متغیرهای جمعیت شناختی گروه هدف مطالعه و ابعاد مختلف سواد سلامت (فهم و درک و دسترسی با سطح تحصیلات- وضعیت تاهل و جنسیت، ارزیابی و خواندن با جنسیت) وجود داشت. لازم است با در نظر گرفتن ویژگیهای جمعیت شناختی هر گروه از قنادان و با هدف توانمندسازی این افراد در زمینه سواد سلامت، مداخلات متناسب در هر گروه طراحی و اجرا گردد. همچنین، توسعه روشهای نوین آموزشی به منظور افزایش سواد سلامت عموم مردم، بالاخص صاحبان مشاغل به مسئولان امر پیشنهاد میشود.

کلید واژه: سواد سلامت؛ متغیر جمعیت شناختی، قنادی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر آموزش بهبود کیفیت خواب بر مبنای تئوری حمایت اجتماعی در ارتقاء بهزیستی روانشناختی پرسنل پرستاری و مامایی شاغل در بیمارستان‌های لرستان

چکیده

مقدمه: بهزیستی روانشناختی مستلزم درک چالش‌های وجودی زندگی است. رویکرد بهزیستی روانشناختی رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالش‌های وجودی زندگی را بررسی میکند و بر توسعه انسانی تاکید دارد. لذا هدف از این مطالعه تعیین تاثیر آموزش بهبود کیفیت خواب بر اساس مدل حمایت اجتماعی در ارتقاء بهزیستی روانشناختی پرسنل پرستاری و مامایی شاغل در بیمارستان‌های لرستان بود.

روش بررسی: این پژوهش در دو فاز انجام شد. فاز اول مطالعه توصیفی - تحلیلی، فاز دوم مطالعه مداخله ای از نوع تجربی بود. در فاز توصیفی- تحلیلی با ۳۰۰ نفر از پرسنل پرستاری و مامایی شاغل در بیمارستان‌های (شهدای عشایر خرم آباد و امام خمینی الشتر) زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی لرستان به روش سرشماری براساس انجام گرفت. جمع‌آوری اطلاعات توسط پرسشنامه خود ساخته شامل سوالات دموگرافیکی و سوالات بر اساس سازه‌های اصلی تئوری حمایت اجتماعی، پس از تایید روایی و پایایی آن، همچنین پرسشنامه استاندارد بهزیستی روانشناختی ریف و کیفیت خواب پیتزبورگ انجام شد. نتایج مطالعه نشان دهنده ارتباط بین کیفیت خواب و بهزیستی روانشناختی، همچنین ارتباط بین حمایت اجتماعی و بهزیستی روانشناختی در فاز توصیفی تحلیلی بود در فاز مداخله‌ای بر اساس حجم نمونه محاسبه شده به صورت تصادفی ۵۰ نفر از پرسنل پرستاری و مامایی بیمارستان شهدای عشایر خرم آباد به عنوان گروه کنترل و ۵۰ نفر در بیمارستان امام خمینی الشتر بعنوان گروه مداخله انتخاب شد. پرسشنامه‌های مربوطه توسط دو گروه در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون اول، و پس آزمون دوم تکمیل شد. سپس برنامه آموزشی بهبود کیفیت خواب با تاکید بر حمایت اجتماعی به تعداد پنج جلسه آموزشی، هر جلسه به مدت یک ساعت در طی ۲۱ روز به روش چهره به چهره، جهت گروه مداخله اجرا شد، بعد از اتمام جلسات آموزشی بلافاصله پس آزمون اول انجام گرفت سپس پیامک‌های آموزشی به مدت ۱۴ پیامک در طی دو هفته به گروه مداخله ارسال شد مجدداً ۴۵ روز بعد از پس آزمون اول، پس آزمون دوم برای گروه کنترل و مداخله انجام شد. در پایان اطلاعات دریافتی با استفاده از نرم افزار SPSS، و آزمون‌های کای دو، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T و آزمون F مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه حاکی از وجود اختلاف معنیداری بین میانگین نمره وضعیت خواب، بهزیستی روانشناختی و سازه‌های تئوری حمایت اجتماعی (عاطفی، اطلاعاتی، ابزاری، ارزیابی) در پرسنل پرستاری و مامایی شاغل در بیمارستان‌های مورد مطالعه بعد از مداخله آموزشی در گروه تجربی در مقایسه با گروه کنترل بود ($P < 0.05$) و بطور کلی وضعیت خواب و وضعیت بهزیستی روانشناختی در بین پرسنل بعد از مداخله آموزشی، نسبت به گروه کنترل به طور معناداری بهبود یافته بود ($P < 0.05$).
نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد آموزش مهارت‌های بهبود کیفیت خواب با تاکید بر حمایت اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی در ارتقاء بهزیستی روانشناختی بر اساس تئوری حمایت اجتماعی داشته باشد. یکی از مهمترین علت‌های این تاثیر حمایت‌های اجتماعی ایجاد شده توسط همکاران به صورت آموزش گروهی و بحث گروهی بود که می‌توان از آن به عنوان یک رویکرد مداخله ای موثر در این زمینه استفاده کرد.

کلید واژه: پرسنل پرستاری و مامایی، بهزیستی روانشناختی، کیفیت خواب، حمایت اجتماعی

بابک معینی

* دکتری آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

حجت‌اله طهماسیان،

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

محمد بابا میری،

دکتری روانشناسی صنعتی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

قدرت‌الله روشنایی

دکتری آمار زیستی، مرکز تحقیقات مدل سازی بیماری‌های غیر واگیر و گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



انتظارات پیامد مصرف قلیان در میان دختران و زنان جوان: یک مطالعه کیفی

فرشته زمانی علویچه

گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، اصفهان، ایران

زینب مکوندی

* دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۸۴۱۷۹۷۴

zeinabmakvandi@gmail.com

فیروزه مصطفوی

گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، اصفهان، ایران

رویا کلیشادی

مرکز تحقیقات رشد و تکامل کودک، موسسه تحقیقات پیشگیری از ابتلا به بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

سعید بشیریان

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: علیرغم وجود خطرات مرتبط با مصرف قلیان، هنوز شیوع مصرف قلیان در منطقه مدیترانه شرقی بویژه در دختران و زنان جوان در حال افزایش است. هدف این مطالعه تعیین انتظارات پیامد مرتبط با مصرف قلیان در دختران و زنان جوان بود.

روش بررسی: این مطالعه‌ی کیفی در سال ۹۷-۱۳۹۶ در شهرهای همدان و اصفهان انجام شد. برای بدست آوردن انتظارات پیامد مرتبط با مصرف قلیان، ۳۴ مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق با دختران و زنان جوان ۳۰-۱۳ سال انجام شد. مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و شامل افرادی بودند که مصرف‌کننده فعلی و یا سابق قلیان بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آنالیز محتوای کیفی استفاده شد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید ۷ تم اصلی شامل ۵ انتظار پیامد مثبت و ۲ انتظار پیامد منفی گردید. انتظارات پیامد مثبت شامل اعلان هویت، آرامش، لذت و سرگرمی، مقابله با تنش‌های روانی، و مقایسه با سیگار بود. این پیامدها توسط برخی از مشارکت‌کنندگان به عنوان عامل تسهیلگر برای شروع و تداوم مصرف قلیان قلمداد شدند و باعث ترغیب دختران و زنان جوان به مصرف قلیان گردیدند. همچنین انتظارات پیامد منفی شامل تاثیر بر باروری و خدشه دار شدن وجهه اجتماعی بود. برخی از مشارکت‌کنندگان این پیامدها را به عنوان عامل بازدارنده تلقی کردند که منجر به کاهش و حتی ترک مصرف قلیان در دختران و زنان جوان شدند.

نتیجه گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان دانش پایه‌ای ضعیفی درباره مصرف قلیان داشتند. نیاز فوری به طراحی مداخلات برای افزایش آگاهی دختران و زنان جوان در مورد آسیب پذیری مصرف قلیان وجود دارد.

کلید واژه: انتظارات پیامد، مصرف قلیان، دختران و زنان جوان، مطالعه کیفی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر برنامه توانمندسازی مبتنی بر مرحله انگیزشی مدل رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی بر فعالیت فیزیکی زنان میانسال

چکیده

مقدمه: زندگی بدون تحرک به عنوان یک عامل خطر بالقوه بیماری‌های مزمن شناخته شده است. با توجه به این که میانسالان جزء افراد در معرض خطر بیماری‌های مزمن بوده و اهمیتی که فعالیت فیزیکی در پیشگیری از این بیماری‌ها دارد، این پژوهش با هدف تشکیل قصد انجام فعالیت فیزیکی مبتنی بر مرحله انگیزش مدل رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی (HAPA) انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش نیمه تجربی بر روی ۱۶۰ نفر از زنان میانسال (۸۰ نفر مداخله و ۸۰ نفر کنترل) که به صورت چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، در شهرستان جوین سبزوار انجام شد. داده‌ها با پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر اطلاعات دموگرافیکی و سازه‌های مرحله انگیزش HAPA جمع‌آوری و توسط نرم افزار SPSS ۱۷ و آزمون‌های کای اسکوتر، همبستگی پیرسون، آنوا و فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یک ماه بعد از مداخله در گروه آزمون ۷۳/۶ درصد و در گروه کنترل ۲۹/۸ درصد از مشارکت کنندگان به مرحله قصد رسیدند، که از لحاظ آماری تفاوت معنی‌دار می‌باشد ($P < 0.001$). میانگین کل سازه‌ها در گروه مداخله، بلافاصله و یک ماه بعد از مداخله نسبت به قبل از مداخله به صورت معنی‌داری افزایش یافته ($P < 0.001$)، در صورتی که در گروه کنترل در هیچ یک از سازه‌ها تغییر معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین میانگین تمامی سازه‌ها در گروه مداخله، بلافاصله و یک ماه بعد از مداخله نسبت به گروه کنترل به صورت معنی‌داری افزایش یافت ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: این مطالعه بیانگر اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مرحله انگیزشی مدل رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی در تشکیل قصد انجام فعالیت فیزیکی در زنان میانسال می‌باشد.

کلید واژه: مدل رویکرد فرآیند رفتار بهداشتی، فعالیت فیزیکی، زنان میانسال

ملایجری زینب

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۷۴۳۱۱۹

zmalajjerdi@gmail.com

جوینی حمید

استادیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

هاشمیان معصومه

استادیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

برقبنانی روح الله

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه مدیریت بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



رابطه بین وابستگی به اینترنت و مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۹۶-۹۵ بر مبنای تئوری حمایت اجتماعی

سعید بشیریان

دانشیار آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
همدان، همدان، ایران

سیده ملیکا خارقانی مقدم

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء
سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نسرین شیر محمدی

کارشناسی ارشد، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

خدیجه بنده الهی

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

فاطمه ملک پور

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء
سلامت، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول:

FatemeMalekpour65@yahoo.com

چکیده

مقدمه: کاربردهای فراوان اینترنت و جذابیت‌های آن سبب شده در سالهای اخیر پدیده‌ای به عنوان اعتیاد به اینترنت ظهور کند. استفاده اعتیاد گونه از اینترنت می‌تواند تحت تاثیر ارتباطات و مهارت‌های ارتباطی فرد باشد. دانشجویان بر مبنای تئوری حمایت اجتماعی می‌توانند از انواع مساعدت‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی این سطوح از روابط اجتماعی برخوردار شوند. لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه وابستگی به اینترنت با مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی همدان بر اساس تئوری حمایت اجتماعی انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی و کاربردی می‌باشد. ۳۲۳ دانشجو از خوابگاه‌های مختلف دخترانه علوم پزشکی همدان به صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. جمع آوری داده‌ها با استفاده از سوالات دموگرافیکی و زمینه‌ای، پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی، پرسشنامه حمایت اجتماعی و پرسشنامه وابستگی به اینترنت انجام یافت. جهت آنالیز داده‌ها از آزمون‌های آماری t مستقل، ANOVA و همبستگی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین نمرات میزان وابستگی به اینترنت، حمایت اجتماعی، شبکه اجتماعی و مهارت ارتباطی در بین دانشجویان به ترتیب ۴۷/۴۸، ۱۲/۱۰۱، ۵۷/۴۳ و ۹۶/۹۶ بودند. بین میزان وابستگی به اینترنت و مهارت ارتباطی ($r = -0.189$) رابطه خطی معکوس معنی دار یافت شد ($P = 0.001$). به طوری که با افزایش میزان وابستگی به اینترنت، مهارت ارتباطی به طور متوسط کاهش می‌یابد. بر اساس مدل رگرسیون خطی برازش شده، افزایش یک نمره مهارت ارتباطی با ثابت ماندن متغیرهای دموگرافیک در مدل و ثابت ماندن نمره حمایت اجتماعی، وابستگی به اینترنت به طور متوسط به اندازه ۰/۳۸ کاهش می‌یابد.

نتیجه گیری: وابستگی به اینترنت، می‌تواند موجب کاهش مهارت‌های ارتباطی و حمایت اجتماعی دانشجویان گردد. به منظور پیشگیری از اعتیاد به اینترنت و بهبود مهارت‌های اجتماعی دانشجویان، آموزش استفاده صحیح از اینترنت ضروری می‌باشد.

کلید واژه: وابستگی به اینترنت، مهارت‌های ارتباطی، تئوری حمایت اجتماعی، شبکه اجتماعی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم:

یک مطالعه مروری

چکیده

مقدمه: سرمایه اجتماعی از مشهورترین مفاهیم علوم اجتماعی است و به مفهوم پیوند اجتماعی و حضور در شبکه‌های گروهی است. جرم پدیده‌ای است ضد اجتماعی که موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه گردیده و یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی از طریق روابط مبتنی بر اعتماد در شبکه‌های اجتماعی، عاطفه جمعی و انسجام اجتماعی یکی از سازوکارهای بازدارنده از جرائم در جامعه باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه مروری در آبان ماه ۱۳۹۶ انجام شد به همین منظور مقالات فارسی چاپ شده و نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر نظیر Google, SID, Iranmedx, Irandoc, Magiran و Scholar، با استفاده از کلید واژه‌های سرمایه اجتماعی، جرم، توزیع فضایی جرم، مواد، اعتیاد، قتل و بزهکاری بررسی شدند که نهایتاً تعداد ۱۵ مقاله مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفتند.

یافته‌ها: مرور مطالعات متعدد صورت گرفته در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، از رابطه متقابل و تنگاتنگ بین جرم و سرمایه اجتماعی حکایت دارد؛ به گونه‌ای که افزایش جرم در جوامع می‌تواند عاملی بر کاهش سرمایه اجتماعی تلقی شود و از طرفی افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند به طور چشمگیری از ارتکاب جرایم مختلف در جامعه جلوگیری کند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که رابطه‌ای دو سویه بین سرمایه اجتماعی و جرم وجود دارد به گونه‌ای که حمایت اجتماعی با ایجاد پناهگاه عاطفی- اجتماعی و منبع تغذیه اعتماد و خوش بینی به دیگران، زمینه‌گرایی به جرم را کاهش داده و از طرفی سرمایه اجتماعی منفی و افزایش تعامل و معاشرت با اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگانی که سابقه جرم داشتند زمینه ارتکاب به جرم را برای افراد بیشتر فراهم می‌آورند.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، جرم، توزیع فضایی جرم، مواد، اعتیاد، قتل، بزهکاری

ناهد ملک‌ساقونی

* دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۳۹۵۵۸۱۷۶۹

Email: Malekisin931@mums.ac.ir

فاطمه زهرا کریمی

استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ترویج زایمان طبیعی در زنان باردار شکم اول: کاربردی از بازاریابی اجتماعی در حوزه سلامت

محسن شمس

دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

مصطفی ملکی

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۶۲۲۹۰۵۳
mostafamaleki24@gmail.com

علی موسوی زاده

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

سعادت پرهیزکار

دکترای تخصصی بهداشت باروری، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

مقدمه: سازمان بهداشت جهانی توصیه می‌کند که سزارین بالاتر از ۱۵ درصد در هیچ جای جهان قابل قبول نیست. با این حال، میزان سزارین در ایران نزدیک به ۴۸ درصد است. بنابراین طراحی و اجرای مداخلات اثربخش برای کاهش درصد انجام سزارین در ایران ضرورت دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر مداخله مبتنی بر الگوی بازاریابی اجتماعی برای کاهش قصد انجام زایمان سزارین در بین زنان باردار شکم اول شهرستان بویراحمد در سال ۱۳۹۴ اجرا شد.

روش بررسی: در این مطالعه کارآزمایی در عرصه (قبل و بعد بدون گروه مقایسه) تمام زنان باردار شکم اول که در سن حاملگی سه و چهار ماهگی بودند (۱۹۷ نفر)، به عنوان گروه هدف اختصاصی انتخاب و شناسایی شدند. ۱۵۷ نفر از این تعداد با مطالعه حاضر همکاری کردند. برای دستیابی به اجزای آمیزه بازاریابی اجتماعی پژوهش تکوینی متشکل از یک پیمایش کمی (سنجش سازه‌های الگوی رفتار برنامه‌ریزی شده) و یک مطالعه کیفی (مصاحبه‌های فردی با ۱۲ نفر از افراد کلیدی در فرآیند ارائه خدمات و جلسات بحث گروهی متمرکز با ۳۷ نفر از زنان باردار شکم اول) انجام شد. بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش تکوینی مداخله اختصاصی شده، طراحی و در بین زنان گروه هدف پیش‌آزمون و اصلاح شد. محصول برنامه (برگزاری کلاس‌های آموزشی و انجام مداخلات مختصر) از طریق کانال‌های مناسب و مورد نظر زنان باردار (ماما و پزشک) به مدت یک ماه اجرا شد. برای کاهش موانع حضور در کلاس‌های آموزشی و ترویج و ماندگاری پیام‌های برنامه مشاوره تلفنی رایگان در زمان مورد نظر زنان باردار و به وسیله افراد تاثیر گذار بر روی آنها ارائه شد. یک ماه پس از اجرای برنامه مداخله، قصد انتخاب نوع زایمان قبل و بعد از مداخله ارزیابی شد. اثربخشی مداخله با استفاده از آزمون نسبت یک نمونه ای مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد میانگین سنی زنان باردار $25 \pm 4/71$ سال بود. قصد انتخاب زایمان سزارین در بین زنان باردار ساکن شهر قبل از مداخله ۴۴٫۵ درصد (۳۱ نفر) و در بین زنان باردار روستایی ۱۰ درصد (۸ نفر) بود. نتایج پس‌آزمون نشان داد که مداخله طراحی شده موفق شد قصد ۷۸٫۹ درصد (۳۰ نفر) از تمام زنانی که قبل از مداخله قصد سزارین داشته‌اند، را به طور معنادار تغییر دهد. همچنین به تفکیک محل سکونت زنان باردار مشخص شد قصد ۷۶٫۷ درصد (۲۳ نفر) از تمام زنان ساکن شهر و ۸۷٫۵ درصد (۷ نفر) از تمام زنان ساکن روستا که قبل از مداخله قصد انجام سزارین داشتند، تغییر کرده است.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر اثربخشی مداخله مبتنی بر الگوی مخاطب محور بازاریابی اجتماعی در کاهش قصد انجام زایمان سزارین را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان از این الگو برای کاهش میزان سزارین استفاده کرد.

کلید واژه: بازاریابی اجتماعی، زنان باردار شکم اول، سزارین، پژوهش تکوینی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاربرد از بازاریابی اجتماعی برای کاهش مصرف نمک در شهر یاسوج

چکیده

مقدمه: مصرف بیش از حد نمک ریسک فاکتور ابتلا به فشار خون و بیماریهای قلبی عروقی است. سازمان بهداشت جهانی در صورت اطمینان از ید دار بودن نمک، مصرف کمتر از ۵ گرم نمک در روز را برای هر فرد بالغ توصیه کرده است. با این حال مصرف نمک در بیشتر مردم در کشورهای جهان بیش از این مقدار است. مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله ای مبتنی بر الگوی بازاریابی اجتماعی به منظور کاهش مصرف نمک در شهر یاسوج در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع کارآزمایی میدانی شاهد دار (قبل و بعد) بود که گروه هدف آن را ۱۶۶ نفر از افراد ۲۵ تا ۵۰ سال شهر یاسوج تشکیل می دادند. برای دستیابی به مداخله از پژوهش تکوینی (مطالعه کمی و کیفی) استفاده شد. داده های کیفی با برگزاری شش جلسه بحث گروهی متمرکز با حضور ۶۶ نفر از ساکنان شهر یاسوج و با تاکید بر آمیزه بازاریابی اجتماعی جمع آوری شد. تحلیل داده ها به روش تحلیل محتوا و به صورت دستی انجام شد. پیمایش کمی شامل دو بخش سنجش وضعیت آگاهی، نگرش و عملکرد مرتبط با مصرف نمک با استفاده از پرسشنامه استاندارد و اندازه گیری میانگین نمک مصرفی روزانه با استفاده از گرفتن نمونه ادرار گروه هدف بود. پس از جمع آوری و تحلیل داده، این افراد به صورت تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و مقایسه تقسیم شدند و مداخله طراحی شده را به مدت یک ماه دریافت کردند. بسته آموزشی شامل نصب پوستر در آشپزخانه، توزیع پمفلت، برگزاری چهار جلسه آموزشی، انجام مداخله مختصر به وسیله پزشکان و مراقبان سلامت و مشاوره تلفنی رایگان بود. دو ماه پس از اتمام مداخله مجدداً آگاهی، نگرش و عملکرد مرتبط با مصرف نمک و میانگین سدیم و نمک افراد مورد مطالعه در هر دو گروه مداخله و گواه اندازه گیری و با هم مقایسه شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان برابر با $36/4 \pm 7/6$ بود. اکثر شرکت کنندگان دارای نمره های متوسط دانش، نگرش و عملکرد بودند که دو ماه پس از مداخله به طور معنادار افزایش یافته بود. متوسط مصرف نمک قبل از مداخله برابر با $35/2 \pm 14$ گرم در روز بود. پس از مداخله، میانگین و انحراف معیار مصرف نمک به طور معناداری به مقدار $2/11 \pm 11/33$ گرم در روز کاهش یافت.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر اثربخشی مداخله مبتنی بر الگوی مخاطب محور بازاریابی اجتماعی در کاهش مصرف نمک را نشان داد. طراحی مداخله بر اساس خواسته ها، دیدگاه ها و نظرات گروه هدف یک عنصر کلیدی برای تغییر رفتارهای پرخطر است بنابراین، متخصصان نیاز به توجه به مداخلات مخاطب محور از جمله بازاریابی اجتماعی دارند.

کلید واژه: مصرف نمک، پژوهش تکوینی، بازاریابی اجتماعی

محسن شمس

دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

مهدی لایقی اصل

* دانشجوی دکترای تخصصی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۷۴۱۳۷۴۸

m.layeghiasi@gmail.com

جانمحمد ملک زاده

دکترای تخصصی علوم تغذیه، گروه علوم تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

مصطفی ملکی

دانشجوی دکترای تخصصی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش چند رسانه ای تزریق ایمن بر عملکرد پرستاران در سه سطح حین آماده سازی، حین تزریق و بعد از تزریق

لیلا ممثلی

کارشناس ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

شکوه ورعی

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۲۱۶۶۹۲۷۱۷۱

Email: shvaraei@sina.tums.ac.ir

شهرزاد غیاثوندیان

دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

ناصر بحرانی

مریی هیئت علمی گروه آموزشی ریاضی- آمار، دانشکده علوم پایه، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: تزریقات یکی از رایج ترین پروسیجرهای پرستاری و یک بخش جدایی ناپذیر از نقش بالینی پرستاران می باشد که باید به صورت ایمن انجام شود. لذا این مطالعه با هدف تأثیر آموزش چند رسانه ای تزریق ایمن بر عملکرد پرستاران در سه سطح حین آماده سازی، حین تزریق و بعد از تزریق انجام گردید.

روش بررسی: پژوهش حاضر مطالعه ای نیمه تجربی، یک گروهی، با طراحی قبل و بعد بود. نمونه ها شامل ۵۰ نفر از پرستاران شاغل در شهرستان مینودشت، وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گلستان بودند که به روش سر شماری، به مطالعه وارد شدند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه جمعیت شناختی و چک لیست مشاهده عملکرد پرستاران در مورد تزریق ایمن بود که عملکرد پرستاران قبل و شش هفته بعد از آموزش با استفاده از چک لیست مورد مشاهده قرار گرفت. مداخله به صورت اجرای برنامه آموزشی چند رسانه ای، به مدت ۲ هفته، برای پرستاران بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶، آمار توصیفی و آزمون تی زوج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار عملکرد پرستاران حین آماده سازی قبل از آموزش $۱۶/۳۲ \pm ۳/۱۵$ و بعد از آموزش $۲۶/۱ \pm ۱/۴۰$ ، میانگین و انحراف معیار حین تزریق قبل از آموزش $۱۲/۴۸ \pm ۲/۱۱$ و بعد از آموزش $۱۸/۰۲ \pm ۱/۳۱$ و میانگین و انحراف معیار بعد از تزریق قبل از آموزش $۱۱/۰۸ \pm ۱/۱۲$ و بعد از آموزش $۱۳/۳۲ \pm ۰/۹۹$ بود و بین میانگین امتیاز عملکرد پرستاران قبل و بعد از مداخله آموزشی در سه سطح حین آماده سازی، حین تزریق و پس از تزریق اختلاف آماری معنا داری وجود داشت ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه گیری: یافته های پژوهش نشان داد که آموزش چند رسانه ای تزریق ایمن بر عملکرد پرستاران در سه سطح حین آماده سازی، حین تزریق و بعد از تزریق مؤثر بوده است، لذا توصیه می شود جهت کیفیت ارائه مراقبت های بالینی پرستاران و کاهش خطرات مرتبط با تزریق غیر ایمن از این رویکرد آموزشی استفاده گردد.

کلید واژه: آموزش چند رسانه ای، تزریق ایمن، عملکرد، پرستار

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش ایفای نقش بر سلامت عمومی دانش آموزان

چکیده

مقدمه: ایفای نقش به عنوان یکی از شیوه‌های عینی آموزش باعث برقراری ارتباط عاطفی مناسب، درک بهتر فراگیر و ماندگاری بیشتر تأثیر یادگیری می‌گردد. ایفای نقش در ساده‌ترین شکل خود، در افتادن با مسائل به طور عملی است. فرآیند ایفای نقش نمونه‌ی مناسبی از رفتار انسانی را پی می‌افکند که به مثابه ابزاری انگاشته می‌شود که به وسیله آن یادگیرندگان، احساسات خود را در می‌یابند و از بینشی که درباره نگرش‌ها، ارزش‌ها و ادراکات دست می‌دهد بهره‌مند می‌گردند. برای عملی شدن ایفای نقش، عده ای از دانش‌آموزان نقش ایفا می‌کنند و برخی هم به مشاهده موقعیت می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا درک و فهم درستی از آن به دست آورند. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش ایفای نقش بر سلامت عمومی دانش‌آموزان صورت گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه، یک مقاله‌ی مروری از مقالات منتشرشده (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸) در رابطه با تأثیر آموزش ایفای نقش بر سلامت عمومی دانش‌آموزان است. با توجه به سوال پژوهش: "آموزش ایفای نقش بر سلامت عمومی دانش‌آموزان چه تأثیری دارد؟"، جستجویی در پایگاه‌های معتبر ایران مدکس (iranmedex)، گوگل اسکولار (sid pubmed)، (google scholar) جهت بررسی مطالعات انجام شده در زمینه‌ی روش تدریس ایفای نقش در دانش‌آموزان، تأثیر ایفای نقش بر سلامت جسمی و روانی و مزایای مختلف این آموزش در دانش‌آموزان انجام شد. مطالعات، بررسی، و یافته‌های موردنظر، استخراج گردیدند.

یافته‌ها: یافته‌ها، بیانگر تأثیر ایفای نقش بر توسعه توانایی‌های فردی، مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، افزایش سازگاری اجتماعی و کاهش میزان افسردگی می‌باشد. ایفای نقش باعث ایجاد فرصتی برای فکر کردن در مورد مسائل اجتماعی، حل تعارضات خود، کنترل خشم، مدیریت استرس و آگاهی به باورهای خود می‌شود. همچنین علاقه مندی به درس، رشد مهارت‌های اجتماعی، افزایش خودکارآمدی، ایجاد باور به خود نیز از دیگر اثرات مثبت این نوع روش آموزشی بر دانش‌آموزان است.

نتیجه‌گیری: به این دلیل که ایفای نقش می‌تواند بر یادگیری دانش‌آموزان و به کارگیری انواع مهارت‌های اجتماعی در این گروه سنی تأثیرگذار باشد و همچنین آن‌ها را قادر سازد تا استرس‌ها و افکار منفی خود را مدیریت کنند، توصیه می‌شود که از این روش آموزشی برای بهبود جنبه‌های گوناگون دانش‌آموزان از جمله جنبه‌ی روانی و رفتاری، استفاده گردد.

کلیدواژه: آموزش، ایفای نقش، سلامت، دانش‌آموز، تحقیق مروری

فاطمه منصوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

دکتر پرنده پورقانع

استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۲۴۴۷۶۴۴

p.pourghane@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی اثربخشی تکنیک آرام سازی بنسون بر سلامت جسم و روان بیماران

دکتر پرند پورقانع

استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، مامایی و
پیراپزشکی شرق گیلان، دانشگاه علوم پزشکی گیلان،
رشت، ایران

فاطمه منصوری

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی،
دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی شرق گیلان،
دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. نویسنده
مسئول: ۰۹۱۱۲۴۱۴۹۹۸

m.fateme.203@gmail.com

چکیده

مقدمه: یکی از مداخلات پرستاری که در بسیاری از مقالات به عنوان درمان مکمل و گاهی جایگزین دارو درمانی معرفی شده است، آرام سازی می باشد. آرام سازی تنش هیجانی را آرام کرده و حس سلامت را به فرد برمی گرداند. آرام سازی روش های متعددی دارد اما روشی که توسط هربرت بنسون (Herbert Benson) معرفی شد به دلیل یادگیری و آموزش آسان آن نسبت به سایر روش های آرام سازی ارجحیت دارد. آرام سازی بنسون از روش های تمرکز حواس می باشد که روی طیف وسیعی از علائم و نشانه های جسمی و روانی از قبیل اضطراب، درد، افسردگی، خلق و اعتماد به نفس مؤثر است و موجب کاهش استرس می شود. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر آرام سازی بنسون بر سلامت جسم و روان بیماران صورت گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه، یک مقاله ای مروری از مقالات منتشر شده (۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸) در رابطه با آرام سازی بنسون بر سلامت جسم و روان بیماران است. با توجه به سوال پژوهش: "آرام سازی بنسون بر سلامت جسم و روان بیماران چه تاثیری دارد؟"، جستجویی در پایگاه های معتبر ایران مدکس (iranmedex)، گوگل اسکولار (sid pubmed)، google scholar جهت بررسی مطالعات انجام شده در زمینه آرام سازی بنسون، تاثیر این نوع آرام سازی بر کاهش درد و اضطراب پس از اعمال جراحی گوناگون و به طور کلی تاثیر آن بر بهبودی وضع جسمی و روحی بیماران، انجام شد. مطالعات، بررسی، و یافته های مورد نظر، استخراج گردیدند.

یافته ها: یافته ها نشان دهنده تاثیر آرام سازی بنسون بر کاهش سطح اضطراب در بیماران کاندید عمل جراحی پیوند کلیه، بیماران کاندید عمل جراحی قلب باز، بیماران در انتظار کاترئیس قلبی، کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس زنان طی بارداری، در کاهش درد بیماران کاندید لامینکتومی، کاهش تکرار حملات قلبی، کاهش آریتمی های قلبی، کاهش میزان ایسکمی قلبی ناشی از فعالیت، کاهش میزان مرگ های قلبی و بهبود میزان بازگشت به کار، کاهش حداقل ۳ ماه اضطراب موقعیتی و شخصیتی بیمار مبتلا به سندرم روده تحریک پذیر و کسب سریع تر و مناسب تر بهبودی از حوادث ایسکمیک قلبی می باشد.

نتیجه گیری: از آن جایی که آرام سازی روشی بدون عارضه و آسان بوده و شخص می تواند در هر جایی از این روش استفاده کند، و همچنین تاثیرات مثبتی که تا به حال بر کاهش اضطراب و درد و به طور کلی بر سطح سلامت بیماران داشته است، پیشنهاد می شود که تمامی افرادی که به نوعی با بیماران در ارتباط هستند از این روش جهت بهبود سلامت جسمی و روحی آنان استفاده نمایند.

کلید واژه: آرام سازی، بنسون، سلامت، تحقیق مروری

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش پورتال‌های تحت وب در ارتقاء سواد سلامت بیماران: بررسی مروری

چکیده

مقدمه: به دنبال پیشرفت در فناوری‌های اطلاعات سلامت، علاقه زیادی بین ارائه دهندگان مراقبت سلامت و محققان به منظور ایجاد پورتال‌های سلامت برای استفاده بیماران ایجاد شده است. پورتال‌های بیمار وب سایت‌های آنلاین و حفاظت شده ای هستند که بیماران در هر مکان با استفاده از ارتباط اینترنتی می‌توانند دسترسی ۲۴ ساعته به آن داشته باشند. پورتال‌های بیمار ابزارهای آنلاینی هستند که به بیماران و خانواده‌هایشان اجازه می‌دهند که با سیستم‌های مراقبت سلامت و ارائه دهندگان خدمات و بخش‌هایی از پرونده الکترونیک سلامت ارتباط داشته باشند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نقش پورتال‌های تحت وب در ارتقاء سواد سلامت بیماران بود.

روش بررسی: این پژوهش به صورت مروری و در سال ۱۳۹۷ از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر از قبیل Web Of Science, Google Scholar, Scopus, Pubmed و با کلید واژه‌های "patient portals", "Health literacy", "health portals", "access to information", "health care" انجام شد. در نهایت ۱۰ مقاله از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انتخاب گردید. پس از جمع‌آوری مقالات مرتبط داده‌های استخراج شده از مقالات به منظور تحلیل توسط پژوهشگران خلاصه برداری و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که، با توسعه طراحی پورتال‌های تحت وب، بیماران به راحتی و به صورت امن به اطلاعات سلامت خود دسترسی لازم را داشتند. از طریق این فناوری اطلاعات، توصیه‌ها و دستورالعمل‌های لازم برای بیماری در پورتال قرار داشته و همچنین امکان لینک به وب سایت‌های سلامت و پایگاه‌های اطلاعاتی که بیماران می‌توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از آنها دریافت نیز امکان پذیر خواهد بود. نظرسنجی صورت گرفته پس از استفاده بیماران از پورتال نشان داد که، اکثریت آنها رضایت کافی داشتند و بیان کردند که با استفاده از این فناوری آنها می‌توانند اطلاعات مورد نیاز برای مراقبت و پیگیری بیماری خود را دریافت کرده، که این در کیفیت مراقبت و روند بهبودی بیماری نقش به‌سزایی داشته است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که، کاربرد این فناوری منجر به ارتقاء سطح سواد سلامت جامعه خواهد شد. پورتال‌های می‌توانند منجر به کاهش هزینه‌ها، ارتقاء کیفیت مراقبت شوند که در نهایت سطح سلامت جامعه رو به رشد خواهد شد. بنابراین لازم است تا سیاست‌گذاران و مدیران حوزه امر دستورالعمل‌های لازم را در خصوص به کارگیری و ایجاد زیر ساخت‌های لازم برای اجرای موفقیت آمیز آن در کشورهای در حال توسعه اتخاذ نمایند.

کلید واژه: پورتال بیمار، سواد سلامت، پورتال سلامت، کیفیت مراقبت.

فرشته منوچهری منز

* کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۰۴۲۱۰۴

Manouchehrif961@mums.ac.ir

علیرضا بنای یزدی پور

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدارک پزشکی و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت در جمعیت تحت پوشش پزشک خانواده مرکز بهداشتی درمانی روستایی عسکریه

مرضیه مودی

* پزشک عمومی، MPH پزشک خانواده، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
E-mail: Marziyemoodi51@gmail.com

نوشین پیمان

نوشین پیمان
استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

حسن دوستی

نوشین پیمان
استاد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه، سواد سلامت به‌عنوان یک مساله و موضوع جهانی مطرح می‌باشد. سواد سلامتی میزان ظرفیت هر فرد برای کسب، تفسیر، درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامتی است که برای تصمیمگیری مناسب لازم می‌باشد. با توجه به اهمیت سواد سلامت در جمعیت تحت پوشش پزشک خانواده و محدود بودن مطالعات انجام شده در این زمینه در کشور، این مطالعه با هدف تعیین وضعیت سواد سلامت در جمعیت تحت پوشش پزشک خانواده مرکز بهداشتی درمانی روستایی عسکریه در سال ۹۵ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- تحلیلی به‌صورت مقطعی در سال ۱۳۹۵ بر روی ۲۶۰ نفر از افراد مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی روستایی عسکریه انجام شد. پرسشنامه‌ی سواد سلامت محقق ساخته ۴۹ سوالی پس از تایید روایی و پایایی به‌صورت مصاحبه تکمیل شد. اطلاعات پس از جمع‌آوری با استفاده از SPSS ۱۶ و آزمونهای آماری همبستگی پیرسون، تی تست و رگرسیون در سطح معنیداری کمتر از ۰/۰۵ آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سن افراد مورد مطالعه $31/78 \pm 10/66$ سال، ۷۳/۵ درصد زن، ۸۶/۹ درصد متأهل، ۶۱/۵ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و دیپلم و ۵۹/۶ درصد ارزیابی‌شان از میزان درآمد خانواده متوسط بود. نتایج نشان داد ۲۶/۹ درصد از سواد سلامت کافی برخوردار بودند. همچنین زنان، سواد سلامت بالاتری از مردان داشتند ($P = 0/03$) و افراد دارای تحصیلات بالاتر، سواد سلامت بالاتری داشتند ($P = 0/008$).

نتیجه گیری: بالاتر رفتن سطح سواد سلامت باعث کاهش هزینه‌های درمان به دولت‌ها و مردم می‌شود. با توجه به اهمیت سواد سلامت، پیشنهاد می‌شود متولیان حوزه سلامت مداخلات آموزشی به منظور ارتقای سواد سلامت افراد به ویژه در مردان و افراد با سطح سواد پایین طراحی نمایند و با کمک سایر نهادها از جمله صدا و سیما در جهت افزایش سطح سواد سلامت افراد در کشور بکوشند.

کلید واژه: سواد سلامت، پزشک خانواده، ارتقای سلامت، مرکز بهداشتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش برنامه خود مراقبتی بر کیفیت زندگی و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در زنان میانسال

چکیده

مقدمه: سلامت زنان در برگیرنده رفاه جسمی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و معنوی آنهاست و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. با توجه به اینکه شیوه زندگی سالم، عامل مهمی در تأمین، حفظ و ارتقای سلامتی محسوب می‌شود، با خود مراقبتی می‌توان رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی زنان را بهبود بخشید. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر آموزش برنامه خود مراقبتی بر کیفیت زندگی و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت زنان میانسال انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه کارآزمایی میدانی شاهد دار تصادفی شده بر روی ۸۸ نفر از زنان میانسال شهر بیرجند که به صورت تصادفی در دو گروه مورد (۴۴ نفر) و شاهد (۴۴ نفر) قرار گرفته اند، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه کیفیت زندگی SF۳۶ و پرسشنامه استاندارد HPLP۲ بود که قبل از مداخله، یک ماه و سه ماه بعد از مداخله در دو گروه تکمیل گردید. گروه مداخله در ۵ جلسه ۹۰ دقیقه ای مطالب آموزشی را دریافت نمودند و محتوای آموزشی به صورت سخنرانی، بحث گروهی، نمایش فیلم و دادن سی دی فعالیت بدنی به شرکت کنندگان و نمایش عملی تهیه غذای سالم توسط آشپز ماهر ارائه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS ۱۹ با آزمون‌های آماری تی تست مستقل و آنالیز واریانس تکرار شده انجام شد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: قبل از مداخله دو گروه مورد و شاهد از نظر میانگین نمره‌ها همسان بودند. پس از مداخله میانگین نمره اجزاء کیفیت زندگی (عملکرد جسمی، ایفای نقش، درد بدن، درک کلی از سلامت، سرزندگی و شادابی، عملکرد اجتماعی، عملکرد عاطفی و سلامت روان) و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت (تغذیه، ورزش، مسئولیت پذیری، مدیریت استرس، حمایت بین فردی و خود شکوفایی) در گروه مداخله بطور معنا داری بالاتر از گروه کنترل بود ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعات نشان داد آموزش برنامه خود مراقبتی می‌تواند به عنوان رویکرد آموزشی مناسبی برای ارتقاء کیفیت زندگی و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در زنان میانسال بکار رود. بنابراین توصیه می‌شود در مراکز بهداشتی از ترکیبی از روش‌های آموزشی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت زنان استفاده شود.

کلید واژه: مداخله آموزشی، خودمراقبتی، کیفیت زندگی، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، زنان میانسال

زهره امیرآبادیزاده

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

میترا مودی

* دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول:

mitra_m2561@yahoo.com

غلامرضا شریف زاده

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

سمیه محتشمی نیا

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت بزرگسالان در استان خراسان جنوبی

میترا مودی

* دانشیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: mitra_m2561@yahoo.com

مریم میری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

فاطمه باقرنژاد حصاری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی یزد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

حکیمه ملاکی مقدم

کارشناس ارشد آمار زیستی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

چکیده

مقدمه: سواد سلامت به عنوان ظرفیت افراد در کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه و خدمات سلامت که برای تصمیم‌گیری مناسب لازم است، تعریف می‌شود. سازمان جهانی بهداشت در گزارشی، سواد سلامت را به عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های سلامت مشخص نموده است. لذا این مطالعه با هدف تعیین سواد سلامت بزرگسالان در استان خراسان جنوبی طراحی و اجرا شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است که به روش مقطعی در سال ۱۳۹۵ در شهر بیرجند انجام شد. جامعه مورد مطالعه بزرگسالان ۲۰-۶۰ سال استان خراسان جنوبی بوده که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با تخصیص متناسب از بین نقاط شهری و روستایی سطح استان تعداد ۲۱۳۳ نفر وارد مطالعه شدند. در هر شهرستان کارشناسان آموزش سلامت یک تیم پرسشگری جهت تکمیل پرسشنامه تشکیل داده و پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان را به صورت مصاحبه تکمیل نمودند. داده‌ها پس از جمع‌آوری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ وارد شده و با استفاده از شاخص‌ها و آزمون‌های آماری تی‌تست، آنالیز واریانس و کای اسکوئر در سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** در پژوهش حاضر نمره کل سواد سلامت $13/06 \pm 2/32$ بود. به طوری که ۵۴/۹ درصد افراد دارای سواد سلامت متوسط و ۹/۸ درصد دارای سواد سلامت ضعیف و ۳۵/۳ درصد افراد دارای سواد سلامت خوب بودند. در این مطالعه بین سواد سلامت با سطح تحصیلات، گروه سنی، شغل و محل سکونت ارتباط معنی‌دار مشاهده شد. به طوری که سواد سلامت در افراد شهرنشین، جوان‌تر، با تحصیلات بالا و شاغل بالاتر بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه اکثریت افراد مورد مطالعه از سواد سلامت متوسط رو به پایین برخوردار بودند باید در برنامه‌های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت توجه بیشتری به افزایش سطح سواد سلامت افراد جامعه به ویژه روستائیان، افراد میانسال و سالمند با تحصیلات پایین و بیکار شود.

کلیدواژه: سواد سلامت، بزرگسالان، خراسان جنوبی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل تعیین کننده عود مصرف مواد اعتیاد آور در بین معتادان: یک مرور نظام مند

چکیده

مقدمه: سوء مصرف مواد یکی از مهمترین مشکلات عصر حاضر می باشد که گستره جهانی پیدا کرده است و یکی از جنبه های مهم اعتیاد، بازگشت به مصرف مواد مخدر پس از دوره ای از قطع مصرف است. مطالعه حاضر در قالب مرور نظام مند جهت بررسی تعیین کننده های عود مصرف مواد مخدر انجام گرفت.

روش بررسی: در مطالعه حاضر ۳۴۸۱ مطالعه پیشین ۴۰ مورد از آنها که با معیارهای تحقیق سازگاری داشتند انتخاب شده و تحت بررسی دقیق قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که پیش گویی کنندگان مهم عود مصرف مواد مخدر شامل مولفه های حمایت اجتماعی، تحول عاطفی، خودکارآمدی، وسوسه، نگرش، هنجارهای انتزاعی، عوامل قادر کننده، موانع و منافع درک شده بودند.

نتیجه گیری: با توجه به شناسایی مهمترین عوامل تعیین کننده عود مصرف مواد مخدر در مطالعه حاضر، قطعاً نتایج مطالعه حاضر جهت طراحی مداخلات مناسب با استفاده از استراتژی ها و روش های مناسب تغییر هر یک از تعیین کننده های شناسایی شده جهت پیشگیری از عود مصرف مواد مخدر بسیار کمک کننده خواهد بود.

کلید واژه: مواد مخدر، عود، تعیین کننده، اعتیاد، مرور نظام مند، معتادان

امیر عباس موسعلی

دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.

amirabbas_mousali@yahoo.com

مجید براتی

* استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران. نویسنده مسئول:

۰۹۱۸۸۱۵۷۵۴۸

m_baratimehr@yahoo.com

سعید بشیریان

دانشیار، دکترای آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران.

یونس محمدی

استادیار، دکترای اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران

بابک معینی

دانشیار، دکترای آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان.

مریم افشاری

دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط جایگاه مهارت‌های ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی دانشجویان شهر تربت حیدریه در سال ۱۳۹۶-۹۷

سیده مهساموسوی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه،
تربت حیدریه، ایران

نرگس مودب

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه،
تربت حیدریه، ایران

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکترا آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید
بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت می‌باشد. این پژوهش با هدف ارتباط بین رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی با محور کنترل سلامت انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی- تحلیلی به روش مقطعی بر روی ۴۵۹ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تربت حیدریه با نمونه گیری تصادفی انجام شد. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه‌های استاندارد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و محور کنترل سلامت چند وجهی و کیفیت زندگی انجام گردید. تحلیل آماری داده ها به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۲۰ انجام و از شاخصهای توصیفی و آزمون آماری استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان $21/64 \pm 2/1$ سال بود. آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین رفتارهای ارتقا دهنده سلامت با متغیر کنترل درونی سلامت ارتباط مستقیم و با محور کنترل سلامت بیرونی ارتباط معکوس معناداری دارد و کیفیت زندگی با محور کنترل سلامت ارتباط معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: توجه به تأثیر محور کنترل درونی بر رفتار ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی با اجرای برنامه‌های مشاوره ای باید سعی در درونی کردن محور کنترل افراد نمود تا با ارتقاء رفتارهای مربوط به سلامت و بهبود کیفیت زندگی گامی در جهت بهبود سلامت دانشجویان برداشت.

کلید واژه: سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت، کانون کنترل سلامت، کیفیت زندگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل ارتقاء سلامت در ارتقاء رفتار زایمان ایمن در زنان مهاجر افغان ساکن در شهرستان سیرجان

چکیده

مقدمه: رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت می‌تواند موجب بهبود سلامت جسمی و روانی افراد و گروه‌ها به ویژه ارتقاء سلامت زایمان ایمن در زنان باردار افغان گردد. مطالعه حاضر جهت بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل ارتقاء سلامت در ارتقاء رفتار زایمان ایمن در زنان مهاجر افغان ساکن در شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۵ انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی است. جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۱۲۰ نفر از زنان باردار افغان ساکن شهرستان سیرجان بودند که به طور تصادفی ساده به دو گروه مداخله (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) تقسیم شدند. مداخله آموزشی طی دو جلسه ۶۰ دقیقه‌ای انجام شد. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه (حاوی ۳۹ سؤال) طی مصاحبه مستقیم قبل از مداخله آموزشی و سه ماه بعد از آن، جمع‌آوری گردید. و داده‌ها با استفاده از مجذور کای، آزمون دقیق فیشر، t مستقل و t زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: بین میانگین نمرات دو گروه از لحاظ رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، خودکارآمدی درک شده، موانع درک شده، فواید درک شده، حمایت اجتماعی درک شده و هنجارهای بین فردی قبل از مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت، اما پس از اجرای برنامه آموزشی این متغیرها در گروه مداخله افزایش معناداری یافت ($P < 0.001$)، ولی در گروه شاهد اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در آموزش زنان باردار افغان مؤثر بود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای رفتارهای ارتقاء دهنده زایمان ایمن در زنان افغان از مدل ارتقاء سلامت استفاده گردد.

کلیدواژه: مدل ارتقاء سلامت، مهاجران افغان، زایمان ایمن

رضا صادقی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران.

ویکتوریا مومن آبادی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.
نویسنده مسوول: ۰۹۱۳۱۹۸۸۵۵۹

vici.momeni@yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر سواد سلامت در خودمراقبتی بیماران دیابتی

معصومه مهاجر بسطامی

کارشناسی پرستاری و کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی - کارشناس گروه سلامت دهان و دندان - مرکز بهداشت استان - دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان - ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت عبارت است از توانایی افراد برای کسب، فهمیدن و به کار بستن اطلاعات اولیه بهداشتی که در تصمیم‌گیری‌های متناسب، لازم و ضروری است. با توجه به اهمیت بیماری دیابت در ایران و تأثیر سواد سلامت در کیفیت زندگی و کنترل بیماری دیابت، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سواد سلامت و خودمراقبتی در بیماران دیابتی انجام شد، که نقش بسیار مهمی در پیشگیری از عوارض زودرس و دیررس بیماری و افزایش طول عمر دارد. دیابت شایع‌ترین علت قطع عضو، نابینایی، نارسایی مزمن کلیوی و یکی از عوامل خطر در ایجاد بیماری‌های قلبی محسوب می‌شود و به علت عوارض عدیده‌ی آن، یک بیماری پرهزینه برای فرد، خانواده و جامعه می‌باشد. شیوع آن در کشور ما (بیش از ۴.۵ میلیون نفر در حال حاضر)، مانند دیگر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، در حال افزایش است و این واقعیت، مسئولیت بزرگی برای دست اندرکاران حوزه دیابت ایجاد می‌کند و چنانچه اقدامات موثری صورت نپذیرد، این تعداد افزایش خواهد یافت. در درمان مدرن بیماری دیابت بیماران اغلب تشویق می‌شوند تا خود، مسئولیت جنبه‌های مختلف کنترل و درمان بیمارانشان را به عهده بگیرند. سواد اطلاعاتی کافی در رابطه با بیماری، جزء ضروری برای قادر ساختن بیماران جهت تغییر رفتار و بهبود سبک زندگی و ارتقای سلامتی آنان است.

روش بررسی: این یک مقاله مروری است که، از طریق یک جستجوی الکترونیک مدلاین، ژورنالهای پزشکی و اطلاعات پرستاری، از سال ۲۰۰۰ تا کنون صورت گرفته است.

یافته‌ها: مهمترین عامل زمینه ساز مرگ و میر در بیماران دیابتی عدم انجام خودمراقبتی است. منظور از خودمراقبتی در بیماری دیابت، تزریق صحیح انسولین، رعایت رژیم غذایی، انجام فعالیت‌های ورزشی منظم، شناسایی علائم دیابت، مصرف منظم داروها، مراقبت از پاها و افزایش کیفیت زندگی است. به طور کلی بیماری‌های مزمن، از جمله دیابت مشکلات بالینی، اجتماعی و روانی زیادی به دنبال دارد که سبب محدودیت فعالیت‌های جسمانی و روانی افراد میشود. عوامل مؤثر بر پیشگیری و کنترل دیابت، آگاهی کافی از بیماری، عوامل مؤثر در بروز آن و نحوه‌ی پیشگیری از آن می‌باشد. از عوامل بسیار تأثیرگذار بر سطح آگاهی، سواد سلامت است.

نتیجه‌گیری: سواد سلامت با دو بعد از خودمراقبتی یعنی رژیم غذایی و تبعیت از رژیم دارویی ارتباط دارد. دانشکده‌های پرستاری و بهداشت می‌توانند با مد نظر قرار دادن سواد سلامت و خودمراقبتی به عنوان وسیله‌ای جهت بهبود وضعیت سلامت جامعه و اثر بخش قرار دادن کیفیت و نوع آموزش به افراد جامعه کمک نمایند. خودمراقبتی موجب ارتقای کیفیت زندگی شده و در کاهش هزینه‌های درمانی نیز مؤثر است. آموزش صحیح بیمار مستلزم استفاده متخصصین مراقبت بهداشتی به خصوص پرستاران می‌باشد، تا بتوانند در امر انتقال آن به بیماران موفق باشند. از عوامل مهم بهبود سلامت عمومی، سواد سلامت می‌باشد.

کلیدواژه: سواد سلامت، آموزش، خودمراقبتی، دیابت، اطلاعات بهداشتی، مشکلات روانی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی برخی عوامل مرتبط با بهداشت دهان و دندان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان پایه دهم تا دوازدهم مدارس شهر کاشان

چکیده

مقدمه: بیماریهای دهان و دندان بخصوص پوسیدگی دندان از جمله شایع ترین بیماریهای مردم دنیا است که معمولاً در سنین نوجوانی آغاز می شود و رعایت بهداشت دهان و دندان در طی این دوران تاثیر بسیار زیادی بر کاهش مشکلات دهان و دندان دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین برخی عوامل مرتبط با بهداشت دهان و دندان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان پایه دهم تا دوازدهم مدارس شهر کاشان انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی مقطعی بود که روی دانش آموزان پایه دهم تا دوازدهم مدارس شهر کاشان در سال ۹۷-۱۳۹۶ انجام گرفت. با استفاده از نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای و فرمول حجم نمونه تعداد ۱۸۰ نفر از دانش آموزان پایه دهم تا دوازدهم به صورت تصادفی از بین مدارس انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ی مربوط به مدل اعتقاد بهداشتی در خصوص رعایت سلامت دهان و دندان در اختیار گروه هدف قرار گرفت و با مراجعه به مدارس، اطلاعات مورد نیاز از آنان جمع آوری شدند. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS V ۲۰. و از طریق آزمون‌های تی مستقل، کای اسکوئر و ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ۵۹/۴٪ از دانش آموزان حد اقل یک بار در شبانه روز مسواک می زدند، ۲۰٪ یک بار در روز از نخ دندان استفاده می نمودند و ۸/۳٪ نیز هر ۶ ماه یکبار به دندان پزشک مراجعه می کردند. بین رفتار سلامت دهان و دندان با متغیرهای دموگرافیک رابطه آماری معنی دار وجود نداشت ($P > 0.05$). همچنین مطالعه نشان داد که همبستگی معنی داری و مثبت بین خودکارآمدی درک شده و رفتار رعایت سلامت دهان و دندان وجود داشت ($r = 0.37, P = 0.001$)؛ به علاوه بین موانع درک شده و رفتار رعایت سلامت دهان و دندان، رابطه معکوس و معنی داری وجود داشت ($r = -0.24, P = 0.001$). اما بین حساسیت درک شده، شدت درک شده و منافع درک شده با رفتار رعایت سلامت دهان و دندان همبستگی معنی داری مشاهده نشد ($P > 0.05$).

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه، برنامه ریزی و مداخلات آموزشی مناسب با استفاده از مدل ها و تئوری‌های رفتاری از جمله مدل اعتقاد بهداشتی پیشنهاد می شود تا باعث افزایش خودکارآمدی و رفع موانع موجود در ارتقای رفتار مسواک زدن و استفاده از نخ دندان و بهبود سلامت دهان و دندان در دانش آموزان گردد.

کلید واژه: بهداشت دهان و دندان، دانش آموزان، مدل اعتقاد بهداشتی

اکرم مهتری طاهری

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۳۶۷۱۷۸۶۲۸
Email: akrammehdari@gmail.com

ذبیح اله قارلی پور

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش بر مبنای تئوری انگیزش محافظت بر رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در بین کشاورزان شهرستان کاشان

اکرم مهتری طاهری

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۳۶۷۱۷۸۶۲۸
Email: akrammehtari@gmail.com

ذبیح اله قارلی پور

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

چکیده

مقدمه: سرطان پوست از شایع ترین سرطان ها می باشد. رفتارهای محافظت کننده در برابر نور خورشید، اساسی ترین اقدام در پیشگیری از این بیماری است. لذا این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بر مبنای تئوری انگیزش محافظت بر رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در بین کشاورزان شهرستان کاشان اجرا گردید.

روش بررسی: این مطالعه‌ی مداخله ای روی ۱۲۰ کشاورز روستایی شهرستان کاشان در دو گروه آزمون (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) با روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. پرسشنامه ای مشتمل بر سازه‌های تئوری انگیزش محافظت در دو مرحله توسط هر دو گروه آزمون و کنترل قبل و ۲ ماه بعد از اجرای مداخله‌ی آموزشی تکمیل شد. در گروه آزمون، آموزشها از طریق سخنرانی، پرسش و پاسخ، پوستر، پمفلت و کتابچه ارائه گردید. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار آماري SPSS V ۲۰. و از طریق آزمون‌های تی مستقل، کای اسکوئر و آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** قبل از انجام مداخله‌ی آموزشی بین میانگین نمرات تمام متغیرهای مورد مطالعه بین دو گروه آزمون و کنترل اختلاف معنی داری از لحاظ آماري دیده نشده است ($p > 0.05$). بعد از مداخله‌ی آموزشی تفاوت معنی داری در تمام سازه‌های تئوری انگیزش محافظت در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل مشاهده گردید ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه، اثر بخشی مداخله بر اساس تئوری انگیزش محافظت در جهت تغییر ادراک و رفتارهای مربوط به پیشگیری از سرطان پوست را حمایت می کند.

کلید واژه: تئوری انگیزش محافظت، سرطان پوست، کشاورزان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بسترهای اجتماعی موثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان: مطالعه ای کیفی در تبیین نقش سرمایه اجتماعی

چکیده

مقدمه: سرمایه اجتماعی یکی از اساسی ترین عوامل تعیین کننده سلامت می باشد. دسترسی به سرمایه اجتماعی، ارتقاء دهنده رفتارهای مرتبط با سلامت در نوجوانان می باشد. این مطالعه با هدف تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی بر بعد اجتماعی سلامت نوجوانان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه کیفی با روش تحلیل محتوای قراردادی در نوجوانان شهر مشهد انجام شد. مشارکت کنندگان این مطالعه ۲۱ نوجوان دختر و پسر در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال بودند که با نمونه گیری مبتنی بر هدف وارد مطالعه شدند. روش جمع آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختارمند بود. جمع آوری داده ها تا اشباع کامل داده ها ادامه یافت. برای حصول دقت مطالعه، شاخصهای پیشنهادی گوبا و لینکلن رعایت شدند. داده ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA۱۰ تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: در این مطالعه دو تم اصلی "سرمایه اجتماعی درون خانوادگی" و "سرمایه اجتماعی برون خانوادگی" استخراج شد. سرمایه اجتماعی درون خانوادگی دربردارنده دو مفهوم فرعی تر "حمایت والدینی" و "شبکه روابط خانوادگی" بود. سرمایه اجتماعی برون خانوادگی نیز شامل دو مفهوم فرعی "سرمایه اجتماعی مدرسه" و "سرمایه اجتماعی محلی" که دربردارنده ۳ زیر طبقات فرعی تر "حمایت اجتماعی نشأت گرفته از مدرسه" و "حمایت اجتماعی نشأت گرفته از اطرافیان" و "شبکه روابط اجتماعی برون خانوادگی" بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر این است سرمایه اجتماعی نشأت گرفته از خانواده و سایر بسترهای اجتماعی مانند مدرسه و محله با فراهم نمودن حمایت اجتماعی و شبکه تعاملات و روابط اجتماعی، دارای ناب و مغتنم برای نوجوانان است و سلامت اجتماعی را برای آنان به ارمغان می آورد. پیشنهاد می شود در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های مداخلاتی جهت ارتقاء رفتارهای مرتبط با بعد اجتماعی سلامت نوجوانان به نقش سرمایه اجتماعی توجه شود.

کلید واژه: نوجوانان، سرمایه اجتماعی، بسترهای اجتماعی سلامت، مطالعه کیفی

مهرداد مهدی زاده

* دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
نویسنده مسئول:

Mahdizadehtm@mums.ac.ir

مهناز صلحی

دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه خدمات بهداشتی و آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

علی تقی پور

دکترای اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷

مصطفی شیخ الطایفه

دکترای مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده
پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت
حیدریه، ایران

مریم ناتاری

کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی
تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

علی حاجی پورطالبی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته
تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش،
تهران، ایران

نرگس نوابادی

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته
تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فانزه مهدیزاده

دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته
تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

فاطمه مهدیزاده

* دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت،
کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی،
دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۳۵-۵۲۲۴۶-۰۵۱

fatemeh.994475@gmail.com

چکیده

مقدمه: سواد سلامت نشان دهنده مهارت‌های شناختی و اجتماعی است که انگیزه و توانایی افراد برای کسب، دسترسی و درک روش‌های استفاده از اطلاعات جهت حفظ و ارتقاء سلامتی را تعیین میکند. با توجه به تاثیر سواد سلامت دانشجویان علوم پزشکی بر ارتقا سواد سلامت و ارتقای سلامت جامعه این مطالعه با هدف بررسی سطح سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی با رویکردی توصیفی تحلیلی در نیمه اول سال ۱۳۹۷ روی ۱۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه که با روش نمونه گیری چندمرحله ای انتخاب شدند، انجام گرفت. داده ها با استفاده از پرسشنامه سواد سلامت بزرگسالان ایرانی (HELIA: Health Literacy for Iranian Adult) جمع آوری گردید. سپس داده ها بدست آمده با کمک نرم افزار SPSS ۲۰ و با به کارگیری آمار توصیفی و آزمون کای دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: در این پژوهش ۱۲۰ دانشجوی (۸۶/۳٪) را دختران تشکیل داده اند. میانگین سنی دانشجویان ۲۱/۲۹±۱/۱۷ سال می‌باشد. در بررسی کلی نمره سواد سلامت ۲۱ نفر (۱۵/۱٪) سطح سلامت عالی، ۶۵ نفر (۴۶/۸٪) سطح سلامت کافی، ۴۱ نفر (۲۹/۵٪) سطح سلامت نه چندان کافی و ۱۲ نفر (۸/۶٪) سطح سلامت ناکافی داشتند. ارتباط مستقیم و معناداری بین سن (۳۶/۳) و ترم تحصیلی (۵۷/۲) دانشجویان با سطوح سواد سلامت یافت شد ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه تعداد بسیار زیادی از دانشجویان سواد سلامت ناکافی و مرزی داشتند. باید این موضوع مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، دانشجویان، HELIA



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر دو رویکرد مراقبتی بر رضایتمندی از مراقبت پرستاری در بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال

چکیده

مقدمه: سرطان سومین عامل مرگ و میر را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از مهمترین سرطانها در سراسر دنیا سرطان کولورکتال است این سرطان سومین سرطان شایع در زنان و پنجمین سرطان در مردان است و میزان بروز این سرطان طی ۲۵ سال اخیر در کشور افزایش یافته است. روش مسیر بحرانی روشی است انتخابی برای مراقبت از بیمارانی است که درمان آنها نیاز به مدیریت هزینه و زمان دارند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مراقبت به روش مسیر بحرانی بر رضایت بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال از مراقبتهای پرستاری می باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی دو گروهی بود. مشارکت کنندگان ۷۰ بیمار مبتلا به سرطان کولورکتال مراجعه کننده به بیمارستان امید و قائم شهر مشهد بودند. افراد واجد شرایط پس از انتخاب به روش تخصیص تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. در گروه مداخله مراقبت به روش مسیر بحرانی و در گروه کنترل مراقبت به روش روتین انجام شد. در این پژوهش با استفاده از فرم رضایتمندی و چک لیست عملکرد، رضایتمندی بیماران مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل آماری داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ صورت گرفت.

یافته‌ها: دو گروه از لحاظ اطلاعات دموگرافیک و متغیرهای ثبت شده در پرونده بیماری و سطح رضایتمندی همگن بودند. مداخله با روش مسیر بحرانی در مقایسه با روش روتین، افزایش معناداری بر رضایتمندی بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال داشت ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: رویکرد مسیر بحرانی به عنوان یک روش مراقبتی در عرصه بالین قابل اجرا می باشد و می تواند منجر به رضایتمندی بیماران گردد. پیشنهاد می شود پرستاران از این رویکرد مراقبتی برای ارتقاء رضایتمندی بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال و در بهبود کیفیت زندگی آنان استفاده کنند.

کلید واژه: سرطان کولورکتال، مسیر بحرانی، رضایتمندی بیماران، مراقبت

سید موسی مهدی زاده

دکترای پرستاری، مرکز تحقیقات مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

بهاره ابوی

* کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

Mahdizadehm@mums.ac.ir

سید رضا مظلوم

دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر رفتار غربالگری سرطان دهانه رحم در معلمان زن شهر مینودشت (۹۵)

عجم اکرمی الهام

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات توسعه مدیریت و جامعه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

برهانی محبوبه

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات توسعه مدیریت و جامعه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

یعقوبی زکیه السادات

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

سیدی سیدجلیل

استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مهری علی

* استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۷۴۴۳۲۹

Email:hadimehri1386@gmail.com

چکیده

مقدمه: میزان مراجعه زنان جهت انجام غربالگری سرطان رحم علیرغم در دسترس بودن و اثربخشی مطلوب برنامه های غربالگری مطلوب نیست. این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر انجام رفتار غربالگری سرطان دهانه رحم در معلمان زن شهر مینودشت انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی ۱۲۰ نفر از معلمان زن شهر مینودشت به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای بود که بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی طراحی و روایی آن توسط پانل خبرگان و پایایی آن بوسیله آلفای کرونباخ (۰.۹۶-۰.۷۲، $N=30$) تایید شد. پرسشنامه ها در سه مرحله قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله آموزشی تکمیل شد. داده ها به وسیله آزمونهای توصیفی تحلیلی در نرم افزار SPSS ۱۹ تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها: طبق نتایج، شدت درک شده مهمترین عامل پیشگویی کننده رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان دهانه رحم بود. بعد از اجرای برنامه آموزشی، اختلاف معنی داری در افزایش میانگین نمره آگاهی و سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی در بین معلمان گروه آزمون ایجاد شد ($P<0/001$). قصد انجام آزمایش پاپ اسمیر نیز در گروه آزمون به طور معنی داری بعد از مداخله نسبت به گروه شاهد افزایش یافت ($P<0/001$). اما ارتباط معنی داری بین وضعیت عملکرد معلمان دو گروه بعد از مداخله مشاهده نشد ($P<0/069$).

نتیجه گیری: با توجه به عدم انجام پاپ اسمیر در جامعه مورد بررسی انجام مداخلات آموزشی ضرورت دارد. مداخله آموزشی براساس سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی بخصوص تاکید بر شدت درک شده از طریق بیان عواقب جدی منفی می تواند بر قصد انجام آزمایش پاپ اسمیر موثر باشد. با توجه به شکاف بین قصد رفتاری و رفتار غربالگری افراد، به نظر می رسد که انجام رفتارهای پیشگیری کننده تحت تاثیر عوامل دیگری به غیر از عوامل مورد بررسی بوده است که انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه توصیه می شود.

کلید واژه: سرطان دهانه رحم، آموزش، رفتار غربالگری، الگوی اعتقاد بهداشتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل موثر بر بروز خشونت خانگی : یک مطالعه کیفی

چکیده

مقدمه: خشونت خانگی علاوه بر جنبه‌های انسانی و حقوق بشری، یک مشکل عمده سلامتی به حساب می‌آید. برنامه‌ریزی برای پیشگیری از خشونت نیازمند بررسی گسترده این موضوع و داشتن نگاه جامع، گسترده و دید باز برای یافتن ریشه‌های خشونت علیه زنان می‌باشد. این مطالعه با هدف تبیین عوامل موثر بر بروز خشونت خانگی در شهر سبزوار انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه کیفی توصیفی که در شهر سبزوار انجام شد، در مجموع ۱۷ مشارکت‌کننده شامل (۱۵ مرد و ۲ مشاور) در طول ۸ ماه با نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته بود که با سولات باز و به صورت چهره به چهره انجام شد. روش آنالیز مصاحبه‌ها تحلیل محتوای گرنه‌ایم و لاندمن بود. جهت حصول دقت و استحکام داده‌ها، معیار مقبولیت، قابلیت انتقال، قابلیت وابستگی و قابلیت اعتماد داده‌ها بررسی گردید.

یافته‌ها: از تجزیه و تحلیل داده‌ها سه طبقه اصلی: اعتیاد، اتمسفری ابری خانواده و اقتضات مالی برآورده نشده به دست آمده که مشتمل بر ۵ زیرطبقه: مشکلات کاری و پیامدهای آن، مشکلات مالی و تاثیر آن بر زندگی زوجین، تجملاتی بودن همسر، اعتیاد علت اصلی خشونت در خانواده و ناباروری به عنوان تعیین‌کننده‌های خشونت خانگی علیه زنان مفهوم پردازای شد.

نتیجه‌گیری: از انجایی که عوامل استخراج شده موثر بر خشونت در ارتباط با جامعه می‌باشد، لذا لازم است اقداماتی در جهت کاهش مشکلات اقتصادی و کاری، اعتیاد، ناباروری در جامعه توسط مسئولین مربوطه و دولت انجام گیرد. ضمن آنکه مدیریت اقتصادی خانواده توسط زوجین نیز در در پیشگیری از اختلاف و خشونت در خانواده‌ها موثر است.

کلید واژه: مطالعه کیفی، خشونت خانگی، اعتیاد، سبزوار

هاشمیان معصومه

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

برغمندی اعظم

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

شهرآبادی رضا

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

جوینی حمید

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

لطیفی ارمانا

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران

مهری علی

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران.

نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۷۴۴۳۲۹

Email:hadimehri1386@gmail.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عملی بودن اعتبار روایی و نرم یابی پرسشنامه خود افشایی پنجره جوهری در دانشجویان

سیدمجید میرابوالقاسمی

* کارشناس ارشد، روانشناسی بالینی
majid_mirabolghasemi@yahoo.com

هادی هاشمی رزینی

استادیار-دکترای روانشناسی-دانشکده روانشناسی-
دانشگاه خوارزمی

محمد حاتمی

دانشیار-دکترای روانشناسی-دانشکده روانشناسی-
دانشگاه خوارزمی

کاوه فرید مهاجر

مربی-کارشناس ارشد- مدرس و عضو هیات‌تعلیمی
دانشگاه جامع علمی کاربردی

چکیده

مقدمه: مهارت خودآگاهی، توانایی تشخیص افکار، باورها، هیجانها، صفات شخصیتی، ارزشهای شخصی، عاداتها، سوگیریها، توانمندیها، ضعفها، و نیازهای روان شناختی را شامل میشوند که رفتار آدمی را بر میانگینند. این امر به توانایی تشخیصی شخص برای واکنش به نشانه‌های محیطی و بر چگونگی هیجانهایش در برقراری رابطه با دیگران تاثیر میگذارد. خود افشایی، یک روش برای یکپارچه کردن شخصیت، صلح درون و اثربخش بودن، گسترش قسمتی از شخصیت است. پنجره جوهری یکی از تکنیک‌های خود آگاهی بر اساس خودارزیابی بوده که چهار بخش دارد. طبق این نظریه شخصیت هر کدام از ما از چهار بخش تشکیل شده است: خود عمومی، خود کور، خود خصوصی و خودناشناخته.

هدف از انجام این مطالعه ترجمه و تعیین پایایی و روایی نسخه فارسی پرسشنامه خودافشایی پنجره جوهری به منظور آماده سازی جهت کاربرد در پژوهش‌های بالینی برای اولین بار در ایران بود. این پرسشنامه دارای بیست سؤال است که شاخصه‌های خودافشایی و بازخورد را می‌سنجد.

روش بررسی: پرسشنامه بعد از سه بار ترجمه نهایی شده است. آزمودنی‌های پژوهش از دانشگاه خوارزمی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده کشاورزی کرج بوده‌اند. تعداد آنها ۲۸۵ دانشجوی و از هر دو جنس دختر و پسر بوده‌اند. پرسشنامه دو متغیر خودافشایی و بازخورد را می‌سنجد. متاسفانه محقق به پایایی و روایی پرسشنامه اصلی دسترسی پیدا نکرد. این پرسشنامه در سال ۱۹۵۵ ساخته شده است و جزو پرکاربردترین پرسشنامه‌ها در سنجش و ترسیم پنجره جوهری محسوب میشود.

یافته‌ها: نتایج تحلیل عاملی در نرم افزار Amos نشان داد که مدل دوبعدی پنجره جوهری از تحلیل سه شاخص $CMIN/DF = 2.061$ ، $PCLOSE = 0.066$ ، $RMSEA = 0.063$ سازه ایجاد شده دارای نیکویی و برازش است و مدل تدوین شده بر مبنای چهارچوب نظری و پیشینه تجربی بر واقعیت منطبق است. همچنین بررسی نتایج خروجی تحلیل نشان داد که تمامی بارهای عاملی استاندارد در سازه ایجاد شده ضریبی بزرگتر از ۰.۵ دارند. پایایی سازه ای (CR)؛ واریانس استخراجی (AVE)؛ حداکثر مجذور واریانس مشترک (MSV) و میانگین مجذور واریانس مشترک (ASV) در Solicits (بازخورد یا فیدبک) به ترتیب برابر ۰.۹۱۴، ۰.۵۲۵، ۰.۱۸۴۹، ۰.۹۲۴ و در Willingness (خود افشایی) به ترتیب برابر ۰.۹۱۳، ۰.۵۲۰، ۰.۱۸۵، ۰.۹۲۷، ۰.۰۰۰ میباشند که نشان دهنده برقراری پایایی، روایی همگرایی و روایی افتراقی سازه ای است.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که پرسشنامه خودافشایی پنجره جوهری از خصوصیات روانسنجی مناسبی بهره مند است و می‌توان در پژوهش‌ها از آن استفاده کرد.

کلید واژه: پایایی و روایی، پنجره جوهری، خود افشایی، بازخورد، اعتبار یابی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در زنان سنین باروری شهر یزد

چکیده

مقدمه: بیماری‌های مزمن علت اصلی مرگ و میر و معلولیت در جهان هستند. با وجود شیوع بالا و عوارض بیماری‌های مزمن، بسیاری از این بیماری‌ها با روش‌های ساده و مقرون به صرفه قابل پیشگیری هستند. انجام رفتارهای ارتقا دهنده سلامت یکی از بهترین راه‌هایی است که مردم توسط آن می‌توانند سلامتی خود را حفظ و کنترل نمایند. نظر به این که زنان محور سلامت خانواده محسوب می‌گردند و الگوی اصلی آموزش و ترویج شیوه زندگی سالم به نسل بعدی می‌باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی وضعیت رفتارهای ارتقا دهنده سلامت زنان سنین باروری در شهر یزد صورت گرفته است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۲۰ نفر از زنان ۴۹-۱۵ ساله تحت پوشش مرکز بهداشتی درمانی شماره ۹ که به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی (HPLP-II) بود که به شیوه خودگزارشی تکمیل گردید. داده‌ها با کمک نرم افزار SPSS-۱۶ و آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی زنان مورد بررسی $33/67 \pm 7/43$ بود. بیش‌ترین میانگین نمرات $26/60 \pm 5/06$ مربوط به زیرمقیاس رشد معنوی و کمترین میانگین نمرات به ترتیب مربوط به زیرمقیاس‌های فعالیت فیزیکی $13/6 \pm 3/6$ و مدیریت استرس $18/69 \pm 3/7$ بود. بین میانگین نمره کلی رفتارهای ارتقا دهنده سلامت با سن و سطح تحصیلات ارتباط آماری معنی داری وجود داشت ($P < 0/05$)

نتیجه گیری: در پژوهش حاضر با وجود مطلوب بودن رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی زنان، نیاز به ارتقا رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی بخصوص در زمینه فعالیت فیزیکی و مدیریت استرس احساس می‌شود. آموزش بهداشت با روش‌های گوناگون وسیله ای مناسب برای ایجاد انگیزه و اصلاح عملکردهای نادرست است. در نتیجه، لازم است مداخلات مناسب در جهت تشویق رفتارهای ارتقا دهنده سلامت طراحی و اجرا شود.

کلید واژه: سبک زندگی، زنان، ارتقا سلامت، HPLP-II

سید محمدرضا میرجلیلی

متخصص بیماری‌های داخلی، استادیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

سمیه میرضایی

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۳۶۳۴۹۵۶

Email: s.mirrezai65@gamil.com

سید سعید مظلومی محمود آباد

دکترای آموزش بهداشت، استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

حمیدرضا دهقان

دکترای انفورماتیک پزشکی، استادیار گروه ارزیابی فن آوری سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



روانشنجی پرسشنامه خودکارآمدی مادران در رابطه با سلامت دهان و دندان کودکان

دکتر مهدی میرزایی علویجه

* مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:
mehdimirzaiea@yahoo.com

دکتر فرزاد جلیلیان

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه: مادران مهمترین عامل در توسعه مراقبت از سلامت دهان و دندان کودکان هستند. فراهم بودن یک پرسشنامه کوتاه و اختصاصی در رابطه با پیش بینی کارآمدی مادران در مراقبت از سلامت دهان و دندان کودکان می‌تواند در زمینه پژوهش‌های کاربردی و مداخلات متناسب سازی شده سودمند باشد. هدف از مطالعه حاضر روانشناسی پرسشنامه کارآمدی مادران در رابطه با مراقبت از سلامت دهان و دندان کودکان بود.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی مقطعی در میان ۵۰۰ مادر دارای فرزندان ۳ تا ۶ سال در غرب ایران (کرمانشاه) که به صورت نمونه گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند انجام گرفت. داده‌های جمع آوری شده توسط پرسشنامه‌های خود ایفا بوسیله نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۲۰ و AMOS ویرایش ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سن مادران ۳۳/۷۴ با محدوده ۱۹ تا ۴۹ سال بود. بر اساس مقادیر ویژه کوچکتر و مساوی ۱/۵ و بارهای عاملی کوچکتر و مساوی ۰/۴ یک عامل استخراج شد. شاخص KMO نیز برابر با ۰/۸۶۷ محاسبه گردید. به طور کلی کارآمدی ۵۱/۹۳ درصد از واریانس الگوی مفروض را تبیین کرد. آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۸ گزارش شد.

نتیجه گیری: تحلیل عاملی حمایت لازم برای کاربرد پرسشنامه کارآمدی مادران در رابطه با مراقبت از سلامت دهان و دندان کودکان را با روایی و پایایی محاسبه شده به عمل آورد و می‌توان از این پرسشنامه برای مطالعات مرتبط در ایران بهره گرفت.

کلید واژه: کارآمدی، سلامت دهان و دندان، کودکان، مادران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



عوامل شناختی رفتارهای پیشگیرانه از دیابت نوع دو در میان افراد در معرض خطر

چکیده

مقدمه: دیابت نوع دو یک بیماری مزمن و از مهمترین مسائل سلامت در دنیا است که می‌تواند موجب عوارض متعددی گردد. این مطالعه با هدف شناسایی تعیین کننده‌های شناختی رفتارهای پیشگیرانه از دیابت نوع دو در میان افراد در معرض خطر مبتنی بر رویکرد نقشه نگاری مداخله در شهر کرمانشاه انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی مقطعی در میان ۳۰۰ نفر از افراد بالای سی سال داوطلب و منتخب تصادفی در شهر کرمانشاه در غرب ایران انجام گرفت. مشارکت کنندگان پرسشنامه‌ها را به صورت خود ایفا تکمیل کردند. داده‌های با استفاده از برنامه آماری SPSS ویرایش ۲۱ با بهره‌گیری از آزمون‌های رگرسیون لجستیک و همبستگی پیرسون در سطح معناداری ۹۵ درصد تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: متغیرهای پیش بین کننده شامل (۱) تگرش، (۲) حساسیت درک شده، (۳) شدت درک شده، (۴) منافع درک شده، (۵) موانع درک شده، (۶) خودکارآمدی درک شده و (۷) راهنماها برای عمل بودند و در مجموع ۴۶ درصد از واریانس رفتارهای پیشگیری کننده از دیابت نوع دو را در مدل مفروض تبیین کردند. در میان ساختارهای شناختی مورد بررسی؛ خودکارآمدی درک شده ($\beta = 0.421$ & $P < 0.008$)، موانع درک شده ($\beta = -0.345$ & $P < 0.001$) و شدت درک شده ($\beta = 0.157$ & $P < 0.001$) مهم‌ترین پیش بین کننده‌های رفتار بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، به نظر می‌رسد توسعه و پیاده‌سازی برنامه‌های ارتقاء دهنده با هدف افزایش شدت درک شده در رابطه با عوارض جانبی دیابت نوع دو به همراه خودکارآمدی و همچنین کاهش موانع درک شده در رابطه با اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده، مؤثر باشد.

کلید واژه: نقشه نگاری مداخله، خودکارآمدی، شدت درک شده، موانع درک شده.

دکتر مهدی میرزایی علویچه

* مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:
mehdimirzaiea@yahoo.com

دکتر فرزاد جلیلیان

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی
کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش غنی سازی روابط بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر سازگاری و رضایت زناشویی زوجین نابارور

مریم علیزاده

ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

محمدرضا میری

* نویسنده مسئول: دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء
سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
۰۹۱۵۱۶۱۵۴۶۸-۰۵۶۳۳۸۱۶۵۴

miri_moh2516@yahoo.com

بی بی نرگس معاشری

ارشد پرستاری بهداشت جامعه، گروه بهداشت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
n.moasheri@yahoo.com

مریم بهلگردی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت، دانشکده
بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: تجربه ناباروری با استرس فیزیکی، اقتصادی، روان شناختی و اجتماعی همراه است که تمام جنبه‌های زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ناباروری تنشی جدی در زندگی محسوب شده و ضربه روانی شدیدی را بر زوجین وارد می‌کند. تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده یکی از تئوری‌های مهمی است که فرآیند اصلی پذیرش رفتارهای سالم و بهداشتی را توضیح می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر آموزش غنی سازی روابط بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر سازگاری و رضایت زناشویی زوجین نابارور اجرا گردید.

روش بررسی: این پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری ۶۴ نفر از زوجین نابارور شهر بیرجند که به صورت تصادفی در دو گروه مورد (۳۰ نفر) و شاهد (۳۴ نفر) قرار گرفته‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد سازگاری زناشویی اسپاینر و پرسشنامه محقق ساخته بود که قبل از مداخله، بلافاصله پس از آن و سه ماه بعد از مداخله تکمیل گردید. مداخله شامل ۶ جلسه آموزشی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار spss ۱۶ با آزمون‌های آماری تی تست مستقل و زوج شده و آنالیز واریانس تکرار شده انجام شد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: قبل از مداخله دو گروه مورد و شاهد از نظر میانگین نمره‌ها همسان بودند. اما پس از مداخله میانگین نمره نگرش، هنجار انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتار، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، همبستگی دونفری، توافق زوجین، ابراز محبت افزایش معنی‌داری نشان داد ($P < 0/05$).
نتیجه‌گیری: نتایج مطالعات نشان داد تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند به عنوان چارچوب نظری مناسبی برای طراحی و اجرای برنامه‌های غنی سازی روابط زوجین نابارور بکار رود.

کلید واژه: زوجین نابارور، غنی سازی روابط، سازگاری و رضایت زناشویی، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تاثیر آموزش بر اساس مدل رفتار برنامه‌ریزی شده بر آگاهی و نگرش زنان باردار در انتخاب نوع زایمان

چکیده

مقدمه: زایمان یکی از موهبت‌های الهی برای تولید نسل بشر بر روی زمین است و انتخاب نوع زایمان همواره یکی از دغدغه‌های مادر باردار و همچنین کارکنان سلامت می‌باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش بر اساس مدل رفتار برنامه‌ریزی شده بر آگاهی و نگرش زنان باردار در انتخاب نوع زایمان انجام شد.

روش بررسی: در یک مطالعه کارآزمایی میدانی شاهداری تصادفی شده، ۷۰ خانم باردار مراجعه کننده به پایگاههای بهداشتی شهر بیرجند که تمایل به انجام سزارین انتخابی داشتند، انتخاب و در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته بر مبنای تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده با روایی ۰/۸۸ و ضریب همبستگی ۰/۸۷-۰/۷۷ بود که به صورت ایفا تکمیل گردید. گروه مداخله تحت ۴ جلسه آموزشی قرار گرفتند و سپس پرسشنامه مجدد بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله توسط گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. پس از جمع آوری اطلاعات جهت تحلیل داده ها از آنالیز واریانس تکرار شونده، تی مستقل و آزمون کای اسکوئر استفاده شد.

یافته‌ها: قبل از مداخله دو گروه مداخله و کنترل از نظر میانگین نمره ها همسان بودند. اما پس از مداخله میانگین نمره آگاهی، نگرش، هنجار انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و توزیع فراوانی قصد رفتار افزایش معنی داری نشان داد ($P < 0/05$). همچنین تفاوت میانگین نمرات سازه‌های مدل در دو گروه اختلاف معنی داری داشت.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها می‌توان استنباط نمود که زنان بارداری که قصد انجام سزارین انتخابی دارند، باید آموزش‌های لازم را جهت افزایش آگاهی دریافت نموده و از طریق کنترل رفتار درک شده بر نگرشهای آنان تاثیر گذاشته و آنها را به سمت رفتار زایمان طبیعی سوق داد.

کلید واژه: آموزش، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، زایمان طبیعی، سزارین

مریم علیزاده

ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

محمدرضا میری

* نویسنده مسئول: دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
۰۹۱۵۱۶۱۵۴۶۸-۰۵۶۳۲۳۸۱۶۵۴

miri_moh2516@yahoo.com

بی بی نرگس معاشری

ارشد پرستاری بهداشت جامعه، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
n.moasheri@yahoo.com

مریم بهلگردی

کارشناسی بهداشت عمومی، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر اساس تئوری خودکارآمدی بر سبک زندگی سالم زنان داوطلب سلامت شهرستان سبزوار

مهناز ناصح نژاد

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت
معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.
نویسنده مسئول:

m.nashezhad@yahoo.com

محبوبه نعمت شاهی

تخصص پزشکی اجتماعی، استادیار دانشگاه علوم
پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

mahneamatshahi@yahoo.com

حمید عالمی

کارشناس ارشد آموزش پزشکی معاونت بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

alemihamid@yahoo.com

رقیه استاجی

دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و
درمانی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

estagi332@yahoo.com

مریم مهرگان

کارشناس بهداشت عمومی معاونت بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی سبزوار، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

maryammehregan87@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سازمان جهانی بهداشت اصطلاح «Life Style» را سبک زندگی بر اساس الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتار می‌داند که از تعامل بین ویژگی‌های شخصی، برهم کنش اجتماعی، شرایط محیطی و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی حاصل می‌شود.

این مطالعه با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر خودکارآمدی بر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در رابطین بهداشتی سبزوار انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۰۵ رابط بهداشتی زن مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سبزوار انجام شد افراد به طور مساوی به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند. بسته آموزشی مبتنی بر استراتژی‌های ارتقاء خودکارآمدی تهیه و برای گروه مداخله اجرا شد. ابزار پژوهش در این مطالعه پرسشنامه خودکارآمدی شرر و پرسشنامه سبک زندگی سالم HPLPII بود. داده‌ها با آزمون‌های آماری تی مستقل، آنالیز واریانس داده‌های تکراری و کای دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که قبل از مداخله بین میانگین نمرات رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت اختلاف آماری معنی داری در دو گروه مشاهده نشد در حالی که بعد از مداخله اختلاف آماری معنی داری بین دو گروه مشاهده شد. ($P < 0/001$)

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که اجرای برنامه آموزشی مبتنی بر نظریه خودکارآمدی بر سبک زندگی رابطین موثر می‌باشد. لذا، پیشنهاد می‌گردد به عنوان یک روش موثر در ارتقاء سبک زندگی به کار گرفته شود.

کلید واژه: سبک زندگی، مداخله آموزشی، خودکارآمدی، داوطلب سلامت

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت کارکنان آموزش و پرورش استان کرمان

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از ارکان مهم سلامت عمومی است و به توانایی فرد در حفظ و ارتقا سطح سلامت خود و دیگران اطلاق می‌شود. از آنجائیکه معلمان در سطح سواد جامعه نقش مهمی دارند؛ این مطالعه در سال ۱۳۹۷ با هدف بررسی سطح سواد سلامت کارکنان آموزش و پرورش استان کرمان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، جامعه پژوهش شامل کارکنان آموزش و پرورش استان کرمان بودند. حجم نمونه (تعداد=۳۷۸) با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران و با سطح اطمینان ۹۵٪ تعیین شد. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه سواد سلامت بزرگسالان ایران (HELIA) بود، که روایی و پایایی آن در مطالعات قبلی تایید شده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی در نرم افزار SPSS تحلیل شد.

یافته‌ها: شرکت کنندگان اغلب مونث (۸۵ درصد) و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (۵۲ درصد) بودند. منبع اطلاعاتی اکثر شرکت کنندگان کادر بهداشت و درمان (۲۶٪) و اینترنت (۲۱٪) بود. رتبه سواد سلامت در بعد مهارت خواندن با میانگین (۵۹/۹) در سطح نه چندان کافی، دسترسی به اطلاعات (۷۶/۴) در سطح کافی، فهم و درک اطلاعات (۶۵) در سطح نه چندان کافی، ارزیابی اطلاعات (۴۶/۵) در سطح ناکافی و تصمیم‌گیری (۶۳/۲)، در سطح نه چندان کافی بود. در کل سطح سواد جامعه پژوهش با میانگین (۶۱/۳) در حد نه چندان کافی بود.

نتیجه‌گیری: پایین بودن سطح سواد سلامت یکی از مشکلات اساسی حوزه سلامت جامعه است. در این میان، به دلیل نقش حساس معلمان در تربیت نسل، ارتقای سطح سواد سلامت این قشر از جامعه اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین، توانمندسازی معلمان و طراحی برنامه‌های متناسب با متغیرهای مرتبط با سلامت ضروری است. لذا، لازم است با تشریح مساعی بخش‌هایی از قبیل مراکز آموزش و پرورش، دانشگاه‌های علوم پزشکی و رسانه‌ها، برنامه‌های جامع و مواد آموزشی ساده و قابل فهم طراحی و مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، آموزش و پرورش، HELIA

هدیه شجاعی باغینی

* دکتری مدیریت اطلاعات سلامت، مرکز تحقیقات انفورماتیک پزشکی، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران. ۰۹۱۳۳۸۷۶۶۳۱

mahdiehsh@gmail.com

طاهره ناصری بوری آبادی

دکتری مدیریت اطلاعات سلامت، گروه انفورماتیک پزشکی و مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

صدیقه شجاعی باغینی

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲، اداره آموزش پرورش استان کرمان، کرمان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت در جمعیت عمومی شهرستان فسا، جنوب ایران،

یک مطالعه مبتنی بر جمعیت

بیاسادات زگردی

کارشناس ارشد ارزیابی فناوری سلامت، مسئول دفتر برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد دانشگاه، معاونت توسعه مدیریت و منابع، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران.

مرضیه زمانی

کارشناس ارشد تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم، جهرم، ایران.

اعظم نامدار

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فسا، فسا، ایران. نویسنده مسئول: ۰۷۱-۵۳۳۵۰۹۹۴

hila421@yahoo.com, a.namdar@fums.ac.ir

چکیده

مقدمه: در حال حاضر سواد سلامت به عنوان یک مسئله و بحث جهانی معرفی شده است. سواد سلامت، شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های خواندن، شنیدن، تجزیه و تحلیل، تصمیم‌گیری و توانایی به کارگیری این مهارت‌ها در موقعیت‌های سلامت است که لزوماً به ساهای تحصیل یا توانایی خواندن عمومی مربوط نمی‌شود. این مطالعه با هدف بررسی سواد سلامت در جمعیت عمومی شهرستان فسا، استان فارس، جنوب ایران سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی) بود که بر روی ۴۲۱ نفر از جمعیت (۶۵-۱۸ ساله) شهری فسا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای انجام شد. گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت شناختی (جنس، سن، سطح تحصیلات، شغل، میزان درآمد و...) و ابزار سنجش سواد سلامت جمعیت شهری ایران (HELIA) که شامل ۳۳ گویه بوده و در ۵ بعد (دسترسی، مهارت خواندن، فهم، تصمیم‌گیری و کاربرد اطلاعات) سواد سلامت را اندازه‌گیری می‌کند. نمره HELIA به ۴ دسته بندی تقسیم می‌شود: ناکافی و مرزی که با هم تعریف «محدودیت سواد بهداشتی»، کافی و عالی که با هم «سواد بهداشتی مطلوب» را تعریف می‌کند.

یافته‌ها: در این مطالعه از مجموع ۴۲۱ شرکت‌کننده ۲۹۴ نفر زن (۶۹/۸٪) و ۱۲۷ نفر مرد (۳۰/۲٪) بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان $11/5 \pm 37/3$ سال بود. میانگین نمره کل سواد سلامت $15/26 \pm 69/84$ بود. ۱۰/۰٪ از شرکت‌کنندگان سواد سلامت ناکافی، ۲۸/۳٪ مرزی، ۴۳/۲٪ کافی و ۱۸/۵٪ سواد سلامت عالی داشتند. نمره سواد سلامت در بعد مهارت خواندن $61/8$ ٪ مطلوب، در بعد دسترسی $55/6$ ٪ مطلوب، در بعد فهم $77/9$ ٪ مطلوب، در بعد ارزیابی $50/4$ ٪ و بعد تصمیم‌گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت $60/6$ ٪ مطلوب بود. بین میانگین نمره‌ی سواد سلامت در ابعاد مختلف، اختلاف معنی‌داری وجود داشت به طوری که بعد فهم دارای بیشترین میانگین در تمامی ابعاد بود $P < 0/05$. بین نمره کل سواد سلامت با جنس، میزان درآمد، سطح تحصیلات، شغل، رشته تحصیلی و رفتارهای مرتبط با سلامت (ورزش، تغذیه مناسب) ارتباط معناداری وجود داشت $P < 0/05$.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد علیرغم مطلوب بودن سواد سلامت در بیش از نیمی از جمعیت، تعداد قابل توجهی دارای سواد سلامت ناکافی بودند. بنابراین مداخلات آموزشی به منظور توسعه مهارت‌های سواد سلامت در جامعه ضروری است.

کلیدواژه: بزرگسالان، جمعیت عمومی، سواد سلامت، سواد سلامت جمعیت شهری ایران (HELIA)، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر وب بر میزان فعالیت بدنی زنان میانسال دارای اضافه وزن یا چاق شهر برازجان: کاربردی از تئوری شناختی اجتماعی

چکیده

مقدمه: چاقی و اضافه وزن یکی از مشکلات جدی سلامت در سراسر جهان می‌باشد. یکی از موثرترین استراتژی‌ها جهت کنترل و درمان چاقی، فعالیت بدنی است که متأسفانه به صورت مطلوب توسط افراد صورت نمی‌پذیرد. آموزش سلامت و خصوصاً آموزش‌های مبتنی بر تئوری یکی از مهمترین راهکارها جهت اصلاح رفتار افراد برای انجام فعالیت بدنی محسوب می‌شود و امروزه آموزش مبتنی بر وب به عنوان یکی از روشهای جدید آموزش، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لذا مطالعه‌ی حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر وب با کاربرد تئوری شناختی اجتماعی در زنان میانسال چاق و یا دارای اضافه وزن شهر برازجان در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک پژوهش نیمه تجربی است که بر روی ۹۱ نفر از زنان میانسال چاق و یا دارای اضافه وزن (۴۷ نفر مداخله و ۴۴ نفر کنترل) تحت پوشش دو مرکز خدمات جامع سلامت که بصورت تصادفی بعنوان مراکز مداخله و کنترل انتخاب شدند، صورت گرفت. گروه کنترل خدمات روتین مرکز و گروه مداخله علاوه بر آن، آموزش مبتنی بر سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی را از بستر وب دریافت نمودند. اطلاعات افراد مورد مطالعه توسط پرسشنامه‌ای مشتمل بر سه بخش اطلاعات جمعیت شناختی، سازه‌های مربوط به تئوری شناختی اجتماعی و پرسشنامه استاندارد ثبت هفت روزه فعالیت بدنی در سه مرحله (قبل، دو هفته بعد و سه ماه بعد از آموزش) گردآوری گردید. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ انجام شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی و سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی (انتظارات پیامد، خودنظمی، حمایت اجتماعی دوستان و خانواده و خودکارآمدی) در گروه مداخله و کنترل قبل از مداخله آموزشی تفاوتی نداشتند، در حالی که پس از انجام مداخله آموزشی تفاوت بین دو گروه در خصوص آگاهی و تمام سازه‌های تئوری به غیر از سازه انتظارات پیامد از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0.001$). در خصوص رفتار فعالیت بدنی و انرژی مصرفی روزانه نیز دو گروه مداخله و کنترل قبل از آموزش تفاوتی نداشتند، در حالی که بعد از آموزش در گروه مداخله بهبود معناداری در رفتار فعالیت بدنی و میانگین مصرف انرژی در طی روز (MET) مشاهده شد ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر اثربخشی مداخله آموزشی تئوری محور و مبتنی بر وب در افزایش سطح آگاهی، ارتقاء سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی و نهایتاً بهبود وضعیت فعالیت بدنی در این زنان بود. تجربه‌ی این مطالعه نشان داد که آموزش الکترونیک و مبتنی بر وب می‌تواند با استقبال خوبی از سوی این افراد مواجه شده و آنها را جهت مشارکت در برنامه‌های آموزش سلامت ترغیب نماید.

کلید واژه: تئوری شناختی اجتماعی، فعالیت بدنی، مداخله آموزشی تحت وب، زنان چاق و دارای اضافه وزن.

لیلا نامی نظری

کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر.

رحیم طهماسبی

دانشیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

مهوش رئیسی

✉ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر. نویسنده مسئول:
reisi_mr@yahoo.com

همام الدین جوادزاده

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط رفتارهای خودمراقبتی و سواد سلامت در بین بیماران مبتلا به پرفشاری خون

نسیمه نجفی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، گروه آموزش و
ارتقای سلامت، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم
پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

چکیده

مقدمه: یکی از عوامل دسترسی به اطلاعات مرتبط با سلامتی و آگاهی از مسایل بهداشتی و در نتیجه خودمراقبتی بهتر، سواد سلامت است. سواد سلامت یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در ارتقای سطح سلامت جامعه است و هر چه سواد افراد یک جامعه بالاتر باشد، وضعیت سلامت بهتر است. در این راستا، خودمراقبتی و سواد سلامت به عنوان ابزارهایی پویا و در دسترس افراد می‌توانند نقش تعیین کننده ای در جهت ایجاد عدالت و برابری در زمینه سلامت باشند. خودمراقبتی و سواد سلامت دارای مولفه‌هایی هستند که افراد با برخورداری از آن می‌توانند بسیاری از مسائل و مشکلات مربوط به سلامت خود را بهبود بخشند.

روش بررسی: این بررسی براساس جستجو در PUBMED، NCBI، SID و اکثر مقالات، تحقیقات فارسی و انگلیسی مرتبط با این موضوع انجام گرفته است.

یافته‌ها: مطالعات نشان داده اند که سواد سلامت ناکافی حاکی از نیاز جامعه به آموزش می‌باشد تا سطح سواد سلامت جامعه بهبود یافته و خودمراقبتی از سطح مطلوبی برخوردار گردد. برای تحقق این هدف به نظر میرسد نیاز است در زمینه آموزش خودمراقبتی و همچنین فرهنگ سازی مراقبت از خود تلاش‌های بیشتری صورت گیرد و می‌توان با مد نظر قرار دادن سواد سلامت و خودمراقبتی به عنوان وسیله ای جهت بهبود و اثربخش قراردادن کیفیت و نوع آموزش به افراد جامعه جهت بهبود وضعیت سلامت جامعه کمک نموده و ابعاد جدیدتری از اهمیت خودمراقبتی در بیماریهای مزمن را به جامعه عرضه نمود و با آموزش این دو مفهوم می‌توان منجر به بهبود وضعیت سلامت افراد جامعه گردید.

نتیجه گیری: مطالعات نشان می‌دهد با توجه به این که رعایت رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به پرفشاری خون از عوامل اصلی کنترل پرفشاری خون می‌باشد و نقش سواد سلامت در کنترل این بیماری حایز اهمیت است. از این رو لازم است که علاوه بر غربالگری بیماران از نظر سطح سواد سلامت و مشخص نمودن وضعیت خودمراقبتی آنان در بخش‌های مراقبتی، ارائه آموزش‌های متناسب با سطوح سواد سلامت وضعیت خودمراقبتی آن‌ها قبل از ارائه اطلاعات سلامت و اجرای مداخلات آموزشی مهارت‌های افراد در دریافت اطلاعات، از کانالهای ارتباطی مختلف نیز مورد ارزیابی قرار گیرد و هنگام برقراری ارتباط و ارائه آموزش‌ها به بیماران علاوه بر سطح تحصیلات افراد به مهارت‌های ارتباطی و توانایی‌های شناختی آنها توجه شود.

کلید واژه: رفتارهای خودمراقبتی، سواد سلامت، بیماران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله مبتنی بر الگوی PRECEDE PROCEED بر بهداشت دهان و دندان دانش آموزان ابتدایی شهر رفسنجان، ۹۷-۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: سلامت دهان و دندان‌ها نقش بسیار مهمی در کیفیت زندگی دارد. مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله در خصوص بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان ابتدایی شهر رفسنجان مبتنی بر الگوی PRECEDE-PROCEED انجام گردید.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع ترکیبی، بصورت اکتشافی متوالی و شامل دو بخش پژوهش کمی و کیفی بود. حجم نمونه در بخش کمی ۲۵۰ نفر (۱۲۲ مداخله و ۱۲۸ نفر کنترل) بودند. پس از اجرای گام به گام الگو، عوامل مستعد کننده، قادر کننده و تقویت کننده مرتبط با بهداشت دهان و دندان مشخص گردیدند. پس از تطبیق با تم‌های بخش کیفی، سازه‌های ابزار تعیین، پیش‌آزمون در گروه هدف انجام و پس از تحلیل و شناسایی عوامل اجرایی و سیاستی، برنامه مداخله‌ای در شش جلسه جهت دانش آموزان و یک زنگ مسواک، سه جلسه والدین و دو جلسه معلمان و مربیان بهداشت و میانگین مدت زمان هر جلسه، ۴۵ تا ۶۰ دقیقه، طراحی و اجرا و سه ماه پس از مداخله پس‌آزمون برگزار گردید. روش آموزشی در این برنامه بصورت سخنرانی، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، نمایش عملی و تبیین تجارب بود. در پایان دوره، داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS-۱۸ و با کمک آزمون‌های آماری من ویتنی، ویلکاکسون، کای دو، تی مستقل، تی زوجی و آنالیز واریانس یکطرفه در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: مهمترین عامل رفتاری تاثیر گذار در مرحله سوم با کمک ماتریس تصمیم‌گیری رفتار مسواک زدن مشخص شد. مهمترین تم‌های تعیین شده به عنوان عوامل مستعد کننده شامل: آگاهی، حساسیت، شدت و منافع درک شده، هنجارهای انتزاعی، یادگیری مشاهده‌ای، انگیزش برای پیروی، عوامل قادر کننده شامل: موانع، خودکارآمدی و کنترل رفتاری درک شده، مهارت مسواک زدن صحیح و ترجیحات رفتاری، عوامل تقویت کننده شامل: تقویت و حمایت اجتماعی و در نهایت قصد رفتار و رفتار بود. سپس ابزار تدوین، روایی و پایایی بررسی و ابزار تأیید و برنامه مداخله اجرا گردید. نتایج حاکی از تاثیر مداخله بر تمامی عوامل مستعد کننده، قادر و تقویت کننده داشته و بین دو گروه در تمامی سازه‌ها بعد از مداخله اختلاف معنی داری دیده شد.

نتیجه‌گیری: الگوی برنامه‌ریزی پرسید-پروسید، به طراحی یک برنامه مداخله‌ای شواهد محور و منطقی کمک و پس از اجرا، یک ارزشیابی منطقی را برای آن لحاظ میکند. پیشنهاد میگردد با توجه به ماهیت چند علیتی رفتار بهداشت دهان و دندان، ذی‌ربطان از این الگو در راستای برنامه‌ریزی منطقی نیز بهره‌گیرند.

کلیدواژه: طراحی، اجرا، ارزشیابی، مداخله، بهداشت دهان و دندان، الگوی پرسید-پروسید

مجتبم غفاری

دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

مصطفی نصیرزاده

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۳۴۲۵۹۱۷۶
mnasirzadeh13@yahoo.com

سکینه رخشنده رو

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

علی رمضانخانی

استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر سلامت دهان و دندان بر کیفیت زندگی و ارتباط آن با رفتارهای بهداشت دهان و دندان در کودکان ۱۲ ساله ایرانی

محتشم غفاری

دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و
ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران،
ایران.

سکینه رخشنده رو

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و
ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران،
ایران.

محمد اسدپور

استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان،
رفسنجان، ایران.

مصطفی نصیرزاده

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان،
رفسنجان، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۳۴۲۵۹۱۷۶

mnasirzadeh13@yahoo.com

چکیده

مقدمه: مفهوم کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان و دندان به عنوان یک مفهوم چندبعدی، بیانگر میزان رضایت فرد از بهداشت دهان و دندان خود در ابعاد مختلف می‌باشد. این پژوهش تاثیر بهداشت دهان و دندان بر کیفیت زندگی کودکان ۱۲ ساله و ارتباط آن را با رفتارهای بهداشت دهان و دندان بررسی نمود.

روش بررسی: پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر در میان ۵۷۱ دانش آموز ابتدایی پایه ششم (۸ مدرسه منتخب) در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه سه قسمتی و شامل مشخصات دموگرافیک، ارزیابی رفتارهای بهداشت دهان و دندان و پرسشنامه استاندارد ۳۵ سوالی OHRQoL بود. داده ها به کمک نرم افزار SPSS-۱۶ و آزمون‌های آماری آنالیز واریانس یکطرفه، تی مستقل و کای دو در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمره OHRQoL برابر ۳۰/۴۳±۱۸/۱ و با رفتار مسواک زدن ($P=۰/۰۳$)، وضعیت رفتار مسواک زدن ($P=۰/۰۳$)، مدت زمان مسواک زدن در هر بار ($P<۰/۰۰۱$) استفاده از خمیر دندان ($P<۰/۰۰۱$)، مصرف مرتب و روزانه تنقلات ($P=۰/۰۱$) و مراجعه منظم به دندانپزشکی ($P=۰/۰۴$) ارتباط معنی داری داشت. اما با رفتارهای استفاده از نخ دندان و فراوانی رفتار مسواک زدن ارتباط معنی داری دیده نشد ($P<۰/۰۵$). بیشترین تاثیر گذاری سلامت دهان و دندان بر کیفیت زندگی کودکان به ترتیب در ابعاد علائم دهانی و نقص عملکردی و سلامت عاطفی بود.

نتیجه گیری: هر چند میانگین نمره کیفیت زندگی مرتبط با بهداشت دهان و دندان دانش آموزان در حد مطلوب بود ولی سلامت آنان را در ابعاد علائم دهانی و نقص عملکردی و سلامت عاطفی تحت تاثیر قرار داده و خود متاثر از رفتارهای بهداشت دهان و دندان همچون مسواک زدن و مراجعه منظم به دندانپزشک برای دریافت خدمات بود. لذا طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توانمند سازی دانش آموزان، خانواده ها و مسئولین مدارس پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان و دندان، بهداشت دهان و دندان، دانش آموز، رفتارهای ارتقا دهنده سلامت دهان و دندان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه اثربخشی پیام‌های سود محور و زبان محور نسبت به اتخاذ رفتارهای بهداشت دهان و دندان کودکان: کاربرد الگوی فرآیند موازی گسترده

چکیده

مقدمه: سلامت دهان و دندان‌ها از معیارهای اصلی سلامت افراد جامعه و نقش بسیار مهمی در سلامت عمومی و کیفیت زندگی دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی پیام‌های سود محور و زبان محور نسبت به اتخاذ رفتارهای بهداشت دهان و دندان در میان دانش آموزان ابتدایی شهر رفسنجان با بکارگیری الگوی فرآیند موازی گسترده اجرا گردید.

روش بررسی: مطالعه نیمه تجربی حاضر در میان ۱۹۶ دانش آموز دختر و پسر ابتدایی شهر رفسنجان در سال ۱۳۹۶ در چهار گروه اجرا گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بر اساس الگوی فرآیند موازی گسترده بود. در ابتدا دانش آموزان به چهار گروه تقسیم گردیده، پیش آزمون اجرا و پس از ارائه پیام‌های آموزشی تدوین شده در قالب فولدر آموزشی بصورت پیام‌های منفی و مثبت نسبت به اتخاذ رفتار مراجعه منظم به دندانپزشکی، این رفتار ارزیابی گردید. تجزیه و تحلیل به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ در سطح معنی داری ۰/۰۵ بود.

یافته‌ها: میانگین سنی مشارکت کنندگان ۹/۴ سال بود. پیش از اجرای مداخله بین میانگین نمرات سازه‌های الگو و تصمیم برای مراجعه به دندانپزشک اختلاف معنی داری وجود نداشت. اما پس از ارائه پیام‌های آموزشی، دخترانی که پیام‌های مثبت و پسرانی که پیام‌های منفی را دریافت نموده بودند، بیش از سایر گروه‌ها، تصمیم خود را برای مراجعه به دندانپزشک گزارش نموده بودند. بر این اساس حساسیت درک شده نقش مهمی در اتخاذ رفتار مراجعه به دندانپزشک ایفا نمود ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: دختران با دریافت پیام‌های منفی به سمت فرآیند اتخاذ ترس رفته و کمتر جهت اتخاذ رفتار ترغیب می‌گردند، در حالیکه پسران نقش متضادی در این زمینه داشتند. لذا پیشنهاد می‌گردد در ارائه پیام‌ها یا تدوین محتواهای آموزشی با هدف ترغیب در اتخاذ رفتارها بین پسران و دختران تفاوت جدی قائل گردیم.

کلید واژه: بهداشت دهان و دندان، دانش آموزان ابتدایی، الگوی فرآیند موازی گسترده، پیام‌های سود محور و زبان محور

مصطفی نصیرزاده

* استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران. نویسنده مسئول: +۹۸۳۴۳۴۲۵۹۱۷۶
mnasirzadeh13@yahoo.com

محمد علی گل

دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

منا حافظی بختیاری

کارشناس آمار و مدارک پزشکی، بیمارستان حضرت علی ابن ابیطالب (ع)، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

لیلی مازار

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عملکرد زنان میانسال شهر بیرجند در ارتباط با رفتارهای پیشگیری از استئوآرتریت

انسبه نوروزی

انسبه نوروزی، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

فاطمه نظری

* آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران (ارائه دهنده): ۰۹۱۵۳۶۲۰۴۷۶

fff.nazari@gmail.com

میترا مودی

میترا مودی، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

حکیمه ملاکی

حکیمه ملاکی مقدم، آمارزیستی، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان ولیعصر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از شایعترین بیماریها در جامعه‌ی ما آرتروز می‌باشد، که بیشترین علت از کارافتادگی در افراد بالای ۵۰ سال است. هدف از این مطالعه، بررسی وضعیت رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز (رفتارهای تغذیه‌ای، فعالیت فیزیکی و انجام حرکات اصلاحی) در زنان میانسال است. تا در این خصوص، گام کوچکی در جهت ارتقاء سلامت زنان جامعه برداشته شود.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی بود، که در سال ۱۳۹۶، بر روی ۳۲۵ نفر از زنان ۲۹-۵۹ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند انجام شد، که بطور تصادفی انتخاب شدند. جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک، سوالات سنجش عملکرد که روایی و پایایی آن تایید شد، صورت گرفت. داده‌ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS ۱۹ وارد و با استفاده از شاخص‌های میانگین و توزیع فراوانی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: طبق یافته‌های پژوهش حاضر، میانگین سنی زنان مورد مطالعه 41.1 ± 3.9 بود، که ۸۷٪ آنها متأهل و ۱۳٪ از آنان خانه دار بودند. ۵۷٪ از افراد مورد نظر عملکرد مطلوبی در ارتباط با رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز داشتند. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که: ۳۰٪ از زنان فعالیت کششی و نرمشی منظم، ۴۲٪ مصرف سبزیجات در حد متوسط، ۷۱٪ طرز صحیح نشستن، ۶۰٪ استراحت پس از کارهای سنگین، ۶۱٪ استفاده از کف پوش مناسب در منزل و در نهایت ۲۱٪ جابجایی اجسام را به طرز صحیح انجام می‌دادند. که در همه موارد بالا تفاوت معنادار بود.

نتیجه گیری: برطبق یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌گردد در مراکز بهداشتی کلاسهای آموزشی جهت ارتقاء عملکرد زنان جهت انجام رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز برگزار گردد.

کلید واژه: رفتارهای بهداشتی، عملکرد، زنان میانسال، آرتروز

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی بر انجام رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز در زنان میانسال

چکیده

مقدمه: آرتروز شایعترین نوع آرتروز در افراد بالای ۴۰ سال می باشد بطوریکه شیوع آن حتی از بیماری قلبی، فشارخون بالا و دیابت بیشتر است. آموزش انجام رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز برای کاهش خطر ابتلا به آرتروز اهمیت ویژه ای دارد. هدف از این مطالعه، تعیین تأثیر مداخله آموزشی بر رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز در زنان میانسال با استفاده از سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی بود.

روش بررسی: این مطالعه تجربی (کارآزمایی میدانی شاهددار تصادفی شده) بر روی ۷۳ نفر از زنان ۲۹-۵۹ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند که بصورت تصادفی در دو گروه مداخله (نفر ۳۶) و کنترل (نفر ۳۷) قرار گرفته بودند، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای بود که روایی و پایایی آن تایید شده بود. این پرسشنامه مشتمل بر ۹ بخش جهت سنجش متغیرهای دموگرافیک، آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع و موانع درک شده، خودکارآمدی درک شده، راهنما برای عمل و عملکرد بود که به روش خودگزارش دهی تکمیل گردید. افراد گروه مداخله به ۴ گروه ۹ نفره تقسیم شدند. هر گروه تحت ۱۰ جلسه ۱ ساعته مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی قرار گرفتند. مداخله آموزشی به روش سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ، بحث گروهی و نمایش فیلم انجام شد. در پایان جلسه دهم کتابچه آموزشی به افراد گروه مداخله داده شد. پرسشنامه ها قبل از مداخله آموزشی، بلافاصله و سه ماه پس از اتمام مداخله آموزشی برای افراد گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۱۹ و در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ انجام شد. در صورت نرمال بودن از آزمون های آماری کای اسکور، آنالیز واریانس تکرار شونده، تی مستقل و تست بن فرونی و در صورت غیر نرمال بودن از آزمونهای فرید من، ویلکاکسون و من ویتنی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

یافته ها: قبل از مداخله بین دو گروه مداخله و کنترل در سازه های آگاهی ($P \leq 0/001$)، حساسیت درک شده ($P = 0/007$)، منافع درک شده ($P \leq 0/001$)، موانع درک شده ($P = 0/001$) و عملکرد ($P = 0/003$) اختلاف معنی داری وجود داشت، اما در سایر سازه ها اختلاف معنی داری مشاهده نشد. در گروه مداخله اختلاف معنی داری در میانگین نمره سازه های مختلف مدل در قبل، بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله مشاهده گردید. در گروه کنترل نیز در سازه های حساسیت درک شده ($P \leq 0/001$)، شدت درک شده، خودکارآمدی درک شده ($p \leq 0/001$) و عملکرد ($p \leq 0/001$) اختلاف معنی داری مشاهده شد.

نتیجه گیری: بر اساس مطالعه حاضر و باتوجه به تأثیر مثبت مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری کننده از آرتروز، پیشنهاد می گردد از این تئوری در برنامه های آموزشی پیشگیری از آرتروز استفاده گردد.

کلید واژه: آموزش، آرتروز، زنان میانسال، مدل اعتقاد بهداشتی

فاطمه نظری

* آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران (ارائه دهنده):
۰۹۱۵۳۶۲۰۴۷۶

fff.nazari@gmail.com

انسیه نوروزی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

میترا مودی

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

حکیمه ملاکی مقدم

آمارزیستی، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان ولیعصر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بازنگری جامعه نگر سرفصل درس تغذیه رشته‌های پزشکی و پرستاری با تعیین اولویت‌های مشکلات تغذیه ای و علل آن‌ها در مناطق تحت پوشش دانشکده علوم پزشکی آبادان در سال ۱۳۹۷

مهشید نقاش پور

* دکترای تخصصی علوم تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۱۵۷۳۳۸

mnaghshpour@gmail.com

لیلا فخارزاده

کارشناسی ارشد پرستاری اطفال، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

آرمین خالق جو

متخصص اطفال، گروه اطفال، دانشکده پزشکی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

عبدالله خوان زاده

متخصص داخلی، گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

عاطفه زاهدی

کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

سمانه منصوری

کارشناس تغذیه، واحد بهبود تغذیه جامعه، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

بلقیس افکنانه

کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، گروه سلامت خانواده، جمعیت و مدارس، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

مقصود پیری

کارشناس حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌ها، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

مهرداد زیتونی

پزشک عمومی، گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌ها، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

مینا متوسل

کارشناس پرستاری، گروه شبکه و ارتقای سلامت، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

فرخ نوری نژاد

کارشناس مامایی، گروه سلامت خانواده، جمعیت و مدارس، معاونت بهداشت، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

علی اصغر ولی پور

کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

هایده قجری

کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از اهداف آموزش، تلاش جهت رفع نیازهای جامعه است. با تغییر در نیاز جامعه، نوع دانش و مهارت‌های لازم برای آموزش نیروی انسانی متفاوت می‌شود. هدف از مطالعه حاضر تعیین اولویت مشکلات تغذیه ای و علل رفتاری و غیررفتاری آن‌ها در مناطق تحت پوشش دانشکده علوم پزشکی آبادان (آبادان، خرمشهر و شادگان) با هدف بازنگری جامعه نگر سرفصل دروس تغذیه رشته‌های پزشکی و پرستاری در قالب بسته "آموزش پاسخگو و عدالت محور" از بسته‌های طرح تحول آموزش علوم پزشکی بود.

روش بررسی: در این مطالعه (Health System Research (HSR)، ابتدا با تکنیک "نیازسنجی براساس نظرخواهی"، کارشناسان تغذیه به استخراج اولویت‌های مشکلات تغذیه ای منطقه پرداختند. اولویت‌ها به معاونت بهداشت دانشگاه ابلاغ شد. در دو جلسه با حضور ۸ نفر شامل معاون بهداشت، یک پزشک عمومی و ۲ پزشک متخصص، مدیران گروه‌ها و کارشناس مسئول تغذیه آن معاونت با هدایت محقق و به کارگیری تکنیک گروه اسمی علل بروز هر مشکل در منطقه لیست و در دو نوع "رفتاری" و "غیررفتاری" دسته بندی شدند. حاضرین بر اساس دو معیار اهمیت و امکان تغییر، به هر علت نمره ای از ۱ تا ۵ دادند. مجموع نمرات کسب شده توسط هر علت رتبه آن را بین سایر علل مشخص کرد. میانگین رتبه ای که هر یک از حاضرین به هر علت دادند اولویت آن را تعیین کرد.

یافته‌ها: پنج اولویت مشکلات تغذیه‌ای به ترتیب عبارت بودند از چاقی بزرگسالان، اضافه وزن و چاقی و کم خونی زنان باردار، دیابت نوع ۲ و کمبود ویتامین D بزرگسالان، کبد چرب، چاقی کودکان، پس از تعیین علل رفتاری و غیررفتاری برای هر یک، بازنگری سرفصل دروس "تغذیه درمانی" پرستاری و "اصول کلی تغذیه" پزشکی انجام و ۲۰ درصد تغییر در سرفصل اعمال شد که به طور خلاصه عبارت بود از: رشته پزشکی: ۱- افزودن بخش "آشنایی با مشکلات شایع تغذیه ای منطقه، علل رفتاری و غیررفتاری آن‌ها"، ۲- تغییر در بخش بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه به صورت "طیف سوء تغذیه از کم وزنی تا اضافه وزن و چاقی در کودکان و بزرگسالان و عوارض مرتبط با چاقی از جمله دیابت و کبد چرب، کم خونی‌های تغذیه ای (با تأکید بر کمخونی مادران باردار) و کمبود ویتامین D". رشته پرستاری: افزودن بخش‌های "آشنایی با مشکلات شایع تغذیه ای در منطقه و علل رفتاری و غیررفتاری آن‌ها" و "تغذیه درمانی چاقی (کودکان و بزرگسالان)، اختلالات کبدی (با تأکید بر کبد چرب) و اختلالات کلیوی". سرفصل‌های بازنگری شده توسط گروه‌های پرستاری و پزشکی و اعضای بسته آموزش پاسخگو جهت اجرا تأیید گردید.

نتیجه گیری: از نتایج بررسی مشکلات تغذیه ای منطقه و علل رفتاری و غیررفتاری آن‌ها می‌توان در بازنگری جامعه نگر سرفصل دروس تغذیه استفاده کرد.

کلید واژه: بازنگری سرفصل، علل رفتاری، مشکلات تغذیه ای، آبادان، آموزش پاسخگو



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



جایگاه شایستگی فرهنگی منابع انسانی در مراقبتهای بهداشتی

چکیده

مقدمه: امروزه شایستگی فرهنگی از مباحث مهم و ضروری در حوزه بهداشت و سلامت می‌باشد و در دانشگاههای برتر دنیا، بر آموزش و سنجش آن تاکید شده است، به گونه‌ای که مهمترین عوامل در رشد و توسعه نظام سلامت برخورداری از نیروهای انسانی با شایستگی فرهنگی لازم در کنار سایر شایستگی‌های تخصصی است. از این رو ارائه آموزش‌های مربوط به شایستگی فرهنگی به کارکنان یکی از استراتژی‌های مهم برای نیل به اهداف هر نهاد و سازمان میباشد هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جایگاه شایستگی فرهنگی منابع انسانی در مراقبتهای بهداشتی خواهد بود.

روش بررسی: در این مقاله با روش کتابخانه‌ای از بین حدود ۲۰۱۷-۱۹۹۰ بودنده، و به طور خاص به شایستگی فرهنگی در علوم پزشکی پرداخته بودند، مجموعاً ۱۵۰ مقاله و منبع بعنوان منابع مناسب انتخاب گردید و برای بررسی دقیق و مرور ساختارمند وارد مطالعه شد و از مطالب مرتبط آن‌ها یادداشت برداری به عمل آمد در نهایت در مرحله سوم مقالاتی که به طور خاص به تعریف، تعیین معیارها و مولفه‌های شایستگی در علوم پزشکی پرداخته بودند توجه شد و در نهایت ۹۹ مقاله به طور عمیق تر مورد مطالعه قرار گرفت و مطالب از آنها استخراج گردید.

یافته‌ها: طبق پژوهش حاضر هر چند هیچ تعریف مشخصی از شایستگی فرهنگی وجود ندارد، و برای شایستگی فرهنگی تعاریف مختلفی از دیدگاههای مختلف توسط مراکز علمی و محققین بین المللی مطرح شده است با این حال حرکت به سمت شایستگی فرهنگی در مراقبتهای بهداشتی در دنیا مورد توجه قرار گرفته است و در حال حاضر توسط سیاستگذاران سلامت، مدیران بهداشتی، دانشگاهیان، ارائه دهندگان، مصرف کنندگان خدمات بهداشتی به عنوان یک استراتژی برای از بین بردن تبعیض نژادی و قومی به رسمیت شناخته شده است موانع فرهنگی اجتماعی مربوطه به شایستگی فرهنگی در مراقبتهای بهداشتی در ۳ سطح موانع سازمانی (رهبری / نیروی کار) موانع ساختاری (فرایندهای مراقبتی) و موانع بالینی (برخورد بیمار) وجود دارد و ارائه چارچوبی از مداخلات شایستگی فرهنگی ساختاری، سازمانی و بالینی در بهبود و تسهیل مراقبت همه جانبه لازم است.

نتیجه گیری: آموزش شایستگی فرهنگی در پیشرفت دانش، نگرش و مهارت منابع انسانی تأثیر به سزایی دارد، و در این خصوص برنامه‌های آموزشی در دوره‌های مختلف و در تمامی سطوح آن و به خصوص کریکولوم‌های آموزشی با کاستی‌های فراوانی روبروست و نیازمند بازنویسی و اصلاح برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف از بعد شایستگی فرهنگی می‌باشد.

کلید واژه: منابع انسانی - شایستگی فرهنگی - مراقبتهای بهداشتی

زهرا نفی زاده موعاری

دانشجو دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر جهاددانشگاهی، تهران، ایران
z.naghizadeh@yahoo.com

عباس عباس پور

دانشیار، مدیر گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
abbaspour1386@gmail.com

سعید غیاثی ندوشن

استادیار، عضو هیئت علمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
ghiasi.saeed@gmail.com

مهدی فیض

استادیار، عضو هیئت علمی جهاددانشگاهی، تهران، ایران
feiz.mahdi@gmail.com

جلیل کوهپایه زاده

* استاد، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
نویسنده مسئول:
jkuhpayah@yahoo.com



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مدل مفهومی شایستگی و شایستگی فرهنگی در علوم پزشکی

زهرا نقی زاده موغاری

دانشجو دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر جهاددانشگاهی، تهران، ایران
z.naghizadeh@yahoo.com

عباس عباس پور

* دانشیار، مدیر گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:
abbaspour1386@gmail.com

سعید غیائی ندوشن

استادیار، عضو هیئت علمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
ghiasi.saeed@gmail.com

مهدی فیض

استادیار، عضو هیئت علمی جهاددانشگاهی، تهران، ایران
feiz.mahdi@gmail.com

جلیل کوهپایه زاده

استاد، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
jkuhpayeh@yahoo.com

چکیده

مقدمه: امروزه بر وجود شایستگی و شایستگی فرهنگی نیروی انسانی به عنوان پایه و اساس هر نظامی تاکید شده است، به گونه‌ای که ارائه آموزش‌های مربوط به شایستگی به کارکنان یکی از استراتژی‌های مهم برای نیل به اهداف هر نهاد و سازمان می‌باشد. در آموزش پزشکی نیز این مساله مورد توجه بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا، می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه مدل مفهومی شایستگی و شایستگی فرهنگی در علوم پزشکی می‌باشد.

روش بررسی: در این مقاله با روش کتابخانه ای از بین حدود ۲۱۵ مقاله و بررسی سایت ۳۰ دانشگاه و مراکز علمی معتبر بین المللی، ۲۸ منبعی که در محدوده سالهای ۱۹۹۰-۲۰۱۷ بوده، و به طور خاص به شایستگی و شایستگی فرهنگی در علوم پزشکی پرداختند به طور عمیق تر مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها: طبق پژوهش حاضر در عرصه بین المللی نقش‌ها و شایستگی‌های عمومی یک دانش آموخته رشته‌های علوم پزشکی توسط مراکز معتبر بیان شده است که با رعایت آنها به پیامد مطلوب دست می‌یابند. همچنین در زمینه خاص شایستگی فرهنگی در جامع ترین تحقیقات فرایندها و استراتژی‌های متعددی بیان شده است که در این مقاله ۲ مدل مفهومی شایستگی و شایستگی فرهنگی در علوم پزشکی از آن مستخرج شده است.

نتیجه گیری: امروزه آموزش شایستگی و شایستگی فرهنگی در پیشرفت دانش، نگرش و مهارت افراد تأثیر به سزایی دارد، فلذا ضرورت هم اندیشی و ارائه الگوهای مناسب شایستگی در دانش آموختگان علوم پزشکی به خصوص با کاستی‌های کریکولوم‌های آموزشی بارز است

کلید واژه: مدل - شایستگی - شایستگی فرهنگی - دانش آموختگان علوم پزشکی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی حمایت اجتماعی در سالمندان آمل در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: حمایت اجتماعی یکی از مهم ترین جنبه ها در زندگی افراد سالمند است. حمایت اجتماعی ادراک شده بر وضعیت جسمی، روانی، رضایت از زندگی و جنبه های مختلف کیفیت زندگی افراد اثرات زیادی دارد و به عنوان یک عامل تعدیل کننده مؤثر در مقابله و سازگاری با شرایط استرس زای زندگی شناخته شده است. این مطالعه با هدف بررسی حمایت اجتماعی در سالمندان شهر آمل در سال ۹۷ انجام گرفت. **روش بررسی:** روش مطالعه توصیفی است. ۳۰۷ نفر سالمند به روش نمونه گیری مبتنی بر نمونه گیری طبقه و خوشه ای چند مرحله ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه حمایت اجتماعی ۱۹ ماده ای شریورن و استوارت (MOS) بوده است. داده ها از طریق مصاحبه با سالمندان جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون های آماری رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سن جمعیت مورد مطالعه $65/35 \pm 3/78$ بود. میانگین نمره حمایت اجتماعی در سالمندان مورد مطالعه $63/2 \pm 7/22$ بود. میانگین نمره حمایت اجتماعی بر حسب حیطه های چهار گانه شامل: حمایت هیجانی $25/27 \pm 3/44$ ، حمایت ملموس $13/7 \pm 2/65$ ، تامل مثبت $10/21 \pm 2/16$ ، حیطه مهربانی $9/32 \pm 1/5$ بوده است. در این مطالعه بین حمایت اجتماعی با سن همبستگی معکوس وجود داشت. همچنین ارتباط بین حمایت اجتماعی با سن، زندگی به صورت تنهایی، معنی دار بوده است. **نتیجه گیری:** با توجه نقش حمایت اجتماعی بعنوان یکی از عوامل مهم در ارتقای سلامت سالمندان، در این راستا توجه به این منبع ارزان اقتصادی برای بهبود سلامت و کیفیت زندگی در سالمندان بسیار مورد تأکید است.

کلید واژه: سالمندان، حمایت اجتماعی، ارتقای سلامت

سید ابوالحسن نقیبی

* استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. نویسنده مسئول:
anagh1345@yahoo.com

زبیده صابر

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عملکرد بهداشت دهان و دندان دانش آموزان شهر رامسر

سید ابوالحسن نقیبی

* استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. نویسنده مسئول: anaghibi1345@yahoo.com

محمود موسی زاده

استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نرگس حسن نژاد

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

چکیده

مقدمه: سلامت دهان و دندان یک جزء ضروری و جدایی ناپذیر سلامت عمومی افراد است که به عنوان یکی از شاخصه‌های بهداشت عمومی، نقش مهمی در پیشگیری از بیماریهای مزمن دارد. با توجه به اهمیت رفتارهای بهداشت دهان و دندان در سلامت عمومی افراد، هدف مطالعه حاضر تعیین عملکرد بهداشت دهان و دندان دانش آموزان بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مقطعی بوده که در شهر رامسر استان مازندران انجام شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در عملکرد مسواک زدن بوده است که روایی و پایایی آن تعیین شده است. داده‌ها توسط پرسشگر آموزش دیده و با حضور در مدارس جمع‌آوری شد. ورود داده‌ها در نرم افزار SPSS ورژن ۲۴ انجام گرفت. داده‌ها با بهره‌گیری از آزمون‌های توصیفی و آزمون تحلیلی کای اسکوئر آنالیز شد. ملاک قضاوت سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بوده است.

یافته‌ها: در این مطالعه ۲۵۰ نفر با سن بین ۱۲ الی ۱۸ سال مورد بررسی قرار گرفتند. ۶۶٪ از نمونه‌ها ساکن روستا بودند. ۲۲/۴٪ از نمونه همیشه و ۳۴/۸٪ از آنها اکثر اوقات بعد از غذا دندانهایشان را مسواک می‌زنند. ۳۸/۸٪ از افراد مورد بررسی اظهار داشته‌اند که بلافاصله بعد از خوردن غذای داغ، از آشامیدن آب سرد خودداری می‌کنند و ۵۹/۶٪ همیشه هر سه ماه مسواک خود را تعویض می‌کنند. همچنین ۴۹/۶٪ همیشه هر شب قبل از خواب دندانهایشان را مسواک می‌زنند. ۲۰/۳٪ همواره سه بار در شبانه روز دندانهایشان مسواک می‌زنند. ارتباط بین آشامیدن آب سرد بعد از خوردن غذای داغ و مسواک زدن دندانها قبل از خواب از نظر آماری معنی دار بوده است.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که عملکرد دانش آموزان در مورد بهداشت و دهان و دندان در وضعیت مناسبی نمی‌باشد و با وضعیت مطلوب فاصله بسیار دارد. بنابراین انجام برنامه‌ریزی‌های مناسب جهت مداخلات در ابعاد فردی، خانواده و مدرسه محور ضروری است.

کلید واژه: بهداشت، دهان و دندان، مسواک زدن، دانش آموز



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط سبک زندگی با کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در دختران نوجوان دبیرستان‌های شهرستان مشهد در سال تحصیلی ۹۲-۹۱

چکیده

مقدمه: بررسی کیفیت زندگی و عوامل اثرگذار بر آن در نوجوانان باعث بوجود آمدن یک دیدگاه کلی از وضعیت سلامت آنان و آرایه راهکارهای مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بهداشتی در جامعه میشود. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین سبک زندگی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در دختران نوجوان دبیرستانی شهرستان مشهد انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع همبستگی است که در سال ۱۳۹۱ بر روی ۸۱۰ دانش آموز دختر از دبیرستان‌های شهرستان مشهد که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - خوشه‌ای انجام شد. افراد مورد مطالعه پرسشنامه‌های مشخصات فردی، تواناییها و مشکلات نوجوانان، ارتقاء سلامت نوجوانان و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت را تکمیل کردند. داده‌ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۱/۵) و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی اسپیرمن، t مستقل، من ویتنی، کروسکال والیس، آنالیز واریانس یکطرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** بین نمره کل کیفیت زندگی با سبک زندگی و ابعاد آن همبستگی معنی داری وجود داشت ($P < 0/001$)، بیشترین همبستگی بین "رشد معنوی" بعد از آن "مدیریت استرس" و کمترین مربوط به "رفتار تغذیه‌ای" بود. بین نمره کل سبک زندگی با کیفیت زندگی و ابعاد آن نیز همبستگی معنی داری وجود داشت ($P < 0/001$) و از میان ده بُعد کیفیت زندگی دو بُعد "سلامت روانی" و "سلامت جسمی" به ترتیب بیشترین همبستگی و "پذیرش اجتماعی" کمترین همبستگی را با سبک زندگی داشتند و همچنین بین تمام ابعاد سبک زندگی با ابعاد کیفیت زندگی همبستگی مثبت معنی دار وجود داشت ($P < 0/05$) و تنها میان سه بُعد "تغذیه" ($P = 0/174$)، "روابط بین فردی یا حمایت اجتماعی" ($P = 0/860$) و "فعالیت ورزشی" ($P = 0/071$) از سبک زندگی با بُعد "پذیرش اجتماعی" از کیفیت زندگی همبستگی از نظر آماری معنی دار نبود.

نتیجه‌گیری: بین سبک زندگی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت و ابعاد آنها در نوجوانان ارتباط آماری معنی داری وجود دارد. بدین لحاظ متخصصان نظام سلامت میتوانند با توجه به فرصت ویژه‌ای که محیط‌های آموزشی فراهم می‌آورد جهت طراحی دستورالعمل‌هایی برای ایجاد محیط سالم و توسعه برنامه‌های آموزشی سلامت محور به منظور تغییر و تعدیل عوامل ناسالم مرتبط با سبک زندگی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت به منظور ارتقاء آنها در این جمعیت نقش موثری ایفاء نمایند.

کلیدواژه: سبک زندگی، کیفیت زندگی، نوجوانان

فوزیه نقیبی

دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

ناهید گل‌مکانی

* مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۹۳

golmakanin@mums.ac.ir

حبیب ا... اسماعیلی

دانشیار گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

فاطمه محبری

استادیار، فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت و عوامل مرتبط با آن در دختران نوجوان

فوزیه نقیبی

کارشناس ارشد مامایی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

ناهد گل‌مکانی

* مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۹۳

golmakanin@mums.ac.ir

حبيب ... اسماعیلی

دانشیار گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

فاطمه محرری

استادیار، فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

چکیده

مقدمه: سبک زندگی سالم از استراتژیهای اصلی برای حفظ سلامتی می‌باشد و به دلیل اهمیت سلامت نوجوانان در ارتقاء سلامت جامعه، مطالعه حاضر با هدف تعیین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در دختران نوجوان دبیرستانهای شهرستان مشهد و عوامل مرتبط بر آن طراحی شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۱ بر روی ۸۱۰ دانش آموز دختر دبیرستانهای شهرستان مشهد که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به روش نمونه گیری طبقه ای-خوشه ای انجام شد افراد مورد مطالعه پرسشنامه‌های مشخصات فردی، توانائیها و مشکلات نوجوانان و سبک زندگی ارتقاء سلامت نوجوانان را تکمیل نمودند. داده ها با استفاده از آزمونهای من ویتنی، کروسکال والیس، فریدمن-ویلکاکسون، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی عمومی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (0/05 α).

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن واحدهای مورد مطالعه (0/98 ± 15/51) بود. میانگین کل نمره سبک زندگی (0/1 ± 63/92) بود. بالاترین نمره کسب شده در بُعد «رشد معنوی یا درک ارزش زندگی» (0/56 ± 15/56) و کمترین در بُعد «فعالیت فیزیکی و ورزشی» (0/49 ± 22/49) بود. بین سبک زندگی نوجوانان با تحصیلات والدین به ترتیب تحصیلات مادر (0/24 P) و تحصیلات پدر (0/14 P) ارتباط آماری معنی داری وجود داشت ولی بین سبک زندگی نوجوانان با منطقه سکونت آنها (شهر و روستا) (0/530 P) و شغل والدین به ترتیب شغل مادر (0/884 P) و شغل پدر (0/578 P) ارتباط معنی داری مشاهده نشد از بین متغیرهای تشکیل دهنده سبک زندگی نوجوانان، رشد معنوی دارای بیشترین مقدار همبستگی با سبک زندگی کل بود (0/754 P , 0/01 P).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده لزوم برنامه‌های آموزشی سلامت محور به منظور تغییر و تعدیل عوامل ناسالم مرتبط با سبک زندگی، با تاکید بر ورزش، مسئولیت پذیری در برابر سلامت و تغذیه دانش آموزان می‌بایست در اولویت قرار گیرد و امکانات لازم برای برآوردن نیازهای مربوط به انتخاب رفتارهای سالم فراهم گردد.

کلید واژه: سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، ارتقاء سلامت، دختران نوجوان.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

مقدمه: در دهه اخیر سواد سلامت، نقش حیاتی در آموزش بهداشت و ارتقای سلامت داشته و به عنوان وسیله‌ای برای بهبود پیامدهای سلامت و کاهش نابرابری در سلامت مورد توجه فزاینده قرار گرفته است. این مفهوم به طور مستقیم با توانایی فرد برای استفاده از سیستم مراقبت بهداشتی جهت تاثیر مثبت بر وضعیت سلامتی شان ارتباط دارد. آگاهی از میزان دانش بهداشتی یک جمعیت و نقاط ضعف سواد سلامت مردم برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی الزامی است. از این رو مطالعه حاضر به بررسی وضعیت سواد سلامت و برخی عوامل مرتبط بر آن در دانشجویان غیر علوم پزشکی می‌پردازد.

روش بررسی: این مطالعه به روش پیمایشی و با رویکرد توصیفی-همبستگی بر روی ۱۱۶ نفر از دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ انجام شد. افراد مورد بررسی از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد سواد سلامت (منتظری و همکاران، ۱۳۹۳) شامل ابعاد دسترسی، مهارت خواندن، فهم، ارزیابی، تصمیم گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت بهره گرفته شد. داده‌های به دست آمده به کمک نسخه ۲۳ نرم افزار SPSS و با به کارگیری آمارهای توصیفی و آزمون کای دو و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** میانگین و انحراف معیار نمره سواد سلامت $13.7/0.7 \pm 69/50$ از ۱۰۰ بود. نتایج پژوهش نشان داد، ۶/۹ درصد از دانشجویان (۸ نفر) سواد سلامت ناکافی، ۲۶/۷ درصد (۳۱ نفر) سواد سلامت نه چندان کافی، ۵۳/۴ درصد (۶۲ نفر) سواد سلامت کافی، و ۱۲/۹ درصد (۱۵ نفر) سواد سلامت عالی داشتند. ابعاد درک (۷۶/۷۸) و دسترسی (۷۲/۰۲) بیشترین میانگین نمره و بعد تصمیم گیری و کاربرد اطلاعات سلامت (۶۲/۱۴) کمترین میانگین نمره را به خود اختصاص داده بودند. بین جنسیت و وضعیت سواد سلامت ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد ($P=0/54$). اما بین متغیر سن و نمره سواد سلامت همبستگی معنی دار آماری وجود داشت ($P=0/008$) اینترنت (۵۶/۹٪) و پزشک و کارکنان بهداشتی (۲۵٪)، مهمترین منابع اطلاعاتی بودند که دانشجویان شرکت کننده به صورت معمول مطالب مربوط به بیماری و سلامت خود را از طریق آنها به دست می‌آوردند.

نتیجه گیری: براساس نتایج به دست آمده، بیشتر دانشجویان، اطلاعات مربوط به بیماری و سلامتی را از طریق اینترنت دریافت میکردند. بنابراین با توجه به تمایل بالای دانشجویان، میتوان برنامه‌ها و مطالب مرتبط با بیماری و سلامت را از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در اختیار آنها قرار داد.

کلید واژه: اطلاعات سلامت، سواد سلامت، دانشجویان دانشگاه

آسیه نمازی

استاد راهنما، دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی
دانشگاه علوم بهزیستی تهران، هیئت علمی گروه مامایی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

هاله غلامرزازاده

* دانشجوی کارشناسی مامایی، گروه مامایی دانشگاه
آزاد اسلامی واحد رشت، ایران. ارائه دهنده:

Email: anamazi55@yahoo.com

زهرا تقدس نژاد

دانشجوی کارشناسی مامایی، گروه مامایی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد رشت، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سلامت اجتماعی و ارتباط آن با عوامل دموگرافیک در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

آسیه نمازی

استاد راهنما، دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی
دانشگاه علوم بهزیستی تهران، هیئت علمی گروه مامایی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

مانده بابایی

* دانشجوی کارشناسی مامایی، گروه مامایی دانشگاه
آزاد اسلامی واحد رشت، ایران. ارائه دهنده:

Email: anamazi55@yahoo.com

سیده کبری بقایی

دانشجوی کارشناسی مامایی، گروه مامایی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد رشت، ایران

چکیده

مقدمه: سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت است که نقش مهمی در تعامل زندگی اجتماعی هر انسان دارد و گسترش آن می‌تواند اسباب توسعه اجتماعی در آن جامعه را فراهم کند. از آنجایی که قشر جوان و دانشجویان در هر کشور اصلی‌ترین سرمایه برای توسعه محسوب می‌شوند، لذا توجه به سلامتی و به خصوص سلامت اجتماعی و نحوه تعاملات آنها در شبکه‌های اجتماعی ضروری است. این مطالعه به بررسی وضعیت سلامت اجتماعی و ارتباط آن با عوامل دموگرافیک در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رشت می‌پردازد.

روش بررسی: مطالعه حاضر با رویکرد توصیفی-همبستگی بر روی ۱۵۳ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ انجام شد. افراد مورد بررسی از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد سلامت اجتماعی کیز (۱۹۹۸) شامل ابعاد شکوفایی، همبستگی، انسجام، پذیرش و مشارکت اجتماعی بهره‌گرفته شد. داده‌های به دست آمده به کمک نسخه ۲۳ نرم‌افزار SPSS و با به کارگیری آمارهای توصیفی و آزمون کای دو و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان مورد بررسی 26.4 ± 6.07 سال و 66.7% از آنها دختر بودند. میانگین و انحراف معیار نمره سلامت اجتماعی 65.68 ± 9.61 بود. نتایج پژوهش نشان داد، ۲ درصد از دانشجویان (۳ نفر) سلامت اجتماعی پایین، ۸۵ درصد (۱۳۰ نفر) سلامت اجتماعی متوسط و ۱۳ درصد (۲۰ نفر) از سلامت اجتماعی بالا برخوردار بودند. میانگین نمره ابعاد شکوفایی ($13/44$)، همبستگی ($9/22$)، انسجام ($11/44$)، پذیرش ($13/55$) و مشارکت اجتماعی ($18/09$) بود. بین سن دانشجویان و نمره کل سلامت اجتماعی همبستگی آماری معنی‌داری وجود داشت ($P=0/01$)، اما در بررسی ابعاد سلامت اجتماعی تنها بین بعد پذیرش اجتماعی با سن دانشجویان همبستگی معنی‌دار مشاهده شد ($P=0/009$). بین جنسیت و سطح تحصیلات با سطح سلامت اجتماعی ارتباط آماری معنی‌دار مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج به دست آمده، با توجه به اینکه سطح سلامت اجتماعی دانشجویان در وضعیت مطلوب نیست لذا پیشنهاد می‌شود، مسئولین آموزشی دانشگاه با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی زیر نظر متخصصین علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی به افزایش سطح سلامت دانشجویان کمک نمایند.

کلید واژه: ابعاد سلامت، سلامت اجتماعی، دانشجویان دانشگاه

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش فاکتورهای هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار درک شده بر رفتارهای کاهش وزن در نوجوانان مبتلا به اضافه وزن و چاقی

چکیده

مقدمه: اضافه وزن و چاقی یکی از مشکلات مربوط به سلامتی است که شیوع آن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رو به افزایش بوده و به عنوان یک معضل بهداشتی علاوه بر بالغین کودکان و نوجوانان را هم گرفتار می‌کند. دلیل اضافه وزن و چاقی یک یا دو عامل جداگانه نیست، بلکه ترکیبی از عوامل مختلف جسمی- روانی و اجتماعی- فرهنگی و تعامل بین آن‌ها در روند اضافه وزن و چاقی کودکان و نوجوانان مؤثر است.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی است که بر روی ۱۲۵ نوجوان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ سال مبتلا به اضافه وزن و چاقی، مراجعه کننده به درمانگاه مرکز تحقیقات قلب کودکان، در پژوهشکده قلب و عروق اصفهان به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش نامه محقق ساخت منطبق بر سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده و مشخصات دموگرافیک بود، که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با کمک آزمون‌های آماری T-Test, ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون در سطح ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌ها $15/20 \pm 1/53$ سال بود، ۵۴/۴٪ از نوجوانان دختر و ۴۵/۶٪ پسر بودند. نتایج مطالعه نشان داد بین میانگین نمره هنجارهای ذهنی ($47/47 \pm 5/27$)، $49/14 \pm 6/09$ ، کنترل رفتار درک شده ($33/98 \pm 8/21$)، $33/30 \pm 7/52$ و رفتارهای کاهش وزن ($23/45 \pm 7/17$)، $23/80 \pm 7/53$ در دختران و پسران تفاوت معنی داری مشاهده نشد. نتایج بیانگر این است که به ترتیب ۴۲/۱٪ پسران و ۲۶/۵٪ دختران استفاده از یک رژیم غذایی کم کالری و سالم جهت کاهش وزن و ۲۴/۵٪ پسران و ۱۷/۴٪ دختران انجام روزانه ۳۰ تا ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی منظم به منظور رسیدن به وزن طبیعی را سخت و دشوار می‌دانستند. در این مطالعه دختران به ترتیب نظر مادر ($97/1$)، پدر ($89/7$) و کارشناس رژیم درمانی ($83/8$) و پسران نظر مادر ($94/7$)، پدر ($87/7$) و دوستان ($68/4$) را بیشتر از سایر افراد تأثیر گذار، برای کاهش وزن مهم می‌دانستند. ضریب همبستگی پیرسون بین رفتار کاهش وزن با کنترل رفتار درک شده ($P < 0.001$, $r = 0.64$) و هنجارهای ذهنی ($P = 0.001$, $r = 0.25$)، ارتباط مثبت و معنی داری را نشان می‌داد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش توصیه می‌شود در برنامه‌ریزی مداخلات کاهش وزن برای نوجوانان مبتلا به اضافه وزن و چاقی، در مدارس و مراکز رژیم درمانی، به نقش هنجارهای اجتماعی- فرهنگی بخصوص نقش والدین اهمیت بیشتری داده شود و طراحی برنامه‌های آموزشی کاهش وزن برای نوجوانان، در جهت تقویت خودکارآمدی و این ایده باشد که با وجود همه موانع و مشکلات آن‌ها قادر خواهند بود تا وزن خود را کاهش دهند.

کلید واژه: هنجارهای ذهنی- کنترل رفتار درک شده- اضافه وزن- چاقی- نوجوانان

زهره سادات نوابی

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات قلب کودکان، پژوهشکده قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۱۸۶۲۲۵۹

Email: zs.navabi@gmail.com

علیرضا احمدی

دانشیار، مرکز تحقیقات قلب کودکان، پژوهشکده قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

سید سعید مظلومی محمود آباد

استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



وضعیت سواد سلامت افراد ۶۴-۱۸ ساله استان هرمزگان و ارتباط آن با رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت

شهلا نورالدین

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۹۵۳۹۹۸۱

Sh.nooraddin@gmail.com

صدیقه عابدینی

استادیار گروه بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

شکرالله محسنی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در سلامت، پژوهشکده سلامت هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

حوادریافتی

کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه سواد سلامت به عنوان شاخصی مهم و حیاتی در نتایج و هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی شناخته می‌شود. سواد سلامت یک پیامد کلیدی اقدامات آموزش بهداشت است که باید در مفهوم وسیع تر ارتقاء سلامت قرار گیرد. مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت سواد افراد ۱۸-۶۴ ساله استان هرمزگان و ارتباط آن با رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت بود.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه پژوهش ۸۱۲ افراد ۱۸ تا ۶۴ ساله مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی استان هرمزگان بودند که از طریق نمونه گیری چندمرحله ای وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل: پرسشنامه های دموگرافیک، پرسشنامه سواد سلامت عملکردی بالغین (TOFHLA) و پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت واکر (HPLP-II)، بود. داده ها از طریق نرم افزار SPSS-۲۰ و با استفاده از آزمون های آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان 27.8 ± 6.3 سال بود. ۲۷.۸ درصد (۲۲۶ نفر) از افراد مورد مطالعه سواد سلامت ناکافی و ۷۲.۲ درصد (۵۸۶ نفر) سواد سلامت کافی داشتند. میانگین و انحراف معیار نمره کل رفتارهای ارتقاء دهند سلامت $11 \pm 20.1 / 142.95$ بود که در سطح مطلوب ارزیابی شد. بیشترین میانگین زیرمقیاس مربوط به خودشکوفایی (9 ± 4.27)، و کمترین زیرمقیاس مربوط به زیرمقیاس فعالیت بدنی (4 ± 5.17) بود. بین سواد سلامت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت رابطه معناداری مشاهده شد. ($P < 0.05$) همچنین مطالعه نشان داد، جستجوی اطلاعات سلامت از طریق اینترنت (۴۳/۱ درصد) نسبت به سایر روش‌های سنتی جستجوی اطلاعات سلامت دارای بیشترین بهره گیری را داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله، لزوم برنامه‌ریزی آموزشی بر اساس حیطه های رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت با تاکید بر انجام فعالیت بدنی پیشنهاد می‌گردد. همچنین به نظر می‌رسد نیاز به ارائه اطلاعات در خصوص مولفه‌های سواد سلامت و آموزش از طریق فضای مجازی و تقویت شبکه‌های اجتماعی سلامت نیز می‌باشد.

کلید واژه: سواد سلامت-رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت- ۱۸ تا ۶۴ سال -استان هرمزگان.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی رابطه سواد سلامت با وضعیت سلامت عمومی در پرسنل نیروی انتظامی شهرستان زاهدان

چکیده

مقدمه: به میزان توانایی افراد در به دست آوردن، تفسیر کردن، و فهمیدن اطلاعات و خدمات اولیه بهداشتی بطوری که بتوانند در مورد مسائل مربوط به سلامتی خود تصمیم‌های درستی را اتخاذ کنند سواد سلامت می‌گویند. سازمان بهداشت جهانی در گزارشی، سواد سلامت را به عنوان یکی از بزرگترین تعیین‌کننده‌های سلامت معرفی نموده است لذا این مطالعه با هدف بررسی سواد سلامت با وضعیت سلامت عمومی در پرسنل نیروی انتظامی شهرستان زاهدان انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۲۰۰ نفر از پرسنل نیروی انتظامی شهرستان زاهدان انجام شد. آزمودنی‌ها در این پژوهش به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شده و براساس معیارهای ورود، به مطالعه وارد شدند. آنان آگاهانه و آزادانه پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، سواد سلامت ایرانیان و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) را تکمیل کردند. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss نسخه ۲۱ و روش‌های آماری توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. سطح معناداری در همه محاسبات آماری کمتر از ۰,۰۵ در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها: میانگین سن شرکت‌کنندگان در مطالعه ۵۳/۷ و ۶۶ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشتند. ۷۷ درصد شرکت‌کنندگان سواد سلامت عالی و ۲۲,۴ درصد سواد سلامت کافی و تنها ۰,۶ درصد سواد سلامت ناکافی داشتند. در بررسی وضعیت سلامت عمومی ۹۵ درصد شرکت‌کنندگان از سلامت عمومی مطلوب برخوردار بودند و ۴,۸ درصد شرکت‌کنندگان دچار اختلال در وضعیت سلامت عمومی بودند. در این مطالعه بین سواد سلامت و سلامت عمومی ارتباط آماری معنی داری دیده شد ($r = -0.449$) و $(P = 0.001)$ همچنین سواد سلامت با همه ابعاد سلامت عمومی ارتباط آماری معنی داری داشت: بعد جسمانی ($r = -0.288$ و $P = 0.001$) بعد اضطرابی و اختلال خواب ($r = -0.284$ و $P = 0.001$)، کارکرد اجتماعی ($r = -0.252$ و $P = 0.001$) و افسردگی ($r = -0.429$ و $P = 0.001$)

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که درصد زیادی از پرسنل نیروی انتظامی شهرستان زاهدان از سواد سلامت عالی برخوردار هستند هرچند بهتر است مطالعات وسیع‌تری در این خصوص انجام گردد و عوامل موثر بر سواد سلامت بر روی این قشر مورد مطالعه و در مداخلات بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: سواد سلامت، سلامت عمومی، پرسنل نیروی انتظامی

نرگس نوری

* کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، مجتمع آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۴۰۵۶۳۶

nouri.n2007@yahoo.com

زهره اژدر پور

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، مجتمع آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران

صادق زرگر

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، مجتمع آموزش عالی سلامت خاش، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران

سمیه شاهرودی

کارشناس ارشد آمار زیستی، عضو هیات علمی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، زاهدان، ایران

مهری سیروسی

مهری سیروسی، مربی بهورزی، آموز شگاه بهورزی سراوان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی عوامل موثر بر رفتارهای پیشگیری از غرق شدگی در دانش آموزان دوره اول متوسطه استان گیلان، با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در سال ۱۳۹۷

فروزان رضاپور شاه‌کلانی

دانشیار ارتقاء سلامت با گرایش ارتقاء ایمنی و پیشگیری از صدمات، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

سیده طاهره نوع پسنداصیل

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول:
۰۸۱-۳۸۳۸۰۰۲۵

tahereh.nopasand@yahoo.com

اکرم کریمی شاهنجرینی

دانشیار آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

لیلی تاپاک

استادیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات مدل سازی بیماری‌های غیر واگیر دار، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: غرق‌شدگی یکی از علتهای مهم مرگ و میر ناشی از حوادث در جهان است. در ایران غرق‌شدگی بیشتر در فصل تابستان دیده می‌شود. از طرفی، دانش‌آموزان دوره اول متوسطه به علت آغاز نوجوانی و تغییرات بلوغ، در مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره زندگی خود قرار دارند. چون غرق‌شدگی بیشترین تهدید را برای این دوره دارد. مطالعه بر روی نگرش نوجوانان نسبت به رفتارهای پیشگیری‌کننده از غرق‌شدگی و انجام رفتار محتاطانه نسبت به فعالیتهای آبی می‌تواند بسیار مهم باشد. لذا این مطالعه به منظور بررسی عوامل پیشگیری از غرق‌شدگی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه استان گیلان طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. در این پژوهش از بین ۷ شهر ساحلی استان گیلان، سه شهر به تصادف به عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های شامل متغیرهای دموگرافیک، آگاهی و سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بود که پس از تایید روایی و پایایی، توسط دانش‌آموزان تکمیل شد. ۷۳۴ دانش‌آموز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ دادند. داده‌ها با آزمون t نمونه‌های مستقل، آنالیز واریانس یک‌طرفه، رگرسیون لجستیک و تحلیل رگرسیون خطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این مطالعه ۳۷/۲ درصد از دانش‌آموزان، پسر و ۶۲/۸ درصد دختر بودند. ۲۱/۱ درصد از دانش‌آموزان حادثه نزدیک به غرق‌شدگی را تجربه کرده بودند. نتیجه آنالیز رگرسیون خطی روی سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده نشان داد که بین آگاهی ($P=0/01$)، نگرش ($P=0/023$)، هنجارهای ذهنی ($P=0/003$) و قصد رفتاری دانش‌آموزان ($P=0/024$) و رفتارهای پیشگیری از غرق‌شدگی رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. همچنین رگرسیون لجستیک، ارتباط معناداری را بین سازه قصد رفتاری و تجربه حادثه نزدیک به غرق‌شدگی نشان داد ($P=0/020$). براساس نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک بین جنسیت ($P=0/000$)، تحصیلات پدر ($P=0/005$) و قومیت دانش‌آموزان ($P=0/023$) و تجربه حادثه نزدیک به غرق‌شدگی ارتباط معنادار وجود داشت.

نتیجه‌گیری: استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند در طراحی برنامه‌ها و مداخلات مربوط به تغییر رفتارهای غیرایمن به منظور پیشگیری از غرق‌شدگی در نوجوانان کمک نماید.

کلیدواژه: پیشگیری از مصدومیت، آموزش سلامت، ارتقاء سلامت، نوجوان، بهداشت مدارس



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



آیا آموزش می‌تواند بر منبع کنترل مادران دارای نوزاد نارس بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان موثر باشد؟: مداخله ای آموزشی بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی توسعه یافته در زمینه انجام مراقبت کانگورویی مادر

چکیده

مقدمه: مراقبت کانگورویی (KMC) یک روش مراقبتی آسان، عاطفی و موثر برای نوزادان نارس محسوب میشود است و درگیر شدن فعال والدین در مراقبت از نوزاد کم وزن، یکی از بهترین و موثرترین راه ها برای جلوگیری از آسیب ها و صدمات ناشی از بستری شدن در این نوزادان محسوب می‌شود. از آنجا که تفکرات و شخصیت درونی مادر می‌تواند در انجام این مراقبت موثر باشد بنابراین بررسی منبع کنترل درونی مادران به عنوان یک بعد شخصیتی و باور در مورد میزان تأثیری که می‌توانند بر زندگی خود داشته باشد، مهم تلقی می‌شود. در این راستا هدف از انجام این مطالعه بررسی نایر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی توسعه یافته بر منبع کنترل مادران دارای نوزادان نارس برای انجام مراقبت کانگورویی از نوزادشان می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه تجربی که از نوع مقایسه قبل و بعد می‌باشد، ۱۲۱ نفر از مادران دارای نوزاد نارس بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان در بیمارستان شهید صدوقی یزد بودند که با روش نمونه گیری آسان انتخاب شده و در دو گروه مداخله و کنترل مورد بررسی قرار گرفتند. در این راستا گروه کنترل آموزش‌های معمول در بیمارستان را دریافت نمود و گروه مداخله آموزش‌های مراقبت کانگورویی مبتنی بر سازه‌های الگوی اعتقاد بهداشتی توسعه یافته را نیز دریافت نمودند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل مشخصات جمعیت شناختی والدین و نوزادان و پرسشنامه منبع کنترل بود که در سه بخش منبع کنترل درونی، منبع کنترل بیرونی و شانس طراحی گردید و از مادران شرکت کننده به صورت قبل و بعد و از طریق مصاحبه تکمیل گردید. تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره منبع کنترل مادران در دو گروه مداخله و کنترل قبل از مداخله هم تفاوت معنی داری با هم نداشتند ولی پس از مداخله آموزشی مبتنی بر الگوی اعتقاد بهداشتی توسعه یافته، میانگین نمره منبع کنترل در گروه مداخله، به طور معنی داری نسبت به گروه شاهد افزایش پیدا کرد ($P < 0.05$). به عبارت دیگر باور مادران در گروه مداخله در خصوص کارایی تلاش ها و اقدامات آن ها برای انجام مراقبت کانگورویی تقویت شد.

نتیجه گیری: هر چند تولد نوزاد نارس و مراقبت از او دوره ی استرس زایی برای مادران محسوب می‌شود و وضعیت نوزاد نارس در بعضی مواقع از کنترل مادران خارج می‌باشد، در عین حال آموزش بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی توسعه یافته می‌تواند منبع کنترل درونی مادران را برای انجام مراقبت کانگورویی بهبود بخشیده و باور آنان را در مورد اینکه تلاش هایشان برای بهبود نوزادشان موثر خواهد بود تقویت کند.

کلید واژه: تولد زودرس، مراقبت کانگورویی، مادران، منبع کنترل

صدیقه صفری حاجت آقایی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

معصومه عباسی شوازی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

حسینعلی صادقیان

* دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران) نویسنده مسئول: ۰۳۵۳۱۴۹۲۱۷۶ sadeghian.hossein@gmail.com

محمود نوری شادکام

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (فوق تخصص nicu، گروه اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی و راستی‌آزمایی برنامه ملی خودمراقبتی فردی (سفیر سلامت خانواده) در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران

نجمه الملوک امینی

* دانشجوی PhD آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهیدبهشتی، تهران، ایران.
۰۹۱۲۵۱۸۲۴۸۴

Email: najmeh_2701351@yahoo.com

زهره نیکوسرشت

کارشناس آموزش و ارتقای سلامت، معاونت اجتماعی فرهنگی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ایران

لیلا احمدی سلطان آبادی

کارشناس آموزش و ارتقای سلامت، معاونت اجتماعی فرهنگی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: برنامه ملی خودمراقبتی در حوزه خودمراقبتی فردی از سال ۱۳۹۴ در مراکز خدمات جامع سلامت آغاز شد و تا به حال در حال اجرا است. در این برنامه در هر خانواده، یک نفر به صورت داوطلبانه به عنوان سفیر سلامت خانواده انتخاب شده و در مورد نحوه استفاده از راهنماهای ملی خودمراقبتی ویژه خانواده، آموزش میبیند و پس از مطالعه راهنماها، به آموزش توصیه‌های بهداشتی مندرج در آنها در بین افراد خانواده خود اقدام میکند. این مطالعه با هدف ارزیابی نتایج حاصل از اجرای این برنامه در بین خانوارهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش بررسی: با توجه به ثبت الکترونیک خدمات آموزشی ارائه شده به سفیران سلامت خانواده، در سامانه یکپارچه بهداشت (سیب)، برای ارزیابی از تماس تلفنی توسط ارزیابیکندگاران خارجی و مصاحبه ساختارمند طبق پرسشنامه کوتاه ۱۰ سوالی استفاده شد. در این مطالعه با ۱۸۰ نفر از افرادی که به عنوان سفیر سلامت در سامانه سیب ثبت نام شده بودند مصاحبه تلفنی به عمل آمد.

یافته‌ها: ۷۵٪ از موارد ثبت شده در سامانه، واقعی بود. ۵۲٪ از شرکت کنندگان اظهار کردند که آموزش لازم برای استفاده از راهنماهای ملی خودمراقبتی را دریافت کرده‌اند. در کل ۴۷٪ از افراد آموزش دیده از کتابهای چاپی خودمراقبتی استفاده میکنند. ۳۸٪ از طریق سایت یا گوشی تلفن همراه، به فایل‌های الکترونیک دسترسی داشته و ۱۵٪ از سایر روشها از جمله شرکت در کلاسهای حضوری در پایگاههای سلامت، از مطالب آموزش بهداشت و خودمراقبتی طبق راهنماهای خودمراقبتی بهره برداری مینمایند. انتقال مطالب راهنماها توسط سفیر سلامت به سایر اعضای خانواده، ۲۴٪ بود.

نتیجه گیری: به نظر میرسد با توجه به اینکه روش ارزیابی، استفاده از ارزیابهای خارجی بود اجرای برنامه از نظر کیفیت قابل قبول میباشد ولی باید برای انتقال مطالب و به اشتراک گذاشتن آن در بین اعضای خانواده توسط سفیر سلامت، از مشوقهای معنوی و تبلیغات در رسانه‌های ملی و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد.

کلید واژه: خودمراقبتی، سفیر سلامت، آموزش بهداشت، ارزیابی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سلامت و بیماریهای دیابت و قلبی عروقی در سفیران سلامت روستایی

مرکز بهداشت شماره یک مشهد در سال ۱۳۹۷

چکیده

مقدمه: در حال حاضر ۷۶ درصد علت مرگها مربوط به بیماریهای غیرواگیر و ۴۶ درصد علت مرگهای غیرواگیر مربوط به بیماریهای قلبی عروقی می باشد. یک راهکار بسیار مهم در پیشگیری از این بیماریها آموزش مردم برای خودمراقبتی و خطرسنجی می باشد. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت سلامت و عوامل خطر بروز بیماریهای قلبی عروقی در سفیران سلامت مناطق روستایی مرکز بهداشت شماره یک مشهد می باشد

روش بررسی: در این پژوهش توصیفی مقطعی از بین ۴۶ خانه بهداشت مرکز بهداشت شماره یک مشهد دو خانه بهداشت انتخاب و از این دو خانه بهداشت تعداد ۹۸ سفیر سلامت روستایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که افراد دعوت شد به خانه بهداشت مراجعه نمایند و در صورت داوطلب بودن تکمیل پرسشنامه انجام شد.

یافته ها: تعداد افراد شرکت کننده در این مطالعه ۹۸ نفر و همگی زن می باشند. رنج سنی افراد مورد مطالعه ۴۴-۱۸ سال و بیشترین فراوانی ۲۷ ساله (۱۴ درصد) بود. ۹۲/۲ درصد افراد متأهل، ۵۵ درصد سطح تحصیلات افراد راهنمایی، ۹۰/۸ درصد افراد خانه دار می باشند. از نظر عوامل خطر بروز بیماریهای قلبی عروقی، بالاترین میزان بیماری بیان شده در این افراد دیابت با ۲۰/۴ درصد و کمترین میزان بیماری اظهار شده چربی خون با ۳/۱ درصد می باشد. بیشتر افراد سابقه بیماری در خانواده (۶۴/۳ درصد) دارا بودند. **نتیجه گیری:** وضعیت دموگرافی سلامت سفیران نشان می دهد که وضعیت سلامت و عوامل خطر بروز بیماریهای قلبی عروقی سفیران چندان مطلوب نیست و بیماریهای غیر واگیر از مهمترین مشکلات آنان بوده و با برنامه ریزی آموزشی می توان در جهت ارتقای سلامت این گروه مهم از جامعه اقدام نمود.

کلید واژه: سلامت، سفیر سلامت، بیماری قلبی عروقی

محمد صادق محجوبی

دانشجوی رشته کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر واحدیان

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت دموگرافی و سواد پرسنل شاغل استان خراسان رضوی و نیازهای آموزشی آنها در سال ۹۷

ناهید رزمخواه

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، معاونت بهداشت،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

پرستو واحدیان شاهرودی

دانشجوی رشته روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی،
دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر محمد واحدیان شاهرودی

دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

مقدمه: در دنیای امروز، سرمایه‌های انسانی به عنوان با ارزش ترین منابع سازمانی، به سازمان معنا و مفهوم می‌بخشند و زمینه تحقق اهداف سازمانی را فراهم می‌کند. رشد و توسعه سازمانها و در پی آن جامعه و کشور، در گرو استفاده صحیح از سرمایه‌های انسانی است. یکی از شاخص‌های پیشرفت و توسعه کشورها داشتن سرمایه‌های انسانی کارا و بهره ور و توانمند است. اگر جامعه ای از این مزیت رقابتی برخوردار نباشد به طور قطع نمی تواند به هدفهای مورد نظر خود دست یابد. دهه اخیر، جهان با یک تحول سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیاز همه گیر به بازآموزی و یادگیری مواجه ساخته است.

روش بررسی: از بین شرکتهای فعال در سطح استان شرکت آب و فاضلاب روستایی استان انتخاب و تعداد ۵۴۶ پرسنل که مشغول به فعالیت هستند مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل سطح تحصیلات و جنسیت و وضعیت تاهل افراد استخراج و توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۲۶ شهرستان استان خراسان رضوی با تعداد ۵۴۶ نفر در مطالعه شرکت داشتند. از این تعداد ۶۳ نفر پرسنل رسمی، ۹۱ نفر پیمانی و ۱۹۴ نفر مدت معین و ۱۹۷ نفر به صورت طرحی و شرکتهای بودند. تعداد ۶۳ نفر فوق لیسانس (۱۱ درصد) و ۲۷۳ نفر لیسانس (۵۰ درصد) و ۶۱ نفر فوق دیپلم (۱۱ درصد) و ۶۸ نفر (۱۲ درصد) دیپلم و کمتر بودند. اکثر افراد، مرد (۳۵۸ نفر (۶۵ درصد) و ۴۳۴ نفر (۸۰ درصد) متاهل بودند.

نتیجه گیری: بررسی وضعیت سواد پرسنل نشان می‌دهد که بیشتر افراد شاغل، دارای سواد لیسانس و بالاتر بوده اند و تعداد افراد با سواد دیپلم و کمتر در جامعه کارمندی کاهش یافته است و این امر امکان بهره برداری از تکنولوژی‌های نوین برای تامین نیازهای آموزشی و ارتقای سلامت را راحت تر فراهم می‌سازد.

کلید واژه: سواد، پرسنل، نیازهای آموزشی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سلامت زنان میانسال حاشیه شهر مشهد در سال ۹۷

چکیده

مقدمه: میانسالی دوره زندگی پس از جوانی و پیش از سالمندی است و اکثر محققان، سنین ۳۰ تا ۵۹ سال را به عنوان سن میانسالی در نظر می‌گیرند. این مرحله از حیات طلایی‌ترین دوره زندگی محسوب می‌شود و زنان در مقایسه با مردان تغییرات و عوارض ناشی از افزایش سن بیشتری را در این مرحله از زندگی تجربه می‌کنند. میانسالی عوارض مختلف و متعددی را برای زنان به دنبال دارد از جمله این عوارض می‌توان به بیماری‌های مزمن جسمی و روانی ناتوان‌کننده اشاره کرد که کیفیت زندگی زنان میانسال را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

روش کار: از بین ۲۴ هزار نفر جمعیت منطقه تحت پوشش مرکز بهداشت شهری روستایی همت آباد، ۱۰۰ زن مراجعه کننده به مرکز بهداشت که در سنین ۳۰ تا ۵۹ سال بودند به طور تصادفی انتخاب و پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک و ارزیابی سلامت در مورد آنها تکمیل گردید. داده ها با نرم افزار spss آنالیز شدند.

یافته‌ها: میانگین سن زنان 38.5 ± 7.6 سال بود. میانگین وزن 66.1 ± 1.3 kg و میانگین قد 157 ± 5.5 بود. ۹۰٫۱ درصد افراد مورد بررسی متاهل و ۹۲٫۱ درصد افراد خانه دار بودند. ۷۵٫۲ درصد افراد (۷۶ نفر) ذکر کردند که تحرک لازم برای سلامتی را ندارند. ۷۷٫۲ درصد افراد (۷۸ نفر) هیچ نوع دخانیات، مصرف خودسرانه مسکن ها و آرامبخش و خواب آورها و مصرف مواد و مشروبات الکلی را نداشتند. ۸۷٫۱ درصد افراد از نظر روانشناختی دچار هیچ نوع اختلالی نبودند. میانگین فشارخون سیستولی افراد 105 ± 1.5 و فشارخون دیاستولی 9.5 ± 6.64 می‌باشد. میانگین bmi 26.8 ± 5.3 می‌باشد. ۸۶٫۱ درصد افراد مشکل قلبی نداشتند و فقط ۴ درصد افراد دیابت داشتند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت سلامت جامعه بسیار متغیر است، میزان دیابت در افراد مورد بررسی برابر استانداردهای کشوری می‌باشد و همین میزان هم اگر چه مشکل بزرگی در جامعه محسوب می‌شود اما می‌توان با آموزش در جهت کاهش آن اقدام نمود همچنین میزان افراد مبتلا به مشکلات قلبی و عروقی، دلیل بر نیاز به اجرای اقدامات بیشتر در امر پیشگیری می‌باشد.

کلید واژه: میانسالی، سلامت، زنان

زهرآسا

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

دکتر محمد واحدیان شاهرودی

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



نقش و جایگاه مشارکت اجتماعی در توسعه و سلامت اجتماعی و تحقق جامعه سالم (مطالعه مروری)

حامد واعظی

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش پزشکی،
گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۵۱-۳۸۰۰۲۴۳۵
vaezih2@mums.ac.ir

حسین کریمی موتقی

استاد دانشگاه، عضو هیأت علمی گروه آموزش پزشکی،
دانشکده پزشکی مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: توسعه اجتماعی و نیل به داشتن جامعه سالم، بی شک نیازمند مشارکت جامعه در ابعاد مختلف است. مشارکت اجتماعی از اصول اساسی استراتژی جهانی بهداشت برای همه، است که در کنفرانس آلمانی (۱۹۸۷) به تصویب سران جهان نیز رسیده است. مشارکت جامعه فرایندی است که از طریق آن جامعه بطور فعالانه و آگاهانه در اتخاذ تصمیمات، اجرای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها، توسعه خدمات، ارزشیابی و سایر اقدامات برای رسیدن به سلامت دخیل باشد. به عبارت دیگر کلید دستیابی به جامعه سالم، مشارکت اجتماعی است. هدف از این مطالعه تبیین و بررسی نقش مشارکت پویژه در کشور و حوزه‌های تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی است.

روش بررسی: در این مطالعه مروری، با استفاده از جستجوی الکترونیکی در پایگاه‌های علمی معتبر انگلیسی و فارسی و با تکیه و تاکید بر مطالعات و پژوهش‌های انجام شده توسط محققان بومی و ایرانی، با کلیدواژه‌های مشارکت اجتماعی، سلامت اجتماعی، توسعه اجتماعی و جامعه سالم، ۷۸ مقاله انتخاب شد و پس از مطالعه دقیق، مطالب از ۳۲ مقاله مرتبط با موضوع استخراج شد.

یافته‌ها: بررسی پژوهش‌های صورت گرفته نشان داد که توسعه اجتماعی بیش از مشارکت فردی به مشارکت جمعی نیازمند است و عدم مشارکت اجتماعی به عنوان عاملی برای شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. داده‌های موسسات ذیربط و مطالعات محققان بیانگر این است که جایگاه کشورمان از لحاظ توسعه اجتماعی در حد قابل قبول نیست. پژوهش‌های گوناگونی بر روی فاکتورهای تاثیرگذار بر مشارکت صورت گرفته است که نشان داد مقوله‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارها، میزان آگاهی جامعه و مهمتر از همه نقش خانواده و زنان در میزان مشارکت اجتماعی افراد بسیار مهم است. **نتیجه گیری:** باید بسترها و زمینه‌های مناسب برای ترویج و تشویق جامعه برای مشارکت و یکپارچگی در تحقق جامعه سالم فراهم گردد. میزان مشارکت جامعه بجز شرایط و محیط زندگی و خانواده و ارکان آن به عوامل دیگری همچون سلامت روان، نوع نگرش افراد و میزان اعتماد آنها به سازمانها و نهادهای تصمیم گیرنده و دولت حاکم بر جامعه مرتبط بوده و نیازمند پیوندی عمیق میان موارد ذکر شده است. با بکارگیری ابزارها و دستاوردهای نوین حوزه ی آموزش و همچنین بهره گیری از تکنولوژی‌های عصر حاضر مانند تلویزیون، رایانه، شبکه‌های اینترنتی و مجازی و پیام رسانی‌های اجتماعی میتوان میزان مشارکت اجتماعی را تا حد زیادی تسهیل و افزایش داد.

کلید واژه: مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی، سلامت اجتماعی، جامعه سالم

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



اثر بخشی داستان گویی بر خودکارآمدی مادران در پیشگیری از حوادث در مقایسه با روش خودآموز

چکیده

مقدمه: خودکارآمدی یکی از عوامل تاثیرگذار در توانمندی مادران به عنوان عامل خودمراقبتی کودک است. حوادث یکی از شایع ترین عوامل مرگ و ناتوانی کودکان است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش به دو روش داستان گویی و خودآموز بر خودکارآمدی مادران در زمینه پیشگیری از حوادث کودکان صورت پذیرفته است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه کارآزمایی میدانی تصادفی شده است که بر روی ۶۰ مادر اجرا گردیده است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای است که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده است. جلسات آموزشی در ۲۴ جلسه آموزش اصول پیشگیری از حوادث شایع استان به دو روش داستان گویی و خودآموز اجرا و تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم افزار SPSS-۱۹ و آزمون های آماری توصیفی و استنباطی صورت گرفت.

یافته ها: آموزش به روش داستان گویی نمره خودکارآمدی مادران را بطور معنی داری افزایش داد ($P < 0.001$) در حالی که این افزایش نمره در گروه خودآموز معنی دار نبود ($P = 0.04$). در بررسی تغییرات نمرات قبل و سه ماه بعد از مداخله نیز داستان گویی بطور معنی داری بیشتر از گروه خودآموز نمره خودکارآمدی مادران را افزایش داد ($P = 0.007$).

نتیجه گیری: آموزش به روش داستان گویی اثربخشی بیشتری بر خودکارآمدی مادران در پیشگیری از حوادث دارد لذا با توجه به کم هزینه و آسان بودن این روش پیشنهاد می شود در برگزاری کلاس های آموزشی مرتبط در سطح جامعه از این روش استفاده شود.

کلید واژه: داستان گویی، خودآموز، خودکارآمدی، حوادث کودکان

زهرا وحدانی نیا

* کارشناس ارشد آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۶۶۷۵۰۱۵

vahdane@bums.ac.ir

بی بی فاطمه باقر نژاد حصار

دانشجوی دکتری آموزش و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سواد سلامت مادران شهر بیرجند در زمینه پیشگیری از خفگی و آسپیراسیون کودکان

زهرا وحدانی نیا

* کارشناس ارشد آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۶۶۷۵۰۱۵

vahdane@bums.ac.ir

سیده سمیه اصغری

کارشناس ارشد علوم و صنایع غذایی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی به کارگیری آنها در موقعیت‌های سلامت بوده و بررسی و شناخت سطح سواد سلامت افراد به برنامه ریزان کمک می‌کند تا راهکارهای مناسب را جهت ارتقاء سواد سلامت آنان ارائه نمایند. ارتقاء سواد سلامت یکی از راههای موثر در توانمندسازی افراد در پیشگیری از بیماریها و حوادث است. خفگی یکی از حوادثی است که سالیانه جان بسیاری از افراد را در معرض خطر قرار داده تا جایی که خفگی ناشی از انسداد مجاری تنفسی منجر به مرگ بسیاری از کودکان می‌گردد که عمدتاً بدلیل غفلت والدین صورت می‌گیرد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان سواد سلامت مادران دارای کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه شهر بیرجند در زمینه پیشگیری از خفگی و آسپیراسیون انجام شده است.

روش بررسی: مطالعه توصیفی تحلیلی حاضر بر روی ۶۰ نفر از مادران مراجعه کننده به ۴ پایگاه شهر بیرجند انجام شده و سواد سلامت آنان با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده بود (α=۰/۸) سنجیده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمونهای کای اسکوئر، تی تست مستقل و آزمونهای محاسبه میانگین صورت گرفته است.

یافته‌ها: مطالعه حاضر نشان داد که میانگین سن مادران ۵/۱ سال و میانگین سن کودکان ۱۶/۸ ساله بود. ۲۲/۸٪ مادران شاغل و ۷۵٪ خانه دار بودند. ۱۶٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۸٪ تحصیلات متوسطه و ۳۵٪ مادران دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. بررسی میانگین نمرات هر حیطه نشان داد که آگاهی مادران نسبت به سن در اختیار گیری اجسام ریز در اختیار کودک در حد مطلوبی نبوده و در زمینه اصول کلی پیشگیری از خفگی کودکان، آگاهی متوسطی داشتند در بررسی نگرش مادران نیز متأسفانه اغلب مادران معتقد بودند که یک مادر حتی اگر خواب آلود است باید به نوزادش شیر بدهد و در بررسی عملکرد مادران، اکثر مادران بیان نموده اند که کودک زیر ۵ سال خود را با اسباب بازیهایش تنها رها می‌کنند.

نتیجه گیری: این بررسی نشان می‌دهد که توانمندی مادران در زمینه پیشگیری از خفگی کودکان در حد متوسطی بوده و در برخی موارد نیاز به آموزش بیشتر و تغییر رفتار دارند.

کلید واژه: سواد سلامت، مادر، کودک، خفگی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارزیابی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ایران

چکیده

مقدمه: نقش رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در پیشگیری و کاهش بیماری ها به خوبی شناخته شده است. جوانان نقش مهمی در شکل گیری نسل آینده و ارتقاء سلامت در جامعه دارند. از آنجایی که سن دانشگاه یکی از دوره‌های مهم در جوانان است، بنابراین این دوره می‌تواند یکی از زمان‌های حیاتی برای ایجاد رفتارهای ارتقاء سلامت باشد لذا این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۴۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انجام شد. داده ها توسط پرسشنامه استاندارد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (HPLP II) جمع آوری گردید. سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲، آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و آزمون‌های یو من ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین و انحراف معیار رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان $6/34 \pm 127/4$ بود. در بین ابعاد رفتارهای ارتقا دهنده سلامت، رشد معنوی و فعالیت بدنی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را داشتند. نتایج آزمون یو من ویتنی نشان داد که بین میانگین نمره ابعاد مسئولیت پذیری در برابر سلامت ($P=0/02$)، فعالیت بدنی ($P=0/001$) و رشد معنوی ($P=0/005$) در دانش آموزان دختر و پسر تفاوت آماری معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که میانگین نمره رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان در حد متوسط است. بنابراین برنامه ریزی آموزشی برای بهبود وضعیت رفتارهای ارتقاء سلامت دانش آموزان ضروری است.

کلید واژه: سبک زندگی، ارتقاء سلامت، دانشجو، پزشکی

محبوبه دانش نیا

وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران)

خدیدجه حاجی میری

وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران)

محمد مسعود وکیلی

* وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۴۱۲۵۲۰

vakili@zums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان

خدیجه حاجی میری

وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران)

محبوبه دانش نیا

وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران)

محمد مسعود وکیلی

* وابستگی سازمانی (آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، زنجان، ایران). نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۴۱۲۵۲۰

vakili@zums.ac.ir

چکیده

مقدمه: امروزه سواد سلامت یکی از مباحث مهم در سلامت عمومی است. زیرا ارتباط بین نتایج ضعیف سلامت و سواد سلامت پایین به خوبی شناخته شده است. اکثر دانشجویان علوم پزشکی پس از فارغ التحصیلی به عنوان یک ارائه کننده خدمات بهداشتی مشغول به کار خواهند شد، بنابراین ارزیابی سواد بهداشتی این گروه ضروری به نظر می‌رسد. لذا این مطالعه با هدف ارزیابی سطح سواد سلامت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۲۰۱۸ در بین ۴۸۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی زنجان با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای در ایران انجام شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه سلامت سواد بزرگسالان ایرانی (HELIA) جمع آوری گردید. داده‌های ۴۷۱ نفر از شرکت کنندگان با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون یو - من ویتنی با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شد. یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه $17/56 \pm 1/76$ سال بود. نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمره سواد سلامت $13/7 \pm 7/04$ است. در میان ابعاد سواد سلامت، بیشترین و کمترین میانگین نمره به ترتیب به ابعاد درک ($17/5 \pm 17/5$) و تصمیم گیری ($16/9 \pm 63/24$) مربوط بود. بر اساس یافته‌های مطالعه $27/6$ ٪ (۳۶ نفر) از دانشجویان سواد سلامت ناکافی، $32/5$ ٪ (۱۵۳ نفر) سواد سلامت نه چندان کافی، $43/7$ ٪ (۲۰۶ نفر) سواد سلامت کافی و $16/1$ ٪ (۷۶ نفر) سواد سلامت عالی داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به محدود بودن سواد سلامت تقریباً در ۴۰ درصد از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و اهمیت موضوع سواد سلامت و ارتباط آن با پیامدهای مرتبط با سلامت؛ برنامه‌ریزی مناسب برای بهبود سواد سلامت به ویژه در این گروه به عنوان « ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در آینده» ضروری است.

کلید واژه: سواد سلامت، دانشجویان، پزشکی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



کاهش ترس زایمان با آموزش شناختی رفتاری - یک مداخله برای ارتقا سلامت روان زنان باردار

چکیده

مقدمه: حاملگی در زندگی هر زنی رویداد بزرگی است و ترس از زایمان یک مشکل شایع در زنان نخست زا دیده می‌شود که می‌تواند تجربه ای ناخوشایند را در زندگی به وجود آورد از طرفی نیز با افزایش درخواست برای انجام زایمان سزارین انتخابی همراه است. به نظر می‌رسد درمان‌های شناختی رفتاری می‌تواند روش خوبی برای حذف یا کاهش ترس از زایمان باشد. این پژوهش با هدف بررسی اثر بخشی آموزش شناختی رفتاری با تمرکز عزت نفس بر ترس از زایمان در زنان نخست زا طراحی گردیده است. **روش بررسی:** مطالعه ی حاضر کارآزمایی بالینی است که از فروردین لغایت آبان ۱۳۹۴ در بیمارستان میلاد شهر تهران بر روی ۴۶ زن نخست زا انجام شده است. ترس از زایمان بوسیله ی پرسش نامه ی نگرش زایمان و عزت نفس بوسیله ی پرسش نامه ی عزت نفس روزنبرگ بررسی شد. زنان شکم اول با حاملگی کم خطر که در سه ماهه ی دوم حاملگی بودند و نمره ی ۲۸ و بالاتر از پرسشنامه ی نگرش زایمان و نمره ی صفر و کمتر از پرسشنامه ی عزت نفس روزنبرگ کسب کردند وارد پژوهش شدند و به طور تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد (۲۲ نفر گروه آزمون و ۲۴ نفر گروه شاهد) تقسیم شدند. گروه آزمون تحت ۸ جلسه ی گروهی آموزش شناختی- رفتاری با تمرکز عزت نفس و گروه شاهد تحت مراقبت‌های روتین بارداری قرار گرفتند. دو هفته بعد از اتمام جلسات مجدداً پرسشنامه‌های مذکور توسط دو گروه آزمون و شاهد تکمیل گردید و نتایج با استفاده از نرم افزار spss نسخه ی ۲۰ و آزمون‌های آماری من ویتنی یو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل، میانگین تغییرات نمره ترس از زایمان (۱۳/۱۴- در برابر $P = -2/58$) دو هفته بعد از آخرین جلسه درمانی کاهش معنی‌داری داشت ($P < 0/001$). همچنین میانگین تغییرات نمره عزت نفس (۶/۸۶ در برابر $P = 0/08$) دو هفته بعد از آخرین جلسه در گروه مداخله نسبت به کنترل به طور معنی‌داری افزایش داشت.

نتیجه گیری: زنان بارداری نخست زایی که تحت آموزش گروهی شناختی- رفتاری با تمرکز عزت نفس قرار گرفتند نسبت به گروه شاهد نمره ی ترس زایمان کمتر و نمره ی عزت نفس بالاتری داشتند. نتایج تحقیق اهمیت گروه درمانی شناختی - رفتاری با تمرکز عزت نفس را در کاهش ترس از زایمان و ارتقا عزت نفس زنان باردار نخست زا تایید می‌کند. پیشنهاد می‌شود این پروتکل در کلاس‌های آمادگی برای زایمان اجرا شود که گام مهمی در سلامت مادر و کودک و در نتیجه سلامت جامعه خواهد بود.

کلید واژه: ترس زایمان، بارداری، آموزش بهداشت، بهداشت مادر و کودک

کتابون و کیلیان

* دانشیار (بهداشت باروری، مامائی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران) - نویسنده مسئول:

۰۹۱۲۳۲۴۹۸۴۰

dr.kvakilian@arakmu.ac.ir

محبوبه خورسندی

دانشیار (ارتقا سلامت، بهداشت، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران)

مریم پور جندقی

دانش اموخته کارشناسی ارشد (مشاوره در مامائی، مامائی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی تاثیر مداخله آموزشی نظریه محور بر ارتقاء رفتار پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در مادران دارای کودک سه تا شش سال

عفت هاتف نیا

* عفت هاتف نیا استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

افسانه علی نصب

افسانه علی نصب دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

مصطفی قربانی

مصطفی قربانی استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

چکیده

مقدمه: پوسیدگی زود رس دندان در دوران کودکی به عنوان یکی از بیماری‌های دهان و دندان در این دوره از زندگی شیوع بالایی دارد. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر مداخله آموزشی نظریه محور بر ارتقاء رفتار پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در مادران دارای کودک سه تا شش سال در شهرستان فومن انجام شد.

روش بررسی: مطالعه از نوع مطالعات مداخله ایی نیمه تجربی و جمعیت مورد مطالعه مادران دارای کودک ۳ تا ۶ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی - درمانی شهرستان فومن بودند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده برای دو گروه مداخله و کنترل و در بین مادرانی که به مراکز بهداشتی شهر فومن مراجعه کردند انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه طراحی شده مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی که مراحل روایی و پایایی را طی کرده بود. تجزیه و تحلیل داده ها در دو مرحله قبل و بعد از مداخله با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمونهای آماری توصیفی و تحلیلی انجام گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد که تفاوت آماری معنی داری در میانگین آگاهی، نگرش، هنجارهای انتزاعی، قصد، درک کنترل رفتاری و رفتار استفاده از مسواک برای کودکان در بین مادران دارای کودک ۳-۶ سال گروه آزمون بعد از مداخله آموزشی نسبت به گروه کنترل ایجاد شد ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: استفاده از روش آموزشی طراحی شده بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده در مادران دارای کودک ۳-۶ سال می‌تواند در پیشگیری و ارتقای رفتارهای بهداشت دهان و دندان کودکان موثر واقع شود.

کلید واژه: تئوری رفتار برنامه ریزی شده، پوسیدگی دندان، مادران دارای کودک ۳-۶ سال، پیشگیری



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



پاسخگویی نظام سلامت در بخش زنان و زایمان بیمارستان‌های دانشگاه

علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۶

چکیده

مقدمه: پاسخگویی سیستم بهداشت و درمان (HSR) مربوط به انتظارات غیرطبیعی و منطقی بیمار است. تمایل و خواست بیماران و خانواده‌ها برای مشارکت فعالانه‌تر در تصمیمات و برنامه‌های درمانی خود می‌باشد. تحقق آن نمایانگر دستیابی به سطح مطلوبی از کیفیت غیربالینی خدمات سلامت می‌باشد. شرایط کاری متفاوت منجر به سطوح مختلف پاسخگویی در هر بخشی می‌شود. تاکنون این موضوع در بخش زنان و زایمان انجام نشده است. بنابراین، این مطالعه با هدف تعیین پاسخگویی نظام سلامت در بخش زنان و زایمان بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی-مقطعی در چهار بیمارستان آموزشی مشهد انجام شد. تعداد ۴۰۰ بیمار با نمونه‌گیری تصادفی به نسبت تعداد تخت هر بیمارستان انتخاب شدند. پس از اخذ رضایت آگاهانه، اطلاعات با پرسشنامه‌ی دموگرافیک، پرسشنامه‌ی ۳۲ سوالی (۸ مولفه) سازمان جهانی بهداشت جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ توسط آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نمره کل پاسخگویی $20/85 \pm 53/99$ بود. این نمره در سطح مناسب در نظر گرفته شده و ۱۶۷ بیمار بستری (۴۱٫۸٪) میزان پاسخگویی را خوب ارزیابی کردند. نمره ۸ مولفه‌ی پرسشنامه از بالاترین به پایین‌ترین به شرح زیر است: محرمانه بودن، دسترسی به شبکه‌های حمایت اجتماعی، توجه فوری، عزت، ارتباطات، امکانات اولیه با کیفیت مناسب، استقلال و انتخاب ارائه دهنده مراقبت‌های بهداشتی. ارتباط معکوس و معنی داری بین سن، سطح تحصیلات و مدت بستری شدن با HSR وجود داشت. براساس همبستگی پیرسون مولفه‌هایی که بیشترین همبستگی با نمره کل HSR را داشتند شامل: احترام به کرامت افراد ($r=0/904, P<0/001$)، ارتباط مناسب ($r=0/905, P<0/001$) و خودمختاری ($r=0/834, P<0/001$) بودند.

نتیجه‌گیری: نمره کل پاسخگویی غیرطبیعی بیمارستان‌ها در بخش زنان و زایمان در سطح خوب بود. از آنجایی که ارزیابی بیماران از پاسخگویی سیستم بهداشتی در این بخش بیشترین همبستگی را با احترام به کرامت افراد، ارتباطات و خودمختاری داشته، بیمارستان‌ها باید بیشتر به این عوامل توجه کنند تا بیماران را راضی باشند.

کلیدواژه: رفتارهای جستجوی سلامت، رفتارهای جستجوی درمان، افتادگی اعضای لگن، زنان، پژوهش کیفی

زهرا هادی زاده طلاساژ

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

علی وفایی نجار

* استاد، دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۵۱۵۸۲۶۹

VafaeiA@mums.ac.ir

کیوان شریعتی نژاد

کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

فریبا عسکری

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سواد سلامت و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد: یک رگرسیون کلاس پنهان

امیر رضا پورحسین

گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

جمشید جمالی

* گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۵۱۳۱۸۹۲۷۰۰

Email: jamalij@mums.ac.ir

وحید قوامی

گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

حمید حیدریان میری

گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

آرزو اروجی

گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: سواد سلامت یکی از مهارت‌های شناختی اجتماعی تعیین کننده انگیزه و توانایی افراد برای به دست آوردن و دسترسی به اطلاعات، درک و استفاده از آنها برای ارتقا و حفظ مناسب سلامتی افراد است. مطالعات گذشته نشان داده است افراد دارای سواد سلامت کم، عملکرد بهداشتی جسمانی و روانی ضعیف تری نسبت به سایرین دارند. سواد سلامت از جمله مفاهیم غیرقابل مشاهده و اندازه گیری (متغیر پنهان) است به همین علت در تجزیه و تحلیل این مفهوم نیاز به روشهای آماری داریم که بتواند از متغیرهای پنهان استفاده کنند. یکی از روشهای پیشرفته آماری در تحلیل متغیرهای پنهان، رگرسیون کلاس پنهان می‌باشد. تاکنون ناتی عوامل مؤثر بر سواد سلامت با روشهای مقدماتی آماری ارزیابی شده است. در این مطالعه برآنیم تا با استفاده از مدل پیشرفته رگرسیون کلاس پنهان، عوامل مرتبط با سواد سلامت را ارزیابی کنیم.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت مقطعی-تحلیلی و در سال ۱۳۹۷ انجام شد جامعه آماری مورد مطالعه کلیه افراد دانشجویان علوم پزشکی مشهد بود. حجم نمونه مورد نیاز در این مطالعه براساس نمونه گیری طبقه ای با تخصیص متناسب تعیین شد. بر این مبنا با در نظر گرفتن هر دانشکده به عنوان یک طبقه، متناسب با تعداد دانشجویان هر دانشکده، تعدادی دانشجو به طور تصادفی از دانشجویان انتخاب شدند. در این مطالعه از چک لیست اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه سواد سلامت هلیا برای ارزیابی سطح سواد سلامت استفاده شد. برای ارزیابی تاثیر عوامل مرتبط با سواد سلامت (به عنوان متغیر پنهان)، از رگرسیون کلاس پنهان استفاده شد.

یافته‌ها: در حدود ۴۰٪ از دانشجویان دختر و ۱۰٪ آنان متأهل و اکثر دانشجویان (۶۰٪) دارای مدرک لیسانس بودند. میانگین نمره پرسشنامه هلیا 69.39 ± 12.87 بود. نتایج رگرسیون کلاس پنهان نشان داد در حدود ۱۹٪ دانشجویان در کلاس با سواد آگاهی خیلی بالا، ۴۹٪ بالا و ۳۲٪ در کلاس با آگاهی متوسط قرار گرفتند. رابطه سن، جنسیت، وضعیت تاهل و مقطع تحصیلی با سطح سواد آگاهی دانشجویان معنادار بود.

نتیجه گیری: سطح سواد سلامت دانشجویان در سطح بالا ارزیابی شد که این موضوع بیانگر عملکرد مناسب سازمان‌های متولی بوده است. توافق بین نتایج رگرسیون کلاس پنهان و روش سنتی امتیاز دهی بیانگر برازش مناسب مدل بود.

کلید واژه: سواد سلامت، رگرسیون کلاس پنهان، دانشجویان، مشهد



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر مداخله آموزشی تئوری محور بر مهارت مادران در خصوص مراقبت جنسی از کودکانشان

چکیده

مقدمه: امروزه لزوم آگاهی دادن به کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، درباره مسائل جنسی، بیشتر از زمان‌های گذشته احساس می‌شود. آموزش و مراقبت جنسی، مانند هر آموزش اصیل دیگر؛ باید به جا و به موقع انجام گیرد. از طرف دیگر، این آموزش بایستی بر اساس برنامه نظام مند و مدل‌های آموزشی صورت پذیرد تا نتایج مطلوب حاصل گردد. پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل بزنف بر مهارت مادران در خصوص مراقبت جنسی از کودکانشان، تهران ۹۶ - ۱۳۹۵ انجام گردید. **روش بررسی:** در این مطالعه که به صورت مداخله ای- نیمه تجربی با گروه شاهد انجام شد ۹۶ مادر دارای کودک پیش دبستانی (۵-۶ ساله) از پیش دبستانی‌های شهر تهران انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. مادران به صورت تصادفی، به دو گروه مداخله و گروه شاهد تقسیم شدند. ابزار بررسی پرسشنامه ای محقق ساخته بر اساس مدل بزنف شامل دو بخش (سوالات دموگرافیک) و سازه‌های (نگرش، هنجارهای انتزاعی، عوامل قادرکننده، قصد رفتاری و رفتار) بود که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. پس از انجام پیش آزمون بر اساس نیازهای آموزشی، برنامه و محتوای آموزشی مبتنی بر مدل بزنف تهیه و در گروه مداخله به اجرا درآمد. تجزیه و تحلیل داده ها با کمک نرم افزار spss نسخه ۲۳ و آزمون‌های پارامتری t و آزمون ناپارامتری من-ویتنی و آزمون کای-دو صورت گرفت. **یافته‌ها:** میانگین نمره نگرش، هنجارهای انتزاعی، قصد رفتاری و رفتار در هر دو گروه قبل از مداخله اختلاف معنی داری نداشت. اما نتایج بعد از آموزش اختلاف معنی داری را در میانگین نمره نگرش، هنجارهای انتزاعی، قصد رفتاری و رفتار نشان داد ($P < 0/001$). عوامل قادر کننده در هر دو گروه قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی داری را نشان نداد. **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه بیانگر آن است که مداخله آموزشی بر اساس مدل بزنف بر مهارت مادران در خصوص مراقبت جنسی از کودکانشان می‌تواند بر نگرش، هنجارهای انتزاعی، قصد رفتاری و رفتار مادران تأثیر گذار باشد.

کلید واژه: مدل بزنف، مراقبت جنسی کودکان، مادران

شبنم هاشمی بخشی

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

زهرا جلیلی

* دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

Zahra.jalili@gmail.com

محمود محمودی مجد آبادی فراهانی

دکترای آمار پزشکی، گروه آمار زیستی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش رژیم غذایی به مادران در کنترل دیابت بارداری

زهره سادات هاشمی بنجار

عضو هیئت علمی مامایی، گروه مامایی، دانشکده
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل -
ایران. ۰۹۱۵۳۴۶۲۴۸۶

zohrehh@gmail.com

مهین بدخش

عضو هیئت علمی مامایی، گروه مامایی، دانشکده،
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل -
ایران

مهربانو امیرشاهی

عضو هیئت علمی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل - ایران

چکیده

مقدمه: دیابت بارداری با عوارض حاد و مزمن در مادر و نوزاد همراه است. یکی از راهکارهای مهم در کنترل قند خون و پیشگیری از عوارض دیابت، آموزش رژیم غذایی است این مطالعه با هدف بررسی آموزش تغذیه در کنترل قند خون مادران مبتلا به دیابت بارداری انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش نیمه تجربی بر روی ۶۰ نفر از مادران مبتلا به دیابت بارداری و بارداری تک قلو و سن بارداری ۲۴ هفته و بالاتر که جهت مراقبتهای بارداری به مراکز بهداشتی شهر زابل مراجعه کرده بودند انجام شد. نمونه ها در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. در گروه مداخله آموزش رژیم غذایی بصورت ۶ جلسه آموزشی که شامل میزان مصرف کربوهیدراتها، چربیها و مصرف مواد غذایی با قند پایین و همچنین ثبت تغییرات رژیم غذایی در دفتر یادداشت آموزش داده شد. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه ای بود که قبل از مداخله و دو هفته بعد از آموزش تکمیل شد و با استفاده از نرم افزار SPSS۲۱ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: دو گروه از نظر سن، شاخص توده بدن و میزان قند خون قبل از مداخله تفاوت آماری معنی داری نداشتند. ($P < 0/05$) پس از مداخله، میانگین میزان قند خون ناشتا در دو گروه تفاوت آماری معنی داری را نشان داد. ($P < 0/05$). همچنین از وزن هنگام تولد و نوع زایمان تفاوت معنی داری بین دو گروه دیده شد. ($P < 0/002$) اما میزان وزن گیری مادران در دو گروه تفاوت معنی داری را نشان نداد. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که آموزشهای مناسب رژیم غذایی به مادران مبتلا به دیابت بارداری در کنترل قند خون و عوارض ناشی از آن موثر است.

کلید واژه: آموزش، دیابت بارداری، قند خون ناشتا، رژیم غذایی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تبیین رفتارهای محافظت نشده جنسی جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین : یک مطالعه ترکیبی

چکیده

مقدمه: رفتارهای محافظت نشده جنسی یک عامل خطر مهم برای ابتلا به بیماری‌های مقاربتی نظیر اج آی وی/ایدز به ویژه در میان جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین می‌باشد که در روابط خود کمتر از کاندوم استفاده می‌کنند. لذا مطالعه حاضر به تبیین دلایل رفتارهای جنسی محافظت نشده جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین پرداخته است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه ترکیبی توضیحی متوالی است که در دو مرحله کمی و سپس کیفی انجام شده است. مرحله اول یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال ساکن شهر زنجان انجام شده است. مرحله دوم یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است که با هدف توضیح یافته‌های مرحله اول مطالعه انجام شد. مشارکت کنندگان ۱۱ نفر از جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین بودند که از طریف مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته انفرادی به توضیح دلایل رفتارهای جنسی محافظت نشده خود پرداختند.

یافته‌ها: رفتارهای جنسی محافظت نشده در میان جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین به طور معناداری بالاتر بود ($P < 0/001$). فقط ۶/۵ درصد جوانان با ویژگی خودکنترلی پایین در طی روابط جنسی خود از کاندوم استفاده می‌کردند. دلایلی که جوانان برای رفتارهای جنسی محافظت نشده خود ذکر کردند عبارت بود از: احساس آسیب ناپذیری در مقابل بیماری‌ها، اعتماد به شریک جنسی، احساس کاهش لذت جنسی در استفاده از کاندوم، عدم رضایت شریک جنسی به استفاده از کاندوم، فشارهای منفی همسالان، ترس از انگ در خرید کاندوم و عدم آگاهی از راه‌های انتقال بیماری‌های مقاربتی. **نتیجه گیری:** افزایش آگاهی در زمینه پایداری به استفاده از کاندوم در روابط جنسی مستلزم مداخلات چند بعدی و مبتنی بر فرهنگ جامعه می‌باشد.

کلید واژه: رفتار محافظت نشده جنسی، جوانان، مطالعه ترکیبی

مینا هاشمی پرست

استادیار، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران

حمید اله وردی پور

* استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول:

Allahverdipourh@tbzmed.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی کیفیت زندگی کودکان پیش دبستانی شهرستان جویبار

سیده شهربانو هاشمی

* کارشناسی ارشد آموزش بهداشت . مرکز بهداشت
شماره یک شهری . جویبار . ایران . نویسنده مسئول:

۰۹۱۱۲۲۸۱۳۳۷

nahidhashemi202@gmail.com

زهرا رحیمی خلیفه کندی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت . دانشکده
بهداشت . دانشگاه علوم پزشکی ایران . تهران ایران .

راضیه پیروزه

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
. گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت . دانشکده
بهداشت . دانشگاه علوم پزشکی ایران . تهران ایران .

چکیده

مقدمه: کودکان جز گروه آسیب پذیر جامعه می‌باشند که بهبود کیفیت زندگی در کودکی موجب روند رشد سالم در کودک شده و منجر می‌شود تا فرد یک چرخه زندگی خوب همراه با سلامتی را طی کند . این مطالعه با هدف بررسی کیفیت زندگی کودکان پیش دبستانی شهرستان جویبار انجام شده است چکیده در حداکثر ۴۵۰ کلمه و بصورت ساختارمند تهیه گردد. متن چکیده با قلم فارسی B Nazanin شماره ۱۲ نگارش شود. فاصله بین خطوط ۱/۱۵ در نظر گرفته شود. در این بخش محقق با نوشتن مطالب کلی توجه خواننده را به سوی موضوع تحقیق متمایل می‌کند. در نوشتن مقدمه بهتر است موارد زیر را رعایت شود. ابتدا یک تعریف از موضوع مورد نظر ارائه نمایید سپس مطالب مرتبط با مقدمه را در این بخش قرار دهید.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی _ تحلیلی می‌باشد با استفاده از جدول مورگان تعداد نمونه مشخص شد. ۱۰۰ نفر از کودکان پیش دبستانی شهرستان جویبار به صورت تصادفی انتخابی شدند . ابزار گردآوری داده‌ها شامل، پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی کودکان پیش از دبستان (۱-۶) ساله - TAPQOL بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد که میانگین نمره کل کیفیت زندگی کودکان در سطح مطلوب بود. همچنین مشخص شد که ۱۴/۶٪ از کودکان دارای علائم اگزما: ۱۷/۸٪ از کودکان گریه در شب. ۳۰٪ کم اشتها بوده. ۲۱٪ از غذا خوردن امتناع می‌کنند. ۲۴٪ زود رنج و تحریک پذیر هستند. ۲۳٪ لجباز و سرکش هستند. ۳۰٪ از کودکان ترسو بوده و ۲۴٪ عصبی هستند
نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه سطح کلی کیفیت زندگی کودکان در سطح مطلوب قرار دارد. اما در کودکان در حیطه عملکرد شناختی و هیجانی دارای سطح پایینی از نمرات می‌باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی در حیطه‌های عملکرد شناختی و هیجانی مداخله ای جهت بهبود وضعیت کیفیت زندگی کودکان انجام شود.

کلید واژه: کودکان . کیفیت زندگی . پیش دبستان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تعیین چالش‌های سلامت استان همدان در راستای برنامه ششم توسعه با استفاده از مدل پرسید

چکیده

مقدمه: هدف از انجام این مطالعه بهره‌گیری از تمامی ظرفیتهای اجتماعی استان و ارتقای سطح پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دستگاهها و سازمانها بوده که مقوله سلامت را به عنوان یک اولویت در سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه استان مطرح نموده و با بررسی و تحلیل وضعیت عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و تعیین چالش‌های سلامت استان در راستای برقراری عدالت و برابری در حوزه‌های مختلف سلامت، نقش اساسی را در ارتقای سطح سلامت مردم استان ایفا نماید.

روش بررسی: این مطالعه با هدف تعیین چالش‌های سلامت استان تحت نظارت استانداری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، با محوریت دانشگاه علوم پزشکی و همکاری ۲۹ دستگاه/ سازمان در استان همدان با به کارگیری مدل پرسید انجام گردید. جهت تعیین چالش‌های سلامت از روش‌های کمی و کیفی استفاده شد. در این مطالعه به منظور بررسی و تحلیل وضعیت موجود، ساختارهای زیر مجموعه دبیرخانه کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان از جمله شورای پیام‌گزاران درون و برون سازمانی، اندیشگاه سلامت، خانه مشارکت مردم و شورای پیام‌رسان سلامت تشکیل گردید.

یافته‌ها: با بررسی اسناد بالادستی ۴۰۷ شاخص مرتبط با سلامت به پیام‌گزاران سلامت دستگاه‌ها و معاونت‌های دانشگاه ابلاغ گردید، سپس ۲۰۲ شاخص با ذکر روند ۵ ساله (۹۰ تا ۹۵) بازگردانده شد که پس از بررسی در شورای پیام‌گزاران سلامت با متد کمی و کیفی ۳۳ شاخص دارای اولویت انتخاب گردید و در مرحله بعد شاخص‌های ذکر شده در اندیشگاه سلامت و خانه مشارکت مردم به منظور تعیین چالش‌های نهایی سلامت با نظر اساتید، متخصصین و نمایندگان گروه‌های مردمی مطرح شد که نهایتاً ۷ چالش سلامت استان جهت طرح و تصویب در کارگروه سلامت و امنیت غذایی، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و هیات امنای دانشگاه تعیین گردید.

نتیجه‌گیری: حمایت‌طلبی از نهادهای حاکمیتی مانند استانداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و جلب همکاری درون سازمانی و برون سازمانی در تحلیل مبتنی بر شواهد وضعیت موجود سلامت بسیار تأثیر گزار می‌باشد.

کلیدواژه: تعداد کلیدواژه‌ها بیت ۳ تا ۸ کلمه باشد

دکتر سیده زینب هاشمی

* دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، رئیس اداره ارتقای سلامت، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. نویسنده مسئول: ۰۸۱-۲۲۵۲۳۳۱۵

hashemi_boshra@yahoo.com

دکتر منوچهر کرمی

دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، عضو هیأت علمی و مدیر تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی همدان، معاونت تحقیقات و فن‌آوری اطلاعات، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

دکتر رشید حیدری مقدم

متخصص فیزیولوژی ورزش، عضو هیأت علمی و معاون اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی همدان، معاونت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

دکتر سید حبیب‌الله موسوی بهار

متخصص جراحی کلیه و مجاری ادراری، عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

دکتر سید سعید شاهرخی

معاون سیاسی امنیتی استانداری همدان، استانداری، همدان، ایران

دکتر سید اسکندر صیدایی

دکترای تخصصی مدیریت شهری، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان، ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، همدان، ایران

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان علوم پزشکی اهواز در مورد برچسبهای مواد غذایی

احمد زارعاوید

استادیار گروه علوم تغذیه، مرکز تحقیقات تغذیه و بیماریهای متابولیک، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندیشاپور، اهواز، ایران.

حدیثه هاشمی یوسفآباد

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تغذیه، مرکز تحقیقات دیابت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۱۴۵۷۶۸۱

hashemihadis@yahoo.com

مینا مرودشتیپور

فارغ التحصیل کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران.

محمدحسین حقیقی زاده

گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندیشاپور، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه: کمک به افراد در جهت انتخاب غذاهای سالم برای ارتقای سلامت جامعه ضروری به نظر میرسد و برچسبگذاری تغذیه‌ای یکی از این رویکردهاست که با ارائه‌ی اطلاعات مفید درباره‌ی محتوای مواد غذایی به انتخاب غذایی سالم و در نتیجه کاهش بیماری‌های مربوط به تغذیه کمک میکند. این مطالعه با هدف تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز در مورد برچسب‌های مواد غذایی در سال ۹۶-۱۳۹۵ انجام شده‌است.

روش بررسی: در این بررسی اپیدمیولوژیک-توصیفی مقطعی، ۴۲۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اهواز با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه سوالات دموگرافیک، تن سنجی، آگاهی، نگرش و عملکرد در مورد برچسب غذایی برای هر یک از آنها تکمیل شد. از نرم‌افزار SPSSV19 جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر آگاهی هیچ تفاوت معنادار آماری بین دانشجویان رشته‌های مختلف وجود نداشت ($P=0/07$) درحالی‌که نگرش و عملکرد بین رشته‌های مختلف تفاوت معناداری نشان داد ($P<0/001$). بیشترین نمره نگرش (۱۳/۵۴) و عملکرد (۶/۰۹) متعلق به دانشجویان دندانپزشکی بود. با وارد کردن متغیر آگاهی، نگرش، درآمد و تحصیلات پدر در معادله رگرسیون مشخص شد این چهار متغیر مسئول ۳۱/۶٪ از تغییرات عملکرد هستند و در هر چهار مدل پیشبینی تغییرات عملکرد در سطح $<0/001$ معنی‌دار بود و تحلیل کلی نیز معنی‌دار بود.

نتیجه‌گیری: علیرغم اینکه دانشجویان رشته‌های مختلف از نظر آگاهی تفاوتی بایکدیگر نداشتند اما نگرش و عملکرد درباره‌ی برچسب‌گذاری بین رشته‌های مختلف کاملاً متفاوت بود. بنابراین، تنها آگاهی باعث انتخاب غذایی صحیح نمیشود. نیاز به برگزاری کلاسهای آموزش تغذیه‌ای برای توضیح اهمیت تغذیه سالم و تفسیر اطلاعات درج شده بر روی برچسب مواد غذایی برای تاثیر بر نگرش و نهایتاً ایجاد عملکرد صحیح ضروری به نظر میرسد.

کلید واژه: آگاهی، نگرش، عملکرد، برچسب مواد غذایی، انتخاب غذایی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی راهبردهای مطالعه و یادگیری وین اشتاین با ویژگیهای فردی و سوابق تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

چکیده

مقدمه: یادگیری ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه افراد بر اثر تجربه می‌باشد و موفقیت در تحصیل و زندگی اجتماعی بستگی به آموختن شیوه‌های موثر یادگیری دارد. و از آنجا که رویکردهای نوین آموزشی بر استفاده از راهبردهای یادگیری و مطالعه در تسهیل فرایند یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان معطوف می‌باشد، این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای مطالعه و یادگیری وین اشتاین با ویژگیهای فردی و سوابق تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۳ انجام گردید.

روش بررسی: تحقیق توصیفی تحلیلی حاضر به صورت مقطعی و به روش سرشماری در میان ۳۵۴ نفر از دانشجویان پزشکی انجام پذیرفت. ابزار گردآوری داده‌ها ویرایش دوم پرسشنامه‌ی استاندارد ۸۰ سؤالی راهبردهای مطالعه و یادگیری وین اشتاین و پالم در ده حیطه شامل نگرش، انگیزش، کنترل وقت، اضطراب، تمرکز، پردازش اطلاعات، انتخاب ایده اصلی، راهنمای مطالعه، خودآزمایی و راهبردهای آزمون بود (هر حیطه ۸ سؤال). پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS۱۷ با استفاده از روش‌های آماری ANOVA، T-test، من ویتنی و کروسکال والیس اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمرات راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان در ۱۰ حیطه که حداکثر نمره ۴۰ داشت، برای اضطراب ۲۵/۸۹، نگرش ۲۷/۳۷، تمرکز ۲۴/۶، پردازش اطلاعات ۲۵/۷۶، انگیزش ۲۵/۴۰، خودآزمایی ۲۳/۴۲، انتخاب ایده اصلی ۲۶/۶۸، راهنمای مطالعه ۲۴/۲۳، مدیریت زمان ۲۴/۴۶ و راهبردهای آزمون ۲۷/۷۱ بود. بیشترین نمره راهبردهای مطالعه و یادگیری مربوط به راهبردهای آزمون و کمترین مربوط به راهبردهای خودآزمایی بود. اختلاف آماری معنی داری بین دانشجویان دختر و پسر مشاهده نشد. در راهبرد راهنمای مطالعه بین دانشجویان بومی و غیربومی اختلاف آماری معنی داری مشاهده شد. در نمره پردازش اطلاعات و راهبردهای مطالعه دانشجویان با سابقه مشروطی و غیر مشروطی اختلاف معنی داری مشاهده شد. در راهبردهای انگیزش و نگرش بر حسب داشتن سابقه مشروطی و عدم سابقه مشروطی، راهبرد نگرش بر حسب بومی و غیر بومی بودن، راهبردهای نگرش و راهبردهای آزمون بر حسب معدل کل و راهبرد نگرش بر حسب معدل ترم قبل اختلاف معنی داری مشاهده شد. **نتیجه گیری:** عملکرد دانشجویان پزشکی رفسنجان در استفاده از راهبردهای مطالعه و یادگیری از حد متوسط بالاتر بود. که با توجه به نقش ارزنده راهبردهای مطالعه و یادگیری در ارتقای سطح یادگیری و پیشرفت تحصیلی، پیشنهاد می‌شود راهبردهای مطالعه و یادگیری در برنامه آموزشی دانشجویان به صورت مدون یا به صورت کارگاههای آموزشی گنجانده شود.

کلید واژه: راهبردهای مطالعه و یادگیری، راهبردهای مطالعه وین اشتاین، یادگیری، دانشجویان پزشکی

محمد اسدپور

استادیار گروه خدمات بهداشتی و ارتقای سلامت،
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان،
رفسنجان، ایران

محسن عزیزاده قربانی

پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان،
رفسنجان، ایران

زیبا شعبانی

دانشیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم
پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

احمدرضا صیادی

استادیار گروه روانپرستاری، دانشکده پرستاری و
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان،
ایران

مریم هاشمیان

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه
خدمات بهداشتی و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت،
کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی
رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان،
ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۰۹۹۶۳

Email: M.Hashemian183@Yahoo.com

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر سواد سلامت مراقبین کودک، در پیشگیری از پوسیدگی زود هنگام دوران کودکی ECC

آناهیتا همایون پور

* دندانپزشک - رییس گروه سلامت دهان و دندان -
مرکز بهداشت استان گلستان - دانشگاه علوم پزشکی
گلستان - گرگان - ایران . ۰۹۱۱۱۷۵۹۳۳۱
Email: anahitahomayounpour@gmail.com

چکیده

مقدمه: ECC یا پوسیدگی زود هنگام دوران کودکی، شکل خاصی از پوسیدگیهای پیشرفته در دوره دندان شیری در کودکان پیش از دبستان است. و به هرگونه پوسیدگی در سطح صاف دندان بخصوص دندانهای قدامی فک بالا در سنین کمتر از ۳ سال اطلاق میشود. اتیولوژی بیماری بیولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. اخیراً مطالبی دال بر نقش پرستار کودک در حفظ سلامت دهان و دندان و پیشگیری از بیماریهای دهان ارائه شده است این شواهد ارتباط قوی بین سواد سلامت، درک تاثیر استفاده از اطلاعات سلامت برای رفتارهای صحیح مرتبط با سلامت اولیه دوران کودکی را نشان می دهند. بهبود سواد سلامت در یک جمعیت منجر به موفقیت برنامه های سلامتی در جامعه می شود. هدف از این مطالعه، بررسی آگاهی، نگرش و تمرین پرستاران در جهت حفظ سلامت دهان کودکان پیش از ورود به دبستان و تاثیر آن بر شیوع ECC است.

روش بررسی: برای ارائه این مقاله، مطالب و مقالات فارسی و انگلیسی مدلاین، pubmed، کتب و مجلات سالهای ۲۰۱۷-۲۰۰۰ بررسی شده است.

یافته ها: این مطالعه برای ارزیابی ارتباط آگاهی، نگرش پرستاران کودک در رابطه با سلامت دهان کودکان پیش دبستانی انجام شد. این بررسی نشان داد که ارتباط بسیار قوی بین سواد و آگاهی پرستاران و سلامت دهان این کودکان وجود دارد. یافته ها نشان میدهند که ضعف عمومی دردانش و نگرش در زمان اولین ملاقات دندانپزشکی، زمان مناسب برای مسواک زدن و شیر خوردن هنگام خواب کودک وجود دارد. مادران نسبت به پرستاران، دانش و نگرش بیشتری دارند ولی ضرورتاً عملکرد بهتری دارند. اینستند که میتوان به علت مشغله روزانه مادر، در مقایسه با پرستار باشد. همچنین بررسی ها نشان می دهند عملکرد پرستارانی که از بیش از پنج کودک مراقبت می کنند ضعیفتر است که میتواند به علت تعدد مسئولیت باشد. **نتیجه گیری:** پوسیدگی زود هنگام دوران کودکی، یک بیماری مولتی فاکتوریال است که عوامل بیولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی در آن درگیر میباشند. در بررسی نتایج به نظر می رسد دانش و عملکرد پرستاران در رابطه با سلامت دهان کودکان پیش دبستانی کمتر است و بایستی اهمیت ارتباط سلامت دهان کودک در ارتقاء سلامت دهان در آینده به آنان نشان داده شود. تحقیقات نشان می دهند که پرستاران بایستی به این باور برسند که دندانهای کودک مهم هستند و پوسیدگی دندانهای شیری میتواند تاثیر بسزایی بر سلامت کلی کودک داشته باشد. همچنین ارتباط بین سواد سلامت پایین پرستار با مراقب، با سلامت دهان ضعیف کودک، رفتارهای سلامت دهان، دانش کیفیت زندگی و نحوه تغذیه وی اثبات گردیده است. آموزش پرستار با مراقب کودک بایستی: آگاهی از اهمیت دندانهای شیری را افزایش دهد، نقش تغذیه در سلامت دهان کودک را نشان دهد و کمک به کودک حین مسواک زدن برای اطمینان از استفاده صحیح از مسواک را به وی بیاموزد.

کلید واژه: پوسیدگی زود هنگام دوران کودکی، سواد سلامت، پرستار کودک، آگاهی و نگرش

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



افزایش سواد تغذیه ای معلمان: تأثیر یک مداخله آموزشی در شهر یاسوج

چکیده

مقدمه: یکی از عوامل موثر در بروز بیماری‌های غیرواگیر، بی توجهی به تغذیه و عادات غذایی ناسالم است. در سالیان اخیر، سواد تغذیه به عنوان مجموعه قابلیت‌های افراد در دستیابی، درک، ارزیابی و به کارگیری اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری در زمینه تغذیه سالم مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به روند رو به افزایش شیوع بیماری‌های غیرواگیر در کشور و ارتباط آنها با عوامل خطر رفتاری به ویژه تغذیه نامناسب و نیز اهمیت سنجش سواد سلامت از جمله سواد تغذیه‌ای در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی اثربخش، این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. نظر به تأثیرپذیری دانش آموزان در سنین ابتدایی از معلمان خود، و نقش معلمان بعنوان یک کانال ارتباطی مؤثر برای انتقال پیام‌ها و برنامه‌های اصلاح رفتاری به دانش آموزان، گروه هدف پژوهش معلمان ابتدایی مدارس شهر یاسوج انتخاب شد.

روش بررسی: در این مداخله نیمه تجربی، ۱۱۰ نفر از آموزگاران ابتدایی شهر یاسوج از مدارس منتخب از دو منطقه آموزش و پرورش شهر یاسوج که یکی به عنوان گروه مداخله و دیگری به عنوان گروه کنترل تعیین شده بود، وارد مطالعه شدند. سواد تغذیه‌ای با استفاده از ابزار تدوین و روا شده برای سنجش سواد تغذیه‌ای در جامعه ایرانی سنجیده شد و با تحلیل داده‌ها، محتوا و ساختار آموزشی برای ارتقای سواد تغذیه‌ای تدوین گردید. مداخله آموزشی شامل دو جلسه آموزشی، ارسال دو نوبت پیامک و ارائه پمفلت آموزشی بود. داده‌ها قبل و سه ماه بعد از مداخله با استفاده از نرم افزار آماری ۱۶ Spss تحلیل شدند. **یافته‌ها:** پس از مداخله، متغیرهای سواد تغذیه‌ای: درک مطلب، واحدهای غذایی ($P < 0.001$)، دانش تغذیه‌ای ($P = 0.001$)، سواد محاسباتی ($P = 0.034$) و برجسب غذایی ($P = 0.005$) تفاوت معناداری را نشان داد. تفاوت نمره میانگین سواد تغذیه‌ای در دو گروه، بعد از مداخله معنادار شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش برای ارائه به تصمیم‌گیرندگان در حوزه آموزش و پرورش و سیاست‌گذاران حوزه سلامت در خصوص اصلاح عادات غذایی نامطلوب و نیز ارتقای سلامت معلمان شهر یاسوج و دیگر بخش‌های استان، سودمند خواهد بود.

کلید واژه: سواد تغذیه‌ای، مداخله، معلمان

مهناز همتی

* کارشناس ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۷۴۳۳۳۳۶۵۷۶

m_hemati90@yahoo.com

مهدی اکبرتبارطوری

دانشیار، گروه تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

محسن شمس

دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

افسانه بهروزپور

کارشناس ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی و سلامت روان در میان دانشجویان ایرانی

هاله هیزمی

* دانشجوی دکتری، گروه آموزش و ارتقا سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز
۰۹۱۴۴۰۸۹۱۰۳

Email: hhezomih@yahoo.com

رقیه عبدالله پور

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، گروه آموزش و
ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی تبریز

عاطفه دادگر

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، گروه آموزش و
ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی تبریز

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر به منظور تعیین رابطه بین کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی و سلامت روان دانشجویان تبریز انجام گرفت.

روش بررسی: نمونه پژوهشی شامل ۴۵۰ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاههای شهر تبریز بود. این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی- مقطعی بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد ۳ قسمتی، استفاده شد. متغیرهای مورد مطالعه شامل عوامل جمعیت شناختی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES)، حمایت اجتماعی و وضعیت سلامت عمومی روان، با استفاده از پرسشنامه های خود گزارش دهی مورد سنجش قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته ها: رابطه معناداری بین حمایت اجتماعی با سلامت روانی و کیفیت زندگی با سلامت روانی مشاهده شد. حمایت اجتماعی، کیفیت زندگی و وضعیت اقتصادی از مهمترین پیش گویی کننده های سلامت روان بودند.

نتیجه گیری: کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی از مهمترین پیش گویی کننده های سلامت روانی هستند. بنابراین، سیاستگذاران سلامت برای ارتقا سلامت روان باید بر کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی جوانان تمرکز کنند و برای آینده این نسل جوان برنامه ریزی کنند.

کلید واژه: کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی و سلامت روان

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی شادکامی در زنان و ارتباط آن با باورهای مذهبی

چکیده

مقدمه: باورهای دینی افراد از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در بهداشت روان و شادکامی بوده و نگرش، شناخت و رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شادکامی در زنان و ارتباط آن با باورهای مذهبی مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۰۰ زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی به روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. جمع اوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه شامل سوالات مربوط به مشخصات فردی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت بود. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS و شاخص‌های آماری توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این مطالعه ۵۷/۸٪ زنان دارای شادکامی متوسط، ۳۷/۳٪ دارای شادکامی مطلوب و ۴/۹٪ دارای شادکامی کم و نامطلوب بودند. در رابطه با ارتباط باورهای مذهبی و شادکامی، ارتباط مستقیم و معناداری بین شادکامی و باورهای مذهبی درونی ($t=0/304, P=0/002$) وجود داشت. به طوری که افراد با شادکامی مطلوب میانگین نمره بالاتری در باورهای مذهبی درونی داشتند ($P=0/001$).

نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد که شادکامی اکثر زنان در حد متوسط می‌باشد و ارتباط مستقیمی بین شادکامی مطلوب زنان با باورهای دینی آنان وجود دارد. لذا می‌توان گفت انجام فعالیتهای مذهبی می‌تواند سلامت روان زنان را ارتقاء دهد.

کلید واژه: زنان متأهل، شادکامی، باورهای مذهبی درونی و بیرونی

مرتضی خلیلی

* کارشناس بهداشت محیط، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۸۲۸۵۴۰

پرستو یارمحمدی

دانشجو دکتری آموزش بهداشت، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران.

مریم امیدی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران.

فرزانه صحرانشین

کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط برخی سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی با متغیرهای دموگرافیک بیماران دیابتی

پرستو یارمحمدی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۸۵۳۵۹۸

سعید حیدری

کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم شهرکرد، شهرکرد، ایران.

چکیده

مقدمه: بیماری دیابت، شایع‌ترین بیماری متابولیک در جهان است که مهم‌ترین شیوه مقابله با پیشرفت و بروز عوارض ناشی از آن، انجام خودمراقبتی توسط بیماران مبتلا به دیابت و حمایت از آنان می‌باشد. در مطالعه حاضر سعی شد ارتباط برخی سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی با متغیرهای دموگرافیک بیماران دیابتی مورد بررسی قرار گیرد.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جامعه پژوهشی در این مطالعه، بیماران دیابتی نوع ۲ تحت پوشش انجمن دیابت شهرکرد با حجم نمونه ۱۹۴ نفر و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده بود. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک بیماران دیابتی و سوالات مربوط به تئوری شناختی اجتماعی در خصوص مراقبت از خود بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد میانگین نمرات خودکارآمدی و خودتنظیمی در خصوص مراقبت از خود در در بیماران دیابتی با سن پایین، به طور معناداری بیشتر از سایرین بود. تنها متغیر خودکارآمدی در افراد مجرد به طور معناداری بیشتر از افراد متأهل بود. میانگین نمره انتظارات پیامد، خودکارآمدی و خودتنظیمی به جزء حمایت اجتماعی در افراد با تحصیلات دانشگاهی به طور معناداری بیشتر از سایرین گزارش شد. در افراد با سطح اقتصادی خوب، نمره خودکارآمدی به طور معناداری بیشتر از سایرین بود. همچنین در کارمندان نمره خودکارآمدی و خودتنظیمی به طور معناداری بیشتر از سایرین گزارش شد. **نتیجه‌گیری:** با عنایت به تأثیر عوامل دموگرافیک در مراقبت از خود در بیماران دیابتی بر اساس سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی، ضرورت انجام مداخلات ارتقای سلامت مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

کلیدواژه: سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی، متغیرهای دموگرافیک، بیماران دیابتی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی ارتباط بین سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی با رفتارهای خود مراقبتی و شاخص کنترل قند خون A1C در بیماران دیابتی نوع ۲: معادلات ساختاری

چکیده

مقدمه: رعایت رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت از عوامل اصلی کنترل دیابت می باشد و سواد سلامت در کنترل این بیماری نقش مهمی دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی با رفتارهای خود مراقبتی و شاخص کنترل قند خون A1C در بیماران دیابتی نوع ۲ انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی بر روی ۲۵۰ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به بیمارستانهای زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با استفاده از پرسش نامه های استاندارد ارزیابی سواد سلامت عملکردی، ارتباطی و انتقادی بیماران دیابتی (FCCHL) و خلاصه فعالیت های خود مراقبتی بیماران مبتلا به دیابت (SDSCA) مورد سنجش قرار گرفتند. و از آمار توصیفی، استنباطی، تحلیل مسیر و مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون روابط بین سه پارامتر استفاده شد. **یافته ها:** یافته ها نشان می دهند متغیر سواد سلامت کل و خود مراقبتی دارای ضریب همبستگی ۰/۲ و مقدار معنادار ۰/۰۰۰ بوده است. نتایج SEM تایید کننده رابطه معکوس و معنا داری بین متغیرهای خود مراقبتی و A1C بوده است ($P < 0.000$, $\lambda = -0.27$) بین سواد سلامت کل و خود مراقبتی نیز رابطه مستقیمی گزارش شده است و همچنین افزایش سواد سلامت کل به طور غیر مستقیم باعث کاهش متغیر A1C شده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان می دهد یکی از مهمترین عوامل کاهش هموگلوبین A1C، خود مراقبتی می باشد. همچنین سواد سلامت بر خود مراقبتی تاثیر داشته است که نشان از توجه به سواد سلامت و تلاش در جهت بهبود آن در افراد می باشد.

کلید واژه: سواد سلامت عملکردی، ارتباطی، انتقادی، خود مراقبتی، هموگلوبین A1C

علی رمضانخانی

استاد، آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سودابه یارمحمدی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۵۶۰۰۳۷۶

yarmohammadi62@yahoo.com.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



شناسایی عوامل تسهیل کننده جهت ترویج تعیین کننده اجتماعی سلامت در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور از دیدگاه اساتید

سونیا اویسی

دکترای بهداشت مادر و کودک، مرکز تحقیقات
بیماری‌های متابولیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم
پزشکی قزوین، قزوین، ایران

بهزاد دمازی

گروه مولفه‌های اجتماعی سلامت، موسسه ملی تحقیقات
سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نسیم شاه قبادیان

کارشناس بهداشت محیط، مرکز مطالعات و توسعه
آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین،
قزوین، ایران

مریم حاجی سید ابوترابی

کارشناس بهداشت محیط، مرکز مطالعات و توسعه
آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین،
قزوین، ایران

افسانه بخ فروش ها

* دکترای آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه
علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ۰۲۸۳۳۳۴۰۱۵۳

E-mail: star2000_y@yahoo.com,
a.yakhforoshha@qums.ac.ir.

چکیده

مقدمه: با توجه به نقش اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی در ترویج مبانی تعیین کننده اجتماعی در حیطه پژوهش، آموزش و بالین، مطالعه فوق با هدف شناسایی عوامل تسهیل کننده جهت ترویج تعیین کننده اجتماعی سلامت در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور از دیدگاه اساتید انجام شد.

روش بررسی: مطالعه به روش کیفی و از نوع تحلیل محتوا از طریق بحث گروهی تا رسیدن به اشباع داده‌ها انجام شد. در ۴ بحث گروهی در گروه‌های ۶ نفره از اعضای هیأت علمی علاقمند به مباحث تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت انجام شد. نظرات اساتید کلمه به کلمه تاپ، مرور، کدگذاری و بلافاصله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نمونه‌گزینی به روش هدفمند آغاز و تجزیه و تحلیل داده‌ها، همزمان و بطور مقایسه‌ای با جمع‌آوری اطلاعات انجام گرفت. جهت اطمینان از صحت و استحکام تحقیق داده‌ها از معیارهای لینکولن و گوبا استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به شکل‌گیری ۵ طبقه گردید، شامل ۱- عوامل فردی ۲- عوامل درون و برون سازمانی ۳- هم‌افزایی علمی و آموزشی دانشگاه‌ها (۴) پایش و ارزشیابی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت ۵- عملکرد مبتنی بر شواهد

نتیجه‌گیری: به استناد نتایج حاصل از این مطالعه، در نظر گرفتن دیدگاه و نگرش اساتید در کنار ساختار مناسب سازمانی، رویکرد فرابخشی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی مشارکتی و مبتنی بر شواهد در نهادینه‌سازی و اجرای رویکردهای اجتماعی تعیین کننده سلامت در دانشگاه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. لذا پیشنهاد می‌گردد مطالعات بیشتری با تاکید بر طبقات استخراج شده انجام گیرد.

کلید واژه: تعیین کننده‌های اجتماعی، عوامل تسهیل کننده، اساتید



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



اثر بخشی بسته آموزشی تعیین کننده اجتماعی سلامت بر جنبه شناختی و نگرشی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

چکیده

مقدمه: علیرغم اهمیت تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، انتقاد به ضعف پاسخگویی اجتماعی دانشگاهها روبه افزایش است. با توجه به نقش اعضای هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی در ترویج مبانی تعیین کننده اجتماعی در حیطه پژوهش، آموزش و بالین، مطالعه حاضر باهدف ارزیابی اثر بخشی بسته آموزشی تعیین کننده اجتماعی سلامت بر جنبه شناختی و نگرشی اساتید دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام گرفت. **روش بررسی:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی و از نوع قبل و بعد بود که جامعه مورد بررسی را ۳۵۱ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین را تشکیل می داد. مراحل پژوهش شامل فاز اول طراحی بسته آموزشی شامل طرح درس، فیلم، دفترک آموزشی و راهنمای مدرس، سنجش روایی محتوایی (نظر خواهی از ۱۰ متخصص) و پایایی آن در نمونه پایلوت، فاز دوم طراحی پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر مشخصات فردی، سوالات مربوط به شناخت و نگرش اساتید در زمینه تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت، جهت کسب اعتبار علمی پرسشنامه هاز روش روایی محتوایی و برای تعیین اعتماد علمی آنها از روش باز آزمایی استفاده گردید. ضریب پایایی سوالات شناختی $\alpha = 0.83$ و ضریب پایایی سوالات نگرشی $\alpha = 0.89$ به دست آمد. جهت بررسی تأثیر بسته آموزشی، میانگین نمرات شناختی، نگرشی اساتید در قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی بررسی شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و از موه‌های تی زوج تحلیل شد.

یافته‌ها: از ۳۴ نفر شرکت کننده در این مطالعه نیمی (۵۰٪) از آنها را اساتید زن و نیم دیگر (۵۰٪) را اساتید مرد تشکیل دادند. میانگین سنی اساتید $40/23 \pm 5/83$ بود. اکثریت شرکت کنندگان (۸۴/۲٪) از اساتید بالینی بودند. نتایج آزمون تی زوج نشان داد که آموزش با استفاده از بسته آموزشی تأثیر آماری معناداری بر میانگین جزء شناختی و نگرشی اساتید داشته است ($P = 0.002$ و $P = 0.001$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که استفاده از روش‌های آموزشی ادغام یافته (متن، فیلم و کتابچه آموزشی) میتواند سبب ارتقاء حیطه شناختی و نگرشی اساتید در زمینه ترویج و کاربست مولفه‌های اجتماعی گردد. لذا پیشنهاد می‌گردد بسته آموزشی طراحی شده در برنامه‌های توانمند سازی سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور اجرا گردد.

کلید واژه: بسته آموزشی، تعیین کننده‌های اجتماعی، اساتید

افسانه بیخ فروش ها

دکترای آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

بهزاد دمازی

گروه مولفه‌های اجتماعی سلامت، موسسه ملی تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نسیم شاه قبادیان

کارشناس بهداشت محیط، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مریم حاجی سید ابوترابی

کارشناس بهداشت محیط، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

سونیا اویسی

* دکترای بهداشت مادر و کودک، مرکز تحقیقات بیماری‌های متابولیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ۰۲۸۳۳۳۴۰۱۵۳

soveysi@qums.ac.ir

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر اقبالیه

دکتر اسماعیل کشاورز کلهر

پزشک عمومی، MPH، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

دکتر حسن جهانی هاشمی

گروه آموزشی آمار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

دکتر سعید آصف زاده

گروه آموزشی مدیریت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ایران

افسانه یخ فروش ها

* دکترای آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ۰۲۸۳۳۴۰۱۵۳

E-mail: star2000_y@yahoo.com,

a.yakhforosha@qums.ac.ir.

چکیده

مقدمه: ارزیابی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت و عوامل موثر بر آن در محیط‌های آموزشی ضرورت یافته است. بنابراین، هدف این مطالعه، بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در نوجوانان دختر و پسر شهر اقبالیه می‌باشد.

روش بررسی: این پژوهش به صورت مقطعی (Cross sectional) انجام شد و ۸۱۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهر اقبالیه از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه‌های استاندارد کیفیت زندگی و پرسشنامه سنجش اضطراب پنهان اشیپلبرگر بود. آنالیز داده ها با استفاده از نرم SPSS و آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، t مستقل و آزمون‌های آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون خطی چندگانه انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سنی دانش آموزان $15/8 \pm 1$ سال بود. میانگین نمره کیفیت زندگی در ابعاد عملکرد جسمانی $15/0 \pm 89/01$ ، محدودیت نقش جسمانی $28/36 \pm 73/86$ ، درد بدنی $21/80 \pm 77/91$ ، سلامت عمومی $18/17 \pm 76/30$ و نیروی حیات $21/54 \pm 63/99$ و عملکرد اجتماعی $22/94 \pm 74/05$ ، سلامت روانی $20/55 \pm 68/59$ و محدودیت نقش روانی $36/68 \pm 63/17$ و نمره کل کیفیت زندگی $15/59 \pm 73/36$ بود. بر اساس نتایج رگرسیون خطی عوامل تأثیرگذار در حیطه های سلامت جسمانی (جنسیت، اضطراب، میزان تماشای تلویزیون، BMI)، محدودیت عملکرد جسمانی (اضطراب و تعداد فرزندان)، محدودیت نقش روانی (اضطراب و فعالیت روزانه)، درد بدنی (اضطراب و تعداد فرزندان)، سلامت روانی (اضطراب)، انرژی، عملکرد اجتماعی (اضطراب، جنسیت)، سلامت عمومی (اضطراب) بود. **نتیجه گیری:** میانگین نمره کلی کیفیت زندگی افراد تحت بررسی ($15/59 \pm 73/36$) و بالاتر از متوسط بود. با توجه به اینکه اضطراب با همه ابعاد کیفیت زندگی دانش آموزان رابطه معکوسی داشت، بنابراین توصیه می شود که نظام سلامت نسبت به غربالگری اضطراب در دانش آموزان اقدام نموده و تدابیر لازم را در این زمینه اتخاذ نماید.

کلید واژه: کیفیت زندگی، اضطراب، دانش آموزان



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت بینایی و نیاز به آموزش در دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره اول ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد در سال ۹۶

چکیده

مقدمه: ۲۵ درصد کودکانی که به مدرسه می‌روند، به نوعی با مشکلات چشمی مواجهند و از آن رنج می‌برند بر اساس گزارش‌های موجود، ۲۱ میلیون نفر ایرانی دچار عیوب بینایی هستند و ضروری است از دوران کودکی اختلالات بینایی به موقع تشخیص و درمان شود. برخی از این مشکلات، در صورت تشخیص و درمان دیر هنگام، می‌تواند به بروز عوارض غیرقابل جبران در دستگاه بینایی کودک منجر شود و به همین دلیل معاینه و بررسی سلامت چشم‌ها در زمان مناسب اهمیت ویژه‌ای دارد. درمان انحراف و تنبلی چشم باید پس از تشخیص بلافاصله آغاز شود و به تعویق افتادن آن در هر سال شانس بهبودی را کمتر می‌کند. یکی از راه‌های درمان نارسایی‌های بینایی در کودکان را استفاده از عینک مناسب می‌باشد. والدین لازم است با صبوری در ارتباط با درمان فرزندان خود اقدام و آن‌ها را تشویق به استفاده از عینک کنند. استفاده نکردن از عینک مشکلات بیشتری را در آینده برای کودک به وجود می‌آورد و باید با اتخاذ تدابیر لازم و تشویق کودک به ادامه درمان و استفاده از عینک، مانع از ایجاد این مشکلات شد.

روش بررسی: از ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد تعداد ۱۰۰ کودک به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و تست بینایی سنجی اسنل چارت همراه با غربالگری و کنترل وزن و قد و نمایه توده بدنی متناسب با سن انجام شد. نتایج با نرم افزار SPSS ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: محدوده سنی کودکان از ۷ تا ۹ سال می‌باشد. محدوده قدی آنان از ۱۰۸ تا ۱۴۱ سانتی متر می‌باشد و محدوده وزن آنان از ۱۷ تا ۵۰ کیلو گرم می‌باشد. ۵ درصد کودکان نسبت به سن خود قد کوتاه دارند و ۶۸ درصد BMI در محدوده نرمال و ۲۳ درصد BMI در محدوده اضافه وزن و ۹ درصد BMI در محدوده چاقی دارا می‌باشند. اگر چه ۶۸ درصد کودکان دید راست طبیعی و ۵۰ درصد دید چپ طبیعی داشتند اما فقط یک کودک از عینک استفاده میکرد.

نتیجه گیری: علی‌رغم وضعیت بینایی نامطلوب تعداد کمی از دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره اول از نعمت استفاده از عینک برخوردارند، این امر لزوم ارائه آموزش به والدین و کودکان و اولیای مدارس را بیش از پیش برای فرهنگسازی مشخص میکند.

کلید واژه: وضعیت بینایی - آموزش - دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره اول

بعقوبی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

محمد واحدیان شاهرودی

* دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی وضعیت سازگاری پس از طلاق و فاکتورهای مرتبط با آن در زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷

اعظم یوسفی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

محمد رضا میری

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

غلامرضا شریف زاده

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیه نوروزی

* مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران.

نویسنده مسئول: ۰۵۶۳۳۳۸۱۶۵۳

Email: ensiyehnorouzi@yahoo.com.

چکیده

مقدمه: با توجه به رشد روز افزون طلاق و آسیب پذیری زنان مطلقه در جامعه، شناسایی عوامل موثر در ارتقاء کیفیت زندگی زنان پس از طلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا هدف از این تحقیق، بررسی وضعیت سازگاری پس از طلاق و عوامل مرتبط با آن در زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد می باشد. **روش بررسی:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی بر روی ۱۶۰ زن مطلقه تحت پوشش کمیته امداد شهر بیرجند به روش نمونه گیری چند مرحله ای در سال ۱۳۹۷ انجام شد. زنان واجد شرایط ورود به مطالعه در مناطق ۲ و ۱ شهر بیرجند به صورت سهمی و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب گردید. برای جمع آوری داده ها، از پرسشنامه جمعیت شناختی و پرسشنامه استاندارد سازگاری با طلاق فیشر که سازگاری را در قالب ۱۰۰ سوال در ۶ حیطه "خشم، غم و اندوه، اعتماد اجتماعی، خودباوری، رهایی از رابطه قبلی و خود ارزشمندی اجتماعی" می سنجد، استفاده گردید. این پرسشنامه در مطالعات متعدد در ایران، روایی و پایایی آن تایید شده است. پرسشنامه ها به روش خود ایفا تکمیل و داده ها در نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ وارد و به وسیله آزمونهای آماری مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و تست تعقیبی توکی در سطح آنالیز شد.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۱۶۰ زن مطلقه با میانگین سنی $2/6 \pm 5/37$ سال انجام شد. $5/77\%$ زنان مورد مطالعه خانه دار و مهمترین علت طلاق در زنان مورد مطالعه اعتیاد همسر ($48/33\%$) بود. میانگین نمره کل سازگاری در زنان مورد مطالعه $3/56 \pm 1/33$ تعیین گردید که $27/62\%$ از سازگاری ضعیف و $77/37\%$ از سازگاری متوسط برخوردار بودند. میانگین نمره سازگاری در زنان خانه دار بطور معناداری بالاتر از زنان شاغل ($P < 0/001$) و با افزایش سطح تحصیلات نمره سازگاری افزایش معنی داری را نشان داد ($P = 0/027$). علاوه بر این نمره سازگاری در زنانی که دلیل طلاق آنها اعتیاد همسر بود، بطور معناداری بالاتر از سایر زنان تعیین گردید ($P = 0/022$). همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بین سن، تعداد فرزند، شغل همسر سابق، طول مدت تاهل، سالهای سپری شده از طلاق، با سازگاری پس از طلاق رابطه معناداری وجود نداشت.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که زنان مطلقه مورد مطالعه از وضعیت سازگاری مطلوبی برخوردار نبودند؛ لذا انجام مداخلات مورد نیاز جهت بهبود وضعیت سازگاری به مسئولین و برنامه ریزان پیشنهاد می شود.

کلید واژه: طلاق- سازگاری- زنان مطلقه



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دومین همایش ملی سواد سلامت



تأثیر آموزش مبتنی بر تئوری خودتنظیمی بر سازگاری زنان مطلقه

چکیده

مقدمه: امروزه طلاق و پیامدهای آن، یکی از مشکلات اساسی جامعه محسوب می‌شود و زنان مطلقه نیازمند توجه بیشتری می‌باشند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر تئوری خودتنظیمی بر سازگاری زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. روش: این پژوهش از نوع کارآزمایی میدانی شاهد دار تصادفی شده، بر روی زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد شهر بیرجند انجام شد. از بین زنان مطلقه، ۶۰ زن که دارای شرایط ورود به مطالعه بودند به صورت در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی ساده در ۲ گروه مداخله (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) قرار گرفتند. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه استاندارد سازگاری با طلاق فیشر که سازگاری را در قالب ۱۰۰ سوال در ۶ حیطه "خشم، غم و اندوه، اعتماد اجتماعی، خودباوری، رهایی از رابطه قبلی و خود ارزشمندی اجتماعی" می‌سنجید، استفاده گردید. این پرسشنامه در مطالعات متعدد در ایران، روایی و پایایی آن تایید شده است. ابتدا در هر دو گروه پرسشنامه سازگاری با طلاق فیشر به روش خود ایفا تکمیل شد، سپس برای گروه مداخله، ۸ جلسه آموزشی مبتنی بر تئوری خود تنظیمی در طی یک ماه اجرا شد و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند. پس از آموزش مجدداً پرسشنامه‌ها در ۲ گروه تکمیل و داده‌ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ وارد و بوسیله آزمون t مستقل و زوج شده در سطح آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سن و مدت سپری شده از طلاق در دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معنی داری را نشان نداد. قبل از مداخله دو گروه از نظر نمره کل سازگاری و نمره سازگاری در حیطه‌های مختلف تفاوت معنی داری نداشتند ولی بعد از مداخله میانگین نمره کل سازگاری و حیطه‌های آن در گروه مداخله بطور معنا داری بالاتر از گروه شاهد بود ($P < 0.05$). میانگین نمره کل سازگاری از ۳۰.۸ به ۹/۳۶۴، حیطه خشم از ۱/۳۰ به ۸/۳۶، غم اندوه از ۴/۶۸ به ۶/۸۴، اعتماد اجتماعی از ۲۱ به ۷/۲۵، خودباوری از ۲/۷۹ به ۲/۹۳، رهایی از رابطه قبلی از ۲/۸۴ به ۹/۹۰ و خود ارزشمندی اجتماعی از ۲۵ به ۷/۳۳ افزایش معنی داری را نشان داد. ($P < 0.01$)

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گیری کرد که استفاده از تئوری خود تنظیمی بر سازگاری و کاهش پیامدهای منفی پس از طلاق موثر بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود از این روش در مراکز مشاوره جهت بهبود وضعیت زنان مطلقه استفاده شود.

کلید واژه: طلاق- سازگاری- تئوری خود تنظیمی

اعظم یوسفی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

غلامرضا شریف زاده

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

انسیه نوروزی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

سارا صحرانورد

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه روانشناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

محمدرضا میری

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۵۶۳۲۳۸۱۶۵۰

Miri_moh2516@Yahoo.com.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



بررسی سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران

جواد یوسفی لینی

* دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز تحقیقات ارتقا
سلامت دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۰۹۳۰۷۰۲۵۴۶۶
j.yousefi28@yahoo.com

بهار خسروی

کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید مدنی
آذربایجان

چکیده

مقدمه: سرمایه اجتماعی یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سلامتی جامعه است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۷-۱۳۹۶ می‌باشد که تعداد ۳۶۷ نفر به صورت تصادفی و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه سرمایه اجتماعی دلاویز (۱۳۸۴) به همراه تعدادی از متغیرهای زمینه‌ای استفاده شد. برای بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه به ترتیب از اعتبار صوری و آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. همچنین برای تحلیل داده‌ها و بررسی رابطه فرضیه‌ها از SPSS ۱۹ و نیز از آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه، تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: سرمایه اجتماعی در این پژوهش با میانگین ۵۴/۹۱ در سطح متوسطی قرار داشت. نتایج نشان داد که دانشجویان در بعد اعتماد با میانگین (۱۰/۹۷) کمترین میزان و در بعد مشارکت گروهی با میانگین (۱۷/۴۷) دارای بیشترین میزان سرمایه اجتماعی بودند. همچنین بین متغیرهای سن، دانشکده، جنسیت و وضعیت تاهل با سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌داری یافت نشد. اما متغیرهای وضعیت اشتغال، مقطع تحصیلی و وضعیت سکونت دارای رابطه معنی‌داری با سرمایه اجتماعی بودند.

نتیجه‌گیری: سرمایه اجتماعی می‌تواند بر سلامت روانی و اجتماعی دانشجویان و نیز در بالابردن سطح پیشرفت علمی و اجتماعی آنها موثر باشد بنابراین توجه به سرمایه اجتماعی دانشجویان و ارتقای آن باید یکی از اهداف اصلی مسئولین دانشگاه و جامعه باشد.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی ایران.



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



سنجش سواد سلامت بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک پای دیابتی بیمارستان فوق تخصصی علوی مشهد در سال ۹۷

چکیده

مقدمه: دیابت یک معضل مهم برای سلامت عمومی است. سواد سلامت، ظرفیتی فردی و اجتماعی برای دسترسی، فهم، ارزیابی اطلاعات و بهره مندی بهینه از آن برای ارتقاء سلامت است. این پژوهش با هدف سنجش سواد سلامت بیماران دیابتی انجام پذیرفته است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بر روی ۳۰۰ نفر از بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک پای دیابتی بیمارستان فوق تخصصی علوی با روش نمونه گیری تصادفی، با استفاده از پرسشنامه استاندارد سواد سلامت (HELIA Health Literacy for Iranian Adults) پس از تعدیل و اعتبار سنجی، انجام گردید. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و با آزمون‌های آماری توصیفی، آزمون T.A-Nova.Chi-Square، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده $53/04 \pm 5/32$ سال می‌باشد. تنها ۱۰ درصد از شرکت کنندگان از سواد سلامت کافی برخوردار بودند. سطح سواد سلامت ناکافی با افزایش سن، سطح تحصیلات پایین و جنس مؤنث ارتباط معناداری داشت. ($P < 0/0001$)

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سواد سلامت در ۷۵/۷ درصد از بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان علوی ناکافی، ۱۴/۳ درصد نه چندان کافی و فقط ۱۰ درصد افراد، سواد سلامت کافی داشتند. بنابراین مداخلات آموزشی مختلف به منظور بالا بردن سطح سواد سلامت این بیماران امری ضروریست.

کلید واژه: سنجش، سواد سلامت، پای دیابتی

محمدرضا یوسفی

* کارشناسی ارشد پرستاری سالمندان، بیمارستان فوق تخصصی علوی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۰۷۶۳۲۸

Email: yousefimr2@mums.ac.ir

محمد هادی سعید مدقق

فوق تخصص جراحی عروق، رئیس بیمارستان فوق تخصصی علوی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



طراحی ابزار سنجش خطر زخم پای دیابتی در بیماران دیابتی

محمد رضا یوسفی

* کارشناس ارشد پرستاری سالمندان، کلینیک زخم پای دیابتی، بیمارستان فوق تخصصی علوی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی. ۰۹۱۵۱۰۷۶۳۲۸
Email: Yousefi.reza66@gmail.com

چکیده

مقدمه: زخم پای دیابتی یکی از عوارض جدی و شایع در بیماران دیابتی می‌باشد. بررسی و تشخیص افراد مستعد، می‌تواند از پیشرفت بیماری، بستری شدن و از دست دادن عضو جلوگیری کند. بررسی بیماران نیازمند طراحی ابزار معتبر و پایا می‌باشد. این پژوهش با هدف طراحی ابزار سنجش خطر زخم پای دیابتی در بیماران دیابتی انجام پذیرفت.

روش بررسی: این مطالعه یک پژوهش روش شناسی است که در دو مرحله ۱. تعیین عبارات ابزار، ۲. تعیین ویژگی‌های روان سنجی (اعتبار و پایایی) ابزار انجام شد. در مرحله اول عبارات با استفاده از مفهوم مراقبت و بررسی پای دیابتی، مرور منابع، استفاده از ابزارهای موجود، نظر اساتید فوق تخصصی جراحی عروق، ارتوپد و داخلی و مصاحبه با ۱۰ نفر از بیماران زخم پای دیابتی، طراحی شد. در مرحله دوم اعتبار محتوی، اعتبار صوری، اعتبار ملاکی (ملاکی همزمان)، اعتبار سازه (تحلیل عاملی)، همسانی درونی (آلفا کرونباخ) و ثبات (پایایی آزمون مجدد) ابزار بررسی گردید.

یافته‌ها: پرسشنامه نهایی پس از نظر اساتید محترم، شامل ۳ بُعد مشاهده (۴ گویه)، لمس (۳ گویه) و بررسی (۶ گویه) طراحی شد. اعتبار پرسشنامه توسط ۵ نفر از اساتید فوق تخصصی جراحی عروق، فوق تخصص ارتوپدی پا و متخصص داخلی تأیید شد. نتایج حاصل از بررسی پایایی ابزار، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ضریب پایایی آزمون مجدد ۰/۸۶ نشان داده شد.

نتیجه گیری: ابزار سنجش خطر زخم پای دیابتی با نمره دهی ۰ تا ۳۸ در ۴ درجه تعیین وضعیت پای بیماران دیابتی از نظر مستعد بودن بروز زخم، طراحی شد که دارای اعتبار و پایایی می‌باشد. استفاده از این ابزار می‌تواند کمک زیادی جهت پیشگیری از زخم پای دیابتی نماید.

کلید واژه: طراحی ابزار، خطر زخم، پای دیابتی

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط سبک زندگی با شدت علائم یائسگی در زنان یائسه

چکیده

مقدمه: یائسگی یک واقعه ی فیزیولوژیک ولی همراه با یک سری نشانه ها و علائم آزاردهنده می باشد. از آنجایی که سبک زندگی بر سلامت افراد تاثیر می گذارد و بسیاری از علائم یائسگی با تغییراتی در شیوه زندگی تخفیف می یابند، مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط سبک زندگی با شدت علائم یائسگی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر یزد انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۷ در شهر یزد، مرکز ایران انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی ۳۴۳ زن یائسه که ۵-۱ سال از یائسگی آنها می گذشت، به طور طبیعی یائسه شده بودند، بیماری مزمن و ناتوان کننده ای نداشتند، انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت والکر (HPLP۲) و پرسشنامه علائم یائسگی (MRS) بود. رگرسیون خطی چندگانه سلسله مراتبی برای بررسی رابطه تطبیق یافته سبک زندگی و شدت علائم یائسگی انجام شد.

یافته ها: میانگین کلی نمره شدت علائم یائسگی (SD=۶/۵۵) ۱۰/۲۱ بود. میانگین کلی نمره سبک زندگی زنان (SD=۲۷/۷۹) ۱۲۶/۴۴ بود. نتایج رگرسیون خطی چندگانه سلسله مراتبی نشان داد که با افزایش نمره سبک زندگی میانگین نمره شدت علائم یائسگی در هر ۳ مدل به طور معناداری کاهش می یابد. (P=۰/۰۰۱)

نتیجه گیری: سبک زندگی سالم باعث کاهش شدت علائم یائسگی می شود بنابراین پیشنهاد می گردد سیاستگذاران عرصه سلامت در طراحی برنامه های مراقبتی زنان یائسه، به نقش سبک زندگی سالم از جمله فعالیت فیزیکی و رژیم غذایی سالم توجه ویژه ای داشته باشند. تا با پیشگیری از تشدید علائم یائسگی، در مراجعات به پزشک و هزینه های دارویی و درمانی صرفه جویی شود.

کلید واژه: یائسگی، علائم یائسگی، ارتباط، یائسه، شدت، ارتباط

سید سعید مظلومی محمودآباد

استاد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

یحیی سلیمی

استادیار، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه ایران.

نرجس بحری

استادیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

نوشین یوشنی

✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ۰۹۱۳۳۵۱۱۱۷۰

nooshin.yoshany@yahoo.com

مهديه خالقی

دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



مقایسه ارتباط سطح سواد سلامت با عوارض دیابت نوع ۲ در مناطق شهری و روستایی

جواهر یاری

* وابستگی: گروه پزشکی اجتماعی - دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی - تبریز - ایران
همراه: ۰۹۱۴۴۱۶۸۹۱۹
j.yari94@gmail.com

مهرانگیز قاسمیه

دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی

چکیده

مقدمه: دیابت شایع ترین اختلال متابولیکی است که میتواند بر کمیت و کیفیت زندگی بیمار تاثیر بگذارد. سواد سلامتی نشانگر مهارتهای شناختی واجتماعی است که توانایی لازم برای شناخت و بکارگیری اطلاعات بهداشتی را فراهم نموده طوری که فرد بتواند سلامت مطلوب را حفظ و بهبود بخشد. لذا این مطالعه با هدف مقایسه ارتباط سطح سواد سلامت بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ جهت پیشگیری از عوارض آن در شهرستان تبریز و روستاهای حومه انجام گرفت.

متد و روش: پژوهش حاضر بررسی توصیفی - تحلیلی مقطعی بوده و جامعه پژوهش ۳۵۰ بیمار دیابتی نوع ۲ مراجعه کننده به مرکز اطلاع رسانی دیابت تبریز و مراکز سلامت روستایی میباشد. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه سلامت مشتمل تجزیه و تحلیل گردید. SPSS بر ۲۰ سوال بوده که نتایج با نرم افزار یافته ها: در این مطالعه در مجموع ۳۵۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو شرکت کردند. تقریباً ۷۰٪ بیماران زن و ۳۰٪ مرد بودند. میانگین سطح سواد سلامت بیماران متوسط، میانگین سن ۴۳+/۲ بود. رابطه آماری معنی داری بین سطح سواد سلامت با سن و سطح تحصیلات در هر دو وجود داشت ($P < 0.001$).. با افزایش تحصیلات و کاهش سن سواد سلامت افزایش می یافت ولی رابطه آماری معنی داری بین سواد سلامت با عوارض دیابت شامل رتینوپاتی و نفروپاتی وجود نداشت ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: سطح سواد سلامت بیماران دیابتی پایین میباشد که نیازمند برنامه ریزی جهت افزایش سطح سواد سلامت بیماران است بنابراین پیشنهاد میگردد که سیاست گزاران برنامه های آموزشی و مشاوره ای از طریق مراکز بهداشتی درمانی و رسانه عمومی را طراحی نمایند تا باعث کاهش مرگ و میر و عوارض ناشی از دیابت بیماران شده و از افزایش هزینه های درمانی هنگام جلوگیری گردد همانطور که میدانیم پیشگیری بهتر از درمان است.

کلید واژه: سواد سلامت، دیابت نوع دو، عوارض دیابت،



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



ارتباط بین فعالیت فیزیکی و رفتارهای تغذیه ای با چاقی در دانش آوزان پسر

چکیده

مقدمه: فعالیت فیزیکی نقش مهمی در پیشگیری از اضافه وزن و چاقی در دوران کودکی و نوجوانی و ابتلا به چاقی در دوران بزرگسالی ایفا می کند. با توجه به بالا بودن خطر ابتلاء به اضافه وزن و چاقی در نوجوانان بالغ، بالا بردن انگیزش کودکان و نوجوانان در فعالیتهای فیزیکی و ورزشی هدف اصلی پیشگیری از چاقی است. بنابراین هدف از مطالعه، بررسی رابطه میزان فعالیت بدنی و رفتارهای تغذیه ای در دانش آموزان پسر دبیرستانی تبریزی باشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۵۰ نفر ازدانش آموزان پسر ۱۴-۱۸ ساله شهر تبریز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی انجام شد سطح فعالیتهای فیزیکی و رفتارهای تغذیه ای با پرسشنامه استاندارد، بررسی داده های مربوط به تجزیه SPSS سن، وزن، قد و شیوع اضافه وزن و چاقی بر اساس درصد ۸۵ و ۹۵ برای سن جنس تعیین و با نرم افزار و تحلیل گردید.

یافته ها: شیوع اضافه وزن، چاقی بترتیب ۲/۶، ۱۵/۲ و بقیه نرمال و لاغر بود که ارتباط معکوس بین سطح و سطح تحصیلات والدین و رفتارهای کم تحرکی نظیر تماشای تلویزیون، بازیهای کامپیوتری مشاهده BMI فعالیت فیزیکی و شد. در بین وعده های اصلی، صبحانه واز بین میان وعده ها، میان وعده عصر کمترین مصرف را داشت و شام اکثرا فست فود بود. دفعات مصرف گروه لبنیات، میوه، سبزی در کمترین میزان هرم غذایی بود و بالاترین مصرف در گروه لبنیات مربوط به بستنی، در گروه گوشت، غذاهای فراوری شده و آماده و در گروه سبزیها سیب زمینی سرخ کرده بود.

نتیجه گیری: نتایج نشانگر شیوع بالای اضافه وزن و چاقی در بین دانش آموزان پسر شهرستان تبریز میباشد بنابراین پیشنهاد میشود که سیاست گزاران برنامه هایی را طراحی نمایند که فعالیتهای فیزیکی و ورزش جایگزین بازیهای کامپیوتری و تماشای تلویزیون و همچنین مصرف فست فودها برای دانش آموزان شهری به حداقل برسد.

کلید واژه: فعالیت فیزیکی، رفتارهای تغذیه ای، چاقی، دانش آموزان پسر

جوهر یاری

* وابستگی : گروه پزشکی اجتماعی - دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی - تبریز- ایران
همراه: ۰۹۱۴۴۱۶۸۹۱۹

j.yari94@gmail.com

مهرانگیز قاسمیه

دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی



نهمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دومین همایش ملی سواد سلامت



فرسودگی شغلی، حمایت اجتماعی و حمایت سازمانی: مطالعه ای تحلیلی - مقطعی در کارگران صنعت نساجی در شهر یزد

فرخ لقا ثروت

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

سید سعید مظلومی محمود آباد

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

معصومه عباسی شوازی

* دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران) نویسنده مسئول: ۰۳۵۳۱۴۹۲۱۷۶
mabbasishavazi@gmail.com

زینب عنبری نوجینی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران)

چکیده

مقدمه: ویژگی‌های فردی و عوامل موقعیتی افراد نظیر عدم حمایت‌های اجتماعی و سازمانی، مبهم بودن آینده شغلی، شیفت کاری، تبعیض و پایین بودن میزان دستمزد، یکنواخت و تکراری بودن کارها و نارضایتی از شغل و محیط کار از عوامل موثری هستند که ارتباط تنگاتنگی با فرسودگی شغلی دارند. در این راستا هدف از انجام این مطالعه بررسی همبستگی بین حمایت اجتماعی و حمایت سازمانی با فرسودگی شغلی و میزان پیش بینی کنندگی فرسودگی شغلی توسط این متغیرها بوده است.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر از کارگران نساجی شهر بودند که به روش تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه شامل سه بخش حمایت اجتماعی، حمایت سازمانی و فرسودگی شغلی مسلش بود که به روش مصاحبه از کارگران مورد مطالعه تکمیل گردید. که با استفاده از ۱۶ spss و روش‌های آماری ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج، قویترین رابطه مثبت و معنادار، بین فرسودگی شغلی و خستگی هیجانی مشاهده شد ($r=0/88$). هم چنین بین فرسودگی شغلی و حمایت اجتماعی و تمامی ابعاد آن نیز همبستگی منفی و معناداری وجود داشت که قویترین این ارتباط بین حمایت دوستان با فرسودگی شغلی بود که البته جهت معکوس داشت ($r=-0/4$). به همین ترتیب بین حمایت سازمانی و فرسودگی شغلی نیز همبستگی منفی و معناداری مشاهده گردید ($r=-0/531$). طبق نتایج، مقدار R^2 برابر با $0/359$ بود که نشان دهنده آن بود که $35/9$ درصد از تغییرات در فرسودگی شغلی، توسط دو متغیر حمایت اجتماعی و حمایت سازمانی تبیین شده است.

نتیجه گیری: یافته ها نشانگر آن است که حمایت سازمانی و حمایت اجتماعی پیش بینی کننده‌های قوی فرسودگی شغلی هستند که می‌توان با افزایش آنها فرسودگی شغلی را در کارگران کاهش داد که این امر مستلزم همکاری کارفرمایان و خانواده‌های کارگران می‌باشد.

کلید واژه: فرسودگی شغلی، حمایت اجتماعی، حمایت سازمانی، کارگران